
بسم الله الرحمن الرحیم
وَ أَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ
وَمِن رِّباطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ

و هر چه در توان دارید آمادهٔ بسیج کنید،
تا با این [تدارکات]،
دشمن خدا و دشمن خودتان،
و [دشمنان] دیگری را جز ایشان
-که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد-
بترسانید.



معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه



سپاه در گذر انقلاب

«مکتب سپاه»

مجموعهٔ
اطلاعیه،
بیانیه،
اخبار
و ... سپاه

جلد بیست و ششم

۱۳۶۱/۰۷/۱۳ تا ۱۳۶۱/۰۷/۳۰

به کوشش
محمدقاسم فروغی جهرمی

سرشناسه: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
عنوان و نام پدیدآور: سپاه در گذر انقلاب: مکتب سپاه : مجموعهٔ اطلاعیه، بیانیه، اخبار و... سپاه
به کوشش محمدقاسم فروغی‌جهرمی.
مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، معاونت روابط عمومی و انتشارات، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ج. : مصور، جدول.
شابک: دوره: ۵-۷-۹۵۰۲۴-۹۶۴-۹۷۸ ج.۲۶ : ۸-۳۰-۶۴۸۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: ج.۱- ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۹۳) - ج.۱۲- ۳۳ (چاپ اول: ۱۴۰۱).
مندرجات: ج.۲۶.- ۱۳۶۱/۰۷/۱۳ تا ۱۳۶۱/۰۷/۳۰
عنوان دیگر: مجموعهٔ اطلاعیه، بیانیه، اخبار و... سپاه.
موضوع: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
موضوع: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی -- بیانیه‌ها و جزوه‌ها
شناسهٔ افزوده: فروغی جهرمی، محمدقاسم، گردآورنده
شناسهٔ افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ادارهٔ روابط عمومی و انتشارات
رده بندی کنگره: رده بندی دیویی: ۱۳۹۳ ۲۳س ۲س/DSR۱۵۹۱
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴
شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۲۷۸۱۹۸۸

سپاه در گذر انقلاب
مجموعهٔ اطلاعیه، بیانیه، اخبار و... سپاه
جلد بیست‌وششم / (۱۳۶۱/۰۷/۱۳ تا ۱۳۶۱/۰۷/۳۰)
به کوشش: محمد قاسم فروغی جهرمی
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۱ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
طرح جلد: سیدایمان نوری‌بخش
تنظیم صفحات و اصلاحات جلد: مجید برکتی - علی ملازاده
شابک: دوره: ۵-۷-۹۵۰۲۴-۹۶۴-۹۷۸ ج ۲۶: ۸-۳۰-۶۴۸۹-۶۰۰-۹۷۸
ناشر: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: بلاغ
مرکز پخش: تهران: خیابان کریمخان - خیابان نجات‌الهی - خیابان شهید لبافی - شماره ۱۵
تلفن: ۸۸۸۹۶۸۷۶

فهرست

به جای مقدمه

همراه با طلیعه‌داران سبز انقلاب اسلامی

محمدقاسم فروغی‌جهرمی ۳۵

توضیح یک نکتهٔ مهم ۴۳

شماره	تاریخ	نوع مطلب	موضوع	صفحه
۱	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	اخطار به موجرین در قم	۴۵
۲	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	مسألهٔ حجاج در مکه، جنگ، استیصال دشمن و حامیان مستکبر و قلدر او	۴۶
۳	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	رد یک فوریت طرح تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور در مجلس شورای اسلامی	۴۹
۴	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	رمز پیروزی سپاه اسلام، صلح طلبی ایران اسلامی و عجز صدام	۵۵
۵	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	ادامهٔ ابراز موج تنفر و انزجار از عمل جنایت‌بار اخیر منافقین در تهران	۵۷
۶	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	گزارشی از جبههٔ آبادان	۵۹
۷	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	تحرکات نظامی در جبهه‌های غرب و جنوب کشور	۶۱
۸	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملات مبارزین مسلمان عراقی به مزدوران بعثی	۶۵
۹	۱۳ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	وضعیت ارتش صدام از زبان اسرای عراقی	۶۶
۱۰	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی ۴ مسلمان عراقی	۷۰
۱۱	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	درگیری با ضدانقلابیون	۷۱
۱۲	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی ۱۵ کیلومتر دیگر از محور سردشت - پیرانشهر	۷۲
۱۳	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات پاک‌سازی در چند روستای شهرهای کردستان و آذربایجان غربی	۷۴
۱۴	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	تسلیم ۵ ضد انقلاب از اعضای حزب منحلهٔ دمکرات	۷۶
۱۵	۱۳ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	دیدار دوستانهٔ فوتبال برادران سپاه و اسرای عراقی	۷۷
۱۶	۱۳ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	دستگیری و هلاکت بیش از ۳۰تن از کادرهای بالای منافقین	۸۰

۱۷	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	ورود مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بوشهر	۸۲
۱۸	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	راه‌پیمایی پر شکوه عشایر مسلمان فیروزآباد به حمایت از اعدام خسروخان قشقائی	۸۴
۱۹	۱۳ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	دعوت از کلیهٔ خبرنگاران خارجی برای بازدید از جبهه‌ها	۸۶
۲۰	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	ورود هیأت ستاد بازسازی مازندران به خوزستان برای تسریع در امر بازسازی مناطق جنگی	۸۷
۲۱	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	مانور برادران بسیج شهرستان قزوین	۸۹
۲۲	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های امت حزب‌الله بوشهر به جبهه‌ها	۹۰
۲۳	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	چرا استکبار و رژیم‌های مرتجع از صدام حمایت می‌کنند؟	۹۱
۲۴	۱۳ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	علت تشکیل جلسهٔ شورای امنیت در مورد ایران و جنگ تحمیلی در شرایط کنونی	۹۶
۲۵	۱۳ مهر ۱۳۶۱	خبر	تلاش کشورهای عربی به ویژهٔ سودان برای نجات صدام ورشکسته	۹۸
۲۶	۱۵ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	دریافت کارت پایان خدمت سربازان در سپاه	۱۰۰
۲۷	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	کشورهای دشمن آمریکا، دوست ایران هستند	۱۰۱
۲۸	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	جایگاه انقلاب اسلامی و لزوم همکاری همه‌جانبه بین کشورهای اسلامی	۱۰۳
۲۹	۱۵ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	مروری بر مسألهٔ جنگ و آغاز آن و نقش بنی‌صدر	۱۰۵
۳۰	۱۵ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	نقش ژاندارمری در طول ۲ سال جنگ تحمیلی	۱۱۰
۳۱	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	شرایط جدید پس از عملیات مسلم‌بن عقیل برای رسیدن به بغداد	۱۱۲
۳۲	۱۵ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	قطعنامه‌های شورای امنیت به دلیل حمایت از متجاوز، بی‌اعتبار است	۱۱۴
۳۳	۱۵ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	ماجرای سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ فرماندهان نظامی از زبان تنها بازماندهٔ سانحه	۱۲۰

۳۴	۱۵ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	بازدید خبرنگاران خارجی از ارتفاعات آزاد شده در عملیات مسلم‌ابن‌عقیل	۱۲۷
۳۵	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تبلیغات کاذب رژیم عراق در مورد بازپس گیری مناطق عملیات مسلم‌بن‌عقیل	۱۳۰
۳۶	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	نبرد در جبهه‌های جنوب	۱۳۱
۳۷	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	نبرد در جبهه‌های غرب	۱۳۳
۳۸	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام ۲ تیپ و ۲ قرارگاه فرماندهی عراق توسط خلبانان ایران	۱۳۶
۳۹	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	متلاشی شدن یک ستون ارتش عراق توسط انقلابیون	۱۳۷
۴۰	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام یک مقر گروهک دمکرات	۱۳۸
۴۱	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی یک سرباز انقلابی و وضعیت داخل عراق	۱۳۹
۴۲	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تقاضای امان‌نامه	۱۴۰
۴۳	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	محکومیت ۱۲ تن از اعضای منافقین به حبس در ساری	۱۴۱
۴۴	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	پشتیبانی عشایر غیور فسا از اعدام انقلابی خسرو قشقایی	۱۴۲
۴۵	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازدید فرماندهٔ سپاه پاسداران از استان‌های فارس و بوشهر	۱۴۳
۴۶	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	مراسم عیدغدیر در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز	۱۴۵
۴۷	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	فعالیت‌های پشت جبهه در مشهد	۱۴۶
۴۸	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های امت حزب‌الله به رزمندگان اسلام	۱۴۷
۴۹	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور	۱۴۹
۵۰	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	مراسم بزرگداشت شهدا	۱۵۱

۵۱	۱۵ مهر ۱۳۶۱	وصیت‌نامه	توصیه‌های ۱ شهید	۱۵۴
۵۲	۱۵ مهر ۱۳۶۱	زندگی‌نامه	آشنایی با زندگی و فعالیت‌های شهید ناصر کاظمی	۱۵۶
۵۳	۱۵ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	خیانت سادات به ملت‌های منطقه و حرکت انقلابی خالد اسلامبولی	۱۶۶
۵۴	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	خلع سلاح مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان با همکاری نیروهای مداخله‌گر چندملیتی	۱۶۶
۵۵	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	ملاقات وزیر دارایی و اقتصاد سعودی با مقامات آمریکا	۱۷۰
۵۶	۱۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	وحشت آمریکا از حملات انتقامی مسلمانان سراسر جهان	۱۷۲
۵۷	۱۷ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	مقایسهٔ نظام اسلامی با سایر حکومت‌ها، توصیه به کشورها و ملت‌های اسلامی	۱۷۴
۵۸	۱۷ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	مسائل جنگ و ادعاهای صدام	۱۸۲
۵۹	۱۷ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	شرایط پایان جنگ، نهضت آزادی و ...	۱۸۸
۶۰	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	شرایط ایران برای پایان جنگ	۱۹۴
۶۱	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	سفر برادر رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به فیروزآباد و جهرم	۱۹۶
۶۲	۱۷ مهر ۱۳۶۱	نامه و یادداشت تحلیلی	درخواست بخشش برای خیانتکاران و کودتاگران	۱۹۷
۶۳	۱۷ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	حزب توده و موضع‌گیری‌های مزورانه و خیانت‌بارش	۲۰۱
۶۴	۱۷ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	گزارشی از فعالیت‌های امداد پزشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۲۱۳
۶۵	۱۷ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	تصرف ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی عراق	۲۱۹
۶۶	۱۷ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	انواع خودکفایی صنعتی، نظامی و... در کشور	۲۲۹
۶۷	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	نتایج عملیات جبهه‌های جنوب	۲۴۰

۶۸	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	نبرد در جبهه‌های غرب کشور	۲۴۱
۶۹	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات چریکی رزمندگان اسلام در جبهه‌های مهران	۲۴۲
۷۰	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات موفقیت‌آمیز نفوذی رزمندگان اسلام	۲۴۳
۷۱	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	جنگ در آن سوی ارتفاعات گیسکه، کهنه‌ریگ و میان‌تنگ	۲۴۴
۷۲	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاکسازی ۱۲ روستا درمحور قروه دهگلان	۲۴۵
۷۳	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اسارت ۱۰ صدامی در منطقهٔ عملیاتی مسلم بن عقیل	۲۴۶
۷۴	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	به کار گماشتن ۲۹۰ مهاجر جنگی	۲۴۷
۷۵	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعلام تاریخ ثبت نام معاودین عراقی در دانشگاه تهران	۲۴۸
۷۶	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	پایان گردهمایی مسئولان اردوگاه‌ها و شوراهای اردویی سپاه پاسداران	۲۴۹
۷۷	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	آمادگی پایگاه‌های مقاومت بسیج برای مبارزه با توطئه‌های جدید شیطان بزرگ	۲۵۰
۷۸	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام یک اکیپ فنی ۳۵ نفره به جبهه‌های غرب	۲۵۲
۷۹	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به جبهه‌های نبرد	۲۵۳
۸۰	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	عزیمت داوطلبانهٔ ۲۱۵ تن از ایثارگران جهاد سازندگی به جبهه‌های جنگ	۲۵۴
۸۱	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	ارسال کمک به مناطق جنگی	۲۵۵
۸۲	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	شهادت فرماندهٔ سپاه پاسداران شفت	۲۵۷
۸۳	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	آئین تشییع و خاک‌سپاری مدافعان اسلام	۲۵۸
۸۴	۱۷ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	مراسم ختم و بزرگداشت شهدا	۲۶۰

۸۵	۱۷ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	شفا یافتن رزمنده‌ای نابینا در حرم امام رضا(ع) پس از توسل به آن حضرت	۲۶۲
۸۶	۱۷ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	کمک‌های حاکم سودان - جعفر نمیری- به صدام در جنگ با ایران	۲۶۹
۸۷	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	ایرانی قدرتمند، نیاز جهان اسلام	۲۷۳
۸۸	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اوضاع نابسامان اقتصاد عراق به رغم کمک‌های کشورهای مرتجع	۲۷۵
۸۹	۱۷ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	عراق چشم انتظار کمک‌های آمریکا	۲۷۷
۹۰	۱۷ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	توافق و هماهنگی ارتجاع عرب در تجاوز اسرائیل به لبنان	۲۷۹
۹۱	۱۷ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	افزایش موج دستگیری مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان و اعتراض مقامات و مسئولان این کشور	۲۸۲
۹۲	۱۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	قتل‌عام مردم با تأسی به رژیم صهیونیستی به دست رژیم آمریکایی گواتمالا	۲۸۵
۹۳	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	ناتوانی صدام در جبهه‌های جنگ	۲۸۷
۹۴	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات مسلم‌بن عقیل مظهر معنویت و امدادهای غیبی	۲۸۹
۹۵	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	سخنرانی فرماندهٔ سپاه پاسداران در فسا	۲۹۱
۹۶	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	جنگ، توطئه‌های منافقین و ابرقدرت‌ها و قطعنامهٔ بی‌اعتبار سازمان ملل	۲۹۲
۹۷	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	اقامهٔ نماز دشمن‌شکن جمعه در کاشمر و سخنرانی فرماندهٔ سپاه این شهر	۳۰۰
۹۸	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	شلیک توپخانه دوربرد دشمن صهیونیست بر روی مناطق مسکونی آبادان	۳۰۱
۹۹	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام ۱۴ تانک دشمن توسط هلی‌کوپترهای ایران در مندلی عراق	۳۰۲
۱۰۰	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملهٔ جنگنده‌های هوانیروز به تانک‌های دشمن در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل	۳۰۳
۱۰۱	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	کشف ۱۵ هزار فشنگ و مهمات دیگر	۳۰۴

۱۰۲	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	به هلاکت رسیدن ۱۰ سرباز عراقی و ۷ دمکرات	۳۰۵
۱۰۳	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفع حملهٔ مهاجمین به پایگاه روستای شیرین بلاغ	۳۰۶
۱۰۴	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی ۱۶ مسلمان عراقی	۳۰۷
۱۰۵	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	درگیری با ضدانقلاب	۳۰۸
۱۰۶	۱۸ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	دستگیری ۲۴ منافق در شیراز	۳۰۹
۱۰۷	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	آسفالت راه‌ها و پاک‌سازی منطقهٔ جنوب شرقی استان آذربایجان‌غربی	۳۱۲
۱۰۸	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	انجام مراسم صبحگاهی مشترک	۳۱۵
۱۰۹	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به مناطق جنگی غرب و جنوب	۳۱۶
۱۱۰	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک به جبهه‌های جنگ و بازسازی مناطق جنگی	۳۱۷
۱۱۱	۱۸ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	تحویل کمک‌های مردمی برای سیل زدگان به گروه‌های مقاومت در ستادهای واحد بسیج	۳۱۹
۱۱۲	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک و مطهر گروهی از شهدا	۳۲۰
۱۱۳	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	مراسم بزرگداشت شهدا	۳۲۲
۱۱۴	۱۸ مهر ۱۳۶۱	وصیت‌نامه	توصیه‌های ۱ شهید	۳۲۷
۱۱۵	۱۸ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تبیینی	چگونگی و علت تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی	۳۳۲
۱۱۶	۱۸ مهر ۱۳۶۱	سرمقالهٔ تحلیلی	مواضع خصمانهٔ شوروی در جنگ ایران و عراق	۳۳۴
۱۱۷	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	تبلیغات دروغین روزنامهٔ صهیونیستی کریسچین ساینس مانیتور علیه ایران	۳۳۹
۱۱۸	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	تکذیب ادعاهای رادیو بغداد توسط سفیر ترکیه در تهران	۳۴۱

۱۱۹	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعتراض یک روزنامهٔ رسمی ترکیه به شکنجهٔ اتباع این کشور در زندان‌های عراق	۳۴۲
۱۲۰	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	حیلهٔ جدید «بانک عمران اسلامی» برای نجات صدام	۳۴۴
۱۲۱	۱۸ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	قلع و قمع مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان و دیدارهای عرفات در منطقه	۳۴۵
۱۲۲	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	ورود وزیر خارجهٔ انگلیس به منطقه و مشکلات اقتصادی عراق	۳۴۸
۱۲۳	۱۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک ۳ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل در سال جاری	۳۵۰
۱۲۴	۱۹ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	بسیج پرسنل سپاه برای کمک به سیل‌زدگان	۳۵۱
۱۲۵	۱۹ مهر ۱۳۶۱	پیام	محکومیت رفتار وحشیانهٔ پلیس عربستان با حجاج ایرانی و اخراج نمایندهٔ امام	۳۵۲
۱۲۶	۱۹ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	رمز بزرگ نظام اسلامی ما	۳۵۶
۱۲۷	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفاع ما تا رفع تجاوز رژیم عراق ادامه دارد	۳۵۹
۱۲۸	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار فرماندهٔ سپاه پاسداران از بندرعباس و بازدید از ناوگان خلیج فارس	۳۶۱
۱۲۹	۱۹ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	تشریح نقش تیپ ۵۵ هوابرد شیراز در طول جنگ تحمیلی	۳۶۲
۱۳۰	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	ورود دکتر ولایتی به نیویورک برای اعلام مواضع کشورمان خصوصاً جنگ تحمیلی	۳۶۴
۱۳۱	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام مقر تجمع نیروهای دشمن در مهران و زرباتیه عراق و وضعیت جبهه‌های جنوب و غرب کشور	۳۶۵
۱۳۲	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	اوضاع نبرد درغرب کشور	۳۶۶
۱۳۳	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	وضعیت جبهه‌های جنوب و آبادان	۳۶۷
۱۳۴	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	وضعیت جبهه‌های جنوب	۳۶۹
۱۳۵	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	شکار یک هواپیمای جنگی و ۳ تانک عراق توسط خلبانان قدرتمند اسلام	۳۷۰

۱۳۶	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	مهار حریق چند واحد مسکونی در آبادان	۳۷۲
۱۳۷	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی ۱۶ مسلمان عراقی	۳۷۳
۱۳۸	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری ۲۸۳ منافق در تهران	۳۷۴
۱۳۹	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازدید امام جمعه و استاندار بابل از سوسنگرد و مناطق جنگی	۳۷۹
۱۴۰	۱۹ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	کشف چند لانهٔ تیمی و دستگیری منافقین در فارس و بوشهر و خنثی شدن طرح ترور بیش از ۷۰ تن از افراد حزب‌اللهی	۳۸۰
۱۴۱	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعلام شرایط شرکت رزمندگان در امتحانات نهایی آبان‌ماه ۶۱	۳۸۳
۱۴۲	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	امتحان از دانش‌آموزان رزمنده در جبهه‌ها و ارتقای سلاح‌های معمول در انستیتوهای آموزش و پرورش شیراز با کمک سپاه	۳۸۵
۱۴۳	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک مردم قائم‌شهر به جبهه‌ها	۳۸۷
۱۴۴	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهید حجت‌الاسلام حسن دارا دوست درسمنان	۳۸۸
۱۴۵	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	تجلیل از شهدای عملیات مسلم بن عقیل در ایلام	۳۸۹
۱۴۶	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	مراسم بزرگداشت شهدا	۳۹۰
۱۴۷	۱۹ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تبیینی	هدف از تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی چه بوده و مرکز آن کجاست؟	۳۹۲
۱۴۸	۱۹ مهر ۱۳۶۱	سرمقالهٔ تحلیلی	تدابیر نابخردانهٔ حکام کویت در جنگ تحمیلی	۳۹۴
۱۴۹	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	نظرات رهبران دو حزب پاکستان درباره ایران	۳۹۸
۱۵۰	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	مسمومیت البکر توسط صدام	۴۰۰
۱۵۱	۱۹ مهر ۱۳۶۱	یادداشت	برقراری «روابط ویژه» اسرائیل با لبنان با فرمول جدید	۴۰۲
۱۵۲	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	پیوستن فالانژها و نیروهای سعد حداد به ارتش لبنان	۴۰۴

۱۵۳	۱۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	تلاش فالانژها برای تبدیل بیروت به یک شهر مسیحی‌نشین	۴۰۷
۱۵۴	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	تمدید مهلت ثبت نام داوطلبان اعزام به جبهه	۴۱۰
۱۵۵	۲۰ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	بیشترین عضو سپاه در جزیرهٔ هرمز نسبت به جمعیتش؛ وضعیت جنگ و ورود به زاهدان	۴۱۱
۱۵۶	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	سخنرانی فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش در مراسم صبحگاه مشترک در تبریز	۴۱۴
۱۵۷	۲۰ مهر ۱۳۶۱	نقد و تحلیل	نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق» - گروهک معروف به میثمی	۴۱۶
۱۵۸	۲۰ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	آزادسازی ۳۰ کیلومتر از یک رشته ارتفاعات در عملیات مسلم‌بن عقیل	۴۷۲
۱۵۹	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	وارد آمدن خسارت به ۱ ستون موتوری دشمن در حوالی بیاره عراق	۴۷۴
۱۶۰	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملهٔ هواپیماهای عراقی به حریم فضایی ایلام، ایوان غرب و آبادان و خسارت وارده به منازی مسکونی در آبادان	۴۷۵
۱۶۱	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	شهادت ۴ کارگر یک نانوائی در آبادان بر اثر آتش دشمن متجاوز بعثی صهیونیستی عراق	۴۷۷
۱۶۲	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملهٔ هواپیماهای عراقی به حریم فضایی ایوان غرب	۴۷۸
۱۶۳	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	نبرد در جبهه‌های غرب	۴۷۹
۱۶۴	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	هلاکت یکی از سرکردگان اشرار	۴۸۰
۱۶۵	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	شهادت ۲ کرد مسلمان و...	۴۸۱
۱۶۶	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	کشف انواع اقلام جنگی توسط ژاندارمری	۴۸۲
۱۶۷	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	حمله به پادگان نالپاریز عراق	۴۸۳
۱۶۸	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	تقاضای پناهندگی از جمهوری اسلامی	۴۸۴
۱۶۹	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعدام ۲ عضو اتحادیهٔ کمونیست‌ها	۴۸۵

۱۷۰	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری ۸ هوادار گروهک‌های محارب در گچساران	۴۸۶
۱۷۱	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری یک سرمایه دار ضدانقلاب در خمینی‌شهر	۴۸۷
۱۷۲	۲۰ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	برای ترمیم خسارات بمب‌گذاری‌ها هیچ محدودیتی نداریم	۴۸۸
۱۷۳	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازدید امام جمعهٔ بهشتی شهر از جبهه‌های جنوب	۴۹۱
۱۷۴	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار گروهی از خانواده شهدا از شهر شوش	۴۹۲
۱۷۵	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری نماز وحدت نیروهای مسلح در پادگان نیروی هوایی	۴۹۳
۱۷۶	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	بررسی مسائل و مشکلات اسرای عراقی مستقر در سمنان	۴۹۴
۱۷۷	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	پایان سمینار آموزشی مراکز فرهنگی و آموزشی نیروی زمینی	۴۹۵
۱۷۸	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	انتصاب مدیرکل جدید صنایع و معادن استان مازندران	۴۹۷
۱۷۹	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به جبهه‌های نبرد	۴۹۸
۱۸۰	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک به برادران رزمنده در جبهه‌ها	۴۹۹
۱۸۱	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک گروهی از شهدا	۵۰۰
۱۸۲	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا	۵۰۱
۱۸۳	۲۰ مهر ۱۳۶۱	وصیت‌نامه	توصیه‌های ۱ شهید	۵۰۵
۱۸۴	۲۰ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	جنایات نیروهای چند ملیتی در لبنان و راه‌کار مبارزه با متجاوزین مستکبر	۵۰۸
۱۸۵	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	ضرورت خروج نیروهای صهیونیستی از تمامی سرزمین‌های اشغالی	۵۱۲
۱۸۶	۲۰ مهر ۱۳۶۱	خبر	طرح قتل‌عام در اردوگاه‌های فلسطینی توسط فالانژها	۵۱۴

۱۸۷	۲۱ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	فعالیت سپاه اسلام طی ۲۴ ساعت گذشته	۵۱۷
۱۸۸	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	فرماندهٔ سپاه پاسداران در چابهار	۵۱۹
۱۸۹	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفاع عادلانه تا احقاق حقوق حقهٔ ملت ایران	۵۲۰
۱۹۰	۲۱ مهر ۱۳۶۱	پیام	صلح چه زمانی معنی و مفهوم خود را پیدا می‌کند؟	۵۲۲
۱۹۱	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	مشهودات خبرنگار خبرگزاری فرانسه از مواضع آزاد شده در غرب کشور ایران	۵۲۴
۱۹۲	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	درهم شکستن ۳ ضدحملهٔ کفار بعثی توسط قوای اسلام در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل	۵۲۶
۱۹۳	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	اجرای آتش بر مواضع بعثیون در غرب	۵۲۸
۱۹۴	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات چریکی رزمندگان اسلام در پاسگاه کله شرقی عراق	۵۲۹
۱۹۵	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعدام ۷۵۰ نفر از مردم مسلمان عراق توسط مزدوران صدام	۵۳۰
۱۹۶	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	تقاضای امان‌نامه از سوی افراد گروهکی	۵۳۱
۱۹۷	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی گروهی از مسلمانان ستم‌دیدهٔ عراقی به ایران	۵۳۲
۱۹۸	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	هلاکت ۱ منافق بر اثر انفجار نارنجک	۵۳۳
۱۹۹	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری منافق مسلح توسط مردم شیراز	۵۳۴
۲۰۰	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازسازی ۴۷ روستای جنگ‌زدهٔ خوزستان	۵۳۵
۲۰۱	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	آغاز به کار ستادبازسازی شهر سوسنگرد در قائم‌شهر	۵۳۸
۲۰۲	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	توزیع دفترچهٔ ارزاق در سردشت	۵۳۹
۲۰۳	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مسابقهٔ دوچرخه‌سواری گرامیداشت رزمندگان اسلام	۵۴۰

۲۰۴	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	عدم برگزاری مسابقات کشتی قهرمانی جوانان آسیا در بغداد	۵۴۱
۲۰۵	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به جبهه	۵۴۳
۲۰۶	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک به جبهه‌های نبرد	۵۴۴
۲۰۷	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا	۵۴۶
۲۰۸	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا	۵۴۸
۲۰۹	۲۱ مهر ۱۳۶۱	وصیت‌نامه	توصیه‌های یک شهید	۵۵۱
۲۱۰	۲۱ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	معرفی ۵ شهید از اعضای یک خانواده و مصاحبه با پدر و مادر	۵۵۶
۲۱۱	۲۱ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تبیینی	سیاست ایران در قبال سازمان کنفرانس اسلامی	۵۶۰
۲۱۲	۲۱ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تبیینی	دسیسه‌های خائنانهٔ شورای همکاری خلیج فارس علیه اسلام و مسلمین	۵۶۲
۲۱۳	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	اخراج ۲۶ دانشجوی مسلمان ایرانی از آلمان	۵۶۶
۲۱۴	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	ناشناخته بودن حرکت‌های ایران برای آمریکا	۵۶۷
۲۱۵	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعتراف مجدد کارتر به شکست توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی	۵۶۹
۲۱۶	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	ممنوعیت حجاب اسلامی در دانشگاه‌های مصر از سوی رژیم مبارک	۵۷۱
۲۱۷	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	ورود معاون وزیر جنگ آمریکا به بیروت، افزایش نیروهای مداخله‌گر در لبنان	۵۷۲
۲۱۸	۲۱ مهر ۱۳۶۱	خبر	ادامهٔ مبارزه با اشغالگران صهیونیستی از سوی مردم لبنان و جوانان فلسطینی	۵۷۴
۲۱۹	۲۲ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	حفظ شرافت اسلامی و انسانی	۵۷۵
۲۲۰	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	گردهمایی ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌های کشور و تأثیرات روحانیت متعهد در حفظ انقلاب اسلامی	۵۷۸

۲۲۱	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	دعوت از روحانیون برای حضور در جبهه	۵۸۰
۲۲۲	۲۲ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	فراخوان سپاه پاسداران از داوطلبین حضور در جبههٔ اسلام در آستانهٔ ماه محرم	۵۸۱
۲۲۳	۲۲ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	هشدار به صدام و حامیانش پس از عملیات مسلم‌بن عقیل	۵۸۳
۲۲۴	۲۲ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	جنگ تحمیلی، لبنان، جنایات اسرائیل، حقانیت انقلاب اسلامی و مقاومت ایران اسلامی	۵۸۷
۲۲۵	۲۲ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	تجاوز عراق و اجبار به عقب‌نشینی در ۲ سال پس از شروع جنگ	۶۰۷
۲۲۶	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	اهمیت مسئولیت انسانی	۶۱۱
۲۲۷	۲۲ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	دستاوردهای عملیات مسلم‌بن عقیل	۶۱۲
۲۲۸	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	بهره‌برداری از مجتمع مسکونی شهید کشوری د ر ایلام تا ۲ ماه دیگر	۶۱۴
۲۲۹	۲۲ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	جنگ، امدادهای غیبی و هدف‌های آینده جنگ	۶۱۶
۲۳۰	۲۲ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	نصیحت به امیران شیخ‌نشین خلیج فارس	۶۱۹
۲۳۱	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	اوضاع نبرد در جبهه‌های کردستان	۶۲۳
۲۳۲	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	هلاکت ۴۰۰ نظامی دشمن در ضد حمله به ارتفاعات مشرف بر مندلی	۶۲۴
۲۳۳	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام تأسیسات برق‌رسانی دشمن در منطقهٔ سیبه	۶۲۵
۲۳۴	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	جلوگیری از فرار سربازان عراقی با تدابیر جدید صدامیان در جبهه‌ها	۶۲۶
۲۳۵	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازدید توابین دادگاه انقلاب اسلامی لرستان از خوزستان	۶۲۷
۲۳۶	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	عزیمت رزمندگان داوطلب به جبهه‌ها از شهرهای کشور	۶۲۸
۲۳۷	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازدید روحانیون اهل تسنن آذربایجان‌غربی از جبهه‌های جنوب	۶۳۳

۲۳۸	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	اختصاص ۱۵۵ میلیارد ریال به اعتبارات و بازسازی مناطق جنگ‌زده	۶۳۴
۲۳۹	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک رسانی به جبهه‌های جنگ	۶۳۶
۲۴۰	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا	۶۳۷
۲۴۱	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا	۶۳۸
۲۴۲	۲۲ مهر ۱۳۶۱	وصیت‌نامه	توصیه‌های شهدا	۶۴۲
۲۴۳	۲۲ مهر ۱۳۶۱	زندگی‌نامه	در راه خدا از همه چیز باید گذشت	۶۴۴
۲۴۴	۲۲ مهر ۱۳۶۱	زندگی‌نامه	آشنایی با زندگی یک شهید	۶۴۷
۲۴۵	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	تکذیب ادعاهای رژیم بغداد توسط وزارت خارجهٔ ترکیه مبنی بر عدم تمایل ایران به پایان جنگ از جانب وزیر امور خارجهٔ ترکیه	۶۴۹
۲۴۶	۲۲ مهر ۱۳۶۱	خبر	شدت یافتن درگیری میان فالانژها و مسلمانان دروزی لبنان	۶۵۱
۲۴۷	۲۲ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	تأسیس ۲۰ پایگاه نظامی در لبنان توسط اسرائیل و نقش شاه عربستان (فهد) در کشتار فلسطینی‌ها	۶۵۴
۲۴۸	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	ارزش انقلاب اسلامی و توصیه به طلاب برای حضور در جبهه‌های نبرد	۶۵۷
۲۴۹	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	نقش مهم ائمهٔ جمعه در ایجاد وحدت ملت	۶۵۹
۲۵۰	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	عیادت فرماندهٔ سپاه از حجت‌الاسلام اشرفی اصفهانی	۶۶۱
۲۵۱	۲۴ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	حوادث حج، مسئولیت‌پذیری، حضور در جبهه، دفاع مقدس و...	۶۶۲
۲۵۲	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	پاسخ نمایندهٔ ایران در سازمان ملل به سخنان کذب نمایندهٔ رژیم عراق	۶۸۵
۲۵۳	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی به دست مزدوران آمریکا	۶۸۹
۲۵۴	۲۴ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	تعطیل عمومی و عزای عمومی در باختران و سراسر کشور به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی	۶۹۲



۲۵۵	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	شرایط ترک جنگ از نگاه فرآن، نقش منافقین در کشور و وظایف نهادهای مسئول	۶۹۴
۲۵۶	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	ضرورت بازنگری در حفظ جان شخصیت‌های انقلاب و...	۷۰۳
۲۵۷	۲۴ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	درخواست تعقیب و مجازات سران نهضت آزادی	۷۰۷
۲۵۸	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	فرهنگ عزاداری بر امام حسین(ع) و نقش گریه و... در این مسأله	۷۰۹
۲۵۹	۲۴ مهر ۱۳۶۱	سخنرانی	ولایت فقیه، ویژگی‌ها، وظایف، حدود و ثغور آن و...	۷۳۲
۲۶۰	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش تحلیلی خبری	کمک‌های حامیان صدام برای مقابله با ایران اسلامی	۷۶۴
۲۶۱	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش تحلیلی خبری	توطئه‌های اقتصادی ـ نظامی امپریالیسم در خلیج فارس و اقدامات ما	۷۷۴
۲۶۲	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	جایگاه انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران در منظر مسلمانان جهان	۷۸۱
۲۶۳	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	بررسی مسائل قضایی و دقت در اجرای قانون و پرهیز از هر گونه تخلف و...	۷۸۷
۲۶۴	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	حرکات منافقانهٔ سازمان منافقین و سعی در انحراف انقلاب اسلامی	۷۹۷
۲۶۵	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	چگونگی عملیات موفقیت آمیز «مسلم‌بن‌عقیل» و...	۸۶۳
۲۶۶	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	امدادهای غیبی در عملیات مسلم‌بن عقیل	۸۶۷
۲۶۷	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام یک میگ، ۳ تانک و ۱۷۰ صدامی توسط سلحشوران اسلام	۸۷۲
۲۶۸	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	هلاکت ۴۲ صدامی در جبهه‌های آبادان	۸۷۳
۲۶۹	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفع تجاوز هوایی جنگنده‌های عراقی به ایلام و آبادان	۸۷۴
۲۷۰	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	شلیک گلوله‌های دوربرد بر روی شهر آبادان	۸۷۵
۲۷۱	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	پرتاب ۹۰۰ گلولهٔ توپ و خمپاره و ۱۴۰۰ گلولهٔ منور دشمن در منطقهٔ عملیات رمضان	۸۷۶

۲۷۲	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	بازدید فرماندۀکل سپاه پاسداران از پایگاه‌های سپاه منطقۀ ۲ کشور	۸۷۷
۲۷۳	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	سمینار مشترک فرماندهان سپاه پاسداران ۳ منطقه	۸۷۸
۲۷۴	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	مسافرت فرمانده سپاه به قمشه	۸۷۹
۲۷۵	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعلام نیازهای جهاد سازندگی در جبهه	۸۸۰
۲۷۶	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های نقدی و غیرنقدی به رزمندگان اسلام	۸۸۱
۲۷۷	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا	۸۸۲
۲۷۸	۲۴ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	اعلام برگزاری مراسم شهدا	۸۸۳
۲۷۹	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مقالۀ تشریحی	پیدایش شورای همکاری خلیج فارس و ماهیت کشورهای عضو	۸۸۴
۲۸۰	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مقالۀ تبیینی	اهداف «شورای همکاری‌های خلیج فارس» به عنوان ابزار آمریکا در منطقه	۸۸۷
۲۸۱	۲۴ مهر ۱۳۶۱	مقالۀ تبیینی	وضعیت منطقه، اوضاع نابسامان لبنان و خطرات شرق و غرب برای امت اسلام	۸۹۴
۲۸۲	۲۴ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	محکومیت اخراج ۲۵ تن از رسولان انقلاب اسلامی ایران از آلمان غربی	۸۹۸
۲۸۳	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملۀ گستردۀ مبارزین مسلمان عراقی به سازمان امنیت اربیل	۸۹۹
۲۸۴	۲۴ مهر ۱۳۶۱	خبر	فعالیت کشتی بیمارستانی قدس متعلق به جمعیت هلال احمر پس از ۲ سال توقف	۹۰۰
۲۸۵	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	تحرکات بی نتیجۀ عرفات و سیاسی‌کاری های سران مرتجع عرب در مسألۀ فلسطین	۹۰۲
۲۸۶	۲۴ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	وقایع و تحرکات مقامات سیاسی در مورد لبنان و مداخلۀ استکبار در این کشور	۹۰۶
۲۸۷	۲۵ مهر ۱۳۶۱	بیانیه	شرکت در مراسم بزرگداشت شهید آیت‌الله حاج آقا عطا الله اشرفی اصفهانی	۹۱۰
۲۸۸	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک چهارمین شهید محراب در اصفهان	۹۱۲

۲۸۹	۲۵ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	وداع با چهارمین شهید محراب در باختران و اصفهان و مراسم بزرگداشت آن شهید در شهرستان‌ها	۹۱۳
۲۹۰	۲۵ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	شهادت حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، سند ارزش روحانیت	۹۱۹
۲۹۱	۲۵ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری تشریحی	سقوط خرمشهر و خیانت‌های بنی‌صدر و حماسهٔ ۲۴ مهر ماه در این شهر	۹۲۱
۲۹۲	۲۵ مهر ۱۳۶۱	مقالهٔ تحلیلی	گشودن جبههٔ جدید «نقزدن» در انقلاب توسط مدعیان لیبرال	۹۲۸
۲۹۳	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	حمله چریک‌های اسلام به قلب مواضع دشمن در جبهه میمک	۹۳۳
۲۹۴	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	اوضاع نبرد در جبهه‌های غرب کشور	۹۳۴
۲۹۵	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تبادل آتش و تحمیل خسارات فراوان به دشمن در مناطق عملیاتی غرب کشور	۹۳۵
۲۹۶	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	درگیری در جبههٔ رشان	۹۳۶
۲۹۷	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفع حملهٔ ضدانقلابیون توسط مردم	۹۳۷
۲۹۸	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفع تجاوز هوایی دشمن به آبادان	۹۳۸
۲۹۹	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی مرکز فرماندهی ضدانقلاب در منطقه آلواتان	۹۳۹
۳۰۰	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تقاضای پناهندگی و امان‌نامه	۹۴۱
۳۰۱	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	کشف یک خانهٔ تیمی حزب منحلهٔ دمکرات در قروه	۹۴۳
۳۰۲	۲۵ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	اعتراف به روابط پشت پردهٔ بنی‌صدر با سیا و عدم موفقیت آمریکا در این زمینه	۹۴۴
۳۰۳	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری ۲۵ منافق مزدور در تربت حیدریه	۹۴۸
۳۰۴	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	اقامهٔ نماز وحدت در ابهر	۹۴۹
۳۰۵	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح در چند شهر کشور	۹۵۰

۳۰۶	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	اهدای هدایایی به رزمندگان در مریوان در هفتهٔ جهانی پست	۹۵۲
۳۰۷	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام گروه‌هایی از برادران رزمنده و متخصص به جبهه‌ها	۹۵۳
۳۰۸	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های امت شهیدپرور مازندران جهت بازسازی شهر سوسنگرد	۹۵۵
۳۰۹	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور	۹۵۷
۳۱۰	۲۵ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا	۹۵۸
۳۱۱	۲۵ مهر ۱۳۶۱	وصیت‌نامه	توصیه‌های ۱ شهید	۹۶۰
۳۱۲	۲۵ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	تحرکات فالانژها و ارتش لبنان در سرکوب مقاومت مسلمانان لبنان	۹۶۳
۳۱۳	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	ارتش لبنان، مزدور در خدمت امنیت اسرائیل	۹۶۶
۳۱۴	۲۵ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری یک مسلمان آمریکایی توسط پلیس فاشیست سعودی به جرم تماس با حجاج ایرانی	۹۶۹
۳۱۵	۲۶ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	مواضع ضد امپریالستی ایران و کرهٔ شمالی و تأکید بر ادامهٔ مبارزه با استکبار جهانی	۹۷۰
۳۱۶	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات مسلم‌بن‌عقیل، انسجام نیروهای مسلح و وابستگی و جنایات گروه ک‌ها	۹۷۳
۳۱۷	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار فرماندهٔ سپاه با نمایندهٔ امام	۹۷۶
۳۱۸	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	مسألهٔ جنگ، هتک حرمت به حجاج ایرانی در مکّه، تذکراتی به مردم و دولت و...	۹۷۷
۳۱۹	۲۶ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	تشییع و خاک‌سپاری پیکر مطهر چهارمین شهید محراب در اصفهان و خمینی‌شهر	۹۸۴
۳۲۰	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم بزرگداشت شهید اشرفی اصفهانی در مدرسهٔ عالی شهید مطهری به دعوت امام امت و سخنرانی حجت‌الاسلام فلسفی	۹۹۴
۳۲۱	۲۶ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	انسجام نیروهای رزمنده پس از تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)	۱۰۰۰
۳۲۲	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	ازدواج رجوی با دختر بنی‌صدر برای تحکیم مبانی شورای مقاومت ملی!	۱۰۰۲

۳۲۳	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	به بن بست رسیدن ضد انقلاب در کردستان	۱۰۰۴
۳۲۴	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام بخشی از پاسگاه‌های مرزی عراق و تعدادی از سنگرهای دشمن در پنجوین	۱۰۰۶
۳۲۵	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی ارتفاعات لیداله و عثمان‌آباد سردشت	۱۰۰۷
۳۲۶	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی ۲ مسلمان عراقی	۱۰۰۸
۳۲۷	۲۶ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	وضعیت رژیم صدام و مردم عراق بر اثر جنگ تحمیلی	۱۰۰۹
۳۲۸	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار وزیر نیرو از پیرانشهر و مناطق پاک‌سازی شده	۱۰۱۵
۳۲۹	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	افتتاح مسجد روستای میرآباد بوکان	۱۰۱۶
۳۳۰	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به جبهه	۱۰۱۸
۳۳۱	۲۶ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	نیاز جبهه‌ها به مکانیک و رانندهٔ لودر	۱۰۱۹
۳۳۲	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های مردم به رزمندگان و بازسازی مناطق جنگی	۱۰۲۱
۳۳۳	۲۶ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	سیاه‌چال‌های آلمان - برخورد با تعدادی از دانشجویان مسلمان انقلابی	۱۰۲۳
۳۳۴	۲۶ مهر ۱۳۶۱	خبر	دریافت اسلحهٔ بیشتر از توسط صدام شوروی در مقابل آزای کمونیست‌ها از زندان	۱۰۳۴
۳۳۵	۲۷ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	شکایت از تخلفات سپاه در استان‌های فارس، بوشهر، کهکیلویه و بویراحمد	۱۰۳۵
۳۳۶	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	توطئه‌های استکبار علیه ملت‌های مستقل و ضرورت مبارزه با قلدران جهانی	۱۰۳۶
۳۳۷	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	آمریکا از امام و امت ما سیلی خورده و می‌خواهد سیلی دیگری در منطقه نخورد	۱۰۳۹
۳۳۸	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	جنگ و اهداف شهدا و رزمندگان اسلام	۱۰۴۱
۳۳۹	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	نماز شکوهمند جمعهٔ اهل تسنن زاهدان	۱۰۴۳

۳۴۰	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعلام نحوهٔ تماس ۲۶ اسیر ایرانی با خانواده‌هایشان	۱۰۴۴
۳۴۱	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام سنگرهای انفرادی و اجتماعی دشمن زبون	۱۰۴۵
۳۴۲	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	درگیری درجبههٔ جزیرهٔ مینو	۱۰۴۶
۳۴۳	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	شهر مقاوم آبادان زیر آتش سلاح‌های سنگین مزدوران صدامی	۱۰۴۷
۳۴۴	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	برخورد نفربر مزدوران عراقی با مین	۱۰۴۸
۳۴۵	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی ۱۵ روستای در غرب کشور	۱۰۴۹
۳۴۶	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام مقر یک گروه ضدانقلاب	۱۰۵۰
۳۴۷	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات مجاهدین مسلمان عراقی	۱۰۵۱
۳۴۸	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	حمله به مقر مزدوران صدام در سیدصادق	۱۰۵۲
۳۴۹	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام دکل مخابراتی رژیم {بعثی} صهیونیستی صدام	۱۰۵۳
۳۵۰	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	تصرف ارتفاعات مهم عثمان‌آباد توسط رزمندگان اسلام	۱۰۵۴
۳۵۱	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی گروهی دیگر از مردم ستم‌دیدهٔ عراق به ایران اسلامی	۱۰۵۵
۳۵۲	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری بیش از ۳۵ تروریست در مشهد با همکاری سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی	۱۰۵۶
۳۵۳	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	دستگیری ۲ منافق در خوی	۱۰۵۸
۳۵۴	۲۷ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	برگزاری جلسهٔ شورای اداری مسئولان اجرایی آذربایجان غربی	۱۰۵۹
۳۵۵	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام روحانیون به روستاهای ارسنجان	۱۰۶۲
۳۵۶	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های امت حزب الله به جبهه‌ها	۱۰۶۳

۳۵۷	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک نقدی اهالی روستای چناره بین	۱۰۶۵
۳۵۸	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک چند شهید	۱۰۶۶
۳۵۹	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا	۱۰۶۷
۳۶۰	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	استمداد از بیمارستان‌ها و ارگان‌ها برای یافتن ۱ بسیجی	۱۰۶۹
۳۶۱	۲۷ مهر ۱۳۶۱	زندگی‌نامه	معرفی ۱ شهید	۱۰۷۰
۳۶۲	۲۷ مهر ۱۳۶۱	خبر	خرید ۱۰ هزار تن سلاح و مهمات از پرتغال توسط رژیم عراق	۱۰۷۲
۳۶۳	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	همکاری نزدیک ایران و کرهٔ شمالی در همهٔ زمینه‌ها	۱۰۷۳
۳۶۴	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	ملاقات رئیس مجلی شورای اسلامی با مدیر اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ	۱۰۷۶
۳۶۵	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	گلوله‌باران آبادان توسط دشمن و تلفات وارده به او در این جبهه	۱۰۷۸
۳۶۶	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام ۲ انبار مهمات و ۳۵ سنگر انفرادی، اجتماعی دشمن در منطقهٔ میمک	۱۰۷۹
۳۶۷	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام مواضع و استحکامات مزدوران صدام در جبهه‌های غرب	۱۰۸۱
۳۶۸	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	دفع تجاوز هوایی دشمن به شهر ایلام	۱۰۸۲
۳۶۹	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی منطقهٔ میرآباد در شرق الواتان	۱۰۸۳
۳۷۰	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	تسلیم و پناهندگی به جمهوری اسلامی ایران	۱۰۸۴
۳۷۱	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعدام ۲ تروریست در همدان	۱۰۸۵
۳۷۲	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملهٔ اشرار به یک اتومبیل شخصی در مسیر جادهٔ سلماس - خوی	۱۰۸۶
۳۷۳	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی آمل	۱۰۸۷

۳۷۴	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل	۱۰۸۸
۳۷۵	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌های مردم همیشه در صحنه به رزمندگان اسلام	۱۰۹۰
۳۷۶	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور	۱۰۹۲
۳۷۷	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت چهارمین شهید محراب در کویت	۱۰۹۴
۳۷۸	۲۸ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	اعلام برگزاری مراسم شهید	۱۰۹۵
۳۷۹	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	حملات توپخانه‌ای ارتش صهیونیستی علیه نیروهای سوری در دره بقاع	۱۰۹۷
۳۸۰	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	اختلالات روانی ۶۰۰ سرباز اسرائیلی بر اثر عمق جنایات آنان در لبنان	۱۰۹۸
۳۸۱	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	تمدید مأموریت نیروهای سازمان ملل در لبنان توسط شورای امنیت	۱۰۹۹
۳۸۲	۲۸ مهر ۱۳۶۱	خبر	طرح اخراج اسرائیل از کمیسیون انرژی اتمی به درخواست ایران	۱۱۰۱
۳۸۳	۲۹ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	دیدار مدیر فعالیت‌های اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ جهانی با رئیس جمهوری	۱۱۰۴
۳۸۴	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار وزیر خارجهٔ ترکیه با رئیس جمهوری و تأکید رئیس جمهور بر ادامهٔ تجاوز عراق به ایران اسلامی	۱۱۰۷
۳۸۵	۲۹ مهر ۱۳۶۱	مصاحبه	مسائل کشور، مهار نمودن تورم، وزرای جدید و وضع جبهه‌ها	۱۱۰۹
۳۸۶	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار با هیأت کرهٔ شمالی، اوضاع منطقه، نابودی اسرائیل و پایان حکمرانی آمریکا	۱۱۱۱
۳۸۷	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	سفر فرماندهٔ سپاه پاسداران به رشت	۱۱۱۴
۳۸۸	۲۹ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	بهره‌برداری از عاشورای حسینی برای همهٔ علاقمندان	۱۱۱۵
۳۸۹	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی ۱۰ روستا در غرب کشور	۱۱۱۷
۳۹۰	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	تجاوز هواپیماهای دشمن به دهلران	۱۱۱۸

۳۹۱	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	انهدام ۵ سنگر انفرادی و اجتماعی صدامیان با اجرای آتش رزمندگان اسلام	۱۱۱۹
۳۹۲	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	گزارش از جبهه‌های آبادان	۱۱۲۰
۳۹۳	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	پاک‌سازی ۳ روستا در محور مهاباد- میاندوآب	۱۱۲۱
۳۹۴	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	کشف مین ضد تانک	۱۱۲۲
۳۹۵	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	عملیات غیورمردان برای آزادی یک روستایی اسیرو هلاکت ۳ نفر از اشرار مسلح	۱۱۲۳
۳۹۶	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	پناهندگی و بازگشت به دامن اسلام	۱۱۲۴
۳۹۷	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	جلوگیری از خسارات احتمالی سیل در زاهدان توسط سپاه پاسداران	۱۱۲۶
۳۹۸	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	اعزام به جبهه	۱۱۲۷
۳۹۹	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	کمک‌پشت جبهه به جبهه‌های جنگ تحمیلی	۱۱۲۸
۴۰۰	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور	۱۱۳۲
۴۰۱	۲۹ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	برگزاری مراسم هفتمین روز شهادت چهارمین شهید محراب و یادبود شهدای عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن‌عقیل	۱۱۳۵
۴۰۲	۲۹ مهر ۱۳۶۱	اطلاعیه	برگزاری مراسم هفتمین روز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی در باختران	۱۱۳۶
۴۰۳	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	برگزاری مراسم شهدا	۱۱۳۸
۴۰۴	۲۹ مهر ۱۳۶۱	زندگی‌نامه	آشنایی با زندگی یک شهید	۱۱۴۰
۴۰۵	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار وزیر خارجهٔ ترکیه از بهشت‌زهرا	۱۱۴۲
۴۰۶	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	اقدامات آمریکا و رژیم‌های مرتجع عرب برای الحاق صدام به کمپ‌دیوید دوم	۱۱۴۳
۴۰۷	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	دیدار یاسرعرفات با امین جمایل و شاه فهد	۱۱۴۵

۴۰۸	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	عزیمت وزیر خارجهٔ سوریه به واشنگتن برای رایزنی در مورد طرح کشورهای عربی	۱۱۴۷
۴۰۹	۲۹ مهر ۱۳۶۱	گزارش خبری	دخالت‌های آمریکا و کشورهای غربی در بحران لبنان با هماهنگی امین جمایل	۱۱۴۹
۴۱۰	۲۹ مهر ۱۳۶۱	خبر	اولین دسته از هواپیماهای اف۵ آمریکایی از طریق سودان به صدام	۱۱۵۲

تقدیم به:

همهٔ پیام‌بران انقلاب اسلامی در سرتا سر جهان

و

تمامی شهدای پاسدار در تمامی میدان‌های جهاد و مبارزه،

بویژه پرچمداران تبلیغ و اطلاع رسانی،

که با افتخار و عزّت

زمزمه‌های خاموش مظلومان جهان را

به فریادهای بلند رسای انقلاب اسلامی

و بیداری مستضعفان عالم

در جهت اقتدارمداری اسلام

و محو استکبار و صهیونیزم بین‌الملل تبدیل نمودند؛

یادشان و راهشان جاودان.

به جای مقدمه

همراه با طلیعه‌داران سبز انقلاب اسلامی

محمدقاسم فروغی جهرمی

به نام آن کـه قلم را برای آگاهی و معرفت انسان‌ها در اختیار بهترین مخلوق هستی نهاد تا بتواند ره‌توشه‌هایی مناسب و جاودان برای نسل بشر به یادگار گذارد و همواره او را به کمال‌جویی و حق‌طلبی راهنما باشد.

شکـر خـدا که از مدد بخـت کـار سـاز — بر حسب آرزوسـت همـه کار و بار دوست
گـر باد فتنه هر دو جهان را به هم زنـد — مـا و چـــراغِ چـشـم و رَهِ انتظـــار دوست
مـاییـم و آستانـهٔ عشق و سـرِ نیـاز — تا خواب خوش که را بَرَد انـدر کنار دوست
دشمن به قصد حافظ اگر دم زَنَد چه باک — منّـت خـدای را کـه نیـَم شرمسـار دوست

کارهای بزرگ اغلب از نقطه‌ای آغازمی‌شود که فراسوی آن، به‌خوبی روشن و مشخص نیست و سرانجامی کاملاً پیش‌بینی شده نمی‌توان برای آن متصوّربود، اما طبیعی است که در جریان کار، عظمت و بزرگی موضوع، سیطرهٔ خود را بر روند انجام آن حاکم می‌نماید.

روزی عزیزی دلسوخته با توجه به پوشه‌های مختصری که از اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها و... روابط عمومی سپاه جمع‌آوری و نگه‌داری می‌کرد، مرا به سوی خود و کاری

که مورد نظرش بود، فراخواند و اظهار کرد چنان‌چه این منابع تدوین و تکمیل شود محل رجوع پژوهشگران از سویی و ارایهٔ عملکرد و تاریخچهٔ فعالیت‌های سپاه از جانب دیگر خواهد بود.

همان لحظه به گستردگی، متنوع بودن و تأثیر عمیق همه جانبهٔ آن اندیشیدم و باور داشتم که این منبع غنی و سرشار از لحظه‌لحظه‌های پرحوادث انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی، چگونه می‌تواند اثری برای بازخوانی وقایع و تاریخ انقلاب با توجه به مأموریت‌ها و عملکردهای سپاه برای پاسداری از انقلاب اسلامی توسط این ارگان تأثیرگذار و«مادر» در این مرز بوم پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به حساب آید. این مهم را با عزیز فرهیخته و کاردان، سردار شریف، که مسئولیت روابط عمومی سپاه را عهده‌دار بودند، در میان گذاشتم و ایشان نیز به دلیل درایت، اندیشمندی و آینده‌نگری برانجام این فعالیت صحه گذاشتند و مرا به انجام آن مأمور نمودند.

هرکجا بوی خدا می‌آید خلق بین بی سر و پا می‌آید[1]

کار ابتدا با برگزاری جلساتی مشورتی با عزیزان کارشناس و صاحب‌نظر و صاحب صلاحیت مورد بررسی و تأمل لازم همراه شد. چهارچوب‌هایی برای انجام کار در شکل علمی و تاریخی آن تعیین گردید و با رمز «یا علی(ع)» این امر خطیر آغاز شد.

جناب آقای عباس عظیمی[2] قبول زحمت فرمودند تا برای ارایهٔ الگویی برای تدوین جلد اول همت گمارند. ابتدا منابع موجود در اختیارشان قرار گرفت وسپس با مراجعه به آرشیو روزنامه‌ها و برخی از جراید، مطالب مربوط به سپاه استخراج و به ایشان سپرده شد تا مورد بررسی قرار گیرد. مطالب مورد نیازشان انتخاب شد و پس از زمان بیش از ۱سال، کار مقدماتی و اولیهٔ تدوین منابع توسط ایشان به پایان رسید و تحویل شد.

مرحلهٔ بازبینی و کنترل نهایی و حک و اصلاح‌های لازم و تطبیق کامل اصل مطالب با متن تدوین شده و... که می‌بایست با رعایت کامل امانت‌داری و ارایهٔ اسناد معتبر همراه باشد، به صورت کاملاً دقیق و تأمل لازم پشت سر گذاشته شد و پس از گذر از این مرحله، کار تقریباً آمادهٔ انتشار شد. اما برای رسیدن به این انجام، ناچار موارد

۱- دیوان شمس

۲- ایشان به علت عارضه‌های شمیایی ناشی از جنگ تحمیلی در سن ۵۵ سالگی در سال ۱۳۹۴به ملکوت پیوستند.
عباس عظیمی(عباسعلی عظیمی‌زاده) از ابتدای سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در مجموعهٔ روابط عمومی سپاه و ارتباطات فعالیت نمود. وی در دوران جنگ تحمیلی، حضوری مستمر در جبهه‌ها داشت و حین عملیات بدر بر اثر بمباران شیمیایی رژیم بعث عراق، دچار جراحت شد. وی از سال ۱۳۶۹ تا زمان بازنشستگی به عنوان خبرنگار در ایرنا به فعالیت پرداخت.

عدیده‌ای صورت پذیرفت:

۱- برای تهیهٔ این کتاب، مجموعهٔ اسناد روابط عمومی سپاه مطالعه شد و تمامی اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، خبرها و... سپاه از بایگانی ارزشمند این مجموعه استخراج گردید. حفظ و نگه‌داری این منابع و اسناد، نشانگر تلاش قابل قدردانی و تکریم تمامی اعضای دست‌اندرکار و مسئولان روابط عمومی سپاه از آغاز این ۴دهه تا کنون است، که با همت و اندیشمندی برای نگه‌داری و ثبت این اسناد در تاریخ معاصر ایران اسلامی، گام‌های مؤثری برداشته‌اند. اجرشان عندالله.

۲- برای ارایهٔ هر چه کامل‌تر کتاب، و از آن‌جا که ممکن است به هنگام تدوین این کتاب، به دلیل سرعت عمل انتشار این اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها در هنگام صدور، مواردی در این بایگانی موجود نباشد، به منابع دیگر- به‌ویژه **روزنامه‌های کیهان، جمهوری اسلامی و اطلاعات** و نیز کتاب‌ها و نشریات منتشرهٔ سپاه مانند شماره‌های ماندگار **هفته‌نامهٔ پاسداران و مجلهٔ پیام انقلاب**(ارگان سپاه)، **مجلهٔ امید انقلاب**(ارگان دانش‌آموزی سپاه پاسداران)، مجلهٔ **پاسدار انقلاب**(ارگان سپاه پاسداران قم) و کتاب **مجموعهٔ ۱۵ بیانیهٔ نخستین دفتر سیاسی سپاه**- و دیگر مجلات نیروهای مسلّح(نشریهٔ صف، مرزداران و...) مراجعه شد تا این مجموعهٔ ارزشمند هرچه بهتر و کامل‌تر در اختیار دوستداران تاریخ معاصر ایران قرار گیرد.

۳-نکتهٔ جالب توجه، مقام حقیقی و حقوقی صادرکنندهٔ اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و پیام‌های سپاه در هر دوره است؛ که برای توجـه به این نکته در جدول صدر هر مطلب، با عنوان «امضا» به این مهم اشاره شده است.

نوع مطالب نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. گاه مطلب منتشره‌ای از سوی سپاه با نام «اطلاعیه» منتشر شده، گاه مطلب از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به صورت «بیانیه» منتشر شده و گاه به صورت «پیام» به مخاطبان خاص و عام منتشر شده و گاه «گزارش» مربوط به امور و فعالیت‌های سپاه در خبری منتشر شده؛ که همهٔ این موارد در اسناد آورده شده است.

۴- در تهیـهٔ این کتـاب، برای بهره‌برداری و نشـر خـبرهای مربوط به بیانـات حضرت امام خمینی(ره) و دیدار اعضای سپاه با آن رهبر فرزانه و فرامین آن حضرت به سپاه، به مجموعهٔ نفیس صحیفهٔ امام(ره)، مراجعه شده و این دسته از مطالب، نیز عیناً و بدون دخل و تصرف، از این صحیفهٔ ارزشمند و ماندگار برداشت شده است.

(گرچه پیشنهاد می‌شود در این کتاب جاودانی با بازنگری مناسب، شیوهٔ نگارش

ورسم الخط یکسان در کتاب اعمال شود و توضیحات کامل‌تر و جامع‌تر درج گردد).

همچنین زینت‌بخش کتاب – در برخی مجلدات – چند دست‌خط مبارک از حضرت امام (ره) می‌باشد که با پی‌جویی و مراجعه به دفتر نشر ایشان دریافت و در کتاب به تبرّک و تیمّن آورده شده است.

نکتهٔ دیگری که نیاز به یادآوری و تأکید دارد، این‌که برخی از سخنرانی‌ها، تحلیل‌ها، یادداشت‌ها و ... که در این مجموعه آمده، درجهت آگاهی‌بخشی به مخاطبان محترم و نسل‌های آینده است که با نوع آموزه‌های عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و ... سپاه آشنا شوند و بدانند که بدون پرداختن به مبانی فکری و فرهنگی لازم، کاری با عظمت و تلاش تأثیرگذار تاریخی انجام نمی‌شود و لذا برای ورود به هر عرصهٔ فعالیت‌های ماندگار باید به اصل و اساس عقیده و آرمان‌های متعالی و الهی توجه گردد، که در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل وظایف و مأموریت‌هایش، این اصل مهم رعایت شده است.

۵- از آن‌جا که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأموریت پاسداری از انقلاب اسلامی را به عهده دارد و عرصه‌های گسترده‌ای برای این حرکت در سراسر جهان وجود دارد، لزوماً باید در یک نگاه فراگیر و جهان‌شمول به انجام مأموریت مهم خود توجه نموده و اسباب و ابزار این فعالیت را به خوبی درک و عملیاتی کند. لذا ما در این مجموعه به تمامی مواردی که توان دسترسی به اطلاعات و اخبار آن را در این موضوعات پیدا کردیم، به لحاظ ضرورت حضور و حمایت از آنها، در این مجموعه قرار دادیم تا بتوانیم با دقت نظر بیشتری به انجام مأموریت خود اقدام نماییم.

در مجلدات جدید، منطقهٔ خاور میانه را محور رویش تفکر انقلاب اسلامی دانستیم و مطالب مرتبط با این موضوعات را پس از استخراج از منابع در دسترس، در کتاب لحاظ نمودیم تا زمینه‌های مفهومی و مصداقی سازندگی انقلاب و نظام مقدس خود را در گسترهٔ فراسرزمینی ثبت و ضبط نماییم و پژوهشگران و محققان ارجمند بتوانند از این منبع موثق به راحتی بهره‌مند شوند و از نوع رویکرد سپاه در آینده‌نگری، داشتن استراتژی درازمدت، آرمانی‌بودن اهداف و نوع تعامل با فعالیت‌های منسجم فکری و سیاسی و اندیشمندان عرصهٔ مبارزه با قدرت‌های استکباری و مقاومت بین‌الملل اسلامی و کمک به محرومان و مستضعفین در هر گوشهٔ جهان آگاه شوند.

۶- در این مجموعه چنان‌چه برای اسناد و مطالب مندرج، توضیح محل مرجع اسناد در پاورقی آورده نشده، به منزلهٔ بودن اصل مطالب در بایگانی روابط عمومی سپاه

می‌باشد. لذا این کتاب مجموعه‌ای از اصل اسناد موجود در بایگانی سپاه به همراه مطالب مربوط به اقدامات سپاه در جراید معتبر کشور است.

۷- حتی‌الامکان برای موارد و موضوعات مندرج در اسناد، توضیحاتی در پاورقی آورده شده که بـه غنای مطالـب و ارجـاع دهـی موارد مـربوط مـی‌افـزاید و آن را مستندتر و جامع‌تر می‌نماید.

۸- در هر مجلد با مراجعه به فهرست، می‌توان موارد مورد نظر را از هر لحاظ (موضوع، تاریخ و اطلاعات دیگر) به دست آورد.

۹- لازم به توضیح است که جمع‌آوری این مطالب با مشقات بسیار فراهم آمده است و مسلماً کسانی‌که با این نوع فعالیت‌ها سروکار دارند، از سختی و مشکلات کار مطلعند و صرفاً ما به اشاره بسنده می‌کنیم تا برخی را تصور نباشد که این مجموعه کپی(تصویربرداری) و تایپ(حروفچینی) می‌باشد؛ چرا که در این مسیر حداقل ۲۵ مرحلهٔ: انتخاب و گزینش از مطالب کل صفحات مطبوعات یومیه [در حالی‌که باید به اصل روزنامه یا خبرگزاری‌ها مراجعه شود]، اسکن دستی، انتقال به رایانه، شفاف سازی، اصلاح، رفع نقص، پرینت، تایپ، حروچینی، غلط‌گیری، رفع نقص‌مجدد، انتقال از نرم‌افزار به نرم افزار دیگر، اصلاحات مجدد، غلط‌گیری مجدد، ویرایش، شناسنامه‌نویسی، تنظیم و تدوین، جایگزینی، تهیهٔ پاورقی، اصلاح متون عربی، مراجعه به اصل بیانات حضرت امام(ره)، رفع جا افتادگی و جابه‌جایی اسناد، فهرست‌نویسی، تنظیم مجدد مطالب و... انجام شده است و البته جا دارد با دقت و تأمل بیشتری به این فعالیت نگاه شود.

۱۰- مطالعهٔ این مجموعه - اسناد کتاب «سپاه در گذر انقلاب اسلامی» - شناخت خوبی از رخدادها و اتفاقی را پیش روی مخاطبان محترم می‌گذارد که نشان‌دهندهٔ تاریخ انقلاب و ایران اسلامی، سپاه و دیگر موضوعاتی است که پیش روی خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد، به ویژه آن‌که در این دوره، بسیاری از رخدادهای مهم کشور از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بدون ملاحظات معمول و شایبهٔ جانبداری، به روشنی بیان و نقش فرزندان ایثارگر و پاسداران جان برکف ملت ایران، در وقایع اتفاقیهٔ آن روزها و نقش سرنوشت ساز مردم ایران اسلامی بازگو می‌شود.

۱۱- توجه به نکات تاریخی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و.... موجود در اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و نیز وجود مواردی از جمله: توجه و پایمردی سپاه به حفظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در متن تک تک مطالب کتاب، به‌ویژه برای نسل امروز و فردا قابل یادآوری

و درس آموزی است؛ و باید اذعان نمود که به فرمایش حضـرت امـام(ره) و مطالعهٔ منصفانهٔ اسناد:

«اگر سپاه نبود، کشور هم نبود.»

۱۲- همچنین یادآور می‌شویم که توجه به مفاد مطالب این کتاب بیانگر نوع ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلابی و اسلامی بر اساس تأکیدات حضرت امام(ره) می‌باشد، که نشان از تبعیت کامل از فرامین فرماندهی کل قوا و انجام مأموریت‌های سپاه بر اساس رهنمودهای معظم‌له و شرایط خاص آن زمان بوده، که لازم به بررسی و دقت اهل‌نظر است.

۱۳- در این کتاب از ارایهٔ هرگونه تحلیل و اعمال نگاه تبیینی پرهیز شده، تا اسناد در شکل واقعی و به دور از هر گونه جانبداری واعمال سلیقه همراه شود؛ که این امر نه به‌عنوان نقیصه، که به عنوان حُسن تام کار و امانت‌داری و انتشار بی‌کم و کاست یا افزودن نگاه‌ها و دیدگاه‌ها قلمداد می‌شود.

۱۴- در مجلدات این مجموعه مسلماً با دقت و تأمل بر سیر حوادث و وقایع انقلاب و نظام، در جایی که ضرورت داشته و به تناسب نیاز، مطالب مناسب با شرایط هر مقطع زمانی در اسناد سپاه برای انجام مأموریت‌ها درج شده، که این امر باعث خواهد شد تا هرگونه تردید و ابهام، در هر شرایط ویژهٔ زمانی رفع شود.

۱۵- این مجموعه آثار، یک جریان کلی و حوادث مربوط به مأموریت‌های سپاه و حوادث کشور را در بر می‌گیرد، لذا تمامی این آثار، یک مجموعهٔ وابسته و به هم پیوسته خواهد بود که برای هر موضوع بعداً نمایه‌ای با توضیحات کافی و مطالب مربوط به آن در هر دوره- ابتدای انقلاب تاپایان دفاع مقدس، سازندگی و ... - آورده می‌شود تا هر پدیده یا واقعه، در چارچوب ویژهٔ خود بررسی شود؛ گرچه به دلیل حجم بسیار گستردهٔ اسناد و تلاش برای انتشار به موقع آن، از این که برای هر جلد نمایهٔ جداگانه تهیه شود، پرهیز شده است.

۱۶- با توجه به این که ۲۲ جلد از این مجموعه مربوط به سال ۱۳۶۱، به طور همزمان و در ظرف زمانی ۸ سال تهیه شده، بدیهی است که نمی‌توانستیم هر جلد را به صورت مستقل منتشر نماییم، لذا از این به بعد این مجلدات به صورت سالانه منتشر خواهد شد.

بد نیست برای علاقمندان به این گـونه پژوهش‌ها و صاحب‌نظران کشور کـه بعد از انتشار ۱۱ جلد- مربوط به سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰- با اظهار مسرت و استقبالِ شدیدِ خود از انتشار این مجموعه، ما را مورد مهر و الطاف خویش قرار دادند و بر ادامهٔ انتشار این مجلدات تأکید فرمودند، یادآور شویم که پس از مراجعه به منابع بیشتر و گزینش اسناد متنوع‌تر، با

برآورد و پیش‌بینی کنونی و آثاری که ما در شرایط فعلی در اختیار داریم، احتمالاً سریال مجلدات این موضوع به بیش از ۱۰۰۰ جلد افزایش خواهد یافت، که در بردارندهٔ تقریباً تمام وقایع و حوادث انقلاب، نظام و مسائل منطقه خواهد بود، که مسلماً با رعایت اصل امانت‌داری و صداقت به حول و قوهٔ الهی منتشر خواهد شد و جای هیچ شایبه نیز نخواهد داشت.

۱۷- در این مجال جا دارد که از مساعی ارزشمند و گرانقدر سردار رمضان شریف - مسئول وقت روابط عمومی سپاه- که برای به نتیجه‌رساندن مطلوب این پروژهٔ تحقیقی و تاریخی نهایت اهتمام و حمایت را با دوراندیشی و تحمل ناملایمات عدیده، ابراز فرموده و لحظه‌ای درنگ و کوتاهی از جانب ما را در کار روا نمی‌دانستند و بر تهیه، تدوین و انتشار این مجموعه در همهٔ مراحل مشوّق و راهنما بودند، صمیمانه و خاضعانه سپاسگزاری نماییم و آرزو داریم اجر این کار بزرگ، با شفاعت همهٔ شهدای معزّز از خداوند منّان همراه شود.

از برادر عزیز یدالله ربیعی (مدیر محترم ارتباطات و اطلاع‌رسانی روابط عمومی) و افشین گودرزی (مدیر محترم طرح و برنامهٔ روابط عمومی) که در به ثمر رساندن چاپ کتاب همکاری نمودند و همچنین عزیزان چاپخانهٔ سپاه که برای چاپ مطلوب کتاب، قبول زحمت نموده و تلاش مجدّانه داشتند، نیز، سپاسگزاری می‌نماییم.

۱۸- در شکل‌گیری کتاب، عزیزانی بزرگوار با اخلاص و تلاش فراوان همکاری نمودند:

- برادر ناصر عقبی که زحمت جمع‌آوری و حفاظت از برخی از این منابع گرانقدرِ روابط عمومی و بایگانی را شخصاً به عهده داشت و با اهتمام بسیار بر انجام مطلوب کار و رفع موانع موجود در جریان این فعالیت، همکاری بسیار نمود.

- برادر حمید ترکمن، مهدی دانائی، محسن عابدینی و محمد کشت‌پرور که زحمت حروفچینی و تنظیم مطالب این مجلدات را با مشقات بسیار به پایان رسانیدند.

- زنده‌یاد برادر عباس عظیمی که با تلاش بسیار و صبر و حوصلهٔ مثال زدنی، بر تدوین جلد اول این مجموعه همت گمارد تا الگویی برای مجلدات بعدی ارایه گردد و همچنین برادر قاسم محمد کریمی که در تدوین اولیهٔ جلد دوم این مجموعه همت گمارد؛ که به پاس قدردانی از این همت، از آنان سپاسگزاریم.

- از برادران:

مسعود آباد، یاسر خدمتی، میثم گلومجانی، بهنام سیاوش،
نادر آلی‌ور، محمدحسین لیلاز، محمدحسین حسن‌پور

و خواهران:

زهرا یوسفی، سولماز اسماعیلی جاوید، مریم کاظمی، مهری افشاری

که با همکاری صمیمانه وصادقانه، موارد اجرایی عدیده‌ای را در جریان شکل‌گیری این مجموعه‌ها و تصحیح مطالب به انجام رساندند، و همچنین سیدایمان نوری‌نجفی که زحمت طرح مجلدات اول و مجید برکتی، صفحه‌آرایی کتاب و اصلاحات مجلدات جید و برادر ملازاده، کنترل مراحل نهایی را به نحو مطلوب و با دقت و حوصله تقبل نمودند، بسیار قدردانی می‌نماییم.

ـ از جناب آقایان: علی‌رضا کمری ـ اندیشمند فرزانه ـ و محمدتقی روغنی‌ها (عزیزان پرتلاش و همکاران ارزشمند سابق روابط عمومی سپاه)، که در مراحل ابتدایی کار با مشاوره و راهنمایی‌های گرانقدرشان ما را بهره‌مند نمودند و همچنین عزیزان کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی ـ حجت‌الاسلام‌والمسلمین رسول جعفریان ریاست محترم وقت کتابخانه ـ و عزیزان همکارشان در بخش آرشیو و اسکن: خانم فاطمه رضائی و آقایان: محمد مداح و حجت امیری، آرشیو روزنامهٔ اطلاعات آقای بهروز طیرانی، روابط عمومی و آرشیو روزنامهٔ کیهان، آقایان: محمدعلی امّی و جبار مرادی، به ویژه روابط عمومی روزنامهٔ جمهوری اسلامی، جناب آقای حسن نجار و دیگر عزیزان... و همچنین عزیزان گرانقدر روابط عمومی و ارتباطات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی خاضعانه سپاس فراوان داریم و امیدواریم که اجر این همکاری صمیمانه و مخلصانه را خداوند سبحان برای آنان منظور نماید.

۱۹ـ در پایان از همهٔ عزیزان گرانقدری که هر یک به نوعی در انتشار این اثر ارزشمند تاریخی همکاری و تلاش خالصانه نموده‌اند، قدردانی می‌نماییم و امیدواریم این همت و محبت خاضعانه همچنان ادامه یابد. ان‌شاءالله

اجرشان عندالله.

تا ز میخانه و مِی نام و نشان خواهد بود
سَرِ ما خاکِ رهِ پیر مغان خواهد بود
حلقهٔ پیر مغانم ز ازل در گوش است
بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود

والسلام

توضیح یک نکتهٔ مهم:

این اثر به دلیل برخورداری از جنبه‌های کاملاً مستند و تاریخی دارای ویژگی‌های لازم و خاص خود می‌باشد، لذا چنان‌چه به ذکر نام اشخاص، موضوعات، مسائل و... در اسناد برمی‌خوریم که در جریان انقلاب دستخوش تغییر و یا حوادث متعدد دیگری شده‌اند، به هیچ وجه آن تغییرات در اسناد ورود پیدا نکرده و صرفاً مطالب نشان دهندهٔ وضع زمان خویش می‌باشند. لذا هر پژوهنده و مراجعه کننده‌ای که از این کتاب استفاده می‌نماید لزوماً به اسناد تاریخی رجوع می‌کند و ضرورتاً به هنگام استفاده و نقل مطالب این کتاب، باید حاشیه‌های لازم و توضیحات تاریخی را خود به مطالب مورد بهره‌برداری و این اسناد اضافه نماید. زیرا ناشر بر این باور است که برای این تغییرات تاریخی، مطالب لازم در زمان خاص خود توسط سپاه انجام شده که در مجلدات بعدی و به ضرورت شرایط زمانی، آن موارد بیان خواهد شد تا در این‌جا از قضاوت غیر علمی و غیر منطقی در نقل مطالب تاریخی پرهیز شده و منابع به عنوان مرجع کاملاً مستند و معتبر در اسناد انقلاب و جمهوری اسلامی در هر زمان قابل بهره‌برداری و استناد باشد؛ بدون هر گونه شائبه و احیاناً دخل وتصرف.

ناشر

شماره: ۱ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اخطار به موجرین در قم**

امضا: **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - دادستانی انقلاب اسلامی قم**

از سوی **دادسرای انقلاب اسلامی قم و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم** در رابطه با موجرین محترم شهرستان قم اطلاعیه‌ای بدین شرح در اختیار واحد مرکزی خبر قرار گرفت:

بسمه تعالی

مردم قهرمان شهر خون و قیام قم، از کلیهٔ موجرین محترم قم درخواست می‌شود که حداکثر به مدت ۲۰ روز از تاریخ ۶۱/۷/۱۰ تا تاریخ ۶۱/۷/۳۰ به همراه ۱ قطعه عکس و فتوکپی از اوراق شناسنامهٔ خود و مستأجرینشان به **مراکز سپاه و ستادهای مقاومت و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم** مراجعه نمایند.

بدیهی است تخلف از این امر، جرم ضدانقلابی محسوب می‌شود و موجب تعقیب قانونی می‌باشد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

دادستانی انقلاب اسلامی قم[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مسألهٔ حجاج در مکه، جنگ، استیصال دشمن و حامیان مستکبر و قلدر او**

امضا: **رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی**

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

برای صلح قبل از هر چیز باید شرّ صدام از منطقه کنده شود

سرویس سیاسی جمهوری اسلامی:

مجلس شورای اسلامی پس از یک تعطیلات ۱ماهه که عده‌ای از نمایندگان در خلال این مدت به مکهٔ معظّمه مشرف شدند و عده‌ای دیگر در جبهه‌ها و حوزه‌های انتخابیه و مراکز مورد نیاز مشغول فعالیت بودند، ساعت ۸ و ۱۰ دقیقهٔ صبح دیروز با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و به **ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی** جلسهٔ علنی داشت.

در این جلسه پس از سخنان نمایندگان مردم تهران، نطنز و قمصر رئیس مجلس در رابطه با تشکیل اجلاس شورای امنیت، نقش سازمان ملل و پیروزی‌های اخیر و دیگر مسائل کشور سخنانی ایراد نمودند.

سخنان نمایندهٔ مردم تهران

به گزارش خبرنگار پارلمانی ما اولین سخنران پیش از دستور **فخرالدین حجازی نمایندهٔ مردم تهران** طی سخنانی به بیان مشاهدات خود در سفر اخیرش به مکهٔ معظّمه پرداخت و گفت:

- حمله به صفوف منظم حاجیان مسلمان ایرانی و مجروح کردن جانبازان انقلاب که اندام‌های خود را در راه انقلاب و اسلام از دست داده بودند، فاجعه‌ای بود که دامن رژیم عربستان را آلوده‌تر ساخت.

وی افزود:

- اینان:

نمایندهٔ امام امت را بازداشت می‌کنند،

و در همان حال با وزیر اسرائیل ملاقات دارند،

و خود را رئیس‌المسلمین می‌دانند!

و در معابر اعلام می‌کنند که ایرانیان مشرکند!

آیا ما مشرکیم که برای استقرار توحید جان می‌بازیم،

یا آنها که به بیگانگان سجده می‌کنند،

تا حکومت تحمیلی خود را نگه‌دارند؟

وی در ادامهٔ سخنان گفت:

- آنها در کنفرانس فاس گفتند که حمله به کشورهای عربی حمله به ما تلقی می‌شود.

پس چرا در برابر حملهٔ اسرائیل به لبنان خفقان گرفته اند؟

وی سپس ضمن بیان این مطلب که ما برای صلحی که شرافت و غیرت به بار آورد، تلاش می‌کنیم، به بمب‌گذاری اخیر در تهران اشاره کرد و گفت:

- این انفجارها به دست عمال بیگانه اعم از منحرفین، منافقین و عوامل مزدور آمریکا به وجود می‌آید و اینها دلایل بارزی از خشونت و نابکاری مزدورانی است که کمترین بویی از انسانیت نبرده‌اند.

نمایندهٔ مردم تهران در پایان سخنانش ضمن درخواست از مجلس برای تلاش در جهت تصویب هر چه زودتر طرح تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور، در رابطه با نیروهای انتظامی تذکراتی داد.

سخنان نمایندهٔ مردم نطنز و قمصر

آخرین سخنران پیش از دستور **احمد کاشانی نمایندهٔ مردم قمصر و نطنز** بود که به مشاهدات خود از حج امسال در عربستان پرداخت و گفت:

- آن چیزی که در مراسم بسیار رقت‌بار و تأسف‌انگیز بود، تلف کردن بیش از ۳ میلیون قربانی در عید قربان بود و این در حالی است که بسیاری از مسلمانان در روی کرهٔ زمین گرسنه‌اند و دولت سعودی این همه گوشت را در کوره‌هایی که تهیه کرده است، می‌سوزاند و من فکر می‌کنم که این کار استعمارگران است که می‌خواهند مسلمانان را وحشی و نیمه‌وحشی معرفی کنند و **ما نباید اجازه**

بدهیم که این همه گوشت قربانی از بین برود و باید به مصرف گرسنگان جهان برسد.

وی سپس تنها راه رستگاری را پیروی از دین اسلام خواند و گفت:

– امروز ملت ایران با روی آوردن به اسلام توانسته است پرچمداری این دین مبین را، به عهده بگیرد.

و انتظار داریم که:

روزی این ملت قهرمان پرچم اسلام را در اقصی نقاط دنیا به اهتزاز درآورد، و مسئولین نیز باید قدر این ملت قهرمان و فداکار را بدانند.

نمایندهٔ مردم قمصر و نطنز در پایان گفت:

– به مخالفین انقلاب تذکر می‌دهم نه به آنها که انتقاد سازنده دارند، بلکه به آنها که با انقلاب و اسلام مخالف هستند که از پوسته‌هایی که به دور خود کشیده‌اید، بیرون بیایید و انقلاب را ببینید و آلت دست استعمارگران نشوید.

اظهارات مهم ریاست مجلس:

پس از سخنان پیش از دستور، **رئیس مجلس** طی سخنانی اظهار داشتند:

– قبل از هر صحبتی از خداوند متعال تقاضا داریم که طاعات و خدمات همکاران محترم را که یا مسافرت حج بودند یا در جبهه‌ها با رزمندگان مأنوس بودند یا در حوزه‌های انتخابیه خدمت می‌کردند، با کرم خود بپذیرد و به ما توفیق دهد که در آینده برای جمهوری اسلامی خدمات شایسته‌ای انجام دهیم.

رئیس مجلس سپس از **زحماتی که رزمندگان اسلام در جبهه‌ها متحمل می‌شوند و جهاد مقدسی که پرچم آن را به دوش کشیده‌اند** تشکر کردند و گفتند:

– از تریبون مجلس شورای اسلامی برای مردم انقلابی کشورمان و مستضعفین جهان در مورد عظمت پیروزی اخیر رزمندگانمان چند کلمه‌ای صحبت می‌کنم.

وی افزود:

– هیاهوی تبلیغاتی دشمنان ما نگذاشت که دنیا به ارزش نظامی و سیاسی پیروزی اخیر ما خوب آشنا شود. در یک حرکت بسیار سریع و قهرمانانه که **امدادهای غیبی در همهٔ مراحل آن دیده می‌شد**، رزمندگان ما **یکی از بزرگ‌ترین فتوحات نظامی** را به دست آوردند. ۲۱ کیلومتر از منطقهٔ کانی‌شیخ تا سلمان‌کشته که تمام آن کوه و تپهٔ صعب‌العبور است، در عمق ۱۰ و ۵ کیلومتر

با یک حملهٔ سریع تصرف شد که برای عراقی‌ها حتی تصور تصرف سریع این منطقه هم نبود و **وحشت صدام از این موفقیتِ عظیم بود** و بی‌خود نبود که دنیای حامی عراق از این حرکت به شدت به وحشت افتاده است. مدتی بود که عراقی‌ها تبلیغ می‌کردند اسلحهٔ جدیدی در اختیار دارند که در مواجهه با حملهٔ رزمندگان ما به کار خواهند برد و این حرکت عراقی‌ها نشان داد که مختصر روحیهٔ گذشته را هم از دست داده بودند و **حرکت رزمندگان ما آن‌قدر سریع، قاطع و موفق بود که به طور کامل همهٔ اهداف را تأمین کرد.**

رئیس مجلس گفت:

– البته صدام حیله‌ای به کار برد و گفت ایرانی‌ها به قصد تصرف مندلی و تجاوز از مندلی حمله را آغاز کرده‌اند که در دنیا بگوید ناموفق بوده است، اما ما از پیش، همان موقع که حمله آغاز شد و ساعت بعد از آن اعلام کردیم که تصرف نقاط مهم استراتژیک غرب سومار برای آغاز حرکات بعدی هدف کامل این حمله است که همهٔ آن تأمین شد. اما عکس‌العمل عراقی‌ها و حامیان آنها در رابطه با ادعایشان در تناقض بود؛

اولاً وحشت شدیدی آنها را گرفته و هیاهوی جهانی راه انداختند و از همهٔ دوستانشان انتظار حمایت و پشتیبانی دارند و همهٔ مجامع بین‌المللی از غیرمتعهدها، سازمان ملل، کنفرانس اسلامی و اعراب تقاضای پشتیبانی می‌کنند و از حرکت زشتی که به صورت **عکس‌العمل باند صدام، ضدانقلاب و دشمنان جمهوری اسلامی اعم از منافقین و ملی‌گراهای محارب و عوامل خود صدام که همه هماهنگ کار می‌کنند** و پس از هر پیروزی در تهران عکس‌العمل نشان داده‌اند، در **انفجار خیابان ناصرخسرو** ماهیت آنها را نشان داد.

همان‌موقع که فریادشان از تجاوز ایران بلند بود، بدترین عمل ممکنه را در تهران انجام دادند که بیش از ۷۰۰ نفر مجروح شدند و حدود ۷۰ نفر به شهادت رسیدند و شاید بیشتر؛ و تخریب اماکن، کار یک عده محروم و مستضعف را به دنبال داشت. **کاری که به هیچ معنایی نمی‌تواند ارزش نظامی یا حرکت مسلح داشته باشد.** این حالت را این‌جا نشان دادند و از آن طرف آن **حالت دستپاچگی و انتظار کمک و دست‌درازی برای گرفتن کمک و هیاهوی تبلیغاتی در صحنهٔ جهانی** را نشان دادند.

سازمان ملل و نجات صدام

من این‌جا به سازمان ملل به خصوص تذکر می‌دهم، **شما همان سازمانی هستید که در تمام ۲ سال تجاوز صدام یک‌بار به فکر جدی خاتمه یافتن جنگ نیفتادید؟**

آن روزی که صدام تا **۹۰ کیلومتر در عمق کشور ما** وارد شده بود و آن روزی که **۱۰ شهر و ۱۲۰۰ روستای ما تخریب می‌شد**، شما کجا بودید؟

وقتی که ما از شما دعوت کردیم که بیایید **شهر ویران قصرشیرین و شهرهای ویران هویزه، سوسنگرد، کوشک، اندیمشک، مهران، دهلران، گیلان‌غرب، سومار، خرمشهر و آبادان و شهر نیمه خراب دزفول** که همهٔ اینها با انحای امکاناتی که در اختیارش گذاشته بودند، تخریب شده بود و **تخریب ۱۲۰۰ روستا و بیش از ۱۰۰۰ کارگاه و کارخانه و هزاران پل و هزارها کیلومتر راه و راه‌آهن و بندر و اسکله و تأسیسات عظیم نفتی** را ببینید، چرا نیامدید ببینید؟

و چرا اینها را محکوم نکردید؟

وقتی که صدام مردم تظاهرکنندهٔ روز قدس را در همدان و در همهٔ شهرهای غربی ما آن‌گونه به رگبار می‌بست، چرا سازمان ملل حرفی نمی‌زد؟

و امروز مگر چه شده که شما جلسهٔ شورای امنیت تشکیل داده‌اید؟

ایران یک حرکتی در خاک خود کرده است. عراق که با صراحت مدعی است ما از مرزمان نتوانسته‌ایم عبور کنیم، ما هم که می‌گوییم هدف کامل این حمله گرفتن مناطق استراتژیک خاک خودمان بوده است، **شما با چه تجاوزی مواجه هستید که:**

شورای امنیت را امروز تشکیل داده‌اید؟

و چرا ۲ سال گذشته به فکر این جریانات نبودید؟

نگذارید آبروی سازمان ملل بیش از این برود و البته حرکت‌هایی که تا به حال کرده‌اید، آبرویی برای شما نگذاشته است، ولی بالاخره مستضعفین دنیا می‌فهمند،

مردم را آن‌قدر نادان فکر نکنید.

این سؤالات به ذهن هر کسی خطور می‌کند که ۲ سال تجاوز صدام، آیا خطر بحران در دنیا نداشته و امروز که ما در مرزهایمان تازه داریم آمادهٔ گرفتن حق‌مان می‌شویم، شما به فکر **نجات صدام** افتاده‌اید؟

اخطار به دنیای عرب

به دنیای عرب عرض می‌کنم و اخطار می‌کنم:

اگر شما خیال کنید جنگ را با این حمایت‌های ناقص می‌توانید تمام کنید؛ اشتباه می‌کنید.

البته شاید هدف شما اتمام جنگ نیست، **شما می‌خواهید صدام را تقویت کنید که بتواند**

جنگ را ادامه دهد.

راه ادامهٔ جنگ همین است که:

شما انتخاب کرده‌اید؛

و راه پیدا شدن صلح این است که:

ما انتخاب کرده‌ایم.

برای پیدا شدن صلح قبل از هر چیز باید شرّ صدام از منطقه کنده شود.

(تکبیر نمایندگان)

مسلم بدانید که ایران بیش از همهٔ کشورهای منطقه برای صلح و آرامش منطقه فکر می‌کند، چون **منافع ما در صلح است، اما صلحی که دوام داشته باشد و صلحی که با حقیقت توأم باشد و صلحی که بتواند منافع مستضعفین را حفظ کند و دست تجاوز را ببندد.**

صدام اگر امروز مدال گرفت، در تاریخ صدام‌های بسیاری پیدا خواهند شد و اگر امروز سرکوب شود، آیندهٔ صلح منطقه تأمین می‌شود.

ما خواست‌های فوقِ حقی مطرح نکردیم، گفته‌ایم:

خسارات ما را بدهند،

متجاوز را محاکمه کنند،

آوارگان برگردند،

و خاک ما را تخلیه کنند.

اینها چیزهایی است که یک حرفش هم نمی‌شود کم شود.

شما بر سر چی چانه می‌زنید؟

با کی معارضه می‌کنید؟

سازمان ملل وقت مردم دنیا را چرا تلف می‌کند؟

بنشینید فشار بیاورید، حق را بگیرید، متجاوز را تنبیه کنید و ما هم با شما همراهیم.

حمایت‌های مذبوحانهٔ حامیان شکست خوردهٔ صدام

بنابراین، این حرکات مذبوحانهٔ امپریالیستی- صهیونیستی در دنیا و این حمایت‌های مذبوحانهٔ حامیان شکست‌خوردهٔ عراق که یکی از آنها نمیری است از آفریقا که خودش را به زحمت حفظ می‌کند و **امثال شاه‌حسین**، اینها برای **رزمندگان ما که بی‌تابانه منتظر فرمان هجومند و منتظر گرفتن کربلا و رسیدن به قدس هستند و قلبشان برای مبارزه با اسرائیل که از آن راه عبور**

کنند، می‌تپد.

شما با چه می‌خواهید ما را تهدید کنید؟

این چه وضعی است که در دنیا به وجود آورده‌اید و دروغ می‌گویید.

چرا این‌قدر فضیلت را ندیده می‌گیرید؟

چرا آن‌قدر کلاه سر مردم دنیا می‌گذارید و وقت مردم دنیا را تلف می‌کنید؟[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۳ تاریخ صدور: **۱۳ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **رد یک فوریت طرح تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور در مجلس شورای اسلامی**

امضا:

به گزارش خبرنگاران جمهوری اسلامی در ادامهٔ جلسهٔ علنی دیروز **پیشنهاد یک فوریت** برای **طرح تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور** به تقاضای عده‌ای از نمایندگان مطرح گردید و **فواد کریمی به عنوان یکی از پیشنهاد دهندگان** طی سخنانی گفت:

- آن‌چه که مطرح است، داشتن یک سازمان اطلاعاتی برای کشور ما ضروری است و هر روز از آن بگذرد، ما لطماتی را متحمل می‌شویم. این طرح حدود ۱ سال است که به وسیلهٔ کمیسیون امور داخلی در حال بررسی است و کمیسیون داخلی تمام حرف‌ها و پیشنهادها را شنیده است و حتی از افراد غیرمسئول اجرایی صاحب‌نظر دعوت کرده و نظریات آنها را مورد بررسی قرار داده و علاوه بر آن یک کمیسیون ویژه تشکیل شد و **طرح در کلیهٔ ابعاد بررسی شد** و اگر بخواهد با همهٔ این فعالیت و در دست بررسی بودن با ۲ شور تصویب شود، مدت زیادی وقت خواهد گرفت و لزومی هم به ۲ شوری بودن نیست. لذا پیشنهاد یک فوریت می‌شود تا به صورت یک شوری به تصویب برسد، زیرا که **این طرح به تعویق بیفتد به ضرر کشور خواهد بود.**

البته **در مورد جنایت‌های منافقین، گذاشتن تمام تقصیرات به گردن مجلس درست نیست و می‌باید مأمورین انتظامی کشور بیشتر مراقب باشند، ولی به هر حال ما باید به وظایف اسلامی خود عمل کنیم.**

آقارحیمی در **مخالفت** با یک فوریت گفت:

– الآن این طرح تصویب شده و به مجلس می‌آید و کلیات آن تصویب می‌شود و در شور دوم پیشنهادها مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. ما نباید انفعالی عمل کنیم. ما یک انقلابی داریم که دشمنانش از تمام دنیا هستند و **کار بزرگ خطر بزرگ هم دارد**. بنابراین ما نباید بترسیم.

سیدکاظم موسوی بجنوردی در **موافقت** گفت:

– چه ضرورتی بالاتر از این‌که ما هرچه زودتر یک سازمان اطلاعاتی وسیع و قوی درست کنیم. این طرح ۱ سال است که در مجلس مطرح است و مورد بررسی دقیق قرار گرفته و چه بسا که نکتهٔ مبهمی در آن وجود ندارد. بنابراین باید به صورت یک فوریت مطرح گردد.

سپس **رئیس مجلس** توضیح دادند که:

– **آقای نخست‌وزیر تقصیر را به گردن مجلس نینداختند، بلکه تقاضای تصویب طرح تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور را کردند.**

سرانجام پیشنهاد یک فوریت برای طرح تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور پس از رأی‌گیری از سوی نمایندگان رد شد و رئیس مجلس متذکر شدند:

– شور اول این طرح در کمیسیون به تصویب رسید و هفتهٔ آینده به مجلس خواهد آمد و با توجه به بررسی‌های فراوانی که روی آن به عمل آمده، شور دوم آن چندان طول نخواهد کشید.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۴ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **رمز پیروزی سپاه اسلام، صلح طلبی ایران اسلامی و عجز صدام**

امضا: **فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضائی**

فرماندهٔ سپاه پاسداران در مراسم صبحگاه مشترک در شیراز:

پیروزی‌هایی که نصیب لشگریان اسلام می‌شود،

برای دنیا غیرمنتظره است

شیراز، واحد مرکزی خبر:

برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که ساعت ۱۶ روز گذشته وارد شیراز شد، پس از حضور در قطعهٔ شهدا و تجلیل از جانبازان اسلام و شرکت در جلسهٔ مشترک فرماندهان سپاه و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ با **حجت‌الاسلام حائری شیرازی امام جمعهٔ شیراز** که اخیراً از جبهه‌های غرب کشور بازگشته است، دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش واحد مرکزی خبر فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بامداد دیروز در مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های نظامی و انتظامی مستقر در شیراز نیز حضور یافت و در جمع پرسنل و فرماندهان مراکز زرهی پیادهٔ پشتیبانی منطقهٔ ۲، تیپ ۵۵ هوابرد، پایگاه هوایی شیراز، ژاندارمری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شهربانی جمهوری اسلامی و کمیتهٔ انقلاب اسلامی سخنانی ایراد کرد.

برادر رضائی با اشاره به این مطلب که مدعیان راه بشر که خود را روشنفکر و مترقیان عصر

و افضل بشرهای دیگر به حساب می‌آورند، همیشه با انبیا و پیامبران در جنگ و ستیزند، گفت:

– امروز پیروزی‌هایی که نصیب لشگریان ظفرمند اسلام می‌شود و شکست فاحشی که در پی این انقلاب بر پیکر آمریکای جهان‌خوار وارد آمده است، برای دنیا غیرمنتظره بوده و این در حالی است که **این پیشرفت‌ها و پیروزی‌ها که نصیب سپاهیان اسلام می‌شود، به این دلیل است که ما راه انبیا و اولیای الهی را می‌رویم.**

وی با الهام از پیام امام امت گفت:

– **ما طالب صلحی هستیم که موجب رضایت خدا و انبیای اوست، نه صلحی که صدام و ابرقدرت‌ها در نظر دارند.**

ما می‌گوییم دین باید دین خدا باشد و **اصولاً ما طالب جنگ نیستیم.**

بر پایهٔ همین گزارش فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفتگویی با خبرنگار واحد مرکزی خبر **هدف از سفر به شیراز** را بازدید از نیروهای سپاه، دیدار با نیروهای مردمی و نیروهای مسلح به ویژه بسیج عمومی ملت در رابطه با تعیین تکلیف صدام ذکر کرد و گفت:

– **چون فارس یک منطقهٔ نیروخیز است، به این منطقه آمده‌ایم تا در رابطه با بسیج عمومی فعالیت‌هایی را که در این‌جا داریم، آغاز کنیم.**

برادر رضائی در پاسخ خبرنگار واحد مرکزی خبر پیرامون **جنگ و آیندهٔ آن** گفت:

– آیندهٔ جنگ از همین وحشت و دستپاچگی نیروهای کفر روشن است و به رغم این‌که صدام ادعا کرده که فاصلهٔ ما با بغداد ۱۲۰ کیلومتر است، اربابش آمریکا اعلام کرده است که سپاهیان ما بیشتر از ۸۰ کیلومتر با بغداد فاصله ندارند.

وی افزود:

– **فاصلهٔ ما تا بغداد الآن بسیار کم است.**

وی سپس افزود:

– اگر صدام راست می‌گوید، بماند در بغداد و مقاومت کند، ببینیم او می‌ماند یا جمهوری اسلامی.

ما حرف آخرمان را به صدام خواهیم زد. لذا از مردم انتظار داریم به صورت گسترده‌ای چون گذشته و فعال‌تر از آن با ما همکاری داشته باشند تا ان‌شاءالله به زودی شاهد پیروزی نهایی سپاهیان اسلام باشند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۵ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ادامهٔ ابراز موج تنفر و انزجار از عمل جنایت‌بار اخیر منافقین در تهران**

امضا: **اتحادیهٔ انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در هند و جمعی از نهادها و سازمان‌ها**

بار دیگر دست جنایتکار و کفرآلود استکبار جهانی از آستین منافقین بیرون آمد که باعث به خاک و خون کشیده شدن بیش از صدها تن از برادران و خواهران امت حزب‌الله گردید.

برادران و خواهرانی که با فقر زیاد از خون خود مایه گذاشته و با عزمی راسخ در رویارویی و مبارزه با رژیم معدوم سابق حضوری فعالانه داشته و بعد از پیروزی انقلاب نیز همیشه پیروانی صادق و یارانی وفادار برای اسلام و امام بوده و خوار چشمی برای کفردلانی که سد تکامل و پیشرفت این انقلاب خون‌بار بودند، شهیدانی که تا زنده بودند مشتاقانه به انقلاب خدمت نمودند و نیز با ایثار خونشان خط اسلام را آبیاری نمودند.

آری در زمانی شاهد این جنایت هولناک و ضدبشری هستیم که **رزمندگان کفرستیز اسلام و پاسداران حکومت حقه در جبهه‌ها حماسه می‌آفرینند و ضربات کوبنده بر پیکر نیمه نفس صدامیان می‌زنند** و همزمان با واقع شدن این پیروزی عظیم و ایثارگرانه و آن جنایت هولناک و ستم‌گرانه دلیل بر وابستگی کامل این خودفروختگان به استکبار جهان می‌باشد.

ننگتان باد ای منافقین ضدخلق! که به فرمودهٔ امام با این جنایتتان شرافت و انسانیت را در سوگ نشاندید.

ما **اتحادیهٔ انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در هند** ضمن عرض تسلیتِ این فاجعه به حضور

امام زمان ارواحنا له‌الفداه و نایب برحقش خمینی بت‌شکن و امت ایثارگر شهیدپرور ایران، برای بازماندگان این شهدا صبر جزیل آرزو نموده و از **دادستانی محترم انقلاب اسلامی** می‌خواهیم که در مقابل این خودفروختگان قاطعیت بیشتری نشان دهند.

همچنین در این رابطه از سوی انجمن‌های اسلامی، گروه‌ها و سازمان‌ها اطلاعیه‌های جداگانه‌ای رسیده که به علت کثرت آنها، فقط به اسامی برخی از آنها اکتفا می‌شود:

انجمن اسلامی کارکنان نخست‌وزیری، انجمن اسلامی کارکنان بانک ملی ایران، ستاد هماهنگی انجمن‌های اسلامی ادارات و مؤسسات دولتی، انجمن اسلامی کارکنان نساجی کاشان، انجمن اسلامی وزارت پست و تلگراف و تلفن، روابط عمومی کمیتهٔ امور صنفی مرکز، کارکنان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یزد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی زارج، انجمن اسلامی معلمان خمینی‌شهر، انجمن اسلامی منطقهٔ ۱۱ پستی تهران، بنیاد امور جنگ‌زدگان، جامعهٔ انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف تهران، انجمن اسلامی حوزهٔ مرکزی وزارت بهداری، انجمن اسلامی قنات کوثر تهران‌پارس، شورا و انجمن اسلامی کارکنان الیاف، اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی شرکت ملی فولاد ایران، انجمن اسلامی مجتمع بیمارستانی امام خمینی.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۶ تاریخ صدور: **۱۳ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **گزارشی از جبههٔ آبادان**

امضا: **ستاد عملیاتی آبادان**

واحد مرکزی خبر طی تماسی با **ستاد عملیاتی آبادان** کسب اطلاع کرد که طی ۲ شبانه‌روز گذشته در اثر آتش کوبندهٔ سلحشوران اسلام بر روی ۱ ستون نظامی دشمنان قرآن در آن سوی اروندرود در داخل خاک عراق، خساراتی به قسمتی از ستون مذکور وارد شد و تعداد زیادی از آنان نیز به هلاکت رسیدند.

همچنین طی همین مدت تبادل آتش بین رزمندگان دلاور اسلام و مزدوران عراقی به وسیلهٔ سلاح‌های سبک و سنگین در **تمام جبهه‌های آبادان** به طور پراکنده وجود داشت که در اثر آن دلیران ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه چند سنگر انفرادی و سنگر دیده‌بانی و ۱سنگر تیربار دشمن زبون را در آن سوی اروندرود منهدم کردند.

در **جزیرهٔ مینو** نیز توسط آتش تفنگ ۱۰۶ برادران جان برکف سپاه پاسداران آبادان ۱ سنگر اجتماعی نیروهای بعثی صهیونیستی به کلی نابود شد که از تعداد تلفات آنان اطلاع دقیقی در دست نیست.

بنا بر این گزارش، دیروز سلاح‌های سنگین ددمنشان عراقی چند منطقهٔ آبادان را زیر آتش قرار داد که تا ساعت ۱۳ به چند ساختمان مسکونی و حداقل ۱ اتومبیل خساراتی وارد شد.

۲ روز گذشته نیز بر اثر همین آتش ۳ نقطه در آبادان دچار آتش‌سوزی شد که بلافاصله مهار

گشت.

این گزارش حاکی است که ۱ فروند از هواپیماهای دشمن در ساعت ۱۰/۲۷ پریروز در منطقهٔ آبادان مشاهده شد، ولی بدون این‌که موفق به اجرای عملیاتی گردد، از منطقه دور گشت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۷ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تحرکات نظامی در جبهه‌های غرب و جنوب کشور**

و فرار عراقی‌ها در آخرین ضدحمله با به جا گذاشتن ۱۰۰ اسیر

امضا:

ایلام:

در پی ضربات کوبندهٔ رزمندگان اسلام به قوای صدامی در جریان عملیات چریکی حسن‌بن علی(ع) در منطقهٔ میمک، ساعت ۱۰/۲۰دقیقهٔ پریشب دشمن زبون با جمع‌آوری نیروهای خود در چند منطقهٔ میمک اقدام به پاتک نمود که با هوشیاری و استقامت رزمندگان اسلام در اولین لحظات با شکست روبه‌رو شده و مزدوران صدامی با تحمل تلفات و ضایعات سنگین مجبور به فرار شدند.

به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی در این پاتک، رزمندگان اسلام ضمن وارد آوردن ضربات مهلکی به دشمن، تعدادی از آنان را کشته و یا زخمی کردند.

در این عملیات هیچ‌گونه خساراتی به نیروهای اسلام وارد نیامد.

قرارگاه نجف:

دشمن مأیوس از نتایج پاتک پریشب و دیروز خود همچنان ارتفاعات «**بندپیرعلی**» را زیر آتش شدید خود دارد. بر اساس این گزارش:

علاوه بر تانک‌های به غنیمت گرفته شده در **اطراف جادهٔ مندلی به ارتفاعات بند پیرعلی** لاشهٔ

چند تانک و خودرو عراقی به صورت سوخته در کنار جاده و یا در قعر دره‌ها مشاهده می‌شود.

همچنین مقدار قابل توجهی جنگ‌افزار سبک از سربازان دشمن که پریشب قصد تجاوز مجدد به میهن اسلامی را داشتند، به غنیمت گرفته شده و مقداری نیز در اطراف منطقه و در کنار جاده به زمین ریخته شده است.

یک سرباز عراقی‌که مدعی بود خود را به سپاهیان اسلام تسلیم کرده است، می‌گفت:

– پس از شنیدن خبر آمادگی سودان و مصر برای کمک نظامی به صدام ماهیت آمریکایی حکومت بعث بر همگان و حتی نظامیان بعثی روشن‌تر شده است و به همین دلیل زمان آن رسیده که سربازان عراقی خود را به سپاهیان اسلام معرفی کنند تا با پناهندگی آنان حکومت بعث از تجاوزات مجدد به سرزمین ایران منصرف شود و جنگ خاتمه یابد.

اهواز:

تبادل آتش در **جبهه‌های جنوب و ۲ سوی «اروندرود»** طی شبانه‌روز گذشته بین نیروهای اسلام و قوای رو به اضمحلال صدام با برتری کامل آتش نیروهای ما ادامه داشت و طی آن تلفات و ضایعاتی به دشمن وارد آمد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز حاکیست:

با آتش رزمندگان اسلام طی این مدت در **خطوط مرزی کوشک – شلمچه و شرق بصره** ۱ دستگاه تانک، ۲ انبار مهمات، ۱ دستگاه لودر، ۱ غلتک، ۱ قبضه توپ و ۲ دستگاه خودرو دشمن منهدم و ۱۵ تن از صدامیان کشته و تعدادی دیگر زخمی شدند.

بر پایهٔ همین‌گزارش طی این مدت با آتش دلاوران اسلام همچنین به یکی از رادارهای دشمن در **«رأس‌البیشه»** در دهانهٔ فاو خساراتی وارد آمد.

اهواز:

پاسداران جان‌برکف کمیته‌های انقلاب اسلامی آبادان و حومه دیروز با گشودن آتش بر روی **جادهٔ تدارکاتی سیبه – سیحان** واقع در آن سوی **«اروندرود»** در داخل خاک عراق ضمن جلوگیری از تردد ۱ ستون زرهی دشمن، به تعدادی از خودروهای این ستون خساراتی وارد آورده و شماری از مزدوران صدامی را کشته و مجروح کردند.

طی این مدت با آتش پاسداران کمیته‌ها،۲سنگر دیده‌بانی،۳سنگر اجتماعی و ۲سنگر انفرادی دشمن نیز در این منطقه نابود شد و ۲۰ تن از صدامیان به هلاکت رسیده و ۱۰ تن

دیگر زخمی شدند.[۱]

ایلام، خبرنگار جمهوری اسلامی:

۶ گروه چریکی از سپاهیان پرتوان اسلام متشکل از **برادران سپاه، برادران ارتش، نیروهای ژاندارمری، بسیج، سپاه و عشایر سلحشور** در ساعت ۳۰ دقیقهٔ بامداد روز گذشته در یک عملیات چریکی با نفوذ درخاک دشمن در ارتفاعات ۳۲۵-۳۴۰،۳۴۳ زالوآب و پاسگاه اراجی در منطقهٔ مهران موفق شدند ضمن به محاصره درآوردن یکی از پاسگاه‌هـای مهم مـرزی عـراق به نام کله‌شرقی، خسارات نسبتاً سنگینی به این پاسگاه وارد آورده و آن را درهم کوبیدند.

در این عملیات موفقیت‌آمیز کلیهٔ سنگرهای انفرادی و اجتماعی و انبارهای مهمات دشمن در اطراف پاسگاه نابود و به آتش کشیده شد و تعدادی از مزدوران صدام کشته و یا زخمی شدند.

بر پایهٔ این گزارش نیـروهای اسـلام پس از پایان این عملیات سـالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.

یک گزارش دیگر از جبههٔ میمک حاکیست:

روز گذشته با آتش سنگین توپخانهٔ ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع توپخانه و نقاط آمادی عراق در مناطق میدان حوالی دوشیخ، جادهٔ تدارکاتی سلمان فراج به دوشیخ و جادهٔ تدارکاتی اطراف مندلی خسارات زیادی به یگان‌های دشمن در این منطقه وارد آوردند.

باختران، واحد مرکزی خبر:

به گزارش واحد مرکزی خبر به دنبال شکست‌های مفتضحانهٔ نیروهای بعثی-صهیونیستی عراق از رزمندگان اسلام در جبهه‌های غرب کشورمان در ساعت ۱ بعد از ظهر دیروز هواپیماهای مزدور بعث عراق برای دومین بار مناطق مسکونی و غیرنظامی شهر مقاوم گیلان‌غرب را بمباران کرد که در این حملهٔ وحشیانه ۲ کودک شهید و ۱۵ نفر دیگر از مردم بی‌دفاع این شهر مجروح شده و بلافاصله مجروحین به بیمارستان ولی‌عصر(عج) گیلان‌غرب انتقال یافته و تحت مداوا قرار گرفتند.

بنا به این گزارش مردم مسلمان و شهیدپرور گیلان‌غرب همزمان با بمباران، به خیابان‌ها ریخته و ضمن ابراز تنفر و انزجار از این عمل وحشیانهٔ خلبانان مزدور عراق با شعارهای:

مـرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۳

پیکر پاک ۲ کودک خردسالی را که در این حادثه به شهادت رسیده بودند، تشییع کردند.

این گزارش حاکی است که عزای عمومی که قبلاً در این شهر به مدت ۳ روز اعلام شده بود، برای عمل جنایتکارانهٔ خلبانان جیره‌خوار صدامی که برای دومین‌بار منجر به شهادت و زخمی شدن عدهٔ دیگری از مردم مقاوم این شهر شد، به ۶ روز افزایش یافت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۸ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملات مبارزین مسلمان عراقی به مزدوران بعثی**

امضا:

سنندج، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۲ روز گذشته مبارزین مسلمان عراقی با حمله به ۱ ستون نظامی مزدوران صدامی در محور کرکوک- بغداد ۱۲ تن از آنان را به هلاکت رساندند.

در این درگیری ۴ دستگاه خودرو به آتش کشیده شد و تعدادی نیز زخمی شدند.

همچنین مجاهدین مسلمان عراقی در یک عملیات دیگر، روز گذشته با حمله به یکی از پایگاه‌های مزدوران بعثی در منطقهٔ چهارباغ، ۴ تن از آنان به هلاکت رسانده و شماری را نیز مجروح کردند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره:۹ تاریخ صدور: **۱۳ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **وضعیت ارتش صدام از زبان اسرای عراقی**

امضا:

به گفتهٔ اسرای عراقی:

کاتیوشاهای ارتش صدام، نیروهای عراقی را اشتباهاً زیر آتش گرفت

قرارگاه نجف، خبرگزاری جمهوری اسلامی: ۶۱/۷/۱۲

در جریان دفع ۲ پاتک مذبوحانهٔ پریشب و دیروز صبح نیروهای دشمن بعثی در غرب سومار، ده‌ها تن از نظامیان مزدور عراقی به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند که کار تخلیه و شمارش آنها تا ساعت ۱۴ دیروز همچنان ادامه داشت.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی که از محل نگه‌داری اسرا بازدید کرده است، در میان اسرای شمارش شده تا ساعت ۱۲ دیروز، چندین درجه‌دار و افسر فرماندهٔ عراقی به نام‌های **سرگرد فواد عبدالستار احمد فرماندهٔ گـروهان ۴ گردان ۲ تیپ ۱۹ از لشگر ۷ – ستوان یکم ابراهیم عاوی حسین – ستوان دوم نوفل قائم مرعی – ستوان‌یار ذاکر یعقوب سلیمان – ستوان‌یار فیصل شعبان – ستوان‌یار عباس فاضل جارالله – ستوان‌یار صبری جبر خلف فرماندهٔ دستهٔ ۱۰ گروهان ۴ گردان ۲ از تیپ ۱۹** وجود داشته‌اند.

بر اساس این گزارش **سرگرد فواد عبدالستار** که کرد و از اهالی سلیمانیهٔ عراق است و با برخی از افراد گروهان تحت فرماندهی خود به اسارت رزمندگان اسلام درآمده است، در

گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت:

– رژیم صدام به دلیل کمبود نیرو و ناتوانی برای مقابله با قوای اسلام، نیروهای مستقر در خانقین از جمله گروهان تحت فرماندهی من را عصر روز گذشته – یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۱ – به نواحی اطراف شهر مندلی منتقل کرد.

وی افزود:

– مشاهده کرده است که در خط مقدم جبهه در حالی‌که قوای عراق از نظر مهمات در مضیقه قرار داشتند، کاتیوشای عراق نیز آنان را اشتباهاً هدف قرار داده بودند.

سرگرد اسیر عراقی با اشاره به اوضاع بحرانی رژیم عراق گفت:

– بسیار واضح است که فقط فشار و تهدید داخلی علیه مردم و کمک‌های قدرت‌های خارجی صدام را سرپا نگه داشته است.

حملهٔ مسلمانان شهر العماره به صدام

ستوان صبری جبر خلف فرماندهٔ دستهٔ ۱۰ از گروهان تحت فرماندهی سرگرد عبدالستار که از اهالی اسکان در شهر عماره است، در این مصاحبه گفت:

– در این شهر گروهی از مردم پس از عملیات بیت‌المقدس که در جریان آن تلفات سنگینی به ارتش عراق وارد آمد، به هنگامی که صدام از این شهر بازدید می‌کرد با مسلسل و نارنجک وی را مورد حمله قرار دادند که با کشته شدن تعداد زیادی از محافظین صدام که از تکریتی‌های بعثی هستند، وی توانست جان سالم به‌در برد.

ستوان یکم مذکور افزود:

– صدام سعی می‌کند تمامی مناطق مهم از جمله قصر ریاست جمهوری را به وسیلهٔ افراد تکریتی حزب بعث که در تیپ سپاه جمهوری اسلامی متشکل هستند، حفاظت کند.

ستوان یکم ابراهیم علوی حسین که از اهالی شهر مشخاب از استان نجف است نیز در این مصاحبه گفت:

– ساعت ۷/۳۰ امروز (دیروز) در منطقهٔ مندلی اسیر شدم.

وی افزود:

– از گردان ۱۴۰ نفری او ۴۵ نفر اسیر شدند.

وی همچنین گفت:

– هنگامی که افراد گردان ما در حال تسلیم شدن بودند، افراد بعثی آنها را به رگبار بستند

و خودشان متواری شدند.

ستوان‌یار ذاکر یعقوب سلیمان از گردان ۲ لشگر ۷ عراق گفت:

– غروب دیروز (یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۱) به مندلی منتقل و در ساعت ۷ شب در منطقه مستقر شدم.

وی گفت:

– آنها دستور داشته‌اند بر تنگهٔ مقابل پاسگاه حریهٔ عراق در غرب سومار مسلط شوند که با وجودی که تعداد زیادی تانک و توپ در جادهٔ مندلی سومار (۳ کیلومتری مندلی) مستقر شده و از آنها حمایت می‌کردند، تاب مقاومت نیاورده و به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.

عبدالزهر علی از غیر بی‌سیم‌چی از گردان ۲ تیپ ۱۹ لشگر ۷ گفت:

– پس از ضدحملهٔ دیشب (پریشب) علیه قوای اسلام در حالی که تلفات ما بسیار زیاد بود، توپخانهٔ ارتش عراق آن‌چنان دچار وحشت شده بود که اشتباهاً چندین بار نیروهای خودی را زیر آتش گرفت.

سرباز احتیاط جاسم علی اسماعیل در پاسخ سؤال خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی که پرسید:

– به چه دلیل اهالی شهر مندلی که در چند کیلومتری ارتفاعات تحت تسلط قوای اسلام واقع شده است، شب‌ها چراغ‌های خود را کاملاً روشن می‌گذارند؟

گفت:

– مردم مندلی مطمئن هستند توپخانهٔ ایران هرگز شهر آنها را هدف قرار نمی‌دهد.

اسرای عراقی در این مصاحبه اظهار می‌داشتند که **صدام سعی می‌کند با پول و زور مردم را به جبهه اعزام کند، اما در این کار نیز موفق نبوده و ناگزیر از استخدام مزدور خارجی است.**

سرباز احتیاط محل علی که از گروهان تحت فرماندهی سرگرد فواد عبدالستار احمد بوده است، گفت:

– تا آن‌جا که وی اطلاع دارد، ارتش صدام چند گردان ۵۰۰ نفری نیروی کمکی به جبههٔ مندلی از خانقین آورده بود.

وی افزود:

– در حملهٔ ناموفق دیشب (پریشب) به قوای اسلام از گروهان ۱۲۰ نفری وی تا آن‌جا که وی دیده است، ۱۵ تن کشته، ۵ تن زخمی و ۴۵ نفر اسیر و بقیه متواری شده‌اند.

گروهبان دوم جاسم سدخان حسن از اهالی شهر کوت گفت:



- یکی از اهالی که من وی را با اسم کوچک عطا می‌شناختم و از کارمندان شهرداری بود تعهد کرده بود که اگر صدام به کوت بیاید، من او را خواهم کشت.

وی گفت:

- جاسوسان بعثی پس از شناسایی این برادر وی را دستگیر و اعدام کردند.

وی افزود:

- بسیار واضح است که مردم عراق در فشار قرار داشته و ناراضی هستند و تورم و اوضاع اقتصادی فوق‌العاده بحرانی است.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۰ تاریخ صدور: **۱۳ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی ۴ مسلمان عراقی**

امضا:

ارومیه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۴ تن دیگر از مردم مسلمان و تحت ستم عراق برای رهایی از خفقان و ستم رژیم صدام مزدور از طریق یکی از شهرهای مرزی آذربایجان غربی وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شده و ضمن معرفی خود به نیروهای اسلام تقاضای پناهندگی کردند.

این عده که در میان آنان **۱ سرباز و ۱ کارمند هلال احمر عراق** نیز دیده می‌شوند، در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی **اوضاع داخلی عراق را از نظر سیاسی اجتماعی و اقتصادی بسیار آشفته و غیرقابل تحمل** توصیف کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۱ تاریخ صدور: **۱۳ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **درگیری با ضدانقلابیون**

امضا:

ارومیه، واحد مرکزی خبر:

به گزارش واحد مرکزی خبر در تاریخ ۶۱/۷/۴ در **منطقهٔ مهاباد** در یک درگیری بین نیروهای اسلام و ضدانقلابیون تعدادی از ضدانقلابیون کشته شدند که اجساد ۹ تن از آنها به همراه چند قبضه اسلحه در منطقه عملیات به جای ماند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۲ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی ۱۵ کیلومتر دیگر از محور سردشت - پیرانشهر**

امضا:

عملیات پاک‌سازی منطقه با شدت هر چه تمام‌تر همچنان ادامه دارد.

به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از **قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)** در ادامهٔ عملیات موفقیت‌آمیز **پاک‌سازی محور استراتژیکی سردشت- پیرانشهر** در ۱۰ مهرماه جاری به وسیلهٔ رزمندگان سلحشور تیپ ویژهٔ شهدا و با همکاری ارتش جمهوری اسلامی و بسیج عشایری منگور ۱۵ کیلومتر دیگر این محور از تصرف ضدانقلابیون آزاد شد.

در این عملیات ۵۰ نفر از ضدانقلابیون به هلاکت رسیده یا زخمی شدند و ۷ تن دیگر توسط نیروهای مبارز اسلام دستگیر شدند.

طی این عملیات همچنین **روستاهای پیردان، سپیکان شیرمردان، چاکوکولاک، خضرآباد** که مواضع بسیار مهم گروهک‌های مسلح غیرقانونی در منطقه بود، از لوث وجود ضدانقلاب پاک‌سازی گردید و نیروهای اسلام در این روستاها مستقر شدند.

بر اساس این گزارش در جریان آزادسازی مناطق یادشده ۲۵ قبضه سلاح کلاشینکف، ۱قبضه توپ ۱۰۵میلیمتری همراه با مقادیری از مهمات مربوط، ۵ دستگاه خودرو، مقداری مواد منفجره و اسناد درون‌گروهی ضدانقلابیون به دست رزمندگان اسلام افتاد.

در محلهٔ پاک‌سازی مقداری مواد مخدر، آلات و ادوات فساد و وسایل قمار نیز از گروهک‌های

غیرقانونی برجای مانده است.

در این عملیات پاک‌سازی ۴ عدد مین و ۲ بمب ساعتی نیز کشف و به وسیلهٔ گروه تخریب خنثی شد.

به رزمندگان اسلام در این عملیات هیچ‌گونه تلفات و صدماتی وارد نیامده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۳ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات پاک‌سازی در چند روستای شهرهای کردستان و آذربایجان غربی**

امضا:

ارومیه:

در تاریخ ۶۱/۷/۵ طی یک سری عملیات که توسط **برادران سپاه و بسیج** در **محور سردشت- بانه** صورت گرفت، **روستای هورازه** به محاصرهٔ نیروهای اسلام درآمد و ۳ نفر از ضدانقلابیون دستگیر و تعداد چند قبضه اسلحه و مقادیر زیادی مهمات به دست نیروهای اسلام افتاد.

پاک‌سازی در منطقهٔ بازرگان

به گزارش واحد مرکزی خبر در **عملیات پاک‌سازی محور پیرانشهر- سردشت** در منطقهٔ بازرگان در تاریخ ۶۱/۷/۳ تعداد ۱ قبضه خمپاره‌انداز ۸۱ میلیمتری و مقادیری مهمات و چند قبضه اسلحه به همراه ۳ دستگاه جیپ از ضدانقلابیون به غنیمت گرفته شد.

پاک‌سازی محور مهاباد

به گزارش واحد مرکزی خبر در **عملیات پاک‌سازی در تاریخ ۶۱/۷/۵ در محور مهاباد-یسوه** که توسط **یگان ضربتی ویژهٔ جندالله** مرکب از **جان برکفان سپاه و دلاوران ارتش و ژاندارمری جمهوری اسلامی** ایران انجام شد، ارتفاعات مشرف به گردنهٔ میدان به تصرف نیروهای اسلام

درآمد و ۲۰ تن از ضدانقلابیـون به هلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی و بقیـه متواری شدند.

پاک‌سازی روستاهای اطراف صائین دژ

به گزارش واحد مرکزی خبر در تاریخ ۶۱/۷/۷ در اطراف صائین دژ، **روستاهای ایلانی، باباکندی، احمدآباد، ویس‌آباد، عباس‌آباد و قاضی اخوی** پاک‌سازی شد و ضمن آن خسارات و تلفات زیادی به دشمن وارد آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۴ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تسلیم ۵ ضدانقلاب از اعضای حزب منحلهٔ دمکرات**

امضا:

به گزارش واحد مرکزی خبر در تاریخ ۶۱/۷/۵، **۵ نفر از اعضای حزب منحلهٔ دمکرات** در **منطقهٔ تکاب** از جمله **یکی از سران حزب** همراه با سلاح‌های انفرادی و ۱ قبضه خمپاره‌انداز ۶۰ میلی‌متری خود را به مسئولین سپاه تسلیم کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۵ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **دیدار دوستانهٔ فوتبال برادران سپاه و اسرای عراقی**

امضا: **سرپرست تربیت بدنی سپاه منطقهٔ ۱۰، محمود نوری**

سرپرست تربیت بدنی سپاه منطقهٔ ۱۰:

دیدار دوستانهٔ برادران سپاه و اسرای عراقی ضربه‌ای دیگر بر تبلیغات امپریالیستی بود

به دنبال برگزاری مسابقهٔ فوتبال بین برادران سپاه پاسداران منطقهٔ ۱۰ و اسرای عراقی که جمعهٔ گذشته در ورزشگاه شهید شیرودی انجام شد، گفتگوی کوتاهی با **برادر محمود نوری سرپرست تربیت بدنی سپاه منطقهٔ ۱۰** داشتیم.

وی ابتدا در مورد هدف از برگزاری دیدار با اسرای عراقی گفت:

– باید بگویم که **نیت از برگزاری این دیدار ثابت‌کردن رفتار اسلامی برادران با اسرای عراقی بود**، با توجه به این‌که ماهیت انقلاب ایران، اسلامی است، لذا خواستیم به اسرای عراقی نشان بدهیم که **طبق ضوابط اسلامی و انسانی با آنها رفتار می‌شود** و این امر خود باعث اعتقاد و ایمان اسرا به اسلام خواهد شد، نه اسلامی که صدام عفلقی از آن می‌گوید.

وی افزود:

– ثانیاً هدف دیگر ضربه زدن به تبلیغات سوء علیه انقلاب اسلامی و معرفی یک الگوی آزادی و رهایی برای همهٔ محرومین جهان و استفاده‌های سیاسی از شرکت اسرا در ورزش که این خود هم رعب و ترس و هراس امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را بیشتر کرده و

امیدهای خود را برای تسلط مجدد بر جهان اسلام از دست داده است.

از این دیدار ما دنبال نتیجه یا مسائل که اکنون محیط ورزش در فکر دارد، نداشتیم **فقط برای رضای خدا و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی** بود.

برادر نوری اضافه نمود:

– در این رابطه باید بگوییم که در وقت دوم بازی به علت این‌که دروازه‌بان اسرای عراقی از کیفیت خوبی برخوردار نبود، ما دروازه‌بان ذخیرهٔ تیم سپاه را به آنها دادیم. پس مهم چیزی جز **اهداف عالیهٔ اسلام** نیست.

سرپرست تربیت بدنی سپاه منطقهٔ ۱۰ در مورد آیندهٔ این‌گونه رقابت‌ها اظهار داشت:

– با توجه به این‌که انقلاب اسلامی به سوی رهایی انسان از ماده و مادیات پیش می‌رود، **انقلاب اسلامی در تمامی مسائل زندگی و سازندهٔ انسان، اسرا را شرکت خواهد داد و تا زمانی که سازندگی باشد، این‌گونه کارها نیز هست.**

برادر نوری در مورد این‌که این دیدارها چه اثراتی از لحاظ تبلیغاتی دارد، گفت:

– در مرحلهٔ اول **معرفی آرمان و عقیدهٔ حیات‌بخش یک امت معتقد به اسلام.**

دوم: با توجه به این‌که اسلام رسالتش هدایت و سعادت انسان‌هاست، **اسرا بدانند در مهد آزادی و رهایی و انسانیت قرار گرفته‌اند.**

سوم: **خفه‌کردن تبلیغات صهیونیستی، امپریالیستی بر ضداسلام.**

با این‌که امپریالیسم جهانی و سیستم‌های تبلیغاتی‌اش که کشور اسلامی ایران را مرکز خفقان و ظلم و ستم معرفی می‌کنند، این عمل نشانهٔ باطل بودن این اوهام و هرزه‌گویی‌های این دشمنان انسان و انسانیت می‌باشد.

همچنین **تبلیغ برای معرفی ارزش انقلاب اسلامی که وحدت‌بخش همهٔ مسلمانان جهان و به طور کلی مستضعفان عالم بر ضداستکبار جهانی می‌باشد.**

چهارم: **معرفی اسلام به عنوان فکری جدید در اذهان حق‌جویان و محققان عالم.**

پنجم: **نشانهٔ قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی اسلام متکی به ایمان**، با توجه به این‌که قدرت اسلام انجام هر کاری را دارد؛ لذا انسان می‌خواهد و انسانیت.

وی در پایان افزود:

– امید داریم نیروی کفر صدامی که زیر یوغ امپریالیسم جهانی اسیر هستند، به خود آیند و به آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی برسند.

در رابطه با دیدار دوستانهٔ برادران سپاه و اسرای عراقی متن اطلاعیه‌ای به شرح زیر قرائت

گردید:

بسم الله الرحمن الرحیم

با درود بر پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد(ص) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی برای نجات بشریت و با سلام بر ائمهٔ اطهار(ع) و همهٔ شهیدان راه خدا، امامت روح‌الله در مسیر جریان نبوت و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را تا نابودی کفر جهانی و اتصال انقلاب اسلامی را به انقلاب حضرت مهدی(عج) را ارج می‌نهیم، تا صدق این آرمان جانبازی و دفاع از مستضعفان جهان را به خصوص دفاع از حقوق ملت مسلمان عراق را که در زیر یوغ صدام آمریکایی قرار گرفته‌اند و امامت امام خمینی ادامه خواهیم داد.

یا ایهاالناس، ای ملت‌های مستضعف جهان، ای بندگان خدا، که شیطان بزرگ آمریکا و همپالگی‌اش امپریالیسم شرق شوروی شما را به عبادت غیرخدا واداشته‌اند!

بدانید و آگاه باشید که انقلاب اسلامی ایران موضعش انسان است و انسانیت؛

آزادی است و آزادگی؛

استقلال است و رهایی.

انقلاب اسلامی ایران دست همگی شما را می‌فشاردکه در راه رهایی خودکوشا باشید.

ای دنیا!

تو ببین که امامت روح‌الله فرزند حسین(ع) سالار شهیدان چگونه قدرت درنگی و نظامی و ماشینی شیطان بزرگ را درهم کوبیده است.

اینک برای دادن آرامش خاطر به اسـرای جنگـی عراق و برای اثبات یگانه‌بودن انقلاب اسلامی ایران با فطرت این انسان‌ها، برادران اسیرعراقی را در تمام جنبه‌های انسانی شرکت داده،

و برای نیرومند ساختن جسمشان که مقدمهٔ نیرومندی روحیهٔ آنهاست،

آنها را به ورزش دعوت کرده است،

تا برای پیوستن به جندالله آمادگی خود را به دست آورده،

و در راه خدا برای رهایی بندگان خدا به امامت روح‌الله،

با کافران، ملحدان، مشرکان و با ظالمان و ستمگران نبرد کنند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۶ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری و هلاکت بیش از ۳۰ تن از کادرهای بالای منافقین**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

سرویس خبری:

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رابطه با کشف تعداد زیادی از لانه‌های فساد تیمی گروهک آمریکایی ـ ارتجاعی منافقین در تهران و کرج اطلاعیه‌ای منتشر کرد. متن اطلاعیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوت[1]

شکر و سپاس به درگاه خداوندی که امت قهرمان و دلاور اسلام را توفیق ادامهٔ مبارزه با استکبار جهانی به ویژه شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و مزدوران خودفروخته‌اش همچون صدام عفلقی و منافقین کوردل داده و دشمنان اسلام عزیز و انقلاب اسلامی را به خاک مذلت کشاند.

ملت مسلمان و شهیدپرور ایران!

بار دیگر در پی تلاش‌های بی‌وقفهٔ **سپاهیان پاسدار انقلاب اسلامی** و همکاری بی‌دریغ سازمان اطلاعاتی۳۶ میلیونی با الهام گرفتن از ارواح مطهر تمامی شهدای انقلاب ظفرمند

۱- سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۴۱
همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته.

اسلامی ایران ضربات سهمگین دیگری بر پیکر عنکبوتی تشکیلات ضدخدایی منافقین وارد آورد و توطئه‌های منافقین ضدخلقی که علیه انقلاب کبیر اسلامی تدارک دیده شده بود، کشف و خنثی کرد.

در این عملیات موفقیت‌آمیز که طی هفتهٔ گذشته توسط **جان برکفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** در تهران وکرج انجام شد، تعداد زیادی از لانه‌های فساد تیمی گروهک آمریکایی ـ ارتجاعی منافقین کشف و بیش از ۳۰ تن از اعضا و کادرهای مهم سازمان منافقین دستگیر و یا به هلاکت رسیدند، که اسامی تعدادی از آنها به شرح زیر به اطلاع امت حزب‌الله می‌رسد.

۱- حسین خادمی از اعضای با سابقه و مسئول بخش حفاظت مرکزیت گروهک منافقین.

۲- هادی کاولان از اعضای با سابقه و عضو بخش حفاظت مرکزیت منافقین ضدخلق.

۳- حیدرعلی نیاکان از اعضای اصلی و از مسئولان با سابقهٔ بخش نظامی گروهک منافقین.

۴- رضا راطبی از اعضای با سابقهٔ بخش نظامی ـ اطلاعاتی سازمان آمریکایی منافقین و از مسئولان شکنجهٔ ۳ پاسدار قهرمان کمیتهٔ انقلاب اسلامی.

۵-تقی باباخانی عضو فعال بخش نظامی ـ فنی سازمان ارتجاعی منافقین.

۶- بتول فقیه دزفولی از اعضای با سابقه وکادر بالای بخش نظامی ـ اطلاعاتی سازمان‌ضد خلقی منافقین.

۷- صادق کاتوزیان از اعضای با سابقه و از مسئولان تدارکات و جعل سازمان ارتجاعی منافقین.

۸-ابراهیم ذبیحیان عضو فعال و از مسئولان تدارکات و جعل بخش اجتماعی سازمان منافقین.

۹- مریم گلزاده غفوری عضو فعال بخش اجتماعی سازمان ضدخدایی منافقین.

۱۰- علی‌رضا حاج صمدی عضو فعال بخش اجتماعی سازمان منافقین ضدخلق.

۱۱- نیره شفیعی عضو بخش اجتماعی سازمان منافقین ضدخلق.

همچنین ۴نفر از مسئولان اکیپ‌های ویژهٔ عملیات جنایتکارانهٔ منافقین آمریکایی توسط برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دستگیر و یا به هلاکت رسیدند.

نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِین[۱]

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[۲]

۱- سورهٔ صف، آیهٔ ۱۳
یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست و مؤمنان را [بدان] بشارت ده.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۷ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ورود مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بوشهر**

امضا:

برادر سالک مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عصر دیروز به همراه هیأتی متشکل از **مسئول ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمعی از مسئولین واحدهای مختلف واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** وارد بوشهر شدند و مورد استقبال آقای **نصری استاندار بوشهر، فرماندهٔ هنگ مستقل ژاندارمری، رئیس شهربانی، دادستان دادسرای انقلاب اسلامی و جانشین فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوشهر** قرار گرفتند.

به گزارش واحد مرکزی خبر وی پس از ورود به بوشهر در گفتگویی با واحد مرکزی خبر پیرامون نقش واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کسب پیروزی‌های اخیر در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل گفت:

– مسألهٔ جنگ در شرایط فعلی یک نقش بسیار عمده و سازنده‌ای دارد و آن نقش بسیار عمده و سازنده این است که **جنگ پایه‌های توحید را در دل جامعهٔ ما قوت می‌بخشد و رشد می‌دهد** و این مهم‌ترین چیزی است که ما در این مسیر می‌توانیم به دست بیاوریم و نقش سازنده‌ای هم که می‌توانیم بگوییم در جهان دارد، در جهت **گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و تفهیم مفاهیم عالی انسانی آزادی و استقلال، تکیه بر خود و مکتب خود و رهایی از زیر یوغ استعمار و ابرقدرت‌های شرق و غرب** می‌باشد و ملت شهیدپرور ما با حضور همیشگی در صحنه و تبلور وجود نیروهایشان

که نیروهای سپـاه، بسیـج و ارتـش و همهٔ رزمنـدگان ما هستند، این حقیقت‌ها را به اثبات رسانیده‌اند.

بر پایهٔ این گزارش در این سفر **فرمانده و تعدادی از اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹** برادر سالک مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را همراهی می‌کنند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۱۸ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **راه‌پیمایی پر شکوه عشایر مسلمان فیروزآباد به حمایت از اعدام خسروخان قشقائی**

امضا:

فیروزآباد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به دنبال **اعدام انقلابی خسروخان قشقائی** روز یک‌شنبه و به دعوت عشایر مسلمان و خان‌گزیدهٔ فیروزآباد راه‌پیمایی بسیار باشکوهی برپا شد.

در این مراسم که عشایر مسلمان مسلحانه و با لباس عشیره‌ای و محلی شرکت کرده بودند، **گروه‌های مقاومت عشایری و نادمین عوامل خوانین قشقائی** نیز شرکت داشتند.

راه‌پیمایان در حالی که از خیابان‌ها عبور می‌کردند، شعار می‌دادند:

عشایر حزب‌الله می‌میرد می‌رزمد سازش نمی‌پذیرد

احکام دادگاه انقلاب مورد تاییـد مـاست

این راه‌پیمایی شکوهمند از فلکهٔ روزبه شروع و تا مقابل سپاه پاسداران ادامه داشت.

حاضرین در این مکان به سخنان یکی از عشایر خان‌گزیده و محروم در رابطه با ضایعات خوانین گوش فرا دادند.

سپس **قطعنامه‌ای در ۸ ماده** قرائت شد که در قسمتی از آن ضمن حمایت **همه‌جانبه از دادگاه و دولت جمهوری اسلامی** خواستار **محاکمهٔ سایر عوامل خوانین جانی** شدند.

همچنین عشایر اعلام نمودند که:

- تا آخرین قطرهٔ خون خود آمادهٔ مقابله با این جرثومه‌های فساد هستند.

در پایان عشایر مسلح با شعار:

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

به راه‌پیمایی خود پایان دادند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: **۱۹** تاریخ صدور: **۱۳ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دعوت از کلیهٔ خبرنگاران خارجی برای بازدید از جبهه‌ها**

امضا: **ستاد تبلیغات جنگ**

ستاد تبلیغات جنگ به دنبال پیروزی‌های رزمندگان اسلام در **عملیات مسلم‌بن عقیل** از خبرنگاران خارجی دعوت کرد تا از **آثار این پیروزی** دیدن نمایند.

متن اطلاعیه بدین شرح است:

با درود بر رزمندگان اسلام

ستاد تبلیغات جنگ به منظور انعکاس پیروزی‌های رزمندگان اسلام و به منظور افشای دروغ‌پردازی‌های رژیم صدام کافر و ثبات صحت اطلاعات و اخباری که پیرامون جنگ تحمیلی از سوی رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی انتشار می‌یابد، از کلیهٔ خبرنگاران خارجی دعوت می‌نماید تا با مراجعه به **ادارهٔ کل مطبوعات خارجی ارشاد اسلامی** تمایل خود را برای **بازدید از جبههٔ غرب** اعلام نمایند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۰ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ورود هیأت ستاد بازسازی مازندران به خوزستان برای تسریع در امر بازسازی مناطق جنگی**

امضا:

به منظور تسریع در امر بازسازی مناطق جنگی:

هیأت بازسازی مناطق جنگی وارد اهواز شد

به گزارش واحد مرکزی خبر در اهواز به منظور هماهنگی بیشتر و تسریع در امر بازسازی مناطق جنگی هیأتی متشکل از امام جمعه و نمایندهٔ امام در ساری، استاندار مازندران، چند تن از ائمهٔ جمعه و معاون عمرانی استان مازندران روز یک‌شنبه وارد اهواز شدند.

این هیأت پس از ورود و ملاقاتی با **آقای فروزنده استاندار خوزستان** عازم شهر عاشقان شهادت سوسنگرد شدند تا از مناطقی که بازسازی آن به عهدهٔ استان مازندران گذارده شده، دیدن کنند.

در شهر **سوسنگرد** این هیأت پس از بازدید از **مرکز تبلیغات ستاد بازسازی مازندران** جهت ادای نماز به مسجد سوسنگرد رفتند. در بین دو نماز **امام جمعهٔ ساری** سخنانی در رابطه با **جنگ و جهاد و نتایج معنوی اقتصادی و نظامی جنگ** ایراد نمود.

پس از ادای نماز جلسه‌ای با حضور هیأت و اعضای ستاد بازسازی مازندران در محل این ستاد تشکیل شد که طی آن شورایی متشکل از نمایندهٔ جهاد مازندران، نمایندهٔ استاندار و نمایندهٔ امام جمعهٔ ساری تشکیل شد تا کار بازسازی را با هماهنگی بیشتری ادامه دهند.

امام جمعهٔ ساری و استاندار مازندران به همراه سایر اعضای هیأت پس از دیدار با کارگرانی که در حال بازسازی حسینیهٔ شهر سوسنگرد بودند و همچنین تشکیل جلسه با فرماندار سوسنگرد و بررسی مشکلات و کمبودها عازم اهواز شدند و در جلسه‌ای با حضور استاندار خوزستان، امام جمعهٔ اهواز و برخی دیگر از مسئولین استان شرکت نمودند.

در این نشست در زمینهٔ **مشکلات ستاد بازسازی مازندران** بحث و گفتگو شد و از طرف آقای فروزنده استاندار خوزستان قول هر گونه مساعدت با این ستاد داده شد. از جمله در مورد آهن‌آلات از قبیل تیرآهن، میل‌گرد و غیره قول همکاری داده شد.

پس از آن آقای فروزنده در مورد تقسیمات کار بازسازی بین دفاتر ترمیم و مرمت و ستاد بازسازی مازندران توضیحات لازم را ارایه داد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۱ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مانور برادران بسیج شهرستان قزوین**

امضا:

قزوین:

به گزارش واحد مرکزی خبر پیش از ظهر پریروز **مانور برادران بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قزوین** با حضور **مسئولین شهری و فرماندهان نیروهای نظامی با حضور مسئولین شهری و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و خانوادهٔ شهدا** برگزار شد.

لازم به توضیح است که این برادران دورهٔ آموزشی خود را در این شهرستان به پایان رسانده و طی چند روز آینده عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل خواهند شد.[1]

۱- روزنامهٔ کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۲ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های امت حزب‌الله بوشهر به جبهه‌ها**

امضا:

بوشهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کمک‌های ایثارگرانهٔ امت شهیدپرور بوشهر به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل همچنان ادامه دارد که بخشی از این کمک‌ها بدین شرح است:

زندانیان دادسرای انقلاب اسلامی بوشهر هم از توابین و عادی مبلغ ۶۵۷۵۰ ریال وجه نقد، اهالی روستای بندر گناوه ۱۳۸۳۶۰ ریال وجه نقد، ۱۵ کارتن صابون، ۱۰ کارتن نان، ۱۷ عدد کلمن آب، مقداری شربت‌آلات، قند و شکر، اهالی روستاهای دشتستان و تنگستان مبلغ ۴۸۳۰۷۸۰ ریال وجه نقد، ۴۶۰۰ کیلو خرما و مقداری قند و شکر و صابون، هموطنان مقیم کویت ۶۰۰ جفت کفش، ۶۰۰ عدد پیراهن، ۳ کارتن دارو که برای کمک به جان برکفان اسلام در اختیار ارگان‌های ذی‌ربط قرار گرفت.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۳ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **چرا استکبار و رژیم‌های مرتجع از صدام حمایت می‌کنند؟**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

سرمایه‌گذاری برای حفظ صدام

بسم الله الرحمن الرحیم

از نخستین روزهای شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا کنون تحولاتی رخ داده‌اند که می‌توان محتوای بسیاری از آنها را در یک جمله خلاصه کرد:

– **«انقلاب اسلامی در جهت نابودی منافع سلطه‌گران و قدرت‌های استعماری گام برمی‌دارد و به لحاظ ماهیتش همواره مورد حمله، توطئه و تهاجم واقع شده است.»**

مسلماً این‌گونه حملات به دلیل آن‌که **ایران اسلامی** از پشتوانهٔ عظیم مردمی برخوردار بوده و **متکی بر ارزش‌های معنوی** است، به اهداف مورد نظر دست نیافته است. لکن با توجه به این نکته که **ایران مهم‌ترین رکن و عمده‌ترین عامل ثبات در منطقه و به خصوص خلیج فارس** است، هر گونه ضربه زدن به ایران در حقیقت تأثیر متقابل در ثبات منطقه دارد.

احمقانه است اگر عده‌ای تصور کنند می‌توانند با ایجاد بی‌ثباتی در ایران اسلامی، اذهان را متوجه مسائل روزمره و فرعی نمایند و انقلاب اسلامی را از اهداف خود بازدارند.

طبعاً هر گونه تلاشی در جهت ایجاد بی‌ثباتی در ایران صورت گیرد، ابعاد آن تنها به داخل محدود نشده و به خارج نیز انعکاس خواهد یافت.

این نکته با در نظر گرفتن **فرهنگ مشترک، علایق مشترک و روحیات مشترک و بالاتر از همه، پیوند عمیق مذهبی میان ملت‌های منطقه** امری بدیهی بوده و به عنوان یک پدیدهٔ طبیعی تلقی می‌شود.

این بدین معنی است که هر گونه ضربه بر انقلاب اسلامی با واکنش‌های مختلف در سطح منطقه مواجه می‌گردد و اگر بعضی موارد فریادها، زمینهٔ ظهور و بروز نیافته‌اند، **زمان آن‌که صداها به فریاد رعدآسای ملت‌ها تبدیل شود، چندان دور نیست.**

اکنون با در نظر گرفتن این نکته به عنوان یک اصل مسلم، به بررسی **بازتاب جهانی پیروزی‌های اخیر و به خصوص واکنش کشورهای منطقه در این زمینه** می‌پردازیم:

کشورهای منطقه از زمانی که پیروزی نهایی ایران در این جنگ محرز شد، مرتباً از این‌که **ادامهٔ این جنگ باعث بی‌ثباتی در منطقه** می‌گردد، گلایه می‌کنند.

آنها اظهار می‌دارند که **دیگر ادامهٔ جنگ به صلاح منطقه نیست؛ لکن در عین‌حال از متجاوز حمایت می‌کنند تا به جنایاتش ادامه دهد!**

چگونه می‌توان این تناقض آشکار را نادیده گرفت. کدامیک از این دو موضع را بایستی به عنوان موضع حقیقی این‌گونه کشورها تلقی کرد؟

حال بدون آن‌که درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال باشیم که:

- آیا **به خطر افتادن منافع سلطه‌جویان** را می‌توان به منزلهٔ **بی‌ثباتی منطقه** تصور کرد؟

به بررسی اجمالی این مسأله می‌پردازیم.

اگر فرض کنیم ادامهٔ جنگ باعث ایجاد بی‌ثباتی در منطقه شده است، طبعاً باید پذیرفت که شروع جنگ نیز در ایجاد بی‌ثباتی نقش به سزایی داشته است. در نتیجه **کشور متجاوز یعنی کشوری که جنگ را آغاز کرده است، بایستی به عنوان عامل ایجاد بی‌ثباتی در منطقه شناخته شود.**

در این صورت نمی‌توان انتظار داشت که جز **با از میان برداشتن «عامل بی‌ثباتی»**، منطقه روی آرامش و ثبات به خود ببیند.

به علاوه **حمایت کشورهای منطقه از رژیم متجاوز صدام، به منزلهٔ تلاش برای ادامهٔ بی‌ثباتی در منطقه** است و در صورت ادامه نمی‌تواند بدون عکس‌العمل باشد.

اگر بپذیریم جنگ باعث ایجاد بی‌ثباتی در منطقه شده، باید مشخص گردد:

- **چه عاملی باعث شروع این جنگ شده است؟**

– و با چه پشتوانه‌ای این جنگ آغاز گردیده است؟

این نخستین مرحله برای بازگشت ثبات به منطقه است.

در این زمینه تنها با مشخص شدن علل و عوامل مؤثر در آغاز جنگ و اهدافی را که رژیم بغداد و حامیانش از ادامهٔ جنگ تعقیب می‌کرده‌اند، می‌توان راه را برای بازگرداندن ثبات به منطقه هموار نمود.

بایستی فاش شود:

– رژیم بغداد از ایجاد بی‌ثباتی در منطقه و شروع جنگی به این وسعت چه انتظاراتی داشته است؟

بایستی با محاکمهٔ صدام و سایر عوامل مستقیم این جنایت هولناک این نکته برای افکار عمومی مسلمانان منطقه روشن شود که:

– ابرقدرت‌ها از ایجاد بی‌ثباتی ناشی از شروع جنگ عراق علیه ایران چه نتایجی را انتظار داشته‌اند.

انقلاب اسلامی طی چند سال اخیر آموخته است که چگونه از اشتباهات دشمنانش به سود آرمان‌های اسلامی بهره‌گیری کند و طبعاً **هر گونه تحریک از سوی قدرت‌های سلطه‌گر به منظور دخالت مستقیم کشورهای مرتجع، در نهایت موازنهٔ نیروها در منطقه را به سود نیروهای اسلامی تغییر خواهد داد.**

این بدین معنی است که دخالت مستقیم کشورهای هم‌پیمان رژیم بغداد نمی‌تواند بدون عکس‌العمل تلقی شود و آنها در صورتی که بخواهند شانس خود را آزمایش کنند، بایستی با مروری بر حوادث سال‌های اخیر و کارنامهٔ انقلاب اسلامی دریافته باشند که **این ملت در هر شرایطی با ایستادگی و بهره‌گیری از شیوه‌های خاص خود می‌تواند روند حوادث را به سود امت اسلامی تغییر دهد** و این حق مسلم یک انقلاب است.

آنها که به انگیزهٔ درهم کوبیدن انقلاب اسلامی به ایران حمله کردند، و آنها که با رقص و پای‌کوبی به پشتیبانی از این تجاوز و جنایت اقدام کرده‌اند، اکنون بایستی طعم تلخ شکست اقدامات خود را بچشند و دریابند که اگر رژیم بغداد با آغاز حمله به ایران ثبات منطقه را مورد مخاطره قرار داده است، **ایران نمی‌تواند به چیزی جز از میان برداشتن این «عامل بی‌ثباتی» اکتفا کند.**

زیرا هیچ تضمینی وجود ندارد که رژیم بغداد از این شکست درس‌های لازم را آموخته باشد.

چه تضمینی وجود دارد که صدام در صورتی که باقی بماند، خود را برای یک ماجراجویی دیگر و این‌بار در مورد سایر کشورها آماده نسازد؟

حتی در صورت وجود چنین تضمین‌هایی، آیا تضمین رژیمی از نوع رژیم بغداد عملاً چه ارزشی می‌تواند داشته باشد؟

لکن حوادث اخیر نشان داده است که این رژیم بغداد نیست که در قبال حوادث جاری منطقه تصمیم می‌گیرد و آن‌چه که اکنون عملاً به حساب نمی‌آید، نظرات حکومت بغداد است.

گزارشات رسیده از جبهه‌ها ثابت می‌کند که نظامیان عراق به رغم فشار شدید روانی و جو تهدید و ارعابی که صدام در جبهه‌های جنگ به وجود آورده، اسارت را به شرکت در جنگ بی‌هدفی که بغداد بر آنها نیز تحمیل کرده است، ترجیح می‌دهند. حتی فرماندهان عالی‌رتبه‌ای که در میان اسرای عراقی هستند، اکنون می‌گویند که هدف رژیم بغداد را از ادامهٔ جنگ درک نمی‌کنند. این بدین معنی است که اگر عراقی‌ها به حال خود واگذاشته شوند، در کمترین فرصت، حقیقت را پذیرفته وتسلیم خواهند شد.

اکنون برای آن‌که حقیقت به خوبی بر ما مشخص گردد، یک‌بار دیگر حوادث گذشته را مرور می‌کنیم.

پس از آن‌که محاصرهٔ خرمشهر کامل شد و سربازان عراقی مطمئن شدند که دیگر رژیم بغداد نمی‌تواند آنها را برای ادامهٔ جنگ تحت فشار قرار دهد، برای پایان ماجرا تنها ۲ روز کافی بود. **زبده‌ترین کادرهای نظامی عراق که به عنوان «نیروهای ویژه» در خرمشهر** در آن مقیاس عظیم مستقر بودند، **در کمتر از ۴۸ ساعت پس از قطع فشار رژیم بغداد، شکست خود را به چشم دیده و تسلیم شدند.**

با پذیرش این واقعیت، بلافاصله با این سؤال مواجه می‌شویم که در این صورت **چه عاملی جز حمایت و پشتوانهٔ خارجی باعث می‌شود که رژیم بغداد را از اعلام شکست نهایی و تن دادن به شرایط منطقی ایران برای پایان دادن به جنگ بازدارد؟**

با بررسی دقیق موضع‌گیری رژیم‌های مرتجع منطقه و شبکهٔ تبلیغات جهانی در روزهای اخیر، این نکته مشخص می‌گردد که:

– کشورهای سلطه‌گر و رژیم‌های وابسته، بیش از رژیم بغداد از پذیرش سرنوشت جنگ هراس و واهمه دارند.

زیرا اگر رژیم بغداد احساس می‌کند که به پایان سرنوشت خود رسیده، رژیم‌های منطقه

هنوز هم برای سرنوشت و آیندهٔ خود بیمناکند. سرنوشتی که خود باعث گردیده‌اند و هنوز هم اصرار دارند که با سرنوشت صدام به یک صورت باشد.

رژیم‌های منطقه بایستی بدانند که اگر امروز باد می‌کارند، فردا طوفان درو خواهند کرد و اگر اکنون عاقلانه عمل کنند و سرنوشت خود را از سرنوشت محتوم رژیم بغداد جدا سازند، به صلاح خود عمل کرده‌اند. زیرا روند حوادث بایستی به آنها نشان داده باشد که انقلاب اسلامی قادر است موانع پیروزی را از میان بردارد و **چه بیچاره‌اند آنها که می‌خواهند مانع سقوط صدام شوند!**

صدام رفتنی است و این نکته را دست‌کم **کارگردانان خیمه‌شب‌بازی «فاس» و جنگ‌افروزان منطقه** بدانند.

ولی سؤال این است که:

– چرا هنوز هم مایلند آب را در هاون کوبیده و شانس خود را با سرمایه‌گذاری در حفظ صدام امتحان کنند.

والسلام.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۴ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **علت تشکیل جلسهٔ شورای امنیت در مورد ایران و جنگ تحمیلی در شرایط کنونی**

امضا: **وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران**

در رابطه با **تشکیل جلسه شورای امنیت سازمان ملل** که برای رسیدگی به **مسألهٔ جنگ تحمیلی عراق بر ایران** بود، **وزارت امور خارجهٔ کشورمان** دیروز اطلاعیه‌ای بدین شرح صادر کرد.

بسمه تعالی

در آستانهٔ تشکیل اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به **مسألهٔ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران** و تلاش‌های تازهٔ پاره‌ای از کشورهای مرتجع در جهت حمایت از رژیم بعث عراق، وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران یادآوری و تأکید بر نکات زیر را ضروری می‌داند:

۱ – شورای امنیت به دلیل ریاست نمایندهٔ شاه حسین اردنی شریک صدام حسین در تجاوز به خاک جمهوری اسلامی و همچنین به دلیل بی‌توجهی به فریادهای حق‌طلبانهٔ ملت مظلوم و تحت تجاوز ایران در جریان ۲ سال جنگ تحمیلی، فاقد صلاحیت لازم برای قضاوت دربارهٔ این امر می‌باشد.

۲– ملت مسلمان ایران هیچ تصمیمی را در رابطه با این جنگ مگر آن‌چه را که شرایط عادلانهٔ جمهوری اسلامی ایران برای خاتمهٔ جنگ و تأمین صلحی شرافتمندانه و انسانی تطابق داشته باشد، نخواهد پذیرفت.

به اعتقاد دولت جمهوری اسلامی ایران تا زمانی که متجاوز همچنان در خاک ایران بوده و خسارات جنگ تحمیلی توسط رژیم تجاوزگر عراق تأمین نشده باشد، خاتمهٔ جنگ در عین حال که صلح و آرامش واقعی را به منطقه باز نمی‌گرداند، به منزلهٔ پاداش برای متجاوز خواهد بود.

۳- جمهوری اسلامی ایران در عین حال که همواره به کوشش‌های اصیل و حق‌طلبانهٔ بین‌المللی در جهت تأمین صلح واقعی ارج نهاده است، **تلاش‌های شیطانی پاره‌ای کشورهای مرتجع را در جهت حمایت از صدام محکوم کرده** و معتقد است که **ثمرهٔ تلاش‌ها جز استمرار جنگ و ادامهٔ تشنج در منطقه نخواهد بود.**

۴- توجه به ماهیت رژیم‌های مرتجعی که به رغم سکوت خود در برابر تهاجمات امپریالیسم و صهیونیسم به سرزمین‌های اسلامی، منابع مادی و انسانی خود را برای مقابله با انقلاب اسلامی در اختیار رژیم عراق می‌گذارند، نشان‌دهندهٔ ماهیت جنگی است که به دستور امپریالیسم آمریکا و به دست صدام به جمهوری تحمیل گردیده است.

امت رزمندهٔ ایران به رغم حمایت‌های رژیم‌های مرتجع که از آغاز جنگ تحمیلی همچنان استمرار داشته است، عملیات تدافعی خود را تا قطع کامل تجاوز و خاموش شدن آتش دشمن متجاوز و احقاق حقوق حقهٔ خود ادامه خواهد داد.

وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۵ تاریخ صدور: ۱۳ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تلاش کشورهای عربی به ویژه سودان برای نجات صدام ورشکسته**

امضا:

برای تقویت روحیهٔ از دست رفتهٔ صدام پس از پیروزی‌های ایران:

شاه حسین اردنی سراسیمه وارد بغداد شد

به گزارش خبرگزاری‌ها **حسین شاه اردن** دیروز سراسیمه برای تقویت روحیهٔ از دست رفتهٔ صدام با توجه به پیروزی‌های رزمندگان اسلام در **عملیات «مسلم‌بن عقیل»** وارد بغداد شد و در فرودگاه مورد استقبال صدام قرار گرفت.

در این سفر نخست‌وزیر، وزیر دربار و فرماندهٔ کل نیروها و چند تن دیگر از فرماندهان نظامی پادشاهی اردن همراه شاه حسین‌اند.

یادآوری می‌شود:

جعفر نمیری رئیس رژیم حاکم بر سودان نیز روز گذشته آمادگی نیروهای این کشور برای کمک به ارتش رو به زوال صدام را اعلام کرد.

همچنین **کاردار سفارت عراق** دیروز در خارطوم در دیدار با **معاون وزارت امور خارجهٔ سودان** آخرین تحولات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را مورد بررسی قرار داد.

خبرگزاری کویت ضمن اعلام این خبر افزود:

دولت سودان با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرده است به منظور کمک به رژیم صدام تعدادی

سرباز به این کشور اعزام خواهد کرد. لیکن جزییات این امر مشخص نیست.

تظاهرات و قیام مسلمانان سودان علیه رژیم سرسپردهٔ آمریکایی نمیری و نیز فقر و تورم و اقتصاد ورشکسته که این رژیم را در آستانهٔ سقوط قرار داده است، دولت سودان را به طلب کمک و حمایت بیشتر آمریکا و هر چه نزدیک‌تر شدن به رژیم‌های وابستهٔ منطقه چون مصر، عراق و پادشاهی سعودی نیازمند ساخته است و لذاست که خبرگزاری کویت در ادامه به نقل از **ناظران سیاسی در خارطوم** می‌افزاید:

حرکت اخیر سودان با توجه به اقتصاد ضعیف این کشور بیش از آن‌که جنبهٔ نظامی داشته باشد، از وجه حمایت اخلاقی برخوردار است.

این خبرگزاری می‌افزاید:

– سودان برای دفع تهدید اتیوپی علیه مرزهای شرقی به حضور نظامی مصر متکی است و از اوایل دههٔ ۷۰ در یک پیمان دفاعی مشترک با این همسایهٔ خود شرکت کرده است.

خاطرنشان می‌شود:

حکومت‌های بغداد و خارطوم طی ۲ سال بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده‌اند.

رژیم آمریکایی سودان هماهنگ با سادات و حسنی مبارک طی جنگ تحمیلی همواره به طور علنی از عراق حمایت کرده و در زمینهٔ برگزاری کنفرانس سران جنبش عدم تعهد در بغداد نیز تلاش‌هایی نموده است.

نمیری قبلاً نیز به دنبال شکست‌های مفتضحانهٔ صدام طی عملیات فتح‌المبین و در پی دیدار خود از آمریکا، از رژیم‌های ارتجاعی عرب خواسته بود تا در قبال جنگ بی‌تفاوت ننشسته و به یاری عراق بشتابند؛ هر چند اعزام سرباز سودانی بیش از آن‌که واقعیتی را در بر داشته باشد، چون گذشته یک مانور جهت دریافت کمک مالی از آمریکا و کشورهای مرتجع جهت درمان ورشکستگی اقتصادی و سیاسی رژیم وابستهٔ سودان محسوب می‌شود. لکن رژیم نمیری نیز با رژیم کنونی عراق شکست را تقسیم خواهند کرد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۳

شماره: ۲۶ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دریافت کارت پایان خدمت سربازان در سپاه**

امضا: **ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کارگزینی کل**

بسمه تعالی

اطلاعیهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، واحد امور پرسنلی، بخش مشمولین

کلیهٔ برادرانی که خدمت زیر پرچم یا دورهٔ احتیاط خود را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گذرانده‌اند و اکنون به هر علتی در عضویت سپاه نمی‌باشند، جهت دریافت کارت پایان خدمت، فرم زیر را تکمیل نموده و حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۱۳۶۱/۷/۲۵ توسط پست سفارشی به آدرس: **ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کارگزینی کل** ارسال دارند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۲۷ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کشورهای دشمن آمریکا، دوست ایران هستند**

امضا: **سفیر جدید کوبا، لوئیس ماریس فی‌گوئردو**

رئیس‌جمهوری، آقای سیدعلی خامنه‌ای

رئیس جمهور خطاب به سفیر جدید کوبا:

هر کشوری که به آمریکا صدمه بزند، دوست ماست

آقای «لوئیس ماریس فی‌گوئردو» سفیر جدید کوبا در جمهوری اسلامی ایران به حضور **آقای سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری کشورمان** رسید و استوارنامهٔ خود را تقدیم ایشان کرد.

در این دیدار سفیر کوبا با اشاره به **دشمن اصلی ۲ کشور یعنی امپریالیسم آمریکا** گفت:

– ملت‌های ما در دوران انقلاب خود رنج‌های بسیار کشیده‌اند و توطئه‌های بی‌شماری را علیه انقلاب خود دیده‌اند و من با این دید مشترک احساس می‌کنم که اکنون در کشور خود قرار دارم.

آنگاه آقای خامنه‌ای ضمن برشمردن **ابعاد وسیع و غیرقابل تصور انقلاب بزرگ اسلامی ما در منطقه** گفتند:

– این حرکت عظیم جهانی لرزهٔ سختی بر پیکر نیمه‌جان امپریالیسم آمریکا انداخت.

ما در رابطه با مبارزهٔ با امپریالیسم آمریکا بارها گفته‌ایم:

هر کشوری علیه سیاست‌های آمریکا به نحوی فعالیت می‌کند،

و به آمریکا صدمه‌ای می‌زند،

دوست ما خواهد بود.

انقلاب اسلامی ما به هیچ قدرتی چه بزرگ و چه کوچک،

وابسته نیست،

و سیاست اصلی انقلاب ما،

سیاست عدم اتکا به هیچ قدرتی،

به جز قدرت خدا و قدرت مردم است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۲۸ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جایگاه انقلاب اسلامی و لزوم همکاری همه‌جانبه بین کشورهای اسلامی**

امضا: **سفیر جمهوری دمکراتیک الجزایر، دکتر عبدالحمید اجلی**

رئیس‌جمهوری، آقای سیدعلی خامنه‌ای

رئیس‌جمهوری در دیدار با سفیر جدید الجزایر:

ما باید ابتکار عمل را در برخورد با استکبار جهانی در دست داشته باشیم

دکتر عبدالحمید اجلی سفیر جدید جمهوری دمکراتیک الجزایر در جمهوری اسلامی ایران ظهر پنج‌شنبه به حضور **آقای سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری** رسید و استوارنامهٔ خود را تقدیم ایشان کرد.

در این دیدار سفیر الجزایر ضمن ابراز خشنودی از این‌که در این مقطع زمانی در جمهوری اسلامی مأموریت یافته است، گفت:

– **انقلاب اسلامی ایران مورد احترام ماست و به آن افتخار می‌کنیم** و امیدواریم ۲ کشور بتوانند با همکاری یکدیگر علیه توطئه‌ها و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مبارزه کنند.

آنگاه **آقای خامنه‌ای** با اشاره به **لزوم همکاری همه‌جانبه بین کشورهای اسلامی علیه همهٔ توطئه‌های اجانب و استکبار جهانی** گفت:

– آمریکا با نفوذ خود بر دولت‌های وابستهٔ منطقه فجایع گوناگونی از قبیل حملهٔ وحشیانهٔ صهیونیست‌ها به لبنان، تصمیمات اخیر کنفرانس فاس و همچنین جنگ تحمیل شدهٔ عراق

علیه جمهوری اسلامی ایران را توسط مهرهٔ جیره‌خوار خود یعنی صدام کافر به وجود آورد.

ما اگر بخواهیم در مقابل این حرکات آمریکایی موضع انفعالی به خود بگیریم، یقیناً شکست خواهیم خورد.

ما باید ابتکار عمل را در برخورد با استکبار جهانی در دست داشته باشیم.

رئیس‌جمهوری افزود:

– **این قابل قبول نیست که آمریکا هر موقع که اراده کند اسرائیل را در جنگ با کشورهای عربی تشویق نماید** و هر موقع هم مصلحت دید، آتش‌بس بدهد و او را عقب بکشد و **یا این‌که عراق را تحریک نماید که به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کند** و هر وقت هم مایل بود به او بگوید که جنگ را خاتمه دهد و ما هم در این بین دست روی دست بگذاریم.

ما بایستی بدانیم که آمریکا چگونه عمل می‌کند و ما در مقابله با او چه باید بکنیم.

آقای خامنه‌ای در مورد **سیاست‌های منحط دولت‌های مرتجع وابسته به آمریکا** گفت:

– آنها مثل بیمار محتضری هستند که چند صباحی با دارویی سر پا نگه داشته شوند و ما معتقدیم که این جبهه قابل دوام نخواهد بود.

آنها یا ارتباطشان را با آمریکا تعدیل خواهند کرد، یا منقرض خواهند شد.

ما برای خنثی کردن سیاست‌های غلط آنها باید **جبههٔ مترقی منطقه** را تقویت کنیم.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۲۹ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مروری بر مسألهٔ جنگ و آغاز آن و نقش بنی‌صدر**

امضا: **رئیس جمهور، حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای**

جنگ از دیدگاه‌ها

تاریخچهٔ جنگ از زبان رئیس جمهور

نکاتی در زمینهٔ جنگ وجود دارد که ملت عزیز ایران حتماً بایستی با آنها آشنا بشوند. یکی این‌که اگرچه جنگ ظاهراً در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد، ولی بایستی گفته شود که **جنگ رژیم عراق با ایران از اوایل پیروزی انقلاب شروع شده بود.**

امروز رژیم رو به زوال عراق در تلاش است که نشان دهد که برای دفاع از مرزهایش به ایران حمله کرده است، ولی باور کردن این مسأله مضحک است که کسی به خاطر دفاع حدود ۸۰ – ۷۰ کیلومتر در خاک کشور دیگر نفوذ کند و این‌که انتشار داده‌اند که ایران قبلاً به مرزهای عراق تجاوز کرده و آن را در همه‌جا شایع کرده‌اند، من لازم است که تاریخچه‌ای را برای ملت ایران توضیح دهم و آن این‌که **از اوایل فروردین سال ۱۳۵۸ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که ۱سال و نیم طول کشیده، حدود ۲۸۹ مورد تجاوز مرزی عراق به ایران را ثبت کردیم** که همان وقت **نیروی انتظامی این مسأله را به وزارت خارجه منعکس و این وزارتخانه یادداشت‌هایی اعتراض‌آمیز را برای دولت عراق فرستاده و یا به وسیلهٔ سفارتخانه‌ها به رژیم مزبور ارسال داشته است.**

از ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ که اولین تجاوز ثبت شده به مرزهای ایران در مهران انجام گرفت تا

۳۰ اسفند ۵۸ در حدود ۱ سال که ۵۹/۱/۱ به وزارت خارجه منعکس شده، در حدود ۸۴ تجاوز به مرزهای ایران ثبت شده است.

از فروردین ۵۹ که تجاوزی در دهلران انجام شد تا ۵۹/۳/۲۹ که تجاوزی در حوالی نفت‌شهر انجام گرفت، ۸۸ مورد تجاوز انجام گرفته. به عبارتی در طول سال ۵۸ تعداد ۸۴ مورد تجاوز، در طول ۳ ماه اول سال ۵۹ تعداد ۸۸ مورد تجاوز انجام گرفته که این مسأله نشان دهندهٔ تصمیم عراق در سال ۵۹ بر تشدید جنگ و نزدیک بودن زمان درگیری با ایران می‌باشد و از ۵۹/۴/۴ که تجاوزی در خسروآباد واقع در جزیرهٔ آبادان انجام گرفته، ۲۸۹ مورد ثبت شده، این حاکی از آن است که **دولت عراق از بدو پیروزی انقلاب مقدمات یک درگیری مرزی را با ما شروع کرده است.**

بنابراین برای کسانی که مقداری از مسائل آگاهی داشتند، مسألهٔ تجاوز عراق غیرمنتظره نبود. کسانی هم که نشانه‌هایی گزارش می‌دادند، بنی‌صدر تشر می‌زد و می‌گفت هیچ حمله‌ای ما را تهدید نمی‌کند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در مورد **انگیزه‌های صدام در شروع جنگ** گفت:

– وی و دیگر همفکرانش معتقد بودند که یکی از راه‌هایی که می‌توان با آن شعله‌های فروزان انقلاب را به وسیلهٔ آن خاموش کرد، یک حملهٔ وسیع به کشوری که تازه انقلاب کرده و محتاج آرامش، صلح و سازندگی بوده و مشغول رسیدگی به کارهای سیاسی خود است، می‌باشد. زیرا که **فکر می‌کردند جنگ کشور را از این کارها غافل خواهد کرد.** بنابراین لازم بود که این حملهٔ گسترده از یک جایی شروع بشود و در منطقه، آن **حاکم جاه‌طلب تندخو و غافلی** که مناسب برای آتش‌افروزی جنگ با جمهوری اسلامی باشد، **صدام حاکم فعلی رژیم عراق** بود که می‌ترسید این انقلاب به عراق سرایت کند و مردم عراق هم که آمادهٔ انقلاب بودند، به تبع مردم ایران انقلاب کنند و این برای رژیم او خطرناک بود و علاوه بر این **جاه‌طلبی صدام** نیز که می‌خواست جای برخی از شخصیت‌های بزرگ دنیای عرب را به اصطلاح بگیرد.

به علاوه به او پول دادند، وعده دادند، سلاح دادند، با ۱۰ لشگر آماده و تربیت شده و مجهز به انواع سلاح‌های با کاربرد عالی حمله را آغاز کرد.

وضعیت ابتدای تجاوز عراق

ما در اول کار چند عیب اساسی داشتیم:

– یکی این‌که **مسئولان کشور از وضع ارتش به طور دقیق اطلاعی نداشتند.** نه ارتشی‌ها را

می‌شناختند و نه توان رزمی و امکانات لجستیکی و جنگی آنها را می‌دانستند و نه اصلاً می‌دانستند که جنگ چگونه انجام می‌گیرد. حتی **فرماندهان نظامی هم ارتش را درست نمی‌شناختند** و این به آن دلیل بود که فرماندهان نظامی که برخی از آنها شهید شده و به رحمت ایزدی پیوسته‌اند و برخی دیگر به خدمات صادقانه مشغولند و از رتبه‌های نسبتاً پایین‌تری به مقام فرماندهی رسیده بودند.

– دوم این‌که **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آن موقع هنوز خوب جا نیفتاده بود.** ما چقدر خون دل می‌خوردیم که حتی ۱ تفنگ ۱۰۶ برای سپاه بگیریم؛ حتی از تحویل ۱ تفنگ برنو که از رده خارج شده بود.

به نظر من:

– یکی از علل پیروزی‌های ما در ۱ سال اخیر این بوده که:

فرماندهان ارتش نیروی عظیم سپاه را شناختند،

و نیروی بزرگ‌تر از آن یعنی مردم و بسیج مردمی که در اختیار سپاه است،

درک کردند.

مشکل دیگر بنی‌صدر بود که **اخلالگر در جنگ** بود. **چند نظامی به عنوان مشاور دورش را گرفته بودند و به او خط می‌دادند که او در جلسات شورای عالی دفاع آن خط را تعقیب می‌کرد** و برادران نظامی به این علت که او فرماندهٔ کل بود، با او درنمی‌افتادند و **ما هم** که مخالفت می‌کردیم، اولاً **متهم می‌شدیم که نظامی نیستیم و حق دخالت نداریم** و در ثانی در روزنامه‌اش تحت عناوینی چون کارنامه که ما آن را بیکارنامه می‌خواندیم، یک **جو مخالف سیاسی** ایجاد می‌کرد و **از من و آقای‌هاشمی رفسنجانی و غیره بدین عنوان که مطلع در مسائل نیستند، مطالبی می‌نوشت.**

در حقیقت می‌خواست عموم مردم و سایر فرماندهان را به خاطر داشتن یک خط به خصوص تلقینی ندیده می‌گرفت و سوءنیت اغلب افرادی که در اطراف او بودند، بعدها آشکار شد.

اما اوضاع اقتصادی زمان شروع جنگ

گذشته از این وضع سیاسی بایستی بگویم که انصافاً **وضع اقتصادی آن زمان یک وضع نابسامانی بود** و آن به این علت بود که **بنی‌صدر با تعیین وزیر دارایی مخالفت می‌کرد.**

رئیس کل بانک مرکزی که منتخب بنی‌صدر بود، یک فرد کاملاً غیرمطمئن و خائنی بود. از ذخایر ارزی ما روز به روز کاسته می‌شد و بعد از آن ماشین عظیم مخارج جنگی وارد اقتصاد کشور شد که همهٔ این عوامل وضع کشور را دچار ابهام کرد. **بالفعل وضع بحرانی نداشتیم،** ولی

روزبه‌روز به این وضع نزدیک‌تر می‌شدیم؛ تا این‌که به تدریج به این مشکل غلبه حاصل کردیم و همان‌طور که الآن مشاهده می‌کنید **با کوشش مردم و دولت داریم به وضع بهتری نیز می‌رسیم.**

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود **یکی از مواهب این جنگ را بیدار شدن استعدادهای خفته** خواند و گفت:

– چون ما به سلاح احتیاج داشتیم و دیگران به ما نمی‌دادند، مجبور شدیم روی استعدادها و موجودی خودمان حساب کنیم و همین کار را هم کردیم و نتیجه هم گرفتیم.

امروز ما در داخل ایران ابزاری را می‌سازیم و مهماتی را تولید می‌کنیم که در آغاز جنگ آنها را نمی‌شناختیم.

امروز ما روی هواپیما، روی تانک، روی نفربر، روی وسایل گوناگون و تجهیزات نظامی کارهای فراوانی را آموخته‌ایم که قبلاً جرأت آن را نداشته‌ایم و هرگز نمی‌آموختیم.

من بارها گفته‌ام که بسیاری از دستگاه‌ها بود که به صورت دربسته آنها از توی تانک و هواپیما بیرون کشیده می‌شد و جهت تعمیر به خارج ارسال می‌شد و در خارج آنها را تعمیر می‌کردند و بسته‌بندی می‌کردند و به ایران فرستاده می‌شد. یعنی همافر درجه‌دار یا افسر هوایی یا زمینی ما جرأت نمی‌کرد این جعبه را باز کند.

رئیس جمهور افزود:

– دیگر از برکات جنگ **تجهیز و آموزش سپاه** بود.

سپاه اگرچه به وجود آمده بود و اگرچه در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود، اما نه از طرف بسیاری از مسئولان جدی گرفته می‌شد و نه خود سپاه رسالت بزرگ خودش را باور می‌کرد.

جنگ باعث شد که سپاه به میدان کشیده شد و فداکاری کرد و پاداش فداکاری را از مردم، از خدا و از امام گرفت و دید و احساس کرد که **نیاز به نفرات** دارد، **نیاز به آموزش و انضباط** دارد، چیزهایی که تا آن وقت خیلی جدی گرفته نمی‌شد و همچنین **نیاز به امکانات و تسلیحات** دارد.

ما الآن در کنار ارتش و ژاندارمری و در کنار نیروهای نظامی و انتظامی سنتی،

یک نیروی نظامی باانقلاب متولد شده و از انقلاب جوشیده داریم،

که صددرصد مکتبی است،

و با آنها و هماهنگ با آنها یکسان حرکت می‌کنند.

این چیزی است که ارزشش برای یک انقلاب اصلاً غیرقابل توصیف است.

جنگ مردم ما را از سرگرم شدن به مسائل کوچک و هدف‌های حقیر آزاد کرد.

بعضی از اختلافاتی را که دست‌های دشمن بین مردم و بین بعضی از قشرها ایجاد می‌کرد

از یاد مردم برد. اینها احساس کردند مسائل مهم‌تری در پیش است؛ **حالت اسراف، راحت‌طلبی و رفاه‌طلبی را از مردم گرفت و مردم خودشان را آمادهٔ زندگی سخت کردند** و پیش رفتند.

البته باید بگویم که **تلاش مسئولان** هم در این‌باره بسیار مهم بود.

جنگ‌طلب نبودیم و نیستیم

بنابراین ما از آغاز هم گفتیم که **جنگ‌طلب نبودیم. امروز هم جنگ‌طلب نیستیم**. آن وقتی که دشمن ما یعنی کسی که به ما تجاوز کرده، مجازات بشود، آن وقت که خسارت‌های این ملت داده شود، ما به کسی کاری نخواهیم داشت.[۱]

۱- نشریهٔ مرزداران، شمارهٔ ۲، ۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۰ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نقش ژاندارمری در طول ۲ سال جنگ تحمیلی**

امضا: **فرماندۀ ژاندارمری، سرهنگ علی کوچک‌زاده**

سرهنگ صیاد شیرازی فرماندۀ نیروی زمینی

جنگ از دیدگاه‌ها

سخنان سرهنگ علی کوچک‌زاده، فرماندۀ ژاندارمری در رابطه با جنگ

سرهنگ کوچک‌زاده به **نقش ژاندارمری در طول ۲ سال جنگ تحمیلی** اشاره کرد و گفت:

- با وجودی که ژاندارمری وظیفۀ برقراری امنیت روستاها و راه‌های داخل کشور و کنترل مرزهای کشور را بر عهده دارد، ولی در طول ۲ سال جنگ تحمیلی، همواره با تمام توان رزمی خود در کنار دیگر رزمندگان نیروی زمینی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر نیروهای مردمی به دفاع از میهن اسلامی پرداخته است.

داشتن بالاترین رقم شهدا و مجروحین پس از نیروی زمینی، خود نشان دهندۀ فعالیت گسترده و مستمر این نیروی انتظامی در کنار برادران نظامی است.

هم‌اکنون نیز نیروهای ژاندارمری دوشادوش دیگر دلاوران سپاه اسلام در جنوب و غرب کشور در نبرد با صدامیان کافر شرکت دارند.

سرهنگ کوچک‌زاده سپس به کشفیات نواحی ۱۵گانۀ ژاندارمری در طول ۲ سال جنگ تحمیلی اشاره کرد و گفت:



- پرسنل جان‌برکف ژاندارمری علاوه بر دفاع از مرزهای میهن اسلامی و مبارزه با ضدانقلابیون در طول ۲ سال جنگ تحمیلی و علاوه بر رسیدگی به امور نظام وظیفهٔ مشمولین و کنترل راه‌های داخلی کشور توسط پلیس راه، همچنان به حفاظت و کنترل از مرزها و راه‌های کشور پرداخته و طی این مدت موفق شده‌اند حدود ۱۹ تن مواد مخدر را کشف کرده و در این رابطه ۵۸۴۴ نفر متهم را دستگیر کنند.

سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی

جنگ تحمیلی دارای ۳ مرحله بوده است:

- در مرحلهٔ اول نیروهای بعثی در منطقه‌های مورد هجوم متوقف شدند؛

- و سپس رزمندگان اسلام عملیات خود را برای عقب نشاندن دشمن آغاز کردند.

- در مرحلهٔ سوم که امروز به انتهای آن رسیده‌ایم، نیروهای بعثی نه تنها اکثر مناطقی را که اشغال کرده بودند با ذلت و خواری از دست دادند، بلکه در بعضی از نقاط، نیروهای رزمندهٔ ایران در داخل خاک دشمن هستند.

البته هنوز هم بعضی از نقاط مرزی در اختیار دشمن می‌باشد و برخی از شهرهای ایران نیز در زیر آتش توپخانهٔ ارتش متجاوز عراق قرار دارد.

سرهنگ صیاد شیرازی در مورد **موقعیت ارتش بعث عراق** گفت:

- دادن ۴۰ تا ۵۰ هزار اسیر و ده‌ها هزار کشته و مجروح ارتش بعث را از نظر پرسنل شدیداً در تنگنا قرار داده است. رژیم صدام عفلقی از این بابت با ضعف بسیار شدیدی روبه‌روست.

در مورد سازوبرگ نظامی عراق به علت وابستگی کامل خود به غرب و شرق محدودیتی ندارد، اما مسأله این‌جاست که تجهیزات را پرسنل باید هدایت کنند.

وی افزود:

- غنایمی که در طی عملیات مختلف به دست می‌آید، منابع خوبی برای تغذیهٔ سپاه اسلام است.

فرماندهٔ نیروی زمینی در مورد **عملیات بعدی نیروهای اسلام** گفت:

- در استراتژی نبرد اسلامی، گرفتن زمین و حرکت برای رسیدن به اهداف مادی مطرح نبوده و نیست. بنابراین **نبرد ما برای سرکوبی ظالم و ستمگر است و رسیدن به این هدف مستلزم سرنگونی صدام و رژیم پوشالی اوست و حرکت‌های بعدی ما برای رسیدن به این اهداف خواهد بود.**[۱]

۱- نشریهٔ مرزداران، شمارهٔ ۲، ۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۱ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شرایط جدید پس از عملیات مسلم‌بن عقیل برای رسیدن به بغداد**

امضا: **فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، سرهنگ صیاد شیرازی**

سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

به مناسبت عید غدیر در اهواز:

با اجرای عملیات ظفرمند مسلم‌بن عقیل شرایط برای رسیدن به بغداد فراهم است

اهواز:

به مناسبت عید غدیر خم و به دعوت **قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران** در جنوب نماز ظهر و عصر دیروز با شرکت رزمندگان اسلام در مسجد امیرالمؤمنین(ع) لشگر ۹۲ زرهی اهواز به **امامت حجت‌الاسلام موسوی جزایری امام جمعهٔ اهواز** اقامه شد.

بر اساس گزارش رسیده در این آیین پرشکوه که **سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی**، جمعی از فرماندهان و افسران لشگرهای مستقر در جبهه‌های جنوب، **برادران سپاهی و روحانیون** شرکت داشتند، امام جمعهٔ اهواز بین ۲ نماز سخنانی پیرامون اهمیت عید غدیر خم بیان داشت و ضمن محکوم کردن تشکیل جلسهٔ اخیر شورای امنیت به ریاست یک اردنی، آن را توطئهٔ دیگری علیه ایران دانست.

این گزارش حاکی است:

سپس سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران طی

سخنانی ضمن تبریک عید غدیر خم به **تشریح بعد معنوی و روحانی عملیات مسلم‌بن عقیل و امدادهای غیبی به رزمندگان اسلام** پرداخت و در بخشی از آن اظهار داشت:

- با اجرای عملیات ظفرمند مسلم‌بن عقیل شرایط برای رسیدن به بغداد فراهم است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۲ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **قطعنامه‌های شورای امنیت به دلیل حمایت از متجاوز، بی‌اعتبار است**

امضا: **نمایندهٔ دایمی ایران در سازمان ملل، دکتر سعید رجائی خراسانی**

نمایندهٔ دایمی ایران در سازمان ملل:

جمهوری اسلامی ایران،

قطعنامهٔ شورای امنیت را بی‌اعتبار می‌داند

سعید رجائی خراسانی، نمایندهٔ دایمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد ضمن رد قطعنامهٔ از پیش تنظیم شدهٔ شورای امنیت با اشاره به سکوت ۲ سال گذشتهٔ این شورا در قبال تجاوز عراق و نیز ریاست رژیم اردن گفت:

– شورای امنیت فاقد توانایی اتخاذ یک موضع سازنده برای استقرار عدالت و احیای حقوق مردم است که برای آزادسازی اراضی اشغال شدهٔ وطن خود مبارزه می‌کنند.

به گزاش خبرگزاری جمهوری اسلامی نمایندهٔ دایمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد شب دوشنبه همزمان با تشکیل جلسهٔ شورای امنیت که به درخواست رژیم عراق انجام شد، طی یک مصاحبهٔ مطبوعاتی در مقر سازمان در مورد عدم شرکت ایران در این نشست گفت:

– ما معتقدیم شورای امنیت از عهدهٔ اجرای وظایفی که منشور سازمان ملل متحد به آن واگذار کرده، برنیامده است.

شورای امنیت فاقد توانایی برای استقرار عدالت است.

وی گفت:

- در خلال ۲ سال گذشته هنگامی که ۲۰ شهر و ۱۲۰۰ دهکدهٔ ایران در اشغال نظامی ارتش عراق بود و اماکن مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها و مساجد ما زیر آتش توپ‌ها و بمباران هوایی عراق قرار داشت، شورای امنیت هیچ اقدامی ننموده و به سکوت اکتفا کرد.

نمایندهٔ ایران افزود:

- این شورا حتی آوارگی ۲ میلیون نفر از مردم مسلمان و بی‌دفاع ما و به شهادت رسیدن هزاران تن دیگر را نیازمند تشکیل جلسه‌ای ندانست.

رجائی خراسانی گفت:

- قطعنامه‌های بی‌تفاوت این شورا که جنایتکار و مظلوم را با هم و با یک لحن نصیحت می‌کند، حاکی از این حقیقت است که شورای امنیت فاقد توانایی اتخاذ یک موضع سازنده برای استقرار عدالت و احیای حقوق مردمی است که با این همه فداکاری برای آزادسازی اراضی اشغالی وطن خود مبارزه می‌کنند.

نمایندهٔ ایران ضمن اعلام خبر آزادسازی تپه‌های استراتژیک غرب ایران از تصرف قوای عراقی گفت:

- دفاع مشروع و قانونی ما اینک در شورای امنیت به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته و این در حالیست که وقتی صلح و امنیت بین‌المللی با حمله و تجاوز عراق به خطر افتاد، شورا به جای این‌که عراق را به خاطر توسل به زور محکوم کند و از او بخواهد قوایش را از ایران خارج نماید، همچنان تماشاگر بی‌تفاوت صحنه باقی ماند و تنها خواستار برقراری آتش‌بس بدون خروج نیروهای اشغالگر شد. از این‌رو **ما فکر می‌کنیم که شورای امنیت به ویژه هنگامی که به ریاست نمایندهٔ اردن - کشوری که فعالانه در جنگ تجاوزکارانهٔ عراق علیه ما شرکت دارد- تشکیل شود، پایگاهی نیست که بتواند از عهدهٔ استقرار عدالت برآید.**

رد قطعنامهٔ شورای امنیت

رجائی خراسانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری پیرامون موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال قطعنامهٔ شورای امنیت گفت:

- ما این قطعنامه را رد می‌کنیم.

وی در مورد ترفندهای نمایندهٔ اردن پیرامون این اجلاس گفت:

– نمایندهٔ اردن و ریاست شورا ۲ روز قبل ضمن ادعای این‌که قبلاً هیچ مذاکره‌ای با نمایندهٔ عراق نشده و شورا درصدد صدور قطعنامه‌ای نیست و فقط می‌خواهد نظرات طرفین را جویا شود، در پی آن بود که نمایندهٔ ایران را به پای میز مذاکره کشانده و آن وقت قطعنامهٔ تهیه شده از سوی عراق را به رأی بگذارد و همچنان‌که ما پیش‌بینی می‌کردیم، نیز عمل شد.

سعید رجائی خراسانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر این‌که **آیا ایران بعد از پس گرفتن همهٔ خاک خود آتش‌بس را قبول خواهد کرد؟** گفت:

– شما خود را جای ما بگذارید. اگر کشورتان مورد تجاوز قرار گرفته و اشغال شده بود پس از آن که طی ۲ سال فداکاری و جانبازی دشمن را از خاک خود بیرون می‌راندید، آنگاه با تشکر خداحافظی می‌کردید؟ خیر، قطعاً شما مسائل زیادی دارید که باید با متجاوز حل کنید و اگر نتوانستید آنها را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنید، به مبارزه خود ادامه می‌دهید تا حقوق حقهٔ خود را به دست آورید.

وی افزود:

– **خسارت‌هایی که عراق بر ما وارد آورده، باید پرداخت شود. همچنین باید تضمینی وجود داشته باشد که پس از چند سال دیگر که دشمن نیروی نظامی خود را دوباره بازسازی کرد، به ما حمله نکند.**

از سوی دیگر حدود **۱۲۰ هزار عراقی** که از سرزمین خود رانده شده‌اند و هم‌اکنون ما از آنها میزبانی می‌کنیم، باید **حق برگشت به خانهٔ خود** راداشته باشند.

دکتر رجائی در مورد **خسارت‌های ایران طی جنگ تحمیلی و میزان آن** گفت:

– شما خود باید به صحنه بروید و از نزدیک با فجایع و جنایت‌های رژیم عراق آشنا شوید. **خرمشهر یکی از شهرهای بسیار مهم و پرجمعیت کشور ما به کلی با خاک یکسان شده است.**

حال ببینید **ویران شدن ۲۰ شهر، ۱۲۰۰ دهکده، بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان، تعداد زیادی بیمارستان، مدرسه و اماکن صنعتی شهری و مسکونی دیگر و به ویژه شهادت بسیاری از عزیزانمان چه ضایعهٔ بزرگی است!**

فقط بدانید که **خسارت خیلی سنگین‌تر از آن است که شما فکر می‌کنید.**

وی بار دیگر تأکید کرد:

– **جمهوری اسلامی ایران برای استقرار عدالت و دفاع از حقوق مشروع خود مبارزه می‌کند** و در مقابل، ارتش کفر عراق همواره سعی کرده برای ادامهٔ تجاوز خود از همهٔ شیوه‌های غیراسلامی و باطل استفاده کند.

وی افزود:

اینک نیز به دنبال شکست‌های پی‌درپی خود از لشگر اسلام، سعی دارد تا با دادن شعار عربیت، اعراب را به طرف خود جلب کند که این امر نیز مشابه موضع نژادپرستانهٔ رژیم صهیونیستی است.

نمایندهٔ ایران در سازمان ملل متحد در مورد **کنفرانس فاس** گفت:

– این کنفرانس، کنفرانس دولت‌ها بود، نه ملت‌ها که موفقیتی نیز برای آمریکا محسوب می‌شود. البته این کنفرانس کاملاً همگون و یک‌دست نبوده، لیکن بسیاری از اعضای آن چون مراکش دستورالعملشان را از خارج می‌گرفتند.

دکتر رجائی در پایان بار دیگر تأکید کرد:

– جمهوری اسلامی ایران از هر گونه کوششی جهت ایجاد یک صلح عادلانه استقبال می‌کند.

دکتر سعید رجائی خراسانی نمایندهٔ جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل طی مصاحبه‌ای با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در واشنگتن به سؤالات وی پیرامون **توطئهٔ جدید شورای امنیت سازمان ملل جهت تحمیل قطعنامهٔ خود به ایران، تصمیم سودان مبنی بر اعزام نیرو برای جنگ علیه ایران، تهدید جدید رژیم سعودی و مانور نظامی آمریکا در منطقه** پاسخ داد.

دکتر رجائی در مورد **تقاضای عراق برای تشکیل جلسهٔ اضطراری شورای امنیت سازمان ملل پیرامون جنگ تحمیلی و اقدامات شورای امنیت در این رابطه** گفت:

– همان‌طوری که می‌دانید، ریاست شورای امنیت ماه به ماه تغییر می‌یابد و این ماه نمایندهٔ اردن ریاست این شورا را عهده‌دار شده است که وی در اولین روز ریاست خود در این شورا تصمیم به اظهار محبت و انجام وظایف نسبت به رژیم صدام گرفت و بلافاصله به بهانهٔ تهاجم اخیری که از جانب ایران انجام شده، جلسهٔ فوری تشکیل داد.

توطئهٔ جدید شورای امنیت

وی سپس با اشاره به گفتگوهایش با نمایندهٔ اردن قبل از تشکیل جلسهٔ شورا و این‌که نمایندهٔ اردن گفته بود قطعنامه‌ای در این جلسه صادر نخواهد شد، گفت:

– شورای امنیت چون دفعه‌های پیش دید که ما از شرکت در جلسهٔ آنها خودداری کردیم، این‌بار گمان کرد که اگر بگوید قطعنامه صادر نخواهد شد، در جلسه شرکت می‌کنیم؛ ولی ما بنا را بر این گذاشتیم که در این جلسه شرکت نکنیم. مانند قبل متنی از مواضعمان تهیه کردیم و برای دبیرکل سازمان ملل ارسال داشتیم، که وی نیز بر حسب وظیفه‌اش نسبت به آن اقدام کرد

و آن را به عنوان سند شورای امنیت برای ریاست و تمام اعضای آن شورا ارسال داشته است.

دکتر رجائی تأکید کرد:

– شرکت ما در جلسهٔ شورا کاملاً بی‌فایده بود و چیزی را تغییر نمی‌داد. چون کلیهٔ اعضای آن بدون در نظر گرفتن شرایط و رعایت عدالت و با عدم توجه به سخنان طرفین درگیر، فقط دوست دارند به صلح و آتش‌بس رأی دهند و این دقیقاً چیزی است که عراق می‌خواهد.

بنابراین در این جلسه شرکت نکردیم، ولی همزمان با جلسهٔ شورای امنیت یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل تشکیل دادیم و مواضع خودمان را به تفصیل به اطلاع کلیهٔ خبرنگاران رساندیم.

حامیان صدام

برادر رجائی در پاسخ به سؤال دیگری پیرامون **اعلام دولت سودان مبنی بر ارسال نیرو جهت کمک به عراق** گفت:

– به نظر ما این اقدام جدیدی نیست. سودان در واقع قبلاً نیز برای صدام نیرو می‌فرستاد منتهی این‌بار سودان می‌خواسته کمی رسمی‌تر این کار را بکند که این اقدام هم به استحکام وضع رژیم عراق کمکی نخواهد کرد. چون وقتی سربازان عراقی که وطن‌شان عراق است و مثلاً عضو رسمی ارتش عراق هستند – حاضر نباشند از صدام دفاع کنند، چنان‌که تا به حال هم حاضر نبودند و فوج‌فوج پناهندگی سیاسی می‌گیرند و یا خود را تسلیم جمهوری اسلامی می‌کنند– **کمترین دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم ارتش سودان قادر به نجات رژیم عراق باشد و بتواندکاری برای آن انجام دهد.**

دکتر رجائی در پاسخ به این سؤال که **نظرتان در مورد تهدید رژیم سعودی مبنی بر اعلام جنگ با ایران چیست و شما بازتاب مانور نظامی آمریکا در آیندهٔ نزدیک در عمان را چگونه می‌بینید؟** گفت:

– به نظر ما **تصمیم آمریکا مبنی بر مانور نظامی در عمان به نفع اسلام در منطقه است و مردم منطقه عملاً بیداری بیشتری کسب می‌کنند و خود علیه نیروهای آمریکایی دست به کار می‌شوند.**

برادر رجائی با یادآوری این مطلب که **اتحاد عربستان سعودی با سایر رژیم‌های مرتجع علیه ایران نیز نباید جدی گرفته شود** و من فکر نمی‌کنم که آنها واقعاً استطاعت این را داشته باشند که وارد یک جنگ تمام‌عیار با جمهوری اسلامی شوند، تأکید کرد:

– **اگر ما اعتماد کامل به حمایت الهی داشته باشیم، اطمینان داریم که خداوند ما را تنها**

نمی‌گذارد.

دکتر رجائی در پایان در مورد قطعنامهٔ اخیر شورای امنیت پیرامون جنگ تحمیلی گفت:

- این **قطعنامه** عیناً مانند قطعنامهٔ قبلی آنها در شورای امنیت است و **جمهوری اسلامی نیز مانند پیش آن را بی‌اعتبار می‌داند.**[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۳ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ماجرای سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ فرماندهان نظامی از زبان تنها بازماندهٔ سانحه**

امضا: **کارمند واحد مرکزی خبر صدا و سیما، علی اصغر کریمی**

ماجرای سقوط هواپیما از زبان تنها بازماندهٔ سانحه

هشت مهر ماه ۱۳۶۰ واقعه دردناک سانحهٔ سقوط هواپیمای ۱۳۰ بود. روزی که سخت بر ملت بزرگ ایران گران آمد. مردم ما که ۱ سال بود طعم تلخی جنگ، تحمل خسارات و ضایعات و تقدیم شهدای بسیار را پشت سر گذاشته بود و هنوز شهد شیرین پیروزی شکستن حصر آبادان را در کام مزه‌مزه می‌کرد که این واقعهٔ اسفناک اتفاق افتاد. اگر چه تحملش مشکل بود، ولی امت اسلامی ما رویین‌تن شده بود.

مصاحبه‌ای داریم با **تنها کسی که از سانحهٔ هوایی که منجر به شهادت تیمسار فلاحی، تیمسار فکوری و برادر کلاهدوز و سایرین گردید جان سالم به‌در برده است.**

خواهشمند است خودتان را معرفی و خلاصه‌ای از جریان واقعه را بیان نمایید.

من **علی‌اصغر کریمی، کارمند واحد مرکزی خبر** هستم که از طرف صدا و سیما با شنیدن خبر شکستن حصر آبادان من و برادر اخوان که شهید شده، به مأموریت رفتیم و در شکستن حصر آبادان در آن حمله حاضر بودیم و دوستم جهت مصاحبه به عنوان خبرنگار به ماهشهر رفت. من هم به عنوان فیلمبردار به جبههٔ ولایت فقیه رفتم. حمله که شروع شد، من فیلم‌هایی

گرفتم. البته باید عرض کنم که در آن حصر آبادان ۵ گروه بودیم که فیلم می‌گرفتیم و هماهنگ‌کنندهٔ این گروه، در اهواز بود که قرار بر این شد من آن فیلم‌ها را بگیرم ببرم تهران. بعد از این‌که آن حمله تمام شد، فیلم‌ها را آوردیم اهواز و تمام آنها را بسته‌بندی کردیم و تحویل گرفتیم و چون فیلم‌ها رنگی بود و امکان خراب‌شدنش بود، قرار شد هواپیما از طرف خود واحد خبر تهیه شود و زودتر به مرکز برسد.

طرف‌های ظهر بود که ما وارد فرودگاه شدیم. دیدیم از هواپیما خبری نیست. سرگرد کامران که رئیس فرودگاه اهواز بود، گفتند C۱۳۰ به هیچ‌وجه به اهواز نمی‌آید. علت را سؤال کردیم. گفتند به خاطر این‌که حدود ۲۰۰۰ اسیر در ماهشهر هستند. اینها می‌روند که اسرا را ببرند تهران، که امشب را آن‌جا نمانند. نتیجه این شد که هواپیمایی آن روز نیامد. ما نشسته بودیم توی فرودگاه که اگر هواپیمایی آمد که هیچ و اگر نیامد بعد از ظهر با قطار برویم.

ساعت ۱ بعد از ظهر بود که سرگرد کامران گفت فرماندهان نظامی آمدند و رفتند توی سالن. گفتم خوب برید بپرسید که یک مصاحبه با تیمسار فلاحی و یا وزیر دفاع برادر نامجو داشته باشیم. گفتند خیلی خوب خودتان بروید. اگر مصاحبه‌ای می‌خواهند بکنند بکنید. من رفتم سالن دیدم نشسته‌اند و دارند ناهار می‌خورند. خودم را معرفی کردم و قضیه را گفتم و بعد هم برادرمان کلاهدوز به اتفاق برادر جهان‌آرا آمدند و برادران حدود ۱۰ نفر بودند و بعد ضمن این‌که اصرار داشتم که مصاحبه‌ای داشته باشم با برادر نامجو در رابطه با این حمله، گفتند باشد من یک مصاحبهٔ رادیو تلویزیونی در تهران خواهم داشت و همه‌چیز را توضیح خواهم داد و شما آنها را با این فیلم‌ها ضمیمه کنید و پخش کنید.

از این‌که تا حالا چقدر عکس گرفتید و چند گروه هستید و از کجا آمده‌اید، سؤالاتی شد. گفتند ناهار بخورید. نشستیم و ناهار را خوردیم و منتظر هواپیما شدیم. قرار شد ۱ هواپیمای ۱۲ نفره «فرندشیپ» از تهران بخواهند که بیاید و فرماندهان را ببرد تهران. سرگرد کامران به تهران تلفن کردند و قرار شد ساعت ۴/۵ الی ۵ یک هواپیمای ۱۲نفره به اهواز بیاید و اینها را ببرد. از تیمسار فلاحی سؤال کردم تیمسار ما می‌توانیم با شما بیاییم، با توجه به این‌که این فیلم‌ها رنگی هستند و امکان خراب شدن دارد؟ گفت: اشکال ندارد، هواپیما ۱۲نفره است، ما ۱۰نفریم. شما هم ۲ نفرید، می‌شویم ۱۲نفر. نشستیم تا هواپیما بیاید. ساعت ۵/۵ بود که هواپیما آمد. گفتیم قرار شد C۱۳۰ بیاید. گفتند چون شهدا آن‌جا بو گرفته‌اند و مجروحین کف سالن وضع‌شان بد است، این هواپیما را فرستادند که اینها را ببرد.

بلافاصله گفتند چند نفری بیایند. خانوادهٔ شهدا هم آمدند. آماده شدیم برای سوار شدن.

برادرمان اخوان که شهید شد، رفت کمک کرد که ۵۰ تا شهید را گذاشتند توی هواپیما. من پای وسایل نشسته بودم. در این هنگام فرندشیپ رسید؛ البته با ۱ ساعت تأخیر. بلافاصله من وارد محوطه شدم، گفتم سرگرد! پس ما وسایل‌مان را ببریم بگذاریم توی این هواپیما؟! گفت نه، با آن نمی‌روند. گفتم چرا؟ من با تیمسار فلاحی صحبت کردم. سرگرد کامران گفت مثل این‌که تصمیم‌شان عوض شده برو آن‌جا تو باند، هواپیما C۱۳۰ روشن است و فرماندهان سوار آن شدند. من آمدم دیدم اولین صندلی که از در جلو می‌رویم تیمسار فلاحی نشسته. گفتم تیمسار مگر قرار نیست با فرندشیپ برویم؟! گفت نه بیا با همین می‌رویم.

من دیگر سؤال نکردم چرا؟ گفت بروید وسایلتان را بردارید و بیایید. ما رفتیم وسایلمان را از توی همان فرودگاه که بازدید شده بود، آوردیم توی هواپیما. چون جا نبود، همان جلو تیمسار فلاحی، اخوان نشسته بود. من هم کارتن فیلم‌ها را گذاشتم و او نشست روی جعبه و چون صندلی نبود، من هم روی چمدان نشستم. وقتی سوار شدیم ۵ دقیقه طول نکشیده بود که هواپیما حرکت کرد.

من چون کنجکاو بودم، ساعتم را نگاه کردم. دیدم ۱ ربع به هفت شب است. ۸-۷دقیقه گذشته بود که شهید نامجو کیفشان را از برادرش گرفت و درش را باز کرد. یک سری پلی‌کپی بود. گفت تیمسار شما حوصله‌اش را دارید حین پرواز مطالعه کنید؟ این شکل آرایش نیروهای عراقی است. بخوانید. تیمسار گرفت و مطالعه کرد. ضمناً این را یادآوری کنم که شهدا حدود ۵۰ نفر بودند. آن قسمت عقب هواپیما روی هیدرولیک، زخمی‌ها که روی ۵ تا تخت سمت چپ و ۵ تا سمت راست انتهای هواپیما بودند که سرم به دست خوابیده و تعداد دیگری هم از مجروحین در کف هواپیما نشسته بودند. وسط هم خانوادهٔ شهدا بودند. جلو نامجو پهلوی دستش سرگردی نشسته بود که سؤال کردم، گفتند خلبان فانتوم است. یک درجه‌دار بود که با زن و ۱ فرزندش و برادر نامجو که پهلوی من نشسته بود، کلاً حدود ۸۵ نفر بودیم.

تیمسار فلاحی بلافاصله آن پلی‌کپی را از سرهنگ نامجو گرفت و خواند. دوباره ۱ پلی‌کپی دیگر گرفت، مطالعه کرد؛ تا این‌که ساعت تقریباً ۷/۵ شب بود که از پنجره‌ای که پشت سر تیمسار فلاحی بود، چراغ‌هایی دیدم که به تیمسار گفتم رسیدیم تهران. برگشت نگاه کرد، گفت: نه!! هنوز نرسیدیم، یک چند دقیقهٔ دیگر مانده.چون در عقب را باز گذاشته بودند برای این‌که شهدا بو گرفته بودند، صدای موتورها چندین برابر شده بود. نمی‌شد به طور عادی صحبت کرد. یک دو سه دقیقه‌ای گذشت. من نشستم. یکباره دیدم این چراغ‌هایی که به بدنهٔ هواپیما هست، همگی خاموش شد. بلافاصله فکوری از جایش بلند شد و رفت چراغ قوه را از



خلبان گرفت و رفت یک دریچه بود وسط هواپیما باز کرد، یک مقداری از این لوله‌های مسی و چهارشاخه آمد بیرون‌تر، و مرتب داشت نگاه می‌کرد حدود۴۰-۳۰ ثانیه از خاموش شدن چراغ‌ها گذشت. دیدیم صدای موتورها کم و کمتر شد تا به کلی قطع شد. سکوت مطلق همه جا را فرا گرفت. آن موقع فهمیدیم که هواپیما نقص فنی پیدا کرده است.

س: فکر می‌کنید نقص فنی از کجا بود؟

ج: از موتورها باید بوده باشد. چون صدایی و چیزی هم نیامد که بگوییم فرضاً موتورها منفجر شده. احیاناً اتصالی چیزی پیدا کرده، چون موتورها یکباره صدایش کم شد و بعد قطع شد. دیگر سکوت مطلق، یعنی هیچ‌کس حرفی نمی‌زد و فقط صدای سرهنگ فکوری بود که به یکی از خدمه‌ها می‌گفت: بدو!! بدو!! بیا این چرخ را باز کن. یک دریچه آن وسط بود، باز کردند. یک طنابی بود که آن خدمه می‌کشید بالا. من اینها همه را مشاهده می‌کردم. ضمن این‌که احساس کرده بود که دیگر فایده‌ای ندارد. چون هواپیما موتورهایش از کار افتاده بود و چند لحظهٔ دیگر هواپیما به زمین می‌خورد. بلافاصله به این فکر افتادم که اشهدم را بگویم. شهادتین را گفتم، استغفار کردم که خدایا در این آخرین لحظات مرا ببخش، تا چند لحظهٔ دیگر می‌آییم پیش تو. اینها همه مشغول کارشان بودند. بعد از این‌که آن دریچه را باز کردند و چرخ باز شد، گفت برو آن چرخ دیگر را هم باز کن. در این موقع چون داخل هواپیما بسیار ساکت بود، همه این را می‌شنیدند؛ حتی آن مجروحین عقب هواپیما. چرخ‌ها را باز کردند و مجدداً مشغول بازرسی همهٔ لوله‌ها شدند که احیاناً ممکن است لوله‌ای گرفته باشد یا مثلاً ترکیده باشد از لوله‌های هوا یا چیز دیگر.

در این فاصله خلبان گفت چراغ قوه را بدهید. یکی از خدمه گفت دست سرهنگ فکوری است. من بلافاصله یک چراغ قوه در ساک داشتم بیرون آوردم و دادم به تیمسار فلاحی برد داد به خلبان. بعد از این سرهنگ فکوری آمد از جلو ما عبور کرد و رفت، کنار گوش فلاحی یک چیزی گفت خیلی آهسته. من بیشتر کنجکاو شدم که اینها دارند چکار می‌کنند. چهرهٔ فلاحی را نگاه کردم خیلی مات و ناامید یک حالتی را مشاهده کردم که نمی‌توانم بیان کنم. غیرقابل وصف است.

س: بقیهٔ سرنشینان چه حالتی داشتند؟

ج: بقیه هیچ چیزی نمی‌گفتند. حتی اگر کسی دقت می‌کرد، صدای تنفس آنها را می‌شنید.

همه ساکت و ماتشان برده بود و در فکر فرو رفته بودند. حتی این همکار من اخوان که روبه‌روی من نشسته بود، به خواب رفته بود. وقتی موتورهای هواپیما از کار افتاد، از خواب بیدار شد. من حتی نتوانستم به اخوان بگویم که موتورها از کار افتاده و تا چند لحظهٔ دیگر سقوط می‌کند.

خلاصه حرفی، صحبتی، چیزی، انگار که زبان من بند آمده!! لال شده بودم. یک چنین حالتی. فقط در فکر این بودم که تا یک لحظه!! همین الآن منفجر می‌شود!! همین الآن تکه و پاره می‌شویم. همین الآن به زمین می‌رسیم. من مرتب اشهدم را می‌گفتم و در یک لحظهٔ دیگر چیزی یادم نیست.

این قضایا که گفتیم، حدود یکی دو دقیقه طول کشید. یعنی آن فاصله که آمد پایین دو دقیقه الی سه دقیقه؛ همین حدودها باید طول کشیده باشد که هواپیما آمده پایین. به محض این‌که رسید به زمین من دیگر هیچی یادم نمی‌آید. آن‌چه مسلم است چون جلو بودم، پهلوی دیوارهٔ هواپیما کنار پلکان یک ضربه خوردم و بیهوش شدم، در آن آتش‌ها، نه این‌که تنفسی کرده بودم. تا این دوده‌ها لخته شده بود در سینه‌ام و از ناحیهٔ کمرم استخوانش شکسته و دستم و سرم سوخته بود. ولی چیزی از درد و سوختگی و شکستگی یادم نمی‌آید که مثلاً احساس درد کنم. من زمانی به هوش آمدم که احساس کردم یک کسی نمی‌دانم این در رؤیا بود یا واقعاً کسی بوده، همین‌قدر که پایم به زمین رسید، متوجه شدم یک کسی زیر بغلم را گرفته، یواش گذاشت زمین. به محض این‌که گذاشت زمین، دیدم به من می‌گوید از آتش‌ها دور شو که نسوزی. من برگشتم نگاه کردم ۱ متر از آتش‌ها فاصله داشتم. دیدم آتش به طول ۲۰متر زبانه می‌کشد و همه‌چیز در حال سوختن است. من اصلاً متوجه نبودم که قضیه چه هست. اصلاً این آتش چه هست! من همین‌طور اشهدم را می‌گفتم. یک مقداری آمدم جلو و از آتش‌ها دور شدم، چه فاصله‌ای را نمی‌دانم، ولی یک مقداری که به یاد می‌آورم جلو ایستادم با این‌که در حرکت بودم یک کسی از دور صدایم کرد و هیچی نفهمیدم، تا این‌که دیدم روی تخت در بیمارستان هستم و پیراهنم که سوخته بود و به بدنم چسبیده بود، دارند قیچی می‌کنند و با دارو می‌شویند.

س: آن کس که شما را کمک کرد، نفهمیدید کی بود؟

ج: در این رابطه ۲ روز بعد که یک مقدار من چشمانم را باز کرده بودم، می‌توانستم کمی صحبت کنم. ۲ نفر سرباز آمدند بیمارستان سلام و علیک کردند و گفتند ما را می‌شناسید؟ گفتم تا کنون شما را ندیده‌ام. آنها گفتند ما همان کسانی هستیم که پریشب آمدیم دم هواپیما

شما را آوردیم بیمارستان. گفتم با چه؟ گفتند با جیپ. ما آن‌جا در پادگان کهریزک هستیم. وقتی دیدیم آن‌جا آتش بلند شد، فکر کردیم هواپیمای عراقی را زده‌اند. آمدیم جلو دیدیم که هواپیما C۱۳۰ هست. فهمیدیم که از خودمان است. شما در یک فاصله‌ای بودید که آتش نمی‌گذاشت ما جلوتر بیاییم. صدا زدیم، شما آمدید سوار شدید. آمدیم به بیمارستان.

س: در رابطه با سقوط این هواپیما شما به هیچ‌یک از سرنشینان مشکوک نشدید؟

ج: به هیچ‌وجه. چون آنهایی که در هواپیما بودند اصلاً بلند نشدند. حتی خدمه‌ها درست نمی‌توانستند رفت‌وآمد کنند. چون یک مقدار جا تنگ بود و رفت‌وآمد مشکل انجام می‌گرفت. مثلاً ما پاهایمان را جمع می‌کردیم که ۱ نفر از مقابل ما عبور کند.

س: شما هیچ‌گونه صدای انفجاری را نشنیدید؟

ج: ابداً تا آخرین لحظاتی که من یادم هست، قبل از این‌که موتورها از کار بیفتد و چراغ‌ها خاموش شود، هیچ صدای انفجار یا چیز دیگری نشنیدم.

س: آیا غیر از شما در این حادثه کسی هم زنده ماند یا نه؟

ج: بله. چون ما قبل از سقوط با فرودگاه در تماس بودیم. از سقوط باخبر می‌شوند. گویا با ۱ هلی‌کوپتر از فرودگاه می‌آیند، اما وقتی می‌رسند که دیگر هواپیما سوخته بود و کلاً خانوادهٔ شهدا و مجروحین جنگ و فرماندهان نظامی همه شهید می‌شوند. چون در هواپیما شهدایی بودند که در حملهٔ آبادان شهید شده بودند و همراه این هواپیما حمل می‌شدند. به دلیل این‌که بو گرفته بودند، در عقب هواپیما قرار داشتند و آن در هیدرولیک عقب را باز گذاشته بودند. از همان در چند نفری را این هلی‌کوپتر کمکی بیرون می‌کشد. آن‌طور که من شنیدم گفتند یکی از آن پاسدارها که جزو مجروحین بوده، ضربهٔ مغزی خورده و حالش سر جای خودش نیست و هم سوخته که این را از همان در عقب کشیده بودند بیرون. حتی این دکتر نیشابوری که در بیمارستان بالای سر من می‌آمد، گفت دیروز رفته‌ام بالای سر یکی از مجروحین حادثهٔ سقوط هواپیما تمام بدنش سوخته و به استخوان رسیده. یرقان هم گرفته .حالش بسیار بد بود و او تعجب می‌کرد از این‌که من سالم مانده‌ام.

س: در آخرین لحظه‌ها بین فرماندهان و دیگران صحبت‌هایی رد و بدل نشد؟

ج: ابداً. حتی جناب فلاحی همین‌طور نگاه می‌کرد ببیند اینها چکار می‌کنند. این خدمه‌ها رفت‌وآمد می‌کردند. آن‌قدر تلاش می‌کردند و بقیهٔ دیگر هم در سکوت مطلق حتی من نشنیدم یک نفر بگوید آه، از کار افتاده!! سقوط می‌کنیم!! خدایا به دادمان برس! ابداً صحبتی در این‌جا نشد.

س: شما فکر می‌کنید چرا تنها کسی بودید که از این حادثه جان سالم به‌در بردید؟

ج: من بار دوم بود که به جبهه رفته بودم. بار اول ۱۸ روز در کوی ذوالفقاریه و **معجزاتی که در جبهه‌ها شده است، من خود شاهد آنها بوده‌ام و در این‌جا هم من نمی‌دانم، می‌گویم یک دست غیبی زیر بغل‌هایم را گرفته و گذاشته زمین**؛ و الا من که از هواپیما چیزی سرم نمی‌شود. مثلاً تیمسار فکوری که از همان اول در کار هواپیما بوده و متخصص است، او شهید می‌شود و من که اصلاً نمی‌دانم در هواپیما چطور باز می‌شود، زنده بمانم و یا چرا از آن تعداد که در جلو و عقب بودند، فقط من بیرون آمدم. این را تا کنون نتوانسته‌ام جواب بدهم، ولی همین‌قدر **معتقدم به این‌که امام زمان(عج) بوده که من را نجات داده.**

س: به نظر شما علت سقوط هواپیما چه بوده است؟

ج: حالا من خودم چون فنی نیستم، نمی‌دانم موتورها چه اشکالی پیدا کرده، ولی در بیمارستان که بستری بودم، یک سرگرد خلبانی بود و جزو هیأت تحقیق این حادثه بود، آمد به من گفت موتور هواپیما ۱ دریچهٔ بنزین دارد و ۱ دریچهٔ هوا و این ۸ دریچه همه از کار افتاده، ولی **من خودم کلاً این قضیه را مشیت الهی می‌دانم.**[۱]

۱- نشریهٔ مرزداران، شمارهٔ ۲، ۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۴ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **بازدید خبرنگاران خارجی از ارتفاعات آزاد شده در عملیات مسلم‌ابن عقیل**

امضا:

به گـزارش خبرنگار اعزامـی واحـد مرکزی خبر از باختران **۲۰ نفر از خبـرنگاران، عکاسان و فیلم‌برداران خبرگزاری‌های ان.اچ.کی (کیودو) اساهی، شیم‌بن توکیو، شین‌هوا، فرانس پرس، و ویزنوس از کشورهای ژاپن، فرانسه، کره و انگلیس** ساعت ۱۵ روز سه شنبه وارد جبهه‌های عملیاتی غرب کشورمان شدند.

این گروه پس از ورود در دفتر فرماندهان عملیات حضور یافتند و یکی از فرماندهان به تشریح چگونگی عملیات مسلم‌بن عقیل، بر روی نقشه گفت:

– دشمن متجاوز در ارتفاعات کهنه‌ریگ، میان‌تنگ، گیسکه، دوله‌شریف، کومه‌سنگ و دیگر ارتفاعات مشرف بر شهر ایرانی سومار مستقر و خاک کشور ما را در اشغال خود داشت، در حالی که ادعا می‌کرد به مرزهای بین‌المللی بازگشته و هم‌اکنون نیز ادعا می‌کند که این ارتفاعات را از دست نداده است. اما ما پس از تشریح، شما را به ارتفاعاتی که سپاهیان ظفرمند اسلام با قدرت کامل تصرف کرده‌اند می‌بریم، تا شما از نزدیک کذب گفته‌های دشمن را ببینید.

وی افزود:

– در عملیاتی که در این منطقه انجام شد، تیپ ۴۶ پیادهٔ عراق، تیپ ۳ گارد مرزی، ۱ گردان تانک و تیپ شانزدهم از لشگر ۶ زرهی عراق شرکت داشتند و ما با حداقل نیرو و امکانات

توانستیم این ارتفاعات را که دارای قوی‌ترین استحکامات بوده و مشرف بر شهر مندلی عراق و نزدیک‌ترین راه به بغداد است، بازپس بگیریم.

در جریان عملیات مسلم‌بن عقیل دشمن ما همچنین از میادین زیاد مین، تله‌های انفجاری، بشکه‌های سمی گازهای خفه‌کننده استفاده می‌کرد که شما می‌توانید اینها را با چشم خود ببینید. اما ما باتمام اینها پیروز شدیم و تا کنون ۲۱ پاتک دشمن را خنثی کرده و ۲ تیپ و ۱ گردان تانک عراق را منهدم کردیم.

در جریان این عملیات نیروهای ما ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی‌مان را بازپس گرفته و از لوث وجود صدامیان پاک‌سازی کردند.

فرماندهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل افزود:

- ما تا کنون حتی ۱ گلوله هم به سمت شهر مندلی شلیک نکرده‌ایم که این خصلت اسلامی ماست.

پس از توضیحات فرماندهٔ عملیات مسلم‌بن عقیل خبرنگاران و فیلم‌برداران عازم ارتفاعات تصرف شدهٔ قوای اسلام گردیدند و از این منطقه که روز جمعهٔ گذشته به تصرف قوای پیروز اسلام درآمد، فیلم، عکس و خبر تهیه کردند.

از سوی دیگر بنا به گزارش رسیده، عصر دیروز خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی با خبرنگاران خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی خارجی که از مناطق و ارتفاعات استراتژیک آزاد شده در عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل بازدید کرده بودند، گفتگو کرد.

آقای یاسودا از خبرگزاری ژاپنی کیودو در پاسخ سؤال خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پیرامون نظر وی پس از بازدید مزبور از اوضاع جبهه‌های غرب گفت:

- به نظر من سراسر منطقهٔ عملیات در کنترل نیروهای ایرانی است و من توانستم به خوبی شهر عراقی مندلی را مشاهده نمایم. در جبههٔ مندلی من درگیری‌های شدیدی را میان نیروهای ایرانی و عراقی مشاهده کردم و در عین‌حال که نیروهای ایران بر منطقه مسلط بودند، کوچک‌ترین شلیکی از جانب توپخانهٔ ایران بر روی شهر مندلی که در چند کیلومتری ما قرار داشت، صورت نمی‌گرفت.

وی در مورد احساس برداشت خود از آن‌چه مشاهده کرده بود، گفت:

- من مسائل زیادی را دیدم که آنها را در گزارشات خود مطرح خواهم کرد.

خبرنگار خبرگزاری کیودو همچنین روحیهٔ نیروهای ایرانی را بسیار خوب توصیف کرد.

یکی از خبرنگاران خبرگزاری جمهوری خلق چین در این رابطه گفت:

– من شهر عراقی مندلی را از فاصلهٔ ۵ کیلومتری دیدم، در حالی‌که ندیدم گلوله‌ای بر روی شهر شلیک شود. این سومین بار است که من به جبهه می‌آیم و روحیهٔ نیروهای ایران بسیار خوب بود.

گزارشگر بنگاه سخن‌پراکنی ژاپن (ان.اچ.ک) گفت:

– من شهر مندلی عراق را از ارتفاعات بالا مشاهده کردم و این شهر در فاصلهٔ ۵کیلومتری ما قرار داشت.

وی افزود:

– من سربازان ایرانی را می‌دیدیم که در شرایط سخت می‌جنگند.

وی گفت:

– من ندیدم که ایرانی‌ها نقطه‌ای از شهر را هدف قرار دهند.

پی‌یرتل فیه خبرنگار خبرگزاری فرانسه در حین بازدید از ارتفاعات کلاشن طی صحبت کوتاهی با خبرنگار ما گفت:

– رزمندگان ایران باایمان به جمهوری اسلامی می‌جنگند و به آن‌چه برای آن نبرد می‌کنند، اعتقاد دارند؛ در حالی‌که عراقی‌ها این‌طور نیستند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۵ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تبلیغات کاذب رژیم عراق در مورد بازپس‌گیری مناطق عملیات مسلم‌بن عقیل**

امضا: **ستاد تبلیغات جنگ**

دیروز خبرنگاران خارجی شاهد تبلیغات کاذب رژیم عراق

دربارهٔ اشغال مجدد ارتفاعات مشرف بر مندلی بودند

ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد:

رژیم دروغ‌پرداز صدام کافر بار دیگر دست به حیلهٔ تبلیغاتی زد و دیروز با قطع برنامه‌های تبلیغاتی خود و پخش مارش نظامی به دروغ اعلام کرد که در جریان یک ضدحملهٔ صبح دیروز تمام مناطق آزاد شده توسط رزمندگان اسلام در عملیات مسلم‌بن عقیل را بازپس گرفتند.

رژیم دروغ‌گوی بغداد که تا دیروز هر گونه پیشروی نیروهای اسلام را انکار می‌کرد این‌چنین خود به پیروزی‌های رزمندگان اسلام به ناچار اعتراف کرد.

ادعای رژیم دروغ‌گوی بغداد نسبت به اجرای یک ضدحمله در صبح امروز (دیروز) و منهدم کردن نیروهای اسلام در حالی انجام می‌گیرد که دیروز آرامش در جبههٔ مشرف به شهر مندلی حکم‌فرما بود و خبرنگاران خارجی در همین ساعات در حال بازدید از جبهه بودند و با چشم خود شهر مندلی را مشاهده کردند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: **۳۶** تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نبرد در جبهه‌های جنوب و غرب**

امضا:

آبادان:

با اجرای آتش عشایر، پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی آبادان و حومه، سلحشوران ژاندارمری و یگان‌های نیروی دریایی بر روی مواضع مزدوران بعثی در اروندکنار، تأسیسات نفتی ناو و اسکلهٔ ۴چراغ در آن سوی اروندرود در داخل خاک عراق ضمن وارد آمدن خسارات سنگینی به این تأسیسات، شماری از صدامیان کشته و یا زخمی شدند.[۱]

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز آبادان:

طی این مدت بر اثر آتش قوای اسلام در حوالی شهر فاو عراق ۸ سنگر اجتماعی و ۷ سنگر انفرادی دشمن نابود شد و از هر گونه نقل و انتقالات نیروهای بعثی در جادهٔ فاو- بصره جلوگیری به عمل آمد.

اهواز:

شهر آبادان صبح دیروز به شدت هدف آتش توپخانه‌های دوربرد ارتش بعثی صهیونیستی

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۵

عراق قرار گرفت که بر اثر این عمل وحشیانه در یک منطقهٔ فقیرنشین ۴ کارگر شهید و ۷ تن دیگر از مردم این شهر مجروح شدند که در بین مجروحین ۲ زن خانه‌دار و ۱ کودک ۳ ماهه دیده می‌شود.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکیست:

در این مدت ۵ باب منزل مسکونی طعمهٔ حریق شد و ۲ ساختمان دیگر نیز آسیب دید.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: **۳۷** تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نبرد در جبهه‌های غرب**

امضا:

باختران:

با آتش رزمندگان پرتوان اسلام در جبهه‌های غرب طی شبانه‌روز گذشته۳ دستگاه تانک، ۱ خودرو حامل مهمات و ۱ دستگاه نفربر دشمن منهدم شد و خسارات و تلفاتی به قوای کفر صدام تکریتی وارد آمد.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از **قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در غرب کشور** حاکیست:

در تبادل آتش بین رزمندگان اسلام و مزدوران صدام که با برتری آتش نیروهای خودی در۲۴ساعت گذشته جریان داشت، دلاوران ضمن ادامهٔ پاک‌سازی منطقه و تحکیم مواضع فتح شده، ۳ دستگاه تانک، ۱ خودرو حامل مهمات ۱ دستگاه نفربر، ۱ انبار تدارکاتی و ۱ پارک موتوری دشمن متجاوز را منهدم ساختند.

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

طی یک عملیات چریکی که سحرگاه دیروز توسط **برادران سپاه دهلران مستقر در جبههٔ بیات و با پشتیبانی آتش مؤثر خمپاره و توپ ۱۰۶** [میلیمتری] انجام پذیرفت، سپاهیان اسلام

موفق شدند ۱۲ نفر از مزدوران صدامی را به هلاکت برسانند و بیش از ۵۰ سنگر اجتماعی و انفرادی دشمن را منهدم نمایند.

برادران جان برکف سپاه پاسداران در جبههٔ میمک نیز با آرپی‌جی۷ و آتش سلاح‌های سنگین و سبک مواضع دشمن را زیر آتش شدید و مؤثر خود قرار دادند که در نتیجه ۳۰ تن از مزدوران کشته و یا زخمی شدند و ۱۱ سنگر اجتماعی و انفرادی و ۲ سنگر دیده‌بانی آنان منهدم شد.

صبح امروز ۱ گروه از نیروهای عراقی که قصد نفوذ به مواضع ما را در جبههٔ مهران داشتند، طی یک درگیری شدید با رزمندگان پس از تحمل تلفات و ضایعات و دادن تعدادی اسیر مجبور به فرارشدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز ایلام:

پس از دفع این حملهٔ مذبوحانهٔ دشمن، در جبههٔ مهران، چندین‌بار هواپیماهای مهاجم رژیم بعثی صهیونیستی عراق به قصد بمباران مواضع سپاهیان اسلام در **مناطق میمک و مهران** ظاهر شدند که قبل از هر گونه اقدامی با آتش شدید و هماهنگ یگان‌های پدافند هوایی متواری گردیدند.[1]

باختران، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در یک عملیات نفوذی- تهاجمی رزمندگان اسلام، ۳۵۰ مزدور بعثی کشته و زخمی شدند و ۸ تانک دشمن منهدم و ۴ تانک دیگر به غنیمت گرفته شد.

این در حالی است که تا کنون در **عملیات مسلم‌بن عقیل** بیش از ۵۰ تانک و نفربر مزدوران بعثی منهدم شده است.

گزارش خبرنگار ما به نقل از**معاون فرماندهٔ لشگر ظفر، برادر حبیبیان** حاکی است:

- پریشب رزمندگان اسلام طی یک عملیات نفوذی- تهاجمی از طرف رزمندگان اسلام در یکی از جبهه‌های سومار موفق شدند ضربهٔ شدیدی بر پیکر ارتش رو به زوال صدام وارد آورند.

در این عملیات که ساعت ۳/۳۰ دقیقهٔ پریشب انجام شد، **جانبازان اسلام متشکل از سپاه پاسداران، ارتش جمهوری اسلامی و برادران بسیج** موفق شدند ۲۰۰ مزدور عراقی را به هلاکت برسانند و بیش از ۱۵۰ نفر را مجروح کنند و همچنین خسارات قابل ملاحظه‌ای به تجهیزات مزدوران صدامی وارد کنند.

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۵

در این عملیات بیش از ۸ تانک و نفربر مزدوران بعثی به آتش کشیده شد و ۴ تانک دیگر سالم به غنیمت گرفته شد.

برادر حبیبیان همچنین اعلام داشت:

- ارتش مزدور عراق که قبل از عملیات نفوذی قصد پاتک داشت، ولی با تلفات سنگین مجبور به عقب‌نشینی شد.

وی افزود:

- در این عملیات رزمندگان ما موفق شدند تعداد زیادی از مزدوران بعثی را به اسارت گرفته و تعدادی خمپاره‌انداز توپ ۲۲ میلیمتری و همچنین ۵ قبضه تفنگ کالیبر ۷۵ را به غنیمت بگیرند.

برادر حبیبیان افزود:

- در عملیات مسلم‌بن عقیل مجموعاً رزمندگان اسلام موفق شدند که بیش از ۵۰ تانک و نفربر و تی۷۲ مزدوران بعثی را منهدم کنند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۸ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام ۲ تیپ و ۲ قرارگاه فرماندهی عراق توسط خلبانان ایران**

امضا:

قرارگاه نجف، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

تیزپروازان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران دیروز در یک عملیات موفقیت‌آمیز در داخل خاک عـراق ضمن بمبـاران مواضع دشمن در منطقـهٔ دوشیخ و شمال شهر مندلی، ۲ قرارگاه فرماندهی۲ تیپ ارتش مزدور صدام را به همراه مقادیر قابل ملاحظه‌ای مهمات و تجمعات نیروهای آنان را منهدم ساختند.

دشمن زبون پریشب در منطقه میان‌تنک اقدام به یک پاتک کرد که با مقاومت سرسختانهٔ دلاوران اسلام مواجه شد و با به جای گذاشتن تلفات و خسارات قابل ملاحظه‌ای عقب‌نشینی نمود. در جریان این پاتک۲ تن از سربازان ارتش فریب‌خوردهٔ صدام به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

بر پایهٔ همین گزارش در منطقهٔ سانواپا دلاوران اسلام ۳ دستگاه تانک دشمن را منهدم کرده و ۱تانک آنها را نیز سالم به غنیمت گرفتند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۳۹ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **متلاشی‌شدن ۱ ستون ارتش عراق توسط انقلابیون**

امضا:

سنندج:

انقلابیون عراق با شلیک آرپی‌جی ۷ بر روی مرکز استخبارات نالپاریز عراق ۳ مزدور بعثی را کشته و تعدادی را زخمی کردند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از یک منبع موثق روز سه‌شنبه نیز انقلابیون عراقی با پرتاب ۱ نارنجک به داخل اتومبیل پلیس شهر سلیمانیه ۱ سرگرد عراقی و ۳ سرباز را به هلاکت رساندند.

این گزارش حاکیست:

همچنین طی یک درگیری بین انقلابیون عراق و سربازان صدام در ۳۰ کیلومتری شهر قره‌داغ در کوه کانی‌میران عراق ۱ ستون از ارتش بعث توسط انقلابیون متلاشی شد.

بنا به همین گزارش انقلابیون عراقی با نصب مین در محل عبور مزدوران بعثی در جادهٔ بندرخان عراق ۱ خودرو ارتش بعث را منهدم و ۲ نفر از مزدوران صدام را به هلاکت رساندند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۰ تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام ۱ مقر گروهک دمکرات**

امضا:

سنندج:

بر اثر توپخانهٔ سلحشوران اسلام بر روی ارتفاعات شانه‌دری عراق ۱ سـرباز بعثی کشته و چند تن دیگر زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهـوری اسلامی همچنین روز سه‌شنبه رزمندگان اسلام با آتش بر روی منطقهٔ چهارباغ عراق ضمن انهدام ۱ مقر گروهک آمریکایی دمکرات ۱ نفر از اعضای این گروهک را کشته و عدهٔ زیادی را مجروح کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۱ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی ۱ سرباز انقلابی و وضعیت داخل عراق**

امضا:

ارومیه:

۱ سرباز عراقی که از خفقان حاکم بر ارتش رژیم مزدور بعثی به تنگ آمده بود، پس از اعدام افسر فرماندهٔ خود از طریق یکی از مرزهای غربی کشور وارد استان آذربایجان غربی شد و تقاضای پناهندگی کرد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی «**مرتضی طاهر عبدالحسین**» جمعی‌گردان ۲ تیپ ۵ لشگر ۸ عراق که پس از کشتن فرماندهٔ خود ستوان یکم «**اکبر موسی لوی**» به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شده است، در گفتگویی اعلام کرد:

در حال حاضر حدود ۵۰۰۰ تن از مجاهدین مسلمان عراق در شهر «**بصره**» در زندان صدام به سر می‌برند.

وی افزود:

– **رژیم مزدور صدام به علت وحشت زیادی که از تظاهرات مردم مسلمان دارد، پس از دستگیری، افراد را یابه زندان و یا به مناطق شمالی کشور تبعید می‌کند.**

وی با اشاره به فرار افراد ارتش از جبهه‌های عراق افزود:

– در حال حاضر امنیت شهرهای تکریت، سامرا و بصره به عهدهٔ سربازان رژیم‌های فاسد اردن و مصر است و مردم شهرهای مرزی عراق در انتظار ورود رزمندگان اسلام هستند.[۱]

۱– روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۲ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تقاضای امان‌نامه**

امضا:

سنندج:

روز سه‌شنبه ۲ تن دیگر از اعضای گروهک وابستهٔ کومله خود را به همراه ۲ قبضه اسلحهٔ ژ۳ و کلاشینکف به سپاه پاسداران مریوان معرفی و تقاضای امان‌نامه کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: **۴۳** تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **محکومیت ۱۲ تن از اعضای منافقین به حبس در ساری**

امضا:

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به حکم دادگاه انقلاب اسلامی ساری ۱۲ تن از اعضا و هواداران گروهک آمریکایی منافقین به جرم توطئه و اقدام نظامی علیه نظام جمهوری اسلامی از ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم گردیدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۴ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پشتیبانی عشایر غیور فسا از اعدام انقلابی خسرو قشقایی**

امضا:

فسا، خبرنگار جمهوری اسلامی:

دیروز گروه کثیری از عشایر غیور شهرستان فسا در حالی‌که مسلحانه در این شهر به راه‌پیمایی پرداختند، پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و اعدام انقلابی خسرو قشقایی اعلام نمودند.

در ضمن این عشایر تعداد ۷۰۰ رأس گوسفند که برای جبهه هدیه کرده بودند نیز به همراه خود آورده بودند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۵ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازدید فرماندهٔ سپاه پاسداران از استان‌های فارس و بوشهر**

امضا:

بوشهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حجت‌الاسلام سالک سرپرست واحد بسیج، به همراه هیأتی از **مسئولین ستاد مرکزی سپاه پاسداران**، پس از بازدید از استان فارس، صبح روز سه‌شنبه وارد بوشهر شدند و در فرودگاه این شهر مورد استقبال **استاندار بوشهر، فرماندهٔ سپاه پاسداران منطقهٔ ۹، جانشین فرماندهٔ سپاه پاسداران بوشهر** و جمعی از روحانیون و مسئولین محلی قرار گرفتند.

برادر رضائی هدف از سفر به استان بوشهر را آشنایی با مسائل و مشکلات برادران سپاهی، بسیجی و مردم بوشهر که سهم عمده‌ای در انقلاب و جنگ تحمیلی داشته‌اند، ذکر کرد.

بنا به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی، برادر سالک در مراسم صبحگاه مشترک لشگریان اسلام در پایگاه دریایی بوشهر شرکت نمود و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و مراسم دعا و نیایش، سخنانی ایراد کرد.

برادر محسن رضائی پس از ورود به بوشهر به اتفاق همراهان به جزیرهٔ خارک عزیمت کرد و مورد استقبال **امام جمعهٔ موقت، مسئولین سپاه و فرماندهان پایگاه‌های هوایی و دریایی جزیرهٔ خارک** قرار گرفت.

بنا به گزارش رسیده [فرماندهٔ سپاه]پس از ورود به جزیرهٔ خارک با **امام جمعهٔ موقت جزیرهٔ خارک** دیدار کرد و سپس به اتفاق همراهان از تأسیسات نفتی و اسکلهٔ بارگیری نفت جزیرهٔ خارک بازدید کرد و بعد از ظهر سه‌شنبه این جزیره را ترک کرد.

همچنین بنا به گزارش واحد مرکزی خبر، برادر رضائی و هیأت همراه در ادامهٔ سفر خود، بامداد دیروز وارد کازرون شد و با **مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج سپاه کازرون، فرماندار و دیگر مسئولین نهادها** دیدار نمود.

برادر رضائی در جمع برادران بسیجی در پادگان شهید آیت‌الله دستغیب کازرون پیرامون **پیروزی‌های اخیر رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل** به سخنرانی پرداخت.

پس از این مراسم برادر رضائی به اتفاق **حجت‌الاسلام ایمانی امام جمعهٔ کازرون** بر مزار شهدا در بهشت زهرای این شهرستان حضور یافته و یاد شهدای این شهرستان را گرامی داشتند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: **۴۶** تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مراسم عید غدیر در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز**

امضا:

به گزارش رسیده به مناسبت عید سعید غدیر خم از سوی **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز** مراسمی در محل عملیات سپاه و با شرکت خانوادهٔ شهدا و جانبازان و خانوادهٔ اسرای ایرانی در عراق ترتیب یافت.

در این مراسم پس از اجرای قطعه سرودی، فیلمی نیز به معرض نمایش گذاشته شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: **۴۷** تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **فعالیت‌های پشت جبهه در مشهد**

امضا:

مشهد، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

در ادامهٔ فعالیت‌های پشت جبهه و راه‌اندازی اتومبیل‌های لشگر ۷۷ پیروز خراسان در جبهه‌های جنگ کار تعمیر اساسی و راه‌اندازی ۱۲ دستگاه دیگر از اتومبیل‌های مذکور به وسیلهٔ **انجمن اسلامی اتحادیهٔ صنف خدمات موتوری مشهد در واحد تعمیر و نگهداری لشگر ۷۷ پیروز خراسان و با همکاری پرسنل فنی این لشگر** انجام شد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکیست:

تا کنون بیش از ۷۰ دستگاه اتومبیل‌های ازکارافتادهٔ لشگر ۷۷ پیروز خراسان به وسیلهٔ انجمن اسلامی اتحادیهٔ صنف خدمات موتوری تعمیر و راه‌اندازی شده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۸ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های امت حزب‌الله به رزمندگان اسلام**

امضا:

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به دنبال کمک‌های بی‌دریغ امت حزب‌الله به رزمندگان اسلام از سوی کارکنان ادارهٔ کل ثبت احوال مازندران مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال، انجمن اسلامی هولا مبلغ ۲۸۵۰ ریال، انجمن اسلامی لامرد مبلغ ۵۱۵۰۰ ریال، اهالی قریهٔ لله مرز مبلغ ۱۷۸۵۰ ریال، اهالی قریهٔ امره مبلغ ۵۱۲۰۰ ریال، اهالی قریهٔ برگه مبلغ ۲۷۳۵۰ ریال، انجمن اسلامی قریهٔ ولوجا مبلغ ۳۵۰۰ریال، دانش‌آموزان مدرسهٔ شهید توفیقی مبلغ ۱۲۲۵۰ ریال، شورای اسلامی کوی مازیار مبلغ ۹۰۰۰ ریال و نمازگزاران حزب‌الله ساری مبلغ ۶۱۹۰۰ ریال جهت رزمندگان اختصاص یافت.

باختران:

به گزارش واحد مرکزی خبر باختران همزمان با پیروزی‌های غرورآفرین سپاهیان اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، ارسال کمک‌های نقدی و جنسی امت مقاوم و ایثارگر ایران جهت یاری رساندن به رزمندگان اسلام و بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیدهٔ جنگی کماکان ادامه دارد.

در این رابطه اهالی روستاهای ده مرادخان، درویشان،کلید دره سراب و بیدسرخ و حمام

دره، ۵۰۰ کیلو نان و ۴۷۰۰ ریال وجه نقد، روستاهای درکه، عین القاس، سرآسیاب، سیاه‌چقا، علی‌آباد گروس، چم سرخ، گروس سفلی و علا، ۵۰۰ کیلو نان و ۶۷۰۰ ریال وجه نقد، روستاهای الهیه، شاه‌سوند، هاشم‌آباد، دهلق، سردهلق، کریم‌آباد، کرگان، کنگرشاه‌علیا و سفلی و برناج جمعاً ۲۴۰۰ کیلو نان، بسیج مستضعفین بخش صحنه ۱۸ هزار ریال وجه نقد و ۵ جلد قرآن مجید، اهالی روستاهای چمچمال علیا و سفلی، خدابنده‌لو و دینور از توابع بخش صحنه مقدار ۲۵ تن نان و ۳۰ هزار ریال وجه نقد به امر کمک‌رسانی اختصاص یافت.

کازرون، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی مردم مسلمان کازرون و روستاهای تابعه مبلغ ۱۸۸۵۲۲ ریال وجه نقد و ۲ جفت گوشوارهٔ طلا، ۱ عدد انگشتر طلا و ۱۴ رأس گوسفند جمع‌آوری و تحویل کمیتهٔ امداد امام خمینی این شهر گردید تا به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ارسال گردد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۴۹ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور**

امضا:

چابکسر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

تشییع پیکر پاک معلم شهید شاهرخ بالواسه مؤسس انجمن اسلامی محلهٔ اوشیان از توابع چابکسر که در مصاف با بعثیون کافر در جبههٔ سومار به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بود در حالی‌که باران شدیدی می‌بارید، با شکوه فراوان از مقابل بیمارستان دکتر شریعتی رامسر تشییع و به زادگاهش اوشیان انتقال داده و به خاک سپرده شد.

در این مراسم **حجت‌الاسلام فلاحی امام جمعهٔ موقت شهرستان تنکابن** که همراه تشییع کنندگان بود، طی سخنانی در ارتباط با مسألهٔ **شهادت از دیدگاه اسلام** مردم را تشویق کرد که برای حضور در جبهه‌های نبردحق علیه باطل شرکت فعالانه داشته باشند.

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

دیروز پیکر پاک و مطهر ۱۶ تن از بهترین فرزندان اسلام که در نبرد اخیر با کفر صدامی به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بودند، از مسجد جامع با تشریفات نظامی و با حضور قاطع امت شهیدپرور کرج تا میدان شهدا تشییع و سپس امام جمعهٔ کرج بر پیکر این گلگون‌کفنان نماز خوانده و پیکر پاک ۴ تن از عزیزان به گلزار شهدا و بقیه به امامزاده گل‌محمد انتقال و به خاک سپرده شدند.

فسا، خبرنگار جمهوری اسلامی:

دیروز مردم شهیدپرور شهرستان فسا شاهد تشییع جنازهٔ ۲ تن از بهترین عزیزان خود بودند مردم شهیدپرور این شهرستان ضمن تجمع در جلو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فسا پیکرهای برادران مختار مهماندوست و سیداسدالله بردبار که ۵ ماه پیش به دست مزدوران رژیم عراق به شهادت رسیده بودند تا قطعهٔ شهدای این شهرستان تشییع کرده و به خاک سپردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۰ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسم رب الشهداء والصدیقین

اکنون اسلام به این شهیدان و شهیدپروران افتخار می‌کند.

(امام خمینی)

بار دیگر شهیدی شاهد از تبار سپاه جندالله و از امت حزب‌الله به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین زمان امام خمینی عزیز لبیک گفت و با نثار جان عزیزش درخت پربار اسلام را آبیاری کرد.

بدین‌وسیله شهادت پرافتخار **سرباز رشید حزب‌الله حسین سلمانی قهرودی** که در نبرد حق علیه باطل در جبههٔ غرب کشور به لقاءالله پیوست، به پیشگاه مقدس حضرت ولی‌عصر(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و به حضور امت شهیدپرور قهرود و حزب‌الله تبریک و تسلیت عرض می‌نماییم.

به همین مناسبت مراسم شب هفت شهید روز جمعه(فردا) از ساعت ۸ الی ۱۰ صبح در مسجد سیدنصیرالدین واقع در خیابان خیام منعقد می‌باشد.

ضمناً وسیلهٔ ایاب و ذهاب از ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه در مقابل سیدنصیرالدین و نیز مقابل منزل پدر شهید واقع در خیابان کمال وجودی (آهنگ)، خیابان خلیلی، جنب شعبه

نفت آمادهٔ حرکت به بهشت زهرا خواهد بود.

حضور شما برادران و خواهران همیشه در صحنهٔ حزب‌الله تسلی‌بخش دل بازماندگان و شادی روح آن شهید می‌باشد.

از طرف خانواده‌های شهید

شهید قلب تاریخ است

شهادت پرافتخار و غرورآفرین رزمندهٔ کبیر و جهادگر نستوه برادر **مهندس حسین ناجیان** این **زاهد شب‌های عطرآگین جبهه‌های نبرد و عضو پرتلاش و مسئول ستاد پشتیبانی جهاد سازندگی منطقهٔ جنوب کشور** که هماره پرپوینده بود و کادح و عاقبت نیز در عملیات پیروزمندانهٔ مسلم‌بن عقیل در غرب کشور به لقای پروردگارش نایل آمد، بر امام عصر(عج) و امام خمینی و تمامی امت قهرمان ایران مبارک باد.

هان که قلم از اوصاف خدمات ارزندهٔ ۳ سالهٔ او چه در رابطه با جهاد اهواز و چه از ابتدای جنگ تا زمان شهادت عاجز است که به خاطر شهادت، رنج‌ها کشید. چه «مزد جهاد، شهادت است» و این است معنای جملهٔ شهید مظلوم بهشتی که:

«بهشت را به بها دهند، نه به بهانه»

خداوندا: روح پرفتوح متعالی‌اش را قرین رحمت فرما

کارکنان انجمن اسلامی هیأت عامل ریسندگی و بافندگی ری

همدان:

پیش از ظهر دیروز به مناسبت عید غدیر خم و تجلیل از شهدای اخیر همدان مجلس با شکوهی در مسجد جامع همدان برگزار شد و طی آن از مقام والای شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ایران تجلیل به عمل آمد.

بر اساس همین گزارش در این مراسم که جمعی از روحانیون و مقامات محلی استان و عدهٔ کثیری از مردم مسلمان و متعهد و همیشه در صحنهٔ همدان حضور داشتند، پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت مدحی در مورد این عید سعید حاضرین در مراسم به سینه‌زنی و نوحه‌خوانی پرداختند و آنگاه **حجت‌الاسلام عندلیب‌زاده یکی از روحانیون همدان** طی سخنانی ضمن **تجلیل ازخاطرهٔ شهدای گران‌قدر اسلام و تقدیر از جان‌فشانی‌های رزمندگان**

پرتوان و سلحشورمان در جبهه‌های پیروزی‌آفرین کشور اسلامی‌مان، از مردم شهیدپرور همدان خواست که در این روز بزرگ **با برادران اهل تسنن صیغهٔ اخوت** بخوانند و با هم **دست برادری** بدهند و **نسبت به یکدیگر محبت** داشته باشند.

این گزارش همچنین حاکی از آن است که این مراسم با شعار:

جنگ جنگ تا پیروزی

و

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

خاتمه یافت.

بسم رب الشهدا و الصدیقین

جوانان ما مرد شهادت و شهامت هستند

(امام خمینی)

برای گرامیداشت **اربعین شهادت برادر ناصر کاظمی فرماندهٔ دلاور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان** سمبل مقاومت و ایثار گرد هم جمع می‌آییم تا هم‌پیمان شویم که تداوم بخش راه پویایش باشیم.

زمان: ۵-۳ بعد از ظهر ۶۱/۷/۱۵

مکان: مدرسهٔ عالی شهید مطهری

سخنران: حجت‌الاسلام ناطق نوری وزیر محترم کشور

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۱ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **وصیت‌نامه**

موضوع: **توصیه‌های ۱ شهید**

امضا: **شهید محمدعلی ملاکبیری**

وصیت‌نامهٔ شهید محمدعلی ملاکبیری از حاشیهٔ کویر(نائین)

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[۱]

(کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید؛

بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند.)

با سلام و درود فراوان به سالار شهیدان حسین‌بن علی(ع) و با سلام و درود بر مهدی موعود منجی عالم بشریت و نایب برحقش فرماندهٔ کل قوا خمینی روح خدا و با سلام گرم به رزمندگان اسلام که با عزمی راسخ و استوار در گرمای کربلای جنوب و غرب کشورمان در برابر صدامیان چون سدی آهنین ایستاده و با سرکوب دشمن، دلاورانه به پیش می‌تازند و با سلام به امت قهرمان و شهیدپرور ایران اسلامی و به ویژه منطقهٔ شهیدپرور.

از این که والدینم از برای بزرگ کردن من زحمات زیادی را تحمل کرده و مرا به این روز رسانیده‌اند و نتوانستم حقوقی را که بر گردن من دارند، ادا نمایم، معذرت می‌خواهم. امیدوارم که مرا حلال نمایند.

از شما مادر و خواهر و برادر عزیز مصرانه می‌خواهم که به رهبر کبیر انقلاب اسلامی یعنی

---

۱ – سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

امام خمینی دعا نمایید و از خداوند بخواهید که بر طول عمرشان بیفزاید و وظیفهٔ شرعی من هم این بود که به ندای پیامبرگونهٔ او لبیک گفته و به یاری حسین زمان بشتابم.

مادرم!

پس از شهادت فرزندت هیچ اندوهگین مباش و گریه نکن که باعث شادی دشمنان به ویژه منافقین می‌گردد و **این راهی است که فرزندت با چشم و گوش باز انتخاب کرده است** و امید است که بتوانی برای دیگران درس شهامت و شجاعت و شهادت بیاموزی و امید است که خواهرم تو نیز بتوانی پیام خون برادرت به ویژه شهدای کربلای ایران را زینب‌وار به نسل آینده و دیگر خواهران برسانی و **تو ای برادر عزیز اسلحهٔ به خون آغشتهٔ مرا بردار و کلاهی آهنین بر سر گذار و با قمقمه‌ای پر از آب و خشابی پر بر قلب منافقین و کفار حمله‌ور شو و هجوم ببر و تا نابودی آنان از پا منشین.**

در پایان از امت همیشه در صحنه می‌خواهم که همواره در یاری امام امت و اسلام و مسلمین بوده و لحظه‌ای از یاد خدا غافل نباشید که عذاب خداوند مافوق عذاب‌هاست.

والسلام علی من تبع الهدی[1]

بندهٔ حقیر خدا محمدعلی ملاکبیری

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای[2]

۱- سورهٔ طه، آیهٔ ۴۷ - وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (و درود باد بر هر کس که از هدایت پیروی کند.)

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۲ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **زندگی‌نامه**

موضوع: **آشنایی با زندگی و فعالیت‌های شهید ناصر کاظمی**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

به یاد اربعین شهادت ناصر کاظمی

فرماندهٔ سپاه پاسداران کردستان

زندگی‌نامهٔ شهید کاظمی

به مناسبت چهلمین روز شهادت فرزند دلاور اسلام و **فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان، شهید ناصر کاظمی** (۶۱/۷/۱۵) و به پاس خدمات بی‌دریغ و ارزندهٔ این فرزند راستین میهن اسلامی‌که خالصانه و ایثارگرانه در راه خدمت به اسلام و محرومین جامعه در حین پاک‌سازی یکی از روستاهای پیرانشهر لباس سرخ شهادت را که زیبندهٔ تنش بود، به تن کرد و به دیدار معشوق شتافت؛ نسبت به درج زندگی‌نامه و وصیت‌نامهٔ این شهید گرانقدر اقدام شده است:

بسمه تعالی

شناخت زندگی و رفتار شهیدان به خون خفته در راه خدا در منطقهٔ کردستان به خصوص شهید ناصر کاظمی ما را در هر چه بهتر شناختن راه شهیدان کمک خواهد کرد، تا موفق به ادامهٔ راهشان شویم و مسئولیت خون شهیدان را که هر روز زیادتر می‌شود، با کیفیت بهتری انجام دهیم.

دست جنایتکار آمریکا که از آستین گروهک‌های آمریکایی در کردستان بیرون آمده هر روز جوانان پاکی را از این انقلاب می‌گیرد و به خاک و خون می‌کشد.

برادر پاسدار و فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان

ناصر کاظمی گلی دیگر از ثمره‌های انقلاب بود که به دست وابستگان امپریالیسم شرق و غرب لباس سرخ شهادت را به تن کرد.

ناصر در روز ۱۲ خرداد ۱۳۳۵ در خانواده‌ای متوسط در تهران متولد شد. دورهٔ طفولیت و دورهٔ ابتدایی را مانند سایر کودکان محل گذراند. در زمانی که دوران متوسطه را می‌گذرانید شور و شوق عجیبی به اسلام و جامعهٔ اسلامی پیدا کرد. وی پس از راهیابی به دانشکدهٔ تربیت بدنی با توجه به نیازی که در جامعه حس می‌کرد، فقط به درس خواندن اکتفا نکرد و در حین دانشجویی شغل شریف معلمی را برگزید. از آن‌جا که علاقهٔ شدیدی به افراد محروم اجتماع داشت و از این بابت رنج بسیاری می‌کشید، فعالیت خود را متوجه مناطق جنوب شهر کرد و در اکثر مدارس جنوب شهر تهران به تدریس پرداخت. او به این کار مهم بسنده نکرد. با درآمد ناچیزی که داشت، برای شاگردانش کتاب تهیه می‌کرد و آنها را در بحث‌های مذهبی تشویق می‌نمود. در سال ۱۳۵۶ به هنگام تظاهرات مردم به ماهیت آمریکایی رژیم پی برده و روح اسلامی او و آگاه بودن از اجتماعش او را در ردیف جوانان فعال انقلاب قرار داد.

فعالیت‌های سیاسی وی منجر به دستگیر شدنش در دانشکده شد و مدتی را در زندان گذراند؛ که بر اثر اوج‌گیری تظاهرات ملت قهرمان ایران و فشار به دولت غاصب و جنایتکار وقت، به همراه عده‌ای دیگر از زندانیان آزاد شد.

پس از آزادی از زندان از پای ننشست و به راه خود ادامه داد و در راه‌پیمایی‌های پرشور امت قهرمان و مسلمان ایران تا آن‌جا که می‌توانست شرکت می‌کرد؛ تا این‌که انقلاب اسلامی ایران بر اثر فرمان امام و حرکت مسلحانهٔ مردم و حمله به مراکز نظامی در روز ۲۲ بهمن به پیروزی رسید و حکومت طاغوتی سرنگون شد و هدف شهیدانی که در این راه جان باخته بودند، تحقق یافت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر حسب وظیفهٔ شرعی و اجتماعی و حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی در خرداد ۱۳۵۸ به عضویت این نهاد انقلابی [سپاه] درآمد.

نخست در شهر زابل مشغول خدمت شد. از این‌که در آن منطقه فقر و محرومیت زیاد بود و تمام مردم از نظر اقتصادی وضعشان یکی نیست، همیشه نگران و ناراحت بود و همیشه

در حال تلاش و کوشش به سر می‌برد. از طرف دیگر از ثروتمندانی که فقط به فکر خوردن و خوابیدن خودشان بودند، نفرت زیادی داشت و **همیشه متذکر می‌شد که باید برای مردم محروم کاری شود و بیشتر باید به آنها رسیدگی شود.**

با اوج‌گیری توطئه‌های آمریکا در مناطق مختلف کشورمان برای درهم شکستن توطئهٔ تجزیهٔ خوزستان تحت عنوان خلق عرب و سرکوب نمودن عوامل استکبار جهانی به خرمشهر اعزام شد. پس از تلاش و کوشش بسیار در این شهر خون و شهادت فعالیت خود را متوجه شهر پاوه کرد و برای ریشه‌کن کردن ضدانقلاب لازم دید فعالیت خود را در کردستان ادامه دهد. با توجه به تجربیات و نتایجی که از فعالیت‌های خود داشت، **مسئولیت فرمانداری شهر پاوه** را قبول کرد و فعالیت خود را آغاز نمود.

برای او شهر زابل یا خرمشهر و یا پاوه مطرح نبود. **برای او اسلام و خدمت به اسلام و انجام دادن مسئولیت سنگینی که بر دوشش احساس می‌کرد، مطرح بود.**

در آن موقع که اهالی پاوه هیچ‌گونه امنیتی نداشتند، وی برای برگردانیدن امنیت به منطقه زحمات زیادی متحمل شد و مدت ۱ سال و نیم در آن‌جا به فعالیت مشغول بود و در تمام عملیات‌هایی که برای پاک‌سازی انجام می‌گرفت، به طور فعال شرکت می‌کرد به طوری که در یکی از آن عملیات مجروح شد و ۲ ماه در بیمارستان بستری بود.

در مدت بیماری در بیمارستان همیشه به فکر امنیت شهر پاوه بود و می‌خواست که هرچه زودتر بهبودی پیدا کند وکار خود را ادامه دهد.

ناصر پس از بهبودی فعالیت خود را دنبال کرد، که **بر اثر فعالیت ایشان و سربازان و پاسداران فداکار امنیت دوبارهٔ شهر پاوه و اطرافش به دست آمد.** همچنین به همت این شهید بزرگ و سایر رزمندگان اسلام، مناطق [کردستان] به عنایت خداوند متعال از لوث کافران و مزدوران شرق و غرب پاک شد.

شهید ناصر کاظمی پس از مدتی از پاوه به سنندج اعزام شد. با تجربیاتی که به دست آورده بود، **مسئولیت فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان** را پذیرفت.

در این سمت فعالیت‌های زیادی در تمام مناطق حساس و استراتژیک مانند جادهٔ بانه، سردشت، کامیاران، مریوان، تکاب، صائین‌دژ و آزادسازی بوکان و سد بوکان و عملیات‌های دیگر از آن جمله است.

شهید ناصر کاظمی هر روز را فعال‌تر از روز پیش آغاز می‌کرد و در جهت دستیابی به لیاقت برخوردار شدن از فیض شهادت خالصانه‌تر با مسائل برخورد می‌نمود. تا این‌که سرانجام روز

شنبه ۷ شهریور ۶۱ در حین پاک‌سازی یکی از روستاهای پیرانشهر به آرزوی دیرینهٔ خود دست یافت و شاهد شهادت را در آغوش کشید و در شوق دیدار معشوق به سوی او پرگشود.

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولٰئِکَ الْمُقَرَّبُونَ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ[۱]

(آنان که در ایمان بر همه پیشی گرفتند،

آنان به حقیقت مقربان درگاهند،

آنان در بهشت در نعمت جاودانی به ناز و نعمت به سر می‌برند.)

یادش گرامی و راه سرخش پررهرو باد.

وصیت‌نامهٔ شهید کاظمی

بسم رب الشهدا والصدیقین

متن وصیت‌نامهٔ فرماندهٔ دلاور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان

شهید ناصر کاظمی

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[۲]

در مکتب اسلام هر مسلمان موظف است وصیت‌نامه‌ای از خود برجای گذارد. البته تا این‌جا که یادم است تا کنون چندین وصیت‌نامه نوشتم که متأسفانه به علت این‌که سعادت شهادت نداشتم، آنها قدیمی شده است و این وصیت‌نامهٔ جدیدم است. البته اینجانب معتقدم که هر که کاری کرد و هر نوشته‌ای که جمع‌آوری کرده باشد با خود به آن دنیا خواهد برد و آن پروردگار یکتا است که باید قضاوت نماید.

شاید بیش از ۲ سال است که آمادگی شهادت را به نظر خودم دارا می‌باشم، ولی نظر خودم اصلاً شرط نیست، نظر خداوند تبارک و تعالی شرط است.

وصایایم را به ترتیب ذیل ذکر می‌نمایم. امید است که تمام دوستان مؤمن و معتقد در آخرت شفاعت ما را بنمایند:

۱- تنها مکتب رهایی‌بخش مستضعفین از دست مستکبرین مکتب انقلابی اسلام می‌باشد.

۲- برای این‌که در این دنیای زودگذر گرفتار انحراف نفس نشوید، **همیشه به یاد خدا باشید.**

۳- جهت ادامهٔ انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و متصل‌شدن به انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) **همیشه سراپا گوش به فرمان امام و یاران صدیق و مؤمن امام که عملاً در خدمت انقلاب و**

۱- سورهٔ واقعه، آیات ۱۰ تا ۱۳

۲ - سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

اسلام عزیز بوده‌اند، باشید.

۴- ماهی یک‌بار به قبرستان شهدا بروید و درس مبارزه و ایثار و گذشتن از دنیا و پیوستن به شهدای صدر اسلام را فرا گیرید.

۵- **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تا حد امکان از نظر عقیدتی و سیاسی و نظامی تقویت نمایید** و به خصوص سپاه را در یک سازماندهی واحد و طی یک ضوابط واحد در سراسر مملکت اسلامی بسط و گسترش دهید.

۶- **از این‌که کاری اشتباه انجام داده‌اید، از گفتن آن ابا نداشته باشید.**

۷- سیاست‌مداران همیشه باید از افرادی مخلص و صادق و باتقوا باشند تا بتوانند سیاست مکتب اسلام را پیاده نمایند.

۸- **سعی را بر جذب نیروهای جوانان بگذارید نه دفع آنان.**

۹- **سعی کنید تحمل عقیدهٔ مخالف را داشته باشید؛** مانند شهید مظلوم آیت‌الله دکتر محمد حسین بهشتی.

۱۰- **از اختلافات داخلی به خاطر رضای خدا و خون شهدای انقلاب اسلامی بپرهیزید.**

۱۱- سعی شودکه **قانون اسلام در مورد همه به طور یکسان اجرا شود** و **فرقی بین یک فرد عادی و سپاهی و روحانی و دولتمرد نباشد** و امید است که مسألهٔ زمین به نفع مستضعفین در حکومت اسلامی حل شود و دنیا ما را در این مورد الگو قرار دهد.

۱۲- اگر کسی مسئول شد، موظف است که بر کار زیردستان خود تا حد امکان و توان نظارت نماید وگرنه باید از آن مسئولیت کنار رود.

۱۳- سعی شود که در ۳ وزارتخانهٔ آموزش و پرورش، وزارت کشور و وزارت امور خارجه بهترین و مکتبی‌ترین افراد وارد شوند و اگر چنان‌چه در این ۳وزارتخانه مسامحه شود، مسئولین در پیشگاه خدا و امت مسئول خواهند بود.

۱۴- **زندان جمهوری اسلامی باید دانشگاه باشد** و سعی شود اصلاً ساختمان‌هایی‌که جدیداً جهت احداث زندان ساخته می‌شود، با معیار کاملاً اسلامی باشد و **بهترین و مکتبی‌ترین افراد بازجو و زندانیان باشند.**

۱۵- برای موفقیت در کردستان باید صفوف ضدانقلاب از مردم جدا شود و با ضدانقلاب با قاطعیت و با مردم محروم و مستضعف کرد با مهربانی هر چه تمام‌تر رفتار شود.

۱۶- **از تهمت‌زدن بدون علم و آگاهی به دیگران شدیداً پرهیز کنیم.**

۱۷- اگر چنان‌چه جنازه‌ام پیدا شد، در بهشت زهرا خاک نمایید.

۱۸- تمام اموالم را به بی‌بضاعت‌های واقعی طی تشخیص همسرم و خواهرم و برادرم تقسیم شود.

در پایان این نکاتی را که تذکر دادم هر کسی در رابطه با مسئولیتش جهت رضای خدا اگر درست است، اجرا نماید وگرنه اجرا ننماید.

در آخر خودم به این نتیجه رسیده‌ام که **تمام اعضای خانواده‌ام کاملاً آمادهٔ شهادتند**، به خصوص همسرم و خواهرم و مادرم و برادرانم و پدرم دارا می‌باشد.

امید است که همگی مرا حلال بنمایند.

لازم به یادآوری است بنا بر گزارش رسیده، مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت ناصر کاظمی روز پنج‌شنبه ۶۱/۷/۱۵ (امروز) از ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر در مدرسهٔ عالی شهید مطهری برگزار می‌گردد.

حضور امت شهیدپرور و حزب‌الله نمایانگر ادامهٔ راه شهیدان گلگون‌کفن انقلاب اسلامی است.

راهش مستدام باد[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: **۵۳** تاریخ صدور: **۱۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **خیانت سادات به ملت‌های منطقه و حرکت انقلابی خالد اسلامبولی**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

سادات، عبرت شب‌پرستان

بسم الله الرحمن الرحیم

سحرگاه یک روز پرحادثهٔ پاییزی، نیروهای مسلح مصر و سوریه در یک یورش غافلگیرانه به نیروهای دشمن صهیونیستی، قلب نیروهای دشمن را شکافتند. سربازان با درهم شکستن مواضع دشمن با فریادهای رعدآسای خود از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. هنوز چند ساعتی از آغاز حمله نگذشته بود که **نخستین سربازان مصری از خط مستحکم دفاعی صهیونیست‌ها در صحرای سینا که توسط «ژنرال بارلو» برای جلوگیری از نفوذ مصری‌ها تعبیه شده بود، گذشتند.** شکستن دیوار دفاعی «بارلو» اگر چه با نیروی ایمان سربازان مصری و با سرعت اعجاب‌انگیزی صورت گرفت، لکن سربازان زیادی در این میان جان خود را از دست دادند و خون آنها صحرای سینا را رنگین ساخت.

سربازان مصری با شهامت تمام به پیش می‌رفتند و چون حمله در ماه رمضان صورت می‌گرفت، همین امر باعث گردیده بود که آنها با قدرت چشمگیری بتوانند ماشین جنگی دشمن صهیونیستی را از کار انداخته و با سرعت در قلب سینا پیشروی کنند.

سرعت حوادث باعث شد که **کاخ‌نشینان** غافلگیر شوند و همین امر زمینه‌ساز تلاش‌های

سیاسی و مذاکرات فشرده‌ای شد که به موجب آن **مسکو از ارسال جنگ‌افزار و مهمات به مصر و سوریه خودداری کرد و صریحاً اظهار داشت** که:

- ادامهٔ این جنگ به صلاح منطقه نیست!

سربازان در جبهه‌ها از فرمان آتش‌بس به شدت خشمگین بودند، لکن به نظر می‌رسید که سرنوشت جنگ را در جای دیگری به غیر از جبهه‌ها رقم زده باشند.

اسرائیل بلافاصله آتش‌بس را پذیرفت و در عین‌حال **واشنگتن از طریق پل هوایی به ارسال سریع جنگ‌افزار و مهمات برای رژیم صهیونیستی شدت بخشید.** زیرا **به اعتراف موشه‌دایان وزیر جنگ وقت، اسرائیل تنها برای ۳ روز دیگر مهمات داشت!**

مصر همواره به عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در خاورمیانه محسوب می‌شده است. چرا که از نظر نیروی انسانی و ظرفیت‌های دفاعی و پشتوانهٔ انقلابی در نظر کشورهای منطقه به عنوان یک کشور پیشرو، جای خاصی برای خود داشته است.

به علاوه جنگ نیمه‌تمام رمضان یک‌بار دیگر نشان داد که مصر می‌تواند تحرک عظیمی را علیه اسرائیل در سطح منطقه رهبری کند.

این سؤال که جنگ نیمه‌تمام رمضان در صورت ادامه‌اش به چه نتایجی می‌انجامید؟ پاسخی روشن و در عین حال تکان‌دهنده دارد. چرا که جنگ به مرحله‌ای رسیده بود که افکار عمومی مسلمانان منطقه، ادامهٔ آن را تا نابودی اسرائیل طلب می‌کرد و همین امر در صورت تحققش به نتایجی می‌انجامید که ساده‌ترین آن، تغییر موازنهٔ سیاسی – نظامی منطقه بود.

اسرائیل و هم‌پیمانانش سال‌ها با استفاده از شبکه‌های تبلیغات جهانی تلاش کرده بودند تا افسانهٔ شکست‌ناپذیری ماشین جنگی اسرائیل را به اعراب منطقه بقبولانند، به علاوه جنگ نیمه‌تمام رمضان دست‌کم نشان داد که بخش عظیمی از امنیت رژیم اشغالگر صهیونیستی به واسطهٔ همین تبلیغات و گزافه‌گویی‌ها تأمین شده است.

جنگ رمضان با خیانت آشکاری که کمتر کسی می‌تواند آن را انکار کند، به طور ناتمام رها شد. در این میان نبایستی **نقش آفرینی دربار سعودی و ارتباط آشکار و نهان ابرقدرت‌ها** را نادیده گرفت.

جنگی که می‌توانست حیثیت پایمال شدهٔ اعراب را اعاده کند و شرافت انسانی را به آنها بازگرداند، به بهانه‌های واهی و از جمله بیم مداخلهٔ آمریکا به نفع رژیم صهیونیستی در حالتی رها شد که اعراب می‌توانستند طعم یک پیروزی را در ذایقهٔ خود احساس کنند.

نمی‌توان باور کرد که دربار سعودی از چگونگی پیشرفت جنگ در جبهه‌ها و شکست حتمی‌الوقوع اسرائیل چندان بی‌اطلاع بوده است. لکن در عمل این‌چنین وانمود شد که جنگ

برای خاطر آن‌که از مداخلهٔ آمریکا جلوگیری شود، به پایان رسیده است!

اما حوادث بعدی نشان داد که بدین ترتیب **پایان جنگ تنها به منزلهٔ شروع مداخلهٔ گسترده‌تر کارگزاران واشنگتن در خاورمیانه بوده است.**

و بدین‌گونه بود که **رفت‌وآمدهای زنجیره‌ای مقامات آمریکایی در میان پایتخت‌های عربی** شدت یافت و مذاکرات فشرده برای **به اسارت کشاندن مصر** آغاز شد.

مذاکراتی که **نهایتاً مصر را به پایگاه عملیاتی آمریکا در منطقه مبدل ساخت.** واقعیت این است که **ملت‌های تحت ستم و به ویژه ملت‌های خاورمیانه همواره از طریق این‌گونه مذاکرات، دچار آن‌چنان سرنوشتی شده‌اند که امروزه مصر عینی‌ترین و در عین‌حال زجردهنده‌ترین نمونهٔ آن است.**

زمان به سرعت سپری شد و هنوز ۴ سال از جنگ نیمه‌تمام رمضان نگذشته بود که رژیم مصر در یک بیانیهٔ غیرمترقبه اعلام داشت که سادات حاضر است به فلسطین اشغالی سفر کرده و با مقامات صهیونیستی دیدار نماید.

عده‌ای چنین تصور می‌کنند که این زمان، در حقیقت آغاز خیانت سادات است. لکن واقعیت‌ها گواه آن است که **خیانت سادات از آن زمان آغاز شد که جنگ پیروز رمضان را به خاطر آن که مسکو حاضر نشد جنگ‌افزار و مهمات در اختیار مصر بگذارد، رها کرد و با وسوسهٔ خناس‌های دربار سعودی، ملت‌های منطقه و سربازان مصری را نومید ساخت.**

در یک کلام، پذیرش آتش‌بس در زمانی که دشمن بیش از هر چیز به آن نیاز دارد و تن دادن به **مذاکرات خفت‌باری که سرنوشت آن از پیش مشخص بود،** از **نخستین خیانت‌های آشکار سادات** محسوب می‌شود. **خیانتی که با سفر به فلسطین اشغالی علنی‌تر شد. زیرا که در این سفر، سادات به سرزمینی قدم می‌گذاشت که از خون ده‌ها هزار فلسطینی گلگون بود و کسانی را در آغوش گرفت که بر جمجمه‌های هزاران انسان بی‌گناه، به حکومت نشسته بودند.**

سفر به فلسطین اشغالی زمینه‌ساز قراردادی شد که آمریکا سادات را برای انعقاد آن به کمپ‌دیوید کشاند.

تعجب‌آور آن که سادات یعنی رئیس بزرگ‌ترین کشور عرب، در کمپ‌دیوید حتی اجازه نیافت که بدون موافقت کارتر از کمپ خارج شود تا زمانی که حاضر شود آن قرارداد اسارت‌بار را به امضا برساند.

و این‌چنین بودکه **قرارداد کمپ دیوید به مثابه سندی در جهت نابودی آرمان فلسطین و به رسمیت شناختن دشمن صهیونیستی به امضا رسید.**

سال‌ها گذشت و سادات همچنان کوله‌باری از خیانت را به دوش می‌کشید، تا آن‌که روز موعود فرا رسید.

در سالروز جنگ رمضان او آمده بود تا لشگریانی را به تماشا بایستد که آنها را از جنگ با اسرائیل بازداشته بود و در عوض برای سرکوب قیام مسلمانان از وجودشان بهره‌برداری می‌کرد و بارها اعتراف کرده بود:

– قیام مسلمانان زلزله‌ای است که مصر را خواهد لرزاند.

در لحظهٔ سرنوشت، **خالد اسلامبولی سرباز رشیدی که در جنگ رمضان شاهد به خون غلتیدن یارانش بود، ماشه را چکاند و پیکر سادات خائن را هدف قرار داد.** زیرا سادات به آرمان شهدای جنگ نیمه‌تمام رمضان خیانت نموده و با دشمن قسم‌خوردهٔ مسلمانان سازش کرده بود.

خالد اسلامبولی در یک کلام سینهٔ تمامی خائنینی را نشانه رفت که به پست‌ترین شیوه‌ها متوسل شده‌اند تا آن‌که موقعیت خود را حتی به قیمت سازش با دشمن، حفظ کنند.

اکنون ۱ سال از آن زمان که خالد اسلامبولی با فریاد رعدآسای «الله اکبر» خود سینهٔ شب‌پرستان را هدف قرار داد، می‌گذرد.

او یک‌بار دیگر نشان داد که ملت‌های مسلمان، خیانت‌های رژیم‌های حاکم را با گلوله‌های سربی پاسخ خواهند داد.

سرنوشتی که بی‌گمان در انتظار پیروان سادات نیز خواهد بود.

بی‌گمان، سادات عبرت شب‌پرستان منطقه است و اگر آنها دست از شب‌پرستی برندارند، مانند او به دست ملت خود کیفر خواهند شد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۴ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **خلع سلاح مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان**

با همکاری نیروهای مداخله‌گر چندملیتی

امضا: **رسانه‌ها و مقامات سیاسی**

با همکاری نیروهای مداخله‌گر چندملیتی:

فالانژها و ارتش لبنان به خلع سلاح مسلمانان پرداختند

به گزارش خبرگزاری‌ها از بیروت دیروز بار دیگر **فالانژها به همراهی ارتش لبنان بخش‌هایی وسیع از بخش مسلمان‌نشین بیروت را قرق کرده و همچنان به بهانهٔ جستجو برای یافتن اسلحه، سرگرم گشت و گذار هستند.** در این عملیات، **نیروهای مداخله‌گر چند ملیتی** نیز نقش فعالی به عهده دارند.

این گزارش حاکیست:

سربازان اوراق هویت مردم را کنترل می‌کنند و تا به حال ۱۴۳ نفر را دستگیر کرده و همچنان درصدد خلع سلاح مسلمانان هستند.

یک منبع ارتش لبنان ادعا کرد:

-اکثر دستگیرشدگان خارجیانی بوده‌اند که به طور غیرقانونی در لبنان زندگی می‌کرده‌اند و یا مجوزهای اقامت آنها منقضی شده بود.

لکن گزارش شهود عینی حاکیست که **هدف دستگیری‌ها، درهم شکستن تشکیلات مسلمانان** است.

روزنامهٔ النهار چاپ لبنان تعداد دستگیرشدگان را ۴ نفر اعلام کرد. اما منابع نظامی این تعداد را ۱۴۳ نفر نام برده‌اند که در اردوگاه‌های نظامی زندانی هستند.

به گفتهٔ این منبع نظامی، **سفرای فرانسه، ایتالیا و آمریکا همگی با این اقدام مشترک فالانژها و ارتش لبنان که از آن به عنوان یک اقدام امنیتی نام برده شده، موافقت کرده‌اند!** و این مطلب را با امین جمیل رئیس‌جمهوری دست‌نشاندهٔ لبنان مورد مشورت قرار داده‌اند.

فالانژها به همراه نیروهای دولتی عملیات خود را از ساعت ۶/۳۰ بامداد شروع کرده‌اند،

و خیابان‌ها را بسته‌اند،

و جستجوی خانه به خانه را در بخش جنوبی شهر آغاز نمودند،

این گزارش حاکیست:

دولت لبنان برای این اقدام خود هیچ هشدار قبلی نداده و به ساکنان مناطق مسلمان‌نشین مورد تفتیش، اجازهٔ خروج از خانه و رفتن به محل کسب را ندادند.

گزارش رسیده حاکیست که کنترل راه‌های مسدود شده را سربازان مداخله‌گر چند ملیتی بر عهده دارند.

هدف نیروهای مداخله‌گر تثبیت جمایل است

رویتر گزارش داد:

امیلیو کلمبو وزیر خارجهٔ ایتالیا گفت:

– نیروهای مداخله‌گر چندملیتی قبل از خروج نیروهای سوری و اسرائیلی از لبنان، از این کشور خارج نخواهند شد.

کلمبو در پی ملاقات با **فیلیپ حبیب فرستادهٔ ویژه آمریکا در خاورمیانه** به خبرنگاران گفت:

– مأموریت نیروهای مداخله‌گر این است که بار دیگر اقتدار و حاکمیت کامل رژیم کنونی لبنان به سرکردگی امین جمایل بر سرتاسر سرزمین این کشور برقرار شود و این امر تنها از طریق خروج همهٔ نیروهای خارجی از لبنان تحقق می‌یابد.

از سوی دیگر **حبیب** گفت:

– نمی‌تواند بگوید نیروهای مداخله‌گر چندملیتی چه مدت در لبنان باقی می‌مانند.

حبیب در سر راه خود از خاورمیانه به واشنگتن در رم توقف کرد و با وزیر خارجهٔ ایتالیا به گفتگو نشست.

دیدار امین جمایل از آمریکا

از سوی دیگر در اجرای **دسایس آمریکا در منطقه** که گوشه‌ای از آن با تحمیل امین جمایل به مردم لبنان به عنوان رئیس‌جمهوری این کشور پا گرفت، به طور رسمی در واشنگتن اعلام شد که روز ۱۹ اکتبر آینده امین جمایل عامل سرسپردهٔ آمریکا با ریگان دیدار و گفتگو خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از سازمان ملل همچنین **قرار است که امین جمیل در نشست مجمع عمومی این سازمان که روز ۱۸اکتبر برابر با ۲۶ مهرماه برگزار می شود، شرکت کند.**

در این زمینه **روزنامهٔ الجزیره وابسته به دربار سعودی** نوشت:

امین جمایل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان در جریان دیدار خود از کشورهای غربی که اواخر ماه جاری صورت می‌گیرد، درخواست خواهد کرد نیروهای جدید مداخله‌گر چندملیتی به نواحی مختلف لبنان اعزام شوند تا به کمک آنها فالانژها بتوانند قدرت را در سراسر کشور در دست گیرند.

این روزنامه به نقل از منابع آگاه که نام آنها برده نشد، گفت:

جمایل به ویژه درخواست خواهد کرد واحدهایی به نواحی پرآشوب قدیمی واقع در مرزهای اسرائیل و سوریه در شمال و جنوب لبنان و به درهٔ بقاع در شرق لبنان اعزام شوند.

روزنامهٔ سعودی نوشت:

انتظار می‌رود جمایل در بازگشت از سفر خود به واشنگتن از ایتالیا و فرانسه نیز دیدن کند.

دیدار جمیل از آمریکا از ۱۹ اکتبر آغاز می‌شود. نیروهای آمریکا، فرانسه و ایتالیا، نیروهای مداخله‌گر چندملیتی در لبنان را تشکیل می‌دهند.

در این میان **شفیق الوزان نامزد نخست‌وزیری لبنان** گفت:

– لبنان هرگز یک پیمان صلح جداگانه با اسرائیل امضا نخواهد کرد.

وزان گفت:

– لبنان تنها پیمانی را امضا خواهد کرد که در آن یک راه حل جامع برای بحران خاورمیانه در نظر گرفته شده باشد.

وزان افزود:

– امضای یک پیمان صلح تحت شرایطی که اسرائیل لبنان را اشغال کرده تنها مشکلات تازه به وجود خواهد آورد.

یادآوری می‌شود:

شفیق الوزان از سوی امین جمایل رئیس‌جمهور تحمیلی لبنان مأمور تشکیل کابینهٔ تازهٔ این کشور شده است.

گفته می‌شود:

مدت مأموریت وزان بیش از چند ماه نخواهد بود و پس از تثبیت امین جمایل، نخست‌وزیر دیگری مأموریت تشکیل کابینه را به عهده خواهد گرفت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۵ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ملاقات وزیر دارایی و اقتصاد سعودی با مقامات آمریکا**

برای هماهنگی در فروش سلاح‌های آمریکایی و کمک‌های نظامی و مالی به عراق

امضا: **رسانه‌ها و مقامات سیاسی**

به منظور شرکت در کمیسیون همکاری‌های ۲جانبه:

وزیر اقتصاد و دارایی سعودی وارد واشنگتن شد

در حالی‌که هنوز سرزمین اسلامی لبنان با حمایت آمریکا در اشغال رژیم صهیونیستی قرار دارد و هنگامی که هنوز آثار جنایات صهیونیست‌ها بر در و دیوار اردوگاه‌های فلسطینی خودنمایی می‌کند، روز گذشته اعلام شد:

محمد ابوالخیل وزیر دارایی و اقتصاد پادشاهی سعودی دیروز برای شرکت در کمیسیون اقتصادی و فنی مشترک آمریکا – سعودی وارد واشنگتن شد.

به گزارش **خبرگزاری‌ها از ریاض** این کمیسیون که در ارتباط با **گسترش همکاری‌های ۲جانبه و همچنین کمک نظامی و مالی به عراق** است، پنج‌شنبهٔ آینده نشست‌های خود را آغاز می‌کند و روابط آیندهٔ اقتصادی و همکاری‌های فنی ۲ کشور را مورد بررسی قرار خواهد داد.

هیأت پادشاهی سعودی شامل ۱ گروه ۲۶ نفری از بازرگانان، مدیران شرکت‌ها و بانکداران سعودی هستند.

روزنامهٔ واشنگتن‌پست روز سه‌شنبه نوشت:

دولت ریگان از عربستان خواسته است تا مبلغ ۲ میلیارد دلار به مصر وام دهد تا این کشور

با همکاری آمریکا برای کشورهای دوست در خاورمیانه و خلیج فارس هواپیماهای جنگی تولید کند.

واشنگتن‌پست به نقل از منابع دولتی آمریکا می‌نویسد:

بر اساس این طرح کشورهای دوست آمریکا در خلیج فارس از جمله بحرین، جنگنده‌های «اف ۵ جی‌نورث‌روپ» را از یک کارخانهٔ مصری که آمریکا تأمین‌کنندهٔ طرح مهندسی و علوم فنی آن خواهد بود، دریافت خواهند کرد.

گاسپر واینبرگر وزیر دفاع آمریکا که از حامیان سرسخت مسلح کردن کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس است، تاکید کرد که اسرائیل نباید از این طرح ترسی به خود راه دهد، چرا که تل‌آویو از یک برتری قابل توجه نظامی برخوردار است.

واشنگتن‌پست متذکر می‌شود:

چشم‌انداز فروش سلاح‌های جدید به کشورهای عربی چنان‌چه دولت ریگان راه آن را هموار کند، چنان درخشان است که دلال‌های نظامی آمریکا از هم‌اکنون تلاش خود را آغاز کرده‌اند.

به عنوان مثال شرکت‌های «نورث‌روپ» و «جنرال داینامیک» بر سر عرضهٔ جنگنده به کشورهای خلیج فارس شاخ در شاخ شده‌اند.

نورث‌روپ جنگنده‌های «تایگر شارک»، «اف ۵ جی» را به بحرین عرضه کرده و جنرال داینامیک سعی دارد تا نوع جنگندهٔ «اف ۱۶» را بفروشد.

واشنگتن‌پست اضافه می‌کند:

شرکت‌های هواپیماسازی آمریکا چشم امید به بحرین، کویت، قطر، عربستان و عمان دوخته‌اند.

منابع مطلع در صنایع نظامی گفته‌اند:

کارخانهٔ تولید جنگنده‌های آمریکایی در جنوب شهر قاهره در حلوان مستقر خواهد شد.

یک مقام وزارت جنگ آمریکا که کارشناس امور فروش اسلحهٔ کشورهای خارجی است، به روزنامهٔ واشنگتن‌پست گفت:

– طرح تولید هواپیماهای آمریکایی در مصر و فروش آنها به کشورهای خاورمیانهٔ خلیج فارس و آفریقا از اهداف دولت ریگان است و این طرح هم‌اکنون میان ۳ دولت آمریکا و مصر و عربستان مورد بررسی است.

وی گفت:

برای به راه انداختن تولید به ۱ و نیم تا ۲ میلیارد دلار سعودی نیاز است.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۶ تاریخ صدور: ۱۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **وحشت آمریکا از حملات انتقامی مسلمانان سراسر جهان**

امضا:

به خاطر دخالت مستقیم آمریکا در جنایات لبنان:

آمریکا نگران حملات انتقامی مسلمانان سراسر جهان است

دولت آمریکا طی یک بخشنامهٔ رسمی به کلیهٔ مؤسسات آمریکایی هشدار داد احتمال یک سری عملیات انتقامی را جدی تلقی کنند.

به دنبال افشای نقش مستقیم آمریکا در جنایات تکان‌دهنده‌ای که طی ۳ ماه گذشته در لبنان به وقوع پیوسته است، آمریکا نگران حملات انتقامی مسلمانان سراسر جهان است.

دولت آمریکا طی یک بخشنامهٔ رسمی به کلیهٔ مؤسسات آمریکایی هشدار داده است که احتمال یک سری عملیات انتقامی را جدی تلقی کند.

به گزارش **نمایندهٔ خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت:**

دولت آمریکا با صدور یک بخشنامهٔ رسمی کلیهٔ مؤسسات رسمی آمریکایی را از احتمال وقوع یک سری حملات انتقامی از سوی مسلمانان سراسر جهان علیه مؤسسات و اتباع آمریکایی به منظور گرفتن انتقام از تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان برحذر داشت و اعلام کرد این یک هشدار جدی است.

مجلهٔ لبنانی الکفاح العربی که مطلب فوق را در شمارهٔ اخیر خود درج کرده، می‌افزاید:



– به عقیدهٔ دولت آمریکا از جمله اهداف احتمالی این‌گونه حملات اضافه بر مؤسسات آمریکایی، مؤسسات وابسته به اسرائیلی‌ها و یا صهیونیست‌های آمریکایی و نیز شرکت‌هایی که با اسرائیل مبادلات تجاری دارند، نیز شامل خواهد گردید.

در این میان **ابواياد** گفت:

– پس از قتل‌عام صبرا و شتیلا عملیات آیندهٔ فلسطینی‌ها به ضربه زدن به اسرائیل محدود نخواهد بود.

وی گفت:

– کسی نمی‌تواند از اعمال انتقام‌جویانهٔ کسانی را که فرزندان، زن‌ها و اقوام‌شان از اردوگاه‌های آوارگان قصابی شدند، در هر نقطه‌ای از جهان جلوگیری کند.

میانگین تعداد مؤسسات تجاری‌ای که در نتیجهٔ اوضاع اقتصادی جاری در آمریکا فعالیت‌های خود را متوقف ساختند، در عرض ۱ ساله به ۴۶۰ مورد در هر هفته بالغ گردیده است.

مجلهٔ لبنانی الکفاح العربی ضمن درج مطلب فوق می‌افزاید:

– این آمارها در واقع بالاترین رقم ورشکستگی در بین مؤسسات آمریکایی پس از سال ۱۹۳۲ که طی آن میانگین موارد ورشکستگی و تعطیلی مؤسسات آمریکایی به ۶۱۲ مورد در هفته رسید، نشان می‌دهد.

مجلهٔ مزبور همچنین خاطرنشان ساخت:

طی سال گذشته ۱۴۰۶۷ شرکت و مؤسسهٔ آمریکایی ورشکسته و تعطیل شده است. در حالی‌که ۲ سال قبل این رقم ۶۸۰۸ مورد بود.

مجلهٔ لبنانی الکفاح العربی در ادامه تأکید می‌کند:

طی ۸ ماه اول سال جاری رقم بانک‌های ورشکستهٔ تجاری آمریکایی به ۳۴ بانک رسیده است.

گزارش نمایندهٔ خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از مجلهٔ مزبور در پایان حاکیست که رکود اقتصاد آمریکا به مطبوعات آمریکا و در رأس آن ۲ روزنامهٔ کثیرالانتشار نیوزویک و تایم نیز سرایت کرده است که این امر دلیل دیگری بر شدت رکود اوضاع اقتصادی در آمریکا به شمار می‌رود.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۵

شماره: ۵۷ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **مقایسهٔ نظام اسلامی با سایر حکومت‌ها، توصیه به کشورها و ملت‌های اسلامی**

امضا: **روح‌الله الموسوی‌الخمینی (در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای)**

سخنرانی [در جمع مسئولان کشور (تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای)]

زمان: ۱۷ مهر ۱۳۶۰/ ۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: مقایسهٔ نظام اسلامی با سایر حکومت‌ها- توصیه به کشورها و ملت‌های اسلامی

مناسبت: عید سعید قربان- تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای

حضار: خامنه‌ای، سید علی- مقامات کشوری و لشگری

بسم الله الرحمن الرحیم[1]

مقایسهٔ نظام اسلامی با سایر حکومت‌ها

ما قبل از هر چیز، **همگی باید از خداوند تعالی تشکر کنیم** که ملت ما را توفیق این خدمتگزاری‌های به اسلام را عطا فرموده است و **از ملت تشکر کنیم** که در همهٔ مراحل، از قبل از انقلاب تا زمان

۱- حاضرین در جلسه:

آقایان: حسینعلی منتظری، اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی)، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (رئیس دیوان عالی کشور)، ربانی املشی (دادستان کل کشور)، مهدوی کنی (نخست‌وزیر) و اعضای کابینه، نمایندگان مراجع عظام: گلپایگانی، مرعشی نجفی و شیرازی، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای‌عالی قضایی، دادستان کل انقلاب، جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، اعضای شورای عالی دفاع، شورای فرماندهی سپاه پاسداران، فرماندهان نیروهای ۳گانهٔ ارتش، نمایندگان ستاد مشترک ارتش، رؤسای دوایر سیاسی ایدئولوژیک ارتش، شهربانی، ژاندارمری، شورای سرپرستی صدا و سیما، نمایندگانی از جبهه‌های آزادی‌بخش، جانبازان انقلاب و خانواده‌های شهدا، خبرنگاران داخلی و خارجی.

انقلاب و تا پیروزی انقلاب، یکدل و یک‌جهت **برای اقامهٔ عدل اسلامی و برای دفع اشرار و رژیم‌های فاسدواقامهٔ‌رژیم‌جمهوری‌اسلامی** کوشش کردندواز زمانی که به‌پاخاستند تا کنون در صحنه بوده‌اند و با تمام توان خود و بذل مال و جان و فرزند و خاندان، برای پیدا شدن عدل الهی و مستقر شدن احکام آسمانی کوشا بوده‌اند و در صحنه الآن هم بیش از پیش حاضرند. و دلیل این‌که بیش از پیش است این مراتب آرا در رؤسای جمهوری است که هر کدام از دیگری بالاتر [است] **و این رأی اخیر رأیی است که من گمان نمی‌کنم در دنیا سابقه داشته باشد که به این‌طور، بدون این‌که تبلیغات دامنه‌داری شده باشد،** با فرصت کم و بدون این‌که یک خوف یا طمعی در کار باشد، همهٔ قشرهای ملت از مراجع بزرگ اسلام و علمای اعلام بلاد و قشرهای دیگر مستضعف و به‌پاخاسته به پای صندوق‌ها رفته‌اند و رأی خودشان را داده‌اند؛ یعنی: **رأی به اسلام.**

ما مرهون این زحمات و این خدمات هستیم. همهٔ ما و همهٔ آقایانی که حاضر هستند، چه کشوری و چه لشگری، **همهٔ ما مرهون زحمات این ملت هستیم.**

این ملت،

ما را از انزوا بیرون آورد،

و این ملت دست همهٔ شما را گرفت و از حبس‌ها بیرون کشید،

و دست جور ستمکاران را،

از سر این کشور قطع کرد.

خداوند ان‌شاءالله، این ملت را پایدار و این اشخاصی [را] که برای اسلام در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها زحمت می‌کشند، سعادتمند و پیروز فرماید.

تمام این مسائل برای این است که:

- اولاً، اسلام ایدهٔ ما و شما و ملت است.

- و ثانیاً، ملت همراه است با دولت، با ارتش، با مجلس، با قوهٔ قضاییه و سایر ارگان‌هایی که هست؛ ملت در صحنه است. همان‌طوری که **پیروزی برای حضور ملت در صحنه بود،** ادامهٔ پیروزی هم همین معنا را دارد.

و شما **مقایسه کنید مابین این کشور و کشورهای دیگر** [را] از قبیل کشور مصر، عراق و سایر کشورهای نظیر آنها و کشورهای بزرگی که در پس این‌جا واقع شده‌اند و هدایت می‌کنند آن نوکرهای خودشان [را] برای به دست آوردن قدرت.

مقایسه کنید، ببینید رئیس‌جمهوری شهید می‌شود در ایران، هیچ اتفاقی نمی‌افتد، دنبال او و بعد از مدت کوتاه، یک رئیس‌جمهور به جای او می‌نشیند.

رئیس‌جمهور فاسد در مصر[۱] کشته می‌شود، مصر به هم می‌خورد! اعلام حکومت نظامی [می‌شود] ۱ سال. **فرق ما بین این‌جا و آن‌جا و این رئیس‌جمهور با آن رئیس‌جمهور این است که این‌جا اتکا به اسلام است و همهٔ ملت زیر پرچم اسلام قیام کردند** و رئیس‌جمهور [هم] شهید بشود، ملت در صحنه است و به جای او، یکی دیگر را اقامه می‌کند. و **آن‌جا پشتوانه تفنگ است و مسلسل است و قوای نظامی است و از ملت جدا و ملت از آنها جدا.**

اتکال این ملت به خداست،

و اتکال دولت مصر و عراق به اروپا و آمریکا و شوروی است.

ملت‌ها این‌جا در صحنه هستند و ملت‌ها آن‌جا در خارج صحنه.

از این جهت است که با کشته شدن رئیس‌جمهور در این‌جا، هیچ اتفاقی نمی‌افتد که دنبالهٔ کشتن رئیس‌جمهور باشد و در آن‌جا، همچو به هم می‌خورد که برای تشییع جنازهٔ نامبارک او نمی‌گذارند [کسی شرکت کند؛] باید جواز داشته باشند، نمی‌توانند تشییع جنازه کنند. برای چه؟ برای این‌که **ملت مخالف آنهاست.**

توصیهٔ کشورهای اسلامی به اتکال بر خدا

و از این‌جا باید به همهٔ کشورهای اسلامی تذکر بدهم و اخطار کنم که شماها در اشتباه هستید؛ شماها که اتکالتان را از خدا برداشته و به قدرت‌های دنیوی مثل شوروی، مثل آمریکا، اتکال پیدا کرده‌اید و ملت‌های شما از شما متنفرند و لهذا، **اگر یک روز سرنیزه را بردارید، نابود خواهید شد.**

شما به خود آیید و این رویه را ترک کنید. شما از ملت ایران و دولت ایران الگو بگیرید. ملت ایران الآن آرامش را در کشور ایجاد کرده است و خود آرامش را ایجاد می‌کند، بدون اتکال به یک قدرت دیگری.

دولت هم اتکال از سرنیزه را برداشته و اتکال به خدا و به ملت کرده است. از این جهت، هیچ اتفاقی نمی‌افتد از کشته شدن و شهید شدن رئیس‌جمهور یا شهید شدن نخست‌وزیر.

اینها برای این است که **ما در زیر پرچم مبارک اسلام [هستیم] و اتکال به خدای تبارک و تعالی [داریم] و ملت ما وفادار به اسلام است.**

ملت‌های اسلامی دیگر هم اتکالشان به خدا و اسلام است.

دولت‌ها کاری بکنند که جلب نظر ملت را بکنند.

۱- اعدام انقلابی محمد انور سادات، رئیس رژیم حاکم بر مصر.

دولت‌ها بناشان بر این نباشد که در سایهٔ سرنیزه حکومت کنند.

شما دولت‌های اسلامی به اندازهٔ محمدرضا، نه قدرت داشتید و نه پشتیبان. پشتیبان او همهٔ قدرت‌های عالَم بود. من آن وقتی که در پاریس بودم، فهمیدم که همه پشتیبان این آدم هستند. معذلک، این ملت که قیام کرده بود آن سرنیزه را شکست و آن مسلسل‌ها را درهم کوبید و آن قدرت‌های بزرگ را از ایران بیرون کرد و هر چه خواستند او را نگه دارند و دنبال او کارهای خودشان را انجام بدهند، نتوانستند؛ برای این‌که ایران متکل به خدا و متکل به قدرت خود بود.

دولت‌های وابسته به آمریکا، وابسته به شوروی، که مخالف با نص قرآن است وابستگی آنها، بیایند بیدار بشوند؛ توجه کنند که **عزت مال اسلام است.** و اگر آنها دست بردارند از شیطنت‌هایی که به آنها تعلیم می‌دهند و برگردند به دامن ملت‌های خودشان- اگر امکان برگشتن برایشان باشد- برگردند و به ملت‌های خودشان بپیوندند تا محتاج به سرنیزه نباشند و محتاج به حکومت نظامی نباشند.

شما دیدید که با این انقلاب عظیمی که در ایران واقع شد، یک روز حکومت نظامی اعلام نشد، یک روز وضع غیرعادی در هیچ جای این کشور اعلام نشد؛ برای این‌که حکومت نظامی برای سرکوبی ملت است و ما کسی را نداشتیم که از ملت جدا باشد و بخواهد ملت را سرکوب کند.

این‌که صدام این‌قدر بعد از به دام افتادن و کار غیرعقلایی کردن و روی تخیلاتی که به او تحمیل کرده بودند، به ایران حمله کرد و امروز می‌خواهد خودش را از این دام بیرون بکشد و هر روز یک جور، یک نحو یک توطئه انجام می‌دهد، یک روز با اسرائیل می‌سازد و یک جایی از کشور خودش را بمباران می‌کند، یک بنگاهی را بمباران می‌کند و به گردن ایران می‌گذارد و ایران را با اسرائیل موافق می‌داند، هم‌پیمان می‌داند؛ ایرانی که از قبل از انقلاب با اسرائیل مخالف بوده است و از اول انقلاب تا کنون همیشه مخالف بوده است و اعلام مخالفت کرده و همه‌چیز را به روی او و دوستان او بسته است، این ایران را می‌گوید مخالف با اسرائیل نیست، بلکه هم‌پیمان با اسرائیل است.

خوب، این مرد چه داعی داشت که خودش را به این دام بیندازد تا محتاج به این‌طور دروغ‌های شاخدار و این‌طور توطئه‌ها بشود. و یک روز هم در کویت، یک عملی انجام می‌دهند و می‌گویند که این عمل را ایران انجام داده است.

این کویت و سایر شیخ‌نشین‌ها تنبه پیدا بکنند به این‌که این‌طور امور برای آنها صرفه

ندارد. بدانند این معنا را که ابرقدرت‌ها از شما استفاده می‌کنند و آن روزی که دیدند از شما استفاده حاصل نمی‌شود، تفالهٔ شما را به دور می‌ریزند.

ما دیدیم که قبل از اینکه سادات ساقط بشود، آمریکا جانشین برای او معیّن می‌کرد. سادات باز زنده بود و داشت مثل حیوانات راه می‌رفت! لکن آمریکا پیش‌بینی کرد که باید به جای او که باشد؛ آن نوکری که همهٔ حیثیت خودش را به باد داد، در خدمتگزاری به آمریکا، آن روزی که کشته شد و آن‌طور بساط در مصر پیدا شد.

این رئیس‌جمهور تحمیلی ثانی،[1] که خیال دارد در مصر مثل آن حکومت کند و دربست خودش را در اختیار آمریکا گذاشته است، قبل از این‌که به ریاست برسد، اعلام همبستگی خودش را با اسرائیل و آمریکا کرده است. ندیده است که همان‌طوری که سلف طالحاش[2] به واسطهٔ خشم ملت به جهنم واصل شد، همین عمل را با او هم خواهند کرد.

دعوت از ملت مصر و عراق برای قیام

ملت مصر باید این مطلب را بداند که اگر قیام کند بر خلاف این توطئه‌ها، همان‌طوری که ایران قیام کرد، آن‌جا هم خواهد پیروز شد.

ملت مصر از حکومت نظامی نترسد و به او اعتنا نکند و همان‌طور که ایران حکومت نظامی را شکست و به خیابان‌ها ریخت، آنها هم بشکنند و به خیابان‌ها بریزند و این تفـاله‌های آمریکا را بیرون بریزند.

ملت مصر ننشینند تا این‌قدرت از بین رفته دوباره دست و پای خودش را جمع کند و نفوذ خودش را بر ملت تحمیل کند.

امروز روزی است که ملت مصر باید قیام کند. امروز روز ضعف دولت است و قدرت ملت.

باید قدرت را نشان دهد و اعتنای به این حکومت نظامیِ بر خلاف همهٔ موازین نکند و بشکنند این حکومت نظامی را و به خیابان‌ها بریزد و این دولتی [را] که می‌خواهد با سرنیزه با اسلام مخالفت کند و به صراحت می‌گوید که هر کس که به اسلام وفادار باشد، او را سرکوب می‌کنیم، [از بین ببرد.] این تکلیفی است برای ملت مصر، برای علمایی که وابسته به حکومت نیستند. این تکلیفی است برای علما.

علمای مصر به‌پاخیزند و برای خاطر خدا، از اسلام دفاع کنند. چه عذری است برای علمای

۱- حُسنی مبارک که پس از ترور سادات، به جای او به ریاست جمهوری مصر رسید

۲- طالح: ناپسند، خطاکار.

مصر که اعلام ضدیت با اسلام را- این حکومت قبل از آمدنش به سر کار اعلام کرده است که هر چه با اسلام ربط داشته باشد، ما او را سرکوب می‌کنیم- چه عذری است برای علمای اسلام در مصر که نشسته‌اند و گوش می‌کنند تا این‌که اینها دوباره غلبه کنند؟! امروز شما پیروزید.

ملت مصر امروز قدرت دستش است

ارتش معلوم نیست که با دولت باشد، مگر آنهایی که جیره‌خوار آمریکا هستند. **ارتش مصر توجه کند به این‌که اگر بخواهد پشتیبانی کند از این حکومتی که اعلام کرده است که من تابع آمریکا هستم و اسرائیل، و من هر کس دم از اسلام بزند او را خفه می‌کنم، این ننگ را به خودش، ارتش مصر راه ندهد و مهلت ندهد تا بعد از این، باز اسرائیل بیاید و به شما حکومت کند، و اسرائیل و آمریکا مقدرات شما را در دست بگیرند.**

ارتش عراق چه بهره‌ای برد از این کار؟

خطای صدام که به واسطهٔ خدمتگزاری به آمریکا و خدمتگزاری به اسرائیل، که از ایران صدمه دیده بودند، به ایران حمله کرد. ارتش عراق چه بهره‌ای از این برد جز این‌که هزاران نفر از افرادش در این‌جا کشته شدند؟

ارتش عراق که می‌بیند ملت عراق با این حزب فاسد، با این حزب کافر مخالف است، او هم مخالفت کند و دیگر اجازه ندهد بیش از این جوانانشان کشته بشود.

ما و ارتش ما نمی‌خواهیم که جوانان مسلمین که با فشار به ایران می‌آیند برای این‌که عمل کنند بر طبق افکار فاسد صدام، کشته بشوند.

ما همهٔ ملت اسلام و جوانان اسلام را دوست داریم و می‌خواهیم که به راه حق و به راه اسلام و به راه ملت‌های خود سیر کنند.

ارتش عراق چرا نشسته و صدام دارد مملکت عراق را تباه می‌کند و ارتش عراق را تباه می‌کند و اسلام را زیر پا می‌گذارد؟

ارتش عراق، ملت عراق!

به‌پا خیزید و این تفاله‌ها را بیرون ریزید!

همهٔ ملت‌های اسلام باید قیام کنند و راه حق را به پیش بگیرند.

همهٔ دولت‌ها باید برگردند و خاضع بشوند در مقابل ملت. البته از صدام گذشته است؛ مثل این‌که از سادات هم گذشته بود.



توصیهٔ جوانان به استقلال در اندیشه

و اینهایی که در داخل کشور ما به تخیلات فاسد، مشغول به شرارت هستند، ما هیچ میل نداریم که این جوان‌های گول‌خورده و این دختر و پسر گول‌خورده در این بیغوله‌ها پیش این شیاطین باشند و از آنها الهام بگیرند.

شما جوان‌ها- دختر و پسر- چه دیدید از این سران فاسد خودتان، جز ادعا و جز انحراف؟ مگر همین‌ها نبودند که ادعا می‌کردند ما با خلق موافقیم، با دیگران مخالف و با اجانب مخالف؟ مگر اینها ادعا نمی‌کردند و باز هم نمی‌کنند- لفظاً- که ما با آمریکا مخالفیم و با غرب مخالف؟ شما دیدید که عملاً بر خلاف این عمل کردند و به دامن آمریکا پناه بردند و آمریکا از آنها پشتیبانی می‌کند.

شما جوان‌ها چرا فکرتان را در اختیار دیگران گذاشتید؟ چرا استقلال فکری ندارید؟ چرا خودتان مطالعه نمی‌کنید در احوال این سرانتان که شما را دارند تباه می‌کنند و خودشان یا در بیغوله‌ها هستند یا فرار از این کشور کردند و [می‌خواهند] شما را به هلاکت بیندازند و می‌گویند بعد، که شما کارها را انجام دهید، ما می‌آییم و به شما حکومت می‌کنیم؟

چرا تفکر نمی‌کنید؟ چرا توجه ندارید به مصالح خودتان؟

آن روزی که اینها بیایند و سلطه پیدا کنند بر این کشور، معلوم نیست که با شماها هم چه خواهند کرد!

کسی که طریقهٔ اسلام را ندارد، وفادار نیست. همین‌ها بودند که افراد خودشان را ترور می‌کردند. به مجرد این‌که بر خلاف رأیشان عمل می‌کردند و همین‌ها هستند که اگر- خدای نخواسته، به فرض محال- قدرت در دستشان بیاید، جز حزب خودشان و جز اشخاصی که مربوط به خودشان است، تمام هواداران را- اگر بیدار بشوند و یک کلمه بخواهند بر خلاف آنها بگویند- قتل‌عام خواهند کرد.

شما گمان نکنید که اینها برای ملت، برای شما و برای اسلام ارزش قایل هستند.

شما دیدید که با همهٔ ادعاها که اینها داشتند، به جایی فرار کردند که می‌گفتند ما دشمن با آنها هستیم و پناه به جایی بردند که دشمن همهٔ ملت‌ها است و ملت‌های ضعیف.

چرا فکر نمی‌کنید و چرا به خودتان رحم نمی‌کنید؟

بیدار بشوید! توجه کنید و دست از این شرارت‌ها بردارید! و شما را اغفال نکنند برای مقاصد خبیث خودشان و شما را به کشتن ندهند! ما میل نداریم که شماها، جوانانی که برای این ملت می‌توانید یک ذخیره باشید، تباه بشوید؛ تباه فکری بشوید و بعد هم تباه جانی.

من از خدای تبارک و تعالی، سلامت و سعادت همهٔ ملت را و همهٔ ملت‌ها را و خصوصاً مستضعفین را خواستارم. و از همهٔ کسانی که این ملت با زحمت خودش آنها را به مقامی رسانده است، می‌خواهم که تمام توان خودشان را برای خدمت [به] این مستضعفین و خدمت [به] این بیغوله‌نشین‌های بیچاره و خدمت به این زاغه‌نشینان صرف کنند.

و ان‌شاءالله بعد از استقرار حکومت که الآن دیگر تمام شد همهٔ جهات- عذری برای هیچ‌یک از شماها نیست؛ برای این‌که سابقاً کارشکنی می‌شد و حالا شما همه تفاهم دارید و کارشکنی هیچ‌یک برای دیگری نمی‌کند- همه هم‌فکر و هم‌صدا قیام کنید و برای این مستضعفین و برای این ملت که به همهٔ ما و به همهٔ شما منت دارد و حق دارد، برای آنها خدمت کنید و ان‌شاءالله، موفق شوید. و از قوای نظامی می‌خواهم که با قدرت تمام، این تتمهٔ این اشخاصی که به ناحق در مملکت ما وارد شدند، به اینها خاتمه دهند و آنها را از کشورمان ان‌شاءالله، به زودی اخراج کنند.

و امید است که خداوند به همهٔ شما، لشگری و کشوری، ملت و همهٔ ملت‌های مستضعف دنیا سعادت بدهد و دست مستکبرین را از سر مستضعفین کوتاه کند.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته[1]

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۵، ص ۲۸۱ - ۱۷ مهر ۱۳۶۰/ ۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۰۱

شماره: ۵۸ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **مسائل جنگ و ادعاهای صدام**

امضا: **امام جمعهٔ تهران، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی**

حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

درخطبه‌های نماز جمعهٔ دیروز تهران:

خطبهٔ دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

خطبهٔ دوم را بسیار مختصر تا حدی که فقط به وقت نماز برسیم و این مشکلی که با باران شدید برای نمازگزاران ما پیش آمده، ان‌شاءالله ما حتی‌الامکان برای آنها آسان بکنیم.

در مورد مسائل روز مهم‌ترین مسأله‌ای که امروز برای ما هست و این هفته مخصوصاً داشتیم، جریان وسیعی است که خط کلی ضدانقلاب از امپریالیسم آمریکا گرفته تا صدام و ضدانقلاب داخلی مجموعاً علیه جمهوری اسلامی راه انداخته‌اند.

وحشت دنیای استکبار

من یک مقداری باید این را بازگو کنم. بعد از حملهٔ بسیار موفق مسلم‌بن عقیل که ارتفاعات مهم سوق‌الجیشی مرزی ما آزاد شد و دقیقاً ما در۱۰۵کیلومتری بغداد قرار گرفتیم، البته صدام حسین یک جایی گفته بودکه نه ۱۱۰ یا ۱۲۰ کیلومتر را دارند. او خیال می‌کند که



ارتش ما از پیچ و خم راه‌ها عبور می‌کند. ما مستقیم می‌خواهیم برویم. کمتر از ۱۰۰ کیلومتر هم خواهد بود. در این فاصله قرار گرفتیم و شهر مندلی و منطقهٔ وسیع دشت باز عراق زیر گلوله‌های مستقیم توپ‌های مستقیم ما قرار گرفت. وحشتی دنیای استکباری را گرفت و حالتی پیدا کردند که در این حالت تعادلشان را از دست داده‌اند. نمی‌دانند چگونه حرکت کنند. یک خطی انتخاب کردند، **خطشان این است که در دنیا ثابت کنند که جمهوری ایران جنگ‌طلب است و ماجراجو و صدام صلح‌طلب است و دنبال آرامش جهان می‌گردد.** به اروپایی‌ها می‌خواهند بگویند که این ایرانی‌ها هستند که نمی‌گذارند منطقهٔ خاورمیانه امن بشود که نفت و مواد خام به خوبی بیاید و بازارهای مصرف عادی باشد. به عرب‌ها می‌خواهند بگویند که این ایران هست که نمی‌خواهد جنگ را تمام و قصد تجاوز به همهٔ کشورهای عربی دارد و به دنیا می‌خواهند چهرهٔ اسلام را و جمهوری اسلامی را چهرهٔ خشن و ضدتمدن معرفی کنند.

این خطی است که امروز دنیای استکباری قرار گرفته است و از هیچ‌چیز برای آن مطلب بیرون می‌آورد. البته این‌جا دچار یک تضادی هم شده است. تضادشان این هست. اگر آن فتح اخیر ما را محرز بگیرند و قبول بکنند، باعث ضعف روحیهٔ سربازان صدام می‌شود و حامیان صدام و مشکل نظامی برایشان درست می‌کنند.

اگر این فتح را ندیده بگیرند و قبول نکنند، زمینه‌ای برای حرکت جدید و تبلیغات گمراه‌کننده ندارند. باید به نعل و میخ بزنند و این را بگویند. از آن هم بگویند، هم روحیهٔ صدام را حفظ کنند و سربازان صدام را و هم زمینهٔ تبلیغات درست کنند که ایران قصد تجاوز وسیع دارد.

تناقض در ادعاهای عراق

آنها در این حرکتشان در همین ۱ هفته توانستند که برای ما و در مورد ما حرف‌هایی بزنند که تناقض خیلی زیاد در آن بود. اول بار عراق به کلی منکر شد که نه، ایرانی‌ها اصلاً دروغ می‌گویند. می‌خواستند مندلی را بگیرند، نتوانستند. اصلاً اسمی هم از خاک و از تپه‌ها و از ارتفاعات نبردند. بعد وقتی که دیدند مثل همیشه نمی‌شود این را مخفی کرد، لااقل آن سربازهایی که آن جلو ایستاده‌اند، مردم مندلی و آن دهاتی‌هایی که آن‌جا هستند، اینها را می‌بینند و نمی‌شود و بالاخره خبرنگارهای دنیا می‌آیند. نمی‌خواستند قبول بکنند با یک منظرهٔ عجیبی که هر کسی که کوچک‌ترین اعتباری برای خودش قایل باشد، چنین کاری نمی‌کنند. سر و صدا در بغداد راه انداختند، ۲، ۳ ساعت رادیو بغداد مارش نظامی زد و اعلام کرد که نیروهای ما هرچه

که ایرانی‌ها از ما گرفته بودند، پس گرفتند و همهٔ نیروهای ایران را در منطقهٔ شرق مندلی نابود کردند. حالا این را همان‌روز گفت که خبرنگاران خارجی در همان تپه‌ها با دوربین‌هایشان داشتند نگاه می‌کردند به مندلی و این شیوهٔ تبلیغاتی اینها است و رسوایی و بی‌آبرویی تا این حد است که آدم هیچی را برای خودش حساب باز نکند.

ببینید که ما با چه آدمی مواجه هستیم. صدام گفته بود که ما از ایران رفتیم بیرون و روی این چقدر تبلیغ کردند. بارها و بارها گفتند که صدام عمل مثبتی انجام داد و ایران مخالفت می‌کند، ایران صلح‌طلب نیست.

حالا امروز خودشان می‌گویند نه این تپه‌ها را ایرانی‌ها هم از ما نتوانستند بگیرند. نفت‌شهر ما الآن دست صدام است و چاه‌های نفت ما را صدام دارد می‌برد. به غربی‌ها و شرقی‌ها و مرتجعین منطقه و با نهایت پررویی می‌گویند صدام تا مرزهای بین‌المللی عقب نشسته است. یعنی زمینهٔ تبلیغات را این‌جوری فراهم می‌کنند و ما را به عنوان مردمی جنگجو و خشن و جنگ‌افروز و آتش‌افروز و بحران‌طلب معرفی می‌کنند.

واقعاً وقتی انسان می‌نشیند و فکر می‌کند، می‌بیند وجدان دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا تا این حد سقوط کرده و برای این دنیا تأسف می‌خورد و برای این مردم دنیا که فکرشان و ذهنشان را دست چه بلندگوهایی داده‌اند و باید اینها افکار عمومی دنیا را بسازند.

اینها چه فکری کرده‌اند و باید با اینها چه بکنیم؟!

صدام آمده توی خاک ما و همه می‌دانند. یعنی هیچ‌یک از این مبلغین نیست که نداند، در بعضی از جاها تا ۹۰ کیلومتر آمده در خاک ما، ۱۲۰۰ روستا راگرفته است، ۱۰ تا شهر را گرفته، ۱۰۰۰ کیلومتر جاده و راه‌آهن را خراب کرده و بیش از ۱۰۰۰ کارگاه و کارخانه از موزاییک سازی بگیرید تا پالایشگاه آبادان را خراب کرده است. چند بندر را نابود کرده است، هزارها خانه را ویران کرده است و ۲ میلیون آدم را آواره کرده و صدها پل را منفجر کرده است و چند تا سد خاکی و غیرخاکی را منفجر کرده است و صدها مدرسه و اداره و بیمارستان و پل و چیزهای دیگری که در شهرها بوده، منفجر کرده و از بین برده است.

همان روزهای اول این همه مردم بی‌گناه را اسیر کرده است. وقتی که دید نمی‌تواند توی این مملکت بماند، با مواد منفجره‌ای که آورده بود که علیه ما به کار ببرد و ماشین نداشته، اینها را برگرداند، گذاشته و ساختمان‌ها را ویران کرده و شهری مثل قصرشیرین، مثل خرمشهر و هویزه و سومار که خبرنگاران آمده‌اند و دیده‌اند و همهٔ اینها را با خاک یکسان کرده است و با زور و فشار ما قدم‌به‌قدم از خاک ما عقب رانده شده است و آخرش هم به ارتفاعات

سوق‌الجیشی پناه برده است.

مردم ما هم می‌دانند و یقیناً سازمان ملل، آمریکا، سعودی، خبرگزاری فرانسه این را می‌دانند. بی‌بی‌سی و آسوشیتدپرس هم این را می‌داند. هیچ‌کس نیست که اینها را نداند. با بی‌آبروها می‌نشینند آن‌جا و می‌گویند ایرانی‌ها خشن و جنگ‌طلبند و صدام صلح‌طلب است.

خوب چقدر دنیا باید بی‌فرهنگ باشد و چقدر جریان تبلیغاتی باید دروغ و بی‌محتوا باشد. ما امروز در مقابل یک دشمنی که هیچ‌یک از اصول اخلاقی و انسانی را قبول ندارد، قرار گرفته‌ایم و ما می‌خواهیم همهٔ اصول اخلاقی و انسانی را ملاحظه کنیم.

آن شبی که جریان پیروزی را نشان می‌دادند، پاسداری، سرباز و درجه‌دار عراقی را که زخمی شده بود و به دوش می‌کشید که من با چشم خودم دیدم. این فیلم تصادفی به چشم من خورد. آن وقت نامردها یک اعلامیه درست می‌کنند. مثلاً منافقین فلان جا گفته‌اند ما توی جبهه دیدیم که ایرانی‌ها ۱۵ تا سرباز اسیر عراقی را کشته‌اند و بعد این را بی‌بی‌سی و رادیو آمریکا و فرانسه خبر می‌دهند و رویش حساب می‌کنند، اینها این طرف قضیه و آنها آن طرف قضیه.

جنایات وحشیانهٔ صدام

هواپیمایش را برمی‌دارد می‌آید توی همدان که مردم داشتند تظاهرات می‌کردند و اینها را می‌بندد به بمب، می‌آید توی گیلان‌غرب کودکستان را با بمب ویران می‌کند و در آبادان بیمارستان را با بمب ویران می‌کند.

طرف ما این است و ایادی داخلی آن هم منافقین هستند که وقتی ما فتح می‌کنیم، با همکاری عراق بمب را در ناصرخسرو منفجر می‌کنند و دیدید که چه کردند آن‌جا و مسافرخانه‌ای که آن هم در جنوب شهر آن‌جور منفجر می‌کنند.

خبرگزاری فرانسه! تو که دیدی توپ‌های ما از تپه‌های بالای مندلی اگر بخواهد شهر مندلی را خرد بکند، ۱ روزه می‌تواند همهٔ شهر را خالی بکند، خوب در ۵ کیلومتری خمپاره و توپ‌زدن بر یک شهر خیلی راحت است. آن هم برای ما که خودمان کارخانه داریم که هم خمپاره می‌سازیم و هم گلوله‌اش را می‌سازیم. یعنی این کارخانه‌ها نه ارز و پول می‌خواهد و نه خرید و کشتی می‌خواهد، کارخانه‌ها می‌سازند و ما برمی‌داریم. روستای عراقی در آن‌جا در تیررس ما است. ما این‌جور آدمی هستیم، ما همین پریروز منور زدیم بالای بصره و گلوله‌ها زدنش راحت‌تر است تا منور؛ خوب ما این‌قدر ملاحظه می‌کنیم.

صدام مردم خودش را می‌زند بیرون می‌کند و ما آنها را استقبال می‌کنیم می‌آوریم این‌جا

و از آنها پذیرایی می‌کنیم و به آنها کار می‌دهیم و زندگی می‌دهیم. ولی **آن بی‌وجدان‌های تاریخ برمی‌دارند می‌گویند ایران خشن و عراق صلح‌طلب!** خوب سازمان ملل پس تو برای آینده هیچ فکری نداری، همهٔ مردم این حرف‌ها را فراموش می‌کنند؟

رفتار وحشیانه با زوار ایرانی در قبرستان بقیع

دیشب در عـربسـتان سعـودی چه کردند با زوار ما آن بی‌حیثیت‌ها که خودشان را میزبان مسلمانان می‌دانند و باید باشند و مسلمان‌های ما که در قبرستان بقیع می‌خواهند دعای کمیل بخوانند؛ شرطه‌های سعودی و سربازهایی که از عراق و جاهای دیگر گرفته بریزند آن‌جا و اینها را بزنند و مجروح کنند و آمبولانس‌ها را نابود کنند و مطب‌ها را ببندند و این، چه جریان کثیفی است که امروز در دنیا راه افتاده است. در مقابل جریان حقی که این‌قدر معصوم است و از خاک خودش دفاع می‌کند و در خاک خودش می‌جنگد، برای گرفتن تپه‌های ملکی خودش بهترین جوان‌ها را شهید می‌کند. این می‌شود جنگ‌طلب و آن می‌شود صلح‌طلب! خواسته‌های ما چه بوده است، خوب به جای این‌که شماها این‌قدر به ما فشار بیاورید به آنها که جنگ را راه انداخته‌اند و بگویید که این خواسته‌ها را بدهند. ما از فردا می‌خواهیم ۱۲۰۰ روستای خراب را بسازیم، ۱۰ تا شهر ویران را بسازیم. یکی از کارهای شما این بوده است که پالایشگاه آبادان را خراب کرده‌اید که ۶۰۰۰۰۰ بشکه در روز نفت تصفیه می‌کرده است و بزرگ‌ترین پالایشگاه منطقه است. خوب ۱ کشور ۴۰ میلیونی که ۶۰۰۰۰۰ بشکه نفتش را شما بگیرید، خوب معلوم است که کارخانه‌های دیگرش هم می‌خوابد، نیروگاه‌هایش هم می‌خوابد، اتومبیل‌هایش هم می‌خوابند، حمل و نقلش مخدوش می‌شود و ۱۰۰۰ مشکل دارد. خوب ما می‌خواهیم اینها را درست بکنیم. **اگر از شما غرامت جنگی می‌خواهیم، چیزی زیادی می‌خواهیم؟**

بندرهای ما را ۲ سال است که تعطیل کرده‌اید و بیش از ۱۰۰۰ کارگاه و کارخانه را منفجر کرده‌اید. از خرمشهر و قصرشیرین، خوب اینها را باید چه کسی بدهد؟ اینها ناحق است؟

ایران صلح‌دوست واقعی

شما با چه کسی طرف هستید؟ شما خیال می‌کنید همهٔ مردم دنیا کور هستند؟ همهٔ مردم دنیا کر هستند؟ من این‌جا به دنیا اعلام می‌کنم، گفته‌ایم، تکرار کرده‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم، صلح‌دوست واقعی در منطقه ایران است و مطمئناً هیچ‌کس هم بیشتر از ایران از

صلح خیر نمی‌بینند، برای این‌که ما اعتماد داریم به انقلابمان و فکر داریم و **فکر می‌کنیم این فکر ما در حالت صلح زودتر از حالت جنگ به مردم منتقل می‌شود.**

ما برای صدور انقلاب‌مان محیط آرام را لازم داریم تا محیط متشنج و جنگ؛ منتها حاضر نیستیم که کرامت یک انقلاب را زیر پا بگذاریم و وقتی که دشمن در خاک ما هست، شما هنوز قسمتی از غرب قصرشیرین را و نفت‌شهر را و شمال سومار را هنوز در تصرف‌تان هست و خیلی از جاهای دیگر. حاضر نیستیم کرامت یک انقلاب را زیر پا بگذاریم. خوب دنیا به جای این که چانه با ما بزند، این میانجی گری‌ها، به جای این که با ما بیایند حرف بزنند، می‌روند با حامیان صدام حرف می‌زنند. حقوق ما را بدهند و اگر حقوق ما داده بشود، ما بحثی نداریم با کسی، آن وقت یکی از حقوق ما هم همین است که کسی که این همه به دنیا ظلم کرده، به منطقه ظلم کرده، به اسلام ظلم کرده، حقوق ما تنها نیست. حقوق عراقی‌ها هم هست، رسیدگی بکنید و ببینید باید چگونه با این ظالم رفتار کنیم؟ این حق دارد بماند؟ حق دارد این‌طور آدمی در رأس یک کشور بماند؟ که این همه فساد دارد. و از طرفی ما در داخل کشورمان یک مشت لاشخور داریم که منتظرند یک‌چیزی پیدا کنند، مثل مگسی که یک بدن آدمی که تازه از حمام درآمده و مثل بلور باشد، به او کاری ندارند. اما یک زخم کوچک ببینند، یک تعفن دارد، می‌روند آن‌جا. **هستند توی این مملکت ما کسانی که سابقهٔ مبارزه برای خودشان قایلند و در اثر جنگ مثلاً یکی پیدا شده بگویند که انقلاب شما غیر از گرانی چه آورد؟**

تروریست‌هایی هستند که این‌طوری مردم را منزجر می‌کند و وقتی که اعدامشان کنیم همین را می‌آیند می‌گویند که انتقام دو طرفه هست. ما البته مایلیم که جنگ نباشد و در کشورمان سازندگی باشد و این نیروها بروند توی دهات، بروند توی روستاها، بروند **در نقاط محروم و مملکت الگوی اسلامی بسازیم و به دنیا عرضه بکنیم** که کی جنگ‌طلب هست؟

پس بار دیگر ما حرف همیشگی‌مان را تکرار می‌کنیم. الآن سازمان ملل، همهٔ وزرای خارجهٔ کشورها جمع هستند، بدانند روی این بحث نکنید که ایران صلح می‌خواهد یا نمی‌خواهد؟

ما صلح می‌خواهیم. بروید دنبال این مطلب، وزیر خارجهٔ ما آن‌جاست. ما از این‌جا اعلام می‌کنیم. ایشان مأموریت دارد بگوید خواسته‌های ما را بدهید. ما جنگ نمی‌خواهیم. اما اگر فکر کنید بدون خواسته‌ها ممکن است ما صلح بکنیم، این اشتباهی است که کردید و این را هم بدانید با حرف‌های شما مردم ما را، که همهٔ ادلهٔ صلح‌خواهی در ما هست، جنگ‌طلب تصور نخواهند کرد. (تکبیر حضار).[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۵۹ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **شرایط پایان جنگ، نهضت آزادی و ...**

امضا: **امام جمعهٔ قم، آیت‌الله مشکینی- امام جمعهٔ بندرعباس، حجت‌الاسلام احمدی**

امام جمعهٔ باختران، آیت‌الله اشرفی اصفهانی

آیت‌الله مشکینی در خطبه‌های نماز قم:

نهضت آزادی می‌خواهد مسائل جزیی را به میان بکشد،

تا مردم از جبههٔ جنگ با آمریکا غفلت کنند

قم، خبرنگار جمهوری اسلامی:

نماز وحدت‌آفرین و دشمن‌شکن عبادی سیاسی جمعهٔ قم شهر قیام، جهاد و اجتهاد به امامت آیت‌الله مشکینی در دبیرستان حکیم نظامی این شهر در زیر باران و زمین مرطوب برگزار شد.

قبل ازخطبه‌ها **برادر رفیق‌دوست عضو شورای عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** سخنانی ایراد کرد. آنگاه آیت‌الله مشکینی به ایراد خطبه‌های نماز پرداخت و در خطبهٔ اول طی خطبهٔ کوتاه و مختصری مردم را به تقوا و یاد و ذکر خدا سفارش نمودند و در خطبهٔ دوم تذکراتی را بدین قرار برشمردند.

۱- شکرگزاری از این‌که رزمندگان عزیز ما موفق شدند ۱۵۰ کیلومترمربع زمین عزیز ایران بازپس بگیرند و در این محل که بهترین جاهای استراتژیکی که می‌توانند راه بغداد را فتح کنند، گرفته‌اند و الحمدلله هم‌اکنون تنها سد برای رسیدن رزمندگان ما به بغداد برداشته شده است و بنابراین خدا را شکر می‌گزاریم و اینک صدام و صدامیان به دست و پا افتاده و به



سازمان ملل رفته و از کشورهای مرتجع منطقه کمک خواسته‌اند و این علامت آن است که ان‌شاءالله پیروزمندانه رزمندگان عزیز ما در آینده‌ای نزدیک به بغداد خواهند رسید.

۲- همان‌طور که ۱۵۰ کیلومتر زمین عزیز ما را رزمندگان باز پس گرفتند، ۱۵۰ کیلو تی‌ان‌تی در خیابان ناصرخسرو منفجر شد و عدهٔ زیادی از برادران و خواهران ما به شهادت رسیدند. دستوردهندهٔ همهٔ اینها یک ارباب است که دستور به صدام می‌دهد حمله کن و دستور به تفاله‌های داخلی می‌دهد که چنین جنایاتی را انجام دهند.

امیدوارم با همت برادران و خواهران ۳۶ میلیونی ریشهٔ اینها به زودی کنده شود.

۳- شورای امنیت درخواست کرده است که ایران و عراق بدون قید و شرط متارکهٔ جنگ نماید. حال اینها دلسوز شده‌اند، **آن وقتی که آنها حمله می‌کردند و جوانان ما را می‌کشتند، همه‌شان مرده یا خواب بودند و لکن وقتی که می‌بینند صدام از بین می‌رود، فوراً درخواست تعطیلی جنگ را می‌نمایند.**

باید بدانند دنیا دیگر آنها را آدم حساب نمی‌کند. یک عده ابرقدرت دستور می‌دهد و آنها هم اطاعت می‌کنند. **اگر آنها بنشینند هزاران تصویب‌نامه صادر کنند، حرف ایران همان است که مرحوم شهید رجائی گفت که کیفیت و خاتمهٔ جنگ را رزمندگان باید معین کنند** و ان‌شاءالله آنها به زودی حل خواهند کرد.

نامه‌ای بسیار زننده از نهضت آزادی به رئیس مجلس نوشته شده و در این نامه دروغ‌های زیادی هم گفته شده است. می‌خواستم از این نامه چند جمله برایتان بخوانم تا بدانید در صفحهٔ ۳ این نامه نوشته شده است که:

- مستضعفان سراغ ما می‌آیند - یعنی آقای هاشمی و رؤسای دولت مستضعفان! مردم کار با شما ندارند، می‌آیند سراغ ما؛ سراغ مهندس فلان – سوز دل‌ها و نارضایتی‌هایشان را می‌گویند و بعد می‌گویند: چرا سراغ ما می‌آیند؟ چون که از پشت جوارهای تاریک و ضخیم ماشین‌های بادپیمای آژیرکش با اسکورت و ژ-۳ صدایشان به گوش آقایان نمی‌رسد!

می‌گوید چون شما سوار ماشین ضدگلوله می‌شوید، مردم دیگر با شما تماس حاصل نمی‌یابند و با ما تماس می‌گیرند.

ما هیچ از این مطلب حاشا نمی‌کنیم که آقایان سوار ماشین ضدگلوله می‌شوند و آژیر هم می‌کشد. ولی صحبت ما این است که اگر اینها سوار این ماشین‌ها نشوند، بعد از مدتی چه خواهد شد؟

مگر این نبود که بر بدن قطعه‌قطعهٔ آیت‌الله مدنی من خودم نماز خواندم. آیت‌الله دستغیب

و صدوقی و حزب جمهوری اسلامی چه شد که در فاجعهٔ دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی هفتاد و چند نفر از شخصیت‌های ما را سوزاندند و شهید کردند – می‌گویید اینها سوار نشوند فردا هاشمی نباشد، پس‌فردا خامنه‌ای نباشد، بعد یکی مثل بنی‌صدر و رجوی بیاید یک کار و کاسبی برای آقایان مهندس درست شود – مردم اگر ناراضی باشند به ما می‌گویند. ما همیشه با این برادران پاسدار درگیر هستیم که بگذارید ما همچنان آزادی و طلبگی خود را حفظ کنیم. ما ضرر نمی‌کنیم و صدوقی هم ابداً ضرر نکرد. ولی برادران پاسدار می‌گویند ما وظیفه داریم و نمی‌توانیم. خدا می‌داند اگر این جنایت‌های منافقین می‌دید که چگونه رئیس‌جمهور و دیگران پیش شما ملت می‌آمدند و با شما صحبت می‌کردند، اینها می‌گویند سوار این ماشین‌ها بشوید تا این‌که بروید پیش آقای صدوقی، پیش آقای بهشتی؛ ما دوباره دولت موقت تشکیل دهیم. اینها در پی دولت موقتند.

اینها شاهشان در مصر است و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیرشان در فرانسه است و دولتشان را هم به اصطلاح تشکیل داده‌اند. اینها منتظر هستند تا این ۳-۲ نفر که دارند به مملکت خدمت می‌کنند، از ماشین‌هایشان بیایند پایین و بروند پیش آقای مدعی، تا اینها دولت موقت تشکیل بدهند. آن دولت موقتی که ۹ ماه تمام جنایت کرد و خدا می‌داند که چه جنایت‌هایی به ایران کرد!

من یک‌وقت از همین تریبون یک سری مسائل در رابطه با دولت موقت گفتم که بعضی گفتند چرا گفتی و بعد متوجه شدند که درست بوده است.

نهضت آزادی اشکال کرده که چون شما در ماشین‌های ضدگلوله می‌نشینید، پس مردم با ما هستند.

بعد در جای دیگر این نامه نوشته شده که:

– اول سؤال مردم همان‌ها که در انقلاب علاقه و وحدت نشان دادند، این است که گردانندگان و سیاستمداران در این ۳ سال غیر از خانه‌خرابی و لبریز شدن زندان‌ها و قبرستان‌ها و کمبود و گرانی و غیر از آیندهٔ تاریک، چه ارمغانی آورده‌اند؟

ما اعتراف داریم که قبرستان‌های ما زیاد شده و خیلی شهید داده‌ایم و خرابی هم زیاد شده است.

قصرشیرین و هویزه و خونین‌شهر را خراب کرده‌اند. و ما همهٔ آن کشته‌ها و خرابی‌ها را قبول داریم و هم گرانی و کمبودها را، ولی من از وجدان آنها می‌پرسم: اینها را دولت فعلی و جمهوری اسلامی کرده است؟ آیا جمهوری اسلامی هویزه و خرمشهر را نابود کرده و این شهدا را این‌جا می‌کشند.

آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی همان است که از مردم خواهش کرد تو را به خدا مرگ بر فلانی نگویید و مردم هم گوش کردند و آن‌وقت می‌گویید این کشتار و خرابی‌ها را هاشمی کرده است؟! البته خرابی هست، ما انقلاب کردیم. ۶۰ – ۵۰ هزار آمریکایی را مفتضحانه بیرون کردیم و آبروی آمریکا را

در دنیا ریختیم. البته در مقابل این، آنها از ما خواهند کشت. اما بی‌انصاف‌ها! اینها را دولت کرد.

آقای نهضت اختناق! آقای نهضت اختناق و غیرآزادی! اینها را جمهوری اسلامی کرده؟ این‌که ایمان دارید یا ندارید، خدا می‌داند. اگر داشته باشید هم از آن ایمان‌هایی است که با خیلی چیزها می‌سازد. اما وجدان دارید؟ اینها را کسی کرده است که می‌گویید شما کرده‌اید.

مگر شما انقلاب‌های دنیا را ندیده‌اید که اکثراً قحطی زده شدند و تا ۱۵-۱۰ سال از انقلابشان گذشته و نان گیرشان نمی‌آمد و الحمدلله بر اثر دولت ما آن قحطی وضع قابل تحمل به وجود نیامد. خوب یک مقداری کمبود هم هست. گرانی هم هست، ولی آن را دولت نکرده، بلکه دولت سعی نموده است این مملکت را در یک حالت متساوی نگه دارد. این مطلب را یا در جهل و نادانی نوشته‌ای یا روی مرض و غرض؛ و حق مطلب این است که شما روی مرض و غرض این نامه را نوشته‌اید.

اینها خواسته‌اند مسأله‌های جزیی لازمه را به میان بکشانند و ملت را به این جزییات مشغول کنند تا مردم از جبههٔ جنگ با آمریکا غفلت کنند؛ چون می‌بینند دارد ایران پیروز می‌شود و منافع آمریکا سخت به خطر افتاده است.

ریگان اکنون دارد می‌سوزد. پدر آمریکا را درآوردیم. البته آمریکا هم شما را در انحصار قرار می‌دهد، چرا اینها را به دولت و مردم نسبت می‌دهید؟

امیدوارم ان‌شاءالله عقلتان اگر ممکن باشد در مغزتان برگردد. بفهمید چه حرف‌هایی می‌زنید و گفته، جز آیندهٔ تاریک از دولت ایران چه می‌بینند؟ چه آیندهٔ تاریک؟!

این همان حرف سابق شما است که گفته بودید مملکت به بن‌بست رسیده و امام فرمودند خودتان به بن‌بست رسیده‌اید.

ایران هیچ طوری نشده. **ما معتقدیم ایران آینده‌ای روشن دارد.** روشن‌تر از آفتاب و ان‌شاءالله انقلاب ایران دارد سرایت می‌کند به دنیا و دنیا به حرکت افتاده است. **ما هرچه می‌کنیم برای خدا و اسلام است.** فرض کنید همهٔ ما را هم بکشند، آیندهٔ او هم تاریک بود، آیندهٔ ما هم تاریک است. **آیندهٔ نهضت آزادی تاریک است.** این را قبول داریم.

ایشان همچنین در صفحهٔ ششم نوشته‌اند که:

- البته مدافعینی هستند که افتخار می‌کنند حجاب همانی شده و نماز جمعه عمومیت یافته و مظاهر کفر و گناه از ایران انقلابی رخت بربسته است. اینها هست، اما عبادت و اطاعت ظاهری یک پول پیش خدا ارزش ندارد.

یعنی می‌گوید این همه جمعیتی که در نماز جمعهٔ تهران جمع شده‌اند و این همه مردم که الآن بر روی زمین خیس نشسته‌اند، همهٔ اینها را پاسداران آورده‌اند.

مثل این‌که ایشان این آیهٔ:

لا إِكْراهَ فِی الدِّین[۱]

را هم نفهمیده. مگر اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر را درجات قرار نداده؟

دولت اسلامی همه را باید وادار نکند که گناه در جامعه نباشد. پس اگر عرق و شراب و قمار از کشور اسلامی برداشته شد، این مخالف لا إِكْراهَ فِی الدِّین معنایش این است. اگر در دستورات اسلام پیاده شود این مخالف لا إِكْراهَ فِی الدِّین است؟ لا إِكْراهَ فِی الدِّین معنایش این است که اعتقاد قلبی به‌الله نمی‌تواند اجباری باشد، اما حکومت اسلامی به عمل وا می‌دارد.

بی‌انصافی است که بگوییم این نماز جمعهٔ شهرستان‌ها همه‌شان اجباری است.

این آقا چنین می‌فرماید. می‌خواهد بگوید که این نماز جمعه‌ها پیش خدا یک پول ارزش ندارد. فقط ارزش مال نماز مهندس و آقای فلانی است. پس نماز نهروانی‌ها هم خیلی ارزش داشت. همان نمازهایی که حضرت علی(ع) گردنشان را زد. برای من این مسلم شده که بعضی از مغزها که تشکل پیدا کرده، قالب‌هایش از واشنگتن آمده و دیگر این مغزها درست‌شدنی نیست، مگر این‌که قالب‌های درست شده را امام زمان(عج) درست کند.

بندرعباس:

نماز عبادی، سیاسی و دشمن‌شکن جمعهٔ این هفتهٔ بندرعباس همچون هفته‌های پیش با شرکت عدهٔ کثیری از امت حزب‌الله و به **امامت حجت‌الاسلام احمدی امام جمعه و نمایندهٔ امام** در محل مسجد امام این شهر برگزار گردید.

به گزارش رسیده سخنران قبل از خطبه‌ها **برادر علامه‌زاده مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** بود،که با اشاره به انفجار بمب در خیابان ناصرخسرو قسمتی از جنایات منافقین را تشریح کرد.

آنگاه امام جمعهٔ بندرعباس به ایراد خطبه‌های نماز پرداخت و در خطبهٔ اول پیرامون ربا، غصب اموال، گران‌فروشی، کم‌فروشی و احتکار سخن گفت.

در خطبهٔ دوم ضمن اشاره به **پیروزی‌های رزمندگان اسلام** به تشریح قسمتی از **جنایات منافقین که همزمان با این پیروزی‌ها صورت گرفت**، پرداخت.

حجت‌الاسلام احمدی سپس به فرا رسیدن ماه محرم‌الحرام اشاره کرد و گفت:

– در این ماه تبلیغات باید به روش اسلامی و مستقیماً زیر نظر روحانیون انجام گیرد.

۱– سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۶ – در دین هیچ اجباری نیست.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعهٔ باختران:

رزمندگان اسلام همهٔ دلبستگی‌های خود را در راه الله فدا می‌کنند

نماز عبادی سیاسی جمعهٔ این هفته در باختران با شرکت انبوه مردم نمازگزار و مؤمن و گروهی از رزمندگان داوطلب اعزام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل با شکوه فراوان به **امامت آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعهٔ باختران** در میعادگاه همیشگی عاشقان راه الله مسجد جامع برگزار شد.

به گزارش رسیده آیت‌الله اشرفی اصفهانی در خطبهٔ اول نماز این هفته با تفسیر آیاتی از قرآن کریم به مبارزات مسلمانان صدر اسلام علیه کفر و بت‌پرستی اشاره کرد و ضمن تقدیر از رزمندگان سلحشور جبهه‌های نبرد گفت:

– آن ترکیبی که فعلاً ما از ارتش، سپاه، بسیج، عشایر غیور، ژاندارمری و شهربانی داریم در تاریخ دنیا کم‌سابقه و یا بی‌سابقه است.

پیوند این نیروها به همدیگر و **مقاومت آنها در راه اسلام و در مقابل کفار** آن‌طوری که قرآن به ما فرموده، **فقط می‌توان در صدر اسلام دید.**

اینها ۲ سال است که با متجاوزین کافر در حال پیکار هستند و شما می‌بینید که چگونه از جنگ و شهادت استقبال می‌کنند و همهٔ دلبستگی‌های خود را در راه الله فدا می‌کنند.

دشمن به اینها می‌گوید دیوانه؛ بلی، اینها دیوانه و عاشق امام حسین(ع) [هستند] و همین‌ها بودند که در جبهه‌های غرب به حول و قوهٔ الهی در یک حمله حدود ۱۵۰ کیلومترمربع از خاک کشورمان را از اشغال صدامیان بیرون آوردند.

امام جمعهٔ باختران آنگاه ضمن تفسیر آیه‌هایی از کلام‌الله مجید به یاری خدا به سپاهیان اسلام در نبرد علیه کفار اشاره کرد و با این گفته که **امام زمان(عج) در جبهه‌های نور علیه ظلمت سپاهیان ما را فرماندهی می‌کند** [به تبیین این عنایت‌ها و حمایت‌ها اشاره کرد].

امام جمعهٔ باختران در خطبهٔ دوم با اشاره به **عمل وحشیانهٔ بمب‌گذاری در تهران** این عمل غیرانسانی را محکوم کرد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۶۰ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شرایط ایران برای پایان جنگ**

امضا: **وزیر امور خارجه، علی‌اکبر ولایتی**

وزیر امور خارجه هنگام ترک تهران:

تا زمانی که حقوق حقهٔ ما تأمین نشود،

هر گونه قبول آتش‌بس به منزلهٔ به رسمیت شناختن متجاوز است

آقای علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجهٔ کشورمان به منظور شرکت در **سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد** صبح دیروز در رأس هیأتی عازم نیویورک شد.

وزیر امور خارجه پیش از ترک تهران در گفتگویی اظهار داشت که در اجلاس سالانهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مسئولین سیاسی کشورها نظرات دولت‌های متبوع خود را در رابطه با مسائل جاری جهان بیان می‌کنند و از جمله مسائلی که در اجلاس کنونی عنوان می‌شود، مسألهٔ خاورمیانه به ویژه حملهٔ وحشیانهٔ اسرائیل به لبنان و حمایت بی‌دریغ آمریکا از این تهاجم و همکاری وابستگان به امپریالیسم جهانی با اسرائیل است.

وزیر خارجهٔ کشورمان افزود:

– در این اجلاس همچنین مسألهٔ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل قرار دارد. البته **شورای امنیت این سازمان قبلاً یک جلسهٔ غیرقانونی تشکیل داده** و بی‌توجه به ستم‌هایی که در این جنگ بر ملت مظلوم ایران وارد آمده و بدون در نظر گرفتن این حقیقت که

رژیم عراق که بانی این جنگ بوده است، درخواست آتش‌بس کرده، در حالی‌که **همهٔ جهانیان می‌دانند بر اثر تهاجم عراق بسیاری از شهرها و روستاهای ما منهدم و میلیون‌ها تن آواره شده‌اند و همچنین ده‌ها هزار شهید و مجروح داشته‌ایم.**

دکتر ولایتی گفت:

– دربارهٔ شرایط ایران برای خاتمهٔ جنگ **نیروهای عراقی باید بدون قید و شرط از نقطه‌ای که جنگ را شروع کرده‌اند، به عقب بروند و خسارت‌های ما پرداخت شود و مشخص گردد که متجاوز کیست و تا زمانی که حقوق حقهٔ ما تأمین نشود، هرگونه قبول آتش‌بس به منزلهٔ به رسمیت شناختن متجاوز است.**

وزیر امور خارجه گفت:

– در اجلاس امسال مجمع عمومی سازمان ملل پیرامون مسألهٔ نامیبیا که از زخم‌های کهنهٔ بشریت است و همچنین قربانی‌هایی که در آمریکای لاتین می‌گذرد، بحث خواهد شد و ما در این اجلاس از هیچ فرصتی برای مذاکره با کشورهای دوست خودداری نخواهیم کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی وزیر امور خارجهٔ کشورمان هنگام ترک تهران در فرودگاه مهرآباد از سوی **آقای عزیزی قائم‌مقام وزارت امور خارجه، آقای لواسانی مدیرکل سیاسی امور آسیا و آفریقای این وزارتخانه** بدرقه شدند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۶۱** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **سفر برادر رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به فیروزآباد و جهرم**

امضا:

شیراز، واحد مرکزی خبر:

به گزارش واحد مرکزی خبر **برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران** بامداد روز پنج‌شنبه وارد فیروزآباد شد و مورد استقبال مردم و عشایر مسلمان و همیشه در صحنهٔ این شهرستان قرار گرفت.

وی پس از ورود، از مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شهربانی و هنگ ژاندارمری فیروزآباد دیدن کرد و طی سخنرانی‌هایی در این مکان‌ها، لزوم وحدت هرچه بیشتر نیروهای نظامی و انتظامی را یادآور شد.

فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران سپس در اجتماع مردم عشایر و دانش‌آموزان فیروزآباد، که در میدان این شهر حضور یافت و سخنانی با تأکید بر توجه خاص دولت به وضع عشایر، آنان را درجهت تلاش و کوشش باز هم گسترده‌تر برای به ثمر رساندن اهداف جمهوری اسلامی ایران ترغیب کرد.

بـرادر رضائـی و همراهان مقارن ظهـر پریروز فیروزآباد را به قصد شهرستان جهرم ترک کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۶۲** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **نامه و یادداشت تحلیلی آن**

موضوع: **درخواست بخشش برای خیانتکاران و کودتاگران**

امضا: **سیدکاظم شریعتمداری**

نامهٔ شریعتمداری به رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش

نامه‌ای که به خط و امضای **سیدکاظم شریعتمداری** می‌باشد و در تاریخ ۵ مهر ۶۱ نوشته شده و برای **حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری** ارسال گردیده، دیروز به دست ما رسیده:

بسمه تعالی

۵ مهرماه ۱۳۶۱

رئیس انقلابی دادگاه انقلاب ارتش

حجت‌الاسلام جناب آقای محمدی ری‌شهری دامت افاضاته

بعدالتحیه والسلام.

چنان‌چه می‌دانید اینجانب به جمهوری اسلامی رأی علنی (آری) داده‌ام و رهبریت آیت‌الله العظمی آقای خمینی دامت برکاته را پذیرفته بوده و هستم و **اینجانب با افراد ضدانقلاب و گروه‌های آنها در داخل و خارج هیچ نوع ارتباطی ندارم** و رفتار و گفتارهایی که از آنها منتشر می‌شود، تکذیب می‌کنم و خیانت می‌دانم و **اشخاصی از قبیل مسعود رجوی، رضا پهلوی، بنی‌صدر، اشرف پهلوی، بختیار، احمد مدنی، اویسی، علی امینی، حسن نزیه، مقدم مراغه‌ای و گروه‌ها و سازمان‌هایی امثال منافقین خلق، کومله، فداییان خلق، توده‌ای‌ها، سلطنت‌طلب‌ها، دمکرات‌ها،**

جبههٔ ملی وحزب منحلهٔ خلق مسلمان را محکوم نموده و خائن می‌دانم و وابسته به شرق و غرب می‌دانم و از جناب‌عالی تقاضا می‌کنم که داماد این جانب آقای احمد عباسی را که به نظر من فردی متدین و باایمان است، چنان‌چه گول **افراد خائن و بی‌وطنی از مربوطین قطب‌زاده معدوم** را خورده، مورد عفو قرار دهید و در این خصوص قبلاً از حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی دامت برکاته برای وی تقاضای عفو و بخشودگی نمودم که امیدوارم مورد قبول واقع شود؛ ان‌شاءالله و **اینجانب نیز در رابطه با قضیهٔ قطب‌زاده که مطالبی از سیدمهدی مهدوی گوش کرده بودم و در اطلاع دادن آن به مقامات مربوطه مسامحه نموده‌ام، نادم بوده و از ملت دلیر و مبارز ایران عذر خواسته و از درگاه خداوند متعال طلب عفو و آمرزش می‌نمایم** و البته به حسن‌آقا شریعتمداری که در خارج هستند توصیه خواهم کرد که تحت تأثیر اشخاص وطن‌فروش مذکور و دیگر افراد ضدانقلاب واقع نگردد و با آنها هیچ‌گونه ارتباطی نگیرد.

سیدکاظم شریعتمداری

در حاشیهٔ نامهٔ شریعتمداری

هنگامی که **نامهٔ شریعتمداری به حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری** رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش به دستمان رسید، **۴ نکته بیش از هر چیز نظر ما را به خود جلب کرد** که خوب است آنها را با خوانندگان عزیز هم در میان بگذاریم. هر چند که ذهن هر کس به مجرد خواندن این نامه متوجه همین نکات خواهد شد.

این نکات عبارتند از:

۱- توقع شریعتمداری از دادگاه انقلاب اسلامی ارتش مبنی بر عفو احمد عباسی (داماد او) چیزی نیست که از سوی این دادگاه قابل پذیرش باشد. **زیرا دادگاه اسلامی نمی‌تواند مجرم را به خواهش این و آن عفو کند.** به خصوص که در این مورد با توجه به این‌که هم‌دستان احمد عباسی هر یک به کیفری به تناسب جرمشان رسیده‌اند، **پذیرش تقاضای شریعتمداری توسط دادگاه یک تبعیض است و هیچ‌گونه مجوزی ندارد.**

سابقهٔ روشن دادگاه‌های انقلاب اسلامی از جمله دادگاه انقلاب اسلامی ارتش این اطمینان را برای همه به وجود آورده است که مطمئن باشند همهٔ احکام آن بر اساس عدالت صادر می‌شود و در این مورد نیز **حکم دادگاه به تناسب جرمی که عباسی مرتکب شده است، صادر خواهد شد.**

۲- به همین تناسب، این سؤال پیش می‌آید که **چرا شریعتمداری فقط برای داماد خودش**

تقاضای عفو کرده و هم‌دستان او را مشمول این محبت! خود قرار نداده است؟

آیا می‌توان از کسی که مدعی مرجعیت است، انتظار داشت که به فکر نجات داماد مجرم خودش باشد و حال که بر خلاف بدیهی‌ترین اصول اسلامی و انسانی چنین تقاضایی را می‌کند، باز هم با چنین تبعیضی مرتکب خلاف دیگری شود؟ مهم‌تر آن‌که **شریعتمداری با نوشتن این نامه بار دیگر به جرم خود اعتراف کرده** و عجیب این است که در عین‌حال می‌خواهد شفاعت یک مجرم دیگر را هم بکند.

۳- کسی که این همه ضعیف‌النفس است که به خاطر نجات شوهر دختر خود حاضر است چنین نامه‌ای بنویسد و به کلیهٔ اعمال خلاف خود اعتراف نماید و این‌چنین اظهار عجز کند، صلاحیت چه چیزی را می‌تواند داشته باشد؟

آیا کسی می‌تواند باور کند که نویسندهٔ این نامه همان کسی است که مدعی رهبری انقلاب بوده و خود را مرجع تقلید می‌دانست؟

کسی که این همه دچار ضعف نفس است، از انقلاب چه بهره‌ای می‌تواند داشته باشد؟

۴- جالب‌ترین نکته، **مسألهٔ خلق مسلمان** است.

مردم، خاطرهٔ تلخ خلق مسلمانی‌ها در تبریز و چماقداری‌های آنها در قم در روز ۱۴ دی‌ماه ۱۳۵۸ را هنوز در ذهن دارند.

هنوز از یادمان نرفته است که **شریعتمداری در واقعهٔ خیانت‌بار خلق مسلمان در تبریز** همچون کسی که برگ برنده را در دست دارد، **به فرستادگان شورای انقلاب گفتــه بود:**

- اگر رئیس دادگاه انقلاب، امام جمعهٔ تبریز و استاندار آذربایجان را بردارید،

و اختیار تعیین جانشینان آنها را به من بدهید،

من حاضرم به خلق مسلمانی‌ها دستور بدهم غایله را بخوابانند!!

و حالا بنگرید که همین شخص چگونه در نامهٔ عاجزانهٔ خود، حزب منحلهٔ خلق مسلمان را محکوم می‌کند!

به یاد بیاورید نامهٔ شریعتمداری به اهالی خلخال را که در آن حزب خلق مسلمان را در ردیف احزاب اسلامی قلمداد کرده و مخالفت با آن را همکاری با ضدانقلاب دانسته و **تهدید کرده بود که اگر مخالفین آن حزب آمریکایی دست از مخالفت برندارند، او به وظیفهٔ شرعی! خود عمل کرده و اعلامیهٔ مناسب حال آنان خواهد داد!** و جالب‌تر آن‌که ادامه می‌دهد که:

- «همهٔ مؤمنین در هر کاری باید خدا را در نظر بگیرند».

گویی که مخالفین خلق مسلمان با خدا کاری نداشتند و این فقط خلق مسلمانی‌ها بودند

که با خدا رابطه داشتند.

راستی چرا شریعتمداری خودش به این توصیه عمل نکرد و تا مرز توطئه برای براندازی جمهوری اسلامی پیش رفت و پس از آن‌که همه‌چیز لو رفت به اظهار ندامت روی آورد؟

درست مانند انحلال حزب خلق مسلمان که او پس از برملا شدن ماهیت آمریکایی آن اقدام به اعلام آن کرد.

به هر حال، این نامهٔ شریعتمداری و نامهٔ او به اهالی خلخال مبنی بر توصیهٔ اکید نسبت به حزب خلق مسلمان و تهدید نسبت به مخالفین آن، به عنوان اسنادی گویا و زنده در تاریخ این انقلاب باقی خواهند ماند تا به نسل‌های آینده نشان دهند که چه کسانی مدعی این انقلاب - که مردم با خون خود نهال آن را پروردند- بودند و این سخن خدا حق است که:

إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً[1]

[آری، باطل همواره نابودشدنی است.][2]

۱- سورهٔ اسرا، آیهٔ ۸۱

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۶۳ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **حزب توده و موضع‌گیری‌های مزورانه و خیانت‌بارش**

امضا: **نشریهٔ امید انقلاب**

امیدهای آیندهٔ ابرقدرت‌ها چه جریاناتی هستند؟

بسم الله الرحمن الرحیم

برادران و خواهران دانش‌آموز، عزیزان امام، امیدان انقلاب!

امیدواریم همچنان در نبردی که در سنگر مقدس مدرسه علیه جهل و استعمار و استکبار جهانی آغاز نموده‌اید، کوشا و تلاشگر باشید و با عنایت به خدای تبارک و تعالی پیروزی را نصیب جبههٔ اسلامی سازید.

شما نیز حتماً همانند ما در روز اول مهرماه به پیام امام عزیز گوش فرا داده‌اید و مطلع شده‌اید که سفارش‌ها و توصیه‌های امام برای نسل جوان و دانش‌آموز چه بود.

پیام امام ۳ ماده داشت که مادهٔ اول خطاب به دانش‌آموزان، مادهٔ دوم خطاب به معلمین و دست‌اندرکاران آموزشی و مادهٔ سوم خطاب به اولیای محصلین بود. در هر ۳ ماده ۲ مطلب مهم به طور مشترک به دانش‌آموزان و معلمین و اولیا تذکر داده شده است و این خود نشان‌دهندهٔ اهمیتی است که مقام رهبری برای این ۲ مطلب قایل هستند و نیز نشان‌دهندهٔ این‌که امام با بینش عمیقی که دارند، انجام این ۲ مطلب را در برههٔ فعلی تکلیف اصلی دانسته‌اند.

و ما نیز به پیروی از امام، به عنوان یک نهاد دانش‌آموزی، سعی‌خواهیم کرد تا این ۲ مطلب

را بیشتر شکافته و جنبه‌های گوناگون آن را توضیح دهیم.

در مورد مطلب اول یعنی **کوشش بیشتر در امر آموختن علم و پیشرفت در دروس و مطالب آموزشی** در مبحثی دیگر به بررسی خواهیم نشست.

اما در مورد مطلب دوم که **خط انحراف در قشر تحصیل‌کرده** می‌باشد و امام راجع به آن خطاب به دانش‌آموزان می‌گویند:

«از خود و دوستان کاملاً مراقبت نمایید تا در ابعاد مختلف چه بعد اعتقادی و چه ابعاد دیگر، صراط مستقیم را بپیمایید.

زیرا گرایش به یکی از مکتب‌های انحرافی و نیز وابستگی فکری و عملی به غرب و شرق، اگرچه بسیار کوچک،

نه تنها خودتان را نابود می‌کند که در صورت سهل‌انگاری - ولو در درازمدت- ،

به دیگران سرایت خواهد کرد؛

و همهٔ ما در پیشگاه خداوند متعال و نسل‌های آینده مسئول خواهیم بود.»

و خطاب به معلمین می‌گویند:

«فرزندان عزیزتان را در سر کلاس‌ها به صورتی تربیت نمایید که:

وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند،

جوانان برومندی تحویل جامعه گردند که:

با تمام وجود معتقد باشند که:

آن‌چه بدبختی داشتند،

از ابرقدرت‌های شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است.»

و خطاب به اولیا می‌گویند:

«نقش مادران و پدران درحفظ فرزندانشان در سنین دبستان و دبیرستان بسیار مهم و ارزشمند است،

باید توجه داشته باشند که:

فرزندانشان در سنینی هستند که با یک شعار گمراه‌کننده،

فریب می‌خورند و خدای ناکرده به راهی قدم می‌گذارند که:

جلوگیری از آن از هیچ‌کس ساخته نیست.»[1]

در این مقوله به کنکاش و بحث و بررسی می‌پردازیم.

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۷، ص ۱- ۱ مهر ۱۳۶۱/ ۵ ذی‌الحجه ۱۴۰۲



خط شرقی

از آن‌جایی که جناح‌های وابسته به خط شرقی در آستانهٔ سال تحصیلی جدید به تلاشی گسترده برخاسته‌اند و به اصطلاح به اعضای خود بسیج عمومی داده‌اند که در مراکز آموزشی نفوذ کنند و همچنین اخیراً یک دستهٔ وابسته به خط غربی را همراه خود بالا کشیده و مطرح کرده‌اند، ابتدا به بررسی **خط شرقی و وابستگانش** می‌پردازیم و طبیعتاً در ادامهٔ بحث به جریانی در خط غرب که اخیراً توسط خود همین **«خط شرقی‌ها»** علم شده است، می‌رسیم و ضمن بررسی خطرات گروهک‌های شرق‌زده، ترفندها و خطرات هم‌سنخ‌های غرب‌زده‌شان را نیز بازگو می‌کنیم.

حزب توده

تحلیل حرکات حزب توده به عنوان قوی‌ترین تشکیلات شرقی (روسی) و فعال‌ترین آنها در حال حاضر می‌تواند استراتژی کلی این طیف را بیان کند.

حزب توده با سوابق درخشانی! (حداقل این سوابق پیوستن اکثریت کمونیست‌های انقلابی!! کادر مرکزی حزب توده به رژیم آمریکایی شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد و تقویت و سازماندهی ساواک و دیگر ارگان‌های رژیم علیه مردم مسلمان و مستضعف میهنمان و فرار باقی‌ماندهٔ کادر مرکزی به آغوش کشورهای کمونیستی و خالی کردن میدان مبارزه و نظاره بر جنایات رژیم شاه می‌باشد) که دارد و همه کمابیش از آن مطلع‌اند، احتیاج چندانی به ذکر سوابق و معرفی ندارد. نهایت و سرانجام تلاش‌های حزب توده این است که ایران نیز به عنوان یکی از ایالت‌های روسیهٔ شوروی در بیاید و این موضوع را حزب توده به صراحت در جزوهٔ پرسش و پاسخ ۶۱/۱/۱۴ بدین ترتیب بیان می‌کند:

- «به نظر ما در دنیای امروز استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور بدون همبستگی با جبههٔ عظیم و نیرومند ضدامپریالیستی امکان‌پذیر است».

که البته منظور از **«جبههٔ عظیم و نیرومند ضدامپریالیستی»** همان‌طور که آقایان در دیگر صحبت‌هایشان شرح می‌دهند، **«روسیهٔ شوروی»** می‌باشد.

حزب توده در هر جا که صحبت شود، از مدینهٔ فاضله‌ای به نام روسیهٔ شوروی سخن رانده و شرط ادامهٔ حیات جمهوری فعلی را در اتحاد آن با روسیه می‌دانند. از این‌رو هدف حزب توده احتیاج به تبیین افزون‌تری نداشته و کاملاً روشن می‌باشد.

مهم روش‌های مختلفی است که اینان در نیل به این هدف به آن تمسک می‌جویند،

عبارتند از.

طرح اولیه

حزب توده رابطهٔ مستقیم و تنگاتنگی با سازمان اطلاعاتی روسیه (ک‌گ ب) داشته و از کلیهٔ تحلیل‌ها و اطلاعات مربوط به ایران این سازمان به طور وسیع استفاده می‌کند.

سازمان (ک‌گ‌ب) نیز به دلیل این‌که ایران در زمان شاه یکی از پایگاه‌های مهم آمریکا در منطقه بود، به خاطر خطری که در بیخ گوشش حس می‌کرد، با صرف بودجه و نیروی فراوان اقدام به ایجاد شبکه‌های گستردهٔ جاسوسی در ایران نمود و در رژیم سابق شاهد بودیم که هر چند گاه یک‌بار از شبکه‌های جاسوسی روسیه در مراکز مختلف و حتی در رده‌های بالای ارتش کشف می‌شد که حاکی از تلاش روزافزون (ک‌گ‌ب) برای نفوذ در سیستم حاکم بود.

وجود این شبکه‌های جاسوسی باعث می‌گشت که روسیه اطلاعات محرمانه و سرّی فراوانی از اوضاع رژیم و وضعیت جناح‌های مخالف و موافق آن به دست بیاورد که مجموعهٔ این اطلاعات منبع تغذیهٔ اصلی حزب توده را تشکیل می‌دهد.

حزب توده پس از پیروزی انقلاب مأمور گشت که زمینه‌های جایگزینی شوروی را به جای آمریکا که اینک از ایران بیرون رانده شده بود، بررسی نماید.

حزب توده با فعالیت علنی و سازمان (ک‌گ‌ب) با فعالیت مخفی بررسی‌هایی را انجام دادند که نتیجه‌ای بسیار مأیوس کننده را به دنبال داشت.

البته لازم به تذکر است انقلاب اسلامی همان‌گونه که سیستم‌های اطلاعاتی آمریکا را غافلگیر ساخته و درهم پیچیده و کلیهٔ پیش‌بینی‌های آنان را نقش برآب ساخت، به سازمان‌های اطلاعاتی روسیه نیز اجازهٔ تحلیلی صحیح و نزدیک به واقعیت را نداد.

روس‌ها پنداشته بودند با آن شتاب عظیم ضدآمریکایی که موج انقلاب در بطن خود دارد، حتماً پس از پیروزی و بیرون راندن آمریکایی‌ها به خاطرخلأ نبود متخصصین اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مستشاران نظامی آمریکایی، ایران به دامان روسیه پناهنده شده و خواستار پر کردن این خلأها از سوی آن ابرقدرت خواهد شد.

اما تحلیل‌ها و بررسی‌های مشترک حزب توده و سازمان (ک‌گ‌ب) بعدها حقایقی ناامید کننده را نمودار ساخت.

در ایران۲ جناح بیشتر وجود نداشت؛ یکی جناح آمریکایی بود که آمریکا طی سال‌های حاکمیت بر ایران آن را پدید آورده بود و این طیف قشرهایی از روشنفکران به ظاهر مسلمان

و سیاستمداران کهنه‌کار و چهره‌های محبوب ملی و حتی گروه‌های به ظاهر مبارز و انقلابی را دربر می‌گرفت که هیچ‌یک از اینها حتی تمایلی هم به روسیهٔ شوروی نداشتند و از این هم اسفناک‌تر!! گروه‌های کمونیستی بود که آنها هم توسط ایادی آمریکا تشکل یافته و مُبلّغ مارکسیسم آمریکایی و ضدروسی بودند.

خط امام و طیف گستردهٔ نیروهای مسلمان انقلابی و چهره‌های معروف ضدرژیم که سال‌ها در زندان‌های آریامهری به سر برده بودند و افراد متفکر و صاحب‌فکر و نظر که شاگردان قدیمی امام بودند، جناح دوم موجود در ایران را تشکیل می‌دادند.

این جناح به شدت با هر گونه وابستگی به شرق و غرب مخالفت کرده (نه غربی نه شرقی) و خواستار مطرح شدن اسلام در تمامی شئونات مملکت و اتخاذ رویه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر اسلام بوده و در این راه نه تنها اصالت به هیچ مکتب غیر نداده، بلکه ذره‌ای ارزش نیز برای این‌گونه مکاتب انحرافی در تصمیم‌گیری‌های خود قایل نمی‌باشد.

روس‌ها دریافتند که در ایران فقط همین ۲ جناح وجود دارند و افراد وابسته و طرفدار روسیه آن‌قدر اندک و ضعیف هستند که نام جناح را نمی‌شود بر آنها نهاد.

طبیعی بود که حزب توده در ابتدا نمی‌توانست به صورت یک جناح مستقل خود را مطرح کند، چرا که از یک تشکیلات منسجمی برخوردار نبود و نیز به شدت در جامعه و حتی در بین کمونیست‌های ایران منفور بود (و تقریباً بدترین ناسزا به یک کمونیست لفظ توده‌ای بود که آنها را سخت برمی‌آشفت).

«**خط شرقی**» دریافت نمود که در این‌چنین شرایطی لامحاله است و به ناچار متمسک به برنامه‌های طویل‌المدت گردید، بلکه در آینده بتواند با ایجاد یک قشر گستردهٔ کمونیست‌های روسی در ایران از موضع بهتری خواسته‌هایش را دنبال کند، و حزب توده بر این اساس فعالیت‌هایش را آغاز نمود. اما پس از مدتی کوتاه، سیاست تهاجمی و انقلابی و اسلامی انقلاب اسلامی با رشد و گسترش خویش در عمل نشان داد که به هیچ قدرت و ابرقدرتی باج نخواهد داد.

ایران اسلامی آمریکا را به خاطر جنایات بی‌شمار و مستمرش دشمن شمارهٔ یک خود قرار داده و به «**دیگران**» نیز اولتیماتوم شدید داد که اگر قصد ابراز وجود کنند، از نظر جمهوری اسلامی به دور نمانده و بی‌پاسخ نمی‌ماند.

اتخاذ این سیاست (سیاست نه غربی، نه شرقی) از سوی خط امام به منزلهٔ آب سردی بود که بر وجود هیجان‌زدهٔ ابرقدرت غرب و ابرقدرت شرق ریخته شد و به لرزه واداشتشان.

آمریکا و شوروی دریافتند که طمعشان برای ورود به ایران و در دست گرفتن این نقطهٔ حیاتی و استراتژیک جهان، خیالی موهوم بیش نبوده و جناح خط امام با گسترش حاکمیت خود، جلو هر ۲ آنها قد علم کرده و مبارزه‌ای را آغازیده است که نهایتش نابودی هر ۲ ابرقدرت خواهد بود.

انقلاب اسلامی تحول شدیدی را در خاورمیانه در جهت بیداری و به‌پاخاستن ملت‌های مسلمان شروع کرده بود که در صورت موفقیت و گسترش موج انقلاب اسلامی به این کشورها، خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین منبع تغذیهٔ هر ۲ ابرقدرت از دست هر ۲ آنها خارج می‌گشت. به علاوه روسیه خود ده‌ها میلیون مسلمان در مرزهایش با ایران داشت که انقلاب اسلامی در حال اشاعه در میان آنان بود.

در مورد این مرحله تحلیل‌های فراوانی وجود دارد، از جمله این‌که آمریکا و شوروی رسماً در جهت مقابله با انقلاب اسلامی متحد شدند. اما بدون در نظر گرفتن این‌که به فرض در این مورد آمریکا و شوروی تماسی با همدیگر داشته‌اند، روی این نکته می‌توان اذعان داشت که **هم آمریکا و هم شوروی در سیاست خارجی‌شان یک رویهٔ مشترک در پیش گرفتند:**

«تضعیف و در نهایت حذف جناح خط امام».

این وجه اشتراک سیاست آمریکا و شوروی در قبال انقلاب اسلامی در ۲ صورت گوناگون متجلی گشت.

سیاست آمریکا کاملاً مشخص است. آمریکا با طرح کودتاهای متعدد و تقویت گروه‌های ضدانقلاب و نفوذ دادن عناصری همچون بنی‌صدر و مدنی در درون حاکمیت و تجاوز غیر مستقیم نظامی توسط عراق و به راه‌اندازی تروریسم و غیره در این جهت فعالیت خود را آغاز نمود و هنوز هم با حیله‌هایی دیگر در ادامهٔ فعالیتش می‌کوشد.

اما شوروی!

این کشور تصمیم به مبارزه با خط امام گرفته بود؛ اما چطور؟

حزب توده یعنی تنها نمایندهٔ روسیه در ایران از ابتدا به شدت مورد تهاجم جناح آمریکایی موجود در ایران واقع شده و جناح خط امام نیز پی‌گیرانه با آن به مبارزه برخاسته بود و از این‌رو اگر حزب توده می‌خواست به طور مستقل در مقابل خط امام بایستد، دیگر هیچ مانعی برای این‌که مردم ریشهٔ حزب توده را از جامعه برکنند، باقی نمی‌ماند و امکان سازش و اتحاد با جناح خود را در اوج قدرت می‌دید و حاضر نبود با حزب بدنامی مانند حزب توده هم آواز شود، عملاً

موجود نبود.

ولی نیاز شدید روسیه برای تضعیف خط امام بالاخره آنان را به راه‌حلی رسانید.

حزب توده مأمور شد که با استفاده از نیروهای آمریکایی با جناح خط امام مبارزه کند. بدین‌طریق که با رشد دادن و تقویت کردن جناح‌های آمریکایی و تشدید تضاد آنان با خط امام، آنها را وادار به رودررویی با خط امام کرده و بدین‌طریق در طی این درگیری‌های فرسایشی، خط امام تضعیف شده و قدرتش را از دست بدهد و طبق تحلیل خودشان در این برخوردها جناح‌های آمریکایی حذف می‌شدند و خط امام آسیب‌های شدید می‌دید و در این بین حزب توده دست نخورده باقی می‌ماند.

اتخاذ این سیاست با دریافت این نکته بود که مردم به خصوص اقشار حزب‌اللهی نفرت و انزجار شدیدی از حزب توده دارند و این حزب در نزد مردم به مثابه موجود پلید و نجسی بود که به هر چیز هم که دست می‌زد، آن را نجس می‌کرد و بالعکس به خاطر وجود همین روحیه هر جریانی که مورد مخالفت حزب توده واقع می‌گشت، مردم به حمایت از آن جریان برمی‌خاستند.

به‌کارگیری تاکتیک

حزب توده ۲ فاکتور پیش رویش بود:

الف: از هر چیزی که حمایت کند، مردم نسبت به آن چیز بدبین می‌شوند.

ب: از هر چیزی که انتقاد کند یا به مخالفت با آن برخیزد، مردم از آن چیز حمایت خواهند کرد.

با به‌کارگیری این ۲ فاکتور حرکت جدید حزب توده آغاز گشت. ابتدا پوسترها و عکس‌های امام با آرم حزب توده و بعد جزواتی در حمایت از جمهوری اسلامی و سپس اعلام این‌که حزب توده از خط امام پشتیبانی می‌کند.

به‌کارگیری فاکتور «الف» در مبارزه با خط امام بود. حزب توده با هم موضع کردن خودش با خط امام می‌خواست افکار مردم ناآگاه یا دارای آگاهی اندک را نسبت به این جناح بدبین کند. که بله درست بود، شاه می‌گفت اگر من بروم شوروی خواهد آمد و... در این امر نیز تا حدودی در مواردی به یک موفقیت‌هایی رسید.

در مورد استفاده از فاکتور دوم و شگرد اصلی حزب توده با یک بررسی اجمالی می‌توان موارد متعدد آن را مشخص کرد.

حزب توده از همان ابتدا با حمایت از کاندیدای نیروهای خط امام برای ریاست جمهوری،

سبب شد که بنی‌صدر رأی بیشتری بیاورد و خیلی از افراد حزب‌اللهی به دلیل این‌که حزب توده، بنی‌صدر را رد کرده بود، به حمایت از وی برخاسته و به او رأی دادند.

این کار باز هم در انتخابات مجلس تکرار شد و دربارهٔ قطب‌زاده و بازرگان نیز همچنان این روش اعمال می‌شد.

از آن پس حزب توده با مهارتی که در به‌کارگیری این شگرد به دست آورده بود، بر سر هر مسأله‌ای که در مملکت پیش می‌آمد، زیرکانه به موضع‌گیری یا بهتر بگوییم به موذی‌گری می‌پرداخت و با حاد نمودن اختلاف‌ها زمینه‌های برخوردهای گوناگون را فراهم ساخته و افراد و جریانات ناسالم را با مخالفت خود قدرتمند می‌ساخت.

این رویهٔ توده‌ای‌ها گرمی بازار خود را با سقوط لیبرالیسم و خط سازش با غرب و جذب گروهک‌های منحرف، از دست داد و حتی خود این جریانات، یعنی انقلاب سوم و به روز وقایعی همانند شهادت ۷۲ تن و سایر مقامات مملکتی و دیگر جریانات تروریستی، عرصه را بر حزب توده سخت تنگ کرد. این حالت به دلیل به وجود آمدن احساسات شدید ضدگروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در مردم (به واسطهٔ ترورها و انفجارهای کور گروهک‌ها) بود.

در این شرایط بودکه با وجود **توقیف روزنامهٔ «مردم» ارگان رسمی حزب توده** و چند نشریهٔ دیگر وابسته به حزب توده و تخلیهٔ مراکز مهم حزب تودهٔ تهران و شهرستان‌ها توسط امت حزب‌الله، توده‌ای‌ها جرأت کوچک‌ترین اعتراضی نکرده و مسأله را به سکوت برگزار کردند، چرا که در وحشتی عظیم از خشم انقلابی «**تودهٔ مسلمان**» به سر می‌بردند و حزب توده که موقعیت را برای موذی‌گری‌های خود سخت خطرناک می‌دید، برای مدتی ظاهراً آرام گرفت تا به قول معروف آب‌ها از آسیاب بیفتد و زمینه دیگر بار مهیا شود.

ایران اینک در فضایی به سر می‌برد که حزب‌الله حاکمیت کامل یافته بود و دیگر نداهای مخالفت و تفرقه که از حلقوم دست‌نشاندگان آمریکا فریاد می‌شد، به گوش نمی‌رسید.

در این برهه باز هم (ک‌گ ب) با تجارب قبلی و مجموعهٔ گستردهٔ اطلاعاتی که داشت به مدد رسید و با هم‌فکری سران حزب توده، مقرر گشت همان روش‌های قبلی را درقبال حکومت نیروهای خط امام اجرا نمایند که آن هم نهایتاً باز مبتنی بر «**تضعیف و در نهایت حذف خط امام**».

باز حزب توده به این نتیجه رسید که هنوز باید تا «**دستور ثانوی!**» با همان۲روش قبلی برای مبارزه با خط امام و با هدف اشاعه و گسترش فساد و در درون خود حاکمیت که اینک حاکمیت یک دست خط امام بود، بپردازد و بالطبع با پدید آمدن این فسادها مردم نسبت به

خط امام بدبین و دلسرد شده و خط امام در حاکمیت خود تضعیف می‌شود و مانند قبل با استفاده از اطلاعات شبکه‌های جاسوسی (ک‌گ‌ب) نقاط ضعف جمهوری اسلامی را شناسایی کرده و قبل از آن‌که آن نقاط ضعف توسط نیروهای خط امام برطرف شود، با انجام همه نوع روش‌ها مانند افشاگری و... مانع از دفع آن ضعف توسط خط امام شده و خودبه‌خود این نقاط ضعف به مرور زمان افزون‌تر از یک نقطه شده و به سوی یک فساد بزرگ رشد می‌کنند و همچنین با ابراز واکنش در مقابل عوامل رشد انقلابی اسلامی مانع از اجرا و تحقق آنها گردد.

شیوهٔ کار

برای نیل بدین منظور در درجهٔ اول سازمان اطلاعاتی روسیه با بررسی‌های دقیق وضعیت جمهوری اسلامی و مقایسهٔ آن با وضعیت زمان شاه، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره عواملی را که موجب موفقیت و رشد به سوی کمال انقلاب اسلامی در این زمینه‌ها می‌گشت و نیز بعضی نقاط ضعف‌ها که موجود بود، شناسایی می‌کردند و آنها را در اختیار حزب توده قرار می‌دادند.

در این‌جا کار حزب توده شروع می‌شد. البته نه این‌که اینها آن نقطهٔ ضعف را و آن عامل رشد را به باد انتقاد بگیرند، نه! حزب توده هنوز آن ۲ فاکتور را که در جامعهٔ ما به قوت خود باقی است، از یاد نبرده، پس برای این‌که مردم نسبت به چیزی بدبین شوند، کافی است که حزب توده از آن پشتیبانی کند و آنها هم این کار را در نهایت تزویر و دورویی با تبلیغات وسیع انجام می‌دهند و عوامل رشد را مورد حمایت شدید خود قرار می‌دهند و بالعکس نقاط ضعف را به باد انتقاد می‌گیرند تا در مردم نسبت به این ضعف‌ها احساس مثبت به وجود آید.

بدیهی است اگر مسائلی نظیر مسألهٔ زمین، مسألهٔ مسکن، مسألهٔ سیستم آموزشی، مسألهٔ تجارت خارجی، مسألهٔ تعاونی‌ها، مسألهٔ شوراها و مسائلی از این دست حل شده و از سر راه برداشته شوند، ما در مراحل بسیار قوی‌تری از انقلاب اسلامی خود قرار خواهیم گرفت.

حزب توده تمامی این عوامل رشد، نظیر دادن زمین به کشاورزان و مسألهٔ مسکن و اصل ملی شدن تجارت خارجی و اصل تشکیل و گسترش تعاونی‌ها و اصل تشکیل شوراها و... را در جزوات و روزنامه‌ها و در دیوارهای شهرها مورد حمایت شدید تبلیغاتی خود قرار می‌دهند و آن‌چنان جوی می‌سازند که بسیاری از مردم می‌پندارند که این طرح‌ها، طرح‌های پیشنهادی حزب توده می‌باشد و طبیعتاً می‌توان حدس زد که موضع مردم در قبال مسائلی که از جانب کمونیست‌ها در این مملکت طرح شد، چیست! و در عین‌حال حزب توده با این حرکت خود

مستمسک خیلی خوبی به دست بهانه‌جویان می‌دهد که به دفاع از اسلام! برخاسته و خواستار حذف این‌چنین طرح‌های کمونیستی شوند و اساساً بعد از مدتی مردم فراموش می‌کنند که این اصول قانون اساسی را مجتهدین و علما و خبرنگاران کشور طرح و تصویب کرده‌اند و به موازات حمایت از عوامل رشد انقلاب، حزب توده برای جلوگیری از رفع نقاط ضعف جمهوری اسلامی، آن نقاط ضعف را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهند. این کار چند فایده برایشان دارد:

۱- مردم این نقاط ضعف را به خاطر حملات حزب توده، ضدکمونیستی تشخیص داده و نقطهٔ قوت می‌پندارند، که این خود یک حمایت مردمی برای حفظ آن نقطه ضعف را به دنبال خواهد داشت.

۲- قدرت انتقاد سالم از جامعه و خصوصاً مطبوعات سلب شده و اشخاص از ترس این‌که مبادا به حزب توده منتسب شوند، از انتقاد نقاط ضعفی که حزب توده روی آن انگشت گذاشته، خودداری می‌کند.

۳- ۲ اثر فوق باعث می‌شود که آن نقطهٔ ضعف یا اصلاً از بین نرود و یا دیرتر از بین برود و مانند بنی‌صدر و قطب‌زاده برای از بین رفتنشان بهای سنگینی چون ۷۲ تن شهید امت حزب‌الله بپردازد.

۴- در نهایت کار پس از این‌که آن نقطهٔ ضعف هم با بهای سنگینی از بین رفت، این‌بار حزب توده با تبلیغات گسترده، خودش را یکی از عوامل افشای آن نقطه ضعف محسوب‌کرده و از این طریق سعی می‌کند حزب خود و خط خود را موجه نشان داده و مقبولیت مردمی کسب کند.

در حالی که **خواست امام امت** غیر از این است و ایشان تعیین می‌کنند که:

«باید مطالب نشریات،

رویهٔ انتقاد سالم و مصلحت‌اندیشی و هدایت باشد.»[1]

در حالی که هر نقطه ضعفی که بروز می‌کند و می‌رود تا نیروهای خط امام آن را شناسایی کنند، بلافاصله (ک‌گ‌ب) آن را در اختیار حزبش قرار می‌دهد و آنها نیز در بوق‌های خود می‌دمند و بنای تاختن به آن را می‌کنند. و چون اکثراً برای بار اول نسبت به هر موضوعی حزب توده انتقاد را شروع می‌کند، مطبوعات از پی‌گیری خط حزب توده و تکرار آن انتقاد در نشریات اسلامی خودداری می‌کنند. در صورتی که **«انتقاد سالم و مصلحت‌اندیشانه» عامل رشد انقلاب بوده و به معنای ذکر برای مسئولین می‌باشد و عدم وجود انتقاد سالم خود عاملی بر گسترش ضعف‌هاست.**

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۴، ص ۳۸۳ - ۱۰ خرداد ۱۳۶۰/ ۲۶ رجب ۱۴۰۱



ابراز قدرت

حزب توده در فاصلهٔ ۳ سال و نیمی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد تا کنون علاوه بر این‌گونه موذی‌گری‌های شیطانی مشغول کادر سازی و جذب نیرو نیز بوده و با تعداد نیرویی که جمع‌آوری کرده، طرح‌ریزی‌هایی را نیز برای نفوذ در ادارات و نهادهای مختلف انجام داده که نفوذ در آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رادیو و تلویزیون در رأس سایر برنامه‌ها قرار دارد. چنان‌چه اخیراً با بازرسی از کیف یک زن عضو حزب توده نوشتهٔ جاسازی شده‌ای که شامل رهنمودهای حزب به اعضایش می‌باشد، به دست می‌آید. دستورالعمل‌های موجود در این برگه موارد متعددی را دربر می‌گیرد که مهم‌ترین آنها شاید بند ۳ و ۴ باشد:

«۳ـ کار بر روی انجمن اولیا و مربیان مدارس

۴ـ کار برای تشکیل انجمن صنفی در مدارس».

علاوه بر این فعالیت‌ها که حاکی از بسیج نیروهای حزب توده برای نفوذ و به دست گرفتن امور در جاهای مختلف می‌باشد، «**حزب**» هر از چند گاهی خودی نشان می‌دهد و به خیال خودش یک گام در مقابل خط امام پیشروی می‌کند و امتیاز گرفته و قدرتش را تحکیم می‌بخشد.

برای نمونه بد نیست به چند مورد که در جزوهٔ پرسش و پاسخ ۶۱/۲/۶ از سوی حزب توده عنوان شده، اشاره کنیم. در این جزوه حزب توده در چند جا مسئولین مملکتی را تهدید کرده و چند مورد هم آنها را مورد توهین قرار داده است. در صفحهٔ ۱۹ این جزوه حزب توده یک گام پیش می‌آید و مسئولین را تهدید می‌کند:

- «کوشش برای تصحیح برداشت و اظهار نظر دربارهٔ مارکسیسم و سوسیالیسم علمی و به طور کلی کشورهای سوسیالیستی و تمام انقلاب‌های سوسیالیستی وابسته به ۳ عامل است.

یکی عبارت از تلاشی است که ما انجام داده‌ایم و می‌دهیم و خواهیم داد و همچنین همهٔ هواداران راستین سوسیالیسم علمی انجام می‌دهند. در این زمینه بایستی حتی به کوشش آن نیروها، شخصیت‌ها و کسانی هم ارج گذاشت که خودشان شاید طرفدار سوسیالیسم علمی نیستند، ولی طرفدار یک برداشت واقع‌بینانه نسبت به رویدادها و حوادث جهان هستند.

عامل دوم عبارت از خواست دولتمردان، شخصیت‌ها و نیروهای مبارز مسلمانی است که امروز در مواضع خصمانه یا ستیزه‌جویانه نسبت به مارکسیسم و سوسیالیسم قرار دارند. اگر اینها بخواهند با واقع‌بینی با مسائل روبه‌رو شوند، کار پیش می‌رود، ولی اگر نخواهند، با هیچ زوری نمی‌شود به آنها تحمیل کرد.

عامل سوم نقش مهم و آموزندهٔ تاریخ است. شلاق رویدادهای تاریخی، واقعی، خیلی

کمک می‌کند. خیلی سرسخت‌ها را این شلاق بالاخره به راه راست هدایت کرده و به آنها نشان داده است که جهان آن‌طوری نیست که شما فکر می‌کردید و با آن سرسختی از آن دفاع می‌کردید.»

در این جا حزب توده به صراحت به دولتمردان و شخصیت‌هایی که سرسختانه در مقابل ابرقدرت شرق ایستاده‌اند، اخطار می‌کند که اگر ادامه بدهید؛ شلاق تاریخ!! در انتظار است. غافل از این که قبلاً آمریکا هم خیلی از این شلاق‌ها را به رخ ما کشاند، از حملهٔ نظامی طبس گرفته تا جنگ تحمیلی، اما همهٔ این شلاق‌ها را ما از دستش گرفتیم و بر صورت خودش نواختیم.

حالا اگر آن دیگر ابرقدرت هم هوس استفاده از شلاق را کرده و تجربیات تلخ آمریکا در مورد انقلاب اسلامی برایش درس نشده، حرفی نیست، ما و همه نیروهای حزب‌الله ایستاده‌ایم، ایشان هم اگر مرد میدان هستند!؟ بفرمایند!

در همین جزوه در صفحهٔ ۲۱ حزب توده به دولتمردان و مسئولان کنونی تهمت آمریکایی و ارتجایی می‌زند و مستقیماً به توهین می‌پردازد:

- «آن‌چه که مبارزان‌مسلمان ما، به ویژه همین مسئولان و دولتمردان کنونی، که جزو مبارزان مسلمان بودند، نسبت به سوسیالیسم و نسبت به مارکسیسم لنینیسم جذب کرده‌اند، دارای منابع نادرست و ناسالمی بوده است، تقریباً تمام این منابع عبارت است از منابع آمریکایی، انگلیسی و به طور کلی منابع ارتجاعی غرب.»

مشاهده می‌کنید الفاظی را که حزب توده در مورد مسئولین مملکتی به کار می‌برد، همان الفاظی است که قبلاً منافقین و دیگر گروهک‌ها از آنها استفاده می‌کردند: آمریکایی ارتجاعی.

می‌ترسیم برای حزب توده که نکند این حزب که با موذیگری‌های فراوان و با دغل‌بازی‌ها و حقه‌های بسیار توانسته است خود را از چاه در بیاورد، اینک با این مانورهای ناشیانه، به «**چاه**» بیفتد.

مگر توده‌ای‌ها عشق وافر «**توده**» را به رهبرانشان نمی‌دانند که این‌چنین پر وقاحت در موضع توهین برمی‌آیند![1]

۱- نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۳، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۶۴ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **گزارشی از فعالیت‌های امداد پزشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

امضا: **مسئول امداد پزشکی سپاه منطقهٔ ۱۰، اصغر اکبری‌نژاد**

گزارشی از فعالیت‌های امداد پزشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

س: لطفاً خودتان را معرفی کرده و بفرمایید که در این‌جا چه سمتی دارید؟

ج: **بسم الله الرحمن الرحیم**

بنده **اصغر اکبری‌نژاد، مسئول امداد پزشکی سپاه منطقهٔ۱۰** می‌باشم.

س: انگیزهٔ تشکیل این واحد چه بوده است و وظایف آن چیست؟

ج: کار این واحد حدوداً از ۲ سال و چند ماه پیش در ارتباط با مسائل جنگ، که در آن موقع مملکت درگیر جنگ کردستان بود، تشکیل شد و کارش در ارتباط مستقیم با مسائل جنگ می‌باشد. وظیفهٔ این واحد تخلیه و مداوای مجروحین و مصدومین است.

س: در بدو تشکیل این واحد، چه موانع و مشکلاتی بر سر راه شما بوده است؟

ج: زمانی که این واحد تشکیل شد، کار آن صرفاً رسیدگی به مجروحین جنگی بود. البته غیر از سپاه، ارگان‌های دیگری هم بودند که کار امداد مجروحین را انجام می‌دادند. هر کدام از این ارگان‌ها، دارای وسایل و لوازمی بودند که ارگان‌های دیگر از آن وسایل بی‌بهره بودند. بعد

از مدتی امکانات موجود ارگان‌ها ردوبدل شد و نیازهای هر ارگانی به وسیلهٔ ارگان‌های دیگر تأمین گشت و بدین‌وسیله مشکل ناقص بودن امکانات رفع شده و مقداری از امکانات ارگان‌های دیگر به سپاه انتقال داده شد.

مشکل دیگری که داشتیم، جوّ آلوده به فساد بیمارستان‌ها بود. انسان وقتی به محیط بیمارستان‌ها در زمان قبل از جنگ نظر می‌کرد، نمی‌توانست باور کند که آن جوهای حاکم و فساد در بیمارستان‌ها متحول شود و کاری هم نمی‌شد انجام داد، زیرا اگر متخصصین را کنار می‌گذاشتند، مسألهٔ درمانی ما ناقص می‌شد. ولی **بحمدالله اکنون شاهد متحول شدن اوضاع اخلاقی و معنوی بیمارستان‌ها هستیم که این تحول رابطهٔ مستقیم با جنگ تحمیلی دارد** و همان‌طور که **امام امت**، این ناجی مستضعفین فرمودند:

- «این جنگ همه‌اش رحمت بود.»

واقعاً جنگ رحمت بود. به عنوان مثال در بعضی موارد دیده شده است که با انتقال مجروحین به این نوع بیمارستان‌ها دگرگون گشته است، از جمله بیمارستان آمریکایی‌ها که یکی از بدترین بیمارستان‌های کشور بود. یک مجروحی را بدان‌جا انتقال دادند که جفت پایش را از دست داده بود. بعد از انتقال این مجروح، وضعیت آن بیمارستان ۵۰ الی ۶۰ ٪ تغییر می‌کند که حتی برای خود وزیر بهداری، تعجب‌برانگیز بود. هیچ‌کس نمی‌توانست این وضع را اصلاح کند و این‌چنین وضعیت‌هایی، کم و بیش در بعضی از بیمارستان‌ها فعلاً موجود است.

به طور کلی **بعد از شروع جنگ، وضعیت اخلاقی و مذهبی بیمارستان‌ها، رضایت‌بخش شده است و یکی از موارد رحمت بودن جنگ همین مسأله است.**

س: این واحد تا کنون چه فعالیت‌هایی نموده است؟

ج: کار ما، به طور عمده رسیدگی به **وضع مجروحین**، اعم از مسائل درمانی، رفاهی، اعزام آنها به خارج از کشور برای درمان، معالجه و پی‌گیری وضعیت درمانی آنها می‌باشد.

همچنین **فوریت‌های پزشکی** یکی از اهم کارهای این واحد می‌باشد که در سطح شهر تهران، هر حادثه‌ای که اتفاق بیفتد، فوراً در زمینهٔ پزشکی و درمانی اقدامات لازمه را انجام می‌دهد. همچنین **درمان مجروحین گروهک منافقین که در درگیری‌ها مصدوم می‌شوند**، نیز به عهدهٔ این واحد می‌باشد.

به طور کلی **این واحد، هم در زمینهٔ جنگ تحمیلی و هم در زمینهٔ امور درمانی درگیری‌های شهری و انفجار بمب و همچنین مداوای بیماری‌های شخصیت‌های مملکتی فعالیت می‌نماید.**

واحد امداد پزشکی سپاه با کلیهٔ بیمارستان‌هایی که در سطح تهران وجود دارد، ارتباط مستقیم کاری دارد. واحد ما، نماینده‌هایی در بیمارستان‌ها دارد که کارشان پی‌گیری درمان و وضعیت درمان مجروحینی که در این بیمارستان‌ها بستری هستند، می‌باشد.

س: وسایل و امکانات درمانی و دارویی خود را چگونه تهیه می‌کنید؟

ج: مقدار عمدهٔ این وسایل و داروها را، سپاه از داخل و خارج از کشور تهیه می‌کند. وسایل پزشکی و داروهای درمانی که حتی در سطح شهر تهران کمیاب و یا نایاب می‌باشد، ما در اختیار داریم.

بیمارستان‌ها به محض این‌که اطلاع دهند به دارو و یا وسیله‌ای نیاز دارند، ما در عرض کمتر از نیم ساعت آن لوازم را به بیمارستانی که نیاز دارد، می‌رسانیم.

س: مسأله‌ای که زیاد محسوس است، کمبود پرسنل متخصص در امور درمانی است.آیا تا کنون در تربیت چنین نیروهایی فعالیتی داشته‌اید؟

ج: ما **کلاس‌های درسی و تعلیمی برای افراد** نداریم و **روش ما برای تربیت این‌گونه افراد،** بدین صورت است که، **افراد را در جریان‌کار قرار می‌دهیم و به مرور زمان مسائل مربوط را یاد می‌گیرند.**

به عنوان مثال **آمارگر، مسئول اعزام نیرو، پی‌گیر درمان** را در این‌جا، با به کار گماردن افراد در قسمت‌های مربوط تربیت می‌کنیم. ولی **تربیت امدادگر که همان پزشک‌یار** است به عهدهٔ **قسمت آموزش بهداری** است.

لازم به تذکر و یادآوری است که چند روز پیش ۳۰ نفر از برادرانی که در رشتهٔ **پزشک‌یاری** فارغ‌التحصیل شده‌اند، با مدرکی که در سطح کشور هم معتبر می‌باشد، به جبهه اعزام کردیم.

س: در جبهه‌ها دیده شده که در بعضی مواقع، مجروحین را با وانت و کامیون به پشت جبهه انتقال می‌دهند، علت استفاده از این‌گونه خودروها چیست؟

ج: امکان دارد که چنین عملی، در اوایل جنگ تحمیلی صورت گرفته باشد. چرا که ما با کمبود امکانات و وسایل نقلیه روبه‌رو بودیم. ولی هم‌اکنون بحمدالله این‌چنین نیست.

از لحاظ آمبولانس و وسایل حمل مجروحین، جبهه به خوبی تدارک شده است، ولی باز هم امکان چنین عملی هست، زیرا در هنگام حمله، گاهی اوقات که مجروح زیاد می‌شود و آمبولانس‌ها

همه مشغول فعالیتند، ضرورتاً برادر و یا برادرانی را با این سری وسایل نقلیه، به پشت جبهه منتقل می‌نمایند.

گاهی اوقات شده است که مردم با ماشین‌های استیشن و فولکس‌های اتاق‌دار می‌آیند و ما را در انتقال مجروحین یاری و مساعدت می‌نمایند.

س: در جبهه‌ها، امکانات دارویی و درمانی در چه حدی است؟

ج: امکانات دارویی جبهه و لوازم پزشکی جبهه، الحمدلله وضعیت خوبی دارد و گاهی شده است که ما از آن درخواست دارو و یا وسایل پزشکی می‌کنیم.

وجود اتاق‌های عمل در خطوط جبهه‌ها، نشان دهندهٔ بودن امکانات و وسایل در جبهه است. ما در جبهه‌ها، حتی **بیمارستان‌های صحـرایی ۳۰۰ تختخوابـی** داریم،که این مسأله برای وزارت بهداری تعجب‌آور بود.

س: آیا برای رفع کمبود پرسنل پزشکی و دکتری متخصص فکری کرده‌اید و یا طرحی دارید؟

ج: مسئولین سپاه در این مورد طرح‌هایی به اجرا گذارده‌اند که بتوانند نیروهایی به عنوان **پزشک یار و پرستار** تربیت کنند.

مشکل ما، بودن پرسنل زن، برای پرستاری از بیماران مرد در بیمارستان‌ها است که شرعاً هم خود مسأله‌ای است که تولید اشکال می‌کند و ان‌شاءالله با به اجرا در آمدن طرح مذکور، پرسنل پرستار مرد جای پرسنل پرستار زن را خواهد گرفت و در بعضی بیمارستان‌ها چنین کاری انجام گشته است.

در مورد **کمبود پرسنل پزشک و دکتر متخصص**، باید بگویم که تعداد زیادی از فرزندان شهدا را که در این زمینه‌ها استعداد کافی داشته‌اند، به خارج از کشور اعزام کرده‌ایم که بعد از فارغ‌التحصیل شدن، به بیمارستان‌های کشور باز خواهند گشت و مقداری از این نقص جبران خواهد شد.

همچنین عده‌ای از اعضای سپاه که دانشجوی پزشکی بودند، شروع به ادامهٔ تحصیل نموده‌اند و از سپاه همچنان حقوق می‌گیرند و ان‌شاءالله پس از اتمام درسشان به سپاه بازگشته و خدمت خواهند نمود.

همچنین پس از تشکیل مدرسهٔ عالی سپاه، رشته‌ای در زمینهٔ پزشکی گنجانده خواهد شد که این مسأله می‌تواند تا حدود زیادی کمبود متخصصین را جبران نماید.

س: تهیهٔ دست و پای مصنوعی برای برادران معلول به عهدهٔ چه ارگانی است و آیا شما در این جنبه نیز فعالیت دارید؟

ج: ارگانی‌که این امر مهم را به عهده دارد، **سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران** می‌باشد. البته **سپاه و بنیاد شهید**، اقدام به تشکیل چنین مرکزی نموده بودند و چنین مراکزی را نیز هم‌اکنون دارند، ولی از آن‌جا که **قسمت دست و پا سازی هلال احمر**، با کیفیت خیلی خوب و سریع به این مسأله رسیدگی کرد، دیگر **لزوم بودن چنین مراکزی در سپاه و بنیاد شهید احساس نمی‌شود** و بر این اساس، قرار است که قسمت‌های دست و پا سازی سپاه و بنیاد جمع شده و لوازم آن به هلال احمر تحویل داده شود تا برادران هلال احمر با دلگرمی و احساس مسئولیت هر چه بیشتر چنان‌که تا کنون در این زمینه کار کرده‌اند، فعالیت خود را دنبال کنند.

س: مردم و مسئولین کشور در جهت پیشبرد کارها، چه کمک‌هایی به شما می‌کنند؟

ج: کار مردم در این زمینه خیلی حساس و چشمگیر بوده است و ما الآن در این‌جا مقداری از امکانات مردمی داریم.

مردم، لباس، دارو و پول و غیره در اختیار ما می‌گذارند و حتی خود خانوادهٔ مجروحین نیز کمک می‌کنند. در مورد کمک خانوادهٔ مجروحین بد نیست یک مصداق بیاورم.

مجروحی بود که ۱۵ هزار تومان مخارج درمانی‌اش شده بود و تأمین این مخارج همان‌طور که می‌دانید، به عهده سپاه می‌باشد. ولی **خانوادهٔ کم درآمد این مجروح اصرار کردند که مخارج مجروح را بپردازند و پرداخت هم کردند.**

مردم شهیدپرور ما مقدار زیادی وسیله در اختیار سپاه گذاشته‌اند، مثلاً برادری۳ دستگاه آمبولانس هدیه کرد. **الحمدلله امکانات فراوان است و مردم هم خیلی خوب، در هر زمینه که بتوانند کمک می‌کنند. امیدوارم این کمک‌های مردمی ادامه داشته باشد.**

س: در خاتمه اگر صحبتی برای امت حزب‌الله دارید، بفرمایید.

ج: مسألهٔ مهم و حایز اهمیت و جالب برای ما در این‌جا، **توسل و توکل مجروحین به ائمهٔ معصومین(ع)** است.

وقتی که پزشک‌های دنیا از درمان مجروحی عاجز می‌شوند، برادران مجروح ما با توسل به ائمهٔ معصومین(ع) شفا پیدا می‌کنند.

برادری بود که ترکش خورده بود و عصب چشمانش قطع شده بود. دکترها تشخیص

داده بودند که چشمان این برادر، غیرقابل درمان است. ولی ایشان با توسل به ائمه شفا پیدا کردند.

مسألهٔ بعد این است که **این‌جا علاوه بر آن‌که یک مرکز پزشکی است، مرکز اعزام نیرو به جبهه نیز می‌باشد.** اکثر مجروحین وقتی که معالجه شدند، به خانه باز نمی‌گردند، بلکه از همین‌جا به جبهه‌ها برمی‌گردند.

در آخر من از این **معلولین و مجروحین** می‌خواهیم که **دعا** کنند و به راستی که **ما محتاج دعاهای این برادران هستیم.**

والسلام[1]

۱- نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۳، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۶۵** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **تصرف ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی عراق**

امضا: **رزمندگان اسلام (نشریهٔ امید انقلاب)**

گزارش اختصاصی خبرنگاران امید

از سنگرهای ارتفاعات مشرف بر مندلی

امروز ۹ مهرماه ۶۱، روز جمعه، عازم یکی از محورهایی هستیم که دیشب توسط رزمندگان دلیر ما آزاد شده است. از کنار شهر ساکت و سوختهٔ سومار گذشتیم و ارتفاعات بند پیرعلی را که تا شب پیش خط مقدم ما بود نیز پشت‌سر گذاشتیم. بعد از آن ارتفاعات دیگری بود که عراقی‌ها دیروز در تصرف داشتند؛ ارتفاعات کهنه‌ریگ.

سرتاسر ارتفاعات پوشیده از مهمات و خودرو و تدارکات غذایی غنیمتی بود. هنوز از سنگرها دود برمی‌خاست. کنار ۱ تانک سوخته شده از وانت تویوتا پیاده شدیم. خدا می‌داند چند عراقی متجاوز داخل آن تانک پودر شده‌اند.

صدای انفجار پی‌درپی خمپاره‌ها که در اطرافمان می‌خورد لحظه‌ای قطع نمی‌شود. عراقی‌ها دست نمی‌کشند. آخر این‌جا برایشان کم اهمیت ندارد! این ارتفاع آخرین ارتفاع تا بغداد است! عراقی‌ها مرتب خمپاره و توپ می‌فرستند. حتماً در سر خود خیال تصرف مجدد آن را دارند، اما چه خیال باطلی. زمانی که سربازان عراقی خود بر بالای ارتفاعات در سنگرهای مستحکمی که هیچ‌گاه تصور سقوطش را نمی‌کردند به سر می‌بردند، رزمندگان توانستند آنها را یا رهسپار

دیار عدم نمایند و یا آنها را از مواضع خود بیرون رانند.

به بالای بلندی رسیدم. ۲ تن از برادرها پشت یک تکه سنگ بزرگ ایستاده بودند و کمک می‌خواستند. جلو رفتم. جنازهٔ ۱ پیرمرد عراقی روی زمین افتاده بود و بچه‌ها می‌خواستند تا او را در همان‌جا چال کنند.

آمبولانس‌ها در خط می‌گردند و تک و توک شهید یا مجروحی را به پشت جبهه منتقل می‌کنند. تانک‌های تیپ محمدرسول‌الله(ص) را دیدم که در کنار جاده توقف کرده و دارند استراحت می‌کنند. تانک‌های عراقی غنیمتی که روی آنها نوشته شده: «تیپ‌محمد رسول‌الله(ص)». از درگیری مستقیم خبری نیست. گویی حمله به طور برق‌آسا انجام گرفته و دیگر چیزی باقی نمانده.

یکی از رزمندگان که شب پیش را در عملیات به سر برده، چنین می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحیم

من اسماعیل اسلامی از تیپ محمدرسول‌الله(ص) گردان میثم، گروهان شهید باهنر.

دیروز ساعت ۵/۳۰ عصر حرکت کردیم به طرف خط مقدم جبهه و حدود ساعت ۸/۳۰ شب به ارتفاعات پیرعلی که خط مقدم جبههٔ ما بود، رسیده و از آن‌جا ۲ ساعت به سوی دشمن پیاده‌روی کردیم. حدود ساعت ۱۰/۳۰ شب بود که به پای کوه رسیده و در آن‌جا منتظر شدیم تا راهی را از وسط میدان مین دشمن به وسیلهٔ خنثی‌کردن مین‌ها، برایمان باز کنند و بتوانیم به قلب دشمن نفوذ کنیم و عملیات خود را انجام دهیم.

تا ساعت ۱۲/۳۰ نیمه‌شب خبری نبود. در این ساعت بود که رمز عملیات گفته شد و بچه‌ها با توکل به خدا حمله را شروع‌کردند. رمز عملیات «**یا ابوالفضل‌العباس(ع)**» بود که بچه‌ها با شنیدن آن شروع به حمله کردند.

دشمن با خمپارهٔ ۶۰ و ۸۱ و تیربار دوشکا و تک تیراندازهایش با تفنگ سیمینوف شروع کردند به مقاومت. بچه‌ها جانبازی‌هایی از خود نشان دادند که به زبان نمی‌آید و باید در این‌جا بود و آن جانبازی‌ها را دید. آتش دشمن خیلی زیاد بود. گروه ما نتوانست زیاد پیشروی کند، ولی توانسته بودیم که دشمن را سرگرم کنیم و از قسمت‌های چپ و راست برادران دیگرمان شروع به پیشروی کردند و بعد از قلهٔ «**وارولین**» که ارتفاعش ۴۰۲ متر از سطح دریا بود و بزرگ‌ترین قلهٔ منطقه است، دشمن زبون با ذلت و خواری پا به فرار گذاشت و با سقوط این قله، بر شهر مندلی مسلط شدیم.

س: چه خاطـراتی از جانبازی‌های دیشب برادرهایمان دارید و برای امت حزب‌الله چه پیامی دارید؟

ج: خاطره که زیاد بود. برادرانی بودند که زخمی شده بودند، ولی برای این‌که عملیات متوقف نشود، عین خیالشان نبود و به بچه‌ها می‌گفتند: فقط بروید جلو و فکر ما هم نباشید.

یکی از برادرها به پایش ترکش خمپاره خورده بود و نمی‌توانست حرکت کند. با این وجود به بچه‌ها می‌گفت: من طوریم نشده، شما بروید و عملیات را به پایان برسانید. بعضی دیگر از بچه‌های مجروح اصلاً صدای آه و ناله‌شان درنمی‌آمد تا مبادا دیگران ناراحت شوند و تضعیف روحیه شود.

امثال اینها زیاد بود. مثلاً برادری زیر چشمش ترکش خورده بود و بنیه‌اش داشت جدا می‌شد، ولی اهمیت نمی‌داد و تا آخرین لحظه ایستاده بود. البته وظیفهٔ ماست که در دفاع از اسلام این‌طور ایستادگی کنیم. **من از مردم تشکر می‌کنم که پشتیبان این جنگ هستند** و از آنها می‌خواهم که همیشه پیرو خط امام باشند و به تمام گفته‌ها و رهنمودهای ایشان گوش بدهند و مشت محکمی به دهان ضدانقلاب بزنند که ان‌شاءالله موفق هم می‌شوند.

برادر دیگری به نام **غلام‌علی‌طیار که از سپاه پاسداران تهران به جبهه آمده بود**، این‌چنین حکایت می‌کند:

بسم الله الرحمن الرحیم

ما حدود ۲ ماه پیش یعنی پیش از عملیات رمضان برای حمله‌ای که قرار بود در غرب انجام بگیرد، به غرب اعزام شدیم و چون حمله اهمیت زیادی داشت، با برادران هر روز به کوه می‌رفتیم و برای این‌که نتیجهٔ مطلوب‌تری عایدمان شود، برادرها بیشتر زحمت می‌کشیدند تا این‌که به ما خبر دادند که قرار است در غرب عملیاتی انجام بگیرد. وضعیت به همین منوال گذشت تا این‌که شب حمله به پشت خط منتقل شدیم. ۱ گردان از جلو حرکت کرد و گردان ما هم پشت سرش و در بین راه اطرافمان پر از میادین «مین» بود که البته توسط برادران جان برکف تخریب خنثی شده بودند و ما نیرو را حدود ۴-۳ ساعت پیاده آوردیم. یعنی از نقطهٔ رهایی تا پای‌کار فقط ۱۰۰ متر مانده بود که به دشمن برسیم که یک‌باره نیروی دشمن اطلاع پیدا کرد و آتشش را متوجه ما کرد و ما هم بلافاصله برادرها آرایش داده که به بالا بکشند.

آن شب باران آمده بود و هوا سرد بود و عراقی‌ها خواب بودند و ما توانستیم تا نزدیکشان پیشروی کنیم و این در حالی بود که آنها از ۴-۳ شب قبل آماده‌باش ۱۰۰٪ بودند. ولی اصلاً فکرش را هم نمی‌کردند که ما حمله را در این شب انجام دهیم. بچه‌ها خیلی سریع بدون دادن

شهید و زخمی بالا آمدند و قله را فتح کردیم. در آن‌جا بود که حدود ۸ نفر شهید دادیم و این وضعیت در حالی بود که مهماتمان رو به اتمام بود و هیچ امیدی نداشتیم و بچه‌ها فقط ذکر خدا می‌گفتند و «**یا مهدی(عج)، یا مهدی(عج)**» می‌گفتند تا به جلو رسیدیم.

نمی‌توان وصف کرد که این بچه‌ها با چه استقامت و صبری در برابر این دشمنان خدا و اسلام ایستادند و شهدای ما خونشان را ایثار کردند و ما توانستیم زنده بمانیم و این قلهٔ هدف را که برای ما در نظر گرفته شده بود، فتح کنیم و از عجایبی که من در این حمله دیدم، این بود که در شب حمله عراقی‌ها به محل تجمع ما نارنجکی انداختند و نارنجک عمل هم کرد ولی هیچ‌کدام از بچه‌ها صدمه‌ای ندیدند.

با همهٔ این اوضاع و درگیری‌ها، آن نیرویی که این‌جا می‌آید، با خاطر جمعی می‌آید و خونش را می‌دهد و جلو ما ضجه می‌زند و پرپر می‌شود و می‌رود و هر چند که شهید می‌شود، اما توقع دارد که لااقل جبههٔ داخلی حفظ شود.

از این امت حزب‌الله می‌خواهیم که آن‌چنان مشت محکمی به دهان این منافقین بزنند که وقتی فرزندانشان در جبهه خون می‌دهند، لااقل بدانند که جبههٔ داخلی را اینها حفظ می‌کنند و دیگر این‌که از کمبودها که الحمدلله کم شده، گله نکنند. این‌جا فرزندانشان با نان خشک و غذای خیلی ناچیز دارند زندگی می‌کنند و خونشان را هم می‌دهند.

بنابراین **باید با صبر انقلابی در برابر این مسائل جزیی و کمبودها مقاومت کنند** و توی دهن این منافقین که با بعثیان کافر فرقی ندارند، بزنند و اما **امدادهای غیبی** در این حمله هم مثل حملات دیگر به یاری‌مان شتافت.

ما همین را امداد غیبی می‌دانیم که تا ۱۰۰ متری دشمن بیاییم و آنها ما را نبینند و در آن هنگام که ما را دیدند، آتش به سوی ما بگشایند. ولی گلوله‌ها کمانه می‌کرد و به برادران نمی‌خورد یا این‌که در سنگر ما نارنجک انداخته شود و عمل نیز بکند، ولی هیچ‌کدام از برادرها صدمه‌ای نبینند. اینها را من در این حمله دیدم و در عملیات رمضان بیشتر از این را دیدیم که گلوله‌ها از لای ستون ما رد می‌شد و به بچه‌ها نمی‌خورد.

از ابتدا:

عملیات مسلم‌بن عقیل را که یکی از نادرترین عملیات پیروز در غرب کشور است، باید از ابتدا شناخت. شاید کارهایی‌که برای تدارک این طرح انجام شد به مراتب از انجام حمله مهم‌تر و مشکل‌تر بود.

یکی از فرماندهان عملیات در این‌باره چنین می‌گوید:

– روزی که تیپ محمد رسول‌الله(ص) را به غرب فرستادند و به او مأموریت تأمین شهر مندلی را دادند، منطقهٔ غرب توسط مسئولین تیپ بررسی شد و مناطق مختلفی را پیدا کرد. مهم‌ترین منطقه که به نظر تیپ مهم و مفید آمد، منطقهٔ سومار بود. بر طبق روش‌های حضرت رسول در جنگ باید ابتدا به شناسایی دشمن پرداخت. این حرکتی است که حضرت رسول اکرم(ص) در تمام جنگ‌ها از آن استفاده کرده است. و الآن نام واحدی که این کار را انجام می‌دهد «**اطلاعات و عملیات**» است. مرحلهٔ بعدی «**طرح و برنامهٔ عملیات**» است و سپس مرحلهٔ انجام «**طرح عملیات**» و پس از آن هم «**تحکیم مواضع و تداوم عملیات**».

مرحلهٔ اول: «شناسایی»

تعدادی پاسگاه مرزی به نام‌های قلاتو، بازرگان، دروازه، محلهٔ شوان، میان‌تنگ، مصطفی، قلعه‌جوق، قلعه‌مین، وارولین، سلمان کشته، چقاشیرگه، سه‌تپان و... را در نظر گرفتیم. بچه‌ها را برای شناسایی اعزام کردیم به کل منطقه. در مقابل این پاسگاه‌ها، عراق نیز مناطقی به نام‌های «بازاریه، دشته، الجمود، السعود، ابوعبیده، دوله‌شریف، مندلی، حواصیل، کومه‌سنگ و... داشت که آنها را هم برای شناسایی در نظر گرفتیم.

در مرحلهٔ اولیه شیوهٔ کار این است که نمی‌آییم به همه اعلام بکنیم که می‌خواهیم به فلان جاها حمله کنیم. چون این خلاف گفته‌های حضرت رسول(ص) است. البته آن وحشتی که دشمن از سپاه اسلام دارد، آن‌قدر زیاد است که حتی اگر بلندگو هم بگذاری و اعلام کنی به احتمال زیاد ترک می‌کنند، برای این‌که اگر سربازهای دشمن بدانند که سپاه اسلام می‌خواهد به جایی حمله کند، یا آمادهٔ تسلیم می‌شوند و یا آمادهٔ فرار.

در مرحلهٔ اولیهٔ شناسایی سعی شد که راه‌های نفوذی شناخته بشود و بعد از آن تعیین حدهای عملیاتی شد. بعضی از پاسگاه‌ها از ۲ طرف حذف شد و یک منطقه در وسط انتخاب شد. چون شناسایی به ما نشان داد که پدافند و دفاع در این مواضع اشکال دارد. در این مرحله باید حتماً دقت شود که هنگام تعیین حدهای عملیاتی، مناطقی را در نظر گرفت که پدافند آن اشکالی برای مناطق دیگر فراهم نکند.

برای بار بعدی تیم‌های شناسایی در محورهای تعیین‌شده پخش می‌شوند و کار شناسایی آغاز می‌شود. ابتدا شیارهای نفوذی که می‌تواند زیر پای دشمن برسد و به میدان‌های مین دشمن برسد مشخص می‌شود.

ما در این عملیات از شیوهٔ آتش‌بار نمی‌خواستیم استفاده کنیم. یعنی بهتر بود که از شیوهٔ حرکت‌های نفوذی اقدام کنیم. در پی این تصمیم تیم‌های اطلاعات و عملیات توانستند حداقل ۳۵ شیار را برای نفوذ در دشمن شناسایی کنند و این مسأله در محل عملیات‌هایی که در دنیا تا به حال شده بی‌سابقه بود. از این روش نیز در جنگ‌های حضرت رسول(ص) استفاده می‌شد؛ شناسایی‌های بسیار کامل و استفادهٔ خوب از این شناسایی‌ها.

البته این نوع حرکت خودش یک سری مشکلات دارد که اشکالش از نظر عملیاتی این است که اگر شما از یک قسمت حرکتی کنی، مقداری از میدان مین را پاک می‌کنی و با نیروهای دشمن درگیر می‌شوی. اما در این عملیات باید ۳۵ راه نفوذی را از میدان‌های مین پاک‌سازی کنیم. پس **در این‌جا یک تشکیلات سالم و منظم می‌خواهد که بتواند اولاً حفظ اسرار بکند و ثانیاً مین‌ها کاملاً پاک شود تا به بچه‌ها آسیبی نرسد.**

اتفاقاً چیزی که دشمن را در حیرت فرو برد، پاک‌سازی میدان‌های مین موجود در همین ۳۵ راه نفوذی بود که چگونه این میادین مین پاک شده؟ البته اینها همه‌اش ظاهر قضایاست، اما در واقع علت این موفقیت‌ها تضرع انسان‌ها و اضطرار شخصی است که نسبت به خدا داریم و **ما اگر هزار بار شناسایی رفته باشیم و هزار میدان مین خنثی کنیم، باز هم هنگام شروع کار معتقدیم این خداست که دشمن را کور و کر می‌کند.**

در همین مرحلهٔ شناسایی مسائلی هست که خیلی جالب و گفتنی است.

در ابتدای جنگ در این جبهه‌های غرب وقتی ۲۰ نفر نیرو می‌آمد، می‌گفتیم «اوه، ۲۰ نفر نیرو آمده! چقدر زیاد». ولی الآن می‌بینیم که از نتیجهٔ خون همان شهدای بی‌نام و گمنام، ده‌ها هزار نفر به جبهه می‌آیند و اگر باز هم بخواهیم، می‌آیند. دقیقاً همان سخن استاد مطهری که می‌گوید:

- اگر قطرهٔ خون شهیدی بر زمین ریخته شود، هزاران هزار انسان از آن برمی‌خیزد و ادامه دهندهٔ آن حرکت می‌شوند.

شما در نظر بگیرید گاهی اوقات در یک شب، ۳۳ تیم ۱۰ نفره یا بیشتر وارد مناطق دشمن می‌شدند. بعضی از تیم‌ها فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌ها را برای شناساندن منطقهٔ عملیاتشان به همراه می‌بردند. من یادم هست که یکی از تیپ‌های ما در موقع شناسایی ۲۵ نفر را با خود برده بود که من به آنها به طور شوخی پیشنهاد کردم بیایید با همین بچه‌ها امشب عملیات را انجام بدهیم! شما در نظر بگیرید بچه‌های ما به چه شهامتی ۲۵ نفر نیرو را زیر پای دشمن می‌برند.

یک امداد غیبی از شناسایی به خاطر دارم.

در «**میان‌تنگ**» می‌خواستیم شناسایی را انجام دهیم. دشمن تعداد زیادی مین کار گذاشته بود. شاید ۱۰۰ تا مین را در یک قسمت ۱ متری روی هم قرار داده بود و ما در این شرایط شناسایی‌مان را انجام دادیم. منتهی یکی از برادرهای محلی و راهنما به نام روضان روی مین رفت و به شهادت رسید و سپس ۲ تا از بچه‌ها پایشان قطع شد.

در دنبالهٔ همان شناسایی یکی از بچه‌های تهران در همان نقاط روی مین رفت و شهید شد. دوباره۲ تا از پاهای بچه‌های دیگر قطع شد. یعنی ۲ تا شهید و ۴ تا پای قطع شده در یک نقطهٔ عملیات زیر پای دشمن. این چه معنایی دارد؟ یعنی به دشمن می‌خواهد بگوید، این‌جا مین منفجر شده، دست و پا افتاده، هشیار باش! ولی این‌جاست که خدا دشمن را کور می‌کند.

در قسمت «**وارولین**» هنگام شناسایی ۲ بار پای ما به تلهٔ منور خورد و منطقه را روشن کرد. یک‌بار دشمن منطقه را به شدت به رگبار بست و این نشان می‌داد که دشمن باید هوشیار باشد. یا در قسمت «**وارولین**» که ۲ تا از برادرهای ما به وسیلهٔ مین زخمی شدند. در قسمت کرموژینه، بین پاسگاه‌های سان‌واپا و سلمان کشته بود که شب قبل از عملیات ۲ تا از بچه‌های ما باز روی مین می‌روند و شهید می‌شوند. شب قبل از عملیات، بچه‌ها زیر پای دشمن روی مین می‌روند و بچه‌ها جسدشان را یک مقدار عقب می‌آورند و جسد برادر روضان زیر پای دشمن می‌ماند، اما ما بعد که می‌رویم می‌بینیم آن پیرمرد، که پایش قطع شده، پایش را می‌بندد و صدایش در نمی‌آید. این ایثار را ما از یک مرد خدا می‌بینیم و این‌جاست که:

«وقتی خدا را یاری کنی، خدا هم تو را یاری می‌کند»

این مرد درد را تحمل می‌کند و صدایش در نمی‌آید. خودش را کمی عقب می‌کشد و خدا در روی او مقداری علف می‌ریزد که در روز جنازه‌اش دیده نشود! آن‌جا این فرد این‌چنین مظلومانه و ایثارگرانه شهید می‌شود و خداوند هم در عملیات یاری‌مان می‌کند.

اما بعد از شناسایی‌های مختلف، امدادهایی که توسط خداوند و رهبری و هدایت بچه‌ها توسط فرماندهشان امام زمان(عج) که اینها را هدایت می‌کند، در شب‌های ظلمانی چندین نفر در زیر پای دشمن می‌روند. بعضی‌ها در سنگر دشمن می‌روند، غذای دشمن را می‌خورند و تعداد سنگرهای دشمن را می‌شمارند.

رده‌های مین را می‌شمارند و یک چیزی از داخل سنگرها برمی‌دارند و با خودشان می‌آورند.

طرح عملیات

وقتی که از مرحلهٔ شناسایی بگذریم، نوبت «**طرح و برنامهٔ عملیات**» می‌رسد. حدها مشخص می‌شود برای هر تیپ، هر لشگر و هر گردان، بچه‌های اطلاعات و عملیات مأمور می‌شوند که همراه هر گردان و حتی گروهان‌ها حرکت کنند و فرماندهان را قبلاً به آن مناطق ببرند.

طرح آتش، طرح مخابرات، طرح جایگزینی پرسنل، طرح‌های پشتیبانی، طرح‌های جداسازی نیروها، طرح‌های احتیاط و... اینها همه مسائلی است که در هنگام طراحی و برنامه‌ریزی عملیات باید به آنها دقت کرد.

جای قبضه‌ها و اسلحه‌ها، خنثی شدن مین‌ها قبل از عملیات، تقسیم عملیات بین محورها، زدن خاکریز و کارهای جهاد سازندگی و مهندسی رزمی سپاه، همه و همه... اقداماتی است که باید «**طرح و برنامه**» بر آن نظارت کند.

خوب، دشمن اطلاع کامل دارد که ما می‌خواهیم در غرب عمل کنیم. بالاخص احتمال می‌دهد که در سومار می‌خواهیم عمل کنیم. نزدیک‌ترین راهی که به یک شهر بزرگ عراق داریم. دشمن چند حرکت انجام می‌دهد که مشخص می‌کند محور عملیات را تقریباً گرچه دشمن می‌داند که از سومار حمله است، ولی نباید شب عملیات برای دشمن کشف بشود. ما نیز پیش‌بینی جاده‌هایی را کردیم که در دید دشمن نباشد، خدا برادران جهاد سازندگی را اجر بدهد که جاده‌ها را درست برای شب حمله آماده کردند.

عملیات در حدود ساعت ۱۲/۵ به بعد آغاز شد، ابتدا محور «**گیسکه**» و محور «**وارولین**» وارد درگیری شدند، بعد محور «**سلمان کشته**» و سپس کلیهٔ محورها.

یکی از امدادهایی که در محور تنگه اتفاق افتاد، این بود که بچه‌ها به سهولت توانستند یک میدان مین وسیع را به راحتی باز کنند و بچه‌ها را به راحتی از شیارها بالا بکشند و خودشان را به دشمن برسانند. عراقی‌ها اکثرشان تسلیم شدند و عدهٔ دیگرشان فرار کردند.

صبح عملیات که شد، تقریباً ما در قسمت گیسکه به طرف میان تنگ فقط یک قسمت کوتاهی از صخره‌ها در دست دشمن باقی‌مانده بود و بقیهٔ مناطق کاملاً به تصرف ما درآمد.

ساعت ۱۰ صبح بود که اولین پاتک سنگین عراق شروع شد و تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه داشت و در این ساعت بود که قسمتی از سلمان کشته را عراق از ما پس گرفت و دوباره پس از ۲ ساعت ما حملهٔ مجدد خود را آغاز کردیم و شب تا به صبح سلمان کشته در دست ما بود، ولی دشمن پاتک کرد و منطقه را از دست ما خارج کرد. باز ما تک کردیم و این حالت تا ۷ بار تکرار شد. روز دوم بود که سلمان کشته به دست آنها افتاد و شب بعد باز آن را پس گرفتیم

و ۹ صبح روز بعد دوباره آن را پس دادیم و پاتک عراق با آتش بسیار سنگینی انجام شد که توانست در آن‌جا مستقر شود و ما در منطقهٔ کرموژینه که تسلط کامل بر سلمان کشته دارد، مستقر شدیم (طبق آخرین خبر رسیده، سلمان کشته از چنگ مزدوران بعثی خارج و تحت کنترل قوای انقلاب اسلامی قرار گرفت).

برای تحکیم مواضع، ۳ تپهٔ موجود در جلو قلعه‌مین را نیز گرفتیم و تعدادی نیز به دستمان اسیر شدند. سپس در منطقهٔ دیگری به نام پاسگاه دوله شریف عراق عملیات را انجام دادیم و گردان مالک اشتر موفق شد این پاسگاه را که بسیار استراتژیک و مهم بود و ۱ پادگان نظامی نیز زیر آن است، تصرف کند.

در شب بعد ما تک کردیم و قسمت زیادی را در منطقهٔ سان‌واپا از دست دشمن خارج کردیم و به سمت کومه‌سنگ آمدیم.

پاسگاه کومه‌سنگ عراق را به تصرف درآوردیم و در مدخل شهر مندلی قرار گرفتیم و به دشمن بعثی و تمام جهان اعلام کردیم که اگر ما قصد کنیم جایی را بگیریم، قادر خواهیم بود که به سهولت این کار را انجام دهیم. همهٔ دنیا باید بدانند که ما با این‌که شهر را با چشم غیرمسلح به راحتی می‌بینیم و خمپاره‌های ۸۱ میلیمتری ما به راحتی می‌توانند شهر را زیرورو کنند، اما هنوز حتی یک گلولهٔ توپ هم در شهر نینداخته‌ایم.

کلیهٔ ارتفاعات مرزی کهنه‌ریگ و گیسکه در دست ماست و تمام عراق تحت تسلط ماست و عراق هیچ ارتفاع مسلطی برما ندارد و ما گلوله‌های توپ دوربرد خود را به پشت شهرهای عراق از جمله خازانیه و مندلی فرستادیم تا بدین‌وسیله قدرت‌های توپ‌های خود را نشان دهیم. بر بالای شهرهای عراق منور زده‌ایم که نشان‌دهندهٔ این مطلب باشد.

در ادامهٔ عملیات ما توانستیم «**دروازه**» را نیز از سمت کله‌شوان به تصرف خود در بیاوریم و بتوانیم برای مراحل بعدی آماده باشیم.

دشمن در شب ۶۱/۷/۱۳ به وسیلهٔ ۱ تیپ که از خانقین شبانه به این منطقه آورده شده بود، به بزرگ‌ترین ارتفاع منطقه یعنی وارولین پاتک کرد که همگی فرار کردند و تعداد زیادی خود را تسلیم کردند.

حدود ۵۰ نفر از یک شیار بالا آمدند و با دادن علامت تسلیم شدند و خیلی خوشحال بودند که از دست ارتش عراق راحت شده‌اند.

در قسمت‌های قلعه‌جوق و قلعه‌مین، چندین‌بار [دشمن] دست به پاتک زد به وسیلهٔ تانک‌هایش که تعداد زیادی از تانک‌هایشان به دست سربازان انقلاب اسلامی افتاد، که غنایم ازبس

زیاد است، شمارش آن از کنترل ما خارج است و هنوز نتوانسته‌ایم آن را شمارش کنیم.

در یک جبهه ۴ تانک، در یک جبهه ۳ تانک، در جبههٔ دیگر ۲ تانک، در یک جبهه ۵ تانک و باز هم بوده.

البته تعداد تانک‌ها و خودروهای منهدم‌شده بسیار زیاد است. اما اینها که به دستمان افتاده تا به حال آمارش این‌چنین بود.

البته سلاح‌های سنگین مثل دوشکا، چهارلول و... که از حد خارج است.

چند قبضه تفنگ‌های دورزن جدید که از ۱۰۶ بزرگ‌تر است، به دستمان افتاده و این توپ‌های دوربرد مستقیم زن هست و می‌تواند در برد بسیار زیادی هدف‌گیری کند و حدود ۱۳۰ میلیمتر کالیبر آن است.

و الحمدلله توانسته‌ایم تا به امروز از مواضع خود پدافند کنیم و بر شهر مندلی عراق مسلط شویم و آن را تأمین کنیم و از نظر نظامی اصولاً باید شهر مندلی را سقوط کرده حساب کنیم.

والسلام علیکم[1]

۱- نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۳، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۶۶** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **انواع خودکفایی صنعتی، نظامی و... در کشور**

امضا: **چند مسئول امور تولیدات صنایع دفاع و...**

خودکفایی تسلیحاتی گامی دیگر در جهت شکست شیطان بزرگ / ۱

نمایشگاه «نقش وزارت دفاع در جنـگ تحمیلـی عراق علیـه ایران» تشکیل شده است از فعالیت‌های ۲ سازمان مهم وزارت دفاع که عبارتند از:

سازمان اتکا و سازمان صنایع دفاع ملی که اختراعات و ابداعات و محصولاتی را که در رابطه با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به مرحلهٔ تولید و اجرا رسیده است، به نمایش گذاشته‌اند.

این نمایشگاه که خود نقطهٔ امید دیگری برای آیندهٔ انقلاب اسلامی می‌باشد، نشان‌دهندهٔ میزان ایمان و ایثار پرسنل این سازمان‌ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران و همچنین نشانگر قدرت و توانایی فکری و عملی و علمی کارگران، صنعتگران و کارشناسان ما در رشته‌های مختلف صنعتی و کشاورزی می‌باشد.

قطعات و ابزار و وسایل موجود در نمایشگاه نشان می‌دهد که با وجود جنگ تحمیلی و محاصرهٔ اقتصادی و هزاران هزار توطئه‌ای که در گوشه و کنار مملکت اجرا می‌شود، اما ایران اسلامی همچنان باشکوه و قدرتمند، به سوی رشد و خودکفایی و مبارزه‌ای مستمر تا نابودی شیطان بزرگ، پیش خواهد رفت و به راستی که به قول امام عزیزمان این جنگ برای ما، منبع خیر بود و پیشروی در این مسیر روزبه‌روز حلقهٔ زنجیرهای وابستگی را از دست و پای این

کشور خواهد برید.

پس از شروع جنگ تحمیلی، یکی از مشکلاتی که برای ما به وجود آمده بود، کمبود ابزار و قطعات جنگ‌افزارها و قطعات نظامی به خاطر محاصرهٔ اقتصادی و همچنین عدم امکان تعمیر لوازمی که در گذشته توسط مستشاران خارجی تعمیر می‌شده و یا به خارج فرستاده می‌شد، بود.

بنابراین و برحسب ضرورتی که حس می‌شد، **وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آن در صدد ساخت، تهیه و تعمیر این لوازم برآمده و بحمدالله توانستند که قطعات بسیار زیادی را ساخته و همچنین لوازم بسیاری را که در گذشته از عهدهٔ تعمیر آنها برنمی‌آمدند، به خوبی و در اکثر اوقات با کیفیتی بسیار بالاتر از مستشاران خارجی تعمیر نمایند.**

این مسأله نه تنها در رشد علمی و عملی این افراد نقش بسیار مؤثری داشته است، بلکه به لحاظ اقتصادی نیز مقدار بسیار قابل توجهی در سرمایهٔ کشور صرفه‌جویی گردیده است. چرا که لوازمی که در ایران ساخته شده است، از لحاظ کیفی بسیار بالاتر از مشابه خارجی خود بوده و همچنین ساخت و تعمیر این قطعات گاه حتی تا ۲درصد مشابه خارجی خرج برمی‌دارد.

اضافه بر سازمان صنایع دفاع و سازمان اتکا، سازمان‌های دیگری نیز تولیدات خود را به نمایش گذاشته‌اند که عبارتند از:

ادارهٔ جغرافیایی ارتش، صنایع هواپیمایی، کارخانه‌های مکانیک و صنایع پارس لوکس، سازمان خدمات هلی‌کوپتری، صنایع الکترونیک ایران، شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی‌کوپترهای ایران.

لازم به تذکر است که تولیدات به نمایش گذاشته شده، تنها قسمتی از کل فعالیت‌های این واحدها می‌باشد و بسیاری دیگر از لوازم و سلاح‌ها به لحاظ مسائل امنیتی در نمایشگاه وجود ندارد.

در نمایشگاه اولین غرفه‌ای که جلب توجه می‌کند، **غرفهٔ فعالیت‌های دفتر فنی** می‌باشد که شامل تولیدات باطری‌سازی برای کلیهٔ وسایل نقلیه و بعضی سلاح‌ها می‌باشد که عبارتند از:

باطری‌های موتورسیکلت، ماشین‌های سواری، وسایط نقلیهٔ نظامی، تراکتورها، باطری تانک، توپ، ضدهوایی و بالاخره باطری هواپیما می‌باشد که همهٔ این انواع باطری‌ها به مرحلهٔ تولید رسیده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

برادر راد[1] **مسئول این غرفه** در مورد مراحل ساخت باطری‌های مختلف چنین توضیح می‌دهند:

۱- احتمالاً «عبدالاحد رادکریم» می‌باشند.

– در باطری‌سازی از فاز سرب به ۲ صورت استفاده می‌شود:

در مرحلهٔ اول برای قسمت‌هایی که باید استحکام بیشتری داشته باشد، مانند پیچ‌ها و پل‌های ربط صفحه و همچنین برای جوشکاری. سرب که خود فلز نرمی می‌باشد، با آنتیموان که خواص سرب را دارد، تشکیل آلیاژ محکمی را می‌دهند و این آلیاژ در کارخانه به صورت شمش درست می‌شود. این آلیاژ همچنین برای ساختن صفحات مثبت و منفی باطری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در قسمت دیگر سرب مستقیماً در کوره به صورت ساچمه درآمده و در مخزنی به نام آسیاب از سایش مدام به صورت پودر درمی‌آید که با ترکیب اکسیژن به صورت اکسید به دست می‌آید و این اکسید سپس با اسیدسولفوریک و دانلی فلاک (یک نوع پشم‌شیشه ترکیب می‌شود).

حال اگر سولفات باریم و دوده به آن اضافه شود، منفی شده و اگر سرنج به آن اضافه کنیم مثبت می‌شود.

این مواد منفی و مثبت که به صورت خمیر می‌باشد، بر روی صفحات مالیده شده و پس از خشک شدن در فورماسیون و تحت فشار برق شارژ می‌شود و بعد به صورت دسته صفحه‌های مثبت و منفی درست می‌شود.

در لابه‌لای صفحات، عایق گذاشته می‌شود که از پودر پی.وی.سی ساخته می‌شود و بعد در جلد باطری قرار داده می‌شود و بعد از آن صفحات به وسیلهٔ ربط‌ها اتصال پیدا می‌کنند.

برادر راد در مورد میزان خودکفایی در ساخت این باطری‌ها گفتند:

– لازم به تذکر است که کلیهٔ قطعات این لوازم از کوچک‌ترین قطعه تا بزرگ‌ترین آنها و از پیچ‌ها گرفته تا مارک باطری‌ها کلا توسط خودمان ساخته می‌شود.

ایشان همچنین گفتند که:

– در ساختن باطری‌ها از امکانات جهاد سازندگی نیز استفاده شده است.

ایشان در جواب سؤال خبرنگار ما که پرسیده بود:

– ساخت این تولیدات از لحاظ کیفی و همچنین اقتصادی آیا به صرفه بوده است یا خیر؟

گفت:

– از لحاظ کیفیت تولیدات، چه در قسمت باطری‌سازی و چه قسمت قطعات ابزارهای کارخانه به مراتب بالاتر از مشابه خارجی بوده و تا چند برابر آنها عمر می‌نماید و از لحاظ

اقتصادی نیز قطعات ما تا یک چهلم قطعات خارجی قیمت دارد.

ایشان در ادامهٔ صحبت‌هایش گفت:

– در رابطه با جنگ تحمیلی نیز فعالیت‌های خوبی داشته‌ایم، به عنوان مثال باطری‌های تانک که سابقاً از انگلیس می‌آمد، با شروع جنگ تحمیلی دیگر به ایران فروخته نشد، به این امید که تانک‌های ما را از کار بازدارند، اما با کوشش برادران متعهد ما باطری‌هایی با کیفیت بسیار عالی ساخته شد که قیمت آن نیز ۱۰درصد باطری‌های انگلیسی برای ما تمام شده است.

خوشبختانه این باطری در خط تولید افتاد و استقبال بسیار زیادی از آن شد و هم‌اکنون در انبارهای ما به تعداد کافی از این نوع باطری‌ها وجود دارد.

همچنین در قسمت دیگر باطری توپ‌های ضدهوایی بود که سابقاً از شوروی وارد می‌شد که با قطع ارسال آن اقدام به ساختنش گردید.

هم‌اکنون از این باطری نیز به تعداد کافی ساخته شده، با این تفاوت که مصرف کاری باطری‌های روسی ۸ ساعت بود، اما مصرف کاری باطری‌های ما ۲۴ ساعت می‌باشد و همچنین قیمت آن نیز به مقدار ۱۰درصد باطری‌های روسی تمام شده است.

برای هواپیماهای سی ۱۳۰ نیز باطری‌هایی ساخته‌ایم که البته فعلاً به صورت دست‌ساز ساخته می‌شود. درب این باطری به صورت سوپاپی ساخته شده و باعث جلوگیری از ریزش مواد داخل باطری می‌شود. زیرا با کوچک‌ترین کج شدن هواپیما درب باطری‌ها به طور خودکار بسته می‌شود.

همچنین اتصال باطری به صورت پیچی بوده و از ایمنی کامل برخوردار می‌باشد.

در این غرفه از نمایشگاه، تعداد زیادی از قطعات ساخته شده برای ماشین‌ها و دستگاه‌ها به چشم می‌خورد که همگی توسط برادران مسلمان و متعهد ساخته و به نمایش گذاشته شده بود.

در **غرفهٔ شرکت «پشتیبانی و نوسازی هلی‌کوپترهای ایران»** (پهنا) قطعات بسیار جالبی، توجه بازدیدکنندگان را به خود جلب می‌کرد.

قطعات ساخته شدهٔ بدنهٔ هلی‌کوپترهای مختلف نیز در این قسمت به چشم می‌خورد.

از موارد بسیار جالبی که در این قسمت وجود داشت، یکی ساختن دم هلی‌کوپتر کبری بود و همچنین بدنه و کابین ۱ فروند هلی‌کوپتر «جت رنجر ۲۰۶» به چشم می‌خورد که مسئول

این غرفه در مورد این هلی‌کوپترها گفت:

– ساختن دم هلی‌کوپتر کبری واقعاً کار خارق‌العاده‌ای بود و همچنین هلی‌کوپتر جت رنجری که دیده می‌شود، آسیب بسیار زیادی دیده بود که در زمان آمریکایی‌ها یک چنین هلی‌کوپتری از رده خارج می‌گشت. اما با کوشش پرسنل متعهد کاملاً به شکل اول بازسازی شده است.

وی در مورد فعالیت‌های دیگر سازمان «پهنا» گفت:

– از فعالیت‌های دیگر می‌توان از رادیویی در هلی‌کوپتر نام برد که قبلاً برای تعمیر باید به آمریکا می‌رفت. اما در حال حاضر تماماً در ایران تعمیر می‌شود و برای کلیهٔ قسمت‌های آن «تستر» ساخته شده که در صورت خرابی اشکالات آن را نشان می‌دهد.

همچنین قطعات هلی‌کوپتر شنوک که قبلاً در ایتالیا ساخته می‌شد، در حال حاضر توسط خود برادران ساخته می‌شود.

یکی از موارد جالب توجه این‌که هلی‌کوپتری خراب شده بود و ایتالیا برای تعمیر آن مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار می‌خواست. اما برادران ما با کوشش فراوان خود مبادرت به تعمیر این هلی‌کوپتر نمودند و آن را کاملاً تعمیر کردند.

همچنین ۹۵درصد پانل جلو هلی‌کوپتر پس از جنگ تحمیلی در خود ایران تعمیر می‌شود.

از غرفه‌های دیگری که مورد بازدید قرار گرفت، غرفهٔ صنایع الکترونیک ایران بود که در آن مراحل ساخت تعدادی از گیرنده و فرستنده‌ها و همچنین قطعات الکترونیکی ظریفی که توسط برادران ایرانی ساخته شده است، به نمایش گذاشته شده بود.

از دیگر لوازمی که در این غرفه گذاشته شده بود، می‌توان از تلفن صحرایی، دستگاه ترانسفورمروپیچ، فرستنده و گیرندهٔ پی.آر.سی.۱۲، گیرندهٔ جی.آر.آر.۱۰۶، مرکز تلفن اس.بی.۲۲، گیرندهٔ آر۴۴۲، تقویت‌کنندهٔ ا.ام.۲۰۶۰ و تعداد دیگری نیز از این نوع وسایل نام برد.[۱]

خودکفایی تسلیحاتی گامی دیگر در جهت شکست شیطان بزرگ / ۲

در **غرفهٔ الکترونیک** با مسئولین این قسمت گفتگویی داشتیم و این برادران در مورد غرفه

۱– نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۳، ۱۳۶۱/۷/۱۷

توضیحاتی دادند.

یکی از برادران در مورد یک نوع **سیستم اعلام خطر** چنین توضیح داد:

– سیستمی که ملاحظه می‌کنید، سیستم تور حفاظتی است که این سیم‌خاردارها دوروبر محوطه‌هایی که حفاظت می‌شود نصب می‌شوند و اگر دشمن حمله کند و اقدام به قطع سیم خاردارها کرده و یا آن را باز کند و یا حتی اگر به روی آن فشار بیاید، دستگاه مرکزی آژیر می‌زند و دقیقاً نشان می‌دهد که خطر از کدام قسمت واقع شده است و طوری هم طراحی شده است که به هیچ‌وجه قابل نفوذ نیست. این دستگاه توسط **مهندسین شرکت صنایع الکترونیک** طراحی شده و تمام طراحی و ساخت و مونتاژ و همهٔ کارهایش توسط **برادران تکنسین شرکت صنایع الکترونیک** تهیه شده است.

سیستم دیگری که ساخته شده، **سیستم اعلام خطر الکترونیک** است که بیشتر در بانک‌ها نصب می‌شود و همچنین در این سیستم پدالی هم زیر پای رئیس بانک هست که در مواقع خطر روی آن فشار آورده و دستگاه مرکزی آژیر می‌زند.

دستگاه دیگری که ساخته شده **با کوچک‌ترین تحریک** علاوه بر این که **آژیر** می‌زند، **به ۱۰ مرکز پلیس تلفن می‌زند و توسط نوار پیغام می‌دهد و آدرس محل را اعلام می‌کند.**

سیستم دیگر **قفل الکترونیک** است که در جاهایی که باید افراد خاص وارد بشوند، کدهای مخصوص دارد که مانند ماشین حساب باید بزنند تا در باز شود و ۱ کد رمز هم دارد که اگر مثلاً نگهبان را وادار کنند که در را باز کند، کد رمز را می‌زند و در باز شده، اما در اتاق مرکزی آژیر می‌زند. این سیستم بیشتر در انبارها و جاهایی که افراد غریبه نباید داخل شوند، نصب می‌شود.

وسیلهٔ دیگری که ساخته شده است **دوربین دید در شب** است که ۹۰٪ لوازم آن در ایران ساخته شده و مقداری از سلول‌های تقویت و قطعات اپتیکی آن از خارج آمده است و بر روی آرپی‌جی، تیربار و ژ۳ سوار شده و در تاریکی شب با استفاده از نور ماه یا ستارگان هدفش را مانند روز ببیند و برد مؤثر آن ۴۵۰ متر می‌باشد. و این یکی از افتخارات صنایع الکترونیک می‌باشد و برادرانی که از جبهه آمده‌اند، از این وسیله ابراز رضایت بسیاری کرده‌اند.

دستگاه دیگر **پمپ تخلیهٔ پزشکی** است که یکی از کارهای جانبی شرکت ماست و به مقدار زیاد تولید و در بیمارستان‌های کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و ۱۰۰٪ هم ساخت ایران می‌باشد.

از کارهای دیگر این غرفه می‌توان از قسمت **کریستال‌سازی، ساخت دستگاه‌های مخابراتی**

و پیام‌رسانی، ساخت سمیلاتور خمپاره‌انداز که ۱ دستگاه آموزشی برای یادگیری خمپاره است و همچنین **ساخت آی سی و ترانزیستور** نام برد.

در **غرفهٔ صنایع هواپیمایی ایران** با **مسئول این غرفه** به گفتگو نشستیم و ایشان در مورد این غرفه گفتند:

– کار صنایع هواپیمایی پشتیبانی نیروی هوایی می‌باشد و کار آن **تعمیر کلیهٔ هواپیماهای نظامی به اضافهٔ موتورهای جت اعم** از موتورهای شرکت نفت و بدنهٔ هلی‌کوپترها و هواپیماهای نظامی و باربری می‌باشد.

البته ما قطعات زیادی هم ساخته‌ایم که به لحاظ امنیتی نتوانستیم به نمایشگاه بیاوریم، چون ما در بسیاری از قطعات خارجی دگرگونی‌هایی به وجود آوردیم که آوردن آن به نمایشگاه صلاح نمی‌باشد. **قطعاتی که سابقاً در آمریکا و اسرائیل تعمیر می‌شد و یا حتی دور ریخته می‌شد، امروز توسط خود برادران ما تعمیر می‌شود.** قطعاتی بود که ما ۲ سال پیش برای یکی‌اش التماس می‌کردیم، اما امروز به تعداد زیاد در انبارهایمان داریم.

قطعاتی از دیسک هواپیما می‌باشد که ساخته شده و تا به حال ۱۵ برابر نمونهٔ خارجی‌اش کار کرده و هنوز هم دارد کار می‌کند و همچنین برادران ما اکنون **دماغهٔ هواپیمای اف۱۴** می‌سازند و همچنین **موتور اف۴** که می‌بینید **تعمیرش ۱۰۰٪ به دست برادران ایرانی انجام می‌گیرد** که قبلاً در آمریکا و اسرائیل تعمیرمی‌شد و هزینهٔ حمل‌ونقل و تعمیرش خیلی بیشتر از اینها بود که ما بخواهیم بگوییم.

در سالن تست موتور که قبلاً برادران ایرانی را در آن راه نمی‌دادند و این سالن در خاورمیانه بی‌نظیر است و اکنون برادران، در آن موتورهای تعمیرشده را تست می‌کنند و تمام عملیاتی که خلبان روی هواپیما انجام می‌دهد و وقتی مطمئن شدند کاملاً سالم است، آن را تحویل نیروی هوایی می‌دهند.

موتورهای هلی‌کوپتر نیز توسط ما تعمیر می‌شود و همچنین **موتورهای شرکت نفت و بعضی از کشتی‌ها** توسط برادران ما تعمیر می‌شود.

در **غرفهٔ کارخانجات «اتکا»** با **برادر احمدعلی حسینی رئیس ادارهٔ آموزش این شرکت** به گفتگو نشستیم.

ایشان در مورد کار این شرکت گفتند:

- بسم الله الرحمن الرحیم

اصولاً تأمین عایلهٔ کادر ارتش با اتکا می‌باشد و اخیراً عده‌ای از خانوادهٔ شهدا و معلولین انقلاب هم زیر پوشش این سازمان قرار گرفته‌اند.

اتکا برای این‌که خود را خودکفا کرده و بتواند از مواد اولیهٔ مورد نیاز ارتش و خصوصاً در شرایط فعلی نیازمندی‌های جبهه‌هایمان را تأمین کند، **۸ کارخانه برای حمایت از ارتش و سپاه تأسیس شده** و ما تنوع زیادی در محصولاتمان به وجود آوردیم که قبل از انقلاب نبوده است. **ما کارخانه‌ای داریم به نام سبزی خشک‌کن**، که اکنون با ایجاد تنوع کارهایی مثل پودر سیر، پودر سیب‌زمینی، سبزی، پودر هویج و مواد غذایی مثل خلال سیب‌زمینی و دیگر مواد غذایی برای پادگان‌ها می‌فرستیم.

کارخانه‌ای داریم به نام **کارخانهٔ رب گوجه‌فرنگی و قوطی‌سازی عباس‌آباد** که بهره‌برداری این کارخانه دقیقاً با تحریم اقتصادی آمریکا مصادف شده بود و اختلاف جمهوری اسلامی با این‌که می‌خواست نه شرقی نه غربی باشد، به هر شکلی رابطهٔ خودش را چه بنیادی و چه به صورت تولیدی با کشورهای خارجی قطع کرده بود، این کارخانه هم باید افتتاح می‌شد. کشورهای خارجی هم کارشناسان خودشان را از ما گرفته بودند، کارگرهای ما با فکر خودشان و با فکر مهندسین ایرانی شروع کردند این کارخانه را افتتاح کردند که الآن ما قوطی را در ابعاد مختلف آماده می‌کنیم و می‌دهیم برای خوراک کارخانهٔ رب گوجه فرنگی‌مان که در ۲۴ ساعت ۱۶ تن رب تولید می‌کند و باز چون رب هم یک محدوده‌ای بهره‌برداری‌اش است آمده مربا و سیر را هم آورده در کنار اینها، تولید و عرضه می‌کند و **الآن مرباهای جبهه‌ها را تأمین می‌کنیم** ضمن این‌که تمام مصارف پادگان‌ها را هم به همین شکل تأمین می‌کند.

کارخانه‌ای داریم به نام **کارخانهٔ کنجد رودبار** که در محدودهٔ رودبار- رشت می‌باشد. این کارخانه می‌آید محصولات مایع را یعنی به طورکلی روغن کنجد مایع، روغن زیتون مایع چه به صورت خام و چه به صورت تصفیه شده، آماده می‌کند. روغن کنجد، روغن آفتاب‌گردان، روغن زیتون، خود اینها را به صورت تصفیه شده آماده می‌کند در ابعاد مختلف و قوطی و حلب تهیه می‌کند و در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد.

کارخانهٔ دیگرمان **کارخانهٔ گلیسیرین و صابون** است که کارخانهٔ قدیمی است، ضمن این‌که کارگران ما آمده‌اند قطعات یدکی بسیار جالبی را عرضه کردند که حتی در نمایشگاه‌های بین‌المللی هم به عنوان نمونه از آنها گذاشتیم و چون روی دستگاه سوار بود، نتوانستیم بیاوریم در این نمایشگاه عرضه بکنیم. چون کار در آن‌جا برای تولید شاید ارزشش بیشتر باشد که

این کارخانهٔ گلیسیرین ضمن این‌که از خط جدید بهره گرفته، خط نو به کار برده، آن قطعات یدکی را در طول کار تغییر دادند و نو کردند و به واقع خودکفایی را و راز و رمز دلاوری یک مسلمان ایرانی را و مایه و پایهٔ استقامتشان را نشان دادند. آمدند صابون را در ابعاد مختلف، ضمن این‌که تمام نیازمندی‌های سربازان و سپاهیان انقلاب را تأمین می‌کنند، خانوادهٔ شهدا را، تمام فروشگاه‌های ارتش و تمام عایله‌مندی‌های ارتش، مثلاً مایع ظرفشویی را که اصلاً در خط تولید این کارخانه نبود، آورده در خط تولید، یا صابون‌های دستشویی به صورت معطر را در اشکال مختلف چه بیضی، چه مستطیل، چه مربع. اینها هیچ‌کدام قبل از انقلاب در خط کارخانه نبود و اصولاً کسی هم به فکرش نبود.

کارخانهٔ قائم‌شهر ما که باز یک سری خوب البته **کنسرو** بود، کارخانهٔ کنسرو قدیمی است و سال‌ها پیش تولید می‌شد. اما این تنوع، این به اصطلاح جذابیتی که الآن شما ملاحظه می‌کنید، اینها همه نو است. اینها هم جزو افتخارات اتکا است که مدیران لایق و متعهد ما بعد از انقلاب آمدند شبانه‌روز در سازمان کار می‌کنند، خط تولید را هدایت می‌کنند، محور اصلی سازمان را اینها در دست دارند. شبانه‌روز با تعهد، با برگزیدن کارمندان متعهد اینها توانستند این همه تحول را در کارخانهٔ قائم‌شهر ایجاد کنند.

یک محصولی ما داریم به نام **گوشت فشرده** که این گوشت را به صورت آماده فشرده می‌کند با لایه‌هایی که در قوطی می‌دهد تا یک سرباز، یک پاسدار، یک جنگنده، یک مرد مبارزی که برای حفظ دینش، به خاطر آب و خاکش زحمت می‌کشد، بتواند در جبهه، در میان سنگر، غذای آمادهٔ خودش را که یکی از هدایای سازمان اتکا به آنهاست، بخورد و آن‌جا بجنگد و مطمئن باشد که ما هم در خط تولید کارخانجاتمان تمام کارگران اتکا دارند برایشان می‌جنگند.

از کارخانجات دیگر ما، **کارخانهٔ قند میاندوآب و کارخانهٔ قند اسلام‌آباد** است. با این‌که عنایت دارید آمریکا با اقمار خارجی و داخلی‌اش و منافقین داخلی و خارجی خواستند ما را محصور کنند در یک دایرهٔ کوچکی، در یک مربعی که ما دستمان به هیچ‌جا نرسد و از هر جهت در مضایق سیاسی و اقتصادی باشیم.

بحمدلله و به شکر خدا می‌بینیم کارخانهٔ قند میاندوآب ما دارد تولید می‌کند.

چندین بار و حتی هر روز اکنون هواپیماهای عراق می‌آیند اسلام‌آباد ما را بمباران می‌کنند. قسمتی از تأسیسات کارخانهٔ قند اسلام‌آباد بمباران شده. کارگران ما، برادران ما که می‌آیند همه متفق‌القولند که هر شب و هر روز کار کنند. کارخانه را با این‌که قسمت اعظمی از آن خراب

شده بود و چند تن از برادران ما شهید شدند، اما می‌بینیم که حتی یک روز هم کار متوقف نشده و دارد تولید می‌کند. شکر تولید می‌کند، راپیناسیون تبدیل شکر به قند کرده و در اختیار مصرف‌کنندگان می‌گذارد.

بنابراین خوشبختانه هم کارخانهٔ قند میاندوآبمان و هم کارخانهٔ قند اسلام آبادمان کماکان با قدرت تولید بیشتر، امسال چغندر بین چغندرکاران...[1] همچنان برادران ما با جیپ می‌روند با دوچرخه یا پیاده می‌روند در مزارع دیگه مطرح نیست.

امروز هدف مهم است نه وسیله و خوشبختانه چغندرکاران ما فعّال‌تر شده‌اند، محصولات تولیدی قندمان و محصولات فرعیشان، همچنین مشغول فعالیت‌اند.

عرض شود ۲ تا کارخانهٔ دیگر ما داریم. **کارخانهٔ شمارهٔ ۱ ورامین روغن‌کشی و شمارهٔ ۲ روغن‌کشی ورامین** که کارخانه شمارهٔ ۲ روغن‌کشیمان، کارخانه‌ای بود کوچک و خط تولیدش محدود، اما برادران ما به صورت اکیپی رفتند و خط تولید را ناگزیرم این‌جا یک جمله معترضه‌ای بگویم. یکی از مهندسان کارخانهٔ ما آمده و مسئولیت این خط را بدون این‌که کوچک‌ترین کمکی از خارج بگیرد، در صورتی که این کارخانه ۱۰۰٪ وابسته به خارج است، چه خط تولیدی‌اش، چه قطعات یدکی‌اش. یعنی اصلاً به طور کلی اختیارش، نقشه‌هایش، محدوده‌اش، فکرش، همه‌اش از خارج است. آمده خودش با یک اکیپی تولید این کارخانه را راه انداخته و این خودش تعریف می‌کرد و بچه‌های دیگر تأیید می‌کردند که زیر دستگاه ایستاده، گفته اگر اکسیژن و نیتروژن به هم مخلوط بشود و این کارخانه منفجر می‌شود، بگذار اولین کسی که تو این دستگاه خاک می‌شود و مدفون می‌شود و این خاطره را به خاطر وطنش، اسلامش، مملکتش و جنگش و هدفش، بگذار من دفن بشوم زیر خاک‌ها و دستگاه را به برق می‌گذارند. اما خوشبختانه به خاطر این‌که ایمان درکارش بود، روشی داشته و فکری داشته و آن ان‌شاءالله تعمیم اهداف رهبر عالیقدرمان هست، خوشبختانه کارخانه بدون کوچک‌ترین اشکالی وارد خط تولید شده و امروز روزی ۶۰ تن روغن نباتی ورامین تولید می‌کند و بعد این یکی از افتخارات اتکا بعد از انقلاب است و الآن در اختیار ارتش و عایلهٔ کادر گذاشته می‌شود. البته کارخانهٔ شمارهٔ یکمان محصولات فرعی هم دارد، کارخانجات قندمان همین‌طور که مثلاً کنجاله هست، تفالهٔ خشک هست، اینها برای مصارف دامداری به‌کار برده می‌شود. این اضافاتی پنبهٔ لنترن است که برای دفن اجساد استفاده می‌شود و امروز افتخار می‌کنیم که از محصولات فرعی‌مان هم به دامداری‌ها می‌رسیم، نیازمندی‌های زمستانی دامداران را برآورده می‌کنیم و مفتخر از این‌که با این ۸ تا کارخانه‌مان شبانه‌روز بدون چشمداشت، بدون

۱- متأسفانه در اصل مطلب نیز این جمله نارساست.

این‌که مسألهٔ پاداش باشد، خود من که خدمت شما هستم، روزی که نمایشگاه افتتاح شد، برایم مطرح نبود که قلم‌مو به دست بگیرم و این‌جا را برپا بکنم، تا **ملت شهیدپرورمان بدانند که اگر جوان‌هایمان دارند کشته می‌شوند خوشبختیم از این‌که آرمان مقدس و منشور پاک محمدی دارد در این مملکت پیاده می‌شود** و ما همه در یک خط و با یک هدف می‌رویم تا ان‌شاءالله پرچم رستاخیزی مهدی(عج) ان‌شاءالله بتواند پیام‌آور آرمان مقدس اماممان باشد.

والسلام

ما نیز امیدواریم که با رسیدن به خودکفایی در همهٔ زمینه‌ها و پیشروی در جهت اتحاد کلیهٔ مسلمین و شکست ابرقدرت‌های شرق و غرب زمینهٔ ظهور امام عزیزمان بقیه‌الله‌الاعظم را فراهم نموده و هر چه زودتر چشممان به جمال نورانی ایشان روشن گردد. **ان‌شاءالله**[1]

۱- نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۴، ۱۳۶۱/۹/۱۳

شماره: ۶۷ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نتایج عملیات جبهه‌های جنوب**

امضا:

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

تبادل آتش توپخانه طی ۲ شبانه‌روز گذشته میان نیروهای اسلام و متجاوزین بعثی صهیونیستی عراق در جبهه‌های جنوب با برتری آتش نیروهای اسلام ادامه داشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی نیروهای اسلام در منطقهٔ عملیاتی رمضان ضمن پدافند از مواضع خود و کنترل هرگونه حرکت دشمن با اجرای آتش متقابل ۱ دستگاه تانک، ۱ دستگاه بیل مکانیکی، ۳ دستگاه لودر، ۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلیمتری، ۲ قبضه خمپاره‌انداز و چند سنگر اجتماعی دشمن را منهدم کرده و شماری از صدامیان را به هلاکت رساندند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۶۸ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نبرد در جبهه‌های غرب کشور**

امضا:

باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

تبادل آتش سلاح‌های سنگین بین رزمندگان پرتوان اسلام و قوای متجاوز بعثی – صهیونیستی عراق طی ۲ شب و روز گذشته در جبهه‌های غرب کشور همچنان ادامه داشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی رزمندگان اسلام با برتری آتش سلاح‌های خود بر روی مواضع تجهیزات و استحکامات دشمن، ضمن خاموش کردن آتش آنان، تعدادی از سنگرها و تجهیزات قوای کفر را منهدم کردند.

بر اساس این گزارش طی این مدت ضمن مجروح شدن شماری از نیروهای کافر بعثی ۱۳ تن از آنان به هلاکت رسیدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۶۹ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات چریکی رزمندگان اسلام در جبهه‌های مهران**

امضا:

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۱ گروه گشتی رزمی از جان بر کفان اسلام سحرگاه دیروز طی یک عملیات چریکی به مواضع دشمن در ارتفاعات ۳۲۵، ۳۴۰ و کله‌قندی مهران نفوذ کرده و ضمن به هلاکت رساندن بیش از ۱۵ تن از مزدوران صدامی،۴ سنگر اجتماعی، ۱ مقر دیده‌بانی و تعدادی سنگر انفرادی و آرپی‌جی۷ دشمن را منهدم و به آتش کشیدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز ایلام طی ۲۴ ساعت گذشته با آتش مؤثر توپخانه و کاتیوشای رزمندگان اسلام بر روی ستون‌های تدارکاتی و مواضع آتشبار دشمن در جبهۀ میمک، تعدادی سنگر نفرات دشمن منهدم و به ۲ دستگاه تانک و مواضع توپخانۀ آنان خساراتی وارد آمد.[1]

۱- روزنامۀ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۰ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات موفقیت‌آمیز نفوذی رزمندگان اسلام**

امضا:

قرارگاه نجف:

دلاوران اسلام ۳ شب پیش طی یک عملیات موفقیت‌آمیز نفوذی در منطقهٔ سانواپا تعداد ۵ دستگاه تانک دشمن را منهدم کردند.

بر پایهٔ این گزارش درگیری و تبادل آتش ۲ روز پیش در جبهه‌های عملیاتی غرب کشور بین قوای اسلام و نیروهای کفر صدامی به صورت پراکنده ادامه داشت که در جبههٔ سانواپا از شدت بیشتری برخوردار بود.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۱ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جنگ در آن سوی ارتفاعات گیسکه، کهنه‌ریگ و میان‌تنگ**

امضا:

سرویس جنگ:

در ادامهٔ عملیات پیروزمندانهٔ مسلم‌بن عقیل که بخشی از مناطق اشغالی میهن اسلامی‌مان آزادگردید، سلحشوران اسلام ضمن دفع پاتک‌های مذبوحانهٔ دشمن، نبرد را به آن سوی ارتفاعات گیسکه، کهنه‌ریگ و میان‌تنگ کشیدند و هم‌اکنون دلاوران کفرستیز اسلام مواضع جدید خود را در شرق جادهٔ مندلی به نفت‌خانه تثبیت می‌کنند.

دشمن بعثی نیز هر بار با جمع‌آوری نیروهای شکست‌خورده‌اش تلاشی را برای بازپس گرفتن مناطق استراتژیک و حساس فوق آغاز می‌کند که تا کنون با نصرت الهی تمامی ضدحمله‌های آنان با شکست مواجه گردیده است.

در جریان ضدحمله‌های دشمن تلفات و خسارات قابل توجهی به آنان وارد آمده است.

همچنین طی ۲ روز گذشته ۴ انبار مهمات و ۱ تانک دشمن در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل منهدم و به آتش کشیده شد.

لازم به توضیح است که ارتفاعات مذکور در ۱۰۰کیلومتری بغداد و مشرف به شهر مندلی عراق می‌باشد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۲ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاکسازی ۱۲ روستا درمحور قروه دهگلان**

امضا:

سنندج:

طی روزهـای گذشته[دوشنبه] تا پنج‌شنبـهٔ گذشته رزمندگان اسلام ۱۲ روستای محور قروه – دهگلان را از لوث وجود عناصر ضدانقلاب و وابسته پاک‌سازی کردند.

در این عملیات قراء حاجی‌آباد، نصرت‌آباد، شیخ رش، تپه اسماعیل، خیرآباد، گرگرعلیا، گرگرسفلی، سرجمال، ترازوله، قلعه گاه، ورمکان و باغ خرم پاک‌سازی شدند و اهالی روستاها به ویژه مردم سرجمال که چند روز قبل ضدانقلابیون با تهدید اسلحه ۲۵۰ هزار ریال از آنان باج گرفته بودند، از برادران پاسدار به گرمی استقبال کردند.

در این پاک‌سازی به برادران پاسدار هیچ‌گونه آسیبی وارد نیامده است.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۷۳** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اسارت ۱۰ صدامی در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل**

امضا:

باختران:

رزمندگان پرتوان اسلام در شب و روز پنج‌شنبهٔ گذشته در **منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل** ضمن تحکیم و تثبیت مواضع به دست آمده و دفع پاتک‌های دشمن زبون، تعدادی از تانک‌ها و نفربرهای آنان را منهدم کردند و ۱۰ نفر دیگر از مزدوران صدامی را به اسارت گرفتند.

طی این مدت تبادل آتش با برتری آتش سلحشوران اسلام در **سایر جبهه‌های غرب** کشور ادامه داشت و با اجرای آتش دقیق و به موقع جانبازان اسلام بر روی مواضع تأسیسات و استحکامات دشمن، شماری از بعثیون کشته و زخمی شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۷۴** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **به کار گماشتن ۲۹۰ مهاجر جنگی**

امضا:

در شهریورماه گذشته ۲۹۰ نفر از خواهران و برادران مهاجر مناطق جنگی در ادارات، ارگان‌ها و مؤسسات استان اصفهان مشغول به کار شدند.

به گزارش **خبرگزاری جمهوری اسلامی** طی ماه گذشته همچنین ۱۳۲ تن دیگر از مهاجرین در کارگاه‌های خصوصی به کار گمارده شده‌اند.

کارآموزی ۳۵ تن از خواهران مهاجر از اردوگاه‌های مختلف در امر قالیبافی، جذب ۹۷ کارآموز در کلاس‌های خیاطی و تولید ۲۳۴۷۷ قطعه لباس از دیگر اقدامات بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی در استان اصفهان طی شهریورماه بوده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: **۷۵** تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعلام تاریخ ثبت‌نام معاودین عراقی در دانشگاه تهران**

امضا:

روابط عمومی دانشگاه تهران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

به آن عده از معاودین عراقی که از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی برای گذراندن امتحان و ارزشیابی موقت پایهٔ تحصیلی به دانشگاه تهران معرفی شده‌اند، اعلام می‌شود که در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه ۱۹ و ۲۰ مهرماه جاری به بخش آموزش زبان و ادبیات فارسی که به این منظور اختصاص داده شده است، در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مراجعه نمایند تا ترتیب شرکت آنان در کلاس‌های زبان فارسی داده شود.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۶ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پایان گردهمایی مسئولان اردوگاه‌ها و شوراهای اردویی سپاه پاسداران**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران منطقهٔ ۴ خراسان**

مشهد:

گردهمایی **مسئولان اردوگاه‌ها و شوراهای اردویی مناطق ۱۰ گانهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشور** که به منظور بررسی عملکرد اردوهای تابستانی و مسائل و مشکلات و تأثیرات این اردوها در روند انقلاب اسلامی که در تهران و مشهد برگزار شده بود، پایان یافت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از **روابط عمومی سپاه پاسداران منطقهٔ ۴ خراسان**، در جلسهٔ پایانی این گردهمایی **برادر امیری مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**، گزارشی از وضعیت منطقه و نیروهای بسیج در اردوگاه‌های مختلف ارایه داد.

پس از آن **آیت‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی امام جمعهٔ مشهد** در زمینهٔ نقش رزمندگان بسیج در جبهه‌های جنگ و مقایسهٔ نیروهای مردمی با صدر اسلام سخنانی ایراد کرد.

سپس **برادر ملکی قائم مقام سپاه پاسداران منطقهٔ ۴** پیرامون جنگ تحمیلی و نقش اردوهای بسیج در کارایی بیشتر رزمندگان اسلام مطالبی بیان داشت.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۷ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **آمادگی پایگاه‌های مقاومت بسیج برای مبارزه با توطئه‌های جدید شیطان بزرگ**

امضا: **نشریهٔ امید انقلاب**

پایگاه‌های مقاومت بسیج با حفظ وحدت و حضور پی‌گیر در صحنه‌های مختلف انقلاب آمادهٔ مبارزه با توطئه‌های جدید شیطان بزرگ شدند.

سمینار مسئولین پایگاه‌های مقاومت بسیج منطقهٔ ۱۰ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور **حضرت آیت‌الله طاهری‌خرم‌آبادی، برادر حجت‌الاسلام سالک سرپرست واحد بسیج و حجت‌الاسلام قاسمی مسئول نمایندگی امام در منطقهٔ ۱۰ سپاه** با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید در مسجد دانشگاه تهران شروع به کار نمود.

در ابتدای برنامه‌های گردهمایی **آقای طاهری‌خرم‌آبادی** سخنان مبسوطی در ارتباط با نحوهٔ رفتار روحانیت متعهد و مسئول مساجد و نیروهای بسیج در پایگاه‌های مقاومت و وحدت کامل این ۲ و همچنین همکاری بیشتر نیروهای نظامی و انتظامی اعم از کمیته‌ها، بسیج و سپاه ایراد نمودند. ایشان همچنین در بخش دیگری از سخنان خود بر حفظ نظم و رعایت حدود کاری مسئولین سپاه و بسیج اشاره کرده و نقش و اهمیت بسیج را در رابطه با مسائل انقلاب به ویژه جنگ تذکر دادند.

ایشان همچنین فرمودند:

– برادران روحانی باید آغوش گرم خود را باز کرده و این فرزندان پاک و با صفای اسلام را در آغوش بگیرند و این‌که این ۲ گروه باید ارتباط گرم خود را محکم‌تر نمایند.

پس از پایان سخنرانی آقای طاهری خرم‌آبادی سرودی توسط خردسالان بسیج مستضعفین اجرا گردید و در ادامهٔ سمینار قبل از ظهر همان روز **برادر حجت‌الاسلام والمسلمین قاسمی و برادر حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری** به ترتیب سخنرانی نمودند.

در ادامهٔ برنامه‌های سمینار که بعد از ظهر همان روز پس از اقامهٔ نماز جماعت تشکیل شد، **برادر حجت‌الاسلام سالک سرپرست واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** سخنرانی نموده و در طی سخنان خویش نکاتی را در جهت به‌کارگیری نیروها در پایگاه‌ها متذکر شدند که از جملهٔ این نکات موارد زیر بوده است:

۱- هماهنگی کامل برادران نیروهای مقاومت با روحانیت مساجد و حفظ رابطهٔ پدر و فرزندی بین ایشان.

۲- حفظ کامل مسائل اخلاقی و انجام کامل مسائل و فرایض دینی توسط نیروهای بسیج.

۳- حفظ وحدت و انسجام و تشکیل نیروهای بسیج و حضور پی‌گیر ایشان در صحنه‌های مختلف انقلاب به ویژه جنگ تحمیلی.

آنگاه در ادامهٔ برنامه **حجت‌الاسلام موحدی‌کرمانی نمایندهٔ محترم مجلس شورای اسلامی و نمایندهٔ جامعهٔ روحانیت مبارز** به ایراد سخنرانی پرداختند و در بیانات خویش به توصیه‌ها و سفارشات اخلاقی به ویژه در زمینهٔ حفظ حدود اسلامی و اطاعت از رهنمودهای امام امت در زمینهٔ وحدت با روحانیت که ضامن حفظ انقلاب اسلامی و تداوم آن می‌باشد، اشاره نمودند.

سپس توسط برادران بسیج برنامهٔ نوحه‌خوانی و سینه‌زنی به مناسبت ایام شهادت ۲ معلم بزرگ انقلاب اسلامی شهید رجائی و شهید باهنر اجرا گردید و در برنامهٔ پایانی سمینار **برادر قاسمی نماینده و قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱۰** به جمع‌بندی مسائل گردهمایی پرداخت و سمینار با خواندن دعای فرج توسط همهٔ برادران به کار خود پایان داد.[۱]

۱- نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۳، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۸ تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام ۱ اکیپ فنی ۳۵ نفره به جبهه‌های غرب**

امضا: **جهاد سازندگی منطقهٔ گرگان**

از سوی **ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جهاد سازندگی منطقهٔ گرگان** ۱ اکیپ فنی ۳۵ نفره متشکل از برادران مکانیک، صافکار، جوشکار، آهنگر، بنا، باطری‌ساز و رانندهٔ ماشین‌آلات سبک و سنگین جهت کمک به رزمندگان مناطق جنگی غرب کشور ۲ روز پیش به غرب کشور عزیمت کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از **جهاد سازندگی منطقهٔ گرگان** همچنین تعداد ۲ دستگاه تریلی، کمپرسی و ۱ دستگاه بیل مکانیکی جهت بازسازی مناطق جنگ‌زدهٔ غرب کشور به منطقهٔ دیره ارسال شده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۷۹ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به جبهه‌های نبرد**

امضا:

زنجان:

استقبال جوانان غیور و مبارز زنجان از ثبت‌نام و اعزام به جبهه‌های نبرد نور علیه ظلمت همچنان در سطح گسترده‌ای ادامه دارد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این رابطه دیروز نیز سی و چهارمین گروه از رزمندگان و جان‌برکفان راه اسلام و قرآن در میان بدرقهٔ گرم اهالی شهیدپرور زنجان عازم جبهه‌های جنوب کشورمان شدند.

دامغان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

گروهی از جهادگران جهاد سازندگی شهرستان دامغان برای سنگرسازی و جاده‌سازی برای رزمندگان اسلام عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۰ تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عزیمت داوطلبانهٔ ۲۱۵ تن از ایثارگران جهاد سازندگی به جبهه‌های جنگ**

امضا:

مشهد:

۲۱۵ تن از ایثارگران جهاد سازندگی استان خراسان که در رشته‌های مکانیکی، رانندگی، سیم‌کشی اتومبیل، آرایشگری و آشپزی مهارت‌هایی داشتند برای یاری بخشیدن به رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل رهسپار مناطق جنگی شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۱ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ارسال کمک به مناطق جنگی**

امضا:

تربت‌حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

بیست و سومین کاروان کمک‌رسانی به جبهه‌های نبرد از طرف ستاد کمک‌رسانی زیر نظر ستاد برگزاری نماز جمعه که با کمک و همیاری مردم شهیدپرور تربت‌حیدریه تهیه و جمع‌آوری شده بود، در ۷ کامیون بزرگ محتوی تانکر خواروبار میوه و غیره به طرف مناطق جنگی جنوب و غرب ارسال شد.

دامغان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از طرف اهالی روستای تویه دروار ۱ کامیون گلابی کارگران ذوب آهن مبلغ ۱۰۰۰۰۰ریال، اهالی روستای قلعه‌چهارده ۱/۵ تن گندم و ۴رأس گوسفند جمع‌آوری و به رزمندگان اسلام هدیه شد.

تربت‌حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کارکنان کارخانهٔ قند تربت‌حیدریه پس از یک بسیج همگانی ۱۱ ساعته برای آماده کردن کارخانه جهت بهره‌برداری ۶ ماههٔ سال ۶۰، جمعی از کارکنان به دیدار خانوادهٔ شهدا رفتند. در

این دیدار نمایندهٔ کارخانهٔ قند سخنانی پیرامون مسائل جنگ ایراد نمود و ضمن آن هدایایی به خانوادهٔ شهدا تقدیم نمود.

همچنین این کارکنان مبلغ ۳۲۷۰۰۰ ریال جمع‌آوری و به ستاد کمک‌رسانی به جبهه‌ها تحویل دادند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۲ تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شهادت فرماندهٔ سپاه پاسداران شفت**

امضا:

فومن، خبرنگار اطلاعات:

منافقین کوردل روز پنج‌شنبه (پریروز) در ۵ کیلومتری جادهٔ فومن رشت، به لندروری که ۵ تن از برادران پاسدار را از شفت به فومن می‌برد، حمله بردند و آن را به رگبار بستند.

در این حادثه **برادر ریاضی، فرماندهٔ سپاه پاسداران شفت** به شهادت رسید و ۴ تن دیگر مجروح و در بیمارستان بستری شدند.

منافقین پس از ارتکاب این عمل پلید از محل حادثه گریختند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۳ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **آیین تشییع و خاک‌سپاری مدافعان اسلام**

امضا:

تربت‌حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکـر پاک **شهید هادی رزم‌آرا** که در جبهـهٔ سـومار در مصاف با کافـران بعثی در عملیات پیروزمندانهٔ مسلم‌بن عقیل به شهادت رسیده بود، بر روی دوش امت حزب‌الله تربت حیدریه تشییع گردید.

در این مراسم پدر شهید نیز سخنرانی کرد. آنگاه پیکر پاک برادر رزم‌آرا در زادگاهش به خاک سپرده شد.

همچنین دیروز پیکر پاک **شهید محمدحسن قادری** در میان استقبال گرم تشییع کنندگان و با سخنرانی **برادر حجت‌الاسلام رضایی** به زادگاهش انتقال یافت.

مشهد:

پیکرهای پاک و مطهر ۴ تن از پویندگان راه الله به اسامی: شهید غلامعباس علیزاده، شهید جواد بهشتی، شهید حسین مصلائی و سرباز شهید قاسم جعفریان که در نبرد با کافران صدامی به شرف شهادت نایل آمده‌اند، بامداد دیروز به طرز باشکوهی بر دوش امت حزب‌الله مشهد تا صحـن امام خمینـی حرم مطهـر حضرت رضا(ع) تشییع شد و سپس جهت دفن به

گلستان‌های خواجه ربیع و بهشت رضا انتقال یافت.

ایلام، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک **پاسدار شهید اسلام نورالدین موسی** که در نبرد با ارتش بعثی صهیونیستی صدام در جبههٔ مهران به لقاءالله پیوست، صبح دیروز با شرکت امت حزب‌الله ایلام از مقابل بیمارستان امام خمینی تا محل غسال‌خانه تشییع و سپس جهت خاک‌سپاری به گلستان صالح‌آباد انتقال یافت.

اهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

عصر پریروز جنازهٔ ۲ تن از شهیدان به اسامی **رسول سفندلی و عزت حدیثی** که در جبههٔ غرب به شهادت رسیده بودند، با شکوه بسیار تشییع شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۴ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مراسم ختم و بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسمه تعالی

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[۱]

شهید نظر می‌کند به وجه‌الله

(امام خمینی)

به مناسبت شهادت **برادر سیدجمال میرشجاعی** که در جبههٔ سومار به فوز عظیم شهادت نایل گردید، مجلس بزرگداشتی امروز شنبه ۶۱/۷/۱۷ از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد عسگری واقع در خیابان ابوحسین و مجلس دیگری فردا یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد فخر واقع در چهارراه دروازه شمیران برگزار می‌گردد.

امید است با شرکت امت حزب‌الله در این مراسم باعث شادی روح آن شهید و تسلی خاطر بازماندگانش گردید. روحش شاد و راهش مستدام باد.

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

بسم رب الشهداء والصدیقین

شهادت پرافتخار **پاسدار اسلام سید رضا میرکیا لنگرودی** در جبههٔ سومار را به حضرت بقیه‌الله(عج) و نایب برحقش خمینی بت‌شکن و امت شهیدپرور تبریک و تسلیت عرض نموده، مراسم بزرگداشت آن شهید شنبه ۶۱/۷/۱۷ از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در مسجد امام محمدتقی(ع) واقع در خیابان پیروزی، چهارراه کوکاکولا، ۲۱ متری دهقان برگزار می‌شود.

با حضور خود روح آن شهید را شاد فرمایید.

بسمه تعالی

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[۱]

مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد.

(امام خمینی)

به مناسبت شهادت **تکاور سپاه پاسداران پرویز فسخودی** که در عملیات غرب کشور در جبههٔ سومار به فوز عظیم شهادت نایل گردیده است، مراسم بزرگداشتی امروز شنبه از ساعت ۱ الی۳ بعد از ظهر در مسجد ولی‌عصر(عج) واقع در خیابان آذربایجان، چهارراه کیوان، فردا یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ از ساعت ۳/۵ الی ۵/۵ در مسجد منشورالسلطان واقع در خیابان امام خمینی نرسیده به میدان حر و روز دوشنبه ۶۱/۷/۱۹ از ساعت ۳ الی۵ بعد از ظهر در مسجد امیر واقع در خیابان کارگر شمالی مقابل پمپ بنزین منعقد می‌گردد.

ضمناً مراسم شب هفت آن شهید روز سه‌شنبه ۶۱/۷/۳۱ در ساعت ۳ بعد از ظهر در بهشت زهرا برگزار می‌شود.

لازم به توضیح است وسیلهٔ ایاب و ذهاب رأس ساعت ۲ بعد از ظهر از منزل آن شهید آمادهٔ حرکت می‌باشد.[۲]

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۵ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شفا یافتن رزمنده‌ای نابینا در حرم امام رضا(ع) پس از توسل به آن حضرت**

امضا: **حمید بیات از تویسرکان**

سرگذشت شفا یافتن مجروح جنگ تحمیلی از زبان خودش

بسم الله الرحمن الرحیم

یا مَنْ إِسْمُهُ دَواءٌ، وَذِکْرُهُ شِفاءٌ، وَ طاعَتُهُ غِنیً[1]

ای که نام تو دوا و درمان دردهای دل عاشقان و شیعیان توست.

ای که ذکر تو شفا و یاد تو و توکل و امید به تو شفای دردهای ناعلاج عاشقان است.

ای که اطاعت از تو باعث بی‌نیازی از غیر می‌شود.

ای خدایی‌که رحمان و رحیمی.

ای الهی که بی‌نیازی و در عین بی‌نیازی راهبرانی و رهنمایی از پیامبران اولوالعزم گرفته تا ائمهٔ معصومین(ع) برای نشان دادن راه و سبیل الی‌الله فرستادی.

ای خدایی که ائمهٔ معصومت پس از گذشت سال‌ها از شهادتشان، هنوز امید امت حزب‌الله‌اند. در این زمان که جهل مرکب شوم علم‌گرایی بر جهان سایه فکنده، ضریح مقدس ائمهٔ معصوم(ع)، تکیه‌گاه دردمندان بی‌درمان است. ائمهٔ پاکی که واسطهٔ بین بندگان شایسته و از خود رخت بربسته، با خدای قدرتمند بی‌نیازند و توسل به آنها، توسل و توکل به خدای

۱- دعای کمیل

تبارک و تعالی است.

امت ما شاهد شفا گرفتن عدهٔ بسیاری از رزمندگان مجروحان، این عاشقان لقاءالله و مجاهدان فی سبیل‌الله بوده و هستند که چگونه ارتباط با خداوند از طریق وساطت ائمهٔ معصوم(ع) باعث شفای جراحتشان گردیده است.

مطالبی که در زیر می‌خوانید، گفته‌های رزمندهٔ مسلمان، **برادر حمید بیات** می‌باشد که بینایی خود را با توسل به امام رضا(ع) باز یافت.

س: لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید در کدام جبهه مجروح شدید؟

ج: اینجانب **حمید بیات** در روز ۲۰ آذرماه، در جبههٔ سرپل‌ذهاب که به عنوان امدادگر اعزام شده بودم، از ناحیهٔ مغز مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفتم و بعد از ۱۰ یا۱۱ روز که در بیمارستان تبریز به هوش آمدم، بینایی خود را از دست داده بودم. اما خدا را شکر کردم و گفتم شاید موفق شدم یکی از امانات خدا را که پیش من بوده، در راه خودش تقدیم کنم.

بعد از مدتی که در بیمارستان بودم، به خانه منتقل شدم. چند بار به دکتر مراجعه کردم، مخصوصاً یک روز در بیمارستان فارابی تهران، که چند نفر چشم پزشک مرا معاینه می‌کردند، گفتند که عصب چشم از بین رفته است و امکان دید وجود ندارد. بعد به اورژانس سپاه آمدم. به یکی از برادران که گویا شهید شده‌اند، گفتم که من می‌خواهم پیش دکتری بروم که اقلاً به من روحیه بدهد.

ایشان مرا به دکتر غلامی معرفی کردند. به ایشان مراجعه کرده و تحت معاینه قرار گرفتم. پس از معاینه از ایشان پرسیدم که آیا چشم من خوب خواهد شد و بینایی خود را باز خواهم یافت یا نه؟! ایشان گفتند که اگر بخواهی امید به دست و داروهای من داشته باشی، باید بگویم که چشم تو از بین رفته است. ولی ائمهٔ معصومین(ع) را واسطه قرار بده، ان‌شاءالله خداوند عنایت بفرماید و بینایی خود را به دست آوری.

بعد از مدت ۴ ماه که از جریان گذشت، ۲ روزنهٔ بسیار کوچک به اندازهٔ نوک سوزن در هر ۲چشمم به وجود آمد. همین‌طور روزنه‌های دید ثابت مانده بود و میدان دیدی من، باز نمی‌شد و قادر به دیدن نبودم. یک روز دیگر به آقای غلامی مراجعه کردم و گفتم که به تهران آمدن من برایم مشکل است. اگر می‌بینید نتیجه نمی‌گیرم، دیگر مراجعه نکنم. آقای غلامی که از دکترهای باایمان و معتقد به انقلاب هستند، گفتند ما تلاش خودمان را کرده‌ایم، ولی پیشنهاد می‌کنم که به مشهد مقدس مشرف شوی و شفای خود را از امام رضا(ع) بطلبی که امیدوارم



ان‌شاءالله امام رضا(ع) واسطه بشوند و خداوند عنایتی کند و شفا پیدا کنید.

۱۰روز از این مراجعه گذشته بود که شبی در منزلمان (تویسرکان) در خواب دیدم که خانمی به عیادت من آمده است. ایشان گفتند که: «حمید شنیده‌ام که می‌خواهی به مشهد بروی». گفتم: «نه، من به علت عدم توانایی تصمیم به مشهد رفتن ندارم». صبح که شد خوابم را برای پدر و مادرم تعریف کردم و گفتم که خانمی به خواب من آمد و گفت که به مشهد بروم ان‌شاءالله شفا پیدا می‌کنی. در همان روز عده‌ای از برادران سپاه به منزلمان آمدند و گفتند که در سپاه همدان با شما کار دارند. البته با خودشان آمبولانس هم آورده بودند. سوار آمبولانس شدم و به همدان رفتم. **در سپاه همدان به من گفتند که تصمیم دارند مرا به مشهد بفرستند. واقعاً برایم عجیب بود. شب خواب می‌بینم و صبح وسایل رفتن به مشهد آماده می‌شود.**

این بود که امیدوار شدم. بعد دوباره به منزل مراجعت کردم و گفتم که می‌خواهند مرا به مشهد ببرند. پدرم گفت که من هم همراه تو می‌آیم. گفتم: «نه، همراه قبول نمی‌کنند. حدود ۵۰۰ نفر مجروح را می‌خواهند به مشهد بفرستند و همراه نمی‌برند. خود برادران ما را کمک می‌کنند.»

بعد با یکی از برادران همدانی و ۳ نفر از برادران خودمان به مشهد رفتیم. برادران ما دست مرا می‌گرفتند و کمکم می‌کردند و به این‌جا و آن‌جا می‌رفتیم. برادران سپاه در تلاش بودند که شب بعثت پیامبر اکرم(ص) بتوانیم به حرم برویم. ولی از آن‌جایی‌که حرم شلوغ بود و اکثر برادران معلول بودند، از این کار منصرف شدند و گفتند که روز بعد از بعثت به حرم می‌رویم. عده‌ای از معلولین و من اعتراض کردیم و گفتیم که امشب شب بعثت است و ما امشب باید از امام رضا(ع) عیدی بگیریم و حتماً باید امشب به حرم برویم.

خلاصه توانستیم موافقت بقیه را نیز جلب کنیم. آن شب، رهبران سازمان‌های آزادی‌بخش نیز به مشهد آمده بودند و ما هم که ۵۰۰ نفر معلول بودیم، به حرم رفتیم. حرم شلوغ بود و لذا برادران مرا در جای خلوتی نشاندند و خودشان رفتند.

دعای کمیل شروع شده بود. من در صحن امام خمینی دراز کشیده بودم. تقریباً وسط‌های دعا بود که من ارتباط عجیبی پیدا کرده بودم. البته کسی را نمی‌دیدم. صدای بلند بلندگو و صدای تکبیرهای مردم نمی‌توانست این ارتباط را قطع کند. طوری شده بود که تپش قلبم زیاد می‌شد و وقتی درخواست‌هایم را بازگو می‌کردم، قلبم آرامش می‌یافت. در این حین **آقایی کنار من نشسته بود. چون چشمم نمی‌دید، نتوانستم تشخیص دهم که بود. صورتش را به صورتم چسباند و گفت: «ای آقا! تو شفا پیدا کردی، مرا هم دعا کن».**

من تعجب کردم و ترس هم داشتم که مبادا ارتباط مرا مزاحمی قطع کند. اهمیتی نداده و دوباره همان کار را انجام داد و گفت: «تو چرا مرا دعا نمی‌کنی؟»

در همان لحظه یاد رهبر انقلاب، امام عزیزمان افتادم. رو به خدا کردم و گفتم: «ای خدا، ما که آبرو نداریم با خودت مستقیماً ارتباط برقرار کنیم، ولی امام رضا(ع) را واسطه قرار می‌دهم و از او می‌خواهم که از تو بخواهد طول عمر به اماممان عنایت فرمایی و شفای مجروحین را بدهی.»

اصلاً شاید به فکر خودم نبودم و برای خودم دعا نمی‌کردم. تمام بدن‌های قطعه قطعه‌ای که در جبهه دیده بودم، سرهای بی‌تن، تن‌های بی‌سر، همه جلو چشمم مجسم شده بودند و من هم به شدت گریه می‌کردم. دوباره آقایی که مزاحمم شده بود، دستش را محکم به سینه‌ام کوبید و گفت که «چرا برای من دعا نمی‌کنی؟» من با دست راستم خواستم که به اصطلاح به عنوان اعتراض او را از خودم دور کنم. در همین لحظه احساس کردم دستم قادر به حرکت نیست و در عین‌حال احساس کردم که دستی روی پیشانی‌ام قرار دارد و نمی‌گذارد که سرم تکانی بخورد. باز خواستم که دستم را بالا ببرم و ببینم که چه کسی مزاحمم شده است. ناگهان بوی عطر بسیار تیزی به مشامم خورد و بیهوش شدم. یک گردن‌بند پزشکی به گردن داشتم که از طرف بیمارستان شهدا به من داده بودند که اگر نیم سانت گردنم به پایین خم می‌شد، از شدت درد، حالت غش به من دست می‌داد و حتی طوری بود که گاه‌گاهی می‌گفتند که تمام کرده و دوباره به حال می‌آمدم. از برادران خواهش کرده بودم که اگر من گردن‌بند را باز کردم، شما جلوگیری کنید و دوباره به گردن من ببندید.

بعد که به هوش آمدم و چشمم را باز کردم و دیدم که یک جمعیت حدود ۶۰-۵۰ هزار نفر جلو چشمم نمایان شد. حالت ذوق‌زدگی به من دست داد، گردن‌بند را چند مرتبه به گردنم بستم و باز کردم. دیدم هیچ‌گونه حالت برق‌زدگی و حالت غش در من وجود ندارد. بعد بلند شدم و طوری بودم که قادر به راه رفتن نبودم و حتماً می‌بایستی یک راهنما داشته باشم که دستم را بگیرد. بلند شدم از بین همهٔ آن جمعیت، چند قدمی راه رفتم تا خودم را به آن برادرانی که با هم آمده بودیم، برسانم و آنها مرا ببینند و مرا نیز با خود ببرند.

در این حین **برادران مرا دیده بودند که گردن‌بند را به دست گرفته‌ام و خودم راه می‌روم**. یک مرتبه صدای «**یا حسین(ع)، الله اکبر**» کشیدند و مرا به آغوش گرفتند. جمعیت باخبر شد و برادران سپاه مشهد که خدا عمرشان بدهد، کمک کردند و توانستند مرا از دست مردم نجات دهند. چون مردم به امام رضا(ع) عشق می‌ورزیدند.

خلاصه از آن روز به بعد چشمانم الحمدلله خوب شد و حتی می‌توانم بخوانم و بنویسم و احتیاج به هیچ‌گونه کمکی ندارم. فقط همه‌چیز را یک مقداری تار می‌بینم.

لازم است بگویم که با خدای تعالی عهد کرده بودم که اگر چشمانم خوب شد، دوباره به جبهه بازگردم. ولی نمی‌دانم مصلحت خداست که چشمانم کاملاً خوب نشده و مقداری تار می‌بینم یا نه. البته همه‌چیز را می‌توانم تشخیص بدهم، ولی کلاً یه مقدار خیلی کم تار می‌بینم.

آقایان دکترهای تهران می‌گویند که عصب مخچه پاره شده است و فکر نمی‌کنم که عصب پاره شده باشد. چون در این صورت تعادلم به هم می‌خورد. ولی تعادل دارم، امیدوارم که خداوند هرچه زودتر به همهٔ مجروحین شفا بدهد.

س: از کجا به جبهه اعزام شدید؟

ج: از سپاه تویسرکان اعزام شده بودم. کارمند بهداری و بهداشت‌یار هستم و به عنوان امدادگر داوطلبانه از طرف سپاه به جبهه اعزام شدم.

س: چه مدت در جبهه بودید؟

ج: ۲بار به جبهه اعزام شدم. یک‌بار عید سال ۶۰ بود که ۳۵ روز در جبهه بودم. بار دوم نیز به مدت ۳۰ روز در جبهه بودم که مأموریتم تمام شده بود. بعد از طرف برادر تهرانی به بنده پیشنهاد شد که حمله‌ای در پیش است، دوست دارم در آن حمله شرکت کنید.

روحیهٔ خوبی داشتم و خیلی مایل بودم که در حمله شرکت داشته باشم و شرکت نمودم و در همان حمله مجروح شدم.

س: مثل این‌که در زمانی که شما در حرم شفا پیدا کردید، مردم شاهد حالتی غیرعادی در آن‌جا بودند، در این‌باره توضیح بدهید؟

ج: در آن شب در بین معلولین، برادران اهل سنت زیاد بودند. آنها می‌گفتند وسط‌های دعای کمیل بودم که ما دیدیم یک نور به خصوص در یک قسمت حرم به وجود آمد. در همان لحظه صدای صلوات را که از همان محل بلند شده بود، شنیده بودند و آن‌طور که می‌گفتند، مرا ما بین آن نور در حالی‌که شفا پیدا کرده بودم، دیده‌اند.

س: از جبهه چه خاطراتی دارید؟

ج: آن‌قدر خاطره دارم که به روی هم انباشته شده‌اند.

یکی از خاطراتم که بسیار خوب و برایم فراموش ناشدنی است و به کوری چشم منافقین این را عرض کنم که بدانند ما تا چه اندازه با رهبرانمان خوب هستیم و ارتباط قلبی ما با امام چگونه است. باید بگویم که در نزدیکی‌های شیاکوه یا چرمیان بود که به مجروحی برخورد کردم که در اثر ترکش خمپاره ۱ دست و ۱ پایش در حال قطع شدن بود. من شروع کردم به بند آوردن خون‌ریزی، یک رفیقی داشت که آن رفیقش به من گفت: شما چرا به این مسکن نمی‌زنید، او دارد از درد می‌سوزد، به او مسکن بزن.

برادر مجروحمان که امیدواریم همیشه زنده باشد و متأسفم از این‌که اسم او به خاطرم نیست، با تبسم به من گفت: برادر تو کار خودت را بکن، انسان در زندگی یک‌بار بیشتر نمی‌سوزد. شهادت مظلومانهٔ بهشتی و رجائی مرا سوزانده است. دیگر این دردها نمی‌تواند مرا بسوزاند. تأثیر این حرف آن‌قدر بود که وقتی خودم مجروح شدم و دردم زیاد می‌شد به یاد حرف این برادر می‌افتادم و درد را هر چه که شدیدتر می‌شد، تحمل می‌کردم.

خاطرهٔ دیگرم این بود که باز به یک مجروحی رسیدم و شروع به کمک کردن کردم. برادر مجروح به من گفت که: «برادر! بدن مرا به سوی کربلا بکش». این کار را کردم، گفت: «سر مرا بلند کن». گفتم: «برای چه؟» گفت: «می‌خواهم تعظیمی به امام حسین(ع) بکنم و بگویم که در راهت شهید شدم و کربلا را ندیدم.»

س: آیا در جبهه شاهد امدادهای غیبی بودید؟ برایمان تعریف کنید.

ج: در شب عید سال ۶۰ بود که در جبههٔ بازی‌دراز بودم. بنده از طرف برادر موسوی و یکی دیگر از برادران، به عنوان سرپرستی گروهی از برادران در تپهٔ شهدا گماردند. شب به برادر خدادادی که مثل این‌که از بچه‌های سپاه تهران بود، گفتم: «شما خسته‌اید، نمی‌خواهد سرپرست باشید، من خودم پست را اداره می‌کنم.» بعد پیش خودم گفتم که چون پست ۱ تا ۴ نیمه‌شب حساس است، خودم سرپرست باشم، شاید بهتر باشد.

مشغول نگهبانی شدم. ساعت حدود ۳ـ۲ بود که بر اثر خستگی بسیار زیاد و کم‌خوابی خوابم برد. یک مرتبه یک پروانه‌ای که اول نمی‌دانستم چیست، بر روی چشمم نشست که تند و تند پر می‌زد. از خواب پریدم و چون خسته بودم، دوباره خوابم برد. باز مجدداً پروانه مرا بیدار کرده، به خود آمدم و آبی به سر و صورتم زدم. دیدم که پروانه روبه‌روی من نشسته است. گفتم خدایا شنیده‌ام که امدادهای غیبی در جبهه زیاد است، نکند این هم یکی از آن امدادها باشد.

به خود آمدم و خود را سرزنش کردم که این سنگر، یکی از سنگرهایی است که فرماندهٔ کل آن، مردی است که جلو تمام ابرقدرت‌ها ایستاده است و من چرا باید در این سنگرها بخوابم.

کمی گذشت، دیدم صدای واق واق سگ‌ها بلند شد. تعجب کردم چطور زیر این خمپاره‌ها سگ‌ها بتوانند این‌گونه بگردند و پیش ما بیایند. اصلاً فکر نمی‌کردم که عراقی‌ها این‌قدر پست فطرت باشند که مانند سگ به ما نزدیک بشوند و بخواهند ضربه بزنند.

از آن‌جایی که خدا با ما بود، من توکل به خدا کردم و چند آیه از قرآن از جمله:

وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ[1]

این آیه را خواندم و چون کوه استوار و محکم در میان سنگر نشستم. حلقهٔ نارنجک در دستم بود و منتظر بودم که مزدوران عراقی بیایند و آنها را به درک واصل کنم.

تا این لحظه به فکرم رسید که اگر برادر خدادادی را صدا زدم و او آمد، داشتم به او می‌گفتم که صدای واق واق از کجا می‌آید که صداهای دیگری آمد و فهمیدم که آنها سگ نیستند، بلکه عراقی‌ها هستند و آمده‌اند که سنگر ما را شناسایی کنند.

بعد برادر خدادادی به من گفت: «ما این سنگر را تازه افتتاح کرده‌ایم و هنوز شناسایی نشده است که ان‌شاءالله اگر حمله‌ای بخواهد صورت بگیرد، باید از همین سنگرها انجام شود.» پس هیچ عکس‌العملی نباید نشان بدهیم. ما مثل تخته سنگی، بی‌حرکت ماندیم. بعدها دیدیم که جای پایشان تا ۳ متری سنگر مانده و چون زمین گل بود، فهمیدیم که آنها تا ۳ متری سنگر آمده بودند و بدون شناسایی برگشته بودند.

بعدها هم حمله از همین سنگرها با موفقیت هرچه بیشتر به دیده‌بانی برادر شهیدمان حجت‌الاسلام حاج آقا محمود غفاری که خدا رحمتشان کند، انجام شد و شاید در غرب کشور تا به حال آن حمله از تمام حملات موفقیت‌آمیزتر بود و عراقی‌ها تلفات زیادی در آن حمله متحمل شدند و همان سکوت ما شاید باعث شد که برادران حمله را با موفقیت انجام دهند.[2]

۱- سورهٔ یس، آیهٔ ۹

و [ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم، در نتیجه نمی‌توانند ببینند.

۲- نشریهٔ امید انقلاب، شمارهٔ ۴۳، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۶ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **کمک‌های حاکم سودان - جعفر نمیری- به صدام در جنگ با ایران**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

تفسیر رویدادها

کمک‌های حاکم سودان به صدام!!

هر بار که ارتش بعثی صهیونیستی عراق دچار شکست سنگینی در جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران می‌شوند، صدام عفلقی دست به سوی اربابان خود و مرتجعین عرب دراز می‌کند و درخواست کمک از آنان می‌نماید.

این‌بار که ارتش ظفرمند اسلام، در عملیات مسلم‌بن عقیل ضربهٔ سنگینی بر پیکر ارتش صدام وارد کرد و ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی را از تصرف مزدوران بعثی صهیونیستی عراق درآورد و توانست شهر مندلی را زیر نظر بگیرد و در ۱۰۰ کیلومتری بغداد مستقر شود، صدام حسین از شورای امنیت درخواست کمک کرد و خواستار انعقاد جلسهٔ این شورا شد و از حکام مرتجع عرب درخواست کمک فوری نمود تا به ادعای خود از حملات ارتش جمهوری اسلامی ایران جلوگیری نماید.

شورای امنیت برای نجات صدام تشکیل جلسه داد و خواستار آتش‌بس میان ایران و عراق شد. شاه حسین اردنی وارد بغداد شد و با صدام حسین دیدار و گفتگو کرد و خواستار اجرای قطعنامهٔ دوازدهمین کنفرانس سران عرب در رابطه با دفاع مشترک اعراب و کمک نظامی اعراب

به عراق شد.

جعفر نمیری حاکم و دیکتاتور سودان آمادگی خود را برای ارسال نیروهای سودانی به عراق اعلام کرد.

همچنین رسانه‌های گروهی کشورهای عربی مرتجع سرمقالات خود را به عملیات اخیر اختصاص دادند و خواستار بسیج اعراب علیه جمهوری اسلامی ایران و اجرای مفاد منشور دفاع مشترک اعراب شدند.

آن‌چه در این میان جلب توجه می‌کند، اعلام آمادگی جعفر نمیری برای اعزام سربازان سودانی به عراق و جنگیدن در کنار مزدوران صدام علیه جمهوری اسلامی ایران است.

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که حاکم سودان یکی از مزدوران آمریکا به شمار می‌رود و بقای او به عنوان رئیس‌جمهوری سودان مرهون کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به رژیم وی می‌باشد و چنان‌چه این کمک‌ها از نمیری قطع شود، او قدرت مقاومت در برابر مردم سودان را نخواهد داشت. لذا حاکم سودان از اولین روزی که حکومت سودان را در دست گرفت، کوشید رضای آمریکا را جلب نماید و از این‌رو حاضر شد کشورش را دربست در اختیار قرار دهد و در مقابل، آمریکا از رژیم وی حمایت و پشتیبانی نماید و این رژیم را به انواع اسلحه و کمک‌های مالی مجهز نماید.

نگاهی به اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سودان به خوبی نشان می‌دهد که اوضاع آن کشور بسیار وخیم است. از نظر اقتصادی، این کشور اکنون یکی از کشورهای فقیر آفریقا به شمار می‌رود در حالی که سودان قبلاً منبع غذایی خاورمیانه به شمار می‌رفت. بدهی‌های سودان به ۷ میلیارد دلار رسیده و رژیم نمیری قادر به پرداخت بهرهٔ این بدهی‌ها نیست، چه رسد به پرداخت مبالغ دریافت شده. گرانی در سودان بیداد می‌کند و چندی پیش این کشور شاهد تظاهرات مردم علیه گرانی و اوضاع نابسامان اقتصادی بود.

این تظاهرات توسط پلیس سودان به شدت سرکوب شد و تعداد زیادی از این مردم کشته و زخمی شدند.

گفته می‌شود جعفر نمیری برای جلوگیری از افزایش نارضایتی میان مردم از آمریکا خواسته که به بانک بین‌المللی فشار وارد آورد تا این بانک کمک‌های مالی در اختیار رژیم سودان قرار دهد. او در مقابل به آمریکا قول داده که خواسته‌ها و هدف‌های آمریکا را در شرق آفریقا به اجرا درآورد. قبلاً بانک بین‌المللی از دادن وام به سودان خودداری کرده بود؛ چون رژیم سودان از دادن وام‌های قبلی ناتوان مانده بود.

جعفر نمیری که اکنون آمادگی خود را برای ارسال نیرو به عراق و جنگیدن در کنار صدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد، فقط به دستور آمریکا عمل می‌کند. چون رژیم نمیری در حال حاضر با بحران سیاسی شدیدی روبه‌روست و خود این رژیم نیاز به کمک نظامی دیگران دارد و سفرهای متعدد او به آمریکا و مصر برای به دست آوردن کمک‌های نظامی می‌باشد.

در آخرین دیداری که جعفر نمیری از آمریکا به عمل آورد، با مسئولین آمریکایی پیرامون گسترش روابط میان سودان و آمریکا و نقش آیندهٔ سودان در منطقهٔ خاورمیانه مذاکراتی انجام داد.

نمیری قبلاً از آمریکا خواسته بود که سودان را پایگاهی برای خود قرار دهد و در مقابل، آمریکا از رژیم وی پشتیبانی و حمایت نماید.

چندی پیش نیروهای آمریکایی در کنار نیروهای مصری و سودانی مانورهایی در مصر و سودان انجام دادند و بدین ترتیب آمریکا آمادگی نمیری را برای نوکری به آزمایش گذارد.

رژیم جعفر نمیری که اکنون آمادگی خود را برای فرستادن نیرو به عراق و جنگیدن در کنار صدام عفلقی اعلام می‌نماید، در برابر حملهٔ اخیر صهیونیست‌ها به لبنان چه کاری انجام داده است؟ آیا حملهٔ وحشیانهٔ صهیونیست‌ها را محکوم کرد؟ یا نیرویی به لبنان فرستاد تا با این کشور بتواند در برابر صهیونیست‌های غاصب ایستادگی نماید؟

رژیم سودان که حاضر است به دستور آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ شود، چه اقدامی جهت متوقف کردن تجاوزات نیروهای صهیونیستی به لبنان و دیگر کشورهای عربی که جعفر نمیری ادعای پشتیبانی از آنها را می‌کند، انجام داده است؟

آیا او قدمی در راه کمک به دیگر کشورهای عربی که نیاز به کمک نظامی دارند تا در برابر نیروهای صهیونیستی مقاومت کنند، برداشته است؟

آیا گامی در راه کمک به مردم فلسطین که در لبنان قتل‌عام شدند، برداشته است؟

جعفر نمیری به جای کمک رساندن به فلسطینی‌ها در لبنان علیه آنان توطئه کرده و با آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل ملاقات می‌کند.

مجلهٔ اکسپـرس چاپ فرانسـه اخیراً اعتراف کرد که آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل در راه بازگشت از زئیر در خارطوم توقف کرد و با جعفر نمیری ملاقات نمود.

گفته می‌شود که جعفر نمیری در دیدار اخیر خود به واشنگتن قول داده است در برابر دریافت اسلحهٔ مدرن از آمریکا، تلاش نماید روابط کشورهای آفریقایی با رژیم اشغالگر قدس را بهبود بخشد.

جعفر نمیری که حاضر است در مقابل دریافت اسلحه، برای آمریکا و اسرائیل دلالی کند، چگونه دستور آمریکا را در مورد کمک به صدام حسین اجرا نمی‌کند؟

او چنان‌چه دستور آمریکا را اجرا نکند، آمریکا او را از میان خواهد برداشت. لذا او برای این‌که بتواند در سودان حکومت کند، مأموریت می‌یابد که به رژیم بعث عراق کمک نظامی نماید و آمادگی خود را برای فرستادن سرباز به عراق اعلام کند.

صدام حسین که با کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا و شوروی و کشورهای مرتجع عرب من‌جمله عربستان سعودی و اردن نتوانست ظرف ۲ سال گذشته هیچ غلطی بکند و هر روز با شکست مفتضحانه روبه‌رو می‌شود، چگونه می‌تواند با کمک حاکم سودان که خود نیاز به کمک دارد، در جنگ به پیروزی‌هایی نایل گردد.

جعفر نمیری حاکم سودان و دیگر مزدوران شیطان بزرگ نخواهند توانست صدام خون‌خوار را از منجلابی که در آن سقوط کرده است، نجات دهند.

نمیری بایستی از سرنوشت دوست صمیمی‌اش انور سادات عبرت بگیرد و بداندکه او و صدام و دیگر مزدوران آمریکا نیز دچار سرنوشت سادات خواهند شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۷ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ایرانی قدرتمند، نیاز جهان اسلام**

امضا: **روزنامهٔ اردوزبان «جنگ» چاپ پاکستان**

روزنامهٔ جنگ پاکستان:

جهان اسلام به ایرانی قدرتمند نیازمند است

خبرگزاری جمهوری اسلامی:

روزنامهٔ پرتیراژ اردوزبان «جنگ» چاپ پاکستان در سرمقالهٔ دیروز خود با اشاره به **فاجعهٔ بمب‌گذاری اخیر در خیابان ناصرخسرو تهران** نوشت:

عاملین این انفجار و قدرت‌های پشتیبانی آنان می‌خواهند با انجام اعمال خرابکاری در بین مردم وحشت ایجاد کنند و این فاجعه نشان می‌دهد که عاملین این فاجعه فقط منافع کثیف خود را در نظر دارند و حتی کودکان، زنان و پیرمردان که در این فاجعه شهید و زخمی شدند، به حساب نمی‌آورند.

این روزنامه افزود:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دشمنان انقلاب اسلامی سعی کردند مشکلاتی برای این کشور به وجود آورند و حتی مستقیماً عراق را وادار به جنگ با ایران کردند تا ایران بتواند در مسائل بین‌المللی جهان اسلام نقش مؤثری داشته باشد.

روزنامهٔ جنگ افزود:

با توجه به این مشکلات که ایران درگیر آن بود، شوروی و رژیم صهیونیستی از فرصت استفاده کردند تا به افغانستان و لبنان تجاوز کنند.

این روزنامه در پایان نوشت:

- جهان اسلام امروز به یک ایران قدرتمند نیاز دارد تا بتواند برای مبارزه با قدرت‌های متجاوز و توسعه‌طلب و امنیت ملت‌های اسلامی نقش فعالی داشته باشد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۸ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اوضاع نابسامان اقتصاد عراق به رغم کمک‌های کشورهای مرتجع**

امضا:

اقتصاد عراق در حال متلاشی شدن است

ذخایر ارزی عراق از هنگام آغاز جنگ تا کنون از ۳۰ میلیارد دلار به ۴ میلیارد دلار کاهش یافته است.

کمک‌های همه‌جانبهٔ رژیم‌های مرتجع عربی به دولت رو به زوال صدام و سرازیر شدن دلارهای نفتی متعلق به مردم محروم این‌گونه کشورها به عراق نیز سودی نبخشید و **وخامت اوضاع اقتصادی این کشور که در نتیجهٔ سیاست‌های تجاوزگرانهٔ رژیم صدام به وجود آمده است، روز به روز تشدید می‌شود.**

روزنامهٔ گاردین در این مورد می‌نویسد:

مقامات عراق می‌کوشند اثرات جنگ را بر اقتصاد عراق به حداقل ممکن کاهش دهند، ولی هزینهٔ تهیهٔ وسایل جدید به جای وسایل آسیب‌دیده و نیز مخارج نگه‌داری یک نیروی در حال جنگ، ظاهراً به حدود ماهی ۱ میلیارد دلار می‌رسد. با این‌که پادشاهی عربستان و سایر کشورهای عربی منطقهٔ خلیج فارس کوشیده‌اند با پرداخت کمک‌هایی که تصور می‌رود به حدود ۳۰ میلیارد دلار برسد، به یاری عراق بشتابند، چنین استنباط می‌شود که **ذخایر ارزی عراق کاهش یافته و از هنگام آغاز جنگ تا کنون از معادل ۳۰ میلیارد دلار به معادل ۴ میلیارد دلار**

نزول یافته است.

عواید نفت عراق نیز کاهش فراوان یافته است.

در ماه آوریل اخیر استفاده از خط لولهٔ نفتی که از سوریه می‌گذرد و نفت عراق را به ساحل مدیترانه می‌رساند، برای عراق غیرممکن شد و پیش از آن ۲ ترمینال بارگیری نفت عراق در منتهاالیه شمال خلیج فارس توسط جمهوری اسلامی ایران منهدم شده بود.

عراق ممکن است در سال میلادی آینده با دشواری‌های روزافزون اقتصادی روبه‌رو گردد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۸۹ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **عراق چشم انتظار کمک‌های آمریکا**

امضا: **وزیر خارجهٔ عراق، سعدون حمادی**

وزیر خارجهٔ عراق در دیدار با وزیر خارجهٔ آمریکا:

عراق برای کمک‌های بیشتر چشم به آمریکا دوخته است

سعدون حمادی وزیر امور خارجهٔ رژیم عراق و جرج شولتز وزیر امور خارجهٔ آمریکا سه‌شنبه شب گذشته در نیویورک پیرامون مسألهٔ جنگ تحمیلی تبادل‌نظر کردند.

در این دیدار که به دنبال شکست مفتضحانهٔ ارتش صدام طی عملیات مسلم‌بن عقیل صورت می‌گیرد، حمادی ضمن ابراز نگرانی از ادامهٔ جنگ از آمریکا خواست تا کمک‌های بیشتری چه به صورت مستقیم و چه از طریق کشورهای مرتجع منطقه به عراق گسیل دارد.

از سوی دیگر به دنبال هر پیروزی رزمندگان اسلام و نزدیک‌تر شدن لحظهٔ سقوط صدام، رسانه‌های امپریالیستی تلاش خود درجهت ترغیب کشورهای منطقه به دادن کمک‌های بیشتر به ویژه اعزام نیروی نظامی به عراق را مجدداً آغاز کرده‌اند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی **روزنامهٔ آمریکایی نیویورک تایمز** در شمارهٔ دیروز خود به نقل از «**درو میدلتون**» **مفسر امور نظامی** خود تحلیلی تحت عنوان «**عراق بدون دریافت کمک تا چه مدت می‌تواند در مقابل نیروهای ایران دوام آورد؟**» به چاپ رسانده است.

در این تحلیل گرچه به برخی از واقعیات جنگ تحمیلی و پیروزی‌ها و توان رزمندگان

اسلام و در مقابل ضعف و درهم‌شکستگی ارتش عراق اعتراف شده، لیکن در خلال این اعترافات سعی گردیده تا ضمن هشدار نسبت به سقوط صدام، کشورهای منطقه به دادن کمک بیشتر و آن هم نه تنها به صورت کمک مالی بلکه به صورت گستردهٔ نظامی به این رژیم متزلزل ترغیب شوند.

نیویورک تایمز در اجرای این هدف بر کمبود نیروی انسانی عراق در برابر آمادگی و حضور گستردهٔ جوانان جان‌برکف ایرانی در جبهه‌ها به عنوان عامل عمده و اصلی لنگیدن و شکست ارتش عراق به ویژه در حمله به خوزستان تأکید و پیوستن واحدهای خارجی به ارتش عراق و راه نجات این ارتش از خطر اضمحلال ذکر می‌کند.

نیویورک تایمز ضمن سعی در کمتر جلوه دادن شدت ازهم‌گسیختگی و ناتوانی نیروهای صدام، در این رابطه می‌نویسد:

بنا به تحلیل منابع اطلاعاتی شاید ایران مصمم به جنگ با عراق در طول مرز میان ۲ کشور تا فرسودن و از کار انداختن ارتش عراق باشد و بنا به نظر این منابع برای آن‌که ارتش عراق به فرسودگی نیفتد، باید واحدهای پیاده‌نظام آزموده و واحدهای آتشبار خارجی به نیروهای آن کشور بپیوندند.

میدلتون در ادامه به برشمردن امتیازات و به قول خود تأثیر کمک نظامی کشورهای منطقه به عراق به ویژه کشورهایی چون اردن که به جبهه نزدیک‌ترند، پرداخته و در این زمینه حتی به تحسین ارتش‌های این کشور، آن هم به نقل از منابع اطلاعاتی رژیم صهیونیستی می‌پردازد. و این در حالیست که مفسر نظامی نیویورک تایمز در ادامه با ذکر این مطلب که اردن تا کنون نیز هزاران نظامی به جبهه‌ها فرستاده و با این حال باز هم عراق به تجدید و تقویت نیروهایش نیاز دارد، تلویحاً به بی‌اثر بودن این کمک‌ها اعتراف می‌کند.

روزنامهٔ نیویورک تایمز در ادامهٔ کمک‌های مالی کویت و پادشاهی سعودی و چند کشور دیگر حوزهٔ خلیج فارس به عراق را ناکافی ذکر می‌کند و می‌افزاید:

اگر ایران همچنان بر فشار خود به عراق ادامه دهد، پول تنها چاره‌ساز و مددهندهٔ عمدهٔ عراق نخواهد بود.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۹۰ تاریخ صدور: **۱۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **توافق و هماهنگی ارتجاع عرب در تجاوز اسرائیل به لبنان**

امضا: **رئیس‌جمهور لیبی، سرهنگ قذافی**

قذافی، تجاوز به لبنان را ناشی از هماهنگی و توافق ارتجاع عرب خواند

روزنامهٔ «لارپوبلیکا» چاپ ایتالیا در شمارهٔ اخیر خود مصاحبه‌ای را با **سرهنگ قذافی رئیس جمهور لیبی** منتشر کرده است.

قذافی در این مصاحبه به **نقش شوروی در خاورمیانه و هم‌پیمانی آمریکا و شوروی در سرکوبی خلق‌ها و همچنین تجاوز صهیونیست‌ها به لبنان و سکوت کشورهای مرتجع** اشاره کرده و می‌افزاید:

– **شوروی‌ها در جریان تجاوز اسرائیل به لبنان واکنشی از خود نشان ندادند.**

خبرنگار ایتالیایی از سرهنگ قذافی در مورد ارزیابی وی در مورد زمان تجاوز اسرائیل به لبنان سؤال می‌کند.

قذافی می‌گوید:

– در این لحظه **یک هماهنگی و توافق مابین عربستان سعودی، شاه حسین اردنی، راست‌گرایان فلسطینی، عراق و شاه حسن مراکشی در مورد عملیات مزبور وجود دارد.** آن هم در مرحله‌ای که رژیم عراق در آستانهٔ سقوط قرار دارد.

خبرنگار می‌پرسد:

– شما در گذشته گفته‌اید در صورتی که لیبی از سوی آمریکا مورد حمله قرار گیرد، از شوروی

تقاضای کمک خواهید نمود. اما در جریان لبنان، شوروی‌ها در قبال لبنانی‌ها همبستگی از خود نشان ندادند. به نظر شما این‌طور نیست؟

قذافی: من در این مورد با شما موافقم.

خبرنگار: پس لیبی در صورت حمله از چه کسی درخواست کمک خواهد نمود؟

قذافی: جریان لیبی کاملا متفاوت است».

خبرنگار: یعنی شما فکر می‌کنید که شوروی به کمک لیبی خواهد شتافت؟

قذافی: پیشتاز تهاجم در این لحظه اسرائیل می‌باشد. اما **شوروی در قبال یک حملهٔ مستقیم آمریکا به لیبی دست روی دست نخواهد گذاشت و با بی‌تفاوتی ناظر نخواهد بود.**

خبرنگار: شما نگران این مسأله نیستید که شاید پس از حوادث لبنان، یک تفاهم سّی بین واشنگتن و مسکو در مورد برقراری صلح در خاورمیانه به وجود آید؟

قذافی: بعضی از دلیل‌های سیاسی بیانگر این مسأله می‌باشد.

خبرنگار: از این جهت تصور می‌کنم که شما ملاقات مستقیمی را که احتمالاً در ماه‌های آینده بین برژنف و ریگان انجام خواهد شد، با نگرانی ویژه‌ای ملاحظه می‌کنید؟

قذافی: این ملاقات می‌تواند سودمند و مفید باشد، همان‌طور که می‌تواند به ضرر دیگر خلق‌ها باشد.

خبرنگار: به‌ویژه کدام خلق‌ها؟

قذافی: ملت‌های کوچک، آنهایی که خارج از پیمان ورشو و پیمان ناتو هستند.

خبرنگار: اگر درست به خاطر داشته باشم، روزگاری شما می‌گفتید که در صورت لزوم، لیبی می‌تواند درخواست پیوستن به پیمان ورشو را بنماید. آیا این طرح هنوز هم به قوت خود باقی است؟

قذافی: در سیاست هیچ‌چیز لایتغیر نیست.

خبرنگار سپس در مورد آغاز مذاکره میان لیبی و آمریکا می‌پرسد.

سرهنگ قذافی در پاسخ می‌گوید: **من معتقدم که با آمریکا می‌شود به بحث و مذاکره نشست.**

خبرنگار: اکنون چه چیز مانع خواست و ارادهٔ آمریکا و لیبی است؟

قذافی: نه لیبی خاک ایالات متحده را اشغال نموده و نه آمریکا خاک لیبی را، از این نظر دلیلی برای جنگ وجود ندارد و امکان بحث و مذاکره نیز هست. به خاطر همین است که ما مدام دعوت می‌نماییم: **ما همیشه آماده‌ایم تا با ایالات متحده مذاکره نماییم.**

خبرنگار: پس شما هر لحظه آماده هستید تا با ریگان ملاقات نمایید؟

قذافی: بله، چرا که نه؟

خبرنگار: چندی پیش واشنگتن انجام مانور دریایی جدیدی را در خلیج «سیدرا» اعلام نمود و سپس از آن خبری نشد. شما تصور می‌کنید آنها این مانور را انجام بدهند یا نه؟

قذافی: به هر صورت، انجام هر گونه مانور دریایی در خلیج «سیدرا» به منزلهٔ جنگ است.

خبرنگار: به تنهایی از سوی لیبی؟

قذافی: پیش از هر چیز صحبت در این‌باره زود است. اما روشن است که لیبی از آب و خاک خود دفاع خواهد نمود.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۹۱ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **افزایش موج دستگیری مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان و اعتراض مقامات و مسئولان این کشور**

امضا:

موج دستگیری مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان بالا گرفت

ارتش لبنان صبح پنج‌شنبه بار دیگر به پشتوانهٔ کمک‌های نظامی آمریکا بازرسی منازل ساکنین مسلمان غرب بیروت را آغاز کرد.

به گزارش **خبرگزاری فرانسه از بیروت**، رادیو رسمی لبنان با انتشار این خبر خاطرنشان کرد که محله‌های کنار دریا از اوزاعی در جنوب تا بلوار مزرع در شمال به وسیلهٔ فالانژها و سربازان لبنان بسته شده‌اند.

لازم به یادآوری است:

این عملیات ارتش لبنان که تا کنون با حمایت **نیروهای آمریکایی، فرانسوی و ایتالیایی عضو نیروی مداخله‌گر چندملیتی** صورت گرفته، تنها محدود به اردوگاه‌های فلسطینی و محله‌های مسلمان‌نشین غرب پایتخت لبنان بوده است.

به نوشتهٔ **روزنامهٔ لبنانی السفیر** ظرف ۴۸ ساعت گذشته در حدود ۷۰۰ تن از سوی ارتش این کشور در عملیات بازرسی بازداشت شده‌اند.

این در حالی است که مقامات رسمی لبنان تعداد افراد بازداشت‌شده را فقط ۲۰۰ تن ذکر کرده‌اند.

این روزنامه همچنین ضمن بیان نگرانی محافل سیاسی و مذهبی مسلمانان خاطرنشان کرد:

مقامات بلندپایهٔ لبنان در حال حاضر از پاسخ صریح به بازجویی‌ها سر باز می‌زنند.

در این حال **شیخ حسن خالد، مفتی مسلمانان اهل تسنن لبنان** برای آزادی فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها با مقامات لبنانی تماس گرفته است.

علاوه بر این **صائب سلام، نخست‌وزیر پیشین لبنان** نیز ضمن ملاقات با **امین جمیل رئیس جمهوری دست‌نشاندهٔ لبنان** خواستار آزادی ۱۵۰۰ تن که در اسارت فالانژها می‌باشند، شده است.

در پایان بنا به نوشته‌های لبنانی **تمام این بازرسی‌ها و تعقیبات تنها علیه ساکنین و نیروهای بخش مسلمان‌نشین بیروت صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه نشانه‌ای از اجرای این‌گونه اقدامات در شرق بیروت و دیگر نقاط از جمله علیه فالانژها در دست نیست؛ زیرا فالانژها رهبری عملیات را به عهده دارند.**

زندان مستقل فالانژها

به علاوه به **گزارش نمایندهٔ خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت** در پی اجرای سلسله عملیات بازداشت‌های دسته‌جمعی و حمله به منازل شهروندان لبنانی در غرب بیروت و حومهٔ جنوبی و ایجاد ترس و وحشت در دل شهروندان و پس از آن‌که موج این عملیات حتی صاحبان گرایش‌های سیاسی و حزبی را نیز دربر گرفت، **مطبوعات لبنان** شدیداً از این اقدامات ظالمانه انتقاد کرده و از دولت خواستار پایان دادن به اقدامات سرکوبگرانه و هماهنگ فالانژها و ارتش لبنان شدند.

مطبوعات لبنان در انتقادات خود تأکید کردند:

این حملات بر ارتش لبنان و کابینهٔ آیندهٔ این کشور اثر منفی خواهد گذاشت.

مطبوعات لبنان همچنین نامه‌های اعتراض‌آمیز شخصیت‌های سرشناس مناطق مسلمان‌نشین بیروت که به نشانهٔ اعتراض به اقدامات اخیر ارتش به صورت شکواییه به **حسن خالد مفتی لبنان و صائب سلام نخست‌وزیر اسبق این کشور** ارسال شده است، به چاپ رساندند.

در این میان **روزنامهٔ لبنانی السفیر** در شمارهٔ اخیر خود به نقل از حسن خالد مفتی اهل سنت لبنان، ضرورت آزاد ساختن افراد بازداشتی اعم از شهروندان لبنانی و صدها فلسطینی و یا اتباع کشورهای عربی را یادآور شد.

السفیر همچنین خاطرنشان ساخت که این مسأله توسط شخصیت‌های بلندپایهٔ لبنان و

مقامات کابینهٔ سابق این کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

این روزنامه در پایان فاش ساخت:

علاوه بر بازداشت صدها لبنانی و غیرلبنانی توسط فالانژها و ارتش این کشور، نیروهای شبه‌نظامی فالانژ وابسته به حزب کتائب نیز به طور جداگانه طی ماه گذشته ۱۵۰۰ نفر را دستگیر کرده‌اند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۹۲ تاریخ صدور: ۱۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **قتل‌عام مردم با تأسی به رژیم صهیونیستی به دست رژیم آمریکایی گواتمالا**

امضا:

صدها زن و کودک گواتمالایی به دست سربازان این رژیم قتل‌عام شدند

به گزارش واحد مرکزی خبر از لندن هنوز مدت زمانی از قتل‌عام زنان و کودکان بی‌دفاع لبنانی و فلسطینی در پناه حمایت آمریکا به دست اشغالگران صهیونیستی و دست‌نشاندگان فالانژها در لبنان نگذشته که اخبار تأسف‌آوری از قتل‌عام زنان و کودکان توسط سربازان رژیم نظامی حاکم در گواتمالا می‌رسد.

رژیم آمریکایی گواتمالا که روابط بسیار نزدیکی با رژیم صهیونیستی حاکم در فلسطین اشغالی دارد، بنا به خبری که در **روزنامهٔ تایمز چاپ لندن** در شمارهٔ دیروز خود آن را به چاپ رسانده، صدها زن و کودک را قتل‌عام نموده است.

گزارشات رسیده از قول شاهدان عینی حاکی از این است که در ماه جولای گذشته در شهر نامتون واقع در شمال غربی گواتمالا **سربازان رژیم این کشور که توسط مستشاران آمریکایی تحت تعلیم قرار دارند، در مدت ۲ روز صدها زن را پس از تجاوز به قتل رسانده‌اند.**

یک کشیش آمریکایی که خود شاهد این قتل‌عام‌ها بوده به خبرنگاران گفته است:

– سربازان رژیم نظامی گواتمالا در حالی‌که دست‌های مردم را از پشت بسته بودند، به سوی آنها شلیک می‌کردند و با سرنیزه بدن آنها را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و پس از این‌که

جسد آنها را لای پتو پیچیده بودند، پس از پاشیدن بنزین اجساد را به آتش کشیده بودند.

این کشیش در مورد زنان، شاهد یکی دیگر از فجیع‌ترین جنایاتی که تا کنون دست‌نشاندگان آنها مرتکب شده‌اند، بوده است.

روزنامهٔ تایمز به نقل از این کشیش می‌نویسد:

- زنان در حالی‌که بچــه‌هایشان به پشت آنها بستــه شده بودند، زنده‌زنده به آتش کشیده می‌شدند.

لازم به یادآوریست:

تمامی خبرگزاری‌های عربی در مورد این قتل‌عام، سکوت کرده‌اند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۷

شماره: ۹۳ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ناتوانی صدام در جبهه‌های جنگ**

امضا: **فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضائی**

فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

صدام برای حفظ دشت مقابل منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل احتیاج به ۴ لشگر دارد

شیراز، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی:

آقای محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشور پریروز در مراسم نماز جمعهٔ شیراز **وضع جنگ، موقعیت سپاه اسلام و چگونگی رویارویی با ابرقدرت‌ها** را تشریح کرد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، فرماندهٔ سپاه پاسداران در مورد هدفش از سفر به استان فارس گفت:

– یکی از استان‌های بسیار حساس، استان فارس است که بعد از استان خوزستان بسیار مورد توجه امپریالیسم بوده است و با توجه به روحیهٔ مردم و تجزیه و تحلیل‌هایی که از این استان داشته‌ایم، **اگر آمریکا، اسرائیل و دیگر ابرقدرت‌ها بخواهند غلطی در منطقه بکنند، ما آمادگی مقابله با آنها را خواهیم داشت و همگی آنها را از بین خواهیم برد.**

وی در مورد وظیفهٔ سپاه پاسداران اظهار داشت:

– وظیفهٔ سپاه رویارویی با توطئه‌های داخلی و خارجی دشمنان اسلام است و در حال حاضر ۲ موضوع را دنبال می‌کنند:

– یکی مسألهٔ ضدانقلاب داخلی که با برنامه و طرح خوبی که اجرا شد، برادران در تهران توانستند ضربات سنگینی به منافقین وارد آورند.

آقای رضائی در قسمتی دیگر از سخنانش گفت:

– اکنون تمام دنیا دارند با یک ملت مظلوم می‌جنگند. امروز تمامی کفر با تمامی اسلام روبه‌روست و صحنه‌های صدر اسلام دارد تکرار می‌شود.

تمامی ابرقدرت‌ها در تنگه‌ای به نام عراق جمع شده، می‌خواهند جلو حق را بگیرند.[۱]

آقای رضائی در پایان ضمن **تشریح موقعیت لشگر اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل** گفت:

– ما در حال حاضر در ۱۰۰ کیلومتری بغداد هستیم و در عملیاتی که در غرب کشور انجام گرفت (مسلم‌بن عقیل) تپه‌های سوق‌الجیشی غرب به دست نیروهای اسلام افتاد و اکنون رزمندگان ما با دشتی وسیع روبه‌رو هستند که صدام برای حفظ آن احتیاج به ۴ لشگر دارد و چون چنین نیرویی ندارد، ما با ۴۰ کیلومتر پیشروی بغداد را در تیررس خواهیم داشت.

برادر رضائی همچنین ضمن **تشریح روند جنگ در طول ۳ سال** اظهار داشت:

سال اول به دلیل نداشتن تجربهٔ کافی، عدم آمادگی و خیانت بنی‌صدر، صدامیان توانستند مواضعی را اشغال نمایند، ولی در سال دوم به رغم تمام کمک‌هایی که به عراق می‌شد، به طوری که فرانسه پیشرفته‌ترین موشک‌ها را که حتی در اختیار وابسته‌ترین کشورها نمی‌گذاشت، در اختیار عراق گذاشت و شوروی با دادن سلاح‌های مدرن، و آواکس‌های عربستان با دادن اطلاعات لازم، و مصر با در اختیار گذاشتن سلاح‌های ساخت روسیه باز هم عراق نتوانست آن‌چه را گرفته بود، حفظ کند و ما با انجام عملیات‌هایی که شاهد آن بودیم کشور را از چنگ آنها بیرون آوردیم.[۲]

بر اساس همین گزارش، فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی اقامت خود در استان فارس از شهرهای **شیراز، کازرون، جهرم، فیروزآباد، فسا، داراب، بوشهر و جزیرهٔ خارک** دیدار و ضمن بررسی وضعیت سپاه در مناطق مذکور، قبور شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی در شهرهای ذکر شده را زیارت کرد.[۳]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

۲– روزنامهٔ کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۸

۳– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۹۴ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات مسلم‌بن عقیل مظهر معنویت و امدادهای غیبی**

امضا: **فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرهنگ صیاد شیرازی**

سرهنگ شیرازی در دیدار با آیت‌الله ملکوتی

عملیات مسلم‌بن عقیل،

یکی از پربارترین عملیات از لحاظ معنویت و امدادهای غیبی بود.

تبریز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ظهر امروز وارد شهرستان تبریز شد و با **آیت‌الله ملکوتی نمایندهٔ امام در آذربایجان و امام جمعهٔ تبریز** دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در این دیدار آیت‌الله ملکوتی طی سخنانی با اشاره به این‌که **جنگ ما تنها با عراق نیست بلکه با تمام جهان کفر الحاد و شرک و ابرقدرت‌های جهان است**، در مورد آیندهٔ جنگ گفت:

– **مردم مسلمان و غیور آذربایجان برای کمک به جبهه‌ها از حیث مالی و جانی از هیچ چیزی فروگذار نیستند.** بدین سبب پیروزی از آن رزمندگان اسلام است.

آنگاه سرهنگ صیاد شیرازی طی سخنان کوتاهی تحرک و پشتیبانی مردم از جبهه‌ها را عامل الطاف الهی و امدادهای غیبی دانست و گفت:



– عملیات مسلم‌بن عقیل یکی از پربارترین عملیات از لحاظ معنویت و امدادهای غیبی بود. زیرا زمانی که هواپیماهای دشمن پس از استقرار نیروهای اسلام قصد حمله داشتند، ابر سیاهی تمام آسمان منطقه را دربر گرفت و از حرکت هواپیماهای عراقی ممانعت به عمل آورد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۹۵ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **سخنرانی فرماندهٔ سپاه پاسداران در فسا**

امضا:

فسا، خبرنگار جمهوری اسلامی:

دیروز صبح **برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** که برای دیدار از شهرستان فسا به این شهرستان آمده بودند، در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان فسا برای برادران سپاه و بسیج سپاه در رابطهٔ با **مسائل جنگ و همچنین وحدت** سخنرانی کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۹۶ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جنگ، توطئه‌های منافقین و ابرقدرت‌ها و قطعنامهٔ بی‌اعتبار سازمان ملل**

امضا: **ائمهٔ جمعهٔ شهرهای تبریز، گرمی، تربت‌حیدریه، ابرقو، بروجرد، اصفهان، شیروان، شیراز، ایلام، قزوین، همدان و اردبیل**

آیت‌الله ملکوتی امام جمعهٔ تبریز:

روز عید غدیر خم نقطهٔ عطفی در تاریخ شکوهمند اسلام است

تبریز:

نماز عبادی سیاسی و دشمن‌شکن این هفته در شهرستان تبریز با حضور انبوه کثیری از مردم مسلمان و متعهد و به **امامت حضرت آیت‌الله ملکوتی نمایندهٔ امام در آذربایجان و امام جمعهٔ تبریز** با شکوه خاصی در مصلای امام خمینی این شهرستان اقامه شد.

به گزارش رسیده آیت‌الله ملکوتی در خطبه‌های نماز با اشاره به **مسألهٔ ولایت و اهمیت آن در تداوم اسلام** گفت:

– روز عید غدیر خم نقطهٔ عطفی در تاریخ شکوهمند اسلام است و این روز مکمل و متمم اسلام است و اگر این واقعه در تاریخ به وقوع نمی‌پیوست، دین مقدس اسلام از بین می‌رفت.

وی سپس با اشاره به **خصوصیات مسألهٔ ولایت و اعتقاد مسلمانان به آن** گفت:

– تمامی مسلمین به ولایت و وصایت علی(ع) معتقدند و آن روز به قدری در تاریخ مهم بود که با ابلاغ آن از طرف حضرت رسول اکرم(ص) مشرکین و کفار از شکست اسلام مأیوس گشتند.

وی افزود:

- یکی از خصوصیات بارز امت حزب‌الله آن است که معتقد به ولایت الله، پیامبر، علی و ولایت فقیه باشند. چون **ولایت فقیه سبب دفع حیله‌ها و آفات دشمنان اسلام و سبب تداوم و بقای دین مقدس اسلام است.**

آیت‌الله ملکوتی در پایان ضمن تشویق مردم به کمک هر چه بیشتر و رفع احتیاجات جبهه‌ها از نظر پوشاک و دیگر وسایل و تقدیر از کلیهٔ کادر پزشکی بیمارستان‌ها در مورد حمایت و پشتیبانی از جبهه‌ها گفت:

- پروردگار متعال تأمین وسایل و هزینه‌های جنگی را به عهدهٔ مسلمانان گذاشته است و **امروزه که میدان‌های جنگ تحمیلی با کربلای حسینی تفاوتی ندارد، هر کس به هر نحوی که از جبهه‌ها پشتیبانی نماید، منظور نظر حضرت ولی‌عصر(عج) خواهد بود.**

حجت‌الاسلام فرخی امام جمعهٔ گرمی:

خلاصهٔ خطبه:

دین مقدس اسلام بنا به خطراتی که دارد، هیچ‌وقت زیر سلطهٔ کافرین نمی‌رود و روی این اصل صدام خون‌خوار در جنگ به اصطلاح ۳ روزه‌ای که به این‌چنین شکست فضاحت‌باری افتاد و حال که پی به شکست کامل خود برده و خود را در سراشیبی سقوط می‌بینند، به شورای امنیت پناه برده است.

صدام و اربابانش به خوبی دریافته‌اند که اگر حکومت اسلامی در کشور عراق بر سر کار آید، دیگر برای آنها در روی کرهٔ خاکی جایی نخواهد ماند.

تربت حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

حجت‌الاسلام محسنی گرگانی امام جمعهٔ تربت‌حیدریه در خطبهٔ اول نماز جمعه پیرامون عملکردهای سازمان ملل و در خطبهٔ دوم پیرامون توصیه به کشاورزان برای هر چه بیشتر کشت کردن و همچنین محکوم نمودن بمب‌گذاری در تهران توسط عمال آمریکا و تشویق امت حزب‌الله به کمک رساندن به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل سخنانی ایراد کرد.

سخنران قبل از خطبه‌ها **حجت‌الاسلام شیبانی یکی از مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی** و همچنین بین ۲ نماز **حجت‌الاسلام رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهر** سخنانی ایراد نمود.

ابرقو، خبرنگار جمهوری اسلامی:

نماز شکوهمند این هفته به **امامت حجت‌الاسلام فاضلی** در ابرقو اقامه گردید.

وی در خطبه‌های خود در رابطه با ولایت علی‌بن ابی‌طالب سخنرانی نمود و در قسمتی دیگر از خطبه‌ها با اشاره به فاجعهٔ بمب‌گذاری توسط منافقین در همین رابطه از مجلس شورای اسلامی خواستار اجرای طرح سازمان اطلاعاتی شد.

حجت‌الاسلام احمدی امام جمعهٔ بروجرد:

جنگ با کفر جهانی را باید تا پیروزی نهایی به پایان برسانیم

آیین نماز سیاسی عبادی و دشمن شکن جمعهٔ این هفته نیز همچون هفته‌های گذشته به امامت **حجت‌الاسلام احمدی امام جمعهٔ موقت بروجرد** در میعادگاه عاشقان الله مسجد امام خمینی و با شرکت انبوه مردم خداجوی این شهر اقامه شد.

امام جمعهٔ موقت بروجرد در خطبهٔ اول نماز پیرامون **حق و باطل از دیدگاه اسلام** به ایراد سخن پرداخت و در خطبهٔ دوم با اشاره به **جنگ تحمیلی عراق علیه ایران** گفت:

– **امروز مهم‌ترین مسألهٔ ما جنگ است و جنگ علیه کفر جهانی را باید با قدرت هر چه تمام‌تر تا پیروزی نهایی به پایان برسانیم.**

وی همچنین به انفجار بمب در خیابان ناصرخسرو تهران که منجر به شهادت و مجروح شدن عده‌ای از هموطنان بی‌گناهمان شد، اشاره کرد و گفت:

– منافقین آمریکایی بدانند با این‌گونه اعمال نمی‌توانند امت مسلمان ایران را از صحنه خارج کنند.

بر اساس این گزارش نماز سیاسی عبادی جمعه همچنین با شرکت هزاران نفر از مردم مسلمان در شهرهای: الیگودرز، دورود، ازنا، نورآباد، لرستان، سپیددشت، پلدختر و کوهدشت اقامه شد.

آیت‌الله طاهری در خطبه‌های نماز،

توطئه‌های استعمارگران را تشریح کرد

اصفهان:

نماز عبادی سیاسی جمعهٔ این هفته با شکوه خاصی به **امامت آیت‌الله طاهری نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان** و با شرکت هزاران تن از عاشقان راه الله در میدان امام این شهر اقامه شد.

به گزارش رسیده امام جمعهٔ اصفهان در خطبه‌های نماز ضمن تشریح پیروزی‌های اخیر سپاهیان اسلام در جبهه‌های غرب کشور، حادثهٔ بمب‌گذاری خیابان ناصرخسرو که باعث به شهادت رسیدن و مجروح شدن عده‌ای از مردم بی‌گناه گردید، محکوم کرد.

وی همچنین توطئه‌های استعمارگران شرق و غرب علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران را برای نمازگزاران تشریح کرد.

بر اساس همین گزارش در پایان نماز جمعه پیکرهای پاک و مطهر ۱۰ تن از سربازان اسلام که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده‌اند، تشییع و در گلستان شهدا به خاک سپرده شدند.[۱]

حجت‌الاسلام سیدحسین حسینی امام جمعهٔ شیروان:

صدام همانند شاه معدوم رفتنی است

خلاصهٔ خطبه:

گروه‌های انحرافی و التقاطی وابسته به شرق و غرب بسیار تلاش می‌کردند که مانع تصویب ولایت فقیه در مجلس خبرگان گردند. ولی با همت روحانیت متعهد مخصوصاً شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی این مترقی‌ترین اصل به تصویب رسید و بدین‌وسیله انقلاب در خط اصیل خود قرار گرفت.

این پیروزی اخیر در غرب کشور (عملیات مسلم‌بن عقیل) از آن‌چنان عظمتی برخوردار بود که صدام دست به دامن کشورهای مرتجع منطقه زد و از شورای امنیت کمک خواست؛ غافل از این‌که نه کشورهای مرتجع منطقه و نه شورای امنیت وابسته به ابرقدرت‌ها توانایی زنده کردن این مرده را ندارند و صدام همانند شاه معدوم رفتنی است و دیگر امید برایش نخواهد بود.

سخنران قبل از خطبه‌ها یکی از اعضای شورای جهاد سازندگی بود.

حجت‌الاسلام حائری امام جمعهٔ شیراز:

عراق و اسرائیل کانون‌های آتش فتنه در منطقه هستند

شیراز:

حجت‌الاسلام حائری امام جمعهٔ شیراز در جمع انبوه نمازگزاران پرصلابت و وحدت‌آفرین جمعهٔ این هفتهٔ شیراز روحیهٔ والا و اشتیاق به شهادت رزمندگان اسلام را تضمین‌کنندهٔ آیندهٔ

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

انقلاب و جنگ حق‌طلبانهٔ آنها را برقرارکنندهٔ صلح و فرونشانندهٔ آتش فتنه در جهان اعلام کرد.

به گزارش رسیده امام جمعهٔ شیراز که اخیراً از جبهه‌های غرب کشور بازگشته است، در قسمتی از سخنانش گفت:

– کسانی که در جبهه‌ها به آتش دشمن نزدیک‌تر، متقی‌تر و باتقواترند، ریا، حب دنیا و ریاست‌طلبی در آنها به کلی از بین رفته و آن‌چه دارند، در طبق اخلاص نهاده و تقدیم خداوند می‌کنند.

امام جمعهٔ شیراز افزود:

– عراق و اسرائیل کانون‌های آتش فتنه در منطقه هستند و اکنون که شعله‌های این آتش به وسیلهٔ رزمندگان ما مهار شده، باید کانون بزرگ این آتش‌افروزی‌ها یعنی حزب بعث و اسرائیل را نابود کنیم.

وی در پایان در رابطه با شروع فصل کشت از مسئولین و کشاورزان خواست که در امر کشاورزی نهایت سعی و کوشش خود را به کار برده و با تنظیم برنامه‌های درازمدت، تولیدات کشاورزی را که پشتوانهٔ این انقلاب است، افزایش داده و با این عمل توطئه‌های دشمنان را در این زمینه خنثی کنند.

بر اساس همین گزارش سخنران بین‌الصلاتین **برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشور** بود که طی سخنانی هدف از مسافرت خود به استان فارس وضع و موقعیت ارتش اسلام در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل را برای نمازگزاران بازگو کرد.

حجت‌الاسلام محمدی امام جمعهٔ ایلام:

جنایات منافقین تیشه‌ای است که ریشهٔ آنها را قطع می‌کند

حجت‌الاسلام محمدی امام جمعهٔ ایلام:

– جنایات اخیر منافقین تیشه‌ای است که ریشهٔ آنها را قطع می‌کند و ملت را منسجم‌تر و مصمم‌تر می‌گرداند. مسألهٔ غدیر مسألهٔ تأسیس ولایت است و مأموریتی که خداوند در روز عید غدیر به پیامبر داد، تعیین ولایت و نقش ابقایی آن در حفظ و حراست از احکام و شریعت اسلام بود. لذا ملت ایران باید توجه داشته باشد **هیچ زمانی مکتب اسلام بدون ولایت نبوده و بقای نظام جمهوری اسلامی نیازمند ولایت است.** ملت‌های مظلوم و محروم دنیا و ملت قهرمان ایران به خاطر حق و عدالت‌طلبی چنین مورد هجوم ابرجنایتکاران به خصوص شیطان بزرگ واقع می‌شود و **آمریکا می‌ترسد که مبادا جمهوری اسلامی الگو شود و ملت‌های محروم دنیا را**

بیدار نماید،

زمانی که صدام رو به پیشروی بود، سازمان ملل او را تشویق می‌کرد و هیچ حرفی نمی‌زد و حالا که صدام رو به نابودیست این سازمان خواستار آتش‌بس است.

این سازمان باید بداند **ملت تا زمانی که حقوق حقهٔ خود را از صدام و همپالگی‌هایش نگیرد، هرگز اسلحهٔ خود را به زمین نمی‌گذارد.**

من از فرماندهان عزیز ارتش، سپاه و دیگر نیروهای نظامی می‌خواهم حمله به نیروهای متجاوز را متوقف نساخته که به نفع آمریکا و دیگر نوکران اوست.

حجت‌الاسلام باریک‌بین امام جمعهٔ قزوین:

امت رزمندهٔ ما تا آخرین نفس برای دفاع از حقوق حقهٔ خود خواهد ایستاد

قزوین:

نماز جمعهٔ این هفته در قزوین همچون دیگر هفته‌ها به **امامت حجت‌الاسلام باریک‌بین** و با شرکت گروه کثیری از اقشار مختلف مردم این شهر و اهالی روستاهای اطراف در مسجدالنبی اقامه شد.

حجت‌الاسلام باریک‌بین در قسمتی از خطبهٔ اول پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید خطوط انحرافی مقابل خط امام را تشریح کرد و با استناد به فرمایشات گهربار حضرت محمد(ص) دربارهٔ صفات یک مؤمن واقعی سخن گفت.

امام جمعهٔ قزوین در خطبهٔ دوم به مسائلی از قبیل **پیروزی‌های غرورآفرین رزمندگان اسلام در جبهه‌های غرب و فاجعهٔ بمب‌گذاری اخیر در خیابان ناصرخسرو تهران** اشاره کرد و طی سخنانی اظهار داشت:

– حالا هم **رهبر انقلاب، دولت جمهوری اسلامی ایران و مردم ما همچون همیشه برای یک صلح واقعی که متضمن حقوق و خواسته‌های مشروع ما باشد، آماده‌اند و امت رزمندهٔ ما تا آخرین نفس برای دفاع از حقوق حقهٔ خود خواهد ایستاد.**

آیت‌الله حسین نوری همدانی امام جمعهٔ همدان:

به یاری خدا به زودی صدام صهیونیست را به دست عدالت خواهیم سپرد

نماز عبادی سیاسی جمعهٔ این هفتهٔ **همدان** همچون هفته‌های قبل با شرکت گستردهٔ مردم حزب‌الله و همیشه در صحنه و به **امامت آیت‌الله حسین نوری همدانی نمایندهٔ امام و امام**

جمعهٔ این شهر با شکوه خاصی در مسجد جامع اقامه شد.

به گزارش رسیده امام جمعهٔ همدان در خطبهٔ اول نماز ابتدا شمه‌ای از فضایل عید سعید غدیر خم را برشمرد و اهمیت این روز در تثبیت و معرفی ولایت ذکر کرد و ضمن تأکید بر اهمیت ولایت به عنوان یک رکن اساسی اسلامی به تشریح انواع ولایت، مولای مودت و محبت، ولای مرجعیت، ولای زعامت و رهبری و والای تکوینی که مسلمانان نسبت به ائمهٔ طاهرین می‌بایست داشته باشند، پرداخت.

وی آنگاه ضمن تشریح ابعاد گستردهٔ فتوحات رزمندگان اسلام و اهمیت آن و قدردانی از ایثار و فداکاری سپاهیان کفرستیز اسلام که منتهی به راندن باقی‌ماندهٔ ارتش رو به زوال صدام عفلقی از بخش مهمی از میهن اسلامی‌مان شد، افزود:

– صدام صهیونیست با آرزوهای بسیار زیاد به ایران حمله کرد و بالاخره چنان مفتضحانه شکست خورد که اکنون ناچار به شورای امنیت که آن را به حق باید شورای دولت چماقداران دانست، متوسل شده است.

آیت‌الله نوری آنگاه ضمن تشریح ماهیت سازمان ملل که در طول سال‌های کشتار و شکنجهٔ مردم محروم جهان توسط ابرجنایتکاران غرب و شرق از جمله افغانستان، لبنان و نیز در طول ۲ سال جنگ تحمیلی که طی آن شهرها و روستاهای میهن‌مان زیر بمباران‌های وحشیانه و حملات صدامیان کافر به ویرانی کشیده شده‌اند دم بر نیاورده است، افزود:

– با این همه **اکنون شورای امنیت سکوت خود را شکسته و با صدور قطعنامه تقاضای متارکهٔ جنگ و آتش‌بس بین ایران و عراق می‌نماید. ولی همان‌طور که امام عزیز فرمودند این نوع قطعنامه‌ها از نظر ما پشیزی ارزش ندارد و ما فقط به بیرون راندن صدامیان جنایتکار اکتفا نکرده، بلکه به یاری خدا به زودی صدام صهیونیست را نیز به چنگال عدالت خواهیم سپرد.**

امام جمعهٔ همدان در خطبهٔ دوم نماز در خصوص سجایای اخلاقی امام دهم حضرت هادی(ع) و لزوم درس‌آموزی و سرمشق قرار دادن امامان شیعه در زندگی فردی و اجتماعی برای نمازگزاران سخن گفت.

بر پایهٔ همین گزارش آیین‌های پرصلابت و دشمن‌شکن جمعه در شهرستان‌های ملایر، نهاوند، تویسرکان، اسدآباد و دیگر بخش‌های استان همدان نیز با شکوه فراوان اقامه شد.

حجت‌الاسلام مروج امام جمعهٔ اردبیل:

خواست آمریکا و شوروی این است که مسلمانان را از یکدیگر جدا سازند

اردبیل:

به گزارش رسیده از اردبیل نماز عبادی و سیاسی جمعهٔ این هفته نیز همچون هفته‌های گذشته با شرکت هزاران تن از اقشار مختلف نمازگزار اردبیل در هوای سرد و بارانی به **امامت حجت‌الاسلام مروج امام جمعه و نمایندهٔ امام** در این شهر اقامه شد.

حجت‌الاسلام مروج در خطبهٔ اول نماز به نمازگزاران گفت:

- خواست آمریکا و شوروی و نوکران داخلی‌اش این است که میان مسلمانان و ملت حزب‌اللهی تفرقه انداخته و آنان را از یکدیگر جدا سازد تا خود در منطقه حاکم شوند.

وی یادآور شد:

- امت حزب‌الله گول این جنایتکاران را نخورده و آنان را در همه‌جا سرکوب کنند.

امام جمعهٔ اردبیل در خطبهٔ دوم نماز با اشاره به نزدیک شدن ماه محرم و سوگواری حضرت امام حسین(ع) از مردم خصوصاً جوانان حزب‌الله خواست که **این ماه را هر چه با شکوه‌تر برگزار کرده و به تعزیه‌داری خود رونق بخشند و این عزاداری را با اصول قرآن و اسلام به جای آورند.**

یادآوری می‌شود:

پیش از خطبه‌های نماز این هفته **حجت‌الاسلام پورمحمدی یکی از روحانیون اعزامی از ستاد تبلیغات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان** بود که در مورد نقش انقلاب فرهنگی در تداوم انقلاب اسلامی به تفصیل سخن گفت.

گزارش‌های رسیده از **شهرهای گرمی، پارس‌آباد مغان، مشکین‌شهر، بیله‌سوار، اهر، سراب، خلخال، کلیبر و بخش مرزی خدآفرین** حاکی است که نماز عبادی و سیاسی جمعه در شهرهای یادشده نیز باشکوه هرچه تمام‌تر برگزار شده است.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: **۹۷** تاریخ صدور: **۱۸ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اقامهٔ نماز دشمن‌شکن جمعه در کاشمر و سخنرانی فرماندهٔ سپاه این شهر**

امضا:

آیین عبادی سیاسی و دشمن‌شکن جمعه با شرکت مردم متعهد و همیشه در صحنهٔ شهرستان کاشمر و به **امامت حجت‌الاسلام محمدیان** در باغ‌مزار **کاشمر** اقامه شد.

به گزارش رسیده سخنران قبل از خطبه‌های نماز **فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهرستان** بود که در رابطه با سفر اخیر خود به بیت‌الله‌الحرام و **رفتار وحشیانهٔ پلیس فاشیست عربستان سعودی با زایران ایران و همچنین حرکت انقلابی زایران در مکهٔ معظّمه و مدینهٔ منوّره** سخن گفت.

آنگاه امام جمعهٔ کاشمر پیرامون ضرورت **تقوا و مبارزه با هواهای نفسانی و شیطانی** سخن گفت و رسالت فردفرد ملت مسلمان ایران را در **پاسداری از دستاوردهای انقلاب و خون شهیدان** برشمرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۹۸ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شلیک توپخانهٔ دوربرد دشمن صهیونیست بر روی مناطق مسکونی آبادان**

امضا:

آبادان:

به گزارش واحد مرکزی خبر از آبادان طی ۲ شب و روز گذشته شهر مقاوم آبادان توسط نیروهای زبون و شکست‌خوردهٔ صدامی مورد هدف سلاح‌های سنگین و دوربرد دشمن قرار گرفت که در نتیجه به قسمت‌هایی از ۱ بیمارستان، ۱ مسجد، ۵ باب منزل مسکونی و چند ساختمان دیگر خساراتی وارد آمد و ۱ تن از هموطنان غیرنظامی ما شهید و یک نفر نیز مجروح شدند.

بنا بر همین گزارش طی همین مدت در اثر آتش سنگین و کوبندهٔ لشگریان اسلام بر روی مواضع و استحکامات دشمن در آن سوی اروندرود بر روی ۲ جادهٔ تدارکاتی فاو – بصره در خاک عراق ضمن به هلاکت رساندن و مجروح نمودن تعدادی از این مزدوران، ۱ خودرو بزرگ ارتش، ۱ جیپ فرماندهی و تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن منهدم شد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۹۹ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام ۱۴ تانک دشمن توسط هلی‌کوپترهای ایران در مندلی عراق**

امضا:

اطلاعات، سرویس نظامی:

گزارش‌های رسیده از منطقهٔ عملیاتی ارتفاعات «**مندلی**» عراق حاکی است:

رزمندگان سپاه اسلام همچنان در حال دفاع از مرزهای میهن جمهوری اسلامی در مقابل تهاجم ارتش مزدور عراق هستند.

طبق گزارشات رسیده، تیزپروازان هلی‌کوپترهای ارتش اسلام دیروز در حمله‌ای کوبنده و برق‌آسا در منطقهٔ عملیاتی «**مسلم‌بن عقیل**» در ارتفاعات «**مندلی**» عراق موفق شدند چندین تانک و خودرو ارتش بعثی عراق را منهدم کرده و به آتش بکشند. در این تهاجم توسط خلبانان شجاع هوانیروز بیش از ۱۴ دستگاه تانک دشمن درهم کوبیده شد.

با این تهاجم، ارتش مزدور عراق ضربهٔ مهلک دیگری را در منطقه متحمل شد و در همین حال نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران با سلاح‌های سبک و سنگین خود، سنگرها و مواضع بعثیون کافر را هدف قرار دادند.

در این حملات تعدادی از سنگرهای ارتش بعثی منهدم شد و گروهی از آنها کشته و یا مجروح شدند.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۰ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملهٔ جنگنده‌های هوانیروز به تانک‌های دشمن در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل**

امضا:

سرویس جنگ:

جانبازان و دلاوران تیزپرواز هوانیروز طی شب و روز گذشته با هماهنگی آتش توپخانهٔ ارتش اسلام مواضع نیروهای زرهی و تانک دشمن را در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل هدف قرار داده و تلفات و خسارات قابل ملاحظه‌ای به صدامیان وارد آوردند.

در جریان این عملیات ۱۳ تانک دشمن منهدم و یا آسیب فراوان دید.

همچنین تبادل آتش سلاح‌های سنگین و سبک با برتری نیروهای کفرستیز سپاه اسلام ادامه دارد و رزمندگان اسلام طی ۲شبانه‌روز گذشته با اجرای آتش توپخانهٔ خمپاره‌انداز و دیگر سلاح‌های سبک، تلفات و ضایعاتی بر واحدهای پیاده و زرهی خصم زبون وارد کردند.

به موجب این گزارش رزمندگان سلحشور اسلام بعد از تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق، کماکان به تحکیم و تثبیت مواضع به دست آمده ادامه می‌دهند و با هوشیاری مراقب هر گونه حرکات دشمن مزدور هستند.

نتایج عملیات رزمندگان پرتوان اسلام در غرب کشور به این شرح است:

خاموش نمودن آتش دشمن، تحکیم و تثبیت هدف‌های تصرف شده، انهدام تعدادی از سنگرهای انفرادی و اجتماعی مزدوران بعثی و کشته و زخمی شدن شماری از نفرات دشمن متجاوز.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۱ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کشف ۱۵ هزار فشنگ و مهمات دیگر**

امضا:

ارومیه:

به گزارش واحد مرکزی خبر در تپه‌های اطراف روستای شهری کندی تعداد ۹ هزار فشنگ کلاشینکف و ۶ هزار فشنگ ژ۳ و ۱۰ عدد مین ضدتانک و ۶ عدد مین ضدنفر و مقدار زیادی مهمات دیگر به وسیلهٔ رزمندگان اسلام کشف شد.

به گزارش بخشداری بوکان این مهمات به وسیلهٔ ضدانقلابیون در تپه‌های اطراف روستای شهری کندی مخفی شده بود که به دست رزمندگان اسلام افتاد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۲ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **به هلاکت رسیدن ۱۰ سرباز عراقی و ۷ دمکرات**

امضا:

سنندج:

روز ۱۵ مهرماه جاری بر اثر انفجار مین کار گذاشته شده توسط مجاهدین مسلمان عراقی در جادهٔ برزنجه عراق ۱۰ سرباز عراقی به هلاکت رسیده و چند تن دیگر زخمی شدند.

سنندج، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

دیروز ۱ افسر، ۲ سرباز عراقی و ۱ مزدور بعثی دیگر به نام تاش نامدار اشتباهاً در کمین مزدوران بعثی افتاده و همگی به هلاکت رسیدند.

بر اساس این گزارش مزدوران صدامی این کمین را برای مجاهدین مسلمان عراقی تدارک دیده بودند.

سنندج:

۲ روز گذشته طی یک درگیری مسلحانه بین رزمندگان سلحشور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان و تعدادی از عناصر ضدانقلابی کومله در روستای لیو از توابع مریوان ۷ تن از عناصر این گروهک کشته شدند.

در این درگیری به برادران پاسدار آسیبی وارد نیامد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۳ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفع حملهٔ مهاجمین به پایگاه روستای شیرین بلاغ**

امضا: **ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه به خبرنگار ما اعلام کرد:

- در مورخ ۶۱/۷/۱۵ ضدانقلابیون محارب پایگاه روستای شیرین‌بلاغ را با سلاح‌های سبک و سنگین از قبیل خمپاره‌انداز و آرپی‌جی۷ مورد حمله قرار دادند که توسط نیروهای جان برکف اسلام مستقر در پایگاه خنثی گردید.

در این درگیری ۳ نفر از اشرار کشته و تعدادی نیز زخمی شدند و خوشبختانه به نیروهای خودی هیچ‌گونه خساراتی وارد نیامد و تنها چند واحد مسکونی روستایی ویران شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۴ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی ۱۶ مسلمان عراقی**

امضا: **ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه به خبرنگار ما اعلام کرد:

طی هفتهٔ گذشته ۱۶ نفر از مسلمانان عراقی که از ظلم و جور رژیم منفور صدامی به تنگ آمده بودند، از طریق مرز جمهوری اسلامی وارد ایران شده و خود را به نیروهای اسلام مستقر در سردشت معرفی و تقاضای پناهندگی نمودند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۵ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **درگیری با ضدانقلاب**

امضا:

سنندج:

برادران سپاه پاسداران طی هفتهٔ گذشته در یک درگیری مسلحانه با ضدانقلابیون در روستای شیخ عطار مریوان ۱۲ تن از ضدانقلابیون از جمله محمود دهقانی معروف به محمود سور، نصراله دیواندره‌ای، علی سقزی، جمال المانه و شریف دیواندره‌ای را به هلاکت رساندند.

در این درگیری همچنین تعدادی از ضدانقلابیون مجروح شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۶ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری ۲۴ منافق در شیراز**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ شیراز**

شیراز، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از طرف **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ شیراز** اطلاعیه‌ای انتشار یافت متن اطلاعیه بدین شرح است:

بسمه تعالی

استکبار در آستانهٔ طلوع فجر و ظهور سپیده‌دم پیروزی سلحشوران مردان سپاه اسلام در دفع تهاجمات شیطانی و غیرانسانی رژیم بعثی صهیونیستی عراق، برادران پاسدار شما امت شهیدپرور با همیاری سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی حزب‌الله توانستند در ظل توجهات و عنایات حضرت احدیت در جبههٔ نفاق داخلی فایق آمده و یکی پس از دیگری این خانه‌های تار عنکبوتی تیمی را کشف و منافقین ضدخلق و بشریت را به مجریان دادگاه عدل انقلاب اسلامی بسپارند؛ همان کوردلانی که با بمب‌گذاری و ترور بی‌هدف و کور خود روی تمام جانیان و خون‌خواران تاریخ را سفید کرده و گوی خباثت و قساوت را در ربودند. بدین‌وسیله ضربات کوبنده و مهلکی که به یاری خداوند تبارک و تعالی در ظرف ۱ ماه گذشته بر پیکر فرتوت تشکیلات پوسیده و عنکبوتی منافقین وارد آمده، به اطلاع شما امت صدیق و حزب‌الله استان فارس می‌رساند:

۱- دستگیری حسین عراقی با نام مستعار نادر معاون اجرایی و فرد دوم تشکیلات منحط

منافقین در شیراز.

۲- دستگیری مهرداد رجائی با نام‌های مستعار اسماعیل و جلال با سمت‌های مختلف من‌جمله مسئولیت انجمن دانشجویان دانشگاه شیراز، مسئولیت بخش شهرستان و تبلیغات و مدتی نیز مسئولیت بخش نظامی منافقین را در شیراز داشته است.

نامبرده عضو مرکزیت و از افراد فعال و درجه بالای سازمان بوده که از کلیهٔ عملیات و ترورهای انجام شده در شیراز علی‌الخصوص ترور شهید محراب حضرت آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب و ترور شهید دکتر فقیهی اطلاع داشته.

۳- دستگیری اصغر دهباری با نام مستعار نقی عضو شورای مرکزی منافقین در استان بوشهر و شیراز و رابط سازمان عنکبوتی منافقین با اردوی خوانین و خسروخان قشقائی معدوم بوده است.

۴- دستگیری مرتضی بابائی با نام مستعار فرشاد عضو شورای مرکزی منافقین در منطقه و رابط دیگر سازمان با اردوی خوانین.

۵- دستگیری سیدعلی فتوحی با نام مستعار یحیی عضو شورای نهاد اسلامی

۶- دستگیری محمدکاظم مازیارپور با نام مستعار ارژن مسئولیت‌های مالی و اتاق حمل و ارتش را در مقاطع گوناگون به عهده داشته و زمانی نیز مسئول تشکیلات پوسیدهٔ منافقین در بوشهر بوده است.

۷- دستگیری محمدهادی سرائی با نام مستعار فواد مسئول در تیم نظامی.

۸- دستگیری غلام خوشبوئی با نام مستعار فیروز مسئول یک تیم نظامی در ترور برادران لیموئی، شقاقیان و حمله به مینی‌بوس سپاه شرکت داشته.

۹- دستگیری و هلاکت احمد قائمی با نام مستعار شهباز مسئول نظامی تشکیلات منافقین در بوشهر.

وی هنگام کشف ۱ لانهٔ تیمی به همراه زنش مینا طالب‌پور به هلاکت رسیدند.

۱۰- دستگیری بهادر قلی‌پور با نام مستعار حاجی عضو ۱ تیم نظامی که در سرقت بانکِ ۷ تن[1] که منجر به شهادت ۱ برادر پاسدار گردید.

۱- نام «هفت‌تن» برگرفته از باغ تکیهٔ هفت‌تنان، یکی از قدیمی‌ترین اماکن تاریخی شیراز است. این باغ به سده‌های پیش از عهد زندیه و عمارت آن از بناهای دورهٔ کریم خان زند است. این باغ در بن کوه چهل‌مقام و در شمال آرامگاه حافظ قرار گرفته است. بیشتر جهانگردانی که در چند سدهٔ اخیر به شیراز سفر کرده‌اند، باغ تکیهٔ هفت‌تنان و عمارت زیبای آن را وصف کرده‌اند. مردم شیراز نیز به این مکان دلبستگی خاص دارند و سابقاً گاه در طلب باران و استجابت دعا روی بدین مکان می‌آورده‌اند. علت نام‌گذاری این بنا به هفت‌تنان، وجود ۷ قبر از ۷ عارف در این باغ است که کریم خان زند روی هر کدام، سنگ بزرگ بدون کتیبه‌ای نصب کرده است.

۱۱- دستگیری بیژن رمگوئی با نام مستعار منوچهر مسئول چند تیم نظامی.

۱۲- دستگیری کاظم عبادی با نام مستعار ناصر مسئول چند تیم نظامی.

۱۳- دستگیری مهناز طالب‌زاده با نام مستعار منیر و نسرین که از عناصر بالای بخش نهاد اجتماعی بوده است.

۱۴- فاطمه کنفچیان با نام‌های مستعار راضیه و ریحان از عناصر پایین مرکزیت بخش نهاد اجتماعی.

- از موفقیت‌هایی که به حول و قوهٔ الهی کسب گردیده، کشف خانه‌های تیمی مکرری بوده که منجر به دستگیری تنی چند از بانوان فریب‌خوردهٔ منافقین ضدخلق شد که اسامی آنان عبارتند از:

آسیه – فریده پاک‌پرور – پروانه زارع – اعظم صیادی – زهرا اختیاری – منیره علاقه‌مند، لیلا عدل‌لو، خدیجه یاریار – مینا کلانتر.

قابل تذکر است که در پی دستگیری اینها طرح ترور بیش از ۷۰ نفر از افراد حزب‌اللهی شهر کشف و خنثی گردید.

در مجموع از این خانه‌های تیمی توسط برادران پاسدار با همکاری سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی امت حزب‌الله حدود ۲۰ قبضه اسلحهٔ ژ۳، ۲۰ قبضه کلت کمری، ۲۰ عدد نارنجک جنگی، ۲ انبار کاغذ و حدود ۱۰۰ کارتن کتاب‌های گمراه‌کنندهٔ منافقین کشف و ضبط گردید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ [۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۷ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **آسفالت راه‌ها و پاک‌سازی منطقهٔ جنوب شرقی استان آذربایجان غربی**

امضا: **استاندار آذربایجان غربی، علیرضا شیخ‌عطار**

استاندار آذربایجان‌غربی در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی:

عملیات آسفالت محورهای سد بوکان، مهاباد سردشت - پیرانشهر سردشت

و تکاب به صائین‌دژ آغاز شد

ارومیه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

علاوه بر آزادسازی چندین روستا و منطقهٔ تحت تسلط ضدانقلابیون در استان آذربایجان غربی حدود نیمی از محور مهم و استراتژیک پیرانشهر به سردشت به اضافه قسمت عمدهٔ جادهٔ منشعب از این محور به سوی عراق به تصرف قوای اسلام درآمده و روزی که حتی یک تن از مزدوران امپریالیسم در منطقه باقی نمانده، نزدیک است. همچنین بودجهٔ صرف‌شده در مناطق کردنشین آزادشدهٔ استان در سال ۶۱ برابر کل بودجهٔ مصروف در ۳ سال گذشته در این امر بوده و علاوه بر شروع اقدامات عمرانی و رفاهی در زمینه‌های مختلف در مناطق آزادشده هم اکنون ۴ اکیپ راه‌سازی مشغول آسفالت محورهای اصلی در این مناطق هستند.

مهندس علیرضا شیخ‌عطار استاندار آذربایجان غربی که در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی سخن می‌گفت، ضمن اعلام این مطالب به تشریح روند سیاست دولت جمهوری اسلامی در قبال مزدوران امپریالیسم و دست‌پروردگان دستگاه‌های جاسوسی بین‌المللی در منطقه پرداخت و گفت:



- پس از مقاومت ملت در برابر حرکت‌های سازشکارانه و عکس‌العمل شدید حزب‌الله در همهٔ جوانب در سطح کشور در این منطقه نیز تغییراتی به وجود آمد و این مردم با خواست انقلابی خود از مسئولین، باعث برنامه‌ریزی جدی مسئولین در مبارزهٔ شدید و قاطع با ضدانقلاب مزدور شدند، تا آن‌جا که سال گذشته به فرمان امام امت **ستاد عملیات شمال‌غرب** تشکیل شد و **رزمندگان اسلام موفق شدند اکثر شهرها و بخش‌های اصلی استان را از لوث عناصر خود فروخته پاک کنند.** چرا که **جمهوری اسلامی نمی‌تواند شاهد قتل و غارت و باج‌گیری از مردمی باشد که تحت لوای این دولت زندگی می‌کنند.**

اما از آن‌جا که پس از پیروزی‌های عظیم ما در جبهه‌های جنگ تحمیلی،
و در سطح جهانی،
وجود حرکت‌های مذبوحانه در داخل کشور قابل توجیه نبود،
اقدام به تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) شد،
تا با هماهنگی وهم‌سویی کلیهٔ نیروها در تمام جوانب،
آخرین پس‌مانده‌های گندیدهٔ ضدانقلاب در منطقه برچیده شود؛

و از این طریق تا کنون علاوه بر **آزاد شدن سد بوکان** که از نظر اقتصادی اهمیت فراوان دارد، **منطقهٔ جنوب شرقی استان نیز پاک‌سازی شده** و برنامهٔ بعدی **پاک کردن مرزهای کشور که راه حیاتی ضدانقلابیون از طریق عراق است، می‌باشد؛** که حدود نیمی از آن و خصوصاً مناطق جنگلی و کوهستانی صعب‌العبور با ایمان و شجاعت رزمندگان ما به تصرف درآمده است.

آقای شیخ عطار در پاسخ به چگونگی باز تاب عملیات نظامی و ورود رزمندگان اسلام به روستاهای کردنشین با اشاره به سفرهای خود به این مناطق، گفت:

- خوشحالی **مردم مسلمان** از این امر کاملاً مشهود بود و همه اظهار می‌کردند که گویا زندگی مجددی یافته‌اند و **گله‌مند بودند که چرا دولت زودتر از این به نجات آنان نیامده است.**

وی افزود:

- هم‌اکنون اقدامات عاجلی در دست انجام است که مدارس این مناطق هر چه زودتر بازگشایی شود و **با سرمایه‌گذاری مادی و معنوی ستم مضاعف بر این مردم که یکی ستم شاه و دیگری ستم مزدوران ارباب شاه بود، به زودی محو شود** و از جمله کارهای آغاز شده، **عملیات آسفالت محورهای سد بوکان - مهاباد - سردشت - پیرانشهر سردشت - تکاب به صائین‌دژ و مرمت دیگر راه‌ها** است.

مسألهٔ مهم دیگر **پی بردن مردم این مناطق به عدالت جمهوری اسلامی** است که در موارد

متعددی مردم مسلمان کرد خود به رزمندگان اسلام پیوسته و تا کنون چند شهید تقدیم اسلام و انقلاب کرده‌اند و همچنین **هر روز افرادی از فریب‌خوردگان به دامان اسلام پناه می‌آورند.**

استاندار آذربایجان غربی در پایان به مردم حزب‌الله اطمینان داد که به یاری خدا و با ایمان و شجاعت سلحشوران اسلام و خصوصاً حمایت مردم مسلمان کرد **به رغم تلاش‌های مذبوحانهٔ ضدانقلاب روزی که حتی یک نفر از مزدوران امپریالیسم در منطقه باقی نماند، نزدیک است.**[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۸ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انجام مراسم صبحگاهی مشترک**

امضا:

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

صبحگاه مشترک نیروهای مسلح شهرستان طبس متشکل ازسپاه پاسداران، کمیتهٔ انقلاب اسلامی، بسیج سپاه پاسداران، ژاندارمری و شهربانی برگزار شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۰۹ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به مناطق جنگی غرب و جنوب**

امضا:

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

۱ گروه از **برادران بسیج قائم‌شهر** پس از یک دورهٔ آموزش نظامی در میان بدرقهٔ گرم امت حزب‌الله تا میدان امام همراهی شدند و در آن محل طی یک اجتماع کوتاه یکی از برادران سپاه سخنرانی نمود و پس از آن برادران به سوی جبهه‌ها اعزام شدند.

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

گروهی از برادران رزمنده از اهالی روستا و شهر طبس و از **اعضای بسیج مستضعفین** در میان بدرقهٔ گرم خواهران و برادران حزب‌الله به جبهه‌های حق علیه باطل به مناطق اعزام شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۰ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک به جبهه‌های جنگ و بازسازی مناطق جنگی**

امضا:

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

تعدادی دستگاه خوراک دام اهدایی برادران روستایی شهرستان طبس که توسط **کمیتهٔ امداد امام** [جمع‌آوری شده بود] توسط برادران کامیون‌دار این شهر در روز عید غدیر به صورت رایگان به مناطق جنگی حمل گردید.

زنجان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش رسیده از **روابط عمومی ادارهٔ کل کار و امور اجتماعی استان زنجان** به منظور کمک به بازسازی مناطق جنگی از سوی کارکنان این اداره مبلغ ۲۹۵۹۰ ریال به حساب مخصوص بانک استان واریز گردید.

سرویس خبری:

سخنگوی روابط عمومی شهرداری تهران در گفتگو با خبرنگار ما اعلام کرد:

- به منظور کمک به برادران رزمنده که در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل مشغول مبارزه با کفار بعثی و دست‌نشاندگان شیطان بزرگ می‌باشند، از سوی انجمن اسلامی کارکنان شهرداری

تهران (عمار یاسر) مقدار ۶۰۰۰ کیلو سیب اهدایی شورای اسلامی قریه اقشت ساوجبلاغ، حمل و به ستاد پشتیبانی مناطق جنگی غرب کشور تحویل شد.

لامرد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

روز گذشته مبلغ ۱۸۰۰۰ ریال از طرف روستاییان بخش لامرد جهت کمک به رزمندگان اسلام به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ارسال گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۱ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تحویل کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان به گروه‌های مقاومت در ستادهای واحد بسیج**

امضا: **ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رابطه با جاری شدن سیل درتهران و چند شهرستان شمال که خساراتی به بار آورد اطلاعیه‌ای منتشر کرد.

متن اطلاعیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

با جاری شدن سیل در برخی از نقاط کشورمان به ویژه تهران و چند شهر استان گیلان که خساراتی به بعضی از برادران و خواهران مسلمان ما وارد آورده است، **واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمادگی خود را جهت رساندن کمک‌های امت انقلابی و شهیدپرور به سیل‌زدگان اعلام می‌دارد.**

کلیهٔ خواهران و برادران می‌توانند کمک‌های خود را به گروه‌های مقاومت و ستادهای واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور تحویل نمایند. همچنین اعضای بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مناطقی که سیل جاری شده است، برای کمک‌رسانی به سیل‌زدگان هر چه سریع‌تر خود را به گروه‌های مقاومت معرفی نموده و ضمن هماهنگی با سایر ارگان‌های ذی‌ربط خواهران و برادران خود را یاری دهند.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۲ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک و مطهر گروهی از شهدا**

امضا:

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک شهید حسن لطفی از اعضای بسیج مستضعفین طبس که در مصاف با صدامیان کافر در عملیات مسلم‌بن عقیل به درجهٔ شهادت نایل آمده بود، از مقابل مسجد صاحب‌الزمان(عج) با شعارهای کوبنده توسط اقشار مختلف مردم حزب‌الله به امامزاده حسین‌بن موسی کاظم انتقال و در آن‌جا به خاک سپرده شد.

خمینی‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکرهای پاک برادر شهید براتعلی محرابی و عبدالمحمد پیمانی که در عملیات مسلم‌بن عقیل در غرب کشور به لقاءالله رسیده بودند، بر دوش نمازگزاران تا گلستان شهدا تشییع و جنازهٔ برادر محرابی به زادگاهش کوشک انتقال یافت.

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک برادران شهید اسماعیل علوی و میرعلی آزرده که به‌دست مزدوران بعثی صهیونیستی عراق در جبهه‌های جنوب به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمدند، طی مراسم باشکوهی با حضور

امت حزب‌الله و خانواده‌های شهید از مسجد جامع ساری تشییع و پس از عبور از خیابان‌های اصلی شهر اجساد مطهرشان به زادگاهشان انتقال داده شد.

یادآور می‌شود که پیکر پاک برادر علی‌اکبر متقی مدیرکل تربیت بدنی مازندران همراه این شهیدان تشییع شد و در مزار شهیدان ملامجدالدین به خاک سپرده شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۳ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسم رب الشهداء

بار دیگر شهیدی از تبار حسینیان از همراهان قافلهٔ شهادت، با کسب فیض عظیم شهادت به خون نشست تا امام همچنان ایستاده بماند.

برادر جهادگر مهندس عبدالحسین ناجیان از فرماندهان و مسئولان مهندسی رزمی جهاد سازندگی در ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب از عاشقان الله و از فرزندان دلسوختهٔ امام و امت بود که نهایت صداقت و خلوص و ایثار و شجاعت خویش را در تمامی صحنه‌های مبارزه و جهاد به اثبات رسانده بود.

او در دانشگاه، مسلمانی متعهد و مبارزی خستگی‌ناپذیر و در صحنه‌های خون و شهادت امت به‌پا خاسته علیه رژیم طاغوت همیشه حاضر بود و بالاخره در سنگر جهاد علیه کفار یک عاشق بی‌قرار و چنین بود که ۲ سال مداوم با حضور دایم و خستگی‌ناپذیر در جبهه‌های جنوب یاور رزمندگان و مددکار سپاهیان اسلام بود و سرانجام در **عملیات مسلم‌بن عقیل** که پیروزی‌های بزرگی به دست سپاه اسلام برای امت شهیدپرور به ارمغان آورد، در حالی که فرماندهی یکی از واحدهای مهندسی رزمی جهاد سازندگی را به عهده داشت، به وصال محبوب و آرزوی دیرینه نایل و به لقاءالله پیوست.

دفتر مرکزی جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی پلی تکنیک، خانوادهٔ شهید

بسم رب الشهداء والصدیقین

جهادگر متقی و شیفتهٔ الله و پیرو امام، **مهندس عبدالحسین ناجیان مسئول واحد مهندسی رزمی ستاد پشتیبانی درجنوب** پس از سال‌ها مبارزه در دانشگاه و خدمت به محرومان در طبس و تلاش خستگی‌ناپذیر در جبهه‌ها بالاخره در سومار به شرف شهادت نایل گردید.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

اینک به یاد آن شهید روز یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر بر سر مزارش در قطعهٔ ۲۶ بهشت زهرا حضور می‌یابیم و نیز دنبالهٔ مراسم بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد ولی‌عصر(ع) برگزار می‌شود.

ضمناً وسیلهٔ ایاب و ذهاب از مسجد ولی‌عصر(عج) واقع در خیابان کارگر- آذربایجان فراهم بوده و ساعت حرکت از مسجد ۲/۵ بعد از ظهر می‌باشد.

شرکت عموم دوستان و آشنایان موجب تعالی روح آن شهید و سرافرازی بازماندگان است.

دفتر مرکزی جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی پلی تکنیک.

خانواده‌های: ناجیان، ناجی، امینی، مجیدیان، دل عظیمی، بهره‌مند، جدیری، فولادزاده، ذاکی، جعفرزاده، علیزادگان، آزادگر، دیلمقانی، مراغه‌چیان، نامی، امیر خیری، قادری، صفوی، شریعتمدار، چیت‌ساز، ورشوچی، والانژاد و سایر بستگان

بسم رب الشهدا والصدیقین

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[1]

شهید نظر می‌کند به وجه‌الله.

(امام خمینی)

به مناسبت شهادت **پاسدار اسلام محمدمهدی نجفی‌منش** در جبههٔ نبرد حق علیه باطل در عملیات مسلم‌بن عقیل در کربلای غرب کشور، ضمن تبریک و تسلیت به پیشگاه مقدس امام زمان ارواحنا له‌الفداه و رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی، مجلس ختمی از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر امروز یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ در مسجد دباغخانه واقع در خیابان ۱۵ خرداد غربی (چهارراه ابوسعید) برگزار می‌گردد و مجلس ختم زنانه در همین ساعت در منزل آن شهید منعقد می‌باشد.

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

ضمناً مجلس شب هفت آن شهید از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ در مسجد الله (آدرس فوق) منعقد می‌گردد.

شهریار، خبرنگار جمهوری اسلامی:

بار دیگر شهیدی شاهد از تبار سپاه جندالله و از امت حزب‌الله **شهید رضا سلیمی** به ندای **هل من ناصر ینصرنی** حسین زمان امام خمینی عزیز لبیک گفت و با نثار جان عزیزش درخت پربار اسلام را آبیاری کرد و پیکر پاکش توسط امت حزب‌الله شهریار روز جمعه از مقر سپاه پاسداران شهریار تا زادگاهش منجیل‌آباد شهریار تشییع شد.

مجلس بزرگداشت این شهید روزهای یک‌شنبه و سه‌شنبه و جمعه ۱۸الی ۲۴ مهرماه از ساعت ۲ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد جامع منجیل‌آباد برگزار می‌شود.

بسم رب الشهداء والصدیقین

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[1]

سربازان اسلام و دیگر رزمندگان ایثارگرمان برای حفظ دین مبین اسلام فوج فوج به سوی دشمنان خدا و دین خدا یورش می‌آورند تا بلکه به یاری پروردگار یکتا عاملین استکبار جهانی را معدوم و با شکست آمریکا و مزدورانش ضمن پاک کردن خاک کشورمان از لوث این اجنبی‌پرستان خدانشناس، قدس را برای مسلمین جهان باز نمایند و در این راه از بذل جان نیز دریغ نمی‌ورزند.

شهید مرداد خداوندی (عضو بسیج تهران) شهیدی دیگر از شاگردان پاکباز مکتب سیدالشهدا(ع) بود که شمع وجود خویش را در مقابله با شب پرستان سوخت و به جوار رحمت پروردگارش شتافت.

مراسم گرامیداشت این شهید امروز (یک‌شنبه) از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در مسجد ضرابخانه واقع در خیابان پاسداران، خیابان نگارستان هشتم، خیابان مسجد برگزار می‌گردد.

همچنین شب هفت آن شهید روز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ در بهشت زهرا کنار مزار پاکش

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

مراسمی برگزار می‌باشد.

وسیلهٔ ایاب و ذهاب رأس ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز از مقابل منزل شهید واقع در خیابان پاسداران نگارستان هشتم، خیابان شهید عراقی، جنوب کوی بهشت آمادهٔ حرکت می‌باشد. یادش گرامی باد

بسم رب الشهداء والصدیقین

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ

بدین‌وسیله شهادت غرورآفرین پاسدار باوفای اسلام و عاشق راستین الله و عضو همیشه در سنگر حزب‌الله **شهید حسن طاهری** را که در کربلای عرب (سومار) در سحرگاه خونین ۹مهرماه جاری در عملیات مسلم‌بن عقیل به لقاءالله پیوست، به اطلاع می‌رساند که مجلس شب هفت این شهید در روز یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ بر سر مزار آن شهید در قطعهٔ ۲۶ برگزار می‌گردد.

وسیلهٔ ایاب و ذهاب در جلو منزل آن شهید واقع در نارمک، ۴۶ متری غربی، خیابان ۱۵ متری میرفخرائی رأس ساعت ۲ آمادهٔ حرکت می‌باشد.

بسم رب الشهداء والصدیقین

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ

برادر شهید علیرضا شواخ از خیل بی‌شمار فرزندان شهادت‌طلب امت مجاهد و شهید پرورمان بود که توفیق این را یافت که هر دو نیکویی فتح و شهادت را در آغوش کشد و پس از مدت‌ها انتظار به سوی معبود و معشوق پرکشید.

ضمن عرض تبریک و تسلیت شهادت پر برکت این **پاسدار جان برکف** به پیشگاه امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و امت ایثارگر اسلام که در عملیات پیروزمند مسلم‌بن عقیل(ع) و با رمز یا اباالفضل العباس(ع) به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمد.

شب هفت آن شهید روز دوشنبه ۶۱/۷/۱۹ در بهشت زهرا برگزار می‌گردد.

مکان حرکت: خیابان تهران نو، فلکهٔ مطبوعات (اطلاعات سابق)، خیابان رودکی، پلاک ۱۷ منزل شهید. ضمناً وسیلهٔ ایاب و ذهاب رأس ساعت ۱ بعد از ظهر از مقابل منزل شهید به سوی بهشت زهرا آمادهٔ حرکت می‌باشد.

امید آن‌که پاسدار خون و آرمان مقدس‌شان باشیم.

سپاه منطقهٔ ۱۰

بسمه تعالی

الَّذینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ‌اللهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَاللهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ[۱]

امیدواریم قوای شجاع ما با شکست نهایی دولت عراق،

راه را برای تاختن به سوی بیت‌المقدس باز نمایند.[۲]

(امام خمینی)

به مناسبت شهادت **برادر عباس بیات** که در عملیات مسلم‌بن عقیل در جبههٔ سومار به فوز عظیم شهادت نایل گردید، مجلس گرامیداشت شب هفت آن شهید امروز یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ در بهشت زهرا منعقد می‌گردد. ضمناً وسیلهٔ ایاب و ذهاب رأس ساعت ۲ بعد از ظهر از خزانهٔ بخارائی بین فلکهٔ اول و دوم، کوچهٔ ۸ متری شهید قاسمی، پلاک ۱۵۴ آمادهٔ حرکت می‌باشد.

بسم رب الشهداء والصدیقین

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ

کربلای ایران هر روز شاهد پرپر شدن لاله‌ای و ریختن خونی بر پهن‌دشت جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است.

این بار نیز کربلای سومار شاهد به عروج رسیدن «شدنی» حسین‌وار بود و سرانجام سروی در قامت خود خم شد و نهری ز خون مطهرش جاری.

شهید رمضانعلی محسنی پس از وارد آوردن ضرباتی سهمگین بر تارک نامیمون مزدوران بی‌جیره و مواجب صدام، عاقبت با گلوله‌ای آمریکایی به لقاءالله پیوست و معبود را در آغوش فشرد.

به مناسبت بزرگداشت خاطرهٔ گرامی‌اش مراسمی در روز یک‌شنبه ۶۱/۷/۱۸ (امروز) از ساعت ۲ الی ۵ در مسجد حجت واقع در سرآسیاب دولاب و در روز سه‌شنبه ۶۱/۷/۲۰ از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد یاسینی واقع در خیابان پیروزی، خیابان سلیمانیه برقرار است.

گردهمایی امت شهیدپرور در مراسم ختم این «گل نوشکفتهٔ پرپر» مشت محکمی بر پوزهٔ مستکبرین است. گرامی باد یادش و پر رهرو باد راهش[۳]

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ ۲۰ - کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.

۲- صحیفهٔ امام، ج ۱۶، ص۳۶۱ - ۶ تیر ۱۳۶۱/ ۵ رمضان ۱۴۰۲ - ما امیدواریم که با شکست توطئهٔ اخیر آمریکا برای حفظ صدام و حزب عفلقی، قوای شجاع ما با شکست نهایی دولت عراق، راه را برای تاختن به سوی بیت‌المقدس باز نمایند.

۳- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۴ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **وصیت‌نامه**

موضوع: **توصیه‌های ۱ شهید**

امضا: **شهید عباس توانگر**

قدر رهبرتان را بدانید و او را یاری کنید

وصیت‌نامهٔ شهید عباس توانگر

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقاتِلُونَ فی سَبيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ[۱]

(خداوند کسانی را که در صف جهاد با کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می‌دارد.)

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با یاد آن کس که قلب‌ها برای او می‌تپد و سلام بر آن کس که ما را از ذلت و پستی به سوی نور کشاند و با درود به رهبر انقلاب امام خمینی و به نام خداوندی که مرا آفرید و شعور و عقل عطا کرد تا چگونه زیستن و چگونه مردن را دریافته و آن را انتخاب کنیم.

سلام بر حسین(ع) سیدالشهدا و سلام بر کربلا، قتلگاه مظلومان، سلام بر یاران حسین(ع) که عاشقانه در راه دفاع از سنت الهی جان باختند و شهادت را سنت مجاهدان نمودند.

حمد خداوند لطیفی که امام و رهبری چون خمینی کبیر را بر ما ارزانی داشت و باعث شد

۱- سورهٔ صف، آیهٔ ۴

تا عاشقان درگاهش با یاری او به آرزوی خویش برسند و رستگار شوند.

ای امت دلیر و شجاع و مقاوم!

قدر رهبرتان را بدانید.

خدا نیاورد آن روزی را که از امام و رهبر خود غافل شوید،

و او را الگوی خود قرار ندهید.

او همچون اجداد بزرگوارش علیه بت‌ها و طاغوت‌ها قیام کرده،

و اسلام عزیز را یاری نموده است.

پس او را تنها نگذارید و یاری‌اش کنید... و بدانید که جهان را خدایی است و دین برحق نزد خدا اسلام است.

اَلاسْلام یَعلُوا وَ لا یُعلی عَلَیه[1]

و بدانید که اسلام در جهان حاضر در انقلاب اسلامی ماست که پرتوافشانی می‌کند و رهبر این انقلاب روح خدا است.

آرزو دارم که خداوند بر من منت گذارد و مرا از سربازان اسلام و فداییان حضرت ولی‌عصر(عج)،

امام زمان ارواحنا الفداه و جانبازان در رکاب نایبش خمینی عزیز قرار دهد،

تا جان ناقابل خود را در راه دفاع از مکتبم فدا کنم.

اکنون که دشمن در پشت ماسک‌های گوناگون از هر طرف به انقلاب حمله‌ور شده بیایید ننگ ذلت را به دور اندازیم و با خون خود وضوی استقلال و آزادی بگیریم و با پیکرهای خونین خود مشتی محکم بر دهان زورگویان جهانی بزنیم و یک صدا بگوییم:

حزب‌الله می‌جنگد می‌میرد سازش نمی‌پذیرد

بگذارید همه ما را بکشند. بالاخره آن‌قدر در دریای خون شنا خواهیم کرد تا به ساحل آزادی برسیم و به سوی اسلام عزیز و لقاءالله برویم.

برای جلب رضایت خدا بشتابید که خدا از کسانی که در راهش بکوشند راضی است و به آنها می‌گوید:

یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعی إِلی رَبِّک راضِیَةً مَرْضِیَّةً
فَادْخُلی فی عِبادی وَ ادْخُلی جَنَّتی[2]

۱- نهج‌الفصاحه، پیامبر اسلام(ص)

۲- سورهٔ فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰

ای نفس مطمئنه، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو.

بدانید که خدا بخشنده و مهربان است. بخشنده‌ای که با هزاران بدی نسبت به او، باز هم در صورت توبه به درگاهش و بازگشت به سوی او، ما را خواهد بخشید، همان‌طور که وعده داده و خداوند هیچ‌گاه خلف وعده نمی‌کند.

این درگه ما درگه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آی[1]

من با اعتقاد به الله خالق جهان هستی و درهم کوبندهٔ ستمگران و یار و یاور مستضعفین، و وعده دهندهٔ پیروزی مستضعفین بر مستکبرین و نجات‌دهندهٔ قومی که خود خواهان دگرگونی و تغییر می‌باشد، آگاهانه و بنا به مسئولیتی که در برابر آرمان و اهداف این امت رزمندهٔ قهرمان و ایثارگر و رهبری خردمندانهٔ امام خمینی احساس کردم، در این راه پرافتخار قدم نهادم و مرگ در بستر را ترک نموده و داوطلبانه عازم جبههٔ نبرد حق علیه باطل شدم.

این کف روی آب این‌دفعه به شکل رژیم منفور صدام بعثی و به رهبری شیطان بزرگ امپریالسیم آمریکا و شیطان موذی سوسیال امپریالیسم شوروی درآمده است.

این کف مدت زمان کوتاهی موجب نمایان نشدن آب زلال حق گردیده است.

امیدوارم این انقلاب به رهبری امام خمینی تا ظهور حضرت مهدی موعود(عج) ادامه یابد.

امت دلیر ایران!

هوشیار باشید و با نظم انقلابی مراقب امور باشید تا همانند گذشته‌ها اگر انحرافی در مسیر انقلاب مشاهده کردید، آن را اصلاح کنید و این را بدانید:

تا رهبری همچون خمینی عزیز دارید،

هرگز انقلاب به انحراف کشیده نخواهد شد.

پس قدر رهبرتان را بدانید و او را یاری کنید.

همیشه با توطئه‌های جبههٔ قاسطین، مارقین، ناکثین آشنا شوید،

و راه درست مبارزه و ارشاد را انتخاب کنید.

امیدوارم جامعه‌مان از افراد متقی، متعهد، مسئول و بی‌ریا مملو و پر گردد و زمینهٔ فعالیت جوانان دلسوز در انقلاب فراهم گردد و **به امید روزی که در مملکت اسلامی و سایر کشورهای اسلامی همه چیز برای رضای خدا انجام شود.** ان‌شاءالله

۱- ابوسعید ابوالخیر، رباعیات:

باز آ باز آ هر آن‌چه هستی باز آ گر کافر و گبر و بت‌پرستی باز آ

این درگه ما درگه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آ

و اما **سخنم با خانواده:**

آن هنگام که خبر شهادتم را شنیدید، خدا را سپاس گویید و از درگاهش برای من طلب عفو و بخشش کنید.

صبور باشید و به جای گریه و زاری به مزارم، به امام حسین(ع) و شهادتش، و زینب(س) و رسالتش کمی تفکر و تعقل کنید و به جای شیون، با آرامش، امام زمان(عج) و نایب او خمینی عزیز و رزمندگان را دعا کنید.

جسدم را بدون غسل و کفن در بهشت زهرا دفن کنید. باشد تا در آن‌جا در کنار شهیدان به خون تپیدهٔ گمنام و بزرگان پرافتخاری همچون **طالقانی، بهشتی مظلوم، رجائی و باهنر عزیز و شهید چمران و دیگر شهدا** قرار گیرم و با آنها محشور شوم.

ان‌شاءالله.

به یکدیگر به جای تسلیت، تبریک و تهنیت بگویید.

برایم عزاداری نکنید، بلکه چراغانی کنید و نقل و شیرینی پخش کنید.

برایم از خدا طلب آمرزش کنید.

نوای قرآن بسیار پخش کنید، چون صدای قرآن را خیلی دوست دارم؛

و هر گاه بر مزارم آمدید،

حتماً قرآن پخش کنید تا روحم شاد شود.

مبادا طوری باشد که مردم به شما دلگرمی دهند، بلکه شما مردم را دلگرمی دهید.

در صبور بودن و مسلمان بودن مشوّق دیگران باشید.

و اما:

پدر، مادر، خواهران و برادران، خانواده و فامیل عزیز، دوستان و آشنایان گرامی!

در این‌جا از همهٔ شما می‌خواهم اگر از من بدی دیده‌اید، به بزرگی خود ببخشید؛ زیرا اگر شما نبخشید، در آخرت رستگار نخواهم شد.

من برای شما نه فرزند خوبی بودم و نه برادر خوبی و نه دوست خوبی، اگر بدی دیده‌اید مرا ببخشید.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر لشگریان کفر جهانی و با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و جهان، امام خمینی و تمامی رزمندگان و مجاهدان و جانبازان فی‌سبیل‌الله و به امید روزی که خداوند به من منت نهد و مرا جزو سربازان عاشق و جانباز ولی‌عصر(عج)



اروحنا له الفداه و نایبش قرار دهد.

خدایا مرا عمر عطا کن که صرف طاعت تو شود، هر گاه عمرم چراگاه و جولانگاه شیطان شد، مرا پیش خود ببر.

والسلام.

۱۵ اسفند ۱۳۶۰ ه – ش

مطابق با ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۰۲ ه. ق

عباس توانگر[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۵ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تبیینی**

موضوع: **چگونگی و علت تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

پاسخ سؤالات سیاسی شما

سازمان کنفرانس اسلامی چگونه تشکیل شد؟

از ۱ ماه پیش کـه خبـر از سرگیری **فعالیت‌های میانجی‌گرانهٔ سازمان کنفرانس اسلامی برای پایان دادن به جنگ تحمیلی عراق با ایران** در روزنامهٔ جمهوری اسلامی درج شد تا کنون نامه‌های متعددی در مورد سازمان فوق به دست‌مان رسیده است. البته محتوای تعدادی از نامه‌ها با یکدیگر تفاوتی ندارد. اما سؤالاتی را که می‌توان از مجموع نامه‌ها استخراج کرد، به شرح زیر می‌باشد:

- سازمان کنفرانس اسلامی چگونه تشکیل شد؟
- هدف از تشکیل این سازمان چه بوده است؟
- مرکز سازمان کجاست و اکنون چه کشورهایی عضو آن هستند؟
- تا کنون سازمان فوق چند جلسه تشکیل داده و نتایج هر یک از جلسات چه بوده است؟
- ایران از چه تاریخی به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی درآمده و چه نقشی را عهده‌دار بوده است؟ و...

اکنون با یاری خدا از این شماره به ترتیب به سؤالات فوق پاسخ خواهیم داد و امروز در مورد

اولین سؤال که «سازمان کنفرانس اسلامی چگونه تشکیل شد» مطالبی را می‌آوریم:

سازمان کنفرانس اسلامی که در حال حاضر **۴۲ کشور مسلمان آسیایی و آفریقایی** اعضای آن هستند، **۱۳ سال قبل به دنبال ملاقاتی که سران کشورهای اسلامی در رباط پایتخت مراکش داشتند، بنیان نهاده شد.**

جنگ ۶ روزهٔ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ که به شکست ارتش‌های عربی در برابر رژیم اشغالگر قدس و از دست رفتن بخش‌های وسیعی از اراضی این کشورها من‌جمله بیت‌المقدس (قدس) انجامید، نقطهٔ عطفی در تاریخ سیاسی خاورمیانه به شمار می‌رود.

قدرت‌طلبی روزافزون اسرائیل به دنبال وقوع این جنگ و احساس خشم توده‌های مسلمان عرب به خاطر این شکست، **رژیم‌های محافظه‌کار عرب** را که باطناً مایل به انجام هیچ‌گونه اقدام جدی علیه رژیم صهیونیستی نبودند، در موقعیتی کاملاً دفاعی قرار داد و آنان را واداشت تا **برای خاموش ساختن آتش احساسات توده‌های مسلمان کشورهای خود اقدامی ولو ظاهری و نمایشی** انجام دهند. لذا **ریشه‌های شکل‌گیری اندیشهٔ تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی را بایستی در این جنگ و عواقب عظیم آن جستجو کرد.**

رژیم ملک فیصل در عربستان ابتکار تشکیل این سازمان را عهده‌دار گردید تا به خیال خود به توده‌های مسلمان منطقه چنین وانمود کند که دولت‌های اسلامی در برابر تجاوزات صهیونیست‌ها چندان هم بیکار ننشسته‌اند و واقعاً قصد متحد ساختن و تشکل مسلمانان را در برابر این دشمن مشترک دارند.

به این ترتیب که **سران کشورهای اسلامی که اغلب‌شان پایگاهی در میان مردم خود نداشتند، با گردهم آمدن در پایتخت مراکش در ماه سپتامبر ۱۹۶۹ تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی را اعلام داشتند.**[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۶ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سرمقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **مواضع خصمانهٔ شوروی در جنگ ایران و عراق**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

تلاش مسکو

بسم الله الرحمن الرحیم

هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند که آمریکا بدون توافق شوروی می‌تواند در گوشه‌ای از جهان دست به جنایت بزند. همان‌گونه که هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند شوروی بدون توافق آمریکا می‌تواند مرتکب جنایت شود.

این نکتهٔ روشن را هم نمی‌توان منکر شد که **این ۲ جهان‌خوار هیچ کدام مایل نیستند شاهد قدرت و نفوذ و حتی وجود دیگری باشند**، بلکه هر کدام مایلند سراسر جهان را زیر سلطهٔ خود داشته باشند. ولی واضح است که این فقط یک آرزوی قلبی است و آنها چاره‌ای ندارند جز آن که با سازش و توافق به جنایات خود ادامه دهند و هر جا که می‌توانند دور از چشم دیگری و با شیطنت‌هایی که ویژهٔ خودشان است، سر رقیب را کلاه بگذارند.

البته این واقعیت را هم باید در نظر داشت که:

گاهی یکی از این‌دو به دلایل مختلف زمانی یا مکانی و یا عدم کارایی سران، دچار بیم و هراس از طرف مقابل هم می‌شوند و به سیاست باج‌دهی پناه می‌برند.

توافق آمریکا و شوروی در مسالهٔ لبنان و اکتفا کردن کرملین‌نشینان به صدور چند بیانیه

و ارسال پیام به ریگان نشان داد که اگر این نوع موضع‌گیری عاجزانه از سوی شوروی از روی ترس نباشد، قطعاً به دلیل توافق‌های ضمنی دیگری میان واشنگتن و مسکو صورت گرفته است و چه بسا این توافق در مورد افغانستان باشد.

هیچ بعید نیست آمریکا به شوروی قول داده باشد که دستش را در افغانستان بیش از پیش باز خواهد گذاشت، به شرط آن که در زمینهٔ قصابی‌های صهیونیست‌ها با حمایت شیطان بزرگ در بیروت از حد معمول دیپلماتیک فراتر نرود؛ هر چند که حق دارد برای گمراه کردن افکار عمومی جهان از کلمات تندی در بیانیه‌ها و نامه‌هایش استفاده کند.

از این مسأله که بگذریم، به **جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران** می‌رسیم و **توافق‌های شوروی و آمریکا در این زمینه.**

روشن است که مبتکر اصلی این جنگ، آمریکاست. ولی شوروی نیز از تهاجم ارتش مزدور عراق به جمهوری اسلامی ایران بی‌اندازه خوشحال شد. زیرا فکر می‌کرد مسئولان جمهوری اسلامی در اثر این تهاجم دچار چنان ضعفی خواهند شد که چاره‌ای جز دراز کردن دستشان به سوی همسایهٔ شمالی خود نخواهند داشت. در نتیجه **جنگی که آمریکا برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی و شکستن انقلاب اسلامی به راه انداخته است، به نفع شوروی تمام خواهد شد و ایران به راحتی به چنگ شوروی خواهد افتاد.**

بر اساس همین تحلیل بود که شوروی با شتاب فراوان به صدام کمک تسلیحاتی کرد و حتی از تحویل جدیدترین سلاح‌های خود از قبیل میگ ۲۵ به حاکمان بغداد نیز دریغ نورزید. ولی همان‌گونه که همه دیدند، این محاسبات غلط از آب درآمد و جمهوری اسلامی ایران نه تنها در اثر این جنگ درمانده نشد، بلکه اکنون قوی‌تر و پرصلابت‌تر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد و شعار بی‌نظیر و بی‌سابقهٔ «**نه شرقی نه غربی**» را عملاً به پیش می‌برد.

طبیعی بود که شوروی از چنین وضعیتی تلاش کند و در مرحلهٔ سیاسی نیز طرف عقلقی‌های بغداد را بگیرد.

شوروی و آمریکا هر دو می‌کوشند کاری کنند که انقلاب اسلامی را به طرف خودشان بغلتانند تا از یک‌سو ایران را در چنگال خود داشته باشند و از سوی دیگر هر طور که شده، نگذارند شعار «**نه شرقی نه غربی**» **به عنوان یک تز قابل پیاده شدن در ذهن مردم جهان** جا بیفتد.

زیرا این امر با این طرز فکر استعماری که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون اتکا به شرق یا غرب روی پای خودش بایستد، به شدت در تضاد است و جهان‌خواران مایل نیستند اجازه دهند ملت‌ها باور کنند که می‌شود یک ملت بدون اتکا به شرق یا غرب روی پای خود بایستند.

در مورد جمهوری اسلامی ایران، اکنون آمریکا و شوروی دچار سرگیجه هستند؛ زیرا برای آنها باورکردنی نبود که یک ملت پس از سال‌های طولانی استعمارزدگی بتواند این‌گونه مستقل و آزاد زندگی کند و در برابر همهٔ توطئه‌ها بایستد و به صورت خطری بزرگ برای جهان‌خواران درآید.

آمریکا و شوروی اکنون از این وحشت دارند که انقلاب اسلامی همان‌طور که رهبر این انقلاب بارها اعلام کرده‌اند، نقطهٔ عطفی باشد برای خیزش همه‌جانبهٔ ملت‌ها و پایان بخشیدن به سلطهٔ جهان‌خواران.

واقعیت این است که این خطر برای جهان‌خواران جدی است و آنها حق دارند با انقلاب اسلامی کینه‌توزانه برخورد نمایند.

اگر شوروی و آمریکا هر دو از عفلقی‌های حاکم بر عراق در جنگ تحمیلی حمایت می‌کنند، به خاطر خطری است که این هر دو از ناحیهٔ انقلاب اسلامی احساس می‌کنند.

دقیقاً به همین دلیل است که شوروی نیز مانند آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه‌ای که صرفاً برای نجات صدام و همپالگی‌های عفلقی او تهیه شده بود، رأی مثبت داد.

بهتر است این واقعیت را از رادیو مسکو و به عبارت دیگر از زبان هیئت حاکمهٔ شوروی بشنویم.

رادیو مسکو در ساعت ۷ بعد از ظهر سه‌شنبه ۱۳ مهر ۶۱ ضمن اعلام تصمیم شورای امنیت مبنی بر اعلام آتش‌بس فوری و جستجوی یک راه‌حل سیاسی و موافقت با استقرار نیروهای سازمان ملل متحد در مرزهای جمهوری اسلامی ایران و عراق، می‌گوید:

– درگیری مسلحانه میان ایران و عراق ۲ سال است که جریان دارد و قربانیان بسیاری داشته و خسارت مادی هنگفتی چه به ایران و چه به عراق وارد ساخته است و از نظر بین‌المللی نیز موانعی اضافی در برابر حل مسائل ضروری همانند مسألهٔ خاورمیانه و مبدل ساختن منطقهٔ اقیانوس هند به منطقهٔ صلح و همکاری بین‌المللی و بسیاری از چیزهای دیگر به وجود می‌آورد و این چیزی است که برای ۲ ملت ایران و عراق به طور یکسان اهمیت دارد و باید اضافه کنیم که این درگیری همانند هر گونه برخورد مسلحانه میان ۲ کشور رو به رشد، به مبارزهٔ عمومی به خاطر صلح لطمه می‌زند و دشواری کار سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان وحدت آفریقا، اتحادیهٔ عرب و جنبش غیرمتعهدها را افزون می‌کند.

در پرتو تمامی این حقایق بوده که **اتحاد جماهیر شوروی تصمیم شورای امنیت را تأیید کرده و معتقد است که این تصمیم احتمال دارد بتواند راهگشای پایان درگیری خلیج باشد.**

رادیو مسکو به این نکته هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرد که:

اگر میگ‌ها و تی ۷۲های شوروی نبودند، رژیم بعثی عراق نمی‌توانست آن همه ویرانی در شهرها و روستاهای ایران به بار بیاورد.

این رادیو بدون آن‌که روشن کند چه کسی آغازگر جنگ بوده و قربانیان این جنگ قربانی هوا و هوس چه کسی هستند؟ می‌گوید:

این جنگ موانعی بر سر راه برقراری صلح در اقیانوس هند و حل مسألهٔ خاورمیانه به وجود آورده و کار سازمان‌هایی از قبیل وحدت آفریقا و اتحادیهٔ عرب و جنبش غیرمتعهدها را دشوارتر می‌کند.

خوب است کرملین‌نشینان شجاعت آن را داشته باشند که با صراحت اعلام کنند آتش این جنگ را چه کسی افروخت و چه کسانی با ارسال اسلحه برای صدام به آن دامن زدند.

خوب است مدعیان طرفداری از صلح که با ارتش سرخ خود افغانستان را در اشغال نظامی دارند، روشن کنند که چه کسانی اکنون مانع برقراری صلح در منطقهٔ اقیانوس هند هستند؟

خوب است مسکو با صراحت اعلام کند چرا در برابر تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان که به دستور شیطان بزرگ صورت گرفته، کوچک‌ترین اقدام عملی نکردند؟

خوب است سران شوروی علت بی‌طرفی مرموزشان در زمینهٔ قتل‌عام فلسطینیان در اردوگاه‌های غرب بیروت را به جهانیان اعلام کنند و روشن نمایند که چرا در برابر این جنایت عظیم و هولناک به تعارفات سیاسی اکتفا کرده و حتی یک قدم عملی برنداشتند.

خوب است کرملین به این پرسش پاسخ بدهد که چگونه از قطعنامه‌ای حمایت می‌کند که از جمهوری اسلامی ایران که هنوز تلاش می‌کند تا مزدوران صدامی را از خاک خود بیرون براند و جلو آتش دشمن بر روی شهرهای خود را بگیرد، می‌خواهد که آتش‌بس را بپذیرد و اجازه دهد نیروهای سازمان ملل در مرزهای ۲ کشور مستقر شوند؟

آیا این حمایت، به معنای حمایت از عامل اصلی این جنگ یعنی آمریکا نیست؟

در یک کلام،

موضع‌گیری‌های شوروی در مسألهٔ جنگ تحمیلی،

چه در زمینه‌های نظامی و چه سیاسی در طول این جنگ،

به خوبی نشان داد که:

مسکو خواهان پیروزی رژیم کافر بعث عراق،

و به زانو درآمدن جمهوری اسلامی ایران است.

اکنون با توجه به روشن شدن این واقعیت که در این جنگ رژیم عراق بازنده است، شوروی نیز مانند شیطان بزرگ و دیگر هم‌دستانش تلاش می‌کند تا از طریق سیاسی به حفظ صدام کمک کند تا از قدرتمندتر شدن جمهوری اسلامی جلوگیری نماید.

البته خود کرملین‌نشینان هم می‌دانند که در این زمینــه نیز آب در هاون می‌کوبند و **ایران اسلامی به رغم همهٔ توطئه‌ها روزبه‌روز نیرومندتر شده،**

و به راهی که در پیش گرفته است،

ادامه خواهد داد؛

و در این راه بر هیچ نیرویی جز ایمان به خدا،

تکیه نخواهد کرد.

بدین‌ترتیب:

تردیدی نیست که تلاش مسکو نیز برای حفظ صدام بی‌فایده است،

و خدا وعده داده است که:

مؤمنین را یاری فرماید:

وَ کانَ حَقًّا عَلَیْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنین[1]

والسلام[2]

۱- سورهٔ روم، آیهٔ ۴۷
و یاری‌کردن مؤمنان بر ما فرض است.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۷ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تبلیغات دروغین روزنامهٔ صهیونیستی کریسچین ساینس مانیتور علیه ایران**

امضا:

روزنامهٔ آمریکایی کریسچین ساینس مانیتور که وابسته به محافل صهیونیستی است و نزدیکی خاصی نیز با وزارت خارجهٔ آمریکا دارد، در چند روز گذشته ضمن درج مقالاتی راجع به ایران با دروغ‌پردازی و عنادی روشن، واقعیات و حقایق جامعهٔ اسلامی ایران را به کلی وارونه تصویر کرده است.

به گزارش **خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن**، کریسچین ساینس مانیتور در شمارهٔ ۶۱/۷/۱۵ با چاپ عکسی در صفحهٔ اول خود از یکی از خیابان‌های تهران که چند کامیون نظامی و اتوبوس ۱ نفت‌فروش سیار، چند عابر پیاده و ۱ چوپان با گوسفندانش در حال عبور از آنان هستند، چنین مدعی شده که این عکس مربوط به اوضاع ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است؛ لکن با کمی وقت، **عناد دست‌اندرکاران این روزنامهٔ صهیونیستی** به خوبی نمایان می‌شود.

گردانندگان کریسچین ساینس مانیتور با سیاه کردن اطراف صورت زنان عابری که بی‌حجاب بوده‌اند، مذبوحانه تلاش کردند تا عکس را که نشان‌دهندهٔ تهران در زمان حکومت نظامی رژیم آمریکایی و پلیس شاه بود، به عنوان تصویری از وضع در تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی جلوه دهند.

این روزنامه همچنین به علت خاتمه دادن به فساد در ایران، بسته شدن کلوپ‌ها و کافه‌های شبانه و عدم وجود شب‌زنده‌داری‌های توأم با فحشا و جنایت، جمهوری اسلامی ایران را به شدت مورد حمله قرار داده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۸ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تکذیب ادعاهای رادیو بغداد توسط سفیر ترکیه در تهران**

امضا:

صدای دروغگوی رژیم صدام روز گذشته در گزارشی از بغداد ادعا کرد:

بولنت اولسو نخست‌وزیر ترکیه طی یک مصاحبهٔ مطبوعاتی در تونس، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشوری که مایل به خاتمهٔ جنگ نیست، معرفی کرده است.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی طی تماسی با سفیر ترکیه در تهران صحت و سقم این موضوع را جویا شد. **آقای تانسوگ بلدا سفیر ترکیه** در تهران اظهار داشت:

– من به عنوان یک مقام رسمی دولت ترکیه انتساب این موضوع را به آقای بولنت اولسو تکذیب می‌کنم و اصولاً این مطلب مغایر سیاست خارجی کشور ترکیه می‌باشد. ما خواهان پایان جنگ هستیم، ولی این‌که مسئولیت ادامهٔ جنگ را به عهدهٔ جمهوری اسلامی ایران بدانیم، صحت ندارد و جداً تکذیب می‌شود.

وی در پاسخ به سؤال خبـرنگار ما در مورد علت این‌که رادیو رژیم عراق این‌چنین دروغی تمسک جسته است، چیست؟ اظهار داشت:

– شاید رادیو عراق خواسته است حقایق را به نفع خود تغییر دهد.

وی در پایان متذکر شد که در ظرف امـروز و فـردا این مسأله طی یک اعلامیهٔ رسمی تکذیب خواهد شد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۱۹ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعتراض ۱ روزنامهٔ رسمی ترکیه به شکنجهٔ اتباع این کشور در زندان‌های عراق**

امضا: **روزنامهٔ حریت چاپ ترکیه**

زندانبانان دژخیم صدام که مدت‌هاست در سیاه‌چال‌های صدام با شکنجهٔ مردم مسلمان و بی‌گناه عراق تمرین شقاوت می‌کنند، اینک به شکنجهٔ زندانیان عادت کرده‌اند.

شکنجه‌گران زندان‌های عراق پا را از آزار مسلمانان این کشور فراتر نهاده، هر کس را به هر اتهامی که به زندان افتاده باشد طبق عادت شکنجه می‌کنند.

در همین زمینه **روزنامهٔ حریت چاپ ترکیه** گزارش داد:

تعدادی از رانندگان ترک که در زندان‌های نینوا و موصل و بغداد به سر می‌برند، علاوه بر گرسنگی و تشنگی تحت شکنجه قرار می‌گیرند.

این روزنامه در تأیید گزارش خود به نقل از یک رانندهٔ ترک به نام رحمت نبی که چند روز پیش از زندان موصل آزاد شده و به جرم تخلف ازمقررات رانندگی در زندان شکنجه شده است، می‌نویسد:

- تعدادی از این رانندگان مخفیانه با ارسال نامه‌ای به رئیس دولت ترکیه خواستار نجات خود از سیاه‌چال‌های عراق گردیده‌اند.

بر اساس همین گزارش ۲۳ تن از رانندگان ترک در زندان موصل به سر می‌برند و از سرنوشت ۶ رانندهٔ ترک دیگر که ۱ ماه پیش در عراق ناپدید شده‌اند، خبری در دست نیست.

ورود این رانندگان که کالا و مواد غـذایی به عراق حمل می‌کرده‌اند، در پست‌های مرزی عراق ثبت شده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۲۰ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حیلهٔ جدید «بانک عمران اسلامی» برای نجات صدام**

امضا:

رژیم‌های مرتجع عرب که برای حفظ رژیم رو به سقوط صدام تلاش می‌کنند، هفتهٔ گذشته به منظور کمک به اقتصاد ورشکستهٔ رژیم عراق دست به حیلهٔ جدیدی زدند.

خبرگزاری‌ها گزارش دادند:

بانک عمران اسلامی که توسط سازمان کشورهای اسلامی اداره می‌شود، ۱۸ میلیون دلار وام در اختیار ترکیه قرار داده، لکن این کشور تنها مجاز است تا این مبلغ را از عراق نفت خام خریداری نماید.

قرارداد مربوط دیروز در مقرّ بانک عمران اسلامی در جده به وسیلهٔ احمد محمدعلی و رئیس این بانک و مقام‌های ترکیه امضا شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۲۱ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **قلع‌وقمع مسلمانان توسط فالانژها و ارتش لبنان و دیدارهای عرفات در منطقه**

امضا: **رسانه‌ها و مقامات منطقه‌ای و جهانی**

با همکاری نیروهای مداخله‌گر چندملیتی:

فالانژها و ارتش لبنان به قلع‌وقمع مسلمانان ادامه می‌دهند

بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

برای پنجمین روز متوالی یگان‌های ارتش لبنان و فالانژها با استفاده از خودروهای زرهی و با همکاری نیروهای مداخله‌گر چند ملیتی در ساعت ۶ بامداد دیروز مناطق وسیعی از جمله: تله الخیاط فردان، مصیطبه و الصنائع و البسطه و عایشه‌بکار واقع در بخش مسلمان‌نشین بیروت را به محاصرهٔ خود درآوردند.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت حاکیست:

سربازان ارتش لبنان و فالانژها طی عملیات وسیع خود اقدام به بازرسی منازل و دفاتر احزاب و منازل شخصیت‌های سیاسی کرده و گروه زیادی از شهروندان لبنانی و غیره را به بهانهٔ عدم مجوز قانونی برای اقامت و یا جعلی بودن مدارک بازداشت کردند.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت همچنین حاکیست:

در پی این عملیات سربازان ارتش لبنان و فالانژها ضمن مسدود ساختن راه‌ها و خیابان‌های منتهی به مناطق یادشده، مقررات منع عبورومرور را در مناطق محاصره‌شده به اجرا

درآوردند.

در این میان رادیو رسمی بیروت هدف از این اقدامات را پاک‌سازی مناطق مختلف بخش مسلمان‌نشین بیروت و کشف اسلحه و دستگیری مجرمین توصیف کرد.

در این حال **روزنامهٔ لبنانی النهار** در شمارهٔ دیروز خود نوشت:

مقامات لبنانی در حال بررسی طرحی در خصوص بازگشایی راه بیروت به دمشق می‌باشند. بر اساس این طرح، این جاده پس از بازگشایی که موعد آن هفتهٔ آینده ذکر شده، تسلیم ارتش لبنان و عناصری از نیروهای فرانسوی می‌شود.

روزنامهٔ النهار می‌افزاید:

- طرح دیگری وجود دارد که در آن با افزایش تدریجی تعداد نفرات نیروهای چندملیتی تعداد آنها به ۵۰۰۰ تن می‌رسد.

این گزارش همچنین حاکیست که ارتش لبنان با استفاده از بلدوزر اقدام به انهدام منازل مسکونی خانواده‌های آواره‌شده در منطقهٔ الرمل‌العالی، منطقهٔ فرودگاه واقع در حومهٔ جنوبی شرق بیروت کردند که با اعتراض شدید اهالی روبه‌رو شد؛ لکن همچنان ادامه یافت.

از سوی دیگر احزاب سیاسی در غرب بیروت با انتشار بیانیه‌هایی عملیات ارتش لبنان در حمله به منازل و بازداشت شهروندان در غرب بیروت را محکوم ساختند و بر ضرورت توقف این عملیات تأکید کردند.

همچنین **خبرگزاری فرانسه از بیروت** گزارش داد:

سحرگاه دیروز ارتش لبنان به کمک واحدهای شبه‌نظامی فالانژ، عملیات جدیدی را برای پاک‌سازی در بخش مسلمان‌نشین غرب بیروت شروع کرد.

سربازان لبنانی مجهز به مسلسل و تانک بوده‌اند و در منطقهٔ تجسس از طرف نیروهای مداخله‌گر چندملیتی حمایت می‌شدند.

در همین حال **خبرگزاری فرانسه** گزارش داد:

کارشناسان پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) برای کمک به بازسازی ارتش لبنان بر اساس نیازهای آیندهٔ این کشور به بیروت رفته‌اند.

منابع آمریکایی یادآور شدند:

آمریکا قول داده است برای بازسازی ارتش لبنان یک کمک فوری ۱۵ میلیون دلاری در اختیار این کشور قرار دهد.

به گفتهٔ منابع آمریکایی گروه کارشناسان نظامی آمریکا به رهبری یک ژنرال ارتش این

کشور چند روز پیش وارد لبنان شد و قرار است موقتاً ۲ تا ۳ هفته در این کشور اقامت کنند.

یک کارشناس آمریکایی گفت:

- ارتش لبنان فاقد رهبری و تجهیزات و سازمان لازم برای ادارهٔ کشور است.

عرفات در اردن

در این میان **یاسرعرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین** پس از ۱ دیدار ۱ روزه از بحرین و گفتگو با امیر بحرین دیروز عازم اردن شد.

به گزارش **خبرگزاری فرانسه از امان**، دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در امان ضمن انتشار این خبر اعلام کرد که عرفات هنگام ورود از سوی **مضر بدران نخست‌وزیر رژیم اردن** مورد استقبال قرار گرفت.

وی قرار است در خلال دیدار ۴۸ ساعته‌اش از این کشور با شاه حسین اردنی نیز ملاقات و گفتگوهایی انجام دهد.

در این میان **یک هفته‌نامهٔ وابستهٔ چاپ بیروت** نوشت:

انتظار می‌رود عرفات با امضای موافقت‌نامه‌ای به شاه حسین اردنی به طور محدود وکالت دهد تا پیرامون آیندهٔ سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل به نمایندگی از جانب فلسطینی‌ها مذاکراتی انجام دهد!

به نوشتهٔ **هفته‌نامهٔ النهار** محتوای چنین موافقت‌نامه‌ای فاش نخواهد شد، لکن آیندهٔ روابط اردن و سازمان آزادی‌بخش فلسطین بر اساس این قرارداد پی‌ریزی خواهد شد.

از سویی به **گزارش واحد مرکزی خبر از پاریس** یاسر عرفات رئیس کمیتهٔ سازمان آزادی‌بخش فلسطین طی پیامی که برای **مارشه دبیرکل حزب کمونیست فرانسه** ارسال داشت، از حمایت کمونیست‌های فرانسه نسبت به حقوق مردم فلسطین تشکر کرد.

اومانیته ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه می‌نویسد:

یاسر عرفات روز چهارشنبه از صنعا وارد بغداد شد و در مدت اقامتش در عراق با صدام ملاقات و گفتگو خواهد کرد.

عرفات در حال حاضر مشغول گردش و مسافرت در کشورهای عربی است.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۲۲ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ورود وزیر خارجهٔ انگلیس به منطقه و مشکلات اقتصادی عراق**

امضا: **منابع خبری جهانی**

وزیر خارجهٔ انگلیس وارد منطقه شد

خبرگزاری فرانسه گزارش داد:

فرانسیس پیم وزیر خارجهٔ جزیرهٔ انگلیس دیروز در اولین مرحله از سفر خاورمیانه‌ای‌اش جهت یک دیدار رسمی ۲ روزه از سوریه وارد دمشق شد و در فرودگاه مورد استقبال **عبدالحلیم خدام معاون نخست‌وزیر خارجهٔ سوریه** قرار گرفت.

منابع آگاه گفتند:

پیم که نخست از دمشق دیدن می‌کند، در این دیدار هیچ پیشنهاد تازه‌ای برای خاورمیانه با خود ندارد؛ ولی با مقام‌های سوری و مصری به گفتگو خواهد پرداخت.

انتظار می‌رود وزیر خارجهٔ انگلستان در این سفر همچنین با رؤسای جمهوری سوریه و مصر ملاقات و گفتگو کند.

برخی از مطبوعات انگلستان نظیر روزنامهٔ تایمز در سرمقالهٔ دیروز خود سفر پیم را در جهت حفظ منافع انگلیس در جهان عرب بااهمیت توصیف می‌کند.

همین روزنامه روابط شاه حسین با انگلیس را بسیار عالی دانسته و می‌نویسد:

آن‌چه پیم در سفر خاورمیانه‌ای‌اش در دمشق، قاهره، جده و سپس در ماه آینده در اردن

مورد بحث و گفتگو قرار می‌دهد، برای استحکام موقعیت شاه حسین در اردن جنبهٔ حیاتی دارد.

آن‌چه به عقیدهٔ آگاهان سیاسی در حال حاضر افکار پیم را در سفرش به خاورمیانه مشوش کرده، عدم موفقیت طرح کمپ دیوید و پیروزی اخیر ایران در جبهه‌های جنگ می‌باشد.

مقامات رسمی وزارت خارجهٔ انگلیس تأکید می‌کنند:

گفتگو پیرامون جنگ عراق علیه ایران در دستور کار فرانسیس پیم در سفرش به خاورمیانه قرار دارد.

به نوشتهٔ **روزنامهٔ «گاردین» چاپ لندن** در شمارهٔ چهاردهم مهرماه، موقعیت فعلی صدام تمامی کمپانی‌های غربی را که با عراق قرارداد دارند، دچار نگرانی شدید ساخته است.

«گاردین» با توجه به وضع کنونی اقتصاد عراق که با تورمی بین ۲۵ تا ۴۰ درصد مواجه است، می‌نویسد:

اخیراً دانمارک و سوئیس همراه با آلمان غربی تصمیم گرفته‌اند که از صدور اعتبار صادراتی برای عراق خودداری ورزند.

ژاپن نیز که قراردادهایش با عراق در ۲ سال آینده به پایان می‌رسد، قرارداد تازه‌ای با رژیم صدام امضا نکرده است.

به دنبال عملیات رمضان، دولت انگلیس از شرکت‌های این کشور که با عراق قرارداد دارند و به شدت از سقوط صدام نگران شده بودند، خواست تا از رژیم صدام حمایت نمایند.

به همین منظور وزارت بازرگانی انگلیس قراردادهای بسته شده با رژیم صدام را تضمین نمود.

با این حال **روزنامهٔ انگلیسی گاردین** اعتراف کرده است:

میزان صادرات انگلیس به عراق در چند ماه اخیر کاهش یافته است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۲۳ تاریخ صدور: ۱۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک ۳ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل در سال جاری**

امضا:

رادیو رژیم صهیونیستی اعلام کرد که تورم در این کشور در سال جاری به ۲۳۰ تا ۲۵۰ درصد خواهد رسید.

این رادیو افزود:

دولت برای مقابله با وضعیت وخیم اقتصادی خواستار کمک مؤثر آمریکایی‌ها خواهد شد.

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها رژیم صهیونیستی برای سال مالی جاری به ۳ میلیارد دلار کمک از واشنگتن نیاز دارد که از این مقدار ۱/۲۵ میلیارد دلار به شکل کمک‌های آزاد اقتصادی خواهد بود و باقی‌مانده به صورت وام پرداخت خواهد شد.

رادیو تل‌آویو به نقل از منابع دولتی اعتراف کرد:

برای جبران خسارات ناشی از حملهٔ نیروهای اسرائیل به لبنان، تل‌آویو از کمک‌های آمریکا برخوردار خواهد شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۸

شماره: ۱۲۴ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بسیج پرسنل سپاه برای کمک به سیل‌زدگان**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

این اطلاعیه از سوی **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** انتشار یافت:

بسم الله الرحمن الرحیم

با جاری شدن سیل در برخی از نقاط کشورمان به ویژه **تهران و چند شهر استان‌گیلان** که خساراتی به بعضی از برادران و خواهران مسلمان ما وارد آورده است، **واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمادگی خود را جهت رساندن کمک‌های امت انقلابی و شهیدپرور به سیل‌زدگان اعلام می‌دارد.**

کلیهٔ خواهران و برادران می‌توانند کمک‌های خود را به گروه‌های مقاومت و ستادهای واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور تحویل نمایند.

همچنین **اعضای بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مناطقی که سیل جاری شده است، برای کمک‌رسانی به سیل‌زدگان، هر چه سریع‌تر خود را به گروه‌های مقاومت معرفی نموده و ضمن هماهنگی با سایر ارگان‌های ذی‌ربط، خواهران و برادران خود را یاری دهند.**

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۲۵ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ■ بیانیه □ اطلاعیه □ مصاحبه □ خبر □

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک □ دیگر موارد:

موضوع: **محکومیت رفتار وحشیانهٔ پلیس عربستان با حجاج ایرانی و اخراج نمایندهٔ امام**

امضا: **آیت‌الله العظمی منتظری (خطاب به امت اسلام و علمای بلاد اسلامی)**

پیام آیت‌الله العظمی منتظری خطاب به امت اسلام و علمای بلاد اسلامی:

حکام خائن و عیاش سعودی بیشترین خدمت را به دشمنان اسلام می‌نمایند

به گزارش واحد مرکزی خبر در ارتباط با **رفتار وحشیانهٔ رژیم آمریکایی سعودی و اخراج نمایندهٔ امام و ضرب و شتم و هتک حرمت حجاج ایرانی بیت‌الله‌الحرام** توسط پلیس مزدور آن کشور از سوی **حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری خطاب به علما و اندیشمندان بلاد اسلامی** پیامی ارسال شد. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

امت بزرگ اسلام، علما و دانشمندان بلاد اسلامی ایدکم الله تعالی.

از رفتار اخیر رژیم آمریکایی سعودی با حجاج مظلوم ایرانی و نمایندهٔ رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و ضرب‌وشتم و بازداشت و اخراج آنان و هتک بیت‌الله‌الحرام و سایر مشاهد مشرفه قطعاً مطلع شده‌اید.

گناه حجاج ایرانی احیای سنت محمدی و آگاه نمودن مسلمانان جهان به مظالم کفر جهانی و اسرائیل غاصب و ابراز تنفر از آنان و دعوت مسلمین به اتحاد و وحدت کلمه بود.

این حرکات ضدانسانی از رژیمی که پایگاهی قوی برای آمریکا و اسرائیل در منطقه می‌باشد،

آن هم در مراسم عظیم حج و به هنگام زیارت حجاج ایرانی در مدینه‌الرسول در زمانی رخ می‌دهد که مسلمین جهان در برابر هجوم همه‌جانبهٔ استعمارگران غرب و شرق و اسرائیل غاصب و رژیم بعث متجاوز به مقدسات و اراضی و توده‌های محرومشان بیش از هر زمان به وحدت کلمه و هم‌دردی با یکدیگر احتیاج دارند و **در مراسم باشکوه حج است که مسلمانان می‌بایست حداکثر بهره‌برداری را در راه توحید کلمهٔ مسلمین و اعتلای کلمهٔ توحید بنمایند.**

بیت‌الله‌الحرام است که به دستور قرآن کریم باید محل قیام مسلمین باشد.

جَعَلَ اللهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاس[1]

ولی مع‌الوصف تمام حجاج کشورهای اسلامی از نزدیک خفقان حاکم در این کشور و رفتار ضداسلامی دژخیمان سعودی را با حجاج ایرانی و افرادی که درصدد تماس و ارتباط با آنان بودند، مشاهده کردند.

این رژیم که از یک خانوادهٔ عیاش (نجدی) تشکیل شده، در بیش از نیم قرن پیش به دست استعمارگران انگلیسی در این کشور ثروتمند با اهداف شوم و ننگینی به وجود آمد و آن مرد بی‌سواد و خودفروختهٔ بدوی را بر سر ملتی مظلوم و مسلمان مسلط نمودند و ادارهٔ حرمین شریفین را به دست نالایق او و خانوادهٔ بی‌حیثیتش که از اسلام و شرافت عربی و اسلامی بهره‌ای نبرده‌اند، سپردند.

امروز حکام خائن و عیاش سعودی در منطقه بیشترین خدمت را به دشمنان اسلام و در رأس آنها شیطان بزرگ می‌نمایند.

تمام جنایات آمریکا و اسرائیل در منطقه و قتل‌عام مسلمانان لبنان و فلسطین و معامله روی جنبش فلسطین و مقدسات مسلمین با اسرائیل و نیز کنفرانس‌های فاس و غیره و قراردادهای ننگین و خائنانهٔ کمپ‌دیوید و غیره با هم‌دستی و پیشتازی این رژیم فاسد ضداسلام انجام می‌شود.

این رژیم با تصاحب ثروت‌های خداداده از جمله نفت که شریان حیات اروپا و آمریکا به آن وابسته است، کشور اسلامی جزیره‌العرب را در تمام امور وابسته به غرب و آمریکا نموده است.

ملت مسلمان و مظلوم عربستان به جز اقلیتی وابسته به دربار کثیف پادشاهی و مزدوران رژیم در فقر فرهنگی و مادی فوق‌العاده‌ای به سر می‌برند.

سرمایه‌داران و مستشاران آمریکایی در عربستان مصونیت و حکومت مطلقه دارند. درآمد نفتی رژیم به جز آن‌چه صرف عیاشی‌های افسانه‌ای و کاخ‌های طلایی حکام و شاهزادگان سعودی

۱- سورهٔ مائده، آیهٔ ۹۷

خداوند [زیارت] کعبه بیت [الله] الحرام را وسیلهٔ به‌پا داشتن [مصالح] مردم قرار داده.

می‌شود، همگی در بانک‌های آمریکا و اروپا پشتوانهٔ ارزی و اقتصادی سست و لرزان اربابان رژیم می‌باشد.

روحانی‌نمایان جاهل و بی‌اطلاع از اسلام و قرآن و سنت در تحکیم این رژیم عیاش آمریکایی نقش به سزایی دارند. آنها معمولاً مزدور دستگاه امنیتی رژیم می‌باشند و حق کوچک‌ترین تفکر و حرکتی را به ملت محروم عربستان نمی‌دهند. **آنها مع‌الوصف بافته‌ها و تخیلاتی را که جهان اسلام و علمای اهل سنت از آنها بیزار و متنفرند، به نام دین و سنت رسول‌الله‌الاعظم از بوق‌های دولتی منتشر کرده و ملت خود را در جهل و نادانی نگاه می‌دارند.**

با این وضع من نمی‌دانم مسلمانان جهان و اندیشمندان بزرگ اسلامی و دولت‌های مترقی جهان اسلام و عرب چگونه اجازه می‌دهند **حرمین شریفین که از مقدس‌ترین امکنهٔ روی زمین است، به دست یک مشت عیاش و خودفروخته باشد و مسلمانان نتوانند از بیت‌الله‌الحرام و آن مراسم حیات‌بخش و سرنوشت‌سازش و قداست و کرامت مسجدالرسول(ص) و آن همه درس و آموزندگی و سازندگی‌اش بهره‌های معنوی و انسانی و سیاسی ببرند.**

تا کی باید طاغوت بر خانهٔ خدا حکومت کند؟

آیا وجدان دینی مسلمین راضی است که چنین خانه‌ای با آن همه عظمت و قداست که باید منشأ تمام آزادی‌ها و آزادگی‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی باشد، به دست فاسدترین رژیم‌ها اداره شود. و **کسی که وابستگی و عیاشی و فساد اخلاق و خباثت او زبانزد ملت‌های آزاده است، سرنوشت این دو حرم عظیم را به دست گیرد** و نگذارد ملت‌ها و عاشقان زیارت خانهٔ خدا و رسول گرامی‌اش سرنوشت دنیا و آخرت خود را در این سرزمین‌های نورانی و مقدس در زمانی کوتاه و فشرده تعیین نمایند.

باید ملت بزرگ اسلام برای این فاجعهٔ عمومی فکر و چاره‌ای بیندیشند.

باید دولت‌های مترقی عربی و غیرعربی بیش از این به چنین ظلمی که به تاریخ و مقدساتشان شده است، تن در ندهند و **هیأتی از نمایندگان دولت‌های کشورهای اسلامی را برای ادارهٔ حرمین شریفین تعیین نمایند.**

ملت مسلمان جزیره‌العرب به خصوص روشنفکران متعهد، **روحانیون آزاده هم بدانند آزادی را باید با بهای سنگین به دست آورد.** تجربهٔ ملت زندهٔ برادر در ایران اسلامی بهترین الگو و نمونه برای آنان می‌باشد.

آنها با هماهنگی کامل و با سلاح ایمان و شعار توحید و با الهام از رهبری‌های قاطع و بیدارکننده مقام معظم رهبری انقلاب توانستند بندهای اسارت و ذلت چندین هزار ساله را

پاره نموده و رژیم طاغوتی را با همهٔ عِدّه و عُدّه‌اش سرنگون سازند و به جای آن قوانین وحی را در کشور خود حاکم نمایند.

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) فرمود:

مَنْ رَای سُلْطاناً جایراً مُسْتَحِلاً لِحُرُمِ‌الله،
ناکثاً لِعَهْدِالله، مُخالفاً لِسُنَّه رَسُولِ‌الله،
یَعْمَلُ فی عِبادِالله بِالاثْمِ وَ الْعُدْوانِ فَلَمْ یُغَیِّرْ عَلَیْه بِفِعْل،
وَ لاَ قَوْل، کانَ حَقّاً عَلَی‌الله اَنْ یُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ[1]

از خداوند بزرگ نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و آزادی و نجات مقدسات و سرزمین‌های اسلامی را از چنگال طاغوت و ایادی کفر جهانی و پیروزی رزمندگان شجاع در تمام جبهه‌ها را مسألت دارم.

والسلام علیکم و رحمه الله

۶۱/۷/۱۸

حسینعلی منتظری[2]

۱- فرمایش امام حسین(ع) در منزلگاه «بیضه» (بیضه به کسر باء، آبگاهی است میان واقصه و عذیب.)
هنگامی که سلطان ظلم‌پیشه‌ای حرام خدا را حلال می‌کند و عهد خدا را می‌شکند و سنت رسول خدا را مخالفت می‌کند و در میان بندگان خدا مرتکب گناه و تجاوز می‌شود، اگر آنها که شاهد چنین اعمالی هستند با عمل یا گفتار خود بر او نشورد، حق خداست که آنها را به مجازاتی که آن سلطان مستحق آن است، برساند.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۲۶ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **رمز بزرگ نظام اسلامی ما**

امضا: **رئیس‌جمهور، حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای**

رئیس‌جمهوری در دیدار با گروهی از روحانیون و ائمهٔ جمعه و جماعات شهرهای مهاباد، اشنویه، پیرانشهر، سردشت و ارومیه:

ساده‌انگاری است اگر تصور کنیم چند فریب‌خورده، مسئول تمام این توطئه‌ها هستند

گروهی از روحانیون و ائمهٔ جمعه و جماعات شهرهای مهاباد، اشنویه، پیرانشهر، سردشت و ارومیه در پایان گردهمایی خود در تهران دیشب با **حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور** کشورمان دیدار و گفتگو کردند.

در این ملاقات ابتدا یکی از برادران مسئول برگزاری گردهمایی، گزارشی از تلاش‌های انجام گرفته از سوی حضار را به اطلاع ریاست جمهوری رساند و آنگاه حجت‌الاسلام خامنه‌ای با اشاره به اهمیت این قبیل اردوها و تأکید بر ادامهٔ این‌گونه ارتباطات صمیمانه گفت:

– متأسفانه منطقه‌ای که شما برادران عزیز در آن زندگی می‌کنید و به ارشاد مردم مشغولید منطقه‌ای است که از آغاز انقلاب تا به امروز دستخوش توطئه‌های دشمن بزرگ جهانی ما یعنی آمریکا و ایادی مزدورش در منطقه بوده است و از رسوایی شیطان بزرگ و ایادی ضدانقلاب داخلی‌اش همین بس که اولین‌بار منطقه‌ای را برای این‌گونه تهاجمات وحشیانه انتخاب کردند که مردم آن منطقه در طول سالیان سیاه اختناق رژیم گذشته از حداقل امکانات زندگی نیز

محروم بودند.

توطئه‌های آمریکا

رئیس‌جمهوری با تأکید بر اهمیت مسألهٔ امنیت و نقش سپاهیان اسلام در منطقه گفت:

– ما نسبت به آیندهٔ منطقهٔ شما خوشبین هستیم. امروز برادران شما در **ژاندارمری**، در **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** و در **ارتش جمهوری اسلامی** تمام تلاش و کوشش‌شان بر این است که **مسألهٔ اول منطقه یعنی امنیت روستاها و جاده‌ها و شهرها** را تأمین کنند و ان‌شاءالله در این امر نیز موفق خواهند شد. لکن آن چیزی که مهم است تا بدان توجه شود این است که بسی ساده‌انگاری است اگر ما تصور کنیم که چند نفر فریب‌خورده و وابسته مسئول تمام این توطئه‌ها هستند. البته آنان گناهکارند و در این شکی نیست که **رؤسای آنان از بارزترین مصادیق ائمهٔ کفر و سران مفسدی هستند که جمهوری اسلامی ایران آنها را به سزای نارواییهایشان خواهد رساند.**

لکن قضیه به این‌جا محدود نمی‌شود؛ بلکه **سررشتهٔ این ظلم‌ها، نارسایی‌ها و غوغاها در دست آمریکا و دشمنان جهانی این انقلاب است.**

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس با اشاره به قدرت و توان جمهوری اسلامی و نقش مردم در پی‌گیری آن، گفت:

– این ساده‌لوحان بی‌خرد تصور می‌کردند که به مجرد این‌که توطئه‌ای در گوشه‌ای در این خاک پهناور برپا کنند، جمهوری اسلامی ایران از حل و برخورد با آن عاجز خواهد ماند و آنان خواهند توانست نظام جمهوری اسلامی را ابتدا به زانو و سپس از پای درآورند. البته اینها در راه رسیدن به این تخیلات از همهٔ امکاناتی که می‌توانستند، بهره گرفتند؛ از گروهک‌های چپ و راست، از فئودال‌ها، از سلطنت‌طلب‌ها، از سرمایه‌داران وابسته، از ساواکی‌های فراری و از سرسپردگان رژیم منفور گذشته، لکن نکته‌ای که از نظر آنها مخفی بوده مانند بسیاری از حقایق عالم، این بود که **نظام جمهوری اسلامی، نظام وابسته به چند شخص و یک عده زمامدار نیست، بلکه متعلق به آحاد مردم است**؛ یعنی وابسته به همان کسانی که این نظام را ایجاد کردند. **این بی‌خردان هرگز مفهوم ایمان و معنای الهی و مردمی بودن را نمی‌دانستند و هنوز هم نمی‌دانند.** اینها امروز که تصورات واهی‌شان نقش برآب گردیده، بی‌رحمانه به آحاد مردم حمله می‌برند و روحانی و پاسدار، زن و مرد و کودک و پیر و جوان را از دم تیغ می‌گذرانند!

این حاکی از آن است که آنها به شعارهای اولیهٔ خود یعنی کُرد و ترک و طایفه‌دوستی

نیز مؤمن نبوده و نیستند و در واقع امروز تنها برای به ثمر رساندن اهداف سیاسی اربابانشان تلاش می‌کنند و بس.

رئیس‌جمهوری در ادامهٔ سخنان خود با تأکید بر اهمیت هرچه بیشتر هشیار بودن مردم و روحانیون منطقه گفت:

- اگرچه در رابطه با انقلاب اسلامی ایران امروز بر دهان آمریکا مشت محکمی خورده است، اما **بایستی از انواع توطئه‌های این شیطان بزرگ غافل نبود.**

اینها سعی می‌کنند با اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنّی، اقوام و طوایف و طرح این‌چنین مسائلی دل‌های مسلمین و مردم را نسبت به یکدیگر چرکین کنند و در راه رسیدن به آرمان حقیقی مردم مسلمان ایران که حاکمیت کامل احکام اسلامی است، ایجاد مانع نمایند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پایان با اشاره بر اهمیت یکپارچگی مسلمانان تحت لوای اسلام عزیز گفت:

- در سفر حج امسال مأموران حتی به ضرب‌وشتم حجاج ما نیز متوسل شدند و قادر نبودند فریاد **الله اکبر و مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکای حجاج ایرانی** را تحمل کنند.

مگر حجاج در مراسم حج چه کرده بودند؟

مگر گناه و جرم آنان چه بود که مورد ظلم قرار گرفتند؟

همین که حجاج ایرانی در قبال شعارهای اسلامی و الهی و در ضدیت با دشمنان اسلام و مسلمین مورد تهاجم قرار بگیرند، دلیلی بر حقانیت ما و دلیلی بر شکست دشمنان ماست.

ما از آن‌چه که برای ما پیش می‌آید و از حوادث گوناگون احساس خسارت نمی‌کنیم، بلکه **احساس می‌کنیم یک گام به طرف هدف نهایی که حاکمیت اسلام بزرگ است، پیش می‌رویم.**[1]

۱- روزنامهٔ کیهان، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۲۷ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفاع ما تا رفع تجاوز رژیم عراق ادامه دارد**

امضا: **وزیر امور خارجه، دکتر علی‌اکبر ولایتی**

دکتر ولایتی در دیدار با وزیر امور خارجهٔ سوئیس:

تا زمانی که نیروهای متجاوز عراق خاک کشور ما را در تصرف دارند،

به دفاع از خود ادامه خواهیم داد

آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجهٔ کشورمان که جهت شرکت در **سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد** عازم آمریکا هستند پیش از ظهر دیروز در سر راه خود در **سوئیس** با **آقای پیر اوبر عضو شورای فدرال و وزیر امور خارجهٔ این کشور** ملاقات نمود.

در این دیدار که مدت ۲ ساعت به طول انجامید، در مورد مسائل مورد علاقهٔ ۲ کشور و همچنین توسعهٔ روابط فی‌مابین و مبادلهٔ هیأت‌های اقتصادی بحث و تبادل نظر گردید.

آقای ولایتی در تشریح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت:

- برای سیاست خارجی ما بر اساس **اصل نه شرقی نه غربی** و داشتن روابط با کلیهٔ کشورهایی که با ما سر ستیز نداشته و قصد سلطه‌جویی ندارند، استوار می‌باشد.

وزیر امور خارجهٔ کشورمان ضمن بر شمردن **توطئه‌های شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار در مورد جنگ تحمیلی رژیم بعثی صهیونیستی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران** اعلام داشت:

- تا زمانی که نیروهای متجاوز عراق خاک کشور ما را در تصرف دارند و حقوق حقهٔ ما تأمین

نشود، ما به دفاع از خود ادامه خواهیم داد.

سپس آقای پیر اوبر ضمن ابراز خوشوقتی از این ملاقات و تأکید بر اهمیت آن بر **مواضع بی‌طرفی کامل سوئیس نسبت به ابرقدرت‌ها** تأکید نموده و آن را **مشابه مواضع نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی ایران** قلمداد نمود.

وزیر امور خارجهٔ سوئیس در مورد روابط ۲ جانبهٔ ایران و سوئیس اظهار امیدواری نمود که این روابط بیش از پیش توسعه یابد.

آقای پیر اوبر در این دیدار پیشنهاد نمود که یک هیأت اقتصادی عالی‌رتبه از مقامات دولتی و بخش خصوصی سوئیس جهت بررسی و توسعهٔ روابط اقتصادی بازرگانی بین ۲ کشور از جمهوری اسلامی ایران بازدید نماید که این پیشنهاد مورد موافقت وزیر امور خارجهٔ کشورمان قرار گرفت.

آقای علی‌اکبر ولایتی پس از این دیدار ساعت ۱۴/۳۰ دیروز به وقت محلی ژنو را به قصد نیویورک ترک گفت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۲۸ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار فرماندهٔ سپاه پاسداران از بندرعباس و بازدید از ناوگان خلیج فارس**

امضا:

بندرعباس، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

آقای محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش از ظهر دیروز وارد بندرعباس شد و مورد استقبال **آقای کهزادی استاندار استان هرمزگان – فرماندهٔ سپاه پاسداران بندرعباس– فرماندهان نظامی و انتظامی منطقه** و تنی چند از مقامات استان و برادران پاسدار قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی آقای رضائی و همراهان پس از ورود به بندرعباس جهت دیدار از نیروی دریایی و ناوگان خلیج فارس عازم این منطقه شدند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۲۹ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشریح نقش تیپ ۵۵ هوابرد شیراز در طول جنگ تحمیلی**

امضا: **فرماندهٔ تیپ ۵۵ هوابرد شیراز**

باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

فرماندهٔ تیپ ۵۵ هوابرد شیراز در یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی فعالیت‌ها و نقش این تیپ را در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تشریح کرد.

وی گفت:

– این تیپ مهرماه سال ۵۹ همزمان با شدت گرفتن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران وارد عملیات شد و تا کنون نقش بسیار قابل توجهی را در سرکوبی و بیرون راندن متجاوزین بعثی از خاک میهن اسلامی‌مان ایفا کرده است، به طوری که در ابتدای عملیات خود در جنوب کشور دشمن مزدور را که قصد تصرف سوسنگرد را داشت، تا دهلاویه حدود۲۲ کیلومتر به عقب راند و در عملیات فتح‌المبین با همکاری تیپ ۸۱ بسیج نجف، مقدمات تصرف منطقهٔ استراتژیکی و سوق‌الجیشی رقابیه را فراهم آورد.

وی افزود:

– در این عملیات هزاران نفر از مزدوران صدامی کشته و بیش از ۴۵۰۰ نفر نیز به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

وی افزود:



– در عملیات بیت‌المقدس نیز این تیپ اولین تیپی بود که با همکاری تیپ ۲۵ کربلا تا ۲ کیلومتری جادهٔ شلمچه خرمشهر پیشروی کرد و با همکاری دیگر نیروهای رزمنده باعث آزادسازی خرمشهر شد.

فرماندهٔ تیپ ۵۵ هـوابرد سپس نقش تیپ مذکور را در عملیات مسلم‌بن عقیل ستود و اظهار داشت:

– در این عملیات **نیروهای تیپ ۵۵ هوابرد با هماهنگی و همکاری برادران تیپ محمد رسول‌الله(ص) به طور برق‌آسا از انواع موانع دشمن از قبیل سیم‌خاردار، میادین مین و شبکه‌های تی‌ان‌تی عبور کردند و در مدت زمان کوتاه ضمن وارد آوردن تلفات و ضایعات قابل ملاحظه‌ای به دشمن زبون و با بیرون راندن متجاوزین صدامی، تعدادی از پاسگاه‌ها و تپه‌های استراتژیکی و بیش از ۱۵ کیلومتر از خاک میهن اسلامی‌مان را آزاد ساختند** و هم‌اکنون نیروهای این تیپ با اعتقاد کامل به اسلام و با روحیه‌ای بسیار عالی در تپه‌ها و ارتفاعات مشرف به شهر مندلی مستقر هستند و کوچک‌ترین امکان ضدحمله به دشمن را نمی‌دهند.

فرماندهٔ تیپ مذکور افزود:

– ما بر خلاف تبلیغات سوء صدام تکریتی تا کنون حتی یک گلوله هم به داخل شهر شلیک نکرده‌ایم و نیروهای ما منتظر فرمان امام هستند تا وارد شهر شوند.

وی در این مصاحبه انهدام بیش از ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۵۰ دستگاه خودروی نظامی، به هلاکت رساندن بیش از ۲۰۰۰ نفر از مزدوران صدامی و به غنیمت گرفتن تعداد ۲۰ قبضه تفنگ ۵۷، ۶۰ دستگاه تانک، تعدادی تفنگ ۱۰۶ و ۷۵ میلی‌متری و تعدادی دوشکا را از دیگر فعالیت‌های تیپ ۵۵ هوابرد توصیف کرد.

وی در پایان **هماهنگی کامل بین برادران پاسدار و ارتشی** را از مهم‌ترین عوامل این پیروزی ذکر کرد و گفت:

– دشمن زبون از پیروزی سپاهیان اسلام در عملیات مسلم‌بن عقیل به وحشت افتاده و تا کنون ضربات و ضایعات قابل توجهی را متحمل شده است و اقدام به چند پاتک مذبوحانه کرده، که در هر بار با قدرت برادران رزمنده دفع شده و با سرعت اقدام به عقب‌نشینی کرده است.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۰ تاریخ صدور: **۱۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ورود دکتر ولایتی به نیویورک برای اعلام مواضع کشورمان خصوصاً جنگ تحمیلی**

امضا:

آقای علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجهٔ کشورمان عصر دیروز جهت شرکت در سی و هفتمین اجلاس عمومی سالانهٔ سازمان ملل وارد نیویورک شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از نیویورک وزیر خارجهٔ کشورمان در این سفر قرار است **مواضع جمهوری اسلامی ایران را پیرامون مسائل سیاسی منطقه و جهان، به ویژه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان** را بیان کند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۱ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام مقرّ تجمع نیروهای دشمن در مهران و زرباتیهٔ عراق و وضعیت جبهه‌های جنوب و غرب کشور**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** حاکیست:

صبح دیروز با آتش دقیق واحد خمپاره‌انداز جان‌برکفان سپاه پاسداران در منطقهٔ مهران جمعاً بیش از ۱۲ سنگر و مقر گروهی قوای متجاوز بعثی هدف واقع و کاملاً منهدم شد.

در جریان این عملیات علاوه بر نابودی ۱ سنگر سلاح سنگین دشمن ۲۵ تن از نفرات قوای کفر کشته و یا زخمی شدند.

ایلام:

با آتش هماهنگ توپخانه و کاتیوشای رزمندگان اسلام طی ۲۴ ساعت اخیر بر روی مواضع و استحکامات نیروهای بعثی در زرباطیهٔ عراق ۱ انبار مهمات، ۲ دستگاه خودرو حامل مهمات و تعدادی سنگر گروهی دشمن با نفرات آن منهدم و به آتش کشیده شد.

طی همین مدت با آتش شدید ضدآتشبار رزمندگان اسلام بر روی مواضع توپخانهٔ دشمن در منطقهٔ میمک ضمن انهدام ۱ قبضه توپ دشمن از فعالیت آتشبارهای نیروهای عراقی در این منطقه ممانعت به عمل آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۲ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اوضاع نبرد در غرب کشور**

امضا:

روز گذشته با اجرای آتش دقیق و به موقع رزمندگان پرتوان اسلام در جبههٔ سومار بر روی مواضع دشمن ۱۳ دستگاه تانک، ۲ انبار مهمات، ۱ قبضه کاتیوشای نیروهای بعثی منهدم شد و بیش از ۲۰ تن از آنان به هلاکت رسیدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، طی ۲۴ ساعت گذشته در سایر جبهه‌های غرب کشور نیز تبادل آتش ادامه داشت و با اجرای آتش رزمندگان اسلام بر روی مواضع، تجهیزات و استحکامات قوای زبون صدام، خسارات و ضایعاتی به دشمن وارد آمد و شماری از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند.

بر اساس این گزارش، طی شبانه‌روز گذشته بر اثر اجرای آتش توپخانهٔ رزمندگان اسلام بر روی مواضع دشمن در منطقهٔ پنجوین، ۲ تن از مزدوران بعثی به هلاکت رسیدند و در منطقهٔ چهارباغ عراق، ۱ افسر و ۱۱ سرباز بعثی کشته شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۳ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **وضعیت جبهه‌های جنوب و آبادان**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

تبادل آتش توپخانه طی شبانه‌روز گذشته میان نیروهای اسلام و متجاوزین بعثی صهیونیستی عراق در جبهه‌های کوشک، شرق بصره، شلمچه و ۲ سوی اروندرود، با برتری کامل آتش نیروهای اسلام ادامه داشت.

با آتش نیروهای اسلام در منطقهٔ عملیاتی رمضان، ۱ دستگاه خودرو حامل نفرات و ۲ سنگر اجتماعی صدامیان منهدم شد و شماری از قوای صدامی به هلاکت رسیدند.

جان‌برکفان نیروی دریایی ضمن اجرای آتش برروی مواضع صدامیان در آن سوی اروندرود از تردد خودروها و واحدهای زرهی آنان در جادهٔ فاو - بصره جلوگیری به عمل آمد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز، تبادل آتش توپخانه طی شبانه‌روز گذشته میان نیروهای اسلام و متجاوزین بعثی صهیونیستی عراق در جبهه‌های کوشک، شرق بصره، شلمچه و ۲ سوی اروندرود با برتری کامل آتش نیروهای اسلام ادامه داشت.

آبادان، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

با آتش پاسداران جان‌برکف کمیته‌های انقلاب اسلامی آبادان و حومه بر روی مواضع

بعثیون در حوالی سیبه در آن سوی اروندرود و در خاک عراق طی شبانه‌روز گذشته ۲سنگر دیدبانی،۲سنگر اجتماعی و۲ سنگر انفرادی منهدم شد و حداقل ۱۱ تن از صدامیان به هلاکت رسیدند.

طی این مدت با آتش سلحشوران ژاندارمری بر روی مواضع دشمن در آن سوی اروندرود، شماری از متجاوزین بعثی کشته و مجروح شده و ۱ بـرج دیده‌بانی و چند سنگـر اجتماعی و انفرادی دشمن نابود شد.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۴ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **وضعیت جبهه‌های جنوب**

امضا:

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

تبادل آتش توپخانه طی ۲ شبانه‌روز گذشته میان نیروهای اسلام و متجاوزین بعثی صهیونیستی عراق در **جبهه‌های کوشک، شرق بصره، شلمچه و ۲ سوی اروندرود** با برتری کامل آتش نیروهای اسلام ادامه داشت.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکی است:

با آتش نیروهای اسلام در منطقهٔ عملیاتی رمضان ۱ دستگاه خودرو حامل نفرات و ۲ سنگر اجتماعی صدامیان منهدم و شماری از قوای صدامی به هلاکت رسیدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۵ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شکار ۱ هواپیمای جنگی و ۳ تانک عراق توسط خلبانان قدرتمند اسلام**

امضا:

سرویس جنگ:

توسط خلبانان قدرتمند و دلیر و چریک‌های جان برکف لشگر اسلام ۱ هواپیما و۳ تانک دشمن در جبهۀ غرب منهدم و نابود شد.

به گزارش رسیده در ساعت ۱۷/۱۰ دقیقۀ روز گذشته ۱ هواپیمای مهاجم عراقی در منطقۀ غرب کشور هدف آتش جنگنده‌های ارتش اسلام قرار گرفت و در خاک عراق سرنگون شد.

همچنین شکارچیان تانک در منطقۀ عملیاتی مسلم‌بن عقیل با نفوذ به مواضع دشمن ۳ تانک صدامیان را به آتش کشیدند.

بر پایۀ یک گزارش دیگر در ۲ روز گذشته با اجرای آتش دقیق و به موقع رزمندگان پرتوان اسلام در جبهۀ سومار بر روی مواضع دشمن ۱۳ دستگاه تانک، ۲ انبار مهمات، ۱ قبضه کاتیوشای نیروهای بعثی منهدم و بیش از ۲۰ تن از آنان به هلاکت رسیدند.

بنا به این گزارش طی ۲ شب و روز گذشته در سایر جبهه‌های غرب کشور نیز تبادل آتش ادامه داشت و با اجرای آتش رزمندگان اسلام بر روی مواضع، تجهیزات و استحکامات قوای زبون صدام، خسارات و ضایعاتی به دشمن وارد آمد و شماری از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند.

در همین مدت بر اثر اجرای آتش توپخانهٔ رزمندگان اسلام بر روی مواضع دشمن در منطقهٔ پنجوین ۲ تن از مزدوران بعثی به هلاکت رسیدند و در منطقهٔ چهارباغ عراق ۱ افسر و ۱۱ سرباز بعثی کشته شدند.

به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی از ایلام با آتش شدید و کوبندهٔ خمپاره‌اندازهای جان بر کفان سپاه پاسداران بر روی مواضع و استحکامات دشمن در منطقهٔ مهران ۷ سنگر اجتماعی، ۴ سنگر انفرادی و ۱ سنگر سلاح کالیبر ۷۵ متجاوزین منهدم و بیش از ۲۵ صدامی کشته و زخمی شدند.

بر اساس این گـزارش تبادل آتش توپخـانه با برتری آتش رزمندگان اسلام در جبهه‌های مهران و میمک همچنان ادامه دارد.

از سوی دیگر با آتش هماهنگ توپخانه و کاتیوشای رزمندگان اسلام طی ۲۴ ساعت گذشته بر روی مواضع و استحکامات نیروهای بعثی در زرباطیهٔ عراق ۱ انبار مهمات، ۲دستگاه خودرو حامل مهمات و تعدادی سنگر گروهی دشمن با نفرات آن منهدم و به آتش کشیده شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۶ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مهار حریق چند واحد مسکونی در آبادان**

امضا:

آبادان، واحد مرکزی خبر:

به گزارش واحد مرکزی خبر از آبادان طی ۲ شب و روز گذشته شهر مقاوم آبادان هدف سلاح‌های سنگین و دوربرد دشمن بعثی صهیونیستی قرار گرفت که در نتیجه ۲ واحد مسکونی تخریب و چند واحد مسکونی نیز دچار حریق شد که با کوشش مأموران آتش‌نشانی، آتش‌سوزی مهار گردید.

بنا به همین گزارش در همین مدت رزمندگان اسلام با اجرای آتش بر روی مواضع و استحکامات دشمن در آن سوی اروندرود و جادهٔ تدارکاتی فاو - بصره و سیبه – سیحان ضمن جلوگیری از رفت‌وآمد خودروها و نفرات دشمن و به هلاکت رساندن ۱۲ نفر از نیروهای بعثی و مجروح کردن بیش از ۵ نفر دیگر، محل تجمع و ۱برج دیده‌بانی را نیز منهدم کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: **۱۳۷** تاریخ صدور: **۱۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی ۱۶ مسلمان عراقی**

امضا: **ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه به خبرنگار ما اعلام کرد:

طی هفتهٔ گذشته ۱۶ نفر از مسلمانان عراقی که از ظلم و جور رژیم منفور صدامی به تنگ آمده بودند، از طریق مرز جمهوری اسلامی وارد ایران شده و خود را به نیروهای اسلام مستقر در سردشت معرفی و تقاضای پناهندگی نمودند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۳۸ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری ۲۸۳ منافق در تهران**

امضا: **سخنگوی روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب اسلامی**

سرویس خبری:

برادران پاسدار همیشه بیدار کمیته‌های انقلاب اسلامی تهران با **کشف و انهدام ۱۳ لانهٔ فساد تیمی و همچنین بیش از ۲۰ درگیری خیابانی** موفق شدند ۳۱۱ **تن از منافقین را به هلاکت رسانده و یا دستگیر نمایند.**

سخنگوی روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب اسلامی در گفتگو با خبرنگار ما ضمن اعلام این مطلب جزییات عملیات فوق را در اطلاعیه‌ای که به همین منظور انتشار داد، فاش ساخت.

به گزارش خبرنگار ما در این اطلاعیه آمده است:

در این مرحلهٔ حساس زمانی که نبرد میان ۲ جبههٔ اسلام و کفر به لحظات سرنوشت‌ساز خود رسیده است و هر آن وعدهٔ الهی «إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُم»[1] نسبت به حاکمیت مستضعفین و متقین تحقق می‌یابد، شیطان‌صفتان منافق و دیگر مزدوران شرق و غرب ضربه‌های سنگرنشینان جبهه‌های حق علیه باطل را به اربابانشان را با انفجار در مراکز مستضعف‌نشین به امت بدون سنگر حزب‌الله درصدد جبرانند. اما **این کوردلان شب‌پرست بدانند که پاسداران و نگهبانان انقلاب**

۱- سورهٔ محمد، آیهٔ ۷

خونین اسلامی در داخل مرزها یکی پس از دیگری باقی‌ماندهٔ خانه‌های فساد تیمی آنان را تسخیر نموده و با دستگیری آخرین نفر آنان زوزه‌های محتضرانهٔ این سیه‌دلان را در گلو خفه می‌سازند.

بدین‌وسیله بخشی از عملکرد ۱ ماه اخیر پاسداران فداکار و ازجان‌گذشته کمیته‌های انقلاب اسلامی تهران در مبارزه با منافقین بدتر از کفار و دیگر گروه‌های الحادی را به اطلاع امت قهرمان و شهیدپرور ایران می‌رسانیم.

الف- در جریان کشف و انهدام ۱۳ لانهٔ فساد تیمی منافقین، پاسداران موفق گردیدند تعداد ۲۲ تن از کادرهای بالا و اعضای فعال این سازمان را دستگیر نموده و تعداد ۱۲ تن دیگر این مزدوران در درگیری با برادران پاسدار به هلاکت رسیدند.

در بازرسی از این خانه‌های تیمی ده‌ها قبضه اسلحه از انواع تیربار ژ۳، یوزی، کلت کمری از انواع مختلف، صدها فشنگ مربوط و همچنین چندین عدد بی‌سیم، رادیوهای بی‌سیم‌دار، بمب دست‌ساز قوی، نارنجک جنگی، مواد منفجره و مقادیری مدارک و اسناد مهم درون‌سازمانی به دست ایثارگران پاسدار افتاد.

ب- در جریان ۲۰ درگیری خیابانی که بین پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی از یک طرف و منافقین آمریکا از سوی دیگر صورت گرفت، ۱۶ تن از منافقین به هلاکت رسیده و ۲۱ تن دیگر دستگیر گردیدند.

همچنین از این مزدوران چندین قبضه اسلحه از انواع مختلف ژ۳، یوزی، کلت کمری، نارنجک جنگی، کپسول‌های سیانور و مقادیری اسناد و مدارک مهم درون‌گروهی به دست آمد. (مشروح عملیات درگیری‌های خیابانی در ادامهٔ این گزارش خواهد آمد.)

لازم به توضیح است که اکثر این درگیری‌ها در حالی صورت گرفته که منافقین در حین اعمال فاشیستی و ضدانقلابی، ترور و سرقت مسلحانه بوده‌اند که با هشیاری امت حزب‌الله و اطلاع یافتن پاسداران جان‌برکف کمیته‌ها و حضور آنان در محل حادثه، خنثی گردیده است.

ج - در پی‌گیری‌ها و تعقیب و مراقبت‌های برادران پاسدار در واحدهای گشتی کمیته‌های ۱۴گانهٔ مناطق و کمیته‌های مستقر در کلانتری‌های تهران بیش از ۲۴۰ نفر از کادرهای بالا و اعضای مهم گروهک آمریکایی منافقین و گروهک ملحد فداییان اقلیت و دیگر گروهک‌های ضداسلامی دستگیر گردیدند که از آنان مقادیر متنابهی اسلحه و مهمات و کپسول‌های سیانور و مدارک مهم درون‌سازمانی که دال بر فعالیت این جانیان جهت ترور افراد بی‌دفاع و سرقت مسلحانه می‌باشد، به دست آمد.

لازم به توضیح است که مدارک به دست آمده حاکی از شرکت فعال اکثر دستگیرشدگان

و یا معدومین در چندین ترور افراد بی‌دفاع و همچنین شرکت در اعمال ضدانقلابی علیه نظام جمهوری اسلامی می‌باشد.

همچنین ۵ تن از افراد دستگیرشده عاملین شکنجهٔ ۳ تن از پاسداران کمیتهٔ انقلاب اسلامی می‌باشند که تمامی دستگیرشدگان جهت اجرای عدالت تحویل مراجع صلاحیت‌دار گردیدند.

در خاتمه با تشکر از همکاری و زحمات صمیمانهٔ برادران دادستانی یادآور می‌شویم:

پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی کمافی‌السابق در اجرای وظایف اسلامی خود جهت حفظ حریم اسلام و مسلمین ایثارگرانه به مصاف سردمداران کفر و نفاق شتافته و تا نابودی کامل ایادی داخلی ابرقدرت‌ها از پای نخواهند نشست.

روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب اسلامی

جزییات عملیات

به دنبال صدور اطلاعیهٔ فوق خبرنگار سرویس خبری «جمهوری اسلامی» جزییات عملیات را از **سخنگوی کمیتهٔ مرکزی** جویا شد.

این سخنگو درگیری‌های مذکور را فهرست‌وار به شرح زیر اعلام کرد:

- در خیابان گاندی ۱ منافق در یک زد وخورد متقابل با پاسداران مجروح و دستگیر شد.

- ۱ منافق مسلح که در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران قصد پرتاب نارنجک به طرف پاسداران کمیته را داشت، قبل از پرتاب به ضرب گلولهٔ پاسداران از پای درآمد و در نتیجهٔ انفجار نارنجک در دستش، تکه‌تکه شد.

- ۲منافق که قصد ترور یکی از معاونین وزارت بازرگانی را داشتند، قبل از موفقیت در انجام عمل شوم خود با پاسداران کمیته درگیر شدند، که در نتیجه یکی از آنان در دم به هلاکت رسید و دیگری که قرص سیانور خورده بود، به بیمارستان انتقال یافت.

در این درگیری مقادیری اسلحه و مهمات از آنان کشف شد.

- ۴ منافق که با استفاده از یک اتومبیل پیکان سرقتی از دست پاسداران کمیته‌ها می‌گریختند، در جریان یک تیراندازی متقابل از داخل اتومبیل، ۲ تن از آنان مجروح شدند؛ اما به دلیل آن‌که رانندهٔ آنان جان سالم به‌در برده بود، موفق به فرار شدند. بر اثر شلیک گلولهٔ منافقین ۱ عابر نیز مجروح شد.

- ۱ منافق در خیابان مولوی که مورد شک پاسداران کمیتهٔ محلی واقع شده بود، قصد

تیراندازی به طرف برادران پاسدار را داشت؛ اما قبل از هر گونه اقدامی دستگیر شد و از وی ۱ کلت کالیبر ۳۸، ۳۵ تیر فشنگ، ۱۸۰۰۰ تومان پول نقد و تعدادی مدارک سازمانی به دست آمد.

– ۱ منافق در خیابان سهروردی هنگامی که قصد پرتاب نارنجک به طرف پاسداران گشت کمیته را داشت، با تیراندازی متقابل پاسداران به هلاکت رسید و انفجار نارنجک وی نیز بدنش را قطعه‌قطعه کرد.

– ۲منافق دختر و پسر که با دیدن پاسداران کمیته اقدام به خوردن سیانور کرده بودند، دستگیر شدند و به بیمارستان انتقال یافتند. حال هر دو آنها رو به بهبود است و از آنان مراقبت می‌شود.

– ۲ منافق مسلح پس از آن‌که در خیابان آزادی، خیابان نورافشان یک مغازه‌دار به نام علی غیاثوند را به شهادت رساندند، تحت تعقیب پاسداران کمیته‌های محلی قرار گرفتند و در جریان یک زدوخورد متقابل که در تقاطع «پپسی‌کولا – آزادی» اتفاق افتاد، یکی از آنان به هلاکت رسید و دیگری دستگیر شد.

– ۱ منافق که اتومبیل پیکان حامل مقادیر زیادی اسلحهٔ ژ۳ و یوزی و بمب‌های دست‌ساز را از داخل یک پارکینگ در خیابان نظام‌آباد خارج می‌کرد، مورد ظن پاسداران کمیته‌های محلی قرار گرفت و در جریان یک درگیری که به همین خاطر روی داد، منافق مزبور کشته شد و اتومبیل حامل اسلحه و مهمات توقیف گردید.

– در جریان ۲ درگیری خیابانی که بین ۲ منافق و گروهی از پاسداران گشتی کمیته اتفاق افتاد، یکی از منافقین در دم و دیگری در حال فرار به هلاکت رسیدند.

– ۱ منافق که با استفاده از ۱ دستگاه موتورسیکلت هندا قرمزرنگ ۱۲۵ موفق شده بود یکی از سرنشینان حزب‌اللهی یک اتومبیل را مجروح کند، بی‌درنگ به محاصرهٔ پاسداران کمیته و مردم محل درآمده و دستگیر شد.

– ۲منافق که در خیابان ۱۷شهریور علیه نظام جمهوری اسلامی شعار می‌دادند، تحت تعقیب پاسداران قرار گرفته و در یک تیراندازی متقابل یکی از آنان کشته و دیگری همراه با مقادیری اسلحه و مهمات دستگیر شد.

– در یک درگیری خیابانی که بین ۲ منافق مسلح و پاسداران کمیته در خیابان جهان‌پناه اتفاق افتاد، ۱ پاسدار مجروح، ۱ منافق هلاک و منافق دیگر مجروح و دستگیر شد.

– ۳منافق مسلح که با یکی از واحدهای مستقر در خیابان زرین درگیر شده بودند، تحت

تعقیب قرار گرفتند و در میدان ابن‌سینا هر ۳ تن دستگیر شدند.

منافقین مزبور در این عملیات از ۱ اتومبیل پژو سرقتی کمک گرفته بودند که این اتومبیل نیز پس از دستگیری آنان توقیف گردید.

– ۲منافق که با معرفی خود به صاحب ۱ مغازهٔ لوازم خانگی در خیابان قزوین و با تهدید وی تقاضای ۱۰۰۰۰ تومان وجه نقد کرده بودند، با دیدن یکی از واحدهای گشتی کمیته که از خیابان مذکور عبور می‌کرد، از محل دور شدند؛ اما با کمک و راهنمایی صاحب مغازه تحت تعقیب قرار گرفتند و در انتهای خیابان در یک درگیری هر ۲ نفر به هلاکت رسیدند.

– در خیابان آزادی مقابل دانشگاه صنعتی شریف ۱ منافق مسلح که تحت تعقیب پاسداران کمیته‌ها بود، با خوردن سیانور اقدام به خودکشی کرد؛ اما به کمک برادران پاسدار به بیمارستان منتقل شد و از مرگ نجات یافت.

– ۱ منافق مسلح که تحت تعقیب پاسداران بود، با استفاده از موتور هندا ۱۲۵ به یکی از خانه‌های واقع در خیابان شکوفه پناهنده شد؛ اما لحظه‌ای بعد با محاصرهٔ خانهٔ فوق توسط پاسداران دستگیر گردید.

– ۵ منافق که در ۳ نقطهٔ تهران پس از درگیری با پاسداران اقدام به خوردن قرص سیانور کرده بودند، دستگیر شدند.

از این عده ۱ نفر عضو کادر درجهٔ بالای سازمان منافقین می‌باشد که نامش فاش نشده است.

– پاسداران کمیتهٔ منطقه ۲ تهران موفق شدند از داخل یک اتومبیل مشکوک ۶ کیلو طلا را کشف نمایند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: **۱۳۹** تاریخ صدور: **۱۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازدید امام جمعه و استاندار بابل از سوسنگرد و مناطق جنگی**

امضا:

بابل، خبرنگار جمهوری اسلامی:

حجت‌الاسلام هادی روحانی نماینـدۀ امام در استان مازندران و امام جمعۀ بابل به اتفاق آقای مجدآرا استاندار مازندران جهت بازدید از پیشرفت‌های عمرانی و بازسازی شهر سوسنگرد به این شهر سفر کرده بود، به بابل بازگشت.

حجت‌الاسلام روحانی ضمن دیدار از شهر سوسنگرد و مناطق جنگی جنوب کشور در مراسم بازگشایی خط راه‌آهن اهواز - خرمشهر که پس از چند ماه توسط کارگران و مهندسین ایرانی بازسازی شده بود نیز شرکت و از زحمات آنان تشکر و قدردانی نمود.[1]

۱- روزنامۀ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۰ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کشف چند لانهٔ تیمی و دستگیری منافقین در فارس و بوشهر و خنثی شدن طرح ترور بیش از ۷۰ تن از افراد حزب‌اللهی**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ کشور**

شیراز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

با کوشش و تلاش **برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ کشور** و همیاری سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی طی ۱ ماه گذشته با کشف لانه‌های فساد تیمی سازمان آمریکایی منافقین در استان فارس و بوشهر طرح خائنانهٔ ترور بیش از ۷۰ تن از افراد حزب‌اللهی کشف و خنثی شد و با دستگیری و به هلاکت رسیدن تعدادی از کادرهای فعال منافقین ضدخلق و کشف مقادیری اسلحه و مهمات، ضربات کوبنده و مهلکی بر پیکر پوسیده و عنکبوتی بخش‌های نظامی و اجتماعی منافقین منحط وارد آمد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ کشور ضربات وارده بر پیکر فرسودهٔ تشکیلات عنکبوتی منافقین را به شرح زیر اعلام کرد:

دستگیری افراد ذیل:

- حسین عراقی با نام مستعار نادر معاون اجرایی و فرد دوم تشکیلات منحط منافقین در شیراز.
- مهرداد رجائی با نام‌های مستعار اسماعیل و جلال با سمت‌های مختلف من‌جمله مسئولیت

انجمن دانشجویان دانشگاه شیراز، مسئولیت بخش شهرستان و تبلیغات و نیز مسئول بخش نظامی و امنیت تشکیلات منافقین در شیراز. نامبرده عضو مرکزیت و از افراد فعال و ردهٔ بالای سازمان بوده که از کلیهٔ عملیات و ترورهای انجام شده در شیراز به ویژه ترور شهید محراب آیت‌الله دستغیب و ترور شهید دکتر فقیهی اطلاع داشته است.

– اصغر ده‌یاری با نام مستعار تقی، عضو شورای مرکزی منافقین در استان بوشهر و شیراز رابط سازمان منافقین با اردوی خوانین و خسروخان قشقائی معدوم.

– مرتضی بابائی با نام مستعار فرشاد، عضو شورای مرکزی منافقین در منطقه و رابط دیگر سازمان با اردوی خوانین.

– سید علی فصحیی با نام مستعار یحیی، عضو شورای نهاد اجتماعی.

– محمد کاظم بازیارپور با نام مستعار ارژنگ که مسئولیت‌های مالی، اتاق جعل و ارتش را در مقاطع گوناگون به عهده داشته و مدتی نیز مسئول تشکیلات پوسیدهٔ منافقین در بوشهر بوده است.

– محمدهادی سرائی، با نام مستعار فواد، مسئول ۲ تیم نظامی.

– غلام خوشبوئی با نام مستعار سیروس، مسئول ۱ تیم نظامی که در ترور برادران لیموئی و شقاقیان و حمله به مینی‌بوس سپاه نیز شرکت داشته است.

– احمد قائمی به نام مستعار شهباز، مسئول نظامی تشکیلات منافقین در بوشهر که به هنگام کشف ۱ لانهٔ تیمی همراه همسرش مینا طالب‌پور به هلاکت رسید.

– بهادر قلی‌پور با نام مستعار حاجی، عضو ۱ تیم نظامی که در سرقت بانک در محلهٔ ۷ تن که منجر به شهادت یکی از برادران پاسدار گردیده، دست داشت.

– بیژن زنگوئی با نام مستعار منوچهر، عضو ۱ تیم نظامی.

– کاظم عبادی با نام مستعار ناصر، مسئول چند تیم نظامی.

– مهناز طالب‌زاده با نام مستعار منیر و نسرین که از عناصر بالای بخش نهاد اجتماعی منافقین بوده.

– فاطمه چیان با نام‌های مستعار راضیه و ریحان از عناصر پایین مرکزیت بخش نهاد اجتماعی.

– همچنین چند تن از بانوان فریب‌خوردهٔ منافقین ضدخلق به اسامی: فریده پاک‌پرور، پروانه زارع، اعظم صیادی، لیلا عدل‌لو، خدیجه بازیار و مینا کلانتر.

همچنین طی این دستگیری‌ها طرح ترور بیش از ۷۰ نفر از افراد حزب‌الله کشف و خنثی

گردید و حدود ۲۰ قبضه ژ۳، ۲۰قبضه کلت، ۲۰عدد نارنجک جنگی و تعداد زیادی نارنجک دست‌ساز و حدود ۱۰۰ کارتن از کتاب‌های گمراه‌کنندهٔ منافقین، ۲ انبار بزرگ کاغذ و مقدار متنابهی پول نقد از این لانه‌های تیمی کشف شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۱ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعلام شرایط شرکت رزمندگان در امتحانات نهایی آبان‌ماه ۶۱**

امضا: **وزیر آموزش و پرورش**

سرویس خبری:

به منظور قدردانی از جان‌فشانی‌های رزمندگان عزیز جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به کلیهٔ دانش‌آموزان، هنرجویان و داوطلبان رزمندهٔ رشته‌های نظام جدید که نتوانسته‌اند در امتحانات سال تحصیلی ۶۱- ۶۰ شرکت نمایند و یا مردود شده‌اند، اجازه داده می‌شود که مجدداً در امتحانات یک نوبتی آبان‌ماه ۱۳۶۱ شرکت نمایند.

در بخشنامه‌ای که از سوی وزیر آموزش و پرورش انتشار یافته، آمده است:

الف: آن دسته از دانش‌آموزان، هنرجویان و داوطلبان رزمندهٔ رشته‌های نظام جدید که در سال تحصیلی ۶۱ – ۱۳۶۰ در امتحانات خرداد یا شهریور ماه ۱۳۶۱ شرکت کرده و مردود شده‌اند، استثنائاً در امتحانات یک نوبتی آبان‌ماه ۱۳۶۱ در دروسی که نمرهٔ قبولی کسب نکرده‌اند، مجدداً شرکت نمایند.

ب: آن عده از دانش‌آموزان، هنرجویان و داوطلبان رزمندهٔ رشته‌های نظام جدید که در هیچ یک از امتحانات خرداد و شهریورماه ۱۳۶۱ شرکت ننموده‌اند، در امتحانات آبان‌ماه ۱۳۶۱ شرکت خواهند نمود. در صورت تجدید شدن، امتحانات تجدیدی خود را در فرصت مناسبی دیگر که متعاقباً اعلام خواهد شد، می‌گذرانند.

تبصره: رزمندگانی که به دلیل حضور در جبهه و یا عدم آمادگی در امتحانات آبان‌ماه شرکت نمی‌کنند، می‌توانند در امتحانات بعدی که تاریخ آن بعداً اعلام خواهد شد، شرکت نمایند.

ملاحظات:

مفاد بند(الف): این بخشنامه شامل آن دسته از دانش‌آموزان، هنرجویان و داوطلبانی که بعد از امتحانات خرداد ۱۳۶۱ حداقل ۱ ماه در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور یافته‌اند نیز خواهد شد.

مفاد بند (ب): این بخشنامه شامل آن عده از دانش‌آموزان، هنرجویان و داوطلبانی می‌شود که از آغاز سال تحصیلی ۶۱ – ۱۳۶۰ تا ۱ هفته قبل از شروع امتحانات آبان‌ماه ۱۳۶۱، حداقل ۱ماه در جبهه‌های جنگ تحمیلی یا به مدت ۲ماه در رابطه با فعالیت‌های مستقیم و مستمر پشت جبهه شرکت کرده باشند و شرکت آنان در فعالیت‌های مذکور به تأیید **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** و ارتش جمهوری اسلامی، سازمان هلال احمر و یا جهاد سازندگی رسیده باشد.

کسانی که از اول سال ۶۱ تا پایان امتحانات شهریورماه ۱۳۶۱، یکی از بستگان نزدیک آنها (پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر) به شهادت رسیده است، در نتیجه نتوانسته‌اند در امتحانات یک یا چند درس شرکت نمایند یا شرکت کرده و بر اثر تألمات روحی نتوانسته‌اند نمرهٔ قابل قبول کسب نمایند، می‌توانند درس‌های مزبور را در آبان‌ماه ۱۳۶۱ امتحان دهند.

مدارس موظفند از قبول شدگان آبان ماه ۱۳۶۱ با توجه به سایر مقررات ثبت‌نام نمایند.

بدیهی است این قبیل دانش‌آموزان از امتحان درس‌های نوبت اول معاف بوده و نمره‌های نوبت دوم این قبیل دانش‌آموزان به جای نوبت اول محسوب خواهد شد.

سؤال‌های امتحان، به صورت غیرمتمرکز با صواب‌دید وصلاحدید مدیران کل استان‌ها در مرکز استان‌ها طرح خواهد شد.

تذکر: نحوهٔ تنظیم لیست‌های قبول‌شدگان و کارنامه‌ها و دفاتر امتحانی متعاقباً طی دستورالعملی از طرف ادارهٔ کل امتحانات اعلام خواهد شد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۲ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **امتحان از دانش‌آموزان رزمنده در جبهه‌ها**

و ارتقای سلاح‌های معمول در انستیتوهای آموزش و پرورش شیراز با کمک سپاه

امضا: **مدیرکل آموزش و پرورش فارس**

شیراز، خبرنگار اطلاعات:

مدیرکل آموزش و پرورش فارس به همراه معاونان این ادارهٔ کل در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی شرکت کرد و با اشاره به دانش‌آموزانی که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به سر می‌برند، گفت:

– **رزمندگانی که ایثارگرانه در جبهه‌ها هستند، تا آبان‌ماه فرصت برای امتحان دادن دارند، ولی به درخواست یکی از شهرستان‌ها که تعداد زیادی دانش‌آموز در جبهه‌ها دارد، قرار است به زودی از دانش‌آموزان غیر از سال آخر دبیرستان، در خود جبهه‌ها امتحان به عمل آید.**

وی همچنین گفت:

– امسال بیش از ۶۵۰ هزار دانش‌آموز در فارس ثبت‌نام کرده‌اند که بیش از ۱۵۰ هزار تن دانش‌آموزان سال اول ابتدایی هستند.

معاون اداری آموزش و پرورش نیز اظهار داشت:

– در مدت ۳ سال بعد از انقلاب، آموزش و پرورش فارس ۵۰٪ نسبت به طول تاریخ آموزش و پرورش در رژیم گذشته مدرسه ساخته است و از لحاظ معلم نیز هیچ مشکلی نداریم و آمادهٔ اعزام معلم به استان‌های هم‌جوار هستیم.

معاون فنی و حرفه‌ای نیز در مورد بازگشایی انستیتوها گفت:

– انستیتوی شیراز به یک مجتمع خدماتی انستیتوهای شیراز تبدیل شده که از اول آبان ماه آینده بازگشایی خواهد شد.

وی افزود:

– به کمک سپـــاه پاســـداران سلاح‌های ام ۱ را تبدیل به تیربار کردیم و همچنین خشاب‌های ۲۰ فشنگی آنها را در هنرستان‌های شیراز ساخته‌ایم و وسیله‌ای به آن اضافه شده که آن را تبدیل به نارنجک‌انداز کرده است.[۱]

۱– روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: **۱۴۳** تاریخ صدور: **۱۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک مردم قائم‌شهر به جبهه‌ها**

امضا:

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جهاد مستقر در میدان طالقانی قائم‌شهر ۱ کامیون هدایا از قبیل برنج ۵۰ کیسه، گونی خالی ۳۰۰۰ عدد، مربا ۴۵۰ شیشه، پیاز ۲ کیسه، سیب‌زمینی ۱ کیسه و ۱ کیسه ارزاق عمومی و همچنین مبلغ ۴۰/۰۰۰ وجوه نقد جهت یاری رزمندگان به مناطق جنگی کشور ارسال گردید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۴ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهید حجت‌الاسلام حسن دارادوست در سمنان**

امضا:

سمنان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پریروز پیکر پاک و مطهر **شهید جاوید حجت‌الاسلام حسن دارادوست** که در غرب کشور به درجهٔ رفیع شهادت نایل گشته بود، با شرکت مردم قهرمان و شهیدپرور سمنان و با حضور **حجت‌الاسلام شاهچراغی امام جمعهٔ مهدی‌شهر و آقای شریف‌زاده معاون امور اداری و سیاسی استانداری** از مقر سپاه پاسداران تا ۳راه مهدی‌شهر تشییع و از آن‌جا به زادگاه شهید- مهدی‌شهر - انتقال یافته و در کنار تربت پاک سایر شهدا به خاک سپرده شد.

ضمناً عصر دیروز مجلس بزرگداشت شهید حجت‌الاسلام دارادوست در کنار مزار شهدای سمنان برگزار شد.

در این مراسم **حجت‌الاسلام علوی رئیس دادگاه خانواده** سخنرانی نمود.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۵ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تجلیل از شهدای عملیات مسلم‌بن عقیل در ایلام**

امضا:

ایلام، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت شهادت سرگرد خلبان یحیی شمشادیان و **برادر امیرخانی فرماندهٔ عملیات تیپ جوادالائمه و برادر نصیری فرماندهٔ گردان ولی‌الله از تیپ جوادالائمه(ع)** که در عملیات موفقیت‌آمیز مسلم‌بن عقیل شربت شهادت نوشیدند، بعد از ظهر دیروز مجلس بزرگداشتی از سوی امام جمعه و کلیهٔ نهادها و ارگان‌های انقلاب اسلامی استان ایلام در مسجد جامع این شهر برگزار شد.

در این مراسم که اقشار مختلف مردم و جمعی از روحانیون و اعضای نهادها و ارگان‌های انقلاب اسلامی شرکت داشتند، از مقام شهدای عملیات مسلم‌بن عقیل به خصوص این ۳شهید بزرگوار تجلیل به عمل آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۶ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسم رب الشهداء والصدیقین

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[۱]

(و هرگز مپندارید آنان‌که در راه خداکشته شدند، مرده‌اند؛

بلکه زنده می‌باشند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.)

این اخلاص و شهادت‌طلبی و ایثار برای خداست که به شما رزمندگان ارزش داده است.[۲]

(امام خمینی)

با یاد خدا در دل، عشق لقاء در سر و سلاح آتشین در کف، تکبیرگویان به قلب سپاه کفر زدند و با جهاد و شهادت، فتح بزرگ را به امام و امت هدیه کردند.

برادر شهید سیداحمد محمودی از خیل بی‌شمار فرزندان شهادت‌طلب امت مجاهد و شهید پرورمان بود که توفیق این را یافت که هر دو نیکویی فتح و شهادت را در آغوش کشد و پس از مدت‌ها انتظار به سوی معبود و معشوق پر کشید.

ضمن عرض تبریک و تسلیت شهادت پربرکت این پاسدار جان‌برکف را به پیشگاه امام

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

۲- صحیفهٔ امام، ج ۱۶، ص ۱۹۶- ۲۸ فروردین ۱۳۶۱/ ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲
شما این اخلاصتان و این شهادت‌طلبی و این ایثار برای خداست که ارزش به شما داده است.

زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و امت ایثارگر اسلام که در عملیات پیروزمند مسلم‌بن عقیل(ع) و با رمز «یا اباالفضل‌العباس(ع)» به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمد. به همین مناسبت مراسم شب هفت آن شهید عزیز روز دوشنبه ۶۱/۷/۱۹ از ساعت ۲ بعد از ظهر در بهشت زهرا برگزار می‌شود.

بسمه تعالی

لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّون[۱]

شهادت **برادر محمدجعفر احدی گرگانی** دانشجوی سال سوم دانشگاه پلی‌تکنیک که همزمان با پیروزی‌های بزرگ سپاه اسلام در عملیات مسلم‌بن عقیل به فیض شهادت نایل شد، به امام و امت شهیدپرور و به همکار محترم‌مان حاج محسن احدی پدر شهید عالی‌قدر تبریک و تسلیت می‌گوییم و مجلس ختم آن شهید روز دوشنبه ۱۳۶۱/۷/۱۹ از ساعت ۹/۵ الی ۱۱/۵ واقع در خیابان اکباتان منعقد است.

انجمن اسلامی و اتحادیهٔ صنف لوازم یدکی اتومبیل[۲]

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۹۲
هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آن‌چه دوست دارید انفاق کنید.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: **۱۴۷** تاریخ صدور: **۱۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تبیینی**

موضوع: **هدف از تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی چه بوده و مرکز آن کجاست؟**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

پاسخ سؤالات سیاسی شما؟

هدف از تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی چه بوده و مرکز آن کجاست؟

ج: اهم هدف‌های رسمی و اعلام‌شدهٔ سازمان کنفرانس اسلامی آن‌طور که در بیانیهٔ پایانی نخستین اجلاس سران کشورهای اسلامی آمده است، گسترش همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو، تحکیم همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عملی میان اعضا، سعی در محو استعمار در تمام اشکال آن، حمایت از مبارزات مردم فلسطین و کمک به آنان در اعادهٔ حقوق ازدست‌رفته‌شان و کمک به مبارزهٔ همهٔ مسلمانان جهان برای دفاع از استقلال و حقوق ملی خود می‌باشد. اما چنان‌که در پاسخ به سؤال دیگری در همین خصوص در شماره‌های آینده خواهیم آورد، **طی ۱۳ سالی که از تأسیس این سازمان می‌گذرد، در هیچ‌یک از هدف‌های فوق توفیقی نصیب سازمان مذکور نگردیده است و این به دلیل وابستگی‌های شدید کشورهای عضو به بلوک شرق و غرب و برداشت‌های متفاوت و گاه متضاد آنان از مفهوم واقعی اسلام و فاصلهٔ این کشورها از ملاک‌ها و معیارها و ارزش‌های اصیل اسلامی** می‌باشد.

تشکیلات اصلی کنفرانس علاوه بر کنفرانس سالانهٔ وزرای خارجهٔ دول عضو و کنفرانس سران که هر چند سال یک‌بار برگزار می‌گردد، دبیرخانه و ارگان‌های وابسته به آن می‌باشد.

مقر سازمان کنفرانس اسلامی در جده قرار دارد و ارگان‌های تخصصی وابسته به کنفرانس عبارتند از:

مرکز تحقیقات آماری، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی (در آنکارا) مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشورهای اسلامی (در داکا) و مرکز فرهنگی و اجتماعی کشورهای اسلامی (در استانبول)، تا سال ۱۹۸۰ دکتر کریم گامی از سنگال دبیرکلی کنفرانس اسلامی را بر عهده داشته و پس از خاتمهٔ دورهٔ دبیرکلی وی دول غیرعرب مسلمان کوشیدند دبیرکل جدید سازمان را از میان خود انتخاب نمایند تا از نفوذ کشورهای مرتجع عرب در داخل کنفرانس کاسته شود.

در این میان ایران از شانس خوبی برای معرفی کاندیدای دبیرکلی برخوردار بود. اما به علت عدم معرفی شخص واجد شرایطی از سوی ایران، پست دبیرکلی سازمان کنفرانس اسلامی نصیب تونس (حبیب شطی) گردید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۸ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سرمقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **تدابیر نابخردانهٔ حکام کویت در جنگ تحمیلی**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

حکام نادان

بسم الله الرحمن الرحیم

چند روز پیش در خبرها داشتیم که با رکود غیرمنتظره در بازار سهام کویت، خیل وسیعی از سرمایه‌داران کویتی با ورشکستگی روبه‌رو شده‌اند که در بین این ورشکستگان چند تن از دولتمردان و نمایندگان مجلس کویت نیز به چشم می‌خورند.

دولت کویت در پی این بحران اقتصادی دست به اعمال یک سری تدابیر اضطراری زده است، لکن با وجود اقدامات فوق‌العادهٔ اقتصادی و حتی ممنوعیت اعلام ورشکستگی بازاریان کویتی که دستور آن از سوی هیأت دولت کویت صادر شده است، می‌توان گفت که همهٔ این تلاش‌ها برای از میان بردن بحران مالی در بازار بورس این شیخ‌نشین بی‌ثمر مانده و این سیر نزولی که در حال حاضر به رقمی حدود ۱۰ میلیارد دینار معادل ۳۰۰ میلیارد ریال رسیده است، کماکان ادامه داشته و همه‌روزه صدها تن از مراجعین به بانک‌های کویت با در دست داشتن چک‌های بی‌محل در انتظار معجزه هستند.

در مورد علل این ورشکستگی بی‌سابقه، کارشناسان اقتصادی بر این عقیده‌اند که رکود بازار سهام کویت به دنبال افزایش بیش از اندازهٔ کمک‌های مالی و نظامی کویت به رژیم صدام عفلقی

پدید آمده است.

این‌که چرا باید دولت کویت این‌طور شتاب‌زده و نسنجیده بازار اقتصادی خود را به چنین آشفتگی مبتلا سازد، از **۲ جنبهٔ اساسی** قابل بررسی است:

۱- حکام کویت حتی قبل از آن‌که انقلاب عظیم اسلامی ایران به پیروزی برسد و از همان عنفوان مبارزهٔ امت مسلمان علیه طاغوت و کفر جهانی با عدم قبول اقامت امام در آن کشور خوف و بیم خودشان را از انقلاب اسلامی نشان دادند. البته این ترس هم بی‌مورد نبود، چرا که دیگر آن دسته از مردم کویت که فکر می‌کردند رژیم‌های شاهنشاهی جاودانه و ابدی هستند با مشاهدهٔ **سرنگونی رژیم شاهنشاهی آن هم از نوع ۲۵۰۰ ساله‌اش** دیگر باورشان می‌آمد که شاه هم می‌میرد و رژیم پادشاهی هم می‌تواند انهدام‌پذیر باشد.

مضافاً به این‌که دیگر **شیوخ و سلاطین حاشیهٔ خلیج فارس** نیز حالتی مشابه حکام کویت داشته و به دلیل وجود زمینهٔ مساعدی برای یک تحول اسلامی در این کشورها و خلاصه **ترس از ظهور احساسات نهفتهٔ مذهبی مسلمانان**، آنها را بر آن داشت که **نظام جمهوری اسلامی و اهداف عالیهٔ آن را مغایر با منافع و چپاولگری‌های خود تلقی کرده و به عبارت دیگر اشاعهٔ این نوع اسلام را تهدید بزرگی برای امنیت خود بدانند.**

ناگفته نماند که **همین بیم نیز باعث به وجود آمدن شورای کذایی "همکاری‌های خلیج فارس" با شرکت کشورهای: عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات عربی و عمان و به رهبری آمریکای جنایتکار در ۱ سال پیش شد.**

لذا در معرکهٔ حق و باطل و نبرد میان انقلاب اسلامی و رژیم صهیونیستی حاکم بر عراق طبیعی بود که **حکام مرتجع و سلاطین پوشالی عرب جانب صدام آمریکایی را گرفته** و برای سرنگونی این انقلاب و اسلام خطرناک! دست به دعا برداشته و از بذل مال و در اختیار گذاردن هر گونه امکانات نظامی و سیاسی به دشمن جمهوری اسلامی دریغ نورزند.

اگرچه کمک‌های محرمانهٔ این مرتجعین برآورد واقعی این کمک‌رسانی را ناممکن ساخته است، لکن به عنوان نمونه می‌توان از **کمک ۳۰ میلیارد دلاری مشترک عربستان و کویت** که تنها **تا پایان سال گذشته** به دنبال کاهش درآمد نفتی عراق صورت گرفته و همچنین از همکاری دولت کویت برای تسهیل در تردد وسایل نظامی یا در اختیار نهادن راه‌های زمینی این کشور به صدامیان مزدور یاد کرد.

۲- مسألهٔ دیگر **وجود پاره‌ای اختلافات کهنهٔ ارضی در منطقه** می‌باشد. سال‌های متمادی است که کویت و پادشاهی سعودی بر سر به رسمیت شناختن مرزهای مشترک خود با عراق

اختلاف دارند.

آمریکای جنایتکار با اظهار همه‌گونه پشتیبانی و وعده‌های رؤیایی و نشاندن صدام بازی خورده بر مسند قدرت منطقه توانست بعثیان فاشیست را علیه جمهوری اسلامی به حرکت درآورد.

به دنبال شعله‌ور شدن آتش جنگ، آمریکا در پی تلاش برای متحد کردن جبههٔ ضدانقلاب اسلامی از سرسپردگان خود در منطقه بهره جسته و سعی در حل اختلافات کشورهای وابسته نمود.

در این رابطه مدتی پس از آغاز جنگ و فرو ریختن خواب و خیال‌های سردار قادسیه!! و دفاع شجاعانهٔ رزمندگان اسلام، حکام سعودی به دستور ارباب بزرگشان علاوه بر تقویت بنیهٔ مالی رژیم بغداد به منظور جلب حمایت علنی دولت با رفت وآمدهای مکرر بین ریاض و کویت، همه‌گونه سعی و تلاش خودشان را برای نزدیک ساختن بغداد و کویت به کار بردند.

۳- از سوی دیگر **امپریالیسم خبری که همواره انقلاب اسلامی را به عنوان خطر عمده‌ای برای بقای کشورهای منطقه در بوق می‌کرد و می‌کند** به موازات آن‌که از جمهوری اسلامی یک غولی ساخته و جمهوری اسلامی را به عنوان یک کشور توسعه‌طلب و کشورگشا معرفی می‌کرد، از صدام یک موجود صلح‌طلب و بدون چشمداشت به خاک کشورهای همسایه ساخت و معالاسف این تبلیغات هماهنگ در دولت کویت که تا آن موقع موضع بی‌طرفی به سمت بغداد چرخش کرده و از آن زمان سیل کمک‌های مالی‌اش را با توجیه عربیت و همیشگی اعراب روانهٔ بغداد کرد.

۴- همچنین اظهارات وزیر امور خارجهٔ کویت که به دنبال شکست تلاش صدام جهت برپایی کنفرانس سران غیرمتعهدها در بغداد گفته است کویت در کنفرانس سران غیرمتعهد جز در بغداد شرکت نخواهد کرد، حاکی از حمایت سیاسی این کشور از غاصبان عراق می‌باشد.

به هر حال این انتخاب ناحق و عجولانهٔ کویت پیامدهای خوشایندی برای دولت کویت به بار نیاورده است و از قرار معلوم **فتح غرورآمیز خرمشهر توسط رزمندگان اسلام به نحو گسترده‌ای به روی بازار بورس کشورهای منطقه اثر گذاشته است** که در این میان سهم کویت بسیار فزون‌تر است؛ به طوری که **پس از تسخیر خرمشهر معاملات در بازار بورس این کشور در حدود ۴۰ درصد کاهش یافت.**

به دنبال این کاهش چشمگیر، ترس از ورشکستگی سرمایه‌داران کلان و روانه ساختن دلارهای نفتی به سوی بانک‌های عربی بر این آشفتگی بیشتر دامن زده است. به طوری که بنا به گفتهٔ ناظران عینی، سرمایه‌داران کویتی یا قبل از ورشکستگی پول‌های خود را به بانک‌های

اروپایی و آمریکایی سپرده‌اند و یا این‌که در تیمارستان‌های این کشور به علت بیماری روحی ناشی از ورشکستگی بستری شده‌اند.

در این زمینه می‌توان از **سرمایه‌داران معروفی چون جابرالصباح، شیخ علی صباح و حدار بوخامین که از کمک دهندگان به بعثیون عراق هستند**، نام برد که هم‌اکنون در بیمارستان صباح کویت در اثر بیماری روحی بستری می‌باشند.

ای کاش دولتمردان کویتی قبل از آن‌که در دام تبلیغات امپریالیستی بیفتند، کمی اندیشه روا می‌داشتند و:

- **اولاً** به مواضع جمهوری اسلامی که هر گونه کشورگشایی و چشمداشت به وجبی از خاک همسایگان را به شدت نفی می‌کند، توجه کرده؛

- و **ثانیاً** به خاطر می‌آوردند که در این جنگ تحمیلی کدام طرف، توسعه‌طلب و تجاوزگر بوده و به جای این‌که جمهوری اسلامی را که به قول امام می‌توانست برایشان رحمت باشد خطرناک بدانند، **ماهیت پلید صدام عفلقی و اهداف صهیونیستی‌اش** را درک می‌کردند و ای کاش حکام کویت قبل از فتح خرمشهر و فتوح ظفرمندانهٔ دیگر رزمندگان ایرانی، بیهوده فریب وعده و نویدهای توخالی را نمی‌خوردند و پیروزی حتمی!! بعثیان را باور نمی‌کردند و این‌گونه خود را در منجلاب علاج‌ناپذیر اقتصادی نمی‌افکندند.

به هر حال امید است که آشفته‌بازار کنونی کویت درس عبرتی باشد برای دیگر کشورهای منطقه که هرگز فریب تبلیغات دروغین ابرجنایتکاران جهانی را نخورند و توجه کنند که:

اگر قرار است با کسی دشمنی بورزند، آن دشمن نه جمهوری اسلامی، بلکه صهیونیسم بین‌المللی است و اگر خطری متوجه آنهاست، آن خطر نه انقلاب اسلامی، بلکه سبعیت استکبار جهانی است.

در یک جمع‌بندی، با توجه به این‌که حمایت‌های بی‌دریغ حکام کویت از عفلقی‌های بغداد حتی به مصلحت خود آنها هم نبوده است، باید گفت:

اینها حکام نادانی هستند؛ زیرا اگر ذره‌ای به مصالح خودشان می‌اندیشیدند، حاضر نمی‌شدند مزدوری برای آمریکا را به جایی برسانند که چشم و گوش بسته هر چه شیطان بزرگ فرمان بدهد، عمل کنند و لحظه‌ای به این نکته نیندیشند که:

- **سرانجام دود آتشی که آنها بر هیزمش می‌افزایند، به چشم خودشان خواهد رفت.**[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۴۹ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نظرات رهبران ۲ حزب پاکستان دربارهٔ ایران**

امضا: **ارشد چودری رهبر نهضت اعاده دموکراسی**

محمد یونس خان رئیس اطلاعاتی حزب تحریک استقلال پاکستان

ارشد چودری رهبر نهضت اعاده دموکراسی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران در اسلام‌آباد پاکستان گفت:

– برای اعادهٔ دموکراسی به صورت مسالمت‌آمیز کوشش می‌کند و احتیاجی به قدرت خارجی ندارد.

ارشد چودری گفت:

– در حالی‌که آمریکا از دموکراسی و حقوق بشر حرف می‌زند، اما با دیکتاتورهای جهان هم‌دست است.

وی افزود:

– آمریکا با حکومت دیکتاتوری شاه در ایران برای کوبیدن مردم آن کشور همکاری کرد، اما مردم ایران به رهبری امام خمینی مبارزه کردند و حکومت جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. **ولی اوضاع ایران برای آمریکا تجربه‌ای نشده و این کشور هنوز از دیکتاتورهای جهان پشتیبانی می‌کند.**

وی گفت:

– کشورهای جهان هنوز نتوانسته‌اند انقلاب اسلامی را بفهمند.

ارشد چودری در پایان گفت:

– ما مخالف کمونیسم و خواهان سیستم اسلامی هستیم.

محمد یونس خان رئیس اطلاعاتی حزب تحریک استقلال پاکستان طی یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در پیشاور گفت:

– به رغم این‌که برخی کشورهای سرسپردهٔ عرب در مورد آرمان فلسطین خیانت کردند، معهذا **اسرائیل باید نابود شود** و اگر انقلاب اسلامی به تمامی این کشورهای سرسپرده صادر شود، آن وقت می‌توان با کمک یکدیگر اشغالگران قدس را نابود کرد.

وی در این مصاحبه ضمن قدردانی از اعزام نیروهای جمهوری اسلامی به [لبنان]، همچنین گفت:

– انقلاب اسلامی ایران تنها امید مستضعفان جهان است،

و تنها کشوری که می‌تواند توطئه‌های آمریکا و شوروی در خاورمیانه را نابود کند،

ایران است؛

و ما خواستار صدور جهانی انقلاب اسلامی ایران بوده،

و برای طول عمر امام خمینی و نابودی ابرقدرت‌ها دعا می‌کنیم.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۵۰ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مسمومیت البکر توسط صدام**

امضا: **خبرگزاری سوریه**

خبرگزاری سوریه اعلام کرد:

البکر توسط صدام مسموم شده بود

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

گزارش‌های تأیید شده حاکیست که مرگ احمد حسن البکر رئیس‌جمهوری سابق عراق به صورت طبیعی صورت نگرفته، بلکه وی توسط صدام، جلاد عراق مسموم شده است.

خبرگزاری سوریه از بغداد به نقل از منابع این گزارش‌ها نوشت:

این موضوع در گفتگوهای ویژهٔ خانوادهٔ رئیس‌جمهوری سابق عراق با کسانی که برای تسلیت نزد آنها آمده بودند، فاش شده است.

فرزندان خانوادهٔ البکر گفتند:

– **صدام به دنبال شکست‌های اخیر در جنگ بازندهٔ خود علیه ۲ ملت عراق و ایران، به منظور بهبود اوضاع نابسامان خود دست به این اقدام زده است.**

آنها گفتند:

– **البکر مخالفت خود را با سیاستی که صدام آن را در پیش گرفت و عراق را به سوی ویرانی کشاند، ابراز داشته بود** و وی از محل تبعید خود درصدد تماس با جمعی از مخالفان رژیم صدام

برآمد و خطرهایی که بر اثر سیاست صدام اهالی شهر تکریت با آن مواجه هستند، به آنان گوشزد کرد.

محافل مطبوعاتی در بغداد اعلام کردند:

به دنبال نابودی البکر که به عنوان نیرومندترین جانشین صدام به شمار می‌رفت، صدام تصور می‌کند که اوضاع برای وی ایده‌آل شده است.

این محافل برکناری «صلاح عمرالعلی» نمایندهٔ دایمی رژیم عراق در سازمان ملل که از نزدیکان البکر به شمار می‌رود و اقدام صدام در قتل البکر را در ارتباط با هم می‌بینند.

در میان فضای متشنجی که رژیم صدام در آن به سر می‌برد، شایعه‌هایی مبنی بر قتل مدیرکل سازمان امنیت عراق بر سر زبان‌ها است و این در حالیست که ترور «فلیح حسن القاسم» عضو به اصطلاح شورای فرماندهی سابق رژیم عراق که با امضای حکم اعدام تعدادی از مردم عراق که در سال ۱۹۷۷ علیه رژیم صدام دست به تظاهرات زده بودند، محرز شده است.

گزارش‌های دیگری حاکیست:

در کشتارهای خونینی که توسط صدام علیه مقامات سابق رژیم بغداد صورت می‌گیرد، جسد «حسین سید جبر» رئیس اتحادیه‌های کشاورزی سابق عراق با آثار گلوله بر بدن وی بر روی آب‌های رود دجله پیدا شد.

صدام از سید جبر خواسته بود که به عنوان داوطلب در جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران شرکت کند، اما وی به علت پیری و ناتوانی در حمل سلاح مخالفت ورزید و این امر باعث خشم جلاد عراق شد و دستور ترور وحشیانهٔ وی را صادر کرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۵۱ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **یادداشت**

موضوع: **برقراری «روابط ویژه» اسرائیل با لبنان با فرمول جدید**

امضا: **رسانه‌های غربی و منطقه‌ای**

اسرائیل فرمول جدیدی برای برقراری «روابط ویژه» با لبنان ارایه داد

- به موجب این طرح، روابطی شبیه روابط اسرائیل با دربار ایران در زمان شاه معدوم در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی و نظامی بین ۲ رژیم برقرار خواهد شد.

خبرگزاری فرانسه از بیت‌المقدس گزارش داد:

وزارت خارجهٔ رژیم صهیونیستی یک سند کاری در رابطه با امکان برقراری «روابط ویژه» با لبنان تهیه کرده است و قرار است به اجلاس کابینهٔ رژیم صهیونیستی برای بررسی تسلیم شود.

رادیو ارتش صهیونیستی که این گزارش را به نقل از منابع مسئول منتشر کرده، افزود:

در این سند روابط در نظر گرفته شده تقریباً شبیه روابطی است که اسرائیل با دربار ایران در زمان شاه سابق داشت، یعنی روابط همه‌جانبه در پوشش روابط اقتصادی، روابط جهانگردی، نمایندگی دیپلماتیک غیر رسمی و همکاری در بعضی زمینه‌ها از جمله مسائل امنیتی. لکن این روابط در مراحل ابتدایی، شناسایی قانونی و پیمان صلح رسمی را شامل نمی‌شود و به صورت دیگر نوعی عادی‌شدن روابط بدون امضای پیمان صلح است.

این منابع گفتند:

خطوط اصلی این سند در اختیار فالانژهای لبنان قرار گرفته و آنان آن را قابل بررسی دانسته‌اند.

کابینهٔ رژیم صهیونیستی دیروز اعلام کرد:

پیش از خروج نیروهای این کشور از لبنان، تدابیر امنیتی ویژه‌ای باید در جنوب لبنان برقرار شود.

کابینهٔ رژیم صهیونیستی همچنین اعلام کرد:

چریک‌های فلسطینی مستقر در بقاع و بندر طرابلس در شمال لبنان باید پیش از عقب‌نشینی همزمان نیروهای سوریه و اسرائیل از لبنان خارج شوند.

کابینه در یک بیانیهٔ ۶ ماده‌ای همچنین خواستار استرداد تمام اسیران ارتش صهیونیستی و اجساد سربازان کشته شده در عملیات تجاوزکارانه در لبنان شد و افزود:

تا زمانی‌که این تقاضاها برآورده نشود، نیروهایش لبنان را ترک نخواهند کرد.

سخنگوی دولت صهیونیستی ضمن اعلام تصمیم‌های دیروز کابینه گفت:

- دولت بگین همچنین مایل است در مذاکرات مربوط به عقب‌نشینی نیروها از لبنان تسریع شود و از سرعت کنونی گفتگوها خشنود نیست![1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۵۲ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پیوستن فالانژها و نیروهای سعد حداد به ارتش لبنان**

امضا: **وزیر جنگ آمریکا**

وزیر جنگ آمریکا صریحاً اعلام کرد:

فالانژها و نیروهای سعد حداد رسماً به ارتش لبنان ملحق خواهند شد!

کاسپار واینبرگر وزیر جنگ آمریکا صریحاً اعلام کرد:

فالانژها و نیروهای سعد حداد برای تقویت بنیهٔ دفاعی ارتش لبنان رسماً به نیروهای ارتش ملحق خواهند شد!

خبرگزاری فرانسه از واشنگتن گزارش داد:

کاسپار واینبرگر وزیر جنگ آمریکا در واشنگتن گفت آمریکا نباید در هیچ نیروی جدید مداخله‌گر چندملیتی در جنوب لبنان شرکت کند.

وی طی مصاحبه‌ای با **صدای آمریکا** گفت:

- از آن‌جایی که آمریکا قبلاً با اعزام ۱۲۰۰ تفنگدار دریایی به بیروت مسئولیت خود را ایفا کرده است، بعضی کشورهای دیگر می‌بایست در چنین نیروی پاسدار صلحی شرکت نمایند و دنبالهٔ این برنامه را ادامه دهند.

واینبرگر برای سازماندهی مجدد ارتش لبنان به منظور اجرای مأموریت‌های جدید با سرعت هر چه بیشتر که باید با جذب ارتش‌های خصوصی و شبه‌نظامیان صورت گیرد، تأکید

ورزید و اظهار داشت:

– ارتش لبنان برای تقویت بنیهٔ دفاعی خود بایستی فالانژها و نیروهای سعدحداد را جذب کند.

وی گفت:

– مأموریت یک نیروی جدید چندملیتی در لبنان باید برای مدت زمان محدودی باشد، زیرا در درازمدت با واکنش‌هایی مواجه خواهد شد.

وزیر جنگ آمریکا با تأکید مجدد بر این‌که کشورش خواهان خروج سریع کلیهٔ نیروهای خارجی از لبنان می‌باشد، گفت که بیشتر از ۴۰ هزار سرباز سوری و ۲۷ هزار تا ۲۸ هزار اسرائیلی و گروه بزرگی از افراد مسلح سازمان آزادی‌بخش فلسطین در لبنان مستقر هستند.

حمله به مساجد

مطبوعات دیروز لبنان خاطرنشان ساختند:

فالانژها و ارتش لبنان در جریان عملیات دیروز و پریروز خود به برخی از اماکن مذهبی من‌جمله چندین مسجد حمله بردند.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت به نقل از مطبوعات لبنان گزارش داد:

روز شنبه افرادی از ارتش لبنان به مسجد مسلمانان واقع در منطقهٔ مصیطبه در غرب بیروت حمله برده و داخل آن شدند.

مطبوعات لبنان همچنین نوشتند:

فالانژها و سربازان ارتش لبنان در جریان حمله به مسجد دیگری موسوم به مسجد «عبادالرحمن» واقع در محلهٔ الزرعه در غرب بیروت لباس‌های موجود در مسجد متعلق به پیشاهنگان را ربودند.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامهٔ لبنانی السفیر حاکیست:

فالانژها و سربازان ارتش لبنان در جریان حمله به ۱ مسجد واقع در منطقهٔ البسطه التحتا در غرب بیروت ۱ روحانی را بازداشت کردند و تحقیقاتی برای شناسایی هویت وی در یک منطقهٔ مسیحی‌نشین در شرق بیروت به عمل آوردند.

آدم‌ربایی توسط فالانژها

روزنامهٔ کویتی الوطن طی گزارشی از بیروت به نقل از شاهدان عینی نوشت:

بیش از ۱۰۰ فالانژیست لبنانی طی یک یورش شبانه به دروزی‌های ساکن شهر «کفرمکه» در جنوب لبنان را محاصره نموده و خانه‌های آنها را با گلوله‌های آرپی‌جی منهدم کردند.

به گزارش **خبرگزاری قطر از کویت** این روزنامه افزود:

ساکنین این خانه‌ها در نخستین ساعات بامداد به روستاهای مجاور پناهنده شدند و از تلفات جانی اطلاعی در دست نیست.

لازم به یادآوری است که جمعیت شهر «کفرمکه» پیش از اشغال لبنان توسط نیروهای صهیونیستی حدود ۱۰۰۰۰ نفر بوده است که ۳۰۰۰ نفر از آنها مسیحی و بقیهٔ آنها را دروزی‌ها تشکیل می‌دادند.

به علاوه در درگیری‌های ۲ روز گذشتهٔ فالانژیست‌ها با اهالی استان عالیه در جبل لبنان ۹ تن کشته و چند تن مجروح شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت، در این درگیری‌ها که در مناطق کفرمتی، عتیه، قبرشمون واقع در استان عالیه در جبل لبنان صورت گرفت، فالانژها از سلاح‌های سنگین استفاده کردند.

به گزارش مطبوعات لبنان نیروهای فالانژیست در این درگیری مناطق وسیعی از استان عالیه را هدف توپخانه‌های سنگین و دوربرد خود قرار دادند و تعداد زیادی از منازل مسکونی در منطقهٔ مسلمان‌نشین کفرمتی به آتش کشیده شد.

مطبوعات لبنان همچنین ضمن اعلام کشته شدن ۶ تن از عناصر فالانژ وابسته به حزب کتائب، نوشتند:

شب گذشته گروهی از سربازان ارتش صهیونیستی در منطقهٔ کفرمتی با فالانژها همکاری داشتند. لکن پس از مدتی صحنه را به فالانژها سپرده و عقب‌نشینی کردند.

در این رابطه مناطق مختلف جبل لبنان شاهد چندین حادثهٔ آدم‌ربایی توسط فالانژیست‌ها بوده است.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: ۱۵۳ تاریخ صدور: ۱۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تلاش فالانژها برای تبدیل بیروت به یک شهر مسیحی‌نشین**

امضا: **رسانه‌ها و مقامات سیاسی**

فالانژها تلاش می‌کنند بیروت را به یک شهر مسیحی‌نشین تبدیل کنند!

چند واحد ارتش لبنان با همکاری فالانژها و با حمایت گروهی از سربازان اعزامی آمریکایی، ایتالیایی و فرانسوی به لبنان چندین منطقه در بخش مسلمان‌نشین محاصره نموده و تمامی خانه‌های این مناطق را بازرسی کردند.

بنا بر این گزارش نیروهای مزبور محله‌های ظریف، تل‌الخیاط، وردون، سقایه الزنجیر را به مدت ۱۰ ساعت محاصره نموده و تعداد نامشخصی از ساکنین این مناطق را دستگیر کردند.

در بیروت گفته می‌شود که **فالانژها و ارتش لبنان تلاش می‌کنند تا با دستگیری و ارعاب مسلمانان، اهالی مناطق مسلمان‌نشین را وادار به ترک بیروت نموده و این شهر را به یک شهر مسیحی‌نشین تبدیل سازند!**

در همین حال بنا به گزارش **خبرگزاری کویت** یک منبع نزدیک به دولت لبنان اعلام کرد که امین جمیل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان در سفر خود به کشورهای آمریکا، فرانسه و ایتالیا از این ۳ کشور خواهد خواست که تعداد نیروهای خود را در لبنان تا مرز ۱۵۰۰۰ نفر افزایش دهند تا فالانژها را در راه تسلط بر تمامی کشور یاری کنند.

این منبع یادآور شد که کابینهٔ جدید لبنان به ریاست **شفیق وزان** در جلسهٔ اخیر خود با

افزایش «نیروهای خارجی» در این کشور و نیز گسترش عملیات آنها در سراسر لبنان موافقت کردند.

یادآوری می‌شود که نیروهای صهیونیستی هم‌اکنون در بسیاری از نقاط لبنان مستقر شده‌اند.

از سوی دیگر به گزارش واحد مرکزی خبر از لندن آن‌چه در لبنان پس از قتل‌عام مسلمانان در بخش مسلمان‌نشین بیروت می‌گذرد، آن‌چنان وحشیانه و غیرانسانی است که حتی **اسپادولینی نخست‌وزیر ایتالیا** طی پیامی به دولت‌های آمریکا و فرانسه مراتب نگرانی خود را از عاقبت درگیری نیروهای نظامی ایتالیا، آمریکا و فرانسه در دستگیری مسلمانان لبنان را اعلام داشته است.

بر اساس این گزارش اسپادولینی در پیام خود از واشنگتن و پاریس خواسته است که لااقل به دولت وی از اسامی و سرنوشت دستگیرشدگان اطلاعی داده شود.

همکاری گستردهٔ نیروهای مداخله‌گر چندملیتی

متعاقب اعتراف خبرنگاران خبرگزاری‌های امپریالیستی – صهیونیستی در همکاری و هم‌دستی نیروهای مداخله‌گر چندملیتی با فالانژها و ارتش لبنان در محاصرهٔ روستاها و مناطق مسلمان‌نشین و بازرسی و ویران‌سازی خانه‌ها و دستگیری مردم بی‌دفاع مسلمان در غرب بیروت، رادیوهای آمریکا و لندن نیز ضمن اعتراف به گوشه‌ای از این جنایات گزارش دادند:

واحدهای ارتش لبنان طی ۲ روز گذشته با استفاده از بلدوزر ۱ منطقهٔ محل سکونت مسلمانان شیعه که از آوارگان جنوب لبنان می‌باشند و همچنین خانه‌های محقر ۵۰۰ تن از ساکنان فقیر این شهر را ویران و با خاک یکسان کردند.

گزارش صدای آمریکا حاکیست:

مسلمانان لبنان در اعتراض به عملیات گستردهٔ قلع‌وقمع مسلمانان در بیروت در ویران ساختن ۱روستای شیعه‌نشین در جنوب لبنان دست به تظاهرات زدند. لکن با تیراندازی سربازان نیروهای مداخله‌گر چندملیتی و رژیم فالانژیست جمیل روبه‌رو شدند و در جریان این تیراندازی ۲ غیرنظامی به ضرب گلوله مجروح و ۲۰۰ تن دیگر نیز دستگیر شدند.

از سوی دیگر **گزارش رادیو لندن** حاکیست:

در پنجمین روز عملیات ارتش لبنان نیز ۳۲ نفر دستگیر و بازداشت شدند.

این رادیو نیز اعتراف کرد که تعداد دستگیرشدگان خیلی بیشتر از آن است که اعلام شده است.

طبق همین گزارشات عملیات گستردهٔ نیروهای فالانژ و ارتش لبنان با هم‌دستی و حمایت نیروهای مداخله‌گر به اصطلاح حافظ صلح در چهارچوب ویران ساختن خانهٔ مسلمانان بی‌پناه و بی‌دفاع جنوب لبنان و دستگیری آنان در شرق بیروت نیز ادامه خواهد داشت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۱۹

شماره: **۱۵۴** تاریخ صدور: **۲۰ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تمدید مهلت ثبت نام داوطلبان اعزام به جبهه**

امضا: **سخنگوی روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

سرویس خبری:

سخنگوی روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تماسی با خبرنگار ما اعلام کرد:

کلیهٔ برادران رزمنـده‌ای که قبلاً از طرف **سپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی منطقـهٔ ۱۰ کشـور** به جبهه اعزام شده‌اند و جهت اعزام مجدد موفق به ثبت‌نام نشده‌اند، می‌توانند تا آخر وقت اداری روز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ با در دست داشتن ۱ قطعـه عکس به مناطـق و محل‌های اعزام قبلی واقع در پایگاه‌های تهران، شمیران، شهر ری، کرج، ورامین، دماوند و فیروزکوه مراجعه نمایند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۵۵ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بیشترین عضو سپاه در جزیرهٔ هرمز نسبت به جمعیتش؛**

وضعیت جنگ و ورود به زاهدان

امضا: **فرماندهٔ سپاه پاسداران، محسن رضائی**

بندرعباس:

به گزارش واحد مرکزی خبر بندرعباس **آقای محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** که ۲ روز گذشته به اتفاق **آقای سالک مسئول بسیج سپاه کشور** و دیگر همراهان به بندرعباس آمدند، بلافاصله پس از ورود از قسمت‌های مختلف ناوگان خلیج فارس و دریای عمان بازدید به عمل آورد و سپس در جمع برادران پاسدار در محل سپاه حاضر و پیرامون مسائل مختلف مملکتی و همچنین وحدت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سخن گفت.

آقای رضائی آنگاه در نشست‌هایی با شورای فرماندهی سپاه و شوراهای تأمین استان به بررسی مسائل مختلف امنیتی استان پرداخت.

گزارش واحد مرکزی خبر در بندرعباس همچنین حاکیست:

فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح دیروز به اتفاق همراهان وارد **جزیرهٔ هرمز** شد و مورد استقبال مردم همیشه در صحنه و برادران پاسدار این جزیره قرار گرفت.

وی سپس در مدرسهٔ راهنمایی و دبیرستان آیت‌الله منتظری در جمع دانش‌آموزان و مردم حضور یافت و ضمن ایراد سخنانی یادآور شد که **این جزیره نسبت به جمعیتش بیشترین عضو سپاه را در ایران دارد.**

آقای رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از بازگشت از این جزیره به بندرعباس طی گفتگویی با خبرنگار واحد مرکزی خبر در رابطه با علت سفرشان به استان هرمزگان گفت:

– علت سفر ما به این استان ۲ منظور را دربر داشت:

– یکی سرکشی به برادران سپاه و بسیج و آشنا شدن بیشتر با مسائل مردم در این منطقه و تلاش برای بسیج بیشتر برای مسألهٔ جنگ و ان‌شاءالله به ثمر رساندن هر چه سریع‌تر جنگ تحمیلی عراق علیه اسلام؛

– و منظور دوم بررسی وضعیت منطقه.

وی اضافه نمود:

– همان‌طورکه مردم عزیز ما در این استان از نزدیک مطلع هستند، **تنگهٔ هرمز، خلیج فارس و دهانهٔ دریای عمان در شمار مسائل بسیار اساسی و استراتژیکی است که مورد طمع آمریکا و صهیونیزم است** و با فعالیت‌هایی که در سطح کشور عمان شروع شده، می‌خواهند یک تنگهٔ جدیدی را به وجود بیاورند و به قول خودشان بعد از به پایان رسیدن از آن تنگه، احتمالاً دربارهٔ نمایشگران و به اصطلاح نظامی و چتربازانی که بیشتر شبیه به نمایشگران عهد سابق است، آنها را یک مقدار در منطقه فعال بکنند و از این طریق سعی کنند مثلاً تحمیلاتی را متوجه ما بکنند.

برای بررسی این مطلب و تلاش‌هایی که اخیراً اسرائیل و آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس انجام داده‌اند و قصدشان این است که بدون این‌که کشورهای منطقه مطلع باشند، آنها را وارد یک توطئهٔ جدیدی علیه انقلاب ما بکنند. لازم دیدیم که از نزدیک این مسائل را بیشتر بررسی نماییم و هشدارهای لازم را به مردممان بدهیم که متوجه باشند و این منطقه، منطقهٔ بسیار حساسی است و **ما همه باید آمادگی کامل داشته باشیم تا هر نوع حرکتی را به امید خدا همان‌طور که در خوزستان به موفقیت‌های بسیار بالا و خوبی رسیدیم، این‌بار هم بتوانیم علیه آمریکا و اسرائیل به طور مستقیم دستاوردهای خوبی و پیام‌های آزادی‌بخشی برای مستضعفین دنیا داشته باشیم.**

آقای رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامهٔ گفتگوی خود با خبرنگار ما در رابطه با وضعیت جبهه‌های بعد از عملیات «**مسلم‌بن عقیل**» اظهار داشت:

– این درست است که این بار ما اعلام نکردیم ۱۹ هزار یا ۲۰ هزار اسیر گرفته‌ایم و ۳۰۰ نفر اعلام کردیم، اما تأثیر عملیات در غرب از عملیات گذشته بسیار بالاتر بود. و **ما با گرفتن ارتفاعات**

مندلی به بغداد بسیار نزدیک شدیم و لازم نیست این حدود ۹۰ کیلومتر را دقیقاً تا بغداد برویم. کافی است که ۴۰ کیلومتر به جلو برویم تا هر نقطه از بغداد را که بخواهیم زیر آتش توپخانه بگیریم.

مسألهٔ بغداد و صدام الآن در ۴۰ کیلومتری ماست و دشمن الآن در یک دشت وسیع باز شده و در یک جبهه به طول ۵۰ کیلومتر اگر قبلاً با ۳ تیپ می‌توانست در ارتفاعات مندلی را حفظ کند، الآن با ۴ لشگر هم قادر به این کار نیست.

بنا به گزارش واحد مرکزی خبر بندرعباس، آقای رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش از ظهر دیروز بندرعباس را ترک گفت.

ورود به زاهدان

برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به اتفاق اعضای شورای‌عالی سپاه دیشب وارد **زاهدان** شد و مورد استقبال **حجت‌الاسلام صادقی امام جمعهٔ موقت زاهدان، فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و معاون سیاسی و عمرانی استانداری** قرار گرفت.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۵۶ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **سخنرانی فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش در مراسم صبحگاه مشترک در تبریز**

امضا:

به گزارش واحد مرکزی خبر **مراسم صبحگاه مشترک پرسنل پادگان تبریز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ژاندارمری، شهربانی و کمیته‌ها با حضور سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و مسئول دایرهٔ سیاسی ایدئولوژیک نیروی زمینی** و شرکت کنندگان در سمینار فرماندهان پادگان‌های آموزشی کشور صبح دیروز در پادگان تبریز برگزار شد.

پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی ضمن درود به روان پاک شهدا و رزمندگان اسلام گفت:

– ۲ سال پیش صدام دست‌نشاندهٔ آمریکا به میهن اسلامی ما حمله کرد، به خیال این‌که می‌تواند در حرکت انقلاب اسلامی ما وقفه‌ای ایجاد کند، اما بر اثر استقامت و ایثار رزمندگان اسلام مجبور به عقب‌نشینی شد.

فرماندهٔ نیروی زمینی با اشاره به **امدادهای غیبی الهی در عملیات مختلف رزمندگان اسلام** افزود:

– صدام همیشه به دروغ‌پردازی‌های خود ادامه می‌دهد، ولی ما باز در عملیات اخیر مسلم‌بن عقیل دیدیم که نیروهای اسلام تمامی مواضعی را که صدام ادعای مستقر بودن نیروهایش را

در آن‌جا دارد، به میهن اسلامی خود بازگردانده‌اند.

سرهنگ صیاد شیرازی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به **خیانت‌های بنی‌صدر، لیبرال‌ها و منافقین و به خاک و خون کشیدن مسلمانان لبنان و فلسطین توسط آمریکای جنایتکار** گفت:

– **ان‌شاءالله بتوانیم انقلاب خود را به جهان صادرکنیم** و خداوند نیز با کامل کردن حجتش بر ما مهدی موعود(عج) به حکومت جهانی‌اش برسد.

وی آنگاه با اشاره به **نعمت وجود امام امت که بزرگ‌ترین عامل پیشرفت و ترقی است،** افزود:

– امروز روحانیت و مردم ایثارگر با حضور مؤثر خود در صحنه بهترین اداره‌کنندهٔ حکومت هستند و صف محکم رزمندگان اسلام و خلاصه همه و همه اینها نعمت‌های الهی هستند.

فرماندهٔ نیروی زمینی در ادامهٔ سخنان خود به فرماندهان مراکز آموزشی پادگان‌های نیروی زمینی کشور گفت:

– **به یاری خداوند بکوشید تا قوی‌تر از هر روز جلو دشمن بایستیم و هر روز صدیق‌تر در راه پیروزی انقلاب اسلامی‌مان تلاش کنیم.**[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: **۱۵۷** تاریخ صدور: **۲۰ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **نقد و تحلیل**

موضوع: **نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»- گروهک معروف به میثمی**

(۱۰ قسمت)

امضا: **هواداران گروهک میثمی شاخهٔ تبریز**

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۱

مطلبی که می‌خوانید توسط گروهی از هواداران «نهضت مجاهدین خلق» شاخهٔ تبریز نوشته شده است.

یادآوری می‌شود که چاپ این مطلب در این روزنامه به معنای تأیید یا رد محتوای این نوشته و یا نویسندگان آن نمی‌باشد.

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت برادر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

ضمن عرض سلام و التماس دعا، و آرزوی موفقیت برای شما در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و امام عزیز، و تداوم خط خونین شهدای نهضت اسلامی، معروض می‌داریم:

ما **عده‌ای از هواداران سابق گروهک میثمی (نهضت مجاهدین خلق) شاخهٔ تبریز**، با برکات الهی و رحمت واسعه‌اش یعنی انقلاب اسلامی و امام خمینی به **ماهیت غیراسلامی گروهک مزبور پی برده و از نیمهٔ دوم سال ۶۰ از این جریان انحرافی کناره‌گیری کردیم**، و برای ادای دین خود به امت شهیدپرور، مسائل و مطالب مطروحه را در جزوهٔ حاضر جمع و به خدمت یاران امام و ارگان‌های جمهوری اسلامی عرضه می‌داریم.

در این راه به رهنمودها و مساعدت‌های شما یاران امام بت‌شکن، جهت هدایت و راهنمایی بیشتر احتیاج داریم.

با آرزوی توفیق فی‌سبیل‌الله و پیروزی اسلام بر کفر و نفاق

عده‌ای از هواداران سابق گروهک میثمی (تبریز)

بسم الله الرحمن الرحیم

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّاب[1]

شکر می‌کنیم خدا را به وجود نعمت‌های بی‌شماری که بر ما عطا فرموده، و به نور هدایتش که آنی آن را از سر ما کوتاه نفرموده، و پناه می‌بریم به خدا از شرّ وسوسه‌های شیطان رجیم، و استغفار می‌کنیم به درگاهش از کثرت گناهان و عظمت انحرافات و قلت طاعات و عذر می‌آوریم بر درگاه امام عصر(عج) و نایب برحقش امام خمینی و شهدای کربلای ایران و امت شهیدپرور، از انحرافات لسانی که در دامش گرفتار بودیم و بر آن اصرار می‌ورزیدیم و این گرفتاری موجب شده بود تا از خدا و انوار پربرکتش و حجت برحقش در پهنهٔ زمین، امام خمینی دور بمانیم.

امیدواریم با نگارش این چند خط قطره‌ای از دریای دینی را که نسبت به اسلام و مسلمین بر ذمهٔ خود داریم، ادا کرده باشیم.

قبل از پرداختن به اصل مطالب لازم دیدیم **تذکراتی چند پیرامون انتشار این جزوه** یادآور شویم:

۱- چون ریشهٔ درگیری‌های ما با جریان انحرافی نهضت مجاهدین«گروه میثمی»، مسألهٔ ولایت بود، لذا معتقدیم انتشار این مطالب دلیل بر این نیست که ما دوباره درصدد ایجاد تشکیلاتی جدا از امام و نهادهایش هستیم و از آن‌جا که امام خمینی را ادامه‌دهندهٔ راه انبیا و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام می‌دانیم، لذا **هر گونه استقلال از نظر مسائل مکتبی و سیاسی در برابر خط ولایت فقیه را بر خود روا نداشته و آن را از جانب جریان‌های دیگر نیز شدیداً محکوم می‌کنیم.**

۲- انتشار این مطالب ناچیز به معنای کامل بودنش از نظر مکتب اسلام نمی‌باشد و لذا از تمام صاحب‌نظران خط امام می‌خواهیم تا **برای هدایت هر چه بیشتر ما و روشن شدن ماهیت این جریان انحرافی** برای امت شهیدپرور با حفظ امانت در نقل مطالب در تداوم این کار کوشیده و در این جهت هرگونه انتقاد به حق را از آنان پذیرا هستیم.

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۸

[می‌گویند:] پروردگارا، پس از آن‌که ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.

۳- برای آخرین بار **از سردمداران نهضت مجاهدین خلق می‌خواهیم که به خط ولایت بازگردند و از هواداران ساده‌اندیش و صادقشان خواستاریم که قدری بیشتر روی این جریان و انحرافاتش از خط اصیل امام تأمل نمایند** و ضمناً از مرکزیت نهضت مجاهدین خلق می‌خواهیم که از هرگونه برخورد ابتذالی با این مطالب جداً خودداری کرده و اگر خواستار روشن شدن بیشتر حقایق هستند، می‌توانند این مطالب را عیناً بدون کم و کاست در نشریهٔ خود **«راه مجاهد»** آورده و بدان جواب دهند.

۴- چون **نهضت مجاهدین خلق** در بسیاری از مسائلی که بعد از انقلاب پیش آمده **موضع‌گیری علنی** ننموده و حتی در بعضی موارد **موضعی دوگانه** داشته، یعنی **نظراتی که در درون گروه بود، با مواضع اعلام شده در جامعه فرق می‌کرده**، ممکن است ادعای کذب این مطالب را بنمایند که ما در آن صورت حاضریم با ذکر اسم افراد، زمان و مکان مطالب گفته شده، به این ادعا پاسخ دهیم.

۵- لازم به یادآوری است که مطالب این جزوه در طول مدت همکاری افراد جدا شده از نهضت مجاهدین خلق جمع‌آوری شده است. با توجه به این مطالب بود که ما موفق به شناخت **نفاق حاکم بر این گروه** گردیدیم.

انگیزه‌های انتشار این جزوه

۱- در رابطه با پیوستگی که با این جریان داشتیم، سعی بر این داریم به یاری خداوند و با شناخت هرچه بیشتر افکار نفاق‌آمیز و غیراسلامی، خودمان را از این بینش‌ها پاک کنیم.

۲- تحقق **خط انحرافی نهضت مجاهدین خلق در مسألهٔ ولایت** به این شکل متبلور می‌شد که خود را پیشتاز و رهبری‌کنندهٔ خط امام[1] می‌دانستند، ما این تفکر را مضر و برای آیندهٔ انقلاب اسلامی خطرناک می‌دانیم. این مطالب را به عنوان آخرین حجت بر صاحبان این افکار بیمارگونه یادآور می‌شویم.

۳- ما به عنوان افرادی که در این جریان سهیم بوده و در حال حاضر آنها را **منحرف از خط اسلام اصیل** می‌دانیم، **تکلیف شرعی** خود دانسته‌ایم که **انحرافات نهضت مجاهدین خلق را در**

۱- چرا که جریانات روشنفکرانه بر خلاف جریان اصیل، چون مستقیماً متصل به منبع وحی، ولایت محمدی نیستند، ادامهٔ مبارزات را بی‌واسطه از سرچشمهٔ زلال قرآن و سنت نمی‌گرفته و نمی‌گیرند، بلکه در رابطه با جو سیاسی حاکم بر کشور و تحلیل از منطقه خط‌مشی مبارزاتی خود را ارایه می‌دهند و ای بسا جو سیاسی حاکم بر کشور تمسک به اسم را در امر مبارزه جایز بداند. در حالی‌که دیدگاه اسلام از بنیاد با اینها فرق دارد.

امام در کتاب ولایت فقیه می‌فرمایند:

«این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین چون اجرای احکام پس از رسول اکرم(ص) و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت دارد».

یعنی امام معتقدند همیشه مبارزه باید برای اجرای احکام الهی اسلامی بوده باشد. / (ولایت فقیه، ص ۲۶)

درجهٔ اول به برادران پیرو خط امام و در درجهٔ دوم به هزاران ساده‌اندیش آنها یادآور شویم.

۴- و در کل شاید این جزوه گامی بسیار ناچیز باشد در جهت **افشای جریان تاریخی نفاق در ایران** که **نهضت مجاهدین خلق** نیز در تداوم این جریان مطرح است.

۵- سعی ما بر این است **با الهام از سخنان امام عزیز مرز بین اسلام فقاهتی و برداشت‌های التقاطی از اسلام را تا آن‌جا که در توان داریم**، در این مورد روشن سازیم.

انگیزه پیوستن به نهضت مجاهدین خلق

انگیزهٔ اساسی ما این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی احتیاج به **یک تشکیلات منسجم را برای تداوم انقلاب اسلامی و حفظ آرمان‌های شهیدان** احساس می‌کردیم و با توجه به مطالب زیر اشتباهاً به سراغ نهضت مجاهدین رفتیم.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جوّ جامعه و مخصوصاً دانشگاه چپ‌زده و روشنفکرانه بود و ناچاراً ما نیز جدای از این جو ناسالم نبودیم. بنا به همین عامل از متون اسلامی کمتر با خبر بوده و از مسألهٔ ولایت فقیه انحراف داشتیم. و از سویی دیگر برخوردهای منافقانهٔ نهضت مجاهدین خلق که اولاً خود را کاتولیک‌تر از پاپ دانسته و تا حد علت ایجاد حرکت‌های خط امام و انقلاب اسلامی در جامعه خود را ارتقا می‌دادند و از سوی دیگر **با هر فردی که جذب آنها می‌شد، برخوردی خاص با علایق و خصایل آن فرد می‌کردند**. به طور مثال عده‌ای را از موضع برحق بودن مجاهدین و عده‌ای را از موضع برحق بودن امام خمینی جذب می‌نمودند[1] و در نهایت با این تحلیل که این ۲ راه یکی بیشتر نیست(!)، اینها را حفظ می‌کردند و حاصل کار به این شکل در می‌آمد که افرادی با انگیزه‌های مختلف بر محور نهضت مجاهدین خلق جمع شده که **نقطهٔ وحدت اینها تشکیلات نهضت و شخص آقای لطف‌الله میثمی و در نهایت جریان تاریخی مجاهدین خلق بود، نه خط امام راستین.**

انگیزهٔ باقی ماندن ما در نهضت مجاهدین خلق

با توجه به این مسأله که فلسفهٔ وجودی نهضت مجاهدین خلق در ظاهر پیوند دادن خط بنیان‌گذاران مجاهدین خلق و امام و در باطن اعتقاد اساسی بر تداوم خط حنیف‌نژاد و توجه انقلاب اسلامی بر محور این اعتقاد می‌باشد، چنان‌که در کتاب‌هایشان می‌خوانیم:

۱- لازم به توضیح است که ما رهبریت امام خمینی را قبول داشتیم، ولی در نحوهٔ برخورد با امام دچار اشکال بودیم و نهضت مجاهدین در جذب نیروهایی از خط امام از این ضعف استفاده می‌کرد.

بنابراین مجاهدین نزدیک‌ترین نیرو به آیت‌الله خمینی هستند و آیت‌الله خمینی نزدیک‌ترین امکانش مجاهدین می‌باشند. منتها یک مقداری زمان بگذرد و این خمینی‌نماها که هستند در شرایط سخت قرار بگیرند آن موقع معلوم می‌شود که چه کسانی اصالت دارند.»

(نقل از ص ۱۴۱ کتاب تازیانهٔ تکامل از کتاب‌های نهضت مجاهدین خلق)

و موضع باطنی‌شان در جملات زیر کاملاً مشخص است که می‌گویند:

«مطرح کردیم که انقلاب اخیر ایران از یک موضع ضدامپریالیستی عمیق و یک موضع ضدامپریالیستی و ضداجانب به طور عام برخوردار بود و موضع ضدصهیونیستی داشت. این ۳ موضع با موضع مجاهدین کاملاً یکی است، تمام مواضع آیت‌الله خمینی در این ۳ مورد کاملاً در این مقطع مورد تأیید است.»

(نقل از ص ۱۴۰ کتاب تازیانهٔ تکامل)

لذا باورمان اشتباهاً این بود که نهضت رفته‌رفته در محتوا به امام نزدیک می‌شود. یعنی تضادهایی بین نهضت مجاهدین خلق و امام خمینی احساس می‌کردیم (مثلاً نداشتن وحدت و رابطهٔ تشکیلاتی). ولی معتقد بودیم که می‌شود با اصل قرار دادن حرکت و روش امام این مسائل و تضادها را حل نمود.

از طرف دیگر **بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بین امام و مجاهدین مرزبندی عمیقی صورت نگرفته بود** و امام و یارانش نظر صریح خودشان را نسبت به سازمان مجاهدین و بنیان‌گذاران آن اعلام نکرده بودند.

خوشبختانه از یک طرف نظرات صریح امام در مورد بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین و نظرات سایر علمای اسلام، و از طرف دیگر عمیق‌تر شدن نهضت اسلامی و رو شدن جریانات انحرافی مثل لیبرال‌ها و منافقین(رجوی) همه و همه نقاط رحمتی بود برای آشکار شدن مسائل و شروع قطع وابستگی‌های فکری و عقیدتی و تشکیلاتی ما از نهضت مجاهدین و همراه آشکارتر شدن این مسائل تازه متوجه شدیم که **نهضت مجاهدین خلق نه اصالت دارد و نه به طرف امام می‌خواهد حرکت نماید.**

یکی دیگر از روش‌هایی که دستگاه خدعـه و نیرنگ نهضت مجاهدین خلق را برپا داشته بود، همچون سازمان‌های خودمحور دیگر، **بت‌سازی از مرکزیت و افراد مهم سازمان** برای افراد پایین‌تر بود. به طوری که افراد درون جریان نه کوچک‌ترین شکی در حرکت کلی سازمان می‌کردند و نه ذره‌ای به خود اجازه می‌دادند منطقی را که تشکیلات از افراد مرکزیت و مخصوصاً شخص آقای

میثمی در ذهن آنها ایجاد کرده بود، بشکنند؛ و یکی از روش‌هایی که به برپایی این بت کمک می‌کرد، **کانالیزه کردن اخبار و اطلاعات و گفته‌های امام و دیگر شخصیت‌های مملکتی از جانب مرکزیت** بود. چنان‌چه هر خبری که مرکزیت سازمان مهم تلقی می‌کرد، بلافاصله برای افراد سازمان نیز مهم جلوه می‌دادند. و **این اهم و مهم کردن اخبار خودش بهترین روش برای ایجاد جوّی که خود می‌خواستند در ذهن افراد به وجود بیاورند، بود.**

در این رابطه برخورد افراد درون‌تشکیلات با مرکزیت کاملاً تسلیمی بود؛ ولی با امام خمینی و سایر شخصیت‌های اسلامی برخورد تحلیلی و استدلالی می‌کردند (که ان‌شاءالله در صفحات بعدی بیشتر توضیح داده خواهد شد). مثلاً مرکزیت معتقد بود ما در تمام مسائل، تحلیل واقعی و رئالیستی خودمان را از اوضاع و شرایط می‌کنیم؛ بعد می‌پردازیم به این‌که امام چه تحلیلی دارند.[۱]

از عمده‌ترین رحمات جنگ اسلام وکفر برای ما این بود که همین مطلق‌نگری در ذهن ما در طی جنگ شکست و این شکستن آغاز روند جدایی بود.[۲]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۲

مطلبی که می‌خوانید توسط گروهی از هواداران «نهضت مجاهدین خلق» شاخهٔ تبریز نوشته شده است. یادآوری می‌شود که چاپ این مطلب در این روزنامه به معنای تأیید یا رد محتوای این نوشته و یا نویسندگان آن نمی‌باشد.

سیر تاریخی جریان انحرافی نهضت مجاهدین خلق

سیر تاریخی جریان انحرافی سازمان مجاهدین خلق و در تداوم آن نهضت مجاهدین خلق را از ۱۵ خرداد شروع کرده، ابتدا برای روشن شدن انحرافات، بخشی از **دیدگاه امام را دربارهٔ ۱۵ خرداد** مطرح می‌کنیم.

امام **۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲** را **آغاز حرکت اسلامی مردم مسلمان ایران و یوم‌الله**، و **نقطهٔ شروع مبارزات اسلامی علیه نظام منحوس شاهنشاهی** می‌دانند و با این دیدگاه اهمیت بسیار زیادی به این روز تاریخی قایلند. چنان‌که **آن روز را برای همیشه عزای عمومی اعلام نموده** و در سخنرانی سالروز ۱۵ خرداد در سال ۱۳۵۸ فرمودند:

۱- نهضت همیشه معتقد بود که ما با اصول خود! با امام خمینی برخورد می‌کنیم.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

«۱۵ خرداد را بشناسید، کسانی را که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند، بشناسید، و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنهاست، بشناسید، و مخالفین ۱۵ خرداد و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید.»

با یک نگرش ساده می‌توانیم نقاط بارز **حرکت ۱۵ خرداد** را که مبین **اسلامی بودن و مردمی بودن آن** است، به خوبی بشناسیم.

اولین مسأله‌ای که از **شعارهای مردم** نیز به خوبی مشخص می‌شود، **رهبریت قاطع امام در آن قیام عظیم** است. چنان‌که مردم در آن روز شعار می‌دادند:

درود بر خمینی

یـا مـرگ یا خمینی

و...

و با توجه به حرکت امام که قبل از این، با حملهٔ به رفرم شاه در سال ۱۳۴۱ شروع شده بود و دامنه‌اش به حمله به اسرائیل و نفی کاپیتولاسیون کشیده شد، می‌توان گفت در حقیقت ۱۵ خرداد روز تجلی ولایت امام خمینی بود.

دومین خصوصیت بارز این قیام **نقش اساسی فیضیهٔ قم و روحانیت** در شکل‌گیری آن می‌باشد که امام در این مورد فرمودند:

«نهضت از متن حوزهٔ علمیهٔ قم، مرکز فقاهت راستین برخاست و برق‌آسا در سایر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و در تهران و سایر شهرها، قشرهای عظیم ملت را فراگرفت و همه را به میدان مبارزه کشید.»

(سخنرانی امام در سال ۵۸)

حال می‌خواهیم ببینیم **برخورد بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق با قیام تاریخی ۱۵ خرداد چگونه بوده است.**

برای این منظور عین متن صفحات ۱۴ و ۱۵ کتاب تازیانهٔ تکامل از کتاب‌های نهضت مجاهدین خلق را می‌آوریم که در آن‌جا می‌گوید:

«به دنبال رفرم ۴۱ و قیام ۱۵ خرداد در مدت اسارت در زندان به جمع‌بندی نقایص و اشکالات جنبش از گذشته تا حال و علل قیام ۱۵ خرداد ۴۲ پرداخته و ریشهٔ اساسی اشکال مبارزات گذشته را در مکتبی نبودن پارلمانتاریسم، و حرفه‌ای نبودن مبارزین می‌بیند.

شهید حنیف‌نژاد جمع‌بندی خود را به رهبران نهضت (منظور نهضت آزادی است)

در زندان ارایه، و از آن‌جا راه خود را از جریان اصالت پارلمانتاریسم جدا می‌نماید.

بعد از آزادی از زندان در جهت کسب صلاحیت و لزوم تدوین اصول مکتبی خود از تمامی امکانات و نیروهای آزادشدهٔ بعد از خرداد ۴۲ چشم پوشیده، به همراه مجاهدان شهید سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان سازمان مجاهدین را تأسیس کردند،

محمد به مبارزهٔ مسلحانهٔ مکتبی و محقی رسیده بود، لیک راه بس درازی تا احراز صلاحیت برای رهبری این مبارزه در پیش می‌دید. لذا در جهت کسب صلاحیت، یک دورهٔ ۳ ساله را برای خود و اعضا گذاشت.»

همچنین در صفحهٔ ۱۰ کتاب ویژگی‌های انقلاب ایران می‌خوانیم:

«ما به رهبرانی نیاز داریم که قانون‌بندی توده‌ها را درک کنند و به نیازهایشان جواب بدهند و به این نتیجه رسید که توده، تودهٔ فداکاری است، که این ماییم که صلاحیت رهبری توده را نداریم، چرا که توده فداکاری خود را در ۱۵ خرداد نشان داد.»

به نظر ما اولین مسأله‌ای که در رابطه با تحلیل حنیف‌نژاد از ۱۵ خرداد به چشم می‌خورد، ندیدن روح ولایت حاکم بر این قیام بود که کلاً حرکت مردم را جدای از رهبری آن می‌دید. در حالی‌که مردم در ۱ روز ۱۵۰۰۰ شهید برای تثبیت همین ولایت و رهبری دادند، و در همین حال اعتقاد وی بعد از قیام این بود که نباید رهبرانی باصلاحیت پیدا شوند که تازه نیاز توده‌ها را درک کنند!!

و بدین‌ترتیب **نقش امام خمینی را در این قیام عظیم حداکثر در حد یک روحانی فتوا دهنده و نه رهبری همه جانبه و هدایت‌کنندهٔ با صلاحیت قیام شناخته بود.**

دومین برداشت انحرافی بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق از ۱۵ خرداد این بود که این حرکت را مکتبی ندانسته و تبلور مکتب را در بسیج عظیم مردم و شهادت‌طلبی آنها نمی‌دید.[1]

در حالی‌که همین رهبری، با همین توده‌ها و متکی به اسلام عزیز و منطق ۱۵ خرداد،[2] انقلاب عظیم اسلامی را به ثمر رساندند.

سومین برخورد انحرافی بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق، تحلیل غلط رابطهٔ قیام با کل مبارزات امت مسلمان ایران بود.

۱- بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق هر گونه مبارزه‌ای را خارج از شکل مبارزاتی خویش، یعنی «مسلحانه، حرفه‌ای، محلی و غیرمکتبی» می‌دانستند.

۲- منظور منطق شهادت‌طلبی و پیروزی خون بر شمشیر است.

در بالا متذکر شدیم که **امام ۱۵ خرداد را شروع حرکت اسلامی مردم علیه رژیم منحوس شاهنشاهی می‌دانند**، در حالی‌که **بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق مبدأ انقلاب اسلامی را ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ دانسته** و خود **آقای میثمی** بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در تداوم خط حنیف‌نژاد در صفحات ۶ و ۷ کتاب ویژگی‌های انقلاب در این‌باره می‌گوید:

«می‌خواهیم این انقلاب را از ابتدا مردمی کنیم، آن را از کجا شروع کنیم؟»

و کمی پایین‌تر به این سؤال این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«این قهر از کجا شروع شد؟ به نظر من این قهری که بین مردم و رژیم وجود دارد و یا این دره‌ای که بین رژیم و مردم به وجود آمده، ابتدایش ۳۰ تیر ۳۱ در زمان حکومت ملی دکتر مصدق است».

به نظر می‌رسد که انحراف بنیان‌گذاران سازمان از آن‌جا ناشی می‌شود که قیام اسلامی ۱۵ خرداد را حرکتی صرفاً مردمی علیه سلطنت بدون ویژگی‌های مکتبی آن می‌بینند و طبیعی است که در تحلیل قیام و شیوهٔ حکومتی به وحدت با مصدق و جریان تاریخی آن می‌رسند و در خط‌مشی خود تشکیل جمهوری دمکراتیک خلق را به جای حکومت اسلامی که از سوی امام مطرح می‌شد، قرار می‌دهند.

آقای میثمی در جزوهٔ انقلاب ایران و فلسطین جلد دوم صفحات ۱۳ و ۱۴ در این‌باره چنین می‌گوید:

«شعار دیگرشان (بنیان‌گذاران) که برای روشنفکر و جلب فرهنگ مبارز روز داده می‌شد که نمی‌دانستند جامعهٔ توحیدی چیست یا حکومت متقین چیست (حکومت) جمهوری دمکراتیک خلقی بود. یک جمهوری که بر اساس اسلام باشد که هم دمکراتیک است و هم خلقی.

جمهوری اسلامی به توده‌ها تکیه دارد که خلقی بودنش را نشان می‌دهد و هم دمکراتیک به معنی آن دمکراسی که گفتم، نه دمکراسی غربی و این واژه‌ای بود برای شکافتن مبارزهٔ مکتبی، یعنی شعار مکتبی ما و به نظر من برای این که روشنفکرها هم درک کنند هیچ اشکالی ندارد.»

در این‌جا کاملاً مشخص است که آقای میثمی درصدد توجیه مسأله هستند و الا **جمهوری دمکراتیک خلقی کاملاً از حکومت اسلامی جداست.**

با توجه به این‌که امام فرمودند:

«جمهوری اسلامی، نه یک کلمه، کم نه یک کلمه زیاد.»

با توجه به این انحرافات که نطفهٔ آن در همان جمع‌بندی از قیام ۱۵ خرداد بسته شد، محمد حنیف‌نژاد و یارانش از همان ابتدا مسیری را غیر از مسیر امام در پیش گرفتند که روز به روز این فاصله بیشتر شده و می‌شود.

در این‌جا **درست این بود که آنها حرکت خود را با توسل و راهنمایی‌های ولی امر یعنی امام خمینی شروع و دنبال می‌کردند** و کسب صلاحیت را برای عمق بخشیدن به حرکت مردم باید در کادر ولایت تحقق می‌دادند. در حالی‌که **حنیف‌نژاد حرکت تشکیل سازمان را از دورهٔ ۳ ساله برای کسب صلاحیت در امر رهبری شروع کرد.**

چنان‌که آقای میثمی در جزوهٔ شیوه‌های محمد آقا جلد دوم صفحه ۱۹ **از قول حنیف‌نژاد** می‌گوید:

«این توده‌های فداکار منتظرند رهبر ذی‌صلاحی پیدا شود تا حول او بسیج شوند، بنابراین ما باید کسب صلاحیت کرده تا رهبری توده‌ها را بتوانیم به عهده بگیریم.»

سازمان در سال ۴۹ بار دیگر با رهبر و ولی امر واقعی امت اسلام برخورد نمود. ولی به علت دیدگاه غلط نسبت به امام از آن‌جا نیز درس نگرفت.

می‌بینیم این‌بار امام با حسین روحانی در مورد خط‌مشی و ایدئولوژی مجاهدین به طور مفصل برخورد می‌کند و حتی به قول روحانی امام خمینی کتباً ایرادات سازمان را به وی می‌دهد. از جمله امام خمینی به آنها می‌گویند:

«شما معاد و قیامت ندارید و خودتان را هلاک می‌کنید و به جایی نمی‌رسید.»

آقای میثمی در کتاب انقلاب ایران و فلسطین جلد دوم در صفحات ۱۵ الی ۱۸ در این مورد بحث کرده و در صفحهٔ ۱۷ می‌گوید:

«واقعیت این است و هیچ لزومی نداشت که کسی پیش آقا برود و من قویاً تکذیب می‌کنم که کسی از مجاهدین پیش امام رفته باشد و ۳-۲ ماه نهج‌البلاغه خوانده باشد که اعتماد آقا را جلب بکند و بعداً فتوای مبارزهٔ مسلحانه بگیرد.»

جواب این **برخورد منافقانهٔ آقای میثمی را بیانات صریح امام در این مورد** و اقرارهای حسین روحانی بعد از دستگیری در دادگاه انقلاب اسلامی می‌دهد که نیازی به تکرار مطالب در این مورد نیست.

بار دیگر سازمان بدون کوچک‌ترین توجهی به رهنمودهای امام در مورد مسائل بنیادین اسلام، به راه خود ادامه می‌دهد و درست از همان‌جایی که امام انگشت گذاشته بود، ضربات بعدی را می‌خورد.

در سال ۵۴ مسألهٔ معاد و قیامت مشکل اساسی اعضای سازمان می‌گردد.[۱]

در مورد ضربهٔ سال ۵۴ آقای میثمی از قول شهید مجید شریف‌واقفی در جزوهٔ قرآن راهنمای عمل جلسهٔ اول صفحهٔ ۱۵ می‌گوید:

«شهیدواقفی موقعی که از منحرفی ضربه خورده بود، یک عده گفته بودند بیا تا به نام سازمان اعلام موجودیت بکنیم. گفته بود تا وقتی رابطهٔ علم و قرآن برایم کشف نشود، من هیچ‌گونه اعلام موجودیت نمی‌کنم. اگر که ما با علم می‌توانیم همهٔ مسائل‌مان را حل کنیم، چه نیازی دارد که لقمه را دور سرمان بگردونیم و برویم سراغ قرآن.»

جریان نهضت مجاهدین خلق ادعا کرد که تنها نیروی جمع‌بندی‌کنندهٔ ضربهٔ ۵۴ سازمان است که به این وصیت به حق شهید شریف‌واقفی عمل نموده است.

ممکن است نهضت مجاهدین خلق ظاهراً گام‌هایی در این جهت برداشته باشد، ولی همان انحراف حنیف‌نژاد دامن‌گیر نهضت مجاهدین هم شده است.

حقیقت این‌که طبق **دیدگاه اسلام فقاهتی**، این مسأله کاملاً بدیهی است که **بدون توسل به اسلام فقاهت و مقام ولایت نمی‌شود این رابطه را حل کرد**، و تا زمانی که نهضت مجاهدین خلق این مسأله را عمیقاً درک نکرده است، هیچ معضلی از **انحرافات ایدئولوژیک خود را به طور بنیادین** نمی‌تواند حل کند.[۲]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۳

ماهیت تاریخی نهضت مجاهدین خلق

قبل از پرداختن به نهضت مجاهدین خلق و رفتارش با انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف و ارگان‌های جوشیده از بطن آن، لازم می‌دانیم گوشه‌ای از **ماهیت تاریخی این جریان** را بررسی کنیم.

انقلاب مشروطه یکی از بارزترین نقاط تاریخ ایران است که در آن ۲ خط ملی‌گرایی روشنفکری، و اسلام اصیل از همدیگر کاملاً متمایز شده است.

نمایندهٔ اصلی اسلام فقاهت و ولایت، شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود که ایشان را آیت‌الله‌العظمی شیرازی (فتوادهندهٔ تحریم تنباکو) قبل از شروع مشروطیت به عنوان رسیدگی به مسائل، از نجف به ایران فرستاده بودند، و نمایندگان خط ملی‌گرایی و روشنفکری عناصری

۱- لازم به تذکر است که در این جزوه قصد تحلیل چگونگی برخورد اعضای صادق سازمان مجاهدین را با اشکالات مکتبی و خط‌مشی بنیان‌گذاران نداریم (افراد صادقی همچون شهید مجید شریف‌واقفی و مرتضی صمدیه لباف).

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

همچون تقی‌زاده، میرزاملکم‌خان، میرزافتحعلی آخوندزاده و... بودند؛ که متأسفانه نقش اساسی را در نوشتن قانون اساسی زمان مشروطه که به قول امام رونوشتی از مجموعهٔ حقوقی بلژیکی‌ها بود، همین عناصر بر عهده داشتند.

جریان اسلام در عبور خود از معبر تاریخ، ستارگان درخشانی چون مدرس، میرزاکوچک‌خان جنگلی، نواب صفوی، آیت‌الله غفاری و سعیدی و نهایتاً امام خمینی را به امت اسلامی تحویل داده است.

در حالی که جریان دوم مرتباً در حال تبدیل شدن از تشکیلاتی به تشکیلات دیگر بوده و از جبههٔ ملی اول به رهبری مصدق تا جبههٔ ملی سوم (شاپور بختیار، بنی‌صدر و...) و از آن‌جا نهضت مقاومت ملی تا نهضت آزادی، و سازمان مجاهدین خلق تا نهضت مجاهدین خلق، چهره‌های عمده‌ای است که به خود گرفته است.

بعد از بررسی مختصری که از مسیر تاریخی این جریان انحرافی نمودیم، اینک به بررسی دیدگاه‌ها و برخوردهای این جریان با انقلاب کبیر اسلامی و مسائل آن می‌پردازیم.

ابتدا از برخورد با **رکن اصلی انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه** شروع می‌کنیم.

نهضت مجاهدین خلق و ولایت فقیه

ابتدا متذکر می‌شویم که در این چند خط ادعای مطرح کردن تمامی دیدگاه‌های امام و خط راستین‌اش را نداشته و اخلاقاً چنین جسارتی را به پیشگاه امام خمینی از طرف خود روا نمی‌داریم، لکن در حد بسیار کمی که از **نظرات امام و یارانش (مکتوب در کتاب‌هایشان)** در باب **ولایت** می‌دانیم، خواستیم **برخورد جریان‌های انحرافی نظیر نهضت مجاهدین خلق** را در این باب افشا کنیم:

الف: ولایت احمدی، علوی:

ریشهٔ اصلی ولایت و فقاهت را باید در **ابتدای آفرینش مخلوقات** و در راستای **ولایت الله** و **خلیفه‌الله** دانست؛ که **این خط از بالاترین مرتبهٔ خلقت که همان ولایت محمدی (ولایت احمدی، علوی) است شروع شده، در رأس آن خاتم انبیا حضرت محمد(ص) قرار داشته و توسط ۱۲ مشعل فروزان عالم خلقت که همان ائمهٔ معصومین«ع» می‌باشند، تداوم می‌یابد و آخرین آنها منجی عالم بشریت و حجت خدا بر بندگانش در عصر حاضر حضرت حجت‌بن‌الحسن‌العسکری«عج» می‌باشد.** که به تعبیر امام به وسیلهٔ آنان دین خدا ظاهر می‌شود و کلمه‌الله ارتقا می‌یابد و این همان ریسمان محکم الهی است که از آسمان الوهیت تا زمین‌های خلقی کشیده شده است.

چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید:

لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللهِ فقد استَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى لاَ انْفِصامَ لَها وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ[1]

که بنا به فرمودهٔ امام خمینی **عروه‌الوثقی همان خط ولایت** است که برای رسیدن به حق تعالی باید از این راه وارد شد و به این حبل متین چنگ زد.

ب: لزوم وجود اولی‌الامر:

در زمان غیبت کبری از آن‌جا که احکام و قوانین اسلام می‌بایست در جامعه اجرا شود، برابر آیات و روایات محکمی به لزوم ولی امر تأکید شده است که نمونه‌هایی از آن آورده می‌شود:

در **کتاب ولایت فقیه، امام خمینی** روایتی از **حضرت رضا«ع»** آورده‌اند که در صفحهٔ ۴۰ همان کتاب می‌خوانیم:

> **اگر کسی پرسد چرا خدای حکیم اولی‌الامر قرار داده، و به اطاعت آنان امر کرده است، جواب داده خواهد شد که به علل و دلایل بسیار چنین کرده است. از آن جمله این‌که چون مردم بر طریق معین و مشخصی نگه‌داشته شده و دستور یافته‌اند که از این طریقه تجاوز ننمایند و از حدود و قوانین مقرر درنگذرند و قوانین الهی را برپا نمی‌دارند، مگر در صورتی که فرامین با قدرت و پاسداری برایشان گماشته شود که عهده‌دار این امر باشد.**

و نیز حدیثی از **پیامبر اکرم(ص)** هست که می‌فرمایند:

الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرُّسُلِ[2]

یعنی:

فقها، امین و مورد اعتماد پیامبران هستند.

امام خمینی حدیث فوق را در صفحهٔ ۷۹ کتاب **ولایت فقیه** تفسیر نموده و می‌گویند: بنابراین:

الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرُّسُلِ

یعنی کلیهٔ اموری که به عهدهٔ پیامبران است، فقهای عادل موظف و مأمور انجام آنند. که امام در صفحهٔ ۷۷ همان کتاب وظیفهٔ انبیا را تنها رساندن مسائل و احکام به دست مردم از

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۶

در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوایِ داناست.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۴۶

مبدأ وحی نمی‌دانند، بلکه معتقدند:

در حقیقت محکم‌ترین وظیفهٔ انبیا(ع) برقرار کردن یک نظام عادلانهٔ اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد.

حضرت امام عصر مهدی موعود(عج) در سؤالی که از ایشان در مورد مشکلات امت اسلامی در غیبت کبری و راه‌حل آنها می‌پرسند، جواب می‌دهند:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا،
فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللهِ عَلَيْهِمْ...

یعنی:

در پیشامدها به کسانی رجوع کنید که حدیث ما را روایت می‌کنند؛
زیرا آنان حجت‌های من و من حجت خدایم.[1]

و حضرت **امام جعفر صادق(ع)** در حدیثی می‌فرمایند:

يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلاَلِنَا وَ حَرَامِنَا،
وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَماً فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِماً،
[فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللهِ،
وَ عَلَيْنَا رَدَّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللهِ][2]

یعنی:

در اختلاف به راویان حدیث ما که با حلال و حرام طبق قواعد آشنایند،
و احکام ما را طبق موازین عقلی و شرعی می‌شناسند،
رجوع کنند،
من کسی را که دارای چنین شرایطی باشد حاکم (فرمانروا) بر شما قرار دادم.[3]

پس چنان‌که از سخنان ائمهٔ اطهار(ع) و پیامبر اکرم(ص) برمی‌آید، در غیبت کبری ادارهٔ امور مسلمین در تمام زمینه‌ها به وسیلهٔ فقهایی است عادل و آشنا به احکام الهی.

۱- کتاب ولایت فقیه، ص ۸۸

۲- اصول کافی، ترجمهٔ کمره‌ای، ج ۱، ص ۱۹۷
متوجه شوند به یکی از شماها که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می‌داند و به حکمیت او راضی شوند که او را حاکم شماها مقرر ساختم و اگر طبق حکم ما قضاوت کند و از او نپذیرد (یعنی کسی که حکم بر ضرر او است) همانا حکم ما را سبک شمرده و ما را رد کرده و راد بر ما بر خدا رد کرده و این خود در مرز شرک به خدا است.

۳- نقل از کتاب ولایت فقیه امام خمینی، بخش شرایط فقیه.

همچنین در مورد **خصوصیات فقهای جامع‌الشرایط** روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که می‌فرمایند.

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفْسِه حَافِظاً لِدِينِه مُخَالِفاً عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوه[۱]

یعنی:

و اما از فقها که نگه‌دارندهٔ نفس، حافظ دین، مخالف هوای نفس،

و مطیع امر آقایش «امام عصر(عج)» باشند، بر عوام است که از آنها تقلید نمایند.

پس از احادیث و روایات بر می‌آید که ولی فقیه از جانب امام عصر«عج» نصب می‌شود و مردم با این همه مشخصاتی که برای ولی فقیه داده شده، آن را کشف می‌کنند، و عزل و نصب آن هم به دست مردم نیست و قبول و نفی آن نیز از مقامش کم نمی‌کند، زیرا گفتیم که ایشان را حضرت مهدی«عج» نصب می‌کنند و تا زمانی که مطیع اوامر ایشان باشند و حافظ دین ولی مسلمین هستند.[۲]

ج: رابطهٔ امت با ولی فقیه:

چنان‌که قبلاً یادآور شدیم، ولایت ریسمان محکم الهی است که از ابتدا تا انتهای خلقت تداوم داشته. لذا قرآن مجید تکلیف مسلمین را در این رابطه با این آیه بیان می‌کند:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُم[۳]

یعنی:

اطاعت و پیروی از رسول اکرم(ص) و امام و اولی‌الامر همان اطاعت از خدای تبارک و تعالی است. و برابر لسان ائمه(ع) و رهبر کبیر انقلاب اسلامی و سایر علمای اسلام خروج از امر ولی امر، همان خارج شدن از امر امام معصوم و پیامبر اکرم(ص) و نهایتاً خروج از ولایت الهی است.

«امام خودش در ۱۴، ۱۵ سال قبل گفت، اگر کسی ولی فقیه شد و تو در مقابلش موضع گرفتی ولایت بین تو و خدا واقع نمی‌شود.

شرط انعقاد ولایت بین فرد و خدا این است که در مقابل این ولایت نایستد.»[۴]

۱- بحارالأنوار(ط - بیروت)، ج ۲، ص ۸۸

۲- در این مورد همچنین رجوع شود به صفحات ۶۴ و ۶۳ کتاب ولایت فقیه استاد حائری شیرازی.

۳- سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۹

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

۴- کتاب ولایت فقیه استاد حائری شیرازی، ص ۳۷

در این‌جا مسأله‌ای که مطرح می‌شود، به این صورت است که **عده‌ای ناآگاهانه و عدهٔ دیگری از روی حب نفس و مغرضانه، بین پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ معصومین(ع) با فقهای عادل از نظر اختیارات حکومتی و... تفاوت قایلند.**

یکی از این جریانات، **نهضت مجاهدین خلق** است که بدین‌ترتیب بیان می‌کند، که ائمهٔ معصومین(ع) چون از هر گونه اشتباه مبری هستند، لذا اطاعت از آن لازم بوده و مقدور است، ولی **چون ولی فقیه معصوم نیست و در معرض اشتباهات و لغزش‌ها (نعوذ بالله) قرار دارد، لذا نمی‌شود با آنها برخورد تسلیمی کرده و از آنها اطاعت محض نمود** و بدین‌ترتیب معتقدند که **اسلام اصول مستقل از ذهنی دارد که رابطهٔ ما را با خدای خویش تعیین می‌کند** و ما با این اصول مستقل از ذهن با ولی‌فقیه برخورد می‌نماییم.

هر جا ولی فقیه با این چارچوبه یکی شد، قبول می‌کنیم و اگر یکی نشد، رد می‌نماییم!

همچنین معتقدند که چون هر کسی به نسبتی در حد خود به اصول مسلح است، به همان نسبت هم مقلد است و هم مقلد!!!

و مسألهٔ **مرجعیت**، به این شکل که **فردی بعد از طی کردن مراحل از صلاحیت‌های علمی، اخلاقی، اجتماعی، فقهی به عنوان مرجع شناخته می‌شود، کلاً از نظر اینها مردود بود.**

امام خمینی در مورد **اختیارات ولی امر در عصر غیبت** در صفحهٔ ۵۵ کتاب ولایت فقیه چنین می‌گویند:

> **«اگر فرد لایقی که دارای این ۲ خصلت باشد، به‌پاخاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم(ص) در امر ادارهٔ جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همهٔ مردم لازم است که از او اطاعت کنند.**
>
> **این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم(ص) بیشتر از حضرت امیر(ع) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است.**
>
> **البته فضایل حضرت رسول اکرم(ص) بیش از همهٔ عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر(ع) از همه بیشتر است. لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد.»**

در حقیقت شیوهٔ برخورد نهضت مجاهدین خلق با امامت فقیه جامع‌الشرایط در جمهوری اسلامی منفذ فراری است از حاکمیت امامت فقیه بر تشکیلات خودی، که آن هم فرار از حکومت الهی است. یعنی نهضت با این دید در شرایط مختلفی از حرکت‌های فقیه عادل، تحلیل‌های

مختلفی ارایه می‌دهد تا از پاشیدن تشکیلات خودی جلوگیری نموده و انسجامی هر چند یکی ۲ روزه را بر هواداران تحمیل نمایند.

نمونه‌های بارز این برخوردها را در اعتقادات نهضت مجاهدین خلق نسبت به انقلاب مشروطه، قیام ملی شدن صنعت نفت، جریان مجاهدین بنیان‌گذار سازمان، و در جمهوری اسلامی موضع‌گیری‌هایش در رابطه با خلع سلاح، قانون اساسی، جنگ و... می‌توان مشاهده کرد.[1]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/۴

۱- نهضت مجاهدین خلق و انقلاب مشروطه:

می‌دانیم که در جریان خیزش مشروطیت آیت‌الله شهید فضل‌الله نوری شعار مشروطه باید مشروع باشد، می‌دادند و معتقد بودند که باید مشروطه مشروع باشد به قوانین و احکام الهی اسلام؛ یعنی قانون اساسی که در تثبیت حکومتی انقلابی مشروطه باید نوشته شود، از روی قرآن و سنت رسول اکرم(ص) باشد.

جریان مخالفی از موضع ملی‌گرایی و ساده‌اندیشی در برابر قوانین اروپایی در برابر این شعار اسلامی شهید آیت‌الله نوری ایستادند و دست به تدوین قانون اساسی زدند، که از روی قوانین حقوقی اروپاییان جعل شده بود.

شهید نوری خود دربارهٔ قانون اساسی مشروطه می‌فرمایند:

«من در پشت این قانون، انگلیس را می‌بینم».

و نهایتاً چنان شد که شهید نوری پیش‌بینی کرده بود و از دل آن قانون رضاخان قلدر و نوکر انگلستان پا به عرصهٔ حکومت گذاشت.

امام خمینی در صفحهٔ ۱۰ **کتاب ولایت فقیه** در این مورد می‌فرمایند:

«وقتی می‌خواستند در اوایل مشروطه قانون بنویسند و قانون اساسی را تدوین بکنند مجموعهٔ حقوقی بلژیکی‌ها را از سفارت بلژیک قرض کردند و چند نفری که من این‌جا نمی‌خواهم اسم ببرم، قانون اساسی را از روی آن نوشتند و نقایص آن را از مجموعه‌های حقوقی فرانسه و انگلیس به اصطلاح ترسیم نمودند و برای گول زدن ملت بعضی از احکام اسلام را ضمیمه کردند.»

امام خمینی با بیاناتی نظیر سخنان بالا، موضع شهید نوری را تأیید کرده و آن را اسلامی‌ترین

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

موضع می‌دانند. اما **نهضت مجاهدین خلق** در جزوهٔ شرح مکتب، جلسهٔ ۴۱-۴۰ صفحهٔ ۸۱ دربارهٔ مشروطه‌طلبی و مشروعه‌خواهی معتقد است:

«در اوج مبارزات مشروطه سر و صدای مشروعه‌طلبی بلند شد و این‌که مشروطه با مشروعه در تضاد است.

طرفداران مشروعه عمدتاً ۲ دسته بودند،

– عده‌ای از موضع وابستگی به دربار و نجات شاه از سقوط، مشروع را در مقابل مشروطه علم کردند تا بین مردم و مشروطه‌طلب‌ها سستی و دودستگی ایجاد شده، سلطنت استبدادی تثبیت شود،

– دستهٔ دوم کسانی بودند که از روی مطلق‌اندیشی و ساده‌اندیشی طالب مشروعه بودند و می‌گفتند: ما نباید اصلاً سلطنت را به هر شکلی بپذیریم؛ بلکه باید مشروعه را برپا کنیم.

البته در نهایت اعمال این ۲ دسته به نفع سلطنت استبدادی و تضعیف مبارزین مشروطه تمام شد. حال اگر فرض کنیم شیخ فضل‌الله نوری از موضع مطلق‌اندیشی و ساده‌اندیشی این شعار را می‌دادند و نه از موضع دربار، از آن‌جا که مشروطه با سلطنت موروثی و حتی قانون اساسی مؤید سلطنت مخالف است، کسی باید خود را طرفدار شیخ نوری و مشروعه قلمداد کند که با سلطنت موروثی و قانون اساسی مخالف باشد.»

نهضت مجاهدین خلق با قبول جریان مشروطه‌طلب‌ها و آنهایی که قانون اساسی به سبک اروپایی را به نام قانون اسلام به خورد ملت اسلام دادند، خیلی زیرکانه معتقد است که مخالف شهید فضل‌الله نوری با مشروطه‌طلب‌ها از موضع تثبیت دربار و استبداد بوده است.

اختلاف تحلیل امام خمینی با نهضت مجاهدین خلق تا آن‌جاست که امام، شهید آیت‌الله نوری را نمایندهٔ اسلام شناخته که می‌خواست در راه اجرای احکام الهی اسلام مبارزه کند، ولی نهضت، ایشان را درباری و انگلیسی معرفی می‌کند.

انحراف نهضت مجاهدین خلق در این مطلب نهفته است که **آنها به قیام فقیه جامع‌الشرایط برای ایجاد حکومت اسلامی در عصر غیبت کبری ایمان نداشته و قوانین و احکام اسلام را در آن مقطع تاریخی ایران قابل اجرا نمی‌دانند.**

به طوری که در کتاب مکتب راهنمای عمل، صفحهٔ ۱۰۱ متن شمارهٔ ۲ آورده‌اند:

«شیخ فضل‌الله نوری که در زمان مشروطه صحبت از مشروعهٔ کامل می‌نمود، بدون این‌که نیروهای انقلابی بدان حد رسیده باشند، از نظر آیت‌الله نائینی مشروطهٔ سلطنتی

به طور تاکتیکی در مقابل استبداد سلطنتی مورد پذیرش قرار گرفت؛ گرچه او سلطنت را اسلامی نمی‌دانست، ولی در آن مقطع از تاریخ حرکتی بود انقلابی، و شیخ فضل‌الله می‌خواست بدون طی پروسه، قوانین شرع را کاملاً اجرا کند که خود عملی بود غیرشرعی و سازش‌کارانه.»

بدین‌ترتیب امام خمینی انحراف از قوانین اسلام در قیام مشروطه و خلع سلاح واقعی را زمانی می‌دانند که به جای قوانین اسلامی، مجموعهٔ حقوقی بلژیکی‌ها به خورد ملت داده می‌شود و آیت‌الله نوری اعدام می‌گردد و با این توطئه اسلام‌خواهی از صحنه کنار می‌رود. در صورتی که نهضت معتقد است که انحراف زمانی آغاز گردید که ستارخان خلع سلاح شد.

این‌جا ذکر این نکته ضروری است، کسانی که ستارخان را خلع سلاح کردند، با اسلام و شهید شیخ فضل‌الله نوری مخالف بودند و هیچ‌گونه تضادی با قانون اساسی مشروطه احساس نمی‌کردند و نهایتاً کسانی شیخ فضل‌الله نوری را شهید کردند که بعد در تشکیل مجلس شورا، رأی به نخست‌وزیری عین‌الدولهٔ خائن دادند و این‌گونه تیشه به ریشهٔ اسلام زدند.

۲- نهضت مجاهدین خلق و قیام ملی شدن صنعت نفت:

برای درک بهتر موضع نهضت مجاهدین خلق نسبت به قیام ملی‌شدن صنعت نفت بهتر دیدیم که قسمت‌هایی از صفحهٔ ۷ **کتاب ویژگی‌های انقلاب ایران** را عیناً نقل کنیم:

«دکتر مصدق با شعار ملی شدن نفت توانست یک بسیج توده‌ای به وجود بیاورد. یک حرکت فراگیر بر اساس شعار مشترک و واحد «نفت ملی» که تمام آمال و آرزوهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مردم در این شعار نفت ملی خلاصه می‌شد، به وجود آمد.»

و باز در جزوهٔ شرح مکتب **راهنمای عمل** جلسهٔ ۱۹-۱۸ صفحهٔ ۲۲ از جزوات نهضت مجاهدین خلق می‌خوانیم:

«به همین دلیل ما مشی او را (مصدق) پارلمانتاریسم نمی‌دانیم، بلکه مشی انقلابی، مشی تکیه بر توده‌ها می‌دانیم که به دمکراسی مکتبی نزدیک‌تر است.»

(تأکید از ماست).

ما می‌پرسیم:

- آیا نظرات امام با برداشت‌های نهضت مجاهدین خلق دارای بنیادهای ایدئولوژیک مختلفی نمی‌باشد؟

- آیا ریشهٔ این‌که مصدق غیرمکتبی ملی‌گرای مؤید سلطنت شاهنشاهی و تأییدکنندهٔ

قانون اساسی را مکتبی‌ترین فرد در آن مقطع دانستن، جز این است که نهضت مجاهدین خلق ضرورت اسلام و اجرای احکامش را تابع شرایط زمانی و مکانی می‌داند و **عمیقاً به قیام برای حکومت اسلامی در غیبت مهدی موعود«عج» معتقد نبوده و جاودانگی احکام الهی را قبول نمی‌کند و آنگاه تبیین غیراسلامی از ولایت دارد؟**

۳- نهضت مجاهدین خلق و فرمان خلع سلاح عمومی در جمهوری اسلامی:

به نظر ما بعد از درگیری‌های اولیهٔ کردستان و گنبد، **طرح مسألهٔ خلع سلاح از جانب امام و پی‌گیری آن توسط دادستانی انقلاب اسلامی** از ضروری‌ترین اعمال برای تثبیت نظام جمهوری اسلامی بود و خیلی از مسائل انقلاب را می‌توانست حل کند، به طوری که نه تنها **نهادهای جوشیده از بطن انقلاب مثل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته‌ها** تثبیت می‌شدند، بلکه امام خمینی با این آزمایش تاریخی **نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی را از نیروهای دشمن و برانداز** مرزبندی می‌نمودند. لذا می‌بینیم **بعد از فرمان امام در این مورد، نیروهای مؤمن به اسلام دسته دسته اسلحه‌هایشان را تحویل سپاه پاسداران و کمیته‌ها دادند، و در مقابل، تمامی نیروهایی که به نحوی در آینده مقابل انقلاب اسلامی ایستادند، اسلحه‌هایشان را تحویل ندادند.**

تحلیل نهضت مجاهدین خلق در آن زمان از تحویل ندادن اسلحه‌هایش به دولت جمهوری اسلامی این بود که چون پایگاه‌های امپریالیسم آمریکا در ایران فعالند و امکان دارد در آیندهٔ نزدیک کودتایی در ایران روی دهد، لذا برای دفاع از منافع انقلاب، باید اسلحه‌هایمان را حفظ نماییم!

نهضت مجاهدین خلق در جزوهٔ خواست‌های خود از مجلس خبرگان که در شهریور ۵۸ منتشر شد، در صفحهٔ ۸ آورده است:

«۴ - بسیج عمومی - قانون اساسی باید صراحتاً موضع خود را در مقابل توطئهٔ خلع سلاح و چگونگی حمل سلاح توسط مردم مشخص نماید.»

نهضت مجاهدین با این تفکر ضداسلامی در **کتاب شیوهٔ برخورد و جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع** صفحهٔ ۱۰ می‌نویسد:

«چرا جنبش ملی مجاهدین می‌خواست سلاح‌های خود را تحویل دولت آقای بازرگان دهد و از این امر سخت دفاع می‌کرد. حتی در برخوردهایی که داشتند، موضع اعلام شدهٔ ما را دایر بر محکوم کردن خلع سلاح از جانب آذری قمی به باد انتقاد گرفته و آن را چپ‌روی می‌دانستند.»

این‌جاست که می‌بینیم **نهضت مجاهدین خلق** رجوی خائن را راست و سازش‌کار قلمداد

کرده و تلویحاً می‌گوید:

- نباید اسلحه‌هایتان را به جمهوری اسلامی تحویل دهید.

اسلحه‌هایی که بعداً سینه‌های بهترین یاران امام و حزب‌الله را نشانه رفتند.

باز در جزوهٔ جمعهٔ سرخ صفحهٔ ۵ از نشریات نهضت مجاهدین خلق می خوانیم:

«... و سپس خلع سلاح گروه‌های سیاسی را مطرح کردند. البته در اوج جریانات پاوه و به طور مبهم از تمام گروه‌ها خواستند نه‌تنها تمامی سلاح‌های خود را تحویل دهند، بلکه تمامی ساختمان‌هایی را هم که غصب کرده‌اند، تخلیه نمایند.

خلع سلاح که ایشان (آذری قمی) می‌گویند، ۲ حالت دارد:

۱- خلع سلاح مردم و گروه‌های مبارز، مسلمان، ملی و ضدامپریالیست.

۲- خلع سلاح ضدانقلابیون.»

آیا مگر گروه‌های ملی و ضدامپریالیستی که نهضت مجاهدین خلق مخالف خلع سلاح آنهاست، جریان‌هایی نظیر منافقین خلق، کومله، فداییان، دمکرات‌ها، پیکار و... نبوده‌اند؟

ما در **فرمان خلع سلاح عمومی از جانب امام خمینی** و پی‌گیرش از جانب **دادستان کل انقلاب** باز **۲ جریان را رودرروی همدیگر** دیدیم که از اول انقلاب عمیقاً با هم در تضاد بودند:

- جریان اول که همان **مردم حزب‌الله و همیشه در صحنهٔ شهید پرورمان** هستند، که با برخوردی تسلیمی و **اطاعت محض از فرمان امام** که از اعتقادشان نسبت به **اسلام فقاهت و امر ولایت** سرچشمه می‌گیرد، اسلحه‌هایشان را تحویل **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته‌های انقلاب اسلامی** دادند.

- دستهٔ دوم همان **روشنفکران با بینش‌های التقاطی شرقی غربی** هستند که با برخوردی تحلیلی در مقابل امام و **توجیه ذهنیات خویش و با چپ‌نمایی‌هایی نظیر انقلاب در خطر است** و... در مقابل توده‌های ایثارگر ایستادند.

جالب است بگوییم طیف‌های مختلف ضدانقلاب نظیر ساواکی‌ها، سرمایه‌داران، فئودال‌ها، حزب خلق مسلمان و... هم در زیر پوشش توجیهات روشنفکرانهٔ این گروه‌ها، اسلحه‌هایشان را تحویل نداده و سینه‌های فرزندان اسلام را با آنها نشانه رفتند.

۴- نهضت مجاهدین خلق و قانون اساسی جمهوری اسلامی:

در مورد **قانون اساسی**، نهضت مجاهدین خلق از جمله گروه‌هایی است که با برداشت‌های پیچیده **در مقابل ولایت امر ایستاد و بدان رأی مثبت نداد.**

علت رأی ندادن نهضت به این امر مهم **در ۲ محور اساسی** یعنی **اصل ولایت فقیه و اصل مالکیت در قانون اساسی** خلاصه می‌شد.

در مورد اصل اول به شرط پذیرش ولی فقیه از طرف عامهٔ مردم و همچنین نقش شورای نگهبان و مجلس خبرگان در انتخابات امام بعدی،[۱] و در مورد اصل دوم به خدا مالکی و رد مالکیت شخصی (کار مالکی) و نیز پاره‌ای نارسایی‌های این اصل تأکید شده است.

بدین‌ترتیب نهضت از دادن رأی مثبت به قانون اساسی خودداری کرده و **ندای "هل من ناصر" امام عزیز** را که فرمودند:

«قانون اساسی خون‌بهای شهیدان است. و من از شما ملت عزیز عاجزانه تقاضا دارم که رأی مثبت بدهید.»

به این قانون به طریق پیچیده‌ای بر زمین زدند. حال منظور ما این نیست راجع به قانون اساسی که امام فرمودند:

«من هیچ‌گونه انحراف از اسلام در آن نمی‌بینم.»

بحث نماییم. یا این‌که انحرافات نهضت را بررسی کنیم.[۲] لیکن چیزی که مطرح است، این‌که **ما باید از ولی امر بعد از آن‌که او را شناختیم، اطاعت کرده، فرمایشات ایشان را اجرا کنیم.**

از نهضت مجاهدین خلق می‌پرسیم:

– شما چطور خود را معتقد به ولایت فقیه می‌دانید، در حالی‌که این امر صریح امام را اجرا نکرده‌اید؟[۳]–[۴]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۵

۵ – نهضت مجاهدین خلق و جنگ اسلام و کفر:

با تبیین مکتبی امام خمینی از تجاوز وحشیانهٔ رژیم بعثی عراق که فرمودند:

«این جنگ، جنگ اسلام و کفر است.»

سیل خروشان امت حزب‌الله به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل سرازیر گردید. ملت ایثارگر ایران با درس گرفتن از سرور شهیدان امام حسین(ع) و با یادآوری حماسه‌های

۱– اعلامیهٔ نهضت راجع به قانون اساسی به تاریخ ۵۸/۹/۷

۲– در مورد انحرافات نهضت از مکتب اسلام در موارد ذکر شده و سایر موارد را به وقت دیگری موکول می‌کنیم.

۳– در بخش شیوه‌ها بحث مفصل روی قانون اساسی آمده است.

۴– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

کربلا در نوحه‌هایش در اوایل جنگ چنان عمقی به برداشت‌های اسلامی خود از نبرد اسلام علیه کفر داد که انگیزه‌های متعالی‌اش به حول و قوهٔ الهی باعث آزادی کربلا و قدس عزیز خواهد شد. و ملت شهیدپرور در روزهای اول جنگ با اجتماع در مساجد تهران و شهرستان‌ها پیوند عمیق شهدای جنگ تحمیلی را با شهدای کربلا، در قالب سرودها و نوحه‌ها یادآور شده و با بسیج عمومی از مساجد دوباره خاطرات صدر اسلام را که مسجد سنگر و محل سازماندهی غزوات حضرت محمد(ص) بود، زنده نمود. و در این ایام، **آقای لطف‌الله میثمی** گفته بود:

«اولاً این جنگ، جنگ نفت است، و رژیم نفتی عراق برای تشکل جبههٔ ضدانقلاب داخلی به نواحی نفتی ما حمله کرده است تا آنها را از ایران جدا نماید.

ثانیاً چون ارتش ایران همانند حکومتی است که هم جذب نیرو می‌کند، هم طبقه‌ای پشت‌سر خویش دارد و... لذا با این حمله عراق خواسته است ارتش جمهوری اسلامی را به قدرت رسانده تا در مقابل نهادهای انقلاب اسلامی دست به تعرض بزند»!

و در تحلیلی که از ارتش عراق می‌کردند، می‌گفتند:

«ارتش بعث عراق چون سازماندهی‌اش روسی و سوسیالیستی است و از طرف دیگر رگه‌های عمیق ضدصهیونیستی دارد، لذا از ارتش ما (ارتش جمهوری اسلامی) که دارای سازماندهی آمریکایی است، مترقی‌تر است!»

نهضت مجاهدین خلق قبل از این‌که همچون توده‌های شهادت‌طلب بتواند خود را با خواست و آمال امام خمینی منطبق نموده و همچون ایشان تحلیلی کاملاً اسلامی و به دور از بافته‌های روشنفکری و ذهنی از جنگ نماید تا اولاً باعث فزونی ایمانش به نبرد اسلام و کفر شده و ثانیاً برداشت‌های خویش را در نتیجهٔ تسلیم به تحلیل‌های امام عمیق‌تر گرداند، دنبال بهره‌جویی‌های سیاسی از این تجاوز شیطانی به میهن اسلامی بود؛ که ذیلاً توضیح می‌دهیم.

الف: علل شرکت نهضت مجاهدین خلق در جنگ اسلام و کفر

عمده‌ترین علت‌های شرکت نهضت مجاهدین خلق را در جنگ اسلام و کفر، به قرار زیر خلاصه می‌کنیم:

۱- نهضت معتقد است که یکی از عوامل رفتنش به جبهه این بوده که:

- «ببینیم ایدئولوژی ما چقدر درست است، و چقدر ذهنیت داریم، چقدر ایدئولوژی ما قابل پیاده شدن و قابل تحقق است، آیا برادرانی که به جبهه می‌روند، می‌توانند نیاز خود و افراد آن‌جا را درک کرده و برآورده سازند؟ آیا دست و پای خود را گم نمی‌کنند و یا در معادلات سیاسی، نظامی خودباخته می‌شوند

و خود را گم می‌کنند.»[۱]

و در این رابطه است که نهضت مجاهدین خلق همیشه می‌گفت:

«ما موتور محرک خط امام، سپاه، بسیج در جنگ هستیم، وکاری که ما در جنگ کرده‌ایم، سپاه هم نکرده است»!

۲- کادرسازی: نهضت مجاهدین خلق معتقد بود که از این به بعد چون مکتبی‌ترین نیروهای خط امام در جبهه‌ها شرکت خواهند کرد، لذا باید عضوگیری و کادرسازی ما در جبهه‌ها باشد.

۳- تثبیت سیاسی خویش از وضع خون شهیدانی که هوادار نهضت بودند، و سوءاستفاده از خون آنها.

۴- تثبیت نظامی خویش.[۲]

۵- سوءاستفاده‌های اطلاعاتی، نظامی، تسلیحاتی، مخصوصاً در اوایل جنگ.[۳]

ب: سیر اجمالی از مواضع درونی نهضت مجاهدین خلق:

در اوایل تابستان ۱۳۶۰ سپاه پاسداران منطقه غرب کشور طی تحولاتی که برای حملهٔ گسترده و وسیع انجام می‌داد، افرادی همچون برادران شهید پیچک، وزوائی و... را به عنوان فرماندهان جبهه‌های غرب تعیین کرد. همراه این تغییر و تحولات درونی **سپاه پاسداران غرب کشور**، نهضت مجاهدین خلق تحلیلی ارایه داد، بدین صورت که، نیروهای رزمندهٔ موجود در جبهه‌ها را به ۲ جریان تقسیم نمود:

- جریان اول را خط جنگ و حمله.
- و جریان دوم را خط فرسایش و رکود جبهه‌ها قلمداد می‌کرد و معتقد بود:

«حاصل حرکت‌های جریان دوم در جبهه‌ها می‌توان به مثلثی تشبیه نمود که یک بازوی آن تثبیت جریان‌های انحرافی در جبهه‌ها همچون انجمن حجتیه و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و ارتش در جوّ سکون جبهه‌هاست!

بازوی دیگرش شیوهٔ جنگ فرسایش؛ و بازوی سوم آن حاکم شدن رفاه و نهایتاً خط سازش است!! و بدین‌وسیله جریان‌های انحرافی یادشده با این تغییرات می‌خواهند جریان

۱- راه مجاهد، شمارهٔ ۷

۲- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خط‌مشی عمدهٔ نهضت این بود که خود را بتواند در خط امام به عنوان یک نیروی سیاسی – نظامی تثبیت کند؛ رفتن به گنبد، ساواک‌گیری و... که جنگ هم در همین مورد بوده است.

۳- اگر نهضت مجاهدین خلق ادعای کذب این مطالب را بنماید، حاضریم انواع سوءاستفاده‌ها را و تاریخ، محل و افراد سوءاستفاده‌چی را رسماً اعلام کنیم.

شهرها را عمده کرده و نیروهای رزمنده را به شهرها بازگردانند.»

نهضت مجاهدین معتقد بود که این توطئه‌ها! خط فرماندهان ارتش و **بخشی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** می‌باشد، که **سپاه پاسداران با تحویل دادن بخشی از محورهای جنگی به ارتش و خارج کردن نیروهای بسیجی از آن، سازش را که همان خط فرسایش است، با صدام نزدیک‌تر کرده و این خط در درون سپاه پاسداران می‌رود تا حاکمیت خویش را اعمال نماید.**

از مهم‌ترین نمودهایی که همراه این تحلیل‌ها به هواداران تشکیلاتی خویش می‌داد، این بود که می‌گفتند بعد از آمدن برادرانی همچون شهید پیچک، وزوائی و سایرین، بچه‌های حزب‌اللهی و هواداران نهضت مجاهدین در گیلان‌غرب تصفیه شده، و این جریان می‌خواهد اول ما را تصفیه کند، بعداً خود را تثبیت نماید!!!

مرکزیت نهضت مجاهدین می‌گفت:

«مردم مشتاق جنگ هستند، ولی این مثلث شوم با عملکردهای ضدانقلابی خویش جوّ بسیج به سوی جبهه را شکسته و عوض سازماندهی این توده‌ها به خط مقدم، انگیزه‌های متعالی‌شان را سرکوب می‌کند.»

در تاریخ ۱۱ شهریور سال ۶۰ حمله‌ای در دشت‌ذهاب، قراویز و ارتفاع ۱۱۰۰ صخره‌های بازی‌دراز انجام گرفت که متأسفانه موفقیت‌آمیز نبود.

مرکزیت نهضت مجاهدین از ضربهٔ ۱۱ شهریور برای انسجام دادن هواداران خویش حول تحلیل‌های یادشدهٔ بالا استفاده کرده و می‌گفت:

«چون سپاه محورهای جنگی را به ارتش سپرده و نیروهای مردمی را از جبهه‌ها بیرون کشیده!! لذا این شکست طبیعی است!»

البته چنان‌که در محور منافقین (رجوی) و نهضت مجاهدین خلق خواهیم گفت بازگویی این تحلیل‌ها زمانی بود که منافقین و سایر گروه‌های ضدانقلاب حملات وسیع خود را در شهرها علیه اسلام شروع کرده و هر روز یاران امام را شهید می‌کردند، و این برداشت‌های ذهنی و غیر اسلامی این را می‌رساند که **سپاه پاسداران** در جبهه‌ها عوض جنگیدن با صدام کافر می‌خواهند اذهان امت شهیدپرور را از جبهه‌ها به شهرها متوجه کرده و با تصفیه‌های غیراصولی خویش!! جو حمله و یورش را علیه کافران به حالت سکون و سازش مبدل سازند!!

به نظر ما **این‌گونه مطالب در اوج ترور یاران امام خمینی بهترین راه گریز مرکزیت نهضت مجاهدین خلق از ندای اعتراض هوادارانی بود که معتقد بودند باید حزب‌اللهوار با منافقین در خیابان‌ها درگیر شد.** ولی مرکزیت با این‌گونه تحلیل‌های ضداسلامی اذهان هواداران را از ورشکستگی

سیاسی خویش و مبارزه با منافقین ضدخلق به دروغ‌ها و تهمت‌هایی در مورد تحول درونی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منحرف نمود.[۱]

ج: بررسی موضع‌گیری درونی نهضت مجاهدین خلق از حملهٔ آبادان:

برادرانی که خود در جبهه‌های آبادان و دارخوین بودند، معترفند که مرکزیت نهضت مجاهدین خلق حملهٔ آبادان را توطئه‌ای از جانب فرماندهان ارتش و سپاه دانسته و علل مخالفت خویش را چنین مطرح می‌کردند:

۱- حمله توطئه‌ای است از جانب شهید فلاحی که می‌خواهد با شکستن حصر آبادان و راندن نیروهای عراق به غرب کارون، بین نیروهای خودی در شرق و دشمن در غرب آن، مرز آبی ایجاد نماید که این مرز آبی باعث می‌شود بعداً حمله‌ای در جبههٔ فوق انجام نگیرد و سکون در جبهه‌های جنوب حاکم گردد.

۲- نیروهای بسیج چون ۱روز قبل از حمله به جبهه و خط مقدم آورده می‌شوند، لذا نمی‌توانند جبهه‌ها را بشناسند و ذاتی از این جبهه‌ها باشند.

۳- شناسایی در محورها کامل نیست.

۴- جبههٔ آبادان مراحل کمی و کیفی حملهٔ وسیع و گسترده را طی نکرده است.

۵- میدان‌های وسیعی از مین وجود دارد که شناسایی نشده و جمع‌آوری نگردیده است. لذا شرکت در این حمله خودکشی نیروهاست.

۶- این حمله چون توطئهٔ ارتش است، لذا خط تثبیت جنگ کلاسیک با سلاح‌های سنگین را در پی دارد.

نهضت مجاهدین خلق بعد از فتح بزرگ در حملهٔ آبادان برای فریب اذهان هواداران شروع به دادن تحلیل‌هایی در جهت این‌که ما حمله را قبول داریم، و شیوه‌های آن را می‌پذیریم و نظایر آن، کرد؛ ولی چیزی نگذشته بود که حملهٔ بستان در جنوب و به دنبال آن حملهٔ وسیع مطلع‌الفجر در غرب پیش آمد و این‌بار نیز به علت اصالت بیش از حد به خودشان از جنگ اسلام و کفر عقب ماندند. و جالب این‌که حملهٔ مطلع‌الفجر را در غرب افرادی فرماندهی کردند که

۱- لازم به توضیح است که بعد از این حمله (۱۱ شهریور) بنا به مطالبی که ذکر شد، مرکزیت برای ایجاد تنفر هواداران خود از سپاه پاسداران و نیز عدم همکاری با ارگان‌های انقلاب اسلامی تحلیلی مبنی بر توطئه‌های درونی سپاه پاسداران تحت جزوه‌ای درونی به نام «شهرام، بهرام، درون سپاه» تدوین نمود که در آن به اصطلاح خودشان آمده بود:

– جریان انحرافی درون سپاه پاسداران کودتایی (نظیر کودتای سال ۵۴ بر سازمان مجاهدین از طرف تقی شهرام و بهرام آرام) را تدارک می‌بیند تا ارگان‌های انقلابی علی‌الخصوص سپاه را به سمت امیال خود سوق دهد.

نهضت مجاهدین خلق ماه‌ها علیه آنها تهمت زده و دروغ بسته بود. و به دنبال همین خودبینی و منیت بود که نتوانستند تحلیلی اصولی از حملات فتح‌المبین و بیت‌المقدس ارایه داده و در آن شرکت نمایند. و حتی با مطرح کردن سؤالاتی در راه مجاهد شمارهٔ ۶ صفحهٔ ۱۴ اصالت حملهٔ فتح‌المبین را به زیر علامت سؤال کشیدند.[۱] و نهایتاً دیدیم تشکیلاتی که روزی با علم کردن جنگ به عنوان عمل صالح زمان سعی در توجیه و سرپوش نهادن روی اعمال خلاف اسلامی‌اش می‌نمود، قبل از حملهٔ فتح‌المبین باقی‌ماندهٔ اعضای خود را از جبهه‌ها به شهر فراخواند.

ما معتقدیم وارد شدن در هر عملی بدون تسلیم اصولی به امامت جامعه و اظهار استقلال در مسائل مکتبی، باعث می‌شود که جریاناتی هم‌چون نهضت مجاهدین خلق چنین نوساناتی کرده و حتی به نهادهای خودِ ولایت نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دادگاه‌های انقلاب اسلامی و... و فرماندهانی که اولی‌الامر تأییدشان نموده است، مارک زده و توطئه‌گر قلمداد کنند.

وارد شدن نهضت مجاهدین خلق در جنگ اسلام و کفر بدون درک اصولی رابطهٔ امام خمینی و خود، باعث شد که به جز منافع تشکیلاتی و اصول خویش، چیز دیگری را ندیده و دست به همکاری در جهت محکم کردن پایه‌های تشکیلاتی خود در جبهه‌ها بزنند.[۲]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۶

به قلم گروهی از هواداران سابق (شاخهٔ تبریز)

نهضت مجاهدین خلق و انقلاب اسلامی

نهضت مجاهدین خلق، **انقلاب اسلامی ایران** را همیشه در رابطه با حرکت و **تحلیل‌های بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین** بررسی می‌کرد، که **گویا حرکت‌های مردم پیش‌بینی‌های بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق است** که ما عین تحلیل را از **کتاب ویژگی‌های انقلاب ایران** صفحهٔ ۱۲ و ۱۳ می‌آوریم:

«...در سال ۴۷ اعلام می‌کند که ما صلاحیت پیدا کردیم که استراتژی خلقی! ارایه

۱–سؤالات نهضت در مورد فتح‌المبین اینها بودند:
۱– به اندازهٔ کافی نیرو برای حفاظت مناطق آزادشده داریم یا نه؟
۲– آیا توان مقابله با ضدحمله‌های عراق را داریم یا نه؟
۳– آیا اصل استمرار از شهر به جبهه‌ها و از جبهه‌ها به خط مقدم وجود دارد یا نه؟ (نقل از راه مجاهد، شمارهٔ ۶، ص ۱۴).
ما در جواب این سؤالات می‌گوییم:
از جمله در فتح‌المبین بسیج مردم حزب‌اللهی به سوی جبهه‌ها به قدری بود که علاوه بر دفع بزرگ‌ترین ضدحمله‌های دشمن در همان جبهه‌ها، ۴۰ روز بعد حملهٔ وسیع‌تری انجام گرفت که باعث آزادی خونین‌شهر شد.

۲– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

بدهیم و استراتژی آنها هم استراتژی مسلحانه بود.

در سال ۴۹ مجاهدین پس از ۳-۲ هزار ساعت فکر کردن به این نتیجه می‌رسند که باید در تهران یک قیام شهری راه بیندازند و هدف از این قیام شهری این بود که ثبات کمپرادوری رژیم را بشکنند و ارتش داخل شهر بیاید و با مردم برخورد کور بکند و وقتی ارتش با مردم برخورد کور کرد، توده‌ها بسیج می‌شوند و طبعاً پیشتاز به منطقه می‌رود و آن‌جا شروع به عمل می‌کند.

بعد در سال ۵۴ مجاهدین ضربه می‌خورند، ولی خط‌مشی‌شان در اجتماع باقی می‌ماند، به علت این‌که رئالیستی بود و از پیش‌بینی صحیحی برخوردار بود.»

و با تحلیلی خاص توسط نهضت مجاهدین از قیام تبریز، همان ثبات‌شکنی توجیه می‌شود. لذا در کتاب **قیام ثبات‌شکن تبریز** صفحهٔ ۲۶ می‌نویسند:

«... با گسترده شدن دامنهٔ قیام و خارج شدن کنترل شهر از دست نیروهای امنیتی، ارتش مجبور به دخالت و برخورد کور با مردم شد.

این امر نشان‌دهندهٔ شکستن ثبات رژیم در جریان قیام شهری بود، که در واقع تحقق استراتژی مجاهدین می‌شد.

قیام ۲۹ بهمن تبریز نشان داد که این پیش‌بینی یک پیش‌بینی رئالیستی بود و سازمانی که آن موقع این‌طور پیش‌بینی کرده بود، واقعاً پیشتاز خلق بود. چرا که خط‌مشی بیانگر آرزوها و نیازهای اصیل خلق بوده است.»

در این تحلیل به خوبی روشن است که امام و روحانیت مبارز (امامت حرکت‌های مردم) بعد از ۱۵ خرداد، در قیام‌های مستمر شهرها عملاً دنباله‌رو جریان مجاهدین خلق قلمداد شده و در این رابطه **آقای میثمی** می‌گفت:

«بعد از قیام تبریز بود که امام به جمع‌بندی مرگ بر شاه رسید و من فکر می‌کنم که ۲۹ بهمن تبریز امام را امام کرده»!!

از این استدلالات به خوبی پیداست **این جریان، روحانیت را فقط به عنوان پلی در راه رسیدن به هدف، آن هم زیر چتر مجاهدین خلق می‌داند.** چنان‌چه در همان کتاب صفحهٔ ۴۹ بعد از اثبات به اصطلاح پیشتازی مجاهدین در قیام تبریز، در مورد روحانیت این‌گونه سؤال می‌کند:

«آنهایی که می‌گویند رهبری قیام ۲۹ بهمن تبریز در دست روحانیت بود، باید جواب دهند کدام جناح از روحانیت، رهبری قیام ۲۹ بهمن را به عهده داشت و به آن فتوا داده بود؟»

ما جواب می‌دهیم:

اولاً قیام کمرشکن سلطنت در تبریز در اربعین شهدای قیام قم و آن هم به رهبری روحانیت، در پی تهمت و توهین به مقام مرجعیت و ولایت امام خمینی برپا شد.

ثانیاً در خود حرکت، نقش رهبری‌کنندهٔ روحانیت کاملاً مشخص است و توفان مردم از آن‌جا شروع می‌شود که سروان حق‌شناس معدوم به مردمی که برای برگزاری اربعین شهدای قم به مسجد قزلی آمده بودند، می‌گوید:

«در طویله را ببندید (نعوذ بالله)»

و باز می‌بینیم مردم در این‌جا با دید ولایتی که دارند، به شهید قاضی طباطبائی مراجعه کرده که ایشان در جواب می‌گویند:

«مساجد ما طویله نیست، بلکه سینماها، ادارات، عرق‌فروشی‌ها و... شما طویله است».

که مردم همهٔ این مراکز را به آتش می‌کشند.

ثالثاً این نوع برخورد با مردم و رهبریت قیام نمی‌تواند اسلامی باشد. چرا که **از شعار مرگ بر شاه به ولایت امام خمینی رسیدن خود نوعی سیاسی‌کاری و یا قبول ولایت در شرایط خاصی از جامعه است.** در حالی که شعارهای مردم مسلمان تبریز در روز ۲۹ بهمن جواب دندان‌شکنی به این‌گونه تفکرهاست که فریاد می‌زدند:

«الله‌اکبر لااله‌الاالله،

درود بر خمینی خمینی خمینی خدا نگه‌دار تو

بمیرد بمیرد دشمن خون‌خوار تو»

این جریان در مسیر انقلاب اسلامی دید غلط گذشتهٔ خود را از آن اصلاح نکرده، بعد از پیروزی انقلاب شروع به تکثیر و انتشار کتب خود از جمله کتاب مکتب راهنمای عمل کردند.

هدف اصلی آنها از این عمل این بود که معتقد بودند:

«جریان انقلاب اسلامی در دست طبقهٔ خرده‌بورژوازی سنتی (سنت محوری) است که یکی از عمده‌ترین نقاط ضعف آن نداشتن مکتب منسجم می‌باشد و از خصوصیات خرده‌بورژوازی ایران که نوع سنتی آن انقلاب را ادامه می‌دهد، نداشتن مکتب راهنمای عمل است و ما با دادن این کتاب خواهیم توانست حرکت‌های انقلاب را مرزبندی کرده و عدم انسجام‌های خط امام را حل کنیم.»



طبق همین جملات، بینش اینها نسبت به امام نیز کاملاً مشخص می‌گردد.

اعضای نهضت مجاهدین خلق بر محور همان برداشت‌هایی که از جریان انقلاب اسلامی داشتند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در برخورد با ارگان‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و مردم مسلمان بر اساس تحلیل خاصی که آن را مسألهٔ نهضت و نظام می‌نامیدند، برخورد می‌کردند.

در همین رابطه مردم حزب‌الله، قسمت‌هایی از سپاه، بسیج، جهاد سازندگی و... را جزو نهضت اسلامی می‌شمردند که به ادعای اینها، دارای پویایی و حرکت دایمی بوده و بخش‌های دیگر حرکت جمهوری اسلامی را همچون دولت، مجلس شورای اسلامی، و نیز بعضی از بخش‌ها و افراد ارگان‌های انقلاب را نظام جمهوری اسلامی می‌نامیدند؛ که آن را فاقد جوشش درونی دانسته و حرکت انقلاب را ناشی از نهضت اسلامی فرض کرده، و هر گاه یکی از نهادهایی که اینها نظامش می‌نامیدند، همچون دولت و مجلس کاری انقلابی انجام می‌داد، گفته می‌شد تحت تأثیر نهضت اسلامی قرار گرفته است.

بر اساس همین برداشت‌ها معتقد بودند که ما با نظام جمهوری اسلامی نمی‌توانیم کار کنیم و فقط با حفظ اصول در رابطه با نهضت اسلامی می‌توانیم فعال شویم.

یکی از عناصر بالای مرکزیت در مورد مطرح کردن این‌که آیا ما نباید در ارگان‌های انقلابی و یا در دولت جمهوری اسلامی شهید رجائی همکاری نزدیک داشته باشیم، در جواب گفته بود:

«جریانات مخالف می‌خواهند ما را با حذف در این‌گونه حرکت‌ها، به داخل نظام کشیده و چون ما توان زیادی نداریم، از کار تشکیلاتی خودمان غافل می‌شویم و این توطئه‌ای علیه ماست.»

در همین رابطه نهضت مجاهدین خلق شخصیت‌های انقلاب اسلامی را تقسیم‌بندی‌های کاذبی کرده بود که مثلاً فلان کس متعلق به نظام است و اکثر کسانی که با نهضت مجاهدین خلق مخالف بودند، از این‌گونه مارک‌ها در امان نبودند. به عنوان مثال آقای میثمی در جواب سؤالی از طرف اعضا تحت این عنوان که چرا پیش امام نمی‌روید تا کسب تکلیف بکنید؟ گفته بود:

«اگر امام گفت بروید با حزب جمهوری اسلامی یا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی همکاری کنید، شما خواهید رفت؟»

و حتی آقای میثمی ملاقات با امام خمینی را اگر از کانال شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی صورت می‌گرفت،[1] قبول نمی‌کرد و دلیل آن را عدم اعتقاد شهید بهشتی به مبارزهٔ مسلحانه

۱- نهضت مجاهدین در تحلیل‌هایش شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی را جزو نظام محسوب می‌کرد.

در رژیم شاه خائن می‌دانست و یا هیچ‌وقت حاضر نبودند تحلیل‌های خود را از کانال شهید بهشتی که از یاران صدیق امام بودند، به اطلاع رهبر کبیر انقلاب اسلامی برسانند. و در این رابطه می‌گفت:

«اگر از حزب جریان شهید آیت و ضدبهاییت را تصفیه کنند، ما با آنها همکاری می‌کنیم!»

و یا:

«اگر سپاه پاسداران ضدبهاییت را تصفیه کند، ما به سپاه خواهیم رفت.»

نکتهٔ قابل توجه این است که اینها با دید خاص خود در مورد شخصیت‌های درونی ارگان‌ها قضاوت می‌کردند و چه بسا افرادی وابسته به انجمن حجتیه نبودند، ولی از جانب اینها مطرود شده بودند. و این‌چنین بود که در سایهٔ برداشت‌هایی از افراد و مسئولین امور، عدم همکاری خود را با نظام جمهوری اسلامی توجیه می‌کردند. یا در مورد ندادن رأی مثبت به قانون اساسی از این شیوه‌ها استفاده کرده، می‌گفتند: امام چون هم در رأس نهضت اسلامی و هم در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار دارد و بعضی از موضع‌گیری‌ها را نمی‌توانند بکنند، و با وجود این‌که از قانون اساسی راضی نیستند، نمی‌توانند به آن رأی ندهند، ولی ما چون در داخل نهضت اسلامی هستیم، حرکت‌های آزادتری می‌توانیم بکنیم. و در این‌جا در حقیقت به خواست قلبی امام عمل کرده‌ایم.»

و این را همچون رابطهٔ علی(ع) با ابوذر می‌دانستند که امام علی(ع) مجبور به سکوت بود، ولی ابوذر با استخوان شکسته بر سر کعب‌الاحبار نمایندهٔ معاویه می‌زد. ولی این‌جا بدیهی‌ترین نکات را نمی‌توانستند ببینند. چرا که اولاً ابوذر زیر چتر ولایت علی(ع) قرار داشت و به هیچ عنوان نص صریح قیام امام علی(ع) را زیرپا نمی‌گذاشت. در حالی‌که امام خمینی صریحاً فرمودند که من در این قانون، انحرافی از اسلام نمی‌بینم و در ثانی قانون اساسی که امام خمینی آن را اسلامی خواند، نمی‌توان به کعب‌الاحبار و معاویه تشبیه نمود، ولی بابِ توجیه آقایان، هر کجا که می‌خواستند باز بود.

برای باز شدن هر چه بیشتر مطلب لازم دیدیم تا جریان دیگری را در این رابطه یادآور شویم.

اعضای نهضت مجاهدین خلق را از جبهه، به علت بعضی برخوردها و سوءاستفاده‌ها[1] بیرون کرده و در شهرهای مناطق جنگی تحت نظر داشتند. چگونگی این جریان از آقای میثمی

۱–سوءاستفاده‌ای که منجر به خیانت علنی از طرف مرکزیت نهضت مجاهدین نسبت به انقلاب اسلامی شد.

سؤال شد، پاسخ دادند:

- ستارخان انقلاب را دستگیر کرده‌اند!!

ما در این‌جا سؤال می‌کنیم:

- این حرف و این استدلال از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

- خلع‌سلاح‌کنندگان ستارخان در مشروطه چه کسانی بودند؟

آیا برادران رزمنده و پاسدار ما در جبهه‌های اسلام علیه کفر در ردهٔ مستبدین مشروطه به حساب می‌آیند؟

برادرانی که صداقت خویش را با خون دادنشان در جبهه‌های اسلام و کفر اثبات کرده‌اند، این توجیهات جز خودبینی و خودمحوری چه چیز دیگری می‌تواند باشد؟

«با دیدهٔ خودبین نتوان دید خدا را».

اشکال عمده‌ای که این بینش با فرمایشات امام از بنیاد دارد، عبارت است از این‌که این دیدگان، نهضت و نظام جمهوری اسلامی را مجرد از هم و به عنوان دو پدیده‌ای که با هم تعابدی در حد انقلاب و ضدانقلاب دارد، می‌بینند. در حالی‌که امام خمینی بارها فرموده‌اند:

«مردم، دولت، مجلس و... همه ید واحدند.»

و یا:

«حفظ نظام جمهوری اسلامی از حفظ یک شخص، ولو امام زمان(عج) باشد، واجب‌تر است.»

و یا:

«همکاری با این دولت (دولت برادر موسوی) واجب شرعی است.»

و امثال این جملات از امام خمینی زیاد است.

نهضت مجاهدین خلق و انقلاب فرهنگی

یکی از نقاط عطف انقلاب کبیر اسلامی، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، که عملاً به دژ ضدانقلاب تبدیل شده بودند، است؛ که این حرکت مستقیماً مورد تأیید امام و سایر علمای اسلام قرار گرفت. اما نهضت مجاهدین با توجه به مشی برخورد سیاسی و ضدامپریالیستی دانستن گروه‌های ضدانقلاب که همواره خواستار اتحاد اصولی! بین نیروهای ضدامپریالیست!! گردیده بود، در این حرکت نیز برخورد خط امام با این گروه‌ها را محکوم کرده و گفتند:

«در اذهان این توهم را ایجاد کرده بود که سمت‌گیری سازمان دانشجویان مسلمان

در جهت طرح پاک‌سازی گروه‌ها مصوبهٔ شورای انقلاب و دکتر بنی‌صدر است...

آغاز حرکت مقارن با موضع‌گیری شدید ضدگروهی بعضی از عناصر سازمان دانشجویان مسلمان گشته و عملاً نوک پیکان حملاتشان به سوی گروه‌های دانشجویی بود (شعارهای انحرافی و...). لذا در حال حاضر ما از دانشجویان مسلمان انتظار داریم که جهت زدودن این توهمات از ذهن گروه‌ها در خط ضدامپریالیستی امام (ضامن وحدت اصولی تمام نیروهای مترقی) حرکت کرده و مرزبندی‌های قاطع‌تری با انحرافات شورای انقلاب و دکتر بنی‌صدر ایجاد کنند»[1]

و یا در اطلاعیهٔ نهضت دانشجویان مسلمان آمده است:[2]

«...این جریان با کشاندن حرکت به سوی درگیری‌های قهرآمیز گروه‌ها و منتسب کردن این امر به دانشجویان مسلمان قصد دارد حرکت اصیلی را که تغییر نظام آموزشی و بسیج دانشجویان به درون روستاها و توده‌هاست، به انحراف کشانیده...»

این مطالب درست زمانی مطرح می‌گردد که **گروه‌های دانشجویی ضدانقلاب و یا به قول نهضت مجاهدین خلق نیروهای مترقی!!! از دانشگاه‌ها سنگر درست کرده و با تیربار و مسلسل، به سوی مردم شلیک می‌کردند.** و این نیروهای مترقی!! جز نمایندگان سازمان‌های محاربی چون پیکار، فداییان، راه کارگر، منافقین، رزمندگان، آرمان مستضعفین و... در درون دانشگاه‌ها نبودند؛ که البته ماهیت و عملکرد آنها چه قبل از انقلاب فرهنگی و چه بعد از آن بر همه مشخص است و نیازی به توضیح نیست.

نهضت مجاهدین مبارزه با چنین گروه‌هایی را که ماهیت آمریکایی دارند، محکوم نموده و حتی در ادامهٔ اطلاعیهٔ دانشجویان راه مجاهد تبریز جریاناتی که می‌خواهند نیروها را به ضدیت با مارکسیست‌ها سوق دهند، نیز محکوم گردیده‌اند و تا آن‌جا پیش رفته‌اند که می‌گویند:

«ما حرکت‌های فاشیستی حمله به دانشگاه‌ها نظیر حملهٔ تانک به دانشگاه زاهدان و کشتار دانشجویان تهران و اهواز و رشت را محکوم نموده و این حرکت‌ها را ناشی از سوءاستفاده و سیاست‌های انحرافی دکتر بنی‌صدر و شورای انقلاب و همچنین چپ‌روی‌های آنارشیستی بعضی نیروها (خط تقی شهرام) می‌دانیم و از سازمان دانشجویان مسلمان خواستار موضع‌گیری رسمی در قبال این حرکت‌ها هستیم تا در تشدید تضادهای درونی و انحراف جلوگیری شود.»

۱- به نقل از اطلاعیهٔ دانشجویان راه مجاهدین تبریز

۲- لازم به یادآوری است که هر ۲ اعلامیهٔ ذکر شده در بخش نهضت مجاهدین خلق و انقلاب فرهنگی مرکزیت نهضت مجاهدین نوشته بود و رسماً می‌توان موضع مرکزیت تلقی کرد.

جالب توجه است که اولاً اینها ضدانقلابیون را جزء تضادهای داخلی جامعهٔ اسلامی ما فرض کرده و در ثانی عملیات آمریکایی آنان را فقط چپ‌روی قلمداد کرده، که البته در این صورت اصول حرکت گروه‌های ضدانقلاب محکوم نشده، بلکه فقط مقداری تندروی در حرکت از جانب آنها دیده شده است. ولی دفع حرکات آمریکایی و تروریستی این ضدانقلابیون از جانب شورای انقلاب و ارگان‌های اسلامی فاشیستی قلمداد می‌شود!

و در انتهای اطلاعیهٔ نهضت دانشجویان مسلمان راه‌حلی به دانشجویان انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویی پیشنهاد می‌گردد که:

«توقف نظام آموزشی وابسته، نه تعطیل دانشگاه، نه ضدیت با گروه‌ها.»

که معنی این طرح آن است که درهای دانشگاه باز باشد و ضدانقلابیون نیز در آن حضور داشته و روی شیوه‌های انقلاب فرهنگی اسلامی بحث بشود!![1]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۷

برخورد نهضت مجاهدین خلق با ارگان‌های جمهوری اسلامی

الف: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نهضت مجاهدین خلق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به همان دید کلی خویش که احیای راه بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین می‌باشد، به ادامهٔ کارش در رابطه با تداوم انقلاب اسلامی می‌اندیشید و با همین خط‌مشی بود که به حفظ تشکیلات خود بیشتر از همه‌چیز اصالت می‌داد.

بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، اعضای نهضت در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دخالت می‌کنند و قسمت‌هایی از دادستانی انقلاب تهران را هم در دست می‌گیرند.

و حتی در این رابطه عده‌ای از ساواکی‌ها را هم مستقلاً محاکمه و به قول خودشان اعدام می‌کنند. تا وقتی که از جانب مقامات مملکتی می‌خواهند به سپاه، که جریانات مختلفی در آن وارد شده بود، سر و سامانی بدهند. اینها را تصفیه می‌کنند و نکتهٔ جالبی که در طول فعالیت اینها در سپاه مطرح است، همان مسألهٔ **حفظ تشکیلات در درون سپاه و کار گروهی** می‌باشد! **حتی وقتی در جریان اغتشاشات گنبد با سپاه همکاری می‌کنند، بعد از مدتی در جمع‌بندی که داشتند می‌گویند: «ما از نظر تشکیلاتی عقب مانده‌ایم»** و با این تحلیل کلیهٔ نیروهای خود را از

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

منطقه به تهران فرا می‌خوانند.

در جنگ اسلام و کفر هم که با حفظ همین تشکیلات گروهی شرکت می‌کنند، به اعضایشان صریحاً می‌گویند که اگر جبهه رفتن شما باعث قطع رابطهٔ تشکیلاتی‌تان با ما بشود، بهتر همان است که به جبهه نروید، و بدیهی است در رابطه با محورهای سابق **در برخورد با تشکیلات سپاه پاسداران نیز همان سیاسی‌کاری و دور بودن از روح ولایت باز دامن‌گیر اینها شده است،** چرا که:

- **اولاً** سپاه را به عنوان یک تشکیلات بدون این‌که در نظر بگیرند **مستقیماً با ولایت فقیه مربوط است،** حساب کردند.

- **ثانیاً** همان دید **اصالت مبارزه را که در مورد رهبری انقلاب داشتند، به سپاه نیز تعمیم دادند.** مثلاً **یکی از اعضای سطح بالای نهضت مجاهدین خلق** می‌گفت:

«ما فرمانداری سپاه را در این جنگ قبول داریم.»

که نظیر این جمله در ابتدای مقدمهٔ **مکتب راهنمای عمل** آمده است که می‌گویند:

«درود بر امام خمینی، در بسیج مرگ بر شاه.»

و می‌بینیم که هدف اینها در همکاری با سپاه در جبهه‌های خون‌بار غرب و جنوب چیزی به جز حفظ تشکیلات خود در درون سپاه پاسداران و از این طریق گسترش افکار خود در میان انقلابیون مسلمان و در نهایت تداوم راه مجاهدین نمی‌باشد. و در همین حال **اگر افرادی از برادران سپاه احیاناً به اینها اعتراض می‌کردند، با شیوه‌های غیراسلامی شروع به پرونده‌سازی علیه آنها و رجوع به سابقهٔ آن برادر پاسدار می‌کردند،** تا هر جوری که شده نقطه‌ضعفی در او پیدا کنند، و این مخالفت را به وی وصل کنند. که ما **این نوع برخوردهای خلاف اسلام را چند بار در طول جنگ و خصوصاً در یک مورد برخورد با سپاه و فرماندهی آن در جبهه‌های جنوب و بار دیگر در غرب کشور در رابطه با برادرانی که بعداً شهید شدند، شاهد بودیم.** و حتی در یک مورد **یکی از اعضای سابقه‌دار نهضت مجاهدین خلق** گفته بود:

«کسانی که در سپاه با ما مخالف هستند، یا جاهلند که ما را به خوبی نمی‌شناسند و یا خائن هستند که با ما مخالفت می‌کنند»!!

یکی دیگر از **شیوه‌های غیراسلامی** را که به **سپاه پاسداران** نیز تعمیم می‌دادند، **تقسیم‌بندی‌های کاذب بر محور همان تحلیل نهضت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی** بود. که **فرماندهان سپاه را تقسیم کرده و آنها را متعلق به یکی از ۲ جریان نهضت اسلامی یا نظام جمهوری اسلامی می‌دانستند.** مثلاً معتقد بودند که **بخش اطلاعات سپاه متعلق به نظام است و قابل تأیید نیست.** در حالی که **عملیات سپاه تا حدود زیادی متعلق به نهضت اسلامی است.**

و یا بعداً در تابستان سال ۱۳۶۰ تحلیل داشتند که **کل جریان ضدانقلاب اسلامی را به یک مثلثی تشبیه می‌نمودند** که **۳ بازوی آن** عبارت بودند از:

۱- روحانیت غیرمکتبی.

۲- منافقین خلق (رجوی).

۳- جناح انجمن حجتیه.

و در درون سپاه پاسداران با این پیش‌داوری به دنبال به اصطلاح نمایندگان این مثلث می‌گشتند و عمدتاً کسانی نمایندهٔ این جریان‌ها قلمداد می‌شدند که با نهضت مجاهدین خلق مخالف بودند.

قابل ذکر است که بعد از افشای چهرهٔ کریه بنی‌صدر و رجوی، مرکزیت معتقد بود که دیگر نمی‌توان آنها را به عنوان ضدانقلاب اصلی در درون جامعه معرفی کرد. بلکه اصلی‌ترین ضدانقلاب آنهایی هستند که هنوز چهرهٔ منافقانه داشته و در داخل سپاه و دادگاه‌ها نفوذ دارند، و برای مثال از جریان انجمن حجتیه اسم می‌بردند.

توجه شود به این‌که این تحلیل موقعی مطرح می‌شود که انفجار در درون حزب جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته و امام فرمان داده بود که منافقین را امت حزب‌الله معرفی کنند، و مرکزیت نهضت مجاهدین خلق با این‌گونه تحلیل‌ها می‌خواست جریان مبارزه علیه منافقین و بنی‌صدر را در درون نهضت سرکوب نماید.

ب: برخورد با دادگاه‌های اسلامی

از جمله نهادهایی که نهضت مجاهدین خلق به آن حساسیت داشت، دادگاه‌های انقلاب اسلامی بود. با وجود این‌که دادگاه‌های انقلاب مستقیماً زیر نظر خود ولایت و نمایندگانش و حاکم شرع بود، اینها همواره با شک و تردید به عملکرد دادگاه‌ها نگاه می‌کردند، مثلاً در **محاکمهٔ افراد دستگیر شدهٔ گروه فرقان** یکی از اعضای بالای نهضت گفته بود که:

«حاکم شرع دادگاه اسلامی صلاحیت محاکمهٔ اینها را ندارد، چون اینها صادقند! و فقط انحراف افکار دارند! و در محاکمهٔ تقی شهرام خائن بزرگ، به همین توجیه شرکت نکرده و محاکمه را علیه مجاهدین تلقی می‌کردند!

و یا در برخورد با محاکمهٔ منافقین این مسأله مشخص‌تر شد که نهضت مجاهدین با وجودی که اکثر کادرهای بالای منافقین را می‌شناخت، در معرفی آنها قدمی برنداشت و حتی وقتی افراد در درون تشکیلات فشار آورده بودند که چرا با دادگاه همکاری نمی‌کنی؟ مرکزیت نهضت برای این همکاری با دادگاه شروط زیر را قرار داده بود که:

اولاً باید سپاه ما را مسلح بکند تا تأمین جانی داشته باشیم و بی‌سیم و سایر وسایل تدارکاتی در اختیار ما بگذارد.

ثانیاً محاکمهٔ افراد دستگیرشده به عهدهٔ خود ما باشد و خودمان در درون زندان با دستگیرشدگان برخورد سیاسی ایدئولوژیک بکنیم. چون این دادگاه‌ها صلاحیت ندارند، و افراد منافقین (رجوی) هم در درون آنها نفوذ کرده‌اند.

البته دادگاه انقلاب اسلامی به این شروط جواب مثبت نداد و بالطبع آنها تکلیف شرعی خود را انجام ندادند.

یا در توجیه این عدم همکاری آقای میثمی می‌گفت:

"چون افراد رجوی در داخل دادگاه‌ها نفوذ کرده‌اند، بیشتر کادرهای پایین منافقین خلق را به کمک جریان نفوذی انجمن حجتیه اعدام کرده و کادرهای بالا را رها می‌کنند."»

برای ما معلوم نشد که منشأ این اخبار کذب و خلاف اسلام از کجاست! و در کجا چنین اعمالی انجام یافته است؟...

با همین بدبینی نسبت به دادگاه‌ها می‌گفتند:

«اعدام سعادتی توطئهٔ بزرگی بود که به وسیلهٔ جریانات ضدانقلاب همچون انجمن حجتیه و عناصر نفوذی منافقین اجرا گردیده است.»

چرا که باقی ماندن سعادتی به رجوی ضربه می‌زد، یعنی این توطئه‌ای بود که رجوی منشأ آن بود و دادگاه اسلامی با علم به آن، شریک جرم محسوب می‌شد!!!!

بدین‌ترتیب تا آن‌جا پیش رفتند که **موجودیت دادگاه انقلاب اسلامی نیز کم‌کم زیر علامت سؤال قرار می‌گرفت**. و حتی بعد از این توجیهات می‌گفتند که دادگاه تبدیل به نظام شده و نفوذ مثلث شوم در آن بسیار زیاد است و ما نمی‌توانیم با آن همکاری کنیم!

ادامهٔ همین تعلیمات، یا بهتر بگوییم توجیهات، **کشته شدن موسی خیابانی خائن را نیز توطئهٔ مشترک رجوی و دادگاه می‌دانست.**

آن هنگام **یکی از اعضای مرکزیت** گفته بود:

«چون موسی در سازمان منافقین موضع مستقلی داشته، بدین‌وسیله رجوی او را که در حقیقت رقیبی برایش بود، از میان برداشت».

در این‌جا معلوم نیست که چرا:

- اولاً رجوی همسر و چند تن دیگر از افراد برجستهٔ سازمان را هم به کشتن داد؟
- و ثانیاً چرا بعد از این اتفاق گفته بود که این ضربه، از ضربهٔ سال ۵۰ بزرگ‌تر است؟

گرچه از شخص رجوی خائن تا این حد هم بعید نیست، ولی **این‌گونه به اصطلاح اندیشه‌های نهضت مجاهدین خلق که بیشتر شایعه است، هدفی جز بی‌اعتبار کردن دادگاه انقلاب اسلامی و کم کردن ارزش کار برادران پاسداری که ماه‌ها موسی خیابانی را تعقیب می‌کردند، و در نهایت پایمال کردن خون شهید دهنوی نیست.**

و این‌چنین است برخورد نهضت مجاهدین با سایر ارگان‌های جمهوری اسلامی که ما نیازی به ذکر آنها نمی‌بینیم.

برخورد نهضت مجاهدین خلق با گروه‌های ضدانقلابی

سیل خروشان امت اسلامی و آهنگ انقلاب به قدری سریع و با عظمت بود که اکثریت گروه‌های ضدانقلاب را در مدت بسیار کمی درهم شکسته و نشان داد که اگر مسلمین بخواهند با قدرت اسلام با کفار و منافقین مقابله کنند، آنها بسیار زودتر از آن‌که فکر می‌کنند محو و نابود خواهند شد.

در چنین شرایطی **برخورد نهضت مجاهدین خلق با ضدانقلاب داخلی، برخوردی سازشکارانه و همراه با مماشات بوده است.**

ابتدا به سخن **آقای میثمی دربارهٔ حزب‌الله** که در خارج از کشور ایراد کرده و ریشهٔ سازش با گروه‌های ضدانقلاب از همان‌جا مشهود است، نظر می‌افکنیم.

(نقل از **کتاب ویژگی‌های انقلاب** صفحه ۸۴-۸۳ تحت عنوان **حزب فقط حزب‌الله – رهبر فقط روح‌الله**):

> **«ولی از این نظرش بد بود (شعار فوق) که گاهی از این شعار سوءاستفاده می‌شد در جهت محو کردن تشکیلات دیگران. در صورتی که تشکیلات‌هایی که مدت‌های زیادی با هم روابطی دارند، در شرایط سخت بهترین مقاومت را می‌توانند در مقابل امپریالیزم و ارتجاع داخلی بکنند و هیچ دلیلی ندارد که تشکیلات دیگران نفی بشود.»**

البته بر هر صاحب عقلی روشن است که این تشکیلات‌های مبارز! و سابقه‌دار!! جز سازمان‌های پیکار، فداییان، مجاهدین خلق، احزاب دیگری نمی‌توانند باشند. و با این جملات مشخص می‌شود که مجاهدین خلق و فدایی‌ها که در زمان رژیم شاه خائن روابط بسیار نزدیکی داشتند، بعد از پیروزی انقلاب هم باید همان روابط را داشته باشند!

باز در سال ۵۸ در **جزوه‌ای که به مجلس خبرگان فرستاده‌اند**، تحت عنوان **حداقل خواست‌های ما از مجلس خبرگان** می‌نویسند:

> **«آیا قطع آزادی بیان و ابراز عقیدهٔ گروه‌ها، آن هم بدون ملاک، از طرف دولت و**

مراجع مسئول قدمی در جهت عمل به نظر یک گروه خاص نیست؟

آیا وحدت جامعه را به خطر نمی‌اندازد؟»

برای ما مفهوم دفاع از آزادی بیان و عقیدهٔ گروه‌های ضدامپریالیستی وقتی روشن می‌شود که آنها را از سوی نهضت مجاهدین خلق می‌شناسیم. به طوری که در صفحهٔ ۳۶ **کتاب ۲ شیوهٔ برخورد ما و جنبش ملی مجاهدین (رجوی) با ارتجاع در مورد ریاست جمهوری رجوی** می‌خوانیم:

«مثلاً اگر در مجلس شورای ملی خلع سلاح کردن نیروها بیشترین آرا را به دست می‌آورد، آقای رجوی به عنوان ریاست جمهوری حاضر بودند جنبش ملی مجاهدین را با توجه به وجود امپریالیسم در ایران خلع سلاح کنند؟»

این‌جا جای سؤال است که:

- ایشان چگونه از خلع سلاح کردن کسانی که اسلحه‌ها را مستقیماً به جانب سپاه، کمیته‌ها و تمامی نهادهای جمهوری اسلامی گرفته‌اند، ناراحت هستند و این وحدت که حول محور مبارزهٔ ضدامپریالیستی است و ایشان از به خطر افتادن آن می‌ترسد، چگونه وحدتی است؟

در جاهای دیگر به **نظریات صریح‌تر آقای میثمی در رابطه با گروه‌ها** برخورد می‌کنیم. مثلاً در **کتاب تازیانهٔ تکامل** صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۴ در جواب سؤالی که در مورد **مارکسیسم در ایران** شده است، ایشان شرح مبسوطی داده و می‌گویند:

«مارکسیست‌ها در ایران ۳ دسته می‌شوند و این تقسیم‌بندی هم برحسب این‌که به تضاد تئوری و تجربه چگونه نگاه می‌کنند، می‌باشد...

یک دسته از مارکسیست‌ها جانب تئوری را گرفته‌اند، و حاضر نیستند ویژگی‌ها و واقعیات جامعهٔ ما را ببینند... اینها دسته‌ای هستند که به آنها دگماتیسم یا دترمینیسم می‌گوییم.

دستهٔ دوم آنهایی هستند که نماد تئوری و تجربه را به نفع تجربه حل می‌کنند و می‌گویند: هرچه در عمل باشد؛ باید عمل کرد (امپریست‌ها) که ۲ دسته هستند. ۱ دسته که عشق به توده‌ها دارند... این دسته از مارکسیست‌ها چون عشق به توده‌ها دارند، می‌آیند و این جریان را تأیید می‌کنند، ولی عیب‌شان این است که دست از تئوری‌شان برداشته و اگر تئوری را یک روز کنار بگذارند، پس‌فردا هم از اعتقادشان دست برمی‌دارند. دستهٔ دوم امپریست‌ها کسانی هستند که فرصت‌طلبانه وارد حرکت شده که عقب نیفتند و این دسته فرصت‌طلبانه عمل می‌کنند و حتی تئوری‌شان را هم موقتاً کنار می‌گذارند.

دستهٔ سوم که صادق هستند، از یک طرف تئوری خود را رها نمی‌کنند و معتقدند که اینها دستاوردها و جمع‌بندی‌های تاریخی و ۵ دورهٔ تاریخ است. این را دست راست

گرفته‌اند و با دست چپ هم واقعیت جامعه را تحلیل می‌کنند. تئوری را در رابطه با تجربه می‌خواهند بارور کنند.

این دسته به نظر من مارکسیست‌های صادقی هستند که به آسانی دست از اصول خود برنمی‌دارند و نه دل از واقعیت تاریخی جامعه می‌کنند و به هر دو معتقدند و من فکر می‌کنم این دسته صادق‌ترین نیرو در بین مارکسیست‌ها هستند.»

ایراداتی که از نظر ما در همان وحلهٔ اول مشخص می‌شود، مسائل زیر است:

اولاً در این‌جا دید غلط سیاسی‌کاری با اصالت صرف به مبارزه که قبلاً شرح دادیم نیز در تفکر آقای میثمی حاکم است و کلاً ایشان بر محور مبارزه با سلطنت، امپریالیسم و صهیونیسم سعی دارند به هر شکل که شده، عده‌ای از مارکسیست‌ها را به صف صدیق انقلاب اسلامی وارد کنند.

ثانیاً ایشان در این‌جا تئوری مارکسیسم را به نسبت زیادی تأیید کرده‌اند (جملات بالا مطالبی در مورد دستهٔ سوم) و معتقدند که این تئوری اگر همراه با واقعیات جامعهٔ ما حرکت کند، می‌تواند دوشادوش انقلاب اسلامی به پیش رود! در حالی که با اعتقادات خود این مارکسیست‌ها حتی آنهایی که به قول ایشان صادقند و یک دست نیز تئوری را گرفته‌اند، مذاهب از جمله اسلام را به عنوان افیون توده‌ها و نظایر آن تلقی کرده و اینها همواره برخورد ستیزجویانه با اسلام و مسلمین داشته‌اند و اگر گروه‌هایی از مارکسیست‌ها در مقابل انقلاب اسلامی نرمش نشان می‌دهند، همان فرصت‌طلبانی هستند که خود آقای میثمی هم جزو دستهٔ دوم آنها را آورده است.

سیر تاریخی تمامی گروه‌های مارکسیستی در ایران کاملاً مؤید این نظر است.

ثالثاً در عبارات فوق ملاک صداقت که همان حفظ تئوری مارکسیسم در برابر انقلاب عظیم اسلامی است، قابل تأمل است.

رابعاً در اسلام افعال عبادی و سیاسی و تمام جزییات زندگی هر فرد مسلمان در رابطه با ولایت آن فرد مطرح است و مارکسیست‌ها از بنیاد با این رکن اساسی اسلام بیگانه‌اند، چرا که نه به خدا و نه به پیامبر و نه به امامان معصوم و بالطبع نه به ولی فقیه دوران امام خمینی می‌توانند معتقد باشند و به تعبیر قرآن مجید و متون اسلامی اصلاً مبارزات این افراد بیهوده است و آن کسی می‌تواند ادعای شرکت در عمل صالح زمان را بکند که مقدمتاً جهت ولایتش مشخص شده باشد.[1]

۱- لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللهِ فَيُوَالِيَهُ وَ يَكُونَ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللهِ جَلَّ وَ عَزَّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ

یعنی:

اگر مردی شب‌ها تا صبح بیدار بماند و تمام عمر را روزه بگیرد، نه فقط ماه رمضان را و تمام اموالش را در راه خدا صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج برود، در حالی که ولایت ولی خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، این‌چنین آدم هر آن‌چه که انجام داده است، بیهوده، و بی‌ثمر و خنثی است.... «نقل از ص ۹ کتاب ولایت، استاد خامنه‌ای»

حال با توجه به مطالب بالا که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایراد گردیده است، عملاً نیز **نهضت مجاهدین خلق مشی سازش‌کارانه‌ای را که مستقیماً از همین برداشت‌ها بیرون می‌آید، با مارکسیست‌ها داشته است.**

مثلاً زمانی که **خط امام و ایثارگران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کردستان دسته‌دسته سر بریده شده و انواع شکنجه از قبیل سوزاندن، مثله کردن و... در موردشان اعمال می‌شد** تا آن‌جا که امام فرمودند: "تا کی باید این جوانان ما مظلوم شهید بشوند." و بعد از چند ماه از انقلاب گذشته بود که امام فرمان بسیج عمومی علیه ضدانقلاب در کردستان را صادر فرمودند.

جریان نهضت مجاهدین خلق نه تنها در هیچ‌کدام از این مقاطع برخورد عملی با ضدانقلاب در کردستان نکرد، بلکه بعد از گذشت ماه‌ها و تسلیم ضدانقلاب در اکثر روستاها و شهرها در کردستان فقط اکتفا به یک برخورد سیاسی کرده و جزوه‌ای به نام "تحلیل کردستان" چاپ کردند که در آن‌جا محور عمدهٔ حمله‌شان ساواکی‌ها و فئودال‌های منطقه بود. و باز به نسبت زیادی **خیانتکاران مارکسیست به عنوان ارایه کنندهٔ استراتژی جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی فراموش شده بودند.**

چنان‌که خود آقای میثمی در **شرحی بر مکتب راهنمای عمل** جلسهٔ ۱۰-۹ صفحهٔ دوم می‌گوید:

«اگر می‌بینیم که مأموران دولتی و ارتش و سایر گروه‌های دیگر در کردستان اشتباه می‌کنند، به این علت است که آنها نیروهای اصلی انقلاب نبوده‌اند.

نیروهای مترقی آن‌جا نبایستی اینها را به حساب جریان اصلی انقلاب بگذارند و به اصطلاح با جریان امام نبرد مسلحانه بکنند. در صورتی که جریان‌های دیگری مثل فئودال‌ها بودند که با آنها می‌توانستند نبرد مسلحانه بکنند.»

می‌بینیم علاوه بر این‌که مارکسیست‌های علیه امام خمینی، نیروهای مترقی معرفی می‌شوند، از آنها خواسته می‌شود تا مبارزهٔ خود را علیه فئودالیسم شروع کنند تا به خط امام تضاد اصلی کردستان را نشان دهند! و بر محور مبارزهٔ فئودالیسم با همدیگر متحد شوند!!!! و یا در خرداد ۱۳۶۰ که گروه‌های ضدانقلاب عملیات تروریستی خود را به داخل شهرهای بزرگ کشیدند، **جریان نهضت در شیراز** جزوه‌ای به نام **مترقی‌نما اما راست** در مورد تحلیل از سازمان خائن پیکار چاپ کرد و در آخر جزوهٔ مزبور تنها به جملاتی اکتفا کرده بود که گویا سازمان تروریستی پیکار با نصیحت آنها به صراط مستقیم باز خواهد گشت و آن این‌که:

«به امید تجدیدنظر بنیادی در خط‌مشی و اصول پیکار باز کردن گوش و چشم و دیدن توطئه‌های امپریالیسم.»

ضمناً **یکی از اعضای مرکزیت نهضت مجاهدین** در مورد سؤال‌های بچه‌ها که:

- چرا ما در این مقطع که پیکار خود را با تمام انحرافات و خیاناتش نشان داده است، باید شیوهٔ برخوردمان سیاسی باشد؟

جواب می‌داد:

«ما اول باید سیر سیاسی ایدئولوژیک خودمان را علیه پیکار به اتمام برسانیم و سپس با او درگیری همه‌جانبه حتی نظامی داشته باشیم.»

و آخر بر ما معلوم نشد که این سیر در کجا به امام خواهد رسید؟![1]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۸

منافقین خلق (رجوی) و برخورد نهضت مجاهدین خلق (میثمی) با آنها

حال می‌پردازیم به برخورد نهضت مجاهدین خلق با سازمان منافقین خلق (رجوی).

ابتدا این نکته را تذکر می‌دهیم که چون نهضت مجاهدین خلق خود را تداوم‌دهندهٔ راه مجاهدین خلق می‌دانست و خط‌مشی مجاهدین همان‌طور که قبلاً نیز ذکر گردید، از نظر اینها مشروعیت کامل داشت و آقای رجوی از این زاویه منحرف از خط مجاهدین اولیه بود، محکوم می‌کردند. چنان‌که در **کتاب ۲ شیوهٔ برخورد ما و جنبش ملی مجاهدین (منافقین) با ارتجاع** صفحهٔ ۶۰ در جواب اعلامیهٔ رجوی می‌گویند:

«امیدواریم اعضا و هواداران صادق جنبش ملی مجاهدین که گمان می‌کنند راه محمد، اصغر، سعید، را می‌پیمایند، شیوهٔ کثیف مارک زدن به منظور قلب حقایق را کنار گذاشته و حقایق جامعهٔ ما را دریابند.»

از این‌جا مشخص می‌گردد که راه بنیان‌گذاران سازمان از نظر آقای میثمی کاملاً صحیح بوده و انحراف جنبش ملی مجاهدین (رجوی) تنها عدول از این راه است و در این رابطه بود که **اینها بارها در جاهای متعددی می‌گفتند که تنها کسانی که ضربهٔ ۵۴ را جمع‌بندی کرده باشند، می‌توانند به جریان رجوی انتقاد کنند.** که در این میان کسی جز (نهضت مجاهدین خلق) این عمل را انجام نداده است.

در مقدمهٔ **کتاب تازیانهٔ تکامل** می‌خوانیم:

«ما مبارزهٔ صرفاً سیاسی ایدئولوژیک خودمان را تحت عنوان "این تذهبون" با این جریان انحرافی راست ادامه خواهیم داد. هر گونه انتقاد مبتذل و افشاگری‌های مبتذل و حملات به دفاتر و مقرهای آنها و توهین به اعضای آنها را محکوم می‌کنیم.»

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

این سطور درست هنگامی نوشته می‌شد که امت حزب‌الله در کوچه و خیابان با این منافقین ضداسلام درگیر بود و یا زمانی است که اینها در امجدیه حملهٔ خود را به لانهٔ جاسوسی شروع می‌کنند که توطئهٔ بزرگی علیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود. به طوری که نهایتاً **امام خمینی** فرمودند:

«این دست آمریکاست.»

با وجود این، نهضت تنها مسأله را در حد مبارزهٔ سیاسی ایدئولوژیک خلاصه کرده و حتی روش برخورد حزب‌الله را با الفاظی نظیر «مبتذل» محکوم می‌نماید و حتی کار را به آن‌جا می‌کشند که در کتاب ۲ شیوهٔ برخورد ما و جنبش ملی مجاهدین (رجوی) با ارتجاع صفحهٔ ۴۵ می‌نویسند:

«در سال ۵۱ ساواک اطلاعیه‌ای در روزنامه‌ها منتشر کرد مبنی بر این که علت تخفیف مجازات آقای رجوی از اعدام به حبس ابد همکاری او با ساواک در مراحل بازجویی بوده است.

کسانی که در نشر و پخش و شایعه کردن این اطلاعیه دست دارند، بدانند که آگاهانه یا ناآگاهانه در خط ساواک کار می‌کنند.»

و این جملات درست مصادف بود با افشاگری مدارکی دال بر همکاری رجوی خائن با ساواک منحله توسط حزب‌الله.

یادآور می‌شویم که اعضای بالای نهضت مجاهدین خلق در درون تشکیلات از قول آقای میثمی این همکاری را بیان نموده و آن را خبری درونی تلقی می‌کردند. ولی، پخش همان مطالب را از جانب حزب‌الله درست نمی‌دانسته و محکوم می‌کردند. چرا که به قول این آقایان، حزب‌الله تحلیلی جامع از ضربهٔ سال ۵۴ بر سازمان مجاهدین را ارایه نداده است. و اینها هم که تحلیل مشخص داشتند، بنا به مصالحی موفق به پخش آن نبودند که به نظر ما این مصالح به غیر از جلوگیری از زیر سؤال قرار گرفتن اصل سازمان مجاهدین خلق، نمی‌توانست باشد. اینها در عین حال که مرز تهمت به برادران حزب‌اللهی را تا مرز ساواکی بودن گسترش می‌دهند، در ادامهٔ همان جملات در **مقدمهٔ کتاب تازیانهٔ تکامل** می‌نویسد:

«تقاضای مقطعی و محدودمان این است که جنبش ملی مجاهدین (رجوی) نیز از مارک‌های بی‌محتوا و گاه خود محتوا دست بردارند، تا زمینهٔ دوقطبی شدن جامعه و چپ و راست غیرمنطقی فراهم نشود. اگرچه ما همیشه خواهان مرزبندی مشخص بین چپ و راست واقعی که همان حق و باطل باشد، هستیم.»

توضیح این که **جریان رجوی خود سردمدار دوقطبی کردن کاذب جامعه و حتی تهمت وابستگی**

زدن به ارگان‌های امام و انقلابیون مسلمان بود و خود نیز ماهیتی جز وابستگی به خط امپریالیست‌ها نداشت.

در برخوردهای نهضت مجاهدین خلق با جریان آمریکایی رجوی همواره نوعی مماشات و سازش‌کاری به چشم می‌خورد. مثلاً در ابتدای پیروزی انقلاب، نهضت مجاهدین خلق با پس دادن ساختمان‌ها و خلع سلاح مخالف بود که نمونهٔ بارز آن در جزوهٔ جمعهٔ سرخ صفحهٔ ۵ آمده است که قبلاً ذکر گردیده و حتی در کتاب ۲ شیوهٔ برخورد ما و جنبش ملی مجاهدین با ارتجاع صفحهٔ ۳۶ به شکل صریحی بیان می‌کنند. و یا در **اطلاعیهٔ انتخابات مجلس شورای اسلامی** چنین می‌آورند:

«بعد از بیانیهٔ ۹ ماده‌ای به تاریخ ۵۸/۱۰/۱۶ موضع مکتبی خود را نسبت به برنامهٔ انتخاباتی جنبش ملی مجاهدین اعلام داشتیم. به رغم این‌که تا کنون پاسخ مثبتی در این زمینه ندیده‌ایم، اما به عنوان یک نیروی مترقی!! در صورتی که کاندیداهایشان ملاک‌های فوق را پذیرفته و به آنها عمل کنند، مورد تأیید خواهند بود و از آنها حمایت می‌کنیم.»

آن‌چه از سطور فوق استنباط می‌شود این است که اولاً رجوی خائن و دارودستهٔ تروریستش مترقی دانسته شده و ثانیاً این خوش‌بینی تا بدان‌جاست که در صورت ندادن پاسخ مثبت از جانب رجوی، باز اینها را مترقی! خطاب کرده و امکان عمل کردن شروط خودشان را از جانب وی می‌دهند و مسألهٔ مهم‌تر از همهٔ اینها اختلاف بین آقای میثمی و رجوی فقط در تفاوت یک‌سری ملاک‌های سیاسی خلاصه می‌شود که در صورت عمل کردن بدان‌ها از جانب رجوی خائن، هم از تأیید و هم از حمایت علنی نهضت مجاهدین خلق برخوردار می‌گردند.

لازم به تذکر است که در درگیری‌های امت مسلمان با جریان آمریکایی رجوی خائن، نهضت مجاهدین سکوت اختیار کرده تا این‌که اعلامیهٔ شدیداللحنی از جانب رجوی، دانسته نسبت به آقای میثمی در روزنامه‌ها چاپ گردید. و از این‌جا بود که برخوردهای سیاسی اینها با رجوی شروع شد و باز هم اینها در سایهٔ مبارزهٔ سیاسی با رجوی تشکیلات خودشان را که مدعی تداوم راه بنیان‌گذاران سازمان بود، تقویت می‌کردند و می‌خواستند اثبات کنند که گویا با بودن مجاهدین اصلاً حرکت امکان ندارد، و از این‌جاست که نوعی تضاد قدرت بر سر میراث بنیان‌گذاران سازمان بین رجوی خائن و آقای میثمی پیش بیاید که طبعاً در آن برخوردهایی که با جریان رجوی داشتند، خلوص نیت اینها را زیر سؤال می‌برد و در تداوم این برخوردهای ریاکارانه و همواره با مماشات در واقعهٔ بمب‌گذاری مرکز حزب جمهوری اسلامی در تهران و شهادت شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و یارانش، ابتدا گفتند که این فاجعه جریانات داخلی خود

حزب بوده است که روی شهید آیت تأکید می‌کردند و وقتی بعد از این واقعه منافقین شهید آیت را ترور کردند، نهضت در این مورد گفت:

«چون خط آیت در درون حزب جمهوری و اجتماع منزوی می‌شد و حزب درصدد اخراج وی بود، لذا او را ترور کردند تا خطش را تثبیت کنند.»

این تحلیل‌ها اولاً ضربه به حزب جمهوری اسلامی بود یعنی آنهایی که ساختمان حزب را منفجر کردند، نه به عنوان افراد نفوذی مخفی، بلکه کسانی که دارای خط فکری و سیاسی در درون حزب جمهوری اسلامی هستند، می‌باشند! در حقیقت معنی این برداشت این می‌شود که حزب جمهوری از درون خود، خود را می‌خورد!!!!

ثانیاً این تحلیل عدم همکاری با دادگاه‌ها را چه در داخل نهضت و چه در بیرون از طرف مرکزیت توجیه می‌کرد. با توجه به این‌که معتقد بودند که ما بیشترین آشنایی را به داخل تشکیلات منافقین (رجوی) داریم و افراد سرشناس آنها را می‌شناسیم و حتی وقتی جریان ترورها بالا گرفت و در داخل تشکیلات نهضت مجاهدین خلق اعتراضاتی به این عدم همکاری با ارگان‌های انقلاب اسلامی شد، برای توجیه افراد، از مرکزیت شرایطی را برای همکاری با ارگان‌ها مطرح کردند که آن شرایط را در محور نهضت مجاهدین و دادگاه‌های انقلاب آوردیم.

حتی در این رابطه خود آقای میثمی می‌گفت:

«ما وقتی شکنجه‌ها را می‌شنویم، پایمان می‌لرزد، چگونه آنها را (منافقین ضدخلق را) معرفی کنیم؟»!!

بنی‌صدر و نهضت مجاهدین خلق

بعد از انتخاب شدن بنی‌صدر به ریاست جمهوری گویا نهضت مجاهدین خلق طی جزوه‌ای در تبریز انتقادات خود را از بنی‌صدر بیرون داد که این عمل در آن مقطع با توجه به این‌که امام و یارانش از جمله آیت‌الله منتظری و آیت‌الله شهید مدنی و... بهتر از همه چهرهٔ بنی‌صدر را می‌شناختند، جلوتر افتادن از امامت که به تعبیر امام علی(ع) هلاکت است، بود. و در این رابطه می‌خواستند به اصطلاح پیشتازی خود را اثبات کنند؛ که بعدها می‌گفتند ما قبل از همه بنی‌صدر را شناختیم و انتقاد مدوّنی به وی کردیم.

در دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر هر کس در ارگان‌های انقلاب اسلامی و نهادهای دولتی با نهضت مجاهدین خلق مخالف بود، مارک بنی‌صدری می‌خورد. با آن برخوردهای تندی که در ابتدا با بنی‌صدر کردند، **از ۱۴ اسفند به بعد که اوج توطئه‌های بنی‌صدر علیه خط امام بود** و به سقوط

وی منتهی شد، جریان نهضت مجاهدین هیچ‌گونه برخوردی با توطئه‌های شخص بنی‌صدر نکرده و حتی **شعار مرگ بر ضدولایت‌فقیه** را که در آن مقطع داده می‌شد، عمده کردن تضادهای داخلی و غافل شدن از جنگ می‌دانست، و در این رابطه در تبریز به آیت‌الله شهید مدنی گفته بودند که جلو این شعار را بگیرند که بعداً **شهید مدنی در نماز جمعه فرمودند هر کسی که مخالف شعار مرگ بر ضدولایت فقیه باشد، منافق است.** و نهضت با این تحلیل‌ها حتی تعطیل کردن روزنامهٔ انقلاب اسلامی را حرکتی غیراصولی و در جهت ضربه زدن به جنگ قلمداد کرده، و در درگیری‌های زمان سقوط بنی‌صدر علیه وی شرکت نکرد. حتی شعاری را که حزب‌الله در خیابان‌ها می‌داد که:

«درود بـر بهشتـی مرگ بر بنی‌صدر»

اینها در جهت قطب‌بندی کاذب انقلاب دانسته و با آن مخالف بودند.[۱]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۹

به قلم گروهی از هواداران سابق (شاخهٔ تبریز)

نهضت مجاهدین خلق و حوزه‌های علمیه

امام خمینی به دفعات متعددی در سخنرانی‌ها و پیام‌های خویش از حوزه‌های علمیه و نقش بزرگ روحانیون در حفظ اسلام و تداوم انقلاب شکوهمند اسلامی یاد کرده و فرموده‌اند:

«نهضت از متن حوزهٔ علمیهٔ قم مرکز فقاهت راستین برخاست.»[۲]

یا

«اسلام بدون روحانیت، مثل کشور بدون طبیب است...»

«اگر روحانیون نبودند، از اسلام خبری نبود.»

و صدها نمونه‌های دیگر.

اما نهضت مجاهدین خلق معتقد است که حوزهٔ مرکزی است که نظام آموزشی آن از زیربنا ارسطویی بوده و جریانی که به طور سیستماتیک ارسطویی است و در رأس آن مرحوم آیت‌الله علامه طباطبائی قرار داشت، در آن غالب است!! و **معتقدند که حوزه‌های علمیه از اسلام راستین به دور بوده و یکی از علل انحراف مجاهدین اولیه را نیز همین می‌دانستند که حوزهٔ اسلام راستین را به آنها معرفی نکرده بود!** و حتی گستاخی را بدان‌جا کشانده‌اند که در **کتاب ویژگی‌های انقلاب ایران** صفحهٔ ۱۲ می‌گویند:

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

۲- از پیام امام به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد سال ۵۸

«قبل از مجاهدین در حوزهٔ علمیه اصلاً درس قرآن و نهج‌البلاغه نبود و با حرکت مجاهدین چنین درس‌هایی گذاشته شد!!!!»

و همچنین در اعلامیه‌ای از طرف نهضت دانشجویان مسلمان راجع به **انقلاب فرهنگی** چنین می‌گویند:

«تداوم این حرکت (انقلاب فرهنگی) موجب می‌شود که تغییر بنیادی در سیستم آموزشی حوزه‌های علمیه نیز به وجود آید.»

البته ما مخالف تغییرات حوزه‌های علمیه و تصفیهٔ عناصر فاسد و ضداسلامی همچون شریعتمداری و... نیستیم، اما از این مدافعان دوآتشهٔ اسلام می‌پرسیم که:

= آیا امام و علمای دیگری چون فقیه عالی‌قدر آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مدنی، شهید دستغیب و امثال آن بزرگواران اسلام، مگر از همین حوزه‌ها بیرون نیامده‌اند؟!

که آن منطق عرفان امام است که همه می‌شناسند و این خون‌بهای سرخ آن عزیزان که به دست مدعیان خلق! و ضدامپریالیست! بر زمین ریخته شد.

- شما با این اوصاف تقاضای تغییر نظام آموزشی حوزه‌ها را آن هم از بنیاد دارید!
- کدام نظام را شما می‌خواهید به جای این نظام شهیدپرور بگذارید؟

وقتی امام می‌فرمایند:

«سعی کنید اسلام شما جدای از اسلام روحانیت نباشد.»[1]

آیا اسلامی غیر از آن‌چه که در همین نظام آموزشی حوزه‌ها تدریس می‌شود، منظور امام است؟ یا این‌که در حوزه‌ها، تا سال ۵۰ و قبل از قرآن خواندن به اصطلاح مجاهدین، هیچ اثری از قرآن و نهج‌البلاغه نبوده است؟ در حالی که امام خمینی و سایر شخصیت‌های بزرگ حوزه نظیر شهید آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله طالقانی، شهید آیت‌الله مطهری، از سال‌ها پیش از آقایان مجاهد! به تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته و در این دوره شاگردان بزرگواری تربیت نمودند که هر کدام از گنجینه‌های اسلام عزیز و حوزه‌های علمیه می‌باشند.

شما با این طرح‌ها نشان دادید که نه تنها از حوزه‌ها، بلکه از شخصیت‌های بزرگ اسلام بی‌خبرید و مؤید این گفته، بی‌خبری جریان شما از علمای بزرگواری نظیر شهید آیت‌الله دستغیب است که صاحب تفاسیر و تألیفات گوناگونی و مخصوصاً تألیفاتی در مورد وجود و مراحل عرفان بوده و خود از نظر خلوص و عرفان اسلامی مرتبهٔ والایی داشتند و نیز آیت‌الله شهید مدنی که ایشان نیز از نظر

۱- فرمان امام به فرماندهان سپاه پاسداران

تقوا، خلوص، و عرفان، زبانزد خاص و عام بود.

در ادامهٔ مطالب برخوردهای مغرضانه و غیراسلامی نهضت مجاهدین را با علما و شخصیت‌های بزرگ حوزه یادآور می‌شویم.

۱- برخورد نهضت با امام خمینی بزرگ‌ترین شخصیت اسلامی حوزه و ولی فقیه دوران:

آقای میثمی رهبر نهضت مجاهدین خلق بر خلاف ادعاهای ظاهری خود مبنی بر قبول ولایت امام خمینی در جواب این سؤال که چرا مجاهدین کتاب‌های امام را مطالعه نکردند تا از انحراف خود جلوگیری کنند گفته بود:

«کتاب‌های امام زیادی عرفانی است.»

و در این مورد کتاب‌های پرواز در ملکوت را مثال می‌زدند!

و یا این‌که یکی از اعضای بالای نهضت مجاهدین خلق گفته بود؟

«فرهنگ کتاب‌های امام بیشتر ارسطویی است.»!

۲- برخورد نهضت مجاهدین با آیت‌الله‌العظمی منتظری امید امام و امت:

در این خصوص نیز نهضت مجاهدین برخوردی ۲ گانه داشت، از یک طرف در ظاهر ولایت ایشان را بعد از امام خمینی مطرح کرده و به شدت از آن دفاع می‌نمود و از طرف دیگر در برابر این سؤال که چرا نمی‌روید پیش آیت‌الله منتظری تا اختلاف خود را حل نموده و با سازماندهی خط امام همکاری نمایید؟ اعضای بالای نهضت جواب می‌دادند:

«آیت‌الله منتظری و تفسیر نهج‌البلاغهٔ ایشان رگه‌های ارسطویی شدید دارد، و ما چطور می‌توانیم با این تفکرات ارسطویی پیوند بخوریم».

۳- برخورد نهضت مجاهدین خلق با آیت‌الله مشکینی:

یکی از علمای بزرگ اسلام در عصر حاضر آیت‌الله مشکینی بوده و شکی در این نیست که بعد از امام خمینی و آیت‌الله منتظری مقام والایی دارند. و از صاحب‌نظران حوزه مخصوصاً در مسائل فقهی می‌باشند.

ایشان در جلسه‌ای راجع به نامهٔ نهضت مجاهدین به او فرموده بودند:[1]

«نهضت مجاهدین به طور کلی از مکتب اسلام منحرف است و نامهٔ آنها به اینجانب

۱- نهضت مجاهدین خلق به آیت‌الله منتظری، بهشتی، مشکینی نامه نوشته بود به این مضمون که ما از ضربهٔ سال ۵۴ به جمع‌بندی‌هایی رسیده‌ایم. خود شما، یا گروهی را که صلاحیتش را تأیید می‌کنید، بفرستید تا در مورد این مسائل برخورد داشته باشیم.

برای این نبود که حل مسائل بشود و هدایت شوند، بلکه آن نامه برای تأییدیه گرفتن از ما نوشته شده بود. ما چنین کاری نمی‌کنیم.»

این جواب به گوش اعضای نهضت مجاهدین در تبریز رسیده بود و مدتی بحث روی عمل شده بود. عده‌ای از هواداران معتقد بودند که چرا ما با آیت‌الله مشکینی پیوند نخورده‌ایم؟ و چرا شبهات راجع به خودمان را حل نکرده‌ایم؟ تا ایشان این حرف را در مورد ما بزنند.

در برابر این برخوردها، مسئولان نهضت در تبریز صریحاً می‌گفتند:

«آیت‌الله مشکینی کسی است که برای ایدئولوژی مهندس بازرگان هیچ انتقادی ندارد. لذا از چنین کسی و یا این افکار نمی‌شود انتظاری غیر از این را داشت و حتی در مورد کتاب‌های اخلاق اسلامی آیت‌الله مشکینی مطرح می‌کردند که این کتاب‌ها فاقد مبنای ایدئولوژیکی عمیق بوده و بیشتر ارسطویی است.»

٤- برخورد نهضت مجاهدین خلق با شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی:

آن هنگام که تمامی جریانات ضداسلام شهید بهشتی را زیر باران تهمت‌ها و افتراها گرفته بودند، نهضت مجاهدین خلق نیز از آن قافله عقب نماند و به نوبهٔ خود القابی نظیر: لیبرال خمینی‌نما، لیبرال پیچیده، راست انقلابی! خرده‌بورژوازی راست و.. را به این شهید نسبت می‌داد. ضمناً در زمان سقوط بنی‌صدر خائن شعار:

«درود بر بهشتی مرگ بر بنی‌صدر»

را دوقطبی کردن کاذب انقلاب دانسته و می‌گفتند:

«خط امام بعد از عزل بنی‌صدر، کار بهشتی را یک‌سره خواهد کرد!!»

ولی با وجود همهٔ این تفاصیل، وقتی در عمل افعال انقلابی شهید دکتر بهشتی را می‌دیدند می‌گفتند:

«آقای بهشتی در شکل ضدامپریالیست و در محتوا سازشکار است! و امام با توجه به این موضوع، شکلاً ایشان را تأیید و در محتوا به خط او ضربه می‌زنند!!!!»

با همهٔ تهمت‌هایی که به این شهید بزرگوار زدند، بعد از شهادتش فوری رنگ عوض کرده و گفتند:

«آقای بهشتی در سازماندهی حوزهٔ علمیه نقش بزرگی داشت، و از سازماندهان اصلی خط امام خمینی بود.»

حتی بعدها خواستند پوستری چاپ و عکس آیت‌الله شهید بهشتی و سخنانش را در آن

بیاورند که البته این عمل، در جهت پاک کردن آثار تهمت‌هایی بود که به ایشان زده بودند، ولی این کارها نمی‌توانست نقشی را که نهضت مجاهدین خلق در جریان مظلوم شدن شهید بهشتی ایفا کرده بود، از بین ببرد.

۵- برخورد نهضت مجاهدین خلق با مرحوم علامه طباطبائی:

نهضت مجاهدین در برخورد با علامه طباطبائی بدون این‌که دقیقاً در نوشتجات و افکار این عالم اسلام تحقیق و بررسی کرده باشد، ابتدا مارک ارسطویی بودن افکار[۱] را به وی زده، و ایشان را سردمدار جریان انحرافی در درون حوزهٔ علمیه به شمار می‌آورد!

حتی یکی از اعضای مرکزیت نهضت هنگام فوت آیت‌الله طباطبائی گفته بود:

«خداوند از سر تقصیراتش بگذرد!!»

در حالی که بعد از مدتی که از وفات استاد نگذشته بود که در نشریهٔ راه مجاهد شمارهٔ ۶ به تاریخ ۶۱/۲/۱ نوشتند:

«اتفاقاً چند روز پیش استاد جوادی آملی در درس اسفار که از رادیو پخش می‌شود، مسیر برهان صدیقین را از مشاعیون تا مرحوم علامه (طباطبائی) صاحب کتاب روش رئالیسم توضیح داده‌اند...

و گفته‌اند مرحوم علامه معتقد بودند که می‌توان برهان صدیقین را بدون دانستن لوازم منطقی و فلسفی مثل بطلان تسلسل و... اساس فلسفه و حکمت عالی قرار داد.»

و این‌چنین بود **برخورد ۲ گانه و منافقانهٔ نهضت مجاهدین خلق با استاد علامه طباطبائی.**

۶- برخورد نهضت مجاهدین خلق با استاد شهید مرتضی مطهری:

در این مورد نهضت مجاهدین اعتقاد داشت که جهان‌بینی ایشان دومنطقی بوده و اصول دیالکتیک را فقط در حوزهٔ ماده قبول دارند!! و بدین‌ترتیب اکثر کتاب‌های استاد را قبول نداشتند.

یکی از اعضای بالای نهضت در جواب این‌که چرا امام این همه از استاد مطهری و تألیفاتشان دفاع کرده و تعریف می‌کنند و مصراً خواستار تکثیر کتاب‌های استاد شهید در بین اقشار جوان هستند؟ می‌گفت:

«هنوز این امر برای ما هم روشن نشده است! زیرا فلسفهٔ امام خمینی با فلسفهٔ شهید مطهری مغایر بوده و فلسفهٔ مطهری ارسطوزده است!.»

۱- در ص ۶۱ کتاب مبنا یا وجود از کتاب‌های نهضت مجاهدین خلق آمده است.

نهضت معتقد بود که استاد شهید در رژیم سابق مبارزه نکرده و سازش نموده است!!

با این وصف شاهد بودیم که در تاریخ ۶۱/۲/۱ در روزنامهٔ راه مجاهد شمارهٔ ۶ می‌نویسند:

«... با الهام از برهان صدیقین ملاصدرا و توضیحات استاد مطهری، و انسان با ویژگی پایدار و بی‌نهایت‌طلب حنیف‌نژاد بود که برادران در زندان به نوشتن کتاب مبنا یا وجود همت گماشتند.

این درسی بود که از شهید مطهری برای حل مسائل امروز و راهی برای تبیین جوانان سرشار از معرفت‌الله و لقاءالله.»

این **برخورد ۲ گانهٔ نهضت مجاهدین با استاد شهید مطهری** یا از عدم آگاهی آنها به شخصیت استاد شهید ناشی می‌شود یا این‌که از برخوردهای منافقانهٔ آنها سرچشمه می‌گیرد.

از کل برخوردهای منافقانه و فرصت‌طلبانهٔ نهضت مجاهدین خلق با روحانیت اصیل می‌شود فهمید که **اینها هیچ‌گونه اعتقادی به اسلام فقاهت نداشته و اگر هم بعضی از شخصیت‌های روحانی را در مقطع و به ظاهر تأیید کرده‌اند، چیزی جز چرخیدن به نفع اوضاع سیاسی، و به قول ضرب‌المثل معروف، نان به نرخ روز خوردن، نبوده است.**[1]

نقد اجمالی «نهضت مجاهدین خلق»/ ۱۰

به قلم گروهی از هواداران سابق (شاخهٔ تبریز)

مختصری از شیوه‌های آموزشی نهضت مجاهدین

قبلاً بیان نمودیم:

مرکزیت نهضت مجاهدین خلق در برخورد با انقلاب اسلامی و ارگان‌های آن اصالت را به تشکیلات خود می‌داد، و با هر وسیله‌ای سعی در اثبات حقانیت صلاحیت‌های! تشکیلاتی خود بود و تا آن‌جا پیش می‌رفت که از هر شیوه و توجیهی که هدف‌های آنها را برآورده می‌کرد، استفاده می‌نمود.

سعی کرده‌ایم تا آن‌جایی‌که به فکرمان رسیده، این شیوه‌ها را برای امت حزب‌الله بازگو کنیم.

چنان‌که قبلاً بیان نمودیم، از مهم‌ترین شیوه‌های نهضت مجاهدین، آموزش اعضا حول یک‌سری برداشت‌های پیچیده از مسائل بود که در وهلهٔ اول فرد هوادار از این موضع، که دیگر برداشت برتری غیر از این تحلیل‌ها وجود ندارد، تسلیم آن می‌شد.

این شیوه‌های آموزش در درون تشکیلات همراه با تعدادی خبر که منابع آنها هیچ‌وقت برای

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۸/۱

ما معلوم نشد و غالباً حول عدم انسجام‌ها، و نقطه‌ضعف‌های احتمالی ارگان‌ها و شخصیت‌های تشکیل‌دهندهٔ آنها بود، **از مرکزیت بتی ساخته بود که هواداران هرگز فکر این‌که در جامعه اصول و دیدی بالاتر از تراوشات ذهنی مرکزیت و نهضت مجاهدین خلق باشد، به خود راه نمی‌دادند.**

بدین طریق، بعد از آماده‌سازی توده‌های تشکیلاتی و قالبی کردن تفکر آنها، هر تحلیلی را در موقع خاص خود در درون تشکیلات مطرح نموده و به اصطلاح توده‌ها را حول آن بسیج می‌نمودند.

از مهم‌ترین نمودهای این شیوه‌ها، تحلیل‌هایی بود که در مورد **خلع سلاح، قانون اساسی، عدم همکاری با سپاه، دادگاه‌ها، و...** ارایه شده است.

- در مورد **خلع سلاح** از مدت‌ها قبل مطرح کردند که انقلاب اسلامی را کودتا تهدید می‌کند و بعد از جا انداختن این تفکر در اذهان اعضا، در موقع مناسب اعلام کردند:

«بنا به مصالح!! انقلاب اسلامی و مقابله با کودتای آینده، اسلحه‌هایمان را تحویل نخواهیم داد.»

چون هواداران با شیوه‌های آموزشی نهضت تسلیم تحلیل‌های مرکزیت بودند، از این برداشت به عنوان واقعی‌ترین تحلیل رد شدند.

- در مورد **قانون اساسی و رأی ندادن بدان**، مطرح کردند که چون اصل شورای فقاهت کانالی است برای نفوذ عناصری همچون بنی‌صدر و شریعتمداری و غیره، در شورای ۵ نفرهٔ ولایت بعد از امام خمینی، بدین خاطر ما به این قانون رأی مثبت نمی‌دهیم.

مرکزیت نهضت مجاهدین خطر اصل شورای فقاهت را چنان در فکر اعضا عمده کرد که هواداران، مبارزهٔ عمیق امت شهیدپرور را با بنی‌صدر و شریعتمداری را ندیدند؛ در صورتی که دیدیم این ۲ جریان در برخورد با امام خمینی به زباله‌دان تاریخ افتادند.

یا در مورد **دادگاه‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران**، قبلاً با مطرح کردن تحلیل‌هایی نظیر مثلث شوم (که قبلاً بیان کردیم)، نفوذ و فعالیت عناصر ضدانقلابی در درون دادگاه‌ها و قبض این ارگان و سایر ارگان‌ها توسط‌شان، عدم همکاری‌شان را با ارگان‌های انقلابی توجیه می‌نمودند!

بعد از ظاهر شدن یک‌سری تضادها در درون تشکیلات بین اعضا و مرکزیت که ناشی از تأثیر واقعیات جامعه بر افکار اعضای پایین بود، چون سیاست نهضت حول حفظ این کارها دور می‌زد.

لذا این‌بار نیز با شیوه‌های پیچیده‌ای که آن را برخوردهای چندگانه با هواداران می‌نامیم، به توجیه مسائل پرداخته، که بارزترین مثال برای این شیوه را حول توجیه، ندادن رأی به قانون اساسی می‌توان مشاهده نمود.

نهضت مجاهدین با توجه به علایق هر فرد در این مورد برخورد و تحلیل خاص ارایه می‌داد که نفاق و پیچیدگی این تشکیلات را می‌رساند.

مثلاً برای تیپ‌هایی که نسبت به امام و خط راستین اسلام فقاهت چپ‌زده بودند، می‌گفت:

«امام با دادن رأی به این قانون، از اصول خویش عدول کرده و یک اشتباه استراتژیک را مرتکب شده است»!!

و در برخورد با هواداران صادقی که واقعیات جامعه را درک کرده و به طرف خط امام تمایل پیدا کرده بودند، می‌گفت:

«اگر ما بدین قانون رأی می‌دادیم، به اصول امام خیانت کرده بودیم.»

و اگر در برخورد با این دسته از هواداران کار به درازا می‌کشید، می‌گفتند:

«اگر قید می‌شد که این قانون، قانون ۱۰ ساله و مقطعی است، ما بدان رأی می‌دادیم»!!

که البته باز در این توجیهات چیزی را که در نظر نمی‌گرفتند، وجود امام عزیز بود؛ زیرا که **امام خمینی خود، محکم‌تر از قانون اساسی در انقلاب اسلامی بود.**

- از شیوه‌های غیرمکتبی دیگر نهضت مجاهدین **ایجاد بسیج‌های غیراصولی برای انحراف افکار هواداران از تفکر حول مسائلی بود که در روند خویش باعث جدایی برادران و خواهران از تشکیلات می‌گردید.**

این بسیج‌های غیراصولی در مواقعی نظیر **ترور یاران امام در تهران، فعالیت حرکت‌های تروریستی منافقین و دیگر سازمان‌های محارب علیه خط امام** ترتیب داده می‌شد.

ما از مرکزیت نهضت مجاهدین می‌پرسیم:

- بسیج عمومی حول کتاب‌های دکتر شریعتی در شهرها، در حالی که نیاز جامعهٔ ما مبارزه با گروه‌های تروریستی در پشت جبهه بود، چه لزومی داشت؟

ماهیت اصالت تشکیلاتی نهضت مجاهدین برای برادران و خواهران وقتی آشکار گردید که از تشکیلات نهضت و اصولش خود را پاک نموده و به آغوش خط امام آمدند. زیرا در این ایام زیر رگباری از مارک‌ها، تهمت‌ها، دروغ‌ها و... از طرف مرکزیت نهضت قرار گرفتند؛ که این شیوه‌ها عبارت بودند از:

۱- تشکیل دادن جلسهٔ عمومی برای برادر یا خواهری که می‌خواست از نهضت مجاهدین خلق خارج شود، تا در این جلسه تمامی اعضا را علیه این برادر و خواهر بسیج نمایند تا به اصطلاح خودشان رو کم‌کنی بکنند.

۲- زدن مارک بریدگی از انقلاب! و مبارزه.

۳- مطرح کردن مسائل ریز فردی و خانوادگی پیش اعضای خود و سوءاستفاده از نقاط ضعف احتمالی گذشته.

۴- ندادن وصیت‌نامه‌های اعضای جداشده و مطرح کردن این‌که این وصیت‌نامه‌ها با اصول و تحلیل نهضت مجاهدین نوشته شده است!! (خیانت در امانت).

۵- ...

شیوه‌های برخورد نهضت با ارگان‌ها و شخصیت‌های اسلامی

شیوهٔ آموزش یاد شده باعث می‌شد که اعضا و هواداران در برخورد با پدیده‌ها به پیش‌داوری‌های ذهنی خویش اصالت بدهند و این امر باعث می‌گردید که اعضا به نقاط ضعف ارگان‌ها و گروه‌های اسلامی پرداخته و از دیدن نقاط رشد و صلاحیت‌های آنها غافل باشند (البته کثرت‌گرایی و اصالت به نقاط ضعف در برخورد با پدیده‌ها، خود دارای انحرافات عمیق ایدئولوژیک در اصول نهضت مجاهدین است که ان‌شاءالله در آینده بررسی خواهد شد).

می‌دانیم که **بزرگ‌ترین نقطهٔ بارز ارگان‌های انقلاب اسلامی و شخصیت‌های اسلام تأیید امام خمینی از آنها است**. لذا نهضت مجاهدین با مطرح کردن تحلیل‌های پیچیدهٔ دیگری تحت عنوان «نهضت و نظام»- که قبلاً توضیح دادیم- سعی در جدا نمودن امام از یاران و ارگان‌هایش بوده تا به صورت مجرد آنها را تحلیل کنند.

در زیر یک نمونه از این برخوردها را می‌آوریم:

وقتی یکی از برادران خط امامی ارگان‌ها، برداشت انتقادی خود را از نهضت مجاهدین مطرح می‌نمود، بلافاصله سابقهٔ آن برادر مورد بررسی قرار می‌گرفت و احیاناً اگر بقای ضعفی در گذشتهٔ آن برادر بود، آن را علم کرده و با منتسب نمودن به یکی از گروه‌ها نظیر انجمن حجتیه و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی[1] علیه آن فرد در تشکیلات و بیرون از آن تبلیغ می‌نمودند.

- تماس نهضت مجاهدین خلق با شخصیت‌های اسلامی و ارگان‌های انقلابی این‌گونه بود که بعد از ۲، ۳ جلسه برخورد با آن فرد یا ارگان، در تشکیلات چنین مطرح می‌کردند که آنها مواضع اعلام شدهٔ نهضت را کاملاً تأیید می‌کنند و بلافاصله خواستار می‌شد تا در بیرون از تشکیلات این موضع مطرح گردد.

یعنی نهضت مجاهدین خلق تنها از موضع تأییدیه‌گیری برای تشکیلات خودی می‌خواست

۱- نهضت مجاهدین خلق، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را جزو نظام می‌شمرد و آن را در تحلیل‌هایش در حد یک سازمان ضدانقلابی مطرح می‌کرد.

با شخصیت‌ها و ارگان‌ها تماس گیرد.

(نمونهٔ بارز این شیوه‌ها را در نوشتن نامه به آیت‌الله مشکینی، بهشتی، منتظری گفتیم.)

در خاتمه ذکر یک نکتهٔ مهم ضروری است که ما در جایی که با نهضت مجاهدین همکاری داشتیم، هیچ‌وقت استفاده از رسالهٔ امام خمینی را در داخل تشکیلات مشاهده نکردیم.

و به طور کلی مسائل شرعی آن‌گونه که برای نیروهای حزب‌الله مطرح است، برای اعضای نهضت مجاهدین مطرح نبود و جالب این‌که توسط اعضای مرکزیت در تشکیلات مطرح می‌شد که ما باید در مورد توضیح‌المسائل کاری کنیم.

(منظور این بود که خود مرکزیت رساله‌ای را تدوین کند!!!).

آن‌چه از نظر شما گذشت، **اجمالی از انحرافات سیاسی بی‌شمار نهضت مجاهدین خلق** می‌باشد که مدعی آن نیستیم در بخش برخوردهای سیاسی توانسته‌ایم حق مطلب را ادا کنیم و این مطالب کم، تازه جدای از انحرافات نهضت مجاهدین خلق از مکتب اسلام فقاهت می‌باشد که به یاری خدا سعی خواهیم کرد در بخش انتقادات ایدئولوژیک با استفاده از کتاب‌های امام و یارانش تا آن‌جا که توان داریم، آنها را مطرح کنیم.

از کلیهٔ برادران حزب‌الله و مراجع صلاحیت‌دار اسلام، خواستار تعقیب این مسائل در هر ۲بخش سیاسی و ایدئولوژی می‌باشیم. گرچه در طول جزوهٔ اعتقادات و برداشت‌های خودمان را از خط امام صریحاً مطرح کردیم، ولی در این‌جا نیز برای جلوگیری از هر گونه برداشت و یا احیاناً برخوردهای مغرضانه، اعلام می‌کنیم که:

خود را مقلدین امام خمینی، به عنوان ولی امر و نایب برحق حضرت حجت‌بن‌الحسن(عج) دانسته و روحانیت را به عنوان طلایه‌داران نهضت اسلامی، و حوزه‌های علمیه را به عنوان پشتوانه‌های اسلام عزیز می‌شناسیم و در **تداوم اسلام فقاهت،**

که ادامهٔ حرکت انبیا(ع) است،

آمادهٔ هر گونه جانبازی هستیم.

خدایا!

در این گام مختصر، که آن را نیز از تو می‌دانیم، ما را از آفت ریا و وسوسه‌های نفسانی به دور داشته و در برداشتن گام‌های بعدی که در جهت تو باشد، یاری بفرما؛ که بدون نصر تو موفق به هیچ کاری نیستیم.

خدایا!

به سوی حجت تو رجعت کردیم و در این لحظه، عاجزانه از تو تقاضامندیم که سایهٔ امام را از سر ما کم نفرموده، و از نفس‌های مسیحایی‌اش وسیله‌ای برای هدایت‌های بعدی ما فراهم بفرما.

اللَّهُمَّ إِنْ فَهِمْتُ عَنْ مَسْأَلَتِی أَوْ عَمِهْتُ عَنْ طَلِبَتِی فَدُلَّنِی عَلَی مَصَالِحِی،
وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَرَاشِدِی فَلَیْسَ ذَلِکَ بِنُکْرٍ مِنْ هِدَایَاتِکَ
وَ لَا بِبِدْعٍ مِنْ کِفَایَاتِکَ،
اللَّهُمَّ احْمِلْنِی عَلَی عَفْوِکَ
وَ لَا تَحْمِلْنِی عَلَی عَدْلِکَ.[1]

ترجمه:

خداوندا!

اگر ندانم که چه بخواهم و از درخواست خویش ناآگاه باشم،

تو مرا با آن‌چه صلاح من در آن است راهنمایی فرما.

و دلم را به آن‌چه خیرم در آن است، متوجه گردان،

که چنین کاری از هدایت و کفایت تو شگفت‌آور و ناشناخته نیست.

خدایا!

از روی بخشایشت با من رفتار کن

و مرا به عدالت خودت مگیر.

عده‌ای از هواداران سابق نهضت مجاهدین خلق- تاریخ تدوین: ۶۱/۲/۴

الله اکبر خمینی رهبر

مرگ بر آمریکا - مرگ بر شوروی - مرگ بر صدام یزید کافر[2]

۱- نهج‌البلاغه خطبهٔ ۲۱۸

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۸/۱

شماره: ۱۵۸ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **آزادسازی ۳۰ کیلومتر از یک رشته ارتفاعات در عملیات مسلم‌بن عقیل**

امضا: **فرماندهٔ لشگر ۸۱ زرهی باختران، سرهنگ سهرابی**

فرماندهٔ لشگر ۸۱ زرهی باختران:

یک رشته ارتفاعات به طول ۳۰ کیلومتر در عملیات مسلم‌بن عقیل آزاد شد

باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

سرهنگ سهرابی فرماندهٔ لشگر ۸۱ زرهی باختران اعلام کرد:

طی عملیات مسلم‌بن عقیل یک رشته ارتفاعات به طول ۳۰ کیلومتر که به صورت یک دیوار می‌باشد و بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی از اشغال مزدوران بعثی آزاد شد.

وی که در یک مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری جموری اسلامی شرکت کرده بود، ضمن **تشریح عملیات مسلم‌بن عقیل و تحولات جبهه‌ها** گفت:

– عراقی‌ها به منظور به آتش کشیدن منطقهٔ عملیات در ارتفاعات مندلی در داخل کوه‌ها و دامنه‌های منطقهٔ درگیر، مواد منفجرهٔ عظیمی نصب کرده بودند و قصد داشتند بعد از عقب‌نشینی، این منطقه را با وسایل الکترونیکی از راه دور منفجر کرده و به آتش بکشند که گروه‌های مین‌یاب و مهندسی این لشگر با پیش‌بینی‌های لازم آن را خنثی کردند.

سرهنگ سهرابی با اشاره به **ارتفاعات آزادشده** گفت:



– ما این ارتفاعات را در سلمان‌کشته، سان‌واپا، قلعه‌مین، میان‌تنگ، تپه‌های اسماعیل‌خان، قلعه‌جوق، کومه‌سنگ، گیسکه، کله‌شوان و قسمت‌هایی از ارتفاعات ۳۴۳ مشرف بر سومار و ارتفاعات سرکوب و روستاهای مسیر این ارتفاعات را به تصرف کامل درآوردیم.

وی همچنین گفت:

– به دنبال ضدحمله‌های ناموفق ارتش بعث که به شکست سختی انجامید، بعثیون از ۳ روز پیش با ایجاد پایگاه‌های موشکی، موشک‌های ۹ متری خود را وارد صحنه کرده‌اند.

فرماندهٔ لشگر ۸۱ زرهی باختران در مورد غنایم به دست آمده از دشمن طی عملیات اخیر گفت:

– این غنایم شامل توپ‌های ۷۵ میلیمتری و انواع سلاح‌های سبک و سنگین و مهمات فراوان می‌باشد. به طوری که در حال حاضر ما از غنایم به دست آمده علیه خودشان استفاده کرده و می‌کنیم.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۵۹ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **وارد آمدن خسارت به ۱ ستون موتوری دشمن در حوالی بیاره عراق**

امضا:

سنندج، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۱ ستون موتوری دشمن در حوالی بیارهٔ عراق، ۳ روز پیش بر اثر آتش سلحشوران دلاور سپاه اسلام مستقر در مریوان با تلفات و خسارات فراوانی روبه‌رو شدند.

به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی مرکز سنندج به نقل از **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان** همچنین ۲۰۰۰ تیر فشنگ ژ۳، ۹۰۰۰ تیر فشنگ کلاشینکف، ۱۰ عدد نارنجک آتش‌زا، تعدادی مین از انواع مختلف و ۷۰۰ نارنجک جنگی و دستی به وسیلهٔ برادران ژاندارم در روستای شهرکندی از انبار عناصر مزدور ضدانقلاب کشف و ضبط شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۶۰ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملهٔ هواپیماهای عراقی به حریم فضایی ایلام، ایوان غرب و آبادان و خسارات وارده به منازل مسکونی در آبادان**

امضا:

ایلام:

۲ فروند جنگندهٔ عراقی از نوع میگ ۲۵ در ساعت ۱۲/۱۵دقیقهٔ بعد از ظهر دیروز در ارتفاع بالا بر فراز شهر مقاوم و شهیدپرور ایلام ظاهر شدند که قبل از هر گونه اقدامی با آتش شدید و هماهنگ یگان‌های پدافند نیروی هوایی و زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواجه و مجبور به فرار شدند.

هواپیماهای مهاجم رژیم بعثی ـ صهیونیستی عراق دیروز بیش از ۱۰ بار نیز به حریم فضایی ایوان غرب تجاوز کردند، ولی هر بار با اقدامات تاکتیکی خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مجبور به فرار شدند.[۱]

به گزارش واحد مرکزی خبر هواپیماهای متجاوز رژیم بعثی صهیونیستی عراق طی ۲۴ ساعت گذشته ۲ بار در ساعات ۱۲/۰۱ و ۱۴/۰۴ دقیقه در روز گذشته قصد تجاوز به حریم هوایی آبادان را داشتند که با هشیاری برادران پدافند هوایی مستقر در منطقه بدون انجام هیچ‌گونه عملیاتی مجبور به فرار شدند.

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

همچنین طی این مدت شهر مقاوم آبادان توسط سلاح‌های سنگین و دوربرد مزدوران صدامی هدف واقع شد که طی آن به ۳ باب منزل مسکونی و ۱ مغازه در این شهر خساراتی وارد شد.

در نتیجه ۱ تن از هموطنان غیرنظامی شهید و ۲ تن نیز مجروح شدند.

این گزارش حاکیست:

رزمندگان دلاور ما طی این مدت با گشودن آتش بر روی مواضع و استحکامات دشمن مزدور در آن سوی اروندرود ضمن به هلاکت رساندن تعدادی از این مزدوران و به آتش کشیدن قسمتی از نخلستان‌های حاشیهٔ اروندرود در خاک عراق که محل سنگرها و تجمع مزدوران بعثی بود موفق به انهدام چند سنگر اجتماعی و انفرادی و ۱ لودر در حال کار دشمن شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۶۱ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شهادت ۴ کارگر ۱ نانوایی در آبادان**

بر اثر آتش دشمن متجاوز بعثی صهیونیستی عراق

امضا:

آبادان، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

بر اثر آتش دشمن متجاوز بعثی صهیونیستی عراق بر روی مناطق مسکونی شهر مقاوم و شهیدپرور آبادان امروز ۱ نوجوان کارگر در این شهر که به کار نانوایی اشتغال داشت، شهید و ۳ تن دیگر از کارگران نانوا به سختی مجروح شدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز آبادان همچنین بر اثر این عمل وحشیانه چند واحد مسکونی دچار آتش‌سوزی شد که نسبت به اطفای حریق اقدام شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۶۲ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملهٔ هواپیماهای عراقی به حریم فضایی ایوان غرب**

امضا:

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

هواپیماهای مهاجم رژیم بعثی صهیونیستی عراق دیروز بیش از ۱۰ بار به حریم فضایی ایوان غرب تجاوز کردند که هر بار با اقدامات تاکتیکی خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواجه و قبل از هر گونه عملیاتی متواری شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۶۳ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نبرد در جبهه‌های غرب**

امضا:

باختران:

تبادل آتش سلاح‌های سنگین بین رزمندگان پرتوان اسلام و قوای کفر بعثی در ۲۴ ساعت گذشته ادامه داشت و رزمندگان اسلام ضمن تحکیم و تثبیت مواضع پدافندی بازپس گرفته شده، چندین سنگر انفرادی و اجتماعی و ۱ انبار مهمات نیروهای زبون بعثی را منهدم و شماری از آنان را کشته و زخمی کردند.

به‌گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی طی این مدت با اجرای آتش شدید برادران سپاه بر روی مواضع قوای کفر در منطقهٔ مهران نیز ۷ سنگر اجتماعی، ۴ سنگر انفرادی و ۱ سنگر کالیبر ۷۵ منهدم شد و بیش از ۲۵ نفر از مزدوران صدامی به هلاکت رسیدند.

ضمناً ۱ ستون موتوری دشمن در حوالی بیارهٔ عراق بر اثر آتش سلحشوران دلاور سپاه اسلام مستقر در مریوان با تلفات و خسارات فراوانی روبه‌رو شد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: **۱۶۴** تاریخ صدور: **۲۰ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **هلاکت یکی از سرکردگان اشرار**

امضا: **سپاه پاسداران ارومیه**

ارومیه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

در درگیری بین رزمندگان پرتوان اسلام و عناصر مسلح غیرقانونی که بامداد دیروز در نزدیکی روستای گنبد از توابع ارومیه روی داد، ۲ تن از اشرار از جمله یکی از سرکردگان اشرار معروف به (گرو) به هلاکت رسید و ۷ تن دیگر از ضدانقلابیون زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از **سپاه پاسداران ارومیه** این درگیری زمانی روی داد که برادران پاسدار و ژاندارم مشغول گشت در منطقهٔ مذکور بودند، که از سوی عناصر مسلح غیرقانونی مورد حمله قرار گرفتند.

در این درگیری اشرار وابسته به احزاب منحله در کمین مدافعان اسلام افتادند و با دادن ۲ کشته و ۷ مجروح مجبور به فرار شدند.

در این درگیری هیچ‌گونه آسیبی به برادران مدافع اسلام نرسیده است.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۶۵ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شهادت ۲ کرد مسلمان و کشف ...**

امضا:

ارومیه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

گروهک‌های وابسته به استکبار جهانی که در مقابل رزمندگان اسلام تاب مقاومت ندارند، دیوانه‌وار به مردم مسلمان کرد حمله می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، عناصر مسلح غیرقانونی پریروز به ۱ گروه گشتی از برادران بسیج عشایری در درهٔ شهدا (قاسملوی سابق) در مسیر ارومیه به اشنویه حمله کرده و ۲ تن از برادران کرد مسلمان را به شهادت رساندند.

بر پایهٔ همین گزارش در پی این حملهٔ ناجوانمردانهٔ برادران پاسدار به تعقیب اشرار پرداختند، ولی ضدانقلابیون مذبوحانه از منطقهٔ درگیری پا به فرار گذاشتند.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: **۱۶۶** تاریخ صدور: **۲۰ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کشف انواع اقلام جنگی توسط ژاندارمری**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان**

سنندج، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

به گزارش **خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز سنندج** به نقل از **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان**، ۲۰۰۰ تیر فشنگ ژ۳، ۹۰۰۰ تیر فشنگ کلاشینکف، ۱۰ عدد نارنجک آتش‌زا، تعدادی مین از انواع مختلف و ۷۰۰ نارنجک جنگی و دستی به وسیلهٔ برادران ژاندارم در روستای شهر کندی از انبار عناصر مزدور ضدانقلاب کشف و ضبط شد.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: **۱۶۷** تاریخ صدور: **۲۰ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حمله به پادگان نالپاریز عراق**

امضا:

باختران:

مجاهدین مسلمان عراقی پریروز با حمله به پادگان نالپاریز عراق ضمن وارد آوردن ضایعاتی به تجهیزات و استحکامات این پادگان، ۱۲نفر از بعثیون را به هلاکت رساندند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۶۸ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تقاضای پناهندگی از جمهوری اسلامی**

امضا:

باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۳ تن دیگر از مسلمانان غیرنظامی عراقی که پی به ماهیت رژیم سفاک و مزدور صدام تکریتی برده بودند، با عبور از مناطق مرزی غرب کشور دیروز خود را به **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در جوانرود** معرفی و تقاضای پناهندگی کردند.

سنندج:

روز گذشته ۲۷مسلمان عراقی که در بین آنان دانشجو، دانش‌آموز و کارمند دیده می‌شدند، با عبور از یکی از مرزهای غرب کشور به میهن اسلامی‌مان پناهنده شدند.

۲ روز قبل نیز ۳ نفر از نظامیان عراقی به همراه ۴ مسلمان دیگر این کشور که از جور و ستم روزافزون حکام بعثی به تنگ آمده بودند، با عبور از یکی از مرزهای غربی کشور ضمن معرفی خود به **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوکان** تقاضای پناهندگی کردند.

در بین این عده که از اهالی سلیمانیه هستند، روحانی، آموزگار، کارمند مخابرات و مهندس مکانیک دیده می‌شوند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: **۱۶۹** تاریخ صدور: **۲۰ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعدام ۲ عضو اتحادیهٔ کمونیست‌ها**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران منطقهٔ ۹ کشور**

روابط عمومی سپاه پاسداران منطقهٔ ۹ کشور اعلام کرد:

۲ تن از اعضای تشکیلات اتحادیهٔ کمونیست‌های ایران به حکم دادگاه انقلاب اسلامی گچساران تیرباران شدند.

این ۲ تن، ابراهیم عماره فرزند خدابخش و پرویز رحیمی فرزند طاهر نام داشتند و حکم صادره ساعت ۱۴ دیروز به مرحلهٔ اجرا درآمد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۰ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری ۸ هوادار گروهک‌های محارب در گچساران**

امضا: **مسئول واحد اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گچساران**

یاسوج، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

با تلاش **جان‌برکفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان گچساران** و سازمان اطلاعاتی ۳۶میلیونی، طی هفتهٔ گذشته ۱۰تن از هواداران گروهک‌های محارب چریک‌های فدایی خلق اقلیت، سازمان آرمان مستضعفین و اشرف دهقانی که قصد بمب‌گذاری در سینمای بنیاد مستضعفان، بانک ملی گچساران و همچنین ترور یکی از مسئولین این شهرستان را داشتند، قبل از انجام هرگونه عملیاتی دستگیر و بازداشت شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از **مسئول واحد اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گچساران**، در این رابطه از دستگیرشدگان ۲عدد ۳راهی، ۱ قبضه اسلحهٔ کمری، ۱ کیلو خرج توپ ۱۳۰ به همراه تعداد زیادی کتب و نشریات ممنوعه کشف و ضبط شد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۱ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری یک سرمایه‌دار ضدانقلاب در خمینی‌شهر**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خمینی‌شهر**

خمینی‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش رسیده از **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خمینی‌شهر** با تلاش پی‌گیر برادران سپاه، شخصی به نام غلام ستاره‌پور سرمایه‌دار ضدانقلاب این شهرستان به جرم کمک‌های مالی به سازمان منافقین خلق دستگیر و فعلاً در بازداشت می‌باشد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۲ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برای ترمیم خسارات بمب‌گذاری‌ها هیچ محدودیتی نداریم**

امضا: **سرپرست کمیتهٔ امداد**

سرویس خبری:

صبح دیروز **آقای حبیب‌الله شفیق عضو شورای مرکزی کمیتهٔ امداد امام خمینی** در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی با خبرنگاران رسانه‌های گروهی شرکت کرد و چگونگی **کمک به خسارت‌دیدگان ناشی از انفجار بمب را که توسط منافقین و معاودین انجام می‌شود**، تشریح نمود.

به گزارش خبرنگار سرویس خبری و جمهوری اسلامی وی که سخن خود را با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و شهدای جنگ آغاز کرد، گفت:

- از ۱۱ مردادماه سال پیش که کمیتهٔ امداد مسئولیت پرداخت به خسارات را پذیرفت، اول سال ۶۰ این خسارات را محاسبه و طبق برنامه‌ای منظم پرداخت کرد، که این امر در تهران و در شهرستان‌ها صورت گرفت.

وی افزود:

- در رابطه با آخرین انفجار که در میدان امام صورت گرفت و منافقین کوردل به خیال خود خواستند به اصطلاح ضربه‌ای بزنند، کمیتهٔ امداد از همان دقایق اولیه اقدامات خود را با تشکیل اکیپ‌های مختلف آغاز کرد که این اکیپ‌ها تا کنون موفق به تهیهٔ گزارش و صورت‌برداری به تعداد ۵۲۰ فقره از منازل و مغازه‌ها و افراد شده‌اند و اقدامات عملی آن نیز آغاز شده است.

در این رابطه صنوف شیشه‌فروش و آهنگر نیز کمک شایانی به کمیتهٔ امداد کردند که لازم است از تمامی آنها قدردانی بکنیم.

آقای شفیق سپس افزود:

- در همین رابطه برای این‌که کارها تسریع بیشتری داشته باشند، ۳ اکیپ ویژه برای نصب شیشه نیز تشکیل شد تا این امر در هوای سرد تهران و بارندگی که شروع شده است زودتر از معمول انجام گیرد و اکیپ‌های ما هر کدام مسئولیت اندازه‌گیری، نصب و آماده کردن و بریدن شیشه‌ها را آغاز کردند که تقریباً تمامی شیشه‌ها انداخته شده است.

وی سپس افزود:

- برای ترمیم و بازسازی مغازه‌ها و منازل که بر اثر این انفجار خسارت دیده‌اند نیز ۱۳۰۰ کیسه سیمان، ۳ تریلی گچ، ۵ کامیون آجر، ۵۰ تن پروفیل و وسایل و مصالح دیگر برای این منظور اختصاص داده شده است.

وی سپس اظهار داشت:

- پاره‌ای از خسارت دیدگان که استطاعت مالی داشته‌اند، ضمن مراجعه فقط خواستار مصالح ساختمانی شده‌اند که این کار صورت گرفت و بخش دیگری از خسارت دیدگان که از طبقهٔ مستضعف هستند نیز قادر به بازسازی نبودند که کمیتهٔ امداد تمامی خسارتشان را بدون کم و کاست می‌پردازد.

آقای شفیق همچنین گفت:

- برای این‌که بتوان در امر کمک‌رسانی موانع را برداشت، کمیتهٔ منطقهٔ ۱۵ امداد برپایی ۱ چادر در محل انفجار با همکاری امداد مرکز مستقر کرده است که آمادهٔ دریافت گزارشات و انجام امور مربوطه است و تلفن ۳۰۲۸۵۸ نیز به همین منظور برای مردم در نظر گرفته شده است.

وی سپس در مورد **چگونگی تأمین خسارت از سوی کمیتهٔ امداد** گفت:

- دولت جمهوری اسلامی ایران تا کنون ۷۰ میلیون تومان بودجه در اختیار کمیتهٔ امداد قرار داده است. به علاوه مردم مبلغ ۱۱۷۴۴۱۶۲ ریال نیز به حساب ۱۸۲۰ که برای تأمین خسارت ناشی از بمب مفتوح شده، واریز کرده‌اند.

از مردادماه سال پیش نیز با بررسی و تحقیق خسارت به ۴۸۷ پرونده که بالغ بر ۱۲۱۴۹۶۵۱۳ ریال می‌شود نیز از همین حساب و مبلغ ۱۹۵۷۵۲۳۵۱ ریال هم از بودجهٔ عمومی کمیتهٔ امداد امام خمینی پرداخت شده است.

۹۶ مغازه، ۲۰۱ اتومبیل، ۱۹۱۳۵موتورسیکلت و ۳۶ فقره امور متفرقه نیز از این مبلغ تأمین خسارت شده است که کسانی که اتومبیلشان خسارت جزیی دیده، مخارج آن پرداخت شده و کسانی که وسیله‌شان اصلاً قابل استفاده نبوده نیز به آنها اتومبیل نو خواهیم داد.

برادر شفیق افزود:

– کمیتهٔ امداد در تأمین خسارات ناشی از بمب در سراسر ایران هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و خود را موظف می‌داند که در اسرع وقت و با امکاناتی که در اختیار دارد خسارات را تأمین نماید و اگر انفجاری در هر منطقه‌ای رخ داد، مردم می‌توانند برای دادن گزارش به کمیتهٔ امداد منطقهٔ خود مراجعه نمایند.

آقای حبیب‌الله شفیق در پایان در رابطه با **سیل اخیر جنوب تهران** گفت:

– آن قسمت از این کار که مربوط به کمیتهٔ امداد می‌شود در انجامش کوتاهی نخواهیم کرد، ولی چون بسیاری از خانه‌ها قابل سکونت نیست کمیتهٔ امداد از نظر ساختن مسکن برای این هموطنان هیچ اقدامی نمی‌تواند بکند و این به عهدهٔ دیگر مسئولین است که با توجه به ضوابط قانونی خود اقدام کنند؛ ولی اگر آن بخش از خسارات که مربوط به کمیتهٔ امداد شود، از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۳ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازدید امام جمعهٔ بهشتی شهر از جبهه‌های جنوب**

امضا:

بهشتی‌شهر (قرچک ورامین)، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پس از اقامهٔ نماز جمعهٔ هفتهٔ گذشتهٔ **بهشتی‌شهر حجت‌الاسلام فضل‌الله کریمی امام جمعهٔ این شهرستان** به همراه عده‌ای از اهالی در میان بدرقهٔ پرشور امت حزب‌الله بهشتی‌شهر همراه با هدایایی عازم جبهه‌های جنوب شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۴ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار گروهی از خانوادهٔ شهدا از شهر شوش**

امضا:

شوش، خبرنگار جمهوری اسلامی:

گروهی از خانواده‌های شهدای این ده وارد شهر شهیدان گمنام شوش شدند و با استقبال سپاه پاسداران و بنیاد شهید و خانواده‌های محترم شهدای شوش و امت حزب‌الله قرار گرفتند و در روز جمعه مراسم چهلمین روز شهادت برادر حیدری و مراسم دعای کمیل که در گلزار شوش برگزار شد، شرکت نمودند و در روز بعد از آن به جبهه‌های شهر شوش رفته و از شهادتگاه شهیدان زیارت به عمل آوردند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۵ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری نماز وحدت نیروهای مسلح در پادگان نیروی هوایی**

امضا:

نماز وحدت با شرکت **واحدهایی از پرسنل نیروهای ۳ گانهٔ ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای بسیج، شهربانی، ژاندارمری و اسرای جنگ تحمیلی** دیروز طی مراسم باشکوهی در یکی از پادگان‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به **امامت حجت‌الاسلام خطیبی لنگرودی یکی از روحانیون ادارهٔ سیاسی ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران** برگزار شد.

در این مراسم که با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز شد، ابتدا گروهی از **اسرای عراقی** چند سرود مذهبی از جمله **سرود الله‌اکبر** را اجرا کردند.

سپس اشعار مذهبی توسط ۲ تن از برادران جمعی نیروی زمینی و هوایی خوانده شد.

پس از آن **حجت‌الاسلام انصاری یکی از روحانیون عضو دفتر امام** طی سخنانی **علل و عوامل تشکیل ارتش‌ها در جهان** و همچنین **فلسفهٔ ایجاد ارگان‌های مسلح** را تشریح کرد.

در پایان مراسم، **نماز وحدت** اقامه شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۶ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بررسی مسائل و مشکلات اسرای عراقی مستقر در سمنان**

امضا:

سمنان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پریروز **کمیسیون ادارهٔ اسرای عراقی استان سمنان** با حضور **آقای شریف‌زاده معاون امور اداری و سیاسی استانداری سمنان، فرماندهٔ اردوگاه اسرای عراقی، معاون پادگان ۴۰ دختر شاهرود، حجت‌الاسلام نصیری سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی سمنان و نمایندگان ارگان‌ها و نهادهای دولتی انقلابی سمنان** تشکیل شد و مشکلات اسرا مورد بررسی قرار گرفت.

در این جلسه مقرر شد که کمیتهٔ فرهنگی اجتماعی با همکاری **سپاه پاسداران** و جهاد سازندگی نسبت به اعزام مبلغ و فیلم‌های تبلیغاتی به اردوگاه اقداماتی به عمل آورند.

همچنین مقرر گردید که کمیتهٔ تدارکات به سرپرستی هلال احمر سمنان وسایل مورد نیاز اسرا را با کمک ادارهٔ مرکزی هلال احمر و مردم تهیه نمایند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۷ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پایان سمینار آموزشی مراکز فرهنگی و آموزشی نیروی زمینی**

امضا:

تبریز:

سمینار ۲ روزهٔ آموزشی مراکز فرهنگی و آموزشی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران که به منظور هرچه بیشتر مکتبی‌تر کردن ارتش با حضور سرهنگ صیاد شیرازی و فرماندهان مراکز آموزشی ارتش در مرکز پشتیبانی تبریز تشکیل شده بود، بامداد دیروز پس از برگزاری **مراسم صبحگاه مشترک با برادران پاسدار، کمیته و شهربانی** به کار خود پایان داد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این سمینار فرماندهان و پرسنل شرکت‌کننده ضمن تجدید میثاق با امام خمینی فرماندهٔ کل قوا و امت همیشه در صحنهٔ ایران، توجه به بنیادهای اصیل اسلامی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پیروزی نهایی بر استکبار جهانی، مسائل مربوط به آموزش‌های رزمی با تکیه بر تجربیات جنگ، لزوم آموزش‌های اسلامی و مکتبی، توسعه و تعمیم ورزش جهت بالا بردن روحیهٔ سلحشوری پرسنل نظامی در مراکز آموزشی که دروازه‌های ورودی ارتش جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در پایان این سمینار سرهنگ صیاد شیرازی پیرامون اهداف و دستاوردهای این سمینار گفت:

– در این سمینار تحولات و تغییرات بسیار اساسی و لازم در روش آموزش پرسنل، نحوهٔ پشتیبانی از نهادهای انقلابی جهت تأمین نیازمندی‌های آموزشی جبهه‌ها و نیز برای شکوفایی استعدادها و جبران نارسایی‌های موجود و نحوهٔ استفادهٔ هر چه بیشتر از نیروهای متعهدی که وارد ارتش می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفت.

در این گفتگو **حجت‌الاسلام کاملان سرپرست دایرهٔ سیاسی ایدئولوژیک نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی** نیز در مورد چگونگی آموزش تعالیم اسلامی در ارتش سخن گفت.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۸ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انتصاب مدیرکل جدید صنایع و معادن استان مازندران**

امضا:

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به موجب حکمی از سوی استاندار مازندران و موافقت وزیر محترم صنایع و معادن برادر **علی‌اصغر نبویان** به سمت مدیرکل صنایع و معادن استان منصوب و مشغول به کار شد.

برادر نبویان که دارای مدرک مهندسی مکانیک می‌باشد، از جوانان حزب‌اللهی و مؤمن به انقلاب مقدس اسلامی بوده و **همکاری نزدیک با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشته‌اند.**

روزنامهٔ جمهوری اسلامی دفتر ساری ضمن آرزوی توفیق برای ایشان در مسئولیت جدید، انتصاب ایشان را نیز تبریک می‌گوید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۷۹ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به جبهه‌های نبرد**

امضا:

آذرشهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

گروهی دیگر از برادران رزمنده و کفرستیز متشکل از **برادران بسیجی و سپاهی آذرشهر** برای نبرد با دست‌نشاندگان آمریکا و دیگر ابرقدرت‌های جهان‌خوار با راه‌پیمایی و دادن شعارهایی علیه کفر و الحاد جهانی از محل بسیج آذرشهر به مسجد جامع حاجی‌کاظم این شهرستان آمده و بعد از اجرای برنامهٔ سرود و اشعار مذهبی و سخنرانی **حجت‌الاسلام والمسلمین عظیمی امام جمعهٔ آذرشهر** در میان بدرقهٔ گرم امت حزب‌الله این شهرستان عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند. همچنین گروهی دیگر از برادران حزب‌الله «**ممقان**» برای نبرد با قوای کفر صدامی و ایادی آمریکا در میان بدرقهٔ پرشور گروه کثیری از اهالی متعهد و مؤمن به انقلاب اسلامی ممقان عازم جبهه‌های نبرد شدند.

خمینی‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

تعداد ۸۰ نفر از **برادران رزمندهٔ بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خمینی‌شهر** که مدت چند روز به مرخصی آمده بودند، عصر دیروز یک‌شنبه مجدداً عازم جبهه‌های جنوب گردیدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۰ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک به برادران رزمنده در جبهه‌ها**

امضا:

رودبار، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در اجرای طرح کمک به برادران رزمنده در جنگ حق علیه باطل و به درخواست کارکنان کارخانجات چرم‌سازی گنجه و شرکت کفش گنجهٔ رودبار از هلال احمر جمهوری اسلامی مرکز رشت، در مورخ ۶۱/۶/۳۱ برادران مرکز انتقال خون رشت از کارکنان کارخانجات کفش گنجه و چرم‌سازی گنجه حدود ۱۰۶ نفر خون خود را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اهدا کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۱ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک گروهی از شهدا**

امضا:

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک و مطهر ۲۵ تن از شهدای عملیات مسلم‌بن عقیل که در جبهه‌های نبرد به شرف شهادت نایل آمده بودند، بعد از نماز وحدت‌آفرین جمعه از مسجد جامع کرج تا میدان شهدا تشییع و سپس ۱۷ تن از این شهدا به حومهٔ کرج انتقال و بقیه به امامزاده مجد انتقال یافتند.

ورامین، خبرنگار جمهوری اسلامی:

ظرف چند روز گذشته پیکرهای پاک ۱۷ تن از فرزندان افتخارآفرین اسلام و سربازان امام زمان(عج) که در رویارویی با قوای متجاوز بعثی در عملیات ظفرمند مسلم‌بن عقیل به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بودند، از مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا گلستان شهدای ورامین، پیشوا و کارخانهٔ قند قرچک تشییع نمودند.

لازم به توضیح است ۵ تن از شهدای فوق‌الذکر بعد از مراسم نماز جمعه توسط امت حزب‌الله تشییع شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۲ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسم رب الشهداء والصدیقین

این اخلاص و شهادت‌طلبی و ایثار برای خداست که به شما رزمندگان ارزش داده است.

(امام خمینی)

شهادت **برادر مجتبی فارسیان** در عملیات مسلم‌بن عقیل، در کربلای غرب کشور را به امام زمان(عج) و امام امت و خانوادهٔ محترمشان تبریک و تسلیت عرض می‌نماییم.

به همین مناسبت مجلس ختمی سه‌شنبه ۶۱/۷/۲۰ (امروز) از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد امام حسین(ع) واقع در خیابان نظام‌آباد شمالی، بالاتر از باشگاه دیهیم، دست چپ، خیابان اردیبهشت، ۱۰ متری نصیری برقرار می‌باشد.

شاخهٔ اصناف حزب جمهوری اسلامی

بسم رب الشهداء والصدیقین

بار دیگر عاشقی از عشاق زمان همچون مرغی از قفس تنگ دنیا پر و بال زده و غل و زنجیرهای دنیوی را پاره کرد و به میعادگاه معشوق شتافت. شمعی فروزان که با سوختن و در کف نهادن هستی خود با وجودی سراپا شور و حرارت که حسین‌وار جان داد و نامش را تحقق بخشید.

بدین‌وسیله شهادت افتخارآفرین **پاسدار اسلام محمدعلی صادقیان** که درعملیات مسلم‌بن عقیل به فوز عظیم شهادت نایل آمده است، به حضرت مهدی(عج) و نایب او امام خمینی و امت شهیدپرور تبریک و تسلیت می‌گوییم.

روانش شاد و راهش مستدام باد.

بسم رب الشهداء والصدیقین

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[1]

در آستانهٔ عاشورای حسینی بازگلی از باغ حسین‌بن علی پرپر شد و به کاروان شهدای همیشه زندهٔ تاریخ پیوست. شهدایی که با خون سرخ خویش حاکمیت انقلاب اسلامی را به رغم همهٔ توطئه‌های خارجی و داخلی تثبیت نمودند.

محمدکاظم هوشمند گلی پرپرشده از این کاروان هماره جاودانهٔ هابیلیان تاریخ است.

کاظم با مظلومیت خود یاد شهید بهشتی را زنده می‌کرد. او کلاس درسش را در جبههٔ حق و باطل تشکیل داد و مظلومانه در جبههٔ سومار در عملیات مسلم‌بن عقیل به لقاءالله پیوست و به ندای هل من ناصر امام حسین(ع) لبیک گفت.

به مناسبت شهادت **این بسیجی قهرمان و سرباز امام زمان(عج) محمد کاظم هوشمند** مجلس ختمی در روز سه‌شنبه ۶۱/۷/۲۰ ساعت ۳ الی ۵ جهت شرکت برادران در مسجد باب‌الحوائج واقع در خیابان اقبال، چهارراه صفا و برای خواهران در همان ساعت در حسینیهٔ محلاتی‌ها واقع در خیابان ۱۷ شهریور بالاتر ازمیدان شهدا منعقد می‌باشد. مراسم شب هفت این شهید روز جمعه ۶۱/۷/۲۳ از ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر در بهشت زهرا برگزار خواهد شد. وسیلهٔ ایاب و ذهاب در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز در مقابل منزل شهید واقع در خیابان صفا کوچهٔ ادیب آماده خواهد بود.

بسم رب الشهداء والصدیقین

إِنَّ اللهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ[2]

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

۲- سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱

شهدا پیروزند.

(امام خمینی)

پاسدار شهید مهدی مشایخی که برای اعتلای کلمهٔ لااله‌الاالله و حفظ و حراست مرزهای کشور اسلامی ایران به نبرد حق علیه باطل شتافته و عاشقانه در جبههٔ سومار در عملیات مسلم‌بن عقیل با ندای یا اباالفضل‌العباس(ع) به لقاءالله پیوست، روحش شاد و راهش پررهرو باد.

به همین مناسبت مراسم شب هفت آن شهید روز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد پیغمبر، واقع در خیابان طوس، بین کارون و جیحون برگزار می‌شود.

با تشریف فرمایی خود تجدید عهدی با خون این عزیزان داشته باشیم.

بسم رب الشهداء والصدیقین

ما راست قامتان جاودانهٔ تاریخ خواهیم ماند

(شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی)

به مناسبت شهادت افتخارآفرین و **طلبهٔ شهید سیدعلیرضا خرمگاه** که با رفتاری صمیمی و عملی بی‌ادعا و سیمایی استوار که هاله‌ای از حجب و حیای توأم با وقار آن را پوشانده بود، این شیفته و فرمانبردار مطلق امام بزرگ که در عمق نگاه نگران و معصومانه‌اش دریایی از مهربانی و شرم موج می‌زد، آن‌چنان وظیفه‌اش را مسئولانه بر عهده گرفت تا فتح و شهادت را در آغوش کشید.

به همین مناسبت مجلس ختم باشکوهی روز سه‌شنبه ۶۱/۷/۲۰ (امروز) از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد محمدی، واقع در خیابان ۱۷شهریور، خیابان کمال وجودی برگزار می‌گردد.

ضمناً مراسم شب هفت آن شهید روز جمعه ۶۱/۷/۲۳ از ساعت ۷ صبح در گلزار شهیدان، بهشت زهرا و بعد از ظهر در مسجد محمدی برقرار می‌باشد.

وسیلهٔ ایاب و ذهاب نیز رأس ساعت ۷ صبح از مقابل درب مسجد محمدی به سوی بهشت زهرا آمادهٔ حرکت می‌باشد.

بسم رب الشهداء والصدیقین

شهادت **شهید مجتبی احمدی دانشجوی پاسدار** را که در عملیات افتخارآفرین مسلم‌بن عقیل به سوی حق تعالی شتافت، به خانواده‌های فیض‌اللهی و احمدی تبریک و تسلیت عرض

می‌نماییم.

انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی مجتمع علوم پیراپزشکی

ارومیه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

به مناسبت سالگرد بمباران وحشیانهٔ سردشت که سال گذشته به وسیلهٔ مزدوران رژیم بعثی صهیونیستی عراق صورت گرفت و طی آن تعدادی از مردم مستضعف و مسلمان سردشت به شهادت رسیدند، عصر پریروز از سوی فرمانداری و ارگان‌های انقلابی اسلامی این شهر با شرکت مردم مسلمان و معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌های شهدا در گورستان شهدای سردشت مراسم ویژه‌ای برپا شد.

در این مراسم **یکی از برادران پاسدار** پیرامون جنایات رژیم مزدور عراق و عناصر وابسته به استکبار جهانی سخنرانی کرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۳ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **وصیت‌نامه**

موضوع: **توصیه‌های ۱ شهید**

امضا: **عبدحقیر سیدباقر بنی‌طبا**

شهید سیدباقر بنی‌طباء:

سرخی خون شهیدان شرافت‌آفرین سبیل حق، زنگار خِفتمان برگرفت

شهادت ارثی است که از اولیا به ما رسیده است.

(امام خمینی)

وصیت‌نامهٔ شهید سیدباقر بنی‌طبا

بسم الله الرحمن الرحیم

إِلَهِی هَبْ لِی کَمَالَ الانْقِطَاعِ إِلَیْکَ وَ أَنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِیَاءِ نَظَرِهَا إِلَیْکَ
حَتَّی تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَی مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ
وَ تَصِیرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِکَ[1]

(از مناجات شعبانیه)

آن‌قدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم.

به نام تو که از توایم و با توایم. به نام تو که از هیچمان آفریدی و قابلیت خلیفه‌الله شدن را

۱– ... معبودا، مرا به کمالِ گسستن [از خلق] و پیوستن به خودت رسان و دیدهٔ قلبمان را با فروغی که بدان تو را مشاهده کنند، روشن فرما تا دیدهٔ دل ما حجاب‌های نورانی را بردرَد و به کانِ عظمت و جلال رسد و جان‌های ما به مقام والای قدس تو بپیوندد...

در وجودمان به ودیعت نهادی و راهمان نمودی تا از گنداب عفن بهیمیت به اعلی علیین پَر گشوده و از تنگنای ظلمت جهل و حجاب‌های غفلت و غرض به سرچشمهٔ نور و فلاح راه یابیم.

سپاس تو را و درود بی‌پایانت انبیای مرسل را و ائمهٔ طاهرین را و پیر طریقت و امام امتمان خمینی اسطوره‌ساز را و شهیدان شرافت‌آفرین سبیل حق را که اینان سرخ خونشان زنگار خِفتمان برگرفت.

بارالها!

در عمر کوتاه خود نه توفیق آن داشتم که در زمرهٔ بندگان صالحت درآیم. اما بسی شکر که به پاس حرمت گلگون‌کفنان، رحمتت شامل حال این قوم طاغوت‌زده و آفت زده شد و ما را از خفت سال‌ها حقارت و مذلت به شرافت رساند.

بارالها!

بندگان را از تو گریزی نیست و اینک بندهٔ عاصی و شرمندهٔ تو که بار گناهانش به سنگینی کوه‌هاست، بر آن است تا به حسب تکلیف شرع مقدس، وصایای خود را اظهار کند؛ هر چند که زبان ناتوانم از بیان آن‌چه به دل دارم قاصر است و اندیشه را قیدی است که رخصت پروازش نمی‌دهد.

بارالها!

بر چشم و گوش و دلم مُهر سنگینی است که نمی‌بینم و نمی‌شنوم و نه به یقین می‌رسم، از تو می‌خواهم به پاس حرمت سالکان طریقت، حجاب‌های مانع را از وجودم برگرفته، به نور و یقین و اطمینان دل هدایتم فرمایی.

مادر عزیزم!

با سلام بر تو. تو و پدر مرحومم.

با مشقات زیاد ما را تا بدین جایگاه رساندید و من هرگز نتوانسته و نخواهم توانست ذره‌ای از زحمات شما را جبران کنم. اما همین مقدار با خدای خود عهد بسته‌ام که اگر از آمدنم به جبههٔ جنوب و گیلان‌غرب ثوابی برایم منظور داشته است، تمامی آن را به شما اعطا کند و آمدم تا به مصداق:

وَالَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا[1]

۱- سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۶۹

و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم.

با خیل کفار بستیزم؛ باشد که حضرت احدیت را از خود خشنود ساخته به اسلام و مسلمین و مستضعفین خدمتی کرده باشم.

آمدم تا دعوت پیر جمارانم را لبیک گفته باشم؛

و آمدم تا در سکون تکرار و ماندن نمانم و از گسترهٔ بی‌دریغ خوان رحمت توشه برگیرم و حیات را در جهاد بیابم و عاقبت به این فیض کامل نایل گردم.

مادرم!

تو همچنان‌که تا کنون بوده‌ای، صبور باش. مبادا که در صورت شهادتم اندوه به خود راه دهی و دشمنان را شاد سازی. بدان که شهدا به جوار قرب رحمت الهی می‌پیوندند.

شما خواهران و برادران عزیزم!

در امام بیشتر دقیق شوید. سعی کنید عظمت او را دریابید و خود را تسلیم آن سازید و **صداقت و اخلاص** خود را همچنان حفظ کنید.

اگر فیض شهادت نصیبم گشت، آنان‌که پیرو خط سرخ خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند، بر من نگریند و بر جنازهٔ من حاضر نشوند؛ اما باشد که دماء شهدا آنان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند.

تمام عزیزانم مخصوصاً آنانی را که یار و مددکار فکری و معنوی من بوده‌اند و راهنمایی‌ام کرده‌اند، به **صبر و تقوی و نماز** سفارش می‌کنم؛ گرچه خود از هر سه بی‌بهره بوده‌ام؛ اما باشد که خدای رحمان به جلال و عظمت خود ما حقیران و کمتران را ببخشاید، و نیز از تمامی نزدیکان حلالیت و عفو می‌طلبم.

حرف آخر این‌که محل دفنم را با مشورت مادرم انتخاب کنید و آن‌چه از من باقی مانده است، در اختیار مادرم است تا خود هرچه صلاح ببیند، آن کند.

بارالها!

تمامی بندگانی که با اخلاص و صداقت در پی حقیقتند، به صراط مستقیم هدایت فرما.

با درود بر حضرت بقیه‌الله‌الاعظم روحی له الفداه و بدان امید که هر چه زودتر مستضعفین به وراثت زمین نایل شوند.

عبد حقیر سیدباقر بنی‌طبا[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۴ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **جنایات نیروهای چند ملیتی در لبنان و راه‌کار مبارزه با متجاوزین مستکبر**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

سرکوب مسلمانان لبنان

توسط نیروهای مداخله‌گر چندملیتی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سرانجام همهٔ پیش‌بینی‌ها دربارهٔ نیروهای نظامی غربی که به نام نیروهای چندملیتی حافظ صلح وارد کشور ستم‌دیدهٔ لبنان شدند، درست از کار درآمد.

این نیروها آهسته‌آهسته دارند در کنار قوای مسلح لبنان که مأموران کمک به اجرای آرمان صهیونیسم و امپریالیسم در خاورمیانه هستند، قرار می‌گیرند تا لبنان مسلمان را، رفته رفته از تمامی نیروهای انقلابی (یا دست‌کم نیروهای اعتراض کننده) خالی نمایند.

سیاست نظامی امپریالیسم و صهیونیسم چنین اقتضا می‌کند که همه نظامیان مداخله‌کنندهٔ غربی با هم در عملیات سرکوب، ویرانگری و به اصطلاح پاک‌سازی در لبنان شرکت نکنند. بنابراین، شرکت نیروهای چند ملیتی حافظ صلح! با واحدهای فرانسوی آغاز شده است و بر اساس گزارش‌های رقت‌انگیزی که پی‌درپی از لبنان می‌رسد، چند روزی است که سربازان لبنانی به یاری سربازان سومین قدرت امپریالیستی غرب (فرانسه)، بی‌امان به عملیات کشتار، ویرانی و به اصطلاح پاک‌سازی سرگرم هستند.

استفادهٔ چکمه‌پوشان لبنانی و خارجی از زره‌پوش‌های نظامی، حکایت از شدت عملیات دارد. نظامیان، مناطق وسیعی از پایتخت را به تصرف خود درآورده‌اند که در میان آنها نواحی تل‌الخیاط، فردان، مصیطبه، والصنایع، البسطه و عایشه‌بکار، دیده می‌شود. آنها همچنین به بازرسی خانه‌های ستم‌دیدگان، چهره‌های سیاسی و دفاتر احزاب پرداخته‌اند. تمامی این عملیات نشان می‌دهد حکومت جدید دست نشاندهٔ لبنان که اکنون به نحو کامل تحت کنترل صهیونیست‌هاست و **فیلیپ حبیب این دلال شیطان بزرگ نیز نقش مؤثری را برای روی کار آمدن آن بازی کرده است، قصد دارد تمامی کشور را از همهٔ عناصر انقلابی و عناصری که ممکن است در آیندهٔ نزدیک یا دور خطری برای پیشبرد هدف‌های صهیونیستی و امپریالیستی باشند، خالی نماید.**

جنبهٔ دیگر برنامهٔ حکومت دست‌نشاندهٔ جدید، **مبارزهٔ جدی و درازمدت با اسلام** است.

آثار این مبارزهٔ خداستیزانه هم‌اکنون ظاهر شده است. طی چند روز اخیر ارتش لبنان به تعدادی از اماکن مذهبی از جمله چندین مسجد یورش بُرد. در این‌جا، سکوت رژیم‌های وابستهٔ عرب که مهارتی جز **به کار گرفتن چوب و چماق برای مجروح ساختن حجاج ایرانی به جرم شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل** ندارند، بسیار پرمعنی است. این سکوت را، به هیچ چیز جز تأیید تبه‌کاری‌های اسرائیل به دست واحدهای مسلح لبنانی و زمینه‌سازی برای آنها نمی‌توان تعبیر کرد.

در این ضمن، رادیو دولتی بیروت اکنون دیگر به نحو کامل تحت کنترل صهیونیست‌هاست و در تمامی برنامه‌های روزانهٔ خود خواسته‌های فرزندان نامشروع آمریکا در خاورمیانه را منعکس می‌کند.

از سوی دیگر رژیم‌های وابسته در جهان عرب، آن اسلام‌ستیزان نوکرمنش که جز بقای حکومت خود به سود بیگانگان سودایی در سر ندارند، نیز آنتن‌های خود را برای دریافت اخبار اسرائیلی باز کرده‌اند.

بازی‌های نظامی نیروهای چندملیتی حافظ صلح! تنها برای کمک به سرکوب و بازداشت و به اصطلاح آنها پاک‌سازی نیست، بلکه اهدافی مانند محافظت از جادهٔ مهم استراتژیک بیروت – دمشق را نیز دربر می‌گیرد و عاملان رسمی اسرائیل یعنی مقامات انتصابی لبنان اکنون سرگرم بررسی بازگشایی راه بیروت به دمشق هستند، مشروط بر آن‌که (همان‌گونه که گفته شد) این جاده به نظامیان از جمله نظامیان بیگانه سپرده شود!

این یک مداخلهٔ آشکار در امور سوریه نیز هست. تردیدی وجود ندارد که کنترل این جاده به وسیلهٔ چکمه‌پوشان داخلی و خارجی و به دستور صریح واشنگتن صورت می‌گیرد.

همچنین به گفتهٔ پاره‌ای از منابع آگاه، صهیونیسم و امپریالیسم مشترکاً قصد دارند طرح مداخلهٔ نیروهای مداخله‌گر چندملیتی را گسترش بدهند تا بتوانند بقیهٔ لبنان را نیز بپوشانند.

این ادعا اگر کاملاً صحیح و یا دست‌کم تا اندازه‌ای صحیح باشد، نشانهٔ آن خواهد بود که قدرت‌های شیطانی قصد دارند اندک‌اندک لبنان را به یک وابستهٔ تمام عیار اسرائیل تبدیل کنند و **اگر بگوییم که اسرائیل از این طریق در درازمدت خواهد توانست لبنان مسلمان را ضمیمهٔ خاک غصب شدهٔ خود کند، گزافه‌گویی نکرده‌ایم.**

هم آمریکا و هم اسرائیل می‌دانند که در شرایط کنونی، نمی‌توانند لبنان را ضمیمهٔ خاک فلسطین اشغال شده کنند، همان‌گونه که آنها در شرایط چند سال اخیر و حتی ۲ سال پیش نمی‌توانستند بلندی‌های جولان را به خاک خود ملحق سازند. اما سال گذشته به رؤیای خود جامهٔ عمل پوشاندند و بلندی‌های جولان را بلعیدند و صدایی هم از حلقوم مدعیان «عربیت» و «آرمان عرب» بیرون نیامد.

در این میان، **فالانژیست‌ها، آن فاشیست‌هایی که آرمان نژادپرستانهٔ خود را پیش از جنگ جهانی دوم از آلمان هیتلری به عاریه گرفته‌اند**، هنوز به مناقشات مسلحانهٔ خود با مسلمانان لبنان (که بیش از گروه‌های مذهبی دیگر آماج خشونت‌های اهریمنی بوده‌اند)، ادامه می‌دهند.

صهیونیست‌ها ضمن آن‌که از فاشیست‌های لبنانی دفاع می‌کنند و آنها را علیه ستم‌دیدگان مسلمان تجهیز و تقویت می‌کنند، در آمریکا و بقیهٔ جهان غرب، فیلم‌هایی را دربارهٔ قتل‌عام یهودیان به دست نازی‌ها نمایش می‌دهند و ایستگاه‌های تلویزیونی غربی، هرگز فیلم‌های مستندی را که دربارهٔ قتل‌عام مسلمانان به دست صهیونیست‌ها برداشته است، نشان نمی‌دهند.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که:

– آیا جنایات رژیم اشغالگر قدس، با تبه‌کاری‌های نازیسم در آلمان قابل قیاس است؟

پاسخ مثبت است.

همچنین این سؤال پیش می‌آید که:

– آیا خود صهیونیسم بیشتر گناهکار است یا آن گروه از حاکمان عرب که به نحو غیرمستقیم چکمه‌پوشان اسرائیلی را برای تحقق تدریجی آرمان صهیونیسم یاری می‌کنند؟

اگر به محاسبات دقیق سیاسی علاقه داشته باشیم، باید بگوییم که اعراب وابسته بیش از صهیونیست‌ها گناهکارند، زیرا:

آنها هستند که نفت خود را به نحو غیرمستقیم برای اسرائیل می‌فرستند تا تجهیزات نظامی آن را که فقط و فقط برای خرد کردن مسلمانان آماده شده است، تغذیه کنند.

آنان هستند که از طریق هم‌پیمانی با شیطان بزرگ، این تبه‌کارترین قدرت امپریالیستی، آب‌ها را به آسیای این ام‌الفساد قرن سرازیر می‌سازند.

آنها هستند که با سکوت از پیش هماهنگ شدهٔ خود دست غاصبان اسرائیلی را برای پیشبرد آرمان‌های صهیونیسم باز می‌گذارند.

آنها هستند که در طول تاریخ خنجرهایشان را برای فرو کردن در پیکر اسلام، این پاک‌ترین آیین خدایی به خون آغشته کرده‌اند و اکنون نیز بار دیگر آن را آماده نگاه داشته‌اند.

آنان هستند که...

در یک کلام:

-تنها وحدت مسلمان می‌تواند غدهٔ سرطانی خاورمیانه را که به نحو فزاینده‌ای رشد می‌کند، از این منطقه بکند و آن را برای همیشه به خاک سیاه بسپارد.

اما آیا رژیم‌های وابستهٔ کنونی اجازهٔ چنین وحدتی را به خود می‌دهند؟ نه، آنها چنین اجازه‌ای را نخواهند یافت و تجربه‌های قرن جدید، این حقیقت را ثابت کرده است.

اما عقل سالم می‌گوید که:

- رژیم‌های وابسته را به رغم نیروهای مسلح سرکوب‌کنندهٔ آنها می‌توان به زانو درآورد.

تجربهٔ انقلاب اسلامی ایران نشان داده است که:

- مشت‌های گره کرده‌ای که صاحبان آنها اراده‌های پولادین داشته باشند، به آسانی می‌توانند بر قوهٔ قهریهٔ حکومت‌های پوسیده و وابسته چیره شوند.

و اکنون بیش از هر زمان دیگری زمینه برای بهره‌برداری از تجربه‌ای که انقلاب اسلامی به دست آورده، فراهم است.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۵ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ضرورت خروج نیروهای صهیونیستی از تمامی سرزمین‌های اشغالی**

امضا: **وزرای خارجهٔ کشورهای غیرمتعهد**

با صدور بیانیه‌ای پس از نشست چند روزه در نیویورک:

وزرای خارجهٔ کشورهای غیرمتعهد خواستار خروج نیروهای صهیونیستی از تمامی سرزمین‌های اشغالی شدند

وزرای خارجهٔ کشورهای غیرمتعهد در پایان جلسات ۶ روزهٔ خود در مقر **سازمان ملل متحد** در نیویورک طی بیانیه‌ای **سیاست تروریستی رژیم صهیونیستی در لبنان** را به شدت محکوم کرده و خواستار **خروج نیروهای صهیونیستی از تمامی سرزمین‌های اشغالی** شدند.

به گزارش **خبرگزاری لیبی از نیویورک** در این بیانیه آمده است:

سیاست تروریستی این رژیم در نتیجهٔ کمک‌های مستمر و نامحدود آمریکا به صهیونیست‌های نژادپرست صورت می‌گیرد و این سیاست در کشتارهای اخیر فلسطینیان در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا متجلی شده است.

در این بیانیه وزرای خارجهٔ کشورهای غیرمتعهد مخالفت خود را با انتقال ساکنان فلسطینی به اردوگاه‌های جدید به منظور جمع‌آوری در یک منطقه و سپس نابودی آنها ابراز داشتند.

در این بیانیه **شناسایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین به عنوان تنها نمایندهٔ ملت فلسطین** مورد تایید مجدد قرار گرفته است.

گزارش **خبرگزاری جمهوری اسلامی از دهلی‌نو** به نقل از **روزنامهٔ تایمز هندوستان** نیز حاکیست:

این بیانیه همچنین رسیدگی به مسألهٔ حساس افغانستان را به کنفرانس سران که اسفند ماه در دهلی‌نو برگزار می‌شود، ارجاع کرد.

بر اساس همین گزارش در قطعنامهٔ پایانی این اجلاس بدون هیچ اشاره‌ای به نام شوروی بر خروج نیروهای خارجی از افغانستان تأکید شده است.

وزرای خارجهٔ کشورهای غیرمتعهد همچنین بر یک توافق سیاسی در زمینهٔ خروج نیروهای خارجی و احترام کامل به استقلال – حق حاکمیت، تمامیت ارضی و نقش غیرمتعهد افغانستان و همچنین رعایت کامل اصل عدم مداخله توافق داشتند.

طبق همین گزارش این قطعنامه ضمن تصریح بر حق بازگشت آوارگان افغانی به میهن‌شان در امنیت و احترام کامل، خواستار یک راه‌حل فوری برای حل این بحران شده است.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۶ تاریخ صدور: ۲۰ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **طرح قتل‌عام در اردوگاه‌های فلسطینی توسط فالانژها**

امضا:

فالانژها طرح قتل‌عام در اردوگاه‌های فلسطینی را تکمیل کردند

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی:

عوامل رژیم امین جمیل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ فالانژ لبنان در ادامهٔ عملیات سرکوب‌گرانه و تجاوزگرانهٔ خود و نیز ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنین بی‌گناه لبنانی و فلسطینی‌ها در بخش مسلمان‌نشین بیروت، شب گذشته با لباس‌های مبدل ضمن حمله به اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و برج‌البراجنه، عده‌ای از جوانان این اردوگاه‌ها را ربودند.

به گزارش **خبرگزاری فرانسه از بیروت** بنا به اظهارات نزدیکان افراد ربوده شده، افراد ناشناس که متعلق به ادارهٔ اطلاعات ارتش لبنان بودند، با لباس‌های غیرنظامی و مجهز به اسلحهٔ کمری و مسلسل وارد محل‌های مسکونی شده‌اند و «افراد مورد نظر» را با خود برده‌اند.

رهبران مسلمان **تعداد فلسطینی‌های ناپدید شده در اردوگاه‌های پناهندگان صبرا و شتیلا را دست‌کم ۹۰۰ تن گزارش کرده‌اند.** در حالی‌که **تعداد مردان و زنان و کودکان قتل‌عام شده توسط افراد مسلح مسیحی ۶۰۰ تن** گزارش شده است.

به گزارش **آسوشیتدپرس از بیروت** گفته می‌شود:

فالانژها و نیروهای سعد حداد علاوه بر همکاری نزدیک با سازمان اطلاعاتی ارتش لبنان و

ارتش صهیونیستی در تهیهٔ نام فلسطینی‌ها و غیرنظامیان چپ‌گرا در غرب بیروت با این نیروها تشریک مساعی می‌کنند.

ارتش لبنان به کمک فالانژهای این کشور به منظور ارعاب و سرکوب باقی‌ماندهٔ مسلمانان فلسطینی بیروت و کمک به اجرای طرح توطئهٔ امپریالیسم - صهیونیسم در نابودی فریاد حق‌طلبانهٔ ملت فلسطین از بامداد دیروز اردوگاه‌های صبرا و شتیلا را جهت تجسس خانه به خانه و بازداشت ساکنان آن به محاصرهٔ کامل خود درآورد.

۲۰ روز پیش اردوگاه‌های صبرا و شتیلا مورد تهاجم وحشیانهٔ مشترک نیروهای صهیونیستی و فالانژ قرار گرفت و بیش از ۳۲۰۰ نفر از ساکنان بی‌دفاع آن قتل‌عام شدند.

خبرگزاری فرانسه از بیروت گزارش داد که در عملیات تجسس روز گذشته ۴۳ نفر از جمله ۵ لبنانی دستگیر شدند. در حالی که فالانژها و ارتش لبنان به جستجوی خانه به خانهٔ خود ادامه می‌دادند، بلدوزرهای ارتش خانه‌های محقر مردم بی‌گناه را با خاک یکسان کردند.

موج آدم‌ربایی

بنا به گزارش **آسوشیتدپرس از بیروت** ساکنان وحشت‌زدهٔ اردوگاه‌ها گفتند:

- مردانی که لباس‌های غیرنظامی به تن داشتند، شب دوشنبه وارد اردوگاه‌ها شده و چندین نفر را ربودند.

آنها از هویت مردان فوق اطلاعی نداشتند، لکن منابع امنیتی لبنان قبلاً گفتند که **نیروهای سعد حداد و فالانژها به درون محله‌های مسلمان‌نشین نفوذ کرده و تعدادی از رزمندگان را ظرف هفتهٔ گذشته دستگیر کرده‌اند.**

به گفتهٔ رهبران مسلمان لبنان ۱۵۰ نفر تا کنون از سوی نیروهای سرگرد یاغی سعد حداد و فالانژها ربوده شدند.

یک زن جوان فلسطینی در اردوگاه شتیلا به خبرنگاران گفت:

- ما وحشت کرده و قادر به استراحت نیستیم.

وی که پدر خود را در جریان قتل‌عام اردوگاه از دست داده و برادرش دستگیر شده است، گفت:

- هم‌اکنون آنها قصد دارند این خانهٔ محقر را با خاک یکسان کنند.

یادآور می‌شود:

ظرف ۲ هفتهٔ گذشته ۱۰۰۰ تن در بخش مسلمان‌نشین بیروت توسط ارتش لبنان بازداشت

شده‌اند. به علاوه فالانژها نیز به طور جداگانه دست‌کم ۱۵۰۰ تن را دستگیر کرده و به نقاط نامعلومی برده‌اند.

آدم‌ربایی در اردوگاه‌ها

به گفتهٔ ساکنین اردوگاه‌های فلسطینی بیروت، شب یک‌شنبه **عناصری مسلح** وارد **اردوگاه‌های صبرا و برج‌البراجنه واقع در جنوب بیروت** شدند و با تهدید مسلحانه و طبق یک فهرست اسامی، ۱۰ جوان را دستگیر کردند.

این افراد ناشناس که لباس شخصی بر تن و هفت‌تیر و تپانچهٔ اتوماتیک در دست داشتند وارد خانه‌ها شدند و اشخاص مورد نظر خود را بیدار و وادار به رفتن با خود کردند.

گزارش‌ها حاکیست که از سرنوشت این عده هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.

به گفتهٔ اعضای خانواده‌های این جوانان که روزنامه‌نگاران به دیدن آنان رفته بودند، این عناصر مسلح اظهار داشتند که عضو «ادارهٔ دوم» (سرویس اطلاعاتی ارتش لبنان) هستند. آنان از ارایهٔ کارت هویت خود و موارد اتهام ربوده‌شدگان سر باز زدند.

ساکنین این اردوگاه‌های فلسطینی همچنین تصریح می‌کنند که این عناصر مسلح یک شخص را که نامش در فهرست اسامی بود، نیافته و به جای او پدر و مادرش را با خود بردند.

حملهٔ بامداد دیروز به اردوگاه‌های شتیلا و صبرا در غرب بیروت به بهانهٔ جستجو برای مهمات و سلاح‌های مخفی‌شده صورت گرفت. لکن آنها در عمل نشان دادند که به دنبال اشخاص هستند.

این نخستین باری است که فالانژها و ارتش لبنان بعد از قتل‌عام اخیر در این اردوگاه‌ها دست به چنین اقدامی می‌زنند.

سربازان فرانسوی و ایتالیایی نیروی چندملیتی پاسدار صلح در مواضع خود در اردوگاه‌ها مستقر بودند و هیچ مخالفتی با این اقدام فالانژها و ارتش لبنان نکردند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۰

شماره: ۱۸۷ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **فعالیت سپاه اسلام طی ۲۴ ساعت گذشته**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

در رابطه با عملیات رزمندگان اسلام در ۲۴ ساعت گذشته این اطلاعیه از سوی **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** منتشر شد:

بسم الله الرحمن الرحیم

با درود بر حماسه‌آفرینان کفرستیز و رزمندگان ظفرمند سنگرهای پیکار حق علیه باطل گزارش بخشی از عملیات رزمندگان اسلام طی ۲۴ ساعت اخیر را به آگاهی امت انقلابی و شهیدپرور می‌رسانیم.

شب گذشته دشمن شکست‌خورده در مناطق عملیاتی غرب کشور به ارتفاعات ۴۰۲ حمله کرد که با رشادت و پایمردی رزمندگان جان برکف اسلام با تحمل ضربات سنگین و به جا گذاشتن تعداد زیادی کشته و زخمی و دادن بیش از ۱۰۰ اسیر مجبور به عقب‌نشینی شدند.

همچنین ضدحملهٔ دشمن در منطقهٔ میان‌تنگ با دلاوری مدافعان انقلاب اسلامی خنثی شد و در این منطقه نیز قوای رو به زوال دشمن با تحمل ده‌ها کشته و زخمی دست به عقب‌نشینی زدند.

طی درگیری‌های شدیدی که از ساعت ۳ تا ۷/۵ بامداد دیروز در یکی از مناطق عملیاتی سومار ادامه داشت، تلفات و خساراتی به دشمن وارد آمد و ۳ گردان پیاده از نیروهای رژیم

صهیونیستی- بعثی عراق تارومار شده و ۵ دستگاه تانک آن نیز با آتش سلاح‌های رزمندگان اسلام منهدم شد.

در مهران نیز رزمندگان اسلام با آتش سلاح‌های سنگین و نیمه‌سنگین قسمت جنوبی پاسگاه کله‌شرقی عراق را مورد حمله قرار داده و ۲ قبضه سلاح سنگین و ۳ دستگاه خودرو آنان را به همراه خدمه به آتش کشیده و منهدم کردند.

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۸۸ تاریخ صدور: **۲۱ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **فرماندهٔ سپاه پاسداران در چابهار**

امضا:

به گزارش واحد مرکزی خبر از زاهدان، عصر دیروز **برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** به اتفاق **حجت‌الاسلام سالک مسئول بسیج مستضعفین سپاه پاسداران** وارد پایگاه دهم شکاری نیروی هوایی چابهار شد و مورد استقبال روحانیون، **برادران پاسدار و سرپرست دایرهٔ سیاسی- ایدئولوژیک نیروی هوایی و فرماندهان نیروهای مسلح منطقه** قرار گرفت.

محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همراهان سپس از فرستندهٔ رادیویی فجر چابهار دیدن کردند و پس از آن، برادر رضائی در مقر سپاه حضور یافت و در جمع برادران سپاه پاسداران، مطالبی پیرامون مسائل جنگ و آینده بیان داشت.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۸۹ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفاع عادلانه تا احقاق حقوق حقهٔ ملت ایران**

امضا: **وزیر امور خارجه، علی اکبر ولایتی**

وزیر امور خارجه:

تا زمانی‌که حقوق‌مان تأمین نگردد،

به دفاع عادلانهٔ خود ادامه خواهیم داد

به گزارش **واحد مرکزی خبر از پاریس** آقای ولایتی وزیر خارجهٔ کشورمان که جهت شرکت در **سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک** به سر می‌برد، صبح دیروز به وقت محلی با **آقای احمد طالب ابراهیمی وزیر خارجهٔ کشور الجزایر** در محل اقامت هیأت اعزامی جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفتگو نمودند.

در این ملاقات که حدود ۱ ساعت و نیم به طول انجامید، مسائل مورد علاقه و روابط بین ۲ کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

آقای طالب ابراهیمی وزیر امور خارجهٔ الجزایر در این ملاقات در مورد روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشور متبوعش اظهار داشت:

– رابطهٔ ما با ایران رابطهٔ برادرانه و نزدیک است و امیدواریم در آینده مناسبات بین ۲ کشور هر چه بیشتر گسترش یابد.

سپس آقای ولایتی وزیر خارجهٔ کشورمان ضمن تأیید اظهارات همتای الجزایری خود اظهار

امیدواری برای توسعهٔ روابط فی‌مابین نمود و در پاسخ به سؤال وزیر خارجهٔ الجزایر در زمینهٔ **وضع جاری جنگ تحمیلی رژیم بعثی صهیونیستی عراق و شرایط موردنظر ایران برای پایان یافتن** آن همان‌طور که در دیدار ۲ روز قبل خود با وزیر خارجهٔ سوئیس در برن نیز اعلام کرده بود، تصریح داشت:

– ما خواهان صلح هستیم، ولی صلحی که عادلانه و شرافتمندانه؛ و تا زمانی که نیروی متجاوز بعثی صهیونیستی عراق سرزمین‌های ما را در اشغال خود دارد و تا زمانی که حقوق ما تأمین نگردد، جمهوری اسلامی ایران به دفاع عادلانهٔ خود ادامه خواهد داد.

وزیر خارجهٔ کشورمان پس از این دیدار با برخی دیگر از هیأت‌های شرکت‌کننده در سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ملاقات‌هایی داشته باشد.[۱]

۱– روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۰ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ■ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **صلح چه زمانی معنی و مفهوم خود را پیدا می‌کند؟**

امضا: **سازمان جوانان صلیب سرخ جهانی**

پیام سازمان جوانان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

به سازمان جوانان صلیب سرخ جهانی:

تا زمانی که دولت متجاوز عراق سرنگون نشود، سخن از صلح یک تعارف است

سرویس خبری:

از سوی **سازمان جوانان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران** نامه‌ای در مورد **صلح** خطاب به سازمان جوانان صلیب سرخ جهانی ارسال گردید که قسمتی از آن بدین شرح است.

سلام علیکم

بازگشت به نامهٔ ارسالی آن سازمان مبنی بر گزارش اقدامات در مورد صلح از طرف سازمان جوانان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، معروض می‌دارد:

۱- اولاً باید مفهومی صحیح و انسانی از کلمهٔ صلح را به جهانیان عرضه داشت تا از این کلمهٔ زیبا استفاده‌های ناباب انجام نپذیرد و ابرقدرت‌ها و متجاوزین با اسم صلح دست‌شان به خون ملت‌های مظلوم آغشته نباشد که **در اسلام کلمهٔ صلح، زمانی صادق است که انسان‌ها به خاطر خدا و انسانیت دست از ظلم و بهره‌کشی مادی و معنوی بردارند و خود نیز زیر بار ظلم و بهره‌کشی نروند و با عزّت و سربلندی و تفاهم زندگی کنند.**

۲- تا زمانی که دولت‌های صاحب وتو در سازمان ملل و این قدرت‌های جنایتکار از صفحهٔ جهانی محو نشوند و اسرائیل از منطقهٔ خاورمیانه نابود نشده و دولت متجاوز عراق از کرسی حکومت به زیر نیفتد، سخن از صلح یک تعارف است.

۳- از زمانی که دولت بعث عراق با پشتیبانی آمریکا و اسرائیل مرز صلح و دوستی را شکسته و به ایران اسلامی حمله نموده، جوانان عزیز ملت ایران برای برقراری صلح اسلامی با عزت در تمام جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها مشغول تلاش فراوانی هستند اعم از شرکت آنها در جبهه‌های جنگ، کمک به مظلومین و مجروحین، آوارگان، خانوادهٔ شهدا، جمع‌آوری کمک‌های مردم به دولت و جبهه و ارسال آنها، جمع‌آوری بودجه و امکانات برای بازسازی مناطق جنگی به خصوص بیمارستان‌های مراکز درمانی که توسط رژیم صدام ویران شده است و... بسیاری تلاش‌های دیگر که اینک نیز ادامه دارد، می‌باشد.

۴- سازمان جوانان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از سازمان جوانان صلیب سرخ جهانی انتظار دارد نمایندگانی را به این کشور اعزام نموده تا از نزدیک واقعیت‌ها را مشاهده نمایند و عقیدهٔ ماست که **تا انسان‌ها به سوی خالق هستی و خدای جهان روی نیاورند، تمام تلاش‌ها برای صلح و صلح‌طلبی بی‌ثمر است.**

۵- در خاتمه امیدواریم ملت‌های مستضعف دست به دست هم داده و با وحدتی انسانی بتوانند ظلم و تفرقه را از جهان براندازند و افرادی که عامل جنایت بر بشر هستند و با وقاحت تمام خود را صاحبان حقوق بشر می‌دانند، کنار بزنند و با صداقت و صفا و تحقیق و مطالعه به یگانه خالق هستی روی آورند و امید است سازمان جوانان صلیب سرخ جهانی بتواند در این راه قدمی مثبت و خارج از تعارفات دیپلماسی به خاطر حقوق صحیح انسانیت بردارد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۱ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: گزارش خبری

موضوع: **مشهودات خبرنگار خبرگزاری فرانسه از مواضع آزادشده در غرب کشور ایران**

امضا:

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

خبرنگار خبرگزاری فرانسه که به همراه دیگر خبرنگاران خارجی از مواضع و بلندی‌های آزاد شدهٔ غرب کشورمان دیدن کرده است، در گزارشی از **یک قرارگاه رزمندگان اسلام واقع در نزدیکی شهر مندلی** با اشاره به پیروزی‌های سپاهیان ما طی عملیات مسلم‌بن عقیل و روحیه و ایمان عارفانهٔ آنها نوشت:

– سکوت اطراف رودخانهٔ کنگیر واقع در ۱۰ کیلومتری جبههٔ ایران و عراق را صدای اوج گیرندهٔ سرود مذهبی ۱۰۰ رزمندهٔ ایرانی می‌شکند. آنها جملهٔ «**الله اکبر، من در کربلا نماز خواهم گذارد**» را به دنبال راهنمای مذهبی خود یک روحانی که لباس سنتی خود را کنار گذاشته و لباس رزمی به تن دارد، تکرار می‌کنند.

خبرنگار خبرگزاری فرانسه به نقل از **یک جوان ایرانی** نیز می‌نویسد:

– ما هفته‌ای چند بار و در هر بار ۲ یا ۳ ساعت دور هم جمع می‌شویم تا به تفسیر قرآن گوش دهیم یا دعا بخوانیم.

در این گزارش همچنین آمده است:

در اطراف حدود ۱۰۰ نفر در زیر مهتاب کامل نشسته‌اند و دیگران خود را آماده می‌کنند

تا به درون کانتینرهایی که از آن به عنوان خوابگاه استفاده می‌شود، رفته و بخوابند.

شام آنها از نان لواش، کنسرو تن ماهی و کنسرو لوبیا تشکیل می‌شود که سریعاً خورده می‌شود.

خبرنگار خبرگزاری فرانسه در گزارش خود می‌افزاید:

در طول جادهٔ مندلی که در طول رودخانه ادامه دارد، به افراد محلی برمی‌خوریم. پیرمردی با ریش سفید که بازویش مجروح شده و جوانی که دست خود را در جنگ از دست داده است؛ با این وجود هر دو ترجیح می‌دهند تا در جبهه بمانند و به مجروحین کمک کنند.

همچنین یک دکتر ۳۰ سالهٔ عراقی به نام ابوطالب در لباس نظامی دیده می‌شود. او حاضر نیست نام فامیل خود را بگوید و توضیح می‌دهد که پدرش هنوز در عراق به سر می‌برد. ۸ ماه پیش، پس از آن که برادرش توسط رژیم بعثی به قتل رسیده، وی با یک موتور به ایران فرار کرد و به نیروهای انقلابی پیوست.

ابوطالب همچنین گفت:

- من مایل بودم بجنگم، اما از من خواستند تا تنها به عنوان دکتر خدمت کنم.

یک جوان دیگر با نشان دادن وسایل شخصی که از عراقی‌ها به جای مانده بود، گفت:

- ارتش عراق به قدری سریع فرار کرد که افراد آن فراموش کردند این وسایل را با خود ببرند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۲ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **درهم شکستن ۳ ضدحملهٔ کفار بعثی توسط قوای اسلام**

در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل

امضا:

در منطقهٔ عملیاتی مسلم‌بن عقیل:

قوای اسلام ۳ ضدحملهٔ کفار بعثی را به شدت درهم شکستند

باختران، خبرنگار جمهوری اسلامی:

مزدوران بعثی صهیونیستی عراق به تلاش شکست‌های اخیر در ارتفاعات مشرف به مندلی از پریشب تا صبح دیروز دست به ۳ ضدحملهٔ ناموفق زدند که هر بار با دادن تلفات و ضایعات سنگین مجبور به عقب‌نشینی شدند.

همچنین رزمندگان اسلام با عملیات متقابل و تدافعی و آتش گستردهٔ خویش از چند محور نیروهای بعثی را متلاشی کردند.

بر پایهٔ این گزارش در عملیات پریشب و دیروز تا کنون بیش از ۲ تیپ از متجاوزین بعثی به هلاکت رسیدند و تعدادی از تانک‌ها و خودروها و چند انبار مهمات دشمن به آتش کشیده شد و بیش از ۵۰۰ نفر از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند و ده‌ها تن از قوای کفر به اسارت رزمندگان اسلام افتاد.

همچنین به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱هواپیمای دشمن نیز بامداد دیروز در منطقهٔ ایلام ساقط شده و جستجو برای دستگیری خلبان آن ادامه دارد.

بر اساس همین گزارش دشمن زبون ساعت ۲۲/۳۰ پریشب دوشنبه‌شب در اطراف پاسگاه گیسکه دست به انجام یک سری عملیات نظامی زد که تا ساعت ۶ بامداد ادامه داشت و دلاوران ما در این ساعت به طور کامل قوای دشمن را درهم کوبیدند و آنان را مجبور به فرار کردند.

دشمن مجدداً در ساعت ۸ بامداد دیروز سه‌شنبه دست به یک پاتک دیگر زد که این پاتک نیز با شکست کامل روبه‌رو شد و دشمن ناامیدتر از همیشه خیال دستیابی مجدد به مناطق آزادشده را از دست داد.

علاوه بر انهدام وسایل زیاد زرهی دشمن در جریان این عملیات تا ساعت ۱۰/۳۰ دیروز حداقل ۱۰۰ تن اسیر به پشت جبهه تخلیه شده و تخلیهٔ اسرای دیگر نیز ادامه دارد.

گفته می‌شود نیروهای دشمن در این پاتک در حدود ۲ تیپ بوده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: **۱۹۳** تاریخ صدور: **۲۱ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اجرای آتش بر مواضع بعثیون در غرب**

امضا:

سنندج:

به گزارش واحد مرکزی خبر در تاریخ ۶۱/۷/۱۸ بر اثر آتش توپخانهٔ رزمندگان اسلام بر مقر واحد آتش عراق در بین روستاهای اصحاب‌الله و کثران عراق چند تن از صدامیان کافر کشته و تعداد زیادی نیز زخمی شدند.

همچنین در تاریخ ۶۱/۷/۱۹ بر اثر آتش توپخانهٔ رزمندگان کفرستیز اسلام در پشت روستای حانم شیخان ۱ پایگاه نظامی مزدوران بعثی، ۱ خودرو و ۱ قبضه خمپاره‌انداز به کلی منهدم گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۴ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات چریکی رزمندگان اسلام در پاسگاه کله‌شرقی عراق**

امضا:

ایلام، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از ایلام عصر دیروز ۱ گروه از **برادران جان بر کف سپاه و ارتش** طی یک عملیات متهورانهٔ چریکی در منطقهٔ مهران قسمت جنوبی پاسگاه کله‌شرقی عراقی را مورد هجوم قرار دادند که در این حملهٔ موفقیت‌آمیز ۱ قبضه توپ ضدهوایی و ۱ قبضه توپ کالیبر ۷۵ مزدوران بعثی با خدمهٔ آنها به کلی منهدم شد و ۳ تانکر سوخت دشمن از بین رفت.

دود و آتش حاصله از این انهدام ساعت‌ها به چشم می‌خورد.

در پایان این عملیات کلیهٔ برادران سپاهی و ارتشی به سلامت به پایگاه خود بازگشتند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۵ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعدام ۷۵۰ نفر از مردم مسلمان عراق توسط مزدوران صدام**

امضا:

کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

در ادامهٔ کشتار و شکنجه‌های ددمنشانهٔ بعثیون بغداد ۱ نشریهٔ وابسته به انقلابیون عراق دیروز در کویت فاش ساخت ۷۵۰ تن از مبارزین مسلمان عراقی اخیراً توسط رژیم وابستهٔ صدام اعدام شدند.

به گزارش نمایندهٔ خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت به گفتهٔ این نشریه که مخفیانه در کویت منتشر می‌شود، اجساد این عده که در مخالفت با رژیم بعثی صهیونیستی دستگیر شده بودند، جهت رعب و وحشت میان مردم عراق به خانواده‌هایشان تحویل شده‌اند.

۶۵، ۸۰ و ۳۵ نفر از این شهدا به ترتیب متعلق به شهرهای کربلا، نجف و الثوره عراق می‌باشند.

این نشریه اضافه می‌کند:

- اثرات شکنجه‌های وحشیانه و قرون وسطایی بعثیان صهیونیست بغداد بر بدن‌های این شهدا زبانزد همهٔ مردم عراق شده است.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: **۱۹۶** تاریخ صدور: **۲۱ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تقاضای امان‌نامه از سوی افراد گروهکی**

امضا:

باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

روز گذشته ۱ تن از عناصر غیرقانونی حزب منحلهٔ دموکرات که پی به ماهیت پلید این حزب برده است، در **بوکان** خود را به **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** معرفی و تقاضای امان‌نامه کرد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۷ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی گروهی از مسلمانان ستم‌دیدهٔ عراقی به ایران**

امضا:

سنندج:

به گزارش واحد مرکزی خبر روز گذشته ۱۷ تن دیگر از مسلمانان ستم‌کشیدهٔ عراق که از جور و ظلم روزافزون حکومت بعثی عراق به تنگ آمده بودند، از طریق یکی از مرزهای غربی وارد جمهوری اسلامی ایران شدند.

در میان این عده که اهل هولیر، خانقین، کرکوک و سیدصادق می‌باشند، چند محصل، کارمند، لیسانسیه و خانه‌دار دیده می‌شوند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۸ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **هلاکت ۱ منافق بر اثر انفجار نارنجک**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی کمیتهٔ انقلاب اسلامی**

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در تماس با **روابط عمومی ستاد مرکزی کمیتهٔ انقلاب اسلامی** کسب اطلاع کرد:

در پی اعلام طرح تشخیص هویت مالکین و مستأجرین تهران و حومه از سوی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز صاحبخانه‌ای واقع در خیابان جوادیهٔ تهران از مستأجر خود درخواست کرد جهت دریافت فرم مربوط به این طرح به کمیته مراجعه کند. اما مستأجر که یکی از تروریست‌های عضو گروهک منافقین بود، اقدام به فرار می‌کند.

این تروریست مسلح در بین راه با مشاهدهٔ ۱ اتومبیل متعلق به شهرداری قصد ربودن اتومبیل و فرار با آن را داشت، ولی کارگران شهرداری مانع از این کار او شده و وی را دستگیر و خلع سلاح می‌کنند. این منافق موفق می‌شود از دست کارگران شهرداری نیز فرار کند. ولی در بین راه متوجه می‌شود که مأمورین شهربانی در تعقیب او هستند و وقتی خود را گرفتار می‌بینند، به قصد فرار از دست مأمورین شهربانی و به شهادت رساندن آنها، ضامن نارنجکی را که در لباسش پنهان کرده بود، می‌کشد، اما نارنجک در دست خودش منفجر شده و در نتیجه ۲ تن از مأمورین زخمی و منافق به هلاکت می‌رسد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۱۹۹ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری منافق مسلح توسط مردم شیراز**

امضا:

شیراز، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پریشب ۲ تن از منافقین مسلح در خیابان نادر اقدام به ترور یکی از برادران آموزگار متعهد نموده و بلافاصله اقدام به فرار می‌کنند که خوشبختانه امت حزب‌الله همیشه در صحنهٔ شیراز بلافاصله به تعقیب منافقین تروریست رفته و پس از مدتی آنها را محاصره می‌کنند. ولی متأسفانه یکی از منافقین ۱ نارنجک دستی می‌کشد و خود را به هلاکت می‌رساند و باعث زخمی شدن ۲ تن دیگر می‌شود و منافق دیگر به دست مردم دستگیر و تحویل دادگاه انقلاب اسلامی شیراز می‌گردد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۰ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازسازی ۴۷ روستای جنگ‌زدهٔ خوزستان**

امضا: **مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خوزستان**

توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

بازسازی ۴۷ روستای جنگ‌زدهٔ خوزستان آغاز شد

کار بازسازی بیش از **۴۷ روستا در سطح منـاطق سوسنگرد، دزفول و شوش** که به دست متجاوزین بعثی تخریب و یا آسیب دیده، آغاز شد.

مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خوزستان در یک گفتگوی اختصاصی با خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز اهواز با اعلام این مطلب در تشریح فعالیت ستادهای ۱۰گانهٔ بازسازی مناطق جنگی خوزستان اظهار داشت:

– در استان خوزستان ۱۰ ستاد بازسازی مناطق جنگی شامل ستاد بازسازی استان‌های **سمنان** در خرمشهر، **فارس** در آبادان، **اصفهان** در شهرستان اهواز، **خراسان** در منطقهٔ دشت‌آزادگان، **مرکزی و کرمان** در هویزه و بستان، **تهران** در غرب کرخه، **خوزستان** در بخشی از منطقهٔ دشت آزادگان، **بوشهر** در رقابیه، و **قم** در شرق کرخه تشکیل شده که **هر یک از استان‌های مربوط، عملیات بازسازی یک منطقهٔ جنگی را به عهده گرفته‌اند.**

مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی افزود:

– ستاد بازسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سمنان که در خرمشهر مستقر است و عملیات

بازسازی این منطقه را به عهده دارد، عملیات احداث کارگاه‌های بلوک‌سازی برای بازسازی روستاهای مشارع، مهیوب و دارخوین را به اتمام رسانده است.

وی افزود:

– ستادهای بازسازی مناطق جنگ برای نیل به خودکفایی و جلوگیری از کمبود مصالح ساختمانی مستقلاً اقدام به احداث کارگاه‌های بلوک‌زنی، در و پنجره‌سازی و کوره‌های آجرپزی کرده‌اند. برای نمونه استان سمنان ۲ کورهٔ آجرپزی هر یک به ظرفیت ۳۰۰ هزار قالب آجر احداث کرده که یکی از کوره‌ها به مرحلهٔ بهره‌برداری رسیده است.

همچنین شهرستان قم قرار است ۱۰ کورهٔ آجرپزی هر یک به ظرفیت ۸۰۰ هزار تا ۱میلیون آجر در ماه احداث کند که ۴ کورهٔ آن احداث گردیده و ۶ کورهٔ آن در دست احداث است.

وی افزود:

– ستاد بازسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قم تا کنون ۵۰۰ تن آجر و ۲۰ هزار کیسه سیمان برای بازسازی روستاهای ابوذر غفاری، شهرک خلخالی، آزادی، پاپی‌آباد، جرگه سیدکرم، جرگه سیدموسی و رداده واقع در شرق کرخه را تهیه نموده که عملیات بازسازی این روستاها آغاز گردیده است.

مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خوزستان افزود:

– استان خراسان که عملیات بازسازی منطقهٔ سوسنگرد را تقبل کرده، کار بازسازی ۲۳ روستا را آغاز کرد که بعضاً به اتمام رسیده و به مردم این روستاها اعلام بازگشت شده و عملیات بازسازی جرگه سیدعلی، کوت، سیدنعیم، غوابش، جلالیهٔ شمالی و ساریه را شروع کرده است. این استان قرار است ۶ کورهٔ آجرپزی هر یک به ظرفیت ۳۰۰ هزار قالب آجر در ماه در این منطقه احداث کند.

همچنین بنیاد مسکن خوزستان عملیات بازسازی بیت حردان، شیخ فیصل، غوابش دو، مالکیهٔ سفلی و مالکیهٔ وسطی، ابوحمیظه و آلبوعفری را آغاز کرده و در ۳ منطقه اقدام به احداث کارگاه بلوک‌زنی کرده است.

استان تهران نیز که عملیات بازسازی روستاهای غرب کرخه را تقبل نموده، ۱۰ کورهٔ آجرپزی در دست احداث دارد و عملیات بازسازی روستاهای صالح مشطط، فیلیه، صالح داود، سرخه نادری ۱ و ۲ را آغاز نموده است.

همچنین استان بوشهر در رقابیه مستقر شده، لیکن به علت شرایط فعلی رقابیه و کمبود

امکانات فنی با ستاد بازسازی تهران که در غرب کرخه مستقر است، همکاری می‌کند.

وی افزود:

- ستاد بازسازی اراک کار شناسایی و نقشه‌برداری ۲۹ روستا در هویزه را به اتمام رسانده و ضمن احداث کارگاه‌های در و پنجره‌سازی، بلوک‌زنی و نجاری به زودی عملیات بازسازی این روستاها را شروع خواهد کرد.

استان‌های اصفهان و کرمان به ترتیب عملیات بازسازی مناطق اهواز و بستان را به عهده گرفته‌اند که استان کرمان ۲ کورهٔ آجرپزی هر یک به ظرفیت‌های ماهانه ۴۵۰ هزار و ۱۵۰ هزار قالب آجر و ۳ کارگاه بلوک‌زنی در روستاهای سبحانیه و بردیه احداث کرده است.

مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خوزستان افزود:

- متجاوزین بعثی در خوزستان بین ۴۵۰ تا ۵۲۰ روستا را به کلی تخریب و یا به آنها آسیب رسانده‌اند که عملیات بازسازی اکثر روستاها آغاز شده است.

وی افزود:

- عمق فاجعه و جنایت مزدوران بعثی به حدی بوده که شناسایی بعضی روستاها به سادگی میسر نیست.

مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ضمن تقدیر از همکاری بی‌شایبهٔ مردم و دولت یادآور شد:

- علاوه بر کمک‌های مردمی و دولت، ستادهای بازسازی بنیادهای مسکن انقلاب اسلامی ۱۰گانهٔ کشور که در خوزستان فعالیت دارند، برای بازسازی روستاها از حساب ۱۰۰ امام نیز استفاده می‌کنند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۱ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **آغاز به کار ستادبازسازی شهر سوسنگرد در قائم‌شهر**

امضا:

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

این اطلاعیه از سوی **ستاد بازسازی مناطق جنگی شهر سوسنگرد در قائم‌شهر** صادر گردید.

به اطلاع کلیهٔ خواهران و برادران حزب‌اللهی و همیشه در صحنهٔ قائم‌شهر و حومه می‌رساند که ستادی به نام ستاد بازسازی مناطق جنگی شهر سوسنگرد زیر نظر فرمانداری قائم‌شهر در ساختمان فرمانداری کار خود را از تاریخ ۶۱/۷/۲۰ آغاز نموده است. لذا از امت حزب‌الله همیشه‌استوار این شهر جهت یاری به رزمندگان شهر سوسنگرد تقاضا می‌شود که همکاری لازم را نموده و در صورت امکان کمک به شماره تلفن ۴۰۲۴ تماس حاصل نمایند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۲ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **توزیع دفترچهٔ ارزاق در سردشت**

امضا: **فرمانداری سردشت**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

توزیع کالا در مناطق آزاد شدهٔ سردشت، در شهرستان سردشت، ستاد بسیج اقتصادی دفترچه‌های ارزاق را برای تهیهٔ عادلانهٔ کالاهای مورد نیاز مردم رنج‌دیده و تازه از بند عناصر غیرقانونی پاک‌سازی شده تهیه و توزیع کرد.

فرمانداری سردشت ضمن تأیید این خبر اعلام کرد:

در مورخ ۶۱/۷/۱۸ از طرف ستاد بسیج اقتصادی سردشت سهمیهٔ ۱ ماههٔ کالا بین روستاهای آزاد شدهٔ مراغان، چلیه، پرلی، باغی، شیوان، بناحیله بیلسو، بصره و مکل‌آباد زیر نظر شوراهای مساجد توزیع گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۳ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مسابقهٔ دوچرخه‌سواری گرامیداشت رزمندگان اسلام**

امضا: **هیأت دوچرخه‌سواری استان تهران**

هیأت دوچرخه‌سواری استان تهران اعلام کرد:

یک دوره مسابقهٔ دوچرخه‌سواری به نام **جام رزمندگان اسلام** برای افراد مبتدی در ساعت ۱۵ روز جمعه ۲۳ مهرماه جاری به مسافت ۱۵ کیلومتر در مسیر میدان آزادی تا دهکدهٔ المپیک برگزار خواهد شد.

شرکت در این رقابت برای عموم آزاد است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۴ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عدم برگزاری مسابقات کشتی قهرمانی جوانان آسیا در بغداد**

امضا: **سرپرست فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران**

به تصمیم فدراسیون جهانی کشتی و به علت عدم وجود امنیت جانی کشتی‌گیران:

مسابقات کشتی قهرمانی جوانان آسیا در بغداد انجام نمی‌شود

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

فدراسیون جهانی کشتی (فیلا) به علت ناامنی در عراق با برگزاری مسابقه‌های کشتی آزاد و فرنگی قهرمانی جوانان آسیا در این کشور موافقت نکرد.

سرپرست فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد:

- فدراسیون جهانی کشتی به علت وضع آشفتهٔ عراق و عدم تأمین جانی شرکت‌کنندگان در مسابقه‌های کشتی آزاد و فرنگی قهرمانی جوانان آسیا در بغداد، میزبانی این مسابقه‌ها را از عراق پس گرفته و برگزاری آن را به فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرده است.

رئیس فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی در ادامهٔ این گفتگوی اختصاصی اظهار داشت:

- این فدراسیون در تلاش است با تماس سریع با کشورهای آسیایی این مسابقه‌ها را که قرار بود در نیمهٔ دوم مهرماه سال جاری در بغداد برگزار شود، در روزهای ۵ لغایت ۸ دی‌ماه

سال جاری در تهران برگزار کند.

یک مقام آگاه اظهار داشت:

– رژیم عراق برای تثبیت موقعیت خود به شدت تلاش می‌کرد تا آن‌که این مسابقات را مطابق برنامه‌های تنظیم شده در بغداد برگزار نماید. لکن به لحاظ اوضاع نابسامان داخلی عراق و به خصوص عدم وجود امنیت جانی برای کشتی‌گیران، تصمیم گرفته شد تا محل این مسابقه از بغداد به محل امنی انتقال یابد.

این دومین باری است که بر اساس تصمیمات محافل بین‌المللی، بر عدم وجود امنیت در بغداد تأکید می‌شود. قبلاً نیز قرار بود اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در بغداد تشکیل شود، لکن به علت بی‌ثباتی رژیم بغداد و عدم وجود امنیت لازم در این کشور، قرار شد که این اجلاس در دهلی‌نو برگزار گردد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۵ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به جبهه**

امضا:

مرند، خبرنگار جمهوری اسلامی:

گروهی از برادران بسیج روستای یامچی از توابع شهرستان مرند در میان بدرقهٔ پرشور امت حزب‌اللهی و شهیدپرور مرند عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند تا هم‌دوش دیگر رزمندگان اسلام طومار صدامیان را درهم کوبند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۶ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک به جبهه‌های نبرد**

امضا:

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی ستاد پشتیبانی مناطق جنگی مستقر در میدان طاقانی قائم‌شهر ۱ کامیون اهدایی از قبیل شربت، آبلیمو، مربا، کمپوت، گونی خالی، لباس، جارو، آب نارنج، کلمن، کتاب مذهبی ، کفش و همچنین مبلغ ۱۲۷۰۰۰ ریال وجوه نقد از سوی مردم مسلمان آهنگرکلا بیشه‌سر برای یاری رزمندگان طی فیش بانکی ارسال گردید.

قروه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی گروهی از مردم مسلمان و مبارز قروه ۸ تن نان و ۲۵۰ کیلو گوجه‌فرنگی جهت کمک به برادران رزمنده به مناطق جنگی ارسال شد.

کازرون، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کمک‌های نقدی و جنسی که از طرف مردم شهیدپرور و ایثارگر کازرون و روستاهای اطراف جهت ارسال به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل از تاریخ ۶۱/۷/۹ لغایت ۶۱/۷/۱۵ تحویل ستاد هماهنگی تدارکات به پشت جبهه واقع در کمیتهٔ امداد امام خمینی گردید، به شرح زیر

می‌باشد.

کمک‌های نقدی:

الف: مردم کازرون (۲۷۵۴۰۰) ریال که مبلغ (۱۱۵۶۷۶) ریال آن در نماز جمعه جمع‌آوری شده است

ب: آمادگاه سپاه پاسداران شهید چمران (۱۷۳۵۰) ریال

ج: روستای الیس دهله (۱۰۰۰) ریال.

د: دبستان زراعت ریالی (۱۱۶۰) ریال، دبستان فلاحت ترکوشک(۲۰۰۰) ریال، روستای دریس (۱۰۰۰۰) ریال

کمک‌های جنسی:

۱ رأس گوسفند مردم کازرون، قلعه سید ۱۶ رأس گوسفند و مقداری دارو.

اهالی روستای بلیان ۴ رأس گوسفند، قند و شکر ۷۰ کیلو، روغن ۱۶ کیلو، برنج ۱۵ کیلو.

ضمناً اجناسی که توسط ستاد هماهنگی تدارکات پشت جبهه برای تیپ تازه تأسیس فاطمهٔ زهرا(ع) ارسال شد، به شرح زیر می‌باشد:

۱۰ دستگاه پنکه، ۱۰۰ عدد ناودان، ۱۰۸۷عدد باطری، ۲۴۷ جفت کفش، ۸۴ عدد پتو، ۵۰ عدد رادیو و ۲۱ منبع آبی ۱۰۰۰ لیتری.

ارسنجان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در ادامهٔ کمک‌رسانی امت حزب‌اللهی‌مان به جبهه‌ها، اهالی ارسنجان و روستاهای اطراف مبلغ ۶۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد، ۱ جفت گوشواره و ۱ حلقه طلا، همچنین از طرف اهالی روستای علی‌آباد کمین مبلغ ۴۵۰/۰۰۰ ریال وجه نقد، روستای اکبرآباد کمین ۸۹/۲۰۰ ریال وجه نقد و مقدار طلا، روستای کمال‌آباد مبلغ ۵۵/۲۰۰ ریال وجه نقد، روستای قادرآباد مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال وجه نقد، روستای کوهنجان مبلغ ۱/۴۶۶/۰۰۰ ریال و ۱۱ رأس گوسفند و ۱۴۲ کیلو گندم و ۱۰۳ قالب صابون جهت رزمندگان اسلام به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ارسال شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۷ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا**

امضا:

خرم‌آباد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک ۲ تن از رانندگان اتوبوسرانی واحد شهرداری خرم‌آباد به اسامی محمد قیطری و علی‌محمد رضایی که در جبهه‌های حق علیه باطل به درجهٔ شهادت نایل آمده بودند در میان جمع کثیری از امت حزب‌الله خرم‌آباد از مسجد صاحب‌الزمان(عج) تا گلستان شهدا تشییع و به خاک سپرده شد. در این مراسم چند تن از مسئولین استان شرکت داشتند.

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک ۲ تن از جان‌برکفان اسلام به اسامی علی‌اکبر راه‌زاده و تورج فلاح‌فر که در عملیات مسلم‌بن عقیل به شرف شهادت نایل آمده بودند از بلوار آیت‌الله طالقانی با حضور امت شهیدپرور چهارصد دستگاه تا گلزار شهدا تشییع و پس از اقامهٔ نماز بر بالین شهدا، جنازهٔ مطهرشان به خاک سپرده شد.

خلخال، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک شهید نیسان‌پور سمیعی آل هاشم و سیداحمد مطهری‌شاد عضو بسیج سپاه

پاسداران ظرف پریروز و دیروز با شرکت هزاران تن از اقشار مختلف مردم و دانش‌آموزان طی مراسم باشکوهی از هلال احمر این شهر تشییع و پس از سخنرانی امام جمعهٔ خلخال، جنازهٔ پاک این ۲ شهید به زادگاهشان انتقال یافت.

شهریار، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک ۳ تن از شهدا به اسامی محمود رهنما، عباس حاجی اسماعیلی، محمدحسین کریم‌زاده که در جبههٔ حق علیه باطل به لقاءالله پیوسته بودند، توسط امت حزب‌الله از مقابل سپاه پاسداران شهریار تا زادگاهشان تشییع شدند.

مرند، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک برادر شهید علی ولی‌زاده سرباز اسلام که در عملیات مسلم‌بن عقیل به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بود، در میان انبوه مردم مسلمان و مبارز مرند از جلو مسجد المهدی(عج) تشییع و در زادگاهش به خاک سپرده شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۸ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسمه تعالی

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[1]

بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود.

(امام خمینی)

شهید مهندس **محمدحسین بدخشان ظهوری (ناصر)** به کاروان شهیدان پیوست. او نیز همچون هزاران شهید دیگر ندای امام را لبیک گفت و بر سر پیمان خویش با خدا در جبههٔ سومار با دشمنان قرآن و اسلام جنگید و شهد شهادت را نوشید. راهش پر رهرو باد.

به همین مناسبت جهت گرامیداشت وی مجلس ختمی امروز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ ساعت ۳ الی۵ بعد از ظهر در مسجد ۱۴ معصوم(ع) واقع در خیابان نواب صفوی، چهارراه سالار، خیابان شهید صفدری (مقتدری) برگزار می‌باشد.

بسم رب الشهداء والصدیقین

شهید نظر می‌کند به وجه‌الله

(امام خمینی)

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

برادر شهید **سیدکاظم حسینی** از خیل بی‌شمار فرزندان شهادت‌طلب امت مجاهد و شهیدپرورمان بود که توفیق این را یافت که هر دو نیکویی فتح و شهادت را در آغوش کشد و پس از مدت‌ها انتظار سرانجام در عملیات پیروزمندانهٔ مسلم‌بن عقیل در جبههٔ سومار به همراه حسینیان زمان بر دشمن تاخت و به لقاءالله پیوست.

به همین مناسبت مجلس بزرگداشت شب هفت آن شهید امروز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ در بهشت زهرا برگزار می‌گردد.

ضمناً وسیلهٔ ایاب و ذهاب رأس ساعت ۲ بعد از ظهر از منزل آن شهید واقع در نارمک، خیابان مدائن، خیابان شهید باقرپور، پلاک ۵۵ به سوی بهشت زهرا آمادهٔ حرکت می‌باشد.

بسمه تعالی

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[1]

مکتبی که شهادت دارد، اسارت ندارد.

(امام خمینی)

بار دیگر تاریخ شاهد به خون خفتن یکی دیگر از تبار حسینیان شد.

شهید **احمدعلی رحیمی** که با بی‌صبری تمام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت و پس از مدتی جهاد با کفار بعثی در کربلای غرب کشور در عملیات مسلم‌بن عقیل به فیض عظیم شهادت نایل گشت.

به همین مناسبت مراسم شب هفت این شهید امروز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۱ در دولت‌آباد کرج، مسجد علی‌بن ابی‌طالب(ع) از ساعت ۲ الی ۴ بعد از ظهر برقرار می‌باشد.

در ضمن از ساعت ۴ بعد از ظهر در گلستان شهدای کرج، امامزاده محمد در حصارک بر سر مزار آن شهید گرد هم می‌آییم.

بسم رب الشهدا

بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود.

(امام خمینی)

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

بار دیگر عاشقی از عاشقان امام زمان(عج) و امام امت همچون مرغی از قفس تنگ دنیا پر و بال زد و به میعادگاه معشوق شتافت و با وجودی سرا پا شور و حرارت، حسین‌وار جان داد.

بدین‌وسیله شهادت افتخارآفرین **برادر بسیجی محمدرضا شکوری** که در عملیات مسلم‌بن عقیل به فوز عظیم شهادت نایل آمده است، به حضرت امام زمان(عج) و نایب برحقش و امت شهیدپرور تبریک و تسلیت عرض نموده و مجلس ختمی پنج‌شنبه ۲۲مهرماه از ساعت ۳الی ۵ بعد از ظهر در مسجد شهابی واقع در خیابان ۱۷شهریور، انتهای باغ شریفی، کوی اردوان برقرار می‌باشد.

همچنین در همین مسجد روز جمعه بعد از نماز مغرب و عشا نیز مجلس ختمی از طرف بسیج مسجد شهابی برگزار می‌گردد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۰۹ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **وصیت‌نامه**

موضوع: **توصیه‌های ۱ شهید**

امضا: **شهید احمد اکبری**

شهید احمد اکبری:

مادرم!

تو را به فاطمهٔ زهرا(س) قسم!

برای شهادتم گریه و زاری مکن،

باید افتخار کنی که فرزندت در راه خدا، به این مقام والا رسیده است.

متن زیر را که ملاحظه می‌فرمایید وصیت‌نامهٔ شهید احمد اکبری، شهیدی از تبار حسینیان که از قفس تن آزاد و به دنیای جاوید پیوست. او در عین خردسالی بزرگ‌مردی بود که در کربلای خون‌رنگ ایران خالصانه شهد شهادت را نوشید و پاسداری از کیان اسلام و قوام انقلاب را به اثبات رساند.

بسم الله الرحمن الرحیم

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[۱]

(و این‌گونه فکر مکنید که آنهایی که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند،

بلکه آنها زنده‌اند و در نزد خدای روزی‌خوارند.)

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

با حمد و سپاس پروردگار و ایزد متعال که اول‌الاولین و آخرالاخرین است، و سپاس آن خدایی را که بخشنده و پوشانندهٔ گناهان کثیر ماست.

درود و سلام خداوند بر پیغمبر خاتم محمد(ص) و سلام و درود بر اولیاءالله.

الهی تو را شکر می‌کنم تا نیکبخت و کامیاب شوم و با شهدایی که در راه رضا و خشنودی تو در نیستی را کوفتند تا هست شوند هم‌خانه شوم.

الهی و ایزدا!

حمد و ثنایم را بپذیر و جرایم و گناهانم را ببخش،

و دریچهٔ مغفرت و رحمت را به روی من باز کن،

و حال مضطر و پریشانم را به جوار رحمت خود به سوی بهشت راهنمایی کن.

و سلام و درود بی‌کران به رهبر و قلب تپندهٔ امت حضرت امام خمینی؛ یعنی آن امامی و رهبری که راهنمای ما به سوی میعادگاه شهادت و مسلخ عشق بوده و از برکت وجود چنین نایب بر حق مهدی(عج) بود که چهرهٔ واقعی اسلام و قرآن را باز شناختیم،

و این پیر جماران بود که راه ضلالت و گمراهی و فسق و فجور را به روی ما بست،

و رهنمود ما به سوی شهادت و سعادت دنیا و آخرت شد.

پس ای امت حزب‌الله!

بیایید **امام را دریابیم**؛ گر چه فکر و ذهن ما کوته‌تر از آن است که بتواند این پیر خوش‌سیما را دریابد، ولی بیایید صادقانه تا آن‌جایی که می‌توانیم و در توانمان هست، به عظمت و بزرگی این نعمت خداداد بیندیشیم و تعمق کنیم؛

باشد که قدر چنین رهبری را بدانیم،

و به نصیحت‌های دلنشین این قائد بزرگ گوش فرا دهیم،

و با جان و دل بر آنها عمل کنیم که سعادت دنیا و آخرت ماست.

و در آخر سلام به خانوادهٔ عزیزم و تمام فامیل و دوستان و آشنایان.

در ابتدا سلام بر شما پدر و مادر مهربان و رنج‌دیده و غم‌پرورم.

سلام مرا بپذیرید و مرا حلال، که نتوانستم ذره‌ای از محبت‌ها و زحمت‌های شما را جبران کنم.



پدرم و مادرم!

من دومین فرزند شما هستم که به پیشگاه خداوند هدیه می‌دهید. مبادا برای شهادتم اشکی بریزید، برای آمرزش گناهانم اشک بریزید و در دعاها و نمازهایتان برایم طلب مغفرت کنید.

پدرم:

مبادا روحیهٔ قوی‌ات را ببازی و تابع احساسات شوی و دشمنان را شاد کنی.

تا آن‌جا که می‌توانی از اسلام و انقلاب و روحانیت دفاع کن،

تا چشم دشمنان اسلام کور شود.

مادرم تو را به فاطمهٔ زهرا قسم، برای شهادتم گریه و زاری مکن. تو باید افتخار کنی که فرزندت در راه خدا به این مقام والا رسیده و من هم افتخار می‌کنم که در دامن مادری همچون تو پرورش یافتم و به این مقام بزرگ نایل گشته‌ام.

مبادا کفران کنی لطف خدایی را؛

مبادا کم کنی شکرهای خود را؛

مبادا اجر خود را کم کنی مادر!

مبادا صبر تو شیطان برد مادر، تو باید فخر بر عالم کنی مادر.

شادان که فرزندت فدای راه حق گردد.

نمی‌خواهی تو ای مادر که فرزندت به جای مرگ خفت‌بار و ننگ‌آور، به جای مرگ در بستر، شهید راه حق گردد؟

مخور غم مادرم، شادی کن برای صبح پیروزی و تعجیل فرج امام زمان(عج)،
که نزدیک است؛
و برای سلامت رهبر دعا کن.

و سلام به برادران عزیزم.

برادران!

شما هم مرا حلال کنید که رضای شما را هم نتوانسته‌ام جلب کنم.

برادران عزیز!

ماه رمضان را به غنیمت شمارید و نهایت فضل و برکت و استفاده را از این ماه خدا ببرید که من حقیر در این ماه افضل و ماه میهمانی خدا در دانشگاه امام حسین(ع) راه حق و صراط

مستقیم را میان تاریکی‌ها و ضلالت‌ها بازیافتم،
و این راه روشن را ادامه دادم،
تا به لقاءالله رسیدم.

قرآن را از یاد مبرید،
و دعای فرج را هم بعد از نمازها فراموش نکنید.
امام را همیشه دعا کنید.

و برادرم!
از تو می‌خواهم که از امام عاجزانه و ملتمسانه بخواهی که روز قیامت شفیع ما باشد و شفیع تمامی مؤمنین و از خدا برایم طلب مغفرت و بخشش نماید.

و تو ای خواهرم!
زینب‌وار زندگی کن و کودکان حزب‌اللهی تربیت و تعلیم بده و برای من گریه مکن.
برایم دعا کن، لباس سیه مپوش که من زندگی جاویدانه یافتم و تو باید شادان باشی.

و در آخر از همه حلالیت می‌طلبم.
به تمام فامیل و آشنایان بگویید که هر بدی و رنجشی از من دیده‌اند،
ببخشند و حلال کنند.
از تمام هم‌کلاسی‌هایم حلالیت بطلبید.
از معلمین و مربیانم قدردانی و تشکر کنید.

و در پایان شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و از خدا می‌خواهم که به شما صبر عنایت بفرماید و مرا اگر جسدی داشتم، در بهشت زهرا دفن کنید که به راستی بهشت شهداست،؛ باشد که در میانشان جای گیرم و در جمع شهدا محشور شوم.
پاک‌جانان به لقاءالله پیوستند و من از خویشتن خویش ناامیدم. ولی با این‌حال به فضل بی‌کران خدا هم ناامید نیستم و دل را به عشق وصال معشوق محبوب امیدوار می‌کنم.
شور و شوقی در من ایجاد شده که سبقت در شهادت را در دل محزون و پرگناه به وجود آورده، که :

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُون،
أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ[۱]

که به راستی:

پاک‌جانانی به معشوق و معبود نزدیک‌ترند که زودتر به معشوق خود رسیده‌اند.

پس تو ای احمد! بندهٔ ذلیل و گناهکار خدا!

به سـوی جانـان بشتـاب که شاید مورد قبول درگـاه خدا واقع شوی و در قرب پاک الهی جایگزین شوی.

به امید آن روز که در عشقش می‌سوزم و می‌گدازم.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
فـرزند و عیـال و خانـمان را چـه کنـد
دیوانـه کنـی هر دو جـهـانش بخشـی
دیوانـهٔ تو هـر دو جـهـان را چـه کند

لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا

شهید احمد اکبری[۲]

۱- سورهٔ واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱
و سبقت‌گیرندگان مقدّمند؛ آنانند همان مقرّبانِ [خدا].
۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۰ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **معرفی ۵ شهید از اعضای ۱ خانواده و مصاحبه با پدر و مادر**

امضا: **بازماندگان ۵ شهید از اعضای ۱ خانواده (مادر و پدر)**

پای صحبت بازماندگان ۵ شهید از اعضای ۱ خانواده

مادر برادران شهید کامکاری:

ای مردم تا زنده‌اید، دست از امام و اسلام برندارید

بوشهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

استان بوشهر یکی از غنی‌ترین استان‌های این کشور در زمینه‌های مختلف از جمله منابع طبیعی، اقتصادی و صنعتی می‌باشد.

رشد سیاسی و آگاهی مردم بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به خصوص پس از گذشت ۲ سال از جنگ تحمیلی به میزان قابل توجهی بالا رفته است.

سلطنت منفور پهلوی همیشه سعی بر این داشت که این ملت و این جامعهٔ خون‌گرم و متحرک را در رکود و خاموشی و سستی و بی‌سوادی بگذارد و این نقشهٔ استعماری او در سراسر کشور حکم‌فرما بود و بیش از همه‌جا در این استان به چشم می‌خورد.

این ملت محروم پس از رهایی از بند طاغوت در زمینه‌های مختلف رشد عجیبی از خود نشان دادند، از جمله شرکت یکپارچه در مساجد و نماز جماعت‌ها و نماز جمعه‌ها و همچنین شرکت فعال آنها در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، که ما هرگاه می‌بینیم از طریق سپاه اعلام

اعزام نیرو می‌شود، جوانان حزب‌الله شهر در بسیج صف می‌گیرند و سپاه پاسداران در اعزام آنها دچار مشکلاتی می‌شود.

هر کسی می‌خواهد خود زودتر برود و پس از گذشت ۲ سال از این جنگ تحمیلی، این ملت مظلوم و محروم که هم‌اکنون هم محروم هستند، حدود ۱۰۰۰ شهید به امام زمان و خط امام تقدیم کرده است و **خانواده‌های شهدا هنوز هم آماده‌اند تا پای جان بایستند و شهید بشوند** که در این رابطه **شهادت ۵ عزیز از ۱ خانواده**، دلیل گویایی است بر این مدعا که در این‌جا مختصراً به خصوصیات زندگی این عزیزان می‌پردازیم و با **مادر زینب‌گونه و پدر کهن‌سال آنها** به گفتگو می‌نشینیم.

خانوادهٔ شهید کامکاری خانواده‌ای است از طبقهٔ سوم جامعه و از روستای چاه‌خانی که در ۵۰ کیلومتری بوشهر قرار دارد. این خانواده در زمان طاغوت هم متدین و مؤمن بودند و مردم آنها را به پاکدامنی و امینی می‌شناختند؛ دارای ۵ فرزند پسر و ۱ فرزند دختر. پدر این خانواده به کار کشاورزی و کارگری مشغول و مادر به خانه‌داری و تربیت بچه‌ها که از الگوی این خانواده می‌توان **فرزند بزرگ خانواده یعنی شهید محمدعلی کامکاری** را نام برد.

شهید محمدعلی کامکاری که جوانی بود متین و باتقوا و پرهیزگار، با اولین برخورد ایشان شیفتهٔ اخلاق حسنهٔ او می‌شدیم. او که مقلد امام بود و برای امام همچون شمعی می‌سوخت و دایماً روشنگری می‌کردند و اعلامیه‌های امام را از قم می‌آورد با برادران خود و بعضی از دوستان به طور مخفیانه شبانه پخش می‌کرد و **در زمانی که روحانیت محافظه‌کار بوشهر سکوت مرگبار را اختیار کرده بودند، او سرازپای نمی‌شناخت**. دایماً به این فکر بود که چرا مردم سراسر ایران برخاسته‌اند، ولی این استان هنوز ساکت است و همیشه روی این‌گونه روحانیون فشار می‌آورد که چرا کاری نمی‌کنید و او از طرف آنها سرزنش می‌شد و به او گفته می‌شد که این کارها را نکن، فعلاً صلاح نیست. ولی او هیچ‌گاه به صحبت‌های آنها گوش نمی‌داد.

شهید محمدعلی کامکاری که علاقهٔ زیادی داشت حکومت اسلامی را ببیند و بعداً از این دنیا برود، در هنگامی که هنوز چند ماه به پیروزی انقلاب مانده بود، شب‌هنگام که اطلاعیهٔ امام را از بوشهر به دیگر شهرستان‌های استان با اتومبیل خود می‌برد، با اتومبیل در جادهٔ بوشهر – برازجان تصادف می‌کند و در بیمارستان بوشهر به درجهٔ رفیع شهادت نایل می‌گردد.

پس از شهادت او بازار بوشهر به حال تعطیل درمی‌آید و مردم یکپارچه عزادار می‌شوند و ساواک از شهادت او وحشت می‌برد و کلیهٔ منزل او و برادران دیگرش را جستجو می‌کند.

شهید محمدعلی کامکاری همیشه به برادران کوچک‌تر خود نصیحت می‌کرد و از آنها

می‌خواست که امام و اسلام را تنها نگذارند.

بعد از شهادت او و پیروزی انقلاب، یاران و برادران او یعنی شهید عباس کامکاری، شهید حسین کامکاری، شهید غضنفر جمیری، شهید محمدعلی ظهرابی به عضویت سپاه بوشهر درمی‌آیند و پس از گذشت چند ماه از جنگ تحمیلی، شهید عباس کامکاری در مبارزه با مزدوران صدام دست از زندگی و ۴ فرزند خود می‌کشد و به سوی معبود خود می‌شتابد.

هنوز چند ماه از شهادت عباس نگذشته بود که حسین پرچم افتادهٔ از دست برادر را به دست می‌گیرد و به سوی جبهه می‌شتابد؛ که پس از چند ماه مبارزه با صدامیان در جبههٔ جنوب و عملیات بیت‌المقدس به خیل کاروان شهدا پیوست.

شهید غضنفر جمیری که **داماد این خانواده** بود نیز از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوشهر به کربلای خوزستان برای مصاف با دشمنان الله مسئولیت فرماندهی گردان را به عهده داشت، که به شهادت می‌رسد و پیکر پاک او را پس از ۶ ماه بر روی زمین‌های داغ خوزستان به بوشهر می‌آورند و در کنار برادران دیگرش دفن می‌کنند.

شهید محمدعلی ظهرابی که **فرزند تنها خواهر برادران کامکاری** بود، در جبههٔ چزابه پس از چند ماه مبارزه با کفار و خودفروختگان، بدن پاک او پاره‌پاره می‌شود و به دیار الله به سوی شهدای حزب‌الله می‌شتابد.

پیکر پاک این عزیزان پاسدار یعنی شهید عباس کامکاری، پاسدار شهید حسین کامکاری، پاسدار شهید محمدعلی کامکاری، پاسدار شهید غضنفر جمیری در بهشت صادق و در گلزار شهدا در بوشهر دفن گردیده و پیکر پاک شهید محمدعلی کامکاری نیز در روستای چاه‌خانی دفن شد. و در طول ۱ سال این خانوادهٔ محترم ۵ فرزند دلبند خود را از دست می‌دهد و به اسلام و قرآن هدیه می‌کند.

در این رابطه برای گفتگو با **مادر صبور و پدر بزرگوار این عزیزان** به منزل ایشان رفتیم.

مادر این عزیزان از آمدن ما به منزلشان خیلی خوشحال شده بود و با زبان عامیانه و شیرین خود ازما پذیرایی کرد. او که عکس‌های فرزندانش ۳ پسر و ۱ نوه و ۱ داماد را در راه الله داده بود، تک‌تک به ما نشان داد و با روحیه‌ای سرشار از ایمان در مورد هر یک به ما توضیح می‌داد.

او که دانست ما از دیدن این منظـره و صحبـت‌های ایشان تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم، بلافاصله صحبت‌هایش را قطع کرد و شروع کرد به دلداری ما وگفت:

– خدا را شکر می‌کنم که این‌قدر به ما لیاقت داد و این فرزندان ناقابل را از بندهٔ ناچیز پذیرفت.

او که دایماً برای امام و مسلمین دعا می‌کرد، می‌گفت:



– **خدایا من ۲ فرزند دیگر هم دارم، خودم و شوهرم هم هستم.** اول ما را به راه راست هدایت کن و اگر ما را هم لیاقت جانبازی در راه خود دانستی، این ۲ فرزند هم مال توست، هر گاه صلاح دانستی ما را هم بپذیر.

این مادر گفت:

– به خدا سوگند این صحبت‌هایی که می‌کنم، از عمق جانم و دلم بیرون می‌آید و هیچ‌گونه اغراقی نمی‌کنم. این‌بار به سپاه بوشهر گفته‌ام می‌توانم نان محلی درست کنم، مرا ببرید به جبهه تا آن‌جا بتوانم کاری کنم؛ ولی آنها هنوز موافقت نکرده‌اند.

از او پرسیدیم:

– چه پیامی برای مردم دارید و انتظار شما از دولت چیست؟

– در پاسخ با آن لحن ملایم و آهسته گفت:

– من که کسی نیستم که برای این ملتِ قهرمان و شهیدپرور پیام بدهم. ولی به عنوان ۱عضو از این جامعه که مسئولیت درگردنم هست، می‌گویم که:

– **ای جوانان جبهه‌ها را خالی نگذارید؛**

تا اسلام و قرآن پیروز نشده،

دست برندارید و بجنگید که:

شرف وآبروی ما درگرو مبارزه با کفر است.

اما انتظار من از دولت این است که:

همین‌طور که پیش می‌روند و امام از آنها راضی است،

پیش بروند؛

و هیچ لغزش در مسیر این خط مستقیم الهی از خود نشان ندهند،

و همیشه در صراط مستقیم گام بردارند؛

تا ان‌شاءالله پیروزی نهایی حاصل شود.

ان‌شاءالله.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۱ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تبیینی**

موضوع: **سیاست ایران در قبال سازمان کنفرانس اسلامی**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

دولت ایران تا کنون چه نقشی در سازمان کنفرانس اسلامی داشته است؟

ج: اساسنامهٔ کنفرانس اسلامی در سال ۱۳۵۱ به تصویب دولت ایران رسید و ایران رسماً به عضویت این سازمان درآمد.

در زمان رژیم شاه سابق، دولت ایران یکی از شرکت‌کنندگان فعال کنفرانس اسلامی بود و بخشی از هزینه‌های آن را نیز تأمین می‌کرد. گرچه رژیم شاه به دلیل نقشه‌های توسعه‌طلبانه‌اش در منطقهٔ خلیج فارس تضادهایی با رژیم‌های عرب منطقه داشت، اما از سوی دیگر برای انحراف اذهان مسلمانان و القای این فکـر که رژیم شـاه از هواداران اندیشـهٔ اتحاد مسلمانان است، در گردهمایی‌های سران و وزرای خارجهٔ کنفرانس شرکت نموده و اصولاً چنین برنامه‌ای را به سود اهداف خویش می‌دانست.

اما با پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت جدید ایران در مناسبت‌های مختلف به افشای هدف‌های واقعی این کنفرانس پرداخت و جز در یازدهمین کنفرانس وزرای خارجهٔ عضو کنفرانس که در سال بعد از پیروزی انقلاب در پایتخت پاکستان برگزار شد و در آن هیأتی به ریاست وزیر خارجهٔ وقت ایران (صادق قطب‌زاده) نیز شرکت نمود (که این عمل نیز با موج اعتراضات گستردهٔ نیروهای انقلابی روبه‌رو شد).

از آن به بعد ایران نه در سومین اجلاس سران کشورهای عضو کنفرانس در طائف و نه در دوازدهمین اجلاس وزرای خارجهٔ کنفرانس اسلامی در بغداد مشارکتی نداشته است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۲ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تبیینی**

موضوع: **دسیسه‌های خائنانهٔ شورای همکاری خلیج فارس علیه اسلام و مسلمین**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

محورهای پنهانی استراتژی مشترک شورای همکاری خلیج فارس

وزرای جنگ ۶ کشور عضو **شورای همکاری خلیج فارس** پس از ۲ روز مذاکره در «پشت درهای بسته» در **ریاض، مرکز توطئهٔ علیه جهان اسلام و مسلمین**، به جلسات سرّی خویش پایان دادند. گر چه هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان در این کنفرانس یا به قول ژنرال بشاره «کنگره» از ترس ملت‌های مسلمان عرب، که دور از چشم آنها به چنین اجلاس توطئه‌آمیزی دست زده بودند، جسارت اظهار رویدادهای جلسات را نداشتند، ولی **ژنرال بشاره دبیرکل این شورا** در ۲ مورد با خبرنگاران ۲ گونه صحبت کرد که سرنخ‌هایی از یک صف‌آرایی جدید آمریکایی را به دست می‌دهند. او گفت:

– **این کنگره معتقد است که ثبات و امنیت در این منطقه تنها از طریق یک استراتژی و یک نیروی مشترک قابل حصول ماست.**

او در همین مصاحبه سپس افزود:

– طرح ایجاد این نیرو از مرحلهٔ بحث وارد مرحلهٔ جدی‌تری در این جهت شده است.

عبدالله بشاره باز هم در یک مصاحبه گفته است:

– هر ۶ کشور عضو به این توافق رسیدند که امنیت غیرقابل تقسیم است و باید به صورت

سیاست جمعی و متشکل به دست آید.

از جانب دیگر **وزیر دفاع سعودی** که خود **یکی از شاهزاده‌های خانوادهٔ مزدور سعودی** است، در نخستین اجلاس این کنفرانس به عنوان افتتاحیهٔ جلسات گفته بود:

-از زمان برگزاری اولین اجلاس وزرای دفاع ۶ کشور عضو این شورا در اسفندماه گذشته تا کنون تحولات چندی در نواحی عرب‌نشین و خلیج فارس رخ داده است که نتایج و پیامدهای جدی برای صلح و امنیت کشورهای عضو شورا (و به قول او) مردم آنها دربر داشته است.

او در ضمن اشاره به **جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران** از رژیم‌های عربی خواست که برای (به قول او) **توانمندی ملت عرب** در آن‌چه که **حفظ دستاوردها و مبانی ملی** می‌نامید، دست به ساختن بنیهٔ نظامی بزنند!

از آمیختن این همه گفتارهای ماقبل و مابعد جلسات سرّی وزرای جنگ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به **چند محور اصلی استراتژیک دیکته‌شدهٔ این کنفرانس ۲ روزه** می‌توان رسید:

۱- اتحاد نامقدس علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، که خطوط اصلی مشی ارتجاع عرب در این زمینه در کنفرانس فاس ترسیم شده و آن بخش از مصوبات توطئه‌آمیز کنفرانس فاس که هرگز فاش نشد، دربرگیرندهٔ این خطوط است و **افشاگری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعهٔ موقت تهران در یکی از خطبه‌های نماز جمعه**، در واقع **افشای جریان تکوین توطئه‌ای بود که علیه انقلاب اسلامی ریخته شده بود.**

۲- با به اصطلاح «غیرقابل تقسیم» قرار دادن امنیت در کشورهای کوچک حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس، این مزدوران آمریکا و متحدان صهیونیسم با ارعاب و زور حتی کشورهای بی‌طرف این شورا را نیز درگیر یک مسابقهٔ ظالمانهٔ تسلیحاتی می‌کنند.

۳-این شورا می‌خواهد برای **سرکوب ملت‌های مسلمان عرب که خواهان نهضت اسلامی علیه دستگاه‌های حاکمهٔ مستبد و مزدور هستند**، یک به اصطلاح **بنیهٔ نظامی و پلیسی** ایجاد کند و در طیف **یک مجموعهٔ ارتشی و پلیسی** چنان همکاری ایجاد نماید که **هر گونه حرکتی در منطقه را سریعاً سرکوب نماید.**

۴- شرکت‌کنندگان در این شورا با تأکید بر روی به اصطلاح «دستاوردها و مبانی ملی»، نه تنها علیه اندیشه و ایمان اسلامی دست به عمل اختناق و ارعاب می‌زنند، بلکه می‌خواهند برای نگه‌داری رژیم‌های ارتجاعی و ضداسلامی دست‌نشانده در جهان عرب زمینهٔ «قومی» ایجاد کنند و به عمد

تجربهٔ ناکام «فاشیسم» را تکرار نمایند.

۵- شورای به اصطلاح همکاری‌های خلیج در نظر دارد برای کمک به رژیم ملحد و کافر صدام بعثی، زمینه‌ها و روش‌های نوینی ایجاد کند.

اعضای این شورا در گذشته نیز با انحای کمک‌های مادی و تبلیغاتی از رژیم در حال سقوط صدام پشتیبانی کردند، ولی موفق نشدند آن را از نزدیک شدن به **مزبلهٔ تاریخ** نجات بخشند.

اینک **اینان با توسل به شعارهای فاشیستی و ضداسلامی، می‌خواهند از نظر کیفی و کمی، با شیوه‌های جدیدی به صدام و رژیم ضداسلامی او کمک کنند.**

۶- خدمت به توسعه‌طلبی‌ها و وحشی‌گری‌های رژیم اشغالگر قدس در سرزمین‌های اسلامی، زمینه‌سازی برای **تثبیت حاکمیت آمریکایی آل جمایل در لبنان** و بالاخره **سرکوب فلسطینی‌های آواره‌ای که در کشورهای عربی پراکنده شده‌اند،** محور دیگر اجلاس شورای رژیم‌های وابستهٔ منطقه را تشکیل می‌دهد.

این سیاست نیز درست در جهت **تصمیمات خائنانهٔ کنفرانس فاس برای تثبیت مواضع استکبار و صهیونیسم و رژیم‌های وابسته به آنها** دنبال می‌شود.

۷- یکی دیگر از محورهای مورد نظر شورای به اصطلاح همکاری‌های رژیم‌های وابستهٔ منطقهٔ خلیج فارس، **ایجاد بازار جدید و پرمنفعت برای فروشندگان سلاح‌های آمریکایی و اروپایی و زمینه‌سازی برای اشتغال مشاوران بیکار نظامی کشورهای سرمایه‌داری غرب** می‌باشد.

سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری کشورهای عضو شورای همکاری کشورهای خلیج فارس برای هزینه‌های جنگی که بعد از این کنفرانس افشا شد، جهت تحقق **اهداف جناح میلیتاریسم حاکم بر آمریکای جهان‌خوار** صورت می‌گیرد.

ایجاد سیستم دفاع هوایی و به کاراندازی کارخانجات تولید سلاح در این کشورها، گوشه‌هایی از یک چنبرهٔ پیچیده و گستردگی وابسته ساختن این کشورها به تسلیحات غرب است که می‌تواند **مثلث وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به استعمار غرب** را تکمیل کند.

شاید بتوان محورهای دیگری نیز برای این استراتژی مشخص کرد که با گذشت زمان و فعل و انفعال‌های آینده، به صورت علنی ظاهر شوند و ابعاد توطئه‌هایی را نشان بدهند که شیطان بزرگ و صهیونیسم غارتگر و جنایتکار، طراح اصلی آنها هستند.

در پاسخ این سؤال که:

- آیا این‌گونه گردهمایی‌های سرّی و مرموز و پوشیده از انظار ملت‌های مسلمان عرب و سایر ملل اسلامی بالاخره منجر به اجرای عملی چنین خیانت‌هایی خواهد شد یا خیر؟

باید گفت:

– خیر؛ زیرا به موازات ریاکاری‌ها و تحرک‌های خائنانهٔ حکومت‌های وابسته، ملت‌ها هم بیدارتر می‌شوند و با هشیاری و شعور اسلامی این همه حرکات را زیر نظر می‌گیرند.

آن‌چه در این برهه از زمان و برای مقابله با این توطئه‌ها اهمیت به سزایی دارد، ادامهٔ افشاگری‌ها و بیدارگری‌هایی است که مسلمانان آگاه به وسایل و انحای مختلف و ممکن باید در پی آن باشند.

ملت مسلمان و غیور و انقلابی ایران نه تنها این هرزه‌گردی‌های مزدوران آمریکا در منطقه را به هیچ می‌گیرد و تسلیم این‌گونه مانورهای تبلیغاتی نمی‌شود،

بلکه به عنوان پرچمدار انقلاب اسلامی و مدافع اسلام،

حتی یک لحظه نیز از رسالت تاریخی خویش برای نبرد با استکبار جهانی،

و عوامل آن غفلت نخواهد ورزید.

ما دشمنان اسلام را شناخته‌ایم و بر پایهٔ تعالیم عالیهٔ اسلام و دستور قرآن کریم که فرمود:

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ[1]

با خشونت انقلابی پیکار مستمر خویش را علیه دشمنان اسلام ادامه خواهیم داد، ولی با دوستان خویش، یعنی ملت‌ها که دوستان اسلام و انقلاب اسلامی هستند، با مروت و مودت اسلامی رفتار می‌کنیم و با تمام امکانات و نیرو از آنان پشتیبانی می‌نماییم و چنان‌که همه می‌دانند این توانایی را داریم که با جبههٔ کفار، در کمال نیرومندی مصاف بدهیم و از اسلام عزیز و مستضعفان دفاع کنیم و توطئه‌ها را به حول و قوهٔ الهی در نطفه خفه نماییم.[2]

۱– سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۹

بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربانند.

۲– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۳ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اخراج ۲۶ دانشجوی مسلمان ایرانی از آلمان**

امضا:

بن، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

دولت آلمان پنج‌شنبه‌شب آینده ۲۶ تن از دانشجویان مسلمان ایرانی را که بیش از ۵ ماه در زندان‌های قرون وسطایی این کشور در بازداشت به سر برده‌اند، اخراج خواهد کرد.

به گزارش **نمایندهٔ خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن**، این دانشجویان روز دوشنبه جهت فراهم آوردن مقدمات بازگشت به ایران موقتاً آزاد شدند.

این عده در ماه اردیبهشت سال جاری به خاطر دفاع از انقلاب اسلامی در یک راه‌پیمایی آرام و قانونی در ایالت راین لندفالز دستگیر شدند و بدون آن‌که موارد اتهام آنان اعلام شود تا کنون در زندان به سر می‌برند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۴ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ناشناخته بودن حرکت‌های ایران برای آمریکا**

امضا: **وزیر دفاع آمریکا، کاسپر واینبرگر**

وزیر جنگ آمریکا درمصاحبهٔ مطبوعاتی، اعتراف کرد:

حرکت‌های ایران برای آمریکا غیرقابل پیش‌بینی است

کاسپر واینبرگر وزیر به اصطلاح دفاع آمریکا درمصاحبه‌ای با نشریهٔ **«اخبار آمریکا و گزارش‌های جهان»** ضمن اعتراف به توانایی جمهوری اسلامی ایران، از این توانایی به عنوان یک خطر جدی یاد کرد.

واینبرگر زبان گویای انحصارات تسلیحاتی آمریکا در این مصاحبه در پاسخ به این سؤال که:

– آیا شما معتقدید جنگ خلیج فارس همچنان به منزلهٔ تهدیدی جدی علیه امنیت منافع نفتی غرب خواهد بود؟

گفت:

– بله، **بدون شک این جنگ تهدیدی جدی علیه ثبات و صلح در خاورمیانه است**؛ چرا که ایران به عنوان یک کشور کاملاً غیر مسئول شناخته شده و اعمال و رفتار آن قابل پیش‌بینی نیست.

واینبرگر [وزیر دفاع آمریکا] با این سخن قصد دارد اذهان عمومی را از این واقعیت که عراق جنگ را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد، منحرف ساخته و به تبع آن نقش آمریکا به عنوان طراح و محرک اصلی این جنگ را مخفی سازد.

او که در عین‌حال از شکست‌های پی‌درپی رژیم عراق و خطر سقوط قریب‌الوقوع صدام به وحشت افتاده و سیاست‌های توطئه‌گرانهٔ آمریکا در تهاجم به جمهوری اسلامی ایران از طریق عراق را در بن‌بست می‌بیند، اعمال و رفتار ایران را غیرقابل پیش‌بینی برای آمریکا می‌خواند و این امر خود اعترافی است به ضعف و زبونی طراحان پنتاگون و دستگاه‌های عریض و طویل جاسوسی و اطلاعاتی شیطان بزرگ در دستیابی به رمز وحدت و قدرت مسلمانان.

واینبرگر در این مصاحبه همچنین از **عربستان و عمان** به عنوان **۲ دوست بسیار نزدیک آمریکا در منطقه** نام برده است.

از سوی دیگر **هفتهٔ نامه «اکونومیست»** در شمارهٔ اخیر خود در مقام اشاره به پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات مسلم‌بن عقیل طی مقاله‌ای اقرار کرده است که صدامیان مدت‌ها مشغول حدس زدن بودند که ارتش اسلام از چه نقطه‌ای دست به حمله خواهد زد و حمله‌ای که در پی آن سپاه اسلام بر ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق در ۱۰۰ کیلومتری بغداد مستقر شد، صدامیان بعثی را غافلگیر ساخت.

اکونومیست که در لندن چاپ می‌شود، ضمن تشریح نگرانی حامیان صدام از پیروزی رزمندگان اسلام نوشته است:

– پادشاهی سعودی بر خلاف همیشه که تلاش می‌کرد تا در ظاهر خود را در مورد جنگ عراق علیه ایران بی‌تفاوت نشان دهد، پس از این پیروزی برای نخستین‌بار رسماً خواهان کمک فوری و جدی از سوی اعراب برای صدام شده است.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۵ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعتراف مجدد کارتر به شکست توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی**

امضا: **رسانه‌های غربی**

به گزارش واحد مرکزی خبر از لندن، **روزنامهٔ اینترنشنال هرالد تریبیون چاپ لندن** در شمارهٔ دیروز خود به نقل از **روزنامهٔ لوس‌آنجلس تایمز چاپ آمریکا** ضمن اشاره به انتشار خاطرات دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر رئیس‌جمهوری سابق آمریکا نوشته است:

کارتر در خاطرات خود اعتراف کرده که جاسوسان آمریکا در شکل‌های مختلف به عنوان خبرنگار، فروشندهٔ جنس و غیره در تمام طول اشغال سفارت سابق آمریکا در تهران به ایران رفت‌وآمد می‌کردند و نقشهٔ حمله به صحرای طبس با بررسی کوچک‌ترین جزییات طرح شده بود.

این در حالی است که **نشریهٔ کرسنت اینترنشنال چاپ کانادا** چندی پیش فاش ساخت:

دولت آمریکا اجازهٔ صرف میلیون‌ها دلار را به سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» جهت اقدامات خرابکارانه در ایران به منظور متزلزل ساختن انقلاب اسلامی صادر کرده است.

بر پایهٔ این گزارش کارتر به خاطر خشم ناشی از ناکامی‌های سیاسی و نظامی آمریکا در رابطه با انقلاب اسلامی ایران، در خاطرات خود از امام خمینی رهبر سازش‌ناپذیر انقلاب اسلامی با کلمات توهین‌آمیزی که ناشی از عقدهٔ حقارت او می‌باشد، یاد کرده و به نوشتهٔ اینترنشنال هرالد تریبیون رئیس‌جمهور سابق آمریکا گفته است:

وی پیشنهادهای مختلفی برای حل مسألهٔ گروگان‌ها حتی انداختن بمب اتم در تهران را مورد

بررسی قرار داده است!

کارتر در خاطراتش پیرامون شکست خوارکنندهٔ **حمله به طبس** چنین نوشته است:

– من هنوز مرتباً کابوس آن شکست عظیم را که نتیجهٔ رویداد یک سری اتفاقات عجیب و کاملاً غیرقابل پیش‌بینی بود، می‌بینم.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۶ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ممنوعیت حجاب اسلامی در دانشگاه‌های مصر از سوی رژیم مبارک**

امضا:

از سوی رژیم مبارک:

حجاب اسلامی در دانشگاه‌های مصر ممنوع شد

به گزارش واحد مرکزی خبر از پاریس، **روزنامهٔ «الشرق‌الاوسط» به نقل از خبرنگار خود از قاهره** می‌نویسد:

شنبهٔ گذشته سال تحصیلی در دانشگاه قاهره آغاز شد و ۵۰۰ هزار دانشجو در ۲۵۰ دانشکده و مدارس عالی فعالیت دانشگاهی خود را شروع کرده‌اند. مسئولان دانشگاهی این کشور ورود دانشجویان دختری که لباس اسلامی و یا حجاب و یا پیراهن بلند به تن داشته باشند، به دانشگاه‌ها ممنوع اعلام کرده‌اند.

این روزنامه اضافه می‌کند:

لباس اسلامی و حجاب به کلی در دانشگاه کنار گذاشته می‌شود و مسئولان دانشگاه‌ها دانشجویان را به پوشیدن لباس متحدالشکل دانشجویی مجبور کردند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۷ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ورود معاون وزیر جنگ آمریکا به بیروت، افزایش نیروهای مداخله‌گر در لبنان و ادامهٔ مبارزه با اشغالگران صهیونیستی از سوی مردم لبنان**

امضا:

در پی طرح امپریالیسم آمریکا برای سرکوب نهضت مقاومت فلسطین و تقویت رژیم دست‌نشاندهٔ خود در لبنان دیروز **فرانک کارلوچی معاون وزارت جنگ آمریکا با امین جمیل رئیس‌جمهوری دست‌نشاندهٔ لبنان** در بیروت دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش **خبرگزاری فرانسه از بیروت** طی این ملاقات که با حضور **شفیق الوزان نخست‌وزیر و ویکتور خوری فرماندهٔ ارتش لبنان** صورت گرفت، طرفین پیرامون اوضاع نیروهای مسلح لبنان بحث و گفتگو کردند.

در پی این ملاقات کارلوچی خطاب به خبرنگاران گفت که وی مسائل مربوط به ارتش لبنان، بازسازی زیربنایی آن و کمک‌های نظامی آمریکا به لبنان را عمیقاً با امین جمیل رئیس‌جمهور فالانژ لبنان مورد بررسی قرار داده است.

رابرت دیلون سفیر آمریکا در لبنان دیروز با وزیر خارجهٔ انتصابی جدید لبنان ملاقات و گفتگو کرد و این در حالی بود که **موریس دراپر فرستادهٔ ویژه آمریکا به خاورمیانه** برای مذاکره با مقامات آمریکایی عازم واشنگتن شد.

در همین حال **امین جمیل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان** از واحدهای ارتش لبنان مستقر در بیروت و حومهٔ آن بازدید کرد.

از سوی دیگر به موازات این ملاقات جنگنده‌های اسرائیلی ضمن به پرواز درآمدن بر فراز بیروت اقدام به شکستن دیوار صوتی کردند.

افزایش نیروهای مداخله‌گر

در این میان اعلام شد:

ایتالیا ۴۰۰ سرباز دیگر به لبنان اعزام خواهد نمود تا به نیروهای مداخله‌گر چندملیتی در این کشور ملحق شوند. با اعزام این نیروها به لبنان **جمع نیروهای مداخله‌گر چندملیتی مرکب از نیروهای آمریکایی، فرانسوی و ایتالیایی در لبنان به ۴ هزار و ۲۰۰ تن خواهد رسید.**

در حال حاضر ۱۲۰۰ تفنگدار دریایی آمریکا،۱۵۸۰ سرباز فرانسوی و ۱۱۰۰ سرباز ایتالیایی در لبنان حضور دارند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۸ تاریخ صدور: ۲۱ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ادامهٔ مبارزه با اشغالگران صهیونیستی از سوی مردم لبنان و جوانان فلسطینی**

امضا:

مبارزه با اشغالگران صهیونیستی

به گزارش واحد مرکزی خبر از بیروت در چهارچوب رویارویی مردم لبنان با اشغالگران صهیونیستی روز گذشته در جنوب لبنان یک راه‌پیمایی بزرگ از سوی اهالی روستای «انصار» و دهکده‌های اطراف آن علیه اشغال صهیونیست‌ها و رفتار غیرانسانی آنها در این منطقه برگزار شد.

راه‌پیمایان پس از دادن شعار علیه حضور صهیونیست‌ها در لبنان به سوی بازداشتگاه انصار رفتند و عملیات ارتش صهیونیستی را در دستگیری بی‌دلیل عده‌ای از جوانان این منطقه محکوم نمودند.

در این گزارش یادآوری شده است که هزاران نفر از جوانان لبنانی و فلسطینی در این بازداشتگاه که پس از حملهٔ صهیونیست‌ها به لبنان ایجاد شده است، در بازداشت به سر می‌برند.

یک وکیل دادگستری که راه‌پیمایان را رهبری می‌کرد، اعلام کرد که **مردم جنوب لبنان هر گونه جنایات و تجاوزات صهیونیست‌ها را که باعث از بین رفتن سرزمین و آزادی آنها شده است به شدت محکوم کرده و به مبارزه با اشغالگران ادامه می‌دهند.**[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۱

شماره: ۲۱۹ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **حفظ شرافت اسلامی و انسانی**

امضا: **روح‌الله الموسوی الخمینی - در جمع اعضای هیأت ایرانی در کنفرانس بین‌المجالس**

امام امت در دیدار با هیأت شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المجالس:

ملت ایران در مقابل آمریکا می‌ایستد و به امید خداوند پیروز است

گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از شرکت در کنفرانس بین‌المجالس در رم و تشریح نقطه‌نظرهای جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل مختلف جهانی صبح دیروز به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران رسیدند.

در این دیدار ابتدا **حجت‌الاسلام سید محمود دعایی سرپرست هیأت پارلمانی جمهوری اسلامی ایران** گزارشی از شرکت هیأت ایرانی در این اجلاس را به استحضار امام امت رساند.

آنگاه امام امت بیاناتی بدین شرح ایراد فرمودند:

سخنرانی [در جمع اعضای هیأت ایرانی در کنفرانس بین‌المجالس(حفظ شرافت)]

زمان: صبح ۲۱ مهر ۱۳۶۱/ ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: حفظ شرافت اسلامی و انسانی

حضار: اعضای هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس بین‌المجالس، در شهر رم: دعایی، سید محمود- خامنه‌ای، سید محمد- دوزدوزانی، عباس و...

بسم الله الرحمن الرحیم[۱]

مقاومت ملت ایران در مقابل آمریکا

من از انحطاطی که در بعضی از سران دولت‌ها در عصر ما حاصل شده است، تعجب می‌کنم و نیز متعجبم از فکر حکومت‌های منطقه که چرا این‌قدر ذلیل‌اند و همه‌چیزشان را تقدیم نموده و علاوه بر ذلت در مقابل آمریکا، در برابر اسرائیل هم ذلت را به جان می‌خرند.

آن چیزی که دنیای متزلزل از آن می‌ترسد، اسلام است. اینها از حکومت جمهوری اسلامی می‌ترسند و **ما باید محکم بایستیم و خودمان را برای مقابله با مشکلات احتمالی آینده مهیا کنیم.**

ما نمی‌توانیم شرافت اسلامی- انسانی خود را از دست بدهیم. بحمدالله، مردم ما همه آگاه و مهیا هستند و **شما می‌بینید این ارتشی‌ها و پاسدارها و بسیج و سایر نیروها در جبهه چه می‌کنند. آنها وقتی می‌خواهند به خط مقدم بروند، انگار که به حجلهٔ عروسی می‌روند؛**

و حتی صدر اسلام هم این‌چنین وضعی را،

کمتر به خود دیده است.

و بعضی از افراد نمی‌توانند این همه ازخودگذشتگی را بفهمند و کارهای انجام‌شده را نادیده می‌گیرند.

در هر صورت، **ما باید مهیا باشیم و مردم باید در وضع موجود و با جنگ تحمیلی که درگیر آن هستیم و همهٔ ابرقدرت‌ها با ما دشمن‌اند، فکر این را بکنند که دولت در چه وضعی و با چه مشکلاتی روبه‌روست و توقع این را نداشته باشیم که هر چه می‌خواهیم، در خانهٔ ما حاضر باشد.**

و همه می‌دانیم که این دشمنی‌ها تازگی ندارد؛ چرا که در زمان پیغمبر اکرم- صلی‌الله علیه و آله و سلم- چه تهمت‌ها و ناسزاها به ایشان می‌گفتند، ولی ایشان از تبلیغ دین اسلام دست برنمی‌داشت. و **حالا اگر کم و کسری در مملکت وجود دارد، ما متأثریم و دولت و مسئولین با همهٔ توان خود در رفع کمبودها می‌کوشند** و کارهای مهمی انجام داده‌اند که امیدوارم به یاری خداوند بهتر بشود.

اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرت‌ها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستان‌های ما پر از شهدای عزیز ما نمی‌گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می‌رفت.

آیا ما می‌توانیم نوکر و اسیر آمریکا و دولت‌های کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و

۱- حضار: اعضای هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس بین‌المجالس، در شهر رم: دعایی، سید محمود- خامنه‌ای، سید محمد- دوزدوزانی، عباس- سبحان الهی- الویری، مرتضی- موسوی لاری- منتجب نیا- عطاری، احمد- روحانی- آقامحمدی- صلواتی، فضل‌الله- زائری، عباس- مهاجرانی، عطاءالله- زنگنه، صباح- رجایی، صدیقه

شهید و مجروح ندهیم؟! **هرگز ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد.**

ملت ایران در مقابل آمریکا می‌ایستد،

و به امید خداوند پیروز است.

خداوند آن‌قدر تأکید کرده است که ما با آنها موالات نداشته باشیم،[1] آن‌وقت برای ارزانی اجناس، ما خودمان را بفروشیم؟!

شما توقع نداشته باشید که آنها از ما تعریف کنند.

اگر آنها از من طلبه و شما تعریف می‌کردند، ساقط می‌شدیم.

ملت‌ها با شما هستند و این سازمان‌ها دستاورد ابرقدرت‌هایی هستند که می‌خواهند مردم مستضعف جهان را چپاول کنند و به همین جهت، با شما مخالفند.

خداوند همهٔ شما را موفق کند.

والسلام علیکم و رحمه الله[2]

۱- اشاره است به آیهٔ ۲۸، سورهٔ آل‌عمران، و آیهٔ ۱۳۹ و ۱۴۴ سورهٔ نسا، و آیهٔ ۵۱، سورهٔ مائده.

۲- صحیفهٔ امام، ج۱۷، ص ۳۴

شماره: ۲۲۰ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **گردهمایی ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌های کشور و تأثیرات روحانیت متعهد در حفظ انقلاب اسلامی**

امضا: **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱ کشور**

در آستانهٔ گردهمایی ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌های کشور در تهران **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱ کشور** با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن خیر مقدم به این پیام‌رسانان حق و حقیقت، نقش آنان را در وحدت ملت ستود.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

استکبار جهانی و ایادی جنایتکارش با طرح توطئه‌های رنگارنگ به مقابله با این انقلاب مقدس الهی برخاستند و خواستند نور خدا که تابشش سراسر عرصهٔ هستی را فرا گرفته، خاموش کنند. با این قصد بیش از هر چیز نوک پیکان‌های زهرآلود خویش را به سوی روحانیت نشانه رفتند و کینه‌توزانه، متعهد و متفق به سوی این معلمان و راهنمایان امت اسلامی وحشیانه هجوم آوردند. چنان‌که دریافته بودند که این قشر هرگز در برابر ظلم و ظالمان سر تسلیم فرود نمی‌آورد و اینانند که حافظان و نگهبانان اسلام در قبال شریعت الهی و پیروان اباعبدالله که هستی خویش را در کف نهاد و بر خدای خویش عرضه کرد، هستند.

بدین لحاظ **کفر جهانی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، روحانیت پیرو خط ولایت فقیه را مورد هجوم همه‌جانبهٔ تبلیغاتی و نظامی قرار دادند تا انقلاب اسلامی را با شکست مواجه سازند. اما با رهبری امام امت و هوشیاری ملت همیشه در صحنه و حزب‌اللهی، روحانیت متعهد به خصوص**

ائمهٔ جمعه حفظهم‌الله تعالی این توطئهٔ عظیم خنثی گردید و وحدت و انسجام و یکپارچگی چون همیشه بر سر انقلاب اسلامی سایهٔ رحمت افکند.

در قسمتی دیگر از این اطلاعیه آمده است:

- امید است فضای روحانی آن سمینار که پشتوانهٔ خون‌های شهیدان عظیمی چون مدنی، دستغیب، صدوقی، تلألو خاص و برکتی بیش از پیش یافته و این قدم‌های بسیار مؤثر و ارزنده در وحدت ملت که به ابتکارحضرت‌آیت‌الله منتظری دامت برکاته برداشته شده است، هر چه استوارتر به اهداف مؤثر خویش نایل گردد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۱ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دعوت از روحانیون برای حضور در جبهه**

امضا: **ستاد تبلیغات جبهه و جنگ مستقر در قرارگاه کربلا**

اهواز:

ستاد تبلیغات جبهه و جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در قرارگاه کربلا با انتشار اطلاعیه‌ای، از حوزه‌های علمیه، جامعهٔ مدرسین، اساتید محترم حوزه‌ها، جامعهٔ روحانیت مبارز و دفاتر تبلیغات اسلامی دعوت کرد در این ایام محرم با اعزام روحانیون و طلاب به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه کفر جهانی، حماسه‌های کربلا و عاشورا را یک‌بار دیگر زنده کنند.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۲ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **فراخوان سپاه پاسداران از داوطلبین حضور در جبههٔ اسلام در آستانهٔ ماه محرم**

امضا: **روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای از امت حزب‌الله به خصوص آنهایی که دوره‌های آموزش نظامی را گذرانده‌اند، خواست تا جهت دفاع از حریم اسلامی ایران و بیرون راندن متجاوزین بعثی از این کشور خود را به مناطق ۸ گانهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معرفی کنند.

متن اطلاعیه‌ای که به همین مناسبت منتشر شده، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

امیدوارم قوای شجاع ما با شکست نهایی دولت عراق،

راه را برای تاختن به سوی بیت‌المقدس باز کند.

(امام خمینی)

در آستانهٔ ماه محرم‌الحرام، ماه پیروزی خون بر شمشیر و ماه حماسه و شرف و ایمان که یادآور آفرینش صحنه‌های پرشکوه ایثار و فداکاری اباعبدالله الحسین(ع) و اصحاب و یاران وفادارش در راه پاسداری از مکتب قرآن و برافراشتن پرچم سرخ جهاد علیه کفر طاغوت است، رزمندگان اسلام می‌روند تا با اتکال به نیروی لایزال الهی در ادامهٔ راه خونین سرور شهیدان و سالار آزادمردان حسین‌بن علی(ع) از حریم اسلام و انقلاب مقدس اسلامی دفاع کنند و با دفع تجاوز استکبار

جهانی به دست رژیم بعثی- صهیونیستی حاکم بر عراق، راه‌گشای کربلای حسینی گردند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از کلیهٔ داوطلبان به ویژه آن دسته از برادرانی که دوره‌های آموزش نظامی را گذرانده و خواهان حضور در سنگرهای دفاع از انقلاب اسلامی می‌باشند، ثبت نام به عمل می‌آورد.

داوطلبان عزیز می‌توانند برای ثبت‌نام **در تهران به مناطق ۸ گانهٔ واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در شهرستان‌ها به مراکز پذیرش سپاه یا بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** مراجعه کنند.

آدرس مناطق ۸ گانهٔ واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران بدین شرح است:

منطقهٔ ۱- خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از ایستگاه، درب دوم، خیابان الهیه، تلفن ۲۶۱۰۸۰ و ۲۶۱۵۳۰

منطقهٔ۲- میدان جمهوری اسلامی، تلفن ۸- ۹۲۵۰۴۵

منطقهٔ۳- خیابان شهید مفتح (مبارزان)، خیابان شهید نامجو، ضلع شمالی استادیوم شهید شیرودی، تلفن ۸۲۱۹۲۲

منطقهٔ۴- خیابان قزوین، خیابان استخر، تلفن ۵۴۹۶۳۶

منطقهٔ۵- نظام آباد شمالی، پایین‌تر از گلبرگ، کوچهٔ آزمایش، تلفن ۷۳۵۶۰۰ ـ ۷۳۴۵۰۰

منطقهٔ۶- خیابان شهید رجائی (یادآوران)، سه راه علی‌آباد، خیابان پارک، تلفن ۵۵۴۱۴۸

منطقهٔ۷- خیابان خاوران، جنب پارک فداییان اسلام، تلفن ۳۶۰۶۰۶

منطقهٔ۸- شهر ری، چهارراه قم، تلفن ۵۹۱۰۰۰ - ۵۹۳۰۸۷

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۳ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **هشدار به صدام و حامیانش پس از عملیات مسلم‌بن عقیل**

امضا: **حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی**

هشدار مجدد حجت‌الاسلام رفسنجانی:

اگر عراقی‌ها از حق طفره بروند، حرکت اخیر، حرکت نهایی خواهد بود

آخرین تحولات جبهه‌های جنگ تحمیلی، نتایج پرثمر عملیات مسلم‌بن عقیل، طرح‌های آیندهٔ جنگی و تلاش‌های ناموفق ۲ شب گذشته دشمن زبون برای بازپس گرفتن مواضع از دست داده، در جلسهٔ دیشب (پریشب) شورای‌عالی دفاع مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تصمیماتی اتخاذ شد.

شورای‌عالی دفاع به **ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نمایندهٔ امام در شورای‌عالی دفاع، مهندس موسوی نخست‌وزیر، تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش، سرهنگ سلیمی وزیر دفاع همچنین با حضور آقای شمخانی قائم‌مقام سپاه پاسداران، سرهنگ معینی‌پور فرماندهٔ نیروی هوایی و آقای عزیزی قائم‌مقام وزارت خارجهٔ کشورمان** تشکیل جلسه داد.

در این جلسه ضمن **بررسی اوضاع جبهه‌های جنگ پیرامون تحولات سیاسی، نظامی کشور و منطقه، تهیهٔ ادوات و تجهیزات جنگی برنامه‌های آتی نیروهای هوایی و تعمیر و نگه‌داری تسلیحات مدرن جنگی** بحث و تبادل‌نظر به عمل آمد و تصمیماتی اتخاذ شد.

سپس در پایان این جلسه **حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی** در مصاحبه‌ای شرکت

نمود و در مورد مسائل مطرح شده در جلسهٔ شورای‌عالی دفاع تصمیمات متخذه اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحیم

گزارش جبهه‌ها را ارایه دادند. برنامهٔ آینده را به اطلاع شورای‌عالی دفاع رساندند. نتایج نهایی عملیات مسلم‌بن عقیل را توضیح دادند و حرکتی که دیشب (پریشب) عراقی‌ها کردند که شکست فاحشی خوردند، در مورد تهیهٔ وسایل جنگ بحث بود؛ برنامه‌هایی که نیروی هوایی داشت که آقای سرهنگ معین‌پور توضیحاتی دادند و در مورد تعمیر و نگه‌داری ابزار دقیق و مدرن جنگی که داریم پیشرفت‌هایی شده بود که آنها را توضیح دادند و یک مقدار مسائل سیاسی، نظامی که داشتیم بحث شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در رابطه با پیروزی‌هایی که در جریان عملیات مسلم‌بن عقیل نصیب رزمندگان اسلام گشته است و این‌که آیا این عملیات ادامه خواهد یافت افزودند:

- بالاخره آن حرکتی که انجام داده‌ایم، یک حرکت نهایی نبوده است. همان‌طوری که می‌دانید نزدیک‌ترین راه ایران به بغداد از جادهٔ مندلی به بغداد است و مانع اساسی حرکت ما همان ارتفاعاتی بود که در اختیار عراقی‌ها بوده است.

خاک خودمان که برای حرکت طولانی این‌جا ممکن بود مشکلاتی داشته باشیم. ما اگر بخواهیم حرکت مهمی در آینده داشته باشیم، یکی از جاهایی که باید و می‌شود از آن‌جا حرکت کرد، آن‌جاست.

ادامهٔ آن عملیات بستگی به شرایطی دارد که در روزهای آینده پیش می‌آید. اگر عراقی‌ها همچنان بخواهند از حق طفره بروند، احتمال ادامهٔ آن خیلی زیاد است.

نمایندهٔ امام در شورای عالی دفاع آنگاه در پاسخ به این سؤال که:

- در صورت تحقق شرایط پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران و با خطری که باقی ماندن صدام برای صلح منطقه دارد، آیا صلح امکان‌پذیر خواهد بود؟

چنین گفت:

- **صلح را بیشتر به عنوان یک حربه مطرح کردند.** یعنی ما به این نتیجه رسیدیم که واقعاً عراقی‌ها صلحی نمی‌خواهند. حالا شاید مثلاً خود عراقی‌ها بخواهند، اما **آنهایی که عراق را وادار به جنگ کردند، چه ارتجاع منطقه و چه امپریالیزم، آنها نمی‌خواهند صلح بشود و دروغ می‌گویند.** منتهی یک حربهٔ تبلیغاتی ساختند از این‌که این حربه را آنها می‌توانند به کار ببرند. در صورتی که ما نمی‌توانیم؛ زیرا که آنها در خاک ما هستند و ضعیف هم هستند، بدهکار هم هستند، ظالم

هستند، متجاوز هستند و همه‌کس می‌داند که مذاکرات بعد از آتش‌بس همیشه بی‌نتیجه بوده، در همه‌جا، مثل جریان لبنان و سوریه با اسرائیل می‌شود. ما چنین حالتی را پیدا می‌کنیم. این‌که آنها به نظر خودشان چیزی به نام صلح مطرح می‌کنند که همهٔ حقوق ما را ضایع بکنند و در حرفشان جدی نیستند، ولی ما جدی هستیم.

ما از آن روزی که حرف زدیم تا امروز یکنواخت جدی هستیم.

واقعاً ما طالب صلح هستیم و با صداقت می‌گوییم که صلح می‌خواهیم؛ جنگ مخرب است.

ما از جنگ تنفر داریم. به عنوان دفاع ما داریم حرکت می‌کنیم؛ البته این دفاع دامنه‌اش تا گرفتن حقوق ما ادامه دارد.

دزدی که آمد اموال انسان را برد، دفاعش این نیست که از خانه بیرونش کنیم. دفاعش این است که برویم تعقیبش کنیم و حقمان را بگیریم.

ما حالت دفاعی داریم و تا گرفتن حقمان ادامه می‌دهیم. عراق دروغ می‌گوید، صلح نمی‌خواهد، منتهی هیاهوی صلح را راه انداخته که بگویند ایران صلح را نمی‌خواهد.

ما باز هم اعلام می‌کنیم:

– بیایند و حقوق ما را بپردازند و متجاوز را تنبیه کنند، مسئول تنبیه متجاوز را تعیین کنند که ببینند ما صلح می‌خواهیم یا عراق.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین هاشمی‌رفسنجانی در مورد این مسأله که آمریکا با همکاری دولت‌های وابسته در نظر دارد در منطقه مانورهای نظامی انجام بدهد و حتی در این زمینه نشست‌هایی هم صورت گرفته، اظهار داشت:

– این حرف تازه‌ای نیست، از یکی دو سال پیش این حرف مطرح است. بر فرض هم مانور بدهند، آمریکا مانور بدهدیا ندهد، دشمن ماست و امکاناتی که داشته باشد و بتواند علیه ما به کار می‌گیرد، **ما هم با آمریکا و اقمار آمریکا به عنوان دشمن برخورد می‌کنیم** و نگرانی از این چیزها نداریم. اینها یک حرکت وسیع تبلیغاتی درست کرده‌اند. سودان اعلام می‌کند ما کمک می‌فرستیم، عراق اعلام می‌کند ما کمک می‌فرستیم، شورای همکاری خلیج فارس شروع به کار می‌کند، سازمان ملل جلسه می‌گیرد. برای شورای امنیت، آمریکا آن‌طور، تبلیغات جهانی آن‌طور حرکت می‌کنند. **این مجموعه با هم حرکت می‌کنند که هم روحیهٔ ما را تضعیف کنند و هم ما را جنگ‌طلب معرفی کنند؛** که خوشبختانه ما هم منطقمان روشن است و هم راهمان روشن است.

روحیهٔ ما هم خوشبختانه روزبه‌روز قوی‌تر می‌شود. امکاناتمان هم هر روز بیشتر می‌شود.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ به این سؤال که:

– در چند روز اخیر رادیوها و رسانه‌های امپریالیستی، صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران برخورد زننده‌ای داشته‌اند و حتی با بیان بعضی از ناسزاها برخورد کرده‌اند. آیا به نظر شما در شرایط کنونی هدف از عنوان این‌گونه مطالب چیست؟

چنین می‌گوید:

– بگویید برخورد زننده‌تری پیدا کرده‌اند و الّا اینها از اول جنگ برخوردشان زننده بوده و دشمنی می‌کردند و این‌که یک قدری شدت پیدا کرده، دلیلش روشن است. برای این‌که ما رفته‌ایم ارتفاعاتی را از دست عراق گرفته‌ایم و در ۱۰۳-۱۰۲ کیلومتری بغداد هستیم. خوب تا به حال هم نشان دادیم که ما خیلی آسان می‌توانیم خیز چند کیلومتری، ۱۰ کیلومتری، ۲۰ کیلومتری برداریم.

اگر نیروهای ما ۲خیز دیگر به جلو حرکت کنند، جایی می‌رسند که توپ‌های دوربرد ما بغداد را می‌زند و **معلوم است آن روزی که توپ‌های ما اطراف بغداد را نشانه بگیرد، خیلی مشکل است که صدام دیگر بتواند بماند.**

یعنی تعادل‌شان بهم می‌خورد و آنها مطمئنند ما اگر تصمیم بگیریم که این خیزها را برداریم و به جلو برویم، این کار را می‌کنیم و می‌رویم و تا به حال هر وقت خواسته‌ایم، رفته‌ایم.

هر جا خواسته‌ایم، رفته‌ایم؛ آن هم از تپه‌های صعب‌العبور، از شرق مندلی تا بعقوبه تقریباً می‌دانیم صاف است و عبور از آن‌جا خیلی مشکل نیست.

آنها فهمیدند که ما موقعیتمان خیلی خوب است. از لحاظ نظامی، امکاناتمان هم خیلی خوب است و جنگ در نقاط آسیب‌پذیر ما نیست. اگر هم گلوله‌ای باشد، در بیابان‌های ماست، خوب طبیعی است که آنها این حرکت‌ها را انجام دهند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۴ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **جنگ تحمیلی، لبنان، جنایات اسرائیل، حقانیت انقلاب اسلامی و مقاومت ایران اسلامی**

امضا: **وزیر امور خارجه، دکتر ولایتی (نطق در سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل)**

نطق دکتر ولایتی در سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل:

جمهوری اسلامی ایران،

امنیت تنگهٔ هرمز و خلیج فارس را تضمین می‌کند

دکتر ولایتی وزیر امور خارجه طی سخنانی در **سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد** ضمن محکوم ساختن سیاست‌های ابرقدرت‌ها در به سلطه کشاندن کشورهای جهان سوم و جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در لبنان به تشریح دستاوردهای انقلاب اسلامی پرداخت و با تأکید بر این نکته که ما برای حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی خود نهایت اهمیت را قایل بوده و به هیچ کشوری اجازهٔ مداخله در امور داخلی خود را نمی‌دهیم، یادآور شد که **مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم یک مبارزه طولانی سخت و پیچیده است** که فقط در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی محصور نمی‌گردد و بعد فرهنگی این مبارزه نقش کمتری از ابعاد دیگر ندارد و دولت جمهوری اسلامی ایران از تمام امکانات خود در این مبارزه و با تکیه بر **تعالیم عالیه و انسان‌ساز مکتب اسلام** استفاده خواهد کرد.

متن سخنان وزیر امور خارجهٔ کشورمان به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ[1]

آقای رئیس!

مایلم تبریکات خود را به مناسبت انتخاب شما به عنوان رئیس سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ابراز دارم.

بدون تردید توانایی‌ها و قابلیت‌های شما با توجه به تجربیاتی که در زمینه‌های بین‌المللی دارا هستید، می‌تواند برای حل مشکلات و معضلات عظیمی که این اجلاس مجمع عمومی با آن روبه‌روست، کمک بزرگی باشد.

عدم امیدواری از سازمان ملل

همچنین مایلم برای شما و نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس آرزوی موفقیت نمایم؛ اگرچه موجبات و نشانه‌های زیادی هست که می‌تواند در موفقیت این مجمع ایجاد تردید نماید. زیرا **در این جهان پرآشوب که از گوشه و کنار آن خبرهای ناامیدکنندهٔ ناشی از روحیهٔ تجاوزکاری و توسعه‌طلبی و حق‌کشی و ظلم و بیدادگری به گوش می‌رسد، موجبی برای امیدوار بودن به موفقیت چنین اجلاسی باقی نمی‌ماند.**

چشم‌انداز روزهایی که در پیش داریم و اوضاع بین‌المللی تیره و تار است، تشنج آهنی روز به روز افزایش می‌یابد و مسابقهٔ تسلیحاتی به رغم شعارهایی که داده می‌شود، با شتاب زیادی سیر صعودی دارد، اصول اساسی و بنیادی منشور ملل متحد به واسطهٔ نادیده انگاشتن آن توسط پاره‌ای از کشورهای متجاوز و توسعه‌طلب، نحوهٔ بارز زیر پا گذاردن‌ها می‌شود.

فقر و گرسنگی در کشورهای مستضعف و فقیر جهان سوم بیداد می‌کند و شکاف فزاینده بین کشورهای غنی و فقیر و روابط ظالمانه و نابرابر کشورهای تولیدکنندهٔ مواد خام و جهان صنعتی روزبه‌روز بیشتر و گسترده‌تر می‌شود. ۶۰۰ میلیون نفر از مردم جهان از گرسنگی و بی‌غذایی رنج می‌برند و هر سال میلیون‌ها نفر از بیماری‌های گوناگون تلف می‌شوند.

در چنین شرایطی **مسابقهٔ تسلیحاتی که توسط ابرقدرت‌ها به سایر کشورهای جهان سرایت داده شده است، اثر مخرب خود را در کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده که قربانیان اصلی حاکمیت ترس در جهان هستند، برجای گذاشته** و این کشورها را در سراشیبی سقوط، نابودی و اتلاف منابع انسانی و تابع قرار داده؛ به طوری که **این کشورها به جای مرهم نهادن بر محرومیت**

۱- سورهٔ حدید، آیهٔ ۲۵

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

توده‌های اسیر و تأمین رفاه و اعتلای فکری آنان، تمام منابع و ثروت خود را دربست در اختیار مطامع و آزمندی ابرقدرت‌ها قرار داده‌اند.

دیگر این‌که **جهان امروز علاوه بر فقر اقتصادی و مادی، با فقر فرهنگی که به مراتب تأسف‌بارتر از کلیهٔ مصایب و مشکلاتی که برشمردیم می‌باشد، مواجه است.**

سوءاستفاده از ارزش‌ها

ارزش‌های والای انسانی در مسلخ حرص و آزمندی جهان‌خواران قربانی معیارهای پوچ مادی و غیراصیل گردیده است.

چه دردناک است زمانی که درمی‌یابیم **در تجدید تاریخ، ارزش‌هایی مانند آزادی، عدالت و دموکراسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به نام آزادی و حقوق انسان‌ها، چه جنایتی که مرتکب نگردیده‌اند** و مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی ملعبهٔ اختناق و بی‌عدالتی و ظلم و ستم قرار گرفته، از معنویت و مذهب که می‌تواند و باید برای روابط اجتماعی شالودهٔ محکمی ایجاد نماید و در لوای آن شرایط مطلوب جهت تسهیل رشد جامعهٔ بشری شود، خبری نیست و حال آن‌که **ورای تمام اختلافات نژادی، قومی، زبان و شرایط جغرافیایی است.**

تمام اقوام بشر دارای یک فطرت مشترک هستند و اگر بر آن اساس پرورش یابند، اتحاد واقعی تمامی جهان تحقق خواهد یافت.

خصیصهٔ انقلاب اسلامی ایران

آقای رئیس!

۴ سال پیش در ایران انقلابی به وقوع پیوست که اگر بخواهید آن را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم تحولی بود که مردم ایران را به انسانیت و فطرت خداجو و خویشتن خویش رجعت داد.

این انقلاب ماهیت و خصیصه‌ای فرهنگی دارد و اینک فرهنگ اسلامی که همان فرهنگ انقلاب است، با همهٔ ابعاد آن در همه‌جا حضور دارد.

انقلاب اسلامی به عنوان حرکتی که موجد تغییرات بنیادی در جامعهٔ ما شده، مبانی نوینی را پدید آورده است که مقاومت در مقابل ظلم و ستم و حمایت از ملل مستضعف و توده‌های ستم‌دیدهٔ کشورهای در حال رشد و عدم اتکا به قدرت‌های خارجی و نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و همچنین احترام به حاکمیت استقلال و تمامیت ارضی دیگران و عدم مداخله در امور

داخلی سایر کشورها بر پایهٔ احترام متقابل ابعاد **سیاست خارجی** آن را تشکیل می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی ما یعنی: **"نه شرقی و نه غربی"** که در حقیقت تجلی کلمهٔ قصار **«لا اله الا الله»** در صحنهٔ بین‌المللی است و خطوط اصلی آن را ترسیم می‌نماید. با تکیه بر آن، ما نه تنها توانستیم خود را از زیر سلطهٔ آمریکای جهان‌خوار خارج نماییم، بلکه با وجود تمام مصایب و مشکلاتی که در سر راهمان قرار داشته، به دامان ابرقدرت دیگر نیز سقوط نکردیم و به همین جهت برای حاکمت و استقلال و تمامیت ارضی خود نهایت اهمیت را قایل بوده و به هیچ کشوری اجازهٔ مداخله در امور داخلی خود را نمی‌دهیم.

اهمیت مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم

انقلاب ما سعادت انسان در کل جامعهٔ بشری و استقرار صلح و عدالت را که عالی‌ترین هدف در روابط ملت‌هاست، آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و عدالت را حق همهٔ مردم تلقی می‌کند و اعتقاد دارد که **رهایی از قید سلطهٔ استعمارگران بین‌الملل** جز با **عزم راسخ توده‌های محروم و اتحاد آنان** قابل وصول نخواهد بود.

مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم یک مبارزهٔ طولانی، سخت و پیچیده است که فقط در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی محصور نمی‌گردد و **بُعد فرهنگی این مبارزه نقش کمتری از ابعاد دیگر ندارد** و دولت جمهوری اسلامی ایران از تمام امکانات خود در این مبارزه و با تکیه بر تعالیم عالیه و انسان‌ساز مکتب اسلام استفاده خواهد کرد.

آقای رئیس!

هم‌اکنون که ما از **اهمیت مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم** سخن می‌گویم، **تازه‌ترین جنایت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اشغالگر** در میان سکوت سایر قدرت‌های جهان علیه بشریت در جهان اسلام شکل گرفته است و هزاران نفر کودک و جوان و مرد سالخورده و بی‌گناه و بی‌دفاع **اردوگاه آوارگان فلسطینی صبرا و شتیلا** در غرب بیروت توسط **مشتی تروریست‌های صهیونیست بی‌حیثیت** که به بدترین وجه بر مسلمانان تاخت‌وتاز کرده‌اند، به خاک و خون کشیده شده‌اند.

این اولین جنایت اسرائیل نبوده و آخرین آن هم نخواهد بود.

تکان‌دهنده‌ترین جنایت تاریخ

جهانیان به خاطر دارند که **رژیم صهیونیسم از بدو پیدایش نامشروع خود که حاصل سازش**

قدرت‌های استعمارگر با یکدیگر و غصب آشکار سرزمین‌های فلسطینیان بوده، تا این لحظه از ارتکاب جنایت وحشیانه نسبت به مردم مسلمان و مظلوم فلسطین دست نکشیده است.

فاجعهٔ قتل‌عام دهکده‌های دیر یاسین و کفرقاسم که طی آن گروه‌های تروریستی حتی حیوانات دهکده را نیز قتل‌عام کرده‌اند، از خاطره‌ها زدوده نشده است و امروز ما شاهدیم که چگونه کسی که در گروه تروریستی مذکور بی‌رحمانه‌ترین فجایع را علیه مردم فلسطین انجام داد، بار دیگر یکی از تکان دهنده‌ترین جنایات تاریخ بشری را در مقام نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی بر عهده گرفته و با حمایت همه‌جانبهٔ امپریالیسم آمریکا ماهیت پلید خود را بیش از پیش به ملل نشان می‌دهد و تراژدی مردم محروم و ستم‌کشیدهٔ فلسطین و لبنان در میان توطئه و سکوت قدرت‌های بزرگ و کشورهای مرتجع و شاید هم بهت‌زدگی ناشی از این همه شقاوت به مرحله‌ای رسیده است که در این میان صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها بدون کمترین توجهی به احساسات و افکار عمومی مردم صلح‌دوست جهان، در اظهارنظرهای وقیحانه گوی سبقت را از یکدیگر ربوده‌اند. در حالی‌که صهیونیست‌ها آشکارا کشتار مردم ستم‌دیدهٔ فلسطین و لبنان و نابودی کامل این ملت را توجیه می‌نمایند و اربابان آمریکایی آنها از کارایی سلاح‌های مدرن خود در قتل‌عام مردم بی‌گناه لبنان و فلسطین و تخریب بیروت اظهار خرسندی می‌کنند، مزدوران آنان در منطقه به دنبال **توافق‌های کنفرانس فاس بر موجودیت اسرائیل صحه گذارده** و به آن رسمیت می‌دهند.

اهمیت اهداف رژیم صهیونیستی

خیانت و سازش برخی از رژیم‌های غیرمردمی وابستهٔ منطقه باعث شده که امپریالیسم و صهیونیسم موفق گردند رزمندگان فلسطینی را از بیروت اخراج و آنها را در کشورهای مختلف پراکنده سازند.

قتل‌عام محرومین فلسطینی و مسلمین غرب بیروت پس از اخراج رزمندگان سازمان آزادی‌بخش فلسطین، حقانیت موضع ما را در مخالفت با توطئهٔ اخراج آنها به اثبات رسانید.

تجدید تلخ بشریت از سلطهٔ غاصبانهٔ ۳۵ سالهٔ صهیونیزم در فلسطین نشان داده است که **تجاوز، خصیصهٔ ذاتی اسرائیل است** و مماشات کردن با چنین عنصری فاجعه‌آمیز می‌باشد و همان‌طور که بارها اعلام کرده‌ایم تردید نباید داشت که:

- **جنایتکاران اسرائیل به کشتار مردم اکتفا نخواهند کرد و آن را مقدمه‌ای بر توطئهٔ بزرگ خود برای تهدید و نابودی آرمان فلسطین و استقرار نفوذ آمریکای جهان‌خوار بر تمامی منطقه**

خواهند ساخت.

هدف آنها این است تا کشورهای منطقه را متقاعد سازند که **طرح‌های کمپ‌دیوید** و تحت حمایت آمریکا قرار گرفتن تنها راه‌حل بحران خاورمیانه است و کسانی که این راه‌حل را نپذیرند، محکوم به نابودی هستند.

سؤال مردم به‌پاخاسته از حکومت‌های خود

ما معتقدیم اخراج مبارزان فلسطینی از لبنان نه تنها پایان کار نبوده، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از مبارزات طولانی ملت‌های عرب و مسلمانان خواهد بود. اگرچه **وجود حکام منافق و مرتجع و بیگانه‌پرست در رأس برخی از کشورهای منطقه مشکلاتی در راه رسیدن امت اسلامی به اهداف مقدس خویش ایجاد نموده است** و این حکام فاقد پایگاه مردمی با سازش‌های مفتضحانه با آمریکا و فرزند نامشروعش اسرائیل حیثیت مسلمانان را لکه‌دار می‌سازند.

ولی عاقبت‌الامر نیروهای به‌پاخاستهٔ مردم قبل از هر چیز از حکومت‌های خود خواهند پرسید که چرا در برابر کشتار بی‌رحمانهٔ مردم لبنان و فلسطین سکوت نموده و به وظایف خود عمل نکرده‌اند.

این همه اسلحه که با ثروت‌های مردم محروم خریداری شده، اگر امروز که چنین مصیبتی بر مسلمانان وارد شده است به کار گرفته نشود، پس چه روزی باید مورد استفاده قرار گیرد.

مردم مسلمان کشورها حق خواهند داشت بپرسند:

- چرا بیت‌المال مسلمین بایستی صرف خرید آواکس و ده‌ها نوع جنگ‌افزار پیچیدهٔ دیگر شود که نه تنها هیچ کاربردی در جهت حفظ منافع مسلمانان ندارد، بلکه موجب تحکیم هرچه بیشتر سلطهٔ امپریالیسم آمریکا می‌گردد.

- کشورهای منطقهٔ خاورمیانه کی می‌خواهند از خواب گران بیدار شوند و به تهدیدی که متوجه اصل موجودیت استقلال و هویت فرهنگی آنهاست، پی ببرند؟

تراژدی لبنان، فقط از خصایص ویرانگرانهٔ آمریکا که سیستم سیاسی این کشور را به بزرگ‌ترین تهدید برای بقای بشریت بدل نموده، می‌باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران بنا به جوهر و خصیصهٔ ضدظلم و ضداستکبار خود و سیاست حمایت از ملل مستضعف که از تعالیم عالیهٔ قرآن نشأت می‌گیرد، بار دیگر اعلام می‌دارد که:

با تمام امکانات خود از مبارزات به‌حق و مشروع ملت مسلمان فلسطین به منظور بازگشت به فلسطین اشغالی و امحا و اخراج غاصبان این سرزمین و ویرانی پایه و اساس رژیم اسرائیل که

مبتنی بر نژادپرستی صهیونیستی است، قویاً حمایت می‌کند.

ما به رغم درگیری ۲ ساله در جنگ تحمیلی هرگز در انجام وظایف اسلامی و انسانی خود در برابر مسألهٔ فلسطین و خاورمیانه کوتاهی نکرده و موضع همیشگی‌مان در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به ملت‌های لبنان و فلسطین این بوده که **همیشه در کنار مظلوم و علیه ظالم و ظلم ایستاده‌ایم.**

در صداقت ما همین بس که در برابر حملهٔ وحشیانهٔ اسرائیل به لبنان و مبارزات فلسطین و سوری و لبنانی وارد صحنهٔ کارزار شدیم و نیروهای خود را به رغم نیاز شدید به آنها در جنگی که به ما تحمیل شده، روانهٔ صحنهٔ پیکار علیه صهیونیسم کردیم و این اقدام را به عنوان یک وظیفهٔ اسلامی و آرمانی به عمل آوردیم.

ما تنها کشور خارج از خط مقدم جبهه علیه نظام صهیونیستی بوده‌ایم که به چنین کاری مبادرت کردیم.

ما معتقدیم که حل ریشهٔ مشکل فلسطین و کل بحران خاورمیانه تنها با تأکید بر اسلامی بودن مسأله و با تلاش جهت ایجاد وحدت نظر بین نیروهای مسلمان امکان‌پذیر خواهد بود.

از این دیدگاه جمهوری اسلامی همواره کوشیده است که در بعد اسلامی مسألهٔ مورد بحث تأکید نماید و پیشنهادات **تشکیل جبههٔ متحد اسلامی علیه صهیونیسم و امپریالیسم** در واقع چیزی جز **تأکید بر خصوصیت اسلامی قضیهٔ فلسطین** نمی‌باشد.

تجربیات ملت ایران از توطئه‌های آمریکا

آقای رئیس!

همان گونه که انقلاب فلسطین و مردم لبنان هدف توطئه‌های ویرانگرانهٔ امپریالیسم آمریکا و عاملش اسرائیل غاصب قرار دارند، ملت ایران نیز تجربیاتی از توطئه‌ای که آمریکای جنایتکار علیه آن تدارک دیده بود، دارد.

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران منافع استکبار جهانی به طور جدی در این نقطه از جهان در معرض خطر نابودی قرار گرفت و به طور کلی موازنهٔ معادلات سیاسی و محاسبات نظامی و بین‌المللی در این منطقه از جهان درهم ریخت. بنابراین قابل پیش‌بینی بود که از همان آغاز نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران از هر سو مورد تهاجم و هدف ضربات سهمگین و پی‌درپی قرار گیرد.

تجاوز رژیم عراق به خاک میهن اسلامی ما که در شهریور ۱۳۵۹ صورت گرفت، مهم‌ترین حلقهٔ

زنجیر توطئه‌های امپریالیستی علیه کشور ما بود که هدف اصلی آن ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران و در حقیقت کوششی از سوی نظام استکبار جهانی برای حفظ منافع و مطامع خود و جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی در این منطقه از جهان بود.

رژیم عراق از همان نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایجاد زمینه‌های لازم برای اجرای نیات سوء خود در جهت تأمین اهداف امپریالیسم و صهیونیسم دست به انواع جنایت و تحریکات خرابکارانه زد.

- اخراج ده‌ها هزار نفر از مردم مستضعف عراق به ایران،
- ایجاد مزاحمت و محدودیت برای روحانیون مسلمان،
- حمله به مدارس ایرانی و زندانی نمودن معلمین مدارس مذکور که از سرنوشت آنها اطلاع در دست نیست،
- پناه دادن به ضدانقلابیون ایرانی،
- پخش برنامه‌های رادیویی به زبان‌های مختلف در جهان،
- راه‌اندازی جنگ تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران و به ویژه تحریک هموطنان عرب زبان ایرانی خوزستان به نیّت جدا کردن این استان از خاک جمهوری اسلامی ایران،
- تغییر اسامی شهرهای ایران به نام‌های عربی مجعول،
- انتشار نقشه‌های جغرافیایی که بخش‌هایی از کشور ما را جزء خاک کشورهای دیگر از جمله عراق نشان می‌دهد،
- اعزام خرابکاران و تقویت تجزیه‌طلبان و بمب‌گذاری در لوله‌های نفتی نمونه‌ای از این گونه اقدامات به شمار می‌آید.

اما رژیم عراق که از این جنایات برای تضعیف و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران طرفی نبسته بود، حملهٔ ناگهانی و گستردهٔ خود به خاک ایران را شروع کرد تا علاوه بر هدف فوق، به اهداف دیگرش یعنی اشغال اراضی حاصل‌خیز مرزی و به خصوص استان زرخیز خوزستان و دستیابی به منابع سرشار نفتی آن و حاکمیت بر تمامی اروندرود جامهٔ عمل بپوشاند.

در هفته‌های نخستین جنگ به دلیل وضع خاص داخلی و شرایط بعد از انقلاب، رژیم عراق توانست بخشی از میهن اسلامی ما را اشغال نماید؛ اما مقاومت سرسختانهٔ رزمندگان ما در جبهه‌های نبرد خیلی زود رژیم صدام را متوجه این حقیقت نمود که محاسباتش درست نبوده است.

هنگامی که مدافعان به اصطلاح حقوق بشر به فکر وظیفه می‌افتند

آقای رئیس!

آمریکا که از سرنگون ساختن حکومت اسلامی از طریق لشگرکشی صدام ناامید شده، اینک به شیوهٔ کثیف‌تری متوسل شده و با بمب‌گذاری در مناطق پر جمعیت شهرهای ما تا کنون صدها نفر از هموطنان بی‌گناه ما را شهید و تعداد بیشتری را مجروح ساخته است.

انفجار اخیر در مرکز شهر تهران که مثل سایر جنایات قبلی عاملان امپریالیسم جهانی **بدون هیچ عکس‌العملی از گروه‌ها و سازمان‌های به اصطلاح حامی حقوق بشر باقی ماند**، به جهانیان نشان داد که **این قبیل اشخاص و مؤسسات هوادار حقوق بشر تنها هنگامی که عاملان چنین جنایاتی به مجازات می‌رسند، به یاد وظایف انسانی خویش در دفاع از انسان‌ها می‌افتند.**

اعترافات تکان‌دهندهٔ تعدادی از تروریست‌های به اصطلاح مجاهد خلق که از مسببان ترورها و انفجارات اخیر در ایران بوده‌اند، حاکی از آن است که یکی از این جنایتکاران در ظرف ۱ ماه ۳۳ ترور و دیگری ۱۹ ترور انجام دادند. اما گروه‌ها و اشخاصی که از حقوق این قبیل افراد دفاع می‌کنند، هنگامی که چنین جنایت موحشی از سوی این تروریست‌ها رخ می‌دهد، فراموش می‌کنند که قربانیان این جنایات نیز انسان و صاحب حقوقی هستند.

ما از همهٔ انسان‌های آزاده که واقعاً در پی کشف حقایق هستند، دعوت می‌کنیم تا با سفر به ایران از نزدیک شاهد عمق جنایاتی باشند که به دست این عوامل امپریالیسم آمریکا صورت گرفته و موج خشم و نفرت توده‌های میلیونی را از نتایج اعمال این تروریست‌ها به چشم ببینند.

رژیم عراق در طول این جنگ از هیچ گونه جنایتی نسبت به مردم بی‌دفاع و غیرنظامی بی‌گناه مناطق اشغالی فروگذار نکرد؛ به نحوی که مشابه این جنایات تنها از هم‌پیمانان اسرائیلی‌اش در غرب بیروت مشاهده شده است.

پیشنهاد مضحک رژیم بعثی صهیونیستی عراق

تجاوز به زنان و کودکان مناطق تحت اشغال، بمباران‌های مکرر بیمارستان‌ها، مدارس دولتی و پرتاب موشک به مناطق مسکونی شهرهای بزرگ و پرجمعیت مرزی و شکنجه و کشتار پاسداران انقلاب بر اساس مدارک موجود غیرقابل انکار، نمونه‌های کوچکی از این جنایات به شمار می‌رود.

کلیهٔ این اعمال نقض آشکار کنوانسیون ۴گانهٔ ژنو مورخ ۱۹۴۹ و ۲ پروتکل الحاقی مورخ ۱۹۷۷ و منشور سازمان ملل متحد می‌باشد و چقدر مضحک است که چنین رژیمی اینک اقدامات

دولت جمهوی اسلامی در جهت دفاع از خود را نقض اصول منشور ملل متحد و تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کرده و بدین بهانه تقاضای درج مادهٔ جدیدی در دستور کار مجمع عمومی نموده است و پیشنهادات رژیم عراق مبنی بر برقراری آتش‌بس و ادعای خروج از خاک ایران بنا به دلیل حسن نیت و قصد خاتمهٔ جنگ، بلکه برای نجات صدام از مهلکه‌ای است که به دست خویش در جهت ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، ظاهراً مبنای ادعای عراق مبنی بر برقراری آتش‌بس یک‌جانبه و متوقف کردن عملیات جنگی و عبارت از انتقال نیروهای آن کشور به مناطق استراتژیکی متعلق به ایران و گلوله‌باران زمینی و هوایی مناطق مسکونی داخل ایران بوده است.

در این‌جا متذکر می‌گردد:

- خاتمهٔ جنگ منوط به تحقق کلیهٔ شرایط اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی ایران و رفع کامل تجاوز عراق و اثر آن می‌باشد؛ در غیر این صورت عراق مسئول عواقب ناشی از ادامهٔ جنگ است و **دولت جمهوری اسلامی ایران تا احقاق کامل حقوق مردم خود ناگزیر است به دفاع مشروع خود ادامه دهد و به هیچ‌وجه تسلیم منطق زورگویان و قلدران منطقه که ماجراجویی آنان مسبب این همه ضایعات و هزینه بر ۲ ملت ایران و عراق گردیده است، نخواهند شد.**

ما از هیچ‌گونه شانتاژ و تبلیغ سیاسی که بنگاه‌های خبری امپریالیستی و صهیونیستی در جهت حمایت از عراق به راه انداخته‌اند، هراسی نداریم؛ چرا که هدف از این‌گونه تبلیغات که ایران را تهدیدی برای منطقه جلوه می‌دهد، زمینه‌سازی و توجیه ورود نیروهای آمریکایی به صحنه است.

اگر امروز با تجاوز رژیم عراق قاطعانه مقابله نشود،

چه کسی تضمین می‌کند که:

فردا قلدر دیگری در منطقه،

ما و یا سایر کشورها را مورد تهاجم قرارندهد؟

به رغم تبلیغات امپریالیسم خبری، **امام خمینی** اعلام فرمودند که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه خطری متوجه کشورهای منطقهٔ خلیج فارس نمی‌باشد.

ما خواستار روابط نزدیک و دوستانه بر اساس احترام متقابل میان کشورهای منطقه می‌باشیم.

در عین‌حال اعلام می‌داریم که:

با تمام توان با هر توطئه و تجاوزی که قصد رودررویی و مقاومت با انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی را داشته باشد، قاطعانه برخورد می‌کنیم.

جمهوری اسلامی ایران مسئولیت حفاظت خلیج فارس و تنگهٔ هرمز را بر عهدهٔ خود داشته و بر هر عملی که موجب برهم زدن امنیت و آرامش و ایجاد مانع برای عبور کشتی‌های حمل و نقل دریایی شود، به شدت مقابله خواهد نمود و با قدرت تمام امنیت این آبراه را طبق موازین و مقررات بین‌المللی تضمین می‌کند.

ما خاطرنشان می‌سازیم که:

امپریالیسم و صهیونیسم با توسل به توطئهٔ بنگاه‌های امپریالیستی مبنی بر عدم امنیت کشتی‌ها در خلیج فارس، نمی‌توانند جلو صدور نفت ما را بگیرند؛ زیرا اطمینان داریم که اگر روزی جلو صدور نفت ایران گرفته شود، در آن صورت دیگر هیچ نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد.

استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار تلاش دارد که با **افزایش تشنج در اقیانوس هند و خلیج فارس** سلاح‌های خود را به کشورهای منطقه روانه سازد و استقرار و تمرکز فراوان نیروهای نظامی خود و **احداث پایگاه‌های متعدد نظامی** را که در تاریخ بی‌سابقه است، توجیه نماید. همچنین با **تشکیل نیروهای واکنش سریع**، خود را برای **دخالت مستقیم نظامی در کشورهای حوزهٔ خلیج فارس** آماده سازد و از این‌رو **دولت جمهوری اسلامی ایران از اعلام اقیانوس هند به عنوان منطقهٔ صلح حمایت کرده و توطئهٔ لغو کنفرانس ۱۹۸۳ کلمبو را محکوم نموده و خواستار برچیده شدن کلیهٔ پایگاه‌های خارجی از اقیانوس هند و خلیج فارس می‌باشد.**

راه آزادی ملل ستم‌دیدهٔ جهان

آقای رئیس!

همان‌طور که قبلاً گفته شد، **سیاست خارجی ما بر اصل عدم گرایش به شرق و یا غرب استوار گردیده است.**

ما نظام کنونی بین‌المللی مبنی بر تقسیم جهان به ۲ قطب غرب و شرق را رد می‌کنیم و اعتقاد داریم توازن وحشت حاکمه بر جهان که صلح ناپایدار کنونی بر آن مبتنی است، نمی‌تواند ره‌گشای تأمین صلح و امنیت و سعادت ملت‌ها باشد.

بلوک‌بندی و صف‌آرایی و اتکا به پیمان‌های نظامی اثر سوء و مخرب خود را ظرف ۳۷ سال که از عمر سازمان ملل می‌گذرد، به منصهٔ ظهور رسانیده و موجب شده است که جهانیان همواره بر لبهٔ پرتگاه جنگ قرار گیرند.

طی این مدت کمتر زمانی را به خاطر داریم که دنیا از آتش جنگ‌های محلی و ناآرامی و تشنج و احساس خطر فارغ بوده باشد و لذا معتقدیم که در اثر حرکات دسته‌جمعی کشورهای

زیر سلطه بایستی به سلطه‌جویی ابرقدرت‌ها خاتمه داده شود.

ما بر این باور هستیم که **تقویت جنبش عدم تعهد با تأکید بر اصول عدم تعهد**، راه آزادی ملل ستم‌دیده از سلطهٔ ابرقدرت‌ها را هموار می‌سازد و معتقدیم که **این جنبش به عنوان یک نیروی سیاسی مهم می‌تواند برای مقابله با مسائل و مشکلات عظیمی که در مقطع کنونی جهان با آن روبه‌رو است، نقش سازنده‌ای ایفا کند.**

به همین علت ابرقدرت‌ها آرزوی تضعیف و نابودی و به انحراف کشاندن آن را دارند.

بنابراین باید با تمام قوا بر اساس احترام به اصول جنبش از آن حفاظت کرد و با الهام از آرمان‌های آن، با امپریالیسم شرق و غرب مبارزه نمود و ملل محروم و مستضعف را برای ایجاد یک نظام نوین سیاسی و اقتصادی در جهان یاری داد.

ناتوانی و عدم کارایی سازمان ملل متحد

در شرایطی که دنیا دورهٔ بحرانی و بسیار دشواری را طی می‌نماید و سازمان ملل متحد به علت سلطه‌جویی ابرقدرت‌ها و وجود امتیاز غیرعادلانهٔ «وتو» در تصمیم‌گیری‌های خود عملاً ناتوان شده و همچنان‌که در گزارش سالانهٔ آقای دبیرکل آمده، کارایی خود را از دست داده است.

نقش نهضت عدم تعهد برای مقابله با بحران‌ها و تشنجات جهانی بیش از همیشه می‌تواند مهم و مؤثر باشد. در این شرایط برای پویایی و ادامهٔ حیات و نیز حفظ محتوای راستین جنبش عدم تعهد، کشورهای عضو بایستی به آرمان‌ها و اصول آن ارج بنهند و در راه تقویت آن کوشا باشند. احساس مسئولیتی که کشورهای عدم تعهد نسبت به سرنوشت و آیندهٔ این جنبش در خصوص موضع تغییر محل هفتمین کنفرانس سران از بغداد نشان داده‌اند، ما را بیش از پیش به آیندهٔ جنبش امیدوار ساخت.

ما اعتقاد داریم که این تحول جنبش عدم تعهد را از آزمایش تاریخی که در برابر آن قرار گرفته بود، موفق بیرون آورده و آن را برای اجرای مسئولیت‌های خطیرش در آینده آماده‌تر ساخته است.

حمایت از مبارزات حق‌طلبانهٔ ملت‌های مستضعف

آقای رئیس!

دولت جمهوری اسلامی ایران به پیروی از اصول اعتقادی خود مبنی بر حمایت از مبارزهٔ حق‌طلبانهٔ ملت‌های مستضعف در برابر مستکبرین، از اولین روزهای پیروزی انقلاب کلیهٔ روابط سیاسی و اقتصادی‌اش را با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قطع کرد.

ما همواره در مجامع بین‌المللی سیاست‌های دولت سفیدپوست اقلیت نژادپرست را که وجدان مشترک جامعهٔ بشری را می‌آزارد، تقبیح و محکوم نموده‌ایم و امسال که از طرف سازمان ملل متحد سال بین‌المللی به تحرک در آوردن اعمال مجازات علیه آفریقای جنوبی اعلام شده است، امیدواریم که اقدام قاطع و دسته‌جمعی برای رفع این مشکل وارد مرحلهٔ عملی شود.

ما ضمن حمایت از حقوق حقهٔ مردم تحت ستم نامیبیا خواستار خروج نیروهای اشغالگر دولت نژادپرست آفریقای جنوبی از این سرزمین بوده و از کشورهای انقلابی آفریقا و نهادهای مترقی که در این راه نقشی بر عهده گرفته‌اند، می‌خواهیم به تلاش‌های خود بیفزایند.

همچنین با محکوم کردن سرکوب اکثریت سیاه‌پوست و مظلوم آفریقای جنوبی که صاحبان واقعی این سرزمین می‌باشند، حمایت همه‌جانبهٔ خود را از این مبارزین راه آزادی اعلام می‌نماییم.

ما آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر غرب را که بر خلاف قطعنامه‌ها و اصول منشور ملل متحد از رژیم نژادپرست پروتوریا حمایت نظامی و اقتصادی و سیاسی می‌کنند، قویاً محکوم می‌کنیم و از کشورهای خط مقدم جبهه از جمله آنگولا و موزامبیک در مبارزاتشان علیه آفریقای جنوبی حمایت می‌کنیم.

خواستار خروج بی‌قید و شرط نیروهای شوروی از افغانستان

آقای رئیس!

از دیدگاه ما توطئهٔ استکبار جهانی علیه مردم محروم قارهٔ آفریقا و به ویژه توطئهٔ تحریم اجلاس کنفرانس وحدت آفریقا در طرابلس حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم برای سلطه بر کشورهای مسلمان و مستضعف جهان می‌باشد.

در رابطه با مسألهٔ افغانستان، دولت جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که تجاوز نظامی شوروی به افغانستان و تحمیل رژیمی ناخواسته به مردم آن کشور نباید فقط از بعد نقض استقلال و تمامیت ارضی ملت مسلمان افغانستان مورد نظر قرار گیرد، بلکه چنین تجاوزی حیثیت انسانی، آداب و سنن و فرهنگ و مهم‌تر از همه ایمان و باورهای مذهبی آن مردم را زیرپا گذارده است.

جمهوری اسلامی ایران به خاطر فرهنگ، زبان، سنن، تاریخ و در رأس آن دین مشترک با مردم ستم‌دیدهٔ افغانستان نمی‌تواند در برابر این تجاوز سکوت کند، به همین علت **ایران نخستین کشوری بود که تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان را محکوم کرد.**

ما خروج کامل بی‌قید و شرط و فوری قوای نظامی اشغالگر خارجی از آن کشور، عدم مداخلهٔ دیگر نیروها در امور داخلی افغانستان، بازگشت مجاهدین افغانی و تعیین سرنوشت مردم

افغانستان به دست خودشان را یگانه راه‌حل مسألهٔ افغانستان می‌دانیم و در این رابطه هر نوع مذاکره‌ای را که در آن نمایندگان واقعی مردم افغانستان کنار گذارده شوند، مردود می‌شماریم.

آقای رئیس!

ما همواره از مبارزات و کوشش کشورهای آزادی‌خواه آمریکای جنوبی و مرکزی و به ویژه ملت انقلابی نیکاراگوئه علیه دخالت‌ها و دسیسه‌های سلطه‌جویانهٔ آمریکا و نیز از مبارزهٔ به حق نیروهای انقلابی در السالوادور و سایر کشورهای آن منطقه علیه ظلم و ستم رژیم‌های دیکتاتوری حمایت می‌نماییم.

جمهوری اسلامی ایران حملات نظامی بریتانیا به جزایر مالویناس و همکاری و هم‌دستی آمریکا با انگلیس در این زمینه را محکوم نموده و آن را از جمله نمونه‌های سیاست استعماری و سلطه‌جویانهٔ امپریالیسم در این بخش از جهان می‌داند.

ما [از] آرزوی مردم کره برای تجدید وحدت پشتیبانی کرده و حضور نیروهای آمریکایی در شبه جزیره کره را مانع تحقق این وحدت می‌دانیم و خواهان خروج عوامل امپریالیسم از منطقه می‌باشیم.

ما بار دیگر **حمایت کامل خود را از جنبش‌های آزادی‌بخش صحرا و مورو و دیگر جنبش‌های آزادی‌بخش و ضدامپریالیستی جهان اعلام می‌داریم.**

کیفیت رفع تشنج در جهان

آقای رئیس!

تشنج بین شرق و غرب و رقابت این ۲ جناح در بهره‌کشی از مردم و منابع جهان سوم عامل بسیاری از مشکلات کنونی جهان است. این تشنج می‌تواند از طریق خلع سلاح و توقف مسابقهٔ تسلیحاتی تقلیل یابد. ولی متأسفانه هیچ‌یک از ابرقدرت‌ها حاضر نیستند که خودخواهی خود را در این زمینه به خاطر منافع بشریت کنار بگذارند و به همین جهت **کوشش‌های بین‌المللی در جهت خلع سلاح و توقف مسابقهٔ تسلیحاتی به بن‌بست کشیده شده و کماکان بخش عمده‌ای از نیروهای انسانی و توان مالی کشورهای جهان در راه مسابقهٔ تسلیحاتی به کار گرفته می‌شود.**

در حالی که میلیون‌ها نفر از مردم جهان سوم با فقر و گرسنگی و بیماری‌های مختلف دست به گریبان هستند، سالانه ۶۵۰ میلیارد دلار صرف تسلیحاتی می‌گردد؛ که صرفاً برای نابودی بشریت تولید شده‌اند و این در حالی است که با صرف‌نظر کردن از تولید بمب‌افکن استراتژیک

و اختصاص هزینهٔ آن می‌توان بسیاری از بیماری‌ها را که سالانه میلیون‌ها قربانی از میان مردم محروم می‌گیرد، ریشه‌کن کرد.

دومین اجلاس ویژهٔ مجمع عمومی برای خلع سلاح که امیدهای زیادی به آن بسته شده بود، ناکام ماند و شکست این اجلاس را نه تنها باید زنگ خطری برای تأمین صلح و امنیت جهانی تلقی کرد، بلکه بایستی آن را فاجعه‌ای دانست که نشانگر وخامت اوضاع بین‌المللی و ناشی از خصلت تجاوزکارانه و مطامع توسعه‌طلبانهٔ ابرقدرت‌ها در جهت سلطه و نفوذ خود بر سایر کشورهای جهان می‌باشد.

به رغم موج ابراز مخالفتی که در بسیاری از کشورهای جهان علیه مسابقهٔ تسلیحاتی و آزمایشات هسته‌ای صورت گرفته است، ابرقدرت‌ها همچنان بر افزایش تولید و رقابت‌های تسلیحاتی ادامه داده و آخرین اجلاس کمیتهٔ خلع سلاح ژنو را به شکست کشانیده‌اند.

تشدید مسابقهٔ تسلیحاتی، ذخایر کشورهای جهان سوم را که می‌تواند در جهت تأمین رفاه و رفع محرومیت‌های این کشورها به کار رود، صرف تسلیحات کرده و منافع آن را عاید ابرقدرت‌ها می‌گرداند و در روابط بین‌المللی مقابله و رویارویی جای دوستی و تفاهم را می‌گیرد.

لذا بر کشورهای جهان سوم است که با توجه به تجربیات خود از انواع ترفندهای استعمار به اختلافاتی که ساختهٔ دست نیروهای استعماری است، ادامه داده، با به کار بردن منابع عالی جهت تأمین رفاه ملی نخستین گام را در جهت زوال این نظام غیرعادلانه که بر جهان سایه افکنده است، بردارند.

بحران اقتصادی حاکم بر جهان

آقای رئیس!

بحران شدیدی که هم‌اکنون بر اقتصاد جهان حکم‌فرما است، یک بحران عمیق و بنیادی است. کسری شدیدتر از پرداختی‌ها، تغییرات منفی مبادلات کالاها و خدمات، کمبود و فقدان سرمایه‌های مالی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت بنیادی و تولیدی، عدم دسترسی به بازارهای جهانی جهت عرضهٔ کالاها و خدمات، عدم انتقال علوم و فنون و بالاخره فرار مغزها نمونه‌های معدودی از مشکلاتی هستند که کشورهای جهان سوم در نتیجهٔ بحران اقتصادی جهان با آنها روبه‌رو می‌باشند.

ریشه و علت اصلی این بحران وجود نظام غیرعادلانهٔ سرمایه‌داری جهانی و سیاست‌های استثمارگرانه‌ای است که استکبار جهانی جهت حفظ منافع مادی و سلطهٔ سیاسی و فرهنگی خود

در سطح جهانی به مورد اجرا می‌گذارد.

تنگ‌نظری و کوتاه‌بینی اقتصادی و سیاسی کشورهای صنعتی غرب به ویژه امپریالیسم آمریکا به حدی رسیده است که با کمترین خواست‌های مشروع ممالک جهان سوم برای تغییر نظام ستم‌کارانهٔ اقتصاد جهان مخالفت و دشمنی می‌کند.

اتخاذ سیاست‌های منفی در مقابل شروع مذاکرات برای برقراری نظام جدید اقتصاد بین‌الملل و به وجود آوردن مشکلات گوناگون بر سر راه به نتیجه رسیدن گفتگوهای ایجاد نظام مالی برای انتقال علوم و فنون به کشورهای جهان سوم از طریق تعویق مذاکرات و تحت فشار گذاشتن ممالک صنعتی دیگر برای اخلال و به بن‌بست کشیدن گفتگوها از جمله اقداماتی است که علیه ممالک جهان سوم به کار گرفته است.

از سوی دیگر کشورهای صنعتی غرب به ویژه آمریکا با سوءاستفاده از موقعیت مسلط اقتصادی خود و با اتخاذ و اجرای سیاست‌های زورگویانه، به برقراری محدودیت‌ها و محاصرهٔ اقتصادی افزوده و همچنین با سیاست‌های حمایتی شدید تجاری علیه ممالک در حال توسعه می‌کوشند تا از پیشرفت‌های اقتصادی سیاسی و اجتماعی آنان ممانعت به عمل آورند.

آمریکا و ممالک صنعتی غرب همچنین از طریق کنترل سازمان‌های بین‌المللی، نظم صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و مخالفت با هر گونه تغییر اساسی عادلانه در مدیریت این سازمان‌ها همواره سعی کردند تا سیاست‌های پولی و مالی و اقتصادی که حافظ منافع آنهاست، بدون کوچک‌ترین توجهی به شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود در کشورهای در حال توسعه و نیازهای آنان، به این کشورها تحمیل نمایند.

کشورهای صنعتی غرب به ویژه امپریالیسم آمریکا می‌کوشند تا با استفاده از سیاست‌های نفاق‌افکنانه و مانور سیاسی و اقتصادی میان کشورهای جهان سوم جدایی انداخته و نظام استعمارگرانه و ظالمانهٔ کنونی اقتصاد جهانی را حفظ نماید.

کوشش در راه نابودی مذاکرات چندجانبه و اقدامات دسته‌جمعی ممالک جهان سوم نمونهٔ بارزی از اجرای این‌گونه روش‌های نفاق‌آمیز است.

آقای رئیس!

ما اعتقاد داریم تا زمانی که نگرش غیرانسانی و صرفاً مادی به روابط و نظام اقتصادی جهان و یا اقتصاد کشورها مسلط باشد و انسان‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها به ویژه در ممالک صنعتی غرب در محدودهٔ تنگ ارضای نیازهای مصرفی و مادی توقف نماید، بحران اقتصادی و سیاسی جهان نه تنها

بهبود نمی‌یابد، بلکه مرتباً شدت خواهد یافت و در کنار رشد سرطانی مصرف و اقتصادی ممالک صنعتی غرب شاهد فقر و درماندگی اقتصادی اکثریت مردم جهان خواهیم بود.

فقر و ضعف اقتصادی کشورهای جهان سوم با توسعهٔ بیمارگونهٔ ممالک صنعتی غرب و اسراف و تبذیر منابع اقتصادی در این ممالک رابطهٔ مستقیم دارد.

به این ترتیب ما معتقدیم که:

- تغییر در روابط و نظام کنونی اقتصاد جهان باید به صورت همه‌جانبه در زمینه‌های تولید، تجارت و مصرف باشد و اصالت انسان و مقام و منزلت آن در نظام جدید به طور عمده مد نظر قرار گیرد.

مذاکرات جهانی جهت تغییر نظام و روابط اقتصادی جهان

آقای رئیس!

ما در **سمینار مشورتی کشورهای جنوب در دهلی‌نو** اعلام کردیم که:

- **کشورهای جهان سوم باید جهت هماهنگ کردن سیاست‌های اقتصادی خود جبههٔ واحدی در مقابل کشورهای شمال تشکیل دهند.**

برای تحقق این هدف تأسیس یک دبیرخانهٔ دایمی جهت بررسی مشکلات و ارایهٔ راه حل‌های مناسب ضرورت فراوان دارد.

ما معتقدیم که تنها از طریق اتحاد و فشار دسته‌جمعی کشورهای محروم و عقب نگاه داشته شده از نظر اقتصادی است که می‌توان زمینهٔ مناسب را برای شروع مذاکرات جهانی جهت تغییر نظام و روابط اقتصادی جهان به طور همه‌جانبه و اساسی و به دور از فشار ابرقدرت‌ها فراهم آورد.

ما در این زمینه به اندازهٔ کافی صحبت کرده و شنیده‌ایم و اکنون زمان عمل فرا رسیده است.

آقای رئیس!

با توجه به نفوذ ابرقدرت‌ها در سازمان ملل متحد این سازمان به اهرمی برای اعمال فشار سیاسی در کشورهایی که علیه امپریالیسم شرق و غرب و صهیونیسم مبارزه می‌کنند، مبدل گشته است و این ماشین عظیم تنها هنگامی که منافع یکی از قدرت‌های بزرگ ایجاب می‌نماید، به کار می‌افتد و اگر برای رفع آن عجله نشود، جهان با هرج‌ومرج و آنارشیسم بین‌المللی فاصلهٔ چندانی نخواهد

داشت. نمونه‌های بسیاری از این نوع عملکرد را می‌توان ارایه داد.

در شهریور ۱۳۵۹ رژیم عراق به خاک ایران حمله کرد و هزاران نفر از مردم معصوم و غیر نظامی را به خاک و خون کشید و میلیون‌ها نفر ازهم‌میهنان ما را بی‌خانمان کرد و در طی ۲۴ ماه که بخشی از قلمرو ما را در اشغال داشت، شهرها را به ویرانه مبدل کرد. گویی طی این ۲سال ملل متحد به خواب فرو رفته بود و کسی به فکر استقرار صلح شرافتمندانه و عادلانه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و حفظ امنیت بین‌المللی به نحوی که در منشور پیش‌بینی شده است، نبود؛ ولی به محض آن که رزمندگان ما توانستند با فداکاری و ایثار و قربانی کردن هزاران نفر، دشمن متجاوز را از بخش اعظم خاک خود بیرون رانند و درصدد احقاق حقوق حقه و تضمین امنیت حدود و ثغور خود برآیند، گویی به یک‌باره برای ابرقدرت‌ها رسالت تحکیم و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی مطرح گردید و **معلوم نیست این ۲ سالی که از جنگ بین ایران و عراق می‌گذرد و مظالمی که بر ملت مظلوم ایران رفته است، این وجدان‌های آگاه و رسالت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کجا بود؟**

آیا غیر از این است که چون منافع ابرقدرت‌ها که با پول و اسلحه از رژیم عراق حمایت کرده‌اند، اینک در خطر افتاده و اعضای شورای امنیت به فکر صدور قطعنامه و دلسوزی برای صلح افتاده‌اند و اینک مادهٔ جدیدی در دستور کار مجمع عمومی به این اختصاص یافته است؟

اجازه بدهید نمونهٔ بهتری ارایه بدهم.

در ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲ یکی از تکان‌دهنده‌ترین جنایات تاریخ بشری در مقابل دیدگان جهان و سازمان ملل متحد در بیروت اتفاق افتاد و جنایتکاران اسرائیلی پس از فجایع چندماهه در جنوب لبنان و به رغم وعده‌های دروغین خود مبنی بر عدم اشغال غرب بیروت با هم‌دستی مزدوران فالانژیست به این منطقه یورش برده و صدها زن و مردم و کودک بی‌سلاح و بی‌دفاع فلسطینی و لبنانی را قتل‌عام نمودند. اگر سازمان ملل متحد و اعضای آن اعتقاد راسخ به رسالتی که در منشور برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پیش‌بینی شده داشتند، بایستی در قبال وجدان جریحه‌دارشدهٔ بین‌المللی هم که شده، اقدام قاطعی برای مجازات این جرثومهٔ فساد و ناامنی و جنگ‌طلب و متجاوز در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد به عمل آورند. شاید فراموش شده است که اساس ماده‌های ۴۱ و ۴۲ در منشور ملل متحد وجود دارند.

مگر نه این است که شرایط عضویت در این مجمع جهانی داشتن اعتقاد به صلح است؟ **مگر نه این است که بر طبق اساسنامهٔ مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ اسرائیل غیرصلح‌طلب شناخته شده است؟**

مادهٔ ۶ منشور ملل متحد مقدمات لازم برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل را فراهم نموده

است. پس چرا اسرائیل جنگ‌طلب همچنان در عضویت سازمان باقی است؟

اگر در این مورد و یا موارد مشابه اقدام مناسبی نشود، مفهوم عمل و حرکت دسته‌جمعی برای حفظ صلح و امنیت که در منشور پیش‌بینی شده است، تحقق نخواهد یافت.

و اگر اقدامات جدی برای رفع اثر زیان‌بار امتیاز غیرعادلانهٔ وتو صورت نگیرد، هیچ‌گاه آن اعتمادی که ملل محروم و ستم‌دیدهٔ جهان باید به این سازمان جهانی داشته باشند، ایجاد نخواهد شد و نقایصی که دبیرکل ملل متحد در گزارش سالانهٔ خود از آن شکوه کرده است، مرتفع نخواهد شد.

فراموش نباید کرد که امتیازات انحصاری ناشی از آن حاصل اوضاع و احوال خاص بعد از جنگ جهانی دوم است که بسیاری از شرایط آن روز در حال حاضر موجود نیست و جوّ بین‌المللی و ساخت سازمان ملل تغییر بسیاری کرده‌اند، و حتی با استناد به اصل (منابع و مقبول) در حقوق بین‌المللی نیز نمی‌توان پذیرای امتیازات یک‌جانبه و نابرابری که عملاً اثر مخرب خود را به ثبوت رسانده است، گردید.

به امید روزی که کشورهای عضو با واقع‌بینی و درک ضرورت این تحول اساسی به سازمان ملل متحد نقشی را که شایستهٔ آن است اعطا نمایند.

متشکرم آقای رئیس.

دیدارها و ملاقات‌های دکتر ولایتی در مقر سازمان ملل متحد

ملاقات با دبیرکل سازمان ملل متحد

به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد آقای پرز دکوئیار ملاقاتی بین وی و وزیر امور خارجهٔ کشورمان در دفتر دبیرکل این سازمان صورت گرفت.

در این ملاقات که ۳ ربع ساعت به طول انجامید، مسائل و مشکلات مختلف امروزهٔ جهان نظیر تهاجم وحشیانهٔ رژیم غاصب قدس به جنوب لبنان و قتل‌عام مردم بی‌دفاع اردوگاه‌های فلسطینی، مسألهٔ اشغال افغانستان و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تشنجات موجود در کامبوج مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از نیویورک در این دیدار دکتر ولایتی ضمن بیان نقطه‌نظرهای ایران، گفت:

- از ابتدای جنگ تحمیلی افراد و کسانی که از طرف سازمان‌های بین‌المللی خواستار توقف جنگ شده‌اند، به اصول و تحقق شرایط عادلانهٔ ما توجهی نداشته و تنها از ما که بخش

بزرگ و حساسی از کشور اسلامی‌مان در تصرف متجاوزین بوده و هنوز هم بخشی از آن در اشغال بیگانه است، می‌خواهند که به جنگ پایان دهیم و آتش‌بس کنیم.

این مطب به هیچ‌وجه نزد ملت و دولت ما قابل قبول نبوده و نخواهد بود.

بر اساس این گزارش دکتر ولایتی همچنین اضافه کرد:

– در هر راه‌حل پیشنهادی برای پایان جنگ حقوق تضییع‌شدهٔ ملت مسلمان ما باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد.

دکتر ولایتی اضافه کرد:

– ما از همان ابتدا گفتیم که نیروهای بعثی عراق باید بدون قید و شرط سرزمین ما را تخلیه نمایند و چون زیر بار نرفتند، ما آنها را مجبور به ترک خاکمان کردیم.

در پیرامون مسألهٔ افغانستان وزیر امور خارجهٔ کشورمان گفت:

– نیروهای اشغالگر می‌بایست خاک این کشور را ترک کنند تا به مردم مسلمان آن اجازه داده شود که سرنوشت خود را تعیین نمایند.

در این ملاقات آقای پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد مواضع جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مسائل بین‌المللی ستود.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۵ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **تجاوز عراق و اجبار به عقب‌نشینی در ۲ سال پس از شروع جنگ**

امضا: **نمایندهٔ ایران در سازمان ملل، سعید رجائی**

پاسخ نمایندهٔ ایران در سازمان ملل به اراجیف نمایندهٔ رژیم عراق

سعید رجائی:

اگر رژیم عراق حمله به ایران را آغاز نکرده بود،

اصلاً لازم نمی‌شد که امروز چنین متظاهرانه فریاد صلح‌طلبی آغاز کند

سرویس سیاسی جمهوری اسلامی:

سعدون حمادی وزیر خارجهٔ رژیم حاکم بر عراق در اجلاسیهٔ وزیران خارجهٔ کشورهای غیر متعهد که در تاریخ ۶۱/۷/۱۲ در مقر سازمان ملل تشکیل شده بود، طی نطقی ادعا کرد:

- صدام به خاطر حفظ وحدت جنبش حاضر به تغییر محل کنفرانس سران گردید.

وی سپس ضمن پرداختن به جنگ عراق و ایران گفت:

-عراق به درخواست کنفرانس اسلامی پاسخ مثبت داد و ضمن عقب‌نشینی یک‌طرفه، آمادگی کامل خود را برای قبول آتش‌بس و حل اختلافات از طریق مذاکرهٔ مسالمت‌آمیز اعلام کرده، ولی ایران حاضر به همکاری نبوده و متوالیاً به عراق حمله می‌کند.

آقای سعید رجائی نمایندهٔ ایران در سازمان ملل با استفاده از حق جواب، مطالبی در قبال اتهامات حمادی اظهار داشت. پس از سخنان آقای رجائی، نمایندهٔ عراق وقت جواب گرفت و گفت

عراق هیچ ادعای ارضی و قصد تصرف سرزمین‌های ایران را ندارد، ایران حاضر به قبول آتش‌بس نگردیده، لکن عراق به طور یک‌طرفه به درخواست کنفرانس اسلامی عقب‌نشینی کرده است.

نمایندهٔ ایران مجدداً در برابر این ادعا از حق پاسخ استفاده کرده و بیاناتی به این شرح ایراد داشت.

بسم الله الرحمن الرحیم

آقای رئیس!

نخست می‌خواهم که سپاس نمایندگی خود را به شما و رئیس جنبش که کمک‌ها و خدمات بسیار باارزشی به عدم تعهد کرده‌اید، ابراز دارم.

آقای رئیس!

پاسخ به داعیه‌ها و اتهامات عراق را با این آیهٔ کریمهٔ قرآن شروع می‌کنم.

خداوند می‌فرماید:

لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ[1]

آقای رئیس!

اختلاف بین گفتار و کردار نکتهٔ اصلی این آیهٔ کریمه است. **اسلام تفاوت گفتار با کردار را سخت نکوهش کرده** و متأسفانه همان تفاوت است که در اظهارات نمایندهٔ عراق کاملاً مشهود است.

آقای رئیس!

توسل به زور در موازین بین‌المللی در تمام نظام‌های اخلاقی و مذهبی محکوم است. اگر این اصل مورد قبول نمایندهٔ عراق است، چرا عراق به کشور ما حمله کرده؟

مهم نیست که عراق چه بهانه‌ها و دلایلی برای کار خود داشت. مهم این است که هر گونه اختلاف و بهانه‌ای داشته، حملهٔ نظامی به جمهوری اسلامی ایران را ابداً توجیه نمی‌کند.

عراق چرا به اشغال غیرقانونی قسمت مهمی از وطن اسلامی ما برای ۲ سال ادامه داد؟

این لحن صلح‌طلبانه و منافقانه‌ای که امروز در این مجمع به گوش می‌رسد، ۲ سال پیش و در خلال این ۲ سال کجا بوده؟ آیا وقتی که از زمین و دریا و هوا به وطن ما حمله کردند، این سخنان نرم را فراموش کرده بودند؟

ما در ابتدای جنگ گفتیم که تنها شرط ما برای مذاکرهٔ مسالمت‌آمیز، عقب‌نشینی کامل

۱- سورهٔ صف، آیات ۲ و ۳

چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

نیروهای عراق به مواضع قبل از جنگ است.

چرا عراق نپذیرفت؟

بعد اعلام کردیم که رژیم عراق مسئول تمام خرابی‌ها و کشتارها و جنایات می‌باشد.

عراق به تخریب و کشتار خود هرچه بیشتر ادامه داد. بارش سنگین‌تر شد. **شرایط ما برای صلح از آغاز جنگ تا به امروز یکنواخت و عادلانه بوده**، ما گفتیم چون توسل به زور محکوم و غلط است، بنابراین **هر گونه تغییری که بر اساس تهاجم عراق در منطقه به وجود آمده، باید به حالت قبل از جنگ برگردد.**

یعنی باید تمام خسارت‌های ما جبران شود.

تمام عراقی‌های رانده شده به سرمنزل خود برگردند و تمام اراضی اشغالی ما نیز باید عیناً به حالت قبل از جنگ، به ما بازگردد.

یعنی ما فقط به دلیل غلط بودن، توسل به زور، بازگشت به حالت قبل از جنگ را شرط کرده بودیم. این شرایط همچنان معتبر مانده و هرگز هم پذیرفته نشده.

عراق می‌گوید که ما حمله کرده‌ایم و حمله می‌کنیم؛ کاملاً درست است. مسلم است که ما ۲۰ شهر و ۱۲۰۰ دهکده را با تعارف پس نگرفتیم. ما ۲ سال است حمله می‌کنیم و **از این پس هم تا گرفتن آخرین وجب از سرزمینمان به حملات خود ادامه خواهیم داد.**

دفاع حق قانونی و شرعی ما است.

ما افتخار می‌کنیم که اعلام می‌کنیم در حملهٔ اخیر ۳ تپهٔ بسیار مهم استراتژیکی از سرزمینمان را پس از ۲ سال پس گرفتیم. این تپه‌ها علاوه بر اعتبار اراضی، محل آتش نیروهای عراقی بر اماکن غیرنظامی مجاور آنها بود.

ما خوشحالیم که خواهران و برادران ساکن این منطقه را از شر گلوله‌های وحشیانهٔ عراقی نجات دادیم و **بقیهٔ حقوقمان را اگر به صلح نشده، به زور خواهیم گرفت.**

اطمینان داریم که دیگر کشورها هم اگر خدای ناکرده مورد تهاجم قرار گیرند، حتماً با همین شجاعت از حریم خود دفاع می‌کنند.

تکرار می‌کنم که به تمام هدف‌های عملیات اخیر با موفقیت کامل دست یافته‌ایم و این یک عمل دفاعی و مشروع و قابل احترام بوده. البته لجاجت و سرسختی عراقی‌ها نه تنها در این مجمع بلکه در میدان جنـگ هم در ۲ سال گذشته ثابت شده. می‌دانید که:

همهٔ مهاجمین لجوج،

زورگو و غیرمنطقی هستند.

اگر عراق حمله به ایران را آغاز نکرده بود، اصلاً لازم نمی‌شد که امروز این‌چنین متظاهرانه فریاد صلح‌طلبی آغاز کند.

اگر صلح خوب است چرا از اول فکرش را نکردید؟

اما این‌که ما چرا قطعنامه‌های شورای امنیت را قبول نداریم، هم طی یادداشتی رسمی و هم در ۲ مصاحبهٔ مطبوعاتی که یکی از آنها دیروز برگزار شد، به تفصیل اعلام شد.

نکتهٔ کوچک و خیلی مهمی که در پایان سخنم باید یادآوری کنم، این است که ملاحظه کردید نمایندهٔ عراق حتی از آمریکا هم انتقاد کرد. می‌دانید که در شورای امنیت دیروز نمایندهٔ آمریکا در مذاکرات محرمانه خیلی سخاوتمندانه از عراق حمایت کرده، به علاوه از کمک‌های گوناگون نظامی و غیرنظامی آمریکا به عراق هم که همه خبر داریم؛ با همهٔ این کمک‌های آمریکا کاملاً ناسپاسی است که نمایندهٔ عراق از آمریکا هم انتقاد کند. بهتر است که این کار را ایشان به دیگران واگذارند.

متشکریم.

آقای رئیس!

عراق می‌گوید قصد تصرف اراضی ایران را ندارد. خیلی خوشحالم که به این نتیجه رسیده‌اند. تجربیات گذشته به عراقی‌ها آموخته است که نباید رؤیای ادعای اراضی و قصد تصرف سرزمین‌های ما را داشته باشند. بهتر است که به این درس خیلی متعهد باشند. چون می‌دانند که **تصرف اراضی ایران کار خیلی خطرناکی است** و اصلاً به صلاح آنها نیست که غیر از این فکر کنند که الآن اظهار داشتند.

در مورد آتش‌بس درست می‌گویند. **ما هرگز حاضر نبودیم و نیستیم که با دشمنی در خانهٔ خودمان سر میز مذاکره بنشینیم.** آتش‌بس را قبول نکردیم و از اول شرط کردیم که هر گونه مذاکره پس از عقب‌نشینی کامل از تمام اراضی ما است. اما عقب‌نشینی یک طرفه‌ای که فرمودند چیز تازه‌ای نیست. عراق قریب ۲ سال است که مرتب عقب‌نشینی تاکتیکی و یک‌طرفه می‌کند. ما اسم این کار را عقب‌نشینی نمی‌گذاریم. کلمهٔ مناسب دیگری را باید به کار برد که همهٔ شما می‌دانید، چیست.

اتفاقاً همین تپه‌هایی که اخیراً آزاد کردیم، به ادعای عراق قبلاً از آنها عقب‌نشینی کرده، اما ملاحظه می‌فرمایید که چگونه دوباره مجبور شد عقب‌نشینی کند.

متشکرم.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۶ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اهمیت مسئولیت انسانی**

امضا: **نمایندهٔ امام در سپاه پاسداران، حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی**

سرویس خبری:

صبح دیروز **حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی نمایندهٔ امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران** در مراسم صبحگاه پرسنل شهربانی حضور یافت و برای آنان سخنرانی کرد.

نمایندهٔ امام در سپاه پاسداران در سخنان خود پیرامون اهمیت مسئولیتی که به انسان‌ها واگذار می‌شود، مطالب مبسوطی ایراد کرد و گفت:

- **کسانی که در برابر مردم مسئولیت خود را خوب انجام می‌دهند، نزد خداوند روسفید هستند.**

وی همچنین از زحمات پلیس در بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تقدیر نمود.

حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی پس از پایان مراسم صبحگاه طی جلسه‌ای با **حجت‌الاسلام موحدی کرمانی نمایندهٔ امام در شهربانی و سرهنگ سید ابراهیم حجازی رئیس شهربانی** و دیگر مسئولین این سازمان پیرامون مسائل مختلف به گفتگو نشست.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۷ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **دستاوردهای عملیات مسلم‌بن عقیل**

امضا: **فرماندهٔ کل سپاه پاسداران در مراسم دعای کمیل در کرمان**

فرماندهٔ سپاه پاسداران در مراسم دعای کمیل در کرمان:

۱۵۰۰۰ رزمندهٔ اسلام بی‌سابقه‌ترین حماسه را در عملیات مسلم‌بن عقیل آفریدند

کرمان، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

آقای محسن رضائی فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به منظور بازدید از پایگاه‌های سپاه و بسیج و هماهنگی بیشتر جهت آماده‌سازی نیروهای رزمنده و بررسی و رفع مسائل و مشکلات به استان کرمان سفر کرده است، دوشنبهٔ گذشته در مراسم دعای توسل در محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمان شرکت کرد و طی سخنانی به تشریح ویژگی‌های انقلاب اسلامی پرداخت و در خصوص جنگ تحمیلی، توطئه‌های ابرقدرت‌ها، امدادهای غیبی، جزییات عملیات فتح‌المبین و مسلم‌بن عقیل و علل مسافرتش به منطقهٔ جنوب شرقی ایران مطالبی اظهار داشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی آقای محسن رضائی در قسمتی از سخنانش گفت:

- با توجه به این‌که در عملیات مسلم‌بن عقیل حدود ۵۰ تا ۶۰ هواپیمای جنگنده و ۳ تیپ از مزدوران عراقی شرکت داشتند، در شب اول عملیات رزمندگان پرتوان ما به کمک امدادهای غیبی حدود ۱۰ کیلومتر راه را در کوهستان‌های صعب‌العبور بدون جاده طی نمودند و پس از عبور از ۵۰ الی ۶۰ ردیف میادین مین خود را به دشمن ناتوان رساندند و شکستی بزرگ بر او

وارد آوردند و تنها به حول قوهٔ ایزد متعال در این شب از نیروی ۱۵ هزار نفری خود تنها ۲۲ نفر شهید دادیم که این حماسه در تمام طول عملیات گذشته بی‌سابقه بوده است.

آقای محسن رضائی افزود:

– **ما در سال سوم جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید عملیات رزمی ما شیوهٔ جدیدتر و کامل‌تری از گذشته داشته باشد** و به همین دلیل عملیات مسلم‌بن عقیل را با تاکتیک‌های جدیدتری آغاز نمودیم که بسیار ثمربخش بود و اثرات آن‌چنان بود که ملک حسین و صدام و سایر سران جهت گرفتن کمک به کشورهای اروپایی و آمریکایی و مرتجع عرب سرازیر شدند تا چاره‌ای بیندیشند.

وی گفت:

– ما در این عملیات توانستیم با گرفتن تپه‌های مشرف بر شهر مندلی، فاصلهٔ خود را تا بغداد به ۱۰۰ کیلومتر برسانیم. **تنها ۴۰ کیلومتر پیشروی لازم است تا بتوانیم هر نقطه‌ای را که از بغداد بخواهیم، زیر آتش توپخانهٔ پرتوان خود قرار دهیم** و عراقی‌ها برای نگه‌داری این مسافت حدود ۴ لشگر نیرو احتیاج دارند و در این رابطه با توجه به فرار ارتشیان و اضمحلال نیروهای عراقی، صدام نمی‌داند باید مواظب شهر بصره شود و یا این‌که نیروهای خود را در این منطقه مستقر گرداند و **ما ان‌شاءالله در موقعیت‌های مناسب مسألهٔ جنگ را به نفع مسلمین خاتمه می‌دهیم.**

بر اساس همین گزارش فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیروز پس از بازدید از پایگاه‌های سپاه پاسداران و دیدار و گفتگو با برادران پاسدار، کرمان را به مقصد تهران ترک گفت.

وی هنگام عزیمت به تهران طی گفتگویی هدف از مسافرت خود به منطقهٔ۶ سپاه پاسداران را دیدار با برادران سپاه و بسیج و تماس با مردم به منظور بسیج بیشتر در امر اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ و بررسی اوضاع منطقه و سواحل جنوبی کشور بیان داشت و گفت:

– الحمدلله این سفر بسیار پربرکت بود و ما به این نتیجه رسیدیم که خودمان هم کمتر می‌دانیم که چه ذخایر و نیروها و ملت قوی و مستحکمی در صحنهٔ عمل داریم.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۸ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بهره‌برداری از مجتمع مسکونی شهید کشوری در ایلام تا ۲ ماه دیگر**

امضا: **سرپرست بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی استان ایلام، برادر طاهری**

سرپرست بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی استان ایلام:

مجتمع مسکونی شهید کشوری تا ۲ ماه دیگر مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

کارخانهٔ تولیدی در و پنجره‌سازی، آهنگری و تانکرسازی بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی استان ایلام از ابتدای سال جاری و از بدو تأسیس تا کنون بیش از ۴۵ میلیون ریال تولید داشته است.

برادر طاهری سرپرست بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی استان ایلام در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ضمن اعلام این مطلب گفت:

- تولیدات کارخانهٔ مذکور علاوه بر تأمین نیازهای مجتمع‌های مسکونی بنیاد در بازسازی مناطق بمباران شده و مناطق جنگی استان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی در مورد بازسازی مناطق بمباران شدهٔ استان ایلام یادآور شد:

- طی ۳ ماههٔ اخیر بیش از ۱۵۰ میلیون ریال به افرادی که خانه‌های آنان توسط هواپیماهای مهاجم عراق بمباران شده پرداخت گردیده است. همچنین ۱ واحد تولیدی گچ ۱۰۰ تنی در بخش زرین‌آباد جهت بازسازی دهلران احداث و ۲ کوره گچ، ۱ کوره آهک نیز برای بازسازی شهر

مهران در منطقهٔ چالاب در دست احداث می‌باشد. ۱ کارخانهٔ گچ نیز در بخش ایوان به زودی احداث می‌گردد که با شروع به تولید این کارخانه، علاوه بر رفع نیاز گچ مصرفی استان، مقداری از تولید آن به استان باختران صادر خواهد شد.

سرپرست بنیاد امور مهاجرین سپس در خصوص اقدامات رفاهی این بنیاد متذکر شد:

– در این زمینه مجتمع‌های مسکونی و اردوگاه‌ها و بخش‌های استان در دست احداث است، به طوری که مجتمع مسکونی اردوگاه شهید کشوری با ۲۰ هزار مترمربع زیربنا شامل درمانگاه، مسجد، کتابخانه، کارگاه و مدرسه ظرف ۲ ماه آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

همچنین عملیات ساختمانی شهرک توحید در بخش ایوان با ۱۲۰ واحد مسکونی و ۱ باب نانوایی و درمانگاه حدود ۲۰ درصد پیشرفت کار داشته است.

وی آنگاه احداث ۲۰ واحد مسکن در بخش گلان مهران، ۲ باب حمام ۱۶ دوشهٔ خصوصی و عمومی در ایوان و تأسیس ۴ کارگاه قالی‌بافی، جاجیم‌بافی، گلیم‌بافی و خیاطی در سطح اردوگاه‌ها را از دیگر اقدامات رفاهی بنیاد ذکر کرد و افزود:

– با احداث کارگاه‌ها و مجتمع‌های مسکونی بیش از ۲۰۰۰ تن از مهاجرین به کار گمارده شده‌اند.

آقای طاهری در پایان فعالیت‌های کمیتهٔ فرهنگی بنیاد امور مهاجرین ایلام را برشمرد و گفت:

– از سوی این کمیته طی ۶ ماههٔ اخیر حدود ۱۶ میلیون ریال هزینهٔ ازدواج به بیش از ۱۵۰ نفر از مهاجرین پرداخت گردیده است.

همچنین به منظور ارتقای سطح بینش سیاسی فرهنگی و ایدئولوژی مهاجرین، علاوه بر تشکیل کلاس‌های فرهنگ اسلامی و تفسیر قرآن و ایجاد کتابخانه در اردوگاه‌ها، تعداد زیادی از خواهران و برادران در تابستان گذشته به اردوگاه‌های اصفهان، مشهد و تهران اعزام شده‌اند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۲۹ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **جنگ، امدادهای غیبی و هدف‌های آیندهٔ جنگ**

امضا: **فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضائی**

فرماندهٔ سپاه پاسداران افشا کرد:

توطئهٔ آمریکا برای حفر ۱ کانال در کشور عمان به جای تنگهٔ هرمز و اشغال جزایر ایران

کرمان:

برادر محسن رضائی فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در ادامهٔ بازدیدهای خود از **پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقهٔ ۶ سپاه**، پس از بازدید از استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان، وارد کرمان شد.

وی پس از بازدید از پایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمان و گفتگو با برادران پاسدار، در مراسم دعای توسل که در همین محل با حضور خانواده‌های شهدا، جانبازان انقلاب، جمعی از روحانیون، برادران پاسدار و جمع کثیری از مردم متعهد کرمان برگزار شد، شرکت کرد.

وی پس از برگزاری دعای توسل، سخنانی در زمینهٔ **مسألهٔ جنگ، امدادهای غیبی و هدف‌های آیندهٔ جنگ** ایراد کرد.

برادر رضائی در قسمتی از سخنانش در زمینهٔ عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل و اثرات آن در سرنوشت جنگ گفت:

- ما در سال سوم جنگ به این نتیجه رسیدیم که عملیات را باید با شیوه‌های جدید و

شکل کامل‌تری پیاده کنیم و به همین دلیل، سال سوم جنگ را با تاکتیک‌های جدید شروع کردیم، که عملیات غرب کشور ثمرهٔ آن بود و به رغم تعداد کم اسرا، اثرات این عملیات حتی از عملیات «**فتح‌المبین**» هم بیشتر بود.

وحشت سران مرتجع منطقه

وی آنگاه با اشاره به ترس و وحشتی که این عملیات در سران مرتجع منطقه به وجود آورده و باعث رفت‌وآمدهای این سران به کشورهای اروپایی و آمریکا برای جلب حمایت آنان از نیروهای رو به زوال صدام شده است، گفت:

– **مسافرت‌های پی‌درپی دوستداران صدام به نقاط مختلف جهان، به دلیل ۲ موفقیت بزرگی بود که ما در این عملیات کسب کردیم.**

اولاً: ما با گرفتن تپه‌های مشرف بر مندلی، فاصله‌مان را از ۱۲۰۰ کیلومتری با بغداد به ۱۰۰ کیلومتر و هم‌اکنون به ۹۰ کیلومتر رساندیم و کافی است که ۴۰ کیلومتر دیگر پیش برویم تا هر نقطه از بغداد را بخواهیم به امید خدا زیر آتش بگیریم.

موفقیت دوم این بود که دشمن با نیروی کم، در حد۳تیپ، ارتفاعات مندلی را حفظ می‌کرد و این ارتفاعات مثل یک دیوار محکم جلو ورود نیروهای ما را به سوی بغداد می‌گرفت.

بعد از آن‌که این ارتفاعات به دست ما افتاد، دشمن در یک دشت بسیار بازی گسترش یافت و جبههٔ ۲۰ کیلومتری کوهستانی به جبههٔ ۵۰ کیلومتری صحرا، بیابان و دشت تبدیل شد، که حداقل برای حفظ این ۵۰ کیلومتر، ۴ لشگر لازم است. و ما تصمیم داریم با خونسردی کامل این عملیات را با شیوه‌های جدید چند بار دیگر برای صدام تکرار کنیم و ان‌شاءالله در موقعیت‌های مناسب مسألهٔ جنگ را به نفع اسلام و مسلمین به پیروزی برسانیم. و این خط فعلی جنگ ما و دفاع ماست.

توطئهٔ تازهٔ آمریکا

وی در مورد علت مسافرت خود به استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان گفت:

– آمریکا اخیراً دست به توطئهٔ تازه‌ای زده و زیر تنگهٔ هرمز در داخل کشور عمان شروع به حفر یک کانال کرده است، تا به جای تنگهٔ هرمز، از این کانال استفاده کند.

اینها قبلاً می‌خواستند در موقعی که ما وارد خاک عراق شدیم، حمله‌ای کرده و حداقل جزایر

ما را بگیرند و بعد با توجه به بسته شدن تنگهٔ هرمز و قطع صدور نفت به اروپا و آمریکا دراثر این جنگ، از این کار صرف‌نظر کردند. اما الآن دقیقاً خودشان را آماده می‌کنند که در جنوب کشور ما دست به یک سری تحریکات بزنند و ما ان‌شاءالله در موقع مناسبی رسماً **به دنیا اعلام خواهیم کرد که این آمریکا است که درصدد تجاوز است و می‌خواهد نگذارد ملل مستضعف و مظلوم به حق قانونی خود برسند.**

نقشهٔ اشغال جزایر ایران

برادر رضائی در ادامهٔ سخنانش با اشاره به توطئه‌های ابرقدرت‌ها و نقشهٔ آمریکا برای اشغال جزایر ایران، وظیفهٔ خطیری را که در این مرحلهٔ حساس از انقلاب و جنگ بر دوش همهٔ نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی است، یادآور شد و گفت:

– **آمریکا، اسرائیل و روسیه تا زمانی که ما بخواهیم بر دینمان استوار باشیم و آنها قدرت و توانایی داشته باشند، علیه ما حرکت خواهند کرد،** و لازمهٔ مقابله با آنها این است که آمادگی کامل داشته باشیم و من امیدوارم که برادران ما در استان کرمان که یکی از مراکز مهم نیروخیز است، این رسالت بزرگ را در جنوب بپذیرند و هرچه زودتر خود را برای چنین مقابله‌ای آماده کنند تا این منطقه را در صورت دیوانگی آمریکا، به گورستان مزدورانش تبدیل کنیم.[۱]

۱– روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۰ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **نصیحت به امیران شیخ‌نشین خلیج فارس**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

هفته‌ای که گذشت

بسم الله الرحمن الرحیم

در روزهای گذشته، فعالیت‌های تبلیغاتی – سیاسی فراوانی در سطح جهان جریان داشت که عمدهٔ آنها به خاورمیانه مربوط می‌شوند. در همین حال، **چکمه‌پوشان صهیونیست با همکاری نیروهای مداخله‌گر چندملیتی به فعالیت‌های نظامی خود برای هر چه بیشتر تحت فشار قرار دادن مسلمانان لبنان ادامه دادند تا راه را از هر نظر برای حاکمیت رئیس‌جمهور تحمیلی لبنان و دارودستهٔ سرکوبگر او و نهایتاً حفظ منافع شیطان بزرگ و فرزند نامشروعش رژیم اشغالگر قدس هموار سازند.**

اکنون در آستانهٔ پایان گرفتن این هفته بد نیست مروری بر اخبار مربوط به این فعالیت‌های نظامی – سیاسی – تبلیغاتی داشته باشیم و سپس اهداف و نتایج آن را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- بوق‌های تبلیغاتی وابسته به صهیونیسم و استکبار جهانی در روزهای گذشته بیشترین تلاش را برای انکار پیروزی مهم رزمندگان اسلام در غرب کشور به عمل آوردند و حتی رسماً منکر تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران شدند. این تلاش‌های مذبوحانه چیز بی‌سابقه‌ای نیست؛ ولی این‌بار حجم تلاش‌ها بیشتر

است و وقاحت بوق‌های دروغ‌پراکن غربی و مزدوران آنها در منطقه به حدی است که به روشنی نشان می‌دهد اهداف خاصی در پشت این پرده‌های ضخیم دروغ که متصدیان استکبار خبری می‌خواهند با تبلیغاتشان در برابر چشمان مردم جهان بیاویزند، وجود دارد.

۲- در همین حال، شورای به اصطلاح امنیت سازمان ملل متحد به ریاست نمایندهٔ شاه حسین اردنی طی یک اجلاس فوق‌العاده و صدور قطعنامهٔ ازپیش‌ساخته‌ای که مانند همهٔ قطعنامه‌های این شورا در جهت تأمین منافع جهان‌خواران بود، بار دیگر از جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق خواست تا با استقرار **نیروهای سازمان ملل که در واقع همان نیروهای مداخله‌گر چندملیتی** هستند، در مرزهای ۲ کشور موافقت کنند.

این قطعنامه همان‌طور که انتظار می‌رفت، مورد استقبال گرم رژیم کافر بعث عراق و هم‌دستانش در منطقه و همچنین حامیان بزرگ جهانی آن از جمله شیاطین شرق و غرب، شوروی و آمریکا قرار گرفت؛ ولی دولت جمهوری اسلامی ایران آن را تلاشی در جهت حفظ صدام خواند و قاطعانه رد کرد.

۳- به دنبال صدور قطعنامهٔ شورای امنیت دربارهٔ جنگ تحمیلی، شورای به اصطلاح همکاری‌های خلیج فارس در ریاض کار خود را آغاز کرد و پس از ۲ روز مذاکرات محرمانه اعلام کرد که طرح به اصطلاح امنیت منطقه به مرحلهٔ جدیدی رسیده است و اعضای شورا توافق دارند که ثبات منطقه صرفاً از طریق یک استراتژی مشترک امکان‌پذیر است.

شاید نیازی به توضیح نباشد که انگیزهٔ تشکیل شورای به اصطلاح همکاری‌های خلیج [فارس]، مقابله با رشد فزایندهٔ نفوذ انقلاب اسلامی در میان ملت‌های مسلمان منطقه بوده است و بدین‌ترتیب، روشن است که منظور از تأمین امنیت منطقه چیست.

۴- در این هفته، **فشار ارتش رژیم اشغالگر قدس با همکاری نیروهای مداخله‌گر چندملیتی بر مسلمانان لبنان جهت خلع سلاح آنان و تثبیت حاکمیت تحمیلی آل جمایل** روزافزون بوده است. این فشارها که هنوز همچنان ادامه دارد، به حدی است که هیچ‌یک از مسلمانان لبنان چه در بیروت و چه در مناطق دیگر تحت کنترل صهیونیست‌ها هیچ‌گونه تأمینی ندارند و در این عملیات تجاوزکارانه تا کنون عدهٔ زیادی از مسلمانان بازداشت شده و گروهی از آنان نیز به قتل رسیده‌اند. توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که **در کنار خلع سلاح مسلمانان لبنان، فالانژها به سرعت و بیش از گذشته مسلح می‌شوند.**

۵- همزمان با افزایش فشار نظامیان صهیونیست بر مردم مسلمان لبنان، یاسر عرفات با شاه حسین اردنی برای تعمیم هر چه بیشتر سلطهٔ پادشاهی اردن بر فلسطینی‌ها و فراهم کردن

زمینه جهت نابودی کامل آرمان فلسطین به مذاکره نشست و با او به توافق‌های ننگینی رسید.

این مذاکرات هر چند با مخالفت شدید دولت سوریه روبه‌رو شد و **وزیر اطلاعات سوریه اعلام کرد که عرفات حق ندارد نسبت به سرنوشت فلسطینی‌ها تصمیم بگیرد، ولی چهرهٔ کریه شاه حسین اردنی که در سپتامبر سیاه ۱۹۷۰ بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از فلسطینی‌ها را قتل‌عام کرده بود،** آن‌چنان برای عرفات جذابیت داشت که او در حالی‌که از دیدار خود با قاتل فلسطینی‌ها کاملاً راضی و خوشحال بود، این دیدار را برای چند روز دیگر تمدید کرد.

دانستنی است که **به موجب توافق‌های حاصله میان عرفات و شاه اردن قرار است شاه حسین اردنی سخنگوی فلسطینی‌ها در مذاکرات صلح با رژیم اشغالگر قدس باشد!**

با اندک تأمل در این خبرها، می‌توان به روشنی دریافت که علت اصلی این همه تلاش که در حال حاضر در سطح جهان در مورد خاورمیانه جریان دارد، صرفاً وحشتی است که شیطان بزرگ آمریکا و شیطان‌زاده‌های منطقه از نفوذ و گسترش فوق‌العادهٔ انقلاب اسلامی در سطح منطقه دارند، به خصوص که این وحشت پس از عملیات پیروزمندانهٔ مسلم‌بن عقیل بیش از پیش شده و به آنها ثابت کرده است که جمهوری اسلامی ایران هر وقت اراده کند، می‌تواند به خواست خدا بغداد را نیز به تصرف خود درآورد و عفلقی‌های بغداد را به مجازات جنایات تاریخی‌شان برساند.

این چیزی است که هم شیطان بزرگ و هم اقمارش در منطقه از آن وحشت دارند. زیرا سرنگونی رژیم بعثی بغداد بدون شک مقدمه‌ای خواهد بود برای سرنگونی دیگر نوکران استکبار جهانی در منطقه.

وحشت این رژیم‌های وابسته و اربابشان شیطان بزرگ از پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات مسلم‌بن عقیل و تلاش وسیع‌شان برای انکار این پیروزی نیز دقیقاً به خاطر آن است که اکنون برای آنها روشن شده است که **ابقای صدام و تحکیم تاج‌وتخت‌های شاهان منطقه که همگی در خدمت اهداف شوم شیطان بزرگ است،** امری محال می‌باشد.

نکتهٔ قابل توجه این است که همهٔ این تلاش‌ها از جمله تلاش برای حفظ صدام و دیگر حکام وابستهٔ منطقه صرفاً به خاطر مهیا ساختن زمینه جهت توسعه‌طلبی‌های صهیونیست‌های بی‌حیثیت در منطقه و نهایتاً حفظ منافع مشترک جهان‌خواران و در رأس آنها شیطان بزرگ صورت می‌گیرد. آن‌چه مایهٔ تعجب است، این است که حکام مزدور و وابستهٔ منطقه علاوه بر آن‌که از ثروت‌ها و موهبت‌های خدادادی و حیثیت و شرف ملت‌های خود مایه می‌گذارند تا منافع جهان‌خواران را حفظ کنند و راه را برای جنایات صهیونیست‌ها هموارتر نمایند، حتی

به آیندهٔ خودشان هم فکر نمی‌کنند. آنها در شرایطی که رژیم اشغالگر قدس آن همه کشتار و قتل‌عام در لبنان به راه انداخته و در شرایطی که لبنان از طریق دسیسه‌های صهیونیست‌ها و آمریکا در حال تبدیل شدن به اسرائیل دوم است و قطعاً هر لحظه خطر این غدهٔ سرطانی نه تنها برای ملت‌ها بلکه حتی برای خود حکام منطقه هم افزایش می‌یابد، باز هم به کمک صهیونیست‌ها می‌شتابند و به جای آن‌که تدبیری جهت مقابله با این دسیسه‌های خطرناک بیندیشند، **در ریاض گرد هم می‌آیند تا بیندیشند که با جمهوری اسلامی که دشمن صهیونیست‌ها و دوست ملت‌های منطقه و ناصح دولت‌های آنان است، چگونه مقابله کنند!**

آیا سرنوشت حکام کویت که در اثر حمایت بی‌دریغ از عفلقی‌های بغداد و همکاری با شیطان بزرگ برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی، اکنون دچار افلاس و دیوانگی شده و به خودکشی پناه آورده‌ند، نباید برای دیگر حکام منطقه عبرت باشد؟

آیا این‌که به رغم همه گونه کمک‌های نظامی، تبلیغاتی، سیاسی و مالی حکام وابستهٔ منطقه و اربابان آنها به عفلقی‌های حاکم بر بغداد، باز هم جمهوری اسلامی ایران توانست مشت محکمی بر پوزهٔ صدامیان بزند، کافی نیست که بار دیگر این مزدوران آمریکا و جوجه شیطان‌های زبون به خیمه شب‌بازی نپردازند؟

اخبار دقیقی در دست است که تعدادی از امیران جزایر خلیج فارس به هیچ‌وجه مایل نیستند در خیمه شب‌بازی‌هایی که به دستور شیطان بزرگ و به کارگردانی آل سعود برپا می‌شود شرکت داشته باشند، ولی فشارها و تهدیدهای آمریکا این همکاری ناخواسته را بر آنها تحمیل کرد. در عین‌حال، **پیشنهاد ما این است که امیران خلیج فارس از سرنوشت شومی که گریبانگیر حکام کویت شده عبرت بگیرند** و اکنون که می‌دانند دخالت آنها در این شیطنت‌ها حاصلی جز سقوط خود آنها ندارد، از بازی کردن با آتش خودداری نمایند و بدانند که **آمریکا از آنها چیزی جز نوکری نمی‌خواهد و برای آنها چیزی جز ذلت نمی‌آورد.** مضافاً به این‌که **رسم جهان‌خواران از جمله شیطان بزرگ این است که از نوکران خود تا وقتی حمایت می‌کنند که بدانند او می‌تواند منافع آنها را تأمین کند** و هنگامی که این نوکران دیگر قدرتی برای خدمت به اربابان خود نداشته باشند، آنها را به حال خود رها می‌کنند؛ همان‌گونه که با شاه معدوم ایران کردند.

بنابراین، به سود حکام منطقه است که دست از همکاری با شیطان بزرگ بردارند و خود را بیش از این مستحق عقاب الهی و انتقام دست نیرومند جمهوری اسلامی ایران ننمایند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۱ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اوضاع نبرد در جبهه‌های کردستان**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

بنابر گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**، کفرستیزان لشگر اسلام این پیام‌آوران استقلال و آزادی در سراسر جهان همچون دیگر جبهه‌های نبرد حق علیه باطل کردستان نیز ادامه داشته و در ۲ شب و روز گذشته بر اثر آتش پرحجم و دقیق رزمندگان غیور اسلام بر روی مواضع کفار صدامی در منطقهٔ پنجوین، کلدون‌چی ضمن خاموش نمودن آتش دشمن مزدور تعدادی از سنگرهای انفرادی- اجتماعی آنها را منهدم کردند.

همچنین ۱۵ نفر از مزدوران و فریب‌خوردگان ارتش بعث عراق کشته و تعداد زیادی زخمی شدند.

بر اساس این گزارش در سراسر جبهه‌های مذکور از هر گونه فعالیت و جابه‌جایی دشمن زبون جلوگیری به عمل آمد.

ضمناً بر اثر تیراندازی دقیق سپاهیان اسلام در حوالی ارتفاعات شرام یک میدان مین دشمن خنثی و مقدار زیادی از مزدوران بعثی کشته و عدهٔ زیادی زخمی گشتند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۲ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **هلاکت ۴۰۰ نظامی دشمن در ضدحمله به ارتفاعات مشرف بر مندلی**

امضا:

در رابطه با دفع ضدحملهٔ مذبوحانهٔ قوای کفر در منطقهٔ عملیات قرارگاه این اطلاعیه از سوی **قرارگاه نجف** انتشار یافت.

رزمندگان جان‌برکف اسلام این پیروان راستین مکتب حسین‌بن علی(ع) که عملیات مسلم‌بن عقیل را با رمز یا اباالفضل‌العباس(ع) شروع کردند، همچنان به نبرد خود با کفار بعثی ادامه می‌دهند و اکنون با استقرار در ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق رهایی کربلا و فتح قدس عزیز را نوید می‌دهند. مزدوران شکست‌خوردهٔ بعثی بامداد دیروز با چند گردان تانک و ۱ گروهان کماندو اقدام به ضدحمله کردند که با مقاومت سرسختانهٔ رزمندگان توانمند اسلام روبه‌رو شده‌اند. در این عملیات نیروهای رو به زوال بعثی با تحمل ضایعات و خسارات سنگین و دادن بیش از ۴۰۰ کشته و تعداد زیادی زخمی دست به فرار زدند.

در این عملیات ۱۲ دستگاه تانک و ۲ دستگاه لودر دشمن منهدم و ۳ دستگاه خودرو آنان نیز به غنیمت گرفته شد و ده‌ها تن از نیروهای دشمن نیز به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

به امید پیروزی کامل رزمندگان اسلام بر کفر جهانی

قرارگاه نجف (مرکز عملیات مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران)[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: **۲۳۳** تاریخ صدور: **۲۲ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام تأسیسات برق‌رسانی دشمن در منطقهٔ سیبه**

امضا:

اهواز:

تأسیسات برق‌رسانی متجاوزین بعثی در منطقهٔ سیبهٔ عراق واقع در آن سوی اروندرود دیروز هدف آتش نیروهای اسلامی قرار گرفت و منهدم شد.

بر پایهٔ این گزارش با آتش هماهنگ سلحشوران ژاندارمری، نیروی دریایی و جان‌برکفان کمیته‌های انقلاب اسلامی آبادان طی ۲ شب و روز گذشته ۱ مقر فرماندهی، ۱ قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلیمتری، ۲ ساختمان محل تجمع و ۳ سنگر اجتماعی و انفرادی صدامیان در آن سوی اروندرود در داخل خاک عراق منهدم شد و ۳۲ نفر از قوای بعثی صهیونیستی عراق کشته و زخمی شدند.

همچنین از تردد خودروهای آنان در **جاده‌های تدارکاتی فاو- بصره و سیبه - سیحان** جلوگیری شد.

از سوی دیگر دشمنان زبون طی ۲ شبانه‌روز گذشته شهر مقاوم و شهیدپرور آبادان را هدف آتش توپخانه‌های دوربرد خود قرار داد که بر اثر آن به ۳ واحد مسکونی خساراتی وارد آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۴ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جلوگیری از فرار سربازان عراقی با تدابیر جدید صدامیان در جبهه‌ها**

امضا:

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

به دنبال عملیات مسلحانهٔ انقلابیون مسلمان عراق و فرار بی‌رویهٔ سربازان مسلمان عراقی از جبهه‌ها، از سوی مزدوران بعثی صهیونیستی به این منظور تدابیر جدیدی در جبهه‌ها به مرحلهٔ اجرا درآمد.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکیست:

مزدوران بعثی اخیراً در جبهه‌های بصره در پشت جبههٔ نیروهای عراقی اقدام به حفر کانال‌هایی نموده که در این کانال‌ها نفت و بنزین تعبیه شده تا در صورت تهاجم احتمالی نیروهای اسلام و فرار سربازان عراقی این کانال‌های مملو از مواد نفتی را به آتش بکشند.

همچنین **تعدادی از مزدوران صدامی با بازوبندهای مشخص در پشت جبهه‌های عراق مستقر شده تا در صورت فرار سربازان عراقی، آنان را تیرباران کنند.**

از سوی دیگر عوامل رژیم مزدور صدام که اخیراً به اهالی منطقهٔ صویب از توابع بصره مشکوک شده‌اند، کلیهٔ منازل مسکونی اهالی این منطقه را تخریب و اموال و وسایل زندگی آنان را به غارت بردند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۵ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازدید توابین دادگاه انقلاب اسلامی لرستان از خوزستان**

امضا:

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

حدود **۷۰ تن از توابین پسر و دختر گروهک منافقین** که از طریق دادگاه انقلاب اسلامی لرستان به خوزستان سفر کرده بودند، طی هفتهٔ گذشته از **شهرهای آبادان، خرمشهر و سوسنگرد** دیدن کردند و با پیروزی‌های رزمندگان اسلام در بیرون راندن متجاوزین بعثی از مناطق اشغالی از نزدیک آشنا شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مرکز اهواز این عده همچنین ضمن حضور در بیمارستان‌های محل بستری مجروحین جنگ تحمیلی در اهواز از دلاوران مجروح سپاه اسلام عیادت کردند.

بر اساس این گزارش توابین از ندامتگاه کارون اهواز نیز دیدن کردند.

در این محل **۲ تن از توابین در خصوص عملکردهای اشتباه گذشتهٔ خود و التقاطی بودن خط سازمان منافقین و چشم‌بسته به دنبال این سازمان آمریکایی رفتن مطالبی بیان داشتند.**[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۶ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عزیمت رزمندگان داوطلب به جبهه‌ها از شهرهای کشور**

امضا:

گرگان:

گروهی از **جان برکفان واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان** در میان بدرقهٔ پرشور اقشار مختلف مردم مسلمان و متعهد این شهر جهت یاری دلاوران اسلام، روز یک‌شنبهٔ گذشته رهسپار مناطق جنگی کشور شدند.

بابلسر:

گروهی از **جان‌برکفان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بابلسر** روز یک‌شنبهٔ گذشته در میان بدرقهٔ پرشور اقشار مختلف این شهر جهت رویارویی با صدامیان کافر عازم جبهه‌های جنگ شدند.

نوشهر:

بعد از ظهر روز یک‌شنبهٔ گذشته گروه کثیری از **جان برکفان بسیج سپاه نوشهر، چالوس، مرزن‌آباد و کلاردشت** پس از اتمام دورهٔ آموزشی در میان بدرقهٔ پرشور امت شهیدپرور این شهرها جهت پیوستن به دیگر رزمندگان اسلام راهی جبهه‌های نور علیه ظلمت شدند.

رامسر:

به گزارش واحد مرکزی خبر گروه کثیری از **جان برکفان عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان‌های گیلان و مازندران** جهت رویارویی با پس‌مانـدگـان رژیـم مزدور عراقی طی مراسمی به جبهه‌های جنگ اعزام شدند.

آمل:

به منظور پیوستن به دیگر سلحشوران اسلام در جبهه‌های حق علیه کفر، گروه کثیری از **برادران بسیج سپاه پاسداران آمل** میان بدرقهٔ پرشور امت حزب‌الله و همیشه در صحنهٔ این شهر عازم جبهه‌های نبرد شدند.

ساری:

۱ اکیپ ۶۰ نفرهٔ فنی متشکل از مکانیک ماشین‌آلات سبک و سنگین، آپاراتی، لوله‌کش، آهنگر، راننده بلدوزر، لودر، گریدر، نجار، خیاط، آشپز، بنا، تکنیسین مخابرات و بی‌سیم و کارگر ساده جهت یاری رساندن به دلاوران رزمندهٔ اسلام در جبهه‌های نبرد نور و ظلمت رهسپار مناطق جنگی کشور شدند.

شاهرود:

گروهی دیگر از برادران **جان برکف بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شاهرود** جهت مبارزه با صدامیان کافر در میان بدرقهٔ امت ایثارگر عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.

ملایر:

گروهی از **برادران عضو بسیـج و سپـاه پاسـداران انقلاب اسلامی ملایر** طی آیین باشکوهی برای مقابله با مزدوران ارتش رو به زوال بعثی در میان بدرقهٔ گرم مردم عازم جبهه‌های نبرد شدند.

همدان:

۱ گردان رزمی متشکل از **برادران بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همدان** جهت نبرد با مزدوران کفرپیشهٔ صدامی عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.

زنجان:

از سوی **ستاد پشتیبانی مناطق جنگی زنجان** به منظور یاری‌رسانی به برادران سلحشور اسلام یک گروه فنی متشکل از ۴۸ نفر رانندهٔ لودر و بلدوزر رانندهٔ پایهٔ ۱ و ۲، کارگر ساده لوله‌کش، انباردار، باطری‌ساز، بنا و برق‌کار به جبهه‌های جنگ اعزام شدند.

یزد:

دومین **گردان شهید آیت‌الله صدوقی متشکل از برادران سپاه و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد و سایر شهرهای استان** در میان بدرقهٔ پرشور جمع کثیری از مردم شهر یزد از محل مسجد خظیره عازم جبهه‌های نبرد شدند.

قائم‌شهر:

صدها تن از **برادران عضو واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قائم‌شهر و ۲۰ نفر از امدادگران این واحد** جهت یاری رساندن به دلاوران رزمندهٔ اسلام به مناطق جنگی کشور اعزام شدند.

خمینی‌شهر:

روز سه‌شنبهٔ گذشته یکصد و چهل و پنجمین گروه از **برادران بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خمینی‌شهر** پس از طی دوره‌های عقیدتی و نظامی در میان بدرقهٔ پرشور مردم این شهر از مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خمینی‌شهر به سوی جبهه‌های جنوب عزیمت کردند.

شیراز:

گروه کثیری از **برادران عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ از شهرستان‌های استان فارس، بوشهر و کهکیلویه و بویراحمد** جهت نبرد با مزدوران بعثی عراق راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.

در میان این برادران که دوره‌های آموزشی خود را قبلاً در شهرستان‌ها و مناطق شهیدپرور خود در واحدهای ۹گانهٔ بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی کرده‌اند، بسیاری از داوطلبین برای نوبت‌های سوم و یا پنجم عازم جبهه شدند تا دگربار همچون گذشته با مزدوران حلقه‌به‌گوش آمریکا و صدام جنایتکار درس عبرت بدهند.

جهرم:

در پی فرمان امام امت و به منظور یاری رزمندگان کفرستیز سپاه پیروزمند اسلام گروهی دیگر از **جان برکفان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جهرم** در میان بدرقهٔ پرشور اهالی این شهر عازم جبهه‌های جنگ نور علیه ظلمت شدند.

مرند:

گروه کثیری از **برادران بسیجی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان مرند** طی مراسمی با حضور امت مسلمان حزب‌اللهی و روحانیون برای پیوستن به رزمندگان اسلام و سرکوبی قوای رو به زوال صدامی عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.

دولت‌آباد برخوار:

به گزارش رسیده بعد از ظهر سه‌شنبهٔ گذشته گروهی از **برادران بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دولت‌آباد برخوار** پس از طی دوره‌های عقیدتی – نظامی به منظور مصاف با رژیم کافر بعثی – صهیونیستی بغداد در میان بدرقهٔ پرشور مردم این شهر به سوی جبهه‌های کشورمان عزیمت کردند.

بر اساس این گزارش قبل از اعزام این برادران پرتوان اسلام مراسم ویژه‌ای با شرکت اقشار مختلف مردم مبارز دولت‌آباد در مقابل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهر برگزار شد.

یزد:

صبح روز سه‌شنبه اعضای **ستاد بازسازی مناطق جنگ‌زدهٔ استان یزد** متشکل از مدیران و مسئولین ادارات مسکن و شهرسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، برق و آب، گروه نوسازی مدارس، مخابرات و دفتر حفاظت آثار باستانی یزد به **سرپرستی مهندس فتاح معاونت عمرانی استانداری** به منظور بازدید بررسی نیازها و برآورد هزینهٔ بازسازی منطقهٔ موسیان و مریوان که از سوی مردم استان یزد انجام می‌شود و تهیهٔ گزارش در این زمینه جهت تسریع در امر بازسازی عازم غرب کشور شدند.

خرم‌آباد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

جمع کثیری از **برادران سپاه پاسداران و واحد بسیج سپاه پاسداران** که دوره‌های فنون نظامی

را در پادگان‌های سپاه پاسداران خرم‌آباد طی کرده بودند، بعد از ظهر دیروز در میان استقبال پرشور مردم همیشه در صحنه و شهیدپرور خرم‌آباد لرستان عازم جبهه‌ها شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: **۲۳۷** تاریخ صدور: **۲۲ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازدید روحانیون اهل تسنن آذربایجان غربی از جبهه‌های جنوب**

امضا:

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۹۰ تن از روحانیون اهل تسنن آذربایجان غربی که برای بازدید از جبهه‌های جنگ حق علیه باطل به خوزستان سفر کرده بودند، بعد از ظهر پریروز خوزستان را ترک گفتند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز این عده در مدت ۳ روز اقامت خود در خوزستان ضمن دیدار از جبهه‌های جنگ، از شهرهای آبادان، خرمشهر، هویزه، بستان و سوسنگرد دیدن کردند و با رزمندگان اسلام به گفتگو پرداختند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۳۸ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اختصاص ۱۵۵ میلیارد ریال به اعتبارات و بازسازی مناطق جنگ‌زده**

امضا:

جلسهٔ مشترک شورای اقتصاد و هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران به ریاست آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر تشکیل شد و طی آن لایحهٔ متمم بودجهٔ سال ۶۱ پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه با اصلاحاتی به تصویب رسید.

بر اساس این لایحه **با توجه به نیازمندی ایثارگران در جبهه و ستاد بازسازی مناطق جنگی مبلغ ۱۵۵ میلیارد ریال اعتبار مخصوص جنگ تحمیلی و بازسازی مناطق جنگ‌زده اختصاص یافت.** در این لایحه همچنین با توجه به سرعت جذب اعتبارات عمرانی دستگاه‌های اجرایی، افزایش اعتباراتی حدود ۲۱۰ میلیارد ریال به تصویب رسید و جهت جوابگویی به نیازمندی‌های جاری دستگاه‌ها مبلغ ۱۰۳میلیارد ریال به اعتبارات جاری دستگاه‌ها افزوده شد.

اعتبارات عمرانی افزایش یافته، عمدتاً جهت تکمیل کارهای عمرانی حیاتی و برای بالا بردن ظرفیت‌های تولیدی و عمران مملکتی در نظر گرفته شده است.

شرح اعتبارات عمرانی طرح‌های مختلف به این شرح است:

افزایش اعتبارات ادامهٔ عملیات ساختمانی نیروگاه‌های ۸۰۰ مگاواتی اصفهان، بندرعباس، رامین، زرگان، تبریز وخطوط انتقال شبکهٔ جنوب کشور و دیگر طرح‌های تولید و انتقال نیروی شرکت توانیر جمعاً مبلغ ۲۵ میلیارد ریال.

جهت احداث راه‌های روستایی و همچنین تکمیل راه‌های در دست اجرا و تکمیل بنادر ۳گانهٔ چابهار، جمعاً مبلغ ۲۰ میلیارد ریال.

جهت تکمیل طرح‌های عمران کشت و صنعت مغان، راه‌اندازی کارخانهٔ قند، مبلغ ۱/۵ میلیارد ریال.

تکمیل طرح‌های تأمین آب و آبرسانی به مناطق کشاورزی جمعاً مبلغ ۳/۳ میلیارد ریال.

جهت تکمیل ساختمان اداری، دولتی و مسکونی مبلغ ۲۶ میلیارد ریال.

جهت تکمیل طرح‌های آموزشی وابسته به دانشگاه‌ها و وزارت آموزش و پرورش مبلغ ۳/۴ میلیارد ریال.

جهت تکمیل طرح‌های بهداشتی کشور مبلغ ۲/۱ میلیارد ریال.

جهت تکمیل طرح‌های مخابراتی مبلغ ۸/۸ میلیارد ریال.

اختصاص مبلغ ۱۵ میلیارد ریال جهت تکمیل طرح‌های جهاد سازندگی به جهاد سازندگی.

برای تکمیل طرح‌های سازمان گسترش و نوسازی شامل کارخانجات قند دزفول، نساجی بافت بلوچ، تراکتورسازی و همچنین طرح‌های صنایع دفاع نظامی ۵/۸ میلیارد ریال.

جهت تکمیل طرح‌های اکتشاف و استخراج و پالایش نفت مبلغ ۱۵/۹ میلیارد ریال.

جهت تکمیل طرح گازرسانی و تکمیل پروژه‌های پالایشگاه تصفیهٔ گاز مبلغ ۱ میلیارد ریال.

جهت ادامه و افزایش فعالیت‌های کمیتهٔ امداد امام مبلغ ۵ میلیارد ریال اعتبارات جاری به کمیتهٔ امداد امام اختصاص یافت.

در این لایحه همچنین ۱۰ میلیارد ریال در اختیار کمیته‌های برنامه‌ریزی استان‌ها قرار گرفت تا با همکاری سازمان برنامه و بودجه برحسب طرح‌های عمرانی استانی در دست اجرا تقسیم گردد. از اعتبارات عمرانی مبلغ ۳ میلیارد ریال جهت افزایش اعتبارات طرح‌های کشاورزی اشتغال‌زای زودبازده اختصاص یافته است.

در این جلسه همچنین برای رشد تحقیقات در کشور مقرر شد دولت به میزان ۵۰ درصد از درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های تحقیقاتی را به افزایش امکانات آن دستگاه‌ها اختصاص دهد.

این لایحه متضمن یک مادهٔ واحده و ۱۸ تبصره می‌باشد که نحوهٔ هزینهٔ اعتبارات و همچنین ایجاد تسهیلات لازم جهت اجرای هر چه سریع‌تر طرح‌های عمرانی را مدنظر داشته باشد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: **۲۳۹** تاریخ صدور: **۲۲ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ**

امضا:

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

طی ۲ ماه گذشته توسط واحد خواهران طرفدار حزب جمهوری اسلامی طبس با همکاری ستاد پشتیبانی جبهه‌های جنگ جهاد سازندگی طبس و کلاس‌های ایدئولوژی و خدمات به شرح زیر انجام گرفت:

دوخت کیسه‌گونی ۵۰۰ عدد، لباس زیر ۳۰۰ عدد، ژاکت ۵۰ عدد.

بخش فرهنگی: بازدید از خانوادهٔ شهدا و رزمندگان.

کلاس‌های عقیدتی و آموزش قرآن جهت ۵۰ نفر، جهت سوادآموزی ۳۰ نفر.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۰ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا**

امضا:

مرند، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک و مطهر برادر میرهادی زمانی که در عملیات مسلم‌بن عقیل به شرف شهادت نایل آمده بود در میان اقشار مختلف مردم شهیدپرور مرند با خشم فراوان از مقابل بیمارستان رازی این شهر تا باغ رضوان تشییع و در کنار دیگر شهدای گلگون‌کفن انقلاب به خاک سپرده شد.

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک **بسیجی شهید برادر حسین کاظمی** که در مصاف با صدامیان کافر در عملیات مسلم‌بن عقیل به فیض شهادت نایل آمده بود از بیمارستان ولی‌عصر قائم‌شهر در میان اندوه امت حزب‌الله این شهر تا رکابدار کلا تشییع و به خاک سپرده شد.

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

جنازهٔ شهید علی رفیعی دانش‌آموزی که در جبهه‌های غرب در عملیات مسلم‌بن عقیل به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بود از مقابل مسجد صاحب‌الزمان(عج) با شعارهای کوبنده تشییع و در مدخل شهر در میان امت حزب‌الله به زادگاهش انتقال یافت.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۱ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

بسم رب الشهدا والصدیقین

ما راست‌قامتمان جاودانهٔ تاریخ خواهیم ماند

(شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی)

به مناسبت شهادت افتخارآفرین محمود ابوالقاسم رزمنده‌ای که در جبههٔ سومار در نبرد با خصم بعثی در عملیات مسلم‌بن عقیل پیروزمندانه از جام والای شهادت نوشید و عاشقانه به سوی معبودش پر کشید.

به همین مناسبت مجلس ختم باشکوهی روز پنج‌شنبه ۶۱/۷/۲۲ (امروز) از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر با سخنرانی آقای هاشمی در مسجد قمربنی‌هاشم(ع) واقع در خیابان تهران‌نو، ایستگاه وحیدیه، ۱۵ متری انصاری، ۸ متری اول برگزار می‌گردد.

حضور امت همیشه در صحنهٔ حزب‌الله در این مراسم تسلی‌بخش دل بازماندگان و شادی روح شهید خواهد بود.

بسم رب الشهداء والصدیقین

به‌مناسبت سالگرد شهادت پرافتخار محسن سلحشور در جبهه‌های حق علیه باطل در سوسنگرد

مجلس یادبودی از طرف خانوادهٔ آن شهید روز پنج‌شنبه ۶۱/۷/۲۲ از ساعت ۵ الی ۹ بعد از ظهر در منزل آن شهید واقع در خیابان ولی‌عصر(عج)، روبه‌روی خیابان فرهنگ، کوچهٔ شهید محسن سلحشور منعقد می‌باشد.

خانوادهٔ شهید و بستگان

بسم رب الشهداء والصدیقین

همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و از میهن خود دور شدند،

و در راه خدا به پیکار برخاستند؛

اینان امیدوار به نیکی پروردگار می‌باشند،

و خداوند آمرزنده و مهربان است.

(قرآن کریم)

بار دیگر ۳ ستاره از آسمان خون‌بار اسلامی بر زمین افتاد و برادرانمان ایوب اصلاحی، امیر سلمانی و عباس هاشمی در کربلای سومار به فیض عظیمهٔ شهادت نایل آمدند و با اهدای خون خود درخت پربار انقلاب را آبیاری نمودند. به همین مناسبت مجلس ترحیمی جهت بزرگداشت خاطرهٔ این شهیدان گلگون‌کفن در مکان زیر برقرار می‌باشد.

پنج‌شنبه ۶۱/۷/۲۲ از ساعت ۳ الی ۵ در خیابان شیوا، خیابان وثوق، مسجد موسی‌ابن جعفر(ع). وسیلهٔ ایاب و ذهاب رأس ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه ۶۱/۷/۲۳ در خیابان نبرد، مسجد نبی‌اکرم(ص) و در خیابان لرستان مسجد امام حسن مجتبی(ع) آمادهٔ حرکت می‌باشد.

با تشریف فرمایی خود در این مجلس ترحیم باعث شادی روح شهدا و تسلی خاطر بازماندگان باشید.

از طرف خانواده‌های:

اصلاحی، سلمانی و هاشمی.

و همچنین بسیج مسجد نبی اکرم(ص) و کمیتهٔ منطقهٔ ۱۱

بسمه تعالی

شهید قلب تاریخ است

شهادت پرافتخار **پاسدار اصغر شیرمحمدلو** را که در جبهه‌های حق علیه باطل منطقهٔ سومار در راه میهن اسلامی به درجهٔ رفیع شهادت نایل گشته به اطلاع بستگان و همشهریان می‌رساند.

مجلس هفتمین روز شهادتش ۶۱/۷/۲۲ از ساعت ۱ الی ۳ بعد از ظهر در مسجد جامع واقع در شهر ری، پل سیمان، کوی منصوریه منعقد است.

خانواده های شیرمحمدلو

بسمه تعالی

مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ
فَمِنْهُم مَّن قَضَی نَحْبَهُ وَ مِنْهُم مَّن یَنتَظِرُ
وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِیلا[1]

ما راست‌قامتان جاودانهٔ تاریخ خواهیم ماند.

(شهید بهشتی)

برادر پاسدار محمود حقیقی پس از مدتی جهاد در جبهه‌ها سرانجام در عملیات مسلم‌بن عقیل به کاروان شهدا پیوست و به لقاءالله پیوست.

مراسم تشییع جنازهٔ این سرباز اسلام امروز (۵ شنبه) رأس ساعت ۷:۳۰ صبح از مسجد رحمتیه واقع در میدان شهدا، خیابان شکوفه برگزار می‌گردد.

ضمناً مجلس ختمی به همین مناسبت در روز جمعه(فردا) در مسجد فوق برگزار می‌شود.

شرکت امت حزب‌الله در این مراسم با ادامهٔ خط سرخ شهادت راهش را ادامه خواهند داد.

ضمناً [مراسم] ختم زنانهٔ آن شهید در روز جمعه در منزل آن شهید برگزار می‌شود.

خانوادهٔ شهید حقیقی

بسم رب شهدا و الصدیقین

شهادت ارثی است که از اولیا به ما رسیده است

(امام خمینی)

شهید سید مرتضی باشتنی که با بی‌صبری تمام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت، در تاریخ ۶۱/۷/۱۵ در جبههٔ سومار شهد شهادت را نوشید.

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

به همین مناسبت مجلس ختمی ۵ شنبه ۶۱/۷/۲۲ ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در نارمک، فرجام شرقی، خیابان ولی‌عصر(عج)، مسجد سپهسالار برگزار می‌گردد.

ضمناً شب‌هفت یک‌شنبه ۶۱/۷/۲۵ ساعت ۲ بعد از ظهر از جلو منزل شهید وسیلهٔ ایاب و ذهاب حاضر می‌باشد.

خانواده‌های سجادی- باشتنی- محسنی

دامغان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

مجلس بزرگداشت **شهید محمدعلی وردی** که در حملهٔ باشکوه مسلم‌بن عقیل در غرب کشور به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمد، از طرف خانوادهٔ شهید و ستاد برگزاری مراسم شهدا، با شرکت امت شهیدپرور دامغان برگزار گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: **۲۴۲** تاریخ صدور: **۲۲ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **وصیت‌نامه**

موضوع: **توصیه‌های شهدا**

امضا: **هادی شجاعی - امیرعلی حیدری**

این دنیا ارزش ندارد، اصل آخرت است

وصیت‌نامهٔ پاسدار شهید هادی شجاعی:

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ[1]

(و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید،

بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند.)

با سلام و درود به پیشگاه اعظم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و مردم شریف و شهیدپرور و مبارز ایران.

وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم:

اگر کشته شدم، فقط دعا کنید که خدا مرا در زمرهٔ شهیدان درگاهش قرار دهد و بر بالای جنازهٔ من گریه نکنید، که اجری که اگر برده باشم، پایمال می‌شود و ناراحت نشوید، چون خواست خدا بوده و خون من که از شهدای دیگر رنگین‌تر نبوده.

از همهٔ دوستان و آشنایان خداحافظی و حلال‌خواهی کنید و معذرت بخواهید که نتوانستم نامه بنویسم؛ چون نه وضعمان مشخص و نه مکان مشخص داشتیم که نامه بنویسم

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

و از پدر و مادر و خانواده و فامیل می‌خواهم که مرا حلال کنید و از طرف من علی و ارشاد را ببوسید و مواظب علی باشید و هرچه وسایل دارم که ارزش دارد، وقتی به نماز جمعه رفتید به جنگ‌زدگان و جبهه‌ها کمک کنید و **هر چه در راه اسلام کار کنید و بدهید، باز هم کم است و اجرش را در آن دنیا از خداوند می‌گیرید.** این دنیا ارزش ندارد. **اصل کار آخرت است؛** که اگر انسان خوبی کند، آن دنیا همان مقدار پاداش می‌گیرد و همین‌طور بدی.

فقط سعی کنید که در راه اسلام خدمت کنید و به محصل‌های خانواده و فامیل و آشنا و دوستان بگویید که **دست از مطالعه برندارند و در اوقات بیکاری به غیر از کتاب‌های درسی کتاب‌های مذهبی هم مطالعه کنند.**

و سخنی چند به ملت غیور ایران، **رهنمودهای امام را با گوش و دل بشنوید و با تمام وجود در انجام فرامینش کوشا باشید. در سر نماز و عبادت امام را دعا کنید.**

و من الله التوفیق

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

هادی شجاعی

از جمهوری اسلامی پاسداری خواهیم کرد ولو به قیمت خونمان باشد

وصیت‌نامهٔ برادر شهید امیرعلی حیدری:

بسم الله الرحمن الرحیم

با یادخدا وصیت‌نامهٔ خود را به صورت خلاصه می‌نویسم. وصیت من چند پیام است:

گروهک‌ها باید بدانند که انقلابی که به قیمت ده‌ها هزار شهید و ده‌هاهزار معلول به دست آورده‌ایم، تا آخرین قطرهٔ خون و تا آخرین دم نفس با چنگ و دندان حفظ خواهیم کرد.

ابرجنایتکاران دنیا باید بدانند ما از این کشور و از این جمهوری اسلامی پاسداری خواهیم کرد ولو به قیمت خونمان باشد و بی‌سرپرست شدن بچه‌هایمان باشد.

از ملت ایران می‌خواهم که همیشه هوشیار باشند. **به خیانتکاران فرصت فکر خیانت را هم ندهند که در فکر نابود کردن ۳۰ میلیون مردم بی‌گناه و امام باشند.**

در پایان از خانواده‌ام می‌خواهم بچه‌هایم راحزب‌اللهی تربیت کنند.

زیاد وقت عزیزتان را نمی‌گیرم.

امیرعلی حیدری[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: **۲۴۳** تاریخ صدور: **۲۲ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **زندگی‌نامه**

موضوع: **در راه خدا از همه‌چیز باید گذشت**

امضا: **شهید طرار احمدی (ابوعادل)**

اگر تن به صلح تحمیلی بدهیم، دیگر از انقلاب چیزی باقی نخواهد ماند

زندگی‌نامهٔ برادر شهید طرار احمدی (ابوعادل)

لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّون[1]

(هرگز به تقوا و رستگاری نخواهید رسید مگر آن که:

در راه خدا از آن‌چه که دوست دارید و بدان دل بسته‌اید، بگذرید.)

انقلاب اسلامی ایران در مسیر رشد خود روزبه‌روز و لحظه‌به‌لحظه حماسه می‌آفریند و ارزش‌های عظیم انسانی ایجاد می‌کند.

هر روز شهیدی و خداگونه‌ای به عالم آفرینش هدیه می‌دهد.

هر شهید با یک خصوصیت و وجهی از وجوه الهی از دنیا می‌رود و در مرتبهٔ خود ارزش ایجاد می‌کند.

مثلاً: آن پیرمردی که با ۷۵ سال سن به جبهه می‌رود و بعد از به هلاکت رساندن ده‌ها سرباز عراقی شهید می‌شود و پیرمرد دیگری که فرزند کوچک خود را به جبهه آورده بود و نگهبانی می‌داد، در جواب این سؤال که چرا فرزندت را به جبهه آورده‌ای؟ می‌گوید:

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۹۲



- پسر کوچکم را به میدان رزم آورده‌ام تا در کنار رود کارون با مزدوران بعثی بجنگد، تا در دورهٔ خودش بتواند در کنار رود اردن با اشغالگران صهیونیستی به نبرد برخیزد و بسیار نمونه‌های دیگر.

و برادر شهید ابوعادل یکی از همان شهدایی است که سراسر وجودش عشق به الله و خدمت به مردم محروم و مستضعف بود.

شهیدی از تبار حسین(ع) و حاصلی از حاصلان رنج مادری که پس از ۲۰ سال پرورش خالصانه تقدیم جامعه کرد.

برادر شهید طرار احمدی (ابوعادل) در سال ۱۳۴۰ در یک خانوادهٔ مذهبی در روستای حبیب‌بن مظاهر(حسن خلف) سابق از توابع شوش دانیال شهر شهیدان گمنام دیده به جهان گشود.

وی اولین کسی بود که در جریان انقلاب ۵۶ مردم به‌پاخاستهٔ کشورمان اهالی روستایی را جمع کرده و به شوش و دزفول و یا اندیمشک برده و در راه‌پیمایی شرکت می‌جستند. به طوری که ۲ بار مینی‌بوس ایشان هدف گلوله قرار می‌گیرد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در تشکیل شورای اسلامی به مردم اصرار می‌کرد که بعد از مدتی موفق به تشکیل شورا می‌گردد و همین‌طور بعد از تجاوز ارتش مزدور صدام کافر با سراسر عشق و علاقه نسبت به سرنوشت جنگ وارد جبهه شد.

او جنگ را به گفتهٔ رهبر عزیزمان جنگ اسلام و کفر می‌دانست و می‌گفت:

- تمام هستی انقلاب در این مشخص و تعیین می‌گردد که اگر با رژیم کافر عراق بجنگیم و آن را از خاک خود برانیم، سبب رشد انقلاب گشته و **اگر به مقابله و مقاومت برنخیزیم و تن به صلح تحمیلی بدهیم، دیگر از انقلاب چیزی باقی نخواهد ماند.**

از خصوصیات بارز شهید ابوعادل **اعتقاد ایشان به امام امت و تشویق مردم روستا به شرکت در جلسات مذهبی** بود.

شهید ابوعادل در خانواده اخلاق خوبی داشت و با پدر و مادر خداگونه رفتار می‌کرد و همیشه با مهربانی و متانت صحبت می‌کرد و همچنین با خویشاوندان و دوستان نیز اخلاق نمونه‌ای داشت و همیشه سعی می‌کرد کم حرف بزند و زیاد عمل کند.

شهید طرار احمدی (ابوعادل) در سال ۵۸ ازدواج کرد و ثمرهٔ ازدواجش ۱ فرزند پسر به نام عادل می‌باشد و عاقبت در مسیر انقلاب در تاریخ ۶۰/۵/۲۹ بعد از نماز مغرب و عشا در جبههٔ سوسنگرد (چولانه) در یک نبرد چند ساعته علیه کافران صدامی گلولهٔ خمپاره از جبههٔ کفر بر پیکرش نشست و بر زمین افتاد و خون حسینی‌اش بر خاک جوشید و زمین کربلا و

شب و روز را عاشورا ساخت و به لقاءالله پیوست.

رمز عظمت شهید طرار احمدی (ابوعادل) یکی از ارزش‌آفرینی‌های او در همین جاست و مبین این است که **در راه خدا باید ازهمه‌چیز خود گذشت و همهٔ دلبستگی‌ها را به کنار نهاد...** که البته ابتلای عظیمی است.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

والسلام[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۴ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **زندگی‌نامه**

موضوع: **آشنایی با زندگی ۱ شهید**

امضا: **شهید محمدجواد افغانی از دلیجان**

زندگی‌نامهٔ شهید محمدجواد افغانی از دلیجان

شهید محمدجواد افغانی در سال ۱۳۴۴در خانواده‌ای روستایی در دهکده‌ای به نام سکندر از توابع شهرستان محلات دیده به جهان گشود.

شهید محمدجواد افغانی از اوایل کودکی هوشیار و بااستعداد بود و هر روز استعدادش بیشتر آشکار می‌گشت. او ۶ ساله بود که به تهران آمد. شهید محمدجواد تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ شیمی گذراند و بعد از آن به کرج انتقال پیدا کرد و تحصیلاتش را در کرج ادامه داد.

شهید محمدجواد در حین درس خواندن، تابستان‌ها را در یک کارگاه فلزکاری کار می‌کرد و در عرض ۲ سال (تابستان‌ها) فلزکاری و جوشکاری را آموخت و از آن سال همراه با شروع انقلاب او نیز به عنوان اعتصاب به مدرسه نرفت و در طول مدت اعتصابات به همراه دیگر دانش‌آموزان و به سرپرستی دبیر دینی در تظاهرات خیابان شرکت می‌کرد و پس از پیروزی انقلاب همزمان با فرمان امام مبنی بر تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی فعالیتش را در بسیج ادامه داد و بعد از مدتی به شهرستان دلیجان منتقل شد و بلافاصله در بسیج اسم‌نویسی کرد و بعد از چند روز عازم جبههٔ حق علیه باطل گردید و در حملهٔ [شکستن] حصر آبادان مجروح شد و پس از بهبودی دگربار عازم جبههٔ سومار شد و مبارزه‌اش را علیه صدامیان کافر به مدت ۲ماه

در آن جبهه ادامه داد.

شهید محمدجواد برای چندمین‌بار برای عملیات رمضان داوطلب شد و در تاریخ ۲۱ ماه مبارک رمضان ندای حق را لبیک گفت و به آرزوی دیرینه‌اش رسید.

روانش شاد و راهش مستدام باد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۵ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تکذیب ادعاهای رژیم بغداد توسط وزارت خارجهٔ ترکیه**

مبنی بر عدم تمایل ایران به پایان جنگ از جانب وزیر امور خارجهٔ ترکیه

امضا: **وزارت امور خارجهٔ ترکیه**

آنکارا، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

وزارت امور خارجهٔ ترکیه دیروز با صدور اطلاعیه‌ای **ادعاهای رادیو بغداد و خبرگزاری عراق و تحریف سخنان بولنت اولسو نخست‌وزیر ترکیه توسط این ارگان‌های دروغ‌پراکنی** را به شدت **تکذیب** کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از آنکارا در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

بدین‌وسیله مطالبی را که بعضی از آژانس‌های خبری به نقل از بولنت اولسو نخست‌وزیر ترکیه در تونس منتشر کرده‌اند و از جمله این‌که **«ایران مایل به پایان جنگ نمی‌باشد»** تکذیب می‌شود و همان‌طور که بارها در گذشته اعلام شده است، **سیاست ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق بی‌طرفی کامل می‌باشد.**

سفارت ترکیه در تهران نیز دیروز متن این اطلاعیه را در اختیار خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار داد.

لازم به یادآوری است که **رادیو بغداد** که تا حال به پیروی از سیاست **«دروغ هرچه بزرگ‌تر باشد، زودتر پذیرفته می‌شود»**، دروغ‌های بزرگ فرماندهان نظامی عراق را منتشر می‌کرد و فقط

مسئولیت «**نقل دروغ**» را به عهده داشت. به تازگی پیشرفت کرده و به «**جعل دروغ**» آن هم از قول منابع غیرعراقی متمسک شده است.

در همین زمینه چندی پیش این رادیو مدعی شد:

بولنت اولسو نخست‌وزیر ترکیه در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی در تونس، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشوری که مایل به خاتمهٔ جنگ نیست، معرفی کرده است!

سفیر ترکیه در تهران نیز روز بعد از انتشار این ادعا در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تکذیب این مطلب گفت که به زودی این مسأله طی یک اعلامیهٔ رسمی از سوی دولت متبوعش تکذیب خواهد شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۶ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شدت یافتن درگیری میان فالانژها و مسلمانان دروزی لبنان و ازسرگیری خلع‌سلاح مسلمانان لبنان با افزایش نیروهای مداخله‌گر**

امضا: **رسانه‌های جهانی**

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

به گزارش **رادیو دولتی لبنان** تبادل آتش توپخانه دیروز بار دیگر بین فالانژهای لبنان و مسلمانان دروزی در بلندی‌های شوف واقع در شرق بیروت شدت گرفت.

بر پایهٔ این گزارش این درگیری‌ها که طی ۲ هفتهٔ گذشته به طور متناوب ادامه داشته است، بعد از ظهر روز سه‌شنبه زمان کوتاهی پس از آغاز درگیری‌های شدید سوریه و رژیم صهیونیستی مجدداً از سر گرفته شد.

به گزارش خبرگزاری‌ها از بیروت در همین حال نیروهای ارتش و فالانژهای لبنان نیز مجدداً عملیات تعقیب و دستگیری چریک‌های فلسطینی در منطقهٔ مسلمان‌نشین غرب بیروت را آغاز کرده و عملیات خود را بر حومهٔ جنوبی منطقهٔ شیاح متمرکز ساختند.

از سوی دیگر **خبرگزاری فرانسه** گزارش داد:

رادیو لبنان که اکنون توسط فالانژها و متحدین آنها اداره می‌شود، اعلام کرد **درگیری‌های بین فالانژها و رزمندگان درروز وابسته به حزب سوسیالیست پیشرو ولیدجنبلاط** دیروز در منطقهٔ عالیه در منتهی‌الیه شمال منطقهٔ شوف شدت گرفت.

به گزارش این رادیو ۲ طرف درگیر به انواع سلاح‌ها با کالیبرهای مختلف مجهز هستند و

گلوله‌های توپ با آهنگ دقیقه‌ای ۱ گلوله فرود می‌آیند.

بنا بر این گزارش به دلیل دشواری‌های مخابراتی هنوز نمی‌توان آماری از تعداد قربانیان این درگیری‌های خشونت‌بار منتشر کرد.

این درگیری‌ها که از روز سه‌شنبه آغاز شده، دیروز در محور مذاکرات مقامات لبنان قرار داشت و تصمیم گرفته شد در این منطقه که تحت اشغال اسرائیل است، نیروهای کمکی ژاندارم اعزام شود.

ازسرگیری خلع‌سلاح مسلمانان

فالانژها و ارتش لبنان بعد از یک توقف ۲۴ ساعته دیروز عملیات جدیدی را جهت خلع سلاح مسلمانان ازسر گرفتند.

یک منبع امنیتی گفت:

این جستجوها، حومهٔ شیاح در جنوب و منطقه‌ای را که از میدان فرودگاه بیروت تا عیون در شمال و سنت میشل در شرق کشیده شده، دربر گرفت.

این گزارش حاکیست:

فالانژها و واحدهای ارتش این مناطق را قرق کرده و شروع به جستجو در خانه‌های مسلمانان کردند.

در این حال **خبـرگزاری مرکزی لبنان** که **یک خبرگزاری طرفـدار فالانژها** است، روز گذشته گفت:

هزار و ۱۴ نفری که ظرف ۱۰ روز دستگیر شده‌اند، هنوز در بازداشت به سر می‌برند و برای محاکمه به اتهامات مختلف روانهٔ دادگاه خواهند شد.

عملیات توسط فالانژها و ارتش لبنان در بیروت سحرگاه دیروز کمی قبل از ورود دستهٔ جدید نیروهای مداخله‌گر ایتالیایی به این شهر آغاز شد. این اقدام در پی یکی از شدیدترین نبردها بین اسرائیل و سوری‌ها و فلسطینی‌ها در مرکز درهٔ بقاع و جنگ شبانهٔ فالانژها با گروه‌های رقیب در کوه‌های شرق بیروت صورت گرفت.

با ورود ۴۰۰ سرباز مداخله‌گر ایتالیایی به بیروت تعداد نیروهای ایتالیا در لبنان به ۱۴۰۰ نفر رسید.

خبرگزاری سوریه به نقل از رادیو بیروت اعلام کرد:

با افزایش تعداد چتربازان ایتالیایی مستقر در بیروت، تعداد کل افراد نیروهای مداخله‌گر

چندملیتی به ۴۳۰۰ نفر رسیده است.

از سوی دیگر **معاون وزارت جنگ آمریکا** روز سه‌شنبه با فرماندهان نیروهای آمریکایی، فرانسوی و ایتالیایی مستقر در لبنان و نیز امین جمایل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان دیدار و گفتگو کرد.

وی صبح سه‌شنبه وارد بیروت شد و پس از یک دیدار کوتاه از مواضع سربازان مداخله‌گر نیروی دریایی آمریکا در فرودگاه بیروت در کاخ بعبده با جمایل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان و مقامات نظامی فالانژها ملاقات کرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۷ تاریخ صدور: ۲۲ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **تأسیس ۲۰ پایگاه نظامی در لبنان توسط اسرائیل و نقش شاه عربستان (فهد) در کشتار فلسطینی‌ها**

امضا:

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

کابینهٔ رژیم صهیونیستی در دومین جلسهٔ خود طی هفتهٔ جاری، پیشنهادات ارایه شده برای به اصطلاح **ترتیبات امنیتی در لبنان از جمله ایجاد یک کمربند امنیتی با وسعت ۴۰ تا ۵۵ کیلومتر در شمال مرز شمالی فلسطین اشغال‌شده** یا به عبارتی **جنوب لبنان** را تصویب کرد.

به گزارش خبرگزاری‌ها از بیت‌المقدس جزییات این مسأله مخفی مانده، لکن **رادیو دولتی رژیم صهیونیستی** گفت که این پیشنهادات در ملاقات روز پنج‌شنبه میان **اسحق شامیر و جرج شولتز، وزرای خارجهٔ رژیم صهیونیستی و آمریکا** در واشنگتن مطرح خواهد شد.

به گزارش این رادیو رژیم صهیونیستی بر این نکات تأکید دارد:

۱ – لبنان مشخصاً متعهد می‌شود که خاک این کشور هرگز بار دیگر به عنوان یک پایگاه برای فعالیت خصمانه علیه اسرائیل در نخواهد آمد.

۲ – یک کمربند امنیتی با وسعت ۴۰ تا ۵۵ کیلومتر در جنوب لبنان ایجاد می‌گردد که تحت نظارت یک کمیسیون مشترک اسرائیلی – لبنانی قرار خواهد داشت.

رادیو رژیم صهیونیستی یادآور می‌شود که این پیشنهادات توسط یک گروه از مقامات وزارت جنگ و امور خارجه تهیه گردیده و توسط آریل شارون وزیر جنگ به کابینه داده شده است.

ضمناً به گزارش **خبرگزاری آلمان از بیت‌المقدس** در پی جلسهٔ کابینهٔ رژیم صهیونیستی کسب اطلاع شد:

مناخیم بگین نخست‌وزیر تروریست رژیم اشغالگر قدس اوایل ماه آینده راهی آمریکا خواهد شد.

توسعهٔ اردوگاه صهیونیست‌ها در جنوب لبنان

به گزارش واحد مرکزی خبر از پاریس، **روزنامهٔ الشرق‌الاوسط** در شمارهٔ اخیر خود می‌نویسد:

به رغم مطالبی که پیرامون عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از لبنان گفته می‌شود، ارتش صهیونیستی اردوگاه الناصر را که در جنوب لبنان تأسیس کرده، به ۲ برابر توسعه داده است.

شمار زندانیان این اردوگاه بالغ بر ۷۰۰۰ نفر بوده و احتمال می‌رود پس از توسعهٔ آن هزاران اسیر دیگر در آن جای داده شوند. به خصوص اگر درگیری‌های میان فلسطینی‌ها و ارتش صهیونیست‌ها در شمال لبنان یا درهٔ بقاع مجدداً آغاز شود.

به نوشتهٔ این روزنامه شرایط زندگی زندانیان اردوگاه الناصر بسیار مصیبت‌بار است که با فرارسیدن فصل زمستان سخت‌تر خواهد شد.

این زندانیان که حق تماس گرفتن با هیچ‌کس را جهت انتخاب وکیل ندارند، شدیداً نگران خانواده‌هایشان که از طرف فالانژها و نیروهای سعدحداد تحت تعقیب واقع می‌شوند، هستند.

این روزنامه در خاتمه می‌افزاید:

گاهی درگیری‌های شدیدی بین زندانیان و افراد نظامی اسرائیل رخ می‌دهد که منجر به تیراندازی نظامیان به سوی اسرا و کشتار آنان می‌شود.

رژیم صهیونیستی به منظور اشغال دایمی جنوب لبنان اقدام به تأسیس پایگاه‌های نظامی در این کشور نموده است.

به نوشتهٔ روزنامه‌های لبنان تعداد پایگاه‌های جدیدالتأسیس نظامی رژیم صهیونیستی در خاک لبنان به ۲۰ واحد بالغ می‌شود که اکثر آنها در منطقهٔ بقاع غربی قرار دارند.

خبرگزاری جماهیری لیبی ضمن مخابرهٔ این خبر می‌افزاید:

دشمن صهیونیستی برای تجمع و اسکان نیروهای خود در زمستان آینده از این پایگاه‌ها استفاده خواهد کرد.

نقش شاه عربستان در کشتار فلسطینی‌ها

به گزارش خبرگزاری جماهیری لیبی از لندن **دفتر سیاسی اتحادیهٔ جوانان جزیره‌العرب و**

خلیج فارس طی بیانیه‌ای که در لندن منتشر ساخت، تأکید کرد که **پادشاه سعودی در توطئهٔ تجاوز صهیونیست‌ها به لبنان و کشتار وحشیانه در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا دست داشته است.**

در این بیانیه اضافه شده:

فهد شاه دربار سعودی اندکی پیش از تجاوز دشمن صهیونیستی به لبنان در مادرید با آریل شارون ملاقات و با وی در خصوص تجاوز صهیونیست‌ها به لبنان و تمامی پیامدهای این تجاوز به توافق رسیده بود.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۲

شماره: ۲۴۸ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ارزش انقلاب اسلامی و توصیه به طلاب برای حضور در جبهه‌های نبرد**

امضا: **آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی**

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی:

هر کس در هر کجا باشد، باید از انقلاب اسلامی حمایت کند

قم، خبرنگار جمهوری اسلامی:

حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در پایان آخرین جلسهٔ درس هفتهٔ گذشته، طی سخنان کوتاهی با فضلا و طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم که جهت تبلیغ در ایام محرم‌الحرام عازم مناطق مختلف کشور می‌باشند، فرمودند:

– من به مبلغین و همهٔ مردم مسلمان سفارش می‌کنم که قدر جمهوری اسلامی را بدانند. چون **این جمهوری اسلامی با نثار خون هزاران شهید و معلول به دست آمده و هر کس در هر کجا که باشد، باید از انقلاب اسلامی حمایت کند و قدر آن را بداند.**

همچنین ایشان فرمودند:

– **اگر امروز رزمندگان ما در جبهه‌های جنگ و ملت شهیدپرور در پشت جبهه‌ها استقامت و پایداری می‌کنند، به واسطهٔ زنده نگه‌داشتن خاطرهٔ عاشورا و قیام امام حسین(ع) است** و امروز که جوانان غیور و رزمندگان ما اعم از **ارتشی، سپاه، بسیج و سایر نیروها** که در جبهه‌ها می‌جنگند، **درس شهادت و فداکاری را از سرور آزادگان حسین‌بن علی(ع) آموخته‌اند.**

درپایان حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی از طلاب حوزهٔ علمیه خواستند که به جبهه رفته و رزمندگان اسلام را یاری دهند.

ایشان همچنین فرمودند:

– رفتن آقایان به جبهه‌ها موجب تشویق افتخارآفرینان ما در جبهه‌ها می‌شود و دیگر این‌که احکام شرعی را برای آنان بیان می‌کنید و وقتی یک روحانی به جبهه می‌رود، رزمندگان ما خوشحال‌تر از آن می‌شوند که یک لشگر به کمک آنها برود.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۴۹** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نقش مهم ائمهٔ جمعه در ایجاد وحدت ملت**

امضا: **سپاه پاسداران منطقهٔ ۱**

در آستانهٔ گردهمایی ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌های کشور در تهران، **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱ کشور** با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن خیرمقدم به این پیام‌رسانان حق و حقیقت، نقش آنان را در وحدت ملت ستود.

در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

استکبار جهانی و ایادی جنایتکارش با طرح توطئه‌های رنگارنگ به مقابله با این انقلاب مقدس و الهی برخاستند و خواستند نور خدا که تابش آن سراسر عرصهٔ هستی را فرا گرفته، خاموش کنند. با این قصد بیش از هر چیز نوک پیکان‌های زهرآلود خویش را به سوی **روحانیت** نشانه رفتند و کینه‌توزانه و منافقانه به سوی این معلمان و راهنمایان امت اسلامی وحشیانه هجوم آوردند. چرا که دریافته بودند که **این قشر هرگز در برابر ظلم و ظالمان سر تسلیم فرود نمی‌آورند** و اینانند که حافظان و نگهبانان اسلام در قبال شریعت الهی و پیروان اباعبدالله(ع) که هستی خویش را در کف نهاد و بر خدای خویش عرضه کرد، می‌باشند.

بدین‌ترتیب **کفر جهانی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، روحانیت پیرو خط ولایت فقیه را مورد هجوم همه‌جانبهٔ تبلیغاتی نظامی قرار دادند تا انقلاب اسلامی را با شکست مواجه سازند.** اما با رهبری امام امت و هوشیاری ملت همیشه در صحنه و حزب‌اللهی، **روحانیت متعهد به خصوص**

ائمهٔ جمعه حفظه‌الله تعالی این توطئهٔ عظیم خنثی گردید و وحدت و انسجام و یکپارچگی چون همیشه بر سر انقلاب اسلامی سایهٔ رحمت افکند.

در قسمتی دیگر از این اطلاعیه آمده است:

امید است فضای روحانی آن سمینار که به پشتوانهٔ خون‌های شهیدان عظیمی چون **مدنی، دستغیب و صدوقی** تلألؤ خاص و برکتی بیش از پیش یافته و این قدم‌های بسیار مؤثر و ارزنده در وحدت ملت که به ابتکار حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری دامت‌برکاته برداشته شده است، هر چه استوارتر به اهداف مؤثر خویش نایل گردد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۰ تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عیادت فرماندهٔ سپاه از حجت‌الاسلام اشرفی اصفهانی**

امضا:

محسن رضائی، فرماندهٔ سپاه پاسداران و حجت‌الاسلام معزّی معاون پارلمانی وزارت کشور که به اتفاق نمایندگان قصرشیرین، گیلان‌غرب، سرپل‌ذهاب، خرمشهر و مشهد به نمایندگی از سوی حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی برای بررسی امور جنگ‌زدگان در غرب کشور به باختران سفر کرده‌اند، بعد از ظهر دیروز از **حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد اشرفی اصفهانی [امام جمعهٔ کرمانشاه]** عیادت کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۱ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **حوادث حج، مسئولیت‌پذیری، حضور در جبهه، دفاع مقدس و...**

امضا: **نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی، حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها**

امام جمعهٔ موقت تهران، حجت‌الاسلام والسلمین امامی کاشانی

حجت‌الاسلام والسلمین امامی کاشانی امام جمعهٔ موقت تهران:

۱ گردان از بچه‌های بسیجی ما نیروهای اعزامی جعفر نمیری را از دم تیغ می‌گذرانند

سرویس سیاسی جمهوری اسلامی:

نماز وحدت‌آفرین و دشمن‌شکن جمعهٔ تهران همچون هفته‌های گذشته با حضور جمعی از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی کشور، خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان عزیز انقلاب اسلامی و شرکت انبوه میلیونی امت حزب‌الله در میعادگاه همیشگی عاشقان الله، دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف آن به **امامت حجت‌الاسلام والمسلمین امامی کاشانی، رئیس دیوان عدالت اداری و امام جمعهٔ موقت** برگزار گردید.

سخنان حجت‌الاسلام خوئینی‌ها

به گزارش خبرنگاران ما مراسم نماز جمعهٔ دیروز تهران با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد و سپس **حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی** به عنوان سخنران قبل از خطبه‌ها به ایراد سخنرانی پرداخت و با اشاره به تظاهرات حجاج ایرانی در مراسم حج و حملهٔ وحشیانهٔ پلیس رژیم سعودی به تظاهرکنندگان که منجر به اخراج و

زندانی شدن بعضی از حجاج گردید، اظهار داشت:

– باید ببینیم که آیا پلیس عربستان با حجاج ایرانی درگیر است و حکومت عربستان است که در مقابل حجاج ایرانی قرار دارد یا این‌که درگیری جمهوری اسلامی و حجاج ایرانی با قدرت دیگری است؟

حجاج ایرانی با پلیس عربستان هیچ اختلافی نداشتند. پلیس عربستان مسئول ایجاد نظم در آن‌جاست و حجاج ما هیچ اقدامی بر خلاف نظم نکردند. هیچ نیرویی به جز خود حجاج قدرت ندارد که در مراسم حج نظم ایجاد کنند. **پلیس عربستان از حجاج چه چیزی می‌خواسته که حجاج ایرانی آن را رعایت نکرده‌اند؟**

سرکوب حرکت‌های ضداسرائیلی یکی از وظایف حکومت سعودی

ناطق با اشاره به این‌که اختلافی در مورد به جا آوردن مناسک حج بین حجاج ایرانی و دیگران وجود ندارد، گفت:

– چرا حکومت عربستان نمی‌تواند حضور حجاج ایرانی را در این کشور تحمل کند و حجاج ایرانی با حجاج دیگر تماس بگیرند.

چرا برای دولت عربستان غیر قابل تحمل است که حجاج کشورهای دیگر با حجاج ایرانی صحبت کنند و از آنها به رسم هدیه یک سکهٔ قدس هدیه بگیرند؟

چرا برای حکومت عربستان غیرقابل تحمل است که حجاج ایرانی شعار الله‌اکبر سر دهند؟

اگر ایرانی‌ها پلاکاردی که بر روی آن تصویر قدس بر آن نقش بسته و جمله‌ای از **امام امت** که **اسرائیل باید از بین برود و مسجدالاقصی به دست مسلمین برگردد**، نوشته شده، این پلاکارد چه اشکال و خطری برای حکومت عربستان دارد که او آن را پاره می‌کند؟

مگر ملت عربستان و ملت‌های عرب طرفدار اسرائیل هستند که حکومت عربستان خود را موظف می‌داند که هر حرکت ضداسرائیلی را سرکوب کند؟

حکومت عربستان خود را مأمور می‌داند که هرگونه آثار قدس را در آن‌جا نابود کند.

نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی با اشاره به ادعاهای پوچ حکومت عربستان که برای خود مأمورین آن کشور هم قابل قبول نیست، بیان داشت:

– حکومت عربستان می‌گوید که در این کشور اجتماعات ممنوع است. با این حرف پس نماز جماعت و طواف در مسجدالحرام ممنوع است. **اگر در مراسم حج مسلمانان جمع می‌شدند و زنده باد فهد می‌گفتند، آیا باز هم اجتماعات ممنوع بود؟**

اگر مسلمان‌ها شعار مرگ بر آمریکا دادند، باید آنها را سرکوب کرد؟

شما می‌گویید اجتماعات ممنوع است، پس چرا اگر کسی شعار مرگ بر آمریکا بدهد، او را سرکوب می‌کنید؟ پس **نگویید که در عربستان اجتماعات ممنوع است، بگویید در این جا شعار مرگ بر آمریکا ممنوع است و در مرکز وحی حکومت آمریکا آزاد و حکومت خدا ممنوع است.**

حکومت عربستان مأمور است که سلطهٔ آمریکا را در آن کشور حفظ و هر فریاد الهی را سرکوب کند.

حکومت عربستان فکر می‌کند که با اتکا به آمریکا می‌تواند به حکومت ادامه دهد یا با تکیه بر ۱ میلیارد مسلمان؟

آیا باید بر آمریکا تکیه کرد که این قدرت نتوانست رژیم شاه در ایران را حفظ کند؟

حکومت عربستان اگر بخواهد به کعبه و مردم تکیه کند، خیلی از حکومت شاه قدرتمندتر خواهد بود. دوام حکومت عربستان با تکیه بر مسلمین جهان بیشتر خواهد بود تا اتکا نمودن به آمریکا. زیرا آمریکا نمی‌تواند یک حکومت مخالف مسلمین را نگه دارد.

اگر دولت عربستان پیوندش را با آمریکا قطع و با مسلمین ارتباط برقرار کند، نه تنها بر عربستان بلکه بر سایر کشورهای عربی هم می‌تواند حکومت کند و مسلمان‌ها از این حکومت حمایت خواهند کرد.

بی‌اعتباری دولت عربستان

وی در قسمت دیگری از سخنانش اظهار داشت:

- به رغم تبلیغات دولت عربستان که مسلمانان را علیه حجاج ایرانی می‌شورانند، یک مسلمان هم با یک ایرانی مقابله نکرد. دولت عربستان آن قدر بی‌اعتبار است که پس از حدود ۲ماه تبلیغ، یک نفر هم از او اطاعت نکرد. از همین الآن آثار سقوط دولت عربستان نمایان است. (تکبیر حضار)

حجاج ایرانی حکومت عربستان را افشا کردند و نشان دادند که این حکومت مأمور حفظ منافع آمریکاست.

آمریکا فهمیده است که اگر حرمین شریفین به دست مسلمین بیفتد، اگر چنان‌چه قدرت اسلامی مکه و مدینه را اداره کند، از قطع شریان نفت برای او خطرناک‌تر است. چون نفت، روزی تمام می‌شود، اما قدرت و جاذبهٔ کعبه تمام شدنی نیست.

اگر مسلمین از قدرت کعبه بتوانند استفاده کنند، برای همیشه دنیای کفر باید طمع سلطه

بر کشورهای اسلامی را از خود قطع کند.

بنابراین **اولاً** ما نه با حکومت عربستان، بلکه با آمریکا اختلاف داریم و **ثانیاً** اختلاف ما بر سر اسلام است و آمریکا مرکز وحی و اسلام را اشغال کرده است.

بسیار خطرناک است که در مکه و مسجدالحرام دشمنان سرسخت اسرائیل امنیت نداشته باشند، اما اسرائیل امنیت داشته باشد.

سرکوبی شعار مرگ بر اسرائیل یعنی حضور اسرائیل در کنار مسجدالحرام و این برای اسلام و مسلمین بسیار خطرناک است.

همین‌طور که حملهٔ صدام به ایران به دستور آمریکاست،

حمله‌ای هم که در مکه به حجاج ایرانی می‌شد،

به دستور آمریکا و به خاطر اسلام‌خواهی مسلمانان بود.

دیوانگی عربستان پس از عملیات مسلم‌بن عقیل

نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی در پایان سخنان خود با اشاره به عملیات مسلم‌بن عقیل اظهار داشت:

- پس از این عملیات مأموران عربستان وحشی‌تر شدند، چون دشمن آمریکاست و خطر اصلی برای این دشمن اسلام است و **همهٔ تلاش‌ها برای نابود کردن اسلام است.**

عملیات مسلم‌بن عقیل حکومت عربستان را دیوانه کرده است.

رزمندگان ما بدانند که:

هر لحظه‌ای که در جبهه‌ها نفس می‌کشند و هر قدمی که برمی‌دارند،

آن‌قدر در پیش خدا ارزش دارد که آمریکا و دنیای کفر می‌لرزد،

همچنان‌که از عملیات مسلم‌بن عقیل لرزید.

لذا **جوان‌های ما بدانند که شرکت در جبههٔ نبرد و حضور درجبهه‌ها از هر عبادتی بیشتر ثواب دارد.** زیرا قلوب مسلمین و مؤمنین را در دنیا شاد و قلوب دشمنان خدا را می‌لرزاند.

جوانان از حضور در جبهه‌ها غفلت نکنند و به جبهه‌ها چنان هجوم ببرند که از هجوم آنها صدام بترسد و آمریکا بلرزد.

به گزارش خبرنگاران سرویس سیاسی جمهوری اسلامی پس از سخنان نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی، شعارهایی در رابطه با حج، این **کنگرهٔ بزرگ جهانی اسلام** و همچنین شعارهایی مبنی بر **ادامهٔ جنگ تا پیروزی** توسط نمازگزاران داده شد و آنگاه حجت‌الاسلام‌والمسلمین

امامی کاشانی، رئیس دیوان عدالت اداری و امام جمعهٔ موقت تهران به ایراد خطبه‌های نماز پرداخت که متن کامل آن به شرح زیر از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

خطبهٔ اول

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله العظیم فی کتابه:

لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللهُ فی مَواطِنَ کَثیرَةٍ وَ یَوْمَ حُنَیْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ شَیْئاً وَ ضاقَتْ عَلَیْکُمُ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّیْتُمْ مُدْبِرینَ[۱]

همان‌طوری که خاطر شریف خواهران و برادران مستحضر است، بحثم در خطبهٔ اول در زمینهٔ **شیوهٔ اخلاقی و در دوایر دولتی و تشکیلات جمهوری اسلامی** بود.

بحثی را که امروز به حول و قوهٔ خدای متعال تقدیم شما عزیزان اعم از ارگان‌ها و نهادهای انقلابی می‌دارم، این است که **یکی از چیزهایی که به چشم می‌خورد در یک جا کم و در جایی دیگر زیاد، ولی کم و بیش وجود دارد، سستی در کارهاست و مسامحه و عدم مبالات.**

این حالت اخلاقی **ریشهٔ روانی** دارد که ریشهٔ روانی آن را قرآن کریم تصریح فرموده است.

آیهٔ مبارکه‌ای که تلاوت کردم، در سورهٔ شریفهٔ توبه است و بعد از پیروزی‌هایی که خدا به رزمندگان اسلام داد، ولی در جنگ حنین، «**عجب**» رزمندگان و ملت اسلام را گرفت.

می‌خواهم عرض کنم که **عجب، بر تعدادی از افراد این ملت انقلابی حاکم شده است** و این اشکالاتی که در همه‌جا به چشم می‌آورد، از جمله **در دوایر دولتی**، که یکی از آنها **سستی** است و همچنین چیزهای دیگر از قبیل: **خودمحوری** و **استقلال‌طلبی‌ها و امثال اینها** هم هست که این خود یک بحث جدایی دارد، ریشه‌اش همین «**عجب**» است.

البته این مسأله یک مسأله‌ای است که در **روان‌شناسی اجتماعی** هم مطرح می‌باشد.

وقتی که حرکت تکاملی ادامه پیدا می‌کند...

در روان‌شناسی اجتماعی این بحث مطرح است که تحرک تبدیل به رکود می‌شود. اسم غربی هم دارد، ولی اصطلاح خودمان همان است که **تحرک، مبدل می‌شود به رکود.** وقتی که یک جامعه‌ای حرکت کرد و در اثر حرکت به نعمت‌هایی رسید و به پیروزی‌هایی دست یافت و

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ ۲۵

قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است، و [نیز] در روز «حُنَین»، آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ‌وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمین با همهٔ فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید، برگشتید.

مرفه شد، **جو رفاه و استقلال و جو این‌که آقا بالاسری ندارد** و خانه‌اش مال خودش است و همه چیزش مال خودش است، این جو بر انسان حاکم می‌شود و **چه بسا انسان را می‌اندازد درحالت بی‌تفاوتی و رکود و بی‌حالی** (این‌جا توی پرانتز عرض کنم که در بهشت هم مطلب همین است). یک وقتی بنده در این آیات شریفهٔ قرآن در زمینهٔ نعمت‌های بهشت که دقت می‌کردم که چرا وقتی خدا می‌فرماید:

جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ[1]

باغ‌هاست، راغ‌هاست و... و... و همه و همه را شرح می‌دهد، چطور می‌فرماید:

وَ رِضْوانٌ مِنَ اللهِ[2]

وَ رِضْوانٌ مِنَ اللهِ أَكْبَرُ[3]

این رضوان را چرا مطرح می‌کند؟ چرا رضا و خشنودی خدا را مطرح می‌کند؟ این چرا؟ سِرّش همین است که هرچه هم باغ و آب و وسایل رفاه هم در بهشت برای انسان باشد، این نمی‌تواند حرکت تکاملی را ادامه دهد.

حرکت تکاملی وقتی ادامه پیدا می‌کند که به لایتناهایی مرتبط شود که آن رضای خداست و رضوان می‌باشد. (حالا کاری که به این اصل ندارم) و منظورم به این بحث است که **این عجب که در پیروزی‌ها نصیب انسان‌های پیروز می‌شود، بسیار هم خطرناک است.**

معنی «عجب» چیست؟

صدرالمتالهین شیرازی در شرح اصول کافی وقتی روایات عجب را مطرح می‌کند، می‌گوید:

– انسان به نعمتی که رسیده، آن نعمت را برای خودش ببیند و اضافهٔ نعمت را به خدا غافل شود؛ مثلاً پشت میز نشسته است، اضافهٔ نعمت را به خدا غافل شود. مثلاً مسئول گزینش است، اضافهٔ این نعمت را به خدا غافل شود. یک نفر را به یک بهانه‌ای رد کند، دیگری را به بهانهٔ دیگری رد کند. یک خودرأیی‌ها و خودمحوری‌ها که عرض کردم، مسألهٔ خودمحوری و خودرأیی یک چیز دیگر است که باید در وقت خودش عرض کنم، ولی گزارش‌هایی دارم و مطالبی دارم که حتی مسئول گزینش کسی را که مشغول کارش است، از کارش کنار می‌گذارد (به بهانه‌هایی) و حتی گزارش دارم که حتی به بهانهٔ این‌که نمازش را می‌خوانده، غلط خوانده، کنارش کرده‌اند. در مدرسه، در آموزش و پرورش در حالی‌که نماز را واجب است که آدم درست

۱– سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵
باغ‌هایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جوی‌ها روان است...
۲– سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۵– و خشنودی خدا.
۳– سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۲ – و خشنودی خدا بزرگ‌تر است.

کند و نماز عمود دین است و در این بحثی نیست. ولی یک جوان انقلابی در خط امام که دارد کار می‌کند، نباید به خاطر این جهت برکنارش زد و یا نظیر این.

به گزارش خبرنگاران سرویس سیاسی روزنامهٔ جمهوری اسلامی از محل نماز جمعهٔ تهران، آقای امامی کاشانی افزود:

– یا کس دیگری را به یک عنوان دیگری کنار می‌زنند. یک خودرأیی و خودمحوری و این‌که من این‌جور تشخیص می‌دهم، بر مغزهای تعدادی از جوانان ما (متأسفانه) که در تشکیلات، **مخصوصاً نهادهای انقلابی و حتی ارگان‌های دولتی** هستند، حاکم شده است و این مردم را ناراحت می‌کند، مردم را ناراضی می‌نماید و بر خلاف خط امام هم هست.

خط امام این است که:

تمام کسانی که در خط جمهوری اسلامی‌اند و معتقد به جمهوری اسلامی هستند،

معتقد به وحی‌اند، معتقد به اسلامند و در این مسیر قدم برمی‌دارند،

خرد و درشت‌شان ، حالا در این تیپند، در آن تیپند،

این‌جور حرکتشان است، آن‌جور حرکتشان است؛ همه و همه.

سؤالاتی از گزینش به بنده نشان دادند که من تعجب می‌کنم که اصلاً این سؤالات چرا؟

مثلاً اقسام مبطلات نماز یا غسل؟

خوب خودت صبح رفته‌ای حفظ کرده‌ای و حالا آمده‌ای از این می‌پرسی و این هم بلد نیست و این شخص هم اگر یک مطلب دیگر را صبح در رساله می‌دید و از تو می‌پرسید، تو بلد نبودی.

این نگرانی‌های زیادی است که این خودمحوری‌ها ایجاد کرده که من عرض کردم.

بنده فعلاً راجع به خودخواهی‌هایی که در تشکیلات دولتی ما بعضی افراد دارند و وجود دارد، بحثی ندارم؛ چون این یک چیز دیگری است و ما آماری هم اگر زمانی شد و فرصتی دست داد و توفیقی برایم حاصل شد، عرض خواهم کرد.

برگردم به همان مسألهٔ اصلی بحث که آن «**عجب**» است و **سستی**.

سستی یعنی چه؟

عرض کردم عجب وقتی که بر انسان حاکم شد و آدم دیگر نعمت و پول و مغازه و بازار و میز و صندلی و بقیهٔ چیزهایی که این جمهوری اسلامی برایش آورده، ملاحظه کرد (این‌که عرض می‌کنم این تیپ، برای این است که افرادی که مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند با آنها کار ندارم، بلکه با آنها صحبت است که معتقدند این انقلاب هم برای آنها دستاوردهایی



داشته و از آن دستاوردها شادند و مسرور و برای آنها عرض می‌کنم). این نعمتی را که الآن در آن قرار گرفته و اضافه‌اش نکرد به خدا و خودش در این نعمت غرق شد، یکی از عوارضش، همین سستی است. سستی یعنی چه؟

یعنی وقتی که به او گزارش می‌دهند که فلان ملک این‌طور است، فلان مال این‌طور است، فلان جنس این‌طور است، فلان کارمند این‌جوری می‌کند، فلانی ممکن است کارهای ضدانقلابی بکند و امثال اینها، این سستی می‌کند، یعنی توجه نمی‌کند بر این‌که حالا زیردستش را رعایت کند و ببیند چه خبر می‌شود. آن‌جا می‌گوید ان‌شاءالله درست می‌شود، بعداً درست خواهد شد، به فلان کس حواله می‌دهد و آن کس هم به دیگری حواله می‌دهد و بعد هم معلوم نیست که به کجا می‌رسد.

روایاتی که در زمینهٔ سستی در اسلام است، خیلی می‌باشد.

حدیث از **امام صادق**(ع) می‌فرماید:

- کسی که از سستی و در جای دیگر می‌فرماید **کسی که از کسالت و بی‌حالی و بی‌مبالاتی اطاعت کند**، یعنی یک چنین روحی بر او حاکم شود، این به **تفریط و تقصیر و کوتاهی** می‌افتد و ضایع می‌کند، صندلی‌اش و مقامش و پستش را ضایع می‌کند.

تو مسئول چه هستی؟ و چقدر باید دقت کنی؟ ضایع می‌کند و این تضییع ادامه دارد تا به گناه می‌رسد.

در یک حدیث دیگر **تمام این روایات در بحارالانوار در باب کفر و ایمان** در همین بحث «**سستی**» است که این روایت را در بحار، **مرحوم مجلسی رضوان‌الله تعالی علیه از نهج‌البلاغهٔ امیر**(ع) نقل می‌کند. می‌فرماید:

ایاکم و خصلتین التوانی...

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید:

از دو چیز بپرهیزید؛

یکی از سستی و یکی از گوش دادن به حرف واشی.

(یعنی: کسی که برچسب می‌زند- سخن‌چین).

امیرالمؤمنین(ع) این ۲ تا را در کنار هم گذاشته است.

گزارش خبرنگاران سرویس سیاسی روزنامهٔ جمهوری اسلامی حاکیست که سپس امام جمعهٔ موقت تهران اضافه کرد:

- پیداست که یکی از عوارض بی‌مبالاتی و بی‌حالی این است که اگر کسی کنار دست من

آمد و گفت فلانی آن نقص را دارد، این برچسب‌ها هم شیوع پیدا می‌کند.

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید:

اگر این **سستی** و این **وشاه** بر مردم حاکم شود، این آدم دوست را از دست می‌دهد. دوست انقلاب را از دست می‌دهد که متأسفانه در مسألهٔ تأنی و سستی، این موضوع هم وجود دارد که بر همین اساس‌ها و با همین اتهام‌ها چه بسا خلاف‌هایی که نظام جمهوری اسلامی اصلاً با آن مخالف است، انجام می‌گیرد.

خداوند کار خوب را دوست دارد

یک دینی که آن‌چنان قوی و محکم است و انسان باید حسابی و اساسی و محکم و متقن و بی‌اشکال کار کند که وقتی در سیرهٔ پیغمبر(ص) می‌بینیم، در تمام مسائل خیلی محکم و متقن کار می‌کرده، از جنگ گرفته که تمام وسایل جنگ را برمی‌داشته تا قبر و تا خاک.

در **جلد ۶ بحار** به مناسبت بحث معاد، بحث تشییع جنازه و برزخ را مطرح می‌کند. یک حدیث مفصلی است که بنده ۱ سطر از آن حدیث مورد استنادم است. قصه‌ای است دربارهٔ سعدبن معاذ که رسول اکرم(ص) وقتی شنید که سعدبن معاذ فوت کرده است، پیغمبر اکرم برخاست و اصحاب ایشان نیز برخاستند و حرکت کردند. غسل دادند و کفن کردند و دفنش کردند و منظورم این جمله است:

در این‌جا دارد که پیغمبر اکرم(ص) وقتی که سعدبن معاذ را در دل خاک گذاشتند و خاک بر رویش ریختند و بعداً رسول اکرم(ص) با دست مبارکش این خاک‌ها را صاف می‌کرد، یعنی پست و بلندی قبر را صاف می‌نمود که کلوخی بالا و پایین نباشد و اصحاب هم نگاه می‌کردند، کَأَنَّ **برای اصحاب این سؤال پیش آمد که:**

چرا پیغمبر اکرم(ص) این‌قدر مواظب است که این قبر صاف باشد؟

رسول اکرم(ص) فرمود:

– من یقین دارم که این بدن می‌پوسد و در قیامت است که روح با این بدن متحد خواهد شد (و الا در عالم برزخ که با عالم مثالی است و بدنی است ظریف شبیه این بدن). فرمود من می‌دانم که این بدن می‌پوسد و مسأله‌ای ندارد که من دارم قبرش را این‌جور صاف و منظم می‌کنم، ولی مطلب این است که:

خداوند دوست دارد که وقتی بنده‌اش کاری را انجام می‌دهد، خوب انجام دهد و برای این است (این کار من)، من آمده‌ام دفنش کرده‌ام، کارم را باید خوب انجام دهم؛ ولو مرده است و الآن هم اثری برایش

ندارد و این‌که مؤثر است الآن برای جانش و بدن مثالی‌اش است و نه برای این‌که در خاک است؛ ولی در عین‌حال:

وَ لَكِنَّ اللهَ تَعَالَى يُحِبُّ عَبْداً إِذَا عَمِلَ عَمَلًا فَأَحْكَمَهُ[1]

کارهایش را درست انجام بده، در جای دیگر حدیث است که:

رَحِمَ اللهُ امرَأً عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأَتقَنَه[2]

خدا رحمت کند مسلمانی را که وقتی کاری انجام می دهد، متقن انجام بدهد.

حالا اگر این نامه زیر دست من آمد و گفتم برو بده به فلانی و بعد هم نفهمیدم فلانی چکارش کرده و بعد از یک ماه معلوم شد گم شده، این تأنی و سستی در نظام جمهوری اسلامی نیست؟

اگر چیزی را گفتم اقدام می کنم و وظیفه‌ام بود انجام بدهم و بعد هم نفهمیدم فلانی چکارش کرده و بعد از یک ماه معلوم شد، گم شده این تأنی، سستی در نظام جمهوری اسلامی نیست؟

اگر چیزی را گفتم اقدام می کنم و وظیفه‌ام بود انجام بدهم و بعداً انجام ندادم و یادداشت هم نکردم و ول شد. این سستی نیست؟

مگر این‌که کاری در وظیفهٔ انسان نباشد؛ ولی هر کسی یک وظیفه دارد.

ضعف احساس مسئولیت

اگر به من می گفتند که این کار فلان اشکال را ایجاد کرده و مردم ناراضی و ناراحتند از این‌که چرا فلان جنس برایشان مشکل به دست می‌آید و شما که مسئول این کار هستید و می‌توانید جلسات و هیأت‌ها تشکیل بدهید، بررسی کنید، ببینید چرا چنین شده و نکنید، آیا سستی و تأنی نیست؟ اساس این، این نیست که الآن روی این صندلی که نشستیم اضافه نکردیم صندلی را به خدا، یعنی مسئولیتمان در آن‌جا ضعیف شده و احساس مسئولیت‌مان ضعیف شده؟

فلسفهٔ نماز

ظهرها هر جا که تلفن می‌زنی، همه‌جا مشغول نماز هستند. این نماز برای چیست؟

ارگان‌های دولتی یا تشکیلات دولتی یا نهادهای انقلابی هر کدام که موقع ظهر زنگ

۱- علل‌الشرایع، ج ۱، ص ۳۱۰ – ۲۶۲ باب العلة‌التی من أجلها یکون عذاب القبر..... ص ۳۰۹

۲- مسائل علی‌بن جعفر و مستدرکات‌ها، ص ۹۳ – ج: مستدرک مسائل علی‌بن جعفر:..... ص ۹۳

می‌زنی، نماز می‌خوانند، نماز برای چیست؟

نماز برای این است که به من احساس مسئولیت بدهد، من را مسئولم بکند، اگر برای این است که به من احساس مسئولیت بدهد که واقعاً هم همین است.

خدا در قرآن کریم هم می‌فرماید:

أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرى[1]

فلسفهٔ نماز برای این است که یاد من باشی و زندگیت را اضافه به خدا بکنی.

[وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ]
تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ
[وَ لَذِكْرُ اللهِ أَكْبَرُ وَ اللهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ][2]

تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ فلسفهٔ نماز نیست، از آثار نماز است.

فلسفهٔ نماز «لِذِكْرى» است؛

که «ل» تعلیل دارد، یعنی «ل» علت دارد. می‌گوید علتش این است که به یاد من باشی تا یک حرکت معنوی و آسمانی ملکوتی داشته باشی و در همه‌چیزت خدا را ببینی، نه این‌که بگویی «من» برکنار می‌کنم، «من» بیرونت می‌کنم، «من» چنین و چنان می‌کنم، این «من» که **امام می‌فرمودند: این‌قدر دم از «من» نزنید، این ریشه‌اش عجب است که متأسفانه بعضی از افراد ما را گرفته است.**

به گزارش خبرنگاران جمهوری اسلامی امام جمعهٔ موقت تهران در ادامهٔ این خطبه افزود:

– **صدرالمتألهین در شرح اصول کافی** وقتی که روایات عجب را مطرح می‌کند، این را از پیغمبر اکرم(ص) نقل می‌کند:

[ثَلاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَ ثَلاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَالْمُهْلِكَاتُ:
شُحٌّ مُطَاعٌ
وَ هَوًى مُتَّبَعٌ
وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ
وَ أَمَّا الْمُنْجِيَاتُ فَخَشْيَةُ اللهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى
وَ الْفَقْرِ وَ الْعَدْلُ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ][3]

۱– سورهٔ طه، آیهٔ ۱۴ – به یاد من نماز برپا دار.

۲– سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۴۵

و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می‌داند چه می‌کنید.

۳– معدن الجواهر و ریاضهٔ الخواطر، ص ۳۲، باب ذکر ما جاء فی ثلاثه – وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱، ۵ باب تحریم البخل و الشح بالزکاه و نحوها.... ص ۳۵

«ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ» ۳ چیز است که آدم را هلاک می‌کند و از بین می‌برد.

- اول «شُحٌّ مُطَاعٌ» آن حرص، آن ولع و آرمان‌های طولانی دنیایی که آدم را به دنبال خود بکشد، این آدم را تباه می‌کند.

- دوم «هَوًى مُتَّبَعٌ» هوا و هوسی که باز آدم دنبالش برود.

- و سوم «إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ» این همین است که نشسته، تلفنش دستش هست و هیچ توجه نمی‌کند، این گوشی را به آن می‌دهد، آن گوشی را به این می‌دهد، آن گوشی را به این می‌دهد، مدتی باید پشت خطر بماند تا تلفن به دست ایشان برسد. حالا مسئول چی هست، مسئول یک واحدی است در یک نهاد انقلابی یا تشکیلات دولتی یا هر چی...

سرمشق‌گیری از پیشوا و رهبر انقلاب

یک مقدار باید از پیشوا و رهبر انقلاب یاد گرفت. باید ما این کارها را یاد بگیریم از کسانی که در جمهوری اسلامی این‌قدر فداکاری کردند و در عین‌حال هیچ این حق‌ها را به خودشان نمی‌دهند که یک فردی در یک نقطه‌ای کارها را به هم بزند، مردم را ناراحت کند و توجه به امور هم نکند.

این حق‌هایی که بعضی از افراد الآن هم برای خودشان در تشکیلات قایلند، بدون برنامه و بدون نظام نامه، خودشان سرخود دارند کارهای سرخودی انجام می‌دهند، این کار را رئیس جمهوری که مقام او بعد از ولی امر است و بعد از رهبر است، در قانون اساسی، به خودش این کارها را اجازه نمی‌دهد که این‌قدر میدان یک آدم روی صندلی به خودش اجازه بدهد. (تکبیر نمازگزاران)

این را باید به آن اهمیت داد. ریزریز درشت می‌شود. **وقتی آدم یک قدم از در خانه‌اش جدا شد. هی یک قدم، یک قدم جدا شد، می‌بینید که ۲ فرسخ جدا شده است، کم‌کم موجب می‌شود که آدم حق مردم را تضییع کند** و بعد هم بعد از این‌که از صبح تا شب هم کار می‌کند در پیشگاه خداوند متعال مسئول باشد. کارت اگر زیاد است، کسی را برای کارت تعیین کن، اگر حوصله‌ات نمی‌رسد، جواب مردم را بدهی و وقتی که می‌خواهی با مردم صحبت کنی، عصبانی می‌شوی، آن موقع کسی را تعیین بکن. **این‌چنین نباشد که آدم به بهانهٔ این‌که من کارم زیاد است، عصبانی می‌شوم یا کارم زیاد است، نمی‌رسم، یا کارم زیاد است، فلان کار ضایع می‌شود.**

درسی از شب عاشورا

ضایع کردن کار، خیانت به کار است و اساسش را اگر ما بخواهیم بررسی و تحقیق کنیم،

همین است.

یک وقتی بنده فکر می‌کردم در حادثهٔ کربلا، حادثهٔ عاشورا که شب عاشورا سیدالشهدا(ع) دستور داد که طناب‌های خیمه‌ها را به هم ببندند، دستور فرمود که خیمهٔ امام زین‌العابدین(ع) بغل خیمهٔ خودش باشد، دستور فرمود که روز عاشورا میمنه و میسره و قلب و همه درست بشود. فرمود: تو میمنه را داشته باش، تو میسره را داشته باش، تو قلب را داشته باش.

شب عاشورا فرمود: **فردا مرگ و شهادت است.**

اگر یک آدمی مثل نوع ما امام حسین(ع) بود که کارهایمان متقن نیست، همه‌چیز متلاشی و پوسیده بود.

او که ولی خداست و معصوم است و بی‌نظیر بوده و امروز هم هست، جزو فرزند عزیز او ولی‌عصر(عج)؛ و در عین‌حال **می‌بینید خیمه‌ها منظم، طناب‌ها همه به هم متصل، این برای چیست؟ همین است که انسان محکم و منظم عمل کند.**

این می‌خواهد درس بدهد، می‌خواهد بگوید:

- ای حسینی‌ها، این بچه‌هایی که شما بچه‌های روحانی من هستید، شما باید کارهایتان منظم باشد. منی که می‌دانم فردا تمام این طناب‌های خیمه و چادرها را آتش می‌زنند، زن و بچه‌هایم را اسیر می‌کنند، من و اصحابم را می‌کشند، در عین‌حال این نظم را به وجود آورده‌ام، این اتقان را به وجود آورده‌ام، این محکمی در کار را به وجود آورده‌ام.

وقتی روز عاشورا حداقل ۳۰۰۰۰ نفر در برابر ارتش کوچک سیدالشهدا(ع)- کمّاً ولی کیفاً- بزرگ قرار می‌گیرد، نگاه می‌کنید، می‌بینید که ۷۲ نفر که رهبرش که سیدالشهدا(ع) است، تمام تشکیلات نظامی را مرتب کرده. این برای همین است، این **درس نظم و درس اتقان و درس محکم‌کاری** است که به انسان می‌دهد.

این چیست که وقتی به آدم بگویند که فلان آدم در فلان شهر یا فلان اداره یا واحدی که نظر شماست و شما مسئول آن هستید، این اشکالات را دارد، این مسائل را دارد، فلانی این تذکر را دارد، تذکر هم بدهند، یک ماه هم بگذرد، بعد هم ترتیب اثر داده نشود؛ این ناتوانی و سستی چیست؟

چقدر امام فرمودند و چقدر دستور دادند به این‌که به کارهای مردم دقیق برسید.

چرا باز انسان می‌بیند که عمل نمی‌شود؟

البته از این‌که افرادی واقعاً زحمت می‌کشند و دارند شبانه‌روز خودشان را روی کار می‌گذارند، از آن افراد تشکر می‌شود، ولی من آن افرادی را عرض می‌کنم که این سیستم‌ها را در کارهایشان

می‌کنند و چه بسا افرادی هم ممکن است شبانه‌روز هم کار کنند، ولی باز این سستی‌ها را داشته باشند.

بنده چه بسا ممکن است شبانه‌روز هم کار کنم، ولی این برنامه‌ریزی را نداشته باشم، این برنامه‌ریزی را باید داشته باشم. **مگر یک نفر آدم به همهٔ کارها می‌تواند برسد؟ نمی‌تواند برسد، باید برای هر کاری مسئول معین کند و از مسئول مسئولیت بخواهد.**

کار ۱ هفته را که ۱ مسئول برایش تعیین کرد، از او بخواهد که در عرض ۱ ساعت یا ۲ ساعت به او بگوید. همچنین واحدهایی که در تهران و شهرستان‌هاست در زیر نظر کسی می‌تواند به آن رسیدگی کند.

آن پیغمبر اکرم (ص) که در سیره‌اش (سیرهٔ رسول اکرم) که ترجمه به فارسی هم شده، وقتی انسان نگاه می‌کند، تمام این جزییات و ریزه‌کاری‌ها و دقت‌ها را در برنامه‌ریزی‌ها و کارهای داخله‌اش و خارجه‌اش و همه و همه ملاحظه می‌کند، این چیست؟

این **اتقان و محکم بودن در کار** است.

در سورهٔ حجرات آمده وقتی که یک عده‌ای آمدند در خانهٔ رسول اکرم(ص) و گفتند: یا محمد بیا بیرون. خدا به آنها خطاب می‌کند که شما چیه که الآن آمدید، سر و صدا می‌کنید، می‌گویید بیاید، الآن ساعتی است که پیغمبر اکرم(ص) قرار داده است که در این ساعت در خانه باشد.

انسان باید ساعت کارش دقیق و منظم باشد و به کار مردم برسد، نه این‌که ساعت کار مسائل دوستی و آشنایی و صمیمیت را به میان آورد. و دوست آدم دارد با آدم تلفن می‌کند، نیم‌ساعت تلفن‌ها، صحبت‌های شخصی و خصوصی و اینها. نکنید. همهٔ اینها در پیشگاه خدا مسئولیت دارد و همهٔ ریشه‌اش توانی[1] است و همهٔ ریشه‌اش سستی است.

باز من این حدیث را از امام صادق(ع) تکرار می‌کنم که امام ششم فرمود:

- وَ قَالَ(ع):

مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِیَ ضَیَّعَ الْحُقُوقَ وَ مَنْ أَطَاعَ الْوَاشِیَ ضَیَّعَ الصَّدِیقَ[2]

کسی که سستی کند، آدمی که چنین بوده، تفریط می‌کند و وقتی تفریط می‌کند، حقوق را ضایع می‌کند و این گناه کرده و گناه بزرگی هم کرده است.

در جای دیگر حضرت ابی‌جعفر امام باقر(ع) می‌فرماید:

- آدمی که کسل است، آدمی که بی‌حال است، آدمی که سست است، می‌گوید: حالا

۱- در اصل متن چنین آمده است، شاید منظور اهمال و بی‌توجهی به وظایف و مسئولیت‌های محوله باشد.

۲- امیرالمؤمنین علی(ع)، نهج‌البلاغه(للصبحی صالح)، ص۵۱۰، [۲۳۶] ۲۳۹.....، ص۵۱۰

امروز نشد، فردا ان‌شاءالله درست می‌شود. بعداً درست خواهد شد. این نمی‌تواند حق کسی را ادا کند، نه حق خدا را ادا می‌کند، نه حق مردم را ادا می‌کند، نه حق این همه ملت مسلمان و انقلابی و ایثارگر را می‌تواند ادا کند.

کارها که انقلابی است، یعنی **باید انسان واقعاً جدی و مُصِرّ و درست روی کارش بایستد و عمل کند.**

قاطعیت از نظر امام

البته عرض کردم که یک سری از اشکالاتی که در دوایر و تشکیلات ما وجود دارد، این خودمحوری‌ها و خودخواهی‌هاست که واقعاً باب عظیم و وسیعی دارد که چه بسا ممکن است نامش را قاطعیت هم می‌گذارد و عجیب این است که خط امام و امام همه قاطعیت را معنا فرمودند.

امام فرمودند که قاطعیت در هر ۲ طرف داشته باشید. یعنی آن‌جایی که فکر می‌کنید خلاف است، قاطع باشید و نکنید؛ و آن‌جایی انجام بده که می‌دانی حق و درست است.

انقلاب اسلامی باید اعتدال داشته باشد که امیدواریم با حول و قوهٔ خداوند متعال و طول عمر فراوانی که خداوند به رهبر عزیزمان ان‌شاءالله عطا می‌فرماید، بتوانیم تمام این مشکلات را رفع کنیم.

نشود یک دفعه این عُجبی که سربازان پیغمبر اکرم(ص) را در جنگ حنین گرفت:

[لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللهُ فی مَواطِنَ كَثيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ]
إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ
[فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرين][1]

[قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است، و [نیز] در روز «حُنَین»، آن هنگام که شمارِ زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ‌وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمین با همهٔ فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید، برگشتید.]

آن وقت است که زمین بر انسان تنگ می‌شود و مشکلات، انسان را مانند نگین انگشتر می‌گیرد. البته **مشکلات امروز ما مرهون جنگ است.** استکبار جهانی به ما حمله کرده و از هر نظر برای ما تضییق ایجاد می‌کند و ملت عزیز و انقلابی ما می‌دانند که بیشتر این مشکلات به خاطر جنگ و توطئه‌های شرق و غرب علیه ماست.

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ ۲۵

البته یک مقدار را هم خودمان می‌توانیم از بین ببریم.

به گزارش خبرنگاران روزنامهٔ جمهوری اسلامی امام جمعهٔ موقت تهران در پایان خطبهٔ اول سورهٔ مبارکهٔ توحید را قرائت کرد.

خطبهٔ دوم

حجت‌الاسلام والمسلمین امامی‌کاشانی امام جمعهٔ موقت تهران سپس به ایراد خطبهٔ دوم نماز جمعه پرداخت و اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحیم

بحثی که در این خطبه به عرض شما عزیزان می‌رسانم، توطئه‌ای است که **استکبار جهانی** چند روز است علیه ما آغاز کرده است. بعد از پیروزی انقلاب توطئه‌هایی وسیع هر یک پس از دیگری داشت، ولی **حالا که دیگر دستش از همه‌جا کوتاه شده، یک توطئه‌ای شروع کرده و آن این است که بلندگوهای استکبار جهانی علیه ما تبلیغ می‌کنند که ایران جنگ‌افروز است و صدام و رژیم بعث عفلقی صلح‌دوست و طرفدار صلح.**

البته این توطئه همین‌طور که عرض کردم از رژیم صهیونیستی عراق نیست، همان‌طوری که جنگ هم از صدام صهیونیستی نبود و نیست. **این نشأت گرفته از کاخ سفید و اسرائیل که نوکرش صدام همسایه ما بوده، به جان ما انداخته و یک نوکر دیگرش را آن طرف عرض کنم فهد و یک نوکر دیگرش حسین اردنی و جعفر نمیری و هر کسی را به هر عنوانی می‌توانسته، به کار گرفته؛ یعنی یک جریان استکباری از همه جا علیه ما.**

صلح شرافتمندانه

ما چه گفتیم و چه می‌گوییم؟

ما از روز اول منطقمان این بود که صلح، ولی صلح شرافتمندانه، صلحی که اسلام می‌گوید.

آن‌که اسلام می‌گوید: **وَ الصُّلْحُ خَیْر**؛[1] این صلح یعنی هر کسی به حق خودش برسد.

حالا آن روزی که پشت اهواز بودند و پشت دروازه‌های دزفول بودند و ۳ استان ما را به آن تباهی و پراکندگی کشیده بودند، همین حرف را می‌زدیم. آنها می‌گفتند ما نمانیم. بلندگوهای استعمار هم می‌گفت اینها بمانند و شما صلح کنید و ایران می‌گفت این صلح نیست، این تن دادن به ذلت وننگ است و ما زیر بار ننگ نمی‌رویم. باید اینها بیرون بروند، غرامت جنگ را

۱- من لایحضره‌الفقیه، ج ۳، ص۵۲۰، باب النشوز... ص۵۲۰

هم بدهند، متجاوز هم محاکمه شود. این شرایط است.

اخیراً اضافه شد که این همه آوارگان عراق را هم که به ایران فرستاده‌اند و منزل و زندگی‌شان را و همه‌چیزشان را از آنها گرفته‌اند، به آنها بدهند و این افراد برگردند که این بعد هم اضافه شد؛ ولی این از روز اول بود و نرفتند تا سپاه اسلام با آن رشادت و آن شهامت و آن همه خون دادن و پدران و مادران با آن همه ایثارگری و ایمان که این بچه‌ها را فرستادند، زدند پس گردن این دونان و ابن سفیهان و این پلیدان و از مرز و بوم ایران اینها را بیرونشان کردند (تکبیر امت حزب‌الله) باقی ماند.

بعضی از ارتفاعات غرب و نقاط دیگر که در این حملهٔ اخیر هم وقتی رزمندگان ما ارتفاعات آن طرف سومار را گرفتند، بر شهر مندلی عراق مسلط شدند که دوربین‌های آنها کاملاً و توپ‌های دوربرد ایران کاملاً اشراف دارد و تسلط دارد و همه‌چیز هم در اختیارشان از نظر جای و محل جغرافیایی که قرار گرفتند، از نظر امکانات و شرایط محلی وجود دارد.

بر یک چنین چیزی که مسلط شدند، بغداد به دست و پا افتاد و تمام نوکران آمریکا و خود آمریکا به هراس افتادند.

صدام بر لبهٔ پرتگاه سقوط

این خبرگزاری‌هاست، این خبرگزاری دنیاست که می‌گویند با تسلطی که ایران بر ارتفاعات خودش پیدا کرد و بازپس گرفت، بیش از ۱۵۰ کیلومتر و بر شهر مندلی مسلط شد، صدام در لبهٔ سقوط است. این را همه اعتراف کردند و به یک چنین جایی که رسید، شروع کردند برای این‌که ما را زیر فشار صلح قرار بدهند و تبلیغات را علیه ما وسیع کنند به این همه توطئه و این بلندگوها و این قلم‌های مسموم مدام نوشتند که این مطلب را ایران می‌گوید.

ایران می‌گوید: جنگ، ما می‌گوییم صلح؛ ولی مطلبی را که ما به دنیا می‌گوییم و مطلبی را که ما به همهٔ مسلمان‌ها می‌گوییم، این است که اگر ما در روز اول این شروط را کردیم و اینها تن ندادند و گفتند وسط خاک شما می‌نشینیم و در عین حال شما صلح کنید، ما پس گردنشان زدیم و اینها را بیرون کردیم، حالا حاضر نمی‌شوند غرامت بدهند، حاضر نمی‌شوند در یک دادگاه بین‌المللی مجرم محاکمه شود، اگر ما تن بدهیم و بگوییم بسیار خوب شما زدید و زدید؛ حالا که زدید و می‌خواستید هم پیش بروید و ایران را هم بگیرید و نشد، انقلاب اسلامی را هم می‌خواستید سرنگون کنید و نشد و خدا نخواست؛ حالا که نشد برمی‌گردیم و می‌رویم.

اگر این بشود که بگوید برمی‌گردیم و می‌رویم، این تنها بر ضرر ملت ایران نیست، این بر ضرر

محرومان دنیاست. این بر ضرر مسلمین جهان است. این ضد اسلام است. این ضد عقل است.

۴ میلیارد مستضعف روی زمین نباید این را به ما اجازه بدهند. مسلمین نباید اجازه بدهند. باید بگویند **متجاوز بایستی تنبیه بشود**. باید **رژیم بعث عفلقی ادب شود**، باید **کاخ سفید بفهمد که دیگر از این غلط‌ها نکند**. باید بفهمد رژیم سعودی و غیره که این‌قدر اسلحه و پول و آخرش هم آفتابشان جای سایه است و به هیچ چیز نرسیدند.

حرف مفت جعفر نمیری

اخیراً هم **جعفر نمیری می‌گوید: سپاه می‌فرستیم و سرباز می‌فرستیم. او نمی‌تواند کشور خودش را اداره کند**. البته برای صاحب‌نظران سیاسی مطلب معلوم است، چون مسأله‌ای است که وقتی یک کسی گفت من سرباز می‌فرستم، سرباز فرستادن هزینه می‌خواهد، تشکیلات می‌خواهد، اینها هم پول ندارند. بدبختند، و **این جعفر نمیری می‌خواهد کلّاشی کند و یک خرده‌پول بگیرد**. غیر از این نیست و الا ارتش می‌فرستم، سپاهی می‌فرستم، سرباز می‌فرستم، **تازه وقتی همه را بفرستد، ۱ گردان بچه‌های بسیجیِ ما همه را می‌گذارند دم تیر** (تکبیر حضار).

این‌که نمی‌دانم سرباز می‌فرستیم. نیرو می‌فرستیم، حرفیست مفت. فقط پول- پول می‌دهد، اسلحه هم می‌دهد، تا حالا هم داده‌اند و چکار کرده‌اند اگر بخواهند بفهمند، دنیا هم می‌فهمد.

بیایید خبرنگارها، ببینید تهران چه خبر است. بغداد چه خبر است. **تهران هر چه هست، شعار اسلام و خدا و مکتب و ایثار و جانبازی و شرافت انسانی و کرامت آدمی و عزّت محرومین و به نوا رسیدن مردم مستضعف روی زمین؛ هرچه شعار است در مملکت این است**. ولی بروید بغداد ببینید چه خبر است. همین که سپاه اسلام بر شهر مندلی مسلط شد، بغداد به دست و پا افتاد. فهد تلفن، حسین تلفن، از این طرف، از آن طرف به فریاد برسید. پولمان بدهید. اسلحه بدهید، نفر به ما بدهید، مردیم... این وضعشان است، این وضع بغداد است. این هم وضع ایران است.

خیلی مشخص است و ما با تمام قدرتی که داریم **اکنون از موضع قدرت می‌گوییم صلح**.

می‌گوییم: «**وَالصُّلْحُ خَیْر**». با تمام قدرت می‌گوییم: صلح، ولی صلح شرافتمندانه.

صلح شرافتمندانه چیست؟

صلح شرافتمندانه همین است که گفتیم:

- اول بروید بیرون، نرفتید و با پس گردنی بیرونتان کردیم.

- دوم می‌گوییم خسارت را بدهید. خوب خسارات را بدهید. حالا می‌گویی نمی‌دهیم، ایران این قدرت را دارد. سپاه اسلام این قدرت را دارد؛ هر کجا عراق بیاید بایستد. (تکبیر حضار)

حق ما را بدهید برگردیم.

کار نداریم به بلندگوهای استکباری. دنیا قبول دارد. عقل قبول دارد همه هم تأیید می‌کنند، می‌گویند حق با شماست. دزد آمده، در خانه آمده، بچه‌ها را کشته، رختخواب و اثاث منزل و ظرف و پول را برداشته در رفته، حالا وسط کوچه یقه‌اش را گرفتیم، می‌گوید من می‌روم ولم کن، می‌روم؛ «نه»، بده و برو. این خیلی ساده است. این یک مسألهٔ خیلی طبیعی است.

در آیهٔ شریفه‌ای که خواندم:

لَقَدْ كانَ لَكُمْ فی رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَة

این در متن آیات جنگ احزاب[آیهٔ ۲۱] است.

پیغمبر اکرم(ص) با یک تاکتیک عمیق با دشمن روبه‌رو شد. و این اسوهٔ حسنه‌ای است برای ما. البته این حق را ایران دارد تا واقعاً این کار را بکند، این حق را دارد، ولی می‌گوید این کار را انجام ندهید، بابا سر عقل بیایید، این‌قدر این‌طرف و آن‌طرف ندوید، این‌قدر مردم را به کشتن ندهید. اول هم ما گفتیم، ۶ ماه پیش گفتیم، ۱ سال پیش گفتیم، ۲ سال پیش گفتیم، الان هم داریم می‌گوییم، بیایید درست ببینید، خسارت ما چقدر است بدهید.[۱]

[روز گذشته به علت کثرت اخبار موفق به چاپ کامل سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین امامی کاشانی امام جمعهٔ موقت تهران نشدیم، ضمن پوزش از خوانندگان محترم ادامهٔ آن را از نظرتان می‌گذرانیم.]

- متجاوز هم در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه بشود تا صلح برقرار بشود.

این شیوه‌ای که بلندگوهای استعماری و دستگاه‌های تبلیغاتی به راه انداختند، می‌گویند ما صلح‌طلبیم، ایران جنگ‌طلب هست. جنگ‌خواه هست. این را دنیا می‌داند. مردم می‌دانند. بنده پارسال مکهٔ معظمه مشرف بودم. رفته بودم مطب دکتر. چند تا این جوان‌ها هم آمده بودند آن‌جا دکتر، و روزنامه‌ها را داشتند می‌خواندند. بحث ایران شد، گفتند برای همهٔ ما معلوم هست اینها همه دارند دروغ می‌گویند، برای ملت‌ها معلوم است. می‌دانند که اینها همه دارند تبلیغات علیه ما می‌کنند و ما را می‌خواهند زیر فشار قرار بدهند، ولی زیر فشار قرار نمی‌گیرند.

این‌جا هم باید عرض کنم به ملت شریف و بزرگ اسلام و ایثارگر این کشور، به جوان‌های عزیز، به پدرها و مادرها عرض کنم که اگر بحث صلح مطرح است و ایران از روز اول صلح را هم قبول داشته است و الآن هم دارد می‌گوید صلح، می‌گوید واقعاً صلح و می‌گوید مسلمان‌ها، دنیا، مسلمین روی زمین، فشار بیاورید به سیاستمدارانتان که اینها بگویند به صدام، صدام عفلقی

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

به ارباب خودش کاخ سفید بگوید که دیگر بیش از این من اطاعت تو را نمی‌کنم، بگذار دیگر بیش از این تن به خون‌ریزی و جنایت و فساد ندهیم، برای این‌که ما لکهٔ ننگ تاریخ باشیم، دیگر بس‌مان است، **ملت اسلام باید فشار بیاورد و زیر فشار قرار بدهند رژیم بعث عفلقی را** برای این‌که صلح اسلامی محقق بشود. (تکبیر حضار)

و الا برای این‌که ایران به حق خودش برسد، بر حق مشروعش، به حق معقولش، بر کاری که عقلاً و شرعاً و عرفاً برای او مجاز است، دست خواهد زد تا به حقش برسد.

به عقل بیایید! این‌قدر دیوانگی نکنید. این‌قدر هی بروید این طرف و آن طرف تحلیل سیاسی کنید، آن روزنامه تحلیل سیاسی می‌کند، این بلندگو می‌گوید، آن بلندگو می‌گوید، هیچ‌کدام هم نمی‌فهمند ایران چکار می‌کند، ایران کیست.

همین‌جور توی حالات و احوالات و جهات خودشان دارد طی می‌کند. **تن بدهید به حق، بیایید این ملت اسلام را منسجم کنید و فشرده کنید در برابر اسرائیل غاصب، ۱ میلیارد مسلمان فشار بیاورید به سران خودتان که این کار انجام بشود و اینها در برابر اسرائیل قرار بگیرند،** نه این‌که صف‌های اسلام از این طرف در ایران و یک مشت فریب‌خوردهٔ صدامی هم از آن طرف همین‌طور هدر بشوند و خونشان ریخته بشود.

این‌جا لازم است نکته‌ای را عرض کنم به همهٔ رزمندگان عزیز، به تمام سلحشوران جبههٔ حق علیه باطل و به همهٔ پدران و مادران ایثارگر و آن این است که:

- اگر ما بخواهیم صلح شرافتمندانه کنیم، اگر آن آشتی که اسلام گفته ما بخواهیم بکنیم که خون شهدای ما هم همین ندایی که اسلام می‌گوید، **باید حضورتان را در صحنه حفظ کنید، هر چه بیشتر به جبهه بروید، هر چه بیشتر به جبهه اهمیت بدهید؛** برای این‌که **وقتی ما می‌توانیم حقمان را بگیریم که دشمن ببیند جبههٔ ما نیرومند است.**

وقتی جبههٔ ما را قوی دید، جا می‌زند، و الا اگر بنده الآن این‌جا بحث صلح را مطرح کردم، افرادی هم فکر کردند خوب، بحث الآن بحث صلح است، بنابراین جبهه هم نرفتیم، نرفتیم، حضور هم نداشتیم، نداشتیم؛ این نیست.

این‌طور ما می‌رسیم به صلح ذلت‌بار، **صلح شرافتمندانه وقتی است که تمام شما حضور داشته باشید** و بعد وقتی دشمن ببیند که روز اول نپذیرفت، با کتک بیرون رفت، الآن در مرحلهٔ دوم هم مجبور است بپذیرد، خواهد فهمید که چگونه حرکت کند. آن‌وقت متوجه می‌شود که بایستی به سر عقل بیاید و درست عمل بکند. آن وقت می‌فهمد که ایران نمی‌گوید ما سر مرزمان می‌ایستیم و مثل گداهای شب جمعه می‌گوییم بده در راه رضای خدا. آن وقت می‌فهمد،

می‌فهمد نه، با قدرت می‌ایستیم، با زور می‌ایستیم و می‌گوییم حق ما را بده. ما یک قدم هم از این‌جا جلو نمی‌آییم. (تکبیر حضار)

البته این بحثی که ایران الآن راجع به خسارات می‌کند، این یک مسألهٔ سطحی است، **خسارات را خدا از این جانیان بالفطره که یکی از آنها صدام است، خواهد گرفت.**

صدام و جانیان و آن ارباب‌هایشان که این‌قدر مردم ما را کشتند، نه به زن‌های باردار ما رحم کردند، نه به بچه‌های شیرخوار ما رحم کردند، نه به جوانان ما رحم کردند، هر جا یک شخصی در تیررس بود و قدرت داشتند، کوبیدند، آتش زدند، کشتند، از بین بردند.

جنایت‌هایی کردند که در تاریخ لکهٔ سیاه و ننگی این‌چنین نیست،

این جنایت‌ها یک چیزهایی است که:

تاریخ می‌نویسد و خدا انتقام خواهد گرفت.

البته یکی از کارهای ابتدایی خدا برای این انتقام ان‌شاءالله دربه‌دری و سقوط صدام است مثل شاه؛ و اربابانش هم ان‌شاءالله به این سقوط و نتیجهٔ این جنایاتی که کردند، خواهند رسید.

در این‌جا باید تشکر کنم از **قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)** که برادران عزیز ما از ارتش و سپاه و ژاندارمری و نیروهای مردمی در کردستان تشکیل داده‌اند که بسیار کار ارزنده‌ای داشتند و در کنار آن رزمندگان اینها هم یک چنین قرارگاهی تشکیل دادند و خدمت بزرگی به کشور و پیغمبر اکرم(ص) کردند.

در پایان می‌خواهم عرض کنم که هفته‌ای که در پیش داریم آغاز ماه محرم است، ماه سیدالشهدا(ع) است. می‌خواهم عرض کنم:

- ای رژیم‌های مرتجع منطقه و ای صدامی که عقیده به خدا نداری، چه رسد به اسلام و امام حسینش، و ای استکبار شرق و غرب!

شما بیش از این به جنایتتان ادامه ندهید و فکر نکنید که این ملت حالت تسلیم دارد، این ملت پیرو آن سیدالشهدایی است که روز عاشورا ندایش بلند بود، فرمود:

- این زنازادهٔ دیکتاتور عراق، عبید زیاد مرا مخیر کرده است به این‌که یا بیایم بیعت کنم و ذلیل شوم و یا کشته شوم و "**هیهات منّاالذله**"، من تن به خواری نمی‌دهم. من تن به ذلت نمی‌دهم.

این ملت پیرو این سیدالشهدا(ع) هستند. پیرو حماسه‌هایی که چون رعد در آفاق جهان

روز عاشورا پیچید و ادامه دارد تا قیام و قیامت. این ملت تابع آن امام حسین(ع) است.

روز دوم ماه محرم فرمود:

هیهات منا الذله

وقتی وارد کربلا شد، فرمود این‌جا کجاست، این‌جا کجاست. یک یک محل شهادت‌ها را شرح داد و فرمود چنین است، ولی:

هیهات منا الذله

من تن به ذلت نمی‌دهم، توی راه هم فرمود؛ روز عاشورا هم گفت.

روز هشتم ماه محرم دستور رسید که آب را بر روی امام حسین(ع) ببندید. گفت:

هیهات منا الذله

شب عاشورا زن و بچهٔ امام حسین(ع) تشنه بودند. می‌گفت:

هیهات منا الذله

پیرمردان او را کشتند، حبیب را کشتند، بریر را کشتند، هنوز این پیرمرد را به قتلگاه نبرده، پیرمرد دیگری روی خاک افتاد، در عین‌حال که این بدن‌های طیب را می‌برد، می‌فرمود:

هیهات منا الذله

من تن به ذلت نمی‌دهم.

علی‌اکبرش را به خیمه‌ها نرسانده بود، قاسم روی خاک افتاد، ولی باز فرمود:

هیهات منا الذله

علی‌اصغرش را در آغوش کشتند و فرمود:

هیهات منا الذله

وقتی که روی اسب قرار گرفته بود و علی‌اکبرش را کشتند و سرش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: خدایا شهادت بده که این مردم با پسر پیغمبر تو چگونه معامله می‌کنند. تیر آمد زیر گلوی امام حسین به گلوی سیدالشهدا اصابت کرد، خون را به طرف آسمان پرتاب کرد و گفت: خدا انا المظلوم. من مظلوم هستم که اینها این‌قدر علیه من دارند تبلیغات می‌کنند و با نام اسلام و با شعار اسلام و با شعار حق هم دارند من را می‌کشند.

مظلومند مظلومند.

ایران واقعاً مظلوم هست، ایران مظلوم است که این بلندگوها و این توطئه‌های استعماری از هر طرف دارد پی‌درپی می‌گوید و می‌کوبد و می‌کشد و هر جنایتی که از دستشان برآید، می‌کنند و در عین حال هم می‌گویند: حق با ماست، ما صلح‌طلبیم.

وقتی هم از روی اسب بر روی خاک افتاد، فرمود:

هیهات منا الذله

و وقتی بدن سیدالشهدا(ع) زیر سم ستوران ریزریز شد، از هر ذره‌ای از بدن ابی‌عبدالله این ندا بلند بود:

- ای انسان‌ها!

هیهات منا الذله

پسر فاطمه زیر بار ذلت نمی‌رود.

بچه‌های اسلام! بچه‌های قرآن! سلحشوران اسلام! رزمندگان جبهه‌ها! پدرها و مادرها! فردا عاشورای ماست و محرم ماست. همهٔ ما به دنبال این شعار باشیم، **جبهه‌ها را پر کنیم، مستحکم کنیم، اگر صلحی باشد با شرافت**، از قبر و گنبد و بارگاه امام حسین(ع) هم این ندا الآن بلند است. از پرچم قرمز بالای گنبد سیدالشهدا(ع) که ان‌شاءالله خدا نصیب رزمندگان ما بکند، و سپس ما به دنبال آنها مشرف شویم، این ندا بلند است:

هیهات منا الذله

(نمازگزاران: هیهات منا الذله)

یا اباعبدالله!

اینک این ملتی که متصل به تو هستند، واقعاً خاطرهٔ سربازان اسلام و روز عاشورا تشدید کردند. همین ندا از گلویشان بلند است و همه این‌جور دارند شعار می‌دهند، امید است **ان‌شاءالله همان‌طوری که رزمندگان ما در خط مقدم جبهه کار حسینی می‌کنند و به دنبال رهبر اصلی جهان حضرت حجت‌بن الحسن العسگری(عج) می‌جنگند و می‌رزمند، امید است ما هم در پس جبهه به وظایفمان در دوایر دولتی‌مان، در بازار و خیابان و کارهایمان عمل کنیم، و الا این خون‌های حسین‌گونه دمار از روزگار متخلفین خواهد کشید.**

باید بیدار و هشیار باشیم.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۲ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **پاسخ نمایندهٔ ایران در سازمان ملل به سخنان کذب نمایندهٔ رژیم عراق**

امضا:

سعید رجائی:

اگر رژیم عراق حمله به ایران را آغاز نکرده بود،

اصلاً لازم نمی‌شد که امروز چنین متظاهرانه فریاد صلح‌طلبی آغاز کند

سرویس سیاسی جمهوری اسلامی:

سعدون حمادی وزیر خارجهٔ رژیم حاکم بر عراق در اجلاسیهٔ وزیران خارجهٔ کشورهای غیرمتعهد که در تاریخ ۶۱/۷/۱۲ در مقر سازمان ملل تشکیل شده بود، طی نطقی ادعا کرد:

– صدام به خاطر حفظ وحدت جنبش حاضر به تغییر محل کنفرانس سران گردید.

وی سپس ضمن پرداختن به **جنگ عراق و ایران** گفت:

– عراق به درخواست کنفرانس اسلامی پاسخ مثبت داد و ضمن عقب‌نشینی یک‌طرفه آمادگی کامل خود را برای قبول آتش‌بس و حل اختلافات از طریق مذاکرهٔ مسالمت‌آمیز اعلام کرده، ولی ایران حاضر به همکاری نبوده و متوالیاً به عراق حمله می‌کند.

آقای سعید رجائی نمایندهٔ ایران در سازمان ملل با استفاده از حق جواب، مطالبی در قبال اتهامات حمادی اظهار داشت.

پس از سخنان آقای رجائی، **نمایندهٔ عراق** وقت جواب گرفت و گفت:

- عراق هیچ ادعای ارضی و قصد تصرف سرزمین‌های ایران را ندارد. ایران حاضر به قبول آتش‌بس نگردیده، لکن عراق به طور یک‌طرفه به درخواست کنفرانس اسلامی عقب‌نشینی کرده است.

نمایندهٔ ایران مجدداً در برابر این ادعا از حق پاسخ استفاده کرده و بیاناتی به این شرح ایراد داشت.

بسم الله الرحمن الرحیم

آقای رئیس!

نخست می‌خواهم که سپاس نمایندگی خود را به شما و رئیس جنبش که کمک‌ها و خدمات بسیار باارزشی به عدم تعهد کرده‌اید، ابراز دارم.

آقای رئیس!

پاسخ به داعیه‌ها و اتهامات عراق را با این آیهٔ کریمهٔ قرآن شروع می‌کنم.

خداوند می‌فرماید:

لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ[1]

آقای رئیس!

اختلاف بین گفتار و کردار نکتهٔ اصلی ا ین آیهٔ کریمه است. **اسلام تفاوت گفتار با کردار را سخت نکوهش کرده و متأسفانه همان تفاوت است که در اظهارات نمایندهٔ عراق کاملاً مشهود است.**

آقای رئیس!

توسل به زور درموازین بین‌المللی در تمام نظام‌های اخلاقی و مذهبی محکوم است.

اگر این اصل مورد قبول نمایندهٔ عراق است.

چرا عراق به کشور ما حمله کرده؟

مهم نیست که عراق چه بهانه‌ها و دلایلی برای کار خود داشت، مهم این است که هر گونه اختلاف و بهانه‌ای داشته، حملهٔ نظامی به جمهوری اسلامی ایران را ابداً توجیه نمی‌کند.

عراق چرا به اشغال غیرقانونی قسمت مهمی از وطن اسلامی ما برای ۲ سال ادامه داد.

این لحن صلح‌طلبانه و منافقانه‌ای که امروز در این مجمع به گوش می‌رسد، ۲ سال پیش و در خلال این ۲ سال کجا بوده؟ آیا وقتی که از زمین و دریا و هوا به وطن ما حمله کردند، این سخنان نرم را فراموش کرده بودند؟

۱- سورهٔ صف، آیات ۲ و ۳

چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

ما در ابتدای جنگ گفتیم که تنها شرط ما برای مذاکرهٔ مسالمت‌آمیز عقب‌نشینی کامل نیروهای عراق به مواضع قبل از جنگ است.

چرا عراق نپذیرفت؟

بعد اعلام کردیم که رژیم عراق مسئول تمام خرابی‌ها و کشتارها و جنایات می‌باشد.

عراق به تخریب و کشتار خود هر چه بیشتر ادامه داد. بارش سنگین‌تر شد. شرایط ما برای صلح از آغاز جنگ تا به امروز یکنواخت و عادلانه بوده، ما گفتیم چون توسل به زور محکوم و غلط است، بنابراین هر گونه تغییری که بر اساس تهاجم عراق در منطقه به وجود آمده، باید به حالت قبل از جنگ برگردد.

یعنی باید تمام خسارت‌های ما جبران شود، تمام عراقی‌های رانده شده به سرمنزل خود برگردند و تمام اراضی اشغالی ما نیز باید عیناً به حالت قبل از جنگ به ما بازگردد.

یعنی ما فقط به دلیل غلط بودن توسل به زور، بازگشت به حالت قبل از جنگ را شرط کرده بودیم.

این شرایط همچنان معتبر مانده و هرگز هم پذیرفته نشده.

عراق می‌گوید که ما حمله کرده‌ایم و حمله می‌کنیم، کاملاً درست است. مسلم است که ما ۲۰ شهر و ۱۲۰۰ دهکده را با تعارف پس نگرفتیم. ما ۲ سال است حمله می‌کنیم و از این پس هم تا گرفتن آخرین وجب از سرزمین‌مان، به حملات خود ادامه خواهیم داد.

دفاع، حق قانونی و شرعی ما است. ما افتخار می‌کنیم که اعلام می‌کنیم در حملهٔ اخیر ۳ تپهٔ بسیار مهم استراتژیکی از سرزمین‌مان را پس از ۲ سال پس گرفتیم. این تپه‌ها علاوه بر اعتبار اراضی، محل آتش نیروهای عراقی بر اماکن غیرنظامی مجاور آنها بود.

ما خوشحالیم که خواهران و برادران ساکن این منطقه را از شر گلوله‌های وحشیانهٔ عراق نجات دادیم و بقیهٔ حقوق‌مان را اگر به صلح نشده، به زور خواهیم گرفت.

اطمینان داریم که دیگر کشورها هم اگر خدای ناکرده مورد تهاجم قرار گیرند، حتماً با همین شجاعت از حریم خود دفاع می‌کنند. تکرار می‌کنم که به تمام هدف‌های عملیات اخیر با موفقیت کامل دست یافته‌ایم و این یک عمل دفاعی و مشروع و قابل احترام بوده، البته لجاجت و سرسختی عراقی‌ها نه تنها در این مجمع، بلکه در میدان جنگ هم در ۲ سال گذشته ثابت شده، می‌دانید که همهٔ مهاجمین، لجوج و زورگو و غیرمنطقی هستند.

اگر عراق حمله به ایران را آغاز نکرده بود، اصلاً لازم نمی‌شد که امروز این‌چنین متظاهرانه فریاد صلح‌طلبی آغاز کند. اگر صلح خوب است چرا از اول فکرش را نکردید؟

اما این‌که ما چرا قطعنامه‌های شورای امنیت را قبول نداریم هم طی یادداشتی رسمی و هم در ۲ مصاحبهٔ مطبوعاتی که یکی از آنها دیروز برگزار شد، به تفصیل اعلام شد.

نکتهٔ کوچک و خیلی مهمی که در پایان سخنم باید یادآوری کنم، این است که ملاحظه کردید نمایندهٔ عراق حتی از آمریکا هم انتقاد کرد.

می‌دانید که در شورای امنیت دیروز نمایندهٔ آمریکا در مذاکرات محرمانه خیلی سخاوتمندانه از عراق حمایت کرده، به علاوه از کمک‌های گوناگون نظامی و غیرنظامی آمریکا به عراق هم که همه خبر داریم، با همهٔ این همه کمک آمریکا کاملاً ناسپاسی است که نمایندهٔ عراق از آمریکا هم انتقاد کند. بهتر است که این کار را ایشان به دیگران واگذارند.

متشکریم.

آقای رئیس!

عراق می‌گوید قصد تصرف اراضی ایران را ندارد. خیلی خوشحالم که به این نتیجه رسیده‌اند.

تجربیات گذشته به عراقی‌ها آموخته است که نباید رؤیای ادعای اراضی و قصد تصرف سرزمین‌های ما را داشته باشند. بهتر است که به این درس خیلی متعهد باشد. چون می‌دانند که تصرف اراضی ایران کار خیلی خطرناکی است و اصلاً به صلاح آنها نیست که غیر از این فکر کنند که الآن اظهار داشتند.

در مورد آتش‌بس درست می‌گویند، ما هرگز حاضر نبودیم و نیستیم که با دشمنی در خانهٔ خودمان سر میز مذاکره بنشینیم.

آتش‌بس را قبول نکردیم و از اول شرط کردیم که هر گونه مذاکره پس از عقب‌نشینی کامل از تمام اراضی ما است.

اما عقب‌نشینی یک طرفه‌ای که فرمودند، چیز تازه‌ای نیست. عراق قریب ۲ سال است که مرتب عقب‌نشینی تاکتیکی و یک‌طرفه می‌کند. ما اسم این کار را عقب‌نشینی نمی‌گذاریم. کلمهٔ مناسب دیگری را باید به کار ببرد که همهٔ شما می‌دانید چیست.

اتفاقاً همین تپه‌هایی که اخیراً آزاد کردیم، به ادعای عراق قبلاً از آنها عقب‌نشینی کرده، اما ملاحظه می‌فرمایید که چگونه دوباره مجبور شد عقب‌نشینی کند.

متشکرم[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۳ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی به دست مزدوران آمریکا**

امضا:

محراب بار دیگر خونین شد

باختران:

نماز جمعهٔ باختـران دیروز به خون کشیده شد و رادمرد دیگری از سلالهٔ پاکان به سوی معشوق شتافت.

آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران که عمری را در راه خدمت به اسلام و مسلمین سپری کرده بود، ساعت ۱۲/۱۵ دقیقهٔ بعد از ظهر دیروز توسط منافقین مزدور آمریکا به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمد.

به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی بعد از پایان سخنرانی قبل از خطبه‌های نماز در حالی‌که از جای خود برخاسته بودند، یک منافق آمریکایی از پشت به ایشان نزدیک شده و در حالی‌که مسلح به نارنجک دستی بود، امام جمعهٔ باختران را در آغوش گرفته و با کشیدن ضامن نارنجک نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران را به شهادت رساند و امت حزب‌الله باختران را داغدار کرد.

بر پایهٔ همین گزارش در جریان این جنایت شوم، مزدوران آمریکا حاج شیخ محمد اشرفی اصفهانی فرزند امام جمعهٔ باختران مجروح شد که بلافاصله به بیمارستان انتقال یافت و تحت

درمان قرار گرفت.

بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی منافق مزدور آمریکا نیز در جریان انفجار نارنجک به هلاکت رسید. در هیمن حال پس از شهادت امام جمعهٔ باختران انبوه نمازگزاران داغدار و مردم مسلمان این شهر در حالی که بر سر و روی می‌کوبیدند و به شدت می‌گریستند، از مسجد خارج شده و با برپایی مراسم سینه‌زنی و عزاداری در خیابان‌ها شهادت امام جمعهٔ خود را به امام زمان(عج)، امام امت و ملت شهیدپرور ایران تبریک و تسلیت گفتند.

خدمات مؤثر چهارمین شهید محراب به اسلام و مسلمین زبان‌زد خاص و عام است و نقش ایشان در انسجام و وحدت مردم مسلمان باختران به خوبی بر همگان روشن است و به همین دلیل هدف کینهٔ انتقام‌جویانهٔ عوامل مزدور آمریکا قرار گرفت.

وی مؤسس حوزهٔ علمیهٔ امام خمینی باختران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

از امام جمعهٔ باختران که در سن ۸۳ سالگی به شهادت رسیدند،۳ فرزند به یادگار مانده است.

یادآوری می‌شود:

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سال گذشته نیز مورد سوءقصد منافقین آمریکایی قرار گرفت، لکن به خواست خداوند متعال هیچ‌گونه آسیبی به ایشان وارد نیامد.

رزمندگان اسلام نیز که همواره از محضر آیت‌الله اشرفی اصفهانی که به طور مستمر در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور می‌یافت کسب فیض می‌کردند، دیروز از فراغ او داغدار شدند و در سوگ نشستند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی بارها مجامع بین‌المللی و جوامعی را که دم از حقوق بشر می‌زنند به محاکمه کشاند، مجامعی که هرگز جنایات منافقین و عوامل آمریکا را در ایران محکوم نکرده و حتی به حمایت از آنان بر جمهوری جوان اسلامی ایران تاختند.

حال فرزند امام جمعهٔ شهید باختران رضایت‌بخش است.

باختران:

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی حال حاج شیخ محمد اشرفی اصفهانی فرزند امام جمعهٔ شهید باختران که در جنایت شوم دیروز عوامل آمریکا مجروح شده بود، رضایت‌بخش است.

در پی شهادت عالم ربانی حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران

به دست منافقین مزدور آمریکایی از سوی روحانیون، مسئولان، ائمهٔ جمعه و نهادهای انقلابی شهرستان‌ها و استان‌های مختلف کشور اطلاعیه‌هایی انتشار یافت.

بنا به گزارش رسیده امام جمعه، حاکم شرع و استاندار خوزستان با انتشار اطلاعیهٔ مشترکی اعلام کردند که **امت شهیدپرور بر اثر این شهادت‌ها صف خود را پشت سر رهبری الهی‌شان استوارتر گردانیده و تن به هیچ سازش و ذلتی نخواهد داد.**

همچنین از سوی امام جمعهٔ میبد پیام‌هایی مبنی بر عرض تبریک و تسلیت شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی به محضر امام امت به دفاتر رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعهٔ یزد ارسال شد.

سپاه پاسداران باختران با انتشار اطلاعیه‌ای این مصیبت جانگداز را به پیشگاه حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج) و نایب برحقش امام خمینی تبریک و تسلیت گفتند.

همچنین استاندار باختران با انتشار اطلاعیه‌ای امروز را در باختران تعطیل عمومی و ۱هفته را در سراسر استان عزای عمومی اعلام کرد.

بنا به گزارش رسیده به همین مناسبت از سوی امام جمعهٔ ایلام نیز تلگرام تبریک و تسلیتی به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران مخابره شد.

همچنین از سوی استانداری ایلام، شورای هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی استان، ائمهٔ جمعهٔ شهرهای دره‌شهر، ایوان و آبدانان اطلاعیه‌هایی در رابطه با شهادت یار دیرین امام و **چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران** انتشار یافت.

نمایندهٔ امام در غرب کشور نیز طی تلگرامی به حضور رهبر کبیر انقلاب امام خمینی شهادت امام جمعهٔ باختران را تبریک و تسلیت گفت.

همچنین از سوی امام جمعه، روحانیت متعهد خمینی‌شهر و نهادهای انقلابی این شهر اطلاعیه‌هایی به همین مناسبت انتشار یافت و شهادت افتخارآفرین چهارمین شهید محراب، مظهر علم و تقوا حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی را به پیشگاه باعظمت حضرت بقیه‌الله الاعظم(عج) و نایب برحقش امام خمینی تبریک و تسلیت گفته و در خمینی‌شهر ۳ روز عزای عمومی اعلام کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۴ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تعطیل عمومی و عزای عمومی در باختران و سراسر کشور**

به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی

امضا: **نخست‌وزیر، میرحسین موسوی**

در رابطه با **شهادت جانگداز چهارمین شهید محراب آیت‌الله حاج عطاءالله اشرفی اصفهانی** که ظهر دیروز در مراسم نماز جمعه آماج کینهٔ انتقام‌جویانهٔ عوامل مزدور آمریکا قرار گرفت و شربت شهادت نوشید، از سوی **میرحسین موسوی نخست‌وزیر** اطلاعیه‌ای انتشار یافت.

متن اطلاعیه به این شرح در اختیار خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار گرفت.

بسم الله الرحمن الرحیم

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ
فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلا[1]

یاران آمریکا، بازوان صدام عفلقی، **دژخیمان سیه‌چهرهٔ منافق** در آستانهٔ محرم حسینی حضرت آیت‌الله حاج عطاءالله اشرفی اصفهانی را در محراب به شهادت رساندند و ورقی دیگر بر اوراق بی‌شمار جنایات خود افزودند.

این جانیان هرگز از تاریخ پرافتخار اسلام و انقلاب اسلامی درس نگرفته‌اند و نفهمیده‌اند که این اقدامات جنون‌آمیز جز آن‌که ارادهٔ ملت ما را برای جنگ با آمریکا و ستیز با نفاق و منافقین محکم‌تر گرداند، اثری دیگر نخواهد داشت.

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

پرسیدنی است که:

– آیا این روحانی بزرگ جز آن‌که به اسلام و مردم مستضعف خدمت کند، چه گناهی مرتکب شده بود؟

ولی ملت بزرگ ما می‌دانند که گناه همهٔ شهدای محراب در قاموس این کج‌اندیشان درنده خو ایستادگی آنان در مقابل آمریکا و جهاد مقدسشان برای استقلال کشور و حمایتشان از شعار:

نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی

بوده است.

افتخار بر این رادمردان روحانی باد که در زندگی دنیوی خود به دنیای کثیف دنیاطلبان و چپاولگران و سلطه‌جویان و منافقین پشت کردند و به اسلام و به توده‌های میلیونی مؤمن به اسلام و ستیزه‌گر با مستکبران پیوستند.

درود و سلام بر این پیروان راستین حسین بن علی(ع) باد که با ایثار خون پاک خود نشان دادند محراب سنگر امت و در جمهوری اسلامی همهٔ قشرهای ملت از پیر و جوان، زن و مرد، روحانی و غیر روحانی حاضرند از جان خود بگذرند، ولی از اسلام هرگز.

دولت جمهوری اسلامی شهادت روحانی جلیل‌القدر و عالم ربانی حضرت آیت‌الله حاج عطاءالله اشرفی اصفهانی را به محضر شریف بقیه‌الله‌الاعظم(س) و نایب برحقش امام امت و ملت شریف ایران و خانوادهٔ آن بزرگوار تبریک و تسلیت عرض نموده و روز شنبه ۲۴ مهر را در استان باختران تعطیل عمومی و در سراسر کشور عزای عمومی اعلام می‌نماید.

ما به عموم ملت بزرگ خود قول می‌دهیم که دولت از تعقیب راهی که شهیدان بزرگوار محراب پیمودند، نخواهد ایستاد و لحظه‌ای از مبارزه علیه استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا و رژیم سرسپردهٔ بغداد غافل نخواهد شد.

میرحسین موسوی نخست‌وزیر[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۵ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شرایط ترک جنگ از نگاه قرآن، نقش منافقین در کشور و وظایف نهادهای مسئول**

امضا: **چهارمین شهید محراب، آیت‌الله حاج عطاءالله اشرفی اصفهانی**

آخرین مصاحبهٔ چهارمین شهید محراب

س: نظرتان را در مورد ورود رزمندگان اسلام به خاک عراق و ادامهٔ جنگ بیان بفرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحیم

حاکم بین ما و عراق یعنی ارتش عراق و صدام، قرآن است، آنها هم که خودشان را مسلمان می‌دانند و می‌گویند **کتاب ما قرآن است بسیار خوب، قرآن را می‌گذاریم بین ما و آنها تا حاکم باشد.**

قرآن چه می‌گوید؟

قرآن می‌گوید اگر ۲ طایفه از مسلمان‌ها با یکدیگر نزاع کردند، یا ۲ تا ملت یا کشور، ۲طایفه، ۲ قبیله، بین آنها را اصلاح کنید و اما یکی از آنها برآیند و هر آینه ابتدای جنگ کرد در قرآن تعبیر به یاغی شده است، یعنی متجاوز.

آن‌که اول آغاز به جنگ می‌کند، اگر یک کشور مسلمانی با کشور مسلمان دیگر شروع به جنگ کرد، به طرفی که جنگ به او تحمیل شده است، صریحاً خطاب می‌کند به همهٔ مسلمان‌های دنیا، گوش‌ها را باز کنند و بشنوند تمام مسلمان‌ها آنهایی که قرآن را کتاب آسمانی

می‌دانند، چقدر هستند؟ ۱ میلیارد مسلمان.

این خطاب قرآن متوجه تنها ایران نیست که جنگ به او تحمیل شده است و به ارتش و سپاه و بسیج تنها نیست، به تمام سران مسلمان‌هاست؛ هرچه که در توان دارند، قرآن صریحاً می‌فرماید:

فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلى أَمْرِ اللهِ[1]

هر آینه آن طایفه‌ای که یاغی شدند. متجاوز شدند، تعدی کردند، آغاز جنگ کردند، بر تمام مسلمان‌هاست که پاسخ او را به کشتن آنها بدهند و آنها را بکشند.

این جنگ را کی ابتدا شروع کرده؟ یک دفعه از آسمان و زمین در ماه حرام در ماه ذی‌القعده بوده که حتی کفار اجازه نمی‌دادند با همدیگر نبرد بکنند، خداوند هم امضا کرد.

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ...[2]

در ماه حرام اینها شروع کردند از هوا و زمین، کوبیدن؛ ما در مقابل آنها ساکت بنشینیم؟ خیر. دستور صریح قرآن این است که باید اینها را کشت در صورتی که مسلمان باشند و حال آن که این ارتش بعث و صدام اینها محکوم به کفرند. مسلمانش را باید کشت، مؤمن هم باشد باید کشت، که متجاوز شد، چه برسد به کافر.

اینها را مسلمان فرض می‌گیریم (با این‌که محکوم به کفرند). ارتش بعث صدام در فرض مسلمان، خدا صریحاً گفته است باید با آنها مقاتله کرد و مبارزه کرد و کشت تا کی؟

این جواب شماست که رفتن به خاک عراق برای چیست؟

می‌فرماید باید با اینها مقاتله کرد:

تَفِيءَ إِلى أَمْرِ اللهِ

تا وقتی که اینها بیایند در پناه اسلام.

یعنی از کار خودشان صرف‌نظر کنند. یعنی این‌که آتش‌بس را خود اجرا کنند. ارتش را عقب بکشند، نه این‌که یک قسمت زمین را رها کند و با توپ‌های دوربرد شهرهای ما را بکوبند و از هوا بر سر مردم بمب بریزند.

۱- سورهٔ حجرات، آیهٔ ۹

و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدّی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدّی می‌کند، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.

۲- سورهٔ توبه، آیهٔ ۵

پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید...

اینها هنوز تجاوز را رها نکرده‌اند. تا مادامی که آنها در حال مبارزه با ما هستند، خدا صریحاً فرموده شما باید با اینها مبارزه کنید. تا وقتی اینها نه تنها دست از جنگ بردارند، بلکه حتی:

تَفیءَ إلی أمْرِالله

تا برگردند به امر خدا.

اینها هر روز از راه دور آبادان را می‌کوبند و هر روز چند شهید و معلول و چند خانه را ویران می‌کنند و **ورود رزمندگان اسلام به خاک عراق برای این است که اینها را عقب بزنند تا این‌که نتوانند با توپ‌های دوربرد خود شهرهای ما را بزنند.**

مسأله باز مسألهٔ دفاع است. این جنگ بر سر ما تحمیل شده و ما داریم دفاع می‌کنیم. دنیا خودش فهمیده که این جنگ را کی آغاز کرده و کی دارد می‌جنگد و کی دارد دفاع می‌کند. دنیا دیگر فهمیده است.

قرآن می‌گوید:

– تا وقتی که اینها نگشته‌اند به امر خدا، باید با اینها مقابله کرد. آیا اینها مسلمان شدند تا ما دست برداریم؟

آیا این صدام مسلمان شده؟ بله، منافق هم نماز می‌خواند. قرآن دارد که منافقین برای خودنمایی برای اغفال مردم ساده‌لوح گاهی نماز هم می‌خوانند، در حرم هم می‌روند و نماز می‌خوانند.

این است که **رفتن در خاک عراق اول جنبهٔ دفاعی دارد، بعد هم هدف اصلی رزمندگان ما سقوط صدام است و سقوط ارتش رژیم بعث؛** تا این رژیم، تا این صدام سر کار هست، مطمئن باشید به دنیا هم اعلام می‌کنیم:

– وظیفهٔ الهی و شرعی و وجدانی و وظیفه‌ای که خدا برای ما قرار داده، این است که جنگ ادامه یابد تا سقوط صدام و سقوط رژیم بعث.

قرآن هم همین را می‌گوید و یکی دیگر این است که **اینها منظورشان راه‌گشایی است برای کربلا، برای زیارت قبر مطهر امام حسین(ع)** و در شعارهایشان هم می‌گویند می‌خواهند راه کربلا را باز کنند و در آن‌جا راه بیت‌المقدس را باز کنند و به یک وجب زمین عراق، دولت و رزمندگان ما طمع ندارند.

ما نه اشغالگریم، نه طمع به خاک دیگران داریم. رفتن در خاک همسایه اول جنبهٔ دفاعی دارد، بعداً به منظور سقوط صدام و این رژیم بعثی است که جنایت آنها بر مردم ایران واضح است. شاید بیشتر خود مردم عراق متوجه به این باشند که در تاریخ یک چنین مرد حسابی نیامده

است و برای پاک‌سازی عراق از لوث کثیف این ارتش بعثی و رژیم بعث و این حکومت صدام، رفتن به خاک عراق نه برای اشغال خاک عراق است و **خود امام هم دستور دادند به این‌که به خاک کسی تجاوز نکنید، حتی خون از دماغ کسی نیاید**؛ و این را هم مسلّم بدانید که اگر هدف ما اشغالگری بود، ما همان اوایل می‌توانستیم چند تا شهرهای آنها را بکوبیم و لیکن اسلام به ما دستور نداده است.

برنامهٔ ما قرآن است و همین آیهٔ شریفه.

س: نظر جنابعالی در مورد توطئهٔ اخیر آمریکا در خاورمیانه و اخراج برادران فلسطینی از بیروت و همچنین وظیفهٔ مسلمانان ایران و جهان در این رابطه چگونه است؟

اگر برای این تجاوز رژیم بعث و صدام به ایران یک سرپوشی روی آن می‌گذاشتند و می‌گفتند که مثلاً اینها نماز می‌خوانند و... و لیکن مسألهٔ اسرائیل و صهیونیسم، حمله به لبنان و این‌که آوارگان فلسطین از آن‌جا خارج بکنند و چنان‌که امام فرمودند این‌که بیروت را اینها اشغال کردند، این است که دیگر مهملی ندارد.

قرآن وقتی آن یاغی متجاوز که اگر مسلمان هم باشد، دستور صریح داده به تمام مسلمین بر مقاتله و قتل یاغی درتمام زمان‌ها..

آیا دشمنی بدتر از اسرائیل سراغ داریم؟

خداوند دربارهٔ آنها می‌فرماید:

أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذينَ أَشْرَكُوا [1]

این خطاب که باید متجاوز را از بین برد، متعلق به ۱ میلیارد مسلمان است و با این وضع عمدهٔ سران کشورهای اسلامی جای تأسف است و این‌جاست که باید کلمهٔ استرجاع گفت که اینها همین‌طور تماشاگر شده‌اند، فقط می‌شنوند که بمب‌های خوشه‌ای را ریختند سر مردم بی‌پناه، مردم را آواره کردند، فلسطینی‌ها را از لبنان و بیروت و مرتباً شهرها را می‌کوبند و آقایان تماشاگر شده‌اند، گوش می‌دهند و هیچ احساس وظیفه نکردند و احساس مسئولیت نکردند. همان است که **امام اعلان خطر کرده است که یک روزی ممکن است اسرائیل به حرمین مطهر دست پیدا کند.**

آیا این همه نالهٔ برادران لبنانی و فلسطینی به گوش سران کشورهای اسلامی نخورد؟

۱- سورهٔ مائده، آیهٔ ۸۲

یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.

پیامبر اکرم(ص) فرمود:

مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنَادِی یَا لَلْمُسْلِمِینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ[۱]

اگر یک مستضعفی در گوشهٔ دنیا داد بزند ولو مسلمان هم نباشد، همین‌قدر مخلوق خدا باشد، داد بزند، ای مسلمان‌ها به دادمان برسید و کسی پاسخ به ندای او ندهد. پیغمبر فرمود این آدم مسلمان نیست.

آیا این تجاوزات که اسرائیل کرده است به لبنان و این آوارگان فلسطین و اشغال بیت‌المقدس آیا به گوش اینها نخورده؟

فقط تأسف این است که اینها تماشاگرند و فقط گوش می‌دهند و **این در اثر این است که اینها ارتباط دارند با اسرائیل و آمریکا و شرق و غرب.**

امیدوار هستیم که در این ایام حج وظیفه است که به عهدهٔ حجاج بیت‌الله‌الحرام است، چه ایرانی و چه غیرایرانی، این مظلومیت خودشان را به مسلمان‌های دنیا ابلاغ کنند و این رسالتی که به عهدهٔ آنهاست ان‌شاءالله در **مراسم حج** انجام **وظیفهٔ** خودشان را بکنند و **مظلومیت مردم مسلمان ایران و فلسطین و بیت‌المقدس** را به مسلمان‌های دنیا ابلاغ کنند.

س: در مقابل حرکات مذبوحانهٔ منافقین، شکنجه نمودن و به شهادت رساندن امت مسلمان، انفجار بمب، **وظیفهٔ دادگاه‌ها و دادستانی انقلاب اسلامی نسبت به این مزدوران شرق و غرب** چیست؟

اینها روی آن اشخاصی که در تداوم این انقلاب سهم بیشتری داشتند، حساسند.

- یکی روحانیون مبارزند،

- و یکی هم این برادران سپاهی و بسیجی؛

که سهم اینها در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها حمایت از اسلام و مسلمان‌ها و پاسداری از جان و مال مسلمین و حفاظت از قرآن.

سهم آنها نسبت به باقی رزمندگان بیشتر است. **دادگاه‌ها، سپاه، بسیج، کمیته‌ها** باید بیشتر از سابق برای دستگیری اینها (تروریست‌ها) فعالیت داشته باشد و خود مردم هم در این میان وظیفه دارند. **رقم جنایاتی که اینها انجام دادند که در تاریخ دنیا سابقه نداشته است** و نمونهٔ آن را نمی‌توانیم پیدا کنیم.

در خطبهٔ نماز جمعه گفتیم **بر تمام افراد ملت ایران است که اینها را شناسایی بکنند.**

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵

مختصر مسامحه‌ای بشود و یک نفر از اینها جنایتی بکند، در جرم آنها شریکند.

لذا این کار را نباید منحصراً در اختیار دادگاه‌ها و دادستانی‌ها و کمیته‌ها، سپاه و شهربانی قرار بدهیم. اینها قوهٔ مجریه هستند و لیکن برای معرفی آنها وظیفهٔ ما مسلمان‌هاست. پسر پدرش را باید معرفی کند. برادر، برادر را و اگر این کار را نکرد، روز قیامت جوابی پیش خدا ندارد.

لذا پیامم به همهٔ مسلمان‌ها این است که باید اینها را جداً معرفی کنند و اگر آنها بدانند به این‌که مردم در کمین آنها هستند و در مقام شناسایی آنها هستند، ناچارند دست از کار خودشان بردارند. بی‌تفاوت نمی‌شود از این قضیه عبور کرد. مسأله خیلی مهم است. **ان‌شاءالله دادگاه‌ها و دادستان‌ها، کمیته‌ها، شهربانی، پاسدارها بیشتر مراقبت بکنند برای دستگیری اینها و مردم هم برای شناسایی اینها وظیفه دارند.**

بنابراین چه **قوهٔ مجریه**، چه **قوای دادگاه‌ها** که قضات باشند، چه **خود مردم** در این زمینه همه موظفند و **همه مسئولیت دارند** و من‌باب **وظیفهٔ شرعی** می‌گوییم و **ترسی هم از اینها نداریم** و وظیفهٔ مسلمان‌ها شناسایی آنهاست.

س: در بازدیدتان از جبهه‌های غرب و جنوب کشور روحیهٔ رزمندگان اسلام را چگونه دیدید؟

– ما در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس و عملیات ماه رمضان را که هنوز موفق نشدیم برای بازدید آن، روحیهٔ برادران رزمنده، پیشروی آنها و فتوحاتی که به دست آمده، در خدمت امام عنوان کردیم و **ما در فتوحات هر چه دیدیم، فقط خدا را دیدیم.**

یعنی معلوم بود فقط **نیروی غیبی و نیروی الهی و حمایت امام عصر ارواحنا له‌الفداه پشتیبان رزمندگان ما بوده** و الا با این‌که ما در رموز جنگی وارد نیستیم، ولی تا اندازه‌ای که رفتیم و بررسی کردیم، **فقط دست خدا را دیدیم و حمایت غیبی و مدد الهی و حمایت امام زمان** و این‌که فتوحات به دست آمده، **شبه اعجاز** است.

و اما **روحیهٔ بچه‌های سپاه و بسیج و ارتش** و کارهایی را که اینها انجام می‌دادند، البته **جهاد سازندگی** هم سهم بزرگی داشته، **روحانیون** هم سهم بزرگی داشتند؛ مجموعاً آن‌چه را که نسبت به آنها احساس کردیم، این است که **اینها خودشان را مالک خودشان نمی‌دانستند. یعنی از خود دیگر اختیاری نداشتند و واقعاً عاشق و فریفتهٔ شهادت بودند و هدف آنها فقط شهادت برای اعتلای کلمهٔ توحید و برای پیروزی اسلام و برای پیشرفت مبارزهٔ حق علیه باطل می‌باشد** و همین‌طوری که در قرآن خوانده‌ایم هیچ توجهی به خود نداشتند و در آن بیابان گرم با کمبود مواد غذایی

و آب معذلک آن‌گونه پیشروی می‌کردند و این به جهت آن است که اینها خودشان را مالک خودشان نمی‌دانستند و عاشق شهادت و عاشق خدا بودند.

روحیهٔ برادران را ما نمی‌توانیم وصف کنیم. فقط به طور اختصار آن‌چه ما لمس کردیم، گفتیم و این نیست مگر به واسطهٔ حقیقت اسلام و حقیقت جمهوری اسلامی و اخلاصی را که خود فرماندهٔ کل قوای ما که امام بزرگوار باشد که فرماندهٔ همهٔ آنهاست، اینها در اثر همان اخلاص امام و به پاکی امام و این‌که **اینها خودشان تشخیص دادند که هدف‌شان حفظ اسلام و قرآن و میهن اسلامی است و در استقبال از جنگ و شهادت هیچ باکی نداشتند** و این پیشروی آنها برای همین است.

س: در رابطه با حزب و روزنامهٔ جمهوری اسلامی اگر رهنمودی دارید بفرمایید:

– چون این حزب جمهوری اسلامی یادگاری است از **مرحوم آیت‌الله شهید بهشتی** که واقعاً **از افرادی که جای ایشان خالیست، همین شهید مظلوم است** که دربارهٔ او امام فرمود:

– عاش مظلوما و مات مظلوما.

این است که این یادگاری ایشان باید باقی بماند و تقویت هم بشود.

روزنامهٔ جمهوری اسلامی مقاله‌های مذهبی و دینی دارد که جنبهٔ آموزشی دارد. لذا این است که مردم باید شرکت بکنند و بیشتر استفاده بکنند.

مصاحبهٔ دوم

س: حضرت آیت‌الله اشرفی در مسافرتتان به **اصفهان** و حومه **روحیهٔ اهالی استان** را چگونه لمس نموده‌اید؟

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنّا لاَ نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً[1]

خداوند تبارک و تعالی ضایع نمی‌کند اجر نیکوکاران را.

بنده علاوه بر سوابقی که در اصفهان داشتم و سال‌هایی را در آن‌جا پیش علمای بزرگ کسب فیض نموده‌ام و شخصیت‌های علمی را در این شهر درک کرده‌ایم و از آنها استفادهٔ علمی و روحی نموده‌ایم، در این زمان انقلاب و در این جنگ تحمیلی وظیفهٔ مسلمان‌هاست

۱– سوره کهف، آیهٔ ۱۲۲

ما اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

که جهاد با دشمن بنمایند، چه با مال و چه با جان.

استان اصفهان سزاوار است گفته شود استان ایثار و ایمان و شهادت؛ چون در راه خدا با دشمنان داخلی و خارجی مانند صدام و ارتش بعثی استان اصفهان شهدای زیادی داشته است و همچنین با شرکت **در جبهه‌ها رقم بالایی را ارتش و سپاه و بسیج این استان** به خود اختصاص داده‌اند و به قول خود **صدام گفته اصفهان است که با ما می‌جنگد** و همیشه با آرزوی شهادت در خط مقدم جبهه‌ها با دشمن نبرد کرده‌اند و با خون خودشان شجرهٔ طیبهٔ اسلام را آبیاری و به انقلاب و جمهوری اسلامی تداوم بخشیدند و نسبت به ایثارهای آنها که آن هم جهاد فی سبیل‌الله است با این‌که خودشان در محاصرهٔ اقتصادی بودند، در حد امکان برادران در جبهه را یاری کردند و نسبت به اقشار دیگر، خدمات این استان مورد تقدیر است.

من‌باب مثال پزشکان معالج ویزیت خودشان را تخفیف دادند و جلو بیمارستان‌ها اعلامیه نصب کردند که ما از پذیرفتن زن‌هایی که رعایت حجاب نکنند، معذوریم و **اسلام واقعی را تا حد امکان در این استان پیاده کردند** و من به سهم خود از تمام آنها تشکر می‌نمایم و خدمت امام بزرگوار در سفر قبلی که مشرف شدیم، مشاهدات خودم را خدمت ایشان عرض کردم و امام هم تصدیق کردند.

این تحول روحی که در این استان هست و قبلاً هم بوده، در اثر وجود با برکت روحانیون مبارز و متعهد و علمای ربانین و گویندگان مذهبی است که آنها را ساخته است.

س: بفرمایید چه پیامی برای مردم دارید؟

فعلاً ما در این جنگ تحمیلی در مقابل ۲ گروه واقع شده‌ایم؛

- دشمنان خارجی،

- و دشمنان داخلی؛ که این **منافقین از خدا بی‌خبرند**. و من در پیام خودم عرض کردم سرتاسر ایران باید در قبال این منافقین چه دادگاه‌ها، کمیته‌ها، شهربانی، سپاه و بسیج و امت حزب‌الله کاملاً مراقب این عدهٔ از خدا بی‌خبر باشند و **مردم باید برای شناسایی و معرفی آنها** توجه داشته باشند. **وظیفهٔ شرعی همهٔ آنهاست که پس از تشخیص به این‌که اینها در خط انحرافی هستند، آنها را معرفی کنند.**

و توصیه می‌کنم به **جوانان اغفال‌شده**:

- هرچه زودتر به آغوش اسلام برگردند و دست از جنایت‌های خودشان بردارند؛ و الا بر حسب فرمودهٔ خداوند تبارک و تعالی که دربارهٔ آنها فرمود:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللهَ عَلى حَرْفٍ فَإِنْ أَصابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ
وَ إِنْ أَصابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ[1]

اگر گوش به حرف ما نمی‌دهند، به فرمایش خدا گوش دهند و این آیه دربارهٔ اشخاصی است که در این انقلاب اسلامی چیزی عاید آنها نشده و ضدانقلاب شده‌اند.

خداوند می‌فرماید:

- هم در دنیا زیان‌کارند و هم در آخرت.

در خاتمه من از همهٔ اهالی اصفهان و خمینی‌شهر و باختران که آن‌جا هم وطن ماست، کمال تشکر دارم؛ مخصوصاً از گروه نظامی و انتظامی و از آنها تقاضامندیم که در امنیت منطقه مخصوصاً از منافقین داخلی بیشتر رعایت شود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته[2]

۱- سورهٔ حج، آیهٔ ۱۱

و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می‌پرستد. پس اگر خیری به او برسد، بدان اطمینان یابد، و چون بلایی بدو رسد، روی برتابد. در دنیا و آخرت زیان دیده است. این است همان زیانِ آشکار.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۶ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **ضرورت بازنگری در حفظ جان شخصیت‌های انقلاب و...**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

محراب تا کی باید خونین شود؟

بسیاری از مردم ایران از جمله رزمندگانی که در جبهه‌های غرب مشغول نبرد علیه مزدوران عفلقی آمریکا بوده و هستند، چهرهٔ نورانی شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی پیرمرد روشن‌ضمیری را که با محاسن سفید و قد خمیده عصا به دست به جبهه‌ها می‌رفت و صورت یک‌یک سربازان را می‌بوسید و با نفس گرم و پربرکت خود به آنها قوت قلب می‌داد، دیده بودند.

مردم استان باختران، سال‌های سال بود که با سخنان دلنشین این پیرمرد محراب انس داشتند. مستمندان و مستضعفان کرمانشاه (باختران) در چهرهٔ مهربان او پدری دلسوز را می‌دیدند که عمر خود را برای خدمت به آنها سپری کرده بود.

او کسی بود که امام از ۶۰ سال پیش او را می‌شناخت و بر اساس همین شناخت او را یکی از مصادیق:

رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْه

نامید. و دیروز محراب نماز جمعهٔ باختران با خون چنین انسان عالم مجاهد خدمتگزار انسان‌دوستی رنگین شد.

کسانی که دست کثیف خود را به خون چنین انسان پاکی که به فرمودهٔ امام آزارش به

موری هم نرسیده بود، آلوده می‌کنند. در پی چه چیزی می‌توانند باشند؟

اگر در میان مردم باختران تا کنون بودند کسانی که قلبشان پر از کینهٔ آمریکا و مزدوران داخلی او بود، با این جنایت، قلب همهٔ آنها مالامال از چنین کینه‌ای شد.

اگر در میان مردم باختران تا کنون بودند کسانی که در مشت کردن دست‌هایشان علیه آمریکا و نوکران داخلی‌اش تردید داشتند، خون این روحانی ۸۳ ساله که عمرش را جز در خدمت به اسلام و مردم نگذرانده بود، این تردید را از میان برخواهد داشت و **باختران یک‌سره به فریادی علیه دشمنان این انقلاب تبدیل خواهد کرد و این فریاد برای همیشه از بام تا شام و از شام تا بام در فضای این استان دلاورخیز طنین‌افکن خواهد بود.**

پس، روشن است که قاتلان این شهید مجاهد نصیبی جز خسران نخواهند داشت.

خود او چطور؟

آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی ۸۳ سال عمر کرده بود و **هیچ مرگی برای او شرافتمندانه‌تر، زیباتر و باعزت‌تر از شهادت، آن هم در محراب عبادت خدا نبود.**

خون او درخت انقلاب را آبیاری کرد و بدن پاک او بر روی دست‌های هزاران انسان خداجوی عاشق و ارادتمند تشییع می‌شود و **روح سبک‌بار او به سوی شهدا، صدیقین و اولیای خدا پرواز می‌کند.**

بنابراین:

در این معامله آن کس که سود برد،

او بود؛

و آن‌کس که زیان کرد،

قاتلان او بودند.

در عین‌حال، کسان دیگری هم هستند که از خونین شدن محراب مسجد جامع باختران زیان بردند. مردم باختران و همهٔ مردم ایران و همهٔ مسلمانان و همهٔ مستضعفان جهان؛ چرا که صاحب این خون تنها به خودش تعلق نداشت. او به مردم باختران هم تعلق داشت.

او و **کسانی مانند او که اسطوره‌های علم، تقوا، فضیلت، انسان‌دوستی و خدمتگزاری به بندگان خدا هستند، پشتوانه‌های فرهنگی و مبارزاتی انقلابی هستند که همهٔ مردم مستضعف جهان به آن چشم‌دوخته‌اند.**

هر لحظه از عمر آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی با ۸۳ سال برابر بود و به اندازهٔ ۸۳ سال برای بندگان مظلوم خدا ارزش داشت. و دقیقاً به همین دلیل بود که مزدوران آمریکا کمر به

قتل او بستند و او را مانند مولایش امیر مؤمنان و مولای متقیان در محراب عبادت به شهادت رساندند.

همین خسران که متوجه مردم و انقلاب شد و همین ثلمه که بر اسلام وارد آمد، سبب می‌شود تا بار دیگر **از مسئولین حفاظت بپرسیم:**

- محراب تا کی باید خونین شود؟

آیا تجربهٔ **شهادت آیت‌الله مدنی، آیت‌الله دستغیب، حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد و آیت‌الله صدوقی** کافی نبود؟

آیا مسئولانی بی‌توجه نسبت به جان آیت‌الله صدوقی مجازات شده‌اند؟

چرا شورای‌عالی قضایی که وعدهٔ رسیدگی به این مسأله را داده بود، حتی یک کلمه هم در زمینهٔ نتیجهٔ رسیدگی اعلام نکرده است؟

چرا دیگر سخنی از کسانی که انفجار خیابان ناصرخسرو از سهل‌انگاری‌های آنها ناشی شد، گفته نمی‌شود؟

آیا این درست است که در روزها و ساعات اولیه پس از انفجارها و شهادت‌ها فریاد برآوریم یا قاصرین را بکوبیم، ولی به زودی همه‌چیز را به فراموشی بسپریم؟

آیا این صحیح است که نق‌زدن‌های این و آن سبب شود دادگاه‌های انقلاب را ملامت کنیم و آنها را به کندی بکشانیم و نگذاریم کسانی را که شمشیر به روی این انقلاب می‌کشند و کسانی را که به شکل‌های گوناگون از این مزدوران آمریکا حمایت می‌کنند، به مجازات برسانند؟

چنین وضعیتی تا کی قابل تحمل است؟

تا چه وقت باید صبر کرد و شاهد خونین شدن یک‌یک محراب‌ها بود؟

تا کی باید این مردم شاهد از دست دادن استوانه‌های انقلابی باشند که با خون بهترین فرزندان خود آن را به ثمر رسانده‌اند؟

اگر این روزها شاهد مطرح شدن مسألهٔ وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی هستیم،

آن هم به برکت خون همین شهداست،

نه توجه و عنایت نمایندگان؛

که بیش از دیگران در این زمینه‌ها مسئولند.

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید اجازه بدهند مسأله‌ای با این اهمیت به خاطر ملاحظه‌کاری‌ها و اختلاف سلیقه‌ها-که چه بسا بسیاری از آنها بر مبنای رعایت منافع و مصالح شخصی و گروهی باشد- در چنین امروز و فردا شدن‌ها گرفتار آید؟

آیا نمایندگان مجلس فکر می‌کنند مردم این ملاحظه‌کاری‌ها را که به از دست رفتن عزیزانی چون آیت‌الله اشرفی اصفهانی که امام او را عالمی زاهد و مجاهد و متقی و آشنای ۶۰ سالهٔ خود می‌نامید، منجر می‌شود، نادیده خواهند گرفت؟

آیا **این ضایعات** که یکی از علل ادامهٔ آن **عدم توجه به مسئولیت‌ها** می‌باشد، جبران‌پذیرند؟ انتظار ما آن است که:

این‌بار طوری نباشد که تب ضرورت مقابلهٔ جدی با تروریسم پس از سوم یا هفتم و یا حداکثر چهلم این شهید عزیز فروکش کند و باز روز از نو و روزی از نو؟

امیدواریم که از این پس این مسأله جدی گرفته شود که اگر جدی گرفته شود، دیگر هرگز با چنین ضایعاتی روبه‌رو نخواهیم بود. ان‌شاءالله.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۵۷** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **درخواست تعقیب و مجازات سران نهضت آزادی**

امضا: **بنیاد امور جنگ‌زدگان**

به دنبال **سخنرانی افشاگرانهٔ حضرت آیت‌الله مشکینی در رابطه با سران نهضت آزادی** و بیانیه‌های اخیر آنها، **بنیاد امور جنگ‌زدگان** طی صدور اطلاعیه‌ای خواستار تحت تعقیب و مجازات سران این گروه شد، که متن آن به شرح زیر است:

بسمه تعالی

«نهضت ما همان‌طور که قدرت‌های بزرگ را شکست،

این ریشه‌های ضعیف را هم مدفون می‌کند.

ما آن روز که بفهمیم دشمنان توطئه‌گر دست از لجاجت برنمی‌دارند،

یک روز فاتحهٔ آنها را می‌خوانیم.»[1]

(امام خمینی)

باز شاهدیم که شیطان‌های کوچک به یاری ارباب خود شتافته و سعی بر آن دارند تا شکست‌های پی‌درپی اربابشان را در دنیا از طریق حرکت‌های منافقانه جبران کنند.

آری، **هر گاه زخمی بر پیکر آمریکای جهان‌خوار وارد می‌شود، اسرائیل و صدام با خوش‌رقصی خود سعی می‌کنند افکار جهانیان را به طرف خود معطوف نمایند**، وقتی که عروسک‌های شیطان

۱- صحیفهٔ امام، ج ۹، ص ۱۶۵- ۲۹ تیر ۱۳۵۸/ ۲۵ شعبان ۱۳۹۹ (صحیفهٔ نور، ۲۸/ ۴/ ۵۸)

بزرگ در بغداد و لبنان از مسلمانان همیشه در صحنه ضربه می‌خورند، ایادی‌شان در داخل کشور اسلامی‌مان با جوسازی و شایعه‌پراکنی سعی دارند مسألهٔ جنگ و کشتار مسلمانان را به سوی خود منحرف نمایند.

آری، باز شاهدیم که **نهضت آزادی مقارن با پیروزی‌های چشمگیر رزمندگان اسلام در جبهه‌ها و کشف خانه‌های تیمی در شهرها، مذبوحانه به دست و پا افتاده‌اند تا شاید با دشنام‌ها و تهمت‌ها و در نهایت همچون گذشته با ترور شخصیت‌ها بتوانند چهرهٔ مقدس خدمتگزاران مؤمن به اسلام فقاهتی و مسلمین و مستضعفین را مخدوش کنند**؛ زهی خیال باطل. چرا که امت همیشه در صحنه‌مان امام و عاشقان امام را نه تنها خوب شناخته و به صدیق بودنشان ایمان دارند، بلکه دیگر دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی را هم در هر لباس و مقام خوب شناخته‌اند.

آری، آن کسانی که منافقانه خود را یاور اسلام و امام معرفی می‌کردند و چون دیدند نه امام و نه امت به کسی باج نمی‌دهد- چرا که عقد اخوت با کسی نبسته‌اند- و هرکس و هر جریان در هر مقطع زمانی و مکانی پشت به اسلام و ولی مسلمین نماید، نه تنها طرد می‌گردد بلکه اگر باز دست از جنایت و شیطنت برندارند، به سزای اعمال ننگین خود خواهند رسید و حال چون طلحه و زبیر گام‌به‌گام آمادهٔ ضربه زدن شده‌اند.

حال ما مصراً از **دادگاه‌های اسلامی** به **حرمت خون شهدای اسلام و جانبازان انقلاب اسلامی** و صبر و ایثار **خانواده‌های عزیز شهدا و مهاجرین جنگ تحمیلی** و امت حزب‌الله **خواستار تعقیب و مجازات گردانندگان نهضت ضدآزادی و دیگر خائنین به اسلام فقاهتی می‌باشیم.**[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۵۸ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **فرهنگ عزاداری بر امام حسین(ع) و نقش گریه و... در این مسأله**

امضا: **نشریهٔ پیام انقلاب**

اصالت و نقش اساسی و حیاتی سوگواری، عزا و گریه بر حضرت سیدالشهدا(ع)

به مناسبت فرا رسیدن محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر

امام خمینی:

زنده نگاه داشتن عاشورا یک مسألهٔ مهم سیاسی و عبادی است

محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر دگربار فرا رسید و خاطرهٔ شهادت‌ها، ایثارها، مجاهدت‌ها، قیام در برابر ظلم و بیداد طاغوت، فداکاری در راه خدا و دین خدا، عشق به الله و حجت حق، احیای ارزش‌ها، اصالت‌ها، کرامت‌ها، انسانیت و حیثیت و شرف، عزت و افتخار، هم خاطرهٔ مصیبت‌ها و وقایع جان‌گداز کربلای حسینی را بیش از پیش زنده کرد.

ماه محرم باز آمد و به همراه خود صدای مظلومیت و دادخواهی و «**هل من ناصر ینصرنی**» و «**هل من معین یعیننی**» و «**هَلْ مِنْ ذَابٍّ یَذُبّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللهِ(ص)**»، «حسین(ع)» را با طنینی رساتر، و شعاعی وسیع‌تر و دعوتی بلیغ‌تر به ارمغان آورد تا آنان‌که حسینی‌اند، و آنان‌که گوش جانشان هنوز می‌شنود، و آنان‌که فطرت و اصالت و شرف و کرامت والای انسانی‌شان، به صراط مستقیم و راه حق، و عصیان در برابر بیداد و نامردمی، و مجاهده و فداکاری در راه دینشان فرا می‌خواند، آن را لبیک گفته و به یاریش بشتابند؛ آن‌گونه که تا کنون عزیزان و جان برکفان

قوای اسلام در هر منطقه از کربلای ایران، به ندای این دعوت حسینی که از حلقوم خمینی، این بزرگ‌رهبر انقلاب کربلایی تاریخ بعد از عاشورا، خارج گشته است، لبیک گفته و با خون‌های پاک و توفنده و مجاهدات و جانبازی‌های ظلم‌ستیز خویش، به حقیقت، مصداق:

کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

را زنده نمودند و اساس تخت یزیدیان زمان خویش را سرنگون کردند.

و اینها نیست مگر در اثر قیام سیدالشهدا(ع) و برکات احیای کربلا و عاشورای آن حضرت در طول تاریخ خون‌بار این نهضت تا امروز.

آری، همین **عزاداری‌ها، گریه‌ها، مجالس تعزیه، سینه‌زدن‌ها، مقتل‌خواندن‌ها، تجمعات، دستجات عزاداری، سیاه‌پوشی‌ها و تمام مظاهر عزاداری امام حسین(س)** [اسلام را نگه داشته است].

به حق باید گفت همین **مظاهر عزاداری**، (و به فرمایش امام امت) با همان شکل و هیأت سنتی خویش، که در سایهٔ آن، **مجالس تعالیم اصول و معارف و حقایق، و طرح مسائل اساسی اسلام و جامعهٔ مسلمین** نیز تشکیل می‌گشته است، از بزرگ‌ترین عوامل حیات نهضت امام حسین(ع) و در نتیجه مکتب ما، از ابتدا تا کنون بوده است.

از این رو باید با تمامی قوا این سنگر را حفظ و تقویت کرد و در راه پاسداری از دستاوردهای آن- که انقلاب اسلامی ایران یکی از ثمرات پربار و حیات‌بخش این شجرهٔ طیبه در تاریخ خلقت به شمار می‌رود- به راستی کوشش نمود.

اهتمام امامان به این امر

اصالت و اهمیت و عظمت این امر، همواره موجب آن بوده است‌که رهبران معصوم و ائمهٔ هدی(ع)، تاریخ کربلا و عاشورا و نهضت امام حسین(ع) را زنده نگاه داشته و نشر دهند. از این جهت از یک طرف می‌نگریم که احادیث معتبر بسیاری در اهمیت اقامه و بزرگداشت عزاداری و گریه بر سیدالشهدا(س) بیان فرموده‌اند و از طرف دیگر عملاً مجالس تعزیه و گریه و مصیبت تشکیل داده و امر به خواندن اشعار و مرثیه فرموده و سخت به گریه مشغول می‌گشتند و گاه صدای گریه و نوحه از تمام خانه به آسمان برمی‌خاست.

برای نمونه، ۲ مورد از موارد بسیار این مسأله را ذکر می‌کنیم:

ابوعماره گوید:

- امام صادق(ع) به من فرمود:

يَا أَبَا عُمَارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ (ع) [۱]

(ای اباعماره!

در رثای حسین‌بن علی(ع) برای من شعر بخوان.)

من برای آن حضرت اشعاری خواندم و امام(ع) گریه کردند. مجدداً اشعاری خواندم و آن حضرت گریستند.

ابوعماره گوید: به خدا قسم مدت زیادی به این کار مشغول بودم و امام صادق(ع) همواره می‌گریست، به طوری‌که من صدای گریه را از خانهٔ آن حضرت شنیدم.

و باز می‌نگریم که امام باقر(ع) به فرزندش امام صادق(س) وصیت می‌فرماید که تا ۱۰سال بعد از شهادتش، در سرزمین منا یعنی جایی‌که حجاج همهٔ بلاد و کشورها حضور دارند، برای حضرتش مجلس عزاداری و مصیبت به پا دارند.

امام (ع) می‌فرماید:

– پدرم گفت: ای جعفر از مال من وقفی بکن برای توبه‌کنندگان که ۱۰ سال در منا موسم حج بر من ندبه و گریه کنند و رسم ماتم را تجدید نمایند و بر مظلومیت من زاری کنند.[۲]

به هر صورت، امامان ما همه برای عزای اهل بیت به خصوص حضرت سیدالشهدا(س) مجالس سوگواری و گریه و ماتم به پا کرده و دوستان خود را سخت به آن سفارش کرده و می‌فرمودند:

– ما مجالس شما را دوست داریم. آنها را به پا کنید و امر ما را زنده نگاه دارید...

و این، تنها از جنبهٔ سیاسی و اجتماعی‌اش (غیر از ابعاد دیگر آن) بسیار مؤثر و دارای اهمیتی به سزا بود.

عزاداری و ابعاد گوناگون آن

همان‌گونه که اسلام عزیز، دینی است همه‌جانبه و تمامی ابعاد و جهات را فرا گرفته است، مکتب سیدالشهدا (س) و عزاداری و اقامهٔ مجالس بزرگداشت شهادت آن حضرت نیز در برگیرندهٔ ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، عرفانی، روانی، اخلاقی، فطری، اعتقادی و سایر جهات و زمینه‌هاست و تا کنون بحث‌های زیادی در ابعاد گوناگون آن مطرح گشته است.

۱– کامل‌الزیارات، النص، ص ۱۰۵ – أمالی‌الصدوق، ص ۱۲۱ ح ۶ – ۱ـ بحارالانوار ج ۴۴،ص ۲۸۲ – ثواب‌الأعمال، ص ۱۰۹ ح ۲
يَا أَبَا عُمَارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ(ع) شِعْراً فَأَبْكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ شِعْراً فَأَبْكَى أَرْبَعِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ شِعْراً فَأَبْكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ شِعْراً فَأَبْكَى عِشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ شِعْراً فَأَبْكَى عَشَرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ(ع) شِعْراً فَأَبْكَى وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ(ع) شِعْراً فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي‌الْحُسَيْنِ شِعْراً فَتَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.

۲– منتهی‌الامال، باب ۷، فصل ۵

آن‌چه در این نوشتار فشرده و مختصر مورد بررسی قرار گرفتـه، بیان کوتاهـی است در **۲ بعد** آن:

- یکی **اهمیت سیاسی و اجتماعی مسألهٔ عزاداری و گریه بر سیدالشهدا(س) و آثار آن؛**
- و دیگری **اصالت و اهمیت و آثار مقاتل.**[۱]

و می‌توان گفت این ۲ بعد دقیقاً به هم پیوسته است. بدین معنی که تمام آثار سیاسی و اجتماعی و ارزش‌ها و اصالت‌هایی که در عزاداری و اقامهٔ مجالس امام حسین(ع) نهفته است و مردم را علیه ظلم و ستم می‌شوراند و مکارم اخلاقی و فضایل پاک انسانی و صفات حماسی را در آنان زنده کرده و بسیج می‌نماید، از متن همین مقتل‌هایی است که در طول روزها و ماه‌ها و سال‌ها و قرن‌ها برای دوستان و شیعیان و مسلمانان خوانده شده و می‌شود.

عظمت و آثار بعد سیاسی و اجتماعی عزاداری امام حسین(س)

یکی از بزرگ‌ترین ابعاد سازنده و مؤثر در حفظ و بقای مکتب مقدس اسلام و جذب قلوب و اجتماع و اتحاد افکار و توده‌های مسلمان و مواج، و **تحریک و تهییج احساسات و عواطف برای ایجاد سنگر مبارزه با دشمنان و استعمارگران**، همین بعد اجتماعی و سیاسی عزاداری و گریه بر حضرت سیدالشهدا(س) است.

برای رعایت اختصار، از این پس عنان قلم را به روایات و سپس سخنانی از حضرت امام امت، و آنگاه گفتار برخی از مستشرقین و بیگانگان می‌سپاریم.

حقایق و تعالیم در لابه‌لای روایات

وقتی در روایات اهل بیت عصمت و نبوت(س) در این زمینه دقت می‌کنیم، می‌یابیم که علاوه بر بیان ثواب‌ها و آثار اخروی و فردی برای عزاداری و گریه، امامان ما حقایق سازنده و انگیزنده و والایی را به شیعیان و دوستان خود تعلیم فرموده‌اند.

برای نمونه به موارد زیر دقت می‌کنیم:

امام صادق(ع) می‌فرماید:

مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمْعَةً لِدَمٍ سُفِكَ لَنَا أَوْ حَقٍّ لَنَا نُقِصْنَاهُ أَوْ عِرْضٍ انْتُهِكَ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا بَوَّأَهُ اللهُ تَعَالَى

۱- جمع «مقتل»، و آن، اصطلاحاً به کتبی گفته می‌شود که پیرامون حادثهٔ شهادت امام حسین(ع) و وقایع دیگر مربوط به آن نوشته شده است، و خواندن مقتل عبارت است از بیان همان وقایع که در اصطلاح عمومی ما به آن روضه‌خوانی گویند.

بِهَا فِی الْجَنَّةِ حُقُبا[1]

(اگر دیدهٔ کسی بگرید برای خونی از ما اهل بیت که به ناحق ریخته شده،
یا حقی که از ما ربوده گشته، یا حرمتی که از ما یا شیعیان ما پایمال گردیده،
خداوند متعال او را در بهشت جای خواهد داد.)

می‌نگریم که امام صادق(ع)، گریه برای اهل بیت(ع) را در رابطه با مسائلی مطرح می‌فرماید که هر شیعه و مسلمانی در آنها فکر کند و خود را نسبت به آنها مسئول بداند، بدون شک شیعه و مسلمانی خواهد بود که تعهد و مسئولیت، شناخت و معرفت و موضع‌گیری و بینش و عملکردش نسبت به اجتماع و رژیم و حکومتی که تحت ولایت و حاکمیتش زندگی می‌کند و سایر مسائل در این زمینه، از سطحی والا برخوردار است.

گریه‌ای که او می‌کند تعهدزا و مسئولیت‌آور و موجب فزونی شناخت و معرفت است زیرا طبق این حدیث شریف، **عزاداری و گریهٔ این شخص برای این امور است:**

۱- به خاطر خون ناحقی که از اهل بیت(ع) ریخته شده است.

۲- به خاطر حقی که از ایشان سلب گردیده است.

۳- برای حرمتی که از ایشان پایمال شده است.

۴- برای هر یک از امور فوق نسبت به یکی از شیعیان.

به راستی عزاداری و گریه‌ای که به خاطر این ارزش‌ها و اصالت‌ها باشد،
چه گریه‌ای است؟
آیا اگر برای یک قطرهٔ اشک آن ثواب‌هایی که این‌چنین بیان شده باشد،
تعجب‌آور و اغراق‌آمیز خواهد بود؟

این گریه، یعنی فریاد در برابر آن ظالمی که این خون را به ناحق ریخته است، یعنی عصیان در مقابل غاصب آن حق که سلبش کرده است، **یعنی استقرار در سنگر مبارزه** با آن‌که حرمت چنین رهبران و امامانی را پایمال نموده، و بالاخره **این قطرهٔ اشک یعنی همدردی و اتحاد با دیگر همرزمان و همراهان.**

یک قطرهٔ اشک را آنگاه که از نظر شیمیایی تجزیه کنند، آن را مرکب از عناصری چون هیدروژن و اکسیژن می‌یابند، اما اگر در **آزمایشگاه دین و معرفت و مکتب سیدالشهدا(ع)** مورد تجزیه قرار دهند، **عنصری** می‌یابند مرکب از:

- حمیت، غیرت، عدالت، فضیلت، شرف، عزت، علو طبع، بلند همتی، کرامت، ظلم‌ستیزی،

۱- بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹

دفاع از حـق، اطاعـت از رهبری، فـداکاری و ایثـار، گـذشتن از جان و مال و فرزند، احقـاق حق، اتحـاد و انسجام، توحیـد، نبوت، امامـت، اخـلاق و... و این است معنای گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهدا(ع).

در حدیث دیگر امام رضا (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتُحِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَ هُتِكَتْ فِيهِ حُرْمَتُنَا، وَ سُبِيَ فِيهِ ذَرَارِيُّنَا وَ نِسَاؤُنَا وَ أُضْرِمَتِ النِّيرَانُ فِي مَضَارِبِنَا وَ انْتُهِبَ مَا فِيهَا مِنْ ثِقْلِنَا، وَ لَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللهِ حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا[1]

(همانا محرم ماهی است که اهل جاهلیت جنگ و کشتار را در آن حرام می‌شمردند،

اما (شما ای شیعیان و مسلمانان و اهل عالم بدانید که):

در چنین ماهی خون ما اهل بیت را حلال شمردند،

و حرمت ما را هتک نمودند،

زنان و فرزندانمان اسیر گشته،

با آتش بیداد خیمه‌های ما را سوزاندند،

و اموال ما را به غارت بردند،

و رحمت رسول خدا را دربارهٔ ما رعایت نکردند...)

إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ، وَ أَوْرَثَتْنَا [يَا أَرْضَ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثْتِنَا] الْكَرْبَ [وَ] الْبَلَاءَ، إِلَى يَوْمِ الِانْقِضَاءِ[2]

(همانا روز حسین (عاشورا)، دیدگان ما را مجروح و سیلاب اشک‌هامان را جاری ساخته است، در چنین روزی حرمت عزّت ما در سرزمین کرب و بلا (اندوه و بلا) پایمال گشت،

و تا روز قیامت میراثی جز غم و اندوه و بلا برایمان باقی نگذارد.)

فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ[3]

(پس بر شخصی چون حسین(ع)، باید که گریه‌کنندگان بگریند،

چرا که گریه بر او، گناهان بزرگ را محو می‌کند.»

۱- همان، ص ۲۸۳

۲- همان

۳- همان - [ادامهٔ روایت]:
ثُمَّ قَالَ(ع) كَانَ أَبِي(ع) إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكاً وَ كَانَتِ الْكَآبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشَرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ(ع).

در این حدیث نیز می‌نگریم که امام(ع) همان حقایق و تعالیم را به عباراتی دیگر بیان می‌فرمایند و از حقوق رهبری مسلمین و هتک حرمت و غصب این حقوق، و ریخته شدن خون و اسیر شدن خاندان و آتش زدن دشمن به خیمه‌ها و غارت اموال اهل بیت(ع) سخن می‌گویند.

امام رضا(س) تشریح می‌فرماید که این مصیبت‌ها و وقایع جانگداز به سختی قلب آنان را جریحه‌دار نموده و تا پایان دنیا، غم و اندوه و ناراحتی را برای ایشان به ارث گذارده است و این، بدین معنا است که هر کس از شیعیان و دوستان ما نیز که با این مسأله مواجه است، یعنی حق رهبری و حکومت الهی را در دست دیگران به غصب می‌بیند و به خصوص آنگاه که در این رابطه واقعهٔ جان‌سوز کربلای حسینی را به یاد می‌آورد، باید در سوگی عظیم و مصیبتی درد آلود باشد، و غم و اندوه او را راحت نگذارد. باید قلبش به درد آید و دیدگانش خون بگرید، و البته بر این مصیبت و بر حسین(س) و مصیبات او با آن نحوهٔ جانگداز باید این‌گونه سوخت و گریست و عزادار بود.

در روایت دیگر، سخنان زیر از حضرت زینب کبری(س) خطاب به حضرت زین‌العابدین(ع) نقل گردیده است:

وَ يَنْصِبُونَ لِهَذَا الطَّفِّ عَلَماً لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِالشُّهَدَاءِ (ع) لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ،
وَ لَا يَعْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ لَيَجْتَهِدَنَّ أَئِمَّةُ الْكُفْرِ وَ أَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ،
وَ تَطْمِيسِهِ فَلَا يَزْدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُوراً وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُوّاً
[فَقُلْتُ وَ مَا هَذَا الْعَهْدُ وَ مَا هَذَا الْخَبَرُ فَقَالَتْ حَدَّثَتْنِي أُمُّ أَيْمَنَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ (ص)
زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ(س) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَعَمِلَتْ لَهُ حَرِيرَةً صَلَّى‌اللهُ عَلَيْهِمَا وَ أَتَاهُ عَلِيٌّ (ع)
بِطَبَقٍ فِيهِ تَمْرٌ ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ فَأَتَيْتُهُمْ بِعُسٍّ فِيهِ لَبَنٍ...][1]

(در زمین کربلا بر قبر پدرت سید الشهدا(ع) علامتی نصب کنند که:

با گذشت زمان اثرش محو نشود،

و هر قدر سردمداران کفر و اهل ضلالت در محو آثار آن سعی و کوشش کنند،

جز آن‌که درخشش نورش افزون گردد و امرش رفعت یابد ثمری نخواهد بخشید....)

در این روایت بیان شده است که دوستان و شیعیان و پیروان حضرت سیدالشهدا(ع) برای احیای امر و زنده نگه داشتن نهضت و نام و قبر و مکتب آن حضرت، مستقیماً با حکام ستمگر و طاغوت‌های ظالم و پیروان و مزدوران آنان درگیر خواهند بود. اما سعی و کوشش آنها برای

۱- بحارالأنوار، ج ۲۸، ص ۵۷ - تتمه المنتهی، ص ۳۲۹

خاموش کردن نور حسینی جز فزونی یافتن روشنی و تجلی آن را به دنبال نخواهد داشت.

در حدیث دیگر امام رضا(ع) می‌فرماید:

يَا ابْنَ شَبِيبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَابْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع)...

يَا ابْنَ شَبِيبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجِنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنَا،

وَ عَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجَراً لَحَشَرَهُ اللهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ[1]

(ای پسر شبیب برای هر کس و هر چیز خواستی گریه کنی،

بر حسین‌بن علی(ع) گریه کن...

اگر دوست داری در درجات بالای بهشت با ما باشی،

در غم و اندوه و شادی ما شریکمان باش،

و بر تو باد بر ولایت ما، چرا که اگر فردی سنگی را نیز دوست بدارد،

خداوند تعالی در قیامت او را با همان سنگ محشور خواهد فرمود.)

مسمع‌بن‌کردین گوید:

امام صادق (ع) به من فرمود:

يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ أَ مَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ( )ع؟

(ای مسمع تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین(ع) نمی‌روی؟)

[قُلْتُ لَا أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَ عِنْدَنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَى هَذَا الْخَلِيفَةِ،

وَ عَدُوُّنَا كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ القَبَائِلِ مِنَ النُّصَّابِ وَ غَيْرِهِمْ،

وَ لَسْتُ آمَنُهُمْ أَنْ يَرْفَعُوا حَالِي عِنْدَ وُلْدِ سُلَيْمَانَ فَيُمَثِّلُونَ بِي]

گفتم: نه، زیرا من از افراد مشهور بصره هستم و نزد ما از هواداران و پیروان خلیفه، و دشمنان بسیاری از هر قبیله وجود دارند و ایمن از این نیستم که علیه من نزد خلیفه سعایت‌کرده و موجبات گرفتاری و خطر را برایم فراهم آورند،

فرمود:

أَ فَمَا تَذْكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ؟

آیا آن‌چه را نسبت به آن حضرت:

(از حادثهٔ شهادت و فداکاری او و اصحاب و خاندان او و مصایب و حماسه‌های ایشان) واقع شد،

متذکر می‌شوی؟

یعنی حالا که قادر به زیارت نیستی، به ذکر مصیبت و عزاداری و شرح وقایع کربلا می‌پردازی؟

۱- بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶

گفتم بلی.

فرمود:

فَتَجْزَعُ

آیا غم و اندوه و ناراحتی را بر خود ظاهر می‌نمایی و بی‌صبری می‌کنی؟

گفتم: آری؛

[وَ اللهِ وَ أَسْتَعْبِرُ لِذَلِکَ حَتَّی یَرَی أَهْلِی أَثَرَ ذَلِکَ عَلَیَّ فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ،
حَتَّی یَسْتَبِینَ ذَلِکَ فِی وَجْهِی]

به خدا قسم، و در این هنگام مرا گریه می‌گیرد تا آن‌جا که خانواده‌ام اثر این‌حالات را در من مشاهده می‌کنند، و از خوردن طعام امتناع می‌ورزم، آن‌گونه که اثر این امر در چهره‌ام آشکار می‌گردد.

امام صادق(ع) فرمود:

رَحِمَ اللهُ دَمْعَتَکَ- أَمَا إِنَّکَ مِنَ الَّذِینَ یُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا،
وَ الَّذِینَ یَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ یَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ یَخَافُونَ لِخَوْفِنَا وَ یَأْمَنُونَ إِذَا أَمِنَّا

(خداوند اشک چشم تو را رحمت کند!

آگاه باش که تو (در اثر این عمل) در زمرهٔ کسانی خواهی بود که برای ما و مصایب ما،

جزع و عزاداری نموده و آنان که به شادی ما شاد و برای غم و اندوه، غمناک و محزون می‌گردند،

و در حالت خوف و امن، با ما شریکند..)

أَمَا إِنَّکَ سَتَرَی عِنْدَ مَوْتِکَ حُضُورَ آبَائِی لَکَ،
وَ وَصِیَّتَهُمْ مَلَکَ الْمَوْتِ بِکَ وَ مَا یَلْقَوْنَکَ بِهِ مِنَ الْبِشَارَةِ أَفْضَلُ وَ لَمَلَکُ الْمَوْتِ أَرَقُّ عَلَیْکَ،
وَ أَشَدُّ رَحْمَةً لَکَ مِنَ الْأُمِّ الشَّفِیقَةِ عَلَی وَلَدِهَا...

(آگاه باش که هنگام فرا رسیدن مرگ، و آنگاه که پدران ما بر بالین تو حضور می‌یابند،

و فرشتهٔ مرگ را دربارهٔ تو به مدارا و موافقت توصیه نموده، و بشارات و مژده‌ها به تو می‌دهند، قبل از

مرگ دیده‌ات به الطاف و عنایات حضرت حق و صاحبان ولایت روشن خواهد گشت،

و در این حالت فرشتهٔ مرگ برای تو از مادر نسبت به فرزند نیز، مهربان‌تر و رئوف‌تر خواهد بود...)

وَ إِنَّ الْمُوجَعَ قَلْبُهُ لَنَا لَیَفْرَحُ یَوْمَ یَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرْحَةً،
لَا تَزَالُ تِلْکَ الْفَرْحَةُ فِی قَلْبِهِ حَتَّی یَرِدَ عَلَیْنَا الْحَوْضَ[1]

(همانا آن کس که برای ما (و در راه ولایت ما) قلبش از غم و اندوه به درد آید،

۱- همان، ص ۲۸۸ تا ۲۹۰

هر آینه روز مرگش، آن زمان که ما اهل بیت را می‌بینند،
چنان شادی و فرحی خواهد داشت که هیچ‌گاه برطرف نخواهد شد،
و همواره چنین خواهد بود تا گاه قیامت که در کنار حوض کوثر بر ما وارد گردد...)

در این احادیث، آن بعد سیاسی و اجتماعی سوگواری وگریه و اقامهٔ مجالس عزای حسینی و عظمت و اهمیت آن به خوبی نمایان است و ارزش و اصالت آن را در مکتب ما کاملاً روشن می‌سازد، و به علت ضیق مجال از بسط و شرح و بیان نکات آن صرف‌نظر می‌نماییم.

گفتار امام امت در این زمینه

از آن‌جا که رهبر روشن‌ضمیر و آگاه امت اسلامی ایران، حضرت امام مدظله‌العالی بیش از هر کس بر اسرار و اهمیت و تأثیر عزاداری و گریه برای سیدالشهدا(ع) و آثار ابعاد مختلف آن، به خصوص بعد سیاسی و اجتماعی‌اش واقفند، تا کنون بارها و بارها این مسأله را بیان فرموده‌اند:

– گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [است] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد...[1]

–... کوشش کنند در این‌که مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی – اسلامی. مسائل اجتماعی – اسلامی و روضه را دست از آن برندارید که ما با روضه زنده هستیم.

– [امروز ما به مجالس تعزیه و روضه بیشتر احتیاج داریم از سابق. این اجتماع سرتاسری کشور، این دسته‌جات سرتاسری کشور، امروز دیگر یک رنگ سیاسی پیدا کرده است و حق هم همین است. اگر ما سی و چند میلیون جمعیت در این دههٔ محرّم، که وسیله‌شان را خدا برای ما فراهم کرده است و آن قدر ائمهٔ اطهار(ع) راجع به این‌طور امور سفارش فرموده‌اند و آن‌طور ثواب‌ها را خدای تبارک و تعالی برایش مرتب فرموده است، اگر ۳۵ میلیون جمعیت در این ماه محرّم، در این دههٔ محرّم، اجتماعات داشته باشند، خطبا هم بروند مسائل روز را برایشان بگویند و تعزیه بگویند و گریه بکنند برای سیدالشهدا،] این یک شعاری است؛ یک شعار الهی است.

«امروز دیگر ما انقلاب کرده‌ایم، روضه دیگر لازم نیست»، از غلط‌هایی است که تو دهن‌ها انداخته‌اند؛ مثل این است که بگوییم امروز ما انقلاب کرده‌ایم، دیگر لازم نیست که نماز بخوانیم. انقلاب برای این است. انقلاب کردیم که شعایر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعایر اسلام را بمیرانیم. زنده نگه داشتن عاشورا یک مسألهٔ بسیار مهم سیاسی – عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه‌چیز را در راه اسلام داد [ه]، یک مسألهٔ سیاسی است؛ یک مسأله‌ای است که در پیشبرد انقلاب اثر به سزا

۱– صحیفهٔ امام، ج۱۰، ص ۳۰۶ – ۳۰ مهر ۱۳۵۸/ ۳۰ ذی‌القعدهٔ ۱۳۹۹

دارد.

ما از این اجتماعات استفاده می‌کنیم. ما از آن «الله اکبر»ها، ملت ما از آن «الله اکبر»ها استفاده کرد. آن «الله اکبر»ها را باید حفظ بکنیم. این مظاهر و شعایر و اموری که در اسلام در آن سفارش شده، باید فکر کنید که اینها یک مسألهٔ سطحی نبوده است که می‌خواستند جمع بشوند و گریه کنند، خیر.

ما ملت گریهٔ سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است....[۲۱]

به مناسبت فرا رسیدن محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر

اصالت و نقش اساسی و حیاتی سوگواری، عزا و گریه بر حضرت سیدالشهدا(ع)

قسمت دوم

در شمارهٔ قبل مختصری دربارهٔ اصالت و نقش اساسی و حیاتی سوگواری و عزا و گریه بر حضرت سیدالشهدا(س) و ارزش و محتوای سازنده و انگیزندهٔ این امر سخن گفته و مقداری از آثار بعد سیاسی و اجتماعی عزا و گریه در ماتم سرور شهیدان را بیان نمودیم.

گفتیم که یکی از بزرگ‌ترین ابعاد مؤثر و مهم در حفظ و بقای مکتب مقدس اسلام و جذب قلوب و اجتماع، و اتحاد افکار و توده‌های مسلمان و تحریک و تهییج احساسات و عواطف برای ایجاد سنگر مبارزه با دشمنان و استعمارگران، همین گریه و سوگواری و اقامهٔ عزا برای حضرت اباعبدالله‌الحسین(س) است، و سپس به بررسی برخی از روایات در این زمینه، و نقل گفتاری چند از فرمایشات امام امت پرداختیم.

اکنون به جاست برای پی بردن هر چه بیشتر به عظمت و اهمیت و تأثیر شگرف این امر، گوش به **گفتار برخی از مستشرقین** فرا دهیم و بنگریم که حتی این بیگانگان نیز به آثار عظیم و شگفت این مسألهٔ حیاتی پی برده و آنگاه که با انصاف سخن بگویند، این‌گونه پرده از روی حقایق بر می‌دارند.

گرچه ما را در بیان حقایق و ارزش‌های مکتب حیات‌بخش خویش، هیچ نیازی به معرفی و تبیین بیگانگان نیست، اما از آن‌جا که این سخنان دقیقاً همان عقاید ما را بیان می‌کند و

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۳۱۷ - ۱۴ آبان ۱۳۵۹/ ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۰۰

۲- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

اعتراف آنان بیش از پیش اهمیت و حقانیت و نقش اساسی این مسأله، یعنی **عزاداری و گریه برای حضرت سیدالشهدا(ع)** را متجلی می‌سازد؛ به مصداق:

پس چه خوش باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

به نقل ۲ نمونه از آنها می‌پردازیم:

مروری در گفتار و اعتراف بیگانگان

در میان مستشرقین و اسلام‌شناسان غربی نیز افرادی بوده‌اند که به خوبی به نقش مهم و اساسی و حیاتی مسألهٔ سوگواری و گریه و عزای امام حسین(ع) پی برده‌اند و آن را بیان نموده‌اند. حقایقی که در گفتار اینان به چشم می‌خورد، برای پیروان مکتب حسینی بسیار افتخارآمیز و غرورانگیز است. و در برخی از موارد، آن‌چه را که این بیگانگان بیان کرده و بدان رسیده‌اند، حقایقی است که چه بسا بسیاری از خودی‌ها بدان نرسیده باشند و یا در نظر ایشان اغراق‌آمیز باشد، مثلاً بقای نظام اسلام و بقای عظمت و استقلال و ترقی امت و تنها موجب عصیان و قیام در برابر استعمارگران و امثال اینها مسائلی است که این خاورشناسان، بدان اعتراف کرده‌اند.

از جملهٔ این گروه، **مستشرق معروف، «ماربین» آلمانی** است که در این زمینه می‌نویسد:

«آن‌چه را که ما از آثار و مظاهر سیاسی و نهضت‌های مذهبی به سبب اقامهٔ عزای امام حسین(ع) در شیعیان و دوستان آن حضرت مشاهده می‌کنیم تا به حال در هیچ قومی دیده نشده است.

هر کس که با تیزنگری و دقت، پیشرفت و ترقی شیعیان و پیروانی را که اقامهٔ عزای حسین(ع) را در ۱۰۰ سال اخیر شعار خود قرار داده‌اند ملاحظه نماید، اذعان خواهد کرد که آنان به بزرگ‌ترین پیشرفت‌ها دست یافته‌اند؛ چرا که قبل از آن تعداد شیعیان در هند انگشت شمار بود، در حالی که امروزه قسمت عظیمی از جمعیت را در آن‌جا و ممالک دیگر شیعیان تشکیل می‌دهند.

هنگامی که ما مبلغین خود را با آن مصارف هنگفت و نیروهای عظیم با مبلغین شیعه مقایسه کنیم، می‌بینیم که (برای تحقق اهداف خود) حتی به یک دهم ترقیات و پیشرفت‌های این فرقه نیز نایل نگشته‌اند...

من معتقدم که بقای نظام اسلام و درخشش این دین مقدس و ترقی و پیشرفت مسلمین تنها مرهون حادثهٔ شهادت حسین(ع) و آن وقایع غم‌آور بوده، و امروز نیز آن‌چه

از حسن سیاست و عصیان در برابر ظلم بین مسلمین می‌نگریم، موجبی جز عزای حسین(ع) ندارد و تا زمانی که چنین سنگری بین آنان وجود دارد، هرگز زیر بار ذلت نرفته و به اسارت هیچ کس تن در نخواهد داد.

بنابراین سزاوار است که ما در مطالب و نکات و مسائل حیاتی و دقیقی که در مجالس عزای حسین(ع) مطرح می‌گردد، دقت‌نظر به خرج دهیم.

خود من دفعات متعددی در این مجالس در شهر اسلامبول همراه با مترجم شرکت کردم و می‌شنیدم که می‌گویند:

«امام و رهبر ما امام حسین(ع) که پیروی از حضرتش بر همهٔ ما واجب است، شخصیتی بود که در مقابل ظلم و ستم قیام کرد و در برابر یزید ایستاد و در راه حفظ شرف و حیثیت جان ومال و فرزندان و هستی خود را فدا نمود...»

سپس می‌دیدم که آنان به طور علنی این تعالیم را به یکدیگر درس داده و می‌گفتند: اگر شما واقعاً پیرو حسین(ع) بوده و ایدهٔ شما عزّت و شرف و سربلندی و استقلال است پس نباید در برابر امثال یزیدها سر طاعت فرود آورید و تن به ذلت دهید، بلکه باید شهادت و مرگ افتخارآمیز را بر زندگانی مذلّت بار برگزینید تا نامتان در تاریخ جاودانه گردد و بر قله‌های رستگاری و سعادت فایق آیید...

و روشن است ملتی که چنین آرمانی‌هایی در فرهنگ خود دارد و تعالیمی این گونه را از گهواره تا گور می‌آموزند، در چه درجه از افتخار و علو و سعادت قرار دارند.

آری چنین ملتی باید هم از بلندترین مراتب شرف و سعادت برخوردار باشد و طبعاً تک‌تک آنان پاسدار عزت و شرف و حیثیت خود خواهند بود.

– و این است امروزه آن تمدن حقیقی...»

(احسن الجزاء، حسین فحام، ج ۱، ص ۱۷۶)

دکتر رینو (جوزوف) مستشرق معروف فرانسوی نیز در کتاب خود، که به نام الاسلام والمسلمون به عربی ترجمه شده، شرح مبسوط و عمیقی پیرامون فلسفهٔ عزاداری سیدالشهدا(ع) و روضه‌خوانی و هیأت‌های عزا نگاشته، و به فواید این مراسم از جنبهٔ سیاست و اخلاق و تربیت، و کمالیات و مرکزیتی که ایران در جامعهٔ شیعه دارد، اشاره کرده و پیشرفت و بقای مذهب شیعه را به خصوص در بعضی نقاط مثل هند، مربوط به سوگواری سیدالشهدا(ع) دانسته، و اظهارنظر کرده که با حفظ این مراسم، جمعیت و شوکت و ترقی شیعه در آینده بیشتر خواهد شد.

این شرق‌شناس ضمن اشاره به اوقاف و وجوه بسیاری که شیعه در راه برگزاری عزاداری حسینی صرف می‌نماید، می‌گوید:

«مذاهب دیگر به قدر شیعه در راه تبلیغ و دعوت به دین بذل مال نمی‌کنند و مصارفی که شیعه دارد، شاید ۱۰۰ برابر مصارفی باشد که سایر فرق اسلام در این راه می‌نمایند، و اگر یک نفر شیعه در دورترین نقاط هم باشد، یک نفری این مراسم را از تشکیل مجلس روضه و انفاق به فقرا و اطعام و غیره اجرا می‌کند و در حقیقت به دعوت و تبلیغ می‌پردازد.

منبر و وعظ و خطابه و سخنرانی خطبا و وعاظ و گویندگان توانا در تربیت و پرورش اخلاق عوام، و آشنا کردن آنان به علوم و معارف، موقعیتی خاص دارد.

تمام مسائل در منابر مطرح و مورد بحث می‌شود، به نوعی که عوام شیعه از سایر فرق به عقاید و مذهب خود آشناترند، و اگر در اقطار عالم نظر کنیم در هیچ جامعه‌ای مانند شیعه، زمینهٔ ترقی علمی و صناعی و اقتصادی فراهم نیست...

شیعه، دین خود را با زور شمشیر پیش نبرده، بلکه با نیروی تبلیغ و دعوت پیشرفت کرده، و اهتمام آنها به برگزاری مراسم سوگواری موجب شده که تقریباً ۲ ثلث مسلمانان و بلکه جماعاتی از هنود و مجوس و سایر مذاهب نیز به آنها در عزای حسین(ع) شرکت کنند. روی این اسباب ممکن است بگوییم جمعیت شیعه در آینده از سایر فرق بیشتر شود.

شیعه به وسیلهٔ این مجالس و مراسم که دیگران هم در آن شرکت می‌جویند، توانسته است در ملل و اهل مذاهب دیگر نفوذ کند و اصول مذهب خود را به دیگران تبلیغ نماید و این همان اثری است که سیاستمداران غربی برای پیشرفت دین مسیح با صرف پول‌های بسیار آرزو می‌کنند...»

این شرق‌شناس سپس راجع به هیأت‌ها و پرچم‌ها و علامات عزا و فواید آن شرحی می‌نگارد و تأثیر این شعایر را در اتحاد و زیادتی شوکت و استقلال متذکر شده و می‌گوید:

«از امور طبیعی و فطری که مؤید شیعه است، این است که هر کس به طبع و فطرت خود طرفدار مظلوم است و مایل است مظلوم را یاری کند.

این نویسندگان و مؤلفان اروپایی هستند که در کتاب‌هاشان تفصیل شهادت حسین(ع) و اصحابش را می‌نویسند و مظلومیت حسین(ع) و اصحابش و ستمگری و بی‌رحمی کشندگان آنها را تصدیق و نام کشندگان حسین(ع) را نمی‌برند مگر با نفرت.

هیچ‌چیز نمی‌تواند در جلو این امور فطری و ادراک وجدانی بشر بایستد و مانع از پیشرفت مذهب شیعه شود...»

(پرتوی از عظمت حسین(ع)، صافی گلپایگانی، ص ۴۳۶)

مقتل امام حسین(ع)

یک بعد بسیار مهم عزاداری و ماتم برای حضرت سیدالشهدا(س) که در شمارهٔ قبل از آن یاد نمودیم، مسألهٔ «**مقتل**» آن حضرت است و گفتیم که مقتل امام‌حسین(ع)، اصطلاحاً عبارت است از وقایع و حوادث کربلا و شهادت سید مظلومان‌حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، و«**خواندن مقتل**»، همان بیان و خواندن‌کتاب‌های مقتل در مجالس سوگواری و عزای آن حضرت است.

نکته‌ای که در این‌جا می‌خواهیم متذکر گردیم این است که:

- این مقتل‌ها، علاوه بر بعد عاطفی و احساسی آن‌که آتش به دل‌ها زده، عواطف و احساست را جریحه‌دار و اشک‌ها را از دیدگان سرازیر می‌سازد، دریایی از معارف و حقایق عقیدتی از توحید و نبوت و امامت و معاد، و تعالیم و ارزش‌های سازنده و انگیزندهٔ اخلاقی و عرفانی، فردی و اجتماعی، سیاسی و حماسی، دنیوی و اخروی، و خلاصه ابعاد عمیق و گستردهٔ معارف اسلام را در بر دارد.

همان‌گونه که سوگواری و ماتم و گریه در عزای حضرت اباعبدالله (صلوات‌الله علیه فی نفسه از افضل قربات) و عبادات و از محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند متعال محسوب می‌گردد و باید به اهمیت و عظمت آن پی برده و بدین‌منظور مجالس اقامهٔ عزای آن حضرت را برپا نمود، و همان‌گونه که بعد سیاسی و اجتماعی آن نیز بسیار مهم و وسیله‌ای ارزنده و مؤثر در پیشبرد مقاصد و اهداف سیاسی اسلام عزیز برای مبارزه با دشمنان این دین مقدس و ایجاد وحدت و تجمع قوا و تمرکز نیروهای پیروان مکتب سیدالشهدا(ع) به شمار می‌رود،[1] باید به بعد عمیق معارف و تعالیم دیگر آن نیز توجه کافی مبذول گردد.

هر چه معرفت و شناخت و آگاهی انسان در این زمینه بیشتر باشد، درک فلسفهٔ قیام حضرت اباعبدالله(ع)، و تأثیر و محتوای بعد سیاسی- اجتماعی و نیز نیل به فضایل و مثوبات عزاداری و گریه برای آن حضرت، و باز محتوای ابعاد دیگر آن، از عمق و اصالت و بهرهٔ افزون‌تری برخوردار خواهد بود.

۱- به سخنان حضرت امام در شمارهٔ قبل و اعترافات مستشرقین در همین شماره توجه کنید.

این همه که دربارهٔ زیارت یا گریه و سوگواری برای آن حضرت قید «**عارفاً بحقه**» (یعنی با معرفت و شناخت نسبت به آن بزرگوار) در روایات و گفتار بزرگان به چشم می‌خورد، در رابطه با همین مسأله است.

ابعاد معارف و تعالیم و ارزش‌های مقتل حضرت سیدالشهدا(ع) همان‌گونه که گفتیم بسیار عمیق، گسترده و آموزنده است و آن‌گونه که باید و شاید در کتاب‌ها و مجالس سوگواری آن حضرت، تا به حال بیان نگشته و بلکه می‌توان گفت به این موضوع تا کنون توجهی نشده و سزاوار است از این پس این مسأله نیز مورد توجه و نظر قرار گیرد و روی آن تحقیق، مطالعه و عرضه شود.

در فرصت کم و مجال کوتاهی که در این نوشتار داریم، ما تنها به بیان ناقص مصادیقی چند از یکی از معارف و تعالیم می‌پردازیم؛ باشد تا راه‌گشای پژوهندگان و علاقمندان به اهل بیت و به خصوص سیدالشهدا(ع) قرار گرفته و به اصالت و اهمیت و محتوای ابعاد عمیق مقتل امام حسین(س) بیش از پیش پی برده شود.

اهمیت و تأکید رهبری و امامت

یکی از مسائلی که در لابه‌لای عبارات مقاتل به چشم می‌خورد، **مسألهٔ رهبری و امامت و معرفی و بیان ویژگی‌ها و والایی‌ها و تأکید بر آن و آگاه نمودن و جلب توجه مسلمین به آن و رسوا نمودن مدعیان رهبری و خلفا و حکام ستمگر** می‌باشد.

وقتی که انسان به مطالعهٔ این مقاتل می‌نشیند و یا از گوینده می‌شنود، اگر دقت نماید ابعاد و جلوه‌های مختلفی از این مسأله را در قسمت‌های گوناگون آن مقتل‌ها مشاهده می‌کند. بیش از همه خود حضرت سیدالشهدا(س) از همان زمانی‌که حرکت به سوی کربلا را آغاز می‌کند تا هنگام شهادت، و از آن پس خاندان عصمت و طهارت و اهل بیت(ع) آن حضرت در جریان سفر به کوفه و شام و در مجلس ابن‌زیاد و یزید و مسجد شام و در موقعیت‌های بسیار دیگر، بارها و بارها این مسأله را به صورت‌های مختلف گوشزد دیگران نموده و نسبت به آن تأکید می‌کنند.

نمونه‌های زیر مصادیق چندی در این زمینه است:

امام حسین(ع) در پایان پاسخ نامهٔ اهل کوفه چنین می‌فرماید:

فَلَعَمْری مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاکِمُ بِالْکِتَاب،
الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِینِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَی ذَاتِ اللهِ.[1]

۱- ناسخ‌التواریخ، امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۳۷

(به جانم سوگند که امام، تنها آن کس است که به کتاب الهی حکم کند،
قیام به عدالت و قسط نماید، بدین حق دیانت ورزد و نفس خویشتن را برای خدا بر آن وادارد.)

نمونهٔ دوم سخنان امام(س) در راه کربلا، در برابر حر و لشگریان اوست.

بعد از آن‌که آن حضرت نماز ظهر و عصر را به جای آوردند، روی به جانب مردم کرده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّكُمْ إِنْ تَتَّقُوا اللهَ وَ تَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِه يَكُنْ أَرْضَى لِلهِ عَنْكُمْ،
وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ،
مَا لَيْسَ لَهُمْ وَ السَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ[1]

(ای مردم، اگر تقوای خدای پیش گیرید و اهل حق را بشناسید،
به رضایت خداوند متعال نزدیک‌تر خواهد بود؛
و (بدانید که) ما اهل بیت محمد در امر خلافت و امامت از این جماعت،
که به دروغ مدعی چنین منصبی هستند و جز ظلم و دشمنی با شما روا نمی‌دارند،
شایسته‌تر و سزاوارتریم...)

و باز می‌نگریم آنگاه که امام حسین(ع) می‌خواهد حجت را بر لشگر کفر تمام کند، روز عاشورا مقابل لشگر یزید به معرفی خود و پدر گرامی‌اش و مسألهٔ رهبری و ولایت می‌پردازد و از جمله می‌فرماید:

فَأَنْشُدُكُمُ اللهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيّاً كَانَ أَوَّلَهُمْ إِسْلَاماً،
وَ أَعْلَمَهُمْ عِلْماً وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْماً وَ أَنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ[2]

(شما را به خدا سوگند!
آیا می‌دانید که علی اولین کسی از مردمان بود که اسلام آورد،
و در علم و حلم برترین ایشان بود،
و آیا چنین نیست که آن حضرت امام و رهبر و ولی همهٔ مؤمنین است؟)

نمونهٔ دیگر:

سخنان امام چهارم(س) در مجلس یزید خطاب به اوست؛ هنگامی که برای انحراف افکار و توجیه جنایت ننگین خویش به آن حضرت گفت:

۱- همان، ص ۱۵۵
۲- همان، ص ۲۳۷

– «پدرت حسین(ع) و جدت علی‌بن ابی‌طالب همی خواستند تا زمام خلافت به دست گیرند و خود به سلطنت رسند».

آن حضرت فرمود:

– ای پسر معاویه!

و ای پسر هند جگرخوار و ای پسر صخر ستمکار![1]

همواره نبوت و امامت و رهبری خاص پدران و اجداد من بوده است؛

قبل از آن‌که تو پای در این دنیا گذاری!

همانا که رأیت رسول‌خدا(ص) در جنگ بدر و احد و احزاب،

در دست جد من علی‌بن ابی‌طالب(ع) بود،

و حال آن‌که پرچم‌های کفار را پدر و جد تو ابوسفیان در دست داشتند.

در این‌جا امام سجاد(ع) علاوه بر آن‌که پاسخ دندان‌شکنی به یزید می‌دهد، برای روشن کردن افکار و اذهان بی‌خبران و رسوا و مفتضح نمودن یزید پلید، مسألهٔ رهبری و پیشوایی خاندان خود را مطرح می‌فرماید و سپس برای این‌که بزرگی جنایت او را بیش از پیش روشن سازد و در معرض افکار عمومی قرار دهد، بعد از سخنانی مجدداً مسألهٔ فوق را به عبارتی دیگر، یعنی **ودیعه بودن عترت در نزد امت** بیان می‌فرماید:

وای بر تو ای یزید!

اگر درمی‌یافتی که چه کرده‌ای و نسبت به پدر و خاندان و برادر و عمه و عموزادگان من مرتکب چه فاجعه‌ای شده‌ای، سر به کوه و بیابان گذاشته و بر خاک و خاکستر می‌نشستی و برخود لعنت کرده و به مرگ خویش راضی می‌گشتی؛ چرا که سر مقدس پدرم حسین فرزند علی(ع) و فاطمه(ع) را به دروازهٔ شهر آویخته‌اند و حال آن‌که حضرتش در میان شما،امانت رسول خدا(ص) بود.

بنابراین فردای قیامت در محضر مردمان، جز ذلت و ننگ و رسوایی و ندامت چیزی عاید تو نخواهد بود.[2]

باز نمونهٔ دیگر:

سخنرانی آتشین و ظلم‌برانداز آن حضرت در مسجد جامع شام است.

۱– صَخربن حَربِ‌بن اُمَیّهٔ، معروف به اَبوسُفیان

۲– همان، ج ۳، ص ۱۵۶

امام سجاد(س) با وجود ضعف و ناتوانی جسمی زیاد و رنج و تحمل داغ‌ها و مصایبی که کوه‌ها را منفجر و آسمان‌ها را متلاشی و دریاها را به امواج خون و آتش می‌نشاند، در آن مسجد چنان سخنرانی فرمود که بنیان بیداد یزید و یزیدیان را در هم فرو ریخت.

امام(ع) بعد از حمد و ثنای حق‌تعالی و درود و نیایش حضرت ختمی مرتب(ص) چنین آغاز سخن فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتّاً وَ فُضِّلْنَا بِسَبْعٍ:
أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَ الْحِلْمَ وَ السَّمَاحَةَ وَ الْفَصَاحَةَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ الْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ،
وَ فُضِّلْنَا بِأَنَّ مِنَّا النَّبِيَّ[1]

(ای مردم!

خداوند ما اهل بیت را ۶ فضیلت عطا فرموده است،

(که تنها خاص ماست و دیگران از آن بی‌بهره‌اند) و آن۶ عطیه چنین است:

علم، حلم، بزرگی و اصالت، فصاحت، شجاعت و محبت و دوستی در دل‌های مؤمنین...)

از همین ابتدای سخنرانی، آن حضرت به بیان برخی از ویژگی‌ها و صفات رهبر و امام مسلمین که در خاندان حضرتش وجود دارد، می‌پردازد و بعد از جملاتی می‌فرماید:

مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي أَنْبَأْتُهُ بِحَسَبِي وَ نَسَبِي[2]

(ای مردم !

هر که مرا می‌شناسد، می‌داند،

و هر که نمی‌شناسد،

پس گوش فرا دارد تا من خود به معرفی شخصیت خویش بیاغازم...»

آنگاه حضرت شروع به بیان صفات و فضایل و مناقب و والایی‌های شخصیت پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) کرده و داد سخن می‌دهد تا آنگاه که چنین می‌فرماید:

أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا ابْنُ الْمَقْتُولِ ظُلْماً،
أَنَا ابْنُ الْمَجْزُوزِ الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا أَنَا ابْنُ الْعَطْشَانِ حَتَّى قَضَى،
أَنَا ابْنُ طَرِيحِ كَرْبَلَاءَ أَنَا ابْنُ مَسْلُوبِ الْعِمَامَةِ وَ الرِّدَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ بَكَتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ،
أَنَا ابْنُ مَنْ نَاحَتْ عَلَيْهِ الْجِنُّ فِي الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ،
أَنَا ابْنُ مَنْ رَأْسُهُ عَلَى السِّنَانِ يُهْدَى أَنَا ابْنُ مَنْ حَرَمُهُ مِنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ تُسْبَى؛

۱- بحارالأنوار(ط - بیروت)، ج ۴۵، ص ۱۳۸

۲- همان

أَیُّهَا النَّاسُ!
إِنَّ اللهَ تَعَالَی وَ لَهُ الْحَمْدُ ابْتَلَانَا أَهْلَ الْبَیْتِ بِبَلَاءٍ حَسَنٍ حَیْثُ جَعَلَ رَایَةَ الْهُدَی،
وَ الْعَدْلِ وَ التُّقَی فِینَا وَ جَعَلَ رَایَةَ الضَّلَالَةِ وَ الرَّدَی فِی غَیْرِنَا...[1]

(ای مردم!
بدانید که من فرزند فاطمهٔ زهرایم.
من فرزند مهتر زنان و خدیجهٔ کبرایم.
من فرزند آنم که به ظلم و ستم او را کشتند.
من فرزند آنم که سر مقدسش از قفا بریدند.
من فرزند آنم که با حالت عطش شهید گشت.
من فرزند آنم که جسد شریفش را در بیابان کربلا روی خاک افکندند،
و عمامه و ردا از تن مبارکش برآوردند.
منم فرزند آن‌که ملایکهٔ آسمان در ماتمش گریستند،
و جن و انس در زمین، و مرغان هوا در آسمان در عزایش نوحه سر دادند.
منم پسر آن کس که سر مقدسش را در شهرها بگردانیدند.
منم فرزند آن‌کس که اهل بیتش را از عراق تا شام "به خیال خود" به اسارت بردند.)

سپس آن حضرت بعد از بیان این حقایق و روشنگری‌ها و اقامهٔ عزا، بلافاصله به محور اصلی معرفی خاندان عصمت و طهارت، یعنی مسألهٔ **رهبری و امامت و هدایت** پرداختند، چرا که **اصل اصیل و رکن رکین و اساس و پایهٔ اسلام** بر این مهم استوار است.

آن لشگر و آن مردم در شناخت این مسأله مقصر بودند که موجب گشتند تا حادثهٔ جان‌خراش شهادت سیدالشهدا(ع) و سایر مصایب کربلا رخ دهد و در حقیقت می‌توان گفت:

- یزید ملعون، با «جهل و بی‌خبری و عدم شناخت مردمان نسبت به رهبری، و امام و پیشوای مکتب»، امام حسین(س) را به شهادت رساند.

حضرت فرمودند:

(هان ای مردم!
سپاس و ستایش بر خدای راست که ما اهل بیت را به بلایی نیکو آزمایش فرمود،
آنگاه که رایت هدایت و عدالت و تقوی را در میان ما خاندان جای داد،
و علم گمراهی و ضلالت را در دست دیگران.)

۱- ناسخ‌التواریخ، امام حسین(ع)، ج ۳، ص ۱۶۲

بررسی در مقاتل، نمونه‌های بسیاری در این زمینه را به ما نشان می‌دهد که نقل همهٔ آنها و حتی تحلیل و بیان ابعاد محتوای نمونه‌های ذکر شده، خارج از این مجال است. از این روی، مقال خود را با ذکر یکی ۲ نمونهٔ دیگر به پایان می‌بریم.

حماسه‌های حضرت اباالفضل العباس(س)

اگر از تمامی آن‌چه که دربارهٔ حضرت عباس(س) باید گفته شود، تنها به رجزهای آن حضرت در روز عاشورا اکتفا نماییم، باز با دریایی از تعهد و حماسه و معرفت و فضایل اخلاقی و سجایای نفسانی و معارف الهی و تعالیم سازندهٔ انسانی و مکتبی روبه‌رو می‌شویم.

رجز زیر را آن سردار بزرگ سپاه حسین(ع)، هنگامی می‌خواند که دست راست خود را در راه رهبر و امامش فدا کرده است و با دست چپ، دنیایی از شجاعت و ایثار و حمایت از حق و نابودی دشمن را به نمایش گذارده است:

وَ اللهِ إِنْ قَطَعْتُـمُ يَمِينِي إِنِّي أُحَامِي أَبَداً عَنْ دِينِي
وَ عَنْ إِمَامٍ صَادِقِ الْيَقِينِ نَجْلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الأَمِينِ[1]

(به خدا قسم اگر دست راستم را قطع کردید،
هرگز از حمایت دین خود و رهبر و امامم،
فرزند پیامبر پاک و موحد،
دست برنخواهم داشت.)

یک دنیا حماسه و ایثار، عقیده و جهاد، آگاهی و معرفت و توحید در این رجز نهفته است و درس جانبازی و فداکاری و حماسه به پیروان حق و آنان‌که رهبر و امام خود را شناخته‌اند می‌دهد و بیان می‌کند که حسین(س) امام و حجت حق و هم اوست رهبر دین خدا، و اوست حافظ و نگاهبان آن و من هرگز دست از یاری او بر نخواهم داشت.

و همچنین در رجزهای خود امام حسین(س) به نمونه‌هایی از این مسأله برمی‌خوریم.

امام(ع) در همان زمانی که مشغول مبارزه و جنگ است، رجزهایی می‌خواند که در آنها به معرفی خود و خاندان عصمت و طهارت می‌پردازد؛ یعنی در رجزهای خود نیز مسألهٔ امامت و رهبری و فضایل و مناقب خود و اهل بیت(ع) را بیان می‌فرماید.

در این‌جا به برخی از این رجزها اشاره می‌کنیم:

أَنَا ابْنُ عَلِـيٍّ الطُّهْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ كَفَانِي بِهَـذَا مَفْخَـراً حِيـنَ أَفْخَرُ

۱- همان، ج ۲، ص ۳۴۵ - مناقب آل‌أبی‌طالب(لابن شهرآشوب)، ج ۴، ص ۱۰۸

وَ جَدِّی رَسُولُ اللهِ أَکْرَمُ مَنْ مَضَی وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللهِ فِی الْخَلْقِ نَزْهَرُ

(منم فرزند علی از خاندان هاشم،
که چون خواهم افتخار کنم همین افتخار مرا بس است.
و جدم رسول خدا(ص) بهترین مردمان است،
و ما اهل بیت چراغ‌های نورافشان خدا در زمینیم.)

وَ فِینَا کِتَابُ اللهِ أُنْزِلَ صَادِقاً وَ فِینَا الْهُدَی وَ الْوَحْیُ بِالْخَیْرِ یُذْکَرُ

(در شأن ما اهل بیت قرآن به راستی نازل شد،
و هدایت و وحی دربارهٔ ما به خوبی یاد می‌شود.)

امام مطاع أوجب الله حقه علی الناس جمعا و الذی کان ینظر[1]

(علی(ع) است آن رهبر و امامی که خداوند حق او را بر تمامی مردم
لازم و واجب فرموده است.)

گفتار امام به هنگام حملهٔ دشمن به خیام حرم

نمونه‌ای دیگر از آن‌چه گفتیم گفتار امام سجاد(ع) است در آن هنگام که لشگریان یزید، بعد از شهادت سید مظلومان حضرت اباعبدالله(ع) به خیام حرم آن حضرت حمله‌ور شده و به غارت و چپاول و آتش زدن آنها پرداخته، و بانوان و اطفال حریم نبوت و امامت، سر در بیابان نهادند.

امام سجاد(س) زار و ناتوان در خیمه‌ای افتاده و در کمال ضعف و بیماری به سر می‌برد. خواست از جای برخیزد، نتوانست. ناگزیر دیدگان به هر سو گردانید، اما جز خیمه‌های سوزان و گروه غارتگران و اهل بیت ناله‌کنان چیزی ندید و نشنید.

به سوی درب خیام توجه کرد و خوب گوش فرا داد...

بعد از آن‌که حقیقت تلخ شهادت پدر بزرگوارش معلوم گشت، صیحه‌ای دردناک از دل برکشید و صدا زد:

– ای مردان خدا، ای یاران، ای دوستان ما کجایید؟

به ما خبر دهید، آیا پدرم حسین، نورچشم من، شیر بیشهٔ شجاعت، پناهگاه بی‌پناهان، بقیه‌الخلفا، سید و آقای اوصیا، فرزند فاطمهٔ زهرا(س)، امام و رهبر مسلمین را کشتند؟

آیا کودکان یتیم و بانوان اسیر شدند؟

۱– ناسخ‌التواریخ، امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۳۶۵

آیا خیام حرم غارت گردید؟

کجاست جدم علی‌بن ابی‌طالب(ع)؟

کجاست یکه‌تاز روی زمین که حال فرزندان خود بیند؟[1]

آن‌چه گذشت بررسی و بیان ناقصی بود از ارایهٔ یکی از صدها نمونهٔ معارف و حقایق و تعالیم ارزنده و والای ابعاد گسترده و عمیق مقتل امام حسین(س) که سزاوار است توجهی کامل و بررسی و عنایتی تام بدان معطوف، و روی آن کار شود و به افکار عرضه گردد.

مقتل سیدالشهدا(س) گرچه دل‌ها را آتش زده، سرشک غم از دیده جاری می‌سازد و سخت عواطف و احساسات را متأثر می‌نماید و بایستی این بعد عاطفی به خوبی حفظ و تقویت گردد، اما به موازات آن، نباید از اهمیت آن‌چه گفتیم نیز غفلت نمود.

ان‌شاءالله تعالی.[2]

۱-الوقایع والحوادث، ج ۳، ص ۲۵۱

۲- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۰، ۱۳۶۱/۸/۸

شماره: **۲۵۹** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **سخنرانی**

موضوع: **ولایت فقیه، ویژگی‌ها، وظایف، حدود و ثغور آن و...**

(۵ قسمت)

امضا: حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی

«**ولایت فقیه**» تجلّی عینی «**اسلام**» است. چرا که شیعه معتقد است هیچ‌گاه نمی‌توان حرکت جامعهٔ معتقد و مصممی که عزم رفتن به سوی مقصد واحدی را دارد ـ امت ـ بدون الگو و راهنما ـ امام ـ توجیه و تفسیر نمود.

بعد از پیغمبر(ص) و ائمه(ع)، «فقیه» کسی است که عهده‌دار رهبری و راه‌یابی امت در همهٔ شئون می‌گردد. این نقش مهم و حیاتی را مراجعه به تاریخ و سیر انقلاب اسلامی دقیقاً نمایانگر است. بنابراین **شناخت اهمیت و شأن ولایت فقیه برای حرکت صحیح جامعه و اجرای دقیق آن، بر هر مسلمان واجب است.**

حجت‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی پیرامون **مسألهٔ ولایت فقیه** طی ۲ جلسه سخنرانی در **سمینار ولایت فقیه در شهر کرمان** [که به همت جهاد دانشگاهی دانشگاه کرمان در این شهر برگزار شد] مطالبی را عنوان کرده‌اند که در این‌جا توجه شما خوانندگان عزیز را به متن این سخنرانی جلب می‌نماییم:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی‌الله علی محمد و اله‌الطاهرین قال الله الحکیم فی کتابه:

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[1]

۱- سورهٔ شوراء، آیهٔ ۹

بحث **«ولایت فقیه»** که ادامهٔ بحث امامت است، بحثی است که ریشهٔ فکری و اعتقادی عمیق و پرسابقه‌ای در تاریخ شیعه دارد، و همین مسألهٔ عمیق اعتقادی منشأ همهٔ حرکت‌ها و تحولات شیعه بوده است.

این بحث (امامت) در ۲ بخش در جامعهٔ اسلامی بعد از رحلت رسول خدا(ص) مطرح شده است:

امامت خاص یا رهبری معصوم

بخش نخست، بخش **«امامت خاصه»** است، یعنی امامت ۱۲ نفر معصوم بعد از رسول خدا(ص) که این بحث بین شیعه و برادران سنی از بعد پیامبر(ص) مطرح بوده است.

شیعه طرفدار این نظریه بوده که امامت و رهبری از آن افرادی است مشخص و معین با ویژگی‌های خاصی که دارند، که از همه مهم‌تر مسألهٔ **«عصمت»** است، و مسألهٔ **امامت و رهبری** مسأله‌ای است **انتصابی** یعنی از طرف خدا تعیین شده است و خلاصه **امامت را امتداد مسألهٔ رسالت** می‌دانسته است.

امامت عام یا رهبری فقیه

بخش دوم از این بحث، بحث امامت به معنای عام و مفهوم عامش یعنی رهبری ـ نه رهبری افراد مشخص و معین ـ امامت به معنای عامش که در زمان غیبت یعنی پس از دوران امامت یازدهمین امام و غایب شدن امام عصر(عج) و گذشتن ۷۰ سال که در آن ۷۰ سال ۴ تن مشخص رابط بین مردم و امام معصوم بوده‌اند و به نام **غیبت صغری** نامیده می‌شود.

با گذشت آن زمان و شروع شدن **غیبت کبری**، این مسأله یعنی مسألهٔ ولایت فقیه و یا امامت به معنا و مفهوم عام همیشه مطرح بوده و ریشهٔ بسیار عمیق اعتقادی داشته است، یعنی **شیعه معتقد بوده تا زمانی که امام معصوم وجود و حضور دارد، حکومت و ولایت و رهبری از آن اوست و در زمانی که امام معصوم حضور ندارد، افرادی با ویژگی‌هایی می‌توانند حکومت را عهده‌دار باشند و از طرف امام معصوم نیابت کنند.**

بر همین اساس **تمام حکومت‌ها، چه حکومت خلفا در زمان ائمه(ع) و چه حکومت سلاطین و چه حکومت‌هایی که به عنوان ریاست‌های جمهوری در دنیا مطرح بوده، همه و همه از نظر شیعه یک حکومت غیرقانونی شناخته می‌شود.**

یعنی شیعه معتقد بوده و هست که:

– حکومت فقط از آن کسی است که این ویژگی‌ها (ولی فقیه) را دارا باشد:

فقیه باشد،

با تقوی باشد،

و صفات دیگر.

این است که همهٔ این حکومت‌های گذشته را شیعه حکومت غیر قانونی و حکما و سلاطین را غاصبین حکومت می‌شناخته و لذا در طول تاریخ، آنهایی که در کارهای اداری و دولتی پست و شغلی داشته‌اند ـ آنها که توجه داشتند و به مبانی اسلام معتقد بودند ـ با مراجعه به فقها و مراجع تقلید از آنها اجازه می‌گرفتند که آیا ما در این پست و در این شغل باشیم یا نه؟ حقوقی که ما می‌گیریم، اجازه می‌دهید که بگیریم یا نه؟ چرا؟ این عیناً مثل این می‌ماند که انسان ناچار شود در یک خانهٔ غصبی نماز بخواند یا زندگی کند. می‌رود سراغ صاحبخانه و از او اجازه می‌گیرد که اجازه می‌دهد در خانه تصرف کند و نماز بخواند.

در زمان ائمه(ع) هم این سؤال مطرح بود. در زمان مراجع تقلید حتی در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب باز این سؤال می‌شد و مراجع وقت به پیروی از ائمهٔ معصومین(ع) جواب می‌دادند که اگر در این کار و پست که هستی، به مردم خدمت می‌کنی و برای کار آنها گره‌گشا هستی، می‌توانی باشی و حقوق بگیری ـ با این شرط به آنها اجازه می‌دادند- در زمان ائمه، افرادی مثل «**علی‌بن‌یقطین‌ها**» وجود داشتند که به امر امام در حکومت‌ها، چون یک عامل نفوذی برای ایشان در دستگاه حکومت بودند، یعنی اینها در دستگاه حکومت زیر پوشش و استتار تقیه قرار می‌گرفتند و عامل نفوذی و گره‌گشا بودند، و خلاصه نفوذ شیعیان در زمان امام موسی‌بن جعفر(ع) به واسطهٔ همین عوامل بود. حتی در داخل خانهٔ هارون هم نفوذ پیدا می‌کنند و می‌بینیم که زن هارون هم به امامت موسی‌بن جعفر(ع) و این‌که شوهرش هارون غاصب است، معتقد می‌شود.

نقش تاریخی ولایت فقیه در نهضت‌ها و انقلاب‌ها

بنابراین بحث «**امامت**» و در زمان «**غیبت**» و به دنبال آن **بحث ولایت فقیه یک ریشهٔ اعتقادی دارد** که منشأ حرکت‌ها و مخالفت‌ها با خلفا و سلاطین هم همین معنا بوده است. لذا می‌بینیم جنبش تنباکو به دنبال فتوای فقیه و مجتهد عصر آغاز می‌شود. این استفاده از همان مقام ولایت فقیه و حکومت است که با این فتوا، تمام نقشه‌های استعماری انگلستان نقش برآب می‌شود. یا در حرکت تاریخی جنبش مشروطیت که باز فتوای مراجع تقلید، راهبر

و راه‌گشا و حرکت‌ساز است.

در انقلاب ما نیز، آن‌چه ملت را به حرکت درآورد و یک حرکت عمومی و همگانی در تمام مملکت ایران پدید آورد که در روستاها و همه‌جای ایران گسترده شد، اعتقاد به این مسأله بود که مرجع وقت و رهبر، امر و فرمانی که داد، اطاعتش واجب است. و الا اگر این اعتقاد ـ که این یک وظیفهٔ شرعی است و باید حتماً انجام وظیفه کرد ـ نبود، این همه جانبازی‌ها و فداکاری‌ها نمی‌شد و انقلاب به این شکل به پیروزی نمی‌رسید.

بنابراین مسأله از نظر تاریخی و از نظر این‌که حرکت‌آفرین بوده و هست، روشن است و بیش از این در این زمینه بحث نمی‌کنیم و به مطلب اصلی که در چند محور است، می‌پردازیم:

۱- این‌که واژهٔ ولایت و امامت و رهبری چرا برای این مقام انتخاب شده است؟

مناسبت انتخاب این واژه چیست؟

۲- انواع ولایت

۳- ولایت خداکه منشأ و سرچشمهٔ همهٔ ولایت‌های دیگر است،

به چه شکل و چگونه پیاده می‌شود؟

واژهٔ ولایت در فرهنگ اسلامی

واژهٔ **ولایت** که به معنای **سرپرستی** است، به معنای **متصدی شدن یک کار و امری** است.

این واژه گاهی در مورد یک فرد به کار می‌رود. مثلاً در مورد یک کودک گفته می‌شود: ولی او کیست؟ یعنی سرپرست او کیست؟ به پدر در فرهنگ اسلامی ولی- سرپرست-گفته می‌شود. گاهی این واژه در مورد یک شیء به کار می‌رود. مثلاً در مالی که مالک ندارد مثل مال موقوفه گفته می‌شود: «**متولی**» **وقف** یعنی متصدی و سرپرست وقف.

گاهی نیز در مورد جامعه به کار می‌رود. **ولی مسلمین**، آن کسی که **متصدی امور مسلمین** است.

در گذشته، در فرهنگ ایران به فرماندارها والی می‌گفتند. والی شهر یعنی سرپرست شهر که از همان واژه است. حتی به اعتبار این‌که شهر، مرکز حکومت و مرکز وجود یک سرپرست است، به آن ولایت می‌گفتند.

واژهٔ ولایت و واژهٔ امامت در قرآن و حدیث از پراستعمال‌ترین واژه‌هاست و بیش از واژه‌های دیگری چون حاکم، سلطان، اولی‌الامر و ... معمول بوده است. شاید علت این امر، نوع حکومتی است‌که در اسلام هست.

در اسلام حکومت از نوع سرپرستی و رهبری است نه سلطنت و فرمانروایی و حکمرانی.

ولی امر مسلمین مانند یک پدر است که فرزندانش را تربیت می‌کند و به رشد و کمال می‌رساند و هدفی جز این ندارد. او دنبال منافع شخصی و سودجویی نیست، نمی‌خواهد از زحماتی که برای رشد و تربیت فرزند و خانواده می‌کشد، به منافع خودش برسد. فقط به خاطر تربیت و سعادت فرزند قدم می‌گذارد و تلاش می‌کند، لذا به پدر، ولی- سرپرست-گفته می‌شود.

نوع حکومت در اسلام نیز این‌چنین است؛ یعنی حاکم و ولی مسلمین، رهبر، پیشوا و مقتدای مسلمین است، پدر و سرپرست و مربی است، کارش این است که جامعه را به رشد و سعادت برساند.

بنابراین استعمال شایع این کلمه به خاطر آن است که به جای معنای سلطنت و حکومت و خودکامگی و استبداد، معنای **پدرگونه بودن، تربیت کردن، محبت و مودت از آن برای مردم** مفهوم باشد.[1]

قسمت دوم

ولایت فقیه / ۲

بسم الله الرحمن الرحیم

در شمارهٔ پیش گفته شد:

ولایت فقیه بحثی است که ریشهٔ فکری و اعتقادی عمیقی در تاریخ شیعه دارد و در ۲ بخش مطرح می‌شود، **امامت عام یا رهبری معصوم و امامت خاص یا رهبری فقیه**، که بعد از غیبت کبری موضوعیت‌می‌یابد.

سپس **نقش تاریخی ولایت فقیه در انقلاب‌ها و نهضت‌ها** بیان شد و اینک دنبالهٔ مطلب:

ولایت تکوینی و ولایت تشریعی:

ولایت در فرهنگ اسلامی بر ۲ گونه است:

۱- ولایت تکوینی: که در ضمن بحث به آن اشاره خواهیم کرد.

۲- ولایت تشریعی: یعنی ولایتی که مربوط به قانون‌گذاری، ادارهٔ جامعه، تربیت و رشد و به کمال رساندن جامعه است.

۱- نشریه پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

در این نوع، ما با چند ولایت روبه‌رو هستیم؛ **ولایت خدا، ولایت رسول، ولایت امام معصوم، ولایت فقیه و ولایت عموم مؤمنین** و باز موارد دیگری نیز هست.

ولایت رسول و ولایت امام و ولایت فقیه. هر سه از ولایت خدا نشأت می‌گیرد. یعنی بالاصاله ولایت از آن خداست نه کس دیگر، و شاخه‌های ولایت یعنی **ولایت رسول و ولایت امام و ولایت فقیه نقش پیاده کردن ولایت الله را دارند.**

در این زمینه حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده که می‌فرماید:

وَلَایَتُنَا وَلَایَةُ اللهِ الَّتِی لَمْ یَبْعَثْ نَبِیّاً قَطُّ إِلَّا بِهَا[1]

ولایت ما، ولایت خداست. یعنی پیاده شدن ولایت خداست، تبلور ولایت خداست، که هیچ پیغمبری مبعوث نشد مگر به همین ولایت؛ یعنی ولایت هر پیغمبری هم‌نوعش ولایت خدا بوده است.

حال سؤال این است که:

- چرا ولایت بالاصاله از آن خداست، و ولایت‌های دیگر از ولایت خدا سرچشمه می‌گیرد؟

این‌جا باید رابطهٔ حکومت و ولایت با جهان‌بینی اسلام روشن شود.

به طور کلی **در دنیا ۲ نوع حکومت وجود دارد:**

۱- حکومت‌های مکتبی

۲- حکومت‌های غیرمکتبی

حکومت‌های مکتبی یعنی حکومت‌هایی که بر اساس یک مکتب، یک ایدئولوژی خاص و یک جهان‌بینی خاص استوار است، چه جهان‌بینی مادی و چه الهی.

حکومت‌های غیرمکتبی یعنی حکومت‌های آزاد که بر اساس یک مکتب استوار نیست، مثل حکومت‌های غربی که معمولاً حکومت‌های غیرمکتبی هستند. یعنی حکومت بر اساس جهان‌بینی خاصی نیست.

حکومت‌های مکتبی در نظام، تشکیلات، قوانین، بایدها، نبایدها و ایدئولوژی همه و همه از آن جهان‌بینی و شناختی که دربارهٔ هستی دارد، سرچشمه می‌گیرد.

کمونیسم یک مکتب است - ولو مکتبی است که از نظر ما باطل است – یعنی طرز تفکر و تلقی خاصی از انسان و جهان دارد.

بنابراین نظام تشکیلات و قانون و باید و نبایدش بر اساس همان شناخت و جهان‌بینی

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۲ - بحار، ج ۲۷، ص ۱۳۶
ولایت ما همان ولایت خدا است که هیچ پیغمبری جز با ولایت ما برانگیخته نشده است.

خاص است. بعد از آن‌که انسان در نظر یک مکتب مادی، و موجودی یک بعدی و مادی شد و زندگی‌اش مخصوص و منحصر در این جهان گردید و زندگی دیگری برای او فرض و تصور نشد، آن مکتب برای زندگی این انسان یک جور برنامه می‌ریزد.

انسان دیگری، که تلقی دیگری از هستی دارد، نظامش جور دیگری است.

بنابراین **اگر بخواهیم در یک حکومت مکتبی به نوع آن تشکیلات و حکومت صحیح پی ببریم، باید رابطهٔ حکومت با جهان‌بینی را در نظر بگیریم و نوع سؤالات و اشکالاتی که گاهی به قوانین می‌شود، به خاطر این معناست که رابطهٔ بین قانون و جهان‌بینی در نظر گرفته نمی‌شود.**

ویژگی‌های جهان‌بینی اسلام

برای فهم این مطلب، باید ترسیم کوتاه و مختصری از جهان‌بینی اسلام- و مخصوصاً شناختی که اسلام دربارهٔ انسان دارد – عرضه شود.

۱- در **جهان‌بینی اسلام** – بر خلاف جهان‌بینی‌های غیرالهی و مادی – واقعیت مخصوص و منحصر به ماده و طبیعت نیست، بلکه ماده و طبیعت، یعنی آن‌چه را که حس می‌کنیم و با ابزار و وسایل مادی می‌توانیم درک کنیم، از بزرگ‌ترین کهکشان‌ها تا کوچک‌ترین ذره‌ها، همه و همه واقعیتی است که از واقعیت غیر مادی سرچشمه گرفته است.

این واقعیت‌های محدود که با مقیاس‌های مادی قابل اندازه‌گیری است، معلول آن واقعیت مطلق و نامحدود – که ما نامش را الله می‌گذاریم – است.

۲- در **جهان‌بینی اسلام**، تمام موجودات – چه مادی و چه غیرمادی و مجرد – تحت سرپرستی و ولایت خدا هستند یعنی این‌طور نیست که از خود استقلال داشته باشند و فقط در حدوث و پیدایش به او نیاز داشته باشند و در بقا بی‌نیاز باشند.

موجودات، همه قائم به او هستند. مانند سایه‌ای که قائم به ماست و اگر ما نباشیم، سایه هم نیست. این است که ما خدا را «**رب**» می‌نامیم.

الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ

حمد خدایی که ربّ همهٔ عوامل است. «**رب**» **یعنی تربیت‌کننده، پرورش‌دهنده**، پس همهٔ موجودات هستی تحت قیمومیت و سرپرستی و تربیت خداست و این معنای «**ولایت تکوینی**» در رابطه با خداست. **سرپرستی خدا در بعد آفرینش.**

تکوین از ماده «کون» است. کون یعنی بودن. در بعد آفرینش و هستی پرتو سرپرستی و ربوبیت خدا بر همهٔ موجودات افکنده شده است.

رَبِّ الْعالَمِینَ، رَبِ الفَلَق، رَبِّ النّاس و...

آیات قرآن در زمینهٔ ولایت خدا بر هستی، بی‌شمار است.

۳- انسان در جهان‌بینی اسلام موجودی است ۲ بعدی. یعنی فقط بعد مادی ندارد، هم بعد مادی و جسم دارد، هم بعد معنوی و جان. **هم باید به جسم او خوراک داده شود و غرایزش ارضا گردد، هم باید به خواسته‌های معنوی و جان او پاسخ داده شود.**

۴- انسان موجودی است ابدی. این را انسان در خودش می‌یابد که میل دارد برای همیشه باشد. **میل به ابدیت یک خواست غریزی انسان است و لذا از مرگ می‌ترسد و از دشمن و خطر فرار می‌کند.**

اسلام می‌گوید:

آفرینش خدای متعال به این میل و خواستهٔ انسان – چون به امیال و خواسته‌های دیگرش جواب گفته است – پاسخ مثبت داده است.

اصلاً نمی‌شود خواسته‌ای در وجود انسان باشد و آفرینش به آن جواب نداده باشد.

هر خواسته‌ای که در انسان است، در عالم و طبیعت جواب گفته شده است. میل به آب و وجود آب در خارج، میل به غذا، میل به جنس مخالف و وجود غذا و جنس مخالف در هستی و... میل به ابدیت و برای همیشه بودن را هم خدا جواب داده است.

انسان موجودی همیشگی است. با مردن از بین نمی‌رود، تنها منزلی عوض می‌کند. این عالم منزلگاه انسان و مرحله‌ای برای حرکت و سیر اوست که در آن، برای منازل بعدی و ادامهٔ سیر حرکتش باید ابزار تهیه کنند.

انسان قبل از آن‌که به دنیا بیاید، معمولاً ۹ ماه در رحم مادر زیست می‌کند. در این منزل کوتاه، او ابزار و وسایل زندگی این جهان را تهیه می‌کند؛ چشم، گوش، قلب، ریه، معده و... که در رحم مادر درست می‌شود، در آن‌جا هیچ به کار نمی‌آید و استفاده‌ای از آن نمی‌شود – حتی تغذیه‌اش از راه لوله‌ای است که به ناف او متصل است – اگر کسی صرفاً این مورد را مطالعه کند، قطعاً پی خواهد برد که این بچه برای این زندگی محدود و محیط تنگ رحم آفریده نشده، بلکه به سوی منزلی است که از این وسایل و ابزار در آن منزل استفاده کند.

زندگی انسان در این جهان و در این مرحله از حرکت در جهان‌بینی اسلام عیناً مانند زندگی طفلی است در رحم مادر.

این تشبیه در روایات و در لسان ائمه(ع) دیده می‌شود که مکرر فرموده‌اند:

- این دنیا به منزلهٔ رحم مادر است که یکی از جهات تشبیه و مثل بودنش همین است

که همان‌طوری که بچه در رحم مادر ابزار این عالم را تهیه می‌کند، انسان هم در این مرحله از زندگی و در این عالم ابزار و وسایل زندگی آن جهان را تهیه می‌کند. **پس شناخت اسلام از انسان، در رابطه با حرکت و سیر زندگی‌اش، با شناخت مکتب‌های مادی تفاوت دارد.**

۵- انسان موجودی است آزاد، که با انتخاب و اختیار خودش در این عالم حرکت می‌کند و قدم برمی‌دارد.

یعنی:

- موجودی است که فکر می‌کند، می‌اندیشد، حساب می‌کند،

جوانب مختلف اعمال را در نظر می‌گیرد،

و بعد تصمیم می‌گیرد.

این نیز از خصایص انسان است که موجودات دیگر چنین نیستند.

رابطهٔ ولایت و حکومت با جهان‌بینی اسلامی:

حال با توجه به این ۵ مطلب، رابطهٔ حکومت با جهان‌بینی را تحلیل کنیم.

گفتم در جهان‌بینی اسلام، هستی تحت ولایت و سرپرستی خداست.

فَاللهُ هُوَ الْوَلِیُّ[۱]

هیچ موجودی از ولایت و قیمومیت خدا خارج نیست. نظر اسلام این است که انسان در بعد اجتماعی و حرکتی که دارد، باید مثل همهٔ موجودات هستی تحت ولایت و سرپرستی خدا باشد. چرا این‌جا می‌گوییم: «باید»؟ **مگر نمی‌گوییم همهٔ موجودات هستی تحت ولایت خداست، چرا به انسان که می‌رسیم لفظ باید را به کار می‌بریم؟**

انسان هم که مثل موجودات دیگر تحت ولایت خداست، به خاطر آن است که گفتیم انسان آزاد است. چون آزاد است، به دنبال آن، باید و نباید می‌آید.

پس **انسان چون آزاد است، خودش باید ولایت خدا را بپذیرد.** در بعد جسمی، انسان در حرکت کلی عالم به عنوان جزیی از هستی، بدون انتخاب و اختیار تحت ولایت خداست. اما در بعد عملی و فکری و اجتماعی و حکومتی – و به تعبیر دیگر در بعد تشریح و قانون‌گذاری و در بعد باید و نبایدش – باید با اراده و انتخاب خودش ولایت خدا را بپذیرد.

۱- سورهٔ شوری، آیهٔ ۹

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ فَاللهُ هُوَ الْوَلِیُّ وَ هُوَ یُحْیِ الْمَوْتی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند؟ خداست که دوست راستین است، و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و هم اوست که بر هر چیزی تواناست.

پس **برای انسان ۲ راه بیشتر وجود ندارد که باید یکی را انتخاب کند.**

یا باید ولایت خدا را بپذیرد و انتخاب کند. یعنی با کل هستی هماهنگ باشد، همان‌طوری که ولایت تکوینی خدا بر جهان پرتو افکنده است، انسان خود را هم در **بعد تشریح و قانون** تحت ولایت خدا قرار بدهد و **با همهٔ موجودات هم‌گام و هم‌قدم شود.**

راه دیگر این‌که، **ولایت خدا را کنار بگذارد و ولایت طاغوت را انتخاب کند** و بر خلاف حرکت هستی – مانند کسی که بر خلاف جریان آب شنا می‌کند – حرکت کند.

این‌جاست که می‌بینیم **قرآن بین ولایت خدا و ولایت غیرخدا مقایسه می‌کند.**

ولایت تشریعی متکی بر ولایت تکوینی

در قرآن شاید حدود ۱۴ آیه باشد که مسألهٔ ولایت خدا را بر انسان در بعد قانون و تشریع – و نه تکوین – مطرح کرده است و در همهٔ این موارد مسألهٔ ولایت را با واژهٔ «اِتَّخَذَ وَ اَتَّخَذوا» یعنی انتخاب کردند، گرفتند و... همراه نموده است.

منظور این است که:

– **ولایت خدا بر انسان در بعد تشکیل حکومت و تشریع و قانون مسأله‌ای است که با انتخاب خود انسان شروع می‌شود.**

أَم اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ فَاللهُ هُوَ الْوَلِيّ

(آیا غیر از خدا سرپرستی گرفتند و انتخاب کردند،

حال آن‌که فقط خدا سرپرست انسان است).

وَ هُوَ يُحْيِ الْمَوْتى وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

(حال آن‌که اوست کسی که مردگان را زنده می‌کند،

و اوست که بر هر شیء قدرت دارد).

این آیه شاید این مطلب را می‌خواهد بفهماند که:

– **ولایت بر انسان‌ها یعنی ولایت تشریعی،**

– **و ولایت در بعد قانون متکی به ولایت تکوینی و ولایت بر آفرینش است.**

مرده زنده کردن، ولایت تکوینی است.

این اشاره به همان مطلب است که جهان و انسان و همه‌چیز تحت سرپرستی خداست و در یک سیر و حرکت به سوی ابدیت است و همه‌چیز تحت قیمومیت و قدرت اوست. آن وقت این انسان‌ها، خدا – که بر همهٔ موجودات ولایت دارد – را رها می‌کنند و فرد دیگری

را – طاغوت را – برای خود به عنوان ولی انتخاب می‌کنند.

یعنی ای بشر! تو به جای این‌که یک انسان ضعیف را ولی خودت قرار بدهی، ولایت خدایی را بپذیر که ولیّ همهٔ موجودات است. بر همهٔ موجودات قدرت دارد. آفرینش در اختیار اوست، حرکت هستی با ارادهٔ اوست، زنده شدن با اوست و...

این‌جا ولایت تشریعی را به ولایت تکوینی متکی کرده است و گویا با مردم استدلال می‌کند که **سزاوار است کسی ولیّ شما باشد که ولیّ همهٔ موجودات است.**

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا، وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ[1]

(مَثَل کسانی که از غیر خدا سرپرستانی برای خود انتخاب می‌کنند،

مَثَل عنکبوت است که خانه‌ای سست و بی‌پایه برای خودش انتخاب کرده)

این آیه باز با کلمهٔ «اتَّخَذوا» شروع شد.

قُلْ أَ غَيْرَ اللهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا[2]

(ای پیغمبر! به مردم بگو، آیا من غیر از خدا را ولی خودم انتخاب کنم.)

فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ

(و حال آن‌که خدا آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است.)

یعنی سزاوار است من کسی را که آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است و ولایت و ربوبیت و قیمومیت او بر آسمان پرتو افکنده است، ولی خود قرار دهم، نه یک موجود ضعیف دیگر (غیر خدا را، هر چه که هست).

بنابراین، این‌که اسلام می‌گوید حکومت و ولایت از آن خداست، انسان و جامعه باید تحت سرپرستی و ولایت خدا قرار گیرد، بر اساس جهان‌بینی است که دارد.

یعنی اسلام می‌گوید:

– **انسان با ذرهٔ اتم، با کهکشان‌ها و سحابی‌ها، با خورشید و ستاره و زمین و گیاه و حیوانات و... باید هماهنگ باشد. همان‌طوری که همه و همه تحت ولایت و سرپرستی حق هستند، انسان هم تحت ولایت و سرپرستی حق باشد. اما انتخابش با خود انسان است.**

۱– سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۴۱

۲– سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۴

قُلْ أَ غَيْرَ اللهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فاطِرِ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعِمُ وَ لا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

بگو: «آیا غیر از خدا –پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین– سرپرستی برگزینم؟ و اوست که خوراک می‌دهد، و خوراک داده نمی‌شود.» بگو: «من مأمورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است، و [به من فرمان داده شده که:] هرگز از مشرکان مباش.»

بنابراین اسلام می‌گوید:

- ولایت از آن خداست.

بنابراین بر این اساس، رابطهٔ حکومت و جهان‌بینی اسلام مشخص شد.

ولایت خدا چگونه پیاده می‌شود؟

حال این بحث را مطرح می‌کنیم که:

- «ولایت خدا چگونه پیاده می‌شود»؟

سرپرستی و ولایت از آن خداست، ما می‌خواهیم تحت ولایت و سرپرستی او قرار بگیریم و با موجودات و عالم هستی هم‌گام و هم‌قدم باشیم.

ولایت خدا چطور پیاده می‌شود؟

پیاده شدن ولایت خدا در جامعه ۲ شرط دارد.

شرط اول این‌که **قانون حاکم بر جامعه، قانون خدا باشد** اگر قانون، قانون غیر خدا باشد، در آن جامعه ولایت و سرپرستی خدا نیست. مثلاً دانشکده، دبیرستان یا مؤسسه‌ای که تحت نظر وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شود، به این معناست که سرپرستی این مؤسسه را آن وزارتخانه به عهده دارد و برنامه‌ریزی این مؤسسه از طرف آن است. هیچ‌گاه نمی‌توان تصور کرد سرپرستی و نظارت این مؤسسه با وزارت آموزش و پرورش باشد، اما برنامه‌ریزی آن بدون ارتباط با وزارتخانه باشد.

پس **هر کس و هر مؤسسه‌ای که سرپرستی امری را به عهده گرفت، برنامه‌ریزی آن‌جا هم باید به وسیلهٔ او باشد.**

بنابراین اگر ما گفتیم جامعه باید تحت سرپرستی خدا باشد و او ولی حاکم باشد، شرط اولش این است که **قانون حاکم بر جامعه، قانون خدا باشد**، نه قانون دیگر.

این‌جاست که به «وحی» نیاز پیدا می‌کنیم. یعنی اگر بخواهد قانون از طرف خدا باشد، باید انسان یا انسان‌هایی باشند که با غیب یعنی با خدا، با آن واقعیت مطلق، مرتبط باشند و از آن منبع، قانون را تلقی کنند و به بشر عرضه دارند.

وحی یعنی ارتباط انسان با عالم غیب – یعنی با خدا – و گرفتن و تلقی کردن قانون و خط‌مشی انسان‌ها و جامعه از خدا.

و لذا معتقدیم:

- مسألهٔ وحی جزء جهان‌بینی مکتب‌های الهی است.

ما شارع و قانون‌گذار را خدا می‌دانیم، ولیّ و سرپرست و برنامه‌ریز و همهٔ قوانین از خداست. پیغمبران دستگاه‌های گیرنده هستند که قانون را از خدا می‌گیرند و به بشر عرضه می‌دارند.[1]

قسمت سوم

ولایت فقیه / ۳

بسم الله الرحمن الرحیم

در شمارهٔ پیش گفته شد:

مکاتب مختلف بر اساس تلقی خاصی که از هستی دارند، نوع حکومتشان نیز متفاوت است. حکومت‌های غربی معمولاً حکومت‌های غیرمکتبی هستند و حکومت اسلامی بارزترین حکومت مکتبی است که بر اساس ویژگی‌های خاص تفکر اسلامی بنا نهاده می‌شود.

بعد از تقسیم ولایت به تکوینی و تشریعی، این مطلب مطرح شد که ولایت خدا چگونه پیاده می‌شود؟ در جواب گفته شد:

شرط اول این امر حاکمیت قانون خدا بر جامعه است و نه قانون دیگر و این‌جاست که به مسألهٔ وحی نیاز پیدا می‌شود و پیامبران مأمور می‌شوند قانون را از خدا بگیرند و به بشر عرضه کنند.

و اینک ادامهٔ مطلب:

خداوند، واضع قوانین ثابت

قانون ۲ نوع است:

۱- قانون ثابت

۲-قانون متغیر

قانون ثابت آن قانونی است که انسان با همهٔ خواسته‌های فطری و غریزی و انسانی‌اش محور شده و در نظر گرفته شده است. انسانی که فرقی بین سیاه و سفید، عرب و عجم و ترک و فارس، شرقی و غربی و... او نیست. انسان با این خصوصیات محور موضوع بوده است و برای او قانونی وضع شده که ثابت است و هیچ تغییری نمی‌کند.

مثلاً فرض کنید در بعد معنوی، انسان باید همیشه با خدای خودش راز و نیاز داشته باشد، نماز بخواند، عبادت کند، یک سلسله احکام و دستورات و قوانین به عنوان «**قوانین عبادی**»

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۰ ، ۱۳۶۱/۸/۸

برای او هست که البته در مکتب‌های مادی نیست. چرا که آن مکاتب برای انسان نه خدایی قایلند و نه زندگی دیگر.

اما **در مکتب الهی که به خدا و زندگی دیگر و بعد معنوی قایل است، احکام و قوانین عبادی برای انسان همیشگی است؛ یعنی تا قیامت، این انسان باید نماز بخواند و عبادت کند.**

روزی نمی‌آید که بگوییم نماز مال زمان گذشته است و انسان دیگر نماز احتیاج ندارد، روزه احتیاج ندارد، حج نیاز ندارد و...

این همان قوانینی است که فرموده‌اند:

حَلالُ مُحَمّدٍ حَلالٌ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ وَ حَرامُهُ حَرامٌ اِلی یَوْمِ الْقِیامَة

تمامی قوانینی که به وسیلهٔ پیامبران و از طریق وحی به ما رسیده است، چه قوانینی که مربوط به عبادات است، چه مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی، روابط اجتماعی، سیاسی و... همگی قوانینی ثابت و لایتغیر است و تا روز قیامت باید این قوانین – که به وسیلهٔ وحی به ما می‌رسد – باشد.

قوانین متغیر قوانینی است که باید بر اساس ضرورت و احتیاج وضع شود. مثلاً فرض کنید آن روزی که بشر با حیوانات مسافرت می‌کرد و از اتومبیل و قطار و هواپیما خبری نبود، قوانینی هم که در زمینهٔ راهنمایی و رانندگی و مربوط به کشتیرانی و هواپیمایی است، مورد نیاز بشر نبود. در حالی‌که امروزه سخت مورد نیاز بشر است. و مسلم است که اگر احیاناً وسایل پیشرفته‌تر در این زمینه مورد استفاده قرار بگیرد، قوانین امروزی منتفی می‌شود و دیگر نیازی به آنها نیست. همچنین است قوانین نظامی و جنگی و...

ولی امر، واضع قوانین متغیر

حالا سؤال این است که:

– این نوع قوانین به چه وسیله باید وضع بشود؟

این نوع قوانین باید به وسیلهٔ «ولی امر» که از طرف خدا تعیین می‌شود، برای رفع نیاز جامعه وضع بشود و او فرمان بدهد که مردم از این قوانین اطاعت کنند. البته منظور این نیست که ولی امر خودش بنشیند یک‌یک این قوانین را وضع کند – چون این امکان‌پذیر نیست – بلکه منظور این است که او دستور می‌دهد افرادی متخصص دور هم جمع می‌شوند و قوانینی بر اساس نیازها و احتیاجات وضع می‌کنند. این امر هم‌چنان نیست که آزاد و مطلق باشد، بلکه باید از محدودهٔ قوانین کلی و ثابت خارج نشود و الّا دیگر نمی‌تواند قانون الهی باشد (درست

به همین خاطر است که می‌گوییم باید در اختیار ولی امر باشد.)

برای نمونه می‌توانید انواع قراردادهای بازرگانی و تجاری که یک کشور با کشورهای دیگر می‌بندد، در نظر بگیرید. اینها همه جزء یک قراردادها و قوانین موسمی است که باید بر اساس ضوابطی انجام گیرد.

مجلس در یک مملکت اسلامی، مثل آن‌چه هم‌اکنون در مملکت ما قانون اساسی پیش‌بینی کرده و رهبر هم آن را امضا کرده است، باید قوانین، ضوابط، آیین‌نامه‌ها و لوایح و همهٔ موارد را تدوین و تصویب کند. مثلاً یکی از ضوابط کلی ثابت و همیشگی برای یک جامعهٔ اسلامی این است که **جامعهٔ اسلامی نباید در استعمار اجنبی و کفار قرار گیرد.**

سیاست خارجی یک کشور اسلامی استقلال و عدم وابستگی است، نه سلطه‌جو است و نه سلطه‌پذیر.

وَ لَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكافِرينَ عَلَى الْمُؤْمِنينَ سَبيلاً[1]

(خدا برای کفار بر مؤمنین راه و سلطه قرار نداده است.)

مسلمان و مؤمن باید:

أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرين[2]

باشد، غالب و عزیز و آقا.

این‌جاست که باید مجلس در یک جامعهٔ اسلامی کاملاً متوجه باشد که قراردادهایی که می‌بندد، از این محدوده خارج نشود. **مثل قراردادهای رژیم طاغوت نباشد که به بهانهٔ قرارداد نظامی یا بازرگانی و تجاری، راه استعمار را برای مکیدن خون ملت باز می‌کرد.**

جریان جنبش تنباکو نیز همین بود. ظاهر امر قرارداد بازرگانی بین دولت انگلستان یا دولت ایران مبنی بر این‌که کشت و تولید و توزیع و برداشت دخانیات در انحصار دولت انگلستان باشد، یک قرارداد کشاورزی و بازرگانی بدون این‌که مربوط به مسائل سیاسی باشد!

اما این بهانه و وسیله‌ای برای حاکمیت استعمار انگلیس در ایران بود.

به همین خاطر است که در قانون اساسی مکرر این مطلب تذکر داده شده است که:

هر قرارداد و آیین‌نامه و قانونی که از محـدودهٔ قوانین و موازین اسلامـی خارج باشد، قانونی نیست.

فقهای شورای نگهبان که از طرف رهبر و ولی امر تعیین می‌شود، برای این کار پیش‌بینی

۱- سورهٔ نسا، آیهٔ ۱۴۱

۲- سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۴

شده است.

با انتخاب اینان از طرف رهبر ۲ کار انجام می‌شود:

۱- این در واقع یک مرجعی است که تشخیص می‌دهد کدام قانون با آن موازین کلی اسلامی یعنی با آن قوانین ثابت و لایتغیر تطبیق می‌کند و کدام تطبیق نمی‌کند.

۲- برای این‌که قوانین غیرثابت (موسمی) که به وسیلهٔ نمایندگان وضع می‌شود با ولی امر و رهبر ربطی پیدا کند تا قانون الهی بشود، باید این قانون را نمایندهٔ ولی فقیه که شورای نگهبان است امضا کنند، که عیناً مثل این است که ولی امر امضا کرده است.

بنابراین:

«قوانین ثابت» به وسیلهٔ «وحی» و از طرف «خدا» عرضه و بیان می‌شود و «قوانین متغیر» و موسمی به وسیلهٔ «ولی امر» و آن کسی که از طرف خدا تعیین می‌شود.

بررسی آیات قرآن

قبلاً اجمالاً گفتیم:

پیاده شدن ولایت خدا ۲ شرط دارد:

۱- قانون حاکم بر جامعه از طرف خدا باشد.

در این زمینه اشاره کردیم که حدود ۱۴ آیه در قرآن وجود دارد که قانون و حکم را به خداوند اختصاص می‌دهد.

حالا به بیان چند آیه از این آیات می‌پردازیم.

الف: آیات ۵۷ سورهٔ انعام و ۴۰ سورهٔ یوسف که در هر دو، یک تعبیر است:

إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلّٰهِ

حکم فقط به خدا اختصاص دارد.

ب: آیات ۴۴، ۴۵ و۴۷ سورهٔ مائده:

وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ

وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ

وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولئِکَ هُمُ الْكافِرُونَ

آنها که به غیر آن‌چه که خدا نازل ساخته است – به غیر قوانین و ضوابط الهی می‌خواهند حکومت کنند و قانون پیاده نمایند – حکم می‌کنند، ۳ صفت را دارند؛

کافرند، ظالمند، فاسقند.

ج: آیهٔ ۲۶ سورهٔ کهف:

مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا.

غیر از خدا، ولیّ برای جامعه و مردم نیست و در حکم خدا هم کسی شرکت ندارد.

یعنی:

- حکم، قانون و حکومت به خدا اختصاص دارد و هیچ‌کس را با خدا نباید شریک کرد.

«شرک در ربوبیت» یکی از اقسام شرک است که در قرآن کریم نفی شده و در روایات توضیح داده شده است.

گفتیم که:

- خدا «رب» موجودات است، یعنی تربیت‌کنندهٔ آنهاست و موجودات را به تدریج از نقص به کمال می‌رساند.

«رب» انسان هم هست،

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

یک دانهٔ گندم که در زیر خاک به تدریج تربیت می‌شود و با آن فعل و انفعالاتی که در او انجام می‌شود، به صورت یک خوشهٔ گندم درمی‌آید و... همهٔ موجودات به وسیلهٔ یک سلسله قوانین و نظامات حاکم بر جهان ماده و طبیعت از نقص به کمال – به ارادهٔ حق – می‌رسند.

این تربیت تکوینی خداوند در موجودات است. در مورد انسان، با توجه به این‌که انسان آزاد و انتخاب‌گر است، تربیت خدا در مورد انسان با ارایهٔ برنامه و قانون و طریق به انسان است که انسان با انتخاب خودش در مسیر حق و تربیت قرار می‌گیرد. پس فرستادن انبیا، قانون‌گذاری و برنامه‌های دینی یکی از شئون ربوبیت خداست.

خدا چون ربّ (تربیت‌کننده) است،

لذا باید قانون‌گذار هم باشد،

برنامه را هم باید او بدهد،

و جامعه و انسان را او تربیت کند.

در قرآن آیاتی داریم که تصریح دارند برای خدا شریکی در ربوبیتش قرار ندهید. یعنی:

- تنها خداست که مربی شماست و باید قانون‌گذار شما باشد، برنامه‌های او باید راهنمای شما قرار گیرد.

بنابراین:

- دیگری را در این شأن با خدا شریک نکنید.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللهِ

(بگو به اهل کتاب،

بیایید کلمه‌ای را که همه قبول داریم و بین ما و شما مشترک است بگیریم،

و آن این‌که غیر از خدا را عبادت نکنیم،

- نفی شرک در عبادت-

و بعضی از ما بعض دیگر را مربی و تربیت‌کنندهٔ خود قرار ندهد.

هـ: آیهٔ ۱۶۴ سورهٔ انعام:

قُلْ أَغَيْرَ اللهِ أَبْغِي رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ

(آیا غیر از خدا را به عنوان رب خود بپذیرم و حال آن‌که او «رب» هر چیزی است.)

این‌جا نیز مسألهٔ تربیت انسان به تربیت کلی جهان متکی شده است، یعنی همان رابطه‌ای که بین جهان‌بینی مکتب و نظام حاکم بر جامعه در آن مکتب هست.

و: آیهٔ ۵۰ سورهٔ طه:

رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى

(خدای ما آن کسی است که هر چیزی را آفریده و او را راهنمایی کرده است.)

من خدایی را که برای هر موجودی، راهی و حرکتی و جهتی قرار داده است و او را تربیت می‌کند، رها کنم و موجود دیگر را رب خود قرار بدهم.

ز: آیهٔ ۳۱ سورهٔ توبه:

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللهِ

یعنی:

(این قوم از یهود و نصارا، دانایان و آنهایی را که در کوهسارها عبادت می‌کردند، رب خود قرار دادند.)[1]

قسمت چهارم

ولایت فقیه / ۴

بسم الله الرحمن الرحیم

در شمارهٔ پیش گفته شد که:

شرط اول پیاده شدن ولایت خدا آن است که قانون، قانون خدا باشد.

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۲ ، ۱۳۶۱/۹/۶

قانون هم ۲ نوع است. قانون ثابت که به وسیلهٔ وحی و مستقیم از طرف خداست.

قانون متغیر و موسمی که به وسیلهٔ ولی امر باید تدوین شود.

البته منظور این نیست که ولی امر خودش این کار را انجام دهد، بلکه او دستور مجتمع شدن افرادی متخصص را می‌دهد که بر اساس نیاز جامعه قوانین را وضع کنند و به امضا و تصویب او برسانند که در نتیجه همه‌اش قانون خدا می‌شود.

در این شماره بعد از نقل چند آیهٔ باقی‌مانده از بحث پیش، **شرط دوم** را بررسی می‌کنیم:

در حدیث هست که از امام صادق(ع) دربارهٔ آیهٔ:

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللهِ

پرسیدند:

– **آیا منظور از پرستش، سجده کردن است؟**

امام در جواب می‌فرماید:

– نه. چنین نبوده است. معنی آیه این است که این دانایان و رهبان‌ها قوانین الهی را تغییر دادند، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کردند.

یعنی در مقابل خدا قانون درست کردند.

اگر جامعه‌ای غیر از خدا قانون‌گذاری برای خود انتخاب کند و برنامه و خط‌مشی را از غیر خدا بگیرد، این یک نوع رب قرار دادن و شرک است.

وَ لَوْ دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ مَا أَجَابُوهُمْ وَ لَكِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَاماً وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ[1]

(اگر اینها مردم را به عبادت دعوت می‌کردند، مردم آنها را اجابت نمی‌کردند.

حلال را حرام و حرام را حلال کردند.)

باز در حدیث دیگر در بیان همین آیه می‌فرماید:

أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَتَّخِذُوهُمْ آلِهَةً[2]

إِلَّا أَنَّهُمْ أَحَلُّوا حَلَالًا فَأَخَذُوا بِهِ وَ حَرَّمُوا حَرَاماً فَأَخَذُوا بِهِ فَكَانُوا أَرْبَابَهُمْ مِنْ دُونِ اللهِ[3]

(اینها حلال را حرام کردند و حرام را حلال – یعنی قانون‌گذاری کردند –

مردم هم از آنها تبعیت کردند.)

۱– بحارالأنوار، ج ۲، ص ۹۸

۲– بحارالأنوار،ج ۲۴، ص ۲۴۶

– بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۶

پس اگر جامعه‌ای بخواهد موحد باشد، یکی از شرایط آن این است که قانون خدا بر همهٔ شئون آن جامعه حکم‌فرما باشد.

شرط دوم این است که:

- آن کسی که در رأس ارگان‌های حاکم بر جامعه قرار می‌گیرد، فردی باشد که از طرف خدا تعیین شود (ولی مسلمین).

در مثالی که قبلاً در مورد سرپرستی – مثلاً – یک دبیرستان یا دانشکده عنوان کردیم، گفتیم، این سرپرستی به معنای آن است که برنامه‌ریزی و مدیر یا هیأت مدیره و... همه از طرف سرپرست معین می‌شود و این مسأله که قانون و برنامه‌ریزی از جای دیگر باشد و بگویند این تحت نظر فلان ارگان است، مفهومی ندارد.

پس:

- اگر ما بخواهیم به حکم قرآن و به مقتضای جهان‌بینی اسلام جامعه را تحت ولایت خدا قرار بدهیم، هم باید برنامه و قانون از طرف خدا باشد و هم ولی امر و آن‌که در رأس هرم جامعه قرار می‌گیرد.

تعیین خاص و تعیین عام

تعیین از طرف خدا ۲ نوع است:

یکی **تعیین و نصب خاص**.

و دیگری **تعیین و نصب عام**.

تعیین و نصب خاص به این است که شخص معینی را برای حکومت و سرپرستی جامعه مشخص کند.

تعیین عام به این است که معیارها و صفاتی را ذکر کنند و بگویند هر کس واجد این معیارها و صفات بود، لیاقت سرپرستی را دارد و می‌تواند سرپرست باشد.

این هر ۲ نوع تعیین در اسلام و همهٔ مکتب‌های الهی وجود دارد.

اما **تعیین و نصب خاص در مورد پیامبران است و به اعتقاد شیعه، بعد از پیامبر معظم اسلام، در مورد ائمهٔ معصومین(ع) است.**

پیامبر ۲ شأن و ۲ مسئولیت داشتند:

۱- مسئولیت ابلاغ و رساندن احکام و قوانین و برنامه‌ها به مردم.

۲- مسئولیت رهبری و امامت، یعنی مسئولیت حکومت (ولایت بر جامعه و مردم).

لذا می‌بینیم قرآن در مورد ابراهیم خلیل می‌فرماید:

وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماماً[۱]

(و چون ابراهیم را پروردگارش به کارهایی که او را بدان‌ها امر فرمود، بیازمود،

و وی را به انجام آنها موفق ساخت،

گفت:

من تو را پیشوای مردم قرار خواهم داد.)

بعد از آن‌که به یک سلسله ابتلائات، خداوند ابراهیم را آزمایش کرد، آنگاه او را امام و رهبر قرار داد.

یا در مورد پاره‌ای از انبیای بنی‌اسرائیل می‌گوید:

وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا[۲]

(و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا آنان را به امر ما هدایت کنند.)

در همهٔ این موارد قرآن بیان می‌کند که:

- **پیامبران را بعد از رسالت، امام و رهبر قرار دادیم.**

مسألهٔ رهبری و حکومت و زعامت، شأن و مسئولیتی برای انبیا بوده است غیر از مسئولیت ابلاغ؛ و البته همهٔ انبیا این مسئولیت را نداشتند.

پس **در مورد انبیا، تعیین امام و ولی مسلمین، تعیین شخصی است.** یعنی **شخص را معین می‌کند** و به اعتقاد شیعیان در مورد ائمهٔ معصومین(ع) نیز چنین است؛ شخص امیرالمؤمنین و شخص فرزندش امام مجتبی و همین‌طور تا امام غایب سلام‌الله علیه.

در **تعیین عام**؛ یعنی **نصب با بیان معیارها و صفات کلی**؛ هر کس که واجد چنین معیارهایی باشد، می‌تواند رهبری جامعه را عهده‌دار بشود.

این امر در زمان بعد از غیبت صغری است که قبلاً نیز به آن اشاره رفت. یعنی **در این زمان فردی که واجد یک سلسله ویژگی‌ها و صفات باشد، می‌تواند امامت و ولایت بر جامعه را عهده‌دار شود.**

ویژگی‌های ولی امر

این ویژگی‌ها بدین قرار است:

۱- فقیه باشد؛ یعنی مجتهد باشد، بتواند احکام و دستورات و قوانین الهی را از منابعش بر

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۲۴

۲- سورهٔ انبیا، آیهٔ ۷۳

اساس معیارهایی – که فراگیری‌اش نیاز به تخصص دارد – استنباط کند.

این بدان معنا نیست که هر که ترجمهٔ قرآن و حدیث را بداند، می‌تواند استنباط حکم کند. **«استنباط حکم» یک رشتهٔ تخصصی است، نیاز به درس خواندن و زحمت کشیدن دارد.**

این است که ممکن است افرادی در حوزه‌های علمیه ۱۰ تا ۱۵ سال هم درس خوانده باشند و به کیفیت استنباط هم تا حدودی وارد باشند و تسلط کافی نیز بر آیات و اخبار و احادیث داشته باشند، ولی در عین‌حال «مجتهد» نباشند.

پس اگر کسی توانست قرآن و حدیث را بفهمد و ترجمه کند، نمی‌تواند فکر کند که خودش مجتهد و صاحب رأی است و می‌تواند احکام را استنباط کند. این مسأله خود یک خط انحرافی در جامعهٔ ما بود که به وسیلهٔ افرادی – و مخصوصاً منافقین – پدید آمد که هدف آن هم جدا کردن جامعه از روحانیت و مجتهد و مرجع تقلید بود. اینها فکر می‌کردند، همین‌قدر که بتوانند یک آیه را معنی کنند، مجتهد می‌شوند.

بنی‌صدر معتقد بود که خودش افقه فقهاست. در مجلس خبرگان صریحاً به آیت‌الله منتظری گفته بود:

«من خودم را فقیه‌تر می‌دانم!». ما اول خیال می‌کردیم که او شوخی می‌کند. بعد معلوم شد که نه، واقعاً این مطالب را جدی مطرح می‌کند. خوب، کسی که می‌گوید: «من اندیشمندترین فرد در روی زمین هستم!»، قهراً باید مجتهد باشد و آن هم اعلم از همهٔ مجتهدین، تا بتواند اندیشمندترین فرد قرن باشد. در حالی‌که نه درسی خوانده، نه فقهی خوانده و نه...

اجتهاد یک رشتهٔ تخصصی است، درست مانند رشته‌های دیگر. آیا اگر کسی نام چند دارو را بلد بود، می‌توان به او اجازهٔ طبابت داد؟ آیا هیچ مریضی به خودش اجازه می‌دهد به یک دکتر داروساز مراجعه کند؟ تا چه رسد به یک فردی که تنها چند روز است در داروخانه کار می‌کند و تازه قسمتی از اسامی داروها را یاد گرفته است.

در مسألهٔ اجتهاد نیز همین معنا هست. اجتهاد یک رشتهٔ تخصصی است، درس خواندن و زحمت کشیدن می‌خواهد، فرمول و معیار و راه مخصوصی دارد و همین‌طور نیست که هر کس فکر بکند و بگوید من مجتهد هستم.

تازه اگر فردی مجتهد باشد، تنها برای خودش مجتهد است و رأیش برای خودش اثربخش است. وقتی برای جامعه مؤثر است که در حد اعلی از علم باشد. آن وقت است که مردم از او تبعیت و تقلید می‌کنند.

برای هر یک از این ویژگی‌ها، در آیات و روایات شواهدی داریم که برای نمونه به بعضی

از روایاتی که ناظر به این زمینه است، اشاره می‌کنیم.

مثلاً در زمینهٔ فقه، از امیرالمؤمنین علی(ع) روایتی در کتب اهل سنت در «امامه و سیاسه» نقل شده است که حضرت فرمود:

نَحنُ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْكُم[1]

(به امر خلافت ما از شما سزاوارتریم.)

بعد امام ملاک و معیار مشخص می‌کنند. جهت این‌که ما سزاوارتریم، و هر کجا که این جهت بود، قهراً او سزاوارتر می‌شود، این است:

مَا كانَ فينَا القارئ لِكتابِ اللهِ الفَقيهُ فِي دينِ اللهِ العالِم بِسُنَنِ رَسُولِ اللهِ

(مادامی که در بین ما اهل بیت؛ «فقیه» در دین خدا هست، عالم به سنن رسول خدا هست، ما سزاوارتریم.)

بنابراین معلوم می‌شود یکی از معیارها در مسألهٔ زعامت و حکومت «فقه» است. «فقیه بودن» است. یعنی دانا و عالم بودن که بتواند احکام خدا را استنباط کند.

البته این مسأله خیلی روشن و بدیهی است، چرا که در تشریح نوع حکومت‌ها گفتیم حکومت مکتبی، حاکمیت قانون خدا است. پس فردی که در رأس آن قرار می‌گیرد باید قانون خدا را بداند و بتواند از منابع و مراجعش استنباط کند و به دست بیاورد.

[۲- مدیریت]:

باز در خطبهٔ ۱۷۳ نهج‌البلاغه، امام علی(ع) می‌فرماید:

أَيُّهَا النّاسُ، إِنّ أَحَقّ النّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ، أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِاللهِ فِيه،

سزاوارترین کس به امر خلافت و حکومت آن است که نیرومندتر باشد، بهتر بتواند اداره بکند. که ما از این جمله مسألهٔ «مدیریت» را استنباط می‌کنیم.

یعنی دیگر از شرایط زمامداری، ولایت و امامت مسلمین، مسألهٔ «مدیریت» است. این موضوع نیز در هر کاری و هر دستگاه و جامعه‌ای، شرط ضروری و روشنی است.

[۳- عدالت و تقوا]

شرط دیگر، مسألهٔ **«عدالت و تقوا»** است.

هدف از حکومت در جامعهٔ اسلامی، تربیت مردم و رشد و به کمال رساندن جامعه و در

۱- بحار، ج ۲۸، ص ۳۴۹

یک کلام «**انسان‌سازی**» است.

ساختن جامعه بر معیارهای معنوی و اخلاقی و سیر آن به سوی خدا. هدف از حکومت در اسلام، سلطنت کردن، توسعهٔ مرزهای جغرافیایی، استفاده‌های شخصی و... نیست.

حتی مسائل رفاهی جامعه، تنها نیست. البته اینها باید باشد و هست. استقلال، آزادی، اقتصاد و... اما هدف اینها نیست. هدف تأمین دنیای مردم و سیر کردن شکم آنها نیست. اینها مقدمه است. **هدف اصلی عبارت از تربیت جامعه و حرکت آن به سوی خدا و معنویات و اخلاق است.**

باید یک تحول و انقلاب فکری در جامعه پدید بیاید. فکر و روح انسان که به مادیات بیش از هر چیز گرایش دارد. از ماده و مادیات منسلخ[1] و منصرف گردد و به خدا و معنویات متوجه باشد.

پس باید فردی که در رأس جامعه قرار می‌گیرد، اول خودش متخلق به اخلاق اسلامی باشد، متقی، عادل، با معنویت و با اخلاص باشد.

چنین انسانی که در رأس قرار گرفت، افرادی را که دارای ویژگی‌های معنوی هستند، به کار می‌گمارد. بدین‌ترتیب جامعه به تدریج به سوی اخلاق و معنویت حرکت می‌کند.[2]

در گذشته که افراد فاسد در رأس مسئولیت‌ها بودند، فساد در همهٔ ابعاد، مملکت را فرا گرفته بود. الآن که سعی شده افراد مکتبی، افراد مسلمانی که دارای ویژگی‌های معنوی و اخلاقی هستند، در رأس ارگان‌ها قرار بگیرند، می‌بینیم خیلی اثر بخشیده است.

اصلاً یک تحول فکری و اخلاقی در جامعهٔ ما پدید آمده است و ان‌شاءالله به همین سو و جهت حرکت را ادامه خواهیم داد تا روزی که موفقیت کامل در این زمینه پیدا کنیم.

بنابراین **عدالت، تقوا، مدیریت و شجاعت** ویژگی‌های لازمی است که باید در فرد فقیه وجود داشته باشد.

چگونگی تعیین ولی امر

اکنون بحث مهم دیگری را مطرح می‌کنیم و آن این‌که:

۱- برکنده شدن، خلع شدن، عاری شدن.

۲- امام علی(ع) در خطبهٔ چهلم نهج‌البلاغه، وجود حاکم - چه نیکوکار و چه بدکار - را برای مردم ضروری می‌داند و می‌فرماید: اگر زمامدار بدکار و منحرف باشد، شخص باایمان در زمامداری او عمل صالح خود را انجام می‌دهد و شخص کافر برای دنیایش برخوردار می‌گردد... در زمامداری شخص صالح، انسان باتقوی به اعمال صالح خود مشغول می‌شود و در زمامداری منحرف انسان شقی برخوردار می‌گردد.
وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَنَّهُ(ع) لَمَّا سَمِعَ تَحْكِيمَهُمْ قَالَ حُكْمَ اللَّهِ أَنْتَظِرُ فِيكُمْ، وَ قَالَ: أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقِيُّ وَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقِيُّ...



– آیا رای مردم در انتخاب ولی امر و فردی که در رأس جامعه است تاثیری دارد یا نه؟

یعنی:

– آیا مسألهٔ تعیین ولی امر و تعیین حکومت با خداست یا با مردم؟

در جواب باید گفت:

از یک نظر رأی مردم هیچ دخالتی ندارد و از یک نظر دخالت دارد. به گونه‌ای رأی مردم مؤثر است و به گونه‌ای مؤثر نیست. از آن نظر می‌گوییم دخالت ندارد که **تعیین ولی امر با خداست.** اگر پیغمبر و امام معصوم است، تعیین شخصی می‌باشد و **اگر زمان غیبت است، تعیین نوعی و عام**؛ به این معنا که صفات و ویژگی‌هایی را بیان نموده است.

پس:

– **اگر مردم کسی را به عنوان ولی امر یا امام انتخاب نکردند، چنین نیست که او امام نباشد.**

اجتهاد یک رشتهٔ تخصصی است که راه و معیارهای مخصوصی دارد.

مثلاً به اعتقاد ما حضرت موسی‌بن جعفر(ع) در گوشهٔ زندان، امام و ولی بود. چرا؟

چون از طرف خدا تعیین شده بود. ولو این‌که اکثریت مردم، هارون‌الرشید را امام و ولی و خلیفه می‌دانستند.

امیرالمؤمنین علی(ع) در ۲۵ سال قبل از خلافتش، امام و خلیفه بود؛ ولو این‌که اکثریت مردم او را خلیفه و امام نمی‌دانستند.

بنابراین:

– **از این جهت که این مسأله امری انتصابی از طرف خداست،**

هیچ ارتباطی با آرای مردم ندارد.

اما برای پیاده شدن امامت و رهبری،

و برای به فعلیت رساندن این مقام،

حتماً رأی مردم مؤثر است.

اگر مردم اصلاً مسلمان نشدند،

با زور و فشار،

نمی‌توان اسلام را بر آنان تحمیل کرد.

آنها باید با آزادی و انتخاب اسلام را بپذیرند.

اسلام را که انتخاب کردند، قهراً نوع حکومت را (حکومت اسلامی) می‌پذیرند.

بنابراین می‌بینیم **رأی مردم برای پیاده شدن حکومت اسلامی اثر دارد.**

امامت امیرالمؤمنین(ع) با این‌که می‌گوییم از طرف خداست و ثبوتاً هیچ ارتباطی با مردم ندارد (چون اصل ثبوت این مقام پرمسئولیت و عهده‌دار شدن این وظیفهٔ خطیر از طرف خداست)، یعنی ایشان امام بودند، ولو مردم هم سراغش نمی‌آمدند. اما این امامت وقتی پیاده شد که مردم به سراغ او آمدند و حضور پیدا کردند.

در انقلاب اسلامی نیز همین امور را ملاحظه کردیم. رهبر عزیز امام خمینی قبلاً با این‌که در قم بودند و فضلا و مدرسین به ایشان علاقمند و ایشان را به عنوان مرجع شناخته و معرفی می‌کردند، ولی در عین‌حال عموم مردم نسبت به ایشان شناخت نداشتند. چون شناخت نداشتند، مسأله پیاده نشد.

حکومت اسلامی آن موقع پیاده شد که:

مردم به تدریج نسبت به این رهبر شناخت پیدا کردند.

نسبت به اصل این‌که اسلام دارای حکومت است و باید در راه حکومت اسلام جانبازی و فداکاری کرد و خون داد و... آگاهی‌هایی در مردم پیدا شد.

مردم راه‌پیمایی کردند و در صحنه حاضر شدند،

و آن هنگام که مبارزه گسترش پیدا کرد،

مسألهٔ زعامت و ولایت امر پیاده شد.

بنابراین برای به فعلیت رسیدن مسألهٔ امامت و رهبری و پیاده شدن حکومت اسلامی، مسلماً خواست و رأی و حرکت مردم مؤثر است، اما واقع مسئولیت از طرف خدا داده می‌شود.

برای نمونه، یک طبیب متخصص در رشتهٔ جراحی مغز را در نظر بگیرید که تازه وارد شهری شده و مردم هم او را نمی‌شناسند. تخصص و علم این شخص در اثر زحمات و لیاقت و استعداد خود او فراهم شده است نه مردم، اما اگر همین مردم او را نشناسند و از رشتهٔ تخصصی او استفاده نکنند، این تخصص بی‌ثمر است و به فعلیت نمی‌رسد.

مسألهٔ زعامت و امامت هم مثل همین است.

ویژگی‌های رهبر مسأله‌ای است که از طرف مردم داده نمی‌شود، بلکه خود شخص باید زحمت بکشد و واجد آن شرایط بشود، که این امر برای هر کس ممکن است و اختصاص به دستهٔ خاصی ندارد. اما **برای این‌که بتوانیم از این علم و فقاهت و عدالت و تقوا و مدیریت استفاده کنیم، خواه‌ناخواه به رأی مردم نیاز داریم.**[1]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۳ ، ۱۳۶۱/۹/۲۰

قسمت پنجم

ولایت فقیه / ۵

بسم الله الرحمن الرحیم

در شمارهٔ پیش در مورد **تعیین و نصب از طرف خداوند** گفته شد این امر به ۲ صورت تحقق می‌پذیرد:

- یکی **تعیین و نصب خاص که در مورد پیامبران و ائمهٔ معصومین(ع)** است.
- و دیگر **تعیین و نصب عام که در آن معیارها و صفات کلی برای رهبری جامعه** عنوان می‌شود.

سپس به **ویژگی‌های ولی امر** اشاره رفت. از جملهٔ این ویژگی‌ها **فقیه بودن** است، یعنی **توان درک و استنباط حکم و قوانین الهی از منابع آن**، که احتیاج به تخصص دارد.

عدالت، تقوی، مدیریت، شجاعت از دیگر ویژگی‌های لازمی است که باید در فرد فقیه وجود داشته باشد.

در مورد **نقش مردم در حکومت اسلامی** گفته شد مسألهٔ انتخابات ولی فقیه از آن‌جا که امری انتصابی از طرف خداست، هیچ ارتباطی با آرای مردم ندارد، اما برای پیاده شدن امامت و رهبری و برای به فعلیت رساندن این مقام، حتماً رأی مردم مؤثر است. و اینک آخرین قسمت مطلب:

رابطهٔ ولی فقیه با قوای ۳ گانه

مسألهٔ دیگری که باید در خاتمهٔ بحث توضیح داده شود، مسألهٔ **کیفیت رابطهٔ ولی امر در نظام جمهوری اسلامی با ارگان‌ها و قوای حاکم بر مملکت** است.

در هر مملکت و نظامی ۳ قوه وجود دارد:

۱- **قوهٔ مقننه:** یعنی قوه‌ای که قانون‌گذاری می‌کند.

۲- **قوهٔ مجریه:** یعنی قوه‌ای که قانون را اجرا می‌کند که این قوه خود به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف: بخش اداری که برای ادارهٔ جامعه است و آن وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و همهٔ ادارات دولتی و ارگان‌هاست.

ب: بخش نظامی که شامل نیروهای مسلح نظامی و انتظامی است.

۳- **قوهٔ قضاییه:** یعنی قوه‌ای که مأمور رسیدن به تظلمات مردم و فصل خصومت‌ها است.

در هر مملکتی این ۳ قوه وجود دارد. در رژیم گذشته هم این ۳ قوه وجود داشت. امتیازی

که حالا در جامعهٔ ما هست، این است که این ۳ قوه تحت رهبری و ولایت فقیه عادل قرار می‌گیرند، یعنی **رهبری و ولی امر در رأس این ۳ قوه قرار گرفته است.**

در اصل ۵۷ قانون اساسی آمده است:

- قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوهٔ مقننه، قوهٔ مجریه و قوهٔ قضاییه.

تا این‌جا ما با همهٔ کشورهای دیگر یکسان هستیم، ولی امتیاز قانون اساسی ما این است که این قوا تحت نظر ولایت امر قرار می‌گیرند.

حال باید دید **ارتباط ولی امر با این ۳ قوه** چگونه است.

رابطهٔ ولی فقیه با قوهٔ مقننه

ولی امر در قوهٔ مقننه چه نقشی دارد؟

قبلاً نیز اشاره کردیم که نقش ولی امر این است که قوانینی که در قوهٔ مقننه بر اساس نیازها و ضرورت‌ها تدوین می‌شود، قوانین متغیر و موسمی باید از ۲ جهت تحت نظر او باشد:

- یکی این‌که بر خلاف اصول کلی و موازین اسلامی تدوین نشود و به عبارت دیگر با قوانین ثابت و لایتغیر اسلام تلاقی پیدا نکند.

- دوم این‌که این قوانین باید حتماً به امضای ولی امر برسد تا برای ما اطاعتش و اجرایش واجب باشد. چرا؟ برای این‌که ما هیچ اجبار و الزامی نداریم که از قانون و فرمان یک انسان اطاعت کنیم، ما فقط باید از خدا اطاعت کنیم و در مقابل فرمان و امر او ملزم و موظفیم (و همچنین هر کس که خداوند فرمان اطاعتش را داده است).

ما چرا می‌گوییم باید امر و فرمان پیغمبر را اطاعت کرد؟ صرفاً به خاطر این‌که خدا در حدود ۳۰ مورد در قرآن «**وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ**» فرموده، اگر خدا نفرموده بود، ما هیچ دلیلی نداشتیم که از پیغمبر(ص) اطاعت کنیم.

دلیل عقلی که ما در این امور داریم، اطاعت از خداست. به چه دلیل واجب است از پیغمبر(ص) و امام معصوم(ع) اطاعت کنیم؟

چون خدا فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ[1]

۱- سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۹

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و رسول و کارداران خود را که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را تعیین کرده، فرمان برید.

در زمان غیبت به چه دلیل از فقیه عادل که ولی امر است، اطاعت کنیم؟ چون نایب امام معصوم است و امام معصوم فرموده: در زمان غیبت از انسان‌هایی که دارای ویژگی‌های خاص هستند، اطاعت کنید. مثلاً فرض کنید امیرالمؤمنین(ع)، مالک اشتر را به عنوان فرماندار مصر به آن‌جا می‌فرستد. **چرا مردم موظفند که از مالک اشتر اطاعت کنند؟** زیرا امام علی(ع) مالک را نایب خودش قرار داده، **اطاعت از مالک، اطاعت از علی (ع) و اطاعت از علی(ع)، اطاعت از خداست.**

در زمان غیبت هم، فقیه عادل حکم مالک اشتر را دارد، منتهی مالک اشتر در مصر بود و فقیه عادل در کل جامعهٔ اسلامی است.

بنابراین بر ما واجب است که فقط امر و فرمان فقیه عادل را اطاعت کنیم و به اعتبار این‌که این فرمان خداست، پس **باید قوانینی که مجلس تصویب می‌کند، به امضای رهبر برسد تا برای ما به عنوان یک وظیفهٔ شرعی و الهی قرار بگیرد و اطاعتش واجب باشد.**

برای همین منظور در قانون اساسی پیش‌بینی شده که ۶ نفر فقیه و مجتهد از طرف رهبری به عنوان فقهای شورای نگهبان، تعیین شود. پس **رابطهٔ ولی امر و رهبر با مجلس توسط فقهای شورای نگهبان است.**

رابطهٔ ولی فقیه با قوهٔ مجریه

رابطهٔ ولی فقیه با قوهٔ مجریه در بخش اداری به وسیلهٔ رئیس‌جمهور است، چون **درست است که رئیس‌جمهور با رأی مردم انتخاب می‌شود، اما باید حتماً از طرف ولی امر تنفیذ شود.**

یعنی روی رأی مردم صحه گذاشته شود تا مشروعیت پیدا کند. لذا این امر در قانون اساسی پیش‌بینی شده و همهٔ پیش‌بینی‌ها و حساب‌های قانون اساسی برای این بوده که جنبه‌های شرعی و اسلامی مو به مو رعایت شود.

البته آنهایی که نمی‌خواستند حکومت اسلامی و مکتبی باشد، با همهٔ اینها مخالفت می‌کردند. بنی‌صدرها و لیبرال‌ها در داخل و خارج از مجلس شدیداً با اینها مخالفت می‌کردند، حتی بنی‌صدر اصلاً می‌گفت نباید در قانون اساسی شرط بکنیم که رئیس‌جمهور مسلمان باشد و جداً روی این مسأله ایستادگی می‌کرد.

من خودم در مجلس حاضر بودم، او می‌گفت: شما بنویسید رئیس‌جمهور مسلمان‌ها به مسلمان رأی می‌دهند! می‌گفتیم ما برای کشور اسلامی می‌خواهیم قانون اساسی بنویسیم، باید شرایطی را که در یک فرد معتبر است، از رهبر تا پایین‌تر، مسلمان باشد، باتقوا باشد و ... باید مسئولین دارای ویژگی‌های اسلامی باشند تا بتوانند جامعهٔ اسلامی را تربیت کنند و الا:

ذات نـایـافتــه از هستی بخش کی تواند کــه شود هستی‌بخش

یک روز در جلسهٔ غیرعلنی مجلس، مرحوم شهید دکتر بهشتی رحمه‌الله علیه با بنی‌صدر هردو مقابل نمایندگان ایستادند و روی این مسأله بحث کردند. بنی‌صدر طرفدار این بود که اسلام شرط نباشد و ذکر نشود و اکثریت که از جمله مرحوم بهشتی بود، طرفدار این مسأله که اسلام باید شرط باشد. بنابراین همهٔ اینها برای این بوده که مسائل با قوانین اسلام منطبق باشد.

در بخش نظامی، خود رهبر فرماندهٔ کل قواست. بخش نظامی مستقیماً تحت نظر خود رهبر است و فلسفهٔ این امر همین است که الآن می‌بینید مردم با عشق به جبهه‌ها می‌روند.

اگر یک فرد عادی به آنها امر می‌کرد، اگر فرماندهٔ کل قوا یک فرد عادی بود، نیروهای مسلح، مردم، بسیج، سپاه و ... با عشق و علاقه و داوطلبانه به جبهه‌ها نمی‌رفتند و می‌گفتند آخر من به فرمان چه کسی بروم؟ مسلماً روی انجام وظیفه و مسئولیت و عشق به شهادت و فرمان خداست و الا اگر حساب فقط دفاع از مملکت و وطن بود، هرگز حاضر نبودند، مگر با زور آنها را ببرند. پس فردی که فرماندهٔ کل قوا می‌شود، باید از چنان ویژگی‌هایی برخوردار باشد.

جنگ، فرمان جنگ و صلح در اختیار رهبر و فرماندهٔ کل قواست و البته فرماندهٔ کل قوایش فلسفه‌ای دیگر نیز دارد که حالا نمی‌خواهم توضیح بدهم.

رابطهٔ ولی فقیه با قوهٔ قضاییه

رابطهٔ ولی فقیه با قوهٔ قضاییه به وسیلهٔ تعیین ۲ نفر رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور مشخص می‌شود. این ۲ نفر عضو شورای‌عالی قضایی هستند که این شورا در رأس قوهٔ قضاییه است.

با این بیان همهٔ این قوا با رهبر ارتباط پیدا می‌کنند و این است موضع رهبر در قانون اساسی و در جمهوری اسلامی. البته بحث در اطراف مسألهٔ ولایت فقیه بیش از اینهاست، ولی به خاطر پایان یافتن وقت، بحث را خاتمه می‌دهم.

پاسخ به سؤالات

سؤال ۱: با توجه به این‌که ولایت فقیه امری الهی است، این صحبت که عدم حمایت مردم از ولی فقیه او را خودبه‌خود از ولایت خلع می‌کند، آیا با خصلت الهی آن مغایرت ندارد؟

جواب: اگر مردم از فقیهی که ویژگی‌ها و خصلت‌های لازم در او باشد حمایت نکنند، ولایت

این فقیه نقش خارجی پیدا نمی‌کند و الا آن خصلت و استعداد الهی در او هست. درست مانند مثال همان طبیب که در یک شهری هست اما مردم به سراغش نمی‌آیند. پس حمایت نکردن مردم با آن خصلت الهی منافات ندارد. بله، اگر ویژگی‌ها را مثلاً عدالت، مدیریت و ... از دست بدهد، آن خصلت الهی هم از او سلب می‌شود، اما مادامی که ویژگی‌ها در او هست، عدم حمایت مردم مانع و جلوگیری پیاده شدنش است یعنی تنها نمی‌گذارد در جامعه نقش پیدا کند به این‌که آن خصلت الهی از بین برود.

سؤال۲: اگر ولایت فقیه به قول شما با رأی مردم موافقت پیدا نکرد و پیاده نشد، تکلیف چیست؟

جواب: این تکلیف مردم است که همیشه از اسلام حمایت نمایند و ولایت فقیه را هم پیاده کنند. حال اگر خدای نخواسته مردم این‌جور نشدند و به وظیفه و تکلیفشان عمل نکردند، **تکلیف ما که متوجه هستیم، این است که آنها را روشن کنیم،**

و مردم را وادار یم که از ولایت فقیه حمایت کنند.

سؤال ۳: شما فرمودید که همهٔ پیغمبران دارای حق امامت نبودند و قرآن هم در چند جا می‌گوید که «لانفرق بین احد من رسله» هیچ تفاوتی بین پیامبران نیست.

جواب: منظور این است که در رسالت فرق نیست نه در جهات دیگر، و الا ما پیغمبران اولوالعزم و غیر اولوالعزم داریم، خاتم پیغمبران داریم که در آن جهت رسالت و ابلاغ فرقی بین آنها نیست، اما در جهات دیگر تفاوت وجود دارد.

سؤال۴: با توجه به این‌که گفته شد پیغمبر(ص) علاوه بر انسان‌ها بر اجنه هم ولایت دارد و رسول آنها نیز هست (البته من این مطلب را نگفتم، ولی هست)، آیا این ولایت شامل ائمه و ولی فقیه نیز می‌شود؟ در صورتی که باید پیامبر یا ولی از جنس خود آن موجود باشد تا نیاز آن موجود را درک کند و به نیازهای مشروع آنها پاسخ گوید.

جواب: البته در رابطه با مسألهٔ ولایت فقیه، خیر. **ولایت فقیه بر انسان‌هاست.** مسألهٔ رسالت پیغمبر نسبت به اجنه برای ما ثابت است.

قرآن در سورهٔ جن می‌فرماید:

بعضی از اجنه مؤمند و بعضی کافر. به قرآن گوش دادند و در اثر گوش دادن مؤمن شدند. آن‌چه از معارف اسلامی به دست می‌آید، این است که جن موجودی است باشعور، بااختیار، که کافر و مسلمان دارد، مرد و زن دارد و ... همین مقدار برای ما معلوم است. اما کیفیت این موجود و نحوهٔ ارتباط پیغمبر(ص) با آن برای ما مطلب معلومی نیست و نه لزومی دارد درباره‌اش بحث

کنیم و نه برای ما می‌تواند ثابت بشود.

سؤال۵: فرق بین فطرت و غریزه چیست؟ میل بقا در انسان فطری است یا غریزی؟

جواب: فطرت عبارت از آن استعدادهایی است که در انسان هست که اگر پرورش پیدا کند انسان به کمال می‌رسد. یک هستهٔ زردآلو را در نظر بگیرید. در این هسته، این قوه و استعداد وجود دارد که اگر او را در زیر خاک قرار بدهند و زمینه‌های رشدش را فراهم آورند، به صورت یک درخت زردآلو درمی‌آید. در وجود هر انسانی استعداد و گرایش به سوی خدا و خوبی‌ها و اخلاقیات و معنویات هست. این استعداد را فطرت می‌نامیم.

فطرت یعنی خلقت، اصلاً:

فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

یعنی:

خَالِقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

البته ریشهٔ لغتی فطرت به معنای شکافتن است، ولی در خلقت انسان، به معنای خلقت است. در وجود انسان، استعداد خداشناسی و گرایش به خدا و پرستش خدا و میل به خوبی‌ها هست. اگر این فطرت رشد پیدا کند و به فعلیت برسد، این استعدادها همان‌طور که دانه رشد می‌کند و یک درخت به وجود می‌آید، به فعلیت می‌رسد.

غریزه عبارتست از آن خواست‌های حیوانی انسان که در حیوانات دیگر هم وجود دارد. البته اینها هم به معنای عام خلقت جزء خلقت انسان است. اما این اصطلاح است و الا به یک معنا اگر حساب کنیم اینها هم جزء خلقت و آفرینش انسان است.

میل به بقا و بودن جزء غرایز است، زیرا این امر اعم است، یعنی در حیوان هم میل به بقا هست. بنابراین می‌توانیم بگوییم:

- غریزه آن سری از خلقت‌های انسان است که اختصاص به او ندارد و در حیوان هم هست، مثل میل به بقا، فرار از دشمن، میل به غذا و ...

اما فطرت آن استعدادهای خاص انسانی است که تنها مختص انسان است.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته[1]

۱- پیام انقلاب، شماره ۷۴، ۱۳۶۱/۱۰/۴

شماره: ۲۶۰ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش تحلیلی -خبری**

موضوع: **کمک‌های حامیان صدام برای مقابله با ایران اسلامی**

امضا: **نشریهٔ پیام انقلاب**

حامیان صدام، در جنگ تحمیلی

کمک‌های مالی کویت و عربستان به صدام از مرز ۴۰ میلیارد دلار نیز تجاوز می‌کند

زمانی که دشمنان جهانی انقلاب اسلامی به سرکردگی آمریکای جنایتکار دریافتند که انقلاب اسلامی در ایران را نمی‌توان با تحریم اقتصادی، دخالت مستقیم نظامی، کودتاهای پیاپی و توطئه‌های گوناگون از جمله خلق تشنجات مصنوعی در گوشه و کنار کشور توسط عمال داخلی خود ساقط نمود، بر آن شدند تا با تحمیل جنگی تجاوزکارانه به این هدف پلید خویش جامهٔ عمل بپوشانند.

پس از بررسی‌های لازم در محافل استعماری مأموریت اجرای این توطئه به عهدهٔ صدام جانی سپرده شد که در گذشته با جنایت‌های وحشیانه‌ای که علیه مسلمین به‌پاخاسته و انقلابیون راستین در عراق و منطقه روا داشته بود، رضایت سران استکبار جهانی را به خوبی جلب کرده بود.

برای اجرای این جنایت ضدبشری صدامیان کافر نه تنها از حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی کلیهٔ دول مرتجع و متحدین آمریکا برخوردار بودند، بلکه کمک‌های مالی و تسلیحاتی فراوانی نیز از جانب آنها دریافت داشته است که در این‌جا قسمت‌هایی از آن از نظرتان می‌گذرد:

اردن

حمایت‌های شاه حسین از صدام

رژیم آمریکایی حسین اردنی از همان نخستین روزهای آغاز جنگ تحمیلی به طرق مختلف حمایتش را از همکارش صدام اعلام نمود.

شاه اردن که از او به عنوان **فرماندهٔ سپتامبر سپاه** نیز یاد می‌کنند، با این‌که نزدیک‌ترین سرزمین به خاک اشغال‌شدهٔ فلسطین می‌باشد و به آسانی می‌تواند با متجاوزین صهیونیستی مبارزه نماید، هرگز فرصت جنگیدن با اسرائیل غاصب و آزاد کردن سرزمین‌های اشغالی از چنگال صهیونیزم را به جوانان آن کشور نداده است. با این وجود شاهد بوده‌ایم که این رژیم وابسته در طول جنگ تحمیلی عراق به ایران به عنوان مهم‌ترین حامی و پشتیبانی صدام در این جنگ ظاهر شده است.

۱ روز پس از بمباران فرودگاه‌های تهران، تبریز، کرمانشاه و همدان توسط بمب‌افکن‌های متجاوز عراقی، مزدور آمریکا در اردن (شاه حسین) بی‌شرمانه صدام تکریتی را از حمایت‌های همه‌جانبه‌اش آگاه می‌کند و طی یک مصاحبه با رسانه‌های گروهی کشور اعلام می‌کند:

- کشور من (اردن) آماده است در صورتی که عراق در جنگ با ایران به کمک نظامی احتیاج داشته باشد، به آن کشور کمک کند و اگر چیزی باشد که من بتوانم انجام دهم، یک لحظه درنگ نخواهم کرد.

وی اضافه کرد:

- حتی در صورت ضرورت به طرفداری از عراق با ایران وارد جنگ خواهم شد.

در نخستین هفتهٔ شروع جنگ تیپ ۱۹زرهی ارتش اردن مرکب از ۴۰ تانک از مرز مشترک این کشور با عراق گذشته و برای کمک به لشگریان بعثی عراق به نیروی زمینی صدام پیوست. در پی آن ۵۰۰۰ تن دیگر از سربازان اردنی به دستور شاه حسین برای حفظ امنیت داخلی عراق به پایگاه صدام در بغداد فرستاده شدند.

با اعزام این نیروها بخش قابل توجهی از نیروهای عراقی که در شمال این کشور و در مناطق کرکوک و سلیمانیه مشغول سرکوبی با مخالفان دولت بعثی بودند، فرصت یافتند که به جبهه‌های جنگ با ایران سرازیر گردند.

همزمان با ارسال پیاپی این کمک‌ها از جانب رژیم آمریکایی اردن به عراق، حضور سیاسی شاه حسین در بغداد و دیدارهای مکرر با صدام می‌توانست بهره‌های بسیاری را برای صدام دربر داشته باشد؛ چرا که وی با پیام‌هایی که از جانب آمریکا برای صدام می‌آورد، حمایت همه‌جانبهٔ

آمریکا و هم‌پیمانانش را برای صدام در حال سقوط اعلام می‌داشت و این امر می‌توانست روحیهٔ متزلزل صدامیان کافر را که تنها امید و نقطه اتکایشان کمک‌های خارجی است، تا حدودی تقویت نمایند.

در ۱۶مهر ماه ۵۹ حسین اردنی ۴۰ هزار نفر از سربازان خود را که به دنبال بسیج عمومی ۲۲ سپتامبر احضار شده بودند، در امتداد مرزهای عراق و اردن مستقر می‌کند تا در صورت نیاز فوری علیه انقلاب اسلامی وارد جنگ شوند.

رادیو دولتی امان گزارش داد که شاه حسین طی دیدار ۲۴ ساعته‌اش از بغداد که به طور ناگهانی صورت گرفت، حمایت نامحدود خود را از صدام کافر اعلام کرده و نیروهای مسلح اردن را تحت فرماندهی رهبران عراقی قرار داده است و کلیهٔ رسانه‌های تحت سلطهٔ امپریالیزم همگام با سران وابستهٔ آن کشور (اردن)، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهم‌ترین خطر برای اعراب و اسلام معرفی می‌کنند و بدین‌ترتیب این تلاش‌های مذبوحانه با کمک امپریالیزم خبری تبلیغات گسترده‌ای را برای محو کردن خصومت مسلمین با اشغالگران قدس و جایگزینی آن با ایران اسلامی به راه می‌افتد.

در تاریخ هفدهم فروردین‌ماه سال ۶۰ رژیم حسین اردنی به همراهی رژیم آمریکایی مصر ۱۰۰۰موشک فاو و۶۰۰ موشک سام ضدهوایی در اختیار حکام کافر بعثی عراق قرار می‌دهند و در پی آن صدها تن از سربازان اردنی و مصری وارد عراق شده و در منطقه‌ای به نام ۴ کلاً استقرار یافتند.

اما زمانی که هیچ‌کدام از این حمایت‌های مادی و معنوی تأثیری در روند جنگ نمی‌گذارد، **حیلهٔ تبلیغاتی جدیدی برای تقویت روحیهٔ شکست‌خوردهٔ سربازان صدام تحت عنوان اعزام سپاه یرموک از اردن آغاز می‌گردد.**

در این رابطه فرماندهی کل نیروهای مسلح اردن بیانیه‌ای صادر کرده و طی آن آمادگی خود را برای استقبال از داوطلبان جنگ دوشادوش رژیم مزدور عراق که در جناح شرقی میهن عربی می‌جنگد، اعلام داشت.

این اقدام به اصطلاح عربی اردن از جانب رژیم عراق و سایر مزدوران، به عنوان یک حرکت ملی! در جهت منافع اعراب ستایش گردید.

رادیو تلویزیون بغداد سایر دول مرتجع در منطقه و همچنین کلیهٔ رادیوهای صهیونیستی امپریالیستی متن سخنان شاه حسین در زمینهٔ تشکیل سپاه «یرموک» را پخش می‌کنند که خوشبختانه این اقدام تبلیغاتی ابلهانهٔ آنان با بی‌تفاوتی مردم اردن نسبت به آن خنثی می‌گردد.

اگر چه با پرداخت پول‌های کلان عده‌ای از اوباش را اجیر و در تلویزیون‌های آن کشور به نمایش گذاشتند، اما تعداد آنها آن‌قدر ناچیز بود که خود این کار به عنوان سندی بر بی‌اعتمادی مردم مسلمان اردن نسبت به سران وابستهٔ کشورشان به حساب آمد و از طرف دیگر بلافاصله از صدور فرمان تشکیل این سپاه (یرموک) از سوی شاه حسین برای مبارزه با انقلاب اسلامی ایران، **مقامات مسئول در جمهوری اسلامی سپاهی به نام گردان «جولان» متشکل از داوطلبان اسیر عراقی و ایرانی‌های علاقمند به مبارزه با صهیونیزم تشکیل گردید** که تشکیل این سپاه در آن زمان علاوه بر **نتایج بسیار ثمربخشی که ان‌شاءالله در آینده برای آزادسازی قدس برای مسلمین به ارمغان خواهد آورد** و از نظر تبلیغاتی نیز ضربهٔ مهلکی بود بر صدام و سایر مرتجعین که در رسانه‌های گروهی خود، اسرائیل را حامی ایران قلمداد می‌کردند.

کمک‌های تدارکاتی و لجستیگی رژیم اردن به عراق نیز رقم بسیار بالایی را در میان دیگر رژیم‌های مرتجع نشان می‌دهد.

هواپیماهای متجاوز عراقی که برخی از شهرها و روستاهای جنوب و غرب کشورمان را بمباران می‌نمودند، عمدتاً توسط رژیم آمریکایی اردن سوخت‌گیری می‌شده‌اند. اردن روزانه مبلغ بسیار زیادی از مواد سوختی را از پالایشگاه ذرفا به سوی عراق ارسال می‌دارد.

لازم به تذکر است که رژیم اشغالگر قدس به رژیم حسین اردنی قول داده است که در قبال محمولاتی که به مقصد عراق در بندر عقبه تخلیه می‌شوند، از خود واکنشی نشان ندهد.

بدیهی است که چنان چه اشغالگران صهیونیستی با چنین امری مخالفت داشتند، می‌توانستند از «**بندر ایلات**» که فاصلهٔ چندان زیادی با بندر عقبه ندارد، تضییقات و مشکلاتی را فراهم آورند.

مصر

بخشی از کمک‌های مصر به رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی

در میان حامیان پرو پاقرص صدام علاوه بر حسین اردنی از سادات معدوم و رؤسای تحمیلی امروزی مصر می‌توان نام برد.

انور سادات رئیس‌جمهور معدوم مصر به خاطر همکاری همه‌جانبه با سران صهیونیزم و امپریالیزم، با انقلاب اسلامی که مستضعفین جهان را به قیام علیه آنان می‌خواند، خصومتی دیرینه داشت.

پذیرش شاه منفور در مصر یکی از نمونه‌های عینی این کینه و خصومت آشکار وی نسبت

به انقلاب اسلامی و ملت به‌پاخاستهٔ ایران بود.

از طرفی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ملت مسلمان مصر نیز به مبارزات اسلامی خود شدت بخشیدند و حرکت‌های نوینی را علیه عمال استعمار آغاز کردند.

جنگ تحمیلی فرصتی را به سادات داد تا به نحوی از انقلاب اسلامی انتقام بگیرد و چنین می‌پنداشت که به خیال خودش از این فرصت طلایی عقده‌هایی را که در دل انباشته شده بود، بیرون بریزد. بنابراین با همهٔ توان خود به یاری لشگر متلاشی‌شدهٔ صدام شتافت و در این راه از بذل مال مردم محروم و زجرکشیدهٔ مصر و جان سربازان خویش فروگذار ننمود. اما هنوز تا بدان حد توان گستاخی و جسارت نداشت که به اصطلاح برادرنوازی‌های بی‌دریغ خود را در بوق‌های تبلیغاتی جهان بدمد و آشکارا در زیر علم و کتل قادسیهٔ صدام سینه بزند.

این بود که تا چند ماهی مقامات قاهره و رسانه‌های گروهی مصر و کشورهای عربی هم‌پیمان سادات در ارتباط با چند و چون کمک‌های این کشور به عراق تنها به لفاظی و کنایه اکتفا می‌کردند و هر زمان که اجازه می‌یافتند، صرفاً برای آماده‌سازی افکار عمومی گوشه‌هایی از پردهٔ ابهام را بالا می‌زدند و فرازهایی از حقایق را فاش می‌ساختند. مثلاً در اطراف نخستین ماه جنگ **روزنامه‌های کشورهای عربی منطقهٔ خلیج فارس** نوشتند:

عراق ۳۰۰ جسد به کشور مصر تحویل داده است!

این خبر قسمتی از یک حقیقت بزرگ بود و آن این‌که عده‌ای از اتباع مصری در کنار ارتش صدام به نبرد با لشگر اسلام مشغولند. اما جراید وابسته‌ای که خبر مزبور را انتشار داده بودند، بدان سبب که شرف روزنامه‌نگاری را در خدمت مطامع جهان‌خواران گزارده و حرمت قلم را به غلامی استکبار جهانی فروخته‌اند، متعاقباً افزودند:

این اجساد متعلق به کارگرانی بوده است که به علت بیماری وبا جان سپرده‌اند!

این ماجرای وبای مصری‌کش!؟ واقعاً شگفت‌انگیز بود و شگفت‌انگیزتر آن‌که وبای نوظهور از میان هزاران مصری مقیم عراق فقط کارگران را گلچین می‌کرد و در ضمن به جای این‌که قربانیان اهداف پلید امپریالیزم را با نشانه‌هایی نظیر کم شدن آب بدن و عوارض دیگر به قتل برسانند، در اشکال متفاوتی همچون اصابت ترکش توپ و خمپاره و یا گلوله‌های تفنگ و مسلسل می‌کشت!

ملاحظه می‌کنید که بنگاه‌های دروغ‌سازی چگونه جنایات عمال استعمار را توجیه و به خیال خود جنایت آنها را می‌پوشانند.

در آبان ۵۹ یونایتدپرس به نقل از هفته‌نامهٔ اکتبر چاپ قاهره گزارش داد که مقامات نظامی

عراق ۳۰۰۰ مصری را که مدت ۱۰ سال است در عراق زندگی می‌کنند، به خدمت ارتش خود گرفته و جمعاً **۳۰/۰۰۰ مصری به همراه سربازان عراق علیه ایران می‌جنگند.**

پس از این ماجرا دستگاه‌های ارتباط جمعی و خبرگزاری‌های عمدهٔ دنیا اخباری را انتشار دادند که حکایت از **استمرار و حتی تشدید کمک‌های رژیم مصر به عراق** می‌نمود.

در جبههٔ جنگ نیز سپاهیان اسلام از میان اسناد و مدارک و جنگ‌افزارهایی که از عراقی‌ها به غنیمت گرفته بودند، شواهدی به دست آوردند که این مسأله را تأیید می‌کرد.

سرانجام در ۲۱ مارس ۱۹۸۱ فرعون معدوم مصر مجبور شد در مقام تأیید این کمک‌ها برآید. وی در برابر اتحادیهٔ روزنامه‌نگاران مصری صریحاً اذعان کرد که رژیم بغداد را با ارسال ۴۰۰۰ تن مهمات، موشک، آتشبار سنگین و لوازم یدکی برای جبران آن‌چه که در جنگ با ایران از دست داده، حمایت کرده است.

سادات تصریح نمود:

– بغداد نخست بر آن بوده است که این معامله از طریق کشور ثالثی انجام شود، اما با اصرار من هیأتی را مستقیماً به قاهره اعزام داشت. آنان در مصر سلاح‌ها و مهمات مورد نیاز عراق را انتخاب کرده و پس از معامله با خود بردند.

سادات افزود:

– من شخصاً دوست داشتم این کمک‌ها بلاعوض باشد، اما به دلیل احتیاجات مادی چنین چیزی میسر نشد.

پس از اعدام انقلابی سادات و تحمیل رئیسی دیگر برای مصر توسط آمریکا به نام مبارک همان خط پیموده شد، زیرا خط‌دهندهٔ اصلی و ارباب مشترک یعنی آمریکای جنایتکار باقی بود.

حسنی مبارک در مصاحبه‌ای با روزنامهٔ کویتی السیاسه دربارهٔ جنگ تحمیلی علیه ایران گفت:

– مصر در جنگ عراق با ایران قلباً با عراق است.

وی سپس مکارانه اظهار امیدواری کرد و گفت:

– امیدوارم که مناقشه به طور مسالمت‌آمیز پایان یابد.

مبارک گفت:

– کار ما دلسوزی و همدردی با عراق است و ما در آن‌چه بتوانیم برای عراق انجام دهیم، کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نخواهیم داد.

در اولین روزهای سال گذشته حدود ۲۹ مارس ۱۹۸۱ خبرگزاری‌ها گزارش دادند که مصر

قصد دارد ۸۰ هزار تن از سلاح‌های ساخت شوروی را که در اختیار دارد، به عراق بفرستد.

این سلاح‌ها شامل موشک، توپ، قطعات یدکی و مهمات می‌باشد.

رئیس‌جمهور عراق پس از کسب موافقت عربستان سعودی و اردن با سادات تماس گرفته و پیشنهاد خرید تسلیحات ساخت شوروی را به مصر داده است.

در اواخر فروردین ماه سال ۶۰ خبرگزاری‌ها با استناد به مقاله‌ای که سردبیر **مجلهٔ مصری اکتبر** در آن نشریه به چاپ رسانده بود، خبر دادند که **مصر حدود ۳۵ میلیون دلار سلاح برای کمک به صدام در اختیار عراق گذارده است.**

به نوشتهٔ **سردبیر مجلهٔ اکتبر**، کشور عمان در این میان به عنوان واسطه عمل کرده و ابتکار معامله را **سلطان قابوس** بر عهده داشته است.

طبق همان گزارش مصر حاضر شد ۱۶هواپیمای سی ۱۳۰ برای حمل سلاح دولت عراق واگذار کند. اما بغداد تحت فشار رهبران سعودی آنها را نپذیرفت و ۱ هواپیمای توپولف جهت انتقال تجهیزات جنگی به مصر فرستاد و پیشنهاد کرد که مابقی سلاح‌ها توسط هواپیماهای باربری به عراق فرستاده شود.

دربارهٔ کمک‌های تسلیحاتی رژیم آمریکایی مبارک به مصر آمار و اطلاعات بسیار زیادی در دست است که در این‌جا به همین اندک اکتفا می‌کنیم.

فرانسه

همکاری فرانسه با عراق در جنگ

در ماه اوت ۱۹۸۱ طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق بعد از ملاقاتی دوستانه با سران دولت فرانسه به ویژه با وزیر دفاع آن کشور اظهار داشت:

– فرانسه و عراق دربارهٔ همهٔ زمینه‌ها به توافق رسیده‌اند. بدون شک همکاری‌های تسلیحاتی در ردهٔ اول این توافق‌ها قرار داشته است.

اتفاقاً در همین زمینه **فرانس‌پرس** گزارش داد که ظاهراً طارق عزیز و وزیر دفاع فرانسه دربارهٔ فروش احتمالی سلاح‌های جدید به عراق از جمله دربارهٔ فروش «**میراژاف‌یک**» و میراژ ۲۰۰۰ گفتگو کرده است.

هنگامی که طارق عزیز در فرانسه حضور داشت، طی مصاحبه‌ای با روزنامهٔ لوموند تأیید کرد که فرانسه برای افزایش فروش اسلحه به عراق اعلام آمادگی کرده است.

به دنبال این مصاحبه **رویتر به نقل از پیرمورا نخست‌وزیر فرانسه** گزارش داد که وی پیرامون

مسائل نظامی مذاکرات گسترده و همه‌جانبه‌ای با طارق عزیز داشته است و قول داده در آینده این مذاکرات ادامه یابد.

بعد از مراجعت طارق عزیز به گفتهٔ آقای موروا گفتگوهای فرانسه و عراق همچنان ادامه یافته است.

در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۱ **النهار** در تفسیری نوشت:

تا کنون قراردادهای مهمی بین طرفین به امضا رسیده است و یکی از این قراردادها که به طور کاملاً سری است و در آغاز اکتبر ۸۱ یعنی حدود ۱ ماه و نیم پس از بازگشت طارق عزیز به عراق منعقد شده، تجهیز عراق به توپ‌های ۱۵۵ میلیمتری را شامل می‌شود.

این توپ‌ها در مجموع ۴/۴ میلیارد فرانک ارزش دارد.

در بخش دیگری از همان گزارش آمده است که هیأت‌های نظامی فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی به طور پیاپی از بغداد دیدن می‌کنند و ۱ گروه از کارشناسان فرانسوی که به عراق مسافرت کرده‌اند، امکان تعدیل سیستم بنزین‌گیری جنگنده‌های میراژ۱ را که ۲۹ فروند آن به ارتش صدام تحویل شده است، بررسی می‌کنند.

بر پایهٔ برخی گزارشات سفارش‌های عراق به فرانسه در سال ۱۹۸۱ از ۱۰ میلیارد فرانک تجاوز کرده و قرار بوده تا پایان سال گذشتهٔ مسیحی ۳ میلیارد دلار از این سفارشات به عراق تحویل داده شود.

به گزارش **رویتر**، فرانسه بعد از شوروی بزرگ‌ترین تأمین‌کنندهٔ تسلیحات عراق است.

بر اساس یک گزارش موثق در تاریخ ۱۴ مهرماه ۵۹، کشتی‌های حامل تعداد ۱۴۰ دستگاه تانک و ۲۴۰ دستگاه نفربر زرهی و مقادیری مهمات توپخانه به مقصد عراق از بنادر فرانسه بارگیری شده و در بندر عقبه پهلو گرفته و این در حالی بود که تازه ۱ ماه از جنگ تحمیلی گذشته بود.

در اواخر ژانویه ۱۹۸۱ یعنی بهمن‌ماه ۵۹، فرانسه ۴فروند هواپیمای بمب‌افکن میراژ۱ را که مدرن‌ترین هواپیمای نیروی هوایی این کشور است، در قبرس به خلبانان عراقی تحویل داد. پیش از این نیز فرانسه ۱۰۰دستگاه تانک و ۶ فروند هلی‌کوپتر دیگر در اختیار عراق گذارده بود که چندی بعد مقامات سفارت فرانسه در بغداد به این کمک‌ها اعتراف کردند.

در رابطه با کمک‌های فرانسه به عراق سخن بسیار است که در این‌جا نیز به همین مقدار بسنده می‌کنیم و به دیگر کمک‌هایی که صدام این عامل صهیونیزم و امپریالیزم از انگلیس دریافت داشته، اشاره می‌کنیم.

انگلیسی‌ها به کمک صدام می‌شتابند

در تاریخ ۱۵ تیر سال ۱۳۶۰ **یونایتدپرس** گزارش داد که یک هیأت ۳۰ نفره عراقی برای خرید ۳۰۰ فروند هواپیمای جنگندهٔ «**هاوک**» به ارزش ۱۸۰۰ میلیون دلار با دولت انگلستان وارد مذاکره شده‌اند.

همین خبرگزاری گزارش داد که علاوه بر فروش ۳۰۰ فروند جنگندهٔ هاوک، دولت انگلیس یک قرارداد سرّی دیگری برای تحویل ۲۰ دستگاه تانک چیفتن با رژیم عراق منعقد ساخته است.

در اواخر اسفند ۱۳۶۰ **واحد مرکزی خبر از لندن** گزارش داد:

مقامات رسمی دولت محافظه‌کار انگلیس رسماً فروش ۳۰ هواپیمای جنگندهٔ هاوک و قطعات یدکی تانک به رژیم حاکم در عراق را تأیید کرده‌اند.

ضمناً این مقامات تلاش رژیم بغداد را برای خرید جت‌های جنگندهٔ آلفا که مشترکاً توسط کشورهای آلمان غربی و فرانسه ساخته می‌شود و نیز هواپیماهای جنگی مدل اف ۵ را اعلام داشتند. دولت محافظه‌کار «**تاچر**» در عین‌حال به مؤسسهٔ بین‌المللی خدمات وابسته به وزارت دفاع انگلستان اجازه داده که نسبت به فروش قطعات یدکی و تعمیر تانک‌های مورد درخواست رژیم صدام اقدامات لازم را به عمل آورد.

ناظران سیاسی علت این امر را ناشی از نگرانی دولت انگلیس از آیندهٔ رژیم صدام تکریتی می‌دانستند. لازم به یادآوری است که در همان زمان «**داگلاس هرد**» وزیر امور خارجهٔ انگلیس در جریان سفر خود به خاورمیانه و منطقهٔ خلیج فارس رسماً علیه جمهوری اسلامی ایران موضع گرفت.

علاوه بر کمک‌های سیاسی ـ نظامی، دولت استعماری انگلیس قراردادهای فراوانی نیز در زمینهٔ صنعتی با دولت مزدور عراق امضا نموده است.

کشورهای دیگر

کویت، عربستان، آمریکا، شوروی

یادآور می‌شویم که آن‌چه تا کنون از نظرتان گذشته گوشه‌هایی از حمایت‌های مادی فقط چند کشور از جمله اردن، مصر، فرانسه و انگلیس به رژیم فاشیستی بغداد می‌باشد. علاوه بر اینها سایر دست‌نشاندگان آمریکا در منطقه مثل مراکش، سودان و اکثریت اعضای شورای همکاری خلیج فارس که بنا به گفتهٔ خود صدام وی به نمایندگی از سوی جمیع آنان این

جنگ را آغاز کرده بود، کمک‌های فراوانی در اختیار رژیم آمریکایی عراق قرار داده‌اند که خبر بسیاری از آنها یا در رسانه‌های گروهی صهیونیستی منعکس نشده و یا قسمت‌های بسیار ناچیزی از آن را انتشار داده‌اند. در این میان **تنها کمک‌های مادی کویت و عربستان به صدام آن‌گونه که خبرگزاری‌های جهان اعلام کردند، از مرز ۴۰ میلیارد تجاوز کرده است.**

۲ابرجنایتکار و متجاوز شرق و غرب نیز اگرچه ظاهراً مدعی بی‌طرفی در این جنگ می‌باشند، اما شواهد موجود حاکی از آن است که در حمایت از صدام هر۲ تقریباً موضع مشترکی دارند. به عنوان مثال **شوروی‌ها از آغاز جنگ تا کنون هرگز حاضر نشده‌اند صدام حسین را به عنوان عامل تجاوز بپذیرند** و هنوز هم در رسانه‌های تبلیغاتی آنان از رژیم مزدور عراق به عنوان یک رژیم ضد امپریالیستی یاد می‌کنند و سیل سلاح‌های آن کشور به عراق همچنان ادامه دارد.

این در حالی است که نوکران حلقه به‌گوش آمریکا در منطقه مثل مبارک و حسین اردنی و حسن مراکشی برای حمایت از صدام از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

دربارهٔ حمایت‌های آمریکا از عراق نیز با این‌که تا کنون مخفیانه و غیرمستقیم صورت می‌گرفت، با جدی شدن خطر سقوط قطعی صدام در پی حملات تهاجمی پیروزمندانهٔ قوای اسلام و بی‌تأثیر بودن کمک‌های عمال آمریکا در منطقه به وی، خود دولت آمریکا نیز از چندی پیش به طرق مختلف مستقیماً حمایتش را از جنایتکاران بعثی عراق اعلام کرد و با حذف شدن نام عراق از کشورهای حامی تروریست توسط آمریکا، این کمک‌ها حالت رسمی پیدا کرد و پس از آزادی خونین‌شهر و به وحشت افتادن کلیهٔ مستکبران جهانی و دست نشاندگانشان در منطقه، ریگان، هیک و واینبرگر رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و وزیر جنگ دولت آمریکا رسماً نگرانی خود را از پیروزی جمهوری اسلامی ایران و قریب‌الوقوع بودن مرگ مزدور سابقه دارشان صدام اعلام کردند و صریحاً اعلام کردند که این کار منافع حیاتی آمریکا را در منطقه به خطر خواهد انداخت و بدون شک هم‌اکنون در حال تهیه و تنظیم توطئه‌های جدیدتری برای مقابله با انقلاب اسلامی می‌باشند که به حول و قوهٔ الهی تمامی این توطئه‌های آتی نیز مثل توطئه‌های پیشین خنثی خواهد شد.[1] **ان‌شاءالله.**

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۶۱** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی - خبری**

موضوع: **توطئه‌های اقتصادی ـ نظامی امپریالیسم در خلیج فارس و اقدامات ما**

امضا: **نشریهٔ پیام انقلاب**

توطئه‌های اقتصادی ـ نظامی امپریالیسم در خلیج فارس

بسم الله الرحمن الرحیم

از آن‌جا که منطقهٔ خاورمیانه، به خصوص حوزهٔ کشورهای خلیج فارس به سبب موقعیت سوق‌الجیشی و مهم‌تر از آن دارا بودن سهم به سزای آن در ذخایر نفتی دنیا و به عنوان یک منطقه‌ای که شریان حیات کشورهای صنعتی از آن عبور می‌کند و همچنین نقشی را که طلای سیاه در زیر و رو کردن تمدن جدید و راه‌اندازی چرخ صنعت و تکنولوژی دنیای سرمایه‌داری دارا است، به عنوان یک منبع حیاتی برای ابرقدرت‌ها درآمده است، لذا قدرت‌های استکباری همیشه متوجه این نکته بوده و سعی نموده‌اند تا این منطقهٔ حساس از جهان را در اختیار گیرند و البته برای نیل به اهداف استعماری خویش راه‌های مختلفی را تجربه کرده‌اند.

امپریالیسم آمریکا به عنوان شیطان بزرگ و سردستهٔ جنایتکاران با به کارگیری برگزیده‌ترین کارشناسان سیاسی، اقتصادی، نظامی، تبلیغاتی و اتخاذ یک سلسله روش‌های جدید و به بهانه‌های واهی از جمله مبارزه با خطر کمونیسم!؟ در منطقه وارد عمل شد و خصوصاً پس از آن‌که انقلاب اسلامی نیرومند ملت مسلمان ایران که به عنوان یک الگوی جدید، پایگاهی علیه آمریکا و اذنابش در منطقه درآمده بود و منابع استثمارگرانه‌اش در معرض نابودی قرار گرفت، حفظ منافع دوستان!

مستمسکی شد برای اوج فعال‌تر شدن سیاست امپریالیسم در منطقهٔ خاورمیانه که تهاجم به لبنان و کشتار مسلمانان بیروت و اخراج فلسطینی‌ها و روی کار آوردن جمایل‌ها و قتل‌عام هزاران نفر از ساکنان اردوگاه‌های صبرا و شتیلا مؤید این مطلب است که **آمریکا برای برقراری تعادل سیاسی در منطقه فعال‌تر از گذشته وارد شده است.**

قبلاً گفتیم که استکبار جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا از ابتدا با اتخاذ سیاست روی کار آوردن حکومت‌های دست‌نشانده، زمینهٔ لازم را برای چپاول و استثمار هر چه بیشتر منافع حیاتی ملت‌های مظلوم فراهم آورد که رژیم‌های آمریکایی‌الاصل فرعون‌ها و ملک‌ها همچون سادات معدوم، شاه فهد و شاه حسین که به عنوان مهره‌های امپریالیسم و به عنوان ژاندارم منطقه در جهت حفظ منافع سلطه‌جویانهٔ شیطان بزرگ عمل کرده و می‌کنند، لکن به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام امت در ۲۲ بهمن ۵۷ به حیات ننگین یکی از خادمان سرسپردهٔ امپریالیسم در منطقه پایان داده شد، به طوری که **اوج‌گیری این حرکت توفنده و پرخروش امت حزب‌الله، شیطان بزرگ را به اتخاذ یک موضع کاملاً دفاعی مجبور ساخت** و در نتیجه انقلاب اسلامی تعادل سیاسی نظامی امپریالیسم را در منطقه بر هم زد. که نهایتاً این ابرقدرت استعمارگر ضمن اتخاذ سیاست صبر و انتظار به این فکر افتاد که برای جبران گذشته و خارج شدن از زیر ضربات کوبندهٔ انقلاب اسلامی، چاره‌ای جز این‌که از طریق یک دولت میانه‌رو و وابسته به یک جریان غربی، انقلاب را در ابتدا از درون بی‌محتوا و مهار نموده و در درازمدت آن را به نابودی بکشاند، ندید.

ولی از آن‌جا که **همیشه عنایات خاص الهی و ارادهٔ خلل‌ناپذیر امت اسلام پشتوانهٔ این انقلاب خون‌بار اسلامی‌مان بوده و هست**، توطئه‌های پیچیده و مرحله‌ای استکبار جهانی یکی پس از دیگری با شکست روبه‌رو گشته است، که **این شکست‌ها را باید معلول بیداری و فداکاری ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه دانست.** چرا که تمام دسیسه‌های گوناگون امپریالیسم که در جهت براندازی و نابودی جمهوری اسلامی شکل گرفته و می‌گیرد، نقش برآب کرده است.

آری **حرکت‌های نظامی ضدانقلاب در مناطق آسیب‌پذیر و بحران‌خیز کردستان، گنبد، سیستان و بلوچستان و کودتای نظامی، حملهٔ نظامی طبس، جنگ تحمیلی عراق و تروریسم داخلی وابسته به استکبار جهانی، انفجارات اخیر منافقین کوردل آمریکایی را باید نتیجهٔ تلاش‌های مذبوحانهٔ شیطان بزرگ دانست**، که در مجموع جز خفت و خواری و ننگ و نفرین برای مجریان این جنایات ددمنشانه و شکست و رسوایی برای طراحان آن یعنی استکبار جهانی و ابرقدرت‌های شرق و غرب به دنبال نداشته، تا آن‌جا که **شیطان بزرگ مجبور شد در ادامهٔ توطئه‌های خویش،**

تدبیر دیگری اندیشیده و یک توطئهٔ همه‌جانبهٔ تبلیغاتی- اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی در صدر دستور کار روز خویش قرار دهد که البته مشابه آن را، ملت مسلمان و مبارز ایران از ابتدای پیروزی انقلاب و به خصوص در طول جنگ تحمیلی بارها و بارها تجربه کرده و با آن دست و پنجه نرم کرده است. به طوری که **مسألهٔ امنیت خلیج فارس و تنگهٔ هرمز و این‌که «ایران می‌خواهد تنگه را مسدود کند» از بوق‌های امپریالیستی صهیونیستی به صدا درآمد؛** چرا که **اساس سیاست ابرقدرت‌ها از آن موقع روی این محور دور می‌زد که منطقهٔ خلیج فارس را ناامن کنند تا بلکه بتوانند انقلاب اسلامی را با تنگناهای اقتصادی روبه‌رو ساخته و سرانجام به تسلیم و سازش بکشانند.**

زیرا با عدم امنیت لازم در خلیج فارس، گذشته از محرومیت ما از صدور نفت برای تهیهٔ «ارز» لازم، حتی از بهره‌گیری بنادر جنوبی کشورمان که بعضی از آنها هم بنا بر شرایط اقلیمی و استقرار در منطقهٔ مرزی نظیر بنادر آبادان، خونین‌شهر و خمینی‌شهر و... در همان روزهای اول به اشغال و یا در تیررس مزدوران بعثی- صهیونیستی درآمد و بنابراین به جهت اهمیت فوق‌العادهٔ این بنادر در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی نمی‌توان به امنیت منطقه بی‌توجه بود. به طوری که طی ۶ ماههٔ اول سال جاری ۱۷۱ فروند کشتی در اسکله‌های بندرعباس و بندر شهید رجائی پهلو گرفته و ۲۱ میلیون و ۶۱۹ هزار و ۸۷۲ تن کالا شامل مایحتاج ضروری کشور تخلیه و ۱۶۲ فروند کشتی به ظرفیت ۲میلیون و ۲۸۱ هزار و ۵۸۳ تن کالای صادراتی کشورمان شامل پسته و خرما و سایر کالاهای صادراتی، این بنادر را به قصد کشورهای دیگر ترک کرده‌اند.

اما از آن‌جا که **تهدید امنیت خلیج فارس در دستور روز امپریالیسم قرار گرفت**، لازم بود تا به دنیای استکبار هشدار دهیم که مواظب حرکات موذیانهٔ خویش باشد، چرا که **امنیت خلیج فارس نه تنها برای ایران، بلکه برای سایر کشورهای منطقه به خصوص اروپا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد** و صدور روزانه میلیون‌ها بشکه نفت خام و صادراتی چاه‌های منطقهٔ خلیج فارس مستلزم تأمین امنیت برای کشورهای منطقه و خصوصاً جمهوری اسلامی است. به طوری که تنها ۶۰٪ نفت اروپا و ۷۰٪ نفت ژاپن و حتی ۱۱٪ نفت امپریالیسم از همین منطقه تهیه می‌شود و لذا توجه به این نکته بسیار ضروری خواهد بود که در صورت سنگ‌اندازی از طرف ابرقدرت‌های شرق و غرب و اروپا و... آنها از اولین کسانی خواهند بود که بنا بر شرایط خاص زمانی و مکانی که در آن قرار گرفته‌اند، با مشکل روبه‌رو خواهند شد و ملت مصمم ایران تصمیم راسخ و قاطع خویش را اتخاذ کرده است. چرا که **تأکید ما بر این اصل استوار بوده و هست که امنیت**

واقعی زمانی معنی پیدا می‌کند که در جهت منافع ملت‌های مظلوم باشد وگرنه فقط امنیت! برای غارت و چپاول منابع و ثروت‌های خدادادی منطقه توسط امپریالیسم معنی و مفهومی نخواهد داشت.

از آن‌جا که رزمندگان کفر ستیز اسلام درصدد برآمدند تا آخرین ضربات خردکنندهٔ خویش را بر رژیم رو به زوال و در حال احتضار بعثی- صهیونیستی وارد آورند و در نهایت به حیات یکی دیگر از سرسپرده‌های شیطان بزرگ در منطقه خاتمه دهند، **استکبار جهانی و در رأس آن امپریالیزم آمریکا، این دشمن درجهٔ یک اسلام و مسلمین و طراح تمام طرح‌های خائنانهٔ ضد اسلام و ضد خلق** برای این‌که صدام را از وضع کنونی نجات بخشد و در تصمیم راسخ ملت مسلمان ایران برای ادامهٔ جنگ تحمیلی- تا دفع کامل تجاوز و تحقق جهاد آزادی‌بخش اسلامی ملت مسلمان عراق - خلل و وقفه ایجاد کند، تمام همّ خویش را در جهت فلج کردن اقتصاد جمهوری اسلامی به‌کار گرفت و از آن‌جا که ادامهٔ جنگ و چرخاندن چرخ اقتصاد کشور، مستلزم فروش نفت تعیین‌شده بر اساس بودجهٔ دولت جمهوری اسلامی است که خود این امر از روی ناچاری و ناشی از سیستم اقتصادی تک‌پایه‌ای متکی بر نفت در رژیم وابستهٔ گذشته است، لذا **خودکفایی در تمام زمینه‌ها مستلزم برنامه‌ریزی صحیح و تلاش همه‌جانبهٔ دولت مردان و سایر اقشار ملت برای تحقق چنین امری است.**

لکن در همین ۴ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن هم با آن همه مشکلات فراوان اقتصادی و اشکال تراشی‌ها و سنگ‌اندازی‌های دشمنان داخلی و خارجی، با توجه به رهنمودهای امام امت و همت و تلاش بدون وقفهٔ امت حزب‌الله و اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی توسط دولتمردان، درجهت رشد و شکوفایی اقتصاد جمهوری اسلامی گام‌های مؤثری برداشته شده است.که تشکیل نهادهایی همچون **ستاد بسیج اقتصادی، شورای‌عالی اقتصاد و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون درآمد ارزی و....** موفقیت‌های چشمگیری را در زمینهٔ **مقابله با مشکلات اقتصادی و برنامه‌ریزی سیاست اقتصادی ۲۰ سالهٔ نظام جمهوری اسلامی** به دنبال داشته است. به طوری که ایجاد تعادل بین درآمدهای ارزی و مصارف موجود جامعه، حرکت عظیم ما را در انتقال اقتصاد تک‌پایه‌ای به سرمایه‌گذاری زیربنایی و رسیدن به تولید مستقل و غیرمونتاژ را دو چندان نموده است. به طوری که هر چند، نفت در این شرایط به خصوص برای ما به عنوان یکی از منابع اصلی تأمین درآمد ارزی و غیره تلقی می‌شود، لکن حاصل این تلاش‌ها، آن هم در زمانی که توطئه‌های سیاسی- اقتصادی امپریالیسم علیه ما وارد مرحلهٔ تازه‌ای می‌شود، از اهمیت درخور توجهی برخوردار است که از طرف **آقای نخست‌وزیر** این‌طور عنوان می‌شود:

- اگر روزی میزان صادرات نفت ما به ۳۰۰ هزار بشکه در روز هم برسد، ما قادر خواهیم بود که کشورمان را سرپا نگه داریم.

این موضوع یعنی رسیدن به مرز خودکفایی و فراهم‌کردن شرایط لازم برای انتقال اقتصاد تک پایه‌ای نفت، آن هم در این شرایط جنگی، در حقیقت می‌توان به عمق توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی که از مسألهٔ تخصص و مدیریت چماقی ساخته بودند و بر سر برادران متعهد و متخصص حزب‌الله در خط امام وارد می‌آوردند، پی برد.

اما از آن‌جا که **دشمن جهانی این انقلاب بنا بر ماهیت اعتقادی و موجودیت استکباری‌اش از درک صحیح ارزش‌های الهی این انقلاب عاجز است**، لذا تا کنون نتوانسته کوچک‌ترین وقفه‌ای در ادامهٔ حرکت پرخروش این امت وارد آورد.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، قبلاً هم **مسألهٔ افزایش تولید نفت و عرضهٔ آن به بازارهای جهانی با قیمتی کمتر از آن‌چه که حتی سازمان اوپک تعیین‌کرده بود، توسط کشورهای مرتجع منطقه، در حقیقت چیزی جز وارد آوردن فشارهای اقتصادی- سیاسی بر دولت‌های مترقی و مردمی منطقه که حاضر نبوده و نیستند تحت هیچ شرایطی سر تسلیم در مقابل امپریالیسم فرود آورند، نبوده و نیست.**

به یاد داریم در همان موقع که به دستور شیطان بزرگ بازارهای جهانی لبریز از نفت خام صادراتی شیوخ مرتجع منطقه بود و حتی برای این‌که دولت جمهوری اسلامی بازار فروش خود را از دست بدهد، قیمت نفت خویش را هم پایین آوردند، لکن دولت جمهوری اسلامی نفت صادراتی کشور را بر اساس سیاست خارجی نه شرقی نه غربی خویش و با قیمت متناسب به معرض فروش گذاشت و ضمن این‌که توانست وضعیت اقتصادی کشور را سر و سامان بخشد، که حاصل این تلاش‌ها باعث شد ما در ۳ ماههٔ اول سال ۶۱ (طبق گفتهٔ **آقای نخست‌وزیر**) نرخ تورم را به ۱۵/۲ ٪ برسانیم؛ که البته ایشان آن را (با توجه به شرایط جنگی و حملات گسترده‌ای که رزمندگان اسلام علیه عراق داشتند و در نتیجه مستلزم **هزینه‌های کلان جنگی** بود)، معجزه تلقی کرد و حتی **موفق شدند که سازمان اوپک را از سلطهٔ ملک‌ها و.... خارج نموده و به خودمحوری و یکه‌تازی سعودی‌ها و شیوخ مرتجع منطقه که بنا بر مقتضیات ارباب عمل می‌کردند، پایان بخشند.**

لکن **این مرتبه صدام و شرکت‌های بیمهٔ چندملیتی و استکبار خبری مشترکاً دست به کار اجرای یک توطئهٔ تبلیغاتی سیاسی طراحی‌شده در پنتاگون علیه جمهوری اسلامی ایران شدند.**

مزدوران بعثی- صهیونیستی با اقدام به پرتاب موشک‌های «**اگزوست**» ساخت فرانسه

به طرف جزیرهٔ خارک و جاهای دیگر هیاهوی وسیعی راه انداختند و خواستند شرکت‌های کشتی‌رانی را هراسان کرده و مانع آمدن آنها برای بارگیری شوند و از طرف دیگر و به طور همزمان شرکت‌های بیمهٔ چندملیتی با افزایش نرخ بیمهٔ کشتی‌هایی را که جهت بارگیری وارد منطقهٔ جنگی می‌شوند به ۷٪، پردهٔ دیگر این نمایش را بازی کرد و خلاصه در یک هجوم تبلیغاتی روانی همه‌جانبه بوق‌های استعماری در جهت تأیید ادعاهای پوچ صدام و بالا بردن روحیهٔ سربازان و افسران در حال احتضار بعثی و تضعیف روحیهٔ رزمندگان اسلام و همچنین امیدوار کردن مرتجعین منطقه، اخبار تحریف‌شدهٔ این نمایش در صدر بوق‌های خبری صهیونیستی امپریالیستی قرار گرفت، و **با عنوان‌های مختلفی همچون «بمباران اسکلهٔ خارک!، وقفه در صدور نفت ایران!، انهدام ترمینال نفتی جزیرهٔ خارک!» پردهٔ آخر این صحنهٔ نمایش را بازی کردند.** لکن **در میان این توطئهٔ سیاسی- اقتصادی هماهنگ و حساب‌شدهٔ امپریالیستی صهیونیستی، حمل و صدور نفت خام از ترمینال‌های نفتی خارک همچنان و بدون هیچ‌گونه وقفه‌ای ادامه پیدا کرد** و کشتی‌های نفتی غول‌پیکر طبق روال همیشگی و برنامهٔ تنظیمی‌شان وارد اسکله شده و به بارگیری مشغول شدند و چون با افزایش نرخ بیمه توسط شرکت‌های چند ملیتی آمریکایی و انگلیسی و... احتمال آن می‌رفت که کشتی‌ها از آمدن به منطقهٔ بارگیری خودداری کنند، اقدامات لازم از طرف دولت جمهوری اسلامی صورت گرفت که تضمین لازم، آن هم مبلغی در حدود ۳۰۰ میلیون دلار از طرف شرکت سهامی بیمهٔ ایران و تثبیت نرخ بیمهٔ منطقهٔ جنگی طبق روال گذشته (۱٪) نشان‌دهندهٔ توان مالی و قدرت اقتصادی جمهوری اسلامی و شکست شرکت‌های چندملیتی بیمه می‌باشد. آن‌چنان‌که **هیچ وقفه‌ای در ادامهٔ صدور نفت ایجاد نشد و همچنین سلامت خارک هم حفظ شد** و در نتیجه ادعاهای آن‌چنانی صدام و استکبار خبری نقش برآب گردید و شرکت‌های بیمه هم با پایین آوردن دوبارهٔ نرخ بیمه، پذیرای این شکست فاحش در طول تاریخ تشکیل خویش شدند.

در هر حال **مسألهٔ امنیت خلیج فارس چیزی نیست که برای جمهوری اسلامی قابل‌گذشت باشد** و صد البته نمی‌توان ناظر **مداخلات بی‌مورد ابرقدرت‌های جنایتکاری** بود که به عناوین مختلف از جمله تمسک به تضمین منافع دوستان!! و در حقیقت برای **سرکوب کلیهٔ حرکت‌های اسلامی خلق‌های مستضعف منطقه** وارد عمل شوند که **این توطئهٔ اخیر امپریالیسم که درجهت رویارویی با انقلاب اسلامی طرح‌ریزی شده بود، با هشدار رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندهٔ امام در شورای‌عالی دفاع نقش برآب شد:**

- ما مایل نیستیم خلیج فارس ناامن باشد... حرف ما این بود که اگر قدرت‌های دشمن

بخواهند خلیج فارس و منابع آن را برای ما ناامن کنند، در آن صورت که امنیت خلیج فارس برای دیگران محفوظ باشد و برای ما نباشد، این دیگر برای ما معقول نیست.

و نقشهٔ استکبار جهانی و مرتجعین منطقه اقدامات مؤثر دولت جمهوری اسلامی و تلاش متعهدانهٔ مسئولین امر بسان دیگر توطئه‌های پیشین امپریالیسم نصیبی جز شکست به همراه نداشت. **والسلام.**[1]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۶۲ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جایگاه انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران در منظر مسلمانان جهان**

امضا: **رئیس هیأت بنگلادش، مولانا عبدالسبحان**

مصاحبه با مولانا عبدالسبحان،

یکی از علمای بنگلادش

به نام خدا

در طی **اولین سمینار بین‌المللی حج که به همت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر دهلی نو برگزار گردید** با چند تن از علمای مسلمان شرکت‌کننده در سمینار گفتگو داشتیم که در ۲ شمارهٔ پیش، اولین قسمت آن درج گردید و در این شماره متن مصاحبه با **مولانا عبدالسبحان رئیس هیأت بنگلادش** را درج می‌نماییم.

س: لطفاً ضمن معرفی خود دربارهٔ فعالیت‌هایتان توضیحاتی را بفرمایید؟

ج: **بسم الله الرحمن الرحیم**

من عبدالسبحان هستم که در رأس هیأتی از بنگلادش آمده‌ام. افراد هیأت ما اعضای حزب سیاسی و اسلامی به نام دمکراتیک لیگ هستند. این حزب از ابتدا انقلاب اسلامی را تأیید کرده است. من از طرف این حزب سیاسی اسلامی ۴ مرتبه به ایران آمده‌ام و ۲ دفعه خدمت امام امت رسیده‌ام. این حزب در سال ۱۹۷۶ تشکیل شده است.

من در زمانی که هنوز پاکستان و بنگلادش تقسیم نشده بودند، نمایندهٔ مجلس شورا بودم و از طرف مردم مسلمان۲ دفعه به عنوان نماینده انتخاب شده بودم. اما اکنون **دبیرکل حزب اسلامی** هستم و این حزب از وقتی که تشکیل شده است برای اسلام فعالیت می‌کند.

س: انقلاب اسلامی در کشور شما چه تأثیری داشته است؟

ج: جمعیت بنگلادش ۹۰ میلیون نفر است و ۹۰٪ آنها مسلمان هستند و ۱۰٪ آن پیرو ادیان دیگر می‌باشند. مسلمان‌ها بیشترشان از اهل تسنن هستند. بعد از این که بنگلادش از پاکستان جدا شد، ۲ مسألهٔ اساسی برای مردم وجود داشت:

۱ـ فقر شدید که بدین سبب از مستضعف‌ترین کشورها به شمار می‌رفت.

۲ـ وجود حکومتی که مستعمرهٔ آمریکا بود.

آمریکایی‌ها این حاکم را برمی‌داشتند و دیگری را به جای او می‌گذاشتند تا مردم افکارشان نسبت به آنها عوض شود و چون حکومت نظامی برقرار است، مردم نمی‌توانند در آن دخالت بکنند و نمی‌توانند رأی و پیشنهادی بدهند. البته چند دفعه انتخابات شده است، ولی انتخابات، انتخابات فرمایشی بوده است.

مردم بنگلادش به اسلام خیلی معتقد و متعهد هستند. وظیفه‌شان را انجام می‌دهند و تظاهراتی هم می‌کنند و جلسات اسلامی هم دارند؛ ولی اقتدار ندارند. **از نظر عبادتی آزاد هستند، ولی از نظر سیاسی آزاد نیستند.**

مردم بنگلادش آنهایی که انگلیسی خوانده‌اند، بیشترشان تابع انگلیس‌ها هستند و فرهنگ انگلیسی را دارند.

کشور ما چون خیلی فقیر است، انگلیسی‌ها وقتی که به کشور ما آمدند، برای مردم بنگلادش یتیم‌خانه و بیمارستان‌هایی ساختند و از نظر امداد و غذا به آنها کمک کردند و برای آنها مدرسه‌هایی درست کردند تا بچه‌های بنگلادشی به این مدرسه‌ها بروند. اینها این کار را برای این می‌کردند که بچه‌های بنگلادش را که مسلمان بودند، به طرف خودشان بکشند و آنها را مسیحی و یهودی تربیت کنند. حالا **از طرف کشورهای اسلامی به خصوص کشورهای خاورمیانه مثل عربستان و قطر و غیره به این مردم کمک‌هایی می‌رسد، ولی کمک آنها مثل کمک انگلیسی‌هاست. آنها پول‌هایشان را برای اسلام خرج نمی‌کنند، بلکه برای مقصد خودشان این پول‌ها را خرج می‌کنند.**

آمریکا اینها را بدین جهت واسطه قرار داده است که از پیروزی انقلاب اسلامی و از صدور انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر جلوگیری بنمایند. اینها سران حکومت را می‌خرند و حکومت را تابع



خودشان می‌کنند.

بعضی از علمایی که در مساجد بنگلادش هستند، از طرف حکومت عربستان سعودی انتخاب می‌شوند. و این عالم‌ها به واسطهٔ پولی که از آنها می‌گیرند شروع به تعریف کردن از حکومت‌های عربستان سعودی و غیره می‌کنند و چون اینها حمایت از حکومت عراق می‌کنند، مردم بنگلادش را از راه منحرف می‌کنند و آنها را علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران می‌شورانند و در خطبه‌های خودشان ایران را محکوم می‌کنند و می‌گویند که حکومت جمهوری اسلامی ایران حکومت درستی نیست. به دلیل این است که حکومت ایران حکومت شیعه است و ضد اهل تسنن است.

خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بنگلادش نیز به واسطهٔ پولی که از انگلیسی‌ها می‌گیرند، در مجلات، روزنامه‌ها و نشریات خود بر ضد حکومت جمهوری اسلامی ایران مطلب می‌نویسند.

ما احزاب زیادی در کشورمان داریم، فقط ۲ یا ۳ حزب در این کشور وجود دارد که موافق انقلاب اسلامی ایران است. یکی از آنها دمکراتیک‌لیگ (حزب) و دیگری جماعت اسلامی است. ولی جماعت اسلامی چون فعلاً تابع عربستان سعودی شده است، بدین جهت بر خلاف این حکومت‌ها حرفی نمی‌زند. ولی علیه حکومت اسلامی ایران هم حرفی نمی‌زند.

به هر حال اسلام‌دوست هستند و احزاب کوچک دیگری هم هستند که موافق و طرفدار انقلاب هستند. ولی بیشترشان ضدانقلاب هستند.

س: به عنوان رهبر یک گروه اسلامی نظرتان راجع به **سیاست نه شرقی، نه غربی** چیست؟

ج: نه شرقی، نه غربی بودن عین ایمانمان است، **نه شرقی بودن، نه غربی بودن مفاد اسلام است و امام امت بودند که سیاست اینها را کشف کردند.** به جهت این‌که اینها (اسرائیل، آمریکا، شوروی) بر ضد اسلام هستند، پس مسلمان‌ها باید نه شرقی باشند و نه غربی.

ما هم نه شرقی هستیم و نه غربی، همان‌طور که امام امت فرموده‌اند. مسلمانان باید این‌گونه باشند.

س: انگیزهٔ شما برای شرکت در این سمینار چه بوده و چه نتایجی از آن حاصل شده است؟

ج: کنفرانس حج نتیجه‌اش خیلی عالی است، به جهت این‌که من مثل این کنفرانس را در طول عمرم ندیده بودم و این (حج) امر عبادی و الهی است که دربارهٔ این عبادت خدا در قرآن مجید می‌فرماید: حج یک امر عبادی است.

این کنفرانس باید در همهٔ کشورها به وجود بیاید. و باید در این کنفرانس‌ها فقهای کشورها جمع بشوند و پیشنهادات خودشان را در این کنفرانس بیان کنند و مردم را از فلسفهٔ حج آگاه کنند و بگویند که هدف از حج چیست.

در هر کشوری که کنفرانس تشکیل می‌شود باید تحت نظر جمهوری اسلامی ایران باشد. به جهت این‌که حکومت ایران، جمهوری اسلامی است و تمام کنفرانس‌های اسلامی را می‌تواند اداره کند. چون کشورهای دیگر نمی‌توانند اداره کنند و باید از طرف جمهوری اسلامی ایران یک کمیته‌ای تشکیل بشود و در آن کمیته از هر کشور یک سفیر و یک عالم باشد.

س: بنا به دعوت حضرت آیت‌الله العظمی منتظری قرار شده است که از **ائمهٔ جمعهٔ جماعات کشورهای مختلف دعوت بشود که در ایران اجتماع کنند تا بتوانند برای مسلمانان یک راه چاره‌ای پیدا کنند که از شر صهیونیزم و امپریالیسم شرق و غرب نجات پیدا کنند.** نظر شما در این‌باره چیست؟

ج: من سعی می‌کنم که در سال آینده یک کنفرانسی در بنگلادش دربارهٔ همین مسأله تشکیل بدهم.

انتخاب ائمهٔ جمعه ازکشور ما کار مشکلی است. اگر ما بخواهیم از این ائمهٔ جمعه کمیته‌ای تشکیل بدهیم، در آن کمیته باید اشخاصی باشند که فعال و اسلامی باشند و برای اسلام کاری بکنند. **بیشتر ائمهٔ جمعهٔ مساجد ما ملازم (نوکر) هستند،** آنها به خاطر ملازم بودن خودشان فعالیت ندارند.

س: برای **نجات بیت‌المقدس** چه باید کرد؟

ج: به فرمودهٔ امام امت و از طرف آیت‌الله منتظری هیأت‌هایی به کشورهای مختلف رفتند و آنها با ائمهٔ جماعت‌های آن کشورها مشورت کردند که ما چه کنیم که از دست اسرائیل نجات پیدا کنیم؟

نظر ما برای نجات فلسطینیان از دست اسرائیل این است که **از طرف همهٔ کشورهای اسلامی باید یک سپاه اسلامی تشکیل بشود تا فلسطینیان را نجات بدهند و این سپاه باید مثل پاسداران انقلاب اسلامی باشند.**

سربازانی که در این سپاه می‌باشند، باید خانواده‌شان هم، فکرشان این‌طور باشد که ما می‌خواهیم فقط فلسطین را نجات بدهیم.

من در کشور خودمان خطبه‌ای در روز جمعه خوانده و گفته‌ام که تنها اقدامات سیاسی برای

فلسطین فایده ندارد، بلکه اقدام عملی احتیاج دارد.

بعد از اتمام خطبه دیدم که گروه زیادی از مردم صف تشکیل داده و اسمشان را نوشتند و گفتند برویم با اسرائیل بجنگیم و فلسطین را آزاد بکنیم.

اگر همین عمل در تمام کشورها بشود، برای ترساندن اسرائیل کافی است و اسرائیل از این عمل می‌ترسد.

اگر ما بخواهیم فلسطین را آزاد بکنیم، واجب است که ما خانهٔ کعبه را که دست یهودهایی به نام مسلمان است، آزاد بکنیم و به یقین ما می‌بینیم که در اطراف خانهٔ کعبه حکمران سعودی چه کارهایی که نمی‌کند.

پس **اول ما باید خانهٔ کعبه را آزاد کنیم و بعد به سوی فلسطین برویم.**

س : به نظر شما حج فقط یک مسألهٔ عبادی صرف است یا یک مسألهٔ عبادی -سیاسی؟

ج: چون حج عبادت است، پس لازم است که ما حج را فقط یک فریضهٔ الهی - سیاسی- عبادی بدانیم و باید حاجی‌ها را تربیت کنیم و به آنها بفهمانیم که چه کارهایی را می‌خواهیم انجام بدهیم.

س: آیا غیر از آداب و مناسک حج وظیفهٔ مسلمان‌ها هست که شعار برای متحد شدن خودشان بدهند و زمینه را برای قیام مسلمانان علیه صهیونیزم و امپریالیسم به خصوص نوکر آنها که در سعودی حضور دارند، آماده کنند؟

ج: عرض کردم اتحاد مسلمین واجب است و شعارهای **«مرگ بر آمریکا»** یقیناً سبب مرگ او می‌شود و ما گفتیم که بهتر از این موقعیت گیر نمی‌آوریم و به خاطر این‌که در حج از تمام کشورها مردم جمع می‌شوند و اگر ما چیزی بگوییم، تمام مسلمان‌ها از آن متنبه می‌شوند و می‌فهمند که ما چه می‌خواهیم بگوییم و در آن‌جا این عمل (شعار دادن و تظاهرات) بهتر است از این‌که در کشورهای خودمان این حرف‌ها را بزنیم.

ـ به عنوان نمایندهٔ مجلهٔ سپاه از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم روزی در آن‌جا از شما پذیرایی کنیم.

اگر پیامی و انتظاری از مردم مسلمان ایران دارید، بفرمایید؟

ما از شما متشکر هستیم که به نظریات و پیشنهادات ما توجه فرمودید و ما سلاممان را به

آن جوانان و قهرمانان اسلامی که در جبهه‌ها علیه دشمنان اسلام می‌جنگند و برای پیروزی اسلام جان خودشان را در دست گرفته و شهید می‌شوند، می‌رسانیم و سلاممان را به روح شهیدان و جان‌نثاران اسلام می‌رسانیم. به جهت این‌که اینها در جهت تثبیت حکومت اسلامی جان می‌دهند.

امیدوار هستیم سپاه پاسداران و امام امت که همانند نوری هستند از ایران، به کشورهای دیگر و کل جهان طلوع کنند و جهان را با نور خود روشن نمایند. ان‌شاءالله تعالی.[1]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۶۳ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بررسی مسائل قضایی و دقت در اجرای قانون و پرهیز از هر گونه تخلف و...**

امضا: **دادستان کل انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام موسوی تبریزی**

مصاحبه با حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی

پیرامون:

مسائل قضایی و امنیتی کشور

دادگستری باید دقیقاً قانون اسلام را اجرا کند و جلو فحشا را بگیرد

برای آگاهی از تازه‌ترین نظرات دادستان کل انقلاب اسلامی نسبت به مسائل قضایی و امنیتی کشور و مسائلی که به طریقی به مقامات قضایی مربوط می‌شود، به خدمت **برادر حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی** رسیدیم.

ایشان ضمن پاسخ به سؤالات ما برای مردم، دادگاه‌های انقلاب، سپاه، کمیته‌ها، قوای انتظامی و خانواده‌های زندانیان توصیه‌های بسیار مهمی عنوان کردند، که توجه شما خوانندگان عزیز را به متن این مصاحبه جلب می‌نماییم:

س: به عقیدهٔ شما افزایش انفجارها و ترورهای کور در تابستان گذشته به خصوص در شهریورماه به چه عواملی می‌تواند بستگی داشته باشد و کسانی که این جنایات را مرتکب می‌شوند، بیشتر به کدامیک از گروه‌های ضدانقلاب وابستگی دارند؟

ج: **بسم الله الرحمن الرحیم**

در رابطه با این مسأله باید بگویم که این ترورها نسبت به یک برهه از زمان نه این‌که نسبت به اول کار، افزایش پیدا کرده است. وقتی ما تعداد و ارقام و آمار ترورهای سال ۶۰ را می‌بینیم؛ حتی آمار فروردین‌ماه کمتر از شهریورماه ۶۱ نیست. ولی بعد از ضربه‌ای که در اردیبهشت‌ماه به سازمان منافقین خورد و ضربه‌ای که باز در خردادماه خورد، این ۲ ضربه شدیداً در فعالیت آنها مؤثر و خیلی هم شکننده بوده است.

به این مناسبت، اینها در رابطه با برادران حزب‌اللهی که علیه منافقین فعالیت می‌کنند تصمیماتی گرفته‌اند که آنها را مشغول کنند و افکارشان را از کشف لانه‌های تیمی و پیدا کردن اعضای مهم آنها مستقیماً افکارشان را به سوی ترورهای کور منحرف کنند و روحیه بدهند به بچه‌های هوادار خودشان، آمده‌اند و این کارها را انجام داده‌اند.

اوایل شهریورماه تا نیمهٔ آن، تا حدی ترورها زیاد شده بود و انفجارها هم یکی دو تا انجام گرفت و ما دقیقاً اطلاع داریم که تمام ترورها به دست منافقین است و دلایل و قراینی هم در دست داریم که این انفجارها هم به دست منافقین صورت می‌گیرد.

علل ترورها

یکی از علت‌هایی که باعث می‌شود اینها این کارها را بکنند، این است که **مردم را خسته کنند و نسبت به دولت و مسئولین امنیتی و قضایی بدبین کنند** و این حس را در مردم ایجاد کنند که **اینها نمی‌توانند امنیت را برقرار کنند.**

با توجه به این‌که خودشان هم در رابطه با مسئولین نمی‌توانند ضربه بزنند، این ترورهای کور را انجام می‌دهند و این شایعه را هم رایج می‌کنند که مسئولین چقدر برای حفاظت خودشان اقدام می‌کنند و برای ایجاد نظم و انضباط مردم در جامعه اقدام نمی‌کنند و اینها را رودرروی مردم قرار بدهند.

این یک بعد مسأله، بعد دیگر مسأله این است که وقتی مردم دیدند که در اجتماعات یا مراکز تجمع ترور می‌شوند و یا افرادی که اظهار علاقه به امام می‌کنند، ترور می‌شوند و یا این‌که انفجاری در آن‌جاها حاصل می‌شود، آن‌جا را ترک کنند و یا لااقل دیگر کسانی جرأت نکنند که علاقهٔ خودشان را به آن صورت حاد و با قدرت تمام نسبت به امام و انقلاب نشان بدهند. مثل زمان ساواک که خیلی‌ها به امام علاقه داشتند، ولی یک عدهٔ خاصی بودند که این علاقه را نشان می‌دادند و باقی این علاقه را در درون نگه می‌داشتند.

ولی بُعد دیگر مسأله ممکن است این باشد که مردمی را که در صحنه هستند و می‌توانند جلو فعالیت‌های نفاق را بگیرند، اینها را با ترس و ایجاد وحشت از صحنه خارج کنند.

و علت دیگرش هم ممکن است این باشد که اینها بخواهند به اربابان خودشان نشان بدهند که ما در ایران این کارها را انجام می‌دهیم.

بعد از این ضربهٔ بسیار مهمی که در اواخر سال ۶۰ در رابطه با دستگیری و کشته شدن موسی خیابانی و چند نفر دیگر انجام گرفت، و بعد از ضربهٔ ۱۲ اردیبهشت و ۱۹ خرداد که برادران سپاه هم خیلی زحمت کشیدند و ضربهٔ باقدرتی به پیکر ضدانقلاب زدند، اینها در خارج هم دیگر خریدار نداشتند. کما این‌که خودشان هی تبلیغ می‌کردند که ما قوی هستیم و ما قدرت داریم و نیروی اطلاعاتی، حفاظتی داریم و به اصطلاح ما یک سازمان آهنین هستیم، ضدانقلاب به اینها دل بسته بود.

ابرقدرت‌ها به آنها دل بسته بودند که شاید به وسیلهٔ اینها آشوبی در ایران به‌پا کنند و حکومت را ساقط کنند و وکلای خودشان را بر سر کار بیاورند و شاید بعداً خود اینها را هم در این بازی شرکت ندهند، ولی به دست اینها کار بکنند.

وقتی دیدند که اینها تندتند ضربه می‌خورند و یک سازمان آهنین نیستند، بلکه یک سازمان توخالی هستند، چیزی در داخلشان وجود ندارد که حتی خودشان را نگه دارند و از خودشان دفاع کنند و قدرت چندانی هم در ایران ندارند، امید خارج هم از اینها قطع می‌گردد و برای این‌که به خارج امید بدهند و به ابرقدرت‌ها خوش‌خدمتی خودشان را نشان بدهند، این کارها را انجام می‌دهند؛ به خصوص در رابطه با عراق و صدام ما گزارشات زیادی داریم که با **واسطه و حتی بدون واسطه ملاقات‌هایی افراد صدام با مسعود رجوی و افراد آنها با عراق داشته‌اند.**

۳ ماه پیش و هم اخیراً گزارش آمده است که **اینها قول داده‌اند در موارد بسیار حساس از داخل به آنها کمک کنند.** حالا از نظر تبلیغاتی کمک کنند که الآن شدیداً تبلیغات می‌کنند که جنگ را ادامه داده‌اند و این به مردم تحمیل شده است و مردم راضی نیستند و تبلیغات می‌کنند که در فلان حمله چندین هزار نفر کشته شده‌اند و یا تبلیغاتی در مورد سپاه که در سپاه اختلافات این‌طور است و ارتش ناراضی است.

اینها می‌خواهند هم از نظر تبلیغاتی و هم از نظر عمل به صدام کمک کنند. و ما می‌بینیم به محض این‌که یک پیروزی ایران به دست می‌آید، اینها دست به توطئه می‌زنند و ما دیدیم در ۵ مهرماه سال ۶۰ همان ساعتی که اعلام پیروزی آبادان شد، منافقین در تهران تظاهرات مسلحانه کردند و از ۲ طریق خواستند مسأله را خنثی کنند:

- اولاً برای ایجاد رعب و وحشت ۳۰ نفر از افراد حزب‌اللهی را کشتند، افکار مردم را به آن‌جا متوجه کردند و بعد تابلوهایی بلند کردند که خرمشهر آزاد شده است. در حالی‌که آن روز مسألهٔ خرمشهر نبود، مسألهٔ آبادان بود.

برای این‌که آن اثر خوشحالی آزادی آبادان را در اذهان مردم خنثی کنند، اول شایع کردند خرمشهر آزاد شده است و بعد هم گفتند دروغ است تا اثر خوشحالی آزادی آبادان در اذهان مردم هم از بین برود.

یا در رابطه با روزهای اول فروردین در رابطه با فتح‌المبین چندین کیلومتر از خاک ما آزاد شد و منطقهٔ شوش با آن وسعت آزاد گردید. این‌قدر لش»ر و ارتش و سپاه ما پیشرفت کرده و حدود ۱۵ هزار نفر اسیر گرفتند. همان روز در لویزان ۲ نفر سرباز نفوذی آمده و خواستند ضربه‌ای بزنند و ۳-۲ نفر را کشته و چندین نفر را مجروح کردند.

آنها نظرشان این بود که برادرمان آقای صیاد شیرازی و معاونش را شهید کنند که خوشبختانه نتوانستند و بعد هر پیروزی که حاصل می‌شود، اینها کاری انجام می‌دهند، مثل همین پیروزی اخیر که در جبههٔ غرب برای ملت حزب‌الله پیش آمد.

اینها آمدند انفجاری در خیابان ناصرخسرو انجام دادند که تا کنون حدود صدها تن از ضعیف‌ترین و مستضعف‌ترین مردم مسلمان ایران شهید و مجروح شده‌اند.

اگر بخواهیم اهداف آنها را خلاصه بکنیم باید بگوییم:

- اینها می‌خواهند که مردم را خسته کنند و به هواداران ضعیف و پوسیده و از بین رفتهٔ خودشان به این وسیله امید بدهند و در برابر اربابانشان خوش‌رقصی کنند.

س : در صورت امکان در مورد تازه‌ترین تصمیمات اتخاذ شده برای اجرای هر چه بهتر قوانین اسلامی و برقراری بیشتر نظم و امنیت در داخل کشور اطلاعاتی در اختیار خوانندگان مجلهٔ ما قرار دهید.

ج: البته این مسأله ۲ قسم دارد:

- یک بخش آن تصمیمات لازم برای اسلامی شدن قوانین و اجرای آن است؛

و مسأله‌ای که قابل ذکر می‌باشد، این است که در دادسراهای انقلاب و دادگاه‌های انقلاب صرفاً قوانین اسلامی تا به حال اجرا شده است و آن‌جایی که احتمال شبههٔ اسلامیت در آن بود، دادگستری بود. امام دستوراتی دادند و شورای‌عالی قضایی هم اقداماتی انجام داد که باعث تسریع کارها شد.

کمیسیون قضایی مجلس فعالیت شدیدتری انجام داد. شورای نگهبان اقدامات بسیار سریع‌تری انجام دادند. روی هم رفته قوانین خیلی خوب اسلامی تصویب شده است و در اختیار شورای‌عالی قضایی گذاشته شده است و همین روزها به دادگستری ابلاغ خواهد شد و **ان‌شاءالله که قوانین به صورت اسلامی اجرا بشود.**

لکن من عقیده‌ام این است که **مجریان قوانین هم تا حد زیادی رویش دقت زیادی بشود** که آیا اینها می‌توانند این قوانین اسلامی را اجرا بکنند یا نه.

در این جهت هم دادگستری و شورای‌عالی قضایی برنامه‌هایی برای **پاک‌سازی و بازسازی دادگستری و قضاوت دادگستری** اقداماتی انجام داده است. از قضات شرع برای کار در دادگستری دعوت کرده و الحمدلله تا حدی اقداماتی شده است. ولی آن‌چه که مسلم است و من می‌دانم **در این جهت کمک بیشتری از طریق روحانیت محترم است که حاضر باشند، بیایند در دادگستری فعالیت‌های خودشان را شروع بکنند** ؛تا این‌که دست شورای‌عالی قضایی در این جهت باز باشد و بتواند کار کند.

- مسألهٔ دوم کمیته‌هاست.
- مسألهٔ سوم شهربانی است.

اینها هر۳ باید در ایجاد امنیت و ژاندارمری در مناطق خارج از شهر در ایجاد امنیت کاملاً باید مؤثر و هماهنگ باشند در این جهت.

قهراً **پشتیبان این ۳ نیروی نظامی و انتظامی، دادگاه‌های انقلاب و دادگستری است.** در جهت سرقت‌های عادی، در جهت جنگ و جدال‌ها و دعواها و کتک‌کاری‌های عادی، دادگستری باید دقیقاً قانون اسلام را اجرا کند و جلو فحشا را بگیرد و سارقین را بگیرد تا امنیت برای مردم باز گردد.

در رابطه با ضدانقلاب، آشوب‌ها و فتنه‌ها و ترورها و انفجارها و تخریب‌ها و کشتار مردم، اینها هم باید **دادگاه‌های انقلاب و دادسراهای انقلاب** را شدیداً پشتیبانی کنند و نیرو بدهند به قوای انتظامی، مانند: **سپاه، شهربانی و کمیته‌ها** تا اینها خوب کار کنند.

در این مورد از ۲ جهت کار شده است:

اولاً این‌که جلسات هماهنگی بین سپاه، کمیته‌ها و شهربانی به خصوص در تهران انجام گرفته است.

البته من تقاضا می‌کنم که باز **برادران عزیز سپاه و کمیته‌ها در تهران و شهرستان‌ها** هم به خصوص بیشتر با هم هماهنگ باشند، باید بدانند که مسئولیت دارند و کوچک‌ترین اختلاف،

ضربه‌ای به انقلاب و اسلام است و حمایت و تقویت از تروریست و ضدانقلاب است و لذا باید کاملاً هماهنگ باشند و این اقدام شده است و الآن الحمدلله با کمال قدرت به خصوص در تهران، سپاه و کمیته‌ها فعالیت دارند و حضور دارند در صحنه و خیابان‌ها.

کارهای اطلاعاتی خوب انجام می‌دهند و بیشترین تروریست‌ها را دستگیر کرده و می‌کنند بالاخره می‌شود گفت **در خیابان‌ها و کوچه و بازار برای ضدانقلاب امن نیست** و الحمدلله صحنه را برایشان تنگ کرده‌اند و نمی‌گذارند آزادانه فعالیت‌شان را انجام بدهند. اما گاهی در گوشه و کنار پیش می‌آید. این قهری است و ان‌شاءالله که بیشتر از این جلویش گرفته شود.

در رابطه با دادگاه‌های انقلاب مرتب از نظر بخشنامه نوشته‌اند یا تلفن یا جمع کردن و صحبت کردن، این را انجام داده‌ایم که برادران عزیز با قاطعیت در برابر ضدانقلاب قرار بگیرند.

برادران دانشجو و بازپرس، دادستان، دادیار و حاکم شرع باید بدانند که ناموس مردم و امنیت مردم و بقای انقلاب و بقای اسلام امروز تا حد زیادی به عهدهٔ دادگاه‌ها و احکام دادگاه‌های انقلاب است، اگر ضدانقلابی بود، بداند که فکر می‌کند می‌تواند کلاه سر دادسرا و دادگاه انقلاب بگذارد یا می‌تواند از زیر قانون در برود و مجازات نشود. با این کار تبلیغات بسیار وسیع امپریالیسم قهراً اینها رو پیدا می‌کند و به انقلاب ما لطمه می‌زند.

حالا اگر بخواهیم حکم اسلام را در مورد اینها اجرا بکنیم، قاعدتاً این افراد از مجازاتی که می‌شوند باعث می‌شود یک عدهٔ دیگری که حال اینها را ندارند، می‌روند دنبال کارشان و دیگر این آشوب‌ها را به‌پا نمی‌کنند.

بالاخره ما از ۲ جهت همکاری کرده‌ایم؛ هم از این جهت که هم به دادسراها سفارشاتی کرده‌ایم و هم با برادرانی که در سپاه و کمیته‌ها هستند با آنها در رابطه با این مسائل هماهنگ کرده‌ایم.

امید است با کمکی که مردم در این جهت می‌کنند و اطلاعاتی را که می‌دهند، مسألهٔ امنیت در کشور بیشتر از این پابرجا بشود.

توصیه‌های دادستان کل انقلاب به مردم برای خنثی شدن توطئه‌های ضدانقلاب

س: برای خنثی شدن توطئه‌های وابستگان به شرق و غرب، مردم چه همکاری‌هایی می‌توانند با شما داشته باشند؟

ج: یکی از همکاری‌های مردم این است که خودشان **با این منافقین مبارزهٔ منفی بکنند.** من در این‌جا یک مسألهٔ شرعی را می‌گویم که آن نهی از منکر است.

بر هر مسلمانی این نهی از منکر واجب است.

نهی از منکر چند مرحله دارد.

– مرحلهٔ اول تبلیغ و ارشاد است، چه پسر و چه برادر و چه خواهر، چه دوست انسان باشد، او را اول ارشاد می‌کنیم، اگر قبول نکرد، با او باید مبارزهٔ منفی کرد. اگر دید که او واقعاً دست از کارش برنمی‌دارد، باید هر چه سریع‌تر اطلاعات خود را در اختیار مسئولین قضایی قرار بدهد.

مسلمانان نباید به منافقین خانه اجاره بدهند و این یک واجب شرعی است.

– دوم اطلاعات است. برای این‌که جلوگیری از منکرات و ترور، کشتن، ظلم و تجاوز بشود، باید مردم اطلاعات خودشان را به مسئولین قضایی و انتظامی، سپاه و کمیته بدهند.

مردم از این طریق می‌توانند همکاری‌های لازم را با مسئولین قضایی و انتظامی داشته باشند و از طریق حضور در صحنه و آگاه و هوشیاری‌شان می‌توانند کمک کنند.

س: بفرمایید مسألهٔ **عفو توابین** با توجه به این‌که عده‌ای در گذشته پس از آزادی از زندان دست به جنایت زدند، به کجا انجامید؟

ج: آنهایی که قبلاً آزاد شده‌اند، بعضی‌ها بوده‌اند که به نظر قاضی دادگاه و حاکم شرع این‌طور بود که او توبه کرده است و یقیناً باید آزاد بشود.

این را ما گفته‌ایم آنهایی که احتمالاً توبه کرده‌اند، بیشتر باید رویشان دقت بشود و بررسی بشود. اگر ۱۰۰٪ ثابت شد که توبه کرده‌اند و ثابت شد که آن‌قدر قوی هستند که بیرون بروند دوباره منحرف نمی‌شوند، آن وقت آزاد می‌شوند و الا آزاد کردن آنها جرم است.

دادستان انقلاب و قضاوت شرع باید به این مسأله توجه کنند که دیده شده بعضی از آزاد شده‌ها بعد از رهایی از زندان مجدداً با ضدانقلاب همکاری کرده‌اند.

وقتی بعضی از ترورهای اخیر را افرادی انجام داده‌اند که از زندان آزاد شده بودند، ولی این دلیل بر این نمی‌شود که تمام آزادشده‌ها این‌گونه هستند. چون بعضی از آزاد شده‌ها توانستند به جمهوری اسلامی خدمت کنند و ضدانقلاب می‌خواهد از این کارمان هم جلوگیری کند.

دادستان‌های ما و قضات شرع باید دقت کنند و اصل بر این است که اینها تا مادامی که ارشاد نشده‌اند، نباید آزاد بشوند. وقتی ثابت شد این هوادار و تروریست و منافق است و فعالیت‌هایی داشته است، این مجرم است و باید بماند مگر این‌که واقعاً یقین کنیم که این برگشته است و آن‌قدر قوی است که دوباره منحرف نمی‌شود.

توصیه‌ای به خانواده‌ها و مربیان مدرسه‌ها دارم.

مربیان مدرسه‌ها باید مراقب این‌گونه افراد در مدرسه باشند و اگر انحرافی در آنها دوباره دیدند، فوراً اطلاع دهند و قهراً این دفعه مجازاتش شدیدتر خواهد بود و خانواده‌هایی که این‌گونه زندانیان را داشته‌اند، باید توجه کنند که اگر مواظب این بچه‌ها نباشند، اگر دوباره دستگیر بشوند، مجازاتشان حتماً چندین برابر خواهد شد.

باز از خانواده‌ها تقاضایم این است که نخواهند که بچه‌هایشان آزاد بشوند، زیرا اگر زود آزاد بشوند، دوباره منحرف می‌شوند و مجازاتشان سنگین‌تر می‌شود. اگر در زندان بمانند، بیشتر ارشاد می‌شوند. چه بسا افرادی بوده‌اند که اگر در زندان می‌ماندند، الآن زنده بودند. چون دوباره دستگیر شده‌اند و مرتکب جرمی شده‌اند، کشته شده‌اند.

س: از آن‌جایی که **سپاه به عنوان یکی از بازوهای اجرایی دادستانی است**، بفرمایید که برای **برادران پاسدار** چه توصیه‌هایی دارید؟

ج: برادران پاسدار باید بدانند که تنها قوهٔ اجرایی نیستند، هم قوهٔ اجرایی هستند و هم مقدمهٔ قوهٔ قضاییه، به این معنا اگر حاکم شرع حکم می‌دهد، بعد از حکم این برادران عزیز هستند که این حکم را اجرا می‌کند.

ضابط دادسرا و ضابط دادگاه انقلاب هستند؛ اما قبل از حکم هم، اینها خیلی کارها می‌توانند بکنند. می‌توانند در قضاوت حاکم شرع، با دادستان سهیم باشند.

گزارشی که **پاسداران** می‌توانند به دادسرا بدهند، تحقیقاتی که انجام می‌دهند، صورت جلساتی که می‌کنند، بازجویی اولیه‌ای که از متهم می‌شود، اینها همه در نهایت در قضاوت اثر می‌گذارد.

یعنی یک قسمتی از قضاوت را برادران پاسدار انجام می‌دهند و در حقیقت هم قبل از قضاوت سهیم هستند و هم بعد از قضاوت.

بالاخره باید گفت:

سپاه، کمیته و شهربانی با دادسراهای انقلاب و دادگاه انقلاب از هر جهت با هم هستند و در قضا سهیم هستند و چون در قضا سهیم هستند، باید دقت کنند در شرایط قضا و برخورد با مردم و اموال مردم و جان و ناموس مردم دقت بیشتری بکنند.

مثلاً اگر می‌خواهند گزارشی دربارهٔ کسی تهیه کنند و به دادگاه بدهند، بدانند که هر کلمه‌ای از گزارش می‌تواند نظر حاکم را در مورد زندان مثلاً ۵ سال بیشتر یا کمتر کند. یا اعدام کند یا آزاد کند. **این را باید در نظر بگیرند که این کلمات من در روز قیامت جواب دارد.**

من نباید در پرونده و گزارش شعار بدهم که این طاغوتی است، و این چیه و این چیه و بالعکس نباید یک آدم ناجوری را به خاطر رفاقتی که داریم، آن را مظلوم‌تر نشان بدهیم و او را تبرئه کنیم.

همهٔ اینها امکان دارد. در دادگاه و دادسرا اثر بگذارد و در روز قیامت مسئولش کسی است که این گزارش را تهیه می‌کند، یا مثلاً وقتی در جایی فردی را می‌گیرند. دقیقاً تمام مطالب را در آن‌جا باید بنویسند که آیا او اسلحه داشته یا نه، از اسلحه استفاده کرده یا نه و چیزهای دیگر و اینها همه در قضا مؤثر است؛ یا این‌که وارد خانه‌های مردم می‌شوند، ولو این‌که متهم مجرم باشد یا نه، تمام اموال آن خانه فعلاً محترم است و مال صاحب خانه است و تا حاکم شرع حکم در مورد آن صادر نکرده است، مال طرف است. تازه اگر صادر هم بشود، متعلق به همهٔ مردم است.

در مورد رفتار با افرادی که ولو مجرم هستند، باید بگویم که:

باید رفتار اسلامی داشته باشیم،

ولو مجرم باشند و فردا اعدام بشوند.

این ربطی به ما ندارد که این فرد فردا اعدام خواهد شد، شلاق خواهد خورد و یا آزاد خواهد شد و یا زندانی خواهد شد.

از آن لحظهٔ اول برخورد تا آن لحظهٔ آخر که دادگاه حکم را صادر می‌کند، همهٔ اینها را باعث می‌دانند. می‌گویند برخورد دادگاه با ما خوب نبود.

کسی‌که مجرم را دستگیر می‌کند، اگر برخوردش با او خوب نباشد، تا آخر او را به همان صورت نگاه می‌کنند و همهٔ اینها مسلماً در جامعه در جذب افراد بی‌تفاوت مؤثر است.

ما باید انقلابمان را در دل‌ها صادر کنیم و نشانگر احکام اسلامی انقلاب در عمل باشیم.

همان‌طور که قرآن مقدس می‌فرماید:

با عملمان مردم را به اسلام و انقلاب دعوت کنیم.

در جریانات اخیر ۱۲ اردیبهشت برادران ما به یک خانه‌ای رفته بودند تا منافقی را بگیرند، واقعاً صاحب‌خانه و همسایه‌ها آمده بودند و ابراز رضایت می‌کردند.

به هر حال **برادران باید در حین اجرای مأموریت‌های خود با مراعات اخلاق اسلامی،**

هر گونه سوءظنی را از بین ببرند.

امیدوارم که ان‌شاءالله گزارشات سوئی در این زمینه در مورد سپاه و کمیته‌ها وجود

نداشته باشد.

البته این فقط تذکری است و نمی‌خواهم بگویم که خدای ناکرده چنین مسائلی در سپاه و کمیته‌ها هست یا در رابطه با صورتجلسات اموال، برادرها باید وقتی منافقی را دستگیر می‌کنند، بلافاصله اموال آن خانه را صورتجلسه کنند تا این اموال از بین نرود و این به صلاح جمهوری اسلامی است.

یا وقتی که خانهٔ تیمی را می‌خواهند بگیرند، بر اثر تیراندازی خانهٔ همسایه آسیب می‌بیند، باید در گزارش قید شود تا خسارت وارده جبران شود و مسلماً دولت و مسئولین نیز در جبران آن حرفی ندارند.

یا وقتی که منافقی را دستگیر می‌کنند، تصادفاً یک فرد عادی تیر می‌خورد و یا کشته می‌شود. باید به خانوادهٔ او رسید و حکم شهید را دارد.

اینها ریزه‌کاری‌هایی است که شدیداً در جامعه طرح است و اگر انجام بشود، خیلی مفید است و جمهوری اسلامی را جا می‌اندازد.

امیدواریم که کارها انجام بشود.[1]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۶۴** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **حرکات منافقانهٔ سازمان منافقین و سعی در انحراف انقلاب اسلامی**

(۸ قسمت)

امضا: **نشریهٔ پیام انقلاب**

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۱)

قسمت اول

اهداف سازمان

سازمان منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی با سودجویی کامل از فضای باز سیاسی موجود ـ که مدیون مبارزات امام و امت همیشه در صحنه بود ـ توانست که به مرکزیت متلاشی‌شدهٔ خود سر و سامانی بدهد. با بررسی کوتاهی از بافت فکری امت اسلامی ایران و با درک این حقیقت که اسلام انگیزهٔ اساسی حرکت مردم به دنبال امام است، سعی کردند که به رغم اعتقادات باطنی، خود را مسلمان! و پیرو امام جا بزنند، تا بدین‌وسیله به اهداف خود از جمله مواردی که در زیر به آن اشاره خواهد شد، برسند:

الف: امت اسلامی و به ویژه جوانان را تحت پوشش منافقانهٔ خود در بیاورند و بر اثر تعلیم و تربیت درازمدت به التقاط و بعضاً کمونیستی بکشانند.

ب: با سودجویی از نام امام و بزرگانی چون مرحوم طالقانی خواهند توانست که بخش عظیمی از امت را به سلطهٔ فرهنگی و تشکیلاتی خود درآورند.

ج: نهایتاً با سوء استفادهٔ به موقع از نیروهای تشکیلاتی و ذخیرهٔ خود، در لحظات حساس

و حیاتی، حاکمیت را به دست گیرند.

تقدیر از رهبری امام!؟

بی‌جهت نبود که در بدو انقلاب در جهت کسب اهداف فوق از مقام امام امت به شیوه‌ای تمجید می‌کردند که دست حزب‌اللهیان را از پشت بستند. القابی چون:

- **پدر گرامی‌مان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی.**
- **مجاهد اعظم حضرت آیت‌الله امام خمینی.**
- **به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران و به نام حضرت آیت‌الله العظمی خمینی.**

در جایی دیگر می‌نویسند:

- اما در قلب این حماسهٔ کبیر، چهرهٔ پرچمدار و قهرمان آن همچون خورشید تابناک‌تر از هر ستاره می‌درخشد. او که در حساس‌ترین مقطع تاریخ مبارزات این میهن به عنوان پیشوا و تبلور شرف و آزادگی مردم ما لقب امام گرفت، در شکوفایی و پیروزی یک نبرد حق طلبانه اما نابرابر، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد و بدین‌ترتیب شکل تازه‌ای از درگیری و پیروزی حق بر باطل در تاریخ ثبت شد.

بی‌تردید برای کمتر پیشوایی همچون امام خمینی عشق و فداکاری نثار شده است. قلب میلیون‌ها انسان رنجدیده و تحت ستم با نام او سرود آزادی و مرگ اهریمن را تداعی می‌کرد.

(مجاهد/ شمارهٔ اول/ اول مرداد ۵۸)

سوابق این سازمان با تماس‌هایی که با امام و اطرافیان ایشان به منظور کسب تأییدیه و سوء استفاده از مقام رهبری داشت، بر امام و یاران ایشان پوشیده نبود، چرا که به رغم اشکالات اساسی که امام بر مسائل ایدئولوژیکی و سیاسی و همچنین شیوهٔ برخورد آنان با نظام شاهنشاهی و دنیای استکبار داشتند، هرگز در تغییر دادن آن سعی نکردند. به ویژه آن‌که در اوج انقلاب که مردم خون می‌دادند و تمامی همّ و غمّ امام و امت، سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود، **رهبر منافقین نزد حضرت آیت‌الله منتظری رفتند و به ایشان گفته بودند که حاضرند حکومت را به دست بگیرند، چرا که امام خمینی نیروی سازمان‌یافته و تشکیلاتی برای ادارهٔ مملکت ندارد،** لذا آنها بهترین سازمان و گروهی هستند که می‌توانند حکومت را در خدمت خود قرار بدهند.

و چنین برخوردهای فرصت‌طلبانه‌ای چهرهٔ واقعی مرکزیت سازمان را مشخص می‌کرد.

این واقعیتی است که از همان فردای انقلاب، خط امام، خط نفاق را شناخت و به رغم ادعاهای پوشالین و دروغین منافقین، سعی و تلاش وافری در جهت نابودی خط نفاق کردند.

قابل توجه است که **مسعود رجوی** خود نیز به زبان دیگری **نفاق درونی خویش** را آشکار می‌سازد

و می‌گوید:

– سازمان تنها نیروی انقلابی سراسری بود که از همان فردای انقلاب بهمن‌ماه با شناختی که از ماهیت ارتجاعی رهبری انقلاب امام خمینی و آیندهٔ او داشت، به جای خط تشکیل حزب با تمام قوا، خط تشکیل ارتش خلق را برگزید. حتی در لابه‌لای قضایای گروگان‌گیری، ما مضافاً بر افشای ماهیت خود رژیم، این خط را با تشکیل میلیشیای سراسری تکمیل نمودیم.

و باز در جای دیگر گفته است:

– بعد از ۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب اسلامی با شناختی که از حاکمیت جمهوری اسلامی داشتیم، با انتخاب شعار (تشکیل ارتش خلق به جای تشکیل حزب) در پی به دست آوردن فرصت مناسب برای وارد آوردن ضربهٔ نهایی به رژیم بودیم.

(مصاحبهٔ رجوی با مجلهٔ ایرانشهر)

در صدر اسلام نیز پیامبر اکرم(ص) با چنین قشر منافقی درگیر بوده است. آن کسانی که نزد پیامبر(ص) به دروغ می‌گفتند که ای محمد(ص) ما گواهی می‌دهیم که شما پیامبر خدا(ص) و رهبر گران‌قدر انقلاب اسلامی هستید، اما در خلوت، در دل، کینهٔ سخت از پیامبر(ص) داشتند و هر لحظه مترصد فرصتی برای ضربه زدن بودند.

قرآن کریم شیوه و عملکرد آنان را این‌چنین برملا می‌سازد:

إِذا جاءَکَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللهِ
وَ اللهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ
وَ اللهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِینَ لَکاذِبُون[1]

(ای رسول ما چون منافقان نزد تو آمده و گفتند که ما به یقین گواهی می‌دهیم که تو رسول خدایی؛
فریب مخور!
خدا می‌داند که تو رسول اویی،
و خدا هم گواهی می‌دهد که منافقان سخن دروغ می‌گویند.)

بدون شک می‌توان گفت که **حتی پیروان صدیق امام همچون آیت‌الله منتظری و شهید مظلوم و..... چنین تعریف و تمجیدی از امام نمی‌نمودند**، و عجیب است که **چنین سخنان پر آب‌وتاب را منافقانه** نثار امام می‌کردند تا شاید بدین‌وسیله در میان صفوف به هم پیچیده شدهٔ امت و امام رخنه کرده و انقلاب را از درون بپاشند. اما **آگاهی و هوشیاری امام امت آن‌چنان بود که از روز اول و حتی قبل از آن، خط نفاق را شناخته و شناساند و هرگز به سازمان اذن نفوذ در صفوف مؤمنین را نداد.**

۱– سورهٔ منافقون، آیهٔ ۱



رهبرتراشی

مرکزیت سازمان منافقین بنابر خصلت منافقانهٔ خود پس از آن که دریافت که زیر پای امام نمی‌تواند پوست موز بیاندازد، حقهٔ دیگری را اتخاذ نمود و آن **قرار دادن آیت‌الله طالقانی در مقابل رهبری امام** بود تا بدین‌وسیله جامعه را به دوگانگی بکشانند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند، و بر این اساس سیل تعاریف و تماجید همراه با شعارهای داغ و احساسی و جوان‌پسند به طرف مرحوم طالقانی سرازیر شد. منتها **با هوشیاری و آگاهی کامل مرحوم طالقانی** روبه‌رو گشتند و ایشان با اتخاذ مواضعی چون:

– یک مشت جوان احساساتی ۳۰ ساله فکر می‌کنند که قیم همهٔ مردمند، آخر کارگر به تو چه، تو که دستت پینه نزده.... من هر وقت مأیوس و خسته می‌شوم به حضور رهبر انقلاب می‌روم و از صبر و بردباری ایشان نیرویی تازه می‌گیرم.

او در جواب مخبران خارجی فرمودند:

– رهبری حضرت امام را نه ما، بلکه دنیا پذیرفته است... مسلمان‌های دنیا، آزادگان دنیا، اینها همه پذیرفته‌اند که این رهبری، رهبری غیرعادی بوده و بر طبق موازینی که دنیا در رهبری دارد نبود، رهبری است که منشأش ایمان، تقوا، وارستگی، صمیمیت و قاطعیت است و توانست مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان منافق بزند.

البته یادآوری می‌شود که **در خلال عوام‌فریبی‌های فوق به کارشکنی‌های خود** از جمله، **مخالفت با مجلس خبرگان، قانون اساسی، تظاهرات و تخصص‌ها و....** ادامه می‌دادند و باید اعتراف کرد که **منافقانه زیر لوای خط امامی بودن و پیروی از مرحوم طالقانی توانستند عده‌ای از جوانان ساده‌اندیش را از راه اسلام فقاهتی اصیل منحرف ساخته و جذب خود نمایند**، به ویژه آن‌که از ضعف‌های موجود در دولت موقت سوءاستفاده‌های شدید می‌کردند.

مبارزه با ارتجاع

پس از فوت مرحوم طالقانی، مرکزیت سازمان برای به حرکت درآوردن هواداران خود در جهت اهداف پلید خویش مبارزه با ارتجاع (منظور خط امام و انقلاب) را این‌چنین مطرح ساخت که ارتجاع جاده صاف‌کن امپریالیسم است و رخنهٔ عناصر آمریکایی چون بنی‌صدر، قطب‌زاده، مقدم مراغه‌ای و... را در حکومت موقت و پس از آن را دلیل بر صحت ارزیابی خود می‌دانست.

اما روند تکاملی انقلاب، هر لحظه که از عمر آن سپری می‌شد، عناصر ناپاک را یکی پس از دیگری تصفیه و به زباله‌دان تاریخ سرازیر می‌کرد و لذا لیبرال‌ها به رهبری بنی‌صدر که از

قدرت جمهوری برخوردار بود، در دستور کار تصفیه‌ای انقلاب قرار گرفتند.

بنی‌صدر که به لحاظ تبلیغات جهانی حمایت بی‌دریغی از سوی قدرت‌های جهان می‌شد، توانسته بود که از جنگ و نابسامانی‌های طبیعی حاصل از آن تا قدری به نفع اهداف شوم خود استفاده کند و سازمان نیز بنا بر خصلت منافقانه‌اش، یک‌دفعه با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، با به فراموشی سپردن مواضع گذشتهٔ خود به سوی نیروهای لیبرال و افراد رفاه‌طلب در داخل و خارج کشیده شدند و مصداق آیهٔ:

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِکَ فِي الْأَذَلِّين[۱]

(به درستی آنان‌که با خدا و رسول او عناد می‌کنند،

خوارترین و ذلیل‌ترین مردمند.)

اما مرکزیت سازمان برای توجیه و انحراف اذهان هواداران و مردم، چرخش ارتجاعی خویش را این‌چنین توجیه می‌کند:

- از هر امکانی هر قدر که کوچک باشد، برای به دست آوردن متفق توده‌ای حتی موقت، مردد، ناپایدار، غیر قابل اعتماد و مشروط حتی با نهایت دقت و مواظبت و احتیاط ماهرانه استفاده شود.

(نشریهٔ مجاهد/ ۱۱۱/ ص ۱۶)

تاکتیک فوق به منزلهٔ چراغ سبزی است به تمامی گروه‌ها از راست‌ترین راست‌ها و سلطنت‌طلب‌ها گرفته تا چپ‌ترین چپ‌ها و بالمال چراغ سبزی به قدرت‌های جهان به ویژه شیطان بزرگ.

سازمان در عین‌حالی که خود را پیرو امام جا می‌زد، به توطئه‌های گوناگونی مشغول بود، تا این‌که سرانجام امام در تاریخ ۴ تیر ماه ۱۳۵۹ فرمودند:

- اینهایی که در کنار جمهوری اسلامی هستند و می‌خواهند به اسم جمهوری اسلامی،

به اسم اسلام، به اسم خلق، به اسم ملت کار بکنند،

اینها را ببینید چه می‌کنند.

ممکن است هی بگویم اسلام، هی بگویم فدایی اسلام و فدایی خلق و هی بگویم مجاهد اسلام و مجاهد خلق و این حرف‌ها را بزنم، لکن وقتی که اعمال من را شما ملاحظه بکنید،

ببینید که از اول من مخالفت کردم،

و در هر کجا تفنگ کشیدم و مخالفت کردم...[۲]

۱- سورهٔ مجادله، آیهٔ ۲۰

۲- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۲)

قسمت دوم

نامه به امام

به دنبال این سخنان، سازمان بخش عظیمی از هواداران خود را از دست داد و سازمان به منظور حفظ بازماندگان، از موضع مظلوم‌نمایی حرکت کرد و اقدام به بستن دفاتر و نشریات خود نمود و با نوشتن نامه‌ای به امام در عین حالی که امام را تهدید به لبنان کردن ایران نموده بودند، خود را مدافع انقلاب و فعال در جبهه‌های جنگ قلمداد کردند.

هدف از توطئه این بود که بتوانند امتیازاتی از این تاکتیک بگیرند. منتهی امام با اتخاذ روش صحیح، توطئهٔ آنان را پاسخ گفتند. سازمان نیز برای این‌که فعالیت خود را در چارچوب قانون اساسی جا بزنند، ضمن نوشتن نامه‌ای به بنی‌صدر از وی خواستند که آنان را به لحاظ جانی تأمین نمایند. بنی‌صدر نیز با اخذ این تصمیم و بیان این‌که رئیس‌جمهور در این مملکت امنیت ندارد، چگونه می‌تواند امنیت شما را تأمین نماید، بدین‌وسیله ضربه‌ای حساب‌شده به حیثیت جمهوری اسلامی وارد آوردند.

اتحاد منافقین و بنی‌صدر

در ادامهٔ این حرکت‌ها نزدیکی سازمان و بنی‌صدر به حدی رسید که روز ۱۴ اسفند، سازمان و بنی‌صدر رئوس و عناوین سخنرانی و برنامه‌ها را طرح‌ریزی کرده و فردی به نام مهدی ممکن (مشاور بنی‌صدر و هوادار سازمان) ادارهٔ کل برنامه را به عهده می‌گیرد و سازمان نیز تمامی نیروهای خود را بسیج نموده و **غایلهٔ ۱۴ اسفند** را به وجود می‌آورند که هدف از آن بی‌حیثیت نمودن نهادهای انقلابی و خط امام به ویژه شهید مظلوم بهشتی بود که همراه با شعار «**مرگ بر بهشتی**» دست به کشتار و مجروح کردن ده‌ها نفر از برادران و خواهران حزب‌اللهی زدند.

پس از آن موضع‌گیری‌های جدید از جمله «خلع ید از حزب جمهوری، نخستین قدم اساسی در راه نجات انقلاب» اتخاذ کرده و به دنبال اتخاذ چنین موضعی دایماً و بی‌وقفه با سوء استفاده از پیامدهای جنگ تحمیلی از جمله کمبود ذخایر ارزی، انزوای ایران در مقیاس جهانی، کمبود کالا و مواد مورد نیاز، بیکاری، گرانی، تورم و کمبود، سعی در سرنگونی خط امام از حاکمیت و به دست گرفتن قدرت بودند.

خط نفاق فوق تا قبل از ۳۰خرداد (روز خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری) به ظاهر خود را مطیع جمهوری اسلامی ایران نشان می‌داد. اگر چه در عمل از هیچ نوع توطئه‌ای فروگذار نبود.

سرانجام در ۳۰ خرداد پرده‌ها از چهـرۀ منافقـانۀ سازمان آمریکایی منافقیـن دریده شد و مبارزۀ مسلحانه را برای سرنگونی جمهوری اسلامی شیوۀ خود ساخت.

علل انتخاب فاز نظامی

۱- بدون سیستم بودن حاکمیت (خط امام)

مرکزیت سازمان به رغم این‌که مدعی واقع‌نگری بود، هرگز به جمهوری اسلامی از دید واقع‌نگری برخورد نکرد و چنین ارزیابی می‌کرد که حکومت فاقد یک سیستم لازم برای ادارۀ مملکت است و صرفاً چند نفر از مسئولین جمهوری اسلامی هستند که جمهوری اسلامی را اداره می‌کنند. پس با از بین بردن سران حکومت، رژیم جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد و سپس چنان‌چه بنی‌صدر گفته بود: «اگر ۵ نفر ترور شوند، جمهوری اسلامی سقوط می‌کند» و با توجه به سایر ارزیابی‌های غلط خود و من‌جمله انسجام تشکیلات و سیستم‌وار بودن سازمان، قادر به کسب حکومت و قدرت هستند.

۲ـ عدم پایگاه مردمی سیستم

مرکزیت سازمان و لیبرال‌ها که درک صحیح از خمیر مایۀ اسلام و امت اسلامی و امام نداشتند، تصور می‌کردند که حکومت پایگاه مردمی ندارد.[۱] یعنی دقیقاً همان اشتباهی را کردند که شاه و شیطان بزرگ مرتکب آن شده بودند که سرانجام به سرنگونی آنان منتهی شد و تصور فوق دقیقاً در راستای ارزیابی شیطان بزرگ و دنیای استعمار از اسلام و امام و امت بود.

امت همیشه در صحنۀ ایران همواره منتظر فرامین امام امت بودند و هرگز بنا بر میل باطنی خود عملاً با منافقین درگیر نمی‌شدند. و امام هم که مشرف بر مسائل بودند، به منظور حفظ امنیت داخلی و یک‌سره کردن کار جنگ، امر به سکوت داده بودند. مع‌الاسف سازمان و بنی‌صدر تصور می‌کردند که حتماً حکومت و امام پایگاه توده‌ای ندارد و اگر داشت آنان را وارد صحنه می‌کردند. و از این هم گذشته، اکثریت مردم از حکومت ناراضی هستند، ولی به علت خفقان حاکم بر جامعه نمی‌توانند نارضایتی خود را بروز دهند.

۳ـ در حال جنگ بودن نظام

مرکزیت سازمان این‌چنین ارزیابی کرد که:

۱- البته ارزیابی فوق، مربوط به برداشت‌های گذشتۀ سازمان است و حدوداً از ۶ ماه پیش تحلیل سازمان در مورد مردم به کلی عوض شده، به طوری‌که هم‌اکنون مردم را بدنۀ نظام جمهوری اسلامی قلمداد کرده‌اند و بر این اساس مبارزۀ مسلحانه و ترور را متوجه مردم بی‌گناه جنوب شهری و امت حزب‌الله کرده‌اند، که در آینده به فضل الهی مفصلاً در این مورد بحث خواهیم کرد. ان‌شاءالله.

- **اولاً** نظام فاقد یک سیستم اداره‌کننده است.
- **ثانیاً** پایگاه توده‌ای وسیع ندارد.
- **ثالثاً** به سبب جنگی که از جانب رژیم بعثی تحمیل شده بود، گمان می‌کردند مشکلات عظیم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در پی داشته است و تورم و کمبود کالا و مواد مورد نیاز و کمبود ذخایر ارزی باعث گردیده که مردم از حکومت فاصله گرفته و جذب سازمان‌های ضدانقلابی بشوند و ایران به لحاظ درونی و برونی در انزوای کامل قرار دارد. پس بنابراین قادر به چرخاندن چرخ مملکت نیست و کافی است که به موازات ضربات از سوی جنگ تحمیلی، ضرباتی بر مهره‌های حساس وارد آورده تا حکومت را واژگون کنند.

بر این اساس سعی کردند که از کمبودهای طبیعی که ناشی از تحریم اقتصادی دنیای استعمار و جنگ تحمیلی بود، به نفع خود استفاده کنند.

۴ـ حمایت تمامی گروه‌ها از قیام مسلحانه

مرکزیت سازمان با ارتباط نزدیکی که با حزب دمکرات کردستان، چریک‌های فدایی اقلیت، پیکار، رنجبران و... داشتند، نیروهای آنان را یک نیروی تعیین‌کننده در سرنگونی مسلحانهٔ رژیم جمهوری اسلامی می‌دانستند؛ لذا در ارزیابی خود به حمایت اینان از مشی مسلحانه امیدوار و دلگرم بودند.

مراحل ۳ گانه [برای سرنگونی رژیم]

سازمان با ارزیابی فوق به منظور سرنگونی رژیم نوپای جمهوری اسلامی ۳ مرحله را تدوین کرد.[۱]

به اعتقاد مرکزیت سازمان، پس از انجام ۳ مرحله که کاملاً ۳ الی ۴ ماه طول خواهد کشید، می‌توان رژیم اسلامی را سرنگون و با کمک سایر گروه‌ها قدرت را در دست گرفت.

این مراحل عبارت بودند از:

۱- مسعود رجوی نیز در مصاحبهٔ خود با مجلهٔ میدل‌ایست در تاریخ نوامبر ۱۹۸۱ در پاسخ به این سؤال که:
- شما مبارزهٔ خود را علیه رژیم امام خمینی چگونه طرح‌ریزی کردید؟

می‌گوید:

ما یک استراتژی ۳ مرحله‌ای داریم:
- ابتدا باید جوّ ترس و شکنجه را بشکنیم (منظور کشتار مسئولین نظام جمهوری اسلامی) و در این مرحله موفق بوده‌ایم.
- دومین مرحله، سازمان دادن به تظاهرات گسترده و اعتصابات عمومی است.
- مرحلهٔ سوم، نهایتاً ساقط شدن رژیم است.

مرحلهٔ اول: ترور مسئولین جمهوری اسلامی

۳۰ خرداد آغاز این مرحله بود. سازمان از ارزیابی فوق چنین نتیجه گرفته بود که برای ضربه وارد کردن به پیکر فاقد سیستم نظام بایستی که سران مملکت را قتل‌عام کرد. چرا که با کشتن سران، نظام بی‌سیستم جمهوری اسلامی دچار سردرگمی خواهد شد و زمینه را برای مراحل بعدی هموار می‌سازد. این مرحله عمدتاً از طریق نفوذی‌های سازمان صورت می‌گرفت، مانند انفجار حزب جمهوری اسلامی، دفتر نخست‌وزیری، دفتر دادستانی کل کشور و....

مرحلهٔ دوم: کشاندن مردم به صحنه

تحلیل سازمان این بود که:

- «ما توانسته‌ایم ضربات زیادی را بر نظام وارد کنیم و از طرف دیگر آمادگی مردم را هم بالا برده‌ایم و خلاصه جوّ جامعه آماده است تا حرکات بزرگ‌تری را انجام دهیم. هدف اصلی از این مرحله کشاندن مردم به صحنه بود و پس از آن نقش هدایت و کنترل مردم را به عهده خواهیم گرفت».

این خیال‌پردازی‌ها متأسفانه زمانی صورت می‌گیرد که مردم همیشه در صحنهٔ ایران با حضور فعال و گستردهٔ خود در مراسم تشییع جنازهٔ شهدای دفتر حزب جمهوری و نخست‌وزیری و دادستانی، مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان زده بودند و حتی **تمامی ابرقدرت‌ها و دنیای استکبار به رغم میل باطنی خود این واقعیت را دریافته بودند که جمهوری اسلامی از پایگاه وسیع مردمی برخوردار است و با کشتن سران مملکت نمی‌توان این نظام را ساقط کرد.** اما متأسفانه سازمان بنا بر خصلتی که قرآن برای منافقین فرموده که:

فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللهُ مَرَضاً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ بِما کانُوا یَکْذِبُونَ.
صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَرْجِعُون.[۱]

(دل‌های آنان مریض است. پس خدا بر مرض ایشان بیفزاید،
و آنها راست عذاب دردناک، بدین سبب که دروغ می‌گویند.
آنها کر و گنگ و کورند و از ضلالت خود بر نمی‌گردند.)

رهنمودهای مرحلهٔ دوم

برنامه‌های منافقین در این مرحله که از دههٔ اول شهریورماه ۶۰ شروع شد، بیشتر بر محورهای زیر خلاصه می‌شد.

۱- سورهٔ بقره، آیات ۱۰ و ۱۸

۱ـ تظاهرات مسلحانهٔ مقطعی

سازمان در این فاز سعی می‌کرد با جمع‌آوری و بسیج تمامی نیروهای سراسری خود در تهران، تظاهرات مسلحانه برگزار کند. تحلیل سازمان این بود که شهریور سال ۶۰ به مثابه جریان انقلاب در تابستان ۵۷ و بعد از آن است، که مردم با برقراری تظاهرات مسلحانه و با شعار **مرگ بر شاه** و استقامت انقلابی به پیروی از امام، توانستند اکثریت مردم ناراضی از رژیم شاه را به میدان بکشند. شهریور سال ۶۰ هم دقیقاً در همان شرایط قرار دارد که با برقراری تظاهرات مسلحانه، رعب و وحشت و خفقان موجود! را شکسته و مردم قادر خواهند شد که نارضایتی خود را بروز دهند و به صفوف تظاهرات مسلحانه بپیوندند و نهایتاً در این مرحله، بسیج سراسری توده‌ای را مهیا کرده و سرانجام با پیوستن مردم به سازمان، رژیم جمهوری اسلامی را ساقط کنند.

۲ـ ترور و آتش‌افروزی

ترور سران جمهوری اسلامی و نیروهای نظامی و انتظامی به ویژه پاسداران و مردم حزب‌الله از جمله فعالیت‌های سازمان بوده است.

در این مرحله نیز هواداران سازمان به ناگاه به خیابان‌ها ریخته و با به آتش کشیدن اتوبوس‌ها (همراه با مردم بی‌گناه) و راه‌بندان‌ها و آتش‌افروزی‌های دیگر به تصور باطل خود سعی می‌کردند که شرایط قبل از انقلاب ۲۲ بهمن را به اصطلاح به وجود بیاورند.[۱]

خوشبختانه مردم فعالانه در این مرحله با منافقین برخورد کردند و علاوه بر این‌که به آنان نپیوستند، بلکه به دستگیری وسیع این عناصر خودفروخته پرداختند، به طوری که سازمان در

۱– تحلیل سازمان در اخطاریهٔ منتشره در تاریخ ۶۰/۶/۲۸ از موقعیت و پایه‌های اساسی رژیم این‌چنین است:

– «در این‌جا لازم می‌دانیم به خصوص به عنوان آخرین اتمام حجت به پاسداران اعم از پاسداران کمیته‌ها و یا سپاه گوشزد کنیم که هر چه زودتر این ارگان‌های سرکوب ضدانقلاب را ترک نموده و...

درست است که مسئول اصلی این جنایات و تباهی‌ها و فساد [امام] خمینی و سردمداران رژیم... او هستند، لیکن این جنایت‌ها به دست شما انجام می‌شود. این شما هستید که به خانه‌ها می‌ریزید، تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها را به رگبار می‌بندید، جوانان انقلابی را دستگیر می‌کنید.... خود را نیز در معرض هلاکت قرار ندهید و زندگی آیندهٔ خود را تباه نسازید».

سازمان به زودی یعنی در تاریخ ۶۰/۸/۷ دریافت که صرفاً پاسداران به عنوان پایه‌های اساسی رژیم و درهم کوبندهٔ ضدانقلابیون وابسته به شرق و غرب نیستند، بلکه موج عظیمی از توده‌های وسیع مردمی هستند که همواره در صحنه حاضرند و به امر امام در هر فرصت مناسب ضربات کاری بر پیکر فرسودهٔ منافقین آمریکایی وارد می‌سازند.

بدین لحاظ در آبان‌ماه ۶۰ مسعود رجوی به تمام مردم حزب‌الله و طرفدار انقلاب این‌چنین اخطار می‌کند که:

– «بار دیگر به تمام مقامات و مسئولان و دست‌اندرکاران و شرکای جرم رژیم باید اخطار نمود. از آن‌جا که رژیم حاضر فاقد هر گونه مشروعیت و پایگاه مردمی! و قانونی! است، بهتر آن است که فوراً به همکاری خود با [امام]خمینی خاتمه دهند، در غیر این صورت خود مسئول تمامی عواقب اعمال ضدمردمی خود خواهند بود.»

(نشریهٔ انجمن‌های دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا، شمارهٔ ۱۲، صفحهٔ ۲۲)

بدین‌وسیله با به کار بردن لفظ «دست‌اندرکاران، و شرکای جرم رژیم» تمامی امت همیشه در صحنه و پیروان امام و خصمان شرق و غرب را شامل می‌شود و بر این اساس بدون در نظر گرفتن سن، از کودک خردسال گرفته تا پیران ۷۰ ساله را ترور می‌کنند.

این مرحله بخش عظیمی از نیروهای خویش را از دست داد. و در این مرحله با شکست فاحشی روبه‌رو شد.

مرحلهٔ سوم: به دست گرفتن رهبری مردم و نهایتاً حکومت

به رغم این‌که مردم در مراحل اول و دوم هرگز به آنان نپیوستند و تازه به شکل گسترده‌ای در سرکوبی تظاهرات مسلحانه و ترورهای کور آنان شرکت می‌کردند، باز سازمان در ارزیابی خود چنین توجیه می‌کرد که اکثریت مردم از حکومت ناراضی هستند و طرفداران نظام انگیزه‌های عمیق ندارند و به علت پیوندهای طبقاتی و حفظ منافع خود از رژیم طرفداری می‌کنند که عمدتاً از سرمایه‌داران و عناصر قشری می‌باشند.

رهنمود سازمان در این مرحله این بود که:

– همه‌چیز آماده است تا قیام مسلحانهٔ توده‌ای برپا شود و با یک تظاهرات بزرگ مسلحانه به اصطلاح بزرگ‌تر از تظاهرات مسلحانهٔ قبلی می‌توان حکومت را سرنگون کرد و در این راه مردم حتماً به ما خواهند پیوست؛ که تحلیل سازمان در جزوهٔ هسته‌های مقاومت در این مورد موجود است.

با توجه به آمادگی بسیار عمیق و وسیع اجتماعی و پوسیدگی رژیم و با حضور یک سازمان سراسری انقلابی و مسلح، آن‌چه به ذهن متبادر می‌شود، آن است که می‌توان رژیم را در جریان یک قیام سراسری به زانو درآورده و ساقط کرد و طبعاً معنای این حرف این است که هر چند سازمان قادر بوده و هست که ضربات کاری به رژیم وارد کند (کما این‌که عملاً نیز گسترش ارتش خلق و ساقط کردن رژیم بشود). یعنی لزومی ندارد که ما چشم به این نقطه بدوزیم که نیروهای مسلح انقلاب، رژیم را ساقط نمایند، بلکه می‌تواند به شرط دست زدن به سازماندهی و اقدامات مناسب به تدریج نیروهای گستردهٔ خلقی را به میدان کشیده، مخصوصاً توجه کنند که رژیم اساساً موفق بر خلع سلاح نشده و هنوز مقدار زیادی سلاح در دست توده‌هاست. کافی است بتوانیم با روش‌های مناسب نیروهای ارتجاعی را متفرق و فلج کنیم، به طوری که نتواند خیزش‌های خلق را بلافاصله و با شدت سرکوب کند. در این صورت با پاگیری حرکت خلق، ارتجاع دیگر قادر به مهار کردن آن نخواهد بود.

البته آشکار است که منظور سازمان از نیروهای ارتجاعی همان امت حزب‌الله و مردم کوچه و بازار است و این واقعیت را در جای دیگر اعتراف کرده‌اند که بعداً مفصلاً به آن می‌پردازیم.[۱]

۱– نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۰، ۱۳۶۱/۸/۸

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۳)

قسمت سوم

مقدمه

در شماره‌های گذشته پیرامون **توطئه‌های منافقین در رابطه با رهبر انقلاب اسلامی و عملکردهای توطئه‌آمیز آنان در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز آن زمان و هم‌گامی منافقین با لیبرال‌ها و غرب‌باوران** را متذکر شدیم و علل ورود آنان به «**فاز نظامی**» را برشمردیم.

در این شماره پس از بررسی **ضربات وارده بر پیکر منافقین و پیامدهایش**، به **ویژگی‌های کلی سازمان‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب اسلامی** پرداخته‌ایم که توجه شما را بدان جلب می‌نمایم:

ضربات وارده بر پیکر منافقین

امام امت در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۱۱ به منظور نابودی منافقین آمریکایی امر فرمودند:

که امت اسلامی زمینهٔ تحقق تشکیل سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی را فراهم آورند و اگر موارد سوءظنی را یافتند، سریعاً مقامات مسئول را مطلع سازند.

متن سخنان امام این‌چنین بود:

– **تکلیف ملت امروز این است که تمامشان توجه کنند که این خرابکارها را شناسایی کنند، شناسایی کنند و معرفی کنند به کمیته‌ها و دادگاه‌ها و هر جا نزدیکشان است.**

امروز باید همهٔ شما سازمان اطلاعات باشید، از اجزای سازمان اطلاعات باشید.

به دنبال این فرمان تاریخی امام بود که مردم و امت همیشه در صحنه وارد کارزار شد و به محض دیدن موارد مشکوک یا خود دخالت می‌کردند و یا مسئولین را مطلع می‌ساختند.

به دنبال دخالت مردم بود که لانه‌های عنکبوتی منافقین یکی پس از دیگری کشف و عناصر وابسته و منافق دستگیر و به جزای اعمال ننگین خود رسیده و می‌رسند.

اما ضربات کاری که بر پیکر سازمان وارد آمد، از قرار زیر هستند:

۱- عملیات مرصاد

این عملیات در ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۶۰ انجام گرفت که طی آن ضربات محکمی بر پیکر ضربه‌ناپذیر! سازمان وارد آمد که طی آن ده‌ها تن از کادرها و اعضای مرکزیت سازمان به هلاکت رسیدند یا دستگیر شدند.

در این عملیات بود که موسی‌خیابانی مرد شمارهٔ ۲ سازمان و رئیس شورای مقاومت در داخل

کشور به هلاکت رسید.

این عملیات باعث شد که بخش‌های مهمی از سازمان متلاشی شود و به لحاظ تبلیغات داخلی و خارجی، ضربهٔ محکمی محسوب می‌شد، چرا که منافقین در تبلیغات خود مدعی بودند که تشکیلات سازمان آن‌چنان منسجم و پولادین است که امکان هیچ‌گونه ضربه‌پذیری در آن نیست. و از آن‌جایی که در تبلیغات خارجی سعی می‌کرد که خود را تنها آلترناتیو آمریکا و دنیای اروپا جا بزند (در مقالات بعدی مفصلاً بحث خواهد شد) با وارد آمدن چنین ضربه‌ای تصور باطل ضربه‌ناپذیری سازمان برای مرکزیت و اربابانشان زیر سؤال رفت!

۲ـ ضربهٔ فروردین‌ماه ۱۳۶۱

در طی این عملیات، مسئول اکیپ‌های ویژهٔ بخش نظامی سازمان همراه با تعداد زیادی از اعضای دیگر معدوم و یا دستگیر شدند.

در این عملیات نیز شرکت گستردهٔ مردم در محاصرهٔ منافقین به چشم می‌خورد.

۳ـ ضربات عملیات ۱۲ اردیبهشت و ۱۹ و ۲۰ خرداد

این عملیات چنان ضربات مهلکی بر پیکر روبه‌زوال منافقین بود که باعث شد:

الف: سازمان به طور کلی قدرت کادرسازی خود را از دست بدهد، چرا که **در این عملیات‌ها بخش‌های روابط اجتماعی و تمامی نهاد تدارکات بخش شهرستان سازمان به طور کلی منهدم شد** و بر سایر بخش‌ها ضربات کاری وارد آمد.

ب: [ناتوانی در] حفظ کادرها و اعضا:

چون سازمان در میان مردم جایی ندارد و از یک سو نمی‌تواند نیروی انسانی خود را تأمین نماید و از سوی دیگر با ضربات کاری که هر روز امت حزب‌الله و سپاه و کمیته بر پیکر آنان وارد می‌آورد، آنان را در یک بحران نیرویی قرار داده است، به طوری که مجبورند برای حفظ اعضا و هواداران خود، دیگر به فکر خام و ابلهانهٔ تظاهرات وسیع مسلحانهٔ خیابانی نیفتند و **عملاً دریافتند که مردم نه تنها به آنان نمی‌پیوندند، بلکه به خون منافقین و دشمنان ضدانقلاب تشنه‌اند.**

پس از این عملیات بود که دیگر همچون گذشته وارد خیابان‌ها نمی‌شدند و راه بندان به وجود نمی‌آوردند و وسایل نقلیهٔ عمومی همراه با مسافرینش را به آتش نمی‌کشیدند.

البته سازمان در درجهٔ اول سعی و تلاش می‌کند که از تمرکز ضربات واردهٔ نیروهای انتظامی

جمهوری اسلامی بر مرکزیت سازمان بکاهد و از مرکزیت سازمان به طرف هواداران خود منحرف سازد. بر این اساس به منظور مشغول نمودن نیروهای انتظامی، به هواداران [دستور] تشکیل هسته‌های مقاومت را می‌دهد که این هسته‌ها به دلیل متلاشی شدن بخش‌های عظیمی از سازمان، بدون یک ارتباط تشکیلاتی قوی و به اصطلاح به طور خودجوش عمل می‌کنند و مسئولیتی را که بر عهدهٔ اینان گذاشته‌اند، صرفاً این است که برای حفظ باقی‌ماندهٔ سازمان، هواداران در هسته‌های مقاومت باید خود را قربانی کنند.

رهنمود سازمان در جزوهٔ هسته‌های مقاومت این است که اگر مسئولین هسته‌ها عمیقاً به ضرورت پرهیز از ماجراجویی پی نبرند، سخن فوق دلیل بر وحشت سازمان پولادین! از ضربه‌های احتمالی است و به تدریج از وظایف ساده‌تر به سمت پیچیده‌تر حرکت نکنند، بدون تردید ضربه خواهند خورد و متلاشی خواهند شد.

به دیگر سخن:

اقدامات نظامی به هیچ وجه در صدر برنامه‌های هسته‌ها قرار ندارند، بلکه هسته‌ها در اطراف سازمان، فضای مناسبی در جهت زندگی تشکیلاتی، سیاسی و نظامی سازمان به وجود می‌آورند، من‌جمله وظیفهٔ بسیار مهم متفرق کردن نیروهای دشمن و جلوگیری از تمرکز آن بر روی سازمان که بسیار حیاتی است، به عهدهٔ هسته‌هاست؛ ضمن این‌که در حد پیچیدگی‌شان می‌توان برخی وظایف خاص را نیز به عهده بگیرند.

یعنی با انجام **ترورهای کور و کشتار مردم بی‌گناه،** نیروهای انتظامی را به اصطلاح مشغول سازند تا مرکزیت در امان بماند.

اما از آن‌جایی که قرآن فرموده که:

إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصادِ[1]

(به درستی که پروردگار تو در کمین‌گاه است.)

در هر یک از این عملیات کور، به دلیل این‌که هواداران از تجربهٔ کافی برخوردار نیستند، سریعاً توسط امت حزب‌الله و نیروهای سپاه و کمیته‌های انقلاب اسلامی دستگیر می‌شوند و چون از یک انگیزهٔ عمیق سیاسی، عقیدتی برخوردار نیستند، سریعاً سایر دوستان منافق را لو می‌دهند؛ و با لو رفتن آنان ارتباطات ضعیف و نامحسوس هسته‌ها با مرکزیت سازمان لو رفته و بدین‌ترتیب بخش دیگری از سازمان به حول و قوهٔ الهی متلاشی می‌شود.

جالب توجه است که:

---

۱ – سورهٔ فجر، آیهٔ ۱۴

یکی از منافقین وقتی که وارد منزل یکی از مردم حزب‌اللهی جنوب شهری می‌شود، تب آرتیست‌بازی‌اش گل می‌کند و به هنگام بیرون آوردن اسلحه فریاد می‌زند که:

- **«من باراباس هستم»**

و این یک نمونه‌ای از صدها نمونه‌ای است که بیانگر بی‌محتوایی و ماجراجویی و انگیزه نداشتن منافقین است.

گوشه‌ای از تحلیل سازمان در مورد ترورها

سازمان منافقین به رغم این‌که به رأی‌العین تظاهرات چند میلیونی مردم را در تشییع شهدای حزب جمهوری و نخست‌وزیری و ائمهٔ جماعات را مشاهده کرده‌اند و با شعار **«مرگ بر آمریکا»** و **«مرگ بر منافق»** تنفر شدید خود را از سازمان آمریکایی منافقین ابراز داشته‌اند، هرگز به روی خود نیاورده‌اند و ارزیابی مرکزیت سازمان این است که اکثریت مردم هوادار سازمان می‌باشند، و بر این اساس تحلیل زیر را از ترورهای مسئولین نظام جمهوری اسلامی داشتند.

۱- این ترورها توانسته سیستم را افشا کند و مردم! به ماهیت حاکمیت پی ببرند، ولی از درگیری و مبارزه ترس دارند.[۱] و شرایط و نحوهٔ مبارزه را نیز نمی‌دانند، لذا این عملیات‌های نظامی ما در هر چه آگاه‌تر کردن مردم کمک مؤثری می‌کند و از سوی دیگر زمینه را برای مبارزهٔ مردمی می‌گشاید.

۲- این عملیات، ارتجاع را به موضع ضعف کشانده و از نظر اجتماعی و به طور سیستماتیک باعث تزلزل حاکمیت می‌گردد.

۳- اکنون مبارزه در مرحلهٔ حساسی است که هیچ گروهی جز ما (منافقین) قدرت ایستادگی در برابر حاکمیت را به علل گوناگونی ندارد، لذا تمام امیدها به ماست!

۴- حاکمیت قصد دارد از طرح سازمان در اذهان جلوگیری کند و با این عمل مردم را نسبت به مبارزه مأیوس نماید.

۵- آن‌چه در طی جریانات اخیر نشان داده شده، این‌که هیچ سازمانی و گروهی در جامعه نیست که توان و یارای ادامهٔ مبارزه با ارتجاع را داشته باشد، هیچ نیرو و گروهی نمانده که در مقابل فریب ارتجاع و مهم‌تر از آن در مقابل سرکوب و خشونت ارتجاع تاب و توان استقامت داشته باشد.

(جزوهٔ مطالبی چند در مورد ضربهٔ اخیر، صفحهٔ ۵)

۱- منافقین کوردل آن‌چنان درچارچوبهٔ ذهنیت خود اسیر شده‌اند که گرچه مبارزه و پیروزی‌های مکرر و شهادت‌طلبی‌های سلحشوران و رزمندگان ایران اسلامی را در برابر ارتش صدام آمریکایی می‌بینند، اما باورشان نمی‌شود و در عین‌حال ادعا می‌کنند که حاکمیت از درگیری و مبارزه ترس دارد. این ارزیابی خود بهترین دلیل در کور بودن منافقین و نادیده گرفتن واقعیات است!

تناقض‌گویی سازمان در موارد فوق کاملاً روشن است. از یک سو در مادهٔ یک می‌گویند که ارتجاع (بخوانید انقلاب و خط امام) شرایط و نحوهٔ مبارزه را نیز نمی‌دانند و متعاقباً در مادهٔ ۵ می‌گوید که هیچ گروهی توان و یارای ادامهٔ مبارزه با ارتجاع (بخوانید انقلاب) را ندارد.

این سؤال مطرح می‌شود که:

- اگر جمهوری اسلامی نحوهٔ مبارزه را نمی‌داند، پس چگونه است که تمامی گروه‌ها را با برخوردهای صحیح و اتخاذ شیوهٔ درست مبارزاتی به محاق برده که دیگر قادر به فعالیت نیستند!؟

ورود به فاز نظامی، مرگ منافقین

از عمده‌ترین عواملی که باعث اضمحلال سازمان منافقین بوده و هست، عدم درک واقعیات موجود در جامعه و تطبیق ندادن ذهنیات‌شان با واقعیات و بالنتیجه نداشتن آینده‌نگری صحیح است.. لذا مرکزیت سازمان صرفاً مبتنی بر ذهنیات، شیوهٔ به اصطلاح مبارزاتی خود را انتخاب کرده و اقدام به عمل خودکشی می‌نماید.[۱]

انتخاب فاز نظامی بر خلاف تحلیل سازمان که می‌گفت:

- اینک (رژیم جمهوری اسلامی) زیر ضربات کشنده و کوبندهٔ مجاهدین دچار سرگیجه و سرسام شده و در آستانهٔ سقوط قطعی قرار گرفته است، بحران عمومی که تمام ارکان جامعه را فرا گرفته، من جمله اوضاع وخیم اقتصادی- اجتماعی نیز که چیزی جز حاصل عملکردهای ارتجاعی رژیم قرون وسطایی... نیست به هیچ‌چیز جز قطعیت سقوط قریب‌الوقوع امام خمینی دلالت نمی‌کند.[۲]

انتحار سازمان بود؛ چرا که اتخاذ شیوهٔ نظامی حداقل شرایط زیر را لازم داشت:

۱ـ مخفی بودن مرکزیت سازمان

شرط اساسی در اتخاذ روش نظامی برای یک گروه، مخفی بودن تشکیلات سازمان و مرکزیت آن است که منافقین فاقد این شرط اساسی بودند. زیرا مرکزیت، اعضا، درجهٔ یک و نمایندگان انتخابی سازمان را همه شناخته بودند و امکان اختفا در میان مردم برای آنان وجود نداشت؛ چرا که مردم آنان را خوب شناخته و آنان را دستگیر و یا معرفی می‌کردند.

۱- سازمان برای حق جلوه دادن شیوه‌های اتخاذی خود و توجیه هواداران، همواره سنگ تجربهٔ ۱۶ سالهٔ به اصطلاح مبارزاتی خود را به سینه می‌زند و ادعا می‌کند که تجربهٔ آنها نشان می‌دهد که تمام شیوه‌های گذشتهٔ آنان در دوران شاه و ... صحیح بوده است؛ غافل از این‌که در میان تمامی شیوه‌ها، این شیوه و مشی امام خمینی بود که نهایتاً به سرنگونی رژیم آمریکایی شاه منتهی شد.

۲- نشریهٔ انجمن‌های دانشجویان مسلمان، اروپا و آمریکا، شمارهٔ ۹، ص ۶، ۲۴ مهرماه ۱۳۶۰.

بنابراین بافت اجتماعی سازمان در رابطه با مرکزیت از ماهیتی برخوردار بودند که هرگز قادر به ورود به فاز نظامی نبوده و توان استقامت در این راه را نداشت.

۲ـ مخفی بودن هواداران

هواداران هر گروه و سازمانی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. چرا که منبع اصلی تغذیهٔ هر سازمان و گروهی برای ادامهٔ راه، بستگی به هواداران آن سازمان دارد.

بنابراین اختفای هواداران در جهت حفظ آنان یعنی حفظ آیندهٔ سازمان که سازمان منافقین به دلیل دادن نقش تبلیغاتی به کلیهٔ هواداران خود و بسیج آنان از این راه همهٔ آنان را به مردم چه در مدرسه، کوچه، خیابان و چه در دانشگاه و ... معرفی کرده بودند، لذا امکان اختفا از آنان نیز سلب گردیده بود.

۳ـ داشتن روابط تشکیلاتی مخفی و منسجم

یکی دیگر از شرایط حساس ورود به فاز نظامی که دقیقاً منافقین فاقد آن بوده و از آن بی‌بهره بودند، داشتن تشکیلات ۱۰۰٪ مخفی و منسجم می‌باشد.

خوشبختانه، بنا بر مشیت الهی و کورکورانهٔ عمل کردن منافقین، این سازمان خود را به چنان فلاکتی انداخت که به قول امام امت، خودشان باعث هلاکت خودشان گردیدند.

نتایج انتخاب این مشی ناصحیح عبارت است از:

۱ـ اکثر اعضای مرکزیت و درجهٔ یک سازمانی با شناسایی‌کامل از سوی مردم، سپاه و کمیته‌ها، به دست عدالت سپرده شده و یا نابود شدند؛ به طوری‌که رهبر سازمان همراه با بنی‌صدر و معزی (خلبان ویژهٔ شاه معدوم) از ایران متواری و به دامان غرب پناهنده شدند.

۲ـ هواداران سازمان از حرکت سیل‌آسای امت همیشه در صحنه به وحشت افتادند و عده‌ای بریده و خود را معرفی و عده‌ای دیگر از ترس، فرار را برقرار ترجیح داده و بسیاری دیگر نیز توسط مردم دستگیر و به مقامات قضایی تحویل داده شدند. و در این میان موارد بسیاری که منافقین توسط پدر، مادر، سایر اعضای خانواده و بستگان لو رفته و به دست عدالت سپرده شدند، مشاهده شده است.

پس **به رغم این‌که سازمان مدعی داشتن تشکیلاتی قوی، منسجم و پولادین بود، در مرحلهٔ عمل با وارد آمدن ضربهٔ کاری توسط امت حزب‌الله و سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی از پای درآمد** و همان‌گونه که اشاره رفت، بخش‌های عظیمی از سازمان به کلی منهدم گشت.

اما بنا بر فرض محال، اگر بپذیریم که سازمان از یک تشکیلات قوی، منسجم و پولادین برخوردار بود، هرگز قادر نبود و نمی‌توانست که وارد فاز نظامی شود، چرا که شرط اساسی در اتخاذ روش نظامی، مخفی بودن سازمان، اعضا و هواداران هر تشکیلاتی است. یعنی همان چیزی که منافقین فاقد آن بودند.

بنابراین آیا **انتخاب فاز نظامی** را در شرایط فوق به جز **انتخاب فاز انتحار** می‌توان نام دیگری نهاد؟[۱]

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۴)

قسمت چهارم

مقدمه

در شماره‌های گذشته مروری بر عملکردهای منافقین و توطئه‌های آنان در قبال رهبریت انقلاب و رودررو قرار دادن آیت‌الله طالقانی مقابل رهبر انقلاب که توسط آن بزرگوار در نطفه خفه شد، داشتیم و سپس به بررسی تحلیل منافقین از اوضاع ایران و حکومت جمهوری اسلامی ایران پرداختیم و پوچی مراحلی را که برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده بودند، بررسی نمودیم.

در این شماره به **ویژگی‌های تمامی گروهک‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب و به ویژه منافقین** پرداخته‌ایم؛که توجه شما را بدان جلب می‌نماییم.

ویژگی‌های سازمان و گروه‌های ضدانقلاب

گروه‌ها و سازمان‌های ضدانقلابی در درون ایران از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که عامل اصلی شکست و یا حداقل رشد نیافتن آنهاست، و تا زمانی که با این ویژگی‌ها و خصلت‌ها برخورد صادقانه (اگر صداقتی در میانشان باشد) نکنند، همواره در وادی سردرگمی و حیرانی خواهند ماند،[۲] این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۱، ۱۳۶۱/۸/۲۲

۲- بدون شک برخورد صادقانه زمانی تحقق می‌یابد که پس از قضاوت منصفانه بین عقاید الحادی التقاطی با اسلام اصیل و فقاهتی، اسلام فقاهتی را انتخاب نمایند. چرا که **تنها عقیدهٔ برحق و پویا و رشد دهنده، صرفاً اسلام است و لاغیر** و از آن‌جایی که مسائل سیاسی و اخذ شیوه‌های مبارزاتی مبتنی بر ایدئولوژی می‌باشد، بدون شک درخواهند یافت که جمهوری اسلامی بر حق است و مبارزاتشان را باید علیه دنیای استکبار شکل داد نه علیه ضد استعمارگران! یعنی حرکتی را که هرگز یا به ندرت از سوی سازمان‌ها و گروه‌های ضدانقلاب از سوی سازمان‌ها و گروه‌های ضدانقلاب صادر می‌شود، اگر چه اینها به حقانیت اسلام واقفند، اما در مأموریت استعماری خود موظف به مقابله با اسلام هستند.

۱- درک ناصحیح از اسلام اصیل

دنیای استعمارگر شرق و غرب برای به زیر سلطه درآوردن امت اسلامی، تلاش‌های پی‌گیر و بی‌وقفه‌ای را در جهت **مسخ فرهنگ اسلامی** کرده و با **طرح نمودن قرآن و احادیث در چارچوب افکار سرمایه‌داری غرب و یا سوسیالیستی شرق** توانسته است که جریان‌های فکری مورد نظری را به وجود بیاورد و حاصل کار آنها **صدها کتاب و نوشته** است که بر جای مانده.

متأسفانه **گروهک‌های انقلابی‌نما**، تحت تأثیر تبلیغات سوء ابرقدرت‌های مستکبر قرار گرفته‌اند و یا به طور کلی اسلام را (اسلام مسخ‌شده را) نفی کرده‌اند و به سوی **الحاد** کشیده شده‌اند و یا اسلام را در چارچوب یکی از افکار فوق پذیرفته‌اند.

حاصل کار این است که با **اسلام اصیل فقاهتی** فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌اند و نه تنها در راه بازشناسی اسلام قدمی بر نمی‌دارند، بلکه به حقانیت! خود پایبندند و **هرگز این شک را در خود راه نمی‌دهند که نکند در اشتباهند؟**

لذا به علت **عدم دانستن یک ایدئولوژی صحیح**، فاقد بینش لازم‌اند و **هرگز قادر به اتخاذ شیوهٔ صحیح در مبارزات سیاسی، اجتماعی نیستند** و شاید بتوان گفت **علت اساسی تمامی کج‌روی‌های آنان** از همین‌جا باشد.

۲- نداشتن تحلیل صحیح از مردم

یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب **جدا بودن آنان از مردم** است.

از آن‌جایی که روح مردم ایران آمیختگی بی‌مرزی را با تعلیمات الهی اسلام دارد، و از سوی دیگر **گروهک‌های ضدانقلاب با اسلام اصیل بیگانه و جدا هستند**، بالنتیجه جدای از مردم و روحیات آنان زندگی می‌کنند.

اگر چه اعضا و هواداران آنها در همین شهرها و کوچه و بازار دایماً در رفت‌وآمدند، اما هرگز درک صحیحی از مردم ندارند، چرا که کار از اساس خراب است. **اینان بایستی ابتدا اسلام را خوب بشناسند و ایمان بیاورند تا آنگاه به روحیات مردم آگاهی یابند.**[1]

اما در این مرحله اشتباه به این‌جا ختم نمی‌شود، بلکه با تحمیل ذهنیات خود بر واقعیات موجود در جامعه اشتباه بزرگ‌تری را نیز مرتکب می‌شوند. یعنی **یکی از مسئولیت‌های خطیر هر گروه و سازمان، تحلیلی مطابق با واقع از نیروهای فعال و ذخیرهٔ خود در پهنهٔ جامعه است**، ولو برای

۱- همان‌گونه که برای درک صحیح اشعار مولوی، حافظ، سعدی و... مجبوریم اسلام را ابتدا درک کنیم. برای درک روحانیت مردم لازم است که ابتدا اسلام اصیل را دریابیم و سپس به مطالعهٔ مردم بپردازیم.

گروهک‌های ضدانقلاب، اما **گروهک‌های موجود در ایران همواره مدعی هستند که اکثریت مردم هوادار آنان می‌باشد، پیکار، حزب توده، خلق مسلمانی‌ها، دمکرات‌ها، اکثریت‌ها، و حتی اقلیت‌ها مدعی‌اند که از اکثریت نیروی مردمی برخوردارند.**

سازمان منافقین نیز چنین ادعایی را داشته و دارند. اما **شیوهٔ آمارگیری آنان** بدین طریق بود: **تعدادی اعلامیه‌های کثیرالانتشار پخش‌شده از سوی هواداران را دلیل بر استقبال و هواداری مردم از سازمان تلقی می‌کردند** و بر این اساس مطرح می‌نمودند که اکثریت توده‌ها با ماست و فقط منتظر شکستن جو خفقانند!

۳- اختفای نقاط ضعف

مرکزیت گروهک‌ها و سازمان‌های ضد انقلاب از نقاط ضعف بسیاری برخوردارند، من‌جمله، **ضعف فرهنگی، ضعف سیاسی، ضعف تشکیلاتی و کادرسازی، ضعف تبلیغات، ضعف درک مسائل و واقعیات عینی موجود در جامعه، ضعف اتخاذ خط‌مشی صحیح، ضعف اتخاذ تاکتیک صحیح در مراحل مختلف حرکتی، ضعف سنجش آرا و عقاید، ضعف درک مسائل و واقعیات عینی موجود، ضعف آزادی بیان عقیده در تشکیلات و ضعف ...**

واقعیات فوق مسائلی است که در تمامی گروه‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب اسلامی وجود دارد و این ضعف‌ها در مقایسه با حرکت پرتوان امام و امت مشخص‌تر می‌گردد، اما به رغم وجود ضعف‌های فراوان نه تنها هرگز دست به بر طرف‌سازی آن نمی‌زنند،[1] بلکه همچون کبک برفی، بر خلاف واقع و در دنیای ذهنی خود سازمان را از هر گونه نقص و اشتباهی بری می‌دانند و آن‌چنان پیرامون این مسأله تبلیغ می‌نمایند که در اذهان سادهٔ هواداران از سازمان، یک مجموعهٔ تشکیلاتی مطلق می‌سازند که حتی احتمال اشتباه کردن را به سازمان و مرکزیتش نمی‌دهند.

بر این اساس است که **برای حفظ قداست و مطلق بودن سازمان در اذهانِ هواداران به آنان دستور می‌دهند که تلویزیون نبین، رادیو گوش مده، کتاب و روزنامه و مطبوعاتِ هواداران جمهوری اسلامی را نخوان و ...**

اصولاً با بزرگان و صاحب‌نظران و خلاصه کسانی که قدرت استدلال و بیان و اثبات حقانیت جمهوری اسلامی را دارند، مشورت نکن و تازه سعی کن که از آنان متنفر باشی!...

غافل از این‌که به هر حال پس از ضرباتی که در روند حرکتی بر پیکر سازمان و هواداران فرود می‌آید، یک‌مرتبه هواداران را گیج و مبهوت می‌نماید که، مگر امکان دارد که سازمان بر

۱- چرا که تصحیح ضعف‌های موجود بدون ایمان آوردن به اسلام فقاهتی اصیل هرگز میسور نخواهد بود، یعنی همان چیزی که با فلسفهٔ وجودی ملحدین و منافقین متباین است.

اثر ضعف‌ها و اشتباهاتش ضربه بخورد؟ مگر اصلاً در سازمان اشتباه و خطا راه دارد؟ و پس از این است که به اصطلاح خود منافقین و سایر گروهک‌ها، طرف بریده می‌شود! چرا؟ چون به یک سری واقعیات پی برده و پردهٔ حجاب ذهنی‌گرایی را دریده است!

البته تشویق هواداران به بحث‌های جدلیِ سرکوچه‌ای، که نه تنها هدایت نمی‌شوند، بلکه در کفرشان پایدارتر می‌گردند، نوعاً از سری دستوراتی است که سازمان‌ها کماکان و شاید بتوان گفت تماماً به هواداران خود می‌دهند و می‌بینیم که به شکلی تربیت می‌شوند که نوعاً از مطالعهٔ کتب علما و فضلای اسلام که عمر خود را در راه کسب معارف اسلامی سپری نموده‌اند، بیزارند.

۴ـ واکنشی عمل کردن

از دیگر ویژگی‌های سازمان‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب در ایران این است که **همواره در برابر پدیده و جریانات سیاسی، عکس‌العملی کار می‌کنند،** چرا که به دلایل فوق فاقد یک جریان فکری، سیاسی، اجتماعی مشخصی که پویا و بالنده و راهنما باشد، هستند. لذا در برابر حوادث صرفاً واکنش نشان می‌دهند، و همین امر باعث شده هر روزه موضع جدید و متناقضی با موضع روز قبل اتخاذ کنند؛ **یک روز بازرگان و دولتش، بنی‌صدر و قطب‌زاده و هم‌پالکی‌هایشان را لیبرال خطاب می‌کنند، و روز دیگر همگام و همراه با اینها در کنار آمریکا و علیه امت شهیدپرور ایران به رهبری امام خمینی قرار می‌گیرند.**

در بدو انقلاب می‌گفتند که ارتش باید منحل گردد. اما پس از ارتش شورای ملی مقاومت، ارتش را این‌گونه تحلیل می‌کنند که تجدید سازمان مردمی ارتش از جدی‌ترین ضرورت‌های بقای کشور و تکامل انقلاب و پیوسته درصدد خواسته‌های پرسنل ملی و مردمی ارتش نیز بوده است.

(برنامهٔ شورای ملی مقاومت، مادهٔ ۶)

در بهار ۵۸ در جزوهٔ **رهنمودهایی دربارهٔ پاسداری** در مورد **برادران پاسدار** می‌نویسند:

«تقدیم به نگهبانان و پاسداران مسلح انقلاب، رزمندگانی که در این روزها و شب‌ها، روز و شب‌هایی پر از مخاطره و تهدید، تهدید ضدانقلاب و پس‌مانده‌های ارتجاع و امپریالیسم، در سنگرهای خیابانی؛ انقلاب خلق رنج‌دیدهٔ ایران را پاس می‌دارند و بی‌هیچ چشمداشت و توقعی به خوبی از آن حراست و پاسداری می‌کنند.»

اما در نیمهٔ دوم سال ۶۰ در اخطاریه‌های مکرر که قبلاً به عرض رساندیم، برادران پاسدار را تهدید به مرگ می‌کنند و عملاً خود به صف پس‌مانده‌های ارتجاع و امپریالیسم می‌پیوندند و برادران پاسدار را ترور می‌کنند. روزی ....

قدرت‌طلبی

یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب **قدرت‌طلبی** آنهاست و در این راه **از تمامی اصول و موازین مکتب متبوعشان عدول می‌کنند و با هر کس و ناکسی به منظور کسب قدرت هم‌پیمان می‌گردند.**

بر این اساس است که مطرح می‌سازند:

«از هر امکانی هر قدر که کوچک باشد، برای به دست آوردن متفق توده‌ای حتی موقت، مردد، ناپایدار، غیر قابل اعتماد و مشروط حتی با نهایت دقت و مواظبت و احتیاط ماهرانه استفاده شود.»
(نشریهٔ مجاهد ۱۱۱، صفحهٔ ۶)

و از این هم بالاتر، حتی حاضرند که دست از عقاید و به اصطلاح اسلام طراز مکتب! بشویند تا بتوانند، آرای مخالفین اسلام را هم در خود جای دهند تا شاید نهایتاً قدرت را کسب کنند.

در این زمینه می‌نویسند:

«به این ترتیب از نظر سیاسی و اجتماعی نه زن و نه مرد، نه قومیت و نه عقیده و مذهب... هیچ‌یک به خودی خود و بدون پشتوانهٔ آرای مردمی از لحاظ سیاسی و اجتماعی بر دیگری ترجیح قانونی ندارد و همگان در مقام انتخاب شدن و انتخاب کردن از حقوق قانونی متساوی برخوردارند.»
(مادهٔ ۴ از برنامهٔ شورای ملی مقاومت)

قدرت‌طلبی است که حتی بر خلاف حکم خدا که فرمود:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ[1]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمنان من و دشمنان خودتان را دوست و هم‌پیمان نگیرید).

با دشمنان خدا هم دوستی آشکار می‌کنند و بر این اساس است که احزاب و گروهک‌های ضدخدایی چون: (حزب دمکرات، اتحادیهٔ کمونیست‌ها، جبههٔ دمکراتیک ملی و افرادی چون بنی‌صدر و معزی خلبان ویژهٔ شاه ... هم‌پیمان می‌شوند و در شورای به اصطلاح مقاومت ملی جمع می‌گردند.)

اما **اگر به روند حرکتی امام خمینی بنگریم، خواهیم دید که همواره از یک خط پیروی کرده و در یک خط گام نهاده، بدون آنکه به چپ و راست بلغزد، و آن خط، خط تعبد از پروردگار و انجام تکلیف شرعی است**، و در این جهت هرگز درصدد کسب قدرت، شهرت، نام و نان و ... نبوده است.

همچنان‌که بارها خودشان فرموده‌اند:

– اگر ما به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است، عمل بکنیم،

۱– سورهٔ ممتحنه، آیهٔ ۱

باکی از این نداریم که شکست بخوریم؛

چه از شرق و چه از غرب،

چه داخل و چه از خارج،

و اگر به تکالیف خودمان عمل نکنیم،

شکست‌خورده هستیم،

خودمان، خودمان را شکست دادیم.

(امام خمینی ۶۰/۵/۱۱)

خط تعبد است که امام خمینی حتی در آن لحظات حساس و توفانی انقلاب هرگز از موازین اسلام عدول نکردند و با فریاد رسای خود فرمودند:

ما حتی در سرنگونی رژیم شاه با کمونیست‌ها همکاری نخواهیم کرد.

اما در آن زمان حساس به رغم این که نیروی محرک و پیش‌برندهٔ انقلاب به جز امت مسلمان پیرو خط امام نبودند، لیکن منافقین در تحلیل خود بی‌شرمانه این چنین قلب حقایق می‌نمودند.

«اما مردم به تجربه دریافته بودند که برای درهم شکستن این رژیم و اربابان آمریکایی‌اش باید یک تن واحد باشند و اختلافات درونی را در برابر تضاد اصلی عمده نکنند. با همین وحدت و اتفاق ملی بود که مردم توانستند بر این رژیم پیروز شوند.

(سال دوم، مجاهد شمارهٔ ۱۰۸ پنج‌شنبه ۱۶ بهمن ۵۹)

و همچنین از افاضات مسعود رجوی این است که:

«ما به این‌که دست در دست چریک‌ها برای نابود کردن امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنیم، افتخار می‌کنیم.»[1]

۶ـ اعتقاد به "هدف وسیله را توجیه می‌کند"

بدیهی است که در گروهک‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب با ابعادی که برشمردیم، از هر وسیله‌ای برای کسب قدرت استفاده می‌کنند. از کشتن پاسدارها و خواروبارفروشی‌ها و مردم عامی و انفجار بمب در شلوغ‌ترین نقاط شهر و کشتن زن و بچهٔ بی‌گناه گرفته تا کشتن ائمهٔ جماعات، چون آیات عظام: مدنی، دستغیب، صدوقی و پیرمرد ۸۳ ساله‌ای چون اشرفی اصفهانی، این همه جنایات **صرفاً برای کسب قدرت** صورت می‌گیرد و بس!

۱- البته امروز حتماً آقای رجوی نیز افتخار می‌کنند که دست در دست میتران (سوسیالیست معروف فرانسه و هوادار صهیونیسم بین‌المللی)، بنی‌صدر و امپریالیسم و صهیونیسم برای نابودی جمهوری اسلامی ایران مبارزه! می‌کنند. چرا که اصل قدرت‌طلبی است و در این راه مهم نیست که با چه کسی متحد شد.

۷ـ حب ارتقای درجه

سازمان‌ها و گروه‌های ضدانقلاب برای محکم نمودن، دلخوش کردن و فعال نمودن اعضا و هواداران خود در درون تشکیلات از عناوینی چون، هوادار درجهٔ ۱، ۲ و ۳، عضو، مسئول فلان بخش، قسمت و ... سود می‌جویند تا بدین‌وسیله **حس مقام‌طلبی هواداران** را ارضا نمایند و شخصیت آنان را بزرگ جلوه دهند و تحت لوای همین الفاظ و مقام‌های پوچ است که برای گرفتن یک ردهٔ بالاتر آنان را موظف می‌کنند که یک‌سری دستورات سازمان را انجام دهند و در صورت موفقیت یک رده (درجه) به مقام وی اضافه می‌کنند، به طوری که **شرط اساسی در به عضویت درآمدن سازمان، انجام چند ترور و عملیات کور سازمانی است.**

البته در این راه شیوه‌های متفاوتی را به کار می‌بندند، از جمله شیوه‌ها این است که هواداری را که از یک سری امتحانات و ترورهای ناجوانمردانه با موفقیت بیرون آمدند، یک روز با او قرار ملاقات می‌گذارند و سپس چشمان او را می‌بندند و او را سوار ماشین می‌نمایند و در بین راه به او القا می‌کنند که الآن می‌خواهیم برویم و مرکزیت فلان بخش سازمان را به تو معرفی نماییم، چرا که تو دیگر به سطحی رسیده‌ای که مورد اعتماد! و عضو یا صلاحیت پذیرفتن مسئولیت را داری! و سپس او را به خانه‌ای می‌برند و چند نفر از افراد معمولی سازمان را به او نشان می‌دهند و صحبت‌هایی با وی کرده و وی را کاملاً خام نموده و همچون مهره‌ای در دستگاه خود به کار می‌برند.

بدین ترتیب به هوادار بدبخت القا می‌کنند که قدر و منزلت شما بسیار زیاد است و دولت جمهوری اسلامی قدر شما را نمی‌داند و صرفاً سازمان است که قدر و منزلت شما را درک می‌کند و بس!

بدبخت آن هوادار و عضو که باورش می‌شود که واقعاً کسی شده و به منظور حفظ مقام والا و شامخ خود در سازمان به ترورها و عملیات ناجوانمردانهٔ خود شدت بیشتری می‌بخشد تا بدین‌وسیله علاوه بر حفظ مقام، بتواند رده و درجهٔ بالاتری را از سازمان کسب نماید و مهم‌تر! شود.

۸ـ تشکیل خانه‌های تیمی

معمولاً گروه‌های ضدانقلاب برای آن‌که بتوانند هواداران خود را همواره حول محور خود جذب و فعال نمایند، اقدام به ایجاد **خانه‌های تیمی و جلسات درون‌گروهی** می‌کنند، چرا که **این جلسات و خانه‌ها از خصوصیت‌هایی به قرار زیر برخوردارند.**

الف: در این جلسات با تحلیل تنگ‌نظرانهٔ خود، ایجاد شبهه‌ها و سؤالاتی در مورد حکومت

جمهوری اسلامی در اذهان هواداران می‌نمایند که آنان را حول محور آن تحلیل و سؤالات ۱هفته و یا بیشتر نگه دارند و هفتهٔ آینده دوباره سؤالات جدید و تحلیل دیگری از به اصطلاح بی‌اعتبار بودن و وابسته‌بودن حکومت اسلام ارایه می‌دهند تا مدتی دیگر به دید کینه‌توزانه و خصمانهٔ آنها استمرار بخشند.

ب: ایجاد روابط احساسی و عاطفی بین اعضا و هواداران که در صورت برقرار شدن این رابطه حتی در صورت مشاهدهٔ اشتباهات اساسی از سازمان، از آن به سادگی می‌گذرند و در بسیاری از مواقع بر اساس همان پایهٔ عاطفی و احساساتی و اعتمادی که حاصل از همین جلسات و خانه‌های تیمی است، هرگز به ذهن خود امکان اشتباه سایرین و نهایتاً سازمان را نمی‌دهند.

ج: خاصیت دیگر این جلسات و خانه‌ها این است که اگر در ذهن یک هوادار و مسئولی سؤالی اساسی خطور کرد و تا کسب جواب آن را پی‌گیری نمود، چون در دسترس است، سریعاً می‌توانند با توجیه و تفسیرها و استدلال‌های آبکی یک مرتبه نبوغ و هوشیاری وی را خفه نمایند و جلو رشد فکری او را بگیرند و در جهت افکار سازمانی سوق دهند.

د: اما در صورتی که هواداری هوشیارتر از آن باشد که به سادگی تسلیم استدلال‌های بی‌اساس آنان نشود و در سؤال خود اصرار ورزید، سریعاً بخش انگ‌سازی برای خفه نمودن وی از طریق دیگری استفاده می‌کنند.

معمولاً با زدن برچسب‌هایی چون طرف بریده، ترسیده، مسأله‌دار شده، دارای خصلت‌های بورژوایی است و ... با وی به مقابله ایستاده و در صورتی که فرد ضعیف‌النفس باشد از سؤالات خود دست کشیده و به همکاری ادامه می‌دهد و دیگران نیز از ترس انگ‌خوردن و بی‌ارزش شدن، هیچ سؤالی را به ذهن خود خطور نمی‌دهند و اصلاً دیگر در مورد سازمان شک نمی‌نمایند و بدین‌ترتیب به عضو بودن اعضا در سازمان تداوم بخشیده می‌شود.

هـ: اگر فردی در درون تشکیلات از انگ خوردن نیز هراسی نداشته باشد و بر سؤالات خویش تا نیل به جواب صریح اصرار ورزد و به سادگی گول نخورد و غمض عین نکند و پیامد آن، کل سازمان و اهداف و عملکردهایش را نفی و طرد نماید، و دیگر حاضر به ادامهٔ بردگی و بندگی نباشد و بخواهد زندگی جداگانه و مستقلی را برای خود دست و پا نماید، بی‌درنگ

همچون اسلاف سابقشان به همان روشی که با **شهید شریف واقفی و شهید صمدیه لباف** عمل نمودند، با آنان نیز عمل می‌نمایند و با سر به نیست کردن آنان، راه را برای همه‌گیر شدن سؤالات و ابهامات سرنوشت‌ساز و اساسی می‌بندند.

از جنایات وحشیانهٔ منافقین در مورد اعضا و هواداران سابق خودشان چندین مورد اتفاق افتاده است که امت حزب‌الله از رسانه‌های گروهی و سیمای جمهوری اسلامی در جریان این قساوت‌ها قرار گرفته‌اند و به دلیل رعایت اختصار، از آوردن نمونه خودداری می‌نماییم.

و: می‌دانیم که **فطرت پاک انسانی هرگز خطا نمی‌کند**، بلکه بر اثر تأثیرات خارجی است که به اشتباه و گناه آلوده می‌شود.

بسیاری از گناهان است که انسان خود به تنهایی هرگز دست خود را به آن آلوده نمی‌کند، اما زمانی که در جمع منحرفی قرار گرفت، با تشویق و تمجید دیگران، تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرد و جوزده می‌شود و از آن پس نه تنها از گناه پرهیز نمی‌کند، بلکه در گناه لذتی می‌یابد که در هیچ چیز دیگر نمی‌یابد. و بدین‌ترتیب است که دست به گناه قهرمانانه و کشتار مردم بی‌گناه و مسلمان، تحت عنوان **ترور قهرمانانه** می‌زنند!

یک نمونه از جنایات قهرمانانه

۲ تن از منافقین بنا بر دستور سازمانی در روز ۶۱/۸/۱۰ در تهران به مغازهٔ خرازی واقع در نارمک مراجعه نمودند و صاحب مغازه به نام علی قانع (۴۲ ساله) را به شهادت رساندند.

شهید مذکور فردی مؤمن و مسلمان و پیرو خط امام و هوادار حکومت جمهوری اسلامی بوده است. وی دارای چند فرزند است که کوچک‌ترین آن پسربچهٔ شیرخواره‌ای است که هم‌اکنون یتیم شده است.

لازم به تذکر است شهید مذکور از قاتلین علت را می‌پرسد، منافقین می‌گویند که به جرم حزب‌اللهی بودن در دادگاه خلق (خانهٔ تیمی و جلسات درون‌گروهی) محکوم به اعدام شده‌اید![1]

ز: از دیگر خصوصیات کار گروهی و جلسات مذکور این است که **انسان و شخصیت انسانی در گروه از یاد می‌رود و به طور کلی شخصیت و خصلت‌های گروه را به خود می‌گیرد.**

لذا می‌بینیم که به محض ورود هواداران به خانهٔ تیمی به یکباره، گذشته و مشکلات و آیندهٔ

۱- لازم به یادآوری است که منافقین افراد معمولی چون بقال، خواروبارفروش، لبنیاتی، کارگر، سبزی‌فروش و... را در دادگاه خلقشان (خانه‌های تیمی صهیونیست امپریالیستیشان) محکوم به اعدام کرده‌اند و به مرحلهٔ اجرا درآورده‌اند.

خود را به فراموشی می‌سپارند و مشکلات، آینده و... سازمان برایشان مطرح می‌شود و به اصطلاح **گروه‌محور** می‌شوند.

کار گروهی و استفاده از جلسات به اصطلاح **درون‌گروهی و خانه‌های تیمی**، نام جدیدی است که امروزه گروه‌های تروریستی و وابسته برای اجرای مقاصد خود از آن استفاده می‌کنند.

در گذشته نیز سازمان فراماسونری همین جلسات را تحت عنوان فراموش‌خانه تشکیل می‌دادند که شرط اساسی ورود به آن فراموش نمودن و محو نمودن خود در گروه بوده است تا بدین‌وسیله بتوانند از فرد مذکور در جهت نیل به امیال و منافع خود حتی تا حد دادن جان استفاده نمایند.

از شاهکارهای این سازمان این بود که یک جاسوس فراماسونر زن به دستور سازمان با شخصی ازدواج می‌کند و صاحب ۶ فرزند می‌شود که به ناگاه از سوی مرکزیت سازمان فراماسونری دستور می‌رسد که باید شوهر را بکشد، زن نیز با مسموم نمودن شوهر و فرزندانش دستور سازمان را به اجرا در می‌آورد.

سازمان منافقین نیز دستور داده بود که هر منافق باید ۷ پاسدار و حزب‌الهی را بکشد و حق الویت! به برادر، خواهر و فامیل پاسدار و حزب‌اللهی است.

بر این اساس بود که منافق دختر در میدان امام حسین(ع) برادر پاسدار و بی‌گناه خود را صرفاً برای اجرای دستور مرکزیت سازمان به قتل می‌رساند.

سازمان منافقین به رغم این‌که در نوشتجات و تبلیغات خود همواره تقلید کورکورانه را محکوم می‌کند و دشمنان خود را محکوم به تقلید کورکورانه می‌نمایند، لیکن **اعضا و هواداران خود را به نحوی تربیت کرده‌اند که سرسختانه تحت عنوان دستور سازمانی تقلید کورکورانه می‌کنند و هیچ‌کس حق اعتراض به دستور سازمانی و سرپیچی از آن را ندارد و به روش معاویه به اعضا و هواداران خود می‌قبولاند که: المأمور معذور.**

و این خود شکلی دیگر از فراموش‌خانه و تبعیت و تقلید کورکورانهٔ انقلابی! هواداران و اعضای منافقین و گروهک‌های ضدانقلاب است.

قضاوت‌های بی‌مورد

قضاوت‌های بی‌مورد، یک‌جانبه، اغراق‌آمیز، مغرضانه و خارج از صلاحیت افراد موجود در جلسه از جمله مصایبی است که جلسات و خانه‌های تیمی به آن دچارند.

خدا نکند که در این جمع، عضوی مخالف شخصیتی و یا جریانی باشد، با تبلیغات سوء و غیبت‌ها و تهمت‌ها و سمپاشی‌ها، به ناگاه همگی را مخالف آن شخص می‌نماید و یا بالعکس.

قضاوت کردن از حساس‌ترین اموری است که هر کس و ناکس قادر به انجام آن نیست و باید سال‌های متمادی قوانین قضاوت را مطالعه کرد و تهذیب نفس نمود تا از دخول نفس در تصمیم‌گیری جلوگیری نماید، چرا که قضاوت با آبرو، ناموس و جان مردم سر و کار دارد و **ندانستن ضوابط قضاوت یعنی بازی با آبرو و ناموس و جان مردم** است.

به رغم این‌که تمامی گروه‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب معترف به حقیقت فوق هستند، اما هرگز عامل به آن نیستند.

این نوع جلسات، آن‌چنان اعضا را گستاخ و بی‌باک می‌نماید که حتی بر ضوابط مکتبی خود پا گذاشته و مبتنی بر نفس و خوش‌آمدن‌ها و خوش نیامدن‌های خود در مورد افراد علاوه بر غیبت‌ها، تهمت‌ها و ... قضاوت می‌کند و تازه نه تنها مورد سرزنش واقع نمی‌گردد، بلکه مورد تشویق و تمجید سایرین قرار می‌گیرد و وی از گناه کبیرهٔ انجام‌شده نه تنها غمگین نمی‌شود، بلکه شاد و مسرور می‌گردد و تازه اگر عضوی به مخالفت برخاست، او را نیز مورد تکفیر خود قرار می‌دهد.[1]

۹ـ القائات

از آن‌جایی که سازمان‌ها و گروه‌های ضدانقلاب قادر به پاسخ‌گویی صحیح به مسائل و مشکلات فکری (فرهنگی، سیاسی) هواداران و اعضای خود نیستند، لهذا برای توجیه و بی‌پاسخ نگذاردن در جهت جلوگیری از دفع آنان، دست به دامان القائاتی می‌شوند. از این روش **از استدلال‌ها و منطقی سود می‌جویند که در جهت تثبیت فکر و رویهٔ سازمان باشد تا بدین‌وسیله هواداران را در جریان سازمانی خود نگه‌دارند.**

بر این اساس است که بیشتر اوقات در پاسخ به مسائل جوانان می‌گویند که این حرف‌ها و مسائل هنوز برای شما زود است که بفهمید، باید بیشتر کتاب‌های سازمان را مطالعه کنید و خودتان در آینده مسائل را درک خواهید نمود! و یا با توسل به الفاظ ساختگی و پوچی از جمله اسلام انقلابی، فلسفهٔ انقلابی دیالکتیک توحیدی و ... سعی در خام نگه داشتن هواداران خود دارند.

یکی از القائات سازمان منافقین این بود که اسلام به خودی خود هیچ‌گاه انقلابی و تکاملی نخواهد بود و آن هنگام اسلام انقلابی و تکاملی می‌شود که از دیدگاه دیالکتیکی مارکسیستی

۱– البته این آفت‌ها و به ویژه آفت قضاوت بی‌مورد و یک‌جانبه از آفت‌هایی است که گریبان‌گیر اکثر جلسات است.
برادران و خواهران حزب‌اللهی متوجه باشند که با توسل به ضوابط اصیل اسلامی و معین نمودن حدود و ثغور و قلمرو توانایی کارشان که در فقه اسلامی معین شده است، از این آفت فراگیر و نفاق‌افکنانه جلوگیری نمایند.

دیده شود.

گویا در اذهان این عناصر، مارکسیسم مساوی است با انقلاب و اگر آن را با اسلام ترکیب سازیم، حاصلش اسلام انقلابی خواهد بود و فرمول زیر را برقرار می‌سازند.

دیالکتیک مارکسیستی + اسلام = اسلام انقلابی

بد نیست که **دیدگاه التقاطیون و القائات آنان** را از زبان خودشان بشنویم:

«اما جنبهٔ منفی و اشکال مهمی که در این تلاش‌ها و ناتوانی‌هایی است که این نویسندگان به علت فقدان یک بینش دیالکتیکی در به کار بردن به‌جا و صحیح نقطه‌نظرهای علمی در تشریح مفاهیم مذهبی بدان دچار می‌شوند. در مقابل بینش مکانیستی، بینش دیالکتیکی قرار دارد که توضیح کامل‌تر، صحیح‌تر و کلاً واقع‌بینانه‌تری از جهان و پدیده‌های آن به دست می‌دهد.»

(به نقل از مجاهد، شمارهٔ ۱۰۸ صفحهٔ ۸)

«از متن چنین ادراکی است که می‌توان با دیدگاهی علمی به توضیح استثمار و ضرورت امحای تاریخی آن‌که خود از شناخت حرکت دیالکتیکی و تکاملی تاریخی ناشی می‌شود، پرداخت.»

(به نقل از مجاهد، شمارهٔ ۱۰۹)

القائات سازمان‌ها و گروه‌های ضدانقلاب در مسائل سیاسی، صرفاً بر شعارها و الفاظ داغ و احساساتی صورت می‌گیرد.

در مبارزات به اصطلاح سیاسی خود هرگز اصل را بر شناسایی منطبق بر واقع عقاید گروه مقابل نمی‌دهند، بلکه با مارک‌زنی و انگ چسبانی، به پیروان خط امام از جمله اسلام فئودالی و اسلام بورژوازی، اسلام مرتجعین، ارتجاع و مدافعین انقلاب همگی فالانژ هستند و... سعی می‌کنند که در میان هواداران خود با القای چنین لغاتی آنان را به موضع کینه‌توزانه و خصمانهٔ کور سوق دهند، به طوری که به گفتهٔ بسیاری از توابین در خانه‌های تیمی یکی از دستوراتی که داده می‌شد، این بوده است که می‌گفتند:

– چشمان خود را ببند و تصور کن که پاسداران و دژخیمان رژیم! دارند شما را به بدترین نوع شکنجه می‌کنند و سعی کن که با کارکرد مستمر، خشم و قهر و کینهٔ انقلابی نسبت به پاسداران انقلاب پیدا کنی!

۱۰ـ ارتزاق از بیگانگان

تمامی گروه‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب وابسته به یکی از ابرقدرت‌های شرق و غرب هستند؛ حزب توده وابسته به شوروی و امیال و اهداف کشور متبوع! خود را در ایران دنبال می‌کنند.

حزب دمکرات و کومله نیز وابسته به آمریکا و حکومت‌های مرتجع منطقه.

بنی‌صدر، جبههٔ ملی و نهضت آزادی، نوکرهای سرسپرده و آلترناتیو امپریالیستی آمریکا و اروپا.

منافقین نیز که از متحدان دمکرات‌ها و کومله و بنی‌صدر و جبههٔ ملی و نهضت آزادی است، هم خود مستقیماً وابسته هستند و هم از طریق متحدان وابستهٔ فوق امرار معاش می‌کنند و سعی و تلاش فراوان در جهت آلترناتیو شدن آمریکایی خود دارند. که ان‌شاءالله مفصلاً در آینده بحث خواهیم کرد.[۱]

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۵)

آلترناتیو شیطان بزرگ (۱)

قسمت پنجم

مقدمه

در شماره‌های گذشته مروری بر عملکردهای منافقین و توطئه‌های آنان در قبال رهبریت انقلاب داشته و همچنین به بررسی تحلیل ذهنی منافقین از اوضاع ایران و حکومت جمهوری اسلامی ایران و پوچی مراحلی را که برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده بودند و بالاخره در مورد ویژگی‌های منافقین و گروهک‌های ضدانقلاب پرداختیم. اما همان‌گونه که بارها قول داده بودیم، در مورد **ارتزاق منافقین از بیگانگان و به ویژه تلاش آنها در جهت کسب عنوان آلترناتیو (حکومت جانشینی) امپریالیسم آمریکا** در این شماره و چند شمارهٔ آینده مفصلاً به بحث و گفتگو خواهیم نشست.

اینک ادامهٔ مطلب:

بسم الله الرحمن الرحیم

همان‌گونه که قبلاً متذکر شده بودیم، اصولاً احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب صرفاً برای کسب قدرت فعالیت می‌کنند و نیز گفتیم که از هر وسیله‌ای برای رسیدن به مطلوب خود سود می‌جویند. اما از آن‌جایی که امت به‌پاخاستهٔ ایران به رهبری امام خمینی بر آن شده‌اند که در برابر تمامی توطئه‌های دنیای استعمار و ایادی درونی‌اش بایستند، توان فعالیت و توطئه‌چینی را از ابرقدرت‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب وابسته گرفته‌اند.

از سوی دیگر **دنیای استعمار و شیطان بزرگ به گروهی نیازمند است که دارای تشکیلات و**

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۳، ۱۳۶۱/۹/۲۰

برنامه‌ریزی منسجم و همچنین قدرت جذب و کشش سایر نیروهای خودفروش و وابسته را حول محور خود داشته باشد و علاوه بر آن به لحاظ نظامی از قدرت بیشتری برخوردار باشد تا در مراحل گوناگون با استفاده از تشکیلات و بعد نظامی و حمایت بی‌دریغ خود بتواند پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آن را جایگزین حکومت نماید و قادر به حفظ امنیت! در جهت به یغما بردن معادن مادی و معنوی مردم باشد.

لذا گروه‌های متفاوت برای خوش خدمتی و چاپلوسی کردن در جهت جلب نظر دنیای استعمار به تکاپو و مسابقه افتادند. طبیعی است که در این میان آن گروهی مورد عنایت خاص شیطان بزرگ قرار می‌گیرد که متشکل از نیروهای وابستهٔ بیشتر و بی‌رحم و مروت و جانی به تمام معنا باشد.

در این مسابقه، **جبههٔ ملی، بختیارها، لیبرال‌ها، سلطنت‌طلب‌ها، نهضت آزادی و شورای ملی مقاومت** شرکت فعالانه و چشمگیری را نموده‌اند.

سلطنت‌طلب‌ها و بختیارها و جبههٔ ملی، با حمایت کامل ابرقدرت‌ها و به ویژه دنیای اروپا، با در دست داشتن رادیو، تلویزیون، نشریات و انواع و اقسام امکانات، سعی و تلاش وافری را در جلب نظر ابرقدرت‌های اروپا نموده‌اند، و در ایران، نهضت آزادی، به سرکردگی مهندس بازرگان با نوشتن و نشر نامه‌های سرگشاده به مسئولان جمهوری اسلامی، سعی و تلاش مذبوحانه‌ای در جهت جلب نظر اردوگاه غرب نمود و در حقیقت قصد داشت که نهضت آزادی را به عنوان یک آلترناتیو (حکومت جانشینی) استعماری نشان بدهد، و حداقل این تلاش‌ها این بود که در این مسابقه و تنازع، شرکت فعالانهٔ خود را نشان دهد.

بر این اساس است که **فعالیت‌های سازمان منافقین به صورت (ترور، تخریب، انفجار، اغتشاش و ...)** شکل می‌گیرد.

روند گرایش و وابستگی منافقین به شرق و غرب

سازمان منافقین از بدو تأسیس تا اواخر سال‌های ۵۸ و اوایل ۵۹ از تناسب قوای بین‌المللی و عملکرد و ماهیت ۲ بلوک شرق و غرب تحلیل زیر را داشتند:

مرکزیت سازمان قبل از پیوستن به بلوک غرب (یعنی قبل از اواخر ۵۸ و اوایل ۵۹) دنیای غرب را دنیای قتل و غارت و چپاول مردم جهان قلمداد می‌کردند و در تعاریف خود امپریالیسم را تبلور و آخرین حد رشد سرمایه‌داری تعریف می‌کردند (دقیقاً همان تعریف لنین از امپریالیسم). و چون ریشه و اساس تفکر منافقین منبعث از تفکرات مارکسیستی است، به

تعریف فوق جنبهٔ ایدئولوژیکی می‌بخشیدند و بدین جهت در تحلیل از آرایش و تناسب قوای بین‌المللی معتقد بودند که دنیای استعمارگر غرب با تمامی قوا و تجهیزاتش از پایگاه توده‌ای در سطح جهان محروم است و در مقابل اگرچه بلوک مترقی شرقی و در رأس آن شوروی از سلاح‌ها و تجهیزات کمتری برخوردار است، اما از پایگاه وسیع توده‌ای در سطح جهان برخوردار می‌باشد، چرا که به لحاظ عقیدتی، ضدسرمایه‌داری و حامی کارگران و محرومان جهان است و مصادیق این ادعا را حمایت شوروی از مردم ویتنام، کرهٔ شمالی، کوبا و ... بیان می‌داشتند و سپس نتیجه می‌گرفتند که تنها راه رهایی از استعمار غرب این است که به بلوک مترقی و آزادی‌خواه شرقی! پناه ببریم تا با حمایت آنها بتوانیم دست دنیای غرب را از حاکمیت ایران کوتاه کنیم و خود به قدرت برسیم.

لذا از همان اوایل، مستقیم و غیرمستقیم چراغ سبزهایی به شوروی نشان می‌دادند و با برقراری ارتباطات مرموزانه و سرّی خود سعی در جلب حمایت شوروی کردند و در این راه تا حدودی نیز موفق گردیدند.

لازم به تذکر است که:

این موضع را در مورد دنیای غرب و امپریالیسم آمریکا زمانی می‌گرفتند که وابسته به شوروی بودند و به محض آن‌که با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در استراتژی به سوی آمریکا، کاملاً مواضع و تحلیلشان نیز ۱۸۰ درجه تغییر کرد، به طوری که در نشریهٔ مجاهدین شمارهٔ ۱۱۱ در مورد امپریالیسم آمریکا نوشتند:

- تاریخ ملاحظات آمریکا در کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که امپریالیسم از قضا با نهضت‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و ملی تا درجات معینی همراهی کرده است.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دههٔ ۵۵-۴۵ دنیای غرب برای منحرف نمودن اذهان دنیا و مردم ایران سعی و تلاش فراوان می‌نمود تا این اشتباه را به مردم القا نماید که تنها گروه‌های مارکسیستی در ایران هستند که ضد حکومت شاه و رژیم سلطنتی هستند؛ آن هم مارکسیست‌هایی که تمایلات روسی دارند و وابسته به شوروی هستند.

از سوی دیگر خودباختگی منافقین در مقابل کمونیسم و تأثیرپذیری از تبلیغات فوق باعث شده بود که برای جایگزینی خود در نیروهای ضدشاه، تماس‌هایی با مأموران مخفی شوروی برقرار کنند تا بدین‌وسیله خود را در زمرهٔ نیروهای به اصطلاح مترقی هوادار شوروی قرار دهند و با جلب نظر شوروی در صورت برچیدن حکومت سلطنتی از جمله نیروهایی باشند که در حکومت سهیم گردند.

در حقیقت سعی می‌کردند که خود را جزء نیروهای آلترناتیو استعماری شوروی قرار بدهند تا بدین‌وسیله به هدف خود یعنی کسب قدرت برسند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شوروی سعی نمود که از عناصر وابستهٔ خود چون حزب توده، چریک‌های فدایی و منافقین خلق به عنوان آلترناتیو خود استفاده کند و با رشد و حمایت این گروه‌ها و در اختیار گذاشتن همهٔ امکانات موجود از جمله امکانات نظامی، سیاسی، تبلیغاتی، اطلاعاتی، و با استفاده از جو ناآرام و طوفان‌زدهٔ ایران، در جهت براندازی جمهوری اسلامی و جایگزینی این گروهک‌ها همت گمارد و با حیل مختلف بتواند برنامهٔ افغانستان را در ایران نیز پیاده کند. منتها **اوج این توطئه زمانی آشکار و افشا گردید که رابطهٔ محرمانه و مرموزانهٔ محمدرضا سعادتی با مأمور کاگ‌ب، شوروی افشا شد و امت همیشه در صحنه با شعارهای:**

مرگ بر آمریکا

مرگ بر شوروی

مرگ بر منافقین

این توطئهٔ شوم را محکوم نمودند.

نمود عینی این تمایلات و **چراغ سبزها به شوروی را در مواضع متخذهٔ این سازمان در آن دوران** می‌توان مشاهده کرد که تماماً در جهت خشنودی شوروی بود. از جمله برخورد آنان با اشغال افغانستان و حکومت دست‌نشاندهٔ شوروی، چنان بود که به طور تلویحی، که نه سیخ بسوزد و نه کباب، **شوروی را تأیید و مبارزین مسلمان افغانستان را وابسته به شیطان بزرگ** قلمداد می‌کرد و با این‌گونه مواضع بود که **منافقین قصد داشتند که خود را مترقی و تضاد خود را با جمهوری اسلامی را صرفاً سنتی بودن و ارتجاعی بودن! جمهوری اسلامی قلمداد کنند** و حیثیت جمهوری اسلامی را در میان بلوک شرق از بین ببرند.

از سوی دیگر با موضع‌گیری سازمان علیه **لیبرال‌هایی چون مهندس مهدی بازرگان، دکتر یزدی، قطب‌زاده و بنی‌صدر** که مشخصاً سر در آخور آمریکا داشتند و به شدت از شوروی و بلوک شرق منزجر و متنفرند، و طرفدارای از جناح‌ها و گروه‌های وابسته به شوروی، سعی می‌کرد که صداقت خود را در نوکرصفتی به شوروی به نمایش بگذارد.

اما **حرکت اصیل و مستقیم انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی** چنان بود که نظر مردم محروم جهان و جنبش‌های مردمی در سرتاسر گیتی را به خود جلب کرد؛ به طوری که **ایران مرکز جنبش‌های آزادی‌بخش جهان قرار گرفت و چشم امید همهٔ مستضعفان جهان به ایران دوخته** شد و بنابراین تبلیغات خارجی منافقین در آن مرحله به شکست منجر شد و از سوی دیگر

کشورهای آزادهٔ جهان مواضع نه شرقی و نه غربی ایران را مشاهده کردند و موضع ضد امپریالیستی و ضد شیطان بزرگِ انقلاب اسلامی را به ویژه در اشغال لانهٔ جاسوسی و جنگ تحمیلی صدام آمریکایی بر ایران را دریافتند و روزبه‌روز حول محور ایران، مبارزات خود را علیه دنیای استعمار شکل دادند.

امپریالیسم شوروی به کرات دریافته بود که امام، امت و اسلام در صحنهٔ ایران حاضر هستند و تضاد آشتی‌ناپذیری با کفر و کمونیست دارند، اما به رغم این دریافته بود که **تنها کشور و تنها ایدئولوژیی که قادر است به مقابله با شیطان بزرگ و قطع ید از دنیای غرب در منطقه بایستد، صرفاً جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی اسلام است.**

لذا به خیال باطل خود تصور می‌کرد که از بین بردن نفوذ آمریکا در منطقه به معنای بسط نفوذ شوروی است و از سوی دیگر نمی‌توانست توسط گروهک‌های وابسته به خود و منافقین، رژیم اسلامی ایران را سرنگون سازد، چرا که این گروه‌ها از توان و نیروی کافی و پایگاه توده‌ای لازم برخوردار نبودند. لذا چشم‌اندازی جز در دست گرفتن حکومت آنها در آینده نداشت. لذا تصمیم گرفت که آیندهٔ حکومت ایران را با رشد کمونیست‌های اصیل! نه التقاطیون مذهبی! به دست بگیرد و در برنامه‌ریزی خود، تنها از طریق احزاب و گروه‌های مارکسیست و در صدر آن حزب توده و چریک‌های فدایی خلق(اکثریت)، قصد سلطه بر ایران را داشت.

بر اساس همین **تغییر استراتژی** بود که **جناح روسی چریک‌های فدایی و حزب دمکرات کم‌کم از گروه‌های خود انشعاب کردند و به حزب تودهٔ ایران پیوستند.**

پس از این تغییر استراتژی امپریالیسم شوروی بود که منافقین از لیست آلترناتیو استعماری امپریالیسم شوروی خارج گشتند و سر منافقین بی‌کلاه ماند.

حضور امت همیشه در صحنه و ابراز تنفر آنان از روابط شوروی و منافقین و اقدامات انقلابی رهبران اصیل انقلاب اسلامی و دستگیری محمدرضا سعادتی جاسوس معروف، مزید بر علت گشت و باعث شد که شیرازهٔ روابط نامشروع شوروی و منافقین، از یکدیگر بگسلد، و هر دو به محاق برده شوند.

از سوی دیگر منافقین از امپریالیسم شوروی انتظار داشتند که در جریان دستگیری محمدرضا سعادتی و ... از آنان حمایت تمام و کمال نماید، اما از یک‌سو اولاً دیگر استراتژی امپریالیسم شوروی به دلیل حضور سیاسی- نظامی ۵۰ سالهٔ آمریکا در دوران شاه، از نفوذ سیاسی، فرهنگی کافی برخوردار نبود و ایادی وابسته به وی به مراتب از شیطان بزرگ کمتر

بود و از آن‌جایی که شیطان بزرگ نمی‌تواند هیچ غلطی بکند، شوروی نیز اصلاً نمی‌توانست که هیچ غلطی بکند و لذا **امپریالیسم شوروی هرگز نتوانست و به تعبیر دیگر نمی‌خواست مایحتاج و امتیازات درخواستی منافقین را برآورده سازد.**

لذا است که:

منافقین را از یک سو امپریالیسم شوروی دفعشان می‌کند،

و از سوی دیگر به عینه می‌بیند که برای رسیدن به قدرت،

و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی،

ناچار است که جذب نیروهای امپریالیسم غرب یعنی شیطان بزرگ بشود،

چرا که به عینه می‌دید که:

آمریکا از نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی،

به مراتب بیشتری برخوردار است و قادر است با سودجویی از ایادی خود،

چون لیبرال‌ها(چون کودتای قطب‌زاده، بنی‌صدر، دولت موقت)،

و سلطنت‌طلب‌ها(مثل عناصر کودتای نوژه و...)،

دست به فعالیت‌های وسیعی بزند و رژیم ایران را سرنگون سازد،

و ضمناً دریافته بود که:

آمریکا مترصد انتخاب یک آلترناتیو امپریالیستی

(حکومت جانشین جمهوری اسلامی برای شیطان بزرگ)

در سطح گروه‌ها و احزاب ضدانقلاب اسلامی ایران است.

بر این اساس است که منافقین جذب جاذبه‌های! پر زرق‌وبرق آمریکا می‌گردند. و این سخن و ادعا را نیز **رجوی در یک محفل خصوصی** این‌گونه بیان داشته است:

– پس ما در شرایطی هستیم که **غرب، دشمنان (امام) خمینی را مسلماً بر ما ترجیح می‌دهد، شرق هم هیچ از نظایر ما خوشش نمی‌آید و اصلاً گویا به طور کلی از عنصر ملی خوشش نمی‌آید، نه از مصدق و نه از مجاهدین؛ گویا عنصر نوکر صفت وابسته چه لشکر زاهدی و چه شاه باشد و چه حزب توده، برای این آقایان، تو جوال رفتنی‌تر است** و درست در چنین مقاطعی است که دافعه‌هایی این شکلی می‌تواند ما را پرتاب کنند به سوی جاذبه‌های دیگر.

در افاضات فوق! **رجوی اعتراف می‌کند که:**

– **اولاً دنیای غرب خصم قسم‌خوردهٔ رژیم جمهوری اسلامی است** و با حمایت از دشمنان این رژیم، سعی در براندازی جمهوری اسلامی و جایگزینی یکی از این نیروهای ضدانقلاب و آمریکایی،

به عنوان آلترناتیو امپریالیستی (جانشینی استعماری حکومت جمهوری اسلامی) را دارد.

– ثانیاً می‌گوید: اگرچه منافقین در طیف این نیروهای آمریکایی قرار دارد، اما شیطان بزرگ و دنیای استعمارگر غرب، سایر گروه‌های (سلطنت‌طلب‌ها و بختیارها) ضدانقلاب را به عنوان آلترناتیو امپریالیستی بر منافقین ترجیح می‌دهد.

در بخشی از گفتار فوق چنین می‌گوید که:

– شرق از عنصر ملی خوشش نمی‌آید.

توجه داشته باشید که نمی‌گوید از عنصر مسلمان. بدین‌ترتیب چراغ‌های چشمک‌زن خود را این‌گونه روشن می‌کند که:

"ای شرق و غرب! از ما نترسید که ما هیچ بهره‌ای از اسلام نبرده‌ایم، بلکه ما ملی!؟ هستیم.

و ضمناً معترف است که:

"منافقین برای شرق تو جوال رفتنی بود، اما عناصر نوکرصفت چون حزب توده که سال‌هاست نوکری خود را به اثبات رسانده است، برای شوروی تو جوال رفتنی‌تر است."

و از همه مهم‌تر این است که اعتراف می‌کند که:

" به دلایل فوق یعنی دافعه‌های این شکلی از سوی شوروی، سازمان منافقین را به سوی جاذبه‌های غرب پرتاب کرده است و این اعتراف صریح و روشن رجوی به عنوان رهبر منافقین است که دال بر تغییر وابستگی منافقین از امپریالیسم شوروی به شیطان بزرگ است."

به هر حال پس از آن‌که سازمان جذب جاذبه‌های پر زرق و برق دنیای استعمار غرب و شیطان بزرگ شد، تمایل شدیدی در هر چه نزدیک‌تر شدن به لیبرال‌ها و وابستگان به دنیای غرب (چون جبههٔ ملی، نهضت آزادی، بنی‌صدر و...) نشان داد و میل داشت که هر چه سریع‌تر این نزدیکی و رابطهٔ حسنه! وسیع و گسترده شود.

بر این اساس است که **پس از این چرخش و تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در استراتژی بر خلاف گذشته، به نفع لیبرال‌ها، جبههٔ ملی، نهضت آزادی و در رأس آن بنی‌صدر وارد میدان شد به طوری که شعار مرگ بر لیبرال تبدیل به زنده باد بنی‌صدر شد.**

اوج این هماهنگی و همکاری را می‌توان در ۱۴ اسفند ۵۹ (ایجاد بلوای دانشگاه) و ۳۰ خرداد که جبههٔ ملی و تمامی ضدانقلابیون همراه بنی‌صدر و منافقین اعلام راه‌پیمایی نمودند که به خیال باطل خود با این راه‌پیمایی توده‌ای! رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازد که با اعلامیهٔ امام مبنی بر خارج شدن از منزل و مکلف نمودن تمامی مسلمین به این امر، توطئهٔ فوق همچون سایر توطئه‌های وابستگان آمریکا نقش بر آب شد.

رهبر منافقین در ادامهٔ سخنانش در همان محفل خصوصی اعترافات زیر را بیان می‌کند:

و خلاصه شکر که مجتهدین بودند که رژیم برای بلند شدن روی دست آنها خط آمریکایی شدن را که با ماهیت‌اش هم ناسازگار بود، با ماهیت قرون وسطایی‌اش این خط را رها کرد. لیبرال‌هایی را هم که می‌توانستند این خط را به مقصد ببرند، کنار گذاشت و این مواضع زمانی گرفته می‌شود که مدت‌ها قبل در کتاب ارتجاع چیست؟ مرتجع کیست؟ می‌نویسد:

"آمریکا نه تنها با انقلابیون، بلکه در موارد بسیاری با مرتجع‌ترین مرتجعان نیز مخالف بوده و هست، زیرا امپریالیسم آمریکا به مثابه پیشرفته‌ترین استعمارگران تاریخ و به مثابه سرمایه‌دارای فوق‌العاده پیشرفته، نمی‌تواند با نظامات ماقبل سرمایه‌داری جوش بخورد، زیرا این نظامات، بازاری گشوده برای جذب سرمایه ندارد. پس امپریالیسم هم از نظر تاریخی و هم از نظر منافع کنونی خود، به هیچ‌وجه نمی‌تواند انقلاب اسلامی را تأیید کند و با آن کنار بیاید."

بنابراین اعتراف می‌کند که رژیم جمهوری اسلامی برای متلاشی‌کردن منافقین خط آمریکایی شدن را رها می‌کند، گو این‌که به تصور باطل رجوی، ایران درصدد رسیدن به آمریکا بوده است و از سوی دیگر می‌داند که خلع سلاح لیبرال‌ها و خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری، متضاد با این سخن است.

لذا خود به این تناقض پی برده و می‌افزاید که:

"اصولا آمریکایی‌شدن با ماهیت رژیم جمهوری اسلامی متضاد و ناسازگار است و این ناسازگاری را منبعث از ایدئولوژی ارتجاعی (اسلامی) رهبران انقلاب می‌داند."

و به‌جاست که امام فرموده بودند:

- اگر مبارزه با آمریکا ارتجاعیست، پس ما مرتجعیم.

و علاوه بر آن می‌گوید که:

"لیبرال‌هایی(جبههٔ ملی، نهضت آزادی، بنی‌صدر و...) که می‌توانستند ایران را در خط آمریکا هدایت کنند، کنار گذاشت."

روند رو به تکامل و مستقیم و الهی انقلاب اسلامی آن‌چنان بود و هست که هر روز از عمر مبارکش که می‌گذشت، عناصر نفوذی و وابسته به شرق و غرب را از درون تصفیه کرده و می‌کند و این خانه تکانی در آن دوره، تصفیه و پاک‌سازی لیبرال‌ها را در صدر برنامهٔ خود داشت، و پس از اتحاد کامل منافقین با لیبرال‌ها و شیطان بزرگ، در حقیقت **بزرگ‌ترین ضربه‌ای که از جانب جمهوری اسلامی ایران بر پیکر متلاشی شدهٔ منافقین آمریکایی وارد آمد، برکناری لیبرال‌ها و سرکوب آنها بود،** چرا که این‌بار بر خلاف گذشته، منافقین با اعتماد و اطمینانی که پیروزی ذهنی خود داشتند، تمامی

امکانات خود را بر سر لیبرال‌ها و شیطان بزرگ سرمایه‌گذاری نمود و با این شکست بزرگ‌ترین ضربهٔ جمهوری اسلامی بر لیبرال‌ها، بر پیکر منافقین در طول عمرشان وارد نشده باشد.

اما **رهبر سازمان از هر کوشش و تلاشی در جهت جلب نظر اردوگاه غرب کوتاهی نمی‌ورزد** و در این راه همان‌گونه که گفته شد، سعی در مطرح نمودن خود به عنوان تنها و پرقدرت‌ترین آلترناتیو امپریالیستی و حداقل یکی از پرقدرت‌ترین گروه‌های ضدانقلاب موجود در ایران است.

بر این اساس که ترورها، انفجارها و رعب و وحشت یکی از عملکردهای محوری منافقین می‌گردد تا بدین‌وسیله بتواند خود را در دل دوست! به عنوان آلترناتیو مطرح سازد.

همچنین رهبر منافقین می‌افزاید:

"مگر این‌که (آمریکا) ببیند که وضعیت آن‌چنان دارد خراب می‌شود که حتی می‌شود آلترناتیوی با شرکت مجاهدین هم تن داد... یا این‌که به صورت لاعلاج برای یک مدت موقت امپریالیزم ببیند که فعلاً چاره‌ای نیست و باید به این مجاهدین تن بدهد... ولو این‌که چه بسا در شرایط بسیار اضطراری وقتی که دیگر هیچ کاری نتوانند بکنند، ناچار بشوند به صورت یک محلل، مجاهدین را بپذیرند... برای این‌که بتواند بعداً آلترناتیو خودش را روی کار بیاورد."

در این‌جا این سؤالات مطرح می‌شود که:

- آیا این وابستگی آشکار نیست؟ و اگر نیست پس این چه سازمان خلقی است که آمریکا آن را به صورت لاعلاج برای یک مدت می‌پذیرد؟ و این چه سازمانی است که محل امپریالیزم قرار می‌گیرد؟ این چه سازمان خلقی و انقلابی است که به قول خودشان، زمینه‌ساز برای آلترناتیو بعدی امپریالیسم و شیطان بزرگ قرار می‌گیرد؟

در شمارهٔ آینده مفصلاً بحث خواهیم نمود.

ان‌شاءالله. والسلام.[1]

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۶)

آلترناتیو شیطان بزرگ (۲)

قسمت ششم

علل ائتلاف منافقین با لیبرال‌ها و شیطان بزرگ

مرکزیت سازمان علاوه بر این‌که در هر لحظه دست به یک حرکت واکنشی می‌زند، در عین حال برای خام نمودن اعضا و هواداران خود سعی دارد که عملکردهای پراکنده و دیوانه‌وار

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۵، ۱۳۶۱/۱۰/۱۸

خود را به اصطلاح توجیه تئوریک نماید. بر این اساس است که **رجوی در مصاحبهٔ خود با نشریهٔ مجاهد (شمارهٔ ۱۱۱ صفحهٔ ۱۴ و ۱۵) در تعریفی از امپریالیسم** می‌گوید:

– آمریکا نه فقط با انقلابیون و ترقی‌خواهان جهان بلکه در موارد بسیاری با مرتجعین مرتجعان نیز مخالف بوده و هست، چرا؟

زیرا امپریالیسم آمریکا به مثابه پیشرفته‌ترین استعمارگر تاریخ .... و به مثابه سرمایه‌داری فوق‌العاده پیشرفته، نمی‌تواند با نظامات ماقبل سرمایه‌داری جوش بخورد.

زیرا این نظامات، بازار گشوده برای جذب سرمایه ندارند.

پس امپریالیسم هم از نظر تاریخی و هم از نظر منافع کنونی خود به هیچ‌وجه نمی‌تواند انقلاب اسلامی را تأیید کند و با آن کنار بیاید.

جالب توجه است که کنار نیامدن آمریکا با جمهوری اسلامی را نه دلیل بر انقلابی‌بودن رژیم می‌داند، بلکه دلیل بر مرتجع بودن آن می‌داند؛ چرا که با تعبیر آقایان! امپریالیسم نمی‌تواند با نظامات ماقبل سرمایه‌داری جوش بخورد.

اما ائتلاف شیطان بزرگ و لیبرال‌ها وابسته به آن با سازمان را دلیل بر ملی بودن! و انقلابی بودن! خود قلمداد می‌کند، آن‌جایی که می‌گوید:

– امپریالیسم از قضا با نهضت‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و ملی تا درجات معینی همراهی کرده است.

(نشریهٔ مجاهدین، شمارهٔ ۱۱۱)

در جای دیگر در خصوص لیبرال‌ها می‌نویسد:

– در هر صورت ماهیت و عملکردهای ارتجاعی لیبرالیزم به قوت خود باقی است و به همین دلیل چشم‌اندازی جز وابستگی هر چه بیشتر و سریع‌تر و سقوط کامل به دامان امپریالیسم ندارد.

(صفحهٔ ۳۲ کتاب ارتجاع چیست و مرتجع کیست؟)

بنابراین تا کنون این معنا را به خواننده می‌رساند که اصولاً دنیای استعمار و در رأس آن شیطان بزرگ به لحاظ تاریخی و منافع کنونی دشمن قسم‌خوردهٔ انقلاب اسلامی است و لیبرالیزم را یکی از دشمن‌های سرسخت انقلاب اسلامی می‌داند که چشم‌اندازی جز سقوط به دامان امپریالیسم ندارد.

این سؤال مطرح می‌گردد که:

– با چنین دیدی چگونه است که سازمان کاملاً با لیبرال‌ها متحد می‌شود و به دامان امپریالیسم سقوط کامل می‌کنند؟

راز این مطلب را می‌توان در روند **حرکت هم سو و مشترک شیطان بزرگ، لیبرال‌ها، منافقین و صدام** کشف کرد.

بنی‌صدر که یکی از ذخیره‌های امپریالیسم آمریکا بود، توانست با شیوهٔ خاص غربی، خود را به عنوان یک عنصر فعال خط امامی جا بزند، به طوری که در این راه مجبور شد تا علیه منافقین موضع‌گیری نماید و علناً آنان را «**التقاطی**» بخواند و به هر حال با حیل مختلف توانست در انتخابات ریاست جمهوری ۱۱ میلیون رأی به خود اختصاص دهد و به لحاظ سیاسی- تبلیغاتی، قدرت بسیار زیادی را در ایران تصاحب نماید، **لذا برای آن‌که بتواند ایران را کاملاً در خط آمریکا و به مرور زمان رهنمود سازد، تصمیم گرفت که تشکیلات منسجم و منظم و عظیمی را به وجود آورد تا بتواند نیروهای هوادار! خود را در آن تشکیلات سازماندهی نماید، تا بتواند در آینده با استفاده از نیروهای تشکیلات خود در برابر خط امام قد علم کند.**

وی در این جهت تلاش‌ها و فعالیت‌های گوناگون نمود. تشکیل دفترهای هماهنگی و همچنین تشکیل کنگرهٔ انقلاب اسلامی دال بر صحت ادعای ماست.

هدف دیگر بنی‌صدر از این تشکل‌های سیاسی، معرفی عناصر لیبرال و ذخیرهٔ شیطان بزرگ برای کاندیداهای مجلس شورای اسلامی به مردم بود تا بدان وسیله بتواند اکثریت کرسی‌های مجلس را به خط آمریکایی خود اختصاص دهد.

اما خوشبختانه مردم به **ماهیت آمریکایی بنی‌صدر و همپالکی‌هایش** پی برده بودند و با تیزهوشی و روشن‌بینی دقیق اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مجلس را از افرادی حزب‌اللهی و دلسوز و مردمی و غیروابسته، انتخاب کردند و بدین‌وسیله یکی از بزرگ‌ترین ضربات کاری را به توطئهٔ شوم آمریکایی لیبرالی، بنی‌صدر وارد آوردند.

به یاد بیاوریم زمانی که بنی‌صدر در این انتخابات شکست خورد، سعی کردکه مجلس را به سوی خود بکشاند و بر این اساس همواره می‌گفت:

- مجلس باید با رئیس‌جمهور منتخب و ۱۱ میلیونی مردم هم سو و هم جهت و هماهنگ باشد.

اما برادران مجلس با درک صحیح از اوضاع جهانی و توطئهٔ ابرقدرت‌ها و لیبرال‌ها با انتخاب برادر شهید رجائی مشت محکمی بر دهان وی و اربابانش وارد آوردند.

در کنار این واقعه، بنی‌صدر نیاز مبرمی به یک سازماندهی منظم و تشکیلات منسجم برای متشکل کردن توده‌های ۱۱ میلیونی هوادار خود داشت، و چون تا آن زمان به رغم تمامی تلاش‌های خود قادر به ایجاد چنین سازمانی نبود، لذا برای دسترسی به یک تشکیلات به اصطلاح قوی به

دستور آمریکا رابطهٔ خود با منافقین علناً و آشکارا شروع کرد.

علاوه بر علل فوق‌الذکر، انتخابات سازمان منافقین به عنوان تشکیلات مورد نظر از سوی آمریکا از آن جهت صورت گرفت که سازمان منافقین با تبلیغات مسموم و غیرواقعی، از سازمان چنان دژ محکم، پولادین و غیر قابل نفوذ در اذهان هواداران خود و شیطان بزرگ ترسیم کرده بود که آمریکا تصورکرده بود که در آن شرایط حساس جنگی که به تحلیل آقایان، رژیم جمهوری اسلامی و خط امام در سرحد مرگ! قرار دارند، می‌تواند با متحدکردن بنی‌صدر و منافقین و ... آخرین ضربه را بر پیکر معصوم و مظلوم جمهوری اسلامی ایران وارد آورد؛ ضمن آن‌که منافقین ائتلاف با بنی‌صدر را برای خود امتیاز مهمی قلمداد می‌کردند، زیرا که از وجههٔ سیاسی، تبلیغاتی جهانی رئیس‌جمهور! می‌توانستند حداکثر استفاده را بنمایند.

با ائتلاف سازمان با لیبرال‌ها و شیطان بزرگ و چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در استراتژی منافقین، سازمان برای آن‌که بتواند وابستگی خود را به لیبرال‌ها و شیطان بزرگ توجیه نماید، سعی کرد آن را توجیه تاریخی و به اصطلاح ایدئولوژیکی نماید.

بر این اساس در **نشریهٔ مجاهدین، شمارهٔ ۱۱۱** می‌نویسد:

تاریخ ملاحظات آمریکا در کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که امپریالیسم از قضا با نهضت‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و ملی تا درجات معینی همراهی کرده است.

از سوی دیگر سازمان بنا بر اعتراف رجوی در آن‌جایی‌که گفت شرق هم هیچ از نظایر ما خوشش نمی‌آید و اصلاً گویا به طور کلی از عنصر ملی خوشش نمی‌آید، نه از مصدق و نه از مجاهدین. پس بنابراین سازمان منافقین یک سازمان ملی است.

بنا بر تحلیل منافقین در نشریهٔ شمارهٔ ۱۱۱، **تنها امپریالیسم غرب است که از نهضت‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و ملی خوشش می‌آید.** لذا، ضرورت اتحاد و نزدیکی این ملی‌گرایان! مسلمان‌نما با لیبرالیزم(جبههٔ ملی، نهضت آزادی، جناح آمریکایی حزب دمکرات) و در رأس آن با بنی‌صدر را برای جذب کمک‌های امپریالیزم غرب و جلب همراهی وی، آشکار می‌گردد.

اصولاً عملکرد و هدف مرحله‌ای مرکزیت سازمان در ۳-۲ سال گذشته در این جهت بوده است که بتواند صداقت خود را به دنیای غرب و در رأس آن به شیطان بزرگ ثابت گرداند.

بر این اساس است که اتحاد با لیبرال‌ها و ... شکل می‌گیرد.

مسعود رجوی در مصاحبهٔ خود با **نشریهٔ ایرانشهر** عوامل بین‌المللی نزدیکی سازمان با لیبرال‌ها را که دال بر حقیقت فوق است، این‌چنین می‌گوید:

-از کسی یا نیرویی که چه به طور داخلی و چه به طور بین‌المللی درگیر و در یکی از سرنوشت‌سازترین

جنگ‌های تاریخ ایران است، انتظار نداشته باشید هر نقشهٔ جنگی را تا عمق جزییات آن فاش سازد ... آن وقت چه بر سر آرایش نیروهای جنگی و تحول اوضاع می‌آید؟ ... از همه مهم‌تر وقتی پس از یکپارچگی رژیم، مجاهدین می‌خواهند مقاومت انقلابی را به سطح و کیفیت نوین خود ارتقا دهند، صرف نظر از عنصر و بُعد نظامی- مقاومت، بایستی به عنصر سیاسی آن نیز بیندیشند. یعنی باید یک چشم‌انداز سیاسی واقعی را نیز ارایه کنند. منظور همان آلترناتیو یا جانشین سیاسی است.

ارتباط سخنان فوق با همدیگر بسیار ساده است. رجوی می‌گوید که روابط بین‌المللی و داخلی سازمان را نباید همه‌جا بیان کرد و سپس، نزدیکی سازمان با بنی‌صدر را صرفاً بر این اساس قرار می‌دهد که بنی‌صدر یک عنصر سیاسی است که می‌تواند رابط بسیار خوبی با محافظ امپریالیستی باشد، به طوری که قادر است میزان آلترناتیو یا جانشین سیاسی سازمان را در نزد ابرقدرت‌های غرب به مقدار بسیار زیادی افزایش دهد و از آن‌جایی‌که «**بنی‌صدر**» عنصری است که از سال‌های پیش خودفروخته و در ارتباط با ابرقدرت‌های اروپا و سی‌آی‌ای است، مسلماً می‌توان وزنهٔ سنگینی برای منافقین در نزد دنیای استعمار محسوب شود.

تحلیل سازمان منافقین از اوضاع بین‌المللی در رابطه با افزایش درجهٔ آلترناتیوی سازمان این است‌که تا زمانی که نتواند نظر دنیای استعمار را به خود جلب کند، هرگز قادر به کسب قدرت نیست.

مسعود رجوی در جای دیگر می‌گوید:

- خوب این واقعیت اوضاع کنونی بین‌المللی است و قبل از این‌که بوی الرحمن رژیم در بیاید و یا قبل از این‌که مثلاً شورای ما به نقاط خیلی بالایی دست پیدا کند، یعنی درجهٔ احتمال آلترناتیزاسیونش خیلی بالا رود، وضع به همین ترتیب خواهد بود. با دیپلماسی و فعالیت‌های سیاسی خیلی کارها می‌شود کرد.

بر این اساس است که **گاردین** می‌نویسد:

- رجوی تنها رهبر تبعیدی است که در میان تبعیدیان پاریس به رغم اکراهات برخی تقریباً احترام عمومی همه را کسب کرده است.

شورای ملی مقاومت آلترناتیو امپریالیستی

مرکزیت سازمان به رغم این‌که بارها و بارها با بوق و کرنای فراوان مدعی این شده است که اکثریت مردم هوادار این سازمان هستند و قدرت پولادین و پایگاه مردمی سازمان را در تبلیغات آن‌چنان توصیف می‌نمود که قادر است با حرکت ۳ مرحله‌ای خود، رژیم جمهوری



اسلامی را سرنگون سازد، اما روند حرکت و عملکرد مرکزیت گویای این واقعیت است که **بدون شک مرکزیت سازمان به ناتوانی و پوشالی بودن تبلیغات خود آگاهی کامل دارد.**

بر این اساس است که برای کسب به اصطلاح توان کافی در سرنگونی رژیم مردمی جمهوری اسلامی، از تمامی نیروهای ضدانقلابی و وابسته به دنیای غرب از راست‌ترین تا چپ‌ترین چپ‌ها درخواست نموده است که حول محور مجاهدین گرد آیند و با تشکیل «شورای ملی مقاومت» **درجهٔ آلترناتیزاسیون (حکومت جانشینی امپریالیستی) ضدانقلابیون را بالا برده و توان کافی در جهت سرنگونی رژیم مردمی جمهوری اسلامی را بیابند.**

و درست هم می‌گوید. ابرقدرت‌های غرب بیشتر متوجه آن گروهی است که نسبت به سایر گروه‌ها از توان وکارایی بیشتری برخوردار باشد، اگر چه تمامی گروه‌های ضدانقلابی را زیر پر و بال خود رشد می‌دهد، اما حداکثر لطف و مرحمت خاص خود را! معطوف آن گروه می‌نماید که از توان بیشتری برخوردار باشد. و با این بیان رجوی اعلام می‌کند که به زدوبندهای معاملاتی امپریالیستی غرب به خوبی وارد است.

در این راه از استاد خبره‌ای چون «**بنی‌صدر**» درس می‌آموزد و با تشکیل «**شورای ملی مقاومت**» از این آزمایش استعماری سخت، سربلند! بیرون آمد.

رجوی نیز به خوبی دریافته است که این ابرقدرت‌ها هستندکه دنیا را هر گونه که بخواهند تقسیم می‌کنند و هرکه را که شرایط آلترناتیوی بهتری داشته باشد، بر سر کار می‌آورند. و **از آن‌جایی که جمهوری اسلامی ایران متکی بر اسلام و امت اسلامی است، لذا در تقسیم‌بندی امپریالیستی جهان، مورد قبول ابرقدرت‌ها نخواهد بود،** و به زودی است که حکومت آن را سرنگون سازند، منتهی قبل از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیاز به یک آلترناتیو (جانشین حکومت) قوی و پرتوان است که قادر به حفظ امنیت! در جهت حفظ منافع استعماری دنیای غرب باشد.

بر این اساس وی اعتراف می‌کند که:

– به خاطر حساسیت استراتژیک فوق‌العادهٔ ایران در منطقه، بی‌ثباتی ایران برای مدت طولانی در تقسیم‌بندی سنتی این بخش از جهان قابل تحمل نیست.

دقیقاً بر این اساس است‌که رجوی به بنی‌صدر نزدیک و نزدیک‌تر شد، و حتی پس از عزل بنی‌صدر و جریان ۳۰ خرداد، با وی و سلطنت‌طلبی چون **سرهنگ معزی خلبان شاه،** که بعدها لقب برادر مجاهد معزی نام گرفت، فرار کرد و علت فرارش با بنی‌صدر را این‌چنین تحلیل می‌کند:

– در چارچوب تشکیل آلترناتیو و حکومت جانشین مستلزم آن بود که یکی از ما و مشخصاً

خود من با ایشان همراه باشم».

تمامی ترورها، انفجارات و کشتار مردم بی‌گناه صرفاً در این جهت است که به ابرقدرت‌های غرب و در رأس آن به شیطان بزرگ بفهماند که این سازمان منافقین است که قادر به هر عملی که بخواهد، است و از توان و نیروی مکفی برخوردار است و هیچ آلترناتیو دیگری به جز منافقین قادر به حفظ امنیت و کنترل کشور نیست و بدین‌وسیله به آمریکا می‌خواهد بقبولاند که صرفاً بایستی در جهت رشد شورای ملی مقاومت همهٔ تلاش‌ها و امکانات خود را به‌کار بندد.

اما **شکست‌ها و ضربات پی‌درپی‌ای که سازمان از نیروهای انقلابی جمهوری اسلامی در عملیات مرصاد، ضربهٔ یوسف‌آباد، ضربات عملیات ۱۲ اردیبهشت و ۱۹و ۲۰ خرداد ۶۱، خورد، موجب شد که نظرگاه دولت‌ها و ابرقدرت‌های غرب تا اندازه‌ای در مورد آلترناتیوی منافقین متزلزل گردد.**

بر این اساس رجوی پس از **هلاکت موسی خیابانی** خطاب به دولت‌ها و ابرقدرت‌های غرب اعلام می‌کند که:

– همهٔ دولت‌های جهان بایستی به این حقیقت اجتناب‌ناپذیر توجه کنند که ملت ایران و فرزندان مجاهد او ... جز آلترناتیو دمکراتیک ما را نخواهند پذیرفت.

در حقیقت هشدار می‌دهد که پس از خوردن ضربات، دیدگاه شما نسبت به منافقین نباید تغییر کند، چرا که هنوز سازمان از توان و نیروی کافی برخوردار است و هنوز که هنوز است، صدرنشین آلترناتیو امپریالیستی باید قرار بگیرد!

اما سازمان، فضاحت و بی‌آبرویی و نوکرصفتی را که لازمهٔ آلترناتیو امپریالیستی بودن است، به حد خود رسانیده و در نشریه و اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها، آشکارا سخن می‌گوید.

در **نشریهٔ انجمن‌های دانشجویان مسلمان، اروپا و آمریکا شمارهٔ ۱۲ صفحهٔ ۳** می‌نویسند:

– الکساندر هیگ وزیر امور خارجهٔ آمریکا چند روز پیش گفت: ما نگرانی خود را نسبت به وجود رژیم فعلی در ایران پنهان نمی‌کنیم.

از طرف دیگر در مورد اختلافات بین ایران و عراق ما یک نظر بی‌طرفانه پیش گرفته‌ایم که به مناسبات درازمدت تاریخی خود توجه داریم و کوشش می‌کنیم آن‌چنان سیاستی در پیش بگیریم که نتیجهٔ آن به وجود آمدن یک رژیم معتدل در تهران باشد که حداقل با سیاست‌ها، منافع و ارزش‌های آمریکا و بقیهٔ کشورهای دنیای غرب هماهنگ باشد.

آنگاه می‌افزاید:

– با نگاهی به اوضاع و احوال سیاسی ایران و با توجه به تغییر و تحولاتی که در رابطه با مسائل ایران و انقلاب آن‌چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی پدید آمده است، مفهوم

واقعی سخنان اخیر الکساندر هیگ به خوبی مشخص می‌شود.

سپس این‌چنین مفتضحانه نتیجه می‌گیرد که:

- از آن‌جا که مقاومت قهرمانانهٔ مردم ایران عن‌قریب طومار زندگی رژیم را درهم خواهد پیچید و شورای ملی مقاومت به عنوان اصیل‌ترین آلترناتیو جایگزین رژیم ارتجاعی کنونی خواهد شد، امپریالیست‌های آمریکایی و من‌جمله ریگان و الکساندر هیگ از اوضاع کنونی چشم‌اندازی جز پیروزی و حاکمیت مردم و روی کار آمدن رژیمی مردمی، مستقل و انقلابی ندارد!

در سخنان فوق نکات بسیار مهمی نهفته است که اگر واقعاً بخواهیم به بحث پیرامون آن بنشینیم، مثنوی ۷۰ من کاغذ خواهد شد. اما **صرفاً ۲ نکتهٔ مهم را در این تحلیل** مشخص می‌کنیم.

اولاً: این نشریه از قول **الکساندر هیگ** اعتراف کرده که آمریکا از ایران نگران است و نگرانی خود را نسبت به وجود رژیم جمهوری اسلامی ایران پنهان نمی‌کند و قصد دارد که یک رژیمی سر کار بیاورد که معتدل باشد و حداقل با سیاست‌ها، منافع و ارزش‌های آمریکا و بقیهٔ کشورهای دنیای غرب هماهنگ باشد.

ثانیاً: «شورای ملی مقاومت» را **تنها آلترناتیو امپریالیستی**، که توان درهم پیچیدن رژیم جمهوری اسلامی را دارد، معرفی می‌کند و سپس اعتراف می‌کند که امپریالیست‌های آمریکایی من‌جمله ریگان و الکساندر هیگ از اوضاع کنونی به جز پیروزی و حاکمیت مردم؟! و روی کارآمدن رژیمی مردمی که حتماً متشکل از سازمان منافقین است، چشم‌انداز دیگری ندارد.

در این مورد گفتنی‌ها زیاد است، اما بقیه را به خود **خوانندگان** می‌سپاریم تا **میزان وابستگی این سازمان به شیطان بزرگ** را دریابند.

و در اهمیت تشکیل **«شورای ملی مقاومت»** و اعلام برنامه‌های این شورا در رابطه با حقایق فوق می‌نویسند:

- بی‌جهت نبود که بلافاصله بعد از انتشار این برنامه، مطبوعات و رادیو، تلویزیون‌های کشورهای مختلف جهان؟! طی چند روز متوالی، جای مهمی را به گزارش و انعکاس این مسأله اختصاص دادند.

(نشریهٔ انجمن‌های دانشجویان، منافقین، شمارهٔ ۸، صفحهٔ ۵)

همچنین در جای دیگر می‌افزاید:

- و از دیگر سو به مدد فعالیت‌های موفق سیاسی در داخل و خارج شورای ملی مقاومت برای استقلال، آزادی جمهوری دمکرات اسلامی به عنوان آلترناتیو ملی مردمی انقلابی و اسلامی

درخشش انکارناپذیری یافته است، از این‌رو امپریالیست‌ها و در رأس آنها امپریالیزم آمریکا به طور جدی به ارزیابی و آینده‌نگری و مطالعهٔ معادلهٔ قوا و نیز بررسی منافع استراتژیکش در منطقه به خصوص ایران پرداخته است.[۱]

(مأخذ ماقبل، صفحهٔ ۳۰)

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۷)

آلترناتیو شیطان بزرگ (۳)

قسمت هفتم

منافقین و نفی سازش با لیبرال‌ها

توجیه سیاست، تجاوز، قتل، غارت ملل مستضعف دنیا از سوی ۲ بلوک شرق و غرب بر این اساس پایه‌ریزی شده است که هر یک به بهانهٔ جلوگیری از نفوذ و استعمار نمودن ابرقدرت دیگر، وارد سایر ممالک دنیا شده و آن را زیر سلطهٔ خود می‌برند.

بر این اساس شـوروی سعی می‌کند که صرفاً آمریکا را در اذهـان مردم به عنتوان غارتگر و جلاد و استعمارگر مطرح سازد، تا بدین‌وسیله به مردم دنیا القا کند که صرفاً به منظور جلوگیری از نفوذ آمریکا بوده است که وارد اراضی سایر ممالک دنیا شده است.

القای سیاست فوق و زمینه‌سازی آن در درون کشورها توسط ایادی و گروه‌های وابسته به ابر قدرت‌ها به عنوان ستون پنجم سیاسی، فرهنگی، نظامی اعمال می‌گردد. یعنی **گروه‌های روسی سعی می‌کنند که به پیروی از مشی روسیه درگیر جنگ تبلیغاتی با جناح آمریکایی گردد و آنان را از میدان به دور سازد و بالنتیجه نیرو و قدرت، نفوذ و حضور سیاسی، فرهنگی ابر قدرت متبوع خود را بیشتر نماید** و با این خوش‌خدمتی امتیاز آلترناتیوی از ارباب خود دریافت نماید و ارباب نیز در سطح جهانی، امتیازی از آمریکا بگیرد؛ مانند، اشغال افغانستان، لهستان و... و بالعکس **آمریکا نیز چنین روشی را پیشهٔ خود دارد**؛ مانند نفوذ در عربستان، عراق، مراکش، مصر و... و ایجاد جنگ تحمیلی از سوی عراق بر ایران و...

عمده این است که:

– مردم و ملل مستضعف در دام این بازی‌ها و فریب‌کاری‌های سیاسی، نیفتند و به پیروی از سیاست نه شرقی، نه غربی هر ۲ ابرقدرت و ایادی‌شان را نفی و محکوم نمایند. چرا که **سیاست فوق نه علیه هم، بلکه به سود یکدیگر و بدون شک با طرح مشترک بنا نهاده شده است** که اگر در

۱– نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۶، ۱۳۶۱/۱۱/۲

کشوری بر سر تقسیم امتیازات توافق نکنند، به جنگ تصنعی مذکور می‌پردازند.

از جمله **پس از ایجاد شکاف در میان ۲ ابرقدرت شرق و غرب حول مسألهٔ ایران**، به تبع آن **در میان صفوف گروهک‌ها و احزاب ضدانقلاب اسلامی شکاف عجیبی به وجود آمد.** علاوه بر این شکاف‌ها و انشعابات، این گروهک‌ها علیه یکدیگر صف‌آرایی نمودند و همچون اسلافشان (روسیه و آمریکا) به **جنگ سرد تبلیغاتی علیه یکدیگر** دست زدند.

در این میان **حزب توده، سازمان فداییان خلق (اکثریت) حزب دمکرات (جناح روسی غنی بلوریان) جنبش مسلمانان مبارز (امت) که پس از اختلاف بین روسیه و آمریکا از منافقین جدا شدند، جناح روسیه‌ای را تشکیل می‌دادند.**

در مقابل **منافقین، حزب دمکرات (جناح آمریکایی قاسملو) جبههٔ ملی، نهضت آزادی، چریک‌های فدایی (اقلیت)، اتحادیهٔ کمونیست‌ها، حزب وابستهٔ رنجبران و در رأس همهٔ اینها بنی‌صدر که جناح آمریکایی را تشکیل می‌دادند، صف‌آرایی نمودند** و از آن پس موج تبلیغاتی علیه یکدیگر رو به ازدیاد نهاد.

جناح روسی سعی می‌کرد که جناح آمریکایی را افشا نماید تا بدین‌وسیله بتواند حریف خود را از میدان به در کند و جناح آمریکایی نیز سعی و تلاش وافری در جهت سرکوب جناح روسی می‌نمود.

بر این اساس است که حزب توده، فداییان خلق(اکثریت) و جنبش مسلمانان مبارز، عمدهٔ حملات خود را به رهبری جناح آمریکایی یعنی لیبرالیسم و به ویژه بنی‌صدر متمرکز ساختند و گروهک‌های آمریکایی را به دلیل سازش با لیبرال‌ها محکوم می‌نمودند.

متقابلاً جناح آمریکایی، گروهک‌های روسی را به اپورتونیسم و... متهم می‌نمودند.

بی‌جهت نبود که بنی‌صدر در سخنرانی‌های کذایی خود بی‌رابطه و بارابطه به روسیه و گروهک‌های وابسته به آن حملات شدید می‌نمود.

در این میان **امت حزب‌الله و تشکل‌های حزب‌اللهی به رهبری امام خمینی هر ۲ جناح روسی و آمریکایی را محکوم می‌کرد و علیه این ۲ جناح وابسته در میدان کارزار جامعه فعالیت می‌نمود و مردم را به توطئه‌ها و نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها و ایادی‌شان آگاه می‌ساختند.**

در رأس جناح نه شرقی و نه غربی،[1] شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی و شهید رجائی قرار داشتند که خیل حملات و دشنام‌ها و تهمت‌های ۲ جناح روسی و آمریکایی به سوی این عزیزان نشانه رفته بود و این ابرمردهای انقلاب اسلامی ایران در راه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی و

۱- آن‌چه که جلب نظر می‌کند این است که رهبر منافقین معتقد است که یا باید به شرق و یا باید به غرب متکی بود و غیر از این محال است و احیاناً اگر گروهی شعار «نه شرقی و نه غربی» بدهند، افراطی و قشری هستند.

آگاهی دادن به تودهٔ مردم هرگز از پا نایستادند و بالاخره نیز در همین راه جان پاک خود را فدا نمودند.

اما آن‌چه که در این میان جالب است، **نقش منافقانهٔ سازمان منافقین** است.

این سازمان که تا مدت‌ها پس از دستگیری سعادتی در جریان مرموز ارتباطش با جاسوس روسی، وابسته به روسیه بودند، به تبعیت از سیاست روسیه علیه لیبرال‌ها این‌چنین تبلیغ می‌نمودند:

«و بالاخره به خاطر خصیصهٔ به اصطلاح لیبرالی آن، سرکوب قاطع و نهایی نیروهای انقلابی توسط رژیمی که لیبرال‌ها نقش درجهٔ اول را در آن احیا می‌کنند، به تأخیر می‌افتد. ولی در هر صورت ماهیت و عملکردهای ارتجاعی «لیبرالیزم» به قوت خود باقی است و به همین دلیل هیچ چشم‌اندازی، جز وابستگی هر چه بیشتر و سریع‌تر و سقوط کامل به دامان امپریالیزم ندارد، به خصوص که مسائل حال و فوری جامعهٔ ما در زمینه‌های مختلف، به ویژه در زمینهٔ اقتصادی از یک طرف، و عدم اتکای لیبرالیزم به خلق و نتیجتاً عدم بسیج مردم از طرف دیگر، این جریان را وادار می‌کند که برای حل مسائل، سریعاً دست به دامان امپریالیزم شود، آنگاه دیری نخواهد پایید که سیل قراردادها و سرمایه‌گذاری‌ها، همراه با انبوه اسلحه و مستشاران رنگارنگ امپریالیست‌ها سرازیر خواهند شد.

در مورد لیبرالیزم این نکته را نیز بایستی خاطـرنشان کنیم که به دلیل قدرت سیستم‌سازی‌اش، چه به لحاظ سیاسی و چه در زمینهٔ بوروکراسی، و چه در زمینهٔ اقتصادی و نظامی، یک تهدید استراتژیک برای انقلاب ضدامپریالیستی ما محسوب می‌شود.»

(تأکید از ماست)

(صفحهٔ ۳۲ کتاب ارتجاع چیست؟ و مرتجع کیست؟ جلد وزیری، چاپ اول).

و بدین‌وسیله توانسته بودند که حول محور شعار ضدلیبرالی عده‌ای از ساده‌اندیشان را بفریبند و در ذهن هواداران، خود را ضدلیبرال جا بزنند.

افشای سازش منافقین با لیبرال‌ها از سوی جناح نه شرقی و نه غربی، برایشان بسیار گران آمد و متقابلاً برای سرپوش گذاشتن بر سازش خود با لیبرال‌ها و در صدر آن با بنی‌صدر، در حملات خود هدف جناح فوق را بیرون راندن منافقین از میدان و کسب قدرت و انحصارطلبی و مبارزه با آزادی و ایجاد دیکتاتوری و اختناق و استبداد تبلیغ می‌نمودند و اصولاً سازش با لیبرال‌ها را نفی می‌کردند و این تبلیغات را صرفاً توطئه علیه خود قلمداد می‌کردند، از جمله نوشتند:

«امروزه ما به جایی رسیده‌ایم که قدرت‌پرستان و انحصارطلبان رسماً و علناً و عوام‌فریبانه به جنگ با آزادی برخاسته‌اند و این خیزش به سمت اختناق و استبداد هر

چه بیشتر را با شعارهای به اصطلاح ضدامپریالیستی و ضدلیبرالی می‌پوشانند؛ در حالی که صحنهٔ عینی و عملی جامعه بهترین آزمایشگاه است و عملکرد این نیروها که امروزه علیه آزادی قیام کرده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که تمام شعارهای ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی آنها نیز از مواضع انحصارطلبانه، و نه فی‌الواقع از مواضع ترقی‌خواهانه ناشی می‌شود.»

(نشریهٔ مجاهد، سال دوم، شمارهٔ ۱۰۰، تاریخ ۱۸ آذرماه ۵۹، صفحهٔ ۴، ستون ۲)

لذا مسألهٔ سازش منافقین با لیبرال‌ها را یک توطئه شمرده و سرمنشأ این افشاگری را جناح خط امام، حزب جمهوری اسلامی و شهید مظلوم دکتر بهشتی می‌دانستند، و چنین تحلیل می‌کردند که تبلیغ احزاب و گروهک‌های روسی حول محور فوق به نفع انحصارطلبان مرتجع (جناح نه شرقی، نه غربی) است و چنین می‌گفتند:

«تردیدی نیست که آخرالامر سمت‌گیری حزب توده در این دعوا، درست مانند سمت‌گیری همهٔ انواع راه رشد به اصطلاح غیرسرمایه‌داری و درست مانند سمت‌گیری سیاست به اصطلاح نه شرقی و نه غربی «افراطیون قشری» به جانب منتهی‌الیه راست خواهد بود. کما این‌که می‌بینیم علیه مجاهدین خیلی بیشتر از افراطیون قشری مجهول‌الهویه مایه می‌گذارد!»

(نشریهٔ مجاهد، سال دوم، شمارهٔ ۱۱۱، پنج‌شنبه ۷ اسفند ۵۹، مصاحبه با رجوی، صفحهٔ ۱۲، ستون ۱)

لذا سازمان بر آن شد که متقابلاً جلو افشاگری‌های سایر احزاب و گروهک‌های روسی را - **جناح روسی و جناح نه شرقی نه غربی**- تضعیف نماید. آن‌چه که در ذیل به آن می‌پردازیم، در حقیقت **انکار سازش با لیبرال‌ها از سوی منافقین** است که امروزه در **روند حرکت منافقانهٔ آنها** این راز آشکار گردید و مرور بر مواضع گذشته و حال فعلی آنها کمک بسیاری در نشان دادن **چهرهٔ منافقانه و وابسته به این گروهک آمریکایی** می‌کند.

برخورد منافقین با فداییان (اکثریت)

سازمان فداییان خلق (اکثریت) در زمینهٔ سازش منافقین با لیبرال‌ها بسیار نوشت و گفت. سازمان منافقین نیز متقابلاً به دفاع برخاست و چنین گفت:

«فکرش را بکنید! اگر این همه تبلیغ سازش‌کاری مجاهدین با لیبرال‌ها نبود و به جای آن می‌گذاشتند که هماهنگی رهایی‌بخش امپریالیستی همهٔ نیروهای انقلابی هر چه بیشتر تأمین شده و میدان مانور و عملکرد بیشتری برای همه تضمین می‌شد،

چه بسا فی‌المثل انقلابیون، طی یک سلسله اقدامات هماهنگ، حتی در کنش و واکنش لیبرال‌ها می‌توانستند انحصارطلبی را حتی به اندازهٔ چند کرسی نمایندگی وادار به عقب‌نشینی کنند، که اگر این‌طور می‌شد، چه کسی تردید دارد که ورود عنصر انقلابی نظیر مجاهدین به مجلس، کل ترکیب کنونی را به سنتزهای جدید آراسته می‌کرد.

کیفیت‌هایی که هر چند کوچک، ولی می‌توانست در شرایطی سرآغاز و سرمنشأ تأثیرات و تحولات مهم گردد. حال آن‌که جناح راست مورد بحث ما، با تبلیغات خود فی‌المثل حول سازش مجاهدین با لیبرال‌ها، نه تنها میدان عمل نیروهای انقلابی را محدود کرد، بلکه بسیاری از انرژی‌ها را که می‌توانست به طور هماهنگ در مسیر یک مبارزهٔ رهایی‌بخش ضدامپریالیستی بسیار مثمرثمر باشد، مصروف جدل‌ها و مناقشات طولانی حول این موضوع نمود. آن هم در شرایطی که ارتجاع[1] سنگر به سنگر پیش می‌آمد و ضمن رذیلانه‌ترین اتهامات، پیش پا افتاده‌ترین حقوق دمکراتیک را نیز از نیروهای انقلابی یکی پس از دیگری سلب می‌کرد...

پس چرا مجاهدین را بی‌محابا به خاطر تقاضاهای دمکراتیک‌شان به سازش با لیبرال‌ها متهم می‌کنند؟...

باید گفت که این دعاوی (همچون مواضع اخیرشان) اساساً همان مواضع و نقطه‌نظرات حزب توده است که در جای خود به بررسی آن خواهیم پرداخت.»

(نشریهٔ مجاهد، سال دوم، شمارهٔ ۱۰۹، پنج‌شنبه ۲۳ بهمن ۵۹،
مصاحبه با رجوی، صفحهٔ ۱۰، ستون ۳ و ۲)

بدین‌ترتیب منافقین به سازمان فداییان خلق (اکثریت) پاسخ می‌دهند که:
اولاً سازمان با لیبرال‌ها سازش نکرده، بلکه همکاری نموده است؟!
ثانیاً به فداییان (اکثریت) به اصطلاح هشدار می‌دهد که جناح نه شرقی و نه غربی خط امام (که از آن ارتجاع نام می‌برد) علیه جناح روسی و آمریکایی در میدان است و سنگر به سنگر پیش می‌آید. لذا پیشنهاد می‌کند که **باید سازش منافقین و لیبرال‌ها را فراموش کنند و علیه جناح نه شرقی و نه غربی وارد گود شوند** و در نهایت سازش خود با لیبرال‌ها را یک اتهام می‌خوانند!

سپس رهبر منافقین از آن‌جایی که دعاوی سازمان فداییان خلق (اکثریت) را اساساً دعاوی و مواضع و نقطه‌نظرات حزب توده می‌داند، لذا به قصد آن‌که دم به تله ندهد، زیرکانه در لفافه

۱- منظورشان از ارتجاع نیروهای حزب‌اللهی جمهوری اسلامی و خصمان ابرقدرت‌های شرق و غرب است.

مسألهٔ فی‌مابین را یک مسألهٔ ساده و در سطح اختلافات گروهی نمی‌داند، بلکه اساس و منشأ اختلافات را ناشی از اختلافات بین ۲ ابرقدرت می‌شمارد که به تبع آن به صورت اختلاف میان گروهک‌های وابسته تبلور یافته است و بدین لحاظ حزب توده را به عنوان رهبر جناح روسی محکوم می‌کند تا بدین‌وسیله مسألهٔ جناح آمریکایی به فراموشی سپرده شود.[۱]

لذا می‌گوید:

«البته فکر نکنید که حزب توده با این حرف‌ها از میدان به‌در می‌رود، خیر! او همیشه آماده است تا از کشورهای رنگارنگ تحلیل‌های «یگانه» و «علمی»! و به اصطلاح «مارکسیستی – لنینیستی» «طرفه»ی دیگری بیرون کشیده و روی میز مباحثه بگذارد.»

(نشریهٔ مجاهد، سال دوم، شمارهٔ ۱۱۱، پنج‌شنبه ۷ اسفند ۵۹،
مصاحبه با رجوی، صفحهٔ ۱۲، ستون دوم)

خوب چه کسی است که امروز نداند که جنگ سرد بین گروهک‌های ضدانقلاب منبعث از اختلافات حاصله بین ۲ ابرقدرت شرق و غرب بوده است؟

چه کسی است که امروز نمی‌داند منافقین آمریکایی هماهنگ با لیبرال‌ها و در صدر آن با بنی‌صدر طرح و برنامه ریزی می‌کنند؟

منتهی به دلایل مرحله‌ای که عمدتاً جذب و فریب نیروهای هوادار و زمینه‌سازی ذهنی هواداران خود بوده است که این راز را آشکارا بیان نمی‌کردند و حتی منکر آن می‌شدند، تا بالاخره پس از گذشت مدت‌ها توانستند با سودجویی از گذشت زمان زمینهٔ نامساعد را در اذهان هواداران خود به وجود آوردند و آنگاه سازش خود با لیبرال‌ها را آشکار ساختند.

برخورد منافقین و حزب توده:

حزب توده نیز به عنوان سردمدار جناح روسی برای مقابله با جناح آمریکایی، حملات خود را در جهت به محاق بردن حریف وابستهٔ خود متوجه منافقین و بنی‌صدر (به عنوان رهبر لیبرال‌ها) می‌نماید.

خوشبختانه تصور این ۲ جناح همچون تصور اربابانشان بر این بود که جلوگیری از نفوذ دیگری به معنای بسط گسترش دیگری است، و خلاصه ایران و ملت مسلمان ایران را همچون گوشت قربانی تصور می‌کردند که فاقد تصمیم‌گیری و اختیار و اراده است و تنها ابرقدرت‌ها هستند که تصمیم و اختیار و اراده دارند و بس و در این میان گروهک‌های وابسته نیز طفیلی ارادهٔ ابرقدرت‌ها بیش نیستند.

۱– همان کاری که جناح روسی انجام می‌دهد، یعنی با مطرح نمودن وابستگی جناح آمریکایی سعی می‌کنند که ذهن جامعه توطئه‌های جناح روسی را به فراموشی بسپارند و به قول خودشان تضاد اصلی جامعه را جناح متقابل خود قرار دهند.

بر این اساس **حزب توده، سازمان منافقین را به سازش به لیبرال‌ها محکوم می‌کند.**

سازمان نیز برای مقابله با موج تبلیغاتی جناح روسی، به دفاع از خود می‌پردازد و ضمن انکار این اتهام می‌نویسد:

«چرا حزب توده و امثالهم که به صرف ادعای مرتجعین و به رغم هزاران فاکت عملی مشخص، به سادگی ضد امپریالیست بودن آنها را باور کرده‌اند! تفاوتی میان کمال مطلوب انقلابی و یگانه‌ساز مجاهدین با کمال مطلوب وابسته‌ساز لیبرال‌ها قایل نیستند؟»

(مأخذ فوق، صفحهٔ ۱۶، ستون یکم)

بنا بر نقل قول فوق، رهبر منافقین، حزب توده و به اصطلاح مرتجعین (منظورشان امت نه شرقی و نه غربی است) را عوامل اساسی به اصطلاح شایعهٔ سازش منافقین با بنی‌صدر هستند، و ضمناً منکر این اتهام شده و از حزب تودهٔ روسی می‌پرسد:

«چرا تفاوتی میان کمال مطلوب مجاهدین با کمال مطلوب وابسته‌ساز لیبرال‌ها قایل نیستند؟»

باید امروز از رهبر منافقین پرسید:

– چرا کمال مطلوب منافقین با کمال مطلوب وابسته‌ساز لیبرال‌ها و در صدر آن بنی‌صدر یکی شده است؟

– چرا این نزدیکی و یگانگی مطلوبتان آن‌چنان شده که روابط سیاسی، عاطفی و دامادی با رهبر لیبرال‌ها برقرار می‌کنید؟

رهبر منافقین آنگاه تحت عنوان «**بررسی اتهام سازش‌کاری مجاهدین با لیبرال‌ها**» می‌گوید:

«حالا اجازه بدهید با این معلومات به سراغ اتهام سازش‌کاری مجاهدین با لیبرال‌ها برویم.

در این مورد مقدمتاً من فکر می‌کنم که هیچ‌کس تا کنون تردید ندارد که نه به معنی مصالحهٔ تسلیم‌طلبانه و نه به معنی مصالحه‌های موضعی، مجاهدین در هیچ کجا از هیچ‌یک ازخواست‌ها و مواد برنامهٔ خود برای رسیدن به توافق سیاسی با هیچ حزب یا جناح دیگر دست نکشیده‌اند.»

(مأخذ فوق، صفحهٔ ۱۶، ستون پنجم)

رهبر منافقین صرفاً برای فریفتن هواداران خود، مسألهٔ سازش با لیبرال‌ها را انکار می‌کند و ترجیح می‌دهد که ارتباط سازمان با لیبرال‌ها و به تبع آن آمریکا، به صورت محرمانه باقی بماند و

در این مورد نیز بی‌تردید! صحبت می‌کند. اما از آن‌جایی که منافق دروغگوست و درغگو هم کم حافظه است، در چند سطر پایین‌تر سخنانی ایراد کرد که دقیقاً ضد و نقیض سخنان فوق است.

وی می‌گوید:

«خلاصه می‌خواهم بگویم حتی اگر در آینده نیز توافق یا حتی مصالحه‌ای با سایر نیروها و جریانات جبههٔ حق (که طبعاً با پشت پا زدن به اصول بسیار بسیار متفاوت است) به منظور پیش بردن امر انقلاب ضروری شود. ما نه فقط از دست یازیدن به آن احساس شرم و خجالت نخواهیم کرد، بلکه لااقل آن را با تمام دلایل و عوامل ضروری‌کننده‌اش برای انقلابیون و اقشار آگاه، بدون هیچ‌گونه توجیه و پرده‌پوشی توضیح خواهیم داد.»

علاوه بر ضد و نقیض‌گویی فوق منظور دیگری که رهبر منافقین در نظر دارد، این است که مسألهٔ اصلی را آماده‌سازی ذهن هواداران می‌داند که حتی اگر در آینده نیز توافق یا حتی مصالحهٔ سازمان با لیبرال‌ها برملا شد، بتواند برای انقلابیون (هواداران خود) و اقشار آگاه (سایر گروهک‌های وابسته) بدون هیچ‌گونه توجیه و پرده‌پوشی توضیح دهد. لذا عامل زمان و آینده و آماده‌سازی ذهن هواداران را از اهم موضوعات قلمداد می‌کند.

وی سپس به رد اتهام سازش با لیبرال‌ها می‌پردازد و در نهایت می‌گوید:

«ما پیوسته تأکید کرده‌ایم، آزادی که برای ما یک آرمان است برای لیبرال‌ها نهایتاً یک تجارت است. حال اگر به رغم و ضدیت ماهوی بین ما و لیبرال‌ها تنها در نمود و در صورت مشابهت‌هایی به چشم می‌خورد، این دیگر نه گناه ما، بلکه تقصیر ابعاد شبیه (و بهتر بگویم مشتبه) ظواهر و نمودهایی است که ماهیت‌های متضاد دارند.»

(مأخذ فوق، صفحهٔ ۱۸، ستون اول)

همچنین در جای دیگر اضافه می‌کند که:

«بسیار خوب، حالا که روشن شد در کار مجاهدین لااقل تا این لحظه نه سازشی بوده و نه مصالحه یا هر نوع توافق دیگر، پس حزب توده و امثال آن در ادعای "سازش مجاهدین با لیبرال‌ها" جز مشابهت صوری و ظاهری یا هم سویی موضعی و ظاهری یا هم سویی ضدارتجاعی میان مجاهدین و دیگران، دیگر روی چه چیز می‌تواند انگشت بگذارند؟»

(مأخذ فوق، صفحهٔ ۱۷، ستون سوم)

در مورد تحلیل سخنان فوق، انسان مات و مبهوت می‌شود که آیا قسم حضرت عباس منافق را قبول کنیم یا دم خروس را؟ آیا کلاهبرداری و دروغ و کذب تا این حد امکان دارد؟

اما به راستی هر کاری از منافق برمی‌آید.

«البته فکر نکنید که حزب توده با این حرف‌ها از میدان به‌در می‌رود، خیر! او همیشه آماده است تا از کشورهای رنگارنگ تحلیل‌های «یگانه» و «عملی»! و به اصطلاح «مارکسیستی- لنینیستی»، «طرفه»ی دیگری بیرون کشیده و روی میز مباحثه بگذارد.»

(مأخذ فوق، صفحهٔ ۱۲، ستون دوم)

خوب آن‌چه که مسلم است این است که منافقین علاوه بر پاسخ‌گویی به حزب توده، این حزب را یک حزب وابسته به کشورهای رنگارنگ مارکسیستی – لنینیستی می‌داند؛ لذا هرگز نمی‌تواند در جبههٔ خلق باشد، مگر این‌که خلق را به معنای قدرتمندان تلقی نماییم، آنگاه حزب توده را می‌توان جزء خلق کرملین نشینان دانست.

اما آن‌چه که در این میان لازم به تذکر است، این است که ابرقدرت‌ها (روسیه و آمریکا) و قدرت‌های استعماری (فرانسه، انگلیس و...) اگر چه با هم اختلاف جزیی و عرضی دارند، اما به لحاظ ماهیتی و جوهری، از یک خمیره و جوهره برخوردارند. لذا تا حد اختلافات جزیی همدیگر را سرزنش می‌کنند، اما در نهایت آبشان در یک جوی سرازیر می‌شود و صرفاً اختلافات بر سر جمع و تفریق امتیازات سیاسی دور می‌زند.

همین اختلافات جزیی و صوری طبعاً در گروهک‌های وابسته متبلور می‌شود، یعنی همدیگر را در حد اختلافات جزیی سرزنش می‌کنند و علیه همدیگر تبلیغ می‌نمایند، اما جوهره و خمیرهٔ همدیگر را قبول دارند.

بر این اساس است که **به رغم جدال‌های تبلیغاتی بین رهبر جناح روسی (حزب توده) و رهبر جناح آمریکایی (منافقین و بنی‌صدر) باز منافقین ضمن اعتراف به خیانت‌های بزرگ و تاریخی حزب توده، حزب توده را همچون خود حزبی درون‌خلقی می‌نامد** و از آن چنین یاد می‌کند:

«ضمناً همین‌جا لازم است تذکر بدهم که:

همان‌طورکه قبلاً اشاراتی کرده‌ام، ما هیچ‌وقت حزب توده را به رغم همهٔ فواید بسیاری که دشمنان خلق از اپورتونیسم او در سراسر حیاتش برده‌اند، هرگز در تمامیتش در ردیف ضدخلق و ضدانقلاب به خط نکرده‌ایم.»

(مأخذ فوق، صفحهٔ ۱۶، ستون دوم)

نتیجه آن‌که ۲ جناح روسی و آمریکایی با علم به این‌که به روسیه و یا آمریکا وابسته هستند، در عین‌حال همدیگر را خلقی قلمداد می‌کنند و صرفاً به منظور رد گم کردن به رسم

اربابانشان به یک سری نزاع‌های تصنعی و جنگ سرد تبلیغاتی دست می‌زنند، اما به محض آن که موقعیت مناسب مهیا شد، دست به دست هم به تقسیم گوشت قربانی می‌پردازند و یکی از مصادیق این مسأله را می‌توان در برخورد منافقین با حزب توده (سردمدار جناح روسی) و یا بالعکس مشاهده نمود، در عین‌حالی که منافقین معترفند که حزب توده وابسته به روسیه است و در عین‌حال آن را جزء نیروهای خلقی محسوب می‌کند.

بدین‌ترتیب می‌توان گفت که:

از دیدگاه منافقین کرملین‌نشینان و کاخ سفیدنشینان، خلق مستضعف! جهان هستند که ایادی‌شان را نیز خلقی می‌نامند.

نمودی دیگر از چرخش منافقین به سوی آمریکا

بیش از ۲ هفته از به قدرت رسیدن دولت موقت مهندس بازرگان نگذشته بود که سازمان منافقین خیلی سفت و سخت علیه دولت مهندس بازرگان و نهضت آزادی موضع‌گیری می‌کند.

مسعود رجوی در سخنرانی که به تاریخ ۴ اسفند ۵۷ در دانشگاه تهران داشت، دولت موقت را که مجموعه‌ای از اعضای نهضت آزادی و جبههٔ ملی بود، شدیداً به لیبرالیسم که سرنوشتی جز سقوط به دامان امپریالیسم آمریکا ندارد، محکوم می‌کند.

اما پس از فعل‌وانفعالاتی که در سطح جهان بین ۲ ابرقدرت رخ می‌دهد و منافقین در این فعل و انفعالات جذب جاذبه‌های پرزرق و برق آمریکا می‌گردد، به ناچار سعی می‌کند که از گذشته و شعارهای پیش استغفار کند و نظر لیبرالیسم را جلب نماید و این تغییر موضع به ویژه پس از فتح جاسوسخانه و افشای مدارک و اسناد ارتباط نهضت آزادی با آمریکا و استعمارگران اروپا که باعث سقوط دولت موقت شد، نمایان می‌گردد. **به طوری که دقیقاً پس از گذشت مدت کوتاهی از تسخیر لانهٔ جاسوسی برای خوش‌خدمتی به شیطان بزرگ عملاً با تمجید و عظمت از نهضت آزادی و مهندس بازرگان یاد می‌کند** و می‌نویسد:

> **«به نظر ما نهضت در فاصلهٔ سال‌های ۴۲-۳۹ به عنوان یک نیروی اصلاح‌طلب که نخستین‌بار پرچم ضدشاه را بلند کرده... حرکتی که ما بدان لحاظ پیوستهٔ خود را در گام نخست حرکت‌مان مدیون آنان می‌دانیم»**
>
> (نشریهٔ مجاهد، سال اول، شمارهٔ ۱۷، سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه ۵۸، صفحهٔ ۲)

اما همان‌طور که قبلاً عرض شد، سازمان برای نزدیک شدن خود به احزاب و گروهک‌های آمریکایی هرگز به صورت دفعی عمل نکرد، بلکه با احتیاط کامل و همچون اسلافشان گام‌به‌گام پیش

می‌رفت تا بتواند از ضایعات احتمالی جلوگیری کامل نماید.

لذا هر از گاهی مسألهٔ نهضت آزادی در جلسات درون‌گروهی و نشریات خود مطرح می‌ساختند و با مطرح ساختن آن دیگر هرگز به روح لیبرالیسم که حاکم بر کل نهضت آزادی بود، نمی‌پرداختند، بلکه خیلی محتاطانه از آن تمجید نیز می‌کردند، و حتی ابراز احساسات و صمیمیت می‌نمودند. از جمله:

«با این همه من سعی می‌کنم استنباط خودم را نسبت به آقای مهندس بازرگان، و یا آن‌چنان که در سازمان رسم بود که به اختصار و با صمیمیت ایشان را فقط "مهندس" بنامیم و با قید احتیاط کامل.»

(نشریهٔ مجاهد، سال دوم، شمارهٔ ۱۰۸، پنج‌شنبه ۱۶ بهمن ۵۹، صفحهٔ ۱۲، مصاحبه با رجوی)

آنگاه وی که شرایط جمهوری اسلامی ایران را بسیار حساس و توفان‌زده می‌بیند (از یک سو جنگ و از سوی دیگر بلوای کردستان و مبارزهٔ درونی توسط گروهک‌های آمریکایی) برای به دست آوردن یک نیروی سیاسی که در نزد شیطان بزرگ صاحب‌الامتیاز است، فرصت را غنیمت شمرده و می‌افزاید:

«حالا از این نظرگاه، مهندس بازرگان به عنوان یک اصلاح‌طلب صدیق و یک مبارز ضد استبداد، برای مجاهدین از روز اول بسیار قابل احترام بوده و هست.»[1]

«ما همیشه معترف بوده‌ایم که مهندس بازرگان در تاریخ معاصر ایران نخستین پرچمدار و روشنفکریست که رابطهٔ علم و اسلام را مجدداً کشف نمود...

بگذارید یک نکتهٔ اخلاقی را در مورد مهندس تصریح کنم و آن صداقت و سادگی، شهامت و یک دندگی است که در چارچوب بینش خود دارد...

همچنین نباید فراموش کرد که نخستین‌بار او و دوستانش بودند که رسماً خود شاه را در آن سال‌ها مخاطب قرار دادند.»

(مأخذ فوق، صفحات ۱۳ و ۱۴)

به هر حال آن‌چه که امروز برای همگان آشکار شده است، این است که منافقین‌جهت کسب

۱- دروغ محض است، چرا که تا چندی قبل مهندس بازرگان را لیبرال می‌دانستند و نهضت آزادی و افراد دور و بر وی را مهره‌های امپریالیستی قلمداد می‌نمودند، و گویی رهبر منافقین جعل تاریخ را در راه کسب آلترناتیو شیطان بزرگ جایز می‌داند و فراموش می‌کند که فداییان اسلام بودند که شعار سرنگونی رژیم شاهنشاهی را می‌دادند، نه مهندس بازرگان و نهضت آزادی و جبههٔ ملی؛ که هنوز که هنوز است، خواهان حکومت مشروطهٔ سلطنتی هستند.

امتیاز آلترناتیوی شیطان بزرگ از تمامی موازین و مواضع روسی خود عدول کرده و به معنای واقعی کلمه با لیبرال‌ها و احزاب و جناح وابسته به شیطان بزرگ سازش کرده‌اند، به طوری که بنی‌صدر لیبرال برنامه‌ریز و برنامه‌نویس شورای ملی مقاومت می‌شود و میثاق‌نامه را وی تدوین می‌نماید که در آن هزاران نکته از جمله تفاهم بر سر مسألهٔ کردستان و... نهفته است.

«۷- ریاست کشور و جمهوری تا انتخابات جدید ریاست جمهوری بر عهدهٔ آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر است که در رأس کشور به هیچ حزب و گروه و جمعیت سیاسی بستگی نداشته و هر گونه تحزب تحت نام ایشان ممنوع است.

۸- مسئولیت اینجانب (مسعود رجوی) نیز چه به عنوان مسئول و سخنگوی رسمی شورا و چه در مقام تشکیل دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران، صرفاً موقتی است.»

(از برنامهٔ دولت منافقین و لیبرال‌ها، فصل اول، مادهٔ ۷ و ۸)

و نهایتاً این آقایان ضدلیبرال و ضدامپریالیست در حساس‌ترین مرحلهٔ مبارزهٔ مردم علیه لیبرال‌ها، یعنی در زمان عزل بنی‌صدر خائن، ندای وامصیبتا سر می‌دهند و از همگی هواداران خود طی اعلامیه‌ای می‌خواهند که قاطعانه از لیبرال معروف پشتیبانی نمایند.

متن اعلامیه چنین است:

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن مجدد تعطیل روزنامهٔ انقلاب اسلامی و توطئهٔ حذف آقای رئیس‌جمهور حمایت خود را از ایشان اعلام می‌کنند.

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز! مردم آزاد و شریف ایران

توطئهٔ تعطیل روزنامه‌های غیرحزبی و به ویژه روزنامهٔ انقلاب اسلامی گام بلند دیگری است در مسیر حذف رئیس‌جمهور دکتر بنی‌صدر که جز خفقان باز هم هر چه بیشتر و خشنودی دشمنان این میهن و سرکوب و کشتار داخلی را در پیش ندارد.

مجاهدین خلق ایران در چنین شرایط حساسی یک بار دیگر ضمن محکوم کردن تمامی این توطئه‌ها ضرورت حفاظت و پاسداری عموم اقشار و طبقات خلق را از تمام آزادی‌ها و حقوق اساسی ناشی از انقلاب کبیر خلقمان و همچنین ضرورت حمایت از رئیس‌جمهوری را که در معرض چنین توطئه‌هایی واقع شده، یادآوری می‌کنند.

مجاهدین خلق ایران، ۱۸/خرداد /۶۰»



مجاهدین خلق ایران
ضمن محکوم کردن مجدد
تعطیل روزنامه انقلاب اسلامی
و توطئه حذف آقای رئیس جمهور
حمایت خود را
از ایشان اعلام می‌کنند

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز امر دم آزاد موشریف ایران

توطئه‌ی تعطیل روزنامه‌های غیرحزبی و به ویژه روزنامه‌ی انقلاب اسلامی گام بلند دیگری است در مسیر حذف رئیس جمهور دکتر بنی‌صدر که جز خفقان بازهم هرچه بیشتر و خشنودی دشمنان این میهن و سرکوب و گشتار داخلی را درپیش ندارد.

مجاهدین خلق ایران در چنین شرایط حساسی یک بار دیگر ضمن محکوم کردن تمامی این توطئه‌ها ضرورت حفاظت و پاسداری عموم اقشار و طبقات خلق را از تمام آزادی‌ها و حقوق اساسی ناشی ازانقلاب کبیر خلقمان و همچنین ضرورت حمایت از رئیس جمهوری را که در معرض چنین توطئه‌هائی واقع شده یادآوری می‌کنند.

مجاهدین خلق ایران ۱۸/ خرداد/ ۶۰

آیا مدرک فوق و آن‌چه که تا کنون بحث کرده‌ایم، جز سازش منافقین با لیبرال معروف و بالنتیجه سقوط به دامان امپریالیسم، مفهوم دیگری دارد؟

اگر چه باید عرض کرد که:

– این سقوط به دامان امپریالیسم بود که باعث سازش با لیبرال‌ها شد و نه بالعکس.[1]

تحلیلی از عملکردهای سازمان منافقین (۸)

آلترناتیو شیطان بزرگ (۴)

قسمت هشتم

اتحاد منافقین با حزب دمکرات

سوابق شوم حزب دمکرات[2] را همه کماکان می‌دانند. منتها برای آن‌که خوانندگان گرامی اجمالاً عملکردهای این حزب شوم را بدانند، به سخنان **مرحوم آیت‌الله طالقانی** بسنده می‌کنیم:

۱– نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۷۹، ۱۳۶۱/۱۲/۱۴

۲– در فرصت مناسب به طور مفصل دربارهٔ این حزب وابستهٔ دمکرات سخن خواهیم گفت.

«متأسفانه در اواخر این ماه پربرکت، ماه روزه، ماه ... یک عده مردم جانی این برکت و خیر را آلوده کردند، مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند، تازه اسم خود را دمکرات هم می‌گذارند ... ای خاک بر سر آنها.

چقدر این نام برای همیشه، برای این کشور، نام دمکرات خاطرهٔ بدی داشت ... در این روز عید ۱۰۰ بار بر آنها لعنت.»

خطبهٔ نماز جمعه ۵۸/۶/۲

در هفتهٔ بعد فرمودند:

«مسألهٔ سطحی نیست که گمان کنیم که با یک خواست‌هایی طرف هستیم ... تا حالا مسأله‌ای مطرح کردند که چی می‌خواهند اینها همان مرام‌نامهٔ حزب دمکرات ۱۰، ۲۰ سال پیش است که در مقابل رژیم امضا کردند. یعنی بالاخره تجزیه، اینها می‌خواهند پایگاه‌های نظامی و ارتش از آن‌جا برود، پاسداران غیربومی بروند، یعنی چه؟ یعنی ما هر کاری دلمان بخواهد بکنیم.

فقط دولت مرکزی به ما نان بدهد و هیچ دخالت در کار ما نکند.

آیا این شدنی است؟

۳۰ میلیون جمعیت ایرانی و مسلمان‌ها تسلیم یک مشت خودخواه و وابسته به دیگران نخواهد شد.

ما این انقلاب را مفت به دست نیاورده‌ایم که بازیچهٔ یک مشت بازیگر بین‌المللی باشیم.»

حزب دمکرات از ۲ جناح تشکیل می‌شد:

یک جناح روسی به رهبری غنی بلوریان[۱]، که عمدتاً جناح سیاسی فرهنگی حزب را تشکیل می‌داد،

و یک جناح آمریکایی به رهبری قاسملو که رهبری جناح نظامی را تشکیل می‌داد.

سازمان منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی درصدد بود که با جذب جناح روسی حزب دمکرات حول محور خود، بتواند تشکیل یک آلترناتیو قوی روسی بدهد. بر این اساس بود که آن اوایل همچون

۱- غنی بلوریان رهبر جناح روسی حزب دمکرات از توده‌ای‌های معروفی است که مدتی در زندان شاه بوده است. وی سعی و تلاش می‌کرد که از دولت ایران امتیازاتی بگیرد. بر همین اساس از هیأت‌های ویژهٔ حسن نیت دولت موقت استقبال کرد، اما جناح آمریکایی حزب دمکرات به رهبری قاسملو بنا بر خط آمریکایی‌اش اساساً با جمهوری اسلامی ایران مخالف بود و سعی در براندازی کل نظام اسلامی داشت، لذا از هیأت‌های ویژه استقبال نکرد و همین امر علاوه بر سایر عوامل دیگر، یکی از عوامل مهمی بود که باعث انشعاب در این حزب شد.

سایر گروه‌ها و جناح‌های وابسته به شوروی عملاً مبارزهٔ مسلحانهٔ چریک‌ها و دمکرات‌ها و ... را که مشخصاً از سوی جناح آمریکایی تقویت و پشتیبانی می‌شد، طرد کرده و چنین تحلیل می‌کردند که شرایط مبارزهٔ مسلحانه در ایران وجود ندارد و بایستی که انقلاب را در بعد ضدامپریالیستی‌اش (که صرفاً بعد ضدآمریکایی‌اش منظور بود) تقویت کرد، در عین‌حالی که نباید از تلاش در جهت جایگزینی نیروهای مترقی! (منظور نیروهای وابسته به شوروی) دست برداشت. اما از آن‌جایی که هنوز روابط بین‌المللی و مناسبات سیاسی، اقتصادی جهانی شوروی و آمریکا دستخوش اختلافات شدید بعدی نشده بود، به تبع آن تمامی گروهک‌ها و جناح‌های ضدانقلابی احزاب درون ایران، به رغم اختلاف‌نظرها، با یکدیگر همکاری و همگامی می‌کردند.

اما **پس از ایجاد اختلاف بین شوروی و آمریکا و تغییر استراتژی شوروی در ایران، و طرد منافقین و به ویژه پس از جریان سعادتی، روابط شوروی و منافقین تیره شد و منافقین همان‌گونه که اعتراف کرده‌اند، جذب جاذبه‌های پر زرق‌وبرق آمریکا شدند**، لذا پس از انشعاب جناح روسی از حزب دمکرات و تسلط کامل جناح آمریکایی به رهبری قاسملو، بر حزب، سازمان منافقین سعی و تلاش فراوانی نمود تا بتواند به مرور زمان، چراغ سبزهایی به جناح آمریکایی حزب دمکرات نشان بدهد تا بتواند حول محور خود نیروها و گروهک‌های آمریکایی ضدانقلاب را جذب نماید و تشکیل یک آلترناتیو قوی آمریکایی بدهد.[۱]

روند نزدیکی منافقین و دمکرات‌ها

مرکزیت سازمان منافقین به رغم این‌که تمایل شدیدی به اتحاد با دمکرات‌ها داشت، اما قادر نبود که یک‌باره این آرزو را جنبهٔ عینیت ببخشد، چرا که بیم آن می‌رفت که هواداران و اعضای سازمان بنا بر تمایلی که به مواضع و گفتار مرحوم طالقانی داشتند، به یک‌باره به ماهیت واقعی و پلید و حتی ضد مرحوم طالقانی سازمان پی برده و سبب انشعاب بخش عظیمی از سازمان گردد، لذا در آن شرایط حساس و سرنوشت‌ساز (قبل از بهمن سال ۵۹) به رغم احتیاج مبرمی که سازمان به لحاظ تبلیغاتی، تشکیلاتی، نظامی، اقتصادی به حزب دمکرات داشت (البته روابط محرمانه بین مرکزیت ۲ گروه آمریکایی ضدانقلاب وجود داشت) اما هرگز نتوانست به بهای متلاشی شدن خود با جناح آمریکایی حزب دمکرات رابطهٔ علنی و آشکار داشته باشد.

لذا برای نیل به این هدف محتاج به زمان و فرصت بود تا با سودجویی از فرصت لازم

۱- البته اتحاد این ۲ گروهک، فراز و نشیب‌های فراوانی دارد که از حوصلهٔ این مقاله خارج است و ما اجمالاً کلیتی از روند اتحاد این ۲ گروه را بیان داشتیم.

بتواند زمینهٔ مساعد فکری، فرهنگی، سیاسی را در میان اعضا و هواداران خود به وجود بیاورد، ضمن آن‌که با گذشت مدت زمانی به طور طبیعی هواداران و اعضا، مواضع محکم و حقِ مرحوم طالقانی را کمابیش به دست فراموشی بسپارند.

لذا برای زمینه‌سازی ذهنی هواداران به مرور زمان شروع به کار کرد، و بخش توجیه‌سازی سازمان به کار افتاد و با برنامه‌ریزی کامل در جلسات سیاسی، ایدئولوژیک و همچنین در جلسات عمومی و نشریات خود، به هواداران القا نمودند که:

۱- پدر طالقانی معصوم نبوده و اشتباهاتی را داشته، از جمله این‌که به مبانی اقتصادی سازمان (که همان اقتصاد کمونیستی) معتقد نبوده! و فاقد یک بینش اصیل دیالکتیکی بوده است و لذا در اخذ بعضی از مواضع منحرف شده و چون از بینش اسلامی سنتی! (منظور اسلام اصیل) مسائل را بررسی می‌کرده، لذا گرایشاتی به ارتجاعیون و حکومت داشته و مبتنی بر این گرایشات فاقد درک صحیح از جوهره و خمیرهٔ خواست‌های قاطبهٔ مردم کردستان بوده است و بر این اساس علیه حزب دمکرات موضع‌گیری نموده است.

۲- هم‌گام با توجیه فوق، مرکزیت سازمان سعی کرد که اغتشاشات استعمارگران شرق و به ویژه غرب در کردستان به عنوان یک مسألهٔ ملی و مردمی در اذهان سادهٔ هواداران خود القا نماید و در این راه توجیهات بسیاری نمود و نهایتاً چنین نتیجه گرفتند که قاطبهٔ مردم کردستان با حزب دمکرات همگام و همراه هستند. حال حزب دمکرات هر چند وابسته، سازمان ناگزیر هست که برای هدایت و تقویت نیروهای مردمی کردستان و همچنین برقراری پیوند و اتحاد بین مردم مبارز! ایران و اکراد کردستان، با رهبران وابستهٔ حزب دمکرات به منظور دستیابی به نیروی مردمی اکراد! متحد شده، با قوا و توان بیشتری علیه ارتجاع حاکم! وارد صحنه شود.

اتحاد مرکزیت حزب دمکرات و سازمان منافقین می‌توان گفت که اساساً حول ۲ محور مشخص صورت گرفت:

الف: آمریکا برای برقراری صلح و آرامش ایده‌آل خود (پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!) به یک تشکیلات قوی و پرتوان که متشکل از تمامی نیروهای همگون و وابسته که علی‌الظاهر چهرهٔ ضدامپریالیستی هم دارند، نیاز دارد. لذا برای آمریکا پیوند و اتحاد این ۲ گروه که نسبت به سایر گروه‌های ضدانقلاب از توان بیشتری برخوردارند، ضرورت پیدا می‌کند. از این رو دستورالعمل صادره از کاخ سفید اولین محور اتحاد این ۲ گروهک محسوب می‌گردد.

ب: برانداختن رژیم جمهوری اسلامی (به قول ۲گروه فوق حکومت ارتجاع) یکی از اهداف دیرینهٔ این ۲ گروه بود. لذا مبارزه با انقلاب اسلامی دومین محور اتحاد ۲ گروه آمریکایی فوق

محسوب می‌گردد.

به هر حال پس از زمینه‌سازی ذهنی و عینی هواداران فریب‌خوردهٔ خود، در اواخر سال ۵۹ نشریهٔ منافقین اقدام به چاپ سلسله مصاحبه‌هایی با قاسملو نمود و در این مصاحبه‌ها، زمینه‌های ذهنی هواداران ۲ گروه آمریکایی را برای پیوستن ۲ تشکیلات به یکدیگر را بیش از پیش آماده ساخت.

۳- باید اضافه کرد که این مصاحبه‌ها نوعاً محتوی مطالبی بود که بتواند به هواداران سازمان القا کند که مواضع پدر طالقانی، مغرضانه و خصمانه، بوده است و با تبلیغ حول این محور زمینه‌های ذهنی لازم هواداران را در راستای اتحاد منافقین با حزب دمکرات را آماده سازد.

اینک به گوشه‌ای از این مصاحبه‌ها می‌پردازیم تا ذهن خواننده به حقایق فوق بیش از پیش روشن گردد:

«مدتی است که شایع کرده‌اند حزب دمکرات کردستان قصد دارد تا خودمختاری کردستان را به طور یک‌جانبه اعلام نماید. این شایعه از طریق مطبوعات داخلی نیز دامن زده می‌شد. از آن‌جا که «**مجاهدین خلق ایران**» همیشه خودمختاری خلق کرد را تنها در کادر تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر ایران مورد تأیید می‌دانند، این شایعه نگرانی‌هایی را برانگیخت، به ویژه که راه‌حل مسالمت‌آمیز مسألهٔ کردستان که به اعتقاد ما تنها راه‌حل صحیح مسألهٔ ملیت‌ها من‌جمله مسألهٔ خلق کرد می‌باشد، مدتی است که انقلاب به فراموشی سپرده شده است.

از سوی دیگر شایعات نگران‌کنندهٔ فوق نیز هیچ کمکی به حل صحیح مسأله نمی‌کند، بلکه نهایتاً در خدمت جنگ و برادرکشی قرار می‌گیرد.

بر اساس نگرانی‌های فوق «**سازمان مجاهدین خلق ایران**» با آقای دکتر قاسملو تماس گرفتند. آن‌چه در زیر می‌آید، متن سؤال و جواب‌هایی است که در این رابطه مطرح شده است:

جناب آقای دکتر قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران!

چنان‌که مسبوق هستید «**سازمان مجاهدین خلق ایران**» طی موضع‌گیری‌های سیاسی خود همواره حامی حقوق حقهٔ مردم کردستان به شکل خودمختاری بوده و در برنامهٔ ۱۲ ماده‌ای انتخاب ریاست جمهوری برادر مجاهدمان «**مسعود رجوی**» نیز این مسأله عنوان شده و به دفعات مورد تأکید قرار گرفته است. اخیراً شایعات زیادی در مورد خط‌مشی سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، در تهران و سایر نقاط ایران منتشر شده است. با توجه به این‌که شخص شما و حزب متبوعتان دفعات متوالی از دمکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان سخن گفته‌اید، لذا برای رفع هر گونه ابهام بدین‌وسیله از شما خواهش می‌کنم که به سؤالات زیر جواب بدهید:

س: نظر شما در مورد شعار خودمختاری چیست؟ آیا این یک شعار جدایی‌خواهی و استقلال طلبانه برای کردستان است؟ یا این شعار در چهارچوب تمامیت ارضی ایران مطرح می‌باشد؟

ج: شعار اصلی حزب دمکرات کردستان ایران تأمین دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران در چارچوب تمامیت ارضی ایران است. ما بارها اعلام نموده‌ایم و مجدداً تکرار می‌کنیم که حزب ما مخالف هر گونه جدایی‌خواهی از ایران است و شعار جدایی خواهی را مضر به حال جنبش انقلابی و دمکراتیک سراسر ایران می‌داند. ما ایرانی هستیم و برای تأمین خواسته‌های خود در چارچوب کشور ایران مبارزه می‌کنیم و ایمان داریم که تأمین این خواسته‌ها وحدت و استقلال ایران را تحکیم خواهد بخشید.

اصولاً در کردستان ایران هیچ نیروی جدایی‌خواه و تجزیه‌طلبی وجود ندارد و هر شعار جدایی‌خواهی و تجزیه‌طلبی از نظر حزب ما محکوم است و اما ما از دوستان مجاهد و سایر آزادی‌خواهان و انقلابیون واقعی می‌خواهیم که به اتهامات ناروا و مغرضانهٔ دشمنان خلق‌های ایران که مردم کردستان را تجزیه‌طلب می‌دانند، توجه نکنند و آنها را رد نمایند.

س: رابطهٔ دمکراسی در ایران با خودمختاری در کردستان را چگونه تفسیر می‌کنید؟

ج: اگر دقت کرده باشید در شعار اصلی ما، دمکراسی برای ایران مقدم‌تر از خودمختاری برای کردستان ایران آمده است. این امر ۲ علت دارد:

اولاً ما به طور کلی به عنوان دمکرات، ایمان عمیقی به دمکراسی داریم و تأمین آزادی‌های دمکراتیک را در سراسر ایران از مهم‌ترین وظایف خود می‌دانیم.

ثانیاً برای خودمختاری کردستان ایران در درازمدت تنها یک تضمین واقعی وجود دارد و آن استقرار دمکراسی در ایران است.

اگر ما خودمختاری را در کردستان به دست بیاوریم، بدون این‌که دمکراسی در ایران تأمین شده باشد، این خودمختاری هر آن در معرض خطر قرار خواهد گرفت.»

(نشریهٔ مجاهد– سال دوم– شمارهٔ ۱۰۷– سه‌شنبه ۷ بهمن ۵۹ ص ۳)

اما در رابطه با این‌که مرحوم آیت‌الله طالقانی در مورد حزب دمکرات فرموده بودندکه:

– **«یک مشت خودخواه و وابسته به دیگران»**

هستند و با ضدانقلابیون همکاری می‌کنند، برای مقابله و محو این موضع‌گیری قاطع و انقلابی مرحوم طالقانی، مصاحبه در راستای منظور فوق‌الذکر از قاسملو می‌پرسند.

س: اخیراً شایعات زیادی در مورد همکاری شما با عناصر و افراد ضدانقلابی منتشر شده است. آیا شما با چنین افراد و عناصری همکاری دارید؟

ج: این هم یکی دیگر از اتهامات ناجوانمردانه‌ای است که به ما وارد می‌کنند. ما نه تنها با هیچ‌یک از نیروهای ضدانقلاب همکاری نداریم، بلکه همواره با آنها مبارزه کرده و می‌کنیم و عناصری چون باقی‌ماندگان دارودستهٔ شاه مانند پالیزبان و اویسی (ما او را جلاد خلق کرد می‌دانیم) و همچنین سپاه رزگاری و بختیار و طرفدارانش را طرد و محکوم می‌کنیم و به طریق اولی هیچ‌گونه رابطهٔ همکاری با این نیروها نداشته و نداریم.»

(مأخذ فوق همان صفحه)

پس از فرار رجوی، بنی‌صدر، معزی[1] به پاریس، و تشکیل «**شورای ملی مقاومت**» و اعلام آن و امضای میثاق‌نامه توسط رجوی و بنی‌صدر تحلیل مرکزیت سازمان و بنی‌صدر از اوضاع داخلی ایران و اوضاع بین‌المللی این بود که:

الف: رژیم جمهوری اسلامی از ۲سوی داخلی (توسط گروهک‌ها و در رأس آن خود منافقین با حمایت شیطان بزرگ) و خارجی (صدام به پشتیبانی حکام مرتجع منطقه و شیطان بزرگ) مورد تهاجم نیروهای ضدانقلابی قرار گرفته است و از یک سو با پذیرش ضربات به اصطلاح کاری و ترور نمایندگان مجلس و واقعهٔ اسفبار هفتم تیر و شهادت مظلومانهٔ دکتر بهشتی و یارانش و همچنین انفجار بمب در دفتر نخست‌وزیری و شهادت ۲ عزیز گران‌قدر، رئیس‌جمهور بزرگوار و نخست‌وزیر محبوب و... دیگر رژیم فاقد سیستم یارای ایستادگی و توانایی سر پا ایستادن را ندارد و محکوم به فنا و واژگونی است.

ب: حملات مکرر هم‌پیمانشان در مرزهای غربی کشور آن هم در اراضی وسیعی، تاب و توان نظامی را از رژیم گرفته و به لحاظ سیاسی و اقتصادی و اداری، در حضیض ذلت است و آخرین نفس‌های خود را می‌کشد و لذا بیش از ۳ماه طول نمی‌کشد که رژیم سرنگون خواهد شد.

ج: دنیای استعمارگر غرب و در رأس آن شیطان بزرگ مترصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و در حال انتخاب یک گروه قوی و پرتوان سیاسی، نظامی است، نظامی است که از تشکیلات پولادین و منسجمی برای برقراری صلح و آرامش استعماری خود برخوردار باشد.

با در نظر گرفتن تحلیل فوق بود که پس از تشکیل «**شورای ملی مقاومت**» مسعود رجوی به عنوان مسئول شورا، طی نامهٔ محرمانه‌ای که برای قاسملو به کردستان می‌فرستد، عاجزانه از

۱- خلبان شاه- یادآور می‌شویم که این فرار با استفاده از فضای کشورهای عضو پیمان ناتو آمریکایی با قرار قبلی صورت می‌گیرد که خود به تنهایی گویای حمایت و پشتیبانی دنیای غرب از بنی‌صدر و منافقین است.

وی درخواست می‌کند که فرصت را از دست ندهد و تا تنور گرم است، با پیوستن خود به شورا نان را خوب بچسباند و تذکر می‌دهد که از دست دادن فرصت مناسبی که به لحاظ بین‌المللی فراهم گشته، خیانت بزرگی محسوب می‌گردد.

در این نامهٔ خصوصی مسائل بسیار مهمی را به طور خلاصه و آشکار و حساب شده بر قاسملو تذکر می‌دهد که در قسمتی از متن آمده است:

«با سلام‌های انقلابی- نامهٔ مورخ ۲۹ مرداد ۶۰ شما را تقریباً پس از ۱ ماه امروز ۲۸ شهریور دریافت و از اصل منظور آن که رد کردن پیشنهاد مجاهدین مبنی بر دعوت به شورای ملی مقاومت بود، بسیار متأسف شدم...

تأسف من، به عنوان کسی که از جانب سازمان متبوع خود مسئول رسیدگی و پاسخ به همین‌گونه مسائل شده است، اولاً از فقدان ارتباط سریع و منظم است، یعنی ارتباطی که بتواند بسیاری از سوء تفاهمات را پیشاپیش حل کند و ثانیاً از این‌که چرا شما قبل از شنیدن توضیحات ما به چنین قضاوت نسبی دست زده‌اید و هم این‌که چرا دعوت ۵۰ روز پیش مجاهدین و خود مرا نادیده گرفته و در نامهٔ خود خواستار حضور نمایندگان ما در کردستان شده‌اید؟...

قبل از اتخاذ موضع و یا دعوت به کردستان با یک مهلت ۱۵ روزه نظر لطفی هم به پیشنهاد مجاهدین می‌کردند و برای کسب اطلاعات و احراز شناخت‌هایی که برخی از آنها حالیه صرفاً در جایی که من هستم میسر است، نمایندگان تام‌الاختیاری اعزام می‌نمودند.

پیشنهادی که به نظر می‌رسد به هر حال در شرایط فعلی و با توجه به حضور آقای بنی‌صدر و من در پاریس واقعی‌ترین و عملی‌ترین راه برای حل‌وفصل نهایی مسأله بوده و می‌باشد.»

(نامهٔ خصوصی رجوی به حزب دمکرات کردستان و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت) به تاریخ ۱۳۶۰/۶/۲۸)

لازم به تذکر است که در گفتار معصوم حدیثی است به این معنی که:

«الکفر ملة واحده» / یعنی کفر ملتی واحد است.

یعنی کافران همگی با هم علیه مؤمنان متحدند. اما این حدیث به معنای این نیست که در میان کافران اختلافی وجود ندارد، چرا که عملاً در جهان می‌بینیم که ابرقدرت‌ها و

استعمارگران و ایادی‌شان، به رغم آن‌که متحداً علیه مستضعفین جهان در کارزار هستند، اما بر سر سود بیشتر و امتیاز بیشتر با یکدیگر تنازع دارند. به معنای دیگر، ابرقدرت‌ها و گروهک‌های سودجو و وابسته تماماً از یک ماهیت (چپاول مردم مظلوم وکثرت‌طلبی) برخوردارند و همین عامل کثرت‌طلبی سبب می‌شود که با یکدیگر برای کسب سرمایه و امتیاز بیشتر اختلاف داشته باشند.

اختلاف حزب دمکرات و منافقین دقیقاً اختلافی از نوع فوق‌الذکر است، چرا که به قول مسعود رجوی که در همین نامه نوشته است:

«طبعاً در این رابطه آقای دکتر قاسملو به خاطر دارند که سال گذشته نیز با یکی از برادران مرکزی ما در اروپا راجع به طرح مذاکره نمود و البته هیچ ممنوعیتی هم برای شرکت جریاناتی که «آزادی‌خواه» خطابشان می‌نمودند، قایل نشدند.»

اینها بارها و بارها به دستور آمریکا چراغ سبز به یکدیگر نشان داده‌اند و از یکدیگر استقبال کرده‌اند و به درج مصاحبه‌ها در نشریات خود اقدام کرده‌اند و حتی به اعتراف رجوی، قاسملو در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۰ از بنی‌صدر و رجوی خواسته بود که برای ارزیابی موقعیت کردستان شخصاً به کردستان بروند.

پس چگونه است که پیشنهاد منافقین را آقای قاسملو نمی‌پذیرند.

واضح است که حزب دمکرات به رغم وابستگـی خود به آمریکا،
خواهان اخذ امتیازات بیشتری است،
و لذا در آن شرایط حساس داخلی و بین‌المللی،
جواب رجوی را به تأخیر می‌اندازد.

ان‌شاءالله در هفتهٔ آینده ادامهٔ بحث را خواهیم آورد.[1]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۸۰ ، ۱۳۶۱/۱۲/۲۸

شماره: ۲۶۵ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **چگونگی عملیات موفقیت‌آمیز «مسلم‌بن عقیل» و...**

امضا: **نشریهٔ پیام انقلاب**

گزارشی از عملیات موفقیت‌آمیز «مسلم‌بن عقیل»:

رزمندگان اسلام با وجود تسلط کامل بر شهر مندلی عراق،

تا کنون به این شهر گلوله‌ای شلیک نکرده‌اند

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از عملیات پیروزمندانهٔ رمضان در داخل خاک عراق، هر روز ملت مسلمان و همیشه در صحنهٔ ایران اسلامی در انتظاری سخت به سر می‌برد.

همه برای زود سپری شدن این انتظار، همیشه گوش به فرمان امام عزیزشان بودند و لحظه‌ای بین خود و جنگ جدایی نیفکندند. عزیزانشان را برای شرکت بیشتر در نبرد حق علیه باطل تشویق کردند و شاید همگی با هم متحد شده و در مسجدی تصمیم گرفتند که همه با هم به نبرد علیه کفر جهانی برخیزند و برخاستند؛ و چه راست‌قامت.

آن‌چنان راست‌قامت بودند و محکم گام نهادند که دشمن زبون هر لحظه خود را بیشتر به ورطهٔ هلاکت نزدیک دید.

کنفرانس فاس تشکیل شد و در مادهٔ ۵۱۴ قطعنامه، آن همه کشورهای عرب و اروپا و آمریکا و... با هم متحد شدند تا با دست ناتوانشان شاید بتوانند از دین خدا جلوگیری کنند. اما، زهی

خیال باطل. چرا که اگر قطعنامه‌ها پشت سر هم صادر شود و **اگر جلسهٔ شورای امنیت سازمان بین‌الملل هر روز علیه ایران تشکیل شود، ما حقمان را می‌خواهیم و آن حقی است که خدای محمد(ص) برای ما تعیین کرده است.**

پس، **ای صدام!**

اگر روزها و حتی سال‌ها بر در لانهٔ مفسـدان به دریوزگی بیفتی، بدان که با هر تصمیمی که می‌گیری، چون ابلهانه است، مرگ خویش را فرا می‌خوانی.

و اگر هنوز که بیش از چند پاسگاه مرزی عراق به تصرف نیروهای پرفتوح و جان‌برکف نیفتاده، این‌چنین ذلیلانه رو به قبله‌ات آمریکا می‌ایستی و خطبهٔ مرگت را حقیرانه بر می‌خوانی بدان که این عملیات جز ضرب شصت چیزی نبوده و این نشان‌دهندهٔ آن است که نیروهای رزمندهٔ خداجوی هر لحظه که بخواهند می‌توانند بغداد را به تصرف درآورند.

پس منتظر باش، منتظر باش تا هر چه زودتر به دیار دوستانت بشتابی. ان‌شاءالله

لحظه به لحظه از عملیات مسلم‌بن عقیل با رمز «یا اباالفضل العباس(ع)»

در ساعت ۵۰ دقیقهٔ بعد از نیمه شب هنگامی که رزمندگان سلحشور و پرتوان اسلام در خط مقدم و با تجهیزات انفرادی در انتظار شروع فرمان حمله به سر می‌بردند، با صدا رمز «**یا اباالفضل العباس(ع)**»، «**یا اباالفضل‌العباس(ع)**» و با حمایت توپخانهٔ ارتش جمهوری اسلامی ایران سیل رزمندگان اسلام در منطقهٔ سومار و شمال غربی این شهر برای آزادسازی ارتفاعات مشرف بر نفت‌شهر به حرکت درآمد.

ساعت ۱/۴۰ دقیقهٔ بامداد

در حالی‌که درست ۵۰ دقیقه از شروع عملیات می‌گذرد، جان‌برکفان از میدان وسیع مین عبور کرده و در حالی‌که دشمن زبون را دچار سرگیجه کرده‌اند، همچنان به پیشروی ادامه می‌دهند.

ساعت ۲/۵ بامداد

عملیات یا مسلم‌بن عقیل همچنان با موفقیت در منطقهٔ سومار و ۴ محور گیسکه، میان‌تنگ، قلعه‌جوق و سلمان‌کشته ادامه دارد.

ساعت ۳ بامداد

عملیات مسلم‌بن عقیل با رمز «**یا اباالفضل العباس(ع)**» با موفقیت و پیروزی در مواضع مزدوران

بعثی با قدرت ادامه دارد و عده‌ای از مزدوران به هلاکت رسیده‌اند.

ساعت ۵ بامداد

رزمندگان اسلام با دست یافتن به بیش از نیمی از هدف‌های مشخص‌شده، همچنان به پیشروی خود ادامه می‌دهند.

ساعت ۷ بامداد

به گفتهٔ برادر رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برخی از ارتفاعات غرب سومار که در فاصلهٔ نفت‌شهر تا میان‌تنگ شمال شرقی شهر مندلی عراق واقع شده، به تصرف نیروهای اسلام درآمده است.

ساعت ۷/۳۰ بامداد

تا کنون ۳ پاتک دشمن زبون درهم شکسته شده و ۴ پاسگاه عراق به تصرف نیروهای اسلام درآمده است و تعدادی از اسرای عراقی در حال تخلیه شدن هستند و عده‌ای با به جا گذاشتن تجهیزات خود پا به فرار گذاشته‌اند.

ساعت ۸ بامداد

تا این ساعت رزمندگان پرتوان جمهوری اسلامی ایران متشکل از غیورمردان ارتش، دلاوران بسیج و عشایر و جان‌برکفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بیش از ۸۰٪ تا ۹۰٪ هدف‌های از پیش تعیین‌شده، رسیده‌اند و همچنان بی‌وقفه به رزم خود ادامه می‌دهند و تا این ساعت توانسته‌اند ۵ پاتک (ضد حمله) دشمن زبون را دفع و ضربات سنگینی به آنها وارد کنند.

رزمندگان اسلام با تصرف این قله‌ها نشان دادند که برای تحقق حقوق و شرایط پیشنهادی ایران می‌توانند به هر عملی دست بزنند.

همچنان‌که عملاً نشان دادند، از نقاط بسیاری می‌توانند به سوی بغداد حرکت کنند.

ساعت ۱۳ روز جمعه ۶۱/۷/۷

تا این ساعت ۶ پاسگاه مرزی ایران (سلمان کشته، قلعه‌جوق، سانواپا، میان‌تنگ، گیسکه و کانی شیخ) در طول ۲۱ کیلومتر که از ۲۴ ماه قبل در اشغال مزدوران بوده، در محدودهٔ ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال‌شدهٔ ایران توسط عراق آزاد شده است.

رزمندگان اسلام تا این ساعت ضمن تحکیم مواضع فتح‌شده توانسته‌اند ۷ پاتک دشمن را به سختی در هم کوبیده و ادوات و مهمات بسیاری از مزدوران به غنیمت بگیرند.

تا این لحظه کشته‌های بعثی قابل توجه می‌باشد و تعدادی از اسرا را به پشت جبهه منتقل کرده‌اند.

تنگهٔ استراتژیک میان‌تنگ در مسیر سومار ـ مندلی هم‌اکنون در دست رزمندگان قرار دارد.

ساعت ۱۵

پاتک دشمن در ارتفاع ۴۰۲ به سختی دفع شد.

تعداد اسرای تخلیه شده به ۸۸ تن رسیده است.

تا این لحظه جنگنده‌های بعثی چندین‌بار سعی کردند مواضع نیروهای اسلام را درهم بکوبند که هر بار با هوشیاری و عملکرد پدافند هوایی و حضور جنگنده‌های تیزپرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران متواری شدند.

ساعت ۷/۳۰ شنبه ۶۱/۷/۱۰

در ساعت ۷/۳۰ هواپیماهای مهاجم ارتش بعثی ـ صهیونیستی عراق به تلافی شکست‌های مفتضحانهٔ نیروهای صدام تکریتی مناطق غیر نظامی گیلان‌غرب را بمباران کردند که بر اثر بمباران این جنایتکاران حدود ۲۵ نفر از مردم محروم و چادرنشین منطقه شهید و مجروح شدند.

ساعت ۱۳ روز شنبه ۶۱/۷/۱۰

تا این ساعت تعداد ۱۷۳ اسیر به پشت جبهه تخلیه شده است که در میان این عده چند افسر نیز دیده می‌شود.[۱]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۶۶ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **امدادهای غیبی در عملیات مسلم‌بن عقیل**

امضا: **نشریهٔ پیام انقلاب**

امدادهای غیبی در عملیات مسلم‌بن عقیل

بسم الله الرحمن الرحیم

أَنِّی مُمِدُّکُمْ بِأَلْف مِنَ الْمَلائِکَة مُرْدِفین،

وَ ما جَعَلَهُ اللهُ إِلاَّ بُشْری وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُکُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلاَّ مِنْ عِنْدِ اللهِ إِنَّ اللهَ عَزیزٌ حَکیم[1]

(من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می‌فرستم.

و این یاری فرشتگان را خدا نفرستاد مگر بشارت و مژدهٔ فتح باشد،

و تا دل‌های شما را مطمئن سازد و بدانید که:

نصرت و پیروزی نیست مگر از جانب خدا....)

در عملیات مسلم‌بن عقیل که با رمز «**یا اباالفضل العباس(ع)**» در ۵۰ دقیقهٔ بامداد روز ۹مهر آغاز شده، پیروزی‌های بزرگی به لطف خداوند متعال نصیب رزمندگان اسلام گردید که موانع بسیار زیادی را از جلو گام‌های استوار آنان برای رسیدن به پیروزی نهایی از میان برداشت.

آن‌چه که در این عملیات توجه همگان را به خود جلب کرده بود، **امدادهای الهی** بسیاری بود که به طور مشهود در لحظه لحظهٔ این عملیات رزمندگان اسلام را یاری می‌داد.

۱- سورهٔ انفال، آیات ۹ و ۱۰

اینک توجه شما خوانندگان عزیز را به صبحت‌های یکی از شاهدان امدادهای الهی این عملیات جلب می‌نماییم:

بسم الله الرحمن الرحیم

عملیات مسلم‌بن عقیل با کلمهٔ رمز «**یا اباالفضل‌العباس(ع)**» در ساعت ۵۰ دقیقهٔ جمعه ۶۱/۷/۹ آغاز شد. در این عملیات رزمندگان اسلام توانستند همچون گذشته با بهره‌گیری از امدادهای غیبی تعدادی از ارتفاعات مهم و استراتژیک منطقهٔ غرب و مشرف بر شهر مندلی عراق را به تصرف درآورده و حدود ۵۰۰۰ تن از بعثیون کافر را به درک بفرستند.

در تمامی عملیات‌های پیشین امدادهای غیبی بسیار فراوان وجود داشته، اما **در عملیات مسلم‌بن عقیل این امدادهای غیبی آن‌قدر به وضوح و آشکار دیده می‌شد که همه را به تعجب وا می‌داشت**؛ که ما برای آگاهی شما عزیزان نمونه‌هایی از این امدادهای غیبی را بررسی می‌کنیم.

اللهُ وَلِيُّ الَّذينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ
وَ الَّذينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ[1]

در این عملیات خداوند دیده و عقل بعثیون را کور کرده بود و مزدوران بعثی در برخورد نیروهایشان نسبت به ما و در برآورد این‌که ما با چه استعدادی و در چه مساحتی به آنها حمله می‌کنیم، دچار اشتباهی بزرگ شده بودند؛ چرا که آنها فکر می‌کردند ما در یک محدودهٔ بسیار کم و آن هم در منطقه‌ای به نام میان‌تنگ حمله را شروع خواهیم کرد که کل منطقهٔ عمل‌کننده را ۶ الی ۷ کیلومتر در نظر گرفته بودند.

در برآورد نیروها ۱ تیپ ۴۶ مکانیزه و ۱ تیپ ۲۸ پیاده و ۱ تیپ زرهی که ۲ گردان آن در شهر مندلی استقرار داشته و یک گردان آن را به نیروهای پیاده تقسیم کرده بودند و علاوه بر آن از ۸۰۰ نفر نیروهای جیش‌الشعبی استفاده می‌کردند و یک تعدادی هم به صورت گردان‌های پیاده که به صورت متفرقه جمع‌آوری کرده بودند. و ۱ تیپ ۴۱۲ را در رویاروی ما قرار داده بودند.

آنها فکر می‌کردند با توجه به این‌که ارتفاعات بلند مشرف به سومار دست آنهاست، یک موضعی را به عنوان موضع تأمینی خودشان به اسم ارتفاع ۳۴۳ که جلوتر از ارتفاعات کهنه‌ریگ و ارتفاعات گیسکه قرار دارد، نیز در دست دارند. از این منطقه امکان حمله وجود ندارد.

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۷ژ

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به‌در می‌برد. وا[لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به‌در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.

ارتفاع ۳۴۳ یک حالت تأمینی داشت و از روی آن قله، نیروهای ما را می‌توانستند در مسیر کهنه‌ریگ و گیسکه زیر نظر داشته باشند و بقیهٔ نیروهایشان در قسمت عقب‌تر بودند و یکی از الطاف خداوندی را باید همان برآورد اشتباه نیروها به حساب آورد که آنها دارای چه استعدادی بودند و ما با چه استعدادی آنها را قلع‌وقمع کردیم.

یکی دیگر از الطاف الهی

۲ روز قبل از عملیات لازم بود تا نقل و انتقالات زیادی صورت بگیرد. یک سری تانک و نفربر می‌بایستی به منطقه گسیل می‌شد. نیروها و تدارکات بایستی در منطقه جابه‌جا بشوند که به لطف خدا در این ۲روز منطقه را ابر پوشانده بود و دشمن به خاطر ابرگرفتگی اولاً بر منطقه دید کافی نداشت که نقل و انتقالات را مشاهده کند، ثانیاً هواپیماهای دشمن نتوانست عمل شناسایی را انجام دهد.

قبلاً که هوا صاف بود، دشمن متوجه نقل و انتقالات و جاده‌کشی می‌شد و حتی هفتهٔ قبل از عملیات هواپیماهای دشمن جادهٔ اصلی سومار را بمباران کردند. اما ۲ روز قبل از عملیات که بیشترین حجم نیرو در آن منطقه وجود داشت و بیشترین رفت‌وآمد صورت می‌گرفت و در نتیجه بیشترین آسیب‌پذیری در آن زمان ممکن بود؛ چرا که آن منطقه در مقابل توپخانه و هواپیماهای دشمن بی‌نهایت خطرناک بود و تمام نیروها می‌بایستی فقط از جادهٔ اصلی سومار عبور می‌کردند که دشمن اگر تنها همین جاده را زیر آتش می‌گرفت، کلی از نیروهای ما آسیب می‌دیدند. ولی همان‌طور که ذکر شد، با لطف و عنایت خداوندی ۲ روز قبل از شروع عملیات هوا کاملاً ابری شد، به طوری که مانع پرواز هواپیماهای شناسایی دشمن و دید مزدوران مستقر در قله‌ها بر روی منطقه شد. در نتیجه دشمن از نقل و انتقالات وسیع در هنگام عملیات بی‌خبر ماند.

خنثی شدن ۲۰۰۰ مین فقط در یکی از معبرها

قابل ذکر است که فقط از یکی از معبرهای میدان مین ۲۰۰۰ مین خنثی و جمع‌آوری شده بود و در موقع عملیات چندین هزار نیرو از این منطقه عبور کردند و به یاری خدا حتی یک نفر روی مین نرفت. به طوری که می‌توان گفت:

–این بی‌سابقه‌ترین عملیاتی بود که هیچ‌یک از رزمندگان اسلام روی مین نرفتند و این مرهون لطف و عنایت خداوندی و زحمت و تلاش پی‌گیر **گروه‌های تخریب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

است.

آمدن به موقع ابر در مقابل ماه و رفتن به موقع آن

در شب عملیات نیروها می‌بایستی ارتفاع ۳۴۳ را که جلوتر از مواضع اصلی مزدوران قرار گرفته بود و یک سری از گروه‌های تأمین دشمن را دور می‌زدند و از تپه‌های کم دامنه می‌گذشتند تا به ارتفاعات اصلی کهنه‌ریگ و گیسکه برسند و جالب توجه این جاست که زمانی که می‌خواستند ارتفاع را دور زده و به راه خود ادامه دهند، یک تکه ابر بزرگ درست جلو مهتاب را گرفت و هوا تاریک شد و رزمندگان اسلام توانستند در تاریکی شب توسط افراد راهنما خیلی راحت از معبرهای باز شدهٔ تپهٔ ۳۴۳، گروه‌های تأمین را دور بزنند و خود را بدون کوچک‌ترین درگیری به زیر ارتفاعات برسانند و عجیب‌تر آن‌که هنگامی که می‌بایستی از دامنهٔ قله بالا می‌رفتند، لکهٔ ابر از جلو مهتاب کنار رفت و منطقه به وسیلهٔ مهتاب روشن شد و برادران توانستند با استفاده از نور مهتاب خیلی سریع خود را به بالای قله برسانند.

آن‌قدر یاری خداوند آشکار و به وضوح دیده می‌شد که اگر حتی یک انسان کافر نیز در آن‌جا حضور داشت، بی‌شک مسلمان می‌شد.

و به همین علت رزمندگان از اصل غافلگیری استفاده کردند و آن‌چنان در یک زمان به لشگر کفر هجوم بردند که یک عده از مزدوران را با لباس زیر به اسارت گرفتند و تعداد کثیری را به هلاکت رساندند.

رزمندگان اسلام با لطف و امدادهای غیبی الهی توانستند قله‌های بسیار مهمی را که برای گرفتن آن ۲ شبانه‌روز پی‌درپی جنگیدن را تصور می‌کردند، در عرض چند ساعت فتح نمایند.

این قله‌های مهم با شیب بسیار زیاد، اکثرشان دارای شیب ۹۰ درجه بودند، مثل ارتفاع گیسکه و کهنه‌ریگ. و برای فتح این قله‌ها ما کمترین شهید را دادیم.

در صورتی که بیش از ۵۰۰۰ نفر از نیروهای بعثی کشته، عدهٔ کثیری از آنان مجروح و بیش از ۳۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند.

دشمن تا تاریخ ۶۱/۷/۱۲ بیش از ۱۰ پاتک زد که هر کدام از پاتک‌ها به سختی با شکست روبه‌رو شد و در تاریخ ۶۱/۷/۱۱، ۲تا از پاتک‌ها متشکل از گردان‌های کماندو صدام و تانک‌های تی ۷۲ به فرماندهی خود صدام دفع شد.

در این پاتک ۱۲۰ نفر از آنان غافلگیرانه به اسارت نیروهای اسلام درآمدند و ۲ تانک تی۷۲ سالم گرفته شد. و ۵ تانک تی۷۲ منهدم و مقادیر بسیار زیادی مهمات به غنیمت گرفته

شد. در این پاتک و حمله‌های رزمندگان اسلام آن‌قدر از نیروهای کفار کشته شدند که دره‌ها پر از اجساد بعثیون می‌باشد.

ناگفته نماند که **دشمن زبون در یکی از پاتک‌هایش دست به حیله‌ای جدید زده بود و آن این‌که از لباس فرم بسیج و پیشانی‌بندهای سبز رنگ استفاده کرده بود.**

لازم به ذکر است که با فتح قله‌های کهنه‌ریگ و گیسکه تمام موانع ارتفاعی تا خود بغداد از سر راه برداشته شده است و تنها یک دشت باز فاصلهٔ ما با بغداد را تشکیل می‌دهد.

خود شهر مندلی در فاصلهٔ ۷ کیلومتری ما قرار دارد، به طوری که با خمپارهٔ ۱۲۰ می‌توانیم شهر را بزنیم.

در این عملیات باید از **برادران گروه مهندسی جهاد سازندگی، سپاه، بسیج، برادران ارتش جمهوری اسلامی و هوانیروز شجاع** کمال قدردانی به عمل آید.

برادران هوانیروز در حمل مجروحین سهم به سزایی داشتند. چون منطقه صعب‌العبور بود و همچنین باید تشکر کنیم از **آیات عظام نظیر آیت‌الله حائری شیرازی** که از چند روز قبل در منطقهٔ عملیاتی حضور فعال داشتند و **دایم برای برادران ارتش و سپاه و بسیج سخنرانی متعددی داشتند و آنها را برای این عملیات از نظر بعد معنوی کاملاً آماده کردند، و آیت‌الله اشرفی اصفهانی که در موقع شروع عملیات حضور داشتند** و همچنین بقیهٔ **برادران روحانی و برادر آهنگران** که با سرودها و نوحه‌ها روحیهٔ عجیبی به برادران می‌دادند.[1]

۱- نشریهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۶۹ ، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۶۷** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام ۱ میگ، ۳ تانک و ۱۷۰ صدامی توسط سلحشوران اسلام**

امضا:

سرویس جنگ:

سلحشوران همیشه پیروز لشگر اسلام در ۲ روز گذشته با حفظ برتری آتش ۳ تانک و ۱۷۰ صدامی را در جبههٔ غرب نابود کردند. همچنین توسط جنگنده‌های ارتش اسلام ۱هواپیمای میگ ۲۳ دشمن در آسمان اسلام‌آباد غرب هدف واقع و سرنگون شد.

به گزارش رسیده:

در شب و روز پنج‌شنبهٔ گذشته در جبههٔ عملیاتی غرب کشور ظفرمندان اسلام با استفاده از کاربرد سلاح‌های سبک و سنگین ضمن دفع پاتک‌های دشمن زبون و تحکیم مواضع پدافندی تصرف شده خسارات و تلفاتی به دشمن متجاوز وارد کردند.

به موجب این گزارش طی همین مدت با آتش کوبنده و پرحجم نیروهای پرتوان اسلام ۱ دستگاه تانک، ۱ دستگاه لودر، ۴ دستگاه خودرو و ۲ انبار مهمات خصم زبون منهدم و بیش از ۱۷۰ نفر از قوای بعثی کشته و زخمی شدند.

همچنین در ۴۸ ساعت گذشته ۲ تانک و ۵ انبار مهمات صدامیان در این منطقه منهدم و به آتش کشیده شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۶۸ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **هلاکت ۴۲ صدامی در جبهه‌های آبادان**

امضا:

آبادان، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

با آتش دقیق و هماهنگ سپاه اسلام طی ۲ شب و روز گذشته با انهدام ۱۵ سنگر نفرات دشمن،۲۱ تن از مزدوران صدامی در منطقهٔ آبادان به هلاکت رسیدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از آبادان در نتیجهٔ آتش پرحجم رزمندگان اسلام متشکل از **برادران جان برکف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پرسنل یگان‌های نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی** طی این مدت، ۴ سنگر اجتماعی و ۶ سنگر انفرادی دشمن در آن سوی اروندرود به کلی منهدم شد و حداقل ۱۳ تن از نفرات رژیم بعثی- صهیونیستی عراق به هلاکت رسیدند. در همین مدت با آتش **پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی آبادان و حومه**، بر روی مواضع و تجهیزات دشمن در۲منطقهٔ سیبه و سیحان ۴ سنگر اجتماعی و انفرادی و ۱ سنگر دیده‌بانی دشمن منهدم و ۸ تن از نفرات آن به هلاکت رسیدند.

در همین حال با آتش دقیق رزمندگان اسلام از تردد خودروهای تدارکاتی دشمن در جادهٔ فاو ـ بصره جلوگیری به عمل آمد و تلاش مذبوحانهٔ نفرات دشمن در حفر کانال و تحکیم موضع متوقف شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۶۹** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفع تجاوز هوایی جنگنده‌های عراقی به ایلام و آبادان**

امضا:

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۳ فروند از هواپیماهای متجاوز عراقی از نوع میگ ۲۵ دیروز در ساعات ۹/۰۳ و ۱۱/۱۰ دقیقه بر فراز شهر مقاوم و قهرمان‌پرور ایلام ظاهر شدند که قبل از هر گونه اقدامی با آتش پرحجم و هماهنگ یگان‌های پدافند نیروی هوایی و زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواجه و متواری شدند.

همچنین با هوشیاری پرسنل یگان‌های پدافند مستقر در منطقهٔ آبادان ۲ روز گذشته تجاوزات هوایی چند فروند از هواپیماهای تجاوزگر رژیم بعثی صهیونیستی عراق دفع شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از آبادان تجاوزات هوایی هواپیماهای تجاوزگر رژیم صدامی در ساعت‌های ۸/۲۷، ۸/۳۰، ۸/۳۹، ۹/۵۰، ۱۰/۰۷، ۱۱/۱۷، ۱۵/۰۵، ۱۶/۵۰و ۱۷/۱۶ دقیقهٔ روز پنج‌شنبهٔ گذشته در منطقهٔ فاو قبل از انجام هر گونه عملیاتی دفع شد و هواپیماهای دشمن مجبور به فرار شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۰ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شلیک گلوله‌های دوربرد بر روی شهر آبادان**

امضا:

آبادان، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

مزدوران عراقی طی شبانه‌روز گذشته با شلیک گلوله‌های دوربرد بر روی شهر قهرمان‌پرور آبادان ۷ واحد مسکونی را تخریب و طعمهٔ حریق ساختند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از آبادان بر اثر شلیک مزدوران صدامی ۳ واحد مسکونی تخریب و ۴ منزل دیگر طعمهٔ حریق شد و به ۲ منزل دیگر خساراتی وارد آمد.

بر اساس این گزارش در چند منطقهٔ دیگر شهر آبادان آتش‌سوزی‌هایی رخ داد که خسارات عمده‌ای دربر نداشت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۱ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پرتاب ۹۰۰ گلولهٔ توپ و خمپاره و ۱۴۰۰ گلولهٔ منور دشمن در منطقهٔ عملیات رمضان**

امضا:

به گزارش قرارگاه کربلا به واحد مرکزی خبر اهواز به دنبال شکست مفتضحانهٔ نیروهای بعثی صهیونیستی رژیم حاکم بر عراق در عملیات مسلم‌بن عقیل و آزادسازی ارتفاعات سوق‌الجیشی و دیگر ارتفاعات مرزی ایران مشرف بر شهر مندلی عراق و شکست ضدحمله‌های اخیر ارتش صدام آمریکایی در اطراف این شهر و ترس دشمن از دیگر حملات ظفرمندانهٔ اسلام، شب گذشته نیروهای بعثی صهیونیستی عراق حدود ۹۰۰ گلولهٔ توپ و خمپاره و ۱۴۰۰ گلولهٔ منور در سراسر محورهای عملیاتی رمضان پرتاب کردند.

دشمن با پرتاب این گلوله‌ها سعی داشت روحیهٔ ارتش رو به زوالش را در جنوب برای مقابله با قوای اسلام بالا ببرد، چرا که می‌داند قادر به ادامهٔ مقابله نیستند.

این گزارش می‌افزاید:

آتش مذبوحانهٔ صدامیان با پاسخ سریع نیروهای اسلام درهم کوبیده شد.

همچنین این گزارش حاکیست که ۲ فروند از هواپیماهای متجاوز عراقی که قصد بمباران منطقه را داشتند، با آتش پدافند رزمندگان اسلام مبادرت به فرار نمودند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۲ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بازدید فرماندهٔ کل سپاه پاسداران از پایگاه‌های سپاه منطقهٔ ۲ کشور**

امضا:

اصفهان:

برادر محسن رضائی فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامهٔ بازدید خود از **پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۲، مراکز سپاه پاسداران نجف‌آباد، قمشه، بروجن، شهرکرد و زرین‌شهر** را مورد بازدید قرار داد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از اصفهان، برادر رضائی ضمن این بازدیدها طی جلساتی با مسئولین سپاه پاسداران این مناطق، مسائل آنان را مورد بررسی قرار داد و در جمع پاسداران انقلاب نیز پیرامون **توطئه‌های آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی و شرایط حساس** سخنانی ایراد کرد.

بنا بر همین گزارش، چند تن از اعضای شورای عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که همراه برادر رضائی هستند، ضمن بازدید از مراکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرهای یزد، خوانسار، داران و چند شهر دیگر، مسائل آنان را مورد رسیدگی قرار دادند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۳ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **سمینار مشترک فرماندهان سپاه پاسداران ۳ منطقه**

امضا:

اصفهان، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

با حضور آقای **محسن رضائی فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** که به اصفهان سفر کرده است، **سمینار مشترک فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران منطقهٔ۹، ۶ و ۲ کشور** صبح دیروز در پادگان غدیر اصفهان تشکیل شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در این سمینار ۱ روزه که چند تن از **اعضای شورای عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران مناطق ۹ و ۶ و ۲ کشور** شرکت داشتند، پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آقای رضائی ضمن تجلیل از ایثارگری‌های رزمندگان اسلام در نبرد با کفار بعثی عراق، **اهداف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در موقعیت کنونی انقلاب اسلامی** تشریح کرد.

وی همچنین در رابطه با **نقش سپاه پاسداران به ویژه در قبال توطئه‌های جدید آمریکا و دیگر ابرقدرت‌ها در سطح منطقه** مطالبی بیان داشت.

بنا بر همین گزارش در ادامهٔ این سمینار فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسائل سپاه پاسداران این مناطق را مورد بررسی قرار داد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۷۴** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مسافرت فرماندهٔ سپاه به قمشه**

امضا:

قمشه (شهرضا)، خبرنگار جمهوری اسلامی:

۲ روز پیش آقای **محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** به اتفاق **حجت‌الاسلام نمازی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۲** کشور وارد قمشه شدند و در جلسه‌ای که با حضور امام جمعه، فرماندار، اعضای شورای سپاه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی تشکیل شده بود، شرکت نمود.

در این جلسه فرماندهٔ سپاه پیرامون مسائل جاری مملکت سخنانی ایراد نمود و سپس در جمع برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قمشه حضور یافت و پیرامون اوضاع جبهه‌های جنگ سخنانی ایراد کرد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۷۵** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعلام نیازهای جهاد سازندگی در جبهه**

امضا:

سرویس خبری:

جهاد سازندگی جهت اعزام نیروهای متعهد و حزب‌اللهی به جبهه‌های جنگ تحمیلی و بازسازی مناطق جنگی، نیاز مبرم به تخصص‌های زیر دارد:

- مهندس راه و ساختمان، برق، معدن، زمین شناسی، آبیاری
- تکنسین راه و ساختمان، برق، معدن، زمین‌شناسی، آبیاری
- پزشکیار و امدادگر
- مکانیک ماشین‌های سنگین راه‌سازی
- رادیاتورساز ماشین‌های سنگین و دینام‌پیچ
- رانندهٔ لودر، بلدوزر، گریدر، بیل مکانیکی

داوطلبین با در دست داشتن ۲ قطعه عکس و ۱ برگ فتوکپی شناسنامه و تأییدیه از مسجد محل به دفتر مرکزی جهاد سازندگی (خیابان طالقانی، چهارراه ولی‌عصر، ساختمان جهاد) مراجعه نمایند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۶ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های نقدی و غیرنقدی به رزمندگان اسلام**

امضا:

سرخس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از طرف کارکنان و کارمندان ادارهٔ املاک سرخس مبلغ ۵۲۵۸۰۰ ریال وجه نقد جهت کمک به جبهه‌ها به شماره حساب مربوط واریز نمودند.

همچنین از طرف اهالی روستای کلاته مره‌ای و توسط شورای اسلامی این روستا از توابع سرخس ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد و از طرف اهالی روستای تپه میراحمد مقدار ۳۰ خروار گندم جمع‌آوری و تحویل جهاد سازندگی سرخس شد.

اصفهان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به دنبال ایثارگری‌ها و گذشت برادران حزب‌اللهی از جان و مال خویش جهت کمک به جبهه‌ها برادران کارگر کارخانهٔ کاشی اصفهان شیفت شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی مبلغ ۱۲۳۷۰۰۰ ریال به حساب ۷۴۰۰ جهاد سازندگی اصفهان واریز نمودند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: **۲۷۷** تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا**

امضا:

زنجان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک **پاسدار شهید علی مردان موحد** که در مصاف با جنایت‌پیشگان آمریکایی به درجهٔ رفیع شهادت رسیده بود، در میان اقشار مختلف مردم حزب‌الله زنجان با شعارهای کوبنده تا بهشت شهدا تشییع شد و در آن‌جا پس از نماز بر بالین شهید به خاک سپرده شد.

در این مراسم **حجت‌الاسلام موسوی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ زنجان** که از سفر حج بازگشته بود، برای حاضرین سخنرانی کرد.

اراک، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در روز گذشته پیکر پاک ۴ تن از شهدای جبهه‌های جنگ حق علیه باطل به نام‌های سرباز شهید تقی زمانی، سرباز شهید داود زارعی، سرباز شهید مختار حسین‌آبادی و پاسدار شهید غلامرضا مرادی که به دست مزدوران شیطان بزرگ به شهادت رسیده بودند، با شکوه خاصی با شرکت جمع کثیری از مردم انقلابی اراک از میدان آزادی تا مزار شهدا تشییع و به خاک سپرده شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۸ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعلام برگزاری مراسم شهدا**

امضا:

بسم رب الشهداء والصدیقین

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً

شهادت جانگداز **پاسدار جان‌برکف اسلام برادر مجتبی احمدیان** عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکدهٔ خدمات اجتماعی را که در عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل به لقاءالله پیوسته است، به‌پیشگاه بقیه‌الله‌الاعظم(عج)، امام و امت شهیدپرور و خانوادهٔ محترم آن شهید و همسر بزرگوارش تبریک و تسلیت می‌گوییم.

امیدواریم خداوند ما را در رهروی از راه شهدای عزیزمان یاری فرماید.

ضمناً جهت شادی روح آن شهید مجلس ختمی در روز پنج‌شنبه ۲۹مهرماه از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در محل دانشکدهٔ خدمات اجتماعی واقع در خیابان کارگر جنوبی، چهارراه لشگر، جنب پمپ بنزین منعقد می‌باشد.

انجمن اسلامی دانشجویان، کارکنان و شورای مدیریت جهاد دانشگاهی،

دانشکدهٔ خدمات اجتماعی و انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی ایران[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۷۹ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تشریحی**

موضوع: **پیدایش شورای همکاری خلیج فارس و ماهیت کشورهای عضو**

امضا:

شورای همکاری خلیج فارس چگونه به وجود آمد؟

در پی جلسهٔ اخیر **شورای همکاری خلیج فارس** که حدود ۱۰ روز پیش در عربستان تشکیل شد، چند نامه در مورد **ماهیت و سوابق شورای مذکور** به دستمان رسیده است.

این تعداد نامه همراه با نامه‌هایی که قبلاً در همین رابطه به دستمان رسیده بود، ما را بر آن داشت تا به **بررسی سوابق و عملکرد شورای همکاری خلیج فارس و معرفی ماهیت کشورهای عضو** بپردازیم.

اکنون در پاسخ به این سؤال که: «**شورای همکاری خلیج فارس چگونه به وجود آمد؟**»، مطالبی را به استحضار خوانندگان گرامی می‌رسانیم.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاه معدوم نقش سه‌گانه‌ای برای غرب ایفا می‌کرد. او در آن واحد **مهم‌ترین واگذارکنندهٔ نفت، بزرگ‌ترین خریدار اسلحه و قوی‌ترین ژاندارم منافع امپریالیستی آمریکا در خلیج فارس** بود و به تبع آن، برای تداوم تثبیت و تقویت این وظیفه، خواهان انعقاد یک پیمان منطقه‌ای به سرپرستی خود بود، چه آن‌که **تنگهٔ هرمز به لحاظ محل تلاقی آب‌های خلیج فارس و اقیانوس هند از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار بوده و هست و**

در هر ۱۰ دقیقه ۱ نفت‌کش از آن عبور می‌کند و مجموع ۶۲ درصد نفت جهان از این تنگه می‌گذرد و تنها راه خروجی برای کشورهای ساحلی ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحدهٔ عربی و سلطان‌نشین عمان به شمار می‌رود.

لذا قدرتی که تنگهٔ هرمز را پاسبانی می‌کرد، مهار این شاهرگ حیاتی غرب را در اختیار داشت و از همین‌رو **شاه معدوم به عنوان وفادارترین مجری طرح‌های امپریالیستی آمریکا و حارس رژیم‌های مرتجع وابسته به غرب، از پیشرفته‌ترین سلاح‌های مدرن غرب برخوردار می‌گردد.**

اما با **پیروزی انقلاب اسلامی در ایران**، قدرتمندترین متحد آمریکا در منطقه و حامی شیوخ عرب که خود را **عامل جزیرهٔ به اصطلاح ثبات در خاورمیانه** می‌دانست، **سقوط کرد** و کاخ آمال امپریالیزم فرو ریخت و بافته‌های دیرین‌شان به دست امت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی بت‌شکن زمان رشته و نقشه‌هایشان تماماً نقش برآب شد و چنان از این ضربه گیج و مبهوت شدند که **صهیونیست معروف موشه‌دایان معدوم در ارزیابی حوادث ناشی از آن** گفت:

– زلزله‌ای در خاورمیانه به وقوع پیوسته است.

و **رژیم سعودی** نیز به طور علنی اعلام کرد:

– به دوستی آمریکا چندان اعتمادی نیست.

سران بعضی از کشورهای حوزهٔ خلیج فارس، همچون عمان و امارات عربی متحده نیز خواستار حمایت نظامی بیشتر انگلستان از منطقهٔ نفت‌خیز خلیج فارس شدند و در این خصوص **وزیر دفاع انگلستان** پس از دیدار با چند تن از شیوخ عرب و مراجعت به لندن می‌گوید:

– چند کشور عربی در منطقهٔ خلیج فارس علاقمند به کمک بیشتر از جنبهٔ سیاسی و نظامی می‌باشند.

به هر حال به خاطر آن‌که «اسلام» جوهر اصلی انقلاب ایران بوده و هست، طبیعی است که در به حرکت درآوردن توده‌های مسلمان جهان خصوصاً مسلمین خاورمیانه و بیشتر از آن در بین کشورهای حوزهٔ خلیج فارس نقش اساسی و عمده پیدا کند و با نیرو دادن به مسلمانان این کشورها که هنوز تحت سلطهٔ رژیم‌های پادشاهی به سر می‌برند، موجبات سست شدن پایه‌های امارات رؤسای منطقه را فراهم آورد و طبیعی‌تر از آن، **وحشت حکام خلیج[فارس] از توسعه یافتن انقلاب اسلامی** است. چرا که در شرایط جدید نه تنها بزرگ‌ترین حامی آنان در منطقه سقوط کرده، بلکه حکومتی با خمیرمایهٔ اسلام، به همراه قریب ۴۰ میلیون مسلمان مؤمن و در اختیار داشتن سلاح‌های مدرن، جانشین آن شده و با برگزیدن شعار:

«نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»

صدور انقلاب را وجههٔ همت خود قرار داده و به مطمئن‌ترین پشتوانه و سرمایهٔ حرکت‌های رهایی‌بخش منطقه تبدیل شده است.

در چنین شرایطی است که **سران مرتجع خلیج[فارس]، وحشت‌زده و هراسان به تلاش و کوشش برمی‌خیزند تا بلکه با کمک غرب و رهنمودهای او، مفری برای گریز از امواج انقلاب اسلامی ایران که لزوماً منافع غرب ایجاب آن را می‌کرد، بجویند.**

بنابراین بر اساس **منافع استراتژیکی آمریکا** و یا به بیان امپریالیست‌ها، منافع ملی!! در منطقه از یک سو و متوحش شدن رهبران کشورهای خلیج فارس به لحاظ نضج‌گیری حرکات انقلابی در منطقه، از سوی دیگر موجب اجلاسیه‌های متعدد این کشورها و مسافرت‌های مکررشان به کشورهای هم‌جوار و همچنین آمدورفت دیپلمات‌های سیاسی و کارشناسان نظامی و اقتصادی غرب و تماس‌های لاینقطع با پادشاهان و امیران محتضر که به هر طریق خواهان تداوم ریاست‌شان هستند، آغاز می‌شود و **همگی در خصوص یافتن راهی برای سد کردن نفوذ انقلاب و ممانعت از توسعهٔ آن در کشورهای نفت‌خیز و در عین‌حال ایجاد یک ژاندارم و جهت جایگزینی آن به جای ایران پیش از انقلاب**، اقدام به تشکیل جلسات محرمانه و غیرمحرمانه می‌کنند که در این روال تدریجاً نطفه‌های **یک پیمان امنیتی، نظامی و سیاسی اقتصادی** تحت عنوان «**شورای همکاری‌های کشورهای عرب خلیج فارس**» بسته می‌شود و در ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۹ موجودیت آن در **ریاض پایتخت نشست‌های امپریالیستی** رسماً اعلام می‌شود.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۰ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تبیینی**

موضوع: **اهداف «شورای همکاری‌های خلیج فارس» به عنوان ابزار آمریکا در منطقه (۲ قسمت)**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

قسمت اول

س: اهداف «شورای همکاری‌های خلیج فارس» چیست؟

ج: آمریکا از آغاز ورودش به خاورمیانه همیشه سعی‌اش بر این بوده است که منافع خود را از طریق انعقاد پیمان‌های جداگانه یا زنجیره‌ای، در یک کشور، منطقه یا مجموعه‌ای از کشورها در بین متحدانش به دست آورد و طی سال‌های اخیر بیش از پیش، تلاشش معطوف به چگونگی **حفظ امنیت مطلوب آمریکا در این منطقه و برقراری پیمان‌های گوناگون** بوده است؛ چه آن‌که با پیروی از این شیوه بدون آن‌که نیازی به حضور نظامی در منطقه داشته باشد، به واسطهٔ رژیم یا رژیم‌های دست‌نشانده و متعهد کردن آنها نسبت به یک پیمان امپریالیستی، به راحتی منافع خویش را حفظ می‌کند و لذا تشکیل یک پیمان امنیتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی تحت نام **«شورای همکاری‌های خلیج فارس»** مستثنی از این قاعده نیست که جهت روشن‌تر شدن این مطلب ذیلاً به بیان شرایطی که شورای مزبور در آن شکل گرفت، می‌پردازیم:

۱- متلاشی شدن رژیم شاهنشاهی ایران و فروریختن دژ پرقدرت ژاندارم آمریکا در منطقهٔ خاورمیانه.

۲- برهم خوردن توازن نیروی نظامی منطقه به زیان آمریکا و پیدایش وضعیت جدید

انقلابی.

۳- مطرح گشتن اسلام به عنوان راهنمای عمل برای به ثمر رساندن انقلاب در بین جوامع مسلمان خصوصاً کشورهای منطقهٔ خلیج فارس.

۴- نمودار شدن اسلام به عنوان یک مجموعهٔ کامل و دربرگیرنده برای تشکیل حکومت.

۵- طرح حفظ استقلال، بدون تکیه به شرق یا غرب.

۶- تبدیل ایران به بزرگ‌ترین حامی ملت مسلمان فلسطین و مسلمانان لبنان در جهت مبارزات ضدصهیونیستی منطقه.

۷- رشد روزافزون نهضت‌های انقلابی در منطقه در اثر پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به مخاطره افتادن شیوخ وابسته به غرب.

۸- شناخته شدن ایران به عنوان حامی کشورهای مخالف آمریکا همچون سوریه، لیبی، الجزایر و...

۹- وحدت ۳ جانبهٔ کشورهای لیبی، اتیوپی و یمن جنوبی.

۱۰- تجاوز و حضور شوروی در افغانستان و...

بر اساس موارد فوق می‌توان ادعا کرد:

این شورا، درست در زمانی تشکیل می‌شود که **آمریکا بیش از هر زمان دیگر، نیازمند ثبات منطقه به واسطهٔ یک «جبههٔ ژاندارمی» در خلیج فارس به خاطر حفظ مواضع استراتژیک از یک طرف و حفاظت از چاه‌های نفت به عنوان منافع ملی‌اش!! می‌باشد** و در این میان **«شورای همکاری‌های خلیج فارس»** جز به مثابه **«جبههٔ ژاندارمی خلیج»**، در جهت **فعال ساختن مدار تدارکات جنگی آمریکا** نمی‌تواند باشد.

و این مسأله را عبدالله بشاره دبیرکل «شورای همکاری‌های خلیج فارس» در پاسخ به سؤال خبرنگاران مبنی بر این‌که:

- «آیا کسی می‌تواند این نقش (ژاندارمی خلیج) را بازی کند؟»

به شرح زیر بیان می‌دارد:

- هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند، مگر با همکاری دسته‌جمعی کشورهای خلیج. من فکر نمی‌کنم که یک قدرت دورافتاده بتواند بدون همکاری مردم بومی منطقه ثبات خلیج را تضمین کند. **ثبات خلیج را نمی‌توان از ثبات خاورمیانه جدا کرد.**

البته برای این‌که ثبات منطقه که ثبات آمریکا و همچنین ثبات حکومت شیوخ وابسته را در گرو خود دارد، بتواند در رأس مسائل خاورمیانه قرار گیرد و برای حکومت‌های مرتجع از حساسیت

درجهٔ یک برخوردار گردد، لزوماً می‌بایست موضوع فلسطین به نحوی راه‌حل بیابد و از متن به حاشیه کشانده شود و به عنوان مسألهٔ درجهٔ ۲ و ۳ اعراب از اهمیت بیفتد و در عوض امرای خلیج تحت لوای «شورای همکاری‌های خلیج فارس» وارد میدان و مجری طرح‌های امپریالیستی شوند که در این رابطه دبیرکل شورا در همان مصاحبه به طور زیرکانه‌ای ثبات منطقه را در گرو حل مسألهٔ فلسطین مطرح می‌کند و می‌گوید:

- خلیج (فارس) بدون حل مشکل فلسطین شاهد ثبات را در آغوش نخواهد گرفت...

ثبات خلیج (فارس) به مرحله‌ای رسیده است که نمی‌توان آن را از راه‌حل مشکل فلسطین جدا کرد...

و لذا مشاهده می‌کنیم که شورای نامبرده در گام‌های اولیهٔ خود عزمش را جزم و به ارایهٔ **راه‌حل برای مسألهٔ فلسطین** می‌پردازد و با مطرح کردن **طرح ۸ ماده‌ای عربستان سعودی** که هستهٔ مرکزی شورا محسوب می‌شود و تصویب آن به اتفاق آرا از سوی مابقی اعضای شورا، **نخستین مانور کارایی شورای همکاری...** به نمایش گذاشته می‌شود که با توجه به این مسائل قابل درک است که **شورای مزبور در ابعادی بسیار گسترده‌تر از کمپ‌دیوید توان فعالیت دارد.**[1]

قسمت دوم

اهداف شورای همکاری خلیج فارس چیست؟

ج: علاوه بر آن‌چه که در شماره‌های گذشته در تشریح علل به وجود آمدن شورای همکاری خلیج فارس آمد، **از دیگر وظایف شورای همکاری... سرکوبی جنبش‌های رهایی‌بخش مردم مسلمان منطقه به خاطر حفظ رژیم‌های حوزهٔ خلیج و توسعه دادن مدار تدارکات جنگی آمریکا به وسیلهٔ یک پیمان جمعی، برای محاصرهٔ انقلاب اسلامی ایران می‌باشد** که در این مورد نیز **عبدالله بشاره** در جمله‌ای پرمعنا در مورد شورا می‌گوید:

- **کودک متولد شده، ولی هنوز دندان ندارد.**

لکن با توجه به این‌که شورای همکاری... با اختصاص دادن ۳۲ میلیارد دلار در سال جاری، جهت ایجاد یک کمیتهٔ مشترک دفاعی به منظور هماهنگ ساختن آموزش و خرید سلاح که مهم‌ترین بخش این طرح شامل احداث ساختمانی مشابه ساختمان وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) با هزینه‌ای معادل ۲۱ میلیارد دلار در «ال‌بطین» است (شمال شرقی ریاض)، کاملاً مشخص می‌شود که این کودک تازه متولد شده، می‌رود که تا بن دندان مسلح به مدرن‌ترین

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵- این سند به دلیل پیوستگی با سند قبل در این تاریخ آورده شده است.

سلاح‌های استراتژیک غرب شود. خصوصاً که اگر معاملهٔ ۸/۵ میلیارد دلاری عربستان مبنی بر خرید ۵ فروند آواکس به اضافهٔ ملزومات و مقداری وسایل یدکی را به آن بیفزاییم.

در پایان نتیجه می‌گیریم که:

«شورای همکاری‌های خلیج فارس» اگرچه «جامعهٔ اقتصادی اروپا» را الگوی خود معرفی و چنین وانمود می‌کند که بدون تمایل به حضور ابرقدرت‌ها در منطقه علاقمند به همکاری امنیتی در امور داخلی خود هستند، لکن با این همه آن‌چنان‌که تا حدودی در تاریخچهٔ شورا مشاهده خواهیم کرد، به خوبی قابل فهم است که ۶ کشور عضو شورا به عنوان یک بازار مشترک که به بزرگ‌ترین بازار خرید اسلحهٔ غرب تبدیل خواهد شد، به مثابه **بازوی مسلح آمریکا در منطقه، اهدافش عمدتاً در وسعت دادن به مدار تدارکات جنگی آمریکا در منطقه، به محاصره درآوردن انقلاب اسلامی ایران، به مخاطره انداختن کشورهای مترقی منطقه، سرکوب نهضت‌های اسلامی، حفظ حکام مرتجع وابسته به غرب و...** خلاصه می‌شود و لذا از این رو دارای اهمیت ویژه‌ای برای غرب می‌باشد که قسمتی از این اهداف در **کمک ۱۴ میلیارد دلاری شورا به رژیم صدام حسین جهت تأمین خسارات وارده و ایستادگی در برابر انقلاب اسلامی ایران** متجلی است.

صرف‌نظر از این موارد، شورای همکاری اقدام به تأسیس ۱ صندوق پولی به منظور اجرای پروژه‌های بزرگ از قبیل ایجاد یک مرکز تعلیمی رادیو تلویزیون به مبلغ ۳/۳ میلیون دلار در قطر و تأسیسات دیگر فعال بوده و علاوه بر روابط بازرگانی و گمرکی انتظار می‌رود نهادهایی همچون «خبرگزاری خلیج عرب»، «تلویزیون خلیج»، «سازمان کار خلیج عرب»، «سازمان مشاورهٔ صنعتی خلیج» و... زیر پوشش شورای مزبور برود.

کشورهای عضو شورا، نهادها و اساسنامهٔ داخلی آن

کشورهای تشکیل‌دهندهٔ «شورای همکاری‌های خلیج فارس» عبارتند از:

۱- کویت

۲- بحرین

۳- قطر

۴- امارات متحده عربی

۵- عمان

۶- عربستان سعودی (عربستان بدون آن که قید شده باشد، هستهٔ مرکزی و رهبر شورا محسوب می‌شود.)

همچنین این شورا از **۳ نهاد اساسی** زیر تشکیل می‌شود:

۱- شورای‌عالی که شامل رهبران ۶ کشور فوق می‌شود و در سال ۲ بار تشکیل جلسه می‌دهند.

۲- شورای وزیران که در سال ۴ مرتبه تشکیل جلسه می‌دهند.

۳- دبیرخانه که مرکز آن در ریاض پایتخت عربستان سعودی است و **دبیرکل شورا نیز عبدالله بشاره نمایندهٔ سابق کویت در سازمان ملل متحد** می‌باشد.

ضمناً اساسنامهٔ داخلی شورا که در ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۹ منتشر شد، شامل ۱۸ ماده به شرح زیر است.

مادهٔ ۱:

این اساسنامه، اساسنامهٔ داخلی شورای‌عالی همکاری‌های کشورهای عربی خلیج (فارس) می‌باشد.

مادهٔ۲: شورا از سران کشورهای عضو تشکیل می‌شود و ریاست آن دوره‌ای خواهد بود.

کشورهای عضو باید نام اعضای هیأت نمایندگی خود را به اطلاع دبیرکل شورا برسانند.

مادهٔ۳: ایجاد کمیته‌های فنی با شرکت اعضا برای بحث و بررسی پیرامون موضوعات معین از اهداف این شورا است.

مادهٔ۴: شورا ۲ نوبت در سال تشکیل خواهد شد و تاریخ آن نیز توسط دبیرکل شورا اعلام می‌شود.

مادهٔ۵: تشکیل جلسات رسمی شورا مشروط به حضور دوسوم از کل اعضا می‌باشد.

مادهٔ۶: شورا می‌تواند به درخواست یکی از کشورهای عضو و یا موافقت قبلی به طور استثنایی تشکیل جلسه دهد.

مادهٔ۷: ریاست شورای‌عالی (همکاری‌های خلیج فارس) به طور متناوب و به ترتیب حروف الفبای نام سران کشورهای عضو واگذار می‌شود و در اجلاس‌هایی که جهت حل اختلافات تشکیل می‌شود، ریاست شورا نباید بر عهدهٔ یکی از طرف‌های درگیر باشد.

مادهٔ۸: کارنامهٔ شورای‌عالی همکاری‌های خلیج (فارس)

الف: شورای وزرا گزارش طرح‌های انجام‌شده را که شامل لیست ارایه‌شده از سوی دبیرکل شورا و گزارش‌های شورای وزرا می‌باشد، تهیه می‌نماید.

ب: طرح‌هایی که از سوی کشور عضو به شورا ارایه شده است.

ج: هر کشور عضو می‌تواند مطالب تازه‌ای به کارنامهٔ شورا اضافه کند.

د: هر دوره پس از خاتمهٔ بحث در مورد مسائل مطروح، پایان می‌پذیرد.

مادهٔ۹: شورای‌عالی در هر دورهٔ عادی متشکل از رئیس شورا و رئیس شورای وزرا و دبیرکل می‌باشد. دفتر شورا پیش‌نویس را تنظیم نموده و در انجام امور به رئیس شورا کمک خواهد کرد.

مادهٔ۱۰: در آغاز هر دورهٔ عادی، شورا می‌تواند در صورت نیاز، کمیته‌های تحقیقاتی را طبق مندرجات کارنامهٔ شورا، تشکیل دهد. اعضای این کمیته‌ها نمایندگان کشورهای عضو می‌باشند.

مادهٔ۱۱: گفتگوها و پیشنهادات

الف: کشورهای عضو حق دارند در گفتگوهای شورا شرکت کنند.

ب: رئیس شورا ادارهٔ این جلسات را بر عهده دارد.

ج: رئیس شورا به ترتیب به کسانی که وقت گرفته‌اند، اجازهٔ سخنرانی می‌دهد.

مادهٔ۱۲: هر عضو می‌تواند درخواست توقف مذاکرات یا تعویق جلسات شورا را بنماید. تصمیمات متخذه و اصلاحات اساسی به طور کتبی به دبیرکل شورا ارایه می‌شود.

مادهٔ۱۳: رئیس شورا باید امور کمیته‌ها را پی‌گیری نموده و نامه‌هایی را که به شورای عالی همکاری‌های خلیج (فارس) رسیده است، به شورا ابلاغ نماید و تصمیمات صادره را رسماً در برابر اعضا اعلام کند.

مادهٔ۱۴: هر کشور عضو دارای یک رأی می‌باشد و هیچ‌یک از کشورها نمی‌توانند نمایندگی کشور دیگری را به عهده بگیرند و یا به جای او رأی دهند.

مادهٔ۱۵:

الف: رأی‌گیری با نام و مطابق حروف الفبا اجرا خواهد شد.

ب: اعضا می‌توانند از رأی دادن امتناع ورزند و در مورد تصمیمات اجرایی احتیاط نمایند.

ج: اگر رئیس جلسه اعلام رأی‌گیری نماید، کسی حق اعتراض ندارد.

مادهٔ۱۶:

الف: چنان‌چه یک عضو خواستار انجام اصلاحات شود، پیشنهاد وی باید با رأی‌گیری مورد تصویب قرار گیرد.

ب: هر پیشنهاد جدید که مکمل پیشنهاد اصلی باشد، تعدیل‌کننده تلقی می‌شود.

مادهٔ۱۷: شورای‌عالی همکاری‌های خلیج (فارس) می‌تواند کمیته‌های فنی ایجاد نماید. شورای

مذکور اعضای این کمیته‌ها را انتخاب می‌کند و توسط دبیرکل کارنامهٔ آنها مشخص می‌شود.

مادهٔ۱۸:

الف: هر کشور عضو می‌تواند برای اصلاح اساسنامه پیشنهادات خود را ارایه دهد.

ب: اساسنامه مورد تجدیدنظر قرار نمی‌گیرد مگر این‌که پیشنهادات اصلاح آن برای کشورهای عضو فرستاده شود.

ج: به جز مواردی که به احکام اساسنامهٔ اصلی استناد می‌نماید، هر اصلاحی در این مورد با نظر شورای‌عالی انجام می‌گیرد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۲۸۱ تاریخ صدور: **۲۴ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی**

موضوع: **وضعیت منطقه، اوضاع نابسامان لبنان و خطرات شرق و غرب برای امت اسلام**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

از جنوب لبنان تا بقاع

در حالی‌که **سخنگوی نظامی سوریه** برای سومین روز پیاپی نیروهای متجاوز اشغالگر قدس را ناقض آتش‌بس بین سوریه و اسرائیل غاصب در درهٔ بقاع دانست، خبرگزاری‌ها از حرکت سربازان رژیم اشغالگر به سوی درهٔ بقاع گزارش دادند و حتی **روزنامهٔ روسی «لتیراتور ناباکاربتا» (روزنامهٔ ادبیات)** نوشت:

سربازان اسرائیلی در حالی به سوی درهٔ بقاع حرکت می‌کنند که جهت مطالعهٔ دقیق اوضاع درهٔ بقاع به خاطر برنامه‌ریزی عملیات نظامی آینده، خود از تمام جاده‌ها، پل‌ها و مناطق دیگر عکس‌برداری می‌کنند.

اهمیت درهٔ بقاع به همان اندازه‌ای که برای دشمنان سوریه معلوم است، برای دوستان سوریه و به ویژه هم‌پیمان بزرگش شوروی نیز بسیار روشن وواضح است. زیرا خود آنها بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که درهٔ بقاع در سینهٔ خویش چه چیزهایی را جا داده است.

بنابراین می‌بایستی، این روزنامه راجع به کمک‌های شوروی نیز با درنظر داشتن جریان جدی بسیج نیروهای اسرائیلی و سعد حداد که به قول همین روزنامه: «اشتیاق شدیدی به فعالیت در این دره نشان داده است»، چیزهایی می‌نوشت که ننوشت.

شوروی در قضایای لبنان و به ویژه آن بخش حساس رویدادها که به سوریه مرتبط می‌شد، هیچ‌گونه واکنش جدی نشان نداد و نخواست که درگیری نظامی حتی غیرمستقیم نیز با متجاوزان اسرائیلی پیدا کند.

سکوت شوروی و بی‌خیالی آن به رغم وجود قرارداد چندین سالهٔ همکاری نظامی – سیاسی با سوریه، این تردید را ایجاد کرد که شوروی با رقیب ابرقدرت خویش یک نوع هم‌نوایی و هم‌سویی یا توافق دارد و سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز در هنگامی که این همه مصایب گریبانش را گرفت، نتوانست کمک جدی نظامی یا حمایتی که یک «اولتیماتوم» را در پی داشته باشد، از ناحیهٔ دوستان شوروی خود برخوردار شود. حتی «**طرح برژنف**» نیز که در آخرین لحظات پراکنده ساخته شدن فلسطینی‌ها مطرح شد، درست در جهت **منافع رژیم اشغالگر قدس** بود و **آن‌چه را که رژیم‌های وابسته و آمریکایی در فاس تصویب کردند، شوروی با عبارات دیگری به عنوان یک طرح، مطرح ساخت** که هیچ‌گونه اثری به بار نیاورد و چنان‌که شاهد هستیم، اینک پس از اتمام کارها در لبنان، نیروهای تجاوزگر رژیم اشغالگر قدس در حالی‌که مسلح به سلاح‌های آمریکایی هستند، به سوی درهٔ بقاع در حرکت بوده و نقل و انتقالات نظامی وسیعی را آغاز کرده‌اند.

با توجه به آن‌چه روزنامهٔ روسی منتشر کرده است، شوروی‌ها این حرکات را به خوبی می‌دانند و در عین حال واکنشی بیش از نشر گزارش این حرکات نشان نمی‌دهند؛ یعنی حاضر نیستند تعهدات خویش را به طور جدی عملی کنند.

جریان اوضاع در این بخش از خاورمیانه طوری است که **باید خود ملت‌ها به اتکای بازو و نیروی خود و با توکل به خداوند، جلو تجاوزات را بگیرند و هیچ‌گونه اتکایی به وعده‌ها و وعیدهای جهان‌خواران مصلحت‌بین نداشته باشند.** زیرا ابرقدرت‌ها فقط نسبت به آن بخش از تعهدات خویش پای‌بندی و سماجت به خرج می‌دهند که منافع مستقیم خودشان را دربر داشته باشند.

چون این احتمال وجود دارد که شوروی‌ها، درهٔ بقاع را با وجود مستقر ساختن موشک‌های مختلف، دور از محیط منافع استراتژیک خود بدانند.

هر چه خطر بیشتر می‌آید، سنگینی سکوت آنان نیز بیشتر می‌شود و این نشان می‌دهد که **در رابطه با جهان اسلام، بهترین سیاست**، «سیاست نه شرقی نه غربی» **است؛**

و کمترین نتیجهٔ آن بازگشت به خویشتن خویش اسلامی خودمان است،

و این بازگشت معنوی،

نیروی بیشتری در ما برای دفاع و جهاد، ایجاد می‌کند.

موازی با تکوین روند بسیج نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی و سعد حداد به سوی بقاع، کابینهٔ تروریست‌های صهیونیست پیشنهادات خود را برای ایجاد یک کمربند به اصطلاح دفاعی با وسعت ۴۰ تا ۵۵ کیلومتر در مرز شمالی فلسطین اشغالی که همان جنوب لبنان اشغالی است، تصویب کرد که برای تأیید شیطان بزرگ، در واشنگتن توسط شامیر تروریست مطرح خواهد شد.

رادیو رژیم صهیونیستی، بر روی **۲ نکته در این زمینه** تأکید دارد:

۱- لبنان مشخصاً متعهد می‌شود که **خاک این کشور هرگز بار دیگر به عنوان یک پایگاه برای فعالیت خصمانه علیه اسرائیل درنخواهد آمد.**

۲- یک **کمربند امنیتی با وسعت ۴۰ تا ۵۵ کیلومتر در جنوب لبنان** ایجاد می‌گردد که **تحت نظارت یک کمیسیون مشترک اسرائیلی - لبنانی** قرار خواهد داشت.

به طوری که روزنامه‌های رژیم اشغالگر قدس نیز گزارش داده‌اند، در ناحیهٔ به اصطلاح امنیتی رژیم اشغالگر به نیروهای فلسطینی و سوری که از نظر آنها «**نیروهای متخاصم**» هستند، اجازهٔ ورود نمی‌دهد و این ناحیه مشخصاً ساحل مدیترانه تا مناطق کوهستانی لبنان و بقاع را دربر می‌گیرد. و آن دسته از واحدهای ارتش لبنان که به توپخانه مجهز نباشند، می‌توانند در این کمربند، مستقر شوند.

البته رژیم اشغالگر قدس اصرار می‌ورزد تا نیروهای سعد حداد مزدور و فراری نیز در واحد ارتش لبنان برای استقرار در جنوب لبنان که بهتر است بگوییم اشغال دایمی جنوب لبنان، ادغام شوند!

این طرح کمربندسازی برای به اصطلاح امنیت رژیم اشغالگر قدس، سرآغاز اعمال «سیاست توسعه‌طلبی» رژیم اشغالگر قدس در سرزمین اسلامی لبنان است که در واقع ادامهٔ **توسعه‌طلبی منظم و سیستماتیک صهیونیست‌ها در خاورمیانه** می‌باشد و البته هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که صهیونیست‌ها به کمک شیطان بزرگ و ایادی‌اش به ویژه رژیم‌های مرتجع عرب که جاده صاف‌کن تجاوزات اشغالگران قدس هستند، این کمربند به اصطلاح امنیتی خویش را از این خط و نشان موجود که پیشنهاد کرده‌اند، فراتر نبرند.

اگر ما کلیهٔ حرکات موازی سیاسی - نظامی هفتهٔ اخیر لبنان را کنار هم قرار بدهیم، به این نتیجه می‌رسیم که «تار»های این کمربند به اصطلاح امنیتی را که بسیار خونین نیز هست، آمریکای جهان‌خوار «پود»های آن با شوروی‌ها آماده کرده‌اند که اینک باید رژیم‌های وابستهٔ عرب بنشینند و این تاروها و پودها را سرهم ببافند و به دور «دشنهٔ اسرائیل غاصب»

سفت ببندند؛ زیرا **هر ۲ ابرقدرت، در واقع پدر و مادر رژیم صهیونیستی هستند.**

رژیمی که از سال ۱۹۴۸ تا امروز، هر لحظه چون **جرثومهٔ سرطانی** بر ابعاد خویش در داخل پیکر خاورمیانه می‌افزاید و اگر **ملل اسلامی برای ریشه‌کن کردن این غدهٔ منحوس** اقدام عملی نکنند، **«سلطنت یهود» بر بستری از آرمان‌های رؤیایی صهیونیست بین‌المللی** پیاده خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران، این واقعیت را به خوبی می‌داند و به همین دلیل از نفاق جانکاهی که به وسیلهٔ **مزدوران حاکم بر سرزمین‌های اسلامی منطقه** دامن زده می‌شود، رنج می‌برد و بارها اعلام خطر کرده است که **زمان وحدت اسلامی برای مقابله با رژیم اشغالگر قدس و حامی‌اش شیطان بزرگ، فرارسیده** و در تاریخ سیاسی جهان اسلام، این روزها روزهای حساس و تعیین‌کننده است؛ زیرا **دشمنان اسلام، تجاوزات علنی و سرّی‌شان را شتاب بخشیده‌اند؛**

و باید برای خنثی کردن این همه دسیسه‌ها و توطئه‌ها،

متحد شد،

و به دور از گرایش‌های ناپایدار و نامطمئن به شرق و غرب،

به‌پاخاست و توطئه‌ها را در نطفه خفه کرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۲ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **محکومیت اخراج ۲۵ تن از رسولان انقلاب اسلامی ایران از آلمان غربی**

امضا: **اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا**

اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا در رابطه با اخراج ۲۵ تن از برادران مسلمان از آلمان اعلامیه‌ای منتشر ساخت که به شرح ذیل می‌باشد.

بسم الله الرحمن الرحیم

اخراج ۲۵ تن از رسولان انقلاب اسلامی ایران از سرزمین یکی از کشورهای استکبار جهانی توسط دولت فاشیست آلمان برای امت اسلام حیرت‌آور نیست.

این‌گونه جنایات که نمونه‌های دیگر آن را در گذشته نیز شاهد بوده‌ایم، از خصوصیت رژیم‌های نوکرصفت جهانی است که چون تاب تحمل و مقاومت و ایثار یاران امام عزیز و رسولان حق‌گستر انقلاب اسلامی را ندارند، با شیوهٔ غیربشری اسارت و اخراج آنها، عجز و ناتوانی خود را در برابر مواضع برحق حسینیان جمهوری اسلامی ایران در اخراج از کشور نشان می‌دهند. ولی **رژیم‌های نوکرصفت و مستکبر جهان باید بدانند امت به‌پاخاستهٔ ایران آشنایی دیرینه‌ای با ترفندها و جنایات سیاسی آنها دارد و این‌گونه بازی‌های سیاسی که ساختهٔ محافل سیاسی آلمان غربی است، برخورد قاطع نموده و رسولان انقلاب اسلامی به حمایت از اسلام و قرآن و دفاع از ملت‌های مظلوم جهان در مرزهای خارج از جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهند داد.** در این راه کوچک‌ترین ذره‌ای خلل در اراده‌شان وارد نخواهد شد. زیرا آنها به یاری خدایشان شتافته و خدا نیز آنان را یاری کرده و قدم‌هایشان را در تثبیت حق استوار گردانیده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۳ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملهٔ گستردهٔ مبارزین مسلمان عراقی به سازمان امنیت اربیل**

امضا:

بر اساس گزارش‌های رسیده به **واحد مرکزی خبر در باختران** مخالفین رژیم بعث عفلقی حاکم بر عراق همچنان مخالفت عمیق خود را با صدام صهیونیست ادامه می‌دهند.

بر اساس این گزارش در شهر اربیل محل سازمان امنیت این شهر مورد حملهٔ گستردهٔ مخالفین قرار گرفت و در نتیجه ۳ تن از مأمورین امنیتی صدام کشته و ۵ نفر دیگر به شدت زخمی شدند.

همچنین در منطقهٔ کوپه گروهی از مخالفین رژیم صدام تعدادی از مأمورین امنیتی را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه ۱ تن از مأمورین سازمان امنیت صدام به هلاکت رسید.

از سوی دیگر گزارش‌های واصله حاکیست که **رژیم عفلقی در حالی‌که از نظر اقتصادی تحت فشار قرار گرفته است، سعی دارد بیش از پیش این فشار را به مردم مسلمان عراق به ویژه گروه‌های مستضعف تحمیل نماید.**

بر اساس این گزارش رژیم صدام کافر اخیراً در مناطق مختلف به کارگرانی که از سال‌ها قبل دارای خانهٔ سازمانی بوده‌اند، اعلام کرده است یا معادل قیمت این منازل را پرداخت و یا آن را سریعاً تخلیه نمایند و این امر مایهٔ ناراحتی شدید قشر مستضعف شده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۴ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **فعالیت کشتی بیمارستانی قدس متعلق به جمعیت هلال احمر پس از ۲ سال توقف**

امضا:

بوشهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کشتی بیمارستانی قدس متعلق به جمعیت هلال احمر پس از ۲ سال توقف در آب‌های خلیج فارس **به دست توانای کارگران، متخصصین و مهندسین شرکت صنایع دریایی بوشهر** تعمیر و کار خود را از سر گرفت.

به گزارش رسیده از بوشهر کشتی بیمارستانی قدس که دارای قسمت‌های مختلف اورژانس مردانه و زنانه، کودکان، دندان‌پزشکی، بیهوشی و ۲ قایق متحرک می‌باشد.

همچنین علاوه بر پذیرش بیماران، دارای ۳۰ تختخواب است که بیماران می‌توانند در آن‌جا بستری شوند.

این نوع کشتی در جهان به ندرت دیده می‌شود که تنها مشابه آن را می‌توان در آمریکا یافت.

کشتی بیمارستانی که در سال ۱۹۷۲ وارد ایران شده بود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در آب‌های خلیج فارس مدت ۲ سال به صورت مخروبه و راکد مانده بود. این کشتی اخیراً به دست توانای کارگران متخصص و مهندسین شرکت صنایع دریایی ایران در بوشهر قسمت‌های مختلف موتور، ژنراتور، آسانسور، سیستم سردخانه و الکتریکی بازسازی شد و با حضور **استاندار**

بوشهر و **فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این منطقه** مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

کشتی مزبور بوشهر را به قصد بندرعباس و بندر جاسک ترک کرد.

این کشتی مخصوص آب‌های پرعمق و جزایر دوردست می‌باشد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۵ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **تحرکات بی‌نتیجهٔ عرفات و سیاسی‌کاری‌های سران مرتجع عرب در مسألهٔ فلسطین**

امضا: **رسانه‌ها و مقامات سیاسی**

در صورت مخالفت شورای ملی فلسطین:

توافق‌های عرفات با شاه حسین اردنی اعتبار قانونی ندارد

خبرگزاری امارات عربی متحده از ریاض گزارش داد:

یاسر عرفات در مصاحبه‌ای با روزنامهٔ الریاض چاپ عربستان از نتیجهٔ مذاکرات خود با شاه حسین اردنی ابراز خشنودی کرد.

عرفات این مذاکرات را مثبت و سازنده خواند و گفت:

- مذاکرات به برنامهٔ کار کمیتهٔ ۷ نفرهٔ کنفرانس فاس که قرار است با اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل تماس بگیرند، مربوط می‌شد.

عرفات گفت:

- **هنوز برای صحبت کردن دربارهٔ طرح استراتژیکی فلسطین و اردن پیرامون آیندهٔ انقلاب فلسطین بسیار زود است** و به علاوه چنین صحبت‌هایی مداخله در امور کمیتهٔ ۷ نفرهٔ کنفرانس فاس است.

عرفات آیندهٔ اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان را مسأله‌ای حیاتی توصیف کرد و گفت:

- مذاکراتش با حسین اردنی این مسأله را نیز دربر می‌گرفت.

عرفات افزود:

– حسین و فهد شاه عربستان نمایندگانی برای گفتگو پیرامون آیندهٔ اردوگاه‌های فلسطینی به بیروت فرستاده‌اند.

عرفات در این رابطه به بیانیهٔ کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین خطاب به **امین جمایل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان و شفیق وزان نخست‌وزیر این رژیم** در مورد پایان دادن به آزار فلسطینی‌های مقیم لبنان اشاره کرد.

وی همچنین نسبت به **روش اروپاییان در قبال مسألهٔ خاورمیانه** ابراز بدبینی کرد و گفت:

– آنها حقوق کشورهای خاورمیانه به ویژه حقوق فلسطینی‌ها را نادیده گرفته‌اند.

در همین حال **پارلمان اروپا ضمن اعلام همبستگی لفظی با مردم فلسطین** قطعنامه‌ای را که از سوی سوسیالیست‌ها، گروه‌های محافظه‌کار و لیبرال، سوسیال دمکرات‌ها و کمونیست‌های ایتالیا و یونان ارایه شده بود، تصویب کرد.

در این قطعنامه گفته شده:

قتل‌عام فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا هنگامی صورت گرفت که بیروت در اشغال نیروهای صهیونیستی بود و اسرائیل هدف از حضور نیروهایش در پایتخت بیروت را برقراری نظم در این شهر اعلام کرده بود.

روابط محرمانهٔ عرفات با مصر

در همین حال **یک مقام بلندپایهٔ سازمان آزادی‌بخش فلسطین** روز پنج‌شنبه پیامی از سوی یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین تسلیم **کمال حسن علی وزیر امور خارجه مصر** کرد.

خبرگزاری مصری خاورمیانه ضمن انتشار این خبر هویت مقام فلسطینی را ذکر نکرد و همچنین از محتوای پیام خبری مخابره نکرد. لکن **کمال حسن علی وزیر امور خارجهٔ مصر** در مصاحبه‌ای با **روزنامهٔ سعودی «الشرق‌الاوسط»** که در لندن منتشر شد، اظهار داشت:

– قاهره آماده است از یاسر عرفات رئیس کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در هر وقتی که مناسب بداند، استقبال به عمل آورد.

در پاسخ به احتمال سفر یاسر عرفات به مصر، کمال حسن علی اظهار داشت:

– یاسر عرفات، یک عرب اصیل است. روزی که عرفات تصمیم بگیرد به قاهره سفر کند با آغوش باز از وی استقبال خواهد شد.

یادآوری می‌شود:
یاسر عرفات اخیراً در پاسخ به پرسشی در مورد سفرش به مصر گفته بود:
- هنوز از وی برای انجام چنین سفری دعوت رسمی به عمل نیامده است.

عرفات در فاس

از سوی دیگر یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین روز پنجشنبه از تونس عازم رباط شد تا در اجلاس کمیتهٔ ۷ نفرهٔ عربی شرکت نماید.
عرفات قبل از ترک تونس گفت:
- وی در اجلاس روز جمعه کمیتهٔ مذکور که ماه گذشته در جریان اجلاس سران عرب در فاس به وجود آمده، شرکت نخواهد کرد.
عرفات گفت:
- با حسن شاه مراکش پیرامون نتایج کنفرانس فاس دیدار و مذاکره خواهد کرد.
یکی از اعضای کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین عرفات را در سفر اخیرش همراهی می‌کند.
یاسر عرفات رئیس کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین دیروز وارد شهر فاس (مراکش) شد.
تاس از رباط به نقل از خبرگزاری مراکش گزارش داد که عرفات پس از ورود به شهر «افران» رفت تا با حسن شاه مراکش دیدار و گفتگو کند.

توافق عرفات اعتباری ندارد

به گزارش **آسوشیتدپرس از امان** در پی عزیمت یاسر عرفات رئیس کمیتهٔ اجرایی ساف از اردن به تونس، منابع مطلع در امان گفتند:
- به رغم توافق‌هایی که احتمالاً میان عرفات و شاه حسین اردنی دربارهٔ تشکیل یک فدراسیون صورت گرفته است، عرفات باید نظر موافق شورای ملی فلسطین را قبل از هر گونه توافق نهایی جلب کند.
شورای ملی فلسطین دارای ۳۱۰ عضو است و به عنوان مجلس ملت فلسطین در تبعید، قدرت قانون‌گذاری دارد.
بر اساس منشور این مجلس مبارزهٔ مسلحانه تنها راه کسب سرزمین‌های اشغالی است.

منابع افزودند:

در صورتی که شورای ملی فلسطین، توافق میان عرفات و شاه اردن را رد کند، این‌گونه توافق‌ها از نظر قانونی اعتباری ندارد.

در همین حال **شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجهٔ عربستان سعودی** دیروز وارد امان شد و بلافاصله مذاکرات خود با مقامات اردن را آغاز کرد.

رادیوی دولتی امان که این گزارش را مخابره کرد، افزود:

شاهزاده فیصل به طور جداگانه با **حسین اردنی و مروان القاسم وزیر خارجهٔ این کشور** مذاکراتی به عمل آورد.

این رادیو افزود:

وزیر خارجهٔ عربستان در دیدار با شاه حسین اردنی پیامی از جانب فهد شاه این کشور در رابطه با هماهنگی بین مواضع ۲ کشور برای اقدامات اعراب در مبارزات بین‌المللی به وی تسلیم کرد.

این رادیو افزود:

وزیر خارجهٔ عربستان پس از این مذاکرات امان را به قصد مراکش برای شرکت در اجلاس کمیتهٔ ویژهٔ اتحادیهٔ عرب ترک کرد.

عرفات شب گذشته گفت:

- وی شخصاً در اجلاس کمیته شرکت نخواهد کرد و **فاروق قدومی رئیس بخش سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین** نمایندگی این سازمان را در اجلاس به عهده خواهد داشت.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۶ تاریخ صدور: ۲۴ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **وقایع و تحرکات مقامات سیاسی در مورد لبنان و مداخلهٔ استکبار در این کشور**

امضا:

وزیر دادگستری و اطلاعات لبنان:

خلع سلاح مسلمانان بخشی از یک طرح درازمدت است!

به گزارش واحد مرکزی خبر از بیروت **وزیر دادگستری و اطلاعات جدید لبنان** در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و برای توجیه عملیات فالانژها و ارتش و نیروهای پلیس این کشور در بخش مسلمان‌نشین بیروت توضیحاتی داد.

وی ضمن بی‌اهمیت جلوه دادن ابعاد جنایات فالانژها و ارتش لبنان، اعتراف کرد که در جریان انجام این عملیات ممکن است تجاوزاتی نیز صورت گرفته باشد.

وی افزود:

- مسألهٔ خلع سلاح مسلمانان بر اساس طرح درازمدت امنیتی انجام می‌گیرد و در مرحلهٔ بعدی این طرح تمام مناطق لبنان را دربر خواهد گرفت.

پس از پایان سخنان وزیر لبنانی **یک افسر عالی‌رتبهٔ این کشور** فهرستی از رویدادهای ناگوار که علیه سفارتخانه‌های خارجی در ۲ سال گذشته انجام گرفته قرائت کرد.

در فهرست افسر لبنانی ۵ مورد تجاوز به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت نیز ذکر گردید. هدف از انتشار این آمار آن است که بدین ترتیب حملهٔ فالانژها و ارتش صهیونیستی

به سفارتخانه‌های خارجی به عنوان یک پدیدهٔ سابقه‌دار تلقی گردد.

از سوی دیگر **خبرگزاری فرانسه از بیروت** گزارش داد:

۱ گروه جدید متشکل از ۱۲۰ چترباز ایتالیایی دیروز وارد بیروت شدند تا به نیروهای مداخله‌گر ایتالیایی مستقر در لبنان بپیوندند.

نیروهای مداخله‌گر ایتالیایی مستقر در لبنان در حال حاضر **۱۲۴۳ نفر** هستند و قرار است طی چند روز آینده گروه‌های دیگری نیز به آنان بپیوندند و به این ترتیب تعداد آنان به ۱۴۰۰ **نفر** خواهد رسید.

سفیر آمریکا در درگیری فالانژها و دروزی‌ها

به نوشتهٔ **روزنامهٔ لبنانی السفیر** درگیری‌های روزهای گذشته بین فالانژها و مسلمانان دروزی در بیروت ۱۲ کشته و ۶۰ مجروح به جای گذاشت.

به گزارش **خبرگزاری فرانسه از بیروت** پلیس روز پنج‌شنبه گزارش داد که در جریان درگیری در منطقهٔ «عالیه» واقع در جنوب شرقی بیروت ۴ تن کشته و چندین نفر مجروح شدند.

در همین حال مطبوعات لبنان روز گذشته گزارش دادند که بنا به توافق‌های به عمل آمده و با مداخلهٔ **رابرت دیلون سفیر آمریکا** قرار است ارتش لبنان در این ناحیه مستقر شود.

از سوی دیگر کنفرانس سران دروزی‌ها نیز با شرکت رهبران سیاسی و مذهبی این جامعه به منظور گفتگو در مورد اوضاع منطقه دیروز گشایش یافت.

لازم به تذکر است ارتش لبنان در حال حاضر توسط فالانژها اداره می‌شود و از شبه‌نظامیان فالانژ و نیروهای سرگرد یاغی سعد حداد عضو می‌پذیرد، به طوری که **واینبرگر وزیر جنگ آمریکا** صریحاً اعلام کرد که فالانژها و نیروهای سعد حداد رسماً به ارتش لبنان ملحق خواهد شد.

در همین حال به گزارش واحد مرکزی خبر از بیروت در اجرای طرح امنیتی دولت لبنان برای گسترش حاکمیت فالانژها و ارتش لبنان در مناطق حادث، هاضمیه، بعبدا، گالری سمعون و حمهور متمرکز شدند و پس از آن با ایجاد پست‌های بازرسی ثابت و غیرثابت به بازرسی اتومبیل‌ها و عابران پیاده پرداختند.

به گزارش **واحد مرکزی خبر از بیروت** زدوخوردهای شدیدی که از ۴ روز پیش در مناطق شرقی کوهستان‌های بیروت بین حزب سوسیالیست ترقی‌خواه لبنان و دارودستهٔ فالانژها روی داد، پس از تماس‌های سیاسی گسترده‌ای پایان یافت.

آریل شارون وزیر جنگ اسرائیل دیروز گفته بود ارتش صهیونیستی برای پایان دادن به نبرد

بین دروزی‌ها و فالانژها در مرکز لبنان وارد عمل خواهد شد.

از اواسط هفتهٔ گذشته زدوخورد بین دروزی‌ها و فالانژها در کوه‌های شوف واقع در مرکز لبنان که تحت اشغال نیروهای صهیونیستی است، آغاز شد. اسرائیل که با نیروهای فالانژ هم‌پیمان است از نخستین روزهای ایجاد جنگ داخلی لبنان در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۵ تا کنون کمک نظامی در اختیار آنها قرار می‌دهد.

از سوی دیگر **امین رئیس‌جمهور لبنان** قرار است در هفتهٔ جاری به آمریکا برود و با ریگان در روز سه‌شنبه ملاقات کند.

ریگان دیشب اعلام کرد که وی نسبت به آیندهٔ صلح خاورمیانه خوشبین است.

وی گفت:

- اولین هدف آمریکا تقویت قدرت رژیم کنونی به ریاست امین جمایل از طریق یک نیروی چندجانبه شامل تفنگداران آمریکایی مستقر در بیروت است.

استقرار سیستم هشداردهندهٔ اسرائیل در لبنان

همچنین **اسحاق شامیر وزیر امور خارجهٔ رژیم صهیونیستی** در پایان مذاکرات ۴ ساعته‌اش با **جرج شولتز وزیر امور خارجهٔ آمریکا** اعلام کرد:

- ۲ رژیم تصمیم گرفته‌اند تنظیم برنامهٔ خروج احتمالی تمام نیروهای خارجی را از لبنان به کارشناسان ۲ کشور واگذار کنند.

در همین حال به گزارش **خبرگزاری رویتر از واشنگتن** یک هیأت از مقامات آمریکایی و اسرائیلی کار روی برنامه‌ریزی خروج نیروهای اسرائیلی از لبنان و تضمین امنیت مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی را شروع کرده‌اند.

تشکیل ۱ گروه مشترک کار به ریاست **کنت آدام معاون وزیر خارجهٔ آمریکا، موشه آرنز سفیر رژیم صهیونیستی در آمریکا** در پی مذاکرات شامیر و شولتز اعلام شد.

وزارت خارجهٔ آمریکا اعلام کرد که ۲ طرف در این مورد مشترک به توافق رسیده‌اند که نیروهای خارجی هر چه زودتر خاک لبنان را ترک گویند.

منابع صهیونیستی گفتند که رژیم صهیونیستی بر این عقیده است که منطقهٔ امنیتی در جنوب لبنان باید از سوی ارتش لبنان و با همکاری اسرائیل به صورتی اداره شود که به یک سیستم هشدار دهنده و اعلام خطر سریع تبدیل شود و بدین‌ترتیب اسرائیل برای نیروهای سازمان ملل که ۷۰۰۰ نیرو در لبنان دارد، هیچ نقشی قایل نیست و مایل است این توافق

امنیتی تنها بین اسرائیل و لبنان انجام شود.

منابع صهیونیستی گفتند:

- امکان دارد شامیر قبل از ترک آمریکا بار دیگر با شولتز ملاقات کند.

در همین حال بگین در یک سخنرانی ضمن اشارهٔ کوتاهی به کشتار دسته‌جمعی در بیروت گفت:

- از دیدگاه ما، تا کنون ما هیچ کاری که نیاز به عذرخواهی داشته باشد، انجام نداده‌ایم.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۴

شماره: ۲۸۷ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ■ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شرکت در مراسم بزرگداشت شهید آیت‌الله حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی**

امضا: **ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

بیانیهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن عرض تبریک و تسلیت به پیشگاه امام زمان(عج) و نایب بر حقش امام خمینی به مناسبت **شهادت چهارمین شهید محراب حضرت آیت‌الله حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی** اعلام کرد:

در مراسم بزرگداشتی که امروز در مدرسهٔ عالی شهید مطهری از سوی امام خمینی برگزار می‌شود، شرکت خواهد کرد.

متن اطلاعیه‌ای که در این رابطه در اختیار خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار گرفت، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

پویندگان راه خدا و پاک باختگان وصال حق که دل در گرو لقاءالله دارند و عاشقانه به سوی معبود می‌شتابند، آرزویی فراتر از دستیابی به فوز عظیم شهادت [برای آنان] نیست. آنان که در مجاهدت با نفس و مبارزه با طاغوت لحظه‌ای درنگ روا نمی‌دارند، از شهادت باکی نیست و چه کسانی شایسته‌تر از روحانیون بزرگوار و جلیل‌القدر همچون حضرت آیت‌الله عطاءالله

اشرفی اصفهانی برای درک فوز عظیم شهادت.

شهید بزرگوار حضرت آیت‌الله اشرفی‌اصفهانی یار امام و یاور امت که عمری را در راه خدمت به اسلام و مسلمین گذراند، در راه پاسداری از ارزش‌های والای مکتب اسلام و پا بر جا ماندن مکتب توحید و حراست از انقلاب مقدس اسلامی جان ارزشمند خویش را فدا کرد و همچون مولایش علی‌بن ابی‌طالب(ع) به دست جنایتکارانی شقی، منافقینی کوردل و دژخیمانی دنیاپرست به شهادت رسید و محراب عبادت از خون مطهرش رنگین شد.

همان‌گونه که تاریخ خون‌رنگ انقلاب اسلامی گواه است، شهادت این یاوران مخلص دین خدا که وجود مقدسشان روشنی‌بخش راه مستضعفان و گرمی‌بخش جان دردمندان و توان‌بخش بازوان رزمندگان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله می‌باشد، گر چه سوگی عظیم و ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر است، ولی انقلاب را در کشاکش با استکبار و مصاف با کفر جهانی و ایادی آن قدرتی عظیم می‌بخشد و **جوشش قطرات خون این شهدای جلیل‌القدر انقلاب اسلامی را در برابر آسیب دهر مصون می‌سازد.**

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن عرض تبریک و تسلیت به مناسبت شهادت حضرت آیت‌الله عطاءالله اشرفی‌اصفهانی به امام عصر(عج) و امام خمینی رهبر انقلاب و فرماندهٔ کل قوا و امت شهیدپرور اسلام اعلام می‌دارد:

در مراسمی که به همین مناسبت از سوی حضرت امام خمینی از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر امروز (یک‌شنبه ۶۱/۷/۲۵) در مدرسهٔ عالی شهید مطهری برگزار می‌شود، شرکت خواهد کرد.

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۸۸ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک چهارمین شهید محراب در اصفهان**

امضا:

اصفهان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

امروز پیکر پاک **چهارمین شهید محراب** در میان اندوه مردم شهیدپرور اصفهان در گلستان شهدای این شهر به خاک سپرده می‌شود.

در همین رابطه به دعوت آیات عظام **آیت‌الله خادمی رئیس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان، آیت‌الله طاهری امام جمعه و نمایندهٔ امام در این شهر، آیت‌الله علی محمد اژه‌ای، جامعهٔ روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی و سرپرست استانداری و دیگر ارگان‌های انقلابی**، امروز شهر یکپارچه تعطیل و مردم حزب‌اللهی در تشییع این بزرگوار شرکت می‌جویند.

در همین رابطه از طرف ادارات و ارگان‌های انقلابی اطلاعیه‌های جداگانه‌ای صادر شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۸۹ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **وداع با چهارمین شهید محراب در باختران و اصفهان و مراسم بزرگداشت آن شهید در شهرستان‌ها**

امضا:

چشمان گریان باختران با چهارمین شهید محراب وداع کرد

به گزارش **خبرنگار اعزامی سرویس خبری جمهوری اسلامی** از اولین ساعات بامداد دیروز انبوه مردم حزب‌الله باختران به منظور شرکت در مراسم تشییع **جنازهٔ شهیدآیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران** در خیابان‌های این شهر به حرکت درآمده و در حالی که لحظه به لحظه بر تعداد آنان افزوده می‌شد، پیکر پاک شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی را از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مسجد جامع این شهر تشییع کردند.

بر اساس همین گزارش مردم همیشه در صحنهٔ باختران در حالی‌که پیکر امام جمعهٔ خود را تشییع می‌کردند، با انجام مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی یاد چهارمین شهید محراب حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی را گرامی داشتند.

این گزارش حاکیست که پس از اجتماع در مسجد جامع باختران و خیابان‌های اطراف آن امت حزب‌الله این شهر با شعارهای:

خون شهید می‌جوشد حزب‌الله مـی‌خروشد

عزا عزاست امروز روز عزاست امروز اشرفی مجـاهـد با شهداست امروز

فـریاد یـا محمـدا کشتند امام جمعه را

در سوگ چهارمین شهید محراب گریستند و همچنین با شعارهای:

مرگ بر آمریکا

مرگ بر اسرائیل

مرگ بر منافق

انزجار خود را از امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی‌اش اعلام نمودند و خواستار قاطعیت با این منافقین از خدا بی‌خبر شدند و با شعار:

جنگ جنگ تا پیروزی

پشتیبانی خود را از رزمندگان اسلام در جبههٔ نبرد با کفر صدامی اعلام داشتند.

خبرنگار ما در گزارش خود می‌افزاید:

آنگاه **آقای پرورش وزیر آموزش و پرورش** که به منظور شرکت در مراسم تشییع جنازهٔ حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی به باختران عزیمت کرده بود، طی سخنانی از مقام شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی تجلیل به عمل آورد و اظهار داشت:

- دشمن همیشه سعی دارد که ارزش‌ها را از بین ببرد زیرا این ارزش‌ها هستند که بر جامعه حاکمیت می‌کنند.

وی اضافه کرد:

- مسألهٔ شخص یا فرد در جامعه مطرح نیست، بلکه ارزش‌ها هستند که مطرح می‌باشند تا به جامعه حاکمیت بخشند و شهید آیت‌الله اشرفی‌اصفهانی از این جمله افراد بودند.

پس از سخنان وزیر آموزش و پرورش **فرزند شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی** در جمع امت شهیدپرور باختران حضور یافت و ضمن نثار و درود بر امام امت امید مستضعفان جهان ضمن تقدیر تشکر از حضور یکپارچهٔ مردم و مقامات مملکتی در مراسم تشییع امام جمعهٔ باختران اظهار داشت:

- این عزیز سفرکردهٔ شما که ۲۶ سال در کنار شما برای مرجعیت و رهبریت امام فداکاری کرد و دوشادوش شهدای دیگر محراب در تمام صحنه‌های سیاسی و مذهبی بود، سعادتش این بود که باید شهید شود و به فیض شهادت رسید.

وی اضافه کرد:

- ای مردم ببینید و آگاه باشید که **خون ائمهٔ جمعه و به خصوص آنهایی که در محراب نماز جمعه شهید شدند، وظیفهٔ ما را سنگین‌تر کردند و ای ملت و مسئولین در برابر این خون‌ها آرام نباشید**

و برای به ثمر رسیدن اهداف رهبری و جمهوری اسلامی تا سر حد جان در صحنه بمانید.

وی آنگاه خطاب به مردم گفت:

- شما باید راه این شهید و شهدا را ادامه دهید و همیشه در صحنه بمانید و سنگرهای نماز جمعه را ترک نکنید و با مشت‌های گره‌کردهٔ خود در دهان آمریکا و مزدوران کثیفش بکوبید.

گزارش خبرنگار اعزامی و سرویس خبری جمهوری اسلامی از این مراسم حاکیست که پس از سخنان فرزند شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی امت همیشه بیدار باختران با نوحه‌خوانی و سینه‌زنی در غم از دست دادن امام جمعه‌شان به سوگ نشستند.

بر اساس همین گزارش پیکر مطهر چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعهٔ شهید باختران امروز در اصفهان و خمینی‌شهر تشییع و در گلستان شهدا به خاک سپرده خواهد شد.

به همین مناسبت از طرف سرپرست استانداری اصفهان امروز در این استان تعطیل عمومی اعلام شد.

به گزارش خبرنگار اعزامی سرویس خبری به همین منظور پیکر پاک آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی بعد از ظهر دیروز از باختران به اصفهان انتقال داده شد.

بر اساس این گزارش هواپیمای حامل امام جمعهٔ شهید باختران مقارن ساعت ۱۴/۳۰ دقیقهٔ دیروز در فرودگاه اصفهان به زمین نشست و به هنگام خارج کردن جنازه از هواپیما سرپرست استانداری اصفهان، نمایندهٔ مردم خمینی‌شهر در مجلس شورای اسلامی و گروهی از مقامات نظامی و انتظامی استان بر پیکر مطهر وی ادای احترام کردند.

پیکر مطهر شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی پس از آن از فرودگاه به پادگان قدیم اصفهان انتقال داده شد.

این گزارش حاکیست که بعد از ظهر دیروز **آیت‌الله طاهری نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان** با حاج آقا حسین اشرفی اصفهانی فرزند شهید محراب در محل پادگان قدیم دیدار و گفتگو کرد.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران روز جمعهٔ گذشته پس از استماع سخنران قبل از خطبه‌های نماز جمعه در حالی‌که برای ادای نماز جمعه به محراب می‌رفت توسط منافق کوردلی که حامل نارنجک بود و امام جمعهٔ باختران را در آغوش گرفته بود، به شهادت می‌رسد و منافق مسلح نیز در دم به هلاکت می‌رسد.

چشمان گریان باختران با چهارمین شهید محراب وداع کرد

خمینی‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به دنبال پخش خبر شهادت جانگداز عالم ربانی فقیه عالی‌قدر حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی خمینی‌شهر زادگاه این روحانی بزرگ رنگ ماتم به خود گرفت.

مردم شهیدپرور این شهر که از تجلی‌گاه وحدت محل نماز جمعه بازمی‌گشتند، با شنیدن خبر شهادت پدر دلسوزشان عالمی که هر چند گاه با مراجعه به این شهر همشهریان خود را مورد مرحمت قرار می‌داد، بر سر و سینه‌زنان در کوچه‌ها و خیابان‌ها به عزاداری پرداختند.

شعار مرگ بر آمریکا جوششی دیگر یافت. مردم پس از لحظاتی مقابل **سپاه پاسداران** تجمع نموده و پس از سخنرانی **حجت‌الاسلام صلواتی فرماندهٔ سپاه خمینی‌شهر** گروه کثیری از مردم جهت شرکت در مراسم تشییع جنازهٔ این عالم ربانی عازم باختران شدند و اقشار مختلف دیگر با حضور در مسجد ولی‌عصر(عج) این شهر به طرف مسجد آیت‌الله اشرفی اصفهانی حرکت کرده و تا پاسی از شب گذشته به عزاداری پرداختند.

ارومیه:

آیین عزاداری باشکوهی که از ساعت ۱۰ تا ۱۲ دیروز به یاد چهارمین شهید محراب در مسجد اعظم ارومیه برگزار شد و طی آن مردم شهیدپرور ارومیه اعلام کردند که هرگز سنگر اسلام را رها نخواهند کرد و بلکه با هر شهیدی در مبارزهٔ خود علیه کفر و الحاد و مزدوران امپریالیسم مصمم‌تر و استوارتر خواهند شد.

تبریز

همچنین پیش از ظهر دیروز به مناسبت شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی مجلس بزرگداشت با شکوهی با حضور **آیت‌الله ملکوتی نمایندهٔ امام در آذربایجان و امام جمعهٔ تبریز**، روحانیون و مقامات استان و اقشار امت شهیدپرور تبریز در مسجد جامع ترتیب یافت.

همدان

به دنبال شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران به دست عوامل خودفروختهٔ امپریالیسم در سنگر نماز جمعه بعد از ظهر دیروز مردم مبارز و همیشه در صحنهٔ همدان با اجتماع پرشور خویش در مسجد جامع این شهر ضمن محکوم نمودن این عمل فجیع

و ضدانسانی منافقین از خدا بی‌خبر که در راستای اهداف سلطه‌گرانهٔ شیطان بزرگ تحقق یافته است، یاد شهید تازهٔ محراب را گرامی داشتند.

شیراز

به مناسبت شهادت آیت‌الله اشرفی اصفانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران که روز جمعه در پی خوش‌خدمتی منافقین به آمریکای جهان‌خوار به شرف شهادت نایل آمد، از سوی امام جمعه و جامعهٔ روحانیت شیراز بامداد دیروز مجلس بزرگداشتی در میعادگاه همیشگی وحدت و یادگار شهید محراب آیت‌الله دستغیب(مسجد جامع عتیق) برپا شد.

گیلان

به مناسبت شهادت جانگداز عالم ربانی آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران سراسر گیلان عزادار شد و مردم شهیدپرور گیلان با برپایی آیین گرامیداشت و تعطیل بازار به سوگ چهارمین شهید محراب نشستند.

همچنین مراسم مشابهی در شهرهای دیگر کشور از جمله **گرگان، بیرجند، مریوان** برگزار گردید.

همچنین در اطلاعیه‌ای که از سوی **امام جمعهٔ پاوه** منتشر شد، در تحلیل از مقام چهارمین شهید سنگر نماز جمعه آمده است:

– وی در بازدید از جبهه‌های حق علیه باطل و وحدت و اتحاد بین برادران تشیّع و تسنّن منطقه نقش بسیار ارزنده و فراموش‌نشدنی داشت.

به همین مناسبت اطلاعیه‌ای از جانب **آیت‌الله ایزدی امام جمعهٔ پاوه** انتشار یافت که قسمتی از آن چنین است:

– اینان گمان می‌برند که با این ترورها می‌توانند انقلاب را سد کنند، هرگز!

دشمنان بدانند که:

تا آخرین نفس و تا جایی که جان در بدن داریم خواهیم ایستاد،

و از آخرین قطرهٔ خونمان فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل به گوش خواهد رسید.

آیت‌الله حسین نوری همدانی در تلگرام تسلیت خود گفته‌اند:

– از هر قطرهٔ خون این شهیدان هزاران سرباز اسلامی به وجود می‌آید و پرچم انقلاب را به دست می‌گیرند.

به علاوه تلگرام‌ها و اطلاعیه‌های تبریک و تسلیتی از سوی نهادها و شخصیت‌ها صادر شده است که تنها به ذکر نام آنها اکتفا می‌کنیم.

روحانیون باختران، حجت‌الاسلام مرتضی حسینی نجومی، مجتبی حاج آخوند، عبدالخالق عبداللهی، جواد علامی، سید جواد حسنی خرمشاهی، محمود امجدی، موحدی قمی (امام جمعهٔ اسلام‌آباد غرب و امام جمعهٔ لار، امام جمعهٔ زنجان، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداری همدان، انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دولتی و استانداری زنجان، استانداری اصفهان، جامعهٔ روحانیت و دفتر امام جمعه و نهادهای انقلاب اسلامی گرگان، سازمان تبلیغات اسلامی گرگان، سازمان تبلیغات اسلامی استان هرمزگان، جهاد سازندگی قم، انجمن‌های اسلامی ادارات شهرستان قم، ائمهٔ جمعهٔ استان کرمان، ادارات، بازار و اصناف کرمان، نهادهای انقلاب اسلامی استان کرمان، استاندار اصفهان، استاندار گیلان، امام جمعهٔ مشهد، امام جمعهٔ رشت، امام جمعهٔ گرگان، **سپاه پاسداران منطقهٔ ۲ کشور**، استاندار چهارمحال و بختیاری، امام جمعهٔ سرخه، استاندار فارس و دبیر حزب جمهوری اسلامی شیراز، استاندار سمنان، حجت‌الاسلام موسوی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ زنجان، حجت‌الاسلام شاهچراغی امام جمعهٔ دامغان، ستاد برگزاری مراسم شهدای دامغان، روحانیون، دانش‌آموزان و بازاریان همدان، امام جمعهٔ زاهدان، **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**، جامعهٔ انجمن‌های اسلامی، کمیتهٔ صنفی و کسبهٔ مشهد، ستاد برگزاری مراسم شهدای بوشهر، برازجان، گناوه، دیر، کنگان، خورموج، اهرم، دیلم، خارک، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی گنبد، شورای هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی نیشابور، امام جمعهٔ نیشابور، دفتر حزب جمهوری اسلامی اصفهان، دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیهٔ قم و نهادهای انقلاب اسلامی گناباد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۹۰ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شهادت حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، سند ارزش روحانیت**

امضا: **نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ شیراز، محی‌الدین حائری شیرازی**

حجت‌الاسلام حائری شیرازی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ شیراز:

خون شهدای بزرگوار ما استان‌ها را در مقابل کفر و نفاق بیمه می‌کند

شیراز، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در رابطه با **شهادت حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعه و نمایندهٔ امام در باختران** این اطلاعیه از طرف **حجت‌الاسلام حائری شیرازی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ شیراز** انتشار یافت.

بسمه تعالی

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[1]

بار دیگر در آستانهٔ محرم و در معبر کربلا در محراب عبادت، فقیهی استوار به دست گروهی که عقده‌ها جانشین عقیده‌هایشان شده و بغض و کینه جای تحلیل و تفکرشان نشسته، شهید شد.

شهادت این عالم جلیل‌القدر سند رسایی است بر استقامت روحانیت و دلیل بارزی است بر

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

عقد اخوت بین نیروهای مسلح و روحانی و پاسخی است به یاوه‌گویی‌های دغل‌بازان که فکر می‌کنند روحانی در تقدیم جان لحظه‌ای درنگ و تعلل می‌کند.

شهادت این فقیه سالمند سند ارزش روحانیت است که حتی در سنین از کارافتادگی چنان کارایی دارند که **جز با شهادت سنگرها را خالی نمی‌کنند.**

خون شهدای بزرگوار ما آیت‌الله مدنی و شهید آیت‌الله دستغیب و آیت‌الله صدوقی و اخیراً اشرفی بر محراب‌های استان‌های بزرگ کشور می‌درخشند و آن استان‌ها را در مقابل بیماری کفر و نفاق بیمه می‌کنند.

اینجانب به نمایندگی از طرف جامعهٔ روحانیت و مردم و مسئولین این مصیبت عظمی را به صاحب شرع و ولی‌عصر و نایب برحقش و امت اسلامی تبریک و تسلیت می‌گویم.

والسلام.

محی‌الدین حائری شیرازی

نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ شیراز[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۹۱ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری - تشریحی**

موضوع: **سقوط خرمشهر و خیانت‌های بنی‌صدر و حماسهٔ ۲۴ مهر ماه در این شهر**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

گزارش ویژه

به یاد ۲۴ مهر، حماسهٔ همیشه زندهٔ خرمشهر

بسم الله الرحمن الرحیم

عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُم[1]

وقتی قلم به دست گرفتم نمی‌دانستم از کدام حماسهٔ خرمشهر یاد کنم و کدام یک از آنها را در صدر قرار دهم.

آیا مقاومت دلیرانهٔ خیابان به خیابان و کوچه به کوچه و محله به محله را و یا خون‌دل‌ها و اشک‌ها و تلاش‌های مسئولین را در آغاز جنگ تحمیلی و یا آن حماسهٔ فتح خونین خرمشهر را؟

زیرا هر یک از اینها خود کتابی جداگانه در **تدوین استراتژی آسمانی «احدی‌الحسنین»** است و از اولین فشنگ و قطرهٔ خون آن مدافع خرمشهری گرفته تا لبخند پیروزمندانهٔ آن فاتح، همه و همه در مسیر یک مقصدند و از یک چشمه نشأت گرفته‌اند. اما این چشمه در مسیر خود آبشارهای زیادی نیز دارد که از آن جمله **حماسهٔ ۲۴ مهر** است و این سطور ناقابل و ناچیز **به یاد آن عزیزان تاریخ‌ساز** نوشته شده است.

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۶

و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است.

در ابتدا تشریح حماسهٔ ۲۴ مهر سال ۵۹ ناخودآگاه یادم آمد.

– از روز فتح خرمشهر، یادم آمد که چه بسیار رزمندگان و جانبازانی در عشق رویت این روز در خون مطهر خویش غلتیدند و آن روز را ندیدند؛

– و باز یادم آمد از آن پیـرزن و پیـرمردی که برای روحیه دادن به مدافعین خرمشهر در روزهای تجـاوز اشغالگـران بعثی در مسجـد جامـع حضور داشتند و کار تدارکات را انجام می‌دادند.

– و همین‌طور یادم آمد از **شهید جهان‌آرا فرماندهٔ سپاه پاسداران خرمشهر** که می‌گفت:

– در روزهای اول جنگ سپاه خرمشهر تنها ۱ آرپی‌جی۷ به عنوان سلاح سنگین داشت و نیروهای ما با کوکتل مولوتف و ۳ راهی به مقابله با دشمن که با نیروهای زرهی به ما حمله می‌کردند، برخاستند.

بنی‌صدر ملعون تنها یک‌بار آن هم در روز پنجم جنگ به خرمشهر آمد و در جلسه‌ای طرحی را ارایه کرد و گفت:

– بله باید فوراً با کوکتل مولوتف و امثال آنها دفاع کرد تا بشود کاری انجام داد.

و این در حالی بود که ما ارتشی با سلاح‌های بسیار سنگین داشتیم و هر بار که با او تماس می‌گرفتیم وعده می‌داد و می‌گفت ۳ روز مقاومت کنید نیرو می‌آید.

اما ۳ روز گذشت و گفت ۷ روز دیگر و خلاصه نتیجه‌ای گرفته نشد. او مرتب برای منحرف ساختن مسألهٔ سقوط خرمشهر مسألهٔ دزفول را مطرح می‌کرد، با این وجود جوانان متعهد و مسلمان شهر در محل ماندند که یا شهید و یا مجروح و یا در جبهه هستند و سپاه خرمشهر حدود ۱۵۰ پرسنل داشت که ۱۰۰ نفر آن عملیاتی و ۵۰ نفر آن کادر بودند.

ارتش هم حدود یک گردان مکانیزه داشت که سنگین‌ترین سلاح‌شان توپ ۱۰۶ و در نوار مرزی مستقر بود. نیروهای پادگان دژ از خود حماسه‌ها بر جای گذاشتند و **عمدهٔ نیروها بسیجی بودند و تمام پشتیبانی از جبهه‌ها و نیروها را مردم انجام می‌دادند و تمام این کارها با همکاری برادران روحانی که از قم و اصفهان و دیگر بلاد آمده بودند، انجام می‌شد.**

ما از روز ۳۱ شهریور در مرز شلمچه، خیّن، بورگه و پاسگاه‌های مؤمنی درگیر بودیم و درگیری مرزی تا روز دوم مهر داشتیم که **عراق از ۲ جبهه وارد ایران شد:**

– **یکی از طرف مرز شلمچه،**

– و **دیگری از ۵ کیلومتری خرمشهر در جادهٔ خرمشهر – اهواز،** که این جاده در ۵ کیلومتری مرز قرار دارد و ما هیچ نیرویی در آن‌جا نداشتیم.

از روی جاده دشمن به دو محور تقسیم شد:

- عده‌ای برای محاصرهٔ اهواز،
- و بقیه همراه با نیروهای منطقهٔ شلمچه به طرف خرمشهر حمله‌ور شدند.

ما در حدود ۱۰ الی ۱۲ روز دشمن را در محور پل نو نگه داشتیم و بعد از این مقاومت، آنها توانستند وارد شهر شوند.

آنها در این مدت ۴ بار به شهر حمله کردند که با کمبود نیرو و امکانات، آنان را به عقب راندیم. عراق در این حمله‌ها صبح حمله را آغاز و تا ظهر پیشروی می‌کرد و بچه‌ها با حملهٔ متقابل تا بعد از ظهر آنها را به عقب می‌راندند.

آنها از رویارویی مستقیم با قوای ما پرهیز داشتند و ما در اوایل جنگ حدود ۴۵ تانک و نفربر و ۱۶ خودرو آنها را منهدم کردیم. پس از این شکست‌ها آنها از طریق جادهٔ کمربندی وارد شدند. یعنی از آن قسمت پادگان دژ به طرف پل آمدند که بر اثر کمبود نیرو توانستند پل را بگیرند و راه ارتباطی ما را قطع کنند.

بعضی از برادران پس از ۴ روز مقاومت از رودخانه گذشته و خود را به سمت غربی خرمشهر رساندند. با این اوصاف **خرمشهر حدود ۴۰ روز مقاومت کرد و حداقل ۲۰ خانواده داشتیم که به کلی تمام نفرات آنها شهید شدند.**

بیشتر شهدا در میدان راه‌آهن به خاک و خون غلتیدند، چون اولین حمله به آن‌جا بود. یک شب بعد از حمله‌ای که صدام کرد، بچه‌ها خسته از جبهه بازگشتند و در مقر خوابیدند که مقر به وسیلهٔ خمپاره‌های مزدوران ویران شد و ۸ تن دیگر زخمی شدند و چند نفر هم سالم ماندند.

راستی که چه مقاومتی! تاریخ نمونهٔ آن را کمتر به یاد دارد و شاید در زمینهٔ شهادت‌طلبی جز زمان کوتاهی آن هم در صدر اسلام هرگز نظیر آن را به خود ندیده باشد و این‌جاست که **نقش شهادت که در جنگ‌های استثماری نمی‌توان نشانه‌ای از آن را دید، در جنگ‌ها و دفاع‌های اسلام معنی و مفهوم می‌یابد و نقش بسیار مهمی در پیروزی بازی می‌کند.**

کجای تاریخ انسان سراغ دارد که:

مادری با فرزند شیرخوارش برای دفاع از اسلام در شهر جنگی بماند،

و سرانجام به هنگام شیر دادن کودک خردسالش در کنار یکدیگر قطعه‌قطعه شوند؟

و همین‌طور وقتی به یکی از روحانیون به نام **حاج آقا شریف** می‌گویند شهر دارد سقوط می‌کند، یک کاری بکنید، به جای این‌که برای نجات خود کاری انجام دهد، می‌گوید:

- اگر همه کاره من هستم، که با شما به جبهه می‌آیم.

و می‌رود به جبهه و شهید می‌شود و چه زیباتر! روز دهم مهر که مدافعین اسلام از فرط گرما لباس‌ها را درآورده و بعضی حتی بدون کفش با سبک‌ترین سلاح و آرپی‌جی‌های به غنیمت گرفته از دشمن تانک‌ها و خودروهای اشغالگران صهیونیست را در ناحیهٔ کشتارگاه هدف قرار داده و آنها را کلاف می‌کنند و **زیباتر از همه آن نماز شکوهمند اندک رزمندگان باقی‌مانده‌ای که با آب داخل یکی از زره‌پوش‌های به جا مانده از دشمن وضو ساخته و در مقابل دشمن همانند سرور شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) به نماز می‌ایستند** و خلاصه **کجای تاریخ بعد از صدر اسلام سراغ دارد که مسجد جامع شهری محل فرماندهی و تدارکات جبهه باشد** و به حقیقت آن سخن امام عزیز که فرمودند:

- مساجد سنگر است، سنگرها را حفظ کنید.

بایستی در مسجد جامع خرمشهر بمانیم. این مسجد تا آخرین روزهای سقوط خرمشهر مقاومت کرد و پرچم اسلام بر بلندی گنبد آن در اهتزاز بود.

اولین حملهٔ سنگین عراق برای تصرف خرمشهر در تاریخ نهم مهرماه انجام شد و اشغالگران بعثی تانک‌های خود را در اطراف کشتارگاه به صورت نعلی شکل آرایش داده و خانه‌های کوی طالقانی را درهم کوبیدند.

همزمان با این حمله، مردم در مساجد اجتماع کرده و مسلح شدند.

یکی از برادران که روش استفاده از سلاح را حتی نمی‌دانست، با ۱ آرپی‌جی۷ خود را به مقابل دشمن رسانده و در یکی از مسلخ‌های ذبح دام موضع گرفت. او دوبار نشانه‌روی کرد، اما نتوانست شلیک کند. تا این‌که برادران دیگر با صدای بلند فریاد زدند که از ضامن خارج کن، او پس از این کار بار دیگر نشانه‌روی کرد و یکی از تانک‌های دشمن را به آتش کشید.

صدامیان به محض مشاهدهٔ این حرکت از منطقهٔ کشتارگاه به سرعت چند کیلومتر عقب‌نشینی کردند. این عمل با وجود این‌که از نظر نظامی اصولاً به حساب نمی‌آید، اما ضعف و زبونی دشمن را آشکار ساخته و این حقیقت را عیان می‌سازد که **اگر خیانت‌های جریان بنی‌صدر ملعون نبود، ما به راحتی می‌توانستیم با وجود نیروهای رزمندهٔ ارتش، سپاه و بسیج جلو تجاوزات قوای کفر را بگیریم.**

دقت کنید ! چگونه یک آرپی‌جی‌زن ناوارد توانست دشمن بعثی را مجبور به عقب‌نشینی کند و طبیعی است که اگر سلاح سنگین در آن‌جا به سرعت مستقر می‌شد، شاید امروز این همه زحمت برای امت اسلام به وجود نمی‌آورد.

در آن روزهای سخت دلسوزان انقلاب و اسلام به علت جو حاکم، از درون خود را می‌خوردند و از برون مهر سکوت بر لب می‌زدند.

خرمشهر در خون و آتش می‌سوخت و نیاز به کمک نظامی داشت. اما بنی‌صدر گفت:

- تیپ اصفهان و توپخانهٔ قزوین در راه است و از مشهد نیرو می‌آید.

روز دهم مهر قوای کفر از ۲ جهت حمله را آغاز کرد و گمرک را به اشغال خود درآوردند و از طریق کشتارگاه تانک‌های خود را وارد خیابان‌ها کردند.

در این روز نیز حماسه‌سازان مدافع انقلاب اسلامی با سنگرگیری در لابه‌لای بته‌ها و درخت‌های ساقط‌شده به دشمن یورش برده و آنها را مجبور به عقب‌نشینی کردند.

صدامیان وقتی از پیشروی نیروهای زرهی به داخل شهر مأیوس شدند، آنها را در بیرون شهر مستقر کرده و هنگام غروب از طرف کشتارگاه و پلیس راه با نیروی پیاده وارد شهر شده و در خانه‌های بلند کوی طالقانی سنگر گرفتند.

این نیرو که مقدارشان به ۳۰۰ نفر رسید، مهارت خاصی در تیراندازی داشتند؛ به طوری که برادران رزمندهٔ ما مستقر در کوی بندر که مقابل کوی طالقانی است، قادر به جابه‌جایی نبودند و اگر سری از کمین‌گاه بیرون می‌آمد، گلوله‌ای داخل آن جای می‌گرفت.

اشغالگران بعثی در دوازدهم مهر شهر را دور زدند و سپس از طریق جادهٔ کمربندی از قسمت پادگان دژ به طرف پل نو آمدند که بر اثر کمبود نیرو توانستند این پل را اشغال کنند و راه ارتباطی سلحشوران و جانبازان اسلام را قطع کردند و از این زمان به بعد تنها راه ارتباطی با قسمت شرق خرمشهر از طریق آب و با قایق انجام می‌شد و مشکل تدارکات و جابه‌جایی از این روز آغاز گردید.

مجروحین پس از انتقال به مسجد جامع و انجام درمان مقدماتی توسط قایق به طرف غرب شهر منتقل می‌گردیدند و هر روز که از اشغال خرمشهر می‌گذشت، این شهر بیشتر بوی خون می‌گرفت و درگیری‌های پارتیزانی آن‌قدر اوج گرفته بود که گاهی از اوقات برادران رزمندهٔ ما با نیروهای صهیونیستی صدام تداخل پیدا می کردند و از زبان یکدیگر متوجه می‌شدند و در این رابطه چندین درگیری در داخل خانه‌ها بین ۲ نیروی الهی و کفر رخ داد.

با گذشت چندین روز از اشغال خونین خرمشهر کم کم بازگشت مجدد خرمشهر غیرممکن می‌نمود و مقاومت ایثارگرانهٔ جمعی از رزمندگان اسلام بی‌نتیجه وانمود می‌کرد.

بنی‌صدر فراری هم با دادن وعده و وعیدها سعی می‌کرد سقوط خرمشهر را کم‌اهمیت جلوه دهد، که ناگاه **در ۲۴ مهرماه خرمشهر جهنم کفار عراقی گورستان متجاوزین صدامی گردید.**

در این روز که دشمن تلاش می‌کرد تا بر تمامی غرب و خرمشهر دست یابد، با یک قیام همگانی و بی‌امان روبه‌رو شد. هیچ‌چیز جلودار مردم شهیدپرور و رزمندگان اسلام در این شهر نبود، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد و بهتر بگویم **خرمشهر یک تنه علیه اشغالگران می‌جنگید.**

اینان تاکتیک رزمی خود را در نهایت امکان به نمایش گذارده بودند، **گویی دروازه‌های رستگاری بر روی مردم گشوده شده بود.**

در آن‌جا **هیچ‌چیز جز خدا وجود نداشت، درآن روز خرمشهر در عالم دیگری بود** و مدافعین اسلام را هیچ‌چیز حتی گرمی هوا، نبود آب، نیروی عظیم و مسلح دشمن، عدم امکانات و پشتیبانی، قطع ارتباط با سایر نیروها و... مانع نبود، گویی اینان چشم ما را از کثرت جمعیت دشمن و گوش‌ها را از غرش توپ‌ها و سلاح‌های دیگر آنان بسته بودند و **تنها لبان را به فریاد تکبیر مترنّم ساخته و به پیش می‌رفتند** و ننگ ابدی را بر متجاوزین صدامی که پس از تجاوز به حریم پاک خرمشهر به نوامیس مردم غیرتمند و دلاور این شهر نیز تجاوز کرده بودند، نثار می‌کردند.

دشمن نیز که با چنین خشم سوزنده‌ای مواجه گردیده بود، چاره‌ای جز فرار نداشت و در برابر موج توفندهٔ مدافعان شهر سرافکنده و شکست‌خورده، مواضع خود را یکی پس از دیگری ترک نموده و از شدت ترس جنگ‌افزارهای خود را نیز برجای گذاشت.

عقب‌نشینی سنگر به سنگر صدامیان همچنان ادامه داشت تا این‌که **در ساعت ۱۷ روز پنج‌شنبه ۲۴ مهر** به کوری چشم آنان که بازپس‌گیری خرمشهر را امکان‌پذیر نمی‌دانستند و **به همت غیورمردان و زنان ازجان‌گذشته، شهر آزاد و اشغالگران بعثی به آن‌سوی محور اهواز خرمشهر رانده شدند و یک‌بار دیگر فضای شهر خرمشهر شاهد تکبیر هوای اسلامی گردید.**

اما افسوس و صدافسوس و بلکه بی‌نهایت افسوس که باز هم **بنی‌صدریون** با این شعار که:

- ما نمی‌توانیم از خرمشهر دفاع کنیم.

برای حفاظت از شهر نیرو نفرستادند و ننگ ابدی را بر پیشانی خود نهادند و **چقدر غمگین است که این حماسه بی‌جواب ماند** و صدامیان بار دیگر با حمله‌ای وحشیانه و ادامهٔ جنایات بی‌شرمانهٔ خود این مقاومت را با شهادت مدافعین انقلاب اسلامی درهم شکستند و **چهارم آبان بر قسمت شرقی شهر مسلط شدند.**

با این اوصاف در این‌باره آیهٔ:

عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ

کاملاً صدق می‌کند که خداوند می‌فرماید:

- شاید شما از چیزی کراهت داشته باشید و آن برای شما خیر باشد.

و لذا به حق باید گفت:

- یکی از پایه‌های سقوط لیبرالیسم به سرکردگی بنی‌صدر خائن و سایر جناح‌های منحرف، سقوط خرمشهر باشد که مشت آنان را در خیانت به آرمان امت حزب‌الله باز کرد و درست است که ما در جریان سقوط و فتح خرمشهر بهترین عزیزانمان را از کف دادیم و در سوگ آنان همواره عزاداریم، اما هم انقلاب ما خط خود را با حذف منحرفین عیان ساخت و هم در این مدت صدور انقلاب را تسریع نمود و به قول فرمایش امام امت:

- این شهادت‌هاست که به ما وعدهٔ پیروزی می‌دهد.

والسلام.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۹۲ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **مقالهٔ تحلیلی(سرمقاله)**

موضوع: **گشودن جبههٔ جدید «نق‌زدن» در انقلاب توسط مدعیان لیبرال**

امضا: **روزنامهٔ جمهوری اسلامی**

جبههٔ جدید

بسم الله الرحمن الرحیم

این نق‌زدن ها از گرفتن اسلحه به روی ما بدتر است

(از سخنان امام خمینی در دیدار با ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌ها - ۶۱/۷/۲۲)

یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی این است که همواره در چند جبهه مشغول نبرد با دشمنان خود بوده و می‌باشد.

از ابتدای پیروزی این انقلاب، وابستگان به شرق و غرب در داخل گاهی جدا جدا و زمانی متحداً به انحای مختلف تلاش کردند تا به نیروهای انقلاب ضربه وارد کنند.

این تلاش‌های مذبوحانه تا زمانی که دولت موقت بر سر کار بود، جنبهٔ ایذایی داشت، و تا آن هنگام نیروهای خارجی در عین‌حال که مزدوران داخلی خود را مورد حمایت‌های تبلیغاتی، سیاسی و مالی قرار می‌دادند، خود مستقیماً وارد میدان عمل نشده بودند. سقوط دولت موقت که نشانهٔ تصمیم جدی نیروهای پیشتاز انقلاب اسلامی بر پالایش این انقلاب از گرایش‌های غربی و شرقی و وارد شدن آن به مرحلهٔ جدیدی که پیاده کردن سیاست «نه شرقی نه غربی» را ممکن می‌ساخت، بود، دشمنان خارجی انقلاب را وادار کرد تا مستقیماً به جنگ انقلابیون بیایند.

در عین‌حال، شیطان بزرگ با امیدهایی که به تعدادی از مهره‌های باقی‌ماندهٔ خود در داخل داشت، هنوز ترجیح می‌داد اقدامات نهایی را به تأخیر بیندازد. دستیابی بنی‌صدر به ریاست جمهوری روزنهٔ امید دیگری در برابر چشمان حریص و طماع آمریکا گشود و امید جدیدی به همهٔ دشمنان انقلاب اسلامی داد.

شاید بتوان گفت:

دلبستگی کاخ سفید به بنی‌صدر بیش از امیدی بود که به دولت موقت داشت. این بدان جهت بود که بنی‌صدر توانسته بود همهٔ مخالفین هویت اسلامی این انقلاب اعم از چپی‌ها و راستی‌ها از جمله دست‌اندرکاران دولت موقت را زیر یک چتر گرد آورد و جبههٔ متحدی را تشکیل دهد که دقیقاً در خط آمریکا برای به انحراف کشاندن انقلاب و مسخ ماهیت آن و در نتیجه هموار کردن راه سلطهٔ مجدد آمریکا بر ایران با جدیت فعالیت می‌کرد.

چند روز پس از روی کار آمدن کابینهٔ شهید رجائی بود که اقدام عملی آمریکا در جهت جنگ با جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و ارتش مزدور بعث از هوا و زمین فرودگاه‌های مهم ایران را بمباران کردند.

این امر، به خوبی نشان داد که **تا پیش از روی کار آمدن کابینهٔ شهید رجائی که نشانهٔ پیروزی نیروهای انقلابی و تداوم خط اسلامی انقلاب بود، هنوز شیطان بزرگ امید داشت که بنی‌صدر و متحدان او بتوانند نقشه‌های آمریکا را پیاده کنند.**

درست است که پیش از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نیز آمریکا با حملهٔ طبس دست به اقدام عملی و مستقیم علیه جمهوری اسلامی زده بود، ولی واقعهٔ طبس را باید پیش از هر چیز یک تلاش از جانب شیطان بزرگ در جهت جبران آبروریزی بزرگی دانست که با تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا در تهران بر سر کاخ سفید آمده بود.

پس از شکست مفتضحانهٔ شیطان بزرگ در طبس باز هم کاخ سفید سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفته بود و سخت به دنبال آن بود که از طریق مزدوران داخلی خود که بنی‌صدر محور آنها شده بود، به اهداف خود برسد. این امید را هم آمریکا از لحظهٔ روی کار آمدن کابینهٔ شهید رجائی از دست داد و از همان زمان به این فکر افتاد که از طریق تحمیل جنگ توسط عفلقی‌های حاکم بر بغداد و خیانت‌هایی که بنی‌صدر و دارودستهٔ او در جبهه‌ها مرتکب می‌شدند، دولت رجائی را از پا درآورد و مهره‌های خود را بر انقلاب تحمیل نماید.

پس از آن‌که این نقشه هم نقش برآب شد و ابتکار عمل در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها و از جمله در صحنهٔ مدیریت کشور به دست حزب‌الله افتاد، مزدوران داخلی آمریکا دستور یافتند

دست به اسلحه ببرند و به زعم خود و اربابشان، ایران را لبنانیزه کنند!

انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیری و انفجارهای دیگری که منجر به شهادت جمعی از بهترین فرزندان اسلام و انقلاب شد و همچنین **تروریسم کوری که از ۳۰ خرداد ۶۰ در کشور جریان یافت**، همگی در جهت اجرای همین **نقشهٔ شیطان بزرگ** قرار داشتند.

با این که اینها همه **همزمان با جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی و جنگ شدید تبلیغاتی دشمنان اسلام علیه انقلاب اسلامی** صورت گرفته و از هر سو به نظام مقدس جمهوری اسلامی هجوم آوردند، ارادهٔ خدای متعال بر این قرار گرفت که انقلاب همچنان پرصلابت و توفنده به راه خود ادامه دهد و به خاطر آن‌که همواره در یک زمان در چند جبهه علیه دشمنان خود نبرد کرده و پیروز شده است، در این بعد با هر انقلاب دیگری تفاوت اساسی داشته باشد.

اکنون، در عین حال که هنوز جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی و جنگ تبلیغاتی و سیاسی علیه انقلاب اسلامی ادامه دارد، جبههٔ جدیدی گشوده شده است که با توجه به سخنان امام عزیزمان با ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌ها دست کمی از جبههٔ جنگ و تروریسم ندارد؛

این جبهه، «جبههٔ نق‌زدن‌ها» است.

جبهه‌ای که لیبرال‌ها آن را گشوده‌اند،

تا بلندگوی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب باشند.

نق‌زدن، یکی از هنرهایی است که لیبرال‌ها از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی آن را از خود بروز داده‌اند. آنها به رغم آن‌که به هنگام تصدی دولت موقت خون‌ها به دل روحانیون عضو شورای انقلاب می‌کردند، در افاده‌های رادیو تلویزیونی خود نسبت به همه‌چیز «نق» می‌زدند.

در آن هنگام، آنها می‌خواستند **با آن «نق»زدن‌ها راه را برای یکه‌تازی خودشان هموار کنند.** آنها آن‌قدر وقیح بودند که حتی وقتی امام در همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب سخن از ضرورت ارایهٔ پاره‌ای خدمات رفاهی به مستضعفین را به میان آوردند، آنها «نق» زدند که ما باید در این‌باره تصمیم بگیریم و سخن بگوییم.

آنها با آن «نق» زدن‌ها می‌خواستند روحانیون را به کنج خانه‌هایشان بفرستند و آنها را در حوزه‌های علمیه محصور نمایند و حتی به آنها نگویند: متشکریم که انقلاب را پیروز کرده و ما را به حکومت رسانده‌اید.

این «نق» زدن‌ها به هنگام شیادی‌های بنی‌صدر هم ادامه یافت و اکنون بار دیگر از سر گرفته شده است.

این حضرات لیبرال، هرگز از خود نپرسیده‌اند تا این لحظه برای انقلاب چه کرده‌اند؟ که این همه

طلبکاری می‌کنند.

لیبرال‌ها چند تا کشته در جبهه‌ها داده‌اند که این همه نق می‌زنند؟

آنها کدام کمک را به جبهه‌ها کرده‌اند که به خودشان حق می‌دهند از انقلاب طلبکاری کنند؟

راستی این حضرات که این همه «نق» ذخیره کرده بودند،

چرا آنها را در رژیم شاه بیرون نمی‌ریختند،

و به جای آن به آمریکایی‌ها نامه می‌نوشتند که:

بگویید شما چه خواسته‌هایی دارید تا ما انجام دهیم؟

اگر رهبر عزیز انقلاب اسلامی می‌گویند:

- این نق‌زدن‌ها از گرفتن اسلحه به روی ما بدتر است.[1]

سخن بسیار دقیقی است که به گشوده شدن یک جبههٔ جدید داخلی آن هم در زمان جنگ اشاره دارد.

آیا این حضرات «نق»زن فکر کرده‌اند که هیچ حکومتی اجازه نمی‌دهد در زمان جنگ، مخالفین سیاسی‌اش این‌گونه به تاخت‌وتاز بپردازند و تهمت و دروغ و تزویر را سرهم کنند و جبههٔ جدیدی بگشایند؟

آیا اینان می‌دانند که مدارای ملت هم حدی دارد و سرانجام روزی فرا خواهد رسید که مسئولان را تحت فشار قرار دهند تا **با گشایندگان این جبهه مانند کسانی که اسلحه به روی انقلاب گرفته‌اند،** رفتار کنند؟

آیا اینان نمی‌دانند که **به فرمودهٔ امام، «مردم ما برای شکم انقلاب نکرده‌اند.»** آیا اینان هنوز نفهمیده‌اند که مردم ما خوب می‌دانند لازمهٔ انقلابی بودن تحمل مشکلات است؟

آیا اینان نمی‌دانند که مردم ما سختی‌ها را در برابر ارزش‌هایی که انقلاب با خود آورده است، به هیچ گرفته‌اند؟

آیا اینان نمی‌دانند که جنگی با ابعاد وسیع جنگ تحمیلی باید کشور را به قحطی می‌کشاند، ولی وضعیت کشور فعلاً به گونه‌ای است که گویا اصولاً جنگی رخ نداده است؟

اینها مطالبی نیستند که شما «نق»زن‌ها از آنها بی‌خبر باشید. بنابراین، باید بدانید راه

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۷، ص ۳۷ - ۲۲ مهر ۱۳۶۱/ ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۰۲

در هر صورت، ما الآن مبتلا هستیم در داخل و خارج به یک نِق‌های زیاد. آن‌جا با اسلحه، داخل هم با اسلحه و بی‌اسلحه. و کارهای بی‌اسلحه مشکل‌تر است جواب دادنش تا اسلحه. اسلحه را معلوم است که باید با اسلحه جواب داد، اما این خرده‌ریزهایی که تزریق می‌شود و به گوش هم گفته می‌شود، این به او می‌گوید و او به آن می‌گوید و او چه می‌شود، اینها کارها را مشکل‌تر می‌کند.

جدیدی که در پیش گرفته‌اید نیز شما را به مقصدتان نخواهد رساند.

بهتر است شما گشایندگان این جبههٔ جدید هر چه زودتر پی به این اشتباه خود ببرید و تا ملت خواستار روشن شدن تکلیف شما نشده، اظهار ندامت کنید و به ملت بپیوندید، ممکن است پیوستن به ملت را نتوان از شما انتظار داشت، ولی لااقل بیش از این در مقابل ملت نایستید.

اگر شما عرضهٔ کار داشتید، چرا در مدت ۹ ماه که دولت در اختیار شما بود و بدون آن‌که انتخاباتی صورت بگیرد و جریان پارلمانتاریستی طی شود، همه‌چیز در اختیار شما گذاشته شده بود، هیچ گلی به سر این ملت نزدید و به جای خدمت آن همه خیانت کردید؟

در دوران دولت موقت، نه جنگی وجود داشت، نه محاصرهٔ اقتصادی و نه تروریسم. با این‌حال شما روزبه‌روز کشور را رو به افلاس بردید. ساواکی‌ها و خیانتکاران را کمک کردید تا از کشور خارج شوند و آن همه ارز با خود خارج کنند و امیرانتظام‌ها و نزیه‌ها و یونسی‌ها را بر این مردم تازه از بند رسته تحمیل کردید.

در آن زمان، **امام برای آن که شما هیچ بهانه‌ای نداشته باشید** تا اگر عرضهٔ کار دارید کاری صورت بدهید، **حمایت از دولت شما را واجب شرعی اعلام فرمودند** و روحانیون شورای انقلاب هم در عین حال که در جلسات شورا خلاف‌های شما را گوشزد می‌کردند و از شما می‌خواستند دست از خیانت بردارید، هرگز این مطالب را در بیرون به صورت علنی بیان نمی‌کردند تا مبادا دولت شما را تضعیف کرده و بر خلاف فرمان امام عمل کرده باشند.

مردم هم در اجرای فرمان امام از هیچ تلاشی برای همکاری با شما مضایقه نکردند. با این همه شما آن همه خرابی به بار آوردید و نه تنها از بهترین لحظات انقلاب به نفع کشور بهره‌برداری نکردید، بلکه کاری کردید که بسیاری از مردم و به خصوص جوان‌ها به انقلاب بدبین شوند و همین بدبینی زمینه‌ای شود برای جذب آنها به گروهک‌هایی که شعارهای زیبایی می‌دادند، ولی عملاً در استخدام آمریکا بودند.

مردم شما را خوب می‌شناسند و می‌دانند که اگر شما معجزه‌ای داشتید، در همان ۹ ماه نشان می‌دادید، **بهتر است بیش از این در مقابل ملت نایستید.**[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۹۳ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملهٔ چریک‌های اسلام به قلب مواضع دشمن در جبههٔ میمک**

امضا:

ایلام، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در سالروز حماسهٔ خونین خرمشهر لشگریان ظفرمند اسلام متشکل از **جان‌برکفان سپاه، بسیج و دیگر نیروهای عشایری** در یک رشته عملیات چریکی متهورانه و هماهنگ به قلب مواضع دشمن در میمک یورش برده و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به آنان وارد ساختند.

به گزارش **خبرنگار ما از ایلام** در این عملیات موفقیت‌آمیز که صبح روز گذشته انجام شد ۲۰ سنگر اجتماعی و انفرادی، ۳ سنگر دیده‌بانی، چندین سنگر سلاح کالیبر بزرگ و کوچک و ۲ خودرو حامل تدارکات آنان به آتش کشیده شد و بیش از ۱۵۰ تن از نیروهای صدام عفلقی کشته و یا مجروح شدند. در پایان عملیات نیروهای اسلام سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.

بر اساس یک گزارش دیگر در ۲ شبانه‌روز گذشته در جبههٔ عملیاتی غرب کشور سنگرنشینان اسلام ضمن برتری آتش و حفظ مواضع پدافند مناطق تصرف‌شده با آتش کوبندهٔ سلاح‌های سنگین و سبک موفق شدند ۳ انبار مهمات، ۱ دستگاه تانک، ۱ پارک موتوری، ۲۰ دستگاه خودرو، ۴ سنگر اجتماعی و ۱ قبضه خمپاره‌انداز ۸۲ میلیمتری با مهمات مربوطهٔ دشمن مزدور را منهدم و شماری از قوای کفر صدامی را کشته و زخمی نمایند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۲۹۴** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اوضاع نبرد در جبهه‌های غرب کشور**

امضا:

ایلام:

با آتش پرحجم و هماهنگ نیروهای اسلام بر روی **پاسگاه‌های باغسایی و شهابی عراق** در محور ملکشاهی طی ۴۸ ساعت گذشته، بخشی از پاسگاه‌های مزبور تخریب و تعدادی از مواضع دشمن منهدم و تلفات و خسارات زیادی به دشمن وارد گردید.

باختران:

سلحشوران اسلام در ۴۸ ساعت گذشته در جبهه‌های غرب ضمن حفاظت از مواضع پدافندی اشغال شده و تثبیت آن از هر گونه نفوذ و تردد دشمن جلوگیری کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی بر اثر اجرای آتش جان برکفان اسلام ۳ انبار مهمات، ۱ دستگاه تانک، ۱ پارک موتوری، ۲۰ دستگاه خودرو، ۴ سنگراجتماعی، ۱ قبضه خمپارهٔ ۸۲ میلیمتری با مهمات مربوطهٔ قوای رو به زوال صدامی منهدم و شماری از قوای کفر کشته و یا زخمی شدند.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۲۹۵** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تبادل آتش و تحمیل خسارات فراوان به دشمن در مناطق عملیاتی غرب کشور**

امضا:

به گزارش **واحد مرکزی خبر از سنندج:**

ظرف ۲ شب و روز گذشته بر اثر آتش توپخانهٔ رزمندگان غیور و کفرستیز بر روی مواضع کفر صدامی در مناطق: هرگنه، پنجوین و علی‌علیه ضمن خاموش نمودن آتش سلاح‌های مزدوران بعثی، تلفات و خسارات بسیاری به آنان وارد آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۲۹۶** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **درگیری در جبههٔ رشان**

امضا:

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در۲ شب و روز گذشته بر اثر آتش توپخانه و سلاح‌های سبک و سنگین لشگریان اسلام بر روی مواضع کفار بعثی- صهیونیستی عراق در مناطق رشان ضمن خاموش نمودن آتش توپخانهٔ دشمن، تعداد زیادی از سنگرهای انفرادی اجتماعی دشمن منهدم و تلفات و خسارات زیادی به آنان وارد آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۲۹۷** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفع حملهٔ ضدانقلابیون توسط مردم**

امضا: **واحد خبر روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

مردم کُرد مسلمان خطهٔ لاله‌گون کردستان همچنان از انقلاب و دستاوردهای آن با جان و مال خویش حفاظت می‌کنند.

واحد خبر روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان طی تماسی به خبرنگار جمهوری اسلامی اعلام کرد:

در مورخ ۶۱/۷/۱۹ ضدانقلابیون خائن به خیال واهی به اصطلاح قوا به روستای ابراهیم‌آباد از توابع دیواندره حمله برده که با مقاومت سرسختانهٔ مردم ستم‌کشیدهٔ این روستا روبه‌رو گشتند و با تحمل شکستی مفتضحانه فرار را بر قرار ترجیح دادند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۹۸ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفع تجاوز هوایی دشمن به آبادان**

امضا:

به گزارش واحد مرکزی خبر طی ۲ شب و روز گذشته هواپیماهای متجاوز رژیم بعثی-صهیونیستی عراق ۳ بار در ساعات ۹/۱۴ و ۱۰/۹ و ۱۵/۵۶دقیقهٔ پریروز قصد تجاوز به حریم هوایی آبادان را داشتند که با انبوه آتش برادران پدافند هوایی مواجه و بدون انجام هیچ‌گونه عملیاتی مجبور به فرار شدند.

همچنین طی همین مدت شهر مقاوم آبادان توسط توپخانهٔ سنگین و دوربرد مزدوران بعثی-صهیونیستی عراق هدف واقع گردید که در نتیجه ۳ باب منزل مسکونی دچار آتش‌سوزی شد و به ۲ واحد مسکونی نیز خساراتی وارد گردید که در اثر این جنایت مزدوران صدامی ۲ تن از هموطنان غیرنظامی ما مجروح شدند.

ضمناً همین گزارش حاکیست که در همین مدت رزمندگان دلاور اسلام با گشودن آتش بر روی مواضع مزدوران صدامی در آن سوی اروندرود ضمن به هلاکت رساندن تعدادی از این مزدوران، موفق به انهدام ۱ محل تجمع و تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۲۹۹ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی مرکز فرماندهی ضدانقلاب در منطقه آلواتان**

امضا: **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی از **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)** روستای آلواتان مرکز فرماندهی ضدانقلاب و از نقاط حساس و استراتژیکی در محور پیرانشهر – سردشت آذربایجان غربی که از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد تحت سلطهٔ اشرار و عناصر مسلح غیرقانونی بود، به وسیلهٔ رزمندگان پرتوان اسلام آزاد شد و مدافعان اسلام در ارتفاعات منطقه مستقر شدند.

فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) با اعلام این خبر یادآور شد:

- عملیات پاک‌سازی مناطق آلودهٔ آذربایجان غربی از ۳-۲ روز پیش آغاز شده و با پیروزی رزمندگان اسلام همچنان ادامه دارد.

بر پایهٔ همین گزارش **روستای آلواتان مرکز تدارکاتی عناصر مسلح غیرقانونی بود که از طریق مرز به وسیلهٔ رژیم بعثی- صهیونیستی عراق تجهیزات و مهمات ضدانقلاب تأمین می‌شد.**

وی ضمن تشکر از همکاری‌های بی‌دریغ مردم مسلمان کرد در ریشه‌کن کردن ضدانقلاب از آنها خواست اجازه ندهند سران اشرار از منطقه فرار بکنند.

این گزارش حاکیست:

در عملیاتی که در **روستـای کـربلا رضـاخان** یکی از مقرهای فرماندهی ضدانقلابیون در میاندوآب نیز پاک‌سازی و به تصرف رزمندگان اسلام درآمده است و طی آن ۸۰ نفر از اشرار کشته و تعدادی نیز دستگیر شدند.

فرماندهی قرارگاه در مورد **وضعیت کنونی ضدانقلاب در منطقه** اظهار داشت:

– اشرار وابسته بر خلاف ادعاهای پوچ خود به رغم این‌که ماه گذشته را ماه بسیج عمومی اعلام کرده بودند، نه تنها قادر نشدند کوچک‌ترین حرکتی را انجام بدهند، بلکه از شدت حرکات مذبوحانهٔ قبلی به طور چشمگیری کاسته شده است و این نشان می‌دهد که در میان مردم مسلمان منطقه از هیچ‌گونه پایگاه مردمی برخوردار نیستند.

وی در یک گفتگوی دیگر اظهار داشت:

– در منطقهٔ سقز نیز **روستای ترجان** یکی از مقرهای فرماندهی کومله متلاشی شده و جنازهٔ ۳۰ نفر از رهبران این گروهک برجای مانده است.

در منطقهٔ مهاباد نیز **ارتفاعات مهم خلیفه** به تصرف رزمندگان اسلام درآمده و راه پسوه به مهاباد هم‌اکنون درکنترل نیروهای اسلام است.

لازم به توضیح است که:

منطقهٔ آلواتان واقع در مرز ایران و عراق از توابع سردشت با وجود جنگل‌های انبوه و موقعیت خاص جغرافیایی، مرکز فرماندهی ضدانقلاب از مقرهای اساسی و حساس ضدانقلابیون و حزب منحلهٔ دمکرات به شمار می‌رود و با تصرف کامل این منطقه به منزلهٔ تصرف خونین‌شهر در جنوب کشورمان است.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۰ تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تقاضای پناهندگی و امان‌نامه**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در پی شکست‌های پی‌درپی ضدانقلاب در خطهٔ لاله‌گون کردستان و اربابان جنایتکارشان، فریب خوردگان گروهک‌ها گروه گروه به دامن اسلام باز می‌گردند.

بر پایهٔ گزارش رسیده از **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان** در مورخ ۶۱/۷/۲۰ ۲ نفر از اعضای فریب‌خوردهٔ گروهک خائن و زبون حزب منحلهٔ دمکرات که پی به ماهیت آمریکایی-روسی آنان برده بودند، پس از آگاهی از خیانت‌های شوم آنان خود را همراه با سلاح‌های مربوطه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیواندره و سنندج معرفی و به آغوش اسلام بازگشتند.

به گزارش **واحد مرکزی خبر از سنندج** در تاریخ ۲۲ و ۲۳ مهر ماه جاری ۲ نفر از فریب‌خوردگان گروهک خائن و پلید رزگاری که پی به ماهیت کثیف آمریکایی این گروهک برده بودند، خود را همراه با ۲ قبضه کلاشینکف به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معرفی و به آغوش اسلام بازگشتند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

باختران:

۴ تن از اعضای فریب‌خوردهٔ حزب منحلهٔ دمکرات و رزگاری که پی به ماهیت پلید این احزاب برده بودند، همراه با ۴ قبضه سلاح، خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیواندره و مریوان معرفی و تقاضای امان‌نامه کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۳۰۱** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کشف ۱ خانهٔ تیمی حزب منحلهٔ دمکرات در قروه**

امضا:

سنندج:

چهارشنبهٔ گذشته، **سپاه پاسداران قروه** با یاری مردم مسلمان و همیشه در صحنه موفق به کشف ۱ خانهٔ تیمی متعلق به حزب خائن و منحلهٔ دمکرات در قروه شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲ تن از مسئولان این حزب در قروه به نام‌های غلامرضا فارابی و صالح عبدی قبل از دستگیری به هلاکت رسیدند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات ، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۲ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **اعتراف به روابط پشت پردهٔ بنی‌صدر با سیا و عدم موفقیت آمریکا در این زمینه**

امضا: **خسرو قشقائی**

در اعترافات تلویزیونی خسرو قشقائی:

خسرو قشقائی روابط خود و بنی‌صدر با سیا را فاش کرد

خسرو قشقائی معدوم، یکی از مهره‌های سازمان سیای آمریکا در ایران در برنامه‌ای که عصر امروز از شبکهٔ سراسری سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، اعتراف کرد **برای اجرای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در ایران ماهانه بیش از ۱۵۰ میلیون ریال مقرری از سازمان سیای آمریکا دریافت می‌کرده است.**

خسرو قشقایی معدوم که در خردادماه سال جاری به هنگام فرار از ایران توسط **پاسداران همیشه هشیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** در شیراز دستگیر شده بود، در مورد زمان شروع توطئه‌هایش علیه انقلاب اسلامی گفت:

– **مدت ۲۵ سالی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در خارج از ایران بودم، با عناصری چون شاپور بختیار، داریوش فروهر، صادق قطب‌زاده، بنی‌صدر و عناصر اصلی جبههٔ ملی فعالیت داشتم.**

وی گفت:

– مدتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و آمدن به ایران در آلمان زندگی می‌کردم. سپس **در ایران از طریق ارتباط تلفنی که از هتل محل اقامتم در تهران با مأمورین سیای آمریکا داشتم،**



ضمن دریافت خط‌مشی اجرای توطئه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، چگونگی اوضاع داخلی کشور را به اطلاع آنها می‌رساندم.

وی افزود:

– پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس برنامه‌ای که از طرف آمریکا تهیه و هماهنگ شده بود، من با افرادی چون مدنی و بنی‌صدر ارتباط برقرار کردم و در سال ۵۹ با کمک‌های مالی آمریکا و همکاری شاپور بختیار، ناصر قشقائی برادرم و پسرش عبدالله برای تهیهٔ نفرات و امکانات جهت اجرای یک کودتای آمریکایی به جنوب رفتم و برخلاف آن‌چه که تصور می‌کردیم بتوانیم به طور گسترده‌ای همکاری مردم را جلب کنیم، پس از مدتی با مخالفت عظیم آنها روبه‌رو شدیم.

در نخستین توطئه‌هایمان در استان فارس که ایجاد اغتشاش و درگیری بین مردم بود، نیروهای ما مرکب از عده‌ای عناصر خودفروخته و قاچاقچی در آخرین درگیری که در مهریوبه فارس صورت گرفت، توسط مردم قلع‌وقمع و مجبور به فرار از منطقه شدند.

خسرو قشقائی اعتراف کرد:

– ما پس از قلع‌وقمع توسط مردم از بین ۳ راه چاره‌ای که برای نجات از این مهلکه داشتیم، عدهٔ معدودی در مناطق کوهستانی فراری شدند. گروهی از دولت تأمین گرفتند و تعداد کمی نیز احتمالاً تسلیم نیروهای انتظامی شده‌اند.

وی افزود:

– مدتی قبل از دستگیری در جریان ملاقاتی با بنی‌صدر که در پاریس انجام شد، به تشویق وی به آمریکا رفتم و از طریق آشنایی که با ژان والر یکی از دوستانم در آمریکا داشتم، با رئیس ادارهٔ ایران در وزارت خارجهٔ آمریکا ملاقات کردم و در پی یک‌سری مذاکرات کلی تصمیم گرفته شد با وی در تماس باشم.

قشقائی معدوم در مورد منابع مالی خود گفت:

– در ۸ سال قبل از انقلاب که در خارج به سر می‌بردم، ساواک ماهانه ۹۰ هزار ریال برای ما می‌فرستاد و پس از مراجعت به ایران توسط عبدالرحمن برومند و مدنی حدود ۲ میلیون تومان در اختیار ما گذاشته شد و پس از آن به طور اساسی از طریق آمریکا هزینهٔ برنامه‌های ما تأمین می‌شد.

وی اعتراف کرد:

– آمریکایی‌ها از طریق نماینده‌ای که در شیراز داشتیم، به طور متوسط ماهانه با ارسال ۱۵۰ میلیون ریال مقرری هزینهٔ مخارج توطئه‌های ما علیه جمهوری اسلامی ایران را تأمین می‌کردند.

قشقائی در مورد **ماهیت عناصر خودفروخته و فراری ایران** اظهار داشت:

– در خارج از کشور با بنی‌صدر، مدنی، بختیار، نزیه و عبدالرحمن برومند که یکی از هم‌دوره‌های تحصیلی بختیار و عوامل وی بود، ارتباط داشتیم که در پیام‌هایشان غالباً تقاضای به آشوب کشاندن منطقهٔ فارس و مقاومت در برابر اقدامات پرشور مردمی و ایجاد کردستان دومی در فارس را داشتند.

وی افزود:

کاندیداتوری من برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در اجرای برنامه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی بود که به تشویق بنی‌صدر مطرح شد و **قرار بود من به عنوان مهرهٔ مستقیم آمریکا در مجلس نفوذ کنم.**

وی اعتراف کرد:

– در اجرای این برنامه ۵ میلیون ریال صرف هزینهٔ تبلیغات کاندیداتوری من برای مجلس شورای اسلامی شد.

قشقایی معدوم در مورد **شرکت مستقیم بنی‌صدر در اجرای توطئه‌های آمریکا در ایران** گفت:

– من در سال ۵۹ پس از دستگیری توسط نیروهای انقلاب اسلامی توسط بنی‌صدر از زندان آزاد شدم و به دنبال آن **بنی‌صدر شخص نجات‌دهندهٔ من** مکرر تأکید داشت به پاس این خدمتی که به من کرده بود، من از برای حمایت از او **منطقهٔ فارس را بسیج کنم.**

وی در مورد **انگیزهٔ تشکیل اردوهای مسلح در منطقهٔ فارس** گفت:

– این اردوها که با تشویق آمریکایی‌ها، بختیار و مدنی تشکیل شد، هدف جمع‌آوری نیروی بیشتر برای اجرای توطئه‌های آمریکا را دنبال داشت که در حاشیهٔ آن قصد داشتیم با ایجاد جو نارضایتی و ناامیدی در بین مردم، جمهوری اسلامی را تضعیف کرده و در نهایت منطقهٔ آزادتری برای فعالیت‌هایمان در فارس به وجود بیاوریم.

قشقایی معدوم در مورد **چگونگی ارتباط‌های خود با گروهک‌های ضدانقلاب** گفت:

– این ارتباط‌ها در ۲ مرحله صورت گرفت که در مرحلهٔ نخستین **گروه مائوئیست** شخصی به اسم **ایرج کشکوکی و رنجبران** که خود مائوئیست بود، صورت گرفت و در مرحلهٔ بعد که پس از ۳۰ تیر صورت گرفت، **تعداد زیادی از عناصر خودفروخته** از جمله چندین نفر از **سازمان منافقین** به ما پیوستند؛ که یکی از آنها شخصی موسوم به **علی** بود که **با ساختن بمب در جریان به شهادت رساندن آیت‌الله دستغیب شرکت داشت.**

وی در این مصاحبه اعتراف کرد:



– من ۱ سال قبل از دستگیری از ۳ طریق خلیج فارس، کردستان و بلوچستان قصد فرار از ایران را داشتم که پس از عدم موفقیت در فرار از ۲ طریق اول توسط شخصی به نام جهان پولاد یکی از ایادی‌مان با تهیهٔ وسایل مقدماتی تصمیم گرفتیم از طریق زاهدان به پاکستان و از آن‌جا به کشورهای خارج فرار کنیم که در شیراز دستگیر شدیم.

وی در پایان این مصاحبه که ۱۵ دقیقه به طول انجامید، **به عنوان یک مهرهٔ مستقیم سازمان سیای آمریکا و بازوی اجرایی امپریالیسم آمریکا در ایران، عاقبت نافرجام توطئه‌های خود علیه نظام جمهوری اسلامی ایران را مصداق بارز بیان ضدامپریالیستی امام امت که: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، دانست** و گفت:

– من با حمایت‌های همه‌جانبه‌ای که از سوی آمریکا می‌شدم و همکاری‌های زیادی که عناصر ضدانقلاب اسلامی با من داشتند، نتوانستم همکاری مردم را در اجرای برنامه‌هایم جلب کنم و **در نهایت توطئه‌هایم به شکست انجامید** و از نزدیک لمس کردم که:

"واقعاً آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند."[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۳ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری ۲۵ منافق مزدور در تربت‌حیدریه**

امضا:

تربت حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در پی تلاش برادران سپاه و سازمان اطلاعات ۳۶ میلیونی ۲۵ نفر از ۱ شبکهٔ تروریستی گروهک منافق در شهرستان تربت حیدریه و بخش‌های این شهرستان دستگیر گردیدند که هم‌اکنون در اختیار دادسرای انقلاب اسلامی می‌باشند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۳۰۴** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اقامهٔ نماز وحدت در ابهر**

امضا:

ابهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

نماز جمعهٔ این هفتهٔ شهرستان ابهر به علت عزیمت امام جمعه به جبهه‌های جنگ برگزار نشد و حجت‌الاسلام موسوی‌پور به نمایندگی ایشان نماز وحدت اقامه کرد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۵ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح در چند شهر کشور**

امضا:

همدان، واحد مرکزی خبر:

به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر از همدان پیش از ظهر دیروز نخستین مراسم صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی اسدآباد با حضور حجت‌الاسلام حمزه‌ای امام جمعهٔ اسدآباد، فرماندهٔ هنگ ژاندارمری همدان، گارد حفاظتی ماهوارهٔ شهید قندی اسدآباد، پرسنل ژاندارمری و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای کمیتهٔ انقلاب اسلامی اسدآباد در محل ماهوارهٔ شهید قندی این شهرستان برگزار شد.

در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید، سرود انقلاب توسط نیروهای مسلح شرکت کننده در مراسم خوانده شد و آنگاه نیروهای نظامی و انتظامی رژه رفتند.

در ادامهٔ مراسم امام جمعهٔ اسدآباد و فرماندهٔ ژاندارمری همدان سخنانی ایراد کردند.

کردستان،خبرنگار جمهوری اسلامی:

صبحگاه مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مستقر در مریوان متشکل از برادران ارتش، سپاه، سپاه بومی، شهربانی، دژبانی، بسیج و کمیتهٔ انقلاب اسلامی صبح دیروز در محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان برگزار گردید.

در این مراسم که با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد، برادر ذبیحی مسئول مرکز بزرگ اسلامی مریوان سخنانی در مورد اهمیت ایام محرم و عاشورای حسینی ایراد نمود و مراسم با دعای وحدت و دعا برای طول عمر امام خاتمه یافت.

شیروان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

صبحگاه مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شهرستان شیروان متشکل از ژاندارمری، شهربانی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح روز پنج‌شنبه در محل گروهان ژاندارمری این شهر برگزار گردید و پس از تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید، سرود جمهوری اسلامی خوانده شد.

در پایان مراسم **یکی از برادران پاسدار دربارهٔ وظایف نیروهای مسلح** سخنانی ایراد نمودند

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

صبح دیروز، صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی در مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قروه با شرکت کلیهٔ نیروهای رزمنده برگزار گشت.

در این مراسم یکی از خطابه‌های حضرت علی(ع) به مالک اشتر در حضور نیروهای مسلح قرائت شد. سپس مراسم با دعای وحدت و دعای همیشگی:

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

به پایان رسید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: **۳۰۶** تاریخ صدور: **۲۵ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اهدای هدایایی به رزمندگان در مریوان در هفتهٔ جهانی پست**

امضا:

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در تاریخ ۶۱/۷/۲۰ در ادامهٔ برگزاری هفتهٔ جهانی پست از طرف کارکنان پست مریوان هدایایی به برادران رزمنده در جبهه‌ها داده شد.

همچنین دفتر جدیدی با گنجایش بیشتری در روستای نگل افتتاح گردید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۷ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام گروه‌هایی از برادران رزمنده و متخصص به جبهه‌ها**

امضا:

خمینی‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

هفتهٔ گذشته ۱۴۰ گروه اعزامی متشکل از **برادران بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خمینی‌شهر** با شوقی فراوان در میان بدرقهٔ امت حزب‌الله عازم جبههٔ جنوب گردیدند تا با همکاری سایر رزمندگان عاشورای دیگری را به جان‌فشانی‌های خود به وجود آورند.

گرگان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در تاریخ ۶۱/۷/۲۲ تعداد ۶ دستگاه تراکتور و ۴ دستگاه جیپ و ۵ دستگاه گاوآهن جهاد سازندگی گرگان با همکاری کمیتهٔ کشاورزی این جهاد توسط **ستاد بازسازی جهاد سازندگی گرگان** به مناطق بازسازی غرب کشور اعزام گردید.

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

حدود ۱۵۰ تن از امت ایثارگر و شهیدپرور استان مازندران جهت **بازسازی شهر سوسنگرد** به منطقه اعزام گردیدند.

این عده که شامل کارگر، بنا، جوشکار، نجار، معمار، لوله‌کش، خطاط و نقشه‌کش بودند

از سراسر استان مازندران صبح پنج‌شنبه از ساری محل ستاد بازسازی شهر سوسنگرد روانهٔ آن دیار شدند.

تبریز، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در اجرای **طرح خدمت ۱ ماههٔ پزشکان در نقاط محروم** سومین گروه پزشکان شامل ۵ نفر پزشک متخصص کودکان، ۶ نفر پزشک متخصص داخلی، ۳ نفر پزشک زنان و زایمان، ۱۷ نفر پزشک عمومی جهت معالجه و درمان و ادارهٔ خدمات پزشکی به بیش از ۲۳ شهرستان و روستای آذربایجان شرقی اعزام شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۸ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های امت شهیدپرور مازندران جهت بازسازی شهر سوسنگرد**

امضا:

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کمک‌های نقدی امت شهیدپرور مازندران و کارکنان ادارات و شرکت‌ها در سطح استان مازندران جهت بازسازی شهر سوسنگرد همچنان ادامه دارد.

به همین منظور شهرداری آلاشت(۴۵۷۷۶) ریال، شهرداری نکا (۴۲۶۶۲) ریال، شهرداری شیرگاه(۴۱۸۲۱) ریال، شهرداری تنکابن(۷۴۳۰۶)ریال، شهرداری رامسر(۹۸۰۰۰) ریال، شهرداری گلوگاه(۶۹۵۰)ریال،شهرداری بابل(۱۶۶۰۰۰)ریال، شهرداری بندرترکمن(۵۲۶۲۱) ریال، تمبرسازی بهشهر(۵۴۰۰۰)ریال، سرجنگلداری ماهشهر(۶۹۵۳۴۹)ریال، بنیادمستضعفان استان(۸۰۷۵۵) ریال، انستیتو توتون بهشهر(۳۰۴۶۰۶) ریال، دخانیات گرگان(۴۹۶۴) ریال، ارشاد اسلامی استان(۱۵۷۸۴۱) ریال، انجمن اسلامی بانک استان(۳۲۴۵۵۰) ریال، دبیرستان شریف‌العلمای ساری(۲۳۰۲۳۵) ریال، کارکنان ایران ناسیونال ساری(۲۶۷۰۰) ریال، برق منطقه‌ای مازندران(۲۹۵۵۰۶) ریال، تأمین اجتماعی بندر ترکمن(۱۰۸۰۰۰) ریال، سازمان تعاونی روستایی قائم‌شهر(۶۰۸۸۸) ریال، آزمایشگاه‌های گیلان و مازندران(۱۲۶۲۰۰) ریال، شرکت ابوسعید نوشهر(۷۰۰۰۰) ریال، جنگلداری نور (۶۷۲۱) ریال، کارکنان آزمایشگاهی فنی مکانیک خاک (۷۰۰۰) ریال، بانک ملی استان(۹۷۸۰۰) ریال، و ناحیهٔ نفت چالوس(۲۹۰۰۰)

ریال به بازسازی شهر سوسنگرد اختصاص دادند.

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی کارگران زحمتکش کارخانهٔ نساجی قائم‌شهر مبلغ ۲۲۳۰۰ ریال وجوه نقد و همچنین مبلغ ۱۷۰۰۰۰ ریال از سوی مردم خیر و همیشه در صحنهٔ جویبار و مبلغ ۲۳۰۳۵ ریال از سوی دانش‌آموزان واحد برادران و معلمین مدرسهٔ مسعود دهقان به حساب مخصوص رزمندگان واریز نمودند. همچنین ۱۹ تن از برادران حزب‌الله با کامیون شخصی خود پس از اعلام آمادگی عازم شهر سوسنگرد برای بازسازی شدند.

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کمک‌های بی‌دریغ و ایثارگرانهٔ امت شهیدپرور ساری جهت یاری به رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل همچنان ادامه دارد.

این کمک که توسط بسیج کمک‌رسانی به رزمندگان جبهه‌های مرکز ساری ارسال گردید به شرح زیر می‌باشد:

انجمن اسلامی ریدسعلی(۷۳۰۰۰) ریال، انجمن اسلامی پایین کولا(۸۳۰۰) ریال، انجمن اسلامی نقارچی محله (۵۵۰۰) ریال، مدرسهٔ ساداتیه (۱۹۰۰۰) ریال، اهالی روستای تلاوک (۱۸۳۰۰) ریال، زندانیان ساری (۵۴۱۱۰) ریال به اضافه ۲۵۹ قوطی کمپوت، هلال احمر، آموزش و پرورش ساری ۱۹ پلاستیک سیب درختی به اضافه مقداری کمپوت و بیسکویت و بلوز و پیراهن، اهالی قریه داراب کلا(۵۴۶۰۰) ریال به اضافه ۹۰ کیسه شامل انار، سیب درختی، برنج و گونی خالی.

گرگان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در تاریخ ۶۱/۷/۲۱ مقدار ۲ کامیون سیب درختی به وزن ۲۲ تن اهدایی از طرف بنیاد مستضعفان گرگان توسط کامیون‌های جهاد سازندگی گرگان به مناطق جنگی جهت رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل حمل گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۰۹ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور**

امضا:

اهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت تجلیل از ۳ تن از شهدای حملهٔ مسلم‌بن عقیل به اسامی: رسول سقسدلی، عزت حدیثی و اصغر اکبری مجلس باشکوهی برگزار گردید.

در این مجلس **حجت‌الاسلام مسیح‌زاده از روحانیون حوزهٔ علمیهٔ قم** سخنرانی نمود.

نیشابور، خبرنگار جمهوری اسلامی:

روز پنج‌شنبه جنازهٔ پاک ۳ تن از شهدای کربلای غرب به نام‌های: شهیدان محمود اکبری، حسین حسینی و مرتضی حسینی از محل ستاد شهدا به طرف مسجد جامع در میان اندوه امت حزب‌الله نیشابور تشییع و پس از مراسم سخنرانی به زادگاهش منتقل گردید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۱۰ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرج و...**

بسم رب الشهداء والصدیقین

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ
فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ
وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[۱]

اینان خدمتگزاران رشید و متعهدی بودند که در انقلاب و پس از پیروزی،
با سرافرازی و شجاعت در راه هدف و در حال خدمت به میهن اسلامی،
به جوار رحمت حق تعالی شتافتند.

(امام خمینی)

به مناسبت شهادت پرافتخار **ماشاءالله یعقوب (عضو بسیج)** شهید شاهدی که با از جان گذشتگی و ایثار خون پاکش پاسداری و حراست از کیان اسلام و قوام انقلاب اسلامی را به اثبات رساند و ریشهٔ تنومند انقلاب را آبیاری نمود و در جبههٔ سومار به سوی معبود پر کشید، مجلس ختمی به منظور تجلیل از مقام آن شهید روز دوشنبه ۶۱/۷/۲۶ از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در مسجد شهابی

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیدهٔ خود را] تبدیل نکردند.

واقع در خیابان ۱۷ شهریور، انتهای باغ شریفی منعقد می‌گردد.

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت **بزرگداشت شهدای عملیات مسلم‌بن عقیل** در کرج اطلاعیه‌ای از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد.

متن اطلاعیه بدین شرح است:

بسمه تعالی

ما هرچه داریم از این شهدا داریم.

(امام خمینی)

به مناسبت بزرگداشت ۷۲ تن از شهدای غرورآفرین عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل مجلس ختمی در مسجد جامع کرج منعقد می‌باشد.

زمان: ۳ الی ۵ بعد از ظهر روز یک‌شنبه ۶۱/۷/۲۵.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرج[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۱۱ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **وصیت‌نامه**

موضوع: **توصیه‌های ۱ شهید**

امضا: **معلم شهید حسن ثقفی**

معلم شهید حسن ثقفی

نور انقلاب چشمان منتظر و معصوم مستضعفان دنیا را روشن کرد

متن زیر قسمتی از **وصیت‌نامهٔ معلم شهید حسن ثقفی شهید** شاهدی که ندای امام را لبیک گفته و با ایثار خون پاکش ریشهٔ تنومند انقلاب اسلامی را آبیاری نمود و پاسداری‌اش را از کیان اسلام و قوام انقلاب ثابت کرد.

بسم الله الرحمن الرحیم

الَّذینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ اللهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ[1]

سپاس و ستایش و حمد و ثنا برذات خداوند یکتا که ما را آفرید و ما را بر زیور عقل مزین و ممیز نمود، آنگاه برای این‌که ما را از ظلمت و تاریکی و جهل نجات دهد و به نور برساند پیامبرانی فرستاد به ویژه اشرف مخلوقات محمد مصطفی(ص) را مبعوث و ما را افتخار امت او نمود.

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ ۲۰

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.



درود و تحیت بر مهدی موعود بقیه‌الله‌الاعظم که با ظهورش و شمشیرش عدالت را بر گوش مستضعفان نوازش و بر گوش ستمگران و گردنکشان حلقهٔ ذلت.

و سلام بر نایب برحقش خمینی روح‌الله این ابرمرد تاریخ و این بت‌شکن زمان و این منطق رسای قرآن کریم که با ظهورش بنیاد و اساس ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی را برای همیشه به زباله‌دان تاریخ سپرد.

امت قهرمان و شهیدپرور باید خداوند را ستایش بیکران نموده که در میان ملت‌های دنیا ملت ایران را به رهبری قائد عظیم‌الشأن امام بزرگوار خط سرخ شهادت را معلم رشادت، شهادت و شجاعت یعنی حضرت حسین‌بن علی(ع) با یارانش در عاشورا ترسیم و به ملت عزیز ایران عنایت و هدیه نمود و این باعث فخر و مباهات شما برادران و خواهران در دنیا است.

قدر این انقلاب را بدانید که همانا مانند هاله‌ای از نور سرزمین مقدس جمهوری اسلامی را دربر گرفت. بنابراین دعا کنیم، ثنا کنیم و سجدهٔ شکر به جای آوریم که چنین سعادت در چنین قرن نصیب ما شد.

ای جنایتکاران تاریخ، ای آمریکای پلید خونخوار، ای شرق کافر و ملحد از خدا بی‌خبر!

همان‌طوری که محمد رسول‌الله(ص) با دست خالی و با سلاح لااله‌الاالله ۲ ابرقدرت تاریخ شرق ساسانی و غرب روم را سرنگون نمود، این‌بار سینهٔ تاریخ گشوده شد و فرزند محمد(ص) دست خدا را از آستین خمینی روح‌الله بیرون آمد با دست خالی و با سلاح الله‌اکبر سرانجام ۲ ابرقدرت شرق روسیه و غرب آمریکا را در آیندهٔ نزدیک سرنگون و به زباله‌دان تاریخ یعنی جایگاه فسادکاران خواهند پیوست.[۱]

هر ساختمانی ستون دارد و ستون عامل استحکام ساختمان است.

ستون ساختمان انقلاب اسلامی سپاه است که از آغاز انقلاب تا حال با ایثار و خون پاک حفظ نمود و در مقابل بدخواهان با کمال شهادت ایستاد.

فداکاری این چهره‌های نورانی و درخشان این عارفان و زاهدان و پاکان شب و شیران و شجاعان روز این بلندای تاریخ اسلام و این فرزندان خلق قرآن پایدار شد.

چه زیبا کلامی که **رهبر ما** فرمود:

– اگر سپاه نبود، کشور هم نبود.

۱– متأسفانه به نظر می رسد جملات کمی درهم ریختگی دارد.

صدق است در حق این عزیزان.

سلام مرا به برادران و خواهران معلم برسانید و بگویید:

- **بچه‌های معصوم و بی‌گناه را درست تعلیم و تربیت کنید** و این ارزش‌ها زمانی به دست می‌آید که:

- **قدم اول خود را تزکیه و تقوا را پیشهٔ خود نمایید.**
- **با سلاح و صلاح تقوا و پرهیزگاری به سراغ فکر و مغز دانش‌آموز بروید.**
- و **آنها را آن‌طور که اسلام و قرآن می‌خواهد، بسازید.**

اگر کوتاهی کنید، در مقابل خون شهدا مسئول هستید.

سلام مادرجان!

شجاع و بااستقامت باش.

در مرگ من گریه نکن. همیشه شاد باش و سجدهٔ شکر به جای آور که خداوند عزت و عظمت تو را می‌خواهد و امتحان می‌کند.

مبادا در امتحان بی‌صبر باشی.

مرا ببخش و از من راضی باش.

با بچه‌هایم مهربانی کن و آنها را تعلیم و تربیت اسلامی بکن.

همسر مهربانم!

سلام.

فرزندان مرا زینب‌وار تربیت کن، که باعث افتخار من و اسلام باشند و طوری تربیت کن که اسلام عزیز را خدمت نمایند.

دعاها را زیاد بخوان.

نماز شب بخوان - قرآن بخوان - در نماز و دعای کمیل شرکت کن که قلب شما نورانی شود. چون خانهٔ خدا قلب مؤمن است.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

از عمر من بکاه و بر عمر او بیفزای

شهید حسن ثقفی[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۱۲ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **تحرکات فالانژها و ارتش لبنان در سرکوب مقاومت مسلمانان لبنان**

امضا:

ارتش لبنان به سوی مسلمانان آتش گشودند

فالانژها و ارتش لبنان یک مسجد نیمه‌تمام را ویران کردند.

تانک‌های ارتش لبنان، زنان و کودکان مسلمان را در زیر چرخ‌های خود له کردند.

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

رادیو دولتی لبنان که صدای آن در تهران شنیده شد، در ساعت ۱۵دیروز اعتراف کرد که به دلیل اوج‌گیری مقاومت مردم، نیروهای به اصطلاح امنیتی رژیم فالانژ عملیات ویران‌سازی خانه‌های مسلمان در جنوب بیروت متوقف شده است که اوضاع به خصوص **در منطقهٔ «الاوراعی» و «مله المالی»** همچنان وخیم است.

در جریان درگیری مردم با نیروهای رژیم فالانژ امین جمایل ده‌ها تن کشته شده‌اند. این رادیو اعتراف کرد که ساکنان این منطقه دیروز دست به اعتصاب و تظاهرات زده‌اند.

همچنین به گزارش **خبرگزاری‌ها به نقل از شاهدان عینی** واحدهای ارتش لبنان دیروز به روی صدها تن از آوارگان مسلمان لبنانی که به نشانهٔ اعتراض به تخریب منازلشان دست به تظاهرات زده بودند، آتش گشودند.

در جریان این اقدام سرکوب‌گرانه ده‌ها تن از جمله ۱ کودک جان خود را از دست داد.

به گزارش **آسوشیتدپرس از بیروت** یکی از مسلمانان شیعه که شب گذشته به منظور جلوگیری از تخریب خانه‌ها توسط ارتش لبنان در این تظاهرات شرکت کرده بودند، گفت:

- تانک‌ها به طور ناگهانی وارد صحنه شده و شروع به تیراندازی به سوی مردم کردند.

ابوکفران یکی از اعضای جنبش امل گفت:

- یکی از تانک‌های ارتش لبنان زنی را زیر گرفته و او را به قتل رساند.

وی گفت:

- چندین نفر دیگر نیز کشته شده و چند تن نیز از سوی ارتش دستگیر شدند.

بر اساس این گزارش ده‌ها تن از تظاهرکنندگان نیز که قسمت اعظم آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند، دیروز به منظور جلوگیری از اقدام مشترک فالانژها و ارتش لبنان در تخریب مسجد نیمه‌تمام اوزاعی در این مسجد دست به تحصن زدند.

ابوکفران گفت:

- از ۲ هفته قبل که فالانژها و ارتش لبنان تخریب خانه‌ها را آغاز کرده تا کنون ۱۲۰۰ خانهٔ مسلمانان شیعه که بیشتر آنها را آوارگان جنوب لبنان بودند، با خاک یکسان شده است.

ابوکفران عضو کمیتهٔ مرکزی امل افزود:

- دولت لبنان در تلاش است مسلمانان شیعه را به ترک بیروت وادار کند. به موجب گزارش دولت لبنان در حدود ۲۰۰ هزار نفر بر اثر تجاوز اسرائیل بی‌خانمان شده‌اند.

تخریب خانه‌های مسلمانان

در همین زمینه خبرگزاری رویتر گزارش داد:

منابع امنیتی لبنان دیروز گفتند شب شنبه فالانژها و نیروهای ارتش لبنان برای متفرق کردن جمعیت خانه به دوشان که در اعتراض به خراب کردن خانه‌هایشان توسط ارتش لبنان دست به تظاهرات زده بودند، بر روی آنها آتش گشودند.

این منابع هیچ‌گونه آماری از تعداد تلفات این برخورد خونین ندادند. اما بنا به گزارش‌های روزنامه‌های بیروت ده‌ها نفر در این ماجرا کشته شده‌اند.

حادثهٔ شب شنبه یکی از شدیدترین برخوردهای ارتش لبنان علیه مسلمانان از بیروت بوده است.

روزنامهٔ چپ‌گرای السفیر چاپ بیروت نام افراد کشته‌شده را ذکر کرده است و می‌نویسد که در زدوخوردهای شب شنبه ۱۵نفر مجروح و ۵۰ تن دستگیر شده‌اند.



حادثهٔ کشتار در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بیروت روی داد و این ناحیه در نزدیکی محل استقرار تفنگداران دریایی آمریکاست.

لازم به یادآوریست ارتش لبنان در جستجوی خود در بخش مسلمان‌نشین بیروت تا کنون بیش از ۱۰۰۰ تن را بازداشت کرده است.

در پی خراب کردن خانه‌های حومه‌های جنوبی، مسلمانان به علامت اعتراض در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند و ضمن دادن شعارهایی علیه فالانژها و ارتش لبنان، خواستار پایان این اقدامات خودسرانه و جنایت‌آمیز شدند. لکن فالانژها و ارتش لبنان بلافاصله بر روی تظاهرکنندگان آتش گشودند.

این اقدام باعث شد که تظاهرکنندگان به علامت اعتراض اقدام به راه‌بندان و پرتاب سنگ بر روی نیروهای فالانژ کنند.

مهاجرت اجباری

نیروهای ارتش لبنان به سوی زاغه‌نشینانی که در اعتراض به برنامه‌های سرکوب‌گرانهٔ فالانژها برای ویران کردن خانه‌هایشان تظاهراتی برپا کرده بودند، آتش گشودند.

به گزارش **خبرگزاری رویتر از بیروت** درگیری زاغه‌نشینان با افراد ارتش لبنان در دهکده‌ای در «**رمزالعلی» در جنوب بیروت** و نزدیک به فرودگاه به وقوع پیوست.

آنها فالانژها را متهم کردند که می‌خواهند مسلمانان را به این ترتیب وادار به مهاجرت از بیروت نمایند.

در همین حال ابوکفران عضو کمیتهٔ مرکزی جنبش امل دیروز ۲۰۰ لبنانی را به تلاش برای اخراج مسلمانان شیعه از بیروت متهم کرد.

ابوکفران در رابطه با جنایات فالانژها و ارتش لبنان در غرب بیروت که به بازداشت بیش از ۱۰۰۰ نفر منجر شد، گفت:

– **هدف دولت لبنان مجبور کردن شیعیان به خروج از بیروت و مهاجرت از این شهر است.**[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۱۳ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ارتش لبنان، مزدور در خدمت امنیت اسرائیل**

امضا: **وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، آریل شارون**

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی:

ارتش لبنان در خدمت امنیت اسرائیل است

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

آریل شارون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در گفتگویی با رادیو این رژیم از بازرسی خانه‌های فلسطینیان و لبنانی‌ها در بخش مسلمان‌نشین بیروت که از ۱۰ روز پیش توسط فالانژها و ارتش لبنان آغاز شده است، ستایش کرد.

به گزارش **خبرگزاری لیبی از کویت** شارون گفت:

- این عملیات که طی آنها صدها فلسطینی و لبنانی بازداشت شده‌اند، نه تنها برای فالانژهای لبنان، بلکه برای اسرائیل نیز مفید است.

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی افزود:

- ارتش لبنان نه تنها برای تثبیت حکومت تازهٔ لبنان، بلکه برای امنیت اسرائیل نیز فعالیت می‌کند.

به گزارش **واحد مرکزی خبر از لندن** شامیر وزیر امور خارجهٔ رژیم اشغالگر قدس که هم‌اکنون در آمریکا به سر می‌برد، اعلام داشت که **اسرائیل در جنوب لبنان باقی خواهد ماند.**

به نوشتهٔ **مطبوعات دیروز لندن** شامیر با حضور هر نیرویی در جنوب لبنان به‌جز از نیروهای فالانژ و ارتش لبنان و رژیم اشغالگر قدس مخالفت کرده و گفته است:

-ارتش لبنان با همکاری ارتش اسرائیل در جنوب لبنان با دست زدن به اقدامات مشترک امنیتی، اطمینان خواهند یافت که اسرائیل هرگز از جنوب لبنان مورد حمله قرار نخواهد گرفت.

شامیر در عین‌حال بنا به گزارش روزنامهٔ گاردین مدت اقامت خود را در آمریکا تمدید کرده تا بتواند هنگامی که امین جمایل هفتهٔ آینده به واشنگتن می‌آید، با او و ریگان دیدار مشترکی داشته باشد.

به‌نوشتهٔ این روزنامه‌ها روز گذشته **شامیر با وزیر خارجه، وزیر جنگ و بوش معاون رئیس جمهوری و رئیس سابق سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)** دیدار و گفتگو کرده است.

در همین حال امین جمایل رئیس جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان به افراد ارتش خود دستور داده از امروز با آرامش وارد بخش مسیحی‌نشین بیروت شوند.

یادآوری می‌شود:

این بخش به وسیلهٔ راست‌گرایان مسیحی و عمدتاً فالانژیست‌ها که امین جمایل نیز از همین دارودسته است، کنترل می‌شود.

عملیات نمایش خلع سلاح غیرنظامیان در شرق بیروت به دنبال عملیات کشتار و تخریب بخش مسلمان‌نشین این شهر که در کنترل مسلمانان بود، صورت می‌گیرد.

طی این عملیات که با خشونت و ویران‌سازی خانه‌های آوارگان جنگی همراه بود، بیش از ۱۰۰۰ نفر در بخش مسلمان‌نشین بیروت بازداشت شدند.

در این منطقه مسلمانان شیعه دیروز برای دومین روز پیاپی سعی کردند با سد کردن راه‌های اصلی مانع عملیات ویران‌سازی خانه‌های آوارگان به وسیلهٔ فالانژهای ارتش شوند؛ ولی بعداً با مداخلهٔ گستردهٔ نیروهای مداخله‌گر چندملیتی متفرق شدند.

انفجار در مواضع صهیونیست‌ها

براثر انفجارهای شدیدی که پنج‌شنبه‌شب گذشته در شهر اشغالی (حیفا) روی داد، ساختمان‌های این شهر به لرزه درآمد و ساکنان این شهر در پناه‌گاه‌ها مخفی شدند.

به گزارش خبرگزاری لیبی **گزارش‌های مطبوعات امان به نقل از رادیو دشمن صهیونیستی** حاکیست که به دنبال این انفجارها آتش‌سوزی بزرگی در ۱ انبار مهمات مقر نیروهای سرکوب‌گر صهیونیستی در شهر حیفا روی داد که بر اثر آن ۴ افسر صهیونیست و ۳ عابر مورد

اصابت قرار گرفتند.

رادیو رژیم اشغالگر صهیونیستی افزود که ده‌ها ماشین آتش‌نشانی برای خاموش کردن آتش در محل حاضر شدند و به علت شدت انفجارها از فاصلهٔ دور شروع به خاموش کردن آتش کردند و نیروهای صهیونیستی نیز حرکت ماشین‌ها به این منطقه را متوقف کردند.

از سوی دیگر به گزارش **خبرگزاری سوریه** رادیو رژیم صهیونیستی اعلام کرد:

انفجاری در انبار مهمات پلیس شهرک صهیونیستی «زنلون» روی داد که بر اثر آن ۱کارشناس مواد منفجره کشته و شیشه‌های خانه‌های اطراف محل انفجار شکسته شد.

از سوی دیگر به دنبال انفجار بمبی که در داخل ۱ اتومبیل کار گذاشته شده بود، ۱ سرباز اسرائیلی کشته و ۵ سرباز دیگر مجروح شدند.

بمب یادشده در منطقهٔ بحمدون که در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی بیروت قرار داشته و تحت کنترل ارتش صهیونیستی است، منفجر گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۱۴ تاریخ صدور: ۲۵ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری یک مسلمان آمریکایی توسط پلیس فاشیست سعودی به جرم تماس با حجاج ایرانی**

امضا:

به جرم تماس با حجاج ایرانی:

یک مسلمان آمریکایی توسط پلیس فاشیست سعودی دستگیر شد

جمعی از برادران و خواهران مسلمان شرکت‌کننده در نماز جمعه از ملیت‌های مختلف به منظور اعتراض به دستگیری یکی از مسلمانان زایر آمریکایی به نام «علی عبدل رشید» از سوی پلیس فاشیست پادشاهی عربستان به سوی سفارت این کشور در واشنگتن دست به تظاهرات زدند و در مقابل سفارت رژیم سعودی تحصن کردند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی این برادر مسلمان به جرم تماس با مسلمانان ایرانی بازداشت شده و تا کنون هیچ اطلاعی از سرنوشت وی در دست نیست و آخرین بار نامبرده در حالی‌که دستبند به دستش بوده در مکهٔ معظّمه در ماشین پلیس عربستان دیده شده است.

بر اساس همین گزارش تظاهرکنندگان مسلمان در مقابل سفارت رژیم سعودی در واشنگتن شعارهایی از جمله: «**الله‌اکبر، لااله‌الاالله، محمد رسول‌الله**»، «**مرگ بر فهد و سرنگون باد رژیم سعودی**» می‌دادند. این گزارش حاکیست که در این تظاهرات حدود ۳۰ تن از برادران مسلمان دستگیر و روانهٔ زندان شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۵

شماره: ۳۱۵ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **مواضع ضدامپریالیستی ایران و کرهٔ شمالی و تأکید بر ادامهٔ مبارزه با استکبار جهانی**

امضا: **رئیس مجلس کشور جمهوری دمکراتیک خلق کره، هوانگ جانگ یوپ**

رئیس‌جمهوری ایران، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای

رئیس‌جمهوری در دیدار با رئیس مجلس کرهٔ شمالی:

نیروهای ضداستکبار جهانی باید نسبت به مسألهٔ فلسطین عکس‌العمل نشان دهند

سرویس سیاسی جمهوری اسلامی:

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری عصر دیروز آقای **هوانگ جانگ یوپ رئیس مجلس کشور جمهوری دمکراتیک خلق کره** را که در رأس یک هیأت عالی‌رتبهٔ سیاسی – اقتصادی به کشورمان سفر کرده است، به حضور پذیرفت.

به گزارش خبرنگار ما در این دیدار که **وزیر اقتصاد خارجی، معاون وزارت خارجهٔ کرهٔ شمالی** و جمعی از مقامات کشورمان از جمله **دکتر ولایتی وزیر امور خارجه** نیز حضور داشتند، ابتدا **رئیس مجلس کرهٔ شمالی** با اشاره به **موفقیت‌هایی که ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آورده است**، گفت:

– ملت کره نسبت به پیروزی انقلاب اسلامی و موفقیت‌های آن و همچنین ملت ایران توجه خاصی دارد و موفقیت‌های آنها را همانند موفقیت‌های خود می‌شمارد.

وی سپس به مبارزات ملت کره علیه امپریالیسم جهانی و علاقهٔ ۲ کشور برای گسترش روابط فی‌مابین اشاره کرد و گفت:



– ما می‌دانیم که **امپریالیسم آمریکا به طور مداوم علیه انقلاب ایران توطئه و خرابکاری و تجاوز می‌کند، ولی ملت ایران همچنان به مبارزهٔ خود ادامه داده و پیروز شده است** و ما از این بابت سخت تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم.

به گزارش خبرنگار ما رئیس مجلس کرهٔ شمالی با اشاره به مبارزات ملت ایران برای دفاع از استقلال کشورمان گفت:

– ما به عنوان یک کشور غیرمتعهد تحت پرچم ضدامپریالیست و صهیونیست در دفاع از آرمان جنبش عدم تعهد تلاش می‌کنیم.

وی در ادامهٔ سخنان خود افزود:

– ما معتقدیم مردم و کشور ایران هم به عنوان یکی از اعضای جنبش عدم تعهد به اصول و آرمان این جنبش پای‌بند و در تحقق این اصول تلاش می‌کند.

رئیس مجلس کرهٔ شمالی در خاتمهٔ سخنان خویش **دعوت آقای کیم ایل سونگ رئیس جمهوری دمکراتیک خلق کره از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری برای بازدید از کشور کرهٔ شمالی** را به اطلاع ایشان رساند.

بنا به همین گزارش آنگاه **حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای** ضمن تأکید بر مبارزه علیه استکبار جهانی اظهار داشتند:

– این حقیقتی است که **نیروهای ضداستکبار جهانی** بایستی برای مقابله با آن متحد شوند و دست به دست هم **همهٔ شیوه‌های حیله‌گرانهٔ آن را شناخته و با او مبارزه کنند.**

ایشان افزودند:

– **ما در سیاست خارجی خود با همهٔ کشورهایی که با آمریکا در یک مقابلهٔ جدی قرار دارند، روابط دوستانه برقرار کرده‌ایم.**

رئیس‌جمهوری با اشاره به توطئــه‌های امپریالیسم آمریکا برای فرو نشاندن شعلهٔ مقدس انقلاب فلسطین و ضمن تأکید بر لزوم پشتیبانی کشورهای منطقه از این انقلاب، گفتند:

– به عقیدهٔ ما همهٔ کسانی که سیاست ضداستکباری را تعقیب می‌کنند، باید نسبت به مسألهٔ فلسطین حساس باشند و در مقابل آن عکس‌العمل نشان دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای در ادامهٔ اظهارات خویش افزودند:

– اگر آمریکا در خاموش کردن شعلهٔ انقلاب فلسطین شکست بخورد،

این یک پیروزی بزرگ برای ملت‌های منطقه،

و جبههٔ ضدآمریکایی کشورهای پیشرو در مقابل استکبار آمریکا خواهد بود.

رئیس‌جمهوری ضمن محکوم کردن روش بعضی از دولت‌های مرتجع منطقه در تعقیب سیاست‌های استکبار جهانی گفتند:

– ما به رغم این که در منطقه سلطهٔ سیاست آمریکایی را با همهٔ قدرت و شدت مشاهده کرده‌ایم، ولی در عین‌حال جهت حرکت انقلابی خود را همچنان حفظ نموده‌ایم و ان‌شاءالله می‌نماییم.

حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای همچنین گفتند:

– هیچ‌کدام از ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی و تهدیدهای گوناگون نظامی موجب نشد تا ما در مورد تجاوزات روزافزون آمریکا خم به ابرو بیاوریم و بی‌تفاوت بمانیم.

ما احساس می‌کنیم که نقطه‌ضعف شدید آمریکا،

منطقهٔ خاورمیانهٔ عربی و خلیج فارس می‌باشد؛

که ان‌شاءالله در صورتی که سیاست آمریکایی را در این منطقه شکست بدهیم،

در حقیقت شکست بزرگی به پیکر استکبار جهانی وارد آورده‌ایم.

بنا به گزارش خبرنگار ما رئیس‌جمهوری در پایان سخنانشان ضمن اظهار خشنودی از سفر هیأت جمهوری دمکراتیک خلق کره به ایران، از روابط موجود بین ۲ کشور اظهار رضایت نمودند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۱۶ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات مسلم‌بن عقیل، انسجام نیروهای مسلح و وابستگی و جنایات گروهک‌ها**

امضا: **برادر محسن رضائی فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران**

فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

گروهک‌های تروریست در خط براندازی که آمریکا برای نظام جمهوری اسلامی خواب دیده، قدم برمی‌دارند

مشهد:

اشغال مناطق کوهستانی و استراتژیک مشرف به شهر مندلی عراق در **عملیات «مسلم‌بن عقیل»** سیستم حکومتی صدام را در آستانهٔ متلاشی‌شدن قرار داده و با ۴۰ کیلومتر پیشروی دیگر به سوی بغداد، این شهر در تیررس توپخانه‌های سپاهیان اسلام قرار می‌گیرد و به این ترتیب دیگر کسی جرأت ایستادن در بغداد را نخواهد داشت.

برادر محسن رضائی فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که برای زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن‌الائمه علی‌بن موسی‌الرضا(ع) به مشهد سفر کرده است، در یک گفتگوی اختصاصی با **خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی**، ضمن اعلام این مطلب گفت:

– تصرف ارتفاعات عقیل، پایه‌های حکومت صدام را بیش از هر زمان دیگر متزلزل کرده است.

برادر رضائی با اشاره به ویژگی‌های عملیات مسلم‌بن عقیل گفت:

– با توجه به این‌که در این حمله ما نیروهای زیادی را برای نبرد با صدامیان آماده کرده بودیم،
ولی با عنایت خداوندی و امدادهای غیبی او،
توانستیم با تحمل کمترین تلفات،
ارتفاعات مهم را به تصرف خود درآوریم،
و حدود ۳۵۰ تن از مزدوران صدامی را به اسارت بگیریم.

در این عملیات همچنین سپاهیان اسلام موفق شدند ۱۲ تانک، تعداد زیادی نفربر، سلاح‌های ضدهوایی و موشک‌انداز از نیروهای شکست‌خوردهٔ صدام به غنیمت بگیرند.

انسجام نیروهای ایران

فرماندهٔ کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت:

– حملهٔ سپاهیان اسلام در عملیات مسلم‌بن عقیل به قدری برق‌آسا و سرنوشت‌ساز بود که با استقرار ۳ تیپ از نیروهای صدامی در این منطقه، صدام باز هم با کمبود نیرو مواجه شد و سعی بر آن داشت که با نقل و انتقال نیروهایش از جبههٔ بصره و با نیروهای امنیتی بغداد، این کمبود را جبران کند.

برادر رضائی در رابطه با انسجام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران گفت:

– به برکت امدادهای غیبی الهی،
انسجام و وحدت نیروها به حدی است که:
در جبهه‌ها پاسداران،
ارتشیان،
و نیروهای مردمی،
تنها و تنها به شهادت می‌اندیشند،
و هیچ مسأله‌ای وجود ندارد که آنها را از هدف نهایی،
– یعنی سرکوبی دشمنان اسلام –
بازدارد.

وی در مورد تقویت مرزهای کشور برای مبارزه با ایادی امپریالیسم و صهیونیسم گفت:

– حضور فعال مردم در کنار مدافعان اسلام، امنیت را به غرب کشور بازگردانده است.

برادر رضائی در مورد ترور شخصیت‌های مذهبی سیاسی کشورمان به وسیلهٔ گروهک‌های ضداسلام و مزدوران آمریکا گفت:

- این گروهک‌ها الآن به عنوان حقوق‌بگیر آمریکا در جهت خط براندازی

- که آمریکا برای نظام جمهوری اسلامی خواب دیده-

قدم برمی‌دارند،

و خودشان هم به این مسأله آگاه هستند که:

قادر نیستند حکومتی را جایگزین حکومت الهی بکنند،

ولی برای این‌که در مقابل مزد دریافتی کاری انجام داده باشند،

دست به تخریب و ترور می‌زنند،

و ائمهٔ جمعه را که در فعال‌کردن مردم نقش مؤثری دارند،

به شهادت می‌رسانند،

و می‌خواهند از حضور مردم در صحنه جلوگیری کنند،

و به زعم خودشان مانع صدور انقلاب اسلامی گردند.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: **۳۱۷** تاریخ صدور: **۲۶ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار فرماندهٔ سپاه با نمایندهٔ امام**

امضا:

محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که به همراه تنی چند از فرماندهان سپاه به منظور زیارت مرقد مطهر حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) به مشهد رفته بود، به اتفاق **اعضای شورای فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حجت‌الاسلام غزالی نمایندهٔ امام در سپاه پاسداران منطقهٔ ۴ (خراسان)** با **حجت‌الاسلام عباس واعظ طبسی نمایندهٔ امام و تولیت آستان مقدس رضوی** در محل تالار اماکن متبرکهٔ آستان قدس رضوی، دیدار و گفتگو کرد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۱۸ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مسألهٔ جنگ، هتک حرمت به حجاج ایرانی در مکّه، تذکراتی به مردم و دولت و...**

امضا: **امام جمعهٔ تبریز، اهواز، همدان، سنندج، شیراز و قم**

آیت‌الله ملکوتی امام جمعهٔ تبریز:

با پیروزی انقلاب اسلامی،

ملت ایران در جهان و تاریخ بشریت جای مخصوصی برای خود باز کرد

تبریز:

مردم مسلمان و همیشه در صحنهٔ شهرستان تبریز این هفته نیز همچون هفته‌های گذشته نماز جمعهٔ خود را در میعادگاه و تجلی‌گاه همیشگی عاشقان الله این شهرستان به **امامت آیت‌الله ملکوتی نمایندهٔ امام در آذربایجان و امام جمعهٔ تبریز** اقامه کردند.

به گزارش رسیده سخنران قبل از خطبه‌های نماز **حجت‌الاسلام موسوی تبریزی نمایندهٔ مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی** بود که برای نمازگزاران پیرامون اوضاع سیاسی اجتماعی کشور سخنرانی کرد.

سپس امام جمعهٔ تبریز در خطبه‌های نماز به تشریح نماز و نحوهٔ ایمان مردم پرداخت و طی آن گفت:

– **صرف ادعای داشتن ایمان در اسلام نمی‌تواند مقبول باشد، بلکه هر شخص باید ایمان خود را در اعمال و رفتار شخصی و اجتماعی به ثبوت رساند.** و در این‌جاست که ماهیت آن عده از مردم که

ایمان صوری داشته و در ظاهر ادعای ایمان و دینداری می‌کنند، برملا می‌شود.

نمایندهٔ امام در آذربایجان سپس **ثمرات و دستاوردهای انقلاب اسلامی** را برشمرد و گفت:

- با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران در جهان و تاریخ بشریت جای پای مخصوصی برای خود باز کرد و با اتحاد اقشار مختلف ملت، ابرقدرت‌های جهان را به لرزه و وحشت انداخت.

آیت‌الله ملکوتی در پایان خطبه‌ها با اشاره به فرا رسیدن ایام عاشورای حسینی از مردم خواست **تعزیه‌داری و مراسم سوگواری ماه محرم‌الحرام که متعلق به امام حسین(ع) است**، انجام دهند و روحانیت مبارز نیز در مساجد و معابر ضمن **تشریح وقایع عاشورای حسینی** جوانان را جهت اعزام به جبهه‌ها تشویق نمایند.

حجت‌الاسلام موسوی جزایری امام جمعهٔ اهواز:

هدف‌های حسین‌بن علی(ع) را دنبال کنید

اهواز:

نماز وحدت‌بخش و دشمن‌شکن جمعهٔ این هفته در اهواز همچون جمعه‌های گذشته به **امامت حجت‌الاسلام موسوی جزایری** و با شرکت اقشار مختلف مردم متعهد و مسلمان اهواز در پارک شهدای ۷ تیر اقامه شد.

بر اساس این گزارش در این آیین که گروهی از رزمندگان اسلام شرکت داشتند، **حجت‌الاسلام موسوی جزایری** امام جمعهٔ این شهر در خطبهٔ اول نماز با اشاره به **گردهمایی اخیر ائمهٔ جمعهٔ مراکز استان‌ها** که **به دعوت آیت‌الله منتظری در قم** صورت گرفت و نیز **ملاقات آنان با امام امت و گرفتن رهنمودهایی در زمینهٔ وظایف ائمهٔ جمعه** از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یادآور نزدیکی ایام سوگواری ماه‌های محرم و صفر شد و از همگان خواست **در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها هدف‌های حسین‌بن علی(ع) را به نیکی دنبال کنند.**

وی در همین خطبه بحث هفتهٔ پیش خود را در زمینهٔ اقتصاد ادامه داد و علت گرانی را کمبود کالا، عدم تولید، نارسایی توزیع و احتکار دانست و با بیان ضرر و زیان‌های هر یک از این عوامل و نیز **عقوبت‌های الهی که برای گرانفروشان و محتکران در نظر گرفته شده است**، از مردم خواست تا در امر تولید به ویژه کشاورزی با وجود ۸۰۰ هزار هکتار زمین موات در خوزستان شرکت و این زمین‌ها را آباد کنند.

امام جمعهٔ اهواز همچنین در دنبالهٔ بحث اقتصادی خود از آن دسته افرادی که پول‌های خود را به جریان نمی‌اندازند، خواست تا برای رونق بخشیدن به اقتصاد پول‌های خود را به

جریان بیندازند.

امام جمعهٔ اهواز در خطبهٔ دوم پیامی به زبان عربی قرائت کرد.

این گزارش حاکیست که پیش از خطبه‌های نماز **فرماندهٔ سپاه پاسداران خرمشهر** در رابطه با سیاست آمریکایی عربستان سعودی در منطقه و هم‌پیمانی‌اش با دشمنان انقلاب اسلامی ایران مطالبی بیان داشت و افزود:

- صدام با حمایت کامل عربستان سعودی به خود جرأت حمله به ایران را داد.

آیت‌الله حسین نوری همدانی امام جمعهٔ همدان:

امروز صدام عفلقی و اربابانش دربارهٔ حماسه‌آفرینی‌های مردم ایران متحیر مانده‌اند

همدان:

امت مسلمان و متعهد و همیشه در صحنهٔ همدان همچون هفته‌های قبل در صفوفی فشرده و متحد نماز کفرستیز جمعهٔ این هفته را به **امامت آیت‌الله حسین نوری همدانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ همدان** در مسجد جامع این میعادگاه همیشگی توده‌های مسلم اقامه کردند.

امام جمعهٔ همدان در آغاز خطبه‌های نماز ضمن تشریح مسألهٔ اقتصاد در اسلام به مسألهٔ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره کرد و گفت:

- این جنگ تحمیلی که آتش‌افروزان آن شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار می‌باشد، برای ما مسأله‌ای است و **ما باید سعی کنیم که هر چه زودتر این جنگ را به نفع اسلام و مسلمین پایان بدهیم و ان‌شاءالله چنین هدفی در نتیجهٔ ایمان و اعتقاد و اخلاص مردم آگاه و مجاهدپرور و قهرمان ایران بسیار بسیار نزدیک است.**

وی همچنین افزود:

- رزمندگان شهادت‌طلب و حماسه‌آفرین ما در جبهه‌های نبرد هر روز ضربهٔ محکم‌تری بر پیکر زبون و ضعیف صدام وارد می‌سازند تا به هدف نهایی خود که پیروزی حق بر باطل و نابودی کفر و شرک است، دست یابند.

آیت‌الله نوری در بخش دیگری از خطبه‌های نماز گفت:

- امروز صدام عفلقی و اربابانش و همه و همه دربارهٔ حماسه‌آفرینی و شجاعت مردم ایران متحیر مانده‌اند؛ مخصوصاً آمریکا، **آمریکایی که چند سال است بر کشورهای اسلامی سلطنت می‌کند، می‌گوید این چه اسلامی است در ایران که با اسلام‌های دیگر فرق می‌کند.**

وی افزود:

– حسین اردنی، حسن مراکشی، مبارک مصری، فهد سعودی، صدام عفلقی و یاسرعرفات می‌گویند، اسلام و امام خمینی هم می‌گوید: اسلام؛ اما **اسلامی که حسین اردنی و یاسر عرفات و امثال آنان می‌گویند، اسلامی است آمریکایی**، اسلام آمریکایی است که وقتی حجاج قهرمان ایرانی در مکهٔ معظمه در مراسم حج یک‌صدا فریاد برمی‌آورند:

مرگ بر آمریکا

و

مرگ بر اسرائیل

می‌گویند این بر خلاف شعایر اسلامی است.

امام جمعهٔ همدان در پایان خطبه‌های نماز از مردم شهیدپرور و همیشه در صحنهٔ همدان خواست که **کمک‌های خود** را در **پشت جبهه** به رزمندگان غرورآفرین و حماسه‌ساز ادامه بدهند و خطاب به **جوانانی که قدرت جنگ کردن و قدرت به کار بردن سلاح را دارند**، گفت:

– هر چه زودتر به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل رهسپار شوند تا ان‌شاءالله این جنگ به نفع اسلام و ایران خاتمه پیدا کند و صدام عفلقی به چنگال عدالت اسلامی سپرده شود.

بر اساس همین گزارش سخنران قبل از خطبه‌های نماز جمعهٔ این هفتهٔ همدان **حجت‌الاسلام حمیدی نمایندهٔ مردم همدان در مجلس شورای اسلامی** بود که با اشاره به مبارزات رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی علیه رژیم منحوس پهلوی، پیرامون قیام سیدالشهدا، حسین‌بن‌علی(ع) در راه پایداری مکتب اسلام به تفصیل سخن گفت.

حجت‌الاسلام سیدصلاح‌الدین حسامی امام جمعهٔ موقت سنندج:

هر روز چهرهٔ کریه این کوردلان منافق آشکارتر می‌شود

سنندج:

به گزارش رسیده نماز عبادی سیاسی و دشمن‌شکن جمعهٔ این هفته در سنندج با شرکت اقشار مختلف مردم خداجو و مسلمان، جمعی از مقامات استان و نهادهای انقلابی و دولتی به **امامت حجت‌الاسلام حاج سیدصلاح‌الدین حسامی امام جمعهٔ موقت سنندج** در محل مسجد جامع این شهر برگزار شد.

امام جمعهٔ سنندج در خطبه‌های نماز با بر شمردن جنایات گروهک‌های خائن در منطقه، خطاب به خانوادهٔ شهدای کردستان گفت:



– مسلمان‌ها چه از برادران تشیّع و چه از برادران تسنّن نزد دشمنان دین اسلام و جمهوری اسلامی هیچ تفاوتی ندارند.

وی در قسمتی دیگر از سخنانش با اشاره به آیات و روایات چنین اظهار داشت:

– آنان که اعتقاد به آخرت ندارند و این‌طور تصور می‌کنند که دربارهٔ اعمالشان در دل‌ها جوابی نمی‌دهند، چه بیهوده می‌اندیشند؛ چرا که خداوند ناظر اعمال همهٔ آنهاست و **منافقین فکر می‌کنند که اعمال مذبوحانه و توطئه‌آمیز آنها بر خدا پوشیده است. در صورتی که می‌بینیم هر روز چهرهٔ کریه این کوردلان آشکارتر می‌شود.**

حجت‌الاسلام حائری شیرازی امام جمعهٔ شیراز:

این انقلاب فرزند عاشوراست

شیراز:

به گزارش رسیده نماز وحدت‌آفرین جمعه با شرکت انبوه نمازگزاران به **امامت حجت‌الاسلام محی‌الدین حائری شیرازی امام جمعهٔ شیراز** در مسجد و بازار وکیل و خیابان‌های اطراف با شکوه تمام برگزار شد.

امام جمعهٔ شیراز در خطبهٔ اول نماز به **بررسی تاریخ عاشورا و نقش آن در پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران** پرداخت.

حجت‌الاسلام حائری **حماسهٔ عاشورا را جنگ میان اسلام و غیر اسلام شمرد و انقلاب شکوهمند اسلامی را تداوم نهضت خونین کربلا دانست** و در این رابطه اظهار داشت:

– این انقلاب فرزند عاشوراست. اما پیام عاشورا را در زمانی مطرح می‌کند که ۱۰۰۰ سال تجربه بر اهل عالم ثابت کرده که اسلام حقیقی چه اسلامی است و مسلم حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد.

حجت‌الاسلام حائری در قسمتی دیگر از خطبهٔ اول از هیأت‌های عزاداری خواست در مراسم ایام محرم خانواده‌های شهدا، معلولین و جانبازان انقلاب را پیشاپیش هیأت‌ها حرکت دهند تا همانند هیأت اباعبدالله‌الحسین(ع) در کربلا باشد.

امام جمعهٔ شیراز در خطبهٔ دوم **اعمال ننگین دولت عربستان سعودی نسبت به حجاج ایرانی** را به شدت محکوم کرد و **حرکت انقلابی حجاج ایرانی را صدای دادخواهی امت اسلام** دانست.

حجت‌الاسلام حائری در پایان ضمن **تشکر از امت حزب‌الله در رساندن کمک به رزمندگان اسلام در جبهه** از مسئولین خواست مسائل و مشکلات خویش را با مردم در میان بگذارند تا مردم با حضورشان در صحنه، آنان را در رفع نارسایی‌ها یاری کنند.

آیت‌الله مشکینی در خطبه‌های نماز جمعهٔ قم:

ما آن‌چنان سیلی به فهد و دیگر مرتجعین منطقه خواهیم زد

که نزد محمدرضا و فرعون‌های مصر بروند

قم:

آیین وحدت‌بخش و پرصلابت نماز جمعه در قم به **امامت آیت‌الله مشکینی** و با حضور امت شهیدپرور و همیشه در صحنه و گروهی از علما و ائمهٔ جمعه و جماعات در مدرسهٔ حکیم نظامی این شهر برگزار شد.

به گزارش رسیده قبل از ایراد خطبه‌های نماز **حجت‌الاسلام فاضل هرندی نمایندهٔ مردم اقلید فارس در مجلس شورای اسلامی و نمایندهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری در هیأت‌های ۷ نفره واگذاری زمین** سخنانی ایراد کرد. پس از آن **یکی از علمای اهل تسنن** پیرامون وحدت شیعه و سنی سخنان کوتاهی ایراد کرد. آنگاه **آیت‌الله مشکینی امام جمعهٔ قم** به ایراد خطبه‌های نماز پرداخت و در قسمتی از خطبهٔ اول نماز به بحث پیرامون روابط و ضوابط انسان و دیگر موجودات پرداخت.

امام جمعهٔ قم همچنین ضمن محکوم کردن **اعمال وحشیانهٔ حکام سرسپردهٔ سعودی با حجاج ایرانی بیت‌الله‌الحرام** و حرم حضرت رسول(ص) به جرم شعار:

مرگ بر آمریکا و اسرائیل

اظهار داشت:

- بوق‌های رسانه‌های امپریالیستی و صهیونیستی در توجیه اعمال ننگین حکام مرتجع سعودی با حجاج ایرانی اعلام نموده‌اند که حجاج ایرانی شعارهای ضداسلامی می‌دادند.

آیت‌الله مشکینی در همین رابطه افزود:

- اسلامی را که ریگان و بگین حامی آن باشند، اسلام شاه فهد و دیگر حکام مرتجع منطقه است و اسلام اصیلی که نخستین‌بار از مکه و مدینه برخاسته است، امروز در ایران اسلامی به اجرا درآمده است. و امروز یکایک مردم مسلمان ایران اعم از شیعه و سنی این جنایت شما را محکوم می‌کنند.

امام جمعهٔ قم سپس به افشای **توطئهٔ جدید حکام مرتجع کشورهای منطقه** پرداخت و گفت:

- دولت سعودی و دیگر حکام مرتجع پس از عدم کارایی توطئه‌هایشان علیه انقلاب اسلامی، اخیراً دوباره به فکر اختلاف‌افکنی بین برادران اهل تشیّع و تسنّن افتاده‌اند؛ ولی باید بدانند در

ایران شیعه و سنی با یکدیگر متحد و برادرند و حتی عده‌ای از علما و ائمهٔ جمعه و جماعات اهل تسنن در همین مکان حاضرند و شاهد این مسأله هستند.

ما به شاه‌فهد و دیگر مرتجعین منطقه می‌گوییم نزدیک است که سرنوشت آنها همچون محمدرضا و سادات بشود.

آیت‌الله مشکینی همچنین در ادامهٔ خطبه‌های نماز از حجاج ایرانی به خاطر صبر و شکیبایی‌شان در برابر اعمال دژخیمان سعودی و پلیس فاشیست آن کشور تقدیر و تشکر کرد و اظهار داشت:

– ما آن‌چنان سیلی به فهد و دیگر مرتجعین منطقه خواهیم زد که نزد محمدرضا و فرعون‌های مصر بروند.

وی سپس از محصلین و طلاب حوزه‌های علمیه که به مناسبت ایام ماه محرم عازم مناطق مختلف کشور هستند، خواست به نقاط دورافتاده که به تبلیغ بیشتری نیاز دارند، بروند.

وی گفت:

– امیدوارم امت شهیدپرور و مسلمانمان از ماه محرم و شهادت کمال استقبال را بنمایند و از همان روزهای اول ماه، مساجد را پر کنند تا شعارهای حسینی در سراسر این مملکت طنین افکند.

امام جمعهٔ قم در پایان از کارمندان دولت خواست سعی کنند برخوردشان با مردم اسلامی باشد و خدای نخواسته باعث نارضایتی مردم نشوند و **مسئولین دولت باید از مردم تقدیر و تشکر کنند، چون همین مردم بودند که رژیم ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی را سرنگـون کردند؛**

و امروز در تمام جبهه‌ها افتخار می‌آفرینند.

اگر خدای نخواسته مردم را از دست دادید،

همه‌چیز شما از دست خواهد رفت.

و از امت رشید و محترم خواست که گرفتاری‌های دولت را نیز درنظر بگیرند و در پرداخت وجوهات دولتی کوتاهی نکنند و **قدر وحدت بین دولت و ملت** را بدانند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۱۹ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **تشییع و خاک‌سپاری پیکر مطهر چهارمین شهید محراب در اصفهان و خمینی‌شهر و برگزاری مراسم بزرگداشت آن شهید در سراسر کشور**

امضا:

در میان اندوه بی‌سابقهٔ جمعیت میلیونی مردم

و پس از تشییع باشکوه در اصفهان و خمینی‌شهر

پیکر مطهر چهارمین شهید محراب در گلستان شهدای اصفهان جای گرفت

اصفهان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در طلوع فجر صبح امروز مردم شهیدپرور و اندوهگین خمینی‌شهر که از شب قبل در اماکن مقدسه به عزاداری پرداخته بودند، به خیابان‌ها سرازیر شدند و به عزاداری و نوحه‌خوانی در گرداگرد پیکر مطهر عالم زاهد، استوانهٔ فضیلت و تقوی شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی پرداختند.

در این مراسم که جمعی از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و مسئولین استان و خانواده و فرزندان شهید حضور داشتند، **حجت‌الاسلام هادی غفاری نمایندهٔ مردم در مجلس شورای اسلامی** پیرامون شخصیت بزرگ این رادمرد سخن گفت و توطئه‌های ضدانقلابیون و منافقین را برشمرد و گفت:

– تنها جرم آیت‌الله اشرفی اصفهانی این بود که طرفدار حاکمیت ولایت فقیه بود و این از نظر دشمنان اسلام بزرگ‌ترین جرم است.

به گزارش خبرنگار ما پس از سخنرانی برادر هادی غفاری دسته‌های محلی با سینه‌زنی و نوحه‌خوانی و انجام مراسمی که نمونه‌اش فقط در ایام عاشورا برگزار می‌شود، در سوگ این فرزند امام حسین(ع) بر سر و سینه خود زدند و از مقام والای این شهید تجلیل کردند.

آنگاه پیکر مطهر چهارمین شهید محراب از محل زادگاهش بر دوش مردم در حالی‌که دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی و پرچم‌های عزاداری حسین(ع) جلودار راه‌پیمایان بودند، از خمینی‌شهر تا تکیهٔ شهدای اصفهان که بیش از ۲۰ کیلومتر است، بر دوش امت شهیدپرور تشییع شد.

مردم همیشه در صحنهٔ اصفهان که از نخستین ساعات بامداد تا ظهر، چشم‌انتظار میهمان گلستان شهدای این شهرستان بودند، مشتاقانه به بدرقهٔ جنازهٔ پاکش شتافتند و به همراه عزاداران شهرهای دیگر پیکر چهارمین شهید محراب را تا میدان امام به میان صدها هزار نفر از امت حزب‌الله حمل کردند.

به گزارش خبرنگار ما در میدان امام اصفهان که جمعیت بی‌نظیری از شهرستان‌های استان‌های مختلف از جمله استان چهارمحال بختیاری، باختران، یزد و مردم شهیدپرور اصفهان حضور داشتند و همچنین شخصیت‌های مملکتی از جمله **حجت‌الاسلام ناطق نوری وزیر کشور، استادعلی‌اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش (که به نمایندگی از طرف هیأت دولت به اصفهان و باختران سفر کرده بود)، آیت‌الله طاهری نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان، استاندار کردستان، استاندار باختران، استاندار همدان، حجت‌الاسلام سالک فرماندهٔ بسیج مستضعفین، برادر سیف‌اللهی عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام معزی معاون وزارت کشور، ملاقادر قادری امام جمعهٔ پاوه و اورامانات، حجت‌الاسلام حسین اشرفی اصفهانی فرزند ارشد شهید و هیأتی از طرف آیت‌الله‌العظمی منتظری به سرپرستی حجت‌الاسلام حاج ابراهیم امینی** و همچنین خانوادهٔ شهید که از باختران به اصفهان سفر کرده بودند[در این مراسم حضور داشتند].

در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید **حجت‌الاسلام ناطق نوری** طی سخنانی شهادت این عالم ربانی را به امام و امت شهیدپرور تبریک و تسلیت گفتند و از حضور مردم اصفهان تشکر و قدردانی نمود و گفت:

– **این فاجعه نه اولین فاجعه برای ملتی است که در مقابل استکبار جهانی ایستاده است و نه آخرین حادثه خواهد بود.** زیرا ملتی که می‌خواهد سرنوشت خویش را به دست گیرد و متکی به شرق و غرب نباشد، باید منتظر ضایعات زیادی باشد و **آمریکا و ایادی‌اش و مزدوران غرب و شرق**

بدانند ملتی که بیش از ۲ سال جنگ و از همه‌چیز خود گذشته است و امروز توانسته بزرگ‌ترین قدرت سیاسی – نظامی در منطقه باشد، این ملت زیر بار ذلت و منت شرق و غرب نخواهد رفت و برای هر گونه ازخود گذشتگی آمادگی کامل دارد.

به گزارش خبرنگار ما **آقای ناطق نوری** در قسمت دیگری از سخنان خود به تحلیل از جنگ عراق به ایران پرداخت و در ادامهٔ سخنان خود **از مسئولین حفاظتی سپاه و شهربانی سخت انتقاد کرد** و گفت:

امروز مردم، من و شما را نمی‌بخشند و اگر دیر بجنبیم، مردم از ما جلو می‌زنند و ما را کنار می‌زنند.

سپس **حجت‌الاسلام شیخ‌حسن اشرفی اصفهانی فرزند ارشد شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی** طی سخنانی از حضور مسئولین و مردم در تشییع جنازه تشکر کرد و خطاب به منافقین گفت:

شما که طرفدار خلق هستید، **آیا پدر من مستکبر بود؟ یا کسی را کشته بود؟ اگر دارایی ایشان را ما جمع بزنیم، به ۴۰۰۰ تومان نمی‌رسید.**

پس او که مستکبر نبود. او که تمام هستی‌اش را خرج مردم مستضعف کرده بود، طرفدار خلق است یا شما که او را ناجوانمردانه شهید کردید؟

وی سپس به فضایل اخلاقی پدرش پرداخت و خاطراتی که از او داشت برای مردم برشمرد و گفت:

– شما در حیات او را تنها نگذاشتید و به تعبیر پدرم شهر اصفهان را باید شهر ایمان و ایثار و شهادت نام گذاشت. پس **کاری کنید تا دشمنان بدانند اگر پیکرش را از ما گرفتند، راهش زنده است.**

سپس خطاب به مردم گفت:

– پدرم همیشه در خطبه‌های نماز جمعه ۲ شعار را همیشه تأکید داشتند:

– یکی **استقلال آزادی جمهوری اسلامی**؛ که شهید مظلوم نیز بر اساس همین شعار شهید شد،

– و دیگر این‌که همیشه دست‌های خود را به آسمان بلند می‌کرد و فریاد می‌زد:

خدایا خدایا تو را به جان مهدی(عج) تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

در این موقع مردم یکپارچه فریاد زدند:

– خدایا خدایا...

سپس **آیت‌الله طاهری نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان** طی سخنان مبسوطی از فضایل اخلاقی و علمی شهید محراب اشرفی اصفهانی یاد کرد و اطلاعیهٔ امام در پیرامون شخصیت این مرد برای مردم تشریح کرد.

وی سپس از مردم دعوت نمود در مراسمی که بدین مناسبت در مسجد سید از ساعت ۸ الی ۱۱ صبح امروز ۶۱/۷/۲۶ برگزار می‌شود، شرکت نمایند.

آنگاه آیت‌الله طاهری بر پیکر مطهر شهید به همراه امت حاضر در صحنه نماز شهید به‌جای آوردند و سپس پیکر این شهید در شور و عشقی که غیرقابل توصیف است، از میدان امام تا گلستان شهدا تشییع و در میان اندوه بی‌سابقهٔ مردم در کنار دیگر یاران شهید انقلاب طبق وصیت ایشان در گلستان شهدا به خاک سپرده شد.

بزرگداشت شهادت چهارمین شهید محراب در سراسر کشور

سرویس شهرستان:

به دنبال شرکت امت مسلمان از شهرها و روستاهای کشور در بزرگداشت و تجلیل از مقام شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی و نیز اعلام آمادگی برای تلاش و فداکاری بیشتر در راه استقرار اهداف جمهوری اسلامی مراسم و مجالسی در اکثر نقاط میهن اسلامی‌مان برگزار شده است که اخبار گوشه‌ای از این مراسم از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

آبادان

به مناسبت بزرگداشت شهادت چهارمین شهید محراب حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران به دست منافقین کوردل روز گذشته مراسمی در شهر مقاوم آبادان برگزار شد.

در این مراسم که گروه کثیری از رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل و مردم آبادان شرکت داشتند، حاضرین در مراسم با دادن شعار، نوحه‌خوانی و سینه‌زنی به تجلیل از این شهید بزرگوار پرداختند.

یزد

صبح دیروز مجلس بزرگداشتی از سوی **حضرت آیت‌الله خاتمی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ یزد** به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب حضرت آیت‌الله حاج‌آقا عطاءالله اشـرفی اصفهانی امام جمعهٔ باختران در مسجد حظیره برگزار شد.

در این مجلس اقشار مختلف مردم شهیدپرور یزد، گروهی از کارکنان ادارات، سازمان‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی شرکت داشتند.

نظیر این مراسم طی پریروز و دیروز از سوی ائمهٔ جمعه و مردم متعهد استان یزد در سایر شهرها و بخش‌های استان برگزار شد.

مشهد

به منظور بزرگداشت خاطرهٔ چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران بعداز ظهر شنبه مراسمی در صحن امام خمینی مشهد با حضور **آیت‌الله خاتمی امام جمعهٔ یزد، آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی، آیت‌الله شیخ‌ابوالحسن شیرازی امام جمعهٔ مشهد، حجت‌الاسلام عباس واعظ طبسی نمایندهٔ امام در استان خراسان، استاندار خراسان، اقشار مختلف مردم، جمعی از پرسنل نیروهای نظامی و گروهی از روحانیون** برگزار شد.

زنجان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در مجلس باشکوهی که بعد از ظهر شنبه از سوی **حضرت آیت‌الله موسوی زنجانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ زنجان** در مسجد جامع این شهر برگزار شد، خاطرهٔ جانبازی‌ها، ایثارگری‌ها و فداکاری عالم مجاهد یار مخلص و فداکار رهبر انقلاب، چهارمین شهید محراب گرامی داشته شد.

نطنز

مردم مسلمان و انقلابی شهرستان نطنز دیروز در یک راه‌پیمایی با شکوه با شعارهای کوبنده، شهادت حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی را به امام خمینی و امت شهیدپرور تبریک و تسلیت گفتند.

راه‌پیمایان پس از پایان راه‌پیمایی در حسینیهٔ مرکز شهر اجتماع نموده و سخنان برادر **حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ‌علی رسولی امام جمعهٔ نطنز** گوش فرادادند.

استان سمنان

به مناسبت شهادت عارف متقی و عالم مجاهد حضرت آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی



نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران روز گذشته مراسم باشکوهی در اکثر شهرها، بخش‌ها و روستاهای استان سمنان برگزار شد.

بر پایهٔ این گزارش به همین مناسبت بازار و مغازه‌های پاره‌ای از شهرها و بخش‌های استان به حال تعطیل درآمد.

زاهدان

در پی شهادت فقیه مجاهد و عالی‌قدر و یار دیرینهٔ امام آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعه و نمایندهٔ امام در استان باختران توسط مزدوران آمریکایی و اسرائیلی پیش از ظهر شنبه امت مسلمان و شهیدپرور شهرهای استان سیستان و بلوچستان با اجتماع یکپارچه و بی‌نظیر خود در مساجد و تکایا طی مراسم خاصی شهادت چهارمین شهید محراب را گرامی داشتند.

در این مراسم **روحانیون اهل تسنن و تشیع، کارکنان و کارمندان ادارات، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای نظامی و انتظامی** نیز شرکت داشتند.

میانه

به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی مجلس بزرگداشتی بعد از ظهر شنبه در مسجد جامع شهرستان میانه برگزار شد.

در این مجلس **حجت‌الاسلام هوشیاری حاکم شرع این شهرستان** مطالبی ایراد کرد.

اهواز

به مناسبت شهادت عالم متقی آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران بعد از ظهر شنبه مجلس گرامیداشتی در مسجد جزایری اهواز برگزار شد.

در این مراسم آیین عزاداری و سینه‌زنی برگزار شد.

خرم‌آباد و بروجرد

بعد از ظهر شنبه مراسم بزرگداشت شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی با حضور **جامعهٔ روحانیت، نهادها و ارگان‌های انقلابی و اداری و اقشار مردم** در مسجد آیت‌الله منتظری خرم‌آباد برگزار شد.

همچنین مجلس بزرگداشتی به منظور تجلیل از شهید محراب امام جمعهٔ باختران با شرکت **امام جمعهٔ موقت بروجرد و اقشار مردم این شهر** در مسجد امام خمینی بروجرد برگزار شد.

ساری

به منظور گرامیداشت شهادت چهارمین شهید محراب و به دعوت شورای نهادهای انقلابی شهرستان ساری و استانداری مازندران مجلس باشکوهی با شرکت اقشار مختلف مردم در مسجد جامع ساری برگزار شد.

لارستان

مراسم بزرگداشت شهادت جانگداز عالم ربانی حضرت آیت‌الله حاج آقاعطاءالله اشرفی اصفهانی با شکوه فراوان با شرکت گروه کثیری از امت حزب‌الله و همیشه در صحنهٔ لارستان در حسینیهٔ اعظم این شهر برگزار شد.

بر اساس همین گزارش به همین مناسبت بازار و کلیهٔ مغازه‌های شهر تعطیل و مردم با اجتماع پرشور بر پیوند همبستگی خود با امید مستضعفان جهان امام خمینی مدظله تأکید و برای هر گونه جان‌فشانی در راه اسلام اعلام آمادگی نمودند و خواستار مجازات هر چه سریع‌تر منافقین کوردل آمریکایی شدند.

علمده، خبرنگار جمهوری اسلامی:

مراسم بزرگداشت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی با شرکت برادران و خواهران مسلمان علمده و حومه در مسجد جامع این شهر برگزار شد.

بابل، خبرنگار جمهوری اسلامی:

جهت بزرگداشت سومین روز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی عصر دیروز از سوی **جامعهٔ روحانیت، بنیاد شهید، ستاد بزرگداشت شهدای بابل** مجلس بزرگداشتی با شرکت اقشار مختلف مردم در مسجد کاظم‌بیگ بابل برگزار شد.

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت شهادت حضرت آیت‌الله حاج‌آقاعطاءالله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام

جمعهٔ باختران چهارمین شهید محراب شهر طبس به صورت تعطیل درآمد.

در مجلس عزاداری که در مسجد صاحب‌الزمان برگزار شده بود، **حجت‌الاسلام فردوس‌پور نمایندهٔ مردم در مجلس شورای اسلامی** سخنرانی نمود.

در پایان **مردم خواستار تشکیل سازمان اطلاعات کشور شدند.**

شیروان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی شورای هماهنگی تبلیغات نهادهای انقلاب اسلامی شهرستان شیروان مراسم بزرگداشتی به مناسبت شهادت شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی در مسجد جامع شیروان برگزار شد.

در این مراسم **حجت‌الاسلام ناهید** پیرامون شخصیت والای آن شهید سخنرانی کرد.

بیرجند، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی امت شهیدپرور بیرجند دست به یک راه‌پیمایی گسترده زده و با شعارهای کوبنده اعمال منافقین را به شدت محکوم نمودند.

همچنین امت حزب‌الله این شهرستان در مسجد مصلی اجتماع نموده و به عزاداری پرداختند.

دره‌گز، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران ظهر دیروز مراسمی از سوی ستاد تبلیغات و نهادهای انقلابی دره‌گز در محل مسجد صاحب‌الزمان(عج) این شهر برگزار گردید.

قم، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب عالم متقی، مجاهد پارسا آیت‌الله حاج شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی دیروز بعد از ظهر مجلس بزرگداشتی از سوی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم در مدرسهٔ فیضیه سنگر جهاد و اجتهاد و با شرکت اساتید و روحانیون حوزهٔ علمیهٔ قم و انبوه مردم همیشه در صحنهٔ شهر خون و قیام برگزار شد. در این مجلس **حجت‌الاسلام ایرانی قمی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم** پیرامون فضایل اخلاقی و مبارزاتی این شهید بزرگوار و توطئه‌های ابرقدرت‌ها و ایادی داخلی‌شان سخنرانی نمودند.

شهرکرد:

جهت گرامیداشت شهادت عالم ربانی حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی بعد از ظهر روز شنبه مراسمی در مسجد امام حسین(ع) فارسان برگزار شد.

همچنین مجلس دیگری از طرف امور تربیتی خرمشهر با شرکت آموزگاران و دانش‌آموزان در محل سالن تختی این شهر برگزار گردید.

محمودآباد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی امام جمعه، نهادها و ارگان‌های انقلاب اسلامی محمودآباد به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب و **شهادت ۲ رزمندهٔ پاسدار** مراسم بزرگداشتی عصر دیروز در مسجد جامع محمودآباد برگزار شد.

به مناسبت شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی صبح دیروز مجلس بزرگداشتی از سوی جهاد سازندگی استان چهارمحال بختیاری در محل نمازخانهٔ این ستاد برگزار گردید.

کرمان:

به مناسبت شهادت جانسوز عالم متقی و پارسا و دانشمند پرهیزگار حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی و سالروز ۲۴ مهر ۵۷، روز به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان به دست مزدوران رژیم سفاک پهلوی، مراسمی با حضور امام جمعه، استاندار، جامعهٔ روحانیت، دادستان دادگاه انقلاب، برادران پاسدار و نیز عدهٔ کثیری از مردم ایثارگر و همیشه در صحنهٔ کرمان در مسجد جامع کرمان برگزار شد.

از سوی **حجت‌الاسلام موحدی قمی حاکم شرع و امام جمعهٔ اسلام‌آبادغرب** در رابطه با سومین روز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی این اطلاعیه منتشر شد:

شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی از مصادیق بارز «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه» بود.

(امام خمینی)

۳ روز از شهادت جانگداز و پرافتخار عالم ربانی و دانشمند بزرگوار یار صدیق امام حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعه و نمایندهٔ امام در باختران گذشت.

لذا بدین مناسبت مجلس ختمی از ساعت ۲ الی۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۶ مهرماه (امروز) در محل مسجد جامع اسلام‌آبادغرب برگزار می‌شود. بدین‌وسیله از امت همیشه در

صحنهٔ حزب الله دعوت می‌شود که با حضور یکپارچه و به صورت دسته‌های عزاداری و سینه‌زنی از محله‌های مختلف حرکت کرده و در محل مسجد جامع اجتماع نمایند.

سرویس شهرستان:

در ادامهٔ سیل ارسال پیام‌های تبریک و تسلیت به مناسبت شهادت چهارمین شهید محراب و تجدید بیعت با رهبر انقلاب و اعلام وفاداری به راه شهیدان انقلاب اسلامی اطلاعیه‌های فراوانی از سوی شخصیت‌های مذهبی – سیاسی، نهادها و ارگان‌های دولتی انتشار یافته که اسامی آنها درج می‌گردد.

حجت‌الاسلام فاضلیان امام جمعهٔ ملایر، حجت‌الاسلام حاج سید موسی حجتی امام جمعهٔ موقت رشت، کانون تبلیغات اسلامی رشت، حجت‌الاسلام حسینی امام جمعهٔ شیروان، امام جمعهٔ نهاوند، حجت‌الاسلام عبادی امام جمعهٔ زاهدان و نمایندهٔ امام در استان سیستان و بلوچستان، جامعهٔ روحانیت خرم‌آباد، امام جمعهٔ یاسوج، امام جمعهٔ ابرقو، امام جمعهٔ اردبیل، جامعهٔ روحانیت جوانرود، جامعهٔ روحانیت ثلاث باباجانی و امام جمعهٔ قلقله (از توابع باختران)، فضل‌الله صلواتی نمایندهٔ مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی، جهاد سازندگی پیرانشهر، مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور، سپاه پاسداران نقده، انجمن اسلامی کارکنان و هنرجویان فنی شهید باهنر نقده، بخشدار هرسین، انجمن‌های اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی دامغان، جامعهٔ کلیمیان باختران، استانداری لرستان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، فرمانداری خرم‌آباد، سازمان تبلیغات اسلامی، ادارهٔ کل کشاورزی و عمران روستایی، هیأت واگذاری زمین، بنیاد مستضعفان، ستاد مرکزی مبارزه با مواد مخدر، بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی، ادارهٔ کل آموزش و پرورش، هیأت عالی نظارت بر شوراهای اسلامی مساجد، مجتمع گوشت لرستان، کارکنان خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت کوهدشت لرستان، بنیاد شهید انقلاب اسلامی سوسنگرد، کارکنان سازمان برنامه و بودجهٔ استان خوزستان، انجمن اسلامی کارکنان کارخانه‌های لوله‌سازی اهواز، انجمن اسلامی شبکهٔ بهداری دشت آزادگان، انجمن اسلامی معلمان اهواز، روابط عمومی ادارهٔ امور تربیتی و ادارهٔ کل آموزش و پرورش خوزستان، انجمن اسلامی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای منطقهٔ خوزستان در اهواز، روابط عمومی فرمانداری اهواز، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خوزستان.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۰ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهید اشرفی اصفهانی در مدرسهٔ عالی شهید مطهری به دعوت امام امت و سخنرانی حجت‌الاسلام فلسفی**

امضا:

به دعوت امام امت

مراسم بزرگداشت آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی در مدرسهٔ عالی شهید مطهری برگزار شد

سرویس خبری:

به دعوت امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مراسم بزرگداشت شهادت **چهارمین شهید محراب آیت‌الله حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران** با حضور مهندس موسوی نخست‌وزیر و جمعی از وزرای کابینه، فقهای شورای نگهبان، روحانیت مبارز تهران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فرماندهان قوای ۳ گانهٔ ارتش جمهوری اسلامی ایران، مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، تعدادی از برادران نیروی زمینی، هوایی، دریایی، **برادران پاسدار، کمیته‌ها و سپاه**، معلولین انقلاب و مجروحین جنگ تحمیلی و عدهٔ کثیری از مردم همیشه در صحنه و شهیدپرور تهران در مدرسهٔ عالی شهید مطهری برگزار شد.

به گزارش خبرنگار سرویس خبری جمهوری اسلامی **این مراسم که از سوی امام امت ترتیب یافته بود**، ساعت ۱۵ عصر دیروز با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد.

پس از آن اشعاری توسط یکی از برادران در مدح چهارمین شهید محراب آیت‌الله حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران قرائت شد.

پس از اشعار، مردم حاضر در مدرسهٔ عالی شهید مطهری با سینه‌زنی و نوحه‌خوانی گرمی خاص به مراسم بخشیدند و با شعارهایی از قبیل:

تسلیت به رهبر انقلاب

شهادت اشرفی غرقهٔ خون محراب

اشرفی ای یار شریف امام

اشرفی ای یار صدیق امت

اشرفی ای شهید بافضیلت

خون تو انقلاب را جان دهد به فتنه‌ها و نفاق پایان دهد

در باختران به روز جمعه گردید شهید امام جمعه

عزا عزاست امروز روز عزاست امروز

حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست

خون شهید اشرفی نوید نصرت دهد به جبهه‌های نبرد روح شهادت دهد

مرگ بر فرانسه

مرگ بر آمریکا

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

یاد چهارمین شهید محراب را گرامی داشتند.

سخنان حجت‌الاسلام فلسفی

آنگاه **حجت‌الاسلام فلسفی** پیرامون فرهنگ و مکتب اصیل اسلامی مطالبی ایراد نمود و در ابتدا اظهار داشت:

– مردم، ساخته‌شدهٔ مکتب ما هستند. فرهنگ هر ملتی مغزهای آن ملت را می‌سازد و اگر فرهنگ یک ملت خوب باشد، مغزهایی که در آن ملت به وجود می‌آید و یا ساخته می‌شود خوب است و اگر بد ساخته می‌شوند و این مسأله‌ایست که از نظر علمی ثابت شده است.

در دنیا امروز مغزها مادی ساخته می‌شوند؛ مانند دنیای کمونیستی. منتهای مراتب زیربنای مکتب‌ها فرق می‌کند. مثلاً در دنیای کمونیست ناشی از اقتصاد می‌باشد.

این مکاتب و این فرهنگ‌هایی که موجود است و تقریباً دنیا را به همین کیفیت ساخته، همه‌جا صحبت از لذت، شهوات، اقتصاد و... است؛

و این گردانندهٔ اوضاع امروز است.

فرهنگ اسلام

اما **اسلام یک فرهنگ مستقل دارد**، نه مقصود فقط آموزش، اسلام خودش مکتب مستقلی است و در ضمن معنای خاصی دارد.

در اسلام اصالت لذت، شهوت، اقتصاد برحسب واقعیت است. لذا در اسلام اقتصاد هست، لذت هست، شهوت هست، در اسلام قدرت هست، اما قدرتی که دربارهٔ حق باشد.

بنابراین **فرهنگ اسلام، فرهنگ جامع و کامل است؛ جمیع شئون اسلام، در مقابل اسلام و در مقابل پیامبر خدا(ص) شایسته است فدا شوند. یعنی اقتصاد، لذت، شهوات، خانواده، فرزند، همسر و زندگی فدای خدا می‌شود** و این مسأله خیلی اصولی و اساسی است.

حجت‌الاسلام فلسفی در بخش دیگر از اظهاراتش افزود:

– خدا به پیغمبر(ص) می‌فرماید به مردم بگو، اگر پدرانتان، فرزندانتان، همسرانتان، اگر تجارتتان، اموالتان، نزد شما عزیزتر باشد، شما لایق اسلام نیستید و بروید در گوشه‌ای از خانه بنشینید تا بمیرید.

استقبال از شهادت

ببینید **جوانان در جبهه‌ها با چه شوری به استقبال شهادت می‌روند.**

آنان همه‌چیز را فدای اسلام کرده‌اند.

آنان می‌خواهند ثابت کنند که جانشان در برابر خدا عزیزتر نیست. این نشان‌دهندهٔ آن است که فرهنگ در اسلام بالا و بر زیاد دارد.

مثلاً یکی از اموری که جزو فرهنگ اسلام است، این است که:

مسلمانان باید مستقل، عزیز، باشخصیت و... باشند و زیر بار زور و ستم نروند.

در مکتب اسلامی، استعمار ممنوع است و همچنین استثمار و استقباه به معنای بردگی ممنوع است. چون مکتب در اسلام چنین می‌باشد، ابرقدرت‌ها نمی‌توانند با آن مقابله کنند.

ناطق همچنین افزود:

– همان‌طورکه رئیس‌جمهور آمریکا نیز گفت: انقلاب ایران ما را تهدید می‌کند. **انقلاب ایران برای آمریکا سنگین است.**

آیا نفس انقلاب آنها را تهدید می‌کند؟ نه، خود انقلاب آنها را تهدید می‌کند؟ نه، رژیم جمهوری آنها را تهدید می‌کند؟ نه، نفس رژیم جمهوری برای خارجی‌ها گران نیست. اگر فقط جمهوری باشد، سنگین نیست. اگر گفته بودند جمهوری دمکراتیک ایران، باز هم برای آمریکا

سنگین نبود. اگر گفته بودند جمهوری دمکراتیک خلق ایران، باز هم برای آمریکا سنگین نبود.

آن چیزی که سنگین برای آمریکا می‌باشد، جمهوری اسلامی ایران است.

ترس ابرقدرت‌ها از اسلام

یعنی آنها از کلمهٔ اسلام و مکتب اسلام می‌ترسند. آنان محاصرهٔ اقتصادی را به وجود آوردند، جنگ تحمیلی را به وجود آوردند و تام و تمام علیه اسلام کار کردند و بس. چون این جمهوری مربوط به اسلام است؛ از اسلام می‌ترسند. (تکبیر حاضرین)

شما مردم که امروز به این مراسم آمده‌اید، به این سخن من (از اسلام می‌ترسند) تکبیر گفتید، این مسأله خود نشانگر مسئولیت سنگینی است که شما در قبال اسلام و جمهوری اسلامی دارید.

این مسأله مربوط به وضع کنونی ماست، لبهٔ تیز جنگ با خداست، با اسلام است.

حجت‌الاسلام فلسفی افزود:

- صحبت رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر پاریس نیست. صحبت این است که **دنیای مادی، دنیای لذت، دنیای شهوت، دنیای قدرت، دنیای اقتصاد می‌بیند که دولت جمهوری اسلامی ایران تمدن آنها را تهدید می‌کند و اگر فرهنگ و مکتب اسلام پیاده شود، آنها از بین می‌روند.**

ما الآن باید به هوش باشیم که تمام دعواها روی خداست، روی اسلام است. یعنی لبهٔ تیز جنگ روی پیامبر(ص) است، روی امام صادق(ع) است. چرا؟

برای این‌که **اگر فرهنگ کامل اسلام پیاده شود، خیلی از شیرهای نفت بر روی ابرقدرت‌ها بسته می‌شود. خیلی پول‌ها از بانک‌ها برداشته می‌شود و خیلی از مستشاران از کار برکنار می‌شوند.**

تقدیر و تشکر از ظالمان!!

ناطق افزود:

- مسألهٔ روز، مسألهٔ اسرائیل است، اسرائیل ابتدا از هوا و زمین با بمب و موشک به لبنان حمله کرد و بعد در لبنان نیرو پیاده کرد و وارد خاک لبنان شد، زن‌ها و بچه‌ها را کشت و سر برید، تا این‌که وارد بیروت شود و جنبشی در میان عاملین این جنایت به وجود آمد، آنان در فاس نشستند و پس از بحث و تبادل‌نظر به اسرائیل مدال دادند. چون زن‌ها و بچه‌ها را کشته، اسلام را نابود کرده و همچنین می‌گویند شما را از این به بعد می‌خواهیم بشناسیم.

خود سنی‌ها به خصوص در تفسیرهایشان معنی می‌کنند، اظهار میل به جنایتکاران و ظالمان اسلام نکنید.

باید گفت:

ای فهد، ای ملک حسین، ای...! آیا تو مسلمانی؟ آیا تو پیرو قرآن هستی؟

قرآن می‌گوید:

نروید و از ظالم تقدیر و تشکر نکنید. شما می‌روید و به او مدال هم می‌دهید.

ظرف چند روز قرآن نشان داد و اسرائیل را شناختند، از روز کمیسیون فاس تا روز قتل‌عام بیروت چقدر فاصله بود، مسلمانان را در بیروت کشتند و آبروی ملک حسین و فهد رفت.

حجت‌الاسلام فلسفی در بخش دیگر از سخنانش افزود:

- به نیکی‌ها، به پاکی‌ها، به فضیلت‌ها کمک کنید و از آن یاری کنید،

اما از تجاوز و تهدید یاری نکنید.

مسلمانی کشور سعودی

آیا کشور سعودی مسلمان است که وقتی ۷۰ هزار زایر ایرانی به حج می‌روند و شعار مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا می‌گویند، پلیس با باطوم و غیره به جان آنها می‌افتد و آنان را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و مجروح می‌کنند، بهتر نبود فهد مسالمت می‌کرد.

به فهد می‌گویند هلی‌کوپترها، تانک‌ها، نفربرها، خودروها و موتورهای اسرائیل با نفت تو حرکت می‌کنند. در حالی‌که **مکتب اسلام می‌گوید: به ظالم کمک نکنید.** بنابراین، جنگ با قرآن است، جنگ با فرهنگ قرآن است.

الآن شما یار خدا هستید و دفاع از خدا مرگ دارد، کشته شدن دارد، دربه‌دری دارد، بدبختی دارد. چقدر از انبیا(ع) را کشتند، علی(ع) را کشتند، حسین(ع) را کشتند. همهٔ اینها برای دفاع از اسلام و خدا بوده، آیا می‌شود از این دفاع گذشت؟!

حجت‌الاسلام فلسفی در پایان سخنانش اظهار داشت:

- مجلس از طرف رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی تشکیل شده، برای چه؟ برای یک مرد بزرگوار و محترم، که امام در مدح او گفته، قریب ۶۰ سال او را می‌شناختم و همچنین دربارهٔ او رهبر انقلاب می‌گویند:

«او از مصادیق بارز: **رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَيْهِ** بود».

مرحوم بزرگوار آیت‌الله حاج آقا عطاءالله اشرفی‌اصفهانی امام جمعهٔ باختران و نمایندهٔ امام،

چهارمین شهید محراب بود که در محراب عبادت به شهادت رسید.

تجلیل از شهدا

امروز وقتی از امام‌شهر جنازهٔ مطهر و پاک او را به میدان امام اصفهان آوردند (مردمی که از ساعات اول بامداد صبح تا ۱ بعد از ظهر در این میدان زیر آفتاب سوزان ایستاده بودند) در مقابل جنازهٔ پاک او احترام به‌جا آوردند، زیرا شهید انقلاب است و شهیدی است که در ادامهٔ انقلاب به شهادت رسیده و به پیشگاه باری‌تعالی شتافته.

برای مردم آیت‌الله مدنی، آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله صدوقی و آیت‌الله اشرفی اصفهانی شهید و عزیز بودند.

مردم از این جانبازان تجلیل می‌کنند و برای آنهایی که شهید شده‌اند، احترام قایلند.

خبرنگار ما در پایان می‌افزاید:

- این مراسم در ساعت ۱۷/۳۰ دقیقه در حالی‌که مردم شعار:

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

می‌دادند، به پایان رسید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۱ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انسجام نیروهای رزمنده پس از تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)**

امضا: **فرماندهٔ ناحیهٔ ژاندارمری کردستان، سرهنگ بهرام‌پور**

فرماندهٔ ناحیهٔ ژاندارمری کردستان:

یکی از مناطق اصلی ضدانقلاب در محاصرهٔ رزمندگان اسلام است

زاهدان:

در دومین روز با برپایی **سمینار فرماندهان ژاندارمری نواحی کشور**، ادارات و دوایر سیاسی و ایدئولوژیک ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران که در زاهدان تشکیل شده است، **سرهنگ بهرام‌پور فرماندهٔ ناحیهٔ ژاندارمری کردستان** در گفتگویی با واحد مرکزی خبر در زاهدان، پیرامون موقعیت کنونی منطقهٔ کردستان مطالبی بیان داشت و گفت:

– با ازخودگذشتگی رزمندگان اسلام در منطقهٔ کردستان خصوصاً **از تاریخی که قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در منطقهٔ کردستان تشکیل شده، هماهنگی خاصی بین کلیهٔ رزمندگان ارتش، ژاندارمری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پیشمرگان مسلمان کرد به وجود آمده است** و در حال حاضر کلیهٔ محورهای منطقهٔ کردستان و کلیهٔ شهرهای منطقهٔ کردستان به حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران درآمده است.

فرماندهٔ ناحیهٔ ژاندارمری کردستان دربارهٔ عملکرد قرارگاه حمزهٔ سیدالشهدا(ع) گفت:

– **قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)** که در ارومیه تشکیل شده، **انسجام خاصی بین رزمندگان به**

وجود آورده و تا کنون چند عملیات موفقیت‌آمیز داشته است، از جمله **امن شدن راه پیرانشهر به طرف سردشت** که تا کنون بیش از ۵۰ کیلومتر پیشروی شده و در حال حاضر یکی از مناطق اصلی ضدانقلاب در محاصرهٔ رزمندگان اسلام است و **به زودی ان‌شاءالله راه پیرانشهر به سردشت نیز باز خواهد شد** که یکی از راه‌های تدارکاتی است و از این راه از طریق عراق به ضدانقلاب کمک می‌شود.

فرماندهٔ ناحیهٔ ژاندارمری کردستان در ادامهٔ سخنانش گفت:

- در حال حاضر رزمنـدگان جان‌برکف ژاندارمـری با تمام وجود خدمتگـزار واقعی کرد مسلمان است و با قاطعیت **همگام با برادران پاسدار و ارتشی** با ضدانقلاب در منطقهٔ کردستان مقابله می‌کنند.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۲ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ازدواج رجوی با دختر بنی‌صدر برای تحکیم مبانی شورای مقاومت ملی!**

امضا:

برای تحکیم مبانی شورای مقاومت ملی:

بنی‌صدر دخترش را به عقد رجوی درآورد

تهران – خبرگزاری جمهوری اسلامی:

رجوی منافق تروریست با دختر بنی‌صدر فراری ازدواج کرد.

به گزارش **فرانس‌پرس** مراسم این ازدواج روز یک‌شنبه در آپارتمان مشترک بنی‌صدر، رجوی در ۴۰ کیلومتری پاریس انجام گرفت و بنی‌صدر در جریان آن به عادت معمول یک سخنرانی جامع! ایراد کرد و گفت:

– **باید این ازدواج را از توطئه‌ها و منافع سیاسی به دور نگه داشت!**

رئیس‌جمهوری مخلوع و ورشکستهٔ سابق ایران نگفت منظورش از توطئه و منافع سیاسی چیست.

در این مراسم سردستهٔ منافقین در مقابل گفتهٔ بنی‌صدر عکس‌العمل نشان نداد و هدف خود را از این ازدواج مصلحتی اعلام نکرد. وی که سعی می‌کرد همه چیز را عادی نشان دهد، به خبرنگاران که از قبل برای انتشار یک واقعهٔ مهم به این مراسم دعوت کرده بود، نگفت از چه زمانی با دختر بنی‌صدر که در یک آپارتمان زندگی می‌کرده‌اند، آشنا شده است!

وی که مدعی است رهبر یک سازمان تروریستی چپ‌گراست، با تظاهر به صلح‌طلبی اعلام کرد:

- ۱ شاخه زیتون جزء جهیزیهٔ زن اوست.

همچنین فیروزه بنی‌صدر ۱ پرچم ۳ رنگ ایران را به همین عنوان با خود به همراه داشته است.

سردستهٔ منافقین به خبرنگاران در زمینهٔ منافع سیاسی آیندهٔ این‌گونه ازدواج‌ها چیزی نگفت. اما صبر انقلابی او و دوران تجرد کوتاه بعد از هلاکت زنش در جریان کشف یک مخفی‌گاه منافقین در تهران در چند ماه گذشته برای گروه زیادی از خبرنگاران ایجاد سؤال کرده بود، اما او به این سؤال نیز جوابی نداد.

لکن **یکی از نزدیکان بنی‌صدر** به خبرنگاران اظهار داشت:

- بدون شک این عمل باعث تحکیم مبانی در شورای مقاومت ملی خواهد شد و بایستی برای ظاهر شدن اثرات عمیق آن منتظر آینده باشیم.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۳ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **به بن‌بست رسیدن ضدانقلاب در کردستان**

امضا: **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه**

فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه:

در عملیات آزادسازی شهرک ربط ۲۵۰ تن از ضدانقلابیون به هلاکت رسیدند

قرارگاه حمزه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

رزمندگان پرتوان اسلام در ادامهٔ عملیات موفقیت‌آمیز خود در شب گذشته شهرک ربط واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی سردشت را آزاد کرده و آن را از لوث وجود ضدانقلابیون اشرار پاک کردند.

فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه پیش از ظهر دیروز در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ضمن اعلام این خبر افزود:

– عملیاتی که چند روز گذشته توسط سپاهیان اسلام جهت پاک‌سازی و برچیدن مقرهای اصلی و فرماندهی ضدانقلابیون در مناطق مرکزی استان آذربایجان غربی و کردستان آغاز شده است، همچنان با پیشرفت کامل نیروهای اسلامی در محورهای صایین‌دژ، مهاباد، نقده، اشنویه، بوکان، مریوان و سقز جریان دارد و تا کنون دلاوران اسلام ضمن برچیدن و متلاشی کردن چندین مقر فرماندهی اشرار از جمله مقر فرماندهی ضدانقلاب در جنگل‌های الواتان و در دیگر محورهای عملیاتی، ضربات مهلکی بر پیکر آنها وارد آورده و بیش از ۴۵۰ تن

از ضدانقلابیون را به هلاکت رسانده و تعداد زیادی را زخمی و اسیر کردند.

فرمانده قرارگاه حمزه افزود:

- این عملیات تا **قطع کامل ریشهٔ ضدانقلاب در منطقه** ادامه خواهد یافت.

وی همچنین گفت:

- **وضعیت کنونی ضدانقلاب در منطقه از هم پاشیده است.**

و افزود:

- طبق اخبار واصله و تأییدشده، اختلافات شدیدی در بین سران گروهک‌ها به وجود آمده و خشونت آنها نسبت به مردم افزایش یافته، به طوری که مردم مسلمان بی‌گناه را با زور اسلحه راهی جبهه می‌کنند و **در کل ضدانقلاب پایگاه مردمی‌اش را از دست داده و به بن‌بست رسیده است.**

فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سپس ضمن بیان این مطلب که **سران گروهک‌های ضدانقلاب از ترس به خارج کشور فرار می‌کنند،** از باقی‌ماندهٔ فریب‌خوردگان آنها خواست اسلحهٔ خود را به زمین گذاشته و به آغوش مردم و اسلام عزیز بازگردند.

وی در پایان با اشاره به عملکرد بسیار خوب قرارگاه حمزه، آن را نقطهٔ عطفی در حل مسائل کردستان دانست و در همین رابطه ضمن تشکر از همکاری‌های بی‌دریغ مردم مسلمان کرد به ویژه عشایر سلحشور، از آنان خواست حال که به یاری خداوند متعال و قدرت سپاهیان اسلام، مقرها و لشگریان ضدانقلاب از هم پاشیده، فرصت ندهند سران اشرار به روستاها و یا خارج از کشور فرار کنند. آنها را شناسایی و به نهادهای جمهوری اسلامی معرفی کنند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۴ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام بخشی از پاسگاه‌های مرزی عراق و تعدادی از سنگرهای دشمن در پنجوین**

امضا:

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی(۶۱/۷/۲۴):

با آتش پرحجم و هماهنگ نیروهای اسلام بر روی پاسگاه‌های باغساعی و شهابی عراق در محور ملکشاهی طی شب و روز شنبهٔ گذشته بعضی از پاسگاه‌های مزبور تخریب و تعدادی از مواضع دشمن منهدم و تلفات و خسارات زیادی به دشمن وارد گردید.

کردستان – خبرنگار جمهوری اسلامی:

بر پایهٔ گزارش رسیده در ۲ شب و روز گذشته بر اثر آتش توپخانهٔ رزمندگان غیور اسلام بر روی مواضع کفر صدامی در منطقهٔ پنجوین، ضمن خاموش نمودن آتش توپخانهٔ دشمن، تعداد زیادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن مزدور منهدم و به ۱ خودرو زیل آنان خساراتی وارد آمد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: **۳۲۵** تاریخ صدور: **۲۶ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی ارتفاعات لیلانه و عثمان‌آباد سردشت**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

بر پایهٔ گزارش رسیده از **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** در مورخ ۶۱/۷/۲۴ یک عملیات چشمگیر توسط غیورمردان سلحشور جمهوری اسلامی متشکل از **برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی، بسیج و نیروهای نظامی و پیشمرگان کرد**، یکی دیگر از ارتفاعات لیلانه و عثمان‌آباد از توابع سردشت به دست رزمندگان اسلام فتح گردید.

در این حملهٔ موفقیت‌آمیز ۳ تن از اشرار مسلح وابسته به ضدانقلاب دستگیر شده و جسد ۱ نفر دیگر در منطقه برجای ماند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: **۳۲۶** تاریخ صدور: **۲۶ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی ۲ مسلمان عراقی**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**

کردستان – خبرنگار جمهوری اسلامی:

بنا بر گزارش رسیده از **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** در تاریخ ۶۱/۷/۲۴، ۲ نفر دیگر از مسلمانان ستم‌دیدهٔ عراقی که از جور و ظلم دستگاه جبار صدام عفلقی به تنگ آمده بودند، از طریق مرز بانه وارد ایران شده و خود را به **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** این شهر معرفی و به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شدند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۷ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **وضعیت رژیم صدام و مردم عراق بر اثر جنگ تحمیلی**

امضا: **یک معلم عراقی**

پای صحبت یک معلم عراقی که به ترکیه فرار کرده است

س: لطفاً ابتدا خودتان را معرفی بفرمائید؟

ج: به خاطر تهدیداتی که از جانب رژیم بعث عراق متوجه من است، نمی‌خواهم اسمم را ذکر کنم. من یک دبیر هستم. ۴ سال در مدارس علوم دینی درس فقه خواندم. دارای زن و ۳ فرزند هستم

س: چرا به ترکیه آمدید؟

ج: با استفاده از مرخصی قانونی‌ام، خانواده‌ام را برداشته و به ترکیه آمدم، در استانبول آشنایانی دارم، برای همین ترجیح دادم به ترکیه بیایم.

س: در مورد جنگ تحمیلی که با تجاوز نیروهای عراقی به خاک ایران آغاز شد و در حال حاضر نیز با ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق ادامه دارد، چه فکر می‌کنید؟ لطفاً به طور مختصر توضیح دهید؟

ج: شما هم می‌دانید که در ایران یک تغییر خیلی وسیع، انقلاب بزرگ صورت گرفته و یک

حکومت اسلامی واقعی برقرار گشته است و همه می‌دانند که **این حکومت اسلامی که تازه در ایران تأسیس شده است، تا چه اندازه برای ابرقدرت‌ها و رژیم‌های خودفروخته و خائن خطرناک است.** سران خودفروختهٔ رژیم‌های مرتجع و وابستهٔ منطقه به خصوص صدام، رژیم‌ها و تخت‌های خود را در خطر سقوط دیدند.

از میان برداشته شدن این خطر بزرگ، تنها با سقوط رژیم اسلامی ایران ممکن بود. برای همین منظور، صدام با فرمان مستقیم ابرقدرت‌ها، تصمیم‌های رژیم‌های وابسته و خودفروختهٔ منطقه و با استفاده از مشکلات داخلی ایران که در نتیجهٔ انقلاب به وجود آمده بود، با بهانه قرار دادن شط‌العرب به ایران حمله کرد. **آن موقع که به ایران تجاوز نمودند، به خودشان خیلی اطمینان داشتند. ولی قدرت و نیروی خداوند را فراموش کرده بودند.** یاری خداوند تجلی کرد و نیروهای ایرانی نیروهای متجاوز عراقی را از سرزمین‌هایشان بیرون انداختند. قسمت اعظم نیروی نظامی عراق به دست ایران افتاده است. **در حال حاضر ۵۳ هزار سرباز عراقی در دست ایران اسیر است.** علاوه بر آن مهمات و تجهیزات فراوان نیز به غنیمت گرفتند. الآن نیز رژیم عراق کیفر اعمال خویش را مجبور است ببیند، **صدام و رژیم بعثش به آخر عمر خویش رسیده است و در لبهٔ پرتگاه می‌باشد.**

خلاصهٔ کلام، **هدف اصلی این جنگ از میان برداشتن رژیم اسلامی در ایران بود،** و لذا **این جنگ، یک جنگ تحمیلی از جانب کفر بر اسلام است.** به رغم همهٔ اینها، پیروزی نهایی اسلام در برابر کفر خیلی نزدیک است.

س: پس از نجات شهر خون و قیام خرمشهر، با ورود نیروهای ایران به خاک عراق از جانب بصره، مردم عراق چه عکس‌العملی از خود نشان دادند، این عملیات را چگونه توجیه کردند؟

ج : اول مردم عراق را باید به ۳ قسمت تقسیم نماییم:

- قسمت اول ۸۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهد و به طور قطعی صدام و حزب بعث را نمی‌خواهند. تقریباً تمامی این گروه طرفدار جمهوری اسلامی هستند.

- قسمت دوم ۱۰درصد را تشکیل می‌دهد. هر طرف نیرومند شود و اقتدار را به دست بگیرد، جانب آن طرف را می‌گیرند و خودشان را از آنان نشان می‌دهند؛ یعنی فرصت‌طلب‌ها.

- قسمت سوم را نیز ۱۰ درصد جمعیت تشکیل می‌دهد. اینها از جانب صدام خریداری شده‌اند و خودفروخته می‌باشند. برای پایداری صدام و رژیم حزب بعث کوشش می‌نمایند.

در این‌جا می‌توانم به سؤال شما جواب بدهم، **۸۰ درصد جمعیت عراق، ورود نیروهای اسلامی ایران را به خاک عراق با خوشحالی فراوان استقبال می‌کنند.** مردم عراق، سربازان ایرانی را در آغوش

گرفته و مانند برادران خودشان و لطف خداوند می‌دانند.

س: از جبهه‌ها چه خبر دارید؟

ج : در داخل ارتش عراق درگیری وسیعی وجود دارد، دیگر فرماندهان و افسران قادر نیستند سربازان را تحت فرمان خود بگیرند.

تاکتیک جنگی ایران نیز روشن است؛ با کمترین تلفات، رسیدن به پیروزی. نه از بین رفتن نیروهای خویش را می‌خواهد و نه از بین رفتن نیروهای عراقی، می‌خواهد نیروهای عراقی را اسیر نماید. انسانیت اسلام را به آنها نشان دهد. برای همین سربازان عراقی به محض این‌که فرصت یابند، خودشان را به سربازان ایرانی تسلیم می‌کنند. برای این کار هر چیزی که لازم باشد انجام می‌دهند، حتی خود فرماندهان و افسران صدامی نیز متوجه این موضوع هستند.

در جبهه‌ها، سربازان عراقی که مخالف جنگ با ایران هستند، فوراً تیرباران می‌شوند. این وضع در داخل ارتش عراق نگرانی‌های شدیدی به وجود می‌آورد.

فرماندهان ارتش عراق به خوبی می‌دانند که ادامهٔ جنگ غیرممکن است، ولی صدام فشار می‌آورد و برای منصرف ساختن ایران از حمله و جنگ به هر راه و وسیله‌ای دست می‌زنند.

عده‌ای از اسرای ایرانی (اکثریت را پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل می‌دادند) تیرباران شدند، وقتی که مردم این خبر را دریافت کردند، اعتراضات شدیدی به راه انداختند. صدام برای این‌که از خشم مردم دور بماند و برای جنایت خود توجیه یابد، شایعه کرد که: «چون ایرانی‌ها اسرای عراقی را در آبادان تیرباران کردند، ما هم این کار را کردیم». ولی مردم به هیچ‌وجه این دروغ‌های صدام را باور ندارند.

یک‌بار ۲ برادر را به جبهه می‌فرستند، یکی از آن برادران با ناراحتی فراوان فریاد می‌زند: «دیگر تحمل ندارم، نمی‌توانم بر روی برادران خود شلیک نمایم... مرگ بر صدام... مرگ بر صدام...» و از سنگر خود بیرون آمده و دست‌های خود را بالا می‌گیرد، شروع می‌کند به دویدن به طرف نیروهای ایرانی.

سربازان ایرانی که از دور شاهد این حادثه بودند، برای نجات دادن سرباز عراقی از تیرهای عراقیان فوراً او را می‌گیرند و به زمین می‌خوابانند، بعد نیز به او آب داده، از محل حادثه دور می‌کنند. برادر آن سرباز فرارکننده به محض شنیدن این خبر، موفق به فرار به پشت جبهه می‌شود و مردم را در جریان امر قرار می‌دهد.

من هم این خبرها را از افسران عراقی شنیدم. افسران اظهار می‌داشتند که در برابر چنین



پیشامدها به چشم‌مان اشک می‌آید.

پدران و مادران عراقی با چشمان اشک‌آلود پسران خود را که عازم جبهه هستند، نصیحت می‌کنند که:

- «پسر عزیزم به هیچ‌وجه بر روی برادران خود شلیک نکن، آنان نجات‌دهندگان ما هستند، آنها را خدا برای ما فرستاده و شماها را از شر صدام نجات خواهند داد. بمیر و نکش؛ تسلیم آنها شو، تو را در آغوش خواهند گرفت. اگر به طرف آنها شلیک بکنی، تو را حلال نخواهیم کرد...»

سربازان عراقی با این وضع به جبهه فرستاده می‌شوند. برای همین است که می‌گویم پایان عمر صدام رسیده است. **صدام فقط می‌کوشد که از اجل وقت بدزدد.**

س: عراق چگونه از کشورهای منطقه کمک دریافت می‌دارد؟ **نقش آمریکا و شوروی در این جنگ چیست؟**

ج : عراق از عربستان سعودی کمک‌های فراوانی دریافت می‌کند. کمک‌های مادی سعودی‌ها که از آغاز جنگ تا کنون به عراق کرده‌اند، بی‌حد و حساب است. **آنها نیز روزی به وضع صدام گرفتار خواهند شد.**

از آمریکا، تجهیزات نظامی و تعلیمات لازم دریافت می‌دارد. از شوروی نیز سلاح و لوازم یدکی دریافت می‌دارد. زیرا قسمت اعظم سلاح‌های موجود عراق ساخت شوروی است. همچنین **از کشورهای مصر، اردن، مراکش، تونس و یمن شمالی نیز کمک‌های نظامی دریافت می‌کند.**

از آنها سربازان مزدور نیز می‌گیرد. **مخارج این سربازان را رژیم عربستان به عهده گرفته است.** علاوه بر اینها، صدام از کشورهای زیادی نیز وام گرفته است و تمامی این کارها برای نجات و حفظ سلطنت خود از سقوط حتمی است.

س: آیا این سربازان مزدور در حال حاضر در جبهه‌ها جنگ می‌کنند یا این‌که در پشت جبهه‌ها هستند؟

ج : صدام ترجیح می‌دهد که سربازان عراقی در خط مقدم جبهه‌ها جنگ می‌کنند و سربازان مزدور در پشت جبهه‌ها بمانند. زیرا **در صورت وقوع یک قیام در داخل عراق روش و برخورد سربازان مزدور با مردم قیام کرده فرق خواهد کرد.** برای همین **ترجیح می‌دهد که سربازان مزدور حفاظت شهرها را به عهده بگیرد.**

پادگان‌های پشت جبهه‌ها پر از سربازان مزدور خارجی است، در دست این سربازها بمب‌های

شیمیایی و اشعهٔ لیزر موجود است. اکثر شهرهای عراق در زیر کنترل این سربازان است.

س: در مورد پایان جنگ و وضع طرفین چه فکر می‌کنید؟

ج : ما انتظار آن را داریم که **جنگ با پیروزی قطعی ایران** به پایان برسد. البته در این میان صدام و رژیم بعث نیز از میان برداشته خواهد شد.

علت طولانی‌تر شدن جنگ نیز از طرف ملت عراق روشن است. زیرا نیروها و خلبانان ایرانی به مناطق مسکونی ملت عراق، گذشته از این‌که راکت و موشک نمی‌اندازند، حتی یک تیر نیز شلیک نمی‌کنند. تنها هدف‌های استراتژیک و نظامی را بمباران می‌کنند و هنگام بمباران نیز توجه زیادی نشان می‌دهند که مبادا مردم عراق آسیبی ببینند.

اگر ایران نیز مانند عراق عمل می‌کرد، می‌توانست عراق را در عرض ۳ روز زیر و رو کند. در اصل، این استراتژی جنگی اسلام است.

مگر آمریکای جنایتکار در یک بمباران صدها هزار انسان بی‌گناه را به خاک و خون نکشیده بود؟ صدام جنایتکار نیز همین کار را انجام می‌دهد. شهرها و روستاها را بمباران می‌کند، با بمباران مسجدی که بندگان خدا در آن مشغول عبادت هستند، صدها مسلمان را شهید می‌کند.

مردم عراق می‌گویند که هواپیماهای ایرانی بیایند شهرهای ما را بمباران کنند، ما هم کشته بشویم از شر صدام نجات پیدا کنیم و صدام هم سقوط کند.

برای نجات از شرّ صدام، در راه برقراری جمهوری اسلامی عراق،
کشته شدن در زیر بمب‌های ایران،
برای ما مایهٔ شرف است.

س: ما خبرهایی در مورد حمله به جان صدام دریافت می‌داریم، آیا در این مورد چه می‌دانید؟

ج : آری، به جان صدام حمله‌هایی انجام می‌گیرد. آخرین حمله به صدام در «دجیل» انجام گرفت که دستش مجروح گشت و مدتی است که در تلویزیون ظاهر نمی‌شود. ما خیال کردیم کشته شده است. ولی متأسفانه کشته نشده و فقط ۳ تا محافظانش کشته شده.

بعد صدام شهر کوچک دجیل را که در آن مورد حمله قرار گرفت، به توپ بست. تمامی شهر را با خاک یکسان کرد و اهالی آن را قتل‌عام نمود. **از زمانی که صدام حکومت را به دست گرفت، این دوازدهمین حمله بود که به صدام انجام گرفت.** همان‌طوری که انور سادات رفت، صدام نیز روزی مثل او خواهد رفت و یا بدتر از آن مثل شاه خواهد شد.

س: در مورد اخراج فلسطینی‌ها از لبنان چه فکر می‌کنید؟

ج : گرفتار شدن فلسطینی‌ها به این وضع، زیر اشغال درآمدن بیت‌المقدس و اسیر شدن و یا قتل‌عام شدن مسلمانان تنها یک علت دارد و آن هم از بین رفتن اتحاد اسلامی است.

اگر مسلمانان یکپارچه باشند و یک نیروی ۱ میلیاردی تشکیل بدهند، نه اسرائیل باقی می‌ماند و نه آمریکا؛ همهٔ آنها در برابر قدرت اسلام از بین می‌روند، هلاک می‌شوند و لذا برای همین می‌بایست در بین خلق‌های مسلمان یک نیرو و اتحاد اسلامی تشکیل داد و در برابر کفر و طاغوت‌ها پرچم جهاد را برافراشت.

کشته شدن، شهید گشتن در راه آزادی اسلامی باشرف‌تر و بهتر از زندگی با ذلت در زیر اسارت کفر است.

دشمنان اسلام چه در عراق و چه در سایر بلاد مسلمین، برای از میان برداشتن اتحاد و اخوت اسلامی از هیچ‌چیزی کوتاهی نمی‌ورزند.

س: برای توضیحات ارزنده‌ای که در اختیار ما قرار دادید خیلی متشکرم. به عنوان پایان سخن حرفی دارید بزنید؟

ج : در آخر سخنانم از خداوند می‌خواهم که تمام مسلمانان جهان در زیر پرچم توحید گرد هم آمده و سرزمین‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، به نام اسلام نجات دهند و علیه ابرقدرت‌های جهان‌خوار و رژیم‌های خودفروخته قیام کرده و آنها را از صفحهٔ روزگار محو سازند.

والسلام.

از روزنامهٔ ترکی ینی دویر

ترجمه: مالک کایا[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۸ تاریخ صدور: **۲۶ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار وزیر نیرو از پیرانشهر و مناطق پاک‌سازی‌شده**

امضا:

آقای غفوری‌فرد وزیر نیرو در ادامهٔ بازدیدهای خود از **آذربایجان غربی** پریروز از پیرانشهر و مناطق پاک‌سازی‌شدهٔ این شهرستان دیدن کرد.

در این مسافرت وزیر نیرو در **محور پیرانشهر – سردشت** از پایگاه‌های نظامی و انتظامی بازدید کرد و ضمن ملاقات با رزمندگان اسلام از فداکاری و جانبازی‌های آنها در راه اسلام و انقلاب اسلامی ایران قدردانی نمود.

وزیر نیرو همچنین طی دیدار با جمعی از مسئولین محلی پیرانشهر در فرمانداری این شهرستان نیازهای منطقه را مورد بررسی قرار داد و ظهر همان‌روز در پادگان پیرانشهر نماز ظهر و عصر را با برادران ارتشی اقامه کرد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۲۹ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **افتتاح مسجد روستای میرآباد بوکان**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

بر پایهٔ گزارش رسیده از **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** در مورخ ۶۱/۷/۲۳ به مناسبت افتتاح مسجد روستای میرآباد از طرف مرکز بزرگ اسلامی بوکان مراسمی در این مسجد برگزار شد.

در این برنامه ابتدا آیاتی چند از کلام‌الله مجید تلاوت و سپس یکی از روحانیون روستای میرآباد از طرف اهالی روستا ضمن خیرمقدم به برادران رزمنده سخنانی ایراد نمود. آنگاه **آقای هیأتی مسئول مرکز بزرگ اسلامی بوکان** در قسمتی از سخنانش در رابطه با شهادت مظلومانهٔ آیت‌الله اشرفی اصفهانی گفت:

– **منافقین کوردل فکر می‌کنند انقلاب وابسته به شخص است**، همان مسأله‌ای را که در جنگ احد مطرح نمودند که رسول‌الله(ص) به شهادت رسیده است؛ اما نمی‌دانستند که **اسلام در چشم و روح و دل‌ها دمیده شده است.**

وی در قسمت دیگری از سخنانش افزود:

– **اگر ما در این کردستان خون جگر می‌خوریم، همه‌اش به خاطر این است که اسلام واقعی در کردستان حاکم شود، نه کومله و دمکرات که خداوند را نفی می‌کنند.**

در پایان **ماموستا خلیفه‌زاده** به پیشنهاد مردم روستای میرآباد طی ۳ طومار ایشان را بر شورای روحانیت بوکان و همچنین به عنوان پیشنماز انتخاب نمودند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: **۳۳۰** تاریخ صدور: **۲۶ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به جبهه**

امضا:

دامغان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

گروهی از جان برکفان بسیج سپاه پاسداران شهرستان دامغان که برای استراحت کوتاه‌مدت و دیدار با خانوادهٔ خود به دامغان مراجعت نموده بودند، مجدداً برای نبرد با لشگریان کفر صدامی عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۳۱ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نیاز جبهه‌ها به مکانیک و رانندهٔ لودر**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱۰ کشور**

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱۰ با انتشار اطلاعیه‌ای از امت حزب‌الله و افرادی که تخصص‌هایی از قبیل **رانندگی با لودر و بلدوزر و نیز مکانیک ماشین‌های سنگین** هستند، خواست جهت پشتیبانی از جبهه‌های حق علیه باطل و بیرون راندن متجاوزین بعثی از خاک میهن اسلامی‌مان ایران خود را به مناطق بسیج معرفی کنند.

متن اطلاعیه که در اختیار خبرنگار ما قرار گرفت، به این شرح است:

بسمه تعالی

الآن جبهه‌ها احتیاج به افراد دارد،

این یک واجب شرعی الهی است؛ منتهی واجب کفایی.[1]

(امام خمینی)

در آستانهٔ ماه محرم‌الحرام، ندای رزمندگان اسلام بر فراز قله‌های غرب و خاک‌ریزهای جنوب به گوش می‌رسد، که:

- کربلا ما می‌آییم.

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۶، ص ۴۵۸ - ۹ شهریور ۱۳۶۱/ ۱۱ ذی‌القعدهٔ ۱۴۰۲

در جبهه‌ها باید افراد بروند. این یک واجب شرعی- الهی است، منتها واجب کفایی. به همه واجب است، مگر این‌که به اندازهٔ کفایت حاصل شده باشد. هر که می‌تواند، قدرت دارد، بر او واجب است...

ای سرور شهیدان، ای حسین‌بن علی(ع)! ملت غیور اسلام هرگز تو را تنها نخواهد گذاشت. اگر تو قرن‌ها پیش فریاد «**هل من ناصر ینصرنی**» سر دادی، **اکنون در هر جای این مملکت اسلامی و از تمامی قطرات خون ما فریاد لبیک بلند است.**

لذا **در پی تحقق امر مقام معظم ولایت امر و فرماندهی کل قوا** کلیهٔ برادران رزمنده‌ای که قبلاً در جبهه‌ها از طریق سپاه یا سراسر ارگان‌ها حضور داشته‌اند، همچنین برادرانی که دارای تخصص‌هایی از قبیل رانندگی پایهٔ ۱، لودر و بلدوزر و مکانیک ماشین‌های سنگین و آشپز هستند تا پنج‌شنبه ۶۱/۷/۲۹ خود را به مراکز و مناطق بسیج در پایگاه‌های تهران، کرج، شمیران، شهر ری، ورامین، دماوند و فیروزکوه معرفی نمایند.

در ضمن برادران آموزش ندیده می‌توانند به مناطق فوق مراجعه و در اسرع وقت به مراکز آموزشی اعزام شوند.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱۰ کشور[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۳۲ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های مردم به رزمندگان و بازسازی مناطق جنگی**

امضا:

شیروان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در ادامهٔ کمک‌های ایثارگرانهٔ امت حزب‌الله درمیان قلعه‌دره مبلغ ۶۰۰۰ ریال، روستای میلانلو ۴۲۰۰۰ریال، صنف بزاز ۱۷۰۰۰۰ ریال و ۶ عدد النگوی طلا و ۱ انگشتر طلا، پول متفرقه ۶۹۶۰۰ ریال جمع‌آوری و به حساب رزمندگان واریز گردید.

همچنین از سوی مدرسهٔ راهنمایی فاطمیه ۴۲۳۰ ریال دبستان دخترانهٔ بنیانیان ۱۲۰۰۰ ریال، دبستان اعتصامی ۲۹۰۰ ریال، کارکنان ادارهٔ امور اقتصادی و دارایی ۱ روز حقوق خود و ۱ عدد النگوی طلا جمع‌آوری و به حساب بازسازی مناطق جنگی واریز گردید.

بابل، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی **حجت‌الاسلام هادی روحانی نمایندهٔ امام خمینی در مازندران و امام جمعهٔ بابل** تا کنون مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال از وجوهات اهدایی مردم خیر و مسلمان بابل جهت بازسازی شهر سوسنگرد به ستادهای بازسازی شهر ارسال شد.

پریروز ۱ گروه ۱۰ نفری فنی متشکل از مکانیک و گلگیرساز و ۶ نفر کارگر ساده از سوی ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جهاد سازندگی بابل جهت همیاری در بازسازی شهر سوسنگرد

به آن شهر اعزام شدند.

همچنین از سوی ۲۷۰ تن از کارکنان ادارهٔ مخابرات بابل مبلغ ۲۰۶۰۰۰ریال وجه نقد جهت بازسازی شهر سوسنگرد به حساب ویژهٔ **حجت‌الاسلام روحانی نمایندهٔ امام درمازندران و امام جمعه بابل** واریز شد که این همیاری همه ماهه تا پایان بازسازی شهر سوسنگرد ادامه خواهد داشت. همچنین از سوی انجمن اسلامی مخابرات بابل نیزطی ماه قبل مبلغ ۲۴۷۵۰۰ ریال وجه نقد به حساب ویژهٔ امام جمعهٔ بابل واریز گردید.

لامرد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

توسط امت حزب‌الله شهرستان لامرد مبلغ ۲۱۹۶۵۰ ریال وجه نقد و ۱ انگشتر نقره و مقداری خرما و گونی جهت مصارف رزمندگان به سوی جبهه‌ها ارسال شد.

آمل، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در ادامهٔ کمک‌های بی‌دریغ امت حزب‌الله‌مان به بازسازی مناطق جنگی از طرف ۱۳انجمن اسلامی روستاهای منطقهٔ دابوی آمل مبلغ ۵۹۸۱۵۰ ریال و انجمن اسلامی روستای رودبار و شورای هماهنگی انجمن‌های اسلامی روستای قلعه‌کش مبلغ ۵۳۷۷۵۰ ریال جهت کمک و بازسازی شهر سوسنگرد به ستاد بازسازی مناطق جنگی آمل تحویل گردید.

همچنین دانش‌آموزان مدرسهٔ راهنمایی گشتاسبی آمل و انجمن اسلامی دبیرستان امام خمینی مبلغ ۱۳۰۲۶۰ ریال به همین منظور اختصاص دادند.

همچنین کارخانهٔ دون حزر و کارخانهٔ دون توحید و کارگران و کارکنان آجرشکون و شرکت درودگران و سندیکای نجاران و تعاونی حلب‌فروشان و معدن کوه آهک مبلغ ۳۳۸۷۵۰۰ ریال به همین امر اختصاص دادند.

سرویس خبری:

بر اساس اطلاع انجمن اسلامی عمار یاسر (کارکنان شهرداری تهران) دومین محمولهٔ کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ به شرح زیر تحویل ستاد پشتیبانی مناطق جنگی غرب کشور گردید:

۱- آرد ۱۰۰۰ کیلو، ۲- سیب ۷۰۰۰ کیلو، ۳- البسهٔ زمستانی ۵ جین.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: ۳۳۳ تاریخ صدور: ۲۶ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **سیاه‌چال‌های آلمان - برخورد با تعدادی از دانشجویان مسلمان انقلابی**

امضا: **دانشجویان مسلمان اخراجی از زندان‌های آلمان**

مصاحبهٔ اختصاصی با دانشجویان مسلمان اخراجی از زندان‌های آلمان

من از سیاه‌چال‌های آلمان می‌آیم

قسمت اول

در آلمان چه می‌گذرد؟ در زندان‌های قرون وسطایی چه بر سر زندانیان می‌آورند؟

شکنجه‌های جسمی و روحی چگونه در سلول‌های انفرادی زندان‌های آلمان اجرا می‌شود؟

پلیس آلمان با متهمین چگونه برخورد می‌کند؟

مردم آلمان دربارهٔ بحران اقتصادی و بن‌بست سیاسی - اجتماعی در این کشور چه می‌گویند؟

دانشجویان مسلمان از بند رسته که اخیراً از زندان‌های قرون وسطایی و شکنجه‌گاه‌های آلمان آزاد شده‌اند، در پاسخ به این سؤالات و ده‌ها سؤال دیگر، ابعاد تازه‌ای از آن‌چه در **آلمان فدرال** به عنوان «**ویترین غرب**» می‌گذرد سخن گفته‌اند.

بسمه تعالی

برادرانی که به تازگی از سیاه‌چال‌های قرون وسطایی آلمان آزاد گردیده‌اند، گوشه‌هایی از واقعیات عینی را برای خبرنگار ما تشریح کردند.

این برادران ضمن اشاره به بعضی از مسائل که تا به حال در این زمینه ناگفته مانده است، ابعاد

تازه‌ای از **کینه‌توزی‌ها و روش‌های خصمانهٔ پلیس فاشیست آلمان** را بیان کردند.

در ابتدا **یکی از برادران که اخیراً از زندان‌های قرون وسطایی آلمان آزاد گردیده است**، درصدد **ریشه‌یابی این‌گونه عملکردها** برآمد و اظهار داشت:

-**استکبار جهانی و به‌خصوص طیف نیروهای در خط آمریکا** به خاطر ضربات پی‌درپی و مهلکی که با پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت آن دریافت کرده بودند، عملاً به تدریج متوجه شدند که **شکست دادن این انقلاب غیرممکن است** و در نتیجه درصدد برآمدند که **در وحلهٔ اول از گسترش آن جلوگیری کنند** و مانع آن شوند که انقلاب از مرزهای ایران فراتر برود. در نتیجه **از هر روش، حیله و سلاحی برای دست یافتن به این هدف بهره‌گیری می‌کنند تا از گسترش پیام این انقلاب پیروز جلوگیری شود.**

آن‌چه در آلمان اتفاق افتاد، در حقیقت بر اساس همین تحلیل قابل بررسی است. شاید شما هم بدانید که در آلمان حدود ۳ میلیون ترک وجود دارند که تقریباً تمامی آنها مسلمانند و اکثراً از طبقات مستضعف برخاسته‌اند. در یک لحظه تصور کنید که اگر این ۳ میلیون نفر متوجه موقعیت سیاسی – اجتماعی خود در آلمان بشوند، چه پیش خواهد آمد.

خوشبختانه انقلاب اسلامی باعث گردیده که مسلمانان جهان و به خصوص مسلمانان ترک‌زبان مقیم آلمان، بسیاری از حقایق را به صورت عینی درک کنند. یعنی کافی است که این ۳ میلیون نفر که عمدتاً کارگران صنایع و کارخانجات آلمان هستند، ۱ هفته دست از کار بکشند. در این صورت صنایع و اقتصاد آلمان با ضربهٔ عظیمی مواجه شده و فلج خواهد شد.

وجود مسلمانان ترک باعث گردیده که هر یک از برادران مسلمان ایرانی برای خود رسالتی را قایل باشند. به علاوه پس از شکست‌های پی‌درپی ضد انقلاب داخلی، ناامید شدن و فرار آنها از ایران موجب شده که آنها در خارج از کشور در صدد تشکیل نیروهای از هم پاشیدهٔ خود باشند و طبعاً این مسأله، فعالیت هر چه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب را ایجاب می‌کرد.

ایجاد میزهای کتاب در شهرهای دانشگاهی و نشر اخبار مربوط به انقلاب اسلامی از طریق گزارش، پوستر و عکس و همچنین ارتباط با مساجد موجود در آلمان، از جمله تلاش‌هایی است که برادران ما برای نشر حقایق انقلاب اسلامی به کار می‌برند. کارهای تبلیغی مؤثر دیگر از جمله راه‌پیمایی به مناسبت‌های مختلف و برپایی نماز جمعه و جماعت نیز تأثیر به سزایی در ترسیم چهرهٔ واقعی انقلاب اسلامی پیش مسلمانان ترک و افکار عمومی آلمان داشت.

حمایت دولت آلمان از ضدانقلاب

اما افراد فراری و ضدانقلاب با رهنمودهای دولت آلمان با ایجاد درگیری و مزاحمت‌هایی از

جمله درگیری در دانشگـاه‌ها که با بسیج کردن هواداران تمامی گروه‌های ضدانقلاب و به انگیـزهٔ برهم‌زدن میز کتاب و تشکل تبلیغاتی دانشجویان مؤمن به انقلاب صورت می‌گرفت.

ولی آنها هر چقدر تلاش می‌کردند، کمتر نتیجه می‌گرفتند و **قادر نبودند که مانع فعالیت جناح خط امام شوند.** اینها در حملات حساب‌شدهٔ خودشان هم ناموفق بودند. به طوری که در یکی از درگیری‌ها که حدود ۳۰۰ نفر از طرفداران و وابستگان تمامی گروهک‌ها را از همه‌جا بسیج کرده بودند و برادران ما ۲۰ نفر بودند، این ۳۰۰ نفر قادر نبودند در برابر این ۲۰ نفر بایستند. به طوری که ۳ روز بعد یکی از استادان دانشگاه می‌گفت که من ناظر برخورد شما بودم و تعجب می‌کردم که چطور شما ۲۰ نفر در برابر این ۳۰۰ نفر ایستاده‌اید؛ در حالی‌که باران سنگ و چوب بر سر شما می‌بارید. چوب‌هایی که بر سرشان چاقو نصب کرده بودند.

او می‌گفت:

من هنوز هم نتوانسته‌ام بفهمم که شما چطور قادر به این کار بوده‌اید؟

اما واقعاً **برادران ما با شعار الله‌اکبر و مرگ بر آمریکا در دل آنها رعب ایجاد کرده بودند.** یعنی خدا در دل آنها رعب ایجاد کرده بود. و عاقبت هم طرفداران گروهک‌ها به پلیس آلمان متوسل شدند و مانع فعالیت تبلیغی برادران شدند و ایجاد میز کتاب هم از طرف مقامات دانشگاهی ممنوع شد.

به دنبال این مسأله جناح ضدانقلاب درصدد برآمدند تا مانع به کلاس رفتن برادران شوند و در راه امتحان دادن آنها ایجاد مشکل کنند. تهدید می‌کردند و در کلاس با جوّسازی تلاش می‌کردند که استاد و دانشجویان دیگر را علیه ما تحریک کنند.

آنها برای اخراج برادران مسلمان از خوابگاه‌ها جوسازی می‌کردند. یک شب ۶۰ نفر از طرفداران گروهک‌ها به خصوص منافقین و پیکاری‌ها ۲ تن از برادران خوابگاه را به جنگل بردند تا به اصطلاح خودشان محاکمهٔ خلقی کنند. پس از یک سری سؤالات منافقین از این ۲ برادر خواسته‌اند که به انقلاب و امام توهین کنند! ولی اینها گفته بودند اگر خون‌مان را هم بریزید، توهین نخواهیم کرد.

آن‌جا گفته بودند که اینها را به درخت آویزان کنیم یا این‌که با بدن برهنه آنها را روی برف‌ها بکشیم و یا...

بعد هم که برادران ما به پلیس آلمان شکایت کرده بودند، پلیس با وقاحت گفته بود به ما مربوط نیست؛ چون شما عامل اخلال هستید و طرفدار آیت‌الله خمینی؛

و ما نمی‌توانیم کاری بکنیم!

به علاوه منافقین در اطاق یکی از برادران کوکتل انداختند و آن‌جا را آتش زدند، ولی پلیس حاضر به پی‌گیری مسأله نشد.

ضدانقلاب و ارز دانشجویی

در این‌جا یکی دیگر از برادران توضیحات تازه‌ای داد و اظهار داشت:

– بعد از سقوط بنی‌صدر، طیف ضدانقلاب ناچار شد برای اظهار وجود خود دست به عملکردهای ایذایی بزند. مثلاً عده‌ای در کلاس‌های دانشگاه با ماسک حاضر می‌شدند و این‌طور وانمود می‌کردند که ما تحت تعقیب هستیم! تا به این ترتیب جلب توجه و مظلوم‌نمایی کنند.

عده‌ای به ادارهٔ کار می‌رفتند و به محض این‌که یک بچه مسلمان کار می‌گرفت، بلافاصله به مسئولین می‌گفتند که برای این شخص از تهران پول می‌رسد و نیازی به کار ندارد و حال آن‌که این‌طور نبود.

به علاوه در بعضی موارد که قسمت‌های مالی دانشگاه که گاهی کمک‌های مالی به دانشجویان می‌کردند و به همه تعلق می‌گرفت، ولی وقتی دانشجویان مسلمان مراجعه می‌کردند، به آنها نمی‌دادند و می‌گفتند که برای تو از تهران پول می‌رسد. به رغم این‌که هیچ‌یک از این مسائل نبود و به عکس بسیاری از منافقین و طرفداران گروهک‌های منحرف از ایران ارز دانشجویی دریافت می‌کردند و هنوز هم می‌کنند و حال آن‌که بسیاری از برادران مسلمان به خاطر ناقص بودن پرونده‌های ارزی، از دریافت ارز دانشجویی محرومند.

پلیس آلمان، کارگردان اصلی

یک مقداری از جوسازی‌ها حتی با همکاری پلیس و مقامات آلمان بود. مثلاً هر روز افراد گروهک‌ها به پلیس مراجعه می‌کردند و به دروغ یکی از برادران را متهم می‌کردند که فلانی مرا کتک زده است. همین امر باعث می‌شد که مقامات آلمان در مورد صدور تمدید اقامت اشکال‌تراشی کنند و بهانهٔ خوبی در دست داشته باشند.

در این‌جا خبرنگار ما پرسید:

– بدین‌ترتیب مقامات آلمانی احساس نمی‌کردند که بازیچه واقع شده‌اند؟

یکی از برادران پاسخ داد:

– شما خیلی ساده هستید! قضیه درست عکس است. این طرفداران گروهک‌ها بودند که بازیچهٔ پلیس آلمان شده بودند و به عنوان مزدوران و اوباشی که برای سرکوبی دانشجویان مسلمان مأموریت دارند، عمل می‌کردند.

این **از ترفندهای حکومت آلمان** است برای **جلوگیری از صدور انقلاب** و این‌که افراد مؤمن به انقلاب همواره با مسائل روزمره مشغول باشند تا بلکه در موضع انفعالی قرار گیرند.



کمک‌های مالی کلیسا به ضدانقلاب!

یکی دیگر از برادران اظهار داشت:

– پس از فتح خرمشهر، وضع کاملاً فرق کرد. به این ترتیب که سوسیالیست‌ها و هم‌پیمانان آنها به حمایت از ضدانقلاب اقدام کردند و این مسأله را نمی‌توان تفسیر کرد جز این‌که بگوییم **اینها مطمئن شده‌اند که به خواست خدا با پیروزی ایران در جنگ، منافع غرب و طبعاً آلمان در منطقه بیشتر به خطر خواهد افتاد.**

و بدین‌ترتیب برای افراد ضدانقلاب مقرری تعیین کردند و از اجاره‌خانه معاف شدند و الآن هم این مقرری‌ها ادامه دارد. حتی کلیساها مرتباً ماهی ۶۰۰ تا ۷۰۰ مارک به اینها مستمری می‌دهند تا این‌که اینها را سرپا نگه‌دارند و اینها ناامید نشوند و به خاطر پول هم که شده از ضدانقلاب باز هم طرفداری کنند و کلیساها یکی از شرایط کمک دادن به دانشجویان را تأیید یکی از گروه‌های ضدانقلاب قرار داده‌اند و من فکر می‌کنم که آنها می‌خواهند به این ترتیب، طرفداران گروهک‌ها را راضی کنند و این در حالی است که اکثر این عناصر ضدانقلاب، پروندهٔ ارزی هم دارند و برعکس بسیاری از دانشجویان مسلمان در همین شرایط مجبورند که ۶ ماه کار کنند تا بتوانند ۶ ماه دیگر از سال را درس بخوانند.

بعضی از دانشجویان مسلمان به خاطر این‌که فعالیت‌های اسلامی داشته‌اند و فرصت زیادی برای درس خواندن به دست نمی‌آورند، نتوانسته‌اند پروندهٔ ارزی خود را تکمیل کنند تا ارز دانشجویی دریافت کنند.

لکن **سفارت جمهوری اسلامی هیچ قدمی در راه قطع ارز عناصر ضدانقلاب برنداشت و اعتراضاتی هم به سفارت شد، ولی بی‌نتیجه بود.**

حتی بعضی از عناصری که در حمله به سفارت جمهوری اسلامی و مسجد هامبورگ نقش داشتند، هنوز پروندهٔ ارزی دارند و از ایران ارز دریافت می‌کنند!

سفارت هیچ‌گاه از موقعیت خود استفاده نکرد و از موضع ضعیفی برخورد کرد.

این باعث می‌شد که ضدانقلاب جری شود و هر کاری را می‌تواند انجام دهد و هنوز هم ارز دانشجویی دریافت کند![1]

قسمت دوم

در **بخش دوم** این گفتگو، دانشجویان مسلمان **خاطرات تکان‌دهنده و در عین‌حال افشاگرانهٔ**

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

خود را از درون سیاه‌چال‌های قرون وسطایی آلمان بازگو کرده‌اند.

مصاحبهٔ اختصاصی با دانشجویان مسلمان اخراجی از زندان‌های آلمان

من از سیاه‌چال‌های آلمان می‌آیم / ۲

روز گذشته بخش اول اظهارات برادران اخراجی از آلمان درج شد و اینک دومین و آخرین قسمت این مصاحبه را می‌خوانید.

یکی از برادران اظهار داشت:

- پلیس با همکاری ضدانقلاب به طور مشخص دست به یک کار سازماندهی‌شده و هماهنگ‌شده می‌زد. **در حقیقت عملکرد منافقین و سایر گروهک‌های ضدانقلاب ناشی از چراغ سبز پلیس آلمان بود.** چون مطمئن بودند حتی در صورت دستگیری هم بلافاصله آزاد خواهند شد. حتی اینها در **حمله به مسجد هامبورگ هم کوکتل مولوتف انداختند، شیشه‌ها را شکستند و حتی قرآن را داخل دستشویی و... ریختند** و ۶ نفر از آنان دستگیر شدند که ۱ نفر اسلحهٔ گرم هم داشت و حتی با تعقیب قانونی و گرفتن وکیل هم به جایی نرسید. چون از نظر دولت آلمان قرار نبود که به جایی برسد و وکیل صریحاً گفته بود که این کار به جایی نمی‌رسد. چون از این قبیل شکایت‌ها زیاد است! و پلیس آلمان این وکیل را تهدید کرده بود که اگر دنبال کار را بگیری، به ضرر تو تمام می‌شود.

برادر دیگر افزود:

- ۴ روز قبل از دستگیری ما، ۱۵۰ هوادار گروهک‌ها که با گاز اشک‌آور و چوب و سایر وسایل حمله کردند و برادران ما به داخل اتاق رفتند، ولی گروهک‌ها در اطاق را شکستند.

یکی دیگر از برادران در توضیح این مطلب اظهار داشت:

- ابتدا ضدانقلاب ۲ تن از برادران را مضروب می‌کنند و پس از آن‌که ۲ تن به آنها افزوده می‌شوند، به شدت به مقابله با ضدانقلاب می‌پردازند.

عده‌ای از آلمانی‌ها و ترک‌های همان حوالی درصدد جدا کردن آنها برمی‌آیند. این مسأله ساعت ۱۰ شب اتفاق افتاد و حدود ساعت ۱۱ که از شهر دیگری برای دیدن بچه‌ها آمده بودند، مورد ضرب و شتم ضدانقلاب قرار می‌گیرند. در این بین بچه‌های ما که ۶ نفر شده بودند، با ضدانقلاب مقابله می‌کنند. ولی منافقین با استفاده از کپسول‌های آتش‌نشانی که در داخل سالن بود، کاری می‌کنند که بچه‌ها به حالت خفگی می‌افتند. اما ۴ ساعت پس از شروع ماجرا پلیس سر می‌رسد! با آن‌که همه اطلاع داشتند که این‌جا درگیری هست، حتی پلیس وقتی می‌رسد، به جای آن‌که مهاجمین را دستگیر کند، بچه‌های ما را دستگیر می‌کند و به ایستگاه پلیس می‌برد.

وقتی برادران اعتراض می‌کنند در پاسخ گفته می‌شود:

آنها اکثریت هستند، دمکراسی یعنی همین! اگر شما نمی‌خواهید، می‌توانید خوابگاه را ترک کنید

در این‌جا بچه‌های ما می‌فهمند که این‌بار هم **پلیس آلمان هم‌دست ضدانقلاب است.**

بعد عـده‌ای دیگـر از برادران ما برای خارج کردن اسباب و اثاثیهٔ بچـه‌های خوابگاه آمدند و ضدانقلاب ایجاد درگیری کرد که این‌بار پلیس فوراً خود را رساند و ابتدا ۱۷ تن از برادران را دستگیر کرد، که بعداً به ۲۵ نفر افزایش یافت. بقیهٔ برادران به عنوان اعتراض به سمت ایستگاه پلیس یک تظاهرات آرام برپا کردند.

پلیس ظاهراً بسیج شده بود که ما را محاصره کند و با کمک سگ‌های پلیس و باتوم‌های برقی یک‌یک ما را دستگیر کرد. پلیس به طرز وحشیانه‌ای برادران را مورد ضرب‌وشتم قرار داد و حتی در یک مورد با اتومبیل به برادران حمله کرد و یکی از آنها را زیر گرفت.

۷ساعت شکنجه

در این‌جا ابتدا ما را درون یک بالن ورزشی جمع کردند و سپس به محل دیگری منتقل کردند. برادران تصمیم گرفتند که خود را «محمد سلمان» معرفی کنند. **پلیس این عده را به گروه‌های ۱۰ نفری تقسیم کرد و به بازداشتگاه‌ها برد** و آنها را در اتاقک‌های کوچکی که حتی به زور جای ایستادن داشت، قرار داد و یکی یکی آنها را برای بازجویی می‌برد.

آن گروه ۱۷ نفری اول به شدت شکنجه شدند، از جمله برادران را لخت می‌کردند و خجالت می‌کشم بگویم، خیلی عذر می‌خواهم، ولی آلت آنها را می‌کشیدند و در نتیجه بچه‌ها از درد فریاد می‌زدند.

مرحلهٔ بعدی کتک‌زدن و فروکردن سوزن به کتف دست و پای بچه‌ها بود. حالا موقع آن شده بود که با باتوم آنها را بزنند تا آن‌که اعصابشان خرد شود و در زیر بازجویی حاضر شوند اسم خودشان را بگویند. جزییاتش زیاد است و شاید ناراحت‌کننده، ولی فراموش نمی‌کنم که وقتی می‌خواستند اثر انگشت بچه‌ها را بردارند، طوری انگشت آنها را می‌پیچاندند که نمی‌دانم چرا انگشت یکی از بچه‌ها سیاه شده بود.

بازجویی در حال مستی

بازجویان پلیس همگی در حال مستی دست به بازجویی می‌زدند و حتی در حین بازجویی

هم مرتباً مشروب می‌خوردند. ۴ نفر بازجو ۷ ساعت به این ترتیب سری اول بچه‌ها را شکنجه می‌کردند.

در این میان **یکی دیگر از برادران** گفت:

– البته بایستی بدانید که بچه‌های سری دوم هم وضعی بهتر از سری اولی‌ها نداشتند. چون بازجویان خسته شده بودند و حسابی دربارهٔ آنها عقده‌های خودشان را خالی می‌کردند. به طوری که ۲ نفر از بچه‌ها اجباراً به بیمارستان منتقل شدند و احتیاج به عمل جراحی پیدا کردند.

بقیهٔ بچه‌ها هم وضع مشابهی داشتند. به طوری که سر و صورتشان به خاطر باتوم‌زدن‌های بی‌هدف و شاید هم با هدف، به شدت دچار شکستگی شده و خون‌آلود شده بود. اما به نظر بازجوهای زندان باز هم کافی نمی‌آمد و همین‌ها را باز هم شکنجه می‌کردند.

بعضی از برادران را در حالی‌که فرق آنها شکافته بود و یا سر و صورتشان شکافته بود و پای چشم آنها دچار کبودی و سیاهی شده بود، بازجویی می‌کردند؛ برای آن‌که مشخص شود اسم آنها چیست!

۱ نفر در این حال بی‌هوش شد، ولی شکنجه باز هم ادامه داشت و یکی از بچه‌ها بعداً به من گفت که در حین بازجویی ۳ بار بیهوش شده بود.

یکی دیگر از بچه‌ها به خاطر سیلی محکمی که تعمداً بر روی گوش او زده بودند، این برادر پردهٔ گوشش پاره شده بود و قادر به شنیدن نبود.

یکی دیگر به علت شدت جراحات وارده به خاطر اصابت باتوم به چشمش دچار خون‌ریزی شدید شد. پای او را هم قلم کرده بودند و نمی‌توانست راه برود.

از دست دادن بینایی

یکی دیگر از برادران به علت بازجویی‌های دمکراتیک سوی چشمش را از دست داده بود و دیگر جایی را نمی‌دید و تا ۳ ماه بعد هم وضع به همین صورت بود و قادر به خواندن و نوشتن نبود. شاید هم حافظه‌اش را از دست داده بود. کسی چه می‌داند چون بعد از ۳ ماه که او را پیش پزشک بردند، دکتر گفت به علت ضربات وارده، حدقهٔ چشمش پر از خون شده و بایستی به مرور زمان این خون‌ها جذب شود تا معلوم شود چکاری می‌توان انجام داد.

حرف زیاد است و مثلاً یکی دیگر از کارهای بازجوها که جنبهٔ تفریحی داشت، این بود که موی بچه‌ها را می‌گرفتند و کله را محکم به دیوار می‌کوبیدند. بعدش خودشان با صدای بلند می‌خندیدند. آنها می‌دانستند ما مشروب نمی‌خوریم و برای همین به زور به دهان بعضی از بچه‌ها

مشروب می‌ریختند.

شکنجه‌های روحی

یکی دیگر از برادران اظهار داشت:

– حالا زدن و شکنجه کردن چندان مهم نیست، آن‌چه مهم است شکنجهٔ روحی ناشی از صدای ضجه و ناله‌های سایر برادران بود و حال آن‌که **در داخل آن زندان‌های مخوف هیچ کاری از دست ما برنمی‌آمد مگر آن‌که تکبیر بگوییم و مرگ بر آمریکا بگوییم. این تنها سلاح ما بود.** ولی باید بگویم که همین شعار هم آنها را به وحشت می‌انداخت.

در این‌جا یکی از برادران در حالی‌که لبخند می‌زد، گفت که حتی در داخل دادگاه‌ها هم ضرب‌وشتم وجود داشت. از جمله یک‌بار یکی از بچه‌ها سادگی کرد و به قاضی دربارهٔ این شکنجه‌ها اعتراض کرد. ولی قاضی گفت همه‌چیز را کتبی بنویس و بعد از اعلام تنفس، او را به زیرزمین دادگاه بردند و ۴ نفر او را مثل توپ فوتبال پاس می‌دادند و می‌پرسیدند چه کسی تو را کتک زده است! چرا نمی‌گویی!

در زندان‌های دمکراتیک!

یکی از برادران از دیگران خواست که حرف‌ها را تمام کنند و سپس افزود که از این مرحله به بعد ما وارد زندان‌های دمکراتیک! شدیم که ظاهراً از شکنجه خبری نبود.

آنها ما را در زندان‌هایی انداختند که دزدان و قاچاقچیان و زندانیان ابد و از این قبیل افراد بی‌فرهنگ در آن‌جا فراوان بودند و اینها را تحریک می‌کردند که به ما فحش بدهند.

در حقیقت فحش یک چیز عادی در این دوره بود.

ما تقاضای قرآن و مفاتیح کردیم، ولی پس از ۲ ماه با اعتصاب و درگیری، قرآن را به ما دادند که دیگر ماه رمضان شروع شده بود.

در ساعت‌های هواخوری قاچاقچی‌ها و دزدان سابقه‌دار را تحریک می‌کردند که بچه‌ها را بزنند، ولی وقتی بچه‌ها صدای تکبیرشان بلند می‌شد، آنها همگی فرار می‌کردند!

یک روز که بچه‌ها به نماز جماعت ایستاده بودند، زندان‌بان‌ها آمدند و تک تک بچه‌ها را از سر نماز جماعت کشان‌کشان بردند و این حتی مخالف قوانین خودشان است.

این همان روز دادگاه بود که بچه‌ها پس از ورود به دادگاه با وجود قاضی زن اعتراض کردند و گفتند ما قاضی زن را قبول نداریم. اگرچه دادگاه فرمایشی و رأی از پیش آماده بود، ولی بچه‌ها گفتند ما قاضی مرد می‌خواهیم.

در این‌جا ۵۰ مأمور برای بردن ۱۶ نفر آمدند و آنها را با خود بردند.

حقوق بشری‌ها غایبند!

ما در آن‌جا هیچ اثری از حقوق بشری‌ها و عفو بین‌المللی‌ها و امثال اینها ندیدیم. انگار که اینها فقط برای کشورهای جهان سوم است. شاید هم می‌بینند گزارش‌هایی که از زندان‌های غرب تهیه شود، درغرب زیاد طرفدار نخواهد داشت.

خبرنگار ما پرسید:

– **موضع‌گیری جمهوری اسلامی در قبال این مسأله در مجموع چه تأثیراتی از خود به جا گذاشت؟**

یکی از برادران گفت:

– **پس از دیدار حجت‌الاسلام فاضل هرندی و رفت‌وآمدهایی که به وزارت خارجه شد، سفارت و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در آلمان تعطیل شد.** این کار خیلی به‌جا و خوب بود، اگر که مدت بیشتری ادامه می‌یافت.

دولت آلمان خیلی از قطع رابطه با جمهوری اسلامی ایران هراس دارد و حتی از طرف صاحبان صنایع آلمان نیز زیر فشار قرار گرفته است.

موضع انفعالی دولت آلمان

به علاوه **یک عمل انقلابی توسط حجت‌الاسلام محمد خامنه‌ای صورت گرفت** و ایشان با **فوگل نخست‌وزیر «راینلند فالتس»** جلساتی داشتند و اینها می‌خواستند حداقل ۴۵ نفر را اخراج کنند، ولی با موضع به‌جا و قاطعی که آقای خامنه‌ای گرفت، مسأله را اساساً تغییر ماهیت دادند. به طوری که این‌بار آنها مطرح می‌کردند که ما در رسانه‌های گروهی خودمان بر روی اخراج اینها کار کرده‌ایم و آبروی ما می‌رود!

بد نیست بدانید اوایل دستگیری ما در مطبوعات اینها تبلیغ می‌کردند: ۱ گردان کماندویی به رهبری آقای هادی غفاری آمده‌اند به آلمان و پس از عملیات! آقای غفاری با مقداری از پاسدارها صحنه را ترک کرده و به ایران رفته‌اند! ولی ما توانستیم ۸۶ نفر را بگیریم! نتیجهٔ مذاکرات این شد که جمعاً ۳۱ نفر اخراج موقت بشوند و ۶ ماه بعد به آلمان برگردند.

نومیدی از جامعهٔ آلمان

خبرنگار ما در پایان مصاحبه از این برادران خواست تا قدری راجع به **جامعهٔ آلمان** صحبت کنند

یکی از برادران اظهار داشت:

– به نظر من جامعهٔ غربی و به خصوص جامعهٔ آلمان از درون در حال پوسیدگی و انهدام است. آنها صریحاً اعتراف می‌کنند که به بن‌بست رسیده‌اند. بیکاری، تورم، فساد، فحشا، جنایت و اعتیاد از بارزترین مشخصات جامعهٔ آلمان شده است. آنها اکنون در حال نومیدی به سر می‌برند و خانواده‌ها از یکدیگر می‌پاشند.

فساد اخلاقی طرفداران گروهک‌ها

به علاوه یکی دیگر از چیزهایی که در خارج رواج دارد، **فساد اخلاقی طرفداران گروهک‌ها و عناصر ضدانقلاب** است چون آنها واقعاً خود را در برابر فساد غرب باخته‌اند.

یک نکته را بایستی در این‌جا عنوان کنم و آن این‌که وقتی مسأله‌ای پیش می‌آمد، تمام عناصر گروهک‌ها اعم از سلطنت‌طلب، منافق، پیکاری، جبههٔ ملی و... بدون آن‌که حتی ظاهر قضیه را حفظ کنند، با هم عمل می‌کردند. در آن‌جا منافقین و پیکاری‌ها و سلطنت‌طلب‌ها به اشتراک عمل رسیده‌اند و به طور علنی عمل می‌کردند و به طور علنی با هم رابطه دارند.

این مشخص است که آنها از این‌که بتوانند کاری انجام بدهند، ناامید شده‌اند. چون **عناصر منافق و پیکاری و امثال اینها علناً فساد می‌کنند و می‌توانید سراغ خلقی‌ها را با زنان هرزه در کافه‌ها بگیرید.**

اینها همان کسانی هستند که فردا صبح خلقی بودنشان گل می‌کند و سینه چاک می‌کنند. یعنی آن‌جا در آلمان پرده‌ها کنار رفته و اینها با جو فساد موجود در آلمان آمیخته شده‌اند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۳۴** تاریخ صدور: **۲۶ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دریافت اسلحهٔ بیشتر از شوروی توسط صدام در مقابل آزادی کمونیست‌ها از زندان و تحویل اجساد اعدام‌شدگان در جنگ به خانواده‌هاشان**

امضا:

هفته‌نامهٔ عربی «المجله» در شمارهٔ اخیر خود نوشت:

منابع عربی ذکر کردند که طبق قرارداد بغداد با مسکو، حکومت بغداد در مقابل آزادکردن زندانیان سیاسی حزب کمونیست عراق سلاح‌هایی از شوروی دریافت کرده است.

این منابع اضافه کردند که تعداد زندانیان آزادشده ۲۸۰ نفرند و بیشتر آنها به مشاغل سابق خود در ادارات بازگردانده شدند.

از سوی دیگر اعدام‌هایی که اخیراً توسط صدام انجام گرفته، شامل ۱۷ درجه‌دار ارتشی در جبهه‌های جنگ مندلی است.

این کشتارها در نتیجهٔ پیروزی‌های اخیر نیروهای ایران در این جبهه‌ها بوده است.

از سوی دیگر **اجساد دکتر ریاض حسین وزیر بهداری عراق و عضو شورای رهبری حزب بعث در منطقهٔ بغداد و عدهٔ دیگری از مسئولان بعثی که این هفته اعدام شده‌اند**، به خانواده‌هاشان تحویل داده شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۶

شماره: **۳۳۵** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شکایت از تخلفات سپاه در استان‌های فارس، بوشهر، کهکیلویه و بویراحمد**

امضا: **دادستان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹**

شیراز:

این اطلاعیه امروز از طرف **دادستانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹** منتشر شد.

بسمه تعالی

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و با دعا برای پیروزی رزمندگان اسلام و نفرین بر منافقین که هر روز عزیزی را از این امت رنج‌دیده می‌گیرند.

بدین‌وسیله به اطلاع مردم شهیدپرور استان‌های فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد می‌رساند که چون دادستانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ به تخلفات برادران سپاهی و بسیجی رسیدگی می‌کند، بنابراین هر گونه اطلاعی در این زمینه را با شماره تلفن ۵۷۰۰۲ اطلاع دهند.

به امید اجرای عدل اسلامی به دست پرتوان حضرت مهدی(عج) در سراسر گیتی.

دادستان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۹ [۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۳۶ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **توطئه‌های استکبار علیه ملت‌های مستقل و ضرورت مبارزه با قلدران جهانی**

امضا: **رئیس مجلس نمایندگان جمهوری دمکراتیک خلق کره، هوانگ جانگ یوپ**

رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی

رئیس مجلس نمایندگان جمهوری دمکراتیک خلق کره:

ملت ایران نمایندهٔ ملت‌هایی است که علیه آمریکا می‌جنگند

هوانگ جانگ یوپ رئیس مجلس نمایندگان جمهوری دمکراتیک خلق کره و هیأت همراه وی پریشب در ضیافت شامی که از سوی **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی** در محل هتل استقلال ترتیب یافت، شرکت کردند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در پایان این میهمانی که همراهان رئیس مجلس نمایندگان جمهوری دمکراتیک خلق کره، اعضای هیأت رئیسه و رؤسای کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی حضور داشتند، رؤسای مجلس ۲ کشور ایران و کرهٔ شمالی سخنانی ایراد کردند.

ابتدا **آقای هاشمی رفسنجانی** با اشاره به **تهدیدات و اعمال فشار امپریالیزم آمریکا بر مجمع بین‌المللی انرژی اتمی** گفت:

– بعد از آن‌که اسرائیل از مجمع بین‌المللی انرژی اتمی اخراج شد، آمریکا تهدید کرد که کمک‌هایش را به این مجمع قطع خواهد کرد و این یک توهین بزرگ به مردم دنیاست.

آمریکا می‌خواهد با این تهدید مالی که ۸ میلیون دلار بیشتر نیست، رأی خود را به دنیا

تحمیل کند و امروز نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امضای نامه‌ای اعلام کردند که ایران آماده است تا با همکاری هر کشور دیگر به منظور جلوگیری از فشار امپریالیسم آمریکا بر آرای اعضای سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، معادل کمک‌های آمریکا به این سازمان را پرداخت نماید.

رئیس مجلس خطاب به همتای کره‌ای خود افزود:

– ما به خلق کره که یک ملت ضدامپریالیست است، پیشنهاد می‌کنیم در این مرحله از مبارزات ضدآمریکایی با ما همکاری کند.

وی افزود:

– ما از این‌جا شروع می‌کنیم و **در مقابل زورگویی‌های ابرقدرت‌ها شجاعت و ارادهٔ خودمان را نشان می‌دهیم و اگر ما چنین عمل بکنیم، جنبش غیرمتعهدها جنبشی جدی می‌شود.**

آقای هاشمی رفسنجانی سپس با اشاره به تهدید سازمان ملل از سوی آمریکا به طرفداری از اسرائیل گفت:

– امپریالیسم و ابرقدرت‌ها خود را قیم مردم دنیا می‌دانند. اگر جنبش غیرمتعهد به طور جدی با مسائل جهان برخورد می‌کرد، ابرقدرت‌ها این‌قدر پررو نمی‌شدند و ما اکنون به تجربه و به حکم منطق دریافته‌ایم که مبارزات داخلی و جهانی از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند.

ما اگر در خارج از مرزهایمان به امپریالیسم ضربه بزنیم، آنها کمتر در داخل موفق به تلافی خواهند شد.

ما کشورهای آزاد و مستقل باید ابرقدرت‌ها را در تمام نقاط دنیا مورد حمله قرار دهیم و آنها را آسیب‌پذیر سازیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان سخنانش شکست مفتضحانهٔ نظامی آمریکا در ویتنام، ماجرای مصادرهٔ کشتی آمریکا در کرهٔ شمالی، بی‌حیثیت شدن آمریکا و تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا در ایران که منجر به بی‌اعتباری و سرافکندگی ابرقدرت غرب در جهان شد، گوشزد کرد و افزود:

– ما ثابت کرده‌ایم کشورها می‌توانند در حالی‌که پنجه در پنجهٔ آمریکا دارند، خواسته‌های خود را به انجام برسانند و ما باید در صحنه‌های بین‌المللی وارد مبارزهٔ جدی با امپریالیسم شویم.

سپس **آقای هوانگ جانگ یوپ** طی سخنانی به مشاهدات خود از دستاوردهای انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت:

– ما تلاش مردم ایران را در همه‌جا برای دفاع از انقلاب و سازندگی کشور مستقل خود دیدیم.

ملت ایران نمایندهٔ ملت‌هایی است که علیه آمریکا می‌جنگند و ما در تحلیل‌های خود مردم ایران را به عنوان همرزم می‌شناسیم.

وی سپس آمریکا را مانع اصلی برای پیشرفت بشریت خواند و **توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران و مردم مسلمان لبنان و ممانعت از وحدت ۲ کره** را گوشزد کرد و گفت:

– روابط بین ۲ ملت ایران و کرهٔ شمالی بر اساس استقلال است و وظیفهٔ خود می‌دانیم با استعمارگرانی که استقلال کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهند، مبارزه کنیم و در این راه بین ۲ کشور یک هدف مشترک وجود دارد.

رئیس پارلمان جمهوری دمکراتیک خلق کره در ادامهٔ سخنانش ضمن حمایت از اهداف جنبش عدم تعهد گفت:

– **معیار برای ما مبارزه با امپریالیسم آمریکا است.** و به نظر ما کشوری که علیه امپریالیزم و برای استقلال مملکت خود بجنگند، یک کشور غیرمتعهد واقعی است.

آقای هوانگ جانک یوپ در پایان سخنانش برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و رهبران جمهوری دمکراتیک خلق کره آرزوی سلامتی کرد.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۳۷ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **آمریکا از امام و امت ما سیلی خورده و می‌خواهد سیلی دیگری در منطقه نخورد**

امضا: **وزیر دفاع، سرهنگ سلیمی**

وزیر دفاع با اشاره به شهادت امام جمعهٔ باختران:

تاریخ گواه است که این‌گونه شهادت‌ها از صدر اسلام وجود داشته است

سرویس خبری:

به منظور معرفی اعضای جدید هیأت مدیرهٔ سازمان اتکا (تدارکات ارتش جمهوری اسلامی ایران) مراسمی با حضور **سرهنگ سلیمی وزیر دفاع** و کارکنان اتکا در محل این سازمان برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما در این مراسم که با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز شد، ابتدا مدیر سیاسی ایدئولوژیک سازمان اتکا در مورد تقدس ماه محرم سخنانی ایراد کرد. سپس سرهنگ سلیمی وزیر دفاع طی سخنانی اظهار داشت:

– امروز که جهت معرفی هیأت مدیره به این سازمان آمده‌ایم، امام و امت شهیدپرور ما به علت شهادت امام جمعهٔ باختران در سوگ نشسته‌اند. لکن این شهادت‌ها از زمان صدر اسلام وجود داشته و تاریخ گویای این روند است. **منافقین دارند می‌کوشند که این شخصیت‌ها را ترور کنند. شخصیتی که هزاران هزار نفر به آنان اقتدا می‌کنند؛ یعنی اقتدا به علم، تقوا و راه آنان در خط امام و خط سرخ شهادت؛ در صورتی که کوردلان منافق کور خوانده‌اند.**

وی همچنین افزود:

– امروز سایر حکومت‌های وقت ترس دارند از این‌که حکومتی در منطقه به وجود آمده که حکومت ایدئولوگ‌ها و حکومت عقیده‌ها است و سعی می‌کنند که با مخالفت‌ها سد راه انقلاب اسلامی ایران شوند. اما **حکومتی که بر پایهٔ حق استوار است، این زحمت‌ها و دشواری‌ها را به خوبی تحمل خواهد کرد** و ما برای این‌که راه خودمان را ادامه دهیم، با این حوادث بیشتر روبه‌رو هستیم؛ چون آمریکا و توطئه‌هایش به اینها ختم نمی‌شود.

آمریکا آن سیلی که از امام و امت ما خورده، می‌خواهد سیلی دیگری در منطقه نخورد و تمام سعی و کوشش خود را به کار خواهد برد که این انقلاب و صدای الله‌اکبر به کشورهای دیگر منطقه سرایت نکند. ولی او در خیال خام است.

وی همچنین گفت:

– همهٔ ما موظفیم که خودمان را با حال و هوای انقلاب آشناتر کنیم. اگر نکنیم، این سیل خروشان انقلاب، ما را با خودش خواهد برد.

سرهنگ سلیمی همچنین از مدیرعامل سازمان اتکا به علت جدیت و فعالیت‌هایش قدردانی کرد و همچنین از مدیریت سیاسی ایدئولوژیک که در مکتبی کردن پرسنل سازمان اتکا نهایت سعی و کوشش خود را به کار برده و می‌برند، تشکر کرد و در پایان اعضای هیأت مدیره را معرفی کردند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۳۸ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جنگ و اهداف شهدا و رزمندگان اسلام**

امضا: **ائمه جمعهٔ ارومیه و دامغان**

حجت‌الاسلام حاج غلامرضا حسنی امام جمعهٔ ارومیه:

رزمندگان ما از دین و قرآن و مسلمین و مستضعفان جهان دفاع می‌کنند

خلاصهٔ خطبه‌ها:

وقتی به جبهه‌ها می‌روی، اولین مشاهده مسجد است که رزمندگان اسلام برپا می‌کنند و اولین چیزی که در آن اجرا می‌شود، نماز جماعت و برنامه‌هایی از قبیل سینه‌زنی، اجرای دعای کمیل و توسل است.

حجت‌الاسلام ترابی امام جمعهٔ موقت دامغان:

اسلامی که صدام و فهد دارند، باید مدافعش هم اسرائیل باشد

خلاصهٔ خطبه‌ها:

در حفظ بیت‌المال بکوشیم و مقررات دولت جمهوری اسلامی را اجرا کنیم، چون تمام شهدا و معلولین ما به خاطر آن فدای اسلام و انقلاب شدند.

قبر پیامبر و خانهٔ خدا جایگاهی است که باید دشمنان اسلام نابود شوند و برای اسلام تبلیغ شود.

اینهایی که برنامه‌پراکنی می‌کنند، چقدر مفتضح هستند که می‌گویند این مردم را به زور در نماز جمعه می‌آورند.

آیا این نهضت آزادی‌ها از اسرائیل و فهد بدتر نیستند؟[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۳۹** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **نماز شکوهمند جمعهٔ اهل تسنن زاهدان**

امضا:

بر اساس این گزارش **نماز وحدت‌آفرین و دشمن‌شکن جمعهٔ برادران اهل سنت** نیز به امامت مولوی عبدالعزیز در مسجد جامع اهل تسنن این شهر با شکوه تمام اقامه شده است.

گزارش‌های رسیده از شهرهای: **زابل، ایرانشهر، سراوان، خاش و چابهار**حاکیست که آیین عبادی سیاسی جمعه با شرکت یکپارچهٔ امت حزب‌الله و نمازگزار با شکوه تمام برگزار شده است.

گزارش رسیده حاکیست که **پیکر مطهر یکی از رزمندگان اسلام که عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان** بود و در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بود، در پایان مراسم نماز جمعهٔ زاهدان توسط نمازگزاران با شکوه تمام تشییع شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۴۰ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعلام نحوهٔ تماس ۲۶ اسیر ایرانی با خانواده‌هایشان**

امضا: **روابط عمومی و انتشارات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران**

سرویس خبری:

روابط عمومی و انتشارات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که این جمعیت موفق به رساندن پیام ۲۶ تن از اسرای ایرانی به خانواده‌هایشان نشده است. از این‌رو از خانوادهٔ این عزیزان که عموماً از مهاجرین جنگ و ساکن اردوگاه‌ها و شهرها می‌باشند، خواسته شده است تا به منظور آگاهی از وضعیت فرزندان خود به آدرس تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، نبش شهید قرنی، ساختمان شمارهٔ ۲ هلال احمر، امور اسرا و یا با تلفن ۵۰-۸۲۳۹۴۷ امور اسرا تماس حاصل نمایند.

به گزارش خبرنگار ما اسامی اسرا به این شرح می‌باشد:

جابر فرسانی، مونس پسندیده، عباس نعیم‌نژادیان، عبدالسعید ناصری، حمید یساوی، عابد صالحی، جابر شرجی، صالح خلقی، سیدحمید کرمی، سیدعبود موسوی، صدام بالذی، مهدی درویش‌بچاری، عیسی بیست‌بریه، عطیه پراجانی، چلاب بروی، عبدالکاظم مینعاوی، سلام عباس عسگری، هن‌تورش ناصری، عنیدشاه‌وچی، محمد مشهدی اسماعیل، عبد سواری، زهره خیرعلی، زهرا خیرعلی، موسی حسین حسن، حسن فاتح، فرهاد خطیری.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۴۱** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام سنگرهای انفرادی و اجتماعی دشمن زبون**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش رسیده از **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** در ۲۴ ساعت گذشته بر اثر آتش توپخانهٔ کفرستیزان اسلام روی مواضع و استحکامات دشمن کافر در منطقهٔ پنجوین، آتش توپخانهٔ دشمن مزدور خاموش و تعداد زیادی از سنگرهای انفرادی و اجتماعی دشمن زبون منهدم و از هر گونه نقل و انتقال آنها جلوگیری به عمل آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۴۲ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **درگیری درجبههٔ جزیرهٔ مینو**

امضا:

آبادان:

به گزارش **واحد مرکزی خبر**، مزدوران بعثی صهیونیستی عراق که از ۲ شب گذشته تا صبح دیروز شهر مقاوم آبادان را به وسیلهٔ گلولههای توپ و خمپاره به شدت زیر آتش قرار داده بودند، ساعت ۵ و ۳۰ دقیقهٔ بامداد دیروز نیز بر روی جبههٔ جزیرهٔ مینو و حومهٔ آبادان به اجرای آتش شدید پرداختند که بلافاصله دلاوران جبههای خون و شرف با شجاعت تمام زیر باران گلولههای سلاحهای سبک و سنگین دشمن زبون وارد عمل شده و پاسخ دندانشکنی به آنان دادند که بر اثر آن چند سنگر اجتماعی و دیدهبانی و چند سنگر تیربار مزدوران عراقی را منهدم کرده و تعدادی از فریبخوردگان را کشته و یا زخمی کردند.

همچنین ۱ انبار مهمات آنان را به آتش کشیدند.

گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر حاکیست:

بالاخره پس از ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه درگیری شدید جانبرکفان ارتش اسلام موفق شدند که صدای گلولههای بعثیون عراقی را خفه کنند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۴۳ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **شهر مقاوم آبادان زیر آتش سلاح‌های سنگین مزدوران صدامی**

امضا:

آبادان:

به گزارش واحد مرکزی خبر طی ۲۴ ساعت گذشته شهر مقاوم آبادان زیر آتش سلاح‌های سنگین و دوربرد مزدوران صدامی قرار گرفت که در نتیجه به ۳ باب منزل مسکونی و قسمت‌هایی از یک ادارهٔ دولتی خساراتی وارد شد و ۲ واحد مسکونی طعمهٔ حریق شد و ۲ تن از هموطنان بی‌گناهمان نیز مجروح شدند.

طی همین مدت همچنین با برتری آتش رزمندگان دلاور ما بر روی مواضع و استحکامات دشمن مزدور در آن سوی اروندرود ضمن به هلاکت رساندن تعدادی از این مزدوران، موفق به انهدام ۵ سنگر دیده‌بانی، ۱ سنگر اجتماعی و وارد آوردن خسارت به قسمت‌هایی از پادگان قشله و تأسیسات گارد ساحلی و به آتش کشاندن ۱ منبع سوخت دشمن شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۴۴** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برخورد نفربر مزدوران عراقی با مین**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران ناحیهٔ کردستان**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران ناحیهٔ کردستان** در مورخ ۶۱/۷/۲۵ مجاهدین مسلمان عراقی در جادهٔ سیدصادق و حلبچه در نزدیکی شهرک دوجیلهٔ عراق موفق شدند با کار گذاشتن ۱ مین ضدتانک، نفربر مزدوران عراقی را منهدم و ۶ نفر را به هلاکت برسانند.

در این عملیات تعدادی از مزدوران صدامی زخمی شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۴۵** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی ۱۵ روستای در غرب کشور**

امضا: **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

رزمندگان پرتوان اسلام در عملیاتی به نام شهید بهشتی که در مورخ ۶۱/۷/۲۲ در محور میاندوآب- بوکان- مهاباد آغاز شده بود، روستاهای قاباخ کندی، ملا کندی، زنگ‌آباد گردرش، خطائی، خان‌کندی، سبزی، علی‌آباد، آقابلاغی، کلبه رضاخان، قلقله، باجوند، تنگ بالکه، آغلیان و ارتفاعات ساری بابا و شیخ محمود، قشلاق‌لو را از لوث وجود عناصر مسلح غیرقانونی پاک‌سازی کردند.

فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) ضمن تأیید این خبر اعلام کرد:

- در این عملیات بیش از ۱۰۰ نفر از ضدانقلابیون به هلاکت رسیدند و عده‌ای نیز زخمی شدند و حدود ۱۰ نفر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.

همچنین در ادامهٔ همین عملیات رزمندگان پرتوان ارتش اسلام متشکل از **برادران پاسدار و ارتشی با همکاری پیشمرگان مسلمان کرد** موفق شدند آبادی نژو از توابع بانه را نیز پاک‌سازی کنند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۴۶** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام مقر ۱ گروه ضدانقلاب**

امضا:

سنندج:

به گزارش واحد مرکزی خبر در تاریخ ۶۱/۷/۲۵ به وسیلهٔ مقر گروه علی مریوانی ۱ گروه ایرانی ضدانقلاب در کشران عراق درهم کوبیده شد که در نتیجه ۱ نفر از افراد گروه مریوانی به نام محمود ماه کریم کشته و ۴ نفر به نام‌های: علی عبدالله زیز اهل خانگاه، حوحو امین سهناوی اهل دره بغی، محمود احمد اهلدره‌بغی و عمرعلی اهل سناوه زخمی شدند.

در این عملیات مقدار زیادی از مهمات دشمن منهدم شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۴۷** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات مجاهدین مسلمان عراقی**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی :

به گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** در ۲ روز گذشته مجاهدین مسلمان عراقی به منزل افراد حزب بعث و ۱ ماشین تویوتا حامل مأمورین استخبارات عراق حمله کردند که منجر به کشته شدن ۱۲ نفر از عوامل حزب بعث عراق و اسارت ۲ نفر از آنها شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۴۸ تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حمله به مقر مزدوران صدام در سیدصادق**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**

کردستان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** در مورخ ۶۱/۷/۲۵ مجاهدین مسلمان عراقی به نیروهای مستقر در سیدصادق حمله برده و به وسیلهٔ آرپی‌جی۷، ۱ مقر جیشی‌الشعبی در محل حصار سیدصادق منهدم و ۶ نفر کشته و تعداد زیادی نیز زخمی شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۴۹ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام دکل مخابراتی رژیم {بعثی} صهیونیستی صدام**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** در مورخ ۶۱/۷/۲۵ مجاهدین مسلمان عراقی در منطقهٔ قلعه جولان ۱ دکل مخابراتی رژیم[بعثی] صهیونیستی عراق را منهدم نموده که در نتیجه ۴ نفر از مأمورین به اسارت گرفته شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۵۰ تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تصرف ارتفاعات مهم عثمان‌آباد توسط رزمندگان اسلام**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان** طی یک عملیات هماهنگ و موفقیت‌آمیز توسط سلحشوران پرتوان اسلام ارتفاعات مهم عثمان‌آباد لیلانه و شهرک ربط که از مهم‌ترین مقرهای ضدانقلاب بود، به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

در این عملیات موفقیت‌آمیز تعداد زیادی از ضدانقلاب کشته و زخمی گشتند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۵۱** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی گروهی دیگر از مردم ستم‌دیدهٔ عراق به ایران اسلامی**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان** در پی پناهندگی مردم ستم‌دیدهٔ عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۶۱/۷/۲۵ ، ۷ تن دیگر از مردم مسلمان و ستم‌کشیدهٔ عراق که از جور و ظلم حکام بعثی به تنگ آمده بودند، از طریق مرز بانه وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شده و خود را به هلال احمر این شهر معرفی و تقاضای پناهندگی نمودند.

در بین پناهندگان مسلمان ۱ کارمند، کشاورز، خانم معلم و ۳ نفر فوق دیپلم و ۱ نفر لیسانس به چشم می‌خورد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۵۲ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری بیش از ۳۵ تروریست در مشهد با همکاری سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی**

امضا: **روابط عمومی کمیتهٔ انقلاب اسلامی مرکز مشهد**

مشهد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

با همکاری سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی بیش از ۳۵ تروریست در مشهد دستگیر شدند.

به دنبال کشف ۱ لانهٔ فساد تیمی در تاریخ ۶۱/۵/۲۴ در خیابان امام رضا مشهد طی یک درگیری مسلحانه تعدادی از عناصر ملحد و محارب وابسته به **گروهک اشرف دهقانی** که قصد شوم **ترور نمایندهٔ امام، حجت‌الاسلام واعظ طبسی، استاندار خراسان** و تنی چند از شخصیت‌ها و افراد حزب‌اللهی استان و مقامات کشوری در مشهد را داشتند، قبل از نیل به اهداف پلید خود توسط برادران جان‌برکف کمیتهٔ انقلاب اسلامی دستگیر شدند.

به گزارش **روابط عمومی کمیتهٔ انقلاب اسلامی مرکز مشهد** در پی هماهنگی و همکاری صمیمانه با برادران کمیتهٔ انقلاب اسلامی رجائی‌شهر کرج در طرح عملیات شهید هاشمی‌نژاد پرده از تعدادی از عملیات انجام‌شده توسط این عناصر ترور برداشته شد که این عملیات ناجوانمردانه عبارتند از:

- سرقت مسلحانه از منازل، مغازه‌ها و بانک‌ها – خلع سلاح مأمورین شهربانی و یکی از واحدهای بسیج مستضعفین - توقیف و سرقت وسایل نقلیهٔ مردم تحت عنوان پاسداران کمیته و سپس به شهادت رساندن تعدادی از پاسداران اسلام به فجیع‌ترین وضع درکردستان که در

این رابطه بیش از ۳۵ نفر از اعضا و هواداران فعال گروهک اشرف دهقان دستگیر و مدارک درون‌گروهی زیادی کشف و ضبط گردید.

اسامی چند تن از دستگیر شدگان به شرح زیر است:

حسین احمدی با نام‌های مستعار پرویز و فیض‌الله معاون مسئول نظامی منافقین کرج و مسئول معلمین.

اردلان مقدم قدیمی با نام مستعار ستار و بهروز عضو چریک‌های فدایی شاخهٔ اشرف دهقان و پیک سیاسی وی.

سیدعلی اصغر گلستانه با نام‌های مستعار: ستار، بهرنوز و باقر عضو چریک‌های فدایی شاخهٔ اشرف و مسئول شاخهٔ کرج.

محسن میرفصیحی با نام‌های مستعار: بابک و حمید عضو چریک‌های فدایی شاخهٔ اشرف.

اکبر ناصری با نام مستعار: سعید عضو چریک‌های فدایی شاخهٔ اشرف و شاخهٔ نفوذی در یکی از واحدهای بسیج کرج.

محمدرضا فرشباف محمدی با نام‌های مستعار: حیدر و مسعود عضو چریک‌های فدایی شاخهٔ اشرف.

عباس شهیدی با نام‌های مستعار: خالد و رضا یوسفی‌نژاد عضو چریک‌های فدایی شاخهٔ اشرف.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۵۳** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دستگیری ۲ منافق در خوی**

امضا:

ارومیه:

طی هفتهٔ گذشته با همکاری سازمان اطلاعات ۳۶ میلیونی و کوشش برادران شهربانی و سپاه پاسداران خوی ۲ تن از فعالین سازمان منحرف منافقین در ارومیه که جهت انجام مأموریت‌های خرابکارانه به خوی عزیمت کرده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی این ۲ تن در خانهٔ تیمی دستگیر شده و از آنان تعدادی قرص سیانور، فشنگ، کلت و مواد اولیهٔ ساخت مواد منفجره به دست آمد.

بنا به گزارشی دیگر طی چند روز گذشته با هوشیاری برادران پاسدار در ماکو چند تن از افرادی که قصد فرار ازکشور از طریق مرز ماکو را داشتند، دستگیر شدند و همچنین عوامل دست‌اندرکار این‌گونه اعمال نیز به چنگال عدالت گرفتار آمدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۵۴ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **برگزاری جلسهٔ شورای اداری مسئولان اجرایی آذربایجان غربی**

با حضور وزیر نیرو و نمایندهٔ اعزامی هیأت دولت و بررسی مسائل امنیتی منطقه

امضا:

ارومیه:

شورای اداری مسئولان اجرایی استان آذربایجان غربی که به منظور بررسی مشکلات و نیازهای استان هر ماه یک‌بار تشکیل می‌شود، عصر روز شنبه با حضور **آقای غفوری‌فرد وزیر نیرو و نمایندهٔ اعزامی هیأت دولت** به این استان و **آقای شیخ عطار استاندار آذربایجان غربی** در شهرستان ارومیه تشکیل جلسه داد.

طی این جلسه مسئولان اجرایی سازمان‌های دولتی و ارگان‌های انقلابی مسائل، مشکلات و نیازهای سازمان‌های متبوع خویش به منظور انعکاس در هیأت دولت را با نمایندهٔ اعزامی هیأت دولت مطرح ساختند.

در ابتدای این نشست که با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد، **استاندار آذربایجان غربی** طی سخنانی با اشاره به **تعدد قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و مذاهب مردم این استان** گفت:

– دقیقاً به همین علت بود که ضدانقلاب بعد از تحقق انقلاب اسلامی این منطقه را به عنوان معبر نفوذی خود انتخاب کرد و دست به توطئه‌چینی، ایجاد ناامنی و صدها مشکل دیگر نمود و این مشکلات به رغم تلاش صادقانه‌ای که مسئولان در جهت رفع آنها به عمل آوردند، به دلیل ابعاد وسیع‌شان همچنان ملموس است و به همین علت **دولت امروز با قرار دادن استان آذربایجان**

غربی در جرگهٔ استان‌های محروم مملکت، حساب جدیدی برای آن باز کرده است.

استاندار آذربایجان غربی سپس با اشاره به **اقدام قاطعانهٔ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در پاک‌سازی منطقه از لوث وجود ضدانقلاب و استقرار روزافزون امنیت درمناطق ناامن**، خطاب به مسئولان اجرایی استان گفت:

– هر چند که در گذشته وجود عدم امنیت یکی از مهم‌ترین دلایل سدکنندهٔ اجرای طرح‌های وسیع عمرانی و آموزشی و فرهنگی در منطقه بود، ولی امروز که در اثر ایثار و فداکاری رزمندگان کفرستیز می‌رود که امنیت به منطقه بازگردد، هیچ‌گونه بهانه‌ای از هیچ کسی در بررسی نیازها و رفع سریع مشکلات مردم محروم این منطقه پذیرفته نیست و در این راه لازم است که شما مسئولان همهٔ اندیشه، ابتکار و خلاقیت خود را به کار گیرید.

آقای شیخ عطار در پایان سخنان تمرکز سرمایه‌های فکری را برای حل معضلات و مشکلات این منطقه مورد تأکید قرار داد و از دولت خواست که این امر را بیش از پیش مورد توجه قرار دهد.

سپس **آقای غفوری‌فرد وزیر نیرو** هدف از مسافرتش به استان آذربایجان غربی را که تماس عینی و بررسی مشکلات مردم این استان از نزدیک است، برای حاضرین تشریح کرد و اظهار امیدواری نمود که با طرح مشکلات و نیازمندی‌های مردم این منطقه در جلسات هیأت دولت بتوان در رفع این مشکلات قدم‌های مثبت و ارزنده‌ای برداشت.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به مشکلات متعدد دولت و تقلیل درآمد آن با کاهش تولید و فروش نفت به یک‌دهم و از طرفی ازدیاد هزینه‌ها به چندین برابر به دلیل جنگ تحمیلی گفت:

– در طول تاریخ شما هیچ دولتی را سراغ ندارید که توانسته باشد در برابر این همه مشکلات ایستادگی کند، ولی دیدید که این دولت با لطف و عنایت خدا و ایمانی که به مردم انقلابی دارد، بزرگ‌ترین بحران‌ها را پشت‌سر نهاد و امروز روزبه‌روز در جهت تثبیت بیشتر گام برمی‌دارد و بسیاری از بخش‌های ما از جمله بخش کشاورزی و صنعت که خیلی‌ها فکر می‌کردند رو به اضمحلال می‌رود، روی پای خود ایستاده و در جهت خودکفایی و استقلال پیش می‌رود.

نمایندهٔ اعزامی هیأت دولت به استان آذربایجان غربی در پایان صحبت‌های خود ضمن یاد از منابع غنی زیرزمینی و امکانات فراوان کشاورزی این استان گفت:

– **شما در این استان بیشتر از هر چیز به برنامه‌های وسیع فرهنگی نیازمند هستید** که بتواند دیدگاه‌های مردم این استان را که دارای فرهنگ مذاهب و قومیت‌های متعددی هستید، به هم

نزدیک کند و با پیدایش رابطه با مسائل سیاسی حل خواهد شد و تمام امکانات موجود این استان در جهت عمران و آبادانی منطقه و بهبود مملکت و تثبیت انقلاب اسلامی به کار گرفته خواهد شد.

آنگاه بعد از ارایهٔ گزارش از سوی **سرپرست سازمان برنامه و بودجهٔ استان** در رابطه با وضعیت اعتباری این استان در سال ۱۳۶۱ مسئولان اجرایی سازمان‌ها و نهادهای مختلف استان مسائل و مشکلات خود را که بیشتر در زمینهٔ مسائل کشاورزی، کمبود وسایط نقلیهٔ سنگین و مشکلات مسکن بود، مطرح ساختند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۵۵** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام روحانیون به روستاهای ارسنجان**

امضا:

شیراز:

همزمان با آغاز ماه محرم‌الحرام ۱۵ تن از برادران روحانی از قم به روستاهای مختلف بخش ارسنجان اعزام شدند.

۱ گروه از روحانیـون اعزامـی از دفتر تبلیغات اسلامی قم نیز پس از ورود به آباده به روستاهای این شهرستان عزیمت کردند.

این برادران روحانی به منظور ترویج شعایر اسلامی **به دعوت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی** به روستاهای ارسنجان و آباده فرستاده شده‌اند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۵۶** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های امت حزب‌الله به جبهه‌ها**

امضا:

ساوه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در ادامهٔ ارسال کمک‌های نقدی و جنسی امت حزب‌الله ساوه به جبهه‌ها طی ۱ ماههٔ اخیر به شرح زیر می‌باشد:

مقدار ۲۰۰۰ کارتن کیک، ۲۰۰ کارتن کنسرو، ۱۵ تن خربزه، ۲۰۰۰ کیلو انار، ۸ تن هندوانه، ۵۷۰ جعبه انگور، اهالی روستای آقچه‌قلعه مبلغ ۱۲۹۵۰ ریال، وجه نقد و مقدار ۱۴۲۰ کیلو آرد و گندم، کارکنان تولیدی پشم‌ریسی فرخی ۵۰۰۰۰ ریال، کارکنان ریسندگی عطائیه ۱۵۲۴۰۰ ریال، کارکنان شرکت پولبمن ۴۶۴۳۰ ریال، کارکنان شرکت تکنوخلاق ۵۰۰۰۰ ریال، کارکنان ادارهٔ قند و شکر ۹۰۰۰ ریال، کارکنان ادارهٔ بهزیستی ۳۴۲۰۰ ریال، کارکنان ادارهٔ امور اجتماعی ۱۳۰۰۰ ریال، کارکنان هلال احمر ۳۰۰۰ ریال، کارکنان ادارهٔ اوقاف ۱۶۰۰۰ریال، کارکنان ادارهٔ پست ۳۲۱۰۰ریال، کارکنان ادارهٔ ثبت و اسناد رسمی ۶۲۰۰۰ ریال، کارکنان ادارهٔ دارایی ۵۱۶۰۳ ریال، کارکنان ادارهٔ ثبت و احوال و آمار ۲۶۱۵۰ ریال، کارکنان نهضت سوادآموزی ۲۰۲۰۰ ریال، کارکنان بیمارستان مدرس ۷۰۰۰ ریال، کارکنان بانک صادرات شعبهٔ ساوه ۷۱۹۶۰ ریال، خانوادهٔ شهید عربی‌زاده ۳۳۳۳۳ ریال، خانوادهٔ شهید شمس ۳۳۳۳۳ ریال، خانوادهٔ شهید بیضا ۱۲۶۶۳ ریال.

فسا، خبرنگار جمهوری اسلامی:

توسط مردم حزب‌اللهی شهرستان فسا طی هفتهٔ گذشته کمک‌های زیر جهت رزمندگان اسلام توسط کمیتهٔ امداد امام خمینی شهرستان فسا به جبهه‌های جنوب ارسال شده است.

۱۰ کامیون خواروبار و میوه، ۱۰۰۰۰ کیلو نان، ۱۵۰۰۰۰کیلو هندوانه،۹۰۰۰ کیلو انار، ۱۰۰۰ کیلو شربت‌آلات، پیاز ۳۰۰۰ کیلو، سیب درختی ۲۰۰۰ کیلو، کتاب و قرآن ۲۰۰ جلد و مقدار زیادی وسایل متفرقهٔ مورد نیاز.

ضمناً از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مقدار ۸۰۰۰ کیلو نان و ۹۹ رأس گوسفند جهت جبهه‌های جنگ به کمیتهٔ امداد امام خمینی شهرستان فسا تحویل گردیده و به جبهه‌ها ارسال شده است.

شهریار، خبرنگار جمهوری اسلامی:

با اعلام ستاد بازسازی جهاد شهریار مبلغ ۹ میلیون ریال نقداً جمع‌آوری گردید که مقداری گوشواره و انگشتر طلا به انضمام وجه موجود می‌باشد.

همچنین از طریق جهاد سازندگی شهریار ۳ کامیون آرد و ۳ تریلر چوب و ۱۰ کامیون میوه به جبههٔ جنگ فرستاده شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۵۷** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک نقدی اهالی روستای چناره‌بین**

امضا: **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان**

سنندج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به‌گزارش **واحد خبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیهٔ کردستان**، مردم مسلمان روستای چناره بین محور سنندج ـ مریوان جهت بازسازی مناطق جنگی و به خاطر اعلام همبستگی با جمهوری اسلامی و پیروی از امام خمینی مبلغی پول نقد جمع‌آوری و به مناطق جنگی ارسال داشتند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۵۸ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک چند شهید**

امضا:

تربت‌حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک ۴ تن از شهدای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که به دست مزدوران بعثی به شهادت رسیده بودند از ۴ راه شهید بر دوش امت حزب‌الله این شهرستان تشییع شد.

در این مراسم **حجت‌الاسلام فردوسی نمایندهٔ مردم مشهد** سخنرانی نمود.

آنگاه جنازهٔ شهدا به زادگاهشان منتقل شد.

شهریار، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک شهید محسن بهرامی که در نبرد حق علیه باطل به شهادت رسیده بود، از مقر سپاه پاسداران به زادگاهش رباط‌کریم شهریار تشییع شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۵۹ تاریخ صدور: ۲۷ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا**

امضا:

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به مناسبت **بزرگداشت شهادت ۷۲ تن از شهدای عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل** روز یک‌شنبه ۶۱/۷/۲۵ از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شورای روحانیت شهرستان کرج مجلس بزرگداشتی برقرار گردید.

در این مجلس که انبوه جمعیت از طبقات مختلف شرکت کرده بودند **حجت‌الاسلام فاکر نمایندهٔ محترم امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** سخنرانی نمود.

پهندشت «ایران» با ریختن خون پاکی «کربلا» است و هر «روز» با خمیدن سروقامت عاشقی «عاشورا»، **شهید سیدحسن طباطبایی** یکی از عاشقان پاکباختهٔ راه الله بود که جهت تداوم راه سرور شهیدان امام حسین(ع) و پدر شهیدش سیدحسین طباطبایی به نبرد با کافران شتافت، جنگید و جنگید و در راه الله قتل کرد از کافران؛ و عاقبت فی سبیل‌الله شهید شد.

درس و راهی که او در ۱۵ سالگی با شهادتش در عملیات مسلم‌بن عقیل به ما می‌آموزد، همانا درس و راه سالکان راه الله است.

باشد تا این شهادت نیز مانند شهادت‌ها موجی خروشان‌تر در دل‌های ما «ماندگان» به وجود

آورد، تا جزو «رفتگان» قرار گیریم.

گرامی باد خاطره‌اش و پررهرو باد راهش

بسم رب الشهداء

من اطاعت بی‌چون و چرای از ولایت فقیه (امام خمینی) را آگاهانه پذیرفتم.

مهندس شهید فریدون پارسی

۲۸ مهر سالروز **شهادت معلم و فرزند عزیزمان فریدون پارسی** است. به همین مناسبت بر تربت پاکش قم، قبرستان شیخان گردهم خواهیم آمد.

خانوادهٔ شهید

بسمه تعالی

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُون[۱]

شهید نظر می‌کند به وجه‌الله.

(امام خمینی)

در آستانهٔ محرم، ماه خون و قیام پیرو راستین حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) **پاسدار شهید محمدکریمی خالدی** به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین زمان خمینی بت‌شکن لبیک گفت و به خیل شهدا پیوست.

به همین مناسبت مجلس گرامیداشتی فردا چهارشنبه ۶۱/۷/۲۸ از ساعت ۳ الی ۵ بعداز ظهر در حسینیهٔ توحید واقع درخیابان قزوین، خیابان شهید علیرضا منعقد می‌گردد.[۲]

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۶۰ تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **استمداد از بیمارستان‌ها و ارگان‌ها برای یافتن ۱ بسیجی**

امضا:



عکس فوق به نام **مسعود منتجبی اعزامی از بسیج زنجان تیپ نجف اشرف گردان مطهری** در تاریخ ۶۱/۲/۱۸ در عملیات بیت‌المقدس (جبههٔ شلمچه) مفقود گردیده و تا کنون اطلاعی از وی در دست نیست.

لذا از کلیهٔ بیمارستان‌ها و ارگان‌های مسئول در رابطه با جبهه استمداد می‌شود، در صورت مشاهده و یا هر گونه اطلاعی از نامبرده با شماره تلفن‌های: ۸۳۵۶ – ۸۱۰۸ – ۰۲۸۲۱ و یا ۳۳۷۳۶۱ تهران تماس و خانواده را از نگرانی برهانند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۶۱** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **زندگی‌نامه**

موضوع: **معرفی ۱ شهید**

امضا:

چه شیرین است درخون خویش غلتیدن،

و نهال اسلام را آبیاری کردن

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ

وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً[1]

برادر جهادگر و پاسدار شهید ابراهیم صمدی در سال ۱۳۴۰ در دلیجان در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. شهید صمدی در مکانی متولد شده بود که در شرایط سخت زندگی و در حین درس خواندن در مدرسهٔ ابتدایی مجبور به کار و فعالیت همراه با برادران بزرگ‌تر خویش در خانه و مزرعه بود.

شهید صمدی درس می‌خواند و در حین درس خواندن کار می‌کرد و همراه با هم‌کلاسی‌ها و نوجوانان بیرون از مدرسه رشد می‌کرد و پیوسته مورد صحبت دوستان و معلمانش بود. چرا که صمدی مؤدب، مخلص، کاردان، فعال، مؤمن و... بود. چرا که صمدی از مردم بود و در میان مردم مستضعف زندگی می‌کرد.

۱- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۲۳

شهید صمدی در سال سوم و چهارم دبیرستان بود که همراه با اوج‌گیری انقلاب اسلامی مبارزه بی‌وقفه‌اش را علیه نظام جور و ستم آغاز کرد، تا این‌که انقلاب اسلامی به رهبری امام عزیز به پیروزی رسید و به پیروی فرمان امام خمینی مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی یکی از اولین کسانی بود که همراه با بقیهٔ برادران، جهاد سازندگی شهرستان دلیجان را پی‌ریزی کردند و تا رسیدن دوران خدمت سربازی‌اش فعالانه در جهاد مشغول خدمت بود.

در دوران خدمت سربازی چندین‌بار داوطلبانه به جبهه رفت و مدتی را در قسمت سیاسی ایدئولوژیک ادارهٔ بهداری ارتش فعالیت می‌کرد.

شهید صمدی پس از دوران خدمت سربازی بلافاصله وارد جهاد سازندگی دلیجان شد و بعد از چند روز از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبههٔ نبرد حق علیه باطل شد و هنگامی که در عملیات رمضان فرماندهی یک گروه را به عهده داشت، در حین شلیک آرپی‌جی به تانک مزدوران که در حال پاتک زدن بودند، مورد اصابت تیر مستقیم تانک قرار گرفت و با فریاد الله اکبر در غروب ۲۴ رمضان به لقاءالله پیوست.

شهید صمدی همیشه به شهادت عشق می‌ورزید و حتی در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

– من از خدای بزرگ طلب شهادت نموده‌ام و بدانید ما نباید از حربهٔ شهادت که اسلحه‌ای است سهمگین در نابودی کفر و الحاد و نفاق و وسیله‌ای است در پیوستن به لقاءالله به سادگی دست بکشیم و **چه شیرین است در خون خویش غلتیدن و از شهد شهادت سیراب شدن و باخون خویش نهال دوباره بارور شدهٔ اسلام را آبیاری کردن.**

به اسلام عشق می‌ورزید و خود برپاکنندهٔ مراسم و مجالس مذهبی بود.

نمازش بی‌ریا و متواضعانه بود. به دعا علاقهٔ خاصی داشت و حتی چند ساعت قبل از شهادتش برادران را در سنگری جمع می‌کند و برای آنها دعای توسل می‌خواند.

از سخنان بیهوده جداً خودداری می‌کرد و همیشه به یاد خدا بود.

کمتر حرف می‌زد و بیشتر عمل می‌کرد.

شهید صمدی عاشق بود و در راه وصال معشوق خویش تلاش می‌کرد و عاقبت به آن‌چه خدایش نیز می‌پسندید، رسید.

روحش شاد و راهش پررهرو باد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: **۳۶۲** تاریخ صدور: **۲۷ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **خرید ۱۰ هزار تن سلاح و مهمات از پرتغال توسط رژیم عراق**

امضا:

خبرگزاری فرانسه از لیسبون گزارش داد:

هفته‌نامهٔ پرتغالی نزدیک به دولت اکسپرسو دیروز تأکید کرد:

پرتغال در حال حاضر بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی به رژیم عراق سلاح می‌فروشد.

به نوشتهٔ این هفته‌نامه هم‌اکنون در بندر «ستوبال» در جنوب لیسبون مقادیر مهمی مهمات و دیگر مواد منفجره به مقصد عراق در حال بارگیری است.

این محموله را که یک کشتی دانمارکی به نام «پیار» بارگیری می‌کند، بخشی از یک قرارداد مهمی است که سال گذشته بین شرکت پرتغالی «اندرو سیتراس دودفانسا» و رژیم بغداد به امضا رسید.

هفته‌نامهٔ اکسپرسو اعلام کرد:

طبق این قرارداد پرتغال باید تا سپتامبر ۱۹۸۳، ۱۰۲۰۰ تن سلاح و مهمات به وزارت دفاع عراق تحویل دهد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۷

شماره: ۳۶۳ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **همکاری نزدیک ایران و کرهٔ شمالی در همهٔ زمینه‌ها**

امضا: **رئیس‌جمهوری کرهٔ شمالی، کیم ایل سونگ (خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی)**

رئیس‌جمهور کرهٔ شمالی طی پیامی به حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی:

خلق کره دست در دست مردم ایران صمیمانه کوشش می‌کنند تا علیه آمریکا و همپالکی‌هایش مبارزه کند

در اولین دور مذاکرات **هوانگ جانگ یوپ رئیس مجلس نمایندگان جمهوری دمکراتیک خلق کره** با **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی** آقای جانگ یوپ پیام مودت آمیز **کیم ایل سونگ رئیس جمهوری کرهٔ شمالی** به حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی را تقدیم وی کرد.

متن این پیام بدین شرح است:

پیونگ یانگ – اکتبر ۱۹۸۲

عالی‌جناب رئیس محترم مجلس

با آرزوی تحکیم وتوسعهٔ بیشتر در روابط دوستانه و همکاری بین ۲ کشور، اینجانب یک هیأت بلندپایه از مجلس خلق کشور خود را به ریاست هوانگ جانگ یوپ عضو کمیتهٔ دایمی مجلس خلق جمهوری دمکراتیک خلق کره به کشور شما فرستادم و درودهای مودت‌آمیز خود را تقدیم آن دوست ارجمند می‌دارم.

اینجانب همواره خاطرهٔ شادی که از ملاقات شما به هنگام دیدار جناب‌عالی از کشور ما در سپتامبر سال گذشته که به اتفاق اعضای همراه داشتید، به یاد می‌آورم.

از وقتی که جناب‌عالی به کشور ما تشریف‌فرما شدید، روابط دوستانه و همکاری بین ۲ کشور کره و ایران شاهد ثبات و رشد عالی بوده است. در حالی‌که موضوع آن مسافرت موجب رضایت خاطر گردید.

علاقمندم تشکرات عمیق خود را به جناب‌عالی به خاطر توجه شخصی در جهت پیشبرد روابط بین ۲ کشور ابراز دارم.

خلق‌های کره و ایران دوستان صمیمی هستند که پیمان‌های دوستی محکمی را پی‌ریزی کرده‌اند و دارای اعتقادات یکسان در راه مبارزه علیه دشمن مشترک – امپریالیسم آمریکا – بوده و به خاطر توسعه و استقلال کشور سهیم هستند.

مردم ایران تحت رهبری حضرت آیت‌الله امام خمینی رهبر مهم اسلامی خود شدیداً تلاش می‌کنند که از حاکمیت کشور و تمامیت ملی دفاع کرده، در حالی که از زمان پیروزی انقلاب شجاعانه بر مشکلات گوناگون در راه پیشرفت خود غلبه کردند و زندگی نوینی را به وجود آوردند.

برای خلق کره نهایت مسرت است که مردم ایران به سوی وحدت و تحکیم موقعیت انقلاب اسلامی و انتقال حمایت فعال و وحدت و یکپارچگی استوار در شرایط کنونی پیش می‌روند.

کشورهای کره و ایران هر دو از کشورهای آسیایی و هر دو از اعضای کشورهای جنبش عدم تعهد هستند.

تقویت و حمایت متقابل و همکاری نزدیک بین ۲ ملت برای خنثی کردن تمامی شیوه‌های تجاوز خارجی و مداخلات بیگانه[بسیار مؤثر خواهد بود]. [و امیدوارم که ۲ کشور] به تشکیل یک جامعهٔ مستقل و موفق و نیرومند همت بگمارند و[مسلماً] پیشرفت کشورهای عضو جنبش عدم تعهد اهمیت بزرگی در تسریع پیروزی و استقلال علیه امپریالیزم می‌باشد.

۲ کشور با تلاش‌ها و کوشش‌های مشترک متقابلاً در حل بی‌دردسر مسأله در تغییر مکان نهمین کنفرانس کشورهای عدم تعهد همکاری کردند.

خلق کره در آینده هم دست در دست مردم ایران صمیمانه کوشش می‌کنند علیه امپریالیزم و همپالکی‌هایش مبارزه کند و از استقلال و تمامیت ملی دفاع کرده و جنبش عدم تعهد را گسترش و توسعه دهد.

فرصت را غنیمت شمرده تشکرات خود را به دولت و مردم جمهوری اسلامی ایران به

خاطر حمایت و هم‌دردی با خلق کره برای تلاش در جهت عقب راندن ارتش متجاوز امپریالیزم آمریکا از کرهٔ جنوبی و به استقلال رسیدن و وحدت مجدد مسالمت‌آمیز کشور ابراز دارم.

خلق کره ارزش زیادی برای روابط حسنهٔ دوستی و همکاری که با مردم ایران برقرار کرده، قایل است و در آینده تلاش‌های مثبتی خواهد کرد که این روابط در زمینه‌های گوناگون گسترش و توسعه یابد.

با اعتقاد به این‌که دیدار هیأت عالی مجلس خلق کره از کشورتان تحت توجه عمیق شما نتایج خوبی را به ارمغان خواهد آورد، من صمیمانه سلامت و سعادت و همچنین موفقیت‌های بزرگ را برای آن جناب آرزو می‌کنم.

جناب آقای رئیس!

خواهشمند است احترامات عمیق و صمیمانهٔ ما را بپذیرید.

رئیس‌جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کره

کیم ایل سونگ[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۶۴ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **ملاقات رئیس مجلس شورای اسلامی با مدیر اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و تبادل‌نظر در مورد وضعیت اسرای ایرانی و عراقی و شرایط بد زندان‌های آلمان**

امضا:

ضمن تشریح نحوهٔ شکنجه شدن دانشجویان ایرانی:

رئیس مجلس از صلیب سرخ خواست که سیاه‌چال‌های آلمان را مورد بازدید قرار دهد

مدیر اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ عصر دیروز با **حجت‌الاسلام‌والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی** دیدار و گفتگو کرد.

در این ملاقات که مسئول دفتر نمایندگی این کمیته در تهران نیز حضور داشت، ابتدا **آقای اوکی مدیر اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ** گفت:

– **ما به خاطر اهداف انسانی تلاش می‌کنیم** و بر اساس اصول کنوانسیون ژنو وظیفه داریم **وضعیت اسرای جنگی** را مورد رسیدگی قرار دهیم.

وی همچنین خواستار **بازدید از کمپ‌های اسرا و ملاقات با تمامی اسرای عراقی** شد.

آنگاه **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** طی سخنانی گفت:

– **جمهوری اسلامی ایران مایل است شما وظیفه‌تان را عادلانه و به دور از هر گونه تبعیضی انجام دهید.** اما گزارشات رسیده حاکیست که **مأموران شما در بازدیدهایشان به جای کار انسانی، کار سیاسی کرده‌اند و امیدواریم دیگر تکرار نشود** و من از شما می‌خواهم از بیش از ۴۰ هزار اسیر عراقی، ثبت‌نام و اسامی آنان را برای رفع نگرانی خانواده‌هایشان اعلام کنید.

رئیس مجلس افزود:

– رزمندگان ما به پیروی از دستورات اسلام زخمی‌های عراقی را به دوش می‌کشند،
و خون خود را به آنها هدیه،
و بعد از هر عملیات نیز بخشی از بیمارستان‌های ما،
به اسرای مجروح عراقی اختصاص می‌یابد.
این نحوهٔ برخورد انسانی ما به خاطر خوشایند مجامع بین‌المللی نیست؛
بلکه وظیفهٔ اسلامی ماست.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین هاشمی رفسنجانی با اشاره به **نحوهٔ نگه‌داری اسرا** گفت:

– ما به رغم مشکلاتی که برای ادارهٔ ۲ میلیون جنگ‌زده، ۱/۵ میلیون آوارهٔ افغانی و ۱۰۰۰۰ آوارهٔ عراقی داریم، در عین‌حال با اسرای عراقی از لحاظ تأمین غذا، لباس و محل نگه‌داری همچون سربازان خودمان رفتار می‌کنیم و **برخوردمان با آنها به گونه‌ای بوده است که اسرا با میل خودشان در خیابان‌ها به نفع جمهوری اسلامی و علیه رژیم عراق تظاهرات می‌کنند.**

رئیس مجلس همچنین از مدیر اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ خواست تا نسبت به **روشن نمودن وضعیت آقای تندگویان وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران و همراهان وی** و نیز دیگر رزمندگان ایرانی که دربند رژیم متجاوز عراق به سر می‌برند اقدامات لازم به عمل آورند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در پایان **نحوهٔ شکنجه شدن دانشجویان مسلمان ایرانی در زندان‌های آلمان غربی** را تشریح کرد و از این کمیته خواست تا **زندان‌های این قبیل کشورهای به اصطلاح متمدن** را نیز **مورد بازدید** قرار دهد.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۶۵ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **گلوله‌باران آبادان توسط دشمن و تلفات وارده به او در این جبهه**

امضا:

اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

تبادل آتش توپخانه طی شبانه‌روز گذشته میان نیروهای اسلام و متجاوزین بعثی صهیونیستی عراق در جبهه‌های کوشک، شلمچه و منطقهٔ عملیاتی رمضان ادامه داشت.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکیست با آتش هماهنگ پاسداران جان بر کف کمیته‌های انقلاب و سلحشوران ژاندارمری و نیروی دریایی ۱ قبضه خمپاره‌انداز ۸۲ میلی‌متری، ۱ تیربار کالیبر ۷۵، ۱ دکل مخابراتی، ۱ منبع سوخت، ۶ سنگر اجتماعی و انفرادی و ۵ سنگر دیده‌بانی دشمن در آن سوی اروندرود واقع در خاک عراق منهدم و حداقل ۷ تن از قوای صدامی به هلاکت رسیدند. همچنین از نقل و انتقالات خودروهای آنان در جادهٔ تدارکاتی فاو- بصره جلوگیری به عمل آمد.

از سوی دیگر **در حالی‌که مردم حزب‌اللهی آبادان و رزمندگان جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به یاد سالار شهیدان و سرور آزادگان حسین‌بن علی(ع) به عزاداری و نوحه‌سرایی مشغول بودند، مزدوران از خدا بی‌خبر صدامی شهر مقاوم و شهیدپرور آبادان را هدف آتش توپخانه‌های دوربرد خود قرار دادند** که بر اثر آن ۴ تن از مردم بی‌گناه این شهر مجروح و ۸ باب منزل مسکونی تخریب و دچار حریق شد و به چند اتومبیل نیز خسارت‌هایی وارد آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۶۶ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام ۲ انبار مهمات و ۳۵ سنگر انفرادی، اجتماعی دشمن در منطقهٔ میمک**

امضا: **ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

ایلام، خبرنگار جمهوری اسلامی:

همزمان با فرا رسیدن ماه محرم، ماه حماسه و خون، لشگریان اسلام متشکل از **رزمندگان ارتش، سپاه، بسیج و دیگر نیروهای عشایری** با الهام از امدادهای غیبی در عملیاتی به نام شهید محراب اشرفی اصفهانی که با کلمهٔ رمز «**یا اباعبدالله‌الحسین(ع)**» در منطقهٔ میمک شروع شد، با نفوذ به عمق خاک عراق بیش از ۲۷۰ تن از متجاوزین بعثی را کشته یا زخمی نمودند و ضایعات سنگینی بر آنان وارد ساختند.

بر پایهٔ این عملیات پیروزمندانهٔ یاوران حسین(ع) ۳۵ سنگر اجتماعی، ۳ سنگر تفنگ کالیبر ۷۵، ۱۰ سنگر دفاعی دیده‌بانی و ۲ انبار مهمات مزدوران را منهدم و به آتش کشیدند و بیش از ۱۲۰ تن از بعثیون را به هلاکت رسانده و ۱۷۰ مزدور دیگر را مجروح ساختند.

در پایان عملیات رزمندگان اسلام سالم و سرافراز به مقرهای خود مراجعت نمودند.

همچنین در این رابطه **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** اطلاعیه‌ای به شرح زیر انتشار داد:

در اولین روز ماه محرم، ماه حماسه و فتح و ماه پیروزی خون بر شمشیر رزمندگان ظفرمند اسلام متشکل از دلاوران ارتش جمهوری اسلامی ایران، جان‌برکفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ایثارگران بسیج سپاه پاسداران در ساعت ۶ بامداد دیروز در منطقهٔ میمک طی یک

عملیات نفوذی در داخل خاک عراق به دشمن جنایتکار یورش برده و خسارات و تلفات سنگینی به آنان وارد آوردند.

در این عملیات پیروزمندانه پویندگان راه سرخ «**اباعبدالله‌الحسین(ع)**» موفق شدند بیش از ۲۷۰ تن از قوای دشمن را کشته و یا زخمی کنند و همچنین ۲ انبار مهمات آنان را به آتش کشیده و نابود کنند.

علاوه بر آن در این عملیات بیش از ۳۵ سنگر اجتماعی و انفرادی به همراه ۳ سنگر سلاح نیمه‌سنگین دشمن توسط رزمندگان اسلام منهدم شد.

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۶۷ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام مواضع و استحکامات مزدوران صدام در جبهه‌های غرب**

امضا:

باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

طی ۲۴ ساعت گذشته نبرد با کاربرد سلاح‌های سنگین و سبک در اکثر جبهه‌های غرب کشور ادامه داشت و در منطقهٔ میان‌تنگ از شدت بیشتری برخوردار بود.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی کفرستیزان سپاه اسلام طی شبانه‌روز گذشته با اجرای آتش توپخانه روی مواضع، سنگرها، تجهیزات و استحکامات نظامی صدامیان در جبهه‌های غرب کشور شماری از آنها را به هلاکت رساندند و به چندین دستگاه خودرو و نقاط تدارکاتی دشمن آسیب وارد آوردند.

در منطقهٔ پنجوین با اجرای آتش متقابل رزمندگان اسلام آتش دشمن خاموش شد و چندین سنگر انفرادی و اجتماعی صدامیان منهدم گردید.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۶۸ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دفع تجاوز هوایی دشمن به شهر ایلام**

امضا:

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

۱ فروند هواپیمای مهاجم ارتش بعثی صهیونیستی عراق در ساعت ۹/۳۰ دقیقهٔ دیروز به حریم فضایی شهر مقاوم و قهرمان‌پرور ایلام تجاوز کرد که با عکس‌العمل پدافند هوایی مستقر در منطقه مواجه و قبل از هر گونه اقدامی متواری شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۶۹ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی منطقهٔ میرآباد در شرق الواتان**

امضا: **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)**

ارومیه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

دلاوران پرتوان اسلام به دنبال آزادسازی ارتفاعات حساس و استراتژیک **منطقهٔ الواتان و منطقهٔ غرب کشور** از لوث وجود عناصر آمریکایی، شب گذشته طی عملیات هماهنگ و موفقیت‌آمیز، منطقهٔ میرآباد را در ۳۰ کیلومتری شرقی آلواتان که یکی از مراکز مهم آموزشی ضدانقلاب و یکی از مراکز عمدهٔ ورود کالاهای قاچاق محسوب می‌شد، آزاد کردند.

فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) ضمن تأیید این خبر افزود:

– سران ضدانقلاب قبلاً که منطقه در دست آنها بود، جهت نمایش قدرت پوشالی‌شان از خبرنگاران خارجی برای بازدید و تهیهٔ گزارش به این منطقه دعوت می‌کردند و خبرنگاران خارجی مطالبی را در خصوص موقعیت این منطقه در رسانه‌های امپریالیستی غرب درج کرده بودند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۰ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تسلیم و پناهندگی به جمهوری اسلامی ایران**

امضا:

سنندج، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

پریروز ۵ تن از مسلمانان عراقی از طریق یکی از مرزهای غربی وارد میهن اسلامی ما شده و تقاضای پناهندگی کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی همچنین ۱ نفر دیگر از ضدانقلابیون همراه ۱ قبضه اسلحهٔ برنو پریروز خود را به برادران **سپاه پاسداران بانه** معرفی و تقاضای امان‌نامه کرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۱ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعدام ۲ تروریست در همدان**

امضا:

همدان:

۲ تروریست کوردل به جرم توطئه و قیام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و هواداری فعال از گروهک‌های محارب بعد از ظهر دیروز در حضور هزاران تن از مردم انقلابی و مسلمان همدان در میدان امام خمینی این شهر به دار آویخته شدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی متن احکام صادره دربارهٔ معدومین بدین شرح است:

۲ تن از منافقین کج‌اندیش به نام‌های منوچهر نورافشار فرزند محمد و ناصر موئی به جرم شرکت در توطئه و قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، هواداری فعال از گروهک‌های محارب و ترور پاسدار شهید حسن محمدی و شناسایی اعضای فعال سپاه و قصد ترور آنها، مفسد فی‌الارض و محارب با خدا و رسول خدا و یاغی بر حکومت اسلامی شناخته شدند و به حکم دادگاه انقلاب اسلامی همدان به اعدام محکوم گردیدند که به تأیید دادگاه عالی قضایی قم نیز رسید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۲ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملهٔ اشرار به ۱ اتومبیل شخصی در مسیر جادهٔ سلماس - خوی**

امضا:

ارومیه، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

اشرار مسلح و عناصر وابسته به استکبار جهانی که آخرین نفس‌های خود را در آذربایجان غربی می‌کشند، کوردلانه به سوی مردم عادی آتش می‌گشایند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی پریشب اشرار مسلح غیرقانونی در مسیر جادهٔ خوی به سلماس از نزدیکی روستای مغانجوق به سوی ۱ اتومبیل شخصی آتش گشودند و یکی از سرنشینان آن به نام عطاءالله جمالی را به شهادت رساندند.

در این حملهٔ ناجوانمردانه که حدود ساعت ۲۲ پریشب صورت گرفت، یکی از سرنشینان نیز مجروح شد.

پیکر پاک شهید عطاءالله جمالی دیروز با شرکت امت شهیدپرور نقده تشییع و برای دفن به زادگاهش ارومیه انتقال یافت.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: **۳۷۳** تاریخ صدور: **۲۸ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی آمل**

امضا:

آمل خبرنگار جمهوری اسلامی:

صبح پریروز تمامی نیروهای نظامی و انتظامی آمل و محمودآباد در مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل برنامهٔ صبحگاه مشترک را اجرا کردند.

در این مراسم **فرماندهٔ سپاه آمل** و یکی از روحانیون این شهر به سخنرانی پرداختند.

در پایان نیروهای نظامی و انتظامی همراه با امت حزب‌الله جهت پیشواز ماه محرم از جلو سپاه تا مقابل شهربانی جمهوری اسلامی با حالت نوحه‌خوانی و سینه‌زنی راه‌پیمایی نمودند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۴ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل**

امضا:

به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنجان سفلی** صبح یک‌شنبهٔ گذشته یک گروه از **برادران پاسدار و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنجان سفلی** به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام گردیدند.

ابرقو، خبرنگار جمهوری اسلامی:

تعداد ۲۵ نفر از دانش‌آموزان دبستان ابوذر این شهرستان جهت مصاف با مزدوران بعثی عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.

گرگان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی ستاد بازسازی مناطق جنگی جهاد سازندگی گرگان در روز دوشنبه تعداد ۲۳ نفر از برادران جهت بازسازی مناطق جنگی به غرب کشور اعزام گردیدند.

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر ساری ۳۰ نفر از امت حزب‌الله ساری جهت یاری

رزمندگان جبهه‌های نبرد به سوی جبهه‌ها اعزام شدند.
این عده شامل امدادگر، جوشکار و راننده می‌باشند.

گرگان:

پریروز یک اکیپ ۲۳ نفره متشکل از برادران جهاد سازندگی منطقهٔ گرگان به منظور بازسازی مناطق ویران‌شدهٔ کشورمان از سوی ستاد بازسازی مناطق جنگی جهاد سازندگی این منطقه به غرب کشور عزیمت کردند.

ساری:

پریروز یک اکیپ فنی ۲۷ نفره متشکل از بنا، نجار و امدادگر از سوی جمعیت هلال احمر استان مازندران جهت ارایهٔ خدمات فنی و بهداشتی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام شدند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۵ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌های مردم همیشه در صحنه به رزمندگان اسلام**

امضا:

نکا، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی مردم متعهد و مسلمان نکا مبلغ ۱۳۳۵۰۰۰ریال وجه نقد توسط جهاد سازندگی نکا جمع‌آوری و برای رزمندگان اسلام فرستاده شد.

ابرقو، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در دنبالهٔ کمک‌های ایثارگرانهٔ مردم مسلمان و متعهد کشورمان به جبهه‌ها از سوی اهالی مسلمان و شهیدپرور ابرقو و روستاهای تابع، کمک‌های نقدی و غیرنقدی به شرح زیر به جبهه‌ها ارسال شد:

شهرآباد:

۸۵۰۰ ریال وجه نقد و مقداری نان، نان خشک، هروک ۷۰۵۰ ریال وجه نقد، مقداری انار و نان خشک، اسدآباد ۱۵۷۰۰ ریال وجه نقد، نصرت‌آباد ۶۲۳۰۰ ریال وجه نقد و مقداری انار، نان خشک، خسروآباد ۱۳۳۰۰ ریال وجه نقد، فراغه ۳۳۰۰ ریال وجه نقد و ۱۵۰۰ کیلو انار، تقی‌آباد ۱۲۱۰۰ریال وجه نقد و مقدار گونی خالی، ده‌عرب ۸۰۰۰ ریال وجه نقد، رحیم‌آباد ۴۰۰۰ ریال، فیروزآباد ۱۴۰۰ ریال، شهرسب، ۱۲۵۰۰ ریال وجه نقد، اسدآباد، اسفندآباد مبلغ ۱۱۰۰۰ ریال، هارونی ۳۲۰۰ ریال، صادق‌آباد ۱۱۳۰۰ ریال وجه نقد و مقداری انار و نان خشک،

حسین آباد ۱۵۹۰۰ ریال، خرم‌آباد ۲۰۰۰ ریال و مقدار گونی خالی، فیض آباد کهند ۹۴۰۰ ریال، احمدآباد ۳۴۰۰ ریال، بداف ۹۸۰۰ ریال، مهرآباد ۳۰۰۰ کیلو انار و نان خشک.

ضمناً در یکی از روستاهای ابرقو به نام هروک ۱ برادر نابینا تنها دارایی خود را که ۵۰ تومان پول بوده است، به رزمندگان اسلام هدیه کرد.

ابرقو، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پریروز مبلغ ۶۵۱۹۰۰ ریال وجه نقد از طرف روستای ارضی ابرقو جهت بازسازی مناطق جنگی به ستاد پشتیبانی مناطق جنگی اهدا گردید.

آمل، خبرنگار جمهوری اسلامی:

مینی‌بوس‌داران آمل و فریدون‌کنار ۱ دستگاه مینی‌بوس رایگان جهت اعزام نیرو در اختیار ستاد بازسازی آمل قرار داده و در روز ۶۱/۷/۲۲ با تعداد ۱۹ نفر نیرو شامل بنا و کارگر ساده به سوسنگرد اعزام شدند.

همچنین انجمن اسلامی کامیونداران آمل ۱ دستگاه کامیون در اختیار این ستاد قرار داده و تعداد ۲۵ بشکه روغن موتور و ۱ دستگاه تانکر آب به سوسنگرد اعزام داشتند.

همچنین توسط بانک ملت شعبهٔ ۱۷ شهریور و کارکنان بیمارستان ۱۷ شهریور و شرکت ریسندگی پشم‌هراز و کارکنان ادارهٔ کشاورزی آمل مبلغ ۲۲۲۳۰۰۰ ریال جهت کمک به بازسازی مناطق جنگی به ستاد بازسازی آمل تحویل داده شد.

خرم‌آباد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کارکنان شرکت پارسیلون مبلغ ۲۶۰۰۰۰ ریال به حساب مخصوص ستاد پشتیبانی مناطق جنگی و همچنین مبلغ ۵۳۰۰۰۰ ریال جهت مرمت مناطق بمباران‌شدهٔ لرستان به بانک مربوط واریز نمودند.

قائم‌شهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی ستاد پشتیبانی مناطق جنگ جهاد مستقر در میدان طالقانی قائم‌شهر هدایایی از قبیل برنج ۲۸ کیلو، آبلیمو ۲۲ کارتن، سرم ۲۵ کارتن، ارزاق عمومی ۵ کارتن، پتو ۴ تخته، سیب ۲ جعبه، سیر و پیاز ۳ کیسه، قند ۲ کیسه، جارو ۳۳عدد به اضافه مقداری گونی خالی؛ همچنین از سوی مردم حبرسروکلا جویبار مبلغ ۱۷۵۰۰۰ ریال جهت یاری به جنگ‌زدگان به شهر سوسنگرد ارسال شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۶ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور**

امضا:

سمنان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

صبح پریروز پیکر پاک سرباز فداکار اسلام شهید محمدرضا کلک‌آباد که در سردشت به دست ایادی داخلی آمریکا شربت شهادت نوشیده بود، با حضور **حجت‌الاسلام شاهچراغی امام جمعهٔ مهدی‌شهر، آقای امیدوار فرماندار سمنان، حجت‌الاسلام نصیری**، نیروهای نظامی و انتظامی و اقشار مختلف مردم قهرمان و شهیدپرور سمنان از مقابل سپاه پاسداران تا میدان امام خمینی تشییع و از آن‌جا به زادگاه آن شهید روستای بیابانک انتقال یافت.

ملکان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

عصر دیروز پیکر مطهر ۳ شهید به خون خفتهٔ برادران بسیجی شهید: میرستار موسوی، صیاد زینالی، قلی بقالی بر دوش هزاران نفر از امت حزب‌الله شهرستان ملکان تشییع و به زادگاهش انتقال یافت.

رودسر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک برادر شهید میرجازی که در جبهه‌های غرب به لقاءالله پیوسته بود، توسط مردم

حزب‌الله رودسر تشییع شد و در آرامگاه شهدا به خاک سپرده شد.

گناباد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک برادر شهید غلامعلی باقرزاده که در مصاف با کافران بعثی در عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل به شهادت رسیده بود، بر دوش امت حزب‌الله گناباد از بیمارستان ۲۲ بهمن تا خیابان آیت‌الله غفاری تشییع شد.

در این مراسم آقای ابراهیمی سخنرانی کرد و سپس پیکر پاک شهید به زادگاهش روستای بیلون انتقال یافته و به خاک سپرده شد.

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک و مطهر ۵ تن از دلاوران اسلام که در نبرد با کفر صدامی به شهادت رسیده بودند از مسجد جامع با حضور امت حزب‌الله و روحانیت شهرستان کرج تا میدان شهدا تشییع و سپس **حجت‌الاسلام فیضی** بر بالین این شهدا نماز خواند.

پس از آن جنازهٔ ۱ تن از شهدا به بهشت زهرا و مابقی به امامزاده محمد کرج انتقال یافت.

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

جنازهٔ پاک برادر شهید محمدحسین احمدی اهل روستای شیرآباد که در کامیاران به دست گروهک‌های ضدانقلاب به شهادت رسیده بود، از مقابل مسجد صاحب‌الزمان(عج) با نوحه‌سرایی و شعارهای کوبنده تا امامزاده حضرت حسین‌بن موسی کاظم(ع) تشییع و در آن مکان به خاک سپرده شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: **۳۷۷** تاریخ صدور: **۲۸ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت چهارمین شهید محراب در کویت**

امضا:

به مناسبت **سومین روز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی چهارمین شهید محراب** ظهر دیروز همزمان با ملت شهیدپرور ایران سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت ضمن برافراشتن پرچم سیاه، مراسم ویژه‌ای با حضور ایرانیان مقیم کویت و کلیهٔ کارکنان سفارت برگزار شد.

در این مراسم مردم ضمن ابراز انزجار از عمل وحشیانهٔ منافقین و اعلام تداوم استقامت و پایداری خویش، از مسئولین جمهوری اسلامی خواستند تا نسبت به حفظ جان چنین شخصیت‌هایی کمال کوشش را بنمایند.

در پایان پس از برگزاری نماز جماعت باشکوه، دعای دشمن‌شکن وحدت خوانده شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۸ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعلام برگزاری مراسم شهید**

امضا:

بسم رب الشهداء و الصدیقین

تاریخ جز یک برهه از صدر اسلام جوانانی مثل جوانان ما سراغ ندارد.

(امام خمینی)

شهادت پر افتخار فرزند راستین اسلام **پاسدار شهید محمود مقصودیان** که در کربلای سومار به درجهٔ رفیع شهادت نایل گردید، به همین مناسبت مجلس ختمی امروز ساعت ۱ الی ۵ بعد از ظهر در خیابان دامپزشکی بعد از رودخانه، نبش کوچهٔ محسنی، پلاک ۸۶۹ برقرار می‌باشد. ضمناً شب‌هفت آن شهید ۶۱/۸/۱ ساعت ۲/۵ بعد از ظهر در بهشت زهرا قطعهٔ ۲۶برگزار می‌گردد.

از طرف خانوادهٔ شهید مقصودیان و مهرانی

بسم رب الشهداء والصدیقین

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُون[1]

مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد.

(امام خمینی)

۱- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۶۹

شهادت غرورآفرین رضا چراغعلی، شهید شاهدی که با از جان‌گذشتگی و ایثار جان عزیزش حراست از اسلام و انقلاب اسلامی را ثابت نمود و سرانجام در جبههٔ سومار به سوی معشوق و معبود پر کشید و به جهان باقی شتافت.

به همین مناسبت مجلس ختمی روز چهارشنبه ۶۱/۷/۲۸ از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد رسول(ص)، واقع در بازار دوم نازی‌آباد منعقد می‌گردد.

شرکت دوستان و آشنایان در این مجلس باعث شادی روح آن شهید و تسلی بازماندگان می‌گردد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۷۹ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **حملات توپخانه‌ای ارتش صهیونیستی علیه نیروهای سوری در درهٔ بقاع**

امضا:

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

توپخانهٔ ارتش اشغالگران قدس بار دیگر مواضع نیروهای سوری مستقر در درهٔ بقاع واقع در شرق لبنان را زیر آتش گرفت و سربازان سوریه وادار به پاسخ دادن به آتش آنها شدند.

به **گزارش تاس از بیروت** سربازان صهیونیست در همین حال مواضع مقدم خود را تحکیم کرده و مبادرت به ایجاد سنگر برای استقرار تانک و توپخانهٔ خود کردند.

بر اساس گزارش‌های رسیده افراد ارتش صهیونیستی در آماده‌باش رزمی به سر می‌برند و در نزدیکی خطوط مقدم جاده‌های دیگری را سد کرده‌اند.

هلی‌کوپترهای اسرائیلی نیز مشغول حمل مهمات و تسلیحات به شرق درهٔ بقاع هستند. در چند موضع آمد و رفت چشمگیر تانک‌ها و خودروهای زرهی و کامیون‌های نفربر مشاهده شده است. در همین حال کارکنان فرودگاه‌های فلسطین اشغالی از دیروز دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند.

به گزارش خبرگزاری کویت اعتصاب‌کنندگان خواستار افزایش دستمزد هستند، اما هیأت مدیرهٔ خطوط هوایی رژیم صهیونیستی (ال عال) تصمیم گرفته‌اند که چنان‌چه اعتصاب‌کنندگان از درخواست خود صرف‌نظر کنند، این شرکت را تعطیل خواهند کرد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۸۰ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اختلالات روانی ۶۰۰ سرباز اسرائیلی بر اثر عمق جنایات آنان در لبنان**

امضا:

خبرگزاری فرانسه گزارش داد:

روز گذشته در جریان یک کنگرهٔ پزشکی در یکی از بیمارستان‌های تل‌آویو اعلام شد که به دنبال تعرض نیروهای اسرائیل علیه لبنان حدود ۶۰۰ سرباز اسرائیلی به خاطر اختلالات روانی در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند.

به اظهار سازمان‌دهندگان این کنگره اشخاصی که دچار اختلالات روانی شده‌اند، ۲۳ درصد کل مجروحین جنگ لبنان را تشکیل می‌دهند. در صورتی که در جریان جنگ اسرائیل و اعراب در سال ۱۹۷۳ تنها ۱۰ درصد مجروحین آن جنگ را تشکیل می‌دادند.

در این کنگره همچنین گفته شده است:

۱۰۰ نفر از این ۶۰۰ نفر هنوز هم تحت درمان‌های روان‌پزشکی قرار گرفته‌اند و معالجات آنها هنوز به پایان نرسیده است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۸۱ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تمدید مأموریت نیروهای سازمان ملل در لبنان توسط شورای امنیت**

وسخنرانی امین جمایل رئیس جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان در سازمان ملل

امضا:

خبرگزاری رویتر از سازمان ملل گزارش داد:

امین جمایل رئیس جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان خواستار خروج بدون قید و شرط تمام نیروهای خارجی از لبنان شد.

امین جمیل که در مجمع عمومی سازمان ملل سخن می‌راند، همچنین خواستار کمک بین‌المللی برای بازسازی اقتصاد از هم پاشیدهٔ لبنان شد.

امین جمیل گفت:

- ما آن‌چه را ویران شده از نو خواهیم ساخت، لکن در مورد علت ویرانی لبنان سکوت کرد.

لازم به تذکر است جمایل رئیس‌جمهور فالانژ لبنان، طی ۷ سال جنگ داخلی در لبنان نقش به سزایی در جنگ‌افروزی‌های فالانژها داشته است.

فالانژها در جریان تجاوز گستردهٔ اسرائیل به لبنان، به عنوان نیروهای ستون پنجم رژیم صهیونیستی عمل کردند. به علاوه روی کار آوردن امین جمایل رئیس‌جمهور فالانژ لبنان از نتایج عمدهٔ تجاوز اسرائیل تلقی می‌شود.

در همین حال سه‌شنبه شورای امنیت سازمان ملل مدت مأموریت نیروهای این سازمان

در لبنان را به مدت ۳ ماه دیگر تمدید کرد.

این نیروها که در جریان تهاجم اسرائیل به لبنان در این کشور حضور داشتند، هیچ‌گونه واکنشی در برابر نیروهای صهیونیستی از خود نشان ندادند.

خبرگزاری فرانسه از سازمان ملل گزارش داد که این حکم بنا به درخواست دولت لبنان به منظور به اصطلاح تأمین امنیت اتباع لبنانی اتخاذ شده است.

بر اساس همین گزارش شوروی و لهستان به این حکم رأی ممتنع دادند.

از سوی دیگر امین جمایل رئیس‌جمهوری دست‌نشاندهٔ لبنان پس از سخنرانی در سازمان ملل صبح دیروز به منظور جلب حمایت اقتصادی سیاسی و نظامی مقامات آمریکایی وارد واشنگتن شد. وی قرار است با ریگان به طور خصوصی دیدار و گفتگو کند.

یک مقام حکومتی آمریکا دیشب گفت:

- ریگان در مذاکرات خود با امین جمایل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان تمام جنبه‌های بازسازی لبنان را مورد مذاکره قرار خواهد داد، ولی بعید است که کمک‌های بیشتری از سوی آمریکا به لبنان اعلام شود.

این مقام که پس از ورود جمایل به واشنگتن برای خبرنگاران سخن می‌گفت، افزود:

- اهمیت دیدار جمایل از آمریکا به مراتب بیش از نیازهای فوری اقتصادی لبنان است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۸۲ تاریخ صدور: ۲۸ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **طرح اخراج اسرائیل از کمیسیون انرژی اتمی به درخواست ایران**

امضا:

به دنبال اخراج اسرائیل از کمیسیون انرژی اتمی و در پی درخواست ایران:

تلاش کشورهای جهان سوم برای اخراج رژیم اشغالگر قدس

از اتحادیهٔ بین‌المللی ارتباطات راه دور

نایروبی، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

در آغاز هفتهٔ چهارم کنفرانس سران اتحادیهٔ بین‌المللی ارتباط راه دور **مسألهٔ اخراج رژیم صهیونیستی از اتحادیهٔ مذکور** که از آغاز به وسیلهٔ هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران و با همکاری کشورهای اسلامی و آفریقایی ارایه شده بود، مورد بحث قرار گرفت.

رئیس جلسه وزیر پست و تلگراف و تلفن کنیا بود که ریاست کنفرانس را به عهده دارد.

رئیس هیأت نمایندگی آمریکا در آغاز جلسه ضمن دفاع صریح از رژیم اشغالگر قدس، تهدید کرد که در صورت اخراج این رژیم به هیأت نمایندگی آمریکا دستور داده شده است که بلافاصله کنفرانس را ترک نمایند و در نتیجه کلیهٔ کمک‌های مالی و فنی آمریکا به اتحادیه قطع خواهد شد.

هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن تشریح جنایات رژیم صهیونیستی، موضع صریح جمهوری اسلامی ایران در مورد این رژیم را بیان نمود و حمایت آمریکا از این جنایات را محکوم کرد.

هیأت نمایندگی ایران اخراج اسرائیل را عملی به حق و قانونی و در مسیر احترام به حقوق ملت فلسطین دانست.

یکی از اعضای هیأت نمایندگی کشورمان در پاسخ به تهدید آمریکا در مورد خروج از اتحادیه اظهار داشت:

- بر اساس اصولی که به آنها اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران به همراه دیگر ملل حق دوست و دوستدار صلح قویاً مخالف هر گونه کوشش برای تحمیل راه‌هایی چون راه‌حل‌های پیشنهادی آمریکا است.

ما میل داریم به این نکته اشاره کنیم که:

اجازه نخواهیم داد که قدرت و توانایی مالی اعضا، ارزش‌های انسانی را لگدکوب کرده و برای ما خط‌مشی تعیین کند.

بر اساس روابط بین‌المللی ما از تهران اطلاع یافتیم که کشورمان جمهوری اسلامی ایران حق‌السهم مالی خود را به این اتحادیه را تا ۵ برابر افزایش می‌دهد تا جای خالی کمک‌ها و سهم مالی آمریکا را که به این اتحادیه پرداخت می‌شد، پر کند و همچنین ما انتظار داریم سایر کشورهای عضو نیز برای جبران سهم آمریکا اقدام کنند. ما امیدواریم که این سهم کوچک ما به حفظ ارزش‌های انسانی کمک کند.

به گزارش **خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی** بسیاری از هیأت‌های شرکت‌کننده از موضوع اخراج رژیم صهیونیستی از اتحادیهٔ بین‌المللی ارتباط راه دور پشتیبانی کردند؛ لیکن تصمیم‌گیری نهایی به جلسهٔ بعد موکول شده است.

جمهوری اسلامی ایران تنها مانع به رسمیت شناختن اسرائیل

از سوی دیگر به گزارش واحد مرکزی خبر از لندن روز دوشنبه در نایروبی پایتخت کنیا اتحادیهٔ ارتباطات بین‌المللی که اخراج اسرائیل را در دستور کار خود قرار داده است، پس از ۵ ساعت بحث و تبادل‌نظر، دنبالهٔ مذاکرات خود را به جلسهٔ بعد موکول کرد.

بنا بر این گزارش به نوشتهٔ **مطبوعات دیروز انگلیس** اخراج نشدن از این اتحادیهٔ بین‌المللی برای اسرائیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روزنامـــهٔ فایننشال تایمز چاپ لندن در شمارهٔ دیروز خود به نقل از یکی از مقامات رژیم صهیونیستی می‌نویسد:

تهدید آمریکا مبنی بر تحریم مالی سازمان ملل در صورت اخراج اسرائیل با استقبال

مقامات این کشور مواجه شده است.

در همین حال شب گذشته **کانال۲ تلویزیون دولتی بی.بی.سی** طی تفسیری پیرامون اقداماتی که هم‌اکنون در واشنگتن جهت به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی اعراب صورت می‌گیرد، گفت:

– در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل بر سر راه به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی کشورهای اسلامی، فقط جمهوری اسلامی ایران است.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۸

شماره: ۳۸۳ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **دیدار مدیر فعالیت‌های اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ جهانی با رئیس‌جمهوری و تأکید رئیس‌جمهور بر فاش شدن تجاوزات و جنایات عراق در سطح جهان**

امضا:

رئیس‌جمهور:

از صلیب سرخ انتظار داریم این اعمال جنایتکارانهٔ عراق را در سطح جهان فاش کنند

مدیر فعالیت‌های اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ جهانی پیش از ظهر دیروز با **حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای** رئیس‌جمهور دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار ابتدا مدیر فعالیت‌های اجرایی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ جهانی گزارشی در مورد دیدار چند روزهٔ خود از ایران و همچنین فعالیت‌های صلیب سرخ جهانی را در طول ۲ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اطلاع حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای رساند.

آنگاه رئیس جمهور ضمن اظهار امیدواری نسبت به این‌که **تعداد بازدیدها بتواند باعث روشن شدن حقایق شود**، گفت:

- نکتهٔ قابل توجهی که سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان صلیب سرخ جهانی باید به آن تکیه کنند، این است که کارشان تنها به خدمات مادی برای انسان‌ها محصور نشود و برای آنها احترام و ارزش انسانی قایل شوند. انسان‌ها گرسنگی با سربلندی را از سیری همراه با احساس حقارت و اندوه بیشتر می‌طلبند و علاقه‌مندند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای با اشاره به **اسارت گروه زیادی از نیروهای متجاوز بعث عراق در دست**

رزمندگان اسلام گفت:

– بسیار خوب بود که به جبهه‌ها سفر می‌کردید و به اسارت گرفتن نیروهای دشمن به دست نظامیان و پاسداران ما را مشاهده می‌نمودید.

رفتار سپاهیان اسلام با اسرای دشمن به صورتی است که خود اسرا نیز اذعان می‌کنند که انتظار چنین رفتاری را از سوی سپاهیان یک لشگر پیروز نداشته‌اند.

رئیس‌جمهور افزود:

– اسرای عراقی در اردگاه‌های باز و آزاد از همهٔ مواهب زندگی یک نظامی و سرباز ایرانی استفاده می‌کنند و در مواردی هم بیش از آنها بهره‌مند می‌شوند. اما با تمام این مصایب ما در مقابل خود جبهه‌ای داریم که با اسیران خود این‌طور برخورد نمی‌کنند. **رژیم بعث عراق به نیروهای خط مقدم خود دستور داده است که اسرای ما را در همان میدان نبرد اعدام کنند** و کسانی را هم که به پشت جبهه انتقال می‌دهند، در شرایط بسیار سخت زندگانی نگاه می‌دارند.

رئیس جمهور در ادامهٔ سخنان خود گفت:

– ما از چنین سازمان‌های بین‌المللی توقع داریم تا از این اعمال جنایتکارانهٔ آنها اطلاع پیدا کنند و آنها را در سطح جهانی مطرح سازند.

رئیس جمهور آنگاه به اسارت آقای تندگویان وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت:

– کمیتهٔ صلیب سرخ جهانی در این مورد چه اقدامی انجام داده است؟

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس با اشاره به بمباران شهرهای مرزی ایران و کشته و آواره کردن مردم غیرنظامی این شهرها توسط رژیم متجاوز عراق گفت:

– ما و عراق شهرهای مرزی زیادی داریم که هر ۲ نیز امکان بمباران و تخریب شهرهای یکدیگر را داشته‌ایم. ولی در این میان تنها عراق در حدود ۱ سال و نیم است که شهرهای مرزی ما را بمباران نموده و هزاران تن را کشته و آواره کرده است.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای آنگاه از مدیر فعالیت‌های کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ جهانی دعوت کرد که به این شهرها سفر کند و از نزدیک جنایات متعدد عراق را مشاهده نماید.

رئیس جمهور آنگاه پیشنهاد ایران در مورد ملاقات خانواده اسرا در ۲ کشور را یادآور شد و گفت:

– ما پیشنهاد کردیم که خانوادهٔ اسرا بیایند و اسرا را ملاقات کنند و در تمام طول سفر هم ما مخارج آنها را تأمین کنیم و انتظار داشتیم که صلیب سرخ جهانی هم از این اقدام ما

حمایت کرده و رژیم عراق را وادار سازد تا متقابلاً خانواده‌های ایرانی بتوانند با اسرای خود در عراق دیدار کنند.

در پایان این دیدار مدیر فعالیت‌های کمیتهٔ صلیب سرخ بین‌المللی که تحت تأثیر قرار گرفته بود، با اظهار تأسف از **وضع اسف‌بار اسرای ایرانی در چنگال رژیم متجاوز عراق** گفت:

– امیدوارم همهٔ امضاکنندگان کنوانسیون ژنو به تعهدات خود عمل کنند.[۱]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۸۴ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار وزیر خارجهٔ ترکیه با رئیس‌جمهوری**

و تأکید رئیس‌جمهور بر ادامهٔ تجاوز عراق به ایران اسلامی

امضا:

وزیر خارجهٔ ترکیه عصر دیروز با رئیس‌جمهوری دیدار و گفتگو کرد

رئیس‌جمهوری:

این رژیم عراق است که این جنگ و ادامهٔ آن را به ما و مردم خود تحمیل می‌کند

ایلنرترکمن وزیر امور خارجهٔ ترکیه عصر دیروز با **آقای سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری** کشورمان دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این دیدار که وزیر امور خارجه و تنی چند از مسئولین کشورمان نیز در آن حضور داشتند **وزیر خارجهٔ ترکیه** ضمن ابراز خرسندی از سفر به ایران و ملاقات با مقامات کشورمان گفت:

- من خیلی خوشحال هستم که بین ۲ کشور همجوار ایران و ترکیه ارتباطات محکمی وجود دارد و هر روز نیز گسترش بیشتری می‌یابد.

وی افزود:

- اعتقاد ما بر این است که جمهوری اسلامی ایران هر روز باثبات‌تر و پیشرفته‌تر می‌شود.

وی گفت:

- همکاری بین ۲ کشور ایران و ترکیه نه تنها برای این ۲ کشور بلکه برای منطقه مهم و

مفید می‌باشد.

همان تحولاتی را که در منطقه مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران پی‌گیری می‌کنند، رئیس‌جمهور کشور ما نیز به آن توجه خاصی داشته و همهٔ حوادثی را که در خاورمیانه روی می‌دهد، دنبال می‌کند.

در ادامهٔ این دیدار **حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای** با اشاره به روابط دوستانهٔ بین ۲ کشور و اظهار خشنودی از توسعهٔ این روابط گفتند:

– اعتقاد ما بر این است که **کشورهای همسایه‌ای که از فرهنگ، دین و منافع مشترکی برخوردارند، ضروریست هرچه بیشتر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را به یکدیگر نزدیک کنند** و ما نیز با قاطعیت این موضوع را دنبال می‌کنیم.

رئیس‌جمهوری با اشاره به تجاوز رژیم بعثی صهیونیستی عراق به جمهوری اسلامی ایران گفتند:

– **در این جنگ مسألهٔ شرف و انقلاب ارزشمند یک ملت مطرح است** و این چیزی است که ملت ما به آسانی از آن نمی‌گذرد.

ما شرایطی را برای صلح اعلام نموده‌ایم که شما و همهٔ مستضعفین عالم حقانیت این شرایط را تصدیق کرده‌اید.

ایشان با اشاره به سفرهای مکرر هیأت‌های صلح اظهار داشتند:

– ما با تلاش‌های هیأت‌های صلح و کسانی که در این باره اقداماتی انجام می‌دهند، مخالفتی نکرده و از آنها استقبال نیز کرده‌ایم. ولی **این رژیم عراق است که این جنگ و ادامهٔ آن را به ما و مردم خودش تحمیل می‌کند.**[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۸۵ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ■ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **مسائل کشور، مهار نمودن تورم، وزرای جدید و وضع جبهه‌ها**

امضا: **رئیس‌جمهور، حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای**

جلسهٔ هیأت دولت دیروز با حضور رئیس‌جمهور تشکیل شد

نظرات رئیس‌جمهور پیرامون تورم، توزیع، وزرای جدید کابینه و تحولات جنگ

سرویس سیاسی جمهوری اسلامی ایران:

رئیس‌جمهور کشورمان پیش از ظهر دیروز پس از شرکت در جلسهٔ هیأت دولت در گفتگویی با خبرنگاران شرکت نمود و به سؤالات آنان پاسخ گفتند.

به گزارش خبرنگار ما، رئیس‌جمهور در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید:

- علت حضور شما در این جلسه چیست؟

اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور من در این جلسه علت خاصی نداشت و گاهی در جلسات هیأت دولت شرکت می‌کنم. البته در این جلسه مسائل متنوع و مختلفی مطرح بود که حضور اینجانب در این جلسه مفید و مؤثر بود.

رئیس‌جمهوری در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید:

- برای مهار نمودن تورم در سطح کشور چه تصمیماتی گرفته شد؟



گفت:

– این یکی از مسائل اصلی ماست. بحث در مورد توزیع یکی از بحث‌هایی است که همین امروز در هیأت دولت مقداری مطرح بود و همچنین در جلسهٔ خاصی با شرکت نخست‌وزیر، وزیر بازرگانی و بعضی از برادران وزرای دیگر در حال تعقیب است و ان‌شاءالله طرح جدید توزیع به هیأت دولت خواهد آمد و پس از تصویب اجرا خواهد شد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین خامنه‌ای در مورد **معرفی وزرای جدید به مجلس** اظهار داشت:

– بعضی از وزرای جدید مشخص شده‌اند و به زودی به مجلس معرفی می‌شوند و نخست وزیر تلاش می‌کنند که بقیه را نیز تعیین کنند.

رئیس شورای‌عالی دفاع در پاسخ به سؤال خبرنگار ما که پرسید:

– شما وضع جبهه‌ها را چگونه می‌بینید؟

گفت:

– وضع جبهه‌ها بسیار خوب است و امروز جبهه‌ها و نیروهای ما بهترین وضع را دارند. ابتکار عمل در دست ماست و نیروهای ما تسلط کامل از نظر مواضع، آتش و امکان تعرض بر دشمن دارند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۸۶ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار با هیأت کرهٔ شمالی، اوضاع منطقه، نابودی اسرائیل و پایان حکمرانی آمریکا**

امضا: **نخست‌وزیر، میرحسین موسوی**

نخست‌وزیر در پایان جلسهٔ دیروز هیأت دولت:

تا احقاق کامل شرایط خود به جنگ ادامه خواهیم داد

آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر پس از پایان جلسهٔ دیروز هیأت دولت در گفتگویی با خبرنگاران به سؤالات آنان پیرامون مسائل مختلف پاسخ گفت.

نخست‌وزیر در مورد ملاقات خود با هیأت کرهٔ شمالی گفت:

– در این دیدار مسائل سیاسی و اقتصادی جاری بین ۲ کشور مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت و در مذاکرات با آنان ما **موضع «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی ایران»** را توضیح دادیم و **مخالفت خودمان را با حضور ابرقدرت‌ها در منطقه** تشریح کردیم و اظهار داشتیم که **ما با دخالت‌های ابرقدرت‌ها در امور ملت‌های مستضعف مخالف هستیم.**

نخست‌وزیر افزود:

– آنها نیز تقریباً موضعی شبیه به ما دارند و در میان کشورهای آن منطقه موضع مستقلی از خود نشان می‌دهند. **آنها از پیروزی انقلاب ما شگفت‌زده بودند** و رئیس مجلس کرهٔ شمالی مشاهداتش در ایران با آن چیزهایی که شنیده بود، تغییرات کیفی داشت و **از روحیهٔ انقلابی موجود در سطح جامعهٔ ما ستایش می‌کرد.**

نخست‌وزیر گفت:

– در قسمت اقتصادی زمینه‌های همکاری با آنها بررسی شد و قرار شد روابط بین ۲ کشور در سطح مختلف گسترش یابد.

معاملات ما با کرهٔ شمالی در سال گذشته شروع و ان‌شاءالله ظرف ۲ هفتهٔ آینده یک هیأت اقتصادی کره‌ای برای ادامهٔ بحث و مذاکره به ایران خواهد آمد تا بررسی‌های لازم را به عمل آورد.

نخست‌وزیر در مورد **سفر وزیر خارجهٔ ترکیه به ایران** گفت:

– در مذاکراتمان ما موضع خود را در قبال عراق اعلام کردیم و گفتیم که **نیروهای ما حاضر هستند ضربات کوبنده‌ای بر رژیم صدام وارد آورند و تا احقاق شرایط کامل خود به جنگ ادامه خواهیم داد.**

در این مذاکرات همچنین اوضاع منطقه و دیدگاه‌های خود را پیرامون **صلح و امنیت در خلیج فارس و اقیانوس هند** بیان کردیم و گفتیم **این منطقه باید از نفوذ قدرت‌های استکباری کنار باشد و ملت‌های منطقه مستقل بمانند.**

در این مذاکرات همچنین مسائل اقتصادی که پایه‌گذاری شده بود، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

نخست‌وزیر در مورد **اخراج رژیم صهیونیستی از اتحادیهٔ بین‌المللی انرژی اتمی** و همچنین اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در این زمینه گفت:

– دولت از این مسأله حمایت می‌کند و یقیناً اگر وجوه کار روشن شود، دولت اعتبار لازم را برای جبران این مسأله اختصاص خواهد داد.

وی افزود:

– **کشور ما می‌تواند برای راندن اسرائیل و آمریکا از این مجامع کمک کند.** در رابطه با اتحادیهٔ انرژی اتمی نیز کمک‌هایی که از سوی آمریکا می‌شود، وجه قابل ملاحظه‌ای نیست و کشور ما به تنهایی قادر است از عهدهٔ آن برآید.

وی گفت:

– در رابطه با کشورهای مترقی ما می‌توانیم ترتیبی دهیم که خلأ موجود پر شود تا این سازمان‌ها به خاطر غنای مالی ابرقدرت‌ها تحت سیطرهٔ آنها قرار نگیرند.

آقای موسوی افزود:

– **آمریکا باید بداند دوران فرمانروایی‌اش که با پول و زور می‌توانست بر جهان حکمروایی کند، پایان**

پذیرفته و باید این واقعیت تلخ را قبول کند.

دیگر اسرائیل با تمام تمهیداتش که برای استقرارش در جامعهٔ ملل و در میان کشورهای مختلف انجام داده، نمی‌تواند کاری بکند و این خود مقدمهٔ اضمحلال و نابودی کامل اسرائیل در درازمدت است و همین دورنماست که آمریکا را به وحشت می‌اندازد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۸۷** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **سفر فرماندهٔ سپاه پاسداران به رشت**

امضا:

رشت:

برادر محسن رضائی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح دیروز پس از اقامت کوتاهی در شهرستان رشت و دیدار با فرماندهٔ سپاه گیلان و تنی چند از فرماندهان سپاه رشت، به تهران بازگشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در این دیدار که استاندار گیلان، سرپرست ادارهٔ سیاسی- انتظامی استانداری نیز حضور داشتند، مسائل جاری استان در رابطه با مسئولیت سپاه پاسداران مورد بحث و بررسی قرار گرفت.[1]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۸۸ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **بهره‌برداری از عاشورای حسینی برای همهٔ علاقمندان**

امضا: **روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم**

دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیهٔ قم

طی اطلاعیه‌ای به مناسبت ماه محرم ماه جهاد و شهادت

همهٔ مسلمانان جهان را به شنیدن ندای عاشورایی امام دعوت می‌کنیم

به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم ماه جهاد و شهادت از سوی **روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم** اطلاعیه‌ای بدین شرح منتشر شد.

بسم الله الرحمن الرحیم

با فرا رسیدن محرم، پیام شهادت تجدید می‌شود. سالگرد عاشورا بر انقلاب‌های رهایی‌بخش توان می‌دهد، نهضت‌ها را از سستی، حرکت‌ها را از کندی و نیروهای ضدستم را از ضعف باز می‌دارد. گویی همین امروز است سالار شهیدان از فرار مرکبی به سرعت نور و بلندی عرش بر سرتاسر تاریخ بشریت فریاد بسیج علیه ظلم و حق‌کشی سر می‌دهد و از طفل شیرخوار تا پیر ۸۰ ساله را برای حفظ دین استمداد می‌کند.

آری اینک این فریاد از حلقوم فرزند رشیدش رهبر انقلاب امام خمینی بلند است.

بار دیگر با فرا رسیدن محرم همهٔ مسلمانان جهان را به شنیدن این ندا که رجع الصوتی است، از فریاد عاشورا دعوت می‌کنیم. مخصوصاً شما ای مبلغین اسلام و حاملین رسالت انبیا

و ای گویندگان اعزامی از دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم!

فراموش نکنید که در مقطعی از تاریخ قرار گرفته‌ایم که مسألهٔ بود و نبود یک نهضت، یک انقلاب، یک ملت و یک مکتب- آن هم اسلام- مطرح است.

در بهره‌برداری از عاشورای حسینی از این سرمایهٔ عظیم هیچ فرصتی را نباید از دست داد.

ما ضمن تشکر از **ارادتمندان امام حسین(ع)** و مبلغین و وعاظ و گویندگان محترم پیروزی و موفقیت همه را در عزاداری حضرت خامس آل عبا و بهره‌برداری از مکتب حیات‌بخش آن بزرگمرد از خداوند مسألت داریم و **سلام صمیمانهٔ خود را به ارواح شهدا و پیشگاه رزمندگان عزیز تقدیم و پیروزی نهایی آنان را از خداوند مسألت داریم.**

روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۸۹ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی ۱۰ روستا در غرب کشور**

امضا: **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)**

قرارگاه حمزه:

سپاهیان اسلام در ادامهٔ عملیات پاک‌سازی مناطق غرب کشور و همزمان با آزادسازی شهرک «**ربط**»، ۹ روستای دیگر را نیز درمحور سردشت از لوث وجود کثیف ضدانقلاب پاک‌سازی کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از **فرماندهی مشترک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)** در این عملیات بیش از ۶۰ تن از ضدانقلابیون به هلاکت رسیده و تعداد زیادی نیز زخمی شدند. بر پایهٔ این گزارش، اسامی ۸ روستا از روستاهای پاک‌سازی‌شدهٔ مذکور بدین شرح است: لیلانه، هندآباد، بزیله، شالکه، مرانه، هیکل‌آباد، عثمان‌آباد، شینو و ۱ روستای دیگر.

سنندج:

پریروز طی یک عملیات موفقیت‌آمیز و هماهنگ توسط سلحشوران اسلام روستای سرخول از توابع بانه نیز از لوث وجود عناصر ضدانقلابی پاک‌سازی شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این عملیات حداقل ۳ تن از ضدانقلابیون به هلاکت رسیدند و یکی از اهالی متعهد آن روستا که مدتی مظلومانه در چنگال عناصر ضدانقلابی اسیر بود، آزاد شد.[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۹۰ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تجاوز هواپیماهای دشمن به دهلران**

امضا:

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی:

هواپیماهای مهاجم ارتش بعثی صهیونیستی عراق در ساعت ۱۰ بامداد دیروز شهر مقاوم دهلران را به وسیلهٔ بمب‌های آتش‌زا مورد حمله قرار دادند که در نتیجه منجر به آتش‌سوزی در شهر و به بار آوردن خساراتی گردید.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از دهلران ارتش جنایتکار صدام در ساعت ۱۲ دیروز مجدداً توسط جنگنده‌های خود منطقهٔ دهلران را مورد حمله قرار داد که بر اثر این عمل ددمنشانه خساراتی به عشایر چادرنشین این منطقه وارد شد و بیش از ۴ رأس دام تلف شدند.

بر اساس این گزارش هواپیماهای متجاوز عراق صبح دیروز در ۲ نوبت حریم فضایی شهر مقاوم دهلران را مورد تجاوز خود قرار دادند که قبل از هرگونه اقدامی با آتش شدید پدافندهای هوایی مستقر در منطقه مواجه و متواری گشتند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۹۱** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **انهدام ۵ سنگر انفرادی و اجتماعی صدامیان با اجرای آتش رزمندگان اسلام**

امضا:

سنندج:

به گزارش واحد مرکزی خبر ظرف ۲۴ ساعت گذشته بر اثر اجرای آتش دقیق و مؤثر توپخانهٔ رزمندگان غیور و کفرستیز اسلام روی مواضع و استحکامات صدام تکریتی در مناطق پنجوین و ارتفاعات طویله و هفت‌توانان، ضمن خاموش نمودن آتش توپخانهٔ دشمن، تعداد ۵ سنگر انفرادی و اجتماعی مزدوران کافر منهدم و تلفات و خسارات فراوانی به آنها وارد آمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۹۲** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **گزارش از جبهه‌های آبادان**

امضا:

آبادان:

طی ۲۴ ساعت گذشته در اثر آتش سلاح‌های سنگین نیروهای صدام صهیونیست بر روی مناطق مسکونی آبادان ۳ تن از هموطنان مسلمانمان مجروح و ۲ باب خانهٔ مسکونی و ۱ فروشگاه تخریب و خساراتی [به آنها] وارد شد.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۹۳ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پاک‌سازی ۳ روستا در محور مهاباد- میاندوآب**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهاباد**

مهاباد:

به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از **روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهاباد** طی عملیات مشترکی که با شرکت **برادران سپاه و بسیج شهرستان‌های مهاباد و میاندوآب** انجام شد، ۳روستا به نام‌های قلقله، خطایی و گرده‌رش در محور مهاباد- میاندوآب که از پایگاه‌های مهم گروهک کومله بود، از لوث وجود ضدانقلابیون پاک‌سازی شد.

در این عملیات بیش از ۵۰ نفر از ضدانقلابیون‌کشته و تعداد زیادی زخمی شدند.

همچنین ۱۵ نفر از آنان به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

این گزارش حاکیست که طی این عملیات ۲ دستگاه جیپ، ۱ قبضه کالیبر ۵۰ و تعداد زیادی سلاح به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۹۴** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کشف مین ضد تانک**

امضا:

ارومیه:

۱ مین ضدتانک‌که به وسیلهٔ ضدانقلابیون در جادهٔ پایگاه قله ماران نقده‌کارگذاشته شده بود، دیروز توسط **پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در پایگاه مذکور** کشف وخنثی شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۹۵** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عملیات غیورمردان برای آزادی ۱ روستایی اسیرو هلاکت ۳ نفر از اشرار مسلح**

امضا:

سنندج:

به گزارش واحد مرکزی خبر غیورمردان سلحشور جمهوری اسلامی ایران طی یک عملیات هماهنگ در تاریخ ۶۱/۷/۲۷ در روستای سرقل از توابع بانه موفق شدند ضمن آزادکردن ۱نفر از روستاییان از چنگال این دژخیمان جنایتکار، ۳ نفر از اشرار مسلح غیرقانونی وابسته به استکبار جهانی را به هلاکت برسانند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۹۶** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **پناهندگی و بازگشت به دامن اسلام**

امضا: **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه**

ارومیه:

یکی از عناصر فریب‌خوردهٔ ضدانقلاب که به ماهیت کثیف گروهک‌ها پی برده بود، با اظهار ندامت و پشیمانی از اعمال گذشته، خود را به **سپاه پاسداران انقلاب بانه** معرفی کرد و به آغوش اسلام بازگشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی وی ۱ قبضه اسلحهٔ برنو نیز تحویل سپاه پاسداران داد.[۱]

ارومیه:

۳ نفر دیگر از مردم تحت ستم رژیم بعثی- صهیونیستی حاکم بر عراق موفق به فرار از این کشور شدند. این ۳ نفر که معلم، مهندس و تایپیست هستند، خود را به **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه** معرفی و تقاضای پناهندگی کردند.

این ۳ تن که مسیحی و از اهالی سلیمانیه هستند، اعلام داشتند:

- رژیم بعثی- صهیونیستی قصد اعزام آنها به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را داشت، ولی

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۹

آنها برای پرهیز از رویارویی با لشگریان حق از این امر خودداری کرده و به جمهوری اسلامی پناه آوردند.

به گزارش **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه** علاوه بر این۳ نفر، ۲ تن دیگر نیز به نام‌های اسحاق عزیز ابراهیم و علی مهدی حسین از یکی از مرزهای غربی گذشته و ضمن معرفی خود به سپاه از جمهوری اسلامی تقاضای پناهندگی کردند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۳۹۷** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **جلوگیری از خسارات احتمالی سیل در زاهدان توسط سپاه پاسداران**

امضا: **فرماندار شهرستان زاهدان**

زاهدان:

با هوشیاری **برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** و نیز اقدام به موقع مسئولین، از وارد شدن خسارت‌های ناشی از سیل در زاهدان جلوگیری شد.

فرماندار شهرستان زاهدان در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در مورد جریان سیل اخیر زاهدان گفت:

– در اثر بارندگی نسبتاً شدید پریشب و جاری شدن سیل در مناطق گوربند، شوره‌گز و تله سیاه از توابع زاهدان، سیل پس از وارد کردن خساراتی به چند کورهٔ آجرپزی، در منطقهٔ تله سیاه وارد زاهدان شد که با همکاری به موقع مردم و مسئولین و نهادهای انقلاب اسلامی، مسیر جریان آب باز و از خسارت‌های احتمالی جلوگیری شد.[۱]

۱– روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۹۸ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اعزام به جبهه**

امضا:

فیروزآباد شهر ری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

برای ادامهٔ مبارزه خستگی‌ناپذیر امت حزب‌الله علیه کفار بعثی و حضور مداوم در جبهه‌ها تعداد ۱۲۰ نفر از برادران بسیج شهر ری از محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جبهه اعزام شدند.

این برادران پس از شرکت در مراسم نماز جمعه و رفتن بر سر مزار شهدا و تجدید میثاق با شهدای جنگ و انقلاب اسلامی و نوحه‌خوانی و سینه‌زنی، عازم جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شدند.[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۳۹۹ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **کمک‌پشت جبهه به جبهه‌های جنگ تحمیلی**

امضا:

کمک‌های پشت‌جبههٔ کارگران به جبهه‌های جنگ تحمیلی

اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم

(امام خمینی)

در ادامهٔ جنگ تحمیلی و در حالی‌که سلحشوران سپاه اسلام هر روز بر دشمن کافر ضربه‌ای مهلک‌تر وارد می‌کنند و می‌روند تا آخرین ضربه‌ها را بر پیکر نحیف استکبار جهانی وارد سازند، امت شهیدپرور و قهرمان ما نیز با ایثار و نثار جان‌های خویش همچون زمان صدر اسلام، امام امت را یاری می‌کنند.

در این رابطه کارگران مسلمان و متعهد کشورمان نیز که همچنان مستحکم و پرتوان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حضور داشته و دارند، در پشت جبهه نیز در سنگر تولید و اقتصاد با تلاشی چشمگیر به نبرد بی‌امان خود با امپریالیست‌های شرق و غرب ادامه می‌دهند.

کارگران شریف و مبارز و مسلمان برای یاری رزمندگان از کمک‌های مادی نیز دریغ نکرده‌اند و هر روزه شاهد سیل این کمک‌ها می‌باشیم که گوشه‌ای از این کمک‌ها عبارتند از:

کارکنان کارخانهٔ سوپررنگ مبلغ ۳۹۰۰۰۰ ریال و اعزام ۴ تن از برادران به جبهه‌های نبرد، کارکنان شرکت پلاسکار رنگ پیکو مبلغ ۱۰۴۰۲۰ریال و ارسال ۲ عدد موتور برق و عیادت

از مجروحین جنگی، کارکنان شرکت جنرال مبلغ ۱۳۶۴۰۹۱ ریال، کارکنان کارخانهٔ پمپیران دیدار از مجروحین جنگی و اضافه کار به نفع جنگ‌زدگان، کارکنان پیستون‌سازی اضافه کاری به نام شیفت انقلاب به مدت ۱۰ روز، کارکنان شرکت بن‌بن حقیقت پرداخت ۱ روز حقوق، کارکنان شرکت صنعتی مهندس علیزاده پرداخت دستمزد اضافه‌کاری و گرفتن روزهٔ سیاسی، کارکنان شرکت شکلات‌سازی سلیمان‌زاده گرفتن روزهٔ سیاسی و اضافه‌کاری و پرداخت ۱ روز حقوق و ارسال ۵۰۰ کیلو تافی به جبههٔ جنگ، کارکنان شرکت فرد آذربایجان اعزام ۱۰ نفر از کارگران به جبهه‌های جنگ و گرفتن روزهٔ سیاسی، کارکنان مشمع... پرداخت ۱ روز حقوق و اضافه‌کاری و تعویض کلیهٔ مشمع‌های تخت بیمارستانی، کارکنان کارخانجات کبریت‌سازی ممتاز وستاژ نئوپان اعزام نیرو به جبهه ۲۰ نفر و واریز مبلغ ۶۰ هزار تومان و راه‌اندازی شیفت انقلاب، کارکنان کارخانهٔ سیمکات پرداخت وجه نقد و ۱ روز اضافه‌کاری، کارگران کارخانهٔ گچ آذربایجان پرداخت مبلغ ۱۸۹۴۱۴ ریال، کارکنان کارخانهٔ تراکتورسازی ارسال بیش از ۱۵ تن سیب و ۲۱۵ تن گلابی، کارکنان کارخانهٔ بلبرینگ‌سازی پرداخت مبلغی حدود ۸۰۰۰۰ ریال در هر ماه و ارسال مقداری حبوبات و خواروبار به جبهه‌های جنگ، کارکنان کارخانهٔ نختاب فیروزان ارسال حدود ۳ هزارکیلو سیب و گلابی به جبهه‌ها و اضافه‌کاری در کارخانه، کارکنان شرکت گچ گروس پرداخت مبلغ ۲۴۰۰۰۰ ریال، کارکنان شرکت بافندگی اطلس پرداخت ۱ روز حقوق، کارکنان شرکت آجر ماشینی آذربایجان پرداخت مبلغ ۱۴۸۰۰۰ ریال و اعزام تعداد ۵ نفر به جبهه، کارکنان شرکت ملی آذرین پرداخت ۱ روز حقوق، کارکنان چرم‌سازی خسروی پرداخت مبلغ ۹۷۰۰۰ ریال، کارکنان شرکت فورمیکاسازی پرداخت ۱ روز حقوق و اضافه‌کاری، کارکنان شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان مبلغ ۷۸۰۸۷۴۵ ریال و اعزام ۵۵۷ نفر به جبهه‌های جنگ طی جنگ تحمیلی، کارخانجات ایران ناسیونال طی شهریورماه ۶۱ مبلغ ۴۸۷۴۹۵۹ ریال.

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

به گزارش **روابط عمومی استانداری مازندران** به دنبال اعلام بازسازی شهر سوسنگرد از طرف ائمهٔ جمعهٔ شهرستان‌ها و همیاری مردم شهیدپرور استان مازندران طی ۱۰ روز گذشته کمک‌های زیر از طرف مسئول ستاد بازسازی استان بدین شرح اعلام و به سوسنگرد حمل شد:

گچ ۳ کامیون، تیرآهن نمرهٔ ۱۲ (۴۵) تن، نبشی نمره ۶ (۵) تن، تانکر آب ۹ هزار لیتری یک دستگاه، تانکر (۴۰۰۰) لیتری ۲ دستگاه - پمپ آب ۱ دستگاه، دامپر ۱ دستگاه،

کمپرسی ۱۵ دستگاه، روغن موتور ماشین ۲۵ بشکه، آرد ۱۶ تن، نیروی انسانی جهت بازسازی مخابرات ۷ نفر، ۷۵ نفر نیروی انسانی از شهرهای بندرترکمن، نکا، ساری، بابل، آمل، نوشهر، وسایل نقشه‌کشی و میز نقشه‌کشی کامل، ۱۰۰ جفت کفش کار، ابزار جوشکاری، ابزار بنایی، همچنین از سوی کارکنان ادارهٔ قند و شکر استان مبلغ (۲۰۹۹۰) ریال شرکت چوب فرین (۱۱۰۶۰۴۲) ریال، نکاچوب (۳۴۳۴۰۷۰) ریال، بانک رفاه کارگران ساری (۹۵۰۰) ریال، سازمان تأمین اجتماعی قائم‌شهر (۲۶۱۲۷) ریال، سازمان تأمین اجتماعی بابلسر (۲۶۱۲۷) ریال، کارکنان زمین شهری (۲۶۰۰۰) ریال، کارکنان بانک مسکن (۲۱۸۰۰) ریال، دادستانی انقلاب اسلامی ساری (۲۰۰۰۰) ریال، بهزیستی استان (۱۰۸۳۲) ریال، کارگران خوش‌نوش ساری (۲۹۳۳۵۰) ریال، ارشاد اسلامی دشت گرگان(۱۸۱۰۰) ریال، بانک کشاورزی مازندران و گرگان (۱۸۳۱۶۱) ریال، پست استان (۸۳۹۵۰) ریال، شهرداری علی‌آباد (۴۷۱۶۲) ریال.

مشهد، خبرنگار جمهوری اسلامی:

طی چند هفته گذشته از طرف مردم مسلمان روستای عبدل‌آباد فیض‌آباد مبلغ (۳۹۰۰۰۰) ریال وجه نقد، ۱۷ رأس گوسفند، ۱ جفت گوشواره، ۱۴۶ سکهٔ نقره و اهالی روستای احمدآباد فیض‌آباد مبلغ (۹۵۰۰۰) ریال وجه نقد جمع‌آوری و به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ارسال شد.

ساری، خبرنگار جمهوری اسلامی:

کمک‌های دانش‌آموزان حزب‌الله مدارس و کارکنان ادارات ساری به جبهه‌ها ادامه دارد.

از سوی مدرسهٔ راهنمایی شهید منافی مبلغ ۶۲۰۰ ریال، کارکنان و دانش‌آموزان مدرسهٔ راهنمایی عصمت ۲۸۶۰۰۰ ریال، دانش‌آموزان مدرسهٔ صادقیه ۸۰۰۰ ریال، دانش آموزان مدرسهٔ دکتر چمران ۷۱۰۰ ریال، مدرسهٔ شریعت ۵۶۳۰ ریال، دبستان آیتی ۴۷۶۰ ریال، اهالی داراب‌کلا به وسیلهٔ انجمن اسلامی ۷۹۲۵۰ ریال، دبستان شهید رضادوست ۳۵۰۰ ریال، انجمن اسلامی دبیرستان غفاری ۳۷۰۰ ریال، اختصاص به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل دادند.

ضمناً از سوی توابین بند ۵ زندان ساری مبلغ ۲۵۲۰۰ ریال، توابین بند ۳ زندان عادی ساری ۹۰۰۰ ریال، توابین بند ۲ زندان عادی ۶۰۰ ریال، توابین بند ۴ نادمین ۳۳۰۰ ریال، توابین بند ۶، ۱۰۰۰۰۰ ریال، بند ۱ عادی زندان ۵۴۰۰ ریال، کمک نمودند.

همچنین از سوی کارکنان ثبت منطقهٔ ۳ مازندران مبلغ ۲۴۲۰۰۰ ریال، کارکنان شهرداری ساری مبلغ ۴۱۷۳۶۵ ریال، اهالی فیروزکندهٔ وسطی مبلغ ۴۲۰۰۰ ریال، انجمن اسلامی

آب‌بندان سر و قریهٔ مجاور مبلغ ۲۶۹۶۰۰ ریال، نمازگزاران جمعه مبلغ ۹۷۹۶۵ ریال جمع‌آوری و به جبهه‌های نبرد اختصاص دادند.

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

توسط کارکنان بیمارستان شهید سیدمصطفی خمینی مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال جهت کمک به جبهه‌های جنگ به شمارهٔ حساب مخصوص جهاد سازندگی طبس واریز گردید.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۰ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **تشییع پیکر پاک شهدا در چند شهر کشور**

امضا:

تربت‌حیدریه، خبرنگار جمهوری اسلامی:

در دومین روز از ماه محرم‌الحرام ماه پیروزی خون بر شمشیر، پیکر پاک ۳ تن از شهدای اسلام به اسامی عیسی لطفی، محمود صالحی و محمد کارگزار که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بودند، بر روی دوش امت حزب‌الله و نیروهای نظامی و انتظامی و بازاریان این شهرستان با شکوه خاصی از چهارراه شهید تشییع شد.

در این مراسم وصیت‌نامهٔ **پاسدار شهید محمود صالحی** که بیش از چند روز از ازدواجش نمی‌گذشت، قرائت گردید.

آنگاه مسئول بخش سیاسی ایدئولوژی پادگان قائم این شهرستان سخنانی پیرامون جهاد و شهادت ایراد نمود. در پایان پیکر شهدا به بهشت عسگری این شهرستان منتقل گردید.

اهر، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر پاک شهید محمود فتحی با حضور یکپارچهٔ امت حزب‌الله شهرستان اهر و حجت‌الاسلام آل‌محمد نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اهر در زیر باران تشییع و در قطعهٔ شهدای این شهرستان به خاک سپرده شد.

رشت، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکرهای پاک ۷ تن از شهدای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که به دست مزدوران بعثی به شهادت رسیده بودند با شرکت انبوه امت حزب‌الله از مقابل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رشت تا خیابان شهدای ذهاب این شهر تشییع و پس از گزاردن نماز بر بالین آنها و اجرای مراسم نظامی جنازه‌های شهدا به خاک سپرده شد.

چابکسر، خبرنگار جمهوری اسلامی

پیکر پاک برادر شهید فریدون علیجانی که در مصاف با کافران بعثی در عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل به شهادت رسیده بود، بر دوش امت حزب‌الله چابکسر و حومه از بیمارستان دکتر شریعتی رامسر تشییع و به زادگاهش انتقال یافت و به خاک سپرده شد.

زنجان، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پریروز پیکرهای مطهر ۲ تن از رهروان راه حسین‌بن علی(ع) به اسامی آموزگار شهید ایرج ستاریان و **پاسدار شهید عباس رستمی** که در رویارویی با نوکران داخلی آمریکای خون‌خوار در منطقهٔ کردستان به فیض شهادت نایل آمده بودند، با شرکت هزاران تن از دانش‌آموزان مدارس مختلف و جمعی از معلمین و دیگر اقشار مختلف مردم حزب‌الله و شهیدپرور زنجان با شعارهایی چون:

پیـام خـون شـهـدا جنگ جنگ تا پیروزی

محرم ماه خـون است صدام سـرنگون است

مرگ بر آمریکا

مرگ بر شوروی

مرگ بر اسرائیل

از مقابل مسجد جامع این شهر تا قبرستان بالا تشییع و پس از مراسم نوحه‌خوانی در کنار دیگر گلگون‌کفنان اسلام به خاک سپرده شدند.

کرج، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر مطهر برادر رزمنده شهیدحسین نورمحمدی که در نبرد با کفر صدامی به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بود، از مسجد جامع کرج با حضور امت حزب‌الله تا میدان شهدا تشییع و

سپس امام جمعهٔ کرج بر بالین این شهید نماز خواند. آنگاه به امامزاده محمد انتقال یافت و به خاک سپرده شد.

طبس، خبرنگار جمهوری اسلامی:

پیکر **شهید علی وفائی عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طبس** که در تاریخ ۶۱/۷/۲۲ در منطقهٔ عملیاتی غرب به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمده بود، از مقابل مسجد صاحب‌الزمان با شعارهای کوبندهٔ:

مرگ بر آمریکا

تشییع و در محل امامزاده حسین‌بن موسی کاظم به خاک سپرده شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۱ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم هفتمین روز شهادت چهارمین شهید محراب و یادبود شهدای عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل**

امضا: **روابط عمومی سپاه پاسداران منطقهٔ ۱۰ کشور**

سرویس خبری:

این اطلاعیه از سوی **روابط عمومی سپاه پاسداران منطقهٔ ۱۰ کشور** منتشر شد:

بسمه تعالی

سلام و درود بر حسین(ع) سرور شهیدان و سلام بر اصحاب و یاران حسین(ع)، این یاری کنندگان دین حق و حجت خدا و سلام و درود بر شهدای اسلام از کربلای حسین(ع) تا کربلای ایران و از محراب مسجد کوفه تا محراب خونین نماز جمعهٔ باختران.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن عرض تبریک و تسلیت مجدد به حضور امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی جهت **بزرگداشت هفتمین روز شهادت چهارمین شهید محراب حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی و یادبود شهدای ایثارگر همیشه جاوید عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل**، ضمن برگزاری مراسم معمول هفتگی در گورستان شهدای انقلاب اسلامی، برنامهٔ ویژه‌ای از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر امروز (پنجشنبه ۶۱/۷/۲۹) برگزار خواهد کرد. از امت همیشه در صحنه و شهیدپرور حزب‌الله دعوت به عمل می‌آید تا با شرکت در این مراسم ضمن تجدید میثاق با شهیدان، جهت سلامتی و طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام دست به دعا و نیایش بردارند.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقهٔ ۱۰ کشور[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۲ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم هفتمین روز شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی در باختران**

امضا:

به گزارش **خبرنگار واحد مرکزی خبر از باختران** در رابطه با فرا رسیدن هفتمین روز شهادت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی‌اصفهانی از سوی جامعهٔ روحانیت مبارز، شورای هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی استان باختران و ستاد برگزاری مراسم شهادت چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی اطلاعیه‌ای به این شرح منتشر شد:

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت‌الله اشرفی از آن شخصیت‌هایی بود که اینجانب

یکی از ارادتمندان این شخص والامقام بوده و هستم.

(امام خمینی)

إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُون[1]

بازگشت همه به سوی خداست و ما هرچه داریم از اوست و اکنون اسلام به این شهیدان و شهیدپروران افتخار می‌کند و با سرافرازی همهٔ مردم را دعوت به پایداری می‌نماید.

امت اسلام مصمم است که همانند این شهیدان روزی به لقاءاش برسد و این جان که از اوست، تسلیم وی کند.

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۵۶

ملت شهیدپرور و روحانیون گرامی هم محکم و استوار ایستاده‌اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد، سردار دیگری آن را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلام به کوشش برخیزد.

باری، ملتی که برای اقامهٔ عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است و خود را برای شهادت و شهید دادن آماده کرده، به خود باکی راه نمی‌دهد که دست جنایت ابرقدرت‌ها از آستین مشتی جنایتکار حرفه‌ای بیرون آید و عزیزان راستینش را به شهادت برساند و این کوردلان با آن‌که دیده‌اند با به شهادت رساندن شخصیت‌های بزرگ صفوف فداکاران در راه اسلام و عزم آنان مصمم‌تر می‌شود، می‌خواهند با به شهات رساندن آن، ملت فداکار و قهرمان را از صحنه بیرون کشانند. اما زهی خیال باطل و بی‌شرمی که این عزیزان به آرزوی دیرینه‌شان می‌رسند و ملت عظیم هم راه خود را پیدا کرده است.

گوارا باد شربت شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی و خصوصاً شهیدان محراب و بالاخص چهارمین شهید حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی.

در همین رابطه روز پنج‌شنبه ۲۹ مهرماه (امروز) به مناسبت گرامیداشت هفته، روز شهادت این شاهد شهید از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در مسجد آیت‌الله بروجردی به سوگ می‌نشینیم و مقامش را ارج می‌نهیم.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۳ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ■ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **برگزاری مراسم شهدا**

امضا:

بسمه تعالی

إِنَّ اللهَ اشْتَرى مِنَ الْمُؤْمِنينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّة[1]

هر قطره خون شهید،

چهرهٔ انقلابمان را روشن‌تر می‌کند.

(آیت‌الله منتظری)

کربلای ایران هر روز شاهد پرپر شدن لاله‌ای و ریختن خونی بر پهندشت جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است و جبهه‌های خون و شرف میهن اسلامی‌مان که از ایثار رزمندگان پاکباختهٔ اسلام حماسه‌ها دارد، این بار شاهد به خون غلتیدن شهیدی دیگر از خیل عاشقان مکتب سالار شهیدان بود.

به مناسبت هفتمین روز شهادت غرورآفرین **مصطفی کاظم‌زاده** روز جمعه ۶۱/۷/۳۰ مراسمی بر سر مزار آن شهید در بهشت زهرا برگزار می‌گردد.

ضمناً وسیلهٔ ایاب و ذهاب از درب منزل شهید واقع در چهارراه سی‌متری نارمک، جنب شورای روحانیت منطقهٔ ۱۱ آمادهٔ حرکت می‌باشد.

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱

بسم رب الشهدا والصدیقین

اَلْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُّیُوفِ[۱]

بهشت زیر سایهٔ شمشیرهاست

رسول اکرم(ص)

به مناسبت شهادت **پاسدار شهید محمدرضا شرافت‌پیما** شهید شاهدی که با نثار خون خود نهال انقلابمان را آبیاری نمود و عاشقانه به سوی محبوب و معبود خویش شتافت و درس ایثار و فداکاری و صبر و استقامت را به یارانش آموخت، مجلس ختمی روز جمعه ۶۱/۷/۳۰ از ساعت ۳ الی۵ بعد از ظهر در مسجد اقصی واقع در خیابان مولوی، ایستگاه سعادت، کوچهٔ شهید کربلایی امیر منعقد می‌گردد.[۲]

۱- نهج‌الفصاحه، ج ۵۷۶.

۲- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۴ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **زندگی‌نامه**

موضوع: **آشنایی با زندگی ۱ شهید**

امضا: **شهید حمید بهنیان**

زندگی‌نامهٔ پاسدار شهید حمید بهنیان

پاسدار شهید حمید بهنیان شهیدی پاک و مؤمن که با ازجان‌گذشتگی و ایثار خون گرمش سرانجام از بوتهٔ آزمایش الهی پیروز و سرافراز بیرون آمد و به سوی معشوق و معبود خویش شتافت.

متن زیر قسمتی از زندگی‌نامهٔ پاسدار شهید حمید بهنیان می‌باشد.

بسم الله الرحمن الرحیم

وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فی سَبیلِ اللّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْیاءٌ وَ لکِنْ لا تَشْعُرُون[1]

(و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید؛

بلکه آنها زنده‌اند، ولی شما درک نمی‌کنید).

سخن از شهیدی پاک و مؤمن از شهر شهیدپرور تبریز است که با یاد خدا و در راه او هجرت کرد.

شهید حمید بهنیان در سال ۱۳۴۲ در تبریز در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود.

در زمانی که فسق و فجور همانند اژدهایی بس خطرناک جوانان را به کام خود می‌بلعید، حمید از همان اوان نوجوانی به مکتبی پا گذاشت که کمتر کسانی می‌توانستند در آن محیط

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۵۴

انتخابش نموده و به راهش مستدام بمانند.

حمید در نوجوانی از کلاس‌های قرآن و نهج‌البلاغه عقب نمانده و در سن ۱۴ سالگی اولین مقام را در خواندن قرآن و حفظ حدیث در مساجد محل به دست آورد و به منظور تشویق به قم اعزام شد. در همین ایام ضمن فعالیت‌های اسلامی از تحصیل غافل نبوده و همه‌ساله با اخذ نمرات عالی استعداد خویش را در تحصیلات مدرسه‌ای بروز می‌داد.

نوجوانی‌اش زمانی بود که جرقهٔ انقلاب اسلامی در تاریکی جامعهٔ سپاه شاهی دل مشتاقان خدا را شعله‌ور نمود و قلب شهید عزیزمان نیز شعله‌ور گشت و سوخت و گداخت و گرمای این سوز منشأش عشق به خدا بود و رسیدن به این عشق راهی جز شهادت در راه معشوق نبود.

مدرسهٔ این درس را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که معلمش را امام خمینی قلب تپندهٔ توده‌های مستضعف می‌دانست، درس شهادت را فرا گرفت و سرانجام در کربلای غرب ایران (سومار) با موفقیت امتحان داده و به معشوق پیوست. حمید شکوفائی نوجوانی‌اش در زمان انقلاب بود که شرکت در تظاهرات و تبلیغات ضدشاهی از فعالیت‌های کوچک آن به شمار می‌رفت. بعد از انقلاب فعالیت‌های چشمگیری را در نهادهای انقلابی تبریز در جهت مقابله با ضدانقلاب شروع کرد.

در سال ۱۳۵۸ جهت حفظ و تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی به عضویت سپاه درآمد و با قلبی پرشور و عشق و ایمان برای دفاع از اسلام و میهن، فعالیت تازهٔ خود را با الهام از رهنمودهای امام بزرگوار با جلوه‌ای افزون‌تر از قبل آغاز نمود. در همین ایام ضمن ارتباط مستمر با حزب جمهوری اسلامی در نشر و تبلیغ فرهنگ اسلامی در تبریز شدیداً کوشید و سرانجام با تجاوز رژیم بعثی، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی نظامی خود را به عمق جبهه‌ها کشاند و برای مقابله با بعثیون کافر به جبهه‌ها رفت.

در عملیات مطلع‌الفجر حمید ضمن جانبازی و حماسه‌آفرینی بسیار که بنا به اظهارات همرزمانش **یکی از افتخارات سپاه تبریز** به شمار می‌رفت، زخمی شده و بستری می‌گردد. تا این که در ادامهٔ راه **در عملیات ظفرمندانهٔ مسلم‌بن عقیل به درجهٔ رفیع شهادت که همانا آرزوی قلبی‌اش بود، رسید** و به قول آیت‌الله شهید مطهری **شمع محفل بشریت** شد.

خود سوخت و راه را بر رهروانش روشن ساخت.

جا دارد امت حزب‌الله خصوصاً حزب‌الله تبریز با ادامهٔ راه آن شهید که همانا رفتن به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است، ادامه داده تا روح حمید و تمامی شهدای به خون خفتهٔ انقلاب اسلامی‌مان را شاد نمایند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: **۴۰۵** تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار وزیر خارجهٔ ترکیه از بهشت‌زهرا**

امضا:

ایلتر ترکمن وزیر امور خارجهٔ ترکیه که جهت انجام دیداری از ایران و گسترش روابط ۲کشور به تهران آمده است، صبح دیروز بر **مزار شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در لاله‌زار بهشت‌زهرا** حضور یافت و **نسبت به مقام شامخ آنان ادای احترام کرد.**[۱]

۱- روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۶ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اقدامات آمریکا و رژیم‌های مرتجع عرب برای الحاق صدام به کمپ‌دیوید دوم**

امضا: **رسانه‌های منطقه**

یک مقام مسئول رژیم سودان دیروز فاش ساخت که به احتمال زیاد رژیم عراق در آیندهٔ نزدیک به **پیمان امنیتی مصر و سودان** خواهد پیوست.

این احتمال به دنبال **مانور نمیری در مورد اعزام نیروی نظامی به عراق جهت شرکت در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب روابط بین ۲ رژیم سودان و عراق و تحت عنوان همکاری‌های عربی** پیش‌بینی می‌شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از دمشق **روزنامه‌های دیروز سوریه** ضمن انتشار خبر فوق در صدر صفحات اول خود به نقل از خبرگزاری‌ها افزودند:

دیدار معاون نمیری از عراق و مذاکرات وی با صدام جزیی از فعالیت‌های آمریکا علیه نهضت اسلامی در منطقه است، به خصوص پس از این‌که دولت ریگان در چارچوب ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران و مقاومت فلسطین، رژیم سودان را به جلوگیری از سقوط صدام در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران تشویق کرد.

به نوشتهٔ این مطبوعات **رژیم مصر در اجرای اهداف آمریکا نقش مؤثری داشته و آمریکا نیز متقابلاً در باز گذاشتن دروازه‌های عراق – سودان و اردن بر روی مبارک و الحاق عراق به کمپ‌دیوید جدید پس از امضای شاه حسین بر مفاد آن کمک زیادی می‌کند.**

روزنامه‌های سوریه اضافه کردند:

آمریکا سخت مشغول تهیــه و تکمیــل طــرح کمپ‌دیوید دوم است. زیرا موافقت مشترک اسرائیل و شاه حسین و برخی از رژیم‌های مرتجع عرب را برای همکاری با توطئهٔ جدید جلب کرده و همچنین ورود شاه حسین به عنوان یک طرف جدید به کمپ‌دیوید را بلامانع ساخته است.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۷ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **دیدار یاسر عرفات با امین جمایل و شاه فهد**

امضا: **رسانه‌های جهانی**

عرفات به زودی با امین جمایل رئیس جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان

دیدار خواهد کرد!

رویتر از جده گزارش داد:

فهد شاه عربستان سعودی دیروز با **یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین** که از این کشور دیدن می‌کند، دیدار و گفتگو کرد.

خبرگزاری رسمی دربار سعودی که این گزارش را مخابره کرده، افزود:

سلطان بن‌عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان و نمایندهٔ سازمان آزادی‌بخش فلسطین در این کشور نیز در این مذاکرات شرکت داشتند.

بر اساس گزارش **خبرگزاری فرانسه** یاسر عرفات رئیس کمیتهٔ اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین روز سه‌شنبه از دوحه وارد جده شد.

یادآوری می‌شود دیدار عرفات از دربار سعودی در چهارچوب گردش او در کشورهای عربی خلیج فارس صورت می‌گیرد. وی قبلاً از کویت و قطر دیدن کرده بود.

خبرگزاری دربار سعودی گفت:

عرفات به هنگام ورود مورد استقبال **شاهزاده مجید بن عبدالعزیز فرماندار مکه و رفیق النتشه**

نمایندهٔ سازمان آزادی‌بخش فلسطین در عربستان قرار گرفت.

دیدار آیندهٔ عرفات و جمایل!

در همین حال **آسوشیتدپرس از کویت** گزارش داد:

– به نوشتهٔ **روزنامهٔ الوطن چاپ کویت** یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین و امین جمایل رئیس جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان قرار است در آیندهٔ نزدیکی در یک پایتخت عربی با یکدیگر ملاقات کنند و راه‌های هماهنگ کردن روابط فلسطینی‌ها و لبنان را جستجو نمایند!

این روزنامه به نقل از منابع ناشناس خاطرنشان کرد:

ترتیباتی از جانب یک فرستادهٔ جمایل و مقامات بلندپایهٔ فلسطینی دربارهٔ این دیدار در حال انجام است.

در همین حال عرفات، ارتش لبنان را به اعمال زور علیه غیرنظامیان فلسطین و لبنانی متهم ساخت.

وی که در برابر جمعیتی بالغ بر ۳۰۰۰ تن در دوحه پایتخت قطر سخنرانی می‌کرد، افزود:

– وی فرستادگانی به لبنان گسیل داشته است تا به امین جمایل و نخست‌وزیر این کشور بگویند که برای ارتش لبنان مناسب نیست به راهی ادامه دهند که ارتش اسرائیل آغازگر آن بوده است.

عرفات افزود:

– شکیبایی هم حدی دارد! و آنان باید بدانند که کسانی که علیه اسرائیل و آمریکا جنگیده‌اند، می‌توانند در برابرشان بایستند.[1]

۱– روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۸ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **عزیمت وزیر خارجهٔ سوریه به واشنگتن**

برای رایزنی در مورد طرح کشورهای عربی

امضا:

به گزارش خبرگزاری‌ها از دمشق **عبدالحلیم خدام معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجهٔ سوریه** بامداد دیروز از دمشق با هواپیما رهسپار واشنگتن شد.

لازم به یادآوری است وزیر امور خارجهٔ سوریه عضو **کمیتهٔ ۷ گانه** با عضویت **سوریه، عربستان، مراکش، اردن، تونس، الجزایر و سازمان آزادی‌بخش فلسطین** است که از سوی کنفرانس سران کشورهای عرب در فاس مراکش مأمور شده‌اند تا **طرح کشورهای عرب را به ۵ کشور عضو دایمی شورای امنیت سازمان ملل** تشریح کنند.

اعضای این کمیته قرار است روز جمعه در واشنگتن با ریگان ملاقات کنند.

این هیأت بعداً برای ملاقات با **خاویرپرز دوکوئیار دبیرکل سازمان ملل** و نمایندگان ۵ کشور دایمی عضو شورای امنیت به نیویورک خواهد رفت.

طبق مندرجات **روزنامهٔ سوری تشرین** این هیأت حدود ۲ هفته در آمریکا به سر خواهد برد.

در همین حال **عرفات** در مصاحبه با **الشرق‌الاوسط** گفت:

– پس از آن‌که آمریکا از دادن روادید به فاروق قدومی رئیس بخش سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین خودداری کرد، خالد الحسن عضو کمیتهٔ مرکزی الفتح جایگزین وی شد.

عرفات افزود:

- خالد الحسن به خاطر داشتن تابعیت کویتی توانست روادید ورود به آمریکا را دریافت کند.

از سوی دیگر شاهزاده سعود الفیصل وزیر امور خارجهٔ دربار سعودی دیروز برای یک دیدار از آمریکا رهسپار واشنگتن شد.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۰۹ تاریخ صدور: ۲۹ مهر ۱۳۶۱

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ☐

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد: **گزارش خبری**

موضوع: **دخالت‌های آمریکا و کشورهای غربی در بحران لبنان با هماهنگی امین جمایل**

امضا: **رسانه‌ها و مقامات سیاسی**

در پایان دیدار جمایل از آمریکا، کاخ سفید وقیحانه اعلام کرد:

ریگان از حوادث اخیر لبنان و خاورمیانه خرسند است!

امین جمایل در میان تدابیر شدید امنیتی،

برای یک دیدار ۲۴ ساعته وارد پاریس شد.

به گزارش خبرگزاری‌ها از واشنگتن امین جمایل رئیس‌جمهور فالانژ لبنان پس از دیدار با مقامات آمریکایی رهسپار پاریس شد.

ریگان و امین جمایل رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان طی مذاکرات خود در واشنگتن در مورد توسعهٔ فعالیت‌های نیروی مداخله‌گر چندملیتی در لبنان به بحث و بررسی پرداختند.

جمایل پیشنهاد کرد سربازان آمریکـایی، فرانسـوی و ایتالیـایی می‌توانند از طریق توسعهٔ فعالیت‌های خود در ماورای بیروت به رژیم فالانژیست لبنان بیشتر کمک کنند.

یک مقام عالی‌رتبهٔ آمریکایی گفت:

- ریگان با دقت این پیشنهاد را مورد بررسی قرار می‌دهد، اما تأکید کرد وی علاقه‌ای به اعزام سربازان بیشتری به لبنان ندارد!

جمایل که اواخر شب چهارشنبه رهسپار پاریس شد، همچنین دربارهٔ چشم‌اندازهای

کمک اقتصادی و تسلیحاتی آمریکا به فالانژهای لبنان با ریگان مذاکره کرد.

ریگان گفت:

- جمایل می‌تواند روی کمک‌های آمریکا حساب کند.

پس از این ملاقات **یک مقام عالی‌رتبهٔ کاخ سفید** به خبرنگاران گفت:

- ریگان از دیدگاه جمایل از حوادث اخیر لبنان و خاورمیانه خرسند است!

جمایل در پاریس

امین جمایل رئیس‌جمهوری دست‌نشاندهٔ لبنان دیروز در میان اقدامات شدید امنیتی وارد پاریس شد و مورد استقبال **پیرموروا نخست‌وزیر فرانسه** قرار گرفت.

جمایل فالانژیست در پاریس با همتای فرانسوی خود **فرانسوا میتران** یک گفتگوی ۲جانبه خواهد داشت. آنگاه امین جمیل با چندین عضو دولت فرانسه از جمله **شارل هرنو وزیر جنگ** دیدار خواهد کرد. سپس رئیس‌جمهور دست‌نشاندهٔ لبنان طی یک مصاحبهٔ مطبوعاتی نتایج مذاکراتش را در پاریس عنوان خواهد کرد.

وی پنج‌شنبه صبح پاریس را به مقصد رم ترک خواهد کرد.

دیدار از رم آخرین مرحلهٔ نخستین سفر امین جمیل به خارجه است.

رئیس‌جمهور فالانژ لبنان همچنین به حضور **پاپ ژان پل دوم** پذیرفته خواهد شد.

لازم به تذکر است:

- پاپ بارها گفته است که وی برای پیروزی جمایل بر مخالفانش دعا می‌کند.

در صحنهٔ سیاسی لبنان، مسلمانان عمده‌ترین مخالفین امین جمایل و فالانژها محسوب می‌شوند.

در همین حال چند دیپلمات ۳ کشور شرکت‌کننده در نیروهای مداخله‌گر چندملیتی از زندانی که برای اشخاص توقیف‌شده توسط ارتش لبنان در نظر گرفته شده است، دیدن کردند.

این دیدار به خواستهٔ سفرای فرانسه، ایتالیا و آمریکا به هنگام عملیات خلع سلاح مسلمانان توسط ارتش لبنان در بخش مسلمان‌نشین بیروت در ۲ هفتهٔ پیش صورت گرفت.

اسد ژرمانوس دادستان کل ارتش لبنان در یک کنفرانس مطبوعاتی ادعا کرد:

فقط ۱۴۴۱ نفر طی این عملیات دستگیر شده‌اند. لکن این رقم شامل کسانی که توسط فالانژها به طور جداگانه دستگیر شده‌اند، نمی‌شود.

لازم به تذکر است فالانژها تا کنون بیش از ۱۸۰۰ تن از اعضای گروه‌های سیاسی رقیب و به خصوص مسلمانان را دستگیر کرده‌اند که از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

توافق مشترک

در این میان گفته شد که لبنان و اسرائیل موافقت کرده‌اند که سربازان ارتش لبنان و اسرائیل، مشترکاً صلح و امنیت را در منطقهٔ کوهستانی جنوب بیروت که تا کنون محل زدوخوردهای شدید میان مسلمانان دروزی چپ‌گرا و مسیحیان فالانژیست دست راستی بوده، برقرار کنند.

به موجب گزارش‌ها زدوخورد در منطقهٔ یادشده آخرین‌بار دست‌کم ۱۵ کشته برجای گذارده است.

هنوز معلوم نیست که سربازان ارتش لبنان چگونه و چه وقت به طور کامل در منطقهٔ کوهستانی جنوب بیروت مستقر خواهند شد.

اسرائیل دیروز اعلام کرده بود:

ارتش لبنان هنوز در وضعی نیست که بتواند کنترل جنوب بیروت را به طور کامل در اختیار بگیرد. لیکن **عسام خوری وزیر دفاع لبنان** گفته است:

- ارتش لبنان این آمادگی را دارد که فقط ظرف چند روز در منطقهٔ مورد نیاز مستقر شود.

سخنگوی ارتش اسرائیل گفت:

- نیروهای لبنانی هنوز فاقد پرسنل کافی و تانک و توپخانه برای حفاظت کامل از جنوب بیروت می‌باشند.[۱]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹

شماره: ۴۱۰ تاریخ صدور: **۲۹ مهر ۱۳۶۱**

نوع مطلب: پیام ☐ بیانیه ☐ اطلاعیه ☐ مصاحبه ☐ خبر ■

اطلاعیه، بیانیه و... مشترک ☐ دیگر موارد:

موضوع: **اولین دسته از هواپیماهای اف۵ آمریکایی از طریق سودان به صدام**

امضا:

سودان دیروز اولین دسته از هواپیماهای جت جنگندهٔ اف ۵ ساخت آمریکا را دریافت کرد.

به گزارش **یونایتدپرس از قاهره** تعداد هواپیماها ذکر نشده، ولی تحویل آنها شامل قسمتی از طرح مدرنیزه کردن نیروهای مسلح سودان است.

طبق گزارش **مؤسسهٔ مطالعات استراتژیک**، آمریکا موافقت کرده **۱۰ فروند هواپیمای اف۵ و ۲ فروند هواپیمای سی۱۳۰ حمل‌ونقل** به سودان تحویل دهد.

ناظران سیاسی معتقدند که **این محصولات از طریق سودان راهی بغداد خواهد شد تا در جنگ عراق علیه ایران به کار گرفته شود.**[1]

۱- روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۷/۲۹